



بیان معانی
قرآن کریم
بازبان فارسی



مرکز رواد ترجمه



موسسوة القرآن الکریم
QuranEnc.com



Fa25





بيان معاني

قرآن کریم

بازبان فارسی



مرکز رواد ترجمه



مؤسسه القرآن الکریم
QuranEnc.com

ح) جمعية خدمة المحتوى الإسلامي باللغات، 1446 هـ

جمعية خدمة المحتوى الإسلامي باللغات
بيان معاني القرآن الكريم - فارسي (مع النص). / جمعية خدمة
المحتوى الإسلامي - ط 1 .. - الرياض ، 1446 هـ
.... ص ؟ .. سم

رقم الإيداع: 1446 / 14248

ردمك: 1-87-8517-603-978

الطبعة الأولى ١٤٤٦ هـ - چاپ اول 1446 هجرى قمرى
للتحقق من التحديثات - براى بررسى بهروز سانيها



2025-02-17 - (V1.1.2)
للتواصل: info@quranenc.com

نحو توفير تفاسير وتراجم موثوقة لمعاني القرآن بلغات العالم



المقدمة

ما هو القرآن الكريم ؟

القرآن الكريم هو كلام الله رب العالمين وخالقهم، أنزله على خاتم الأنبياء والمرسلين محمد ﷺ ليبين للبشرية الغاية من خلقهم، ولهدايتهم إلى ما فيه سعادتهم في الدنيا والآخرة، وتخليصهم من الشقاء الأبدي بعد الموت، وهو آخر الكتب الإلهية نزولاً، مصداقاً لها، وناسخاً لشرائعها.

والقرآن الكريم آية ومعجزة أبدية، وهو دليل على نبوة رسول الله محمد ﷺ، تحدى الله الإنسان والجن على أن يأتوا بمثله بل ولو بسورة منه، فعجزوا عن ذلك.

لم تصل إليه يد التحريف والتبديل منذ نزوله قبل أكثر من ١٤٠٠ سنة، وسيبقى محفوظاً باللغة العربية التي نزل بها، حيث تكفل الله سبحانه وتعالى بحفظه إلى آخر الزمان.

والقرآن الكريم هو المصدر الرئيس للإسلام، والدستور الذي ينظم حياة البشر ويحكمها في كل زمان ومكان، يدعو إلى عبادة الإله الخالق وحده، ويبين ما يحتاجه الإنسان لمعرفة ربه ودينه، وبداية خلق الكون، وأطوار خلق الإنسان، ويخبر عن غيوب ماضية ومستقبلية، وعن قصص أنبياء سابقين عليهم السلام، وكيف نصرهم الله وأهلك أعداءهم، وفيه أصول العبادات والمعاملات والدعوة إلى الأخلاق المحمودة، والتحذير من الأخلاق المذمومة، والمصير في الآخرة؛ إما الجنة دار المؤمنين وإما النار دار الظالمين والكافرين.

ولأهمية هذا الكتاب العظيم الذي أنزله الله باللغة العربية، وأمر بإبلاغه للبشرية؛ يطيب لنا -أيها القارئ الكريم- أن نقدم لك ترجمة لمعانيه بلغتك، تسهيلاً لفهمه وتحقيقاً لتبليغه، وقد بذل فريق العمل جهده في فهم معانيه وترجمتها، مع العلم اليقيني أنه مهما بلغت دقة الترجمة فستظل قاصرة عن أداء المعاني العظيمة التي يدل عليها نص القرآن الكريم المعجز الذي يفوق أي عمل بشري، ومن أراد أن يقف على مزيد من الحقائق التي جاء بها القرآن الكريم؛ فنوصيه بتعلم اللغة العربية التي نزل بها.

يسعدنا أن نستقبل مقترحاتكم وملاحظاتكم لتطوير الترجمة من خلال نافذة الملاحظات الموجودة أمام كل آية في موقع موسوعة القرآن الكريم

www.quranenc.com

وعند الرغبة في التواصل معنا يمكن مراسلتنا عبر البريد الإلكتروني:

info@quranenc.com

وسلام على المرسلين، والحمد لله رب العالمين.

مقدمه

قرآن کریم چیست؟

قرآن کریم کلام الله، پروردگار جهانیان و خالق آنان است که آن را بر خاتم پیامبران، محمد صلی الله علیه وسلم نازل کرده تا برای بشریت توضیح دهد که هدف از خلقتشان چیست؛ و آنان را به مسیری هدایت نماید که سعادتشان در دنیا و آخرت را به دنبال دارد. و آنان را از شقاوت ابدی بعد از مرگ رهایی بخشد. قرآن کریم، آخرین کتاب الهی از نظر نزول است، تصدیق کننده کتب پیشین و ناسخ تمامی شرایع الهی پیشین است. قرآن کریم نشانه و معجزه‌های ابدی است؛ و دلیلی بر نبوت رسول و فرستاده الله، محمد صلی الله علیه وسلم است؛ الله متعال انسانها و جنیان را به مبارزه طلبیده تا مانند آن را بیاورند، یا حتی سوره‌های مانند آن بیاورند، اما عاجز و ناتوان ماندند.

با اینکه بیش از ۱۴۰۰ سال از نزول قرآن میگذرد، اما دست تحریف و تبدیل به آن نرسیده است؛ و همواره به زبان عربی که زبان نزول آن است، محفوظ باقی خواهد ماند، چراکه الله متعال خودش عهددار حفاظت از آن تا پایان جهان شده است.

قرآن کریم منبع اصلی اسلام و قانونی است که در هر زمان و مکانی، حیات بشری را نظم و ترتیب داده و استوار میدارد؛ به عبادت یگانه معبود خالق فرا میخواند و آنچه را که انسان برای شناخت پروردگارش و دین او نیاز دارد، بیان میکند؛ از ابتدای آفرینش هستی و مراحل خلقت انسان سخن میگوید؛ و از اموری غیب و نهان در گذشته و آینده خبر میدهد. و از داستانهای پیامبران گذشته میگوید و اینکه چگونه الله متعال آنان را یاری نمود و دشمنانشان را نابود کرد. و اصل عبادتها و معاملات و دعوت به اخلاق پسندیده را در خود جای داده و نسبت به اخلاق نکوهیده هشدار داده است. و اینکه فرجام اخروی، یا به سوی بهشت، سرای مومنان است و یا به سوی دوزخ، سرای ظالمان و کافران.

به دلیل اهمیت این کتاب بزرگ که الله متعال آن را به زبان عربی نازل کرده و به ابلاغ آن به بشر امر نموده است، خوشحال میشویم که ترجمه معانی آن را به زبان شما تقدیم حضورتان کنیم تا فهم آن آسان گشته و تبلیغ آن صورت گرفته باشد. کارگروهی که در این زمینه تعیین شده، تمام تلاش خود را در فهم معانی آن به کار گرفته تا ترجمه دقیقی ارائه دهد؛ اما خوب میدانیم که هراندازه دقت ترجمه بالا باشد، باز هم از ارائه معانی بزرگ و والایی که نص قرآن کریم بر آنها دلالت میکنند، به زبان دیگر قاصر است؛ زیرا نص قرآن معجزهای است برتر و بالاتر از هر عمل بشری. و به هرکس که جوای حقایق بیشتری از جمله مواردی است که قرآن کریم در خود جای داده، توصیه می کنیم زبان عربی را بیاموزد، زیرا قرآن به این زبان نازل شده است.

و سلام و درود بر پیامبران، و همه ستایشها مخصوص الله است که پروردگار جهانیان است.

دایرة المعارف قرآن کریم

خوشحال می شویم برای بهتر شدن ترجمه، پیشنهادات و ملاحظات شما را از طریق پنجره ملاحظات که در برابر هر آیه در سایت دایرة المعارف قرآن کریم

www.quranenc.com

قرار گرفته، دریافت داریم. در صورت تمایل به ارتباط با ما، میتوانید از طریق ایمیل

info@quranenc.com

با ما تماس بگیرید.

فهرست سوره‌ها

- ۱.....سوره فاتحه
- ۲.....سوره بقره
- ۸۷.....سوره آل عمران
- ۱۳۷.....سوره نساء
- ۱۸۸.....سوره مائده
- ۲۲۵.....سوره انعام
- ۲۶۸.....سوره اعراف
- ۳۱۶.....سوره انفال
- ۳۳۴.....سوره توبه
- ۳۶۹.....سوره یونس
- ۳۹۴.....سوره هود
- ۴۲۱.....سوره یوسف
- ۴۴۶.....سوره رعد
- ۴۵۸.....سوره ابراهیم
- ۴۷۰.....سوره حجر
- ۴۸۳.....سوره نحل
- ۵۱۰.....سوره اسراء
- ۵۳۴.....سوره کهف

٥٥٨	سورة مريم
٥٧٤	سورة طه
٥٩٧	سورة انبياء
٦١٤	سورة حج
٦٣٤	سورة مؤمنون
٦٥٢	سورة نور
٦٧٠	سورة فرقان
٦٨٤	سورة شعراء
٧١٠	سورة نمل
٧٢٨	سورة قصص
٧٤٩	سورة عنكبوت
٧٦٤	سورة روم
٧٧٧	سورة لقمان
٧٨٥	سورة سجده
٧٩١	سورة احزاب
٨١٠	سورة سبأ
٨٢٣	سورة فاطر
٨٣٤	سورة يس
٨٤٧	سورة صافات
٨٦٧	سورة ص

٨٨١	سورة زمر
٨٩٨	سورة غافر
٩١٤	سورة فصلت
٩٢٨	سورة شورى
٩٤٠	سورة زخرف
٩٥٤	سورة دخان
٩٦١	سورة جاثيه
٩٦٩	سورة احقاف
٩٧٩	سورة محمد
٩٨٨	سورة فتح
٩٩٤	سورة حجرات
١٠٠١	سورة ق
١٠٠٨	سورة ذاريات
١٠١٤	سورة طور
١٠٢٣	سورة نجم
١٠٣١	سورة قمر
١٠٣٩	سورة رحمان
١٠٤٨	سورة واقعه
١٠٥٧	سورة حديد
١٠٦٥	سورة مجادله

- ١٠٧٢ سورة حشر
- ١٠٧٩ سورة ممتحنه
- ١٠٨٤ سورة صف
- ١٠٨٨ سورة جمعه
- ١٠٩١ سورة منافقون
- ١٠٩٤ سورة تغابن
- ١٠٩٨ سورة طلاق
- ١١٠٢ سورة تحريم
- ١١٠٦ سورة ملك
- ١١١١ سورة قلم
- ١١١٨ سورة حاقه
- ١١٢٤ سورة معارج
- ١١٢٩ سورة نوح
- ١١٣٣ سورة جن
- ١١٣٨ سورة مزمل
- ١١٤٢ سورة مدثر
- ١١٤٨ سورة قيامت
- ١١٥٢ سورة انسان
- ١١٥٧ سورة مرسلات
- ١١٦٢ سورة نبا

- سورة نازعات ١١٦٧
- سورة عبس ١١٧٢
- سورة تكوير ١١٧٦
- سورة انفطار ١١٧٩
- سورة مطففين ١١٨١
- سورة انشقاق ١١٨٦
- سورة بروج ١١٨٩
- سورة طارق ١١٩٢
- سورة اعلیٰ ١١٩٤
- سورة غاشیه ١١٩٦
- سورة فجر ١١٩٩
- سورة بلد ١٢٠٣
- سورة شمس ١٢٠٥
- سورة لیل ١٢٠٧
- سورة ضحیٰ ١٢٠٩
- سورة شرح ١٢١٠
- سورة تین ١٢١١
- سورة علق ١٢١٢
- سورة قدر ١٢١٥
- سورة یینه ١٢١٦

- ١٢١٨ سورة زلزله
- ١٢١٩ سورة عاديات
- ١٢٢١ سورة قارعه
- ١٢٢٢ سورة تكاثر
- ١٢٢٣ سورة عصر
- ١٢٢٤ سورة هُمزه
- ١٢٢٥ سورة فيل
- ١٢٢٦ سورة قريش
- ١٢٢٧ سورة ماعون
- ١٢٢٨ سورة كوثر
- ١٢٢٩ سورة كافرون
- ١٢٣٠ سورة نصر
- ١٢٣١ سورة مَسَد
- ١٢٣٢ سورة اخلاص
- ١٢٣٣ سورة فلق
- ١٢٣٤ سورة ناس

سُورَةُ الْفَاتِحَةِ

سورة فاتحه

- بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿١﴾ (۱) به نام الله بخشندهٔ مهربان
- أَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٢﴾ (۲) تمام ستایشها [و سپاسها] از آن الله - پروردگار جهانیان - است؛
- الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿٣﴾ (۳) بخشندهٔ مهربان است؛
- مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ ﴿٤﴾ (۴) مالک روز جزاست.
- إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ ﴿٥﴾ (۵) [پروردگارا] تنها تو را عبادت می‌کنیم و تنها از تو یاری [و مدد] می‌جوییم.
- أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ﴿٦﴾ (۶) ما را به راه راست هدایت فرما [و همواره در این راه، ثابت‌قدم بدار]؛
- صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ ﴿٧﴾ (۷) راه کسانی [همچون پیامبران، شهیدان، راستگویان و نیکوکاران] که به آنان نعمت داده‌ای، نه [راه] کسانی که بر آنان خشم گرفته شده است [= یهود] و نه [راه] گمراهان [= نصاری].

سُورَةُ الْبَقَرَةِ

سورة بقره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

الم ﴿۱﴾

(۱) الم [= الف. لام. میم].

ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ ﴿۲﴾
 (۲) این کتابی است که هیچ تردیدی در [الهی بودن] آن نیست و مایهٔ هدایت پرهیزگاران است؛

الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ﴿۳﴾
 (۳) همان کسانی که به غیب ایمان دارند و نماز را برپا می‌دارند و از آنچه به آنان روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند؛

وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ ﴿۴﴾
 (۴) و آن کسانی که به آنچه بر تو و [پیامبران] پیش از تو نازل شده است ایمان می‌آورند و به [روز] رستاخیز یقین دارند.

أُولَئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿۵﴾
 (۵) اینان از جانب پروردگارشان از هدایت برخوردارند و رستگاران [واقعی] همین‌ها هستند.

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ ءَأَنذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿۶﴾
 (۶) قطعاً برای کسانی که [آگاهانه و از روی دشمنی] کفر می‌ورزند، تفاوتی ندارد که آنان را بیم دهی یا بیم ندهی؛ [در هر حال] ایمان نمی‌آورند.

خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَرِهِمْ غِشْوَةً ۖ وَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿٧﴾

(۷) [چون] الله بر دل‌ها و گوش‌هایشان مُهر [غفلت] زده و بر چشم‌هایشان پرده‌ای است و عذاب بزرگی [در پیش] دارند.

وَمِنَ النَّاسِ مَن يُقُولُ ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَبِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ ﴿٨﴾

(۸) برخی از مردم [= منافقان] می‌گویند: «به الله و روز قیامت ایمان آورده‌ایم»؛ در حالی که ایمان ندارند.

يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ ﴿٩﴾

(۹) [به گمان خود] الله و مؤمنان را فریب می‌دهند؛ در حالی که فقط خود را فریب می‌دهند؛ ولی نمی‌فهمند.

فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۖ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ ﴿١٠﴾

(۱۰) در دل‌هایشان بیماری [= شک و نفاق] است و الله بر بیماری آنان افزوده است و به خاطر دروغ‌هایی که می‌گفتند عذاب دردناکی [در پیش] دارند.

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ ﴿١١﴾

(۱۱) هر گاه به آنان گفته شود: «در زمین فساد نکنید» [به دروغ] می‌گویند: «ما خود اصلاح‌گریم».

أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَٰكِن لَّا يَشْعُرُونَ ﴿١٢﴾

(۱۲) آگاه باشید! که آنان [تبهکار و] مفسد هستند؛ ولی نمی‌فهمند.

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ ءَامِنُوا كَمَا ءَامَنَ

(۱۳) و هنگامی که به آنان گفته شود: «شما

نیز همچون مردم [منصف و واقع‌بین] ایمان بیاورید»، می‌گویند: «آیا [انتظار دارید] همچون کم‌خردان ایمان بیاوریم؟» آگاه باشید! خودشان کم‌خرد هستند؛ ولی [این را] نمی‌دانند.

الْتَّاسُ قَالُوا أَنْزَمُنْ كَمَا ءَامَنَ
السُّفَهَاءُ ۗ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ
وَلَكِن لَّا يَعْلَمُونَ ﴿١٣﴾

(۱۴) و هنگام ملاقات با مؤمنان می‌گویند: «ما [نیز همچون شما] ایمان آورده‌ایم» و هنگامی که با بزرگان شیطان صفت خود خلوت می‌کنند می‌گویند: «ما با شما هستیم و فقط [آنان را] مسخره می‌کنیم».

وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ ءَامَنُوا قَالُوا
ءَامَنَّا وَإِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شِيَطِينِهِمْ
قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ
مُسْتَهْزِءُونَ ﴿١٤﴾

(۱۵) الله آنان را مسخره می‌کند و مهلت‌شان می‌دهد [تا] در طغیان‌شان سرگشته بمانند.

اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَيَمُدَّهُمْ فِي
طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴿١٥﴾

(۱۶) آنان کسانی هستند که گمراهی را به [بهای] هدایت خریدند؛ پس تجارتشان سودی نداد و هدایت یافته نبودند.

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالَهٗ
بِالْهَدَىٰ فَمَا رَبِحَت تِّجَارَتُهُمْ
وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ ﴿١٦﴾

(۱۷) داستان اینان [= منافقان] همانند داستان کسانی است که آتشی بیفروزند؛ و چون آتش، اطراف آنان را روشن سازد، الله نورشان را بگیرد و در تاریکی‌هایی که نمی‌بینند رهایشان کند.

مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِي اسْتَوْقَدَ نَارًا
فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ ذَهَبَ
اللَّهُ بِنُورِهِمْ وَتَرَكَهُمْ فِي ظُلْمَةٍ
لَّا يُبْصِرُونَ ﴿١٧﴾

(۱۸) [در برابر حقیقت] کر و لال و کورند و [از گمراهی خود] باز نمی‌گردند.

صُمٌّ بُكْمٌ عُمْىٰ فَهُمْ لَّا
يَرْجِعُونَ ﴿١٨﴾

أَوْ كَصَيِّبٍ مِّنَ السَّمَاءِ فِيهِ ظُلُمَاتٌ وَرَعْدٌ وَبَرْقٌ يَّجْعَلُونَ أَصْبِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ مِّنَ الصَّوَاعِقِ حَذَرَ الْمَوْتِ وَاللَّهُ مُخِيطٌ بِالْكَافِرِينَ ﴿١٩﴾

(۱۹) یا [داستان آنان] همچون [داستان گرفتارشدگان در] بارانِ شدیدی است که از آسمان [فرو می‌ریزد] و دارای تاریکی‌ها و رعد و برق است و آنان از ترسِ مرگ، انگشتان خویش را در گوش‌هایشان فرو می‌برند تا صدای صاعقه را نشنوند؛ و الله به کافران احاطه دارد [و آنان در قبضه قدرت الله متعال هستند].

يَكَادُ الْبَرْقُ يَخْطَفُ أَبْصَارَهُمْ ۖ كُلَّمَا أَضَاءَ لَهُمْ مَشَوْا فِيهِ وَإِذَا أَظْلَمَ عَلَيْهِمْ قَامُوا ۗ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَذَهَبَ بِسَمْعِهِمْ وَأَبْصَرِهِمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ عَلِيُّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٠﴾

(۲۰) نزدیک است که برق، چشمانشان را برباید؛ هرگاه که [برق می‌زند و راه را] بر آنان روشن می‌سازد، گامی در [پرتو] آن برمی‌دارند و چون تاریکی آنان را فراگیرد، [حیرت‌زده بر جای خود] بازمی‌ایستند؛ و اگر الله بخواهد، شنوایی و بینایی‌شان را از بین می‌برد؛ زیرا الله بر هر کاری تواناست.

يَتَأْتِيهَا النَّاسُ أَعْبُدُوا رَبَّكُمْ ۗ الَّذِينَ خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿٢١﴾

(۲۱) ای مردم! پروردگار خویش را عبادت کنید؛ همان ذاتی که شما و پیشینیانتان را آفرید؛ باشد که پرهیزگار شوید.

الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَّكُمْ ۗ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا

(۲۲) همان ذاتی که زمین را برای شما گستراند و آسمان را [همچون سقفی] بالای سرتان قرار داد و از آسمان، آبی فروفرستاد و به وسیله آن، انواع میوه‌ها را به وجود آورد تا روزی شما باشد؛ پس همتیانی برای الله قرار

ندهید، در حالی که [حقیقت را] می دانید.

وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿۲۳﴾

(۲۳) و اگر درباره آنچه بر بنده خود [محمد] نازل کرده ایم در شک و تردید هستید، اگر راست می گوئید، سوره ای همانند آن بیاورید و گواهان [و یاوران] خود را - غیر از الله - فراخوانید.

وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ ۚ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿۲۳﴾

(۲۴) پس اگر این کار را نکردید - و هرگز قادر بر انجام این کار نخواهید بود - از آتشی بترسید که هیزم آن، مردم و سنگها هستند و برای کافران آماده شده است.

فَإِنْ لَّمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ ۗ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ ﴿۲۴﴾

(۲۵) [ای پیامبر!] به کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، مژده بده که باغهایی [از بهشت] برایشان [در پیش] است که از زیر [درختان] آن جویبارها جاری است. هر زمان که میوه ای از آن [باغها] به آنان داده شود، می گویند: «این همان است که پیش از این روزی ما شده بود»؛ در حالی که شبیه آن به آنان داده شده بود؛ و [در آنجا] همسرانی پاک دارند و جاودانه در آن خواهند ماند.

وَبَشِّرِ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ۗ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقًا قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأُتُوا بِهِ مُتَشَابِهًا ۗ وَلَهُمْ فِيهَا أَنْهَارٌ مَّطَهَّرَةٌ ۗ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿۲۵﴾

(۲۶) الله از اینکه به پشه ای - یا بالاتر از آن [از نظر کوچکی] - مثال بزند، شرم نمی کند. کسانی که ایمان آورده اند، می دانند که آن

۞ إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي ۚ أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَّا بَعُوضَةٌ فَمَا فَوْقَهَا فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ

مِنْ رَبِّهِمْ^ط وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَيَقُولُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَيَهْدِي بِهِ كَثِيرًا وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفٰلسِقِينَ ﴿٦٧﴾

[مثل] حق و از جانب پروردگارشان است [و از آن پند می گیرند]؛ و اما کافران می گویند: «هدف الله از این مثل چیست؟» [الله با بیان این مثلها] گروه بسیاری را [که در آنها تدبیر نمی کنند، حیران و] گمراه و گروه بسیاری را هدایت می کند؛ و تنها [منافقان و] فاسقان را با آن گمراه می سازد.

الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَٰئِكَ هُمُ الْخٰسِرُونَ ﴿٦٧﴾

(۲۷) [همان] کسانی که پیمان الله را - پس از محکم ساختنش - می شکنند و روابط [نیکوی خویشاوندی] را که الله به برقراری آن فرمان داده است قطع می نمایند و در زمین فساد برپا می کنند. اینان [در دنیا و آخرت] زیانکارانند.

كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمَيِّتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٦٨﴾

(۲۸) چگونه [یگانگی] الله را انکار می کنید در حالی که وجودی نداشتید و او به شما زندگی بخشید؛ سپس شما را دستخوش مرگ می گرداند و دوباره زنده خواهد کرد؛ آنگاه [برای حساب و جزا] به پیشگاهش بازگردانده می شوید؟

هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ أَسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَوٰتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٦٩﴾

(۲۹) اوست که همه آنچه را که در زمین است برایتان آفرید؛ آنگاه به [آفرینش] آسمان پرداخت و آنها را به صورت هفت آسمان سامان داد و او به همه چیز داناست.

وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلٰٓئِكَةِ اِنِّیْ جَاعِلٌ فِی الْاَرْضِ خَلِیْفَةً ۗ قَالُوْۤا اَنْتَ جَاعِلٌ فِیْهَا مَنْ یُّفْسِدُ فِیْهَا وَیَسْفِكُ الدِّمَآءَ وَیَحْنُ نُسُجٌ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ ۗ قَالَ اِنِّیْۤ اَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُوْنَ ﴿۳۰﴾

(۳۰) و [یاد کن] هنگامی که پروردگارت به فرشتگان فرمود: «من در زمین جانشینی خواهم گماشت». [فرشتگان] گفتند: «آیا کسی را در آنجا می‌گماری که تبهکاری و خونریزی به راه اندازد؛ در حالی که ما تو را با سپاس به پاکی می‌ستاییم و مقدس می‌داریم؟»
الله فرمود: «من [درباره هدف و مصلحت آفرینش او] چیزهایی می‌دانم که شما نمی‌دانید».

وَ عَلَّمَ ءَادَمَ الْاَسْمَآءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلٰی الْمَلٰٓئِكَةِ فَقَالَ اَنْبِئُوْنِیْ بِاَسْمَآءِ هٰۤؤُلَآءِ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِیْنَ ﴿۳۱﴾

(۳۱) آنگاه [الله] همه نام‌های اشیا و موجودات را به آدم آموخت؛ سپس آنها را به فرشتگان عرضه داشت و فرمود: «اگر راست می‌گویید، از نام‌های اینها به من خبر دهید».

قَالُوْۤا سُبْحٰنَكَ لَا عِلْمَ لَنَاۤ اِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا ۗ اِنَّكَ اَنْتَ الْعَلِیْمُ الْحَكِیْمُ ﴿۳۲﴾

(۳۲) [فرشتگان] گفتند: «منزهی تو! ما چیزی جز آنچه [خود] به ما آموخته‌ای نمی‌دانیم. تو دانای حکیمی».

قَالَ یٰۤاٰدَمُ اَنْبِئْهُمْ بِاَسْمَآئِهِمْ ۗ فَلَمَّ اَنْبَاَهُمْ بِاَسْمَآئِهِمْ قَالَ اَلَمْ اَقُلْ لَّكُمْ اِنِّیْۤ اَعْلَمُ غَیْبَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَاَعْلَمُ مَا تُبْدُوْنَ وَمَا كُنْتُمْ تَكْتُمُوْنَ ﴿۳۳﴾

(۳۳) فرمود: «ای آدم، آنان را از نام‌هایشان آگاه کن». هنگامی که وی [آدم] آنان را آگاه کرد، [الله خطاب به فرشتگان] فرمود: «آیا به شما نگفتم که من اسرار آسمان‌ها و زمین را می‌دانم و [نیز] از آنچه که آشکار می‌کنید و پنهان می‌داشتید آگاهم؟»

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَأَسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ ﴿۳۴﴾

(۳۴) [یاد کن] هنگامی که به فرشتگان گفتیم: «برای [بزرگداشت و احترام، به] آدم سجده کنید»؛ پس [همگی] سجده کردند جز ابلیس که خودداری کرد و تکبر ورزید و از کافران شد.

وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿۳۵﴾

(۳۵) و گفتیم: «ای آدم! تو و همسرت [حوّا] در بهشت سکونت کنید و از [نعمت‌های] آن - از هر جا که می‌خواهید - گوارا بخورید؛ اما به این درخت نزدیک نشوید که از ستمکاران خواهید شد».

فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ ﴿۳۶﴾

(۳۶) اما شیطان موجب لغزش [و سرپیچی] آن دو شد؛ سپس الله آنان را از آنچه در آن بودند [= بهشت] اخراج کرد؛ و [به آن دو و شیطان] گفتیم: «همگی [به زمین] فرود آید در حالی که دشمن یکدیگر خواهید بود؛ و برایتان در زمین، تا مدتی معین قرارگاه و وسیله بهره‌برداری وجود خواهد داشت».

فَتَلَقَىٰ آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿۳۷﴾

(۳۷) آنگاه آدم از پروردگارش کلماتی فراگرفت [و درخواست بخشایش نمود] و الله توبه او را پذیرفت؛ زیرا الله، توبه‌پذیر مهربان است.

قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنْ تَبِعَ

(۳۸) گفتیم: «همگی از آن [= بهشت] فرود آید و هر گاه از جانب من رهنمودی برایتان

هُدَاىَ فَلَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٣٨﴾

آمد، کسانی که از آن [هدایت] پیروی کنند، نه ترسی خواهند داشت و نه اندوهگین می‌شوند».

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٣٩﴾

[قدرت و یگانگی] ما را دروغ پنداشتند، آنان اهل دوزخند و همیشه در آن خواهند بود.

يَبْنَىٰ إِسْرَائِيلَ أَذْكَرُوا نِعْمَتِي الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ وَإِيَّيَ فَارْهَبُونَ ﴿٤٠﴾

[۴۰] ای بنی‌اسرائیل [= فرزندان یعقوب] نعمت‌هایی را که به شما ارزانی داشتم به یاد آورید و به پیمانی که با من بسته‌اید وفا کنید تا من نیز به پیمان [خود با] شما [درباره] نعمت‌های دنیا و آخرت [وفا کنم؛ و تنها از من بترسید.

وَعَامِنُوا بِمَا أَنْزَلْتُ مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أَوْلَٰى كَافِرٍ بِهِ ۗ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَإِيَّيَ فَاتَّقُونَ ﴿٤١﴾

[۴۱] و به آنچه نازل کرده‌ام [= قرآن] ایمان بیاورید که تصدیق‌کننده همان چیزی است که با شماست؛ و نخستین کافر به آن نباشید و آیات مرا به بهای ناچیز نفروشید و تنها از من بترسید.

وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْفُرُوا بِالْحَقِّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٤٢﴾

[۴۲] و در حالی که [حقیقت را] می‌دانید، حق را با باطل نیامیزید و آن را کتمان نکنید.

وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ ﴿٤٣﴾

[۴۳] و نماز را برپا دارید و زکات [اموالتان] را بپردازید و با نمازگزاران نماز بخوانید.

﴿٤٤﴾ أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٤٤﴾

می‌خوانید، مردم را به نیکی فرمان می‌دهید و خود را فراموش می‌کنید؟ آیا نمی‌اندیشید؟

﴿٤٥﴾ وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ ﴿٤٥﴾

(٤٥) و از شکیبایی و نماز یاری جوئید؛ و به راستی که آن [= نماز] جز بر فروتنان، دشوار و گران است.

﴿٤٦﴾ الَّذِينَ يَطُؤُونَ أَنْهَمُ مُلْقَوْا رَبِّهِمْ وَأَنْهَمُ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ﴿٤٦﴾

(٤٦) همان کسانی که یقین دارند پروردگار خویش را [در آخرت] ملاقات خواهند کرد، و به پیشگاه او بازمی‌گردند.

﴿٤٧﴾ يٰبَنِي إِسْرَائِيلَ أَذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَلِيَّ فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿٤٧﴾

(٤٧) ای بنی اسرائیل، نعمت‌هایی را که به شما ارزانی داشتم به یاد آورید و [نیز] اینکه شما را [با برخوردارانی از موهبت هدایت] بر جهانیان [زمان خودتان] برتری دادم.

﴿٤٨﴾ وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ﴿٤٨﴾

(٤٨) و از روزی بترسید که کسی ذره‌ای [از عذاب الله] را از دیگری دفع نمی‌کند و از او نه شفاعتی پذیرفته می‌شود و نه غرامت و فدیة‌ای گرفته می‌شود و نه یاری می‌شوند.

﴿٤٩﴾ وَإِذْ نَجَّيْنَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يُدَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ پسرانتان را می‌کشتند و زنانتان را [برای کنیزی]

زنده نگه می‌داشتند؛ و در این امر، آزمایش بزرگی از جانب پروردگارتان برای شما بود.

نِسَاءَكُمْ فِي ذَلِكَ بَلَاءٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَظِيمٌ ﴿۴۹﴾

(۵۰) و [به یاد آورید] هنگامی که دریا را برایتان شکافتیم و شما را نجات دادیم و فرعونیان را - در حالی که [عذابِ آنان را به چشم خود] می‌نگریستید - غرق ساختیم.

وَإِذْ فَرَقْنَا بِكُمْ الْبَحْرَ فَأَجْجَيْدَكُمُ وَأَغْرَقْنَا آلَ فِرْعَوْنَ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ ﴿۵۰﴾

(۵۱) و [به یاد آورید] هنگامی را که [برای نزولِ تورات] چهل شب با موسی وعده گذاشتیم؛ آنگاه شما در غیابِ او، گوساله را [به عبادت] گرفتید، در حالی که [نسبت به خویشان] ستمکار بودید.

وَإِذْ وَعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ أَخَذْنَا الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ ﴿۵۱﴾

(۵۲) سپس شما را بعد از آن [گناه] بخشیدیم؛ باشد که سپاسگزاری کنید.

ثُمَّ عَفَوْنَا عَنْكُمْ مِّنْ بَعْدِ ذَلِكَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿۵۲﴾

(۵۳) و [نیز به یاد آورید] هنگامی که به موسی کتاب [تورات] را که جداکننده [حق از باطل] است عطا کردیم؛ باشد که هدایت شوید.

وَإِذْ آتَيْنَا مُوسَىٰ الْكِتَابَ وَالْفُرْقَانَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿۵۳﴾

(۵۴) و [به یاد آورید] زمانی را که موسی به قوم خود گفت: «ای قوم من! شما با انتخاب گوساله [برای عبادت]، بر خویشان ستم کرده‌اید؛ پس به سوی آفریدگار خود بازگردید و توبه کنید و [خطاکاران] خود را بکشید. این کار، در پیشگاه پروردگارتان برای شما بهتر

وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ يَقَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجْلَ فَتُوبُوا إِلَىٰ بَارِيكُمْ فَاقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ ذَلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ عِنْدَ

بَارِيكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿۵۴﴾
 است». آنگاه الله توبه شما را پذیرفت. به راستی که او توبه‌پذیرِ مهربان است.

وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ الصَّاعِقَةُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ ﴿۵۵﴾
 و [به یاد آورید] هنگامی را که گفتید: «ای موسی، ما هرگز به تو ایمان نمی‌آوریم مگر اینکه الله را آشکارا ببینیم»؛ پس صاعقه شما را در حالی گرفت که [عذاب خود را به چشم خویش] می‌نگریستید.

ثُمَّ بَعَثْنَاكُم مِّن بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿۵۶﴾
 سپس شما را پس از مرگتان برانگیختیم؛ باشد که سپاسگزاری کنید.

وَوَلَلْنَا عَلَيْكُمُ الْعِمَامَ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّاءَ وَالسَّلْوَىٰ كُلًّا مِّن طَيْبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿۵۷﴾
 و ابر را بر شما سایبان قرار دادیم و ترنجبین و بلدرچین برایتان فرودستادیم [و گفتیم]: «از نعمت‌های پاکیزه‌ای که به شما روزی داده‌ایم بخورید» [ولی کفر ورزیدید]. آنان [با ناسپاسی و نافرمانی] به ما ستم نکردند؛ بلکه به خود ستم روا داشتند.

وَإِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ فَلَکُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَقُولُوا حِطَّةٌ نَّغْفِرْ لَكُمْ خَطِيئَتِكُمْ وَسَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ ﴿۵۸﴾
 و [به یاد آورید] آنگاه که گفتیم: «به این شهر [= بیت‌المقدس] وارد شوید و از [نعمت‌های] آن - از هر جا [و هر وقت] که خواستید - بخورید و با فروتنی از دروازه وارد شوید و بگویید: «[پروردگارا، گناهانمان را] فرو ریز»؛ تا گناهانتان را بیامرزیم و [یقیناً] بر [یاداش] نیکوکاران خواهیم افزود».

فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا قَوْلًا غَيْرَ
 الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَنْزَلْنَا عَلَى الَّذِينَ
 ظَلَمُوا رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا
 كَانُوا يَفْسُقُونَ ﴿٥٩﴾

(۵۹) اما ستمگران این سخن را که به آنها گفته شده بود تغییر دادند [و به جای آن، کلمات تمسخرآمیزی گفتند]؛ پس [ما نیز] به سزای این نافرمانی ستمگران، عذابی از آسمان بر آنان نازل کردیم.

وَإِذِ اسْتَسْقَىٰ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ
 فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ
 فَانفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا
 قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَّشْرَبَهُمْ كَلُوا
 وَاشْرَبُوا مِن رِّزْقِ اللَّهِ وَلَا تَعْتُوا
 فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ﴿٦٠﴾

(۶۰) و [به یاد آورید] هنگامی را که موسی برای قومش آب خواست؛ [به او] گفتیم: «عصایت را بر سنگ بزن»؛ آنگاه دوازده چشمه از آن جوشید و هر گروهی آبشخور خود را دانست [و گفتیم]: «از روزی الله بخورید و بیاشامید و [لی] در زمین به فساد [و تباهی] نکوشید».

وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَىٰ لَنْ نُّصِيرَ عَلَىٰ
 طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ
 يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُثْبِتُ الْأَرْضُ مِنْ
 بَقْلِهَا وَقِثَّائِهَا وَفُومِهَا وَعَدَسِهَا
 وَبَصَلِهَا قَالَ أَتَسْتَبِدُّونَ النَّاسَ
 هُوَ أَدْنَىٰ بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ أَهْبَطُوا
 مِصْرًا فَإِنَّ لَكُمْ مَّا سَأَلْتُمْ
 وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ
 وَالْمَسْكَنَةُ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِّنَ

(۶۱) و [به یاد آورید] زمانی را که گفتید: «ای موسی، ما هرگز تاب تحمل یک [نوع] غذا را نداریم؛ از پروردگار خویش برای ما بخواه تا از رویدنی‌های زمین - از سبزی و خیار و گندم و عدس و پیاز - برایمان برویاند». [موسی] گفت: «آیا چیزی را که پست‌تر است جایگزین چیز بهتر می‌کنید؟ پس به شهری فرود آید که آنچه خواستید در آنجا برایتان وجود دارد»؛ و [اینچنین مهربان] ذلت و بینوایی بر آنان زده شد و سزاوار خشم الله گردیدند؛ چرا که آنان به آیات الله کفر می‌ورزیدند و پیامبران را به ناحق

می‌کشتند. این [کفرورزی و کشتن پیامبران] به این سبب بود که [از من] نافرمانی کردند و پیوسته [از حدود حق] تجاوز می‌نمودند.

اللَّهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ
بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيَّ
بَعِيرِ الْحَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا
وَكَانُوا يَعْتَدُونَ ﴿٦١﴾

(۶۲) در حقیقت، کسانی که [به رسالت محمد ﷺ] ایمان آورده و نیز کسانی [از امت‌های پیشین، قبل از بعثت محمد ﷺ] از یهود و نصاری و صابئان [= پیروان برخی پیامبران]؛ هر کس [از آنان] به الله و روز قیامت ایمان آورند و کارهای شایسته انجام دهند، پاداش آنان نزد پروردگارشان است؛ نه ترسی خواهند داشت و نه اندوهگین می‌شوند.

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا
وَالنَّصْرَى وَالصَّبِئِينَ مَنْ آمَنَ
بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا
فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا
خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ
يَحْزَنُونَ ﴿٦٢﴾

(۶۳) و [به یاد آورید] زمانی را که از شما پیمان گرفتیم و [کوه] طور را بالای سرتان برافراشتیم [و گفتیم]: «آنچه [از احکام تورات] به شما داده‌ایم با جدیت بگیرید و آنچه را که در آن است به یاد داشته باشید [و به آن عمل کنید]؛ باشد که پرهیزگار شوید».

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا
فَوْقَكُمْ الطُّورَ خُذُوا مَا
آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاذْكُرُوا مَا فِيهِ
لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿٦٣﴾

(۶۴) ولی بعد [از آن همه عهد و پیمان] از این [فرمان] روی برتافتید و اگر فضل و بخشش الله بر شما نبود، یقیناً در زمره زیانکاران بودید.

ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَلَوْلَا
فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ
لَكُنْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٦٤﴾

وَلَقَدْ عَلَّمْتُمُ الَّذِينَ أَعْتَدُوا مِنْكُمْ فِي السَّبْتِ فَقُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ ﴿٦٥﴾

(۶۵) مسلماً از [شرح حال] کسانی از خودتان آگاه شده‌اید که در [مورد حکمِ حرمتِ صید ماهی در روز] شبیه تجاوز کردند؛ پس به آنها گفتیم: «بوزینه‌هایی خوار و رانده‌شده باشید».

فَجَعَلْنَاهَا نَكَالًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهَا وَمَا خَلْفَهَا وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ ﴿٦٦﴾

(۶۶) پس آن [کیفر] را عبرتی برای مردم آن زمان و نسل‌های پس از آنان و [همچنین] پند و اندرزی برای پرهیزگاران قرار دادیم.

وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبَحُوا بَقَرَةً قَالُوا أَتَتَّخِذُنَا هُزُوًا قَالَ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ ﴿٦٧﴾

(۶۷) و [به یاد آورید] هنگامی که موسی به قوم خود گفت: «الله به شما دستور می‌دهد که گاو را ذبح کنید». آنان گفتند: «آیا ما را مسخره می‌کنی؟» [موسی] گفت: «[تمسخر کار جاهلان است و] به الله پناه می‌برم از اینکه در زمره جاهلان باشم».

قَالُوا أَدْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَا فَارِضٌ وَلَا بِكْرٌ عَوَانُ بَيْنَ ذَلِكَ فافعلوا ما تؤمرون ﴿٦٨﴾

(۶۸) گفتند: «از پروردگارت بخواه تا برای ما روشن کند که آن چگونه [گاو] است؟» [موسی] گفت: «[الله] می‌فرماید: "آن گاو است نه پیر و نه جوان؛ بلکه میانسالی بین این دو است. پس [اکنون] آنچه را که دستور یافته‌اید انجام دهید"».

قَالُوا أَدْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا لَوْهَا قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ صَفْرَاءٌ فَاقِعٌ لَوْنُهَا تَسُرُّ

(۶۹) گفتند: «از پروردگارت بخواه تا برای ما روشن سازد که رنگش چگونه است؟» [موسی] گفت: «[الله] می‌فرماید: "آن گاوِ زرد پررنگی

است که [رنگش] بینندگان را خوش آید».

النَّظِيرِينَ ﴿٦٩﴾

قَالُوا أَدْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ إِنَّ الْبَقَرَ تَشَبَهَ عَلَيْنَا وَإِنَّا إِن شَاءَ اللَّهُ لَمُهْتَدُونَ ﴿٧٠﴾

(۷۰) گفتند: «از پروردگارت [باز هم] بخواه تا چگونگی آن گاو را [از هر جهت] برای ما روشن سازد؛ زیرا [ویژگی‌های] این گاو [هنوز] بر ما مبهم است، و ان شاء الله [با توضیحات تو] هدایت خواهیم شد».

قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَا ذَلُولٌ تُثِيرُ الْأَرْضَ وَلَا تَسْقِي الْحَرْثَ مُسَلَّمَةٌ لَا شِيَةَ فِيهَا قَالُوا الْكَيْنَ جِئْتَ بِالْحَقِّ فَذَبِّحُوهَا وَمَا كَادُوا يَفْعَلُونَ ﴿٧١﴾

(۷۱) [موسی] گفت: «الله می‌فرماید: "آن گاوی است نه چنان رام که زمین را شخم بزند و یا کشتزار آب بدهد؛ [اما] بی‌عیب و یکرنگ است، هیچ لکه‌ای در آن نیست"». آنان گفتند: «اینک سخن درستی آوردی»؛ سپس [چنان گاوی را پیدا کردند و] آن را سر بریدند و [البته] نزدیک بود این کار را انجام ندهند.

وَإِذْ قَتَلْتُمْ نَفْسًا فَادْرَأْتُمْ فِيهَا وَاللَّهُ مُخْرِجٌ مَّا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ ﴿٧٢﴾

(۷۲) و [به یاد آورید] هنگامی که شخصی را کشتید و درباره [قاتل] او به نزاع پرداختید و الله چیزی را که پنهان می‌کردید آشکار نمود.

فَقُلْنَا أَضْرِبُوهُ بِبَعْضِهَا كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَى وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٧٣﴾

(۷۳) پس گفتیم: «قسمتی از آن [گاو سر بریده شده] را به آن [مقتول] بزنید [تا زنده شود و قاتل خویش را معرفی کند]. الله این گونه مردگان را زنده می‌کند و نشانه‌های [آشکار قدرت] خویش را به شما نشان می‌دهد؛ باشد که بیندیشید».

ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِّنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً وَإِنَّ مِنَ الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَشَّقَّقُ فَيَخْرُجُ مِنْهُ الْمَاءُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ ۗ وَمَا اللَّهُ بِغَفِيلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٧٤﴾

(۷۴) پس از آن، [با وجود این معجزه بزرگ] دل‌های شما سخت شد؛ همچون سنگ، یا سخت‌تر؛ زیرا [حال دل‌هایتان هرگز تغییر نمی‌کند؛ اما سنگ‌ها دچار تغییر و تحول می‌شوند؛ چنان که] برخی از سنگ‌ها می‌شکافند و جویبارهایی از آنها جاری می‌شود و برخی می‌شکافند و [چشمه‌های] آب از آنها می‌جوشد و برخی از ترسِ الله [از فراز کوهها] فرو می‌افتند؛ و الله از آنچه انجام می‌دهید غافل نیست.

﴿٧٥﴾ [ای مؤمنان! حال که حقیقت دشمنی یهود برایتان آشکار گردید،] آیا امید دارید که به [آیین] شما ایمان بیاورند، با اینکه گروهی از [علمای] آنان سخنان الله را [در تورات] می‌شنیدند و پس از فهمیدنش [الفاظ و معانی] آن را تحریف می‌کردند؛ حال آنکه [از بزرگی گناه خویش] اطلاع داشتند؟! ﴿٧٥﴾

﴿٧٦﴾ و [یک مورد از فریب‌کاری‌هایشان این است که] وقتی با مؤمنان روبرو می‌شوند می‌گویند: «[ما هم] ایمان آورده‌ایم»؛ ولی هنگامی که با یکدیگر خلوت می‌کنند می‌گویند: «چرا مطالبی را که [درباره] ویژگی‌های پیامبر و حقانیتِ اسلام در تورات وَاِذَا لَقُوا الَّذِينَ ءَامَنُوا قَالُوا ءَامَنَّا وَاِذَا خَلَا بِعَضُوبِهِمْ اِلَىٰ بَعْضٍ قَالُوا اُنْحَدِثُوهُمْ بِمَا فَتَحَ اللّٰهُ عَلَیْكُمْ لِیَحَاجُّوكُمْ بِهٖۤ عِنْدَ رَبِّكُمْ ۗ اَفَلَا تَعْقِلُوْنَ ﴿٧٦﴾

آمده و [الله برای شما بیان کرده است به مسلمانان بازگو می‌کنید تا [روز قیامت] در پیشگاه پروردگارتان علیه شما به آن استدلال کنند؟ آیا نمی‌فهمید؟»

أَوَلَا يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ ﴿٧٧﴾
 آیا نمی‌دانند که الله [تمام] آنچه را پنهان می‌دارند و آشکار می‌سازند [همه را] می‌داند؟

وَمِنْهُمْ أُمِّيُونَ لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا أَمَانِي وَإِنَّهُمْ إِلَّا يُظُنُّونَ ﴿٧٨﴾
 و برخی از آنان بی‌سوادانی هستند که [از] کتاب [الله، تورات] جز [مُشتی از] دروغ‌های خود بافته، چیزی نمی‌دانند و تنها به پندارهای خویش [که از بزرگانشان فراگرفته‌اند] دل بسته‌اند.

فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُمُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ ﴿٧٩﴾
 پس وای بر کسانی که [کتابی] تحریف‌شده [با دست خود می‌نویسند، سپس می‌گویند: «این از جانب الله است» تا آن را به بهای اندک بفروشند! پس وای بر آنها از آنچه دست‌هایشان نوشته است و وای بر آنان از آنچه [از این راه] به دست می‌آورند!

وَقَالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَعْدُودَةً قُلْ أَتَّخَذْتُمْ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدًا فَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ عَهْدَهُ ۗ إِنَّكُمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٨٠﴾
 و [یهود] گفتند: «آتش دوزخ جز چند روز محدودی، هرگز به ما نخواهد رسید». بگو: «آیا از نزد الله پیمانی گرفته‌اید؟! - و الله هرگز از پیمان‌ش تخلف نمی‌ورزد - یا چیزی را که نمی‌دانید به الله نسبت می‌دهید؟!»

بَلَىٰ مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَظَّتْ
بِهِ خَطِيئَتُهُ فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ
النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٨١﴾

(۸۱) آری، هر کس مرتکب گناه [= کفر و شرک] شود و گناهانش او را احاطه کند، آنان اهل آتشند و جاودانه در آن خواهند بود.

وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا
الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ
الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٨٢﴾

(۸۲) و کسانی که ایمان آورند و کارهای شایسته انجام دهند، آنان اهل بهشتند و جاودانه در آن خواهند ماند.

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ
لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ
إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ
وَالْمَسْكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا
وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَءَاتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ
تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَأَنْتُمْ
مُعْرِضُونَ ﴿٨٣﴾

(۸۳) و [به یاد آورید] هنگامی که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که: «جز الله یگانه را عبادت نکنید و به پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و بینوایان نیکی کنید و به مردم [سخن] نیک بگویید و نماز برپا دارید و زکات بپردازید»؛ ولی همه شما - جز عده کمی - پشت کردید و رویگردان شدید.

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ لَا
تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ وَلَا
تُخْرِجُونَ أَنْفُسَكُمْ مِّنْ دِيَارِكُمْ
ثُمَّ أَقْرَرْتُمْ وَأَنْتُمْ تَشْهَدُونَ ﴿٨٤﴾

(۸۴) و [به یاد آورید] هنگامی که از شما پیمان گرفتیم که خون یکدیگر را نریزید و همدیگر را از سرزمینتان بیرون نکنید؛ سپس شما اقرار کردید و خود [بر آن پیمان] گواهی می‌دهید.

ثُمَّ أَنْتُمْ هَٰؤُلَاءِ تَقْتُلُونَ
أَنْفُسَكُمْ وَتُخْرِجُونَ فَرِيقًا
مِّنْكُمْ مِّنْ دِيَارِهِمْ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ

(۸۵) [اما] باز همین شما هستید که یکدیگر را می‌کشید و گروهی از خودتان را از سرزمینشان بیرون می‌کنید و به گناه و ستم

علیه آنها به یکدیگر کمک می‌کنید؛ و اگر [بعضی از آنان در جنگ با هم‌پیمانان عرب شما گرفتار شوند و به صورت] اسیر نزدتان بیایند، [برای این‌که آنها از بنی‌اسرائیل و هم‌دین شما هستند، در برابر آزادی‌شان می‌کشید و] فدیة می‌دهید؛ حال آنکه آواره کردن شان بر شما حرام بود. آیا به بخشی از [دستورات] کتاب [تورات در مورد فدیة دادن] ایمان می‌آورید و به بخشی [که شما را از کشتن و آواره کردن هم‌دینانتان منع می‌کند] کافر می‌شوید؟! پس جزای هر کس از شما که چنین [تبعیضی در آیات الله ایجاد] کند، جز رسوایی و خواری در زندگی دنیا نخواهد بود و در روز قیامت به سخت‌ترین عذاب گرفتار می‌شوند؛ و [یقین بدانید که] الله از آنچه انجام می‌دهید غافل نیست.

(۸۶) اینان کسانی هستند که زندگانی دنیا را به بهای آخرت خریدند؛ پس عذاب آنها تخفیف داده نمی‌شود و کسی یاری‌شان نخواهد کرد.

(۸۷) همانا به موسی کتاب [= تورات] دادیم و پس از او پیامبرانی پی در پی فرستادیم؛ و به عیسی - پسر مریم - معجزات و دلایل روشن دادیم و او را به وسیله روح القدس [= جبرئیل]

مِنْكُمْ مَّنْ دِيرِهِمْ تَطَاهُرُونَ عَلَيْهِم بِالْإِيمَانِ وَالْعُدْوَانِ وَإِن يَأْتُوكُمْ أُسْرَىٰ تَفْدُوهُمْ وَهُوَ مُحَرَّمٌ عَلَيْكُمْ إِخْرَاجُهُمْ أَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ فَمَا جَزَاءُ مَن يَفْعَلْ ذَلِكَ مِنْكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ الْقَيْمَةِ يُرَدُّونَ إِلَىٰ أَشَدِّ الْعَذَابِ وَمَا لِلَّهِ بِغَفْلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٨٥﴾

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ أَشْرَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ ۗ فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمُ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ﴿٨٦﴾

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَىٰ الْكِتَابَ وَقَفَّيْنَا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ ۗ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ ۗ

تقویت کردیم. آیا چنین نیست که هر گاه پیامبری چیزی بر خلافِ هوای نفستان آورد، در برابرش تکبر نمودید و گروهی [از پیامبران] را تکذیب کردید و گروهی را کشتید؟

(۸۸) و [یهود برای پیروی نکردن از محمد ﷺ، از روی تمسخر] گفتند: «دل‌های ما پوشیده و در غلاف است»؛ [چنین نیست]؛ بلکه الله آنان را به سزای کفرشان لعنت کرده است؛ پس [به همین سبب است که] بسیار کم ایمان می‌آورند.

(۸۹) و هنگامی که از جانب الله کتابی [= قرآن] برای آنان آمد که تصدیق‌کننده مطالبی [= تورات] بود که با خود داشتند و [به انتظار رسیدن این کتاب] از قبل به خود نوید پیروزی بر کافران را می‌دادند، با این همه، وقتی آن کسی را که از پیش شناخته بودند [= محمد ﷺ] نزدشان آمد، انکارش کردند. پس لعنت الله بر کافران باد!

(۹۰) به چه بهای بدی خود را فروختند که از روی حسد [و برتری‌خواهی] به آنچه الله فرستاده بود کافر شدند که چرا الله از فضل خویش بر هر کس از بندگانش که می‌خواهد [وحی] نازل می‌کند. پس [به خاطر این حسادت] بیش از پیش به خشم [الهی] گرفتار

أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَىٰ أَنفُسُكُمْ أَسْتَكْبِرْتُمْ فَفَرِقْنَا كَذِبْتُمْ وَفَرِيقًا تَقْتُلُونَ ﴿۸۷﴾

وَقَالُوا قُلُوبُنَا غُلْفٌ بَل لَّعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَقَلِيلًا مَّا يُؤْمِنُونَ ﴿۸۸﴾

وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ وَكَانُوا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَّا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿۸۹﴾

بِئْسَمَا اشْتَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ أَنْ يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ بَعِيًّا أَنْ يُنَزَّلَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ ۖ فَبَاءُوا بِغَضَبٍ عَلَى غَضَبٍ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ

مُهَيِّئٌ ﴿٩٠﴾

شدند؛ و عذابی خفت‌بار برای کافران [در پیش] است.

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ ءَأَمِنُوا بِمَا أُنزِلَ اللَّهُ قَالُوا نُوْمِنُ بِمَا أُنزِلَ عَلَيْنَا وَيَكْفُرُونَ بِمَا وَرَاءَهُ وَهُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَهُمْ قُلْ فَلِمَ تَقْتُلُونَ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ مِنْ قَبْلُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٩١﴾

(۹۱) و چون به آنان گفته شود: «به آنچه الله نازل کرده است ایمان بیاورید»، می‌گویند: «ما به چیزی ایمان می‌آوریم که بر خود ما نازل شده است»، و به غیر آن، کافر می‌شوند، در حالی که آن [قرآن، سخن] حق و تصدیق‌کننده مطالبی است که با خود دارند. [ای پیامبر، به آنان] بگو: «اگر [راست می‌گویید] و مؤمن هستید، پس چرا پیامبران الله را پیش از این می‌کشتید؟».

﴿٩٢﴾ وَوَلَقَدْ جَاءَكُمْ مُوسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ ﴿٩٢﴾

(۹۲) و به راستی موسی معجزه‌ها و نشانه‌های روشنی برایتان آورد؛ اما شما پس از وی، در حالی گوساله را [برای عبادت] برگزیدید که [به خاطر این شرک‌ورزی، نسبت به خود] ستمکار بودید.

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَأَسْمِعُوا قَالُوا سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَأَشْرَبُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ بِكُفْرِهِمْ قُلْ بِئْسَمَا يَأْمُرُكُم بِهِ إِيمَانُكُمْ

(۹۳) و [به یاد آورید] هنگامی را که از شما پیمان گرفتیم [که از اوامر الهی و رهنمودهای موسی پیروی کنید] و [کوه] طور را بالای سرتان برافراشتیم [و گفتیم]: «آنچه [از احکام تورات] به شما داده‌ایم محکم بگیرید و [به کلام الله] گوش فرادهید». گفتند: «[با گوش‌هایمان] شنیدیم و [الی با رفتارمان]

إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿۹۳﴾

نافرمانی کردیم»؛ و به سبب کفرشان، [محبت] گوساله در دل هایشان جای گرفت. [ای پیامبر! به آنان] بگو: «اگر [واقعاً] مؤمن هستید، ایمانتان چه فرمان بدی به شما می دهد!».

قُلْ إِنْ كَانَتْ لَكُمْ الدَّارُ الْآخِرَةُ عِنْدَ اللَّهِ خَالِصَةً مِّنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿۹۴﴾

(۹۴) بگو: «[ای قوم یهود!] اگر نزد الله، سرای آخرت ویژه شماست نه سایر مردم، پس اگر راست می گوید، آرزوی مرگ کنید [تا هر چه زودتر به این جایگاه دست یابید]».

وَلَنْ يَتَمَنَّوْهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ ﴿۹۵﴾

(۹۵) ولی آنان به خاطر آنچه [که از کفر و تکذیب و تحریف] پیش فرستاده اند هرگز آرزوی مرگ نخواهند کرد؛ و الله به [احوال] ستمکاران داناست.

وَلَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَى حَيَوٰةٍ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرُ أَلْفَ سَنَةٍ وَمَا هُوَ بِمُرَحِّحِهِ مِنَ الْعَذَابِ أَنْ يُعَمَّرَ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ ﴿۹۶﴾

(۹۶) [ای پیامبر!] قطعاً اینان [= یهود] را حریص ترین مردم بر زندگی خواهی یافت؛ [حتی] حریص تر از مشرکان. هر یک از آنان دوست دارد هزار سال عمر کند؛ در حالی که [حتی] اگر این عمر [دراز] به او داده شود، [باز هم طول عمرش] او را از عذاب دور نمی کند؛ و الله به آنچه انجام می دهند بیناست.

قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَى قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُدًى

(۹۷) بگو: «کسی که دشمن جبرئیل باشد، [در حقیقت، دشمن الله است؛ زیرا] او به فرمان الله قرآن را بر قلب تو نازل کرده است

وَبَشِّرِ لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿۹۷﴾

که [کتاب‌های آسمانی] پیش از خود را تصدیق می‌کند و برای مؤمنان، هدایت و بشارت است».

مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ
وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ وَمِيكَالَ فَإِنَّ
اللَّهَ عَدُوٌّ لِلْكَافِرِينَ ﴿۹۸﴾

(۹۸) هر کس دشمنِ الله و فرشتگان او و پیامبران و جبرئیل و میکائیل باشد، [بداند که] الله دشمنِ کافران است.

وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ
وَمَا يَكْفُرُ بِهَا إِلَّا الْفَاسِقُونَ ﴿۹۹﴾

(۹۹) [ای پیامبر]، به راستی که ما نشانه‌های روشنی بر تو نازل کردیم و جز منحرفان [از دین]، کسی به آنها کفر نمی‌ورزد.

أَوَكَلَّمَا عَاهَدُوا عَهْدًا نَبَذَهُ فَرِيقٌ
مِّنْهُمْ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا
يُؤْمِنُونَ ﴿۱۰۰﴾

(۱۰۰) آیا چنین نیست که هر گاه [یهود] پیمانی [با الله و رسول] بستند، گروهی از آنان آن را دور افکندند [و پیمان شکستند]؟ آری، بیشترشان ایمان نمی‌آورند.

وَلَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ
مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ نَبَذَ فَرِيقٌ مِّنَ
الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ كِتَابَ اللَّهِ
وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ كَانَهُمْ لَا
يَعْلَمُونَ ﴿۱۰۱﴾

(۱۰۱) و وقتی فرستاده‌ای از جانب الله برایشان آمد - که آنچه را با آنان بود تصدیق می‌کرد -، گروهی از کسانی که به آنها کتاب [= تورات] داده شده بود، کتابِ الله را پشت سر افکندند؛ گویی [از آن هیچ] نمی‌دانند.

وَاتَّبَعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيَاطِينُ عَلَى
مُلْكٍ سُلَيْمَنَ ۗ وَمَا كَفَرَ
سُلَيْمَنُ ۗ وَلَكِنَّ الشَّيَاطِينَ

(۱۰۲) و [یهود] از آنچه شیاطین در [عهد] فرمانروایی سلیمان [از علم سحر بر مردم] می‌خواندند پیروی کردند [و مدعی شدند که سلیمان پادشاهی خویش را با سحر استوار کرده

است!؛ و [حال آنکه] سلیمان [هرگز دست به
 سحر نیالود و] کافر نشد؛ ولی شیاطین [که]
 کفر ورزیدند، به مردم سحر می‌آموختند؛ و [نیز]
 از آنچه بر دو فرشته «هاروت» و «ماروت» در
 بابل نازل شده بود [پیروی کردند]؛ ولی آن دو
 فرشته [به هیچ کس چیزی نمی‌آموختند مگر
 اینکه] قبلاً از روی خیرخواهی به او [می‌گفتند:
 «ما وسیلهٔ آزمایش هستیم؛ پس [با به کار بستن
 سحر] کافر نشو». [یهودیان] از آن دو [فرشته]
 چیزهایی می‌آموختند که [بتوانند] توسط آن
 میان مرد و همسرش جدایی افکنند؛ هر چند
 بدون اجازهٔ الله نمی‌توانستند به وسیلهٔ آن به
 کسی زیان برسانند؛ و چیزی می‌آموختند که
 [فقط] به آنان زیان می‌رساند و [هیچ] سودی به
 آنان نمی‌بخشید؛ و قطعاً [یهودیان] می‌دانستند
 که هر کس [مشتاق و] خریدارِ آن [جادوها]
 باشد، در آخرت بهره‌ای نخواهد داشت. اگر
 [حقیقت را] می‌دانستند، [متوجه می‌شدند که]
 چه بد و زشت بود آنچه خود را به آن فروختند!

(۱۰۳) و اگر آنها ایمان می‌آوردند و پرهیزگاری
 می‌کردند، اگر آگاهی داشتند [درمی‌یافتند که]
 پاداشی که نزد الله وجود دارد برایشان بهتر
 است.

كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ
 وَمَا أُنزِلَ عَلَى الْمَلَكَيْنِ بِبَابِ
 هَرُوتَ وَمَرْوَتَ وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنْ
 أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ
 فَلَا تَكْفُرْ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا
 يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ
 وَمَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ
 إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَيَتَعَلَّمُونَ مَا
 يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَلَقَدْ عَلِمُوا
 لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ
 خَلْقٍ وَلَيْسَ مَا شَرَوْا بِهِ
 أَنفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿۱۰۳﴾

وَلَوْ أَنَّهُمْ ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا لَمَثُوبَةٌ
 مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ خَيْرٌ لَّوْ كَانُوا
 يَعْلَمُونَ ﴿۱۰۳﴾

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَقُولُوا انظُرْنَا وَاسْمَعُوا وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٠٤﴾

(۱۰۴) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، [هنگامی که از پیامبر برای درک آیات قرآن درخواست مهلت می‌کنید] نگوئید: «راعینا» [زیرا علاوه بر معنای اصلی‌اش، مفهوم توهین‌آمیز «نادانی» را می‌رساند] بلکه بگوئید: «انظُرْنَا» [= کمی به ما فرصت بده] و [آنگاه به آیات قرآن] گوش کنید و [یقین بدانید که] کافران [و تمسخرکنندگان پیامبر،] عذابی دردناک [در پیش] دارند.

مَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَلَا الْمُشْرِكِينَ أَنْ يُنَزَّلَ عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ مِّنْ رَبِّكُمْ وَاللَّهُ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿١٠٥﴾

(۱۰۵) کافران - چه اهل کتاب و چه مشرکان - دوست ندارند که از جانب پروردگارتان خیر و برکتی بر شما نازل گردد؛ در حالی که الله، رحمت خود را به هر کس که بخواهد اختصاص می‌دهد؛ و الله دارای فضل بزرگ است.

﴿١٠٦﴾ مَا نَنْسَخْ مِنْ ءَايَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِّنْهَا أَوْ مِثْلَهَا أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٠٦﴾

(۱۰۶) هر آیه‌ای را نسخ کنیم یا [از دل مردم بزداییم و] از یادها ببریم، بهتر از آن یا همانندش را می‌آوریم. [ای پیامبر،] آیا نمی‌دانی که الله بر هر چیزی تواناست؟

﴿١٠٧﴾ أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا لَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿١٠٧﴾

(۱۰۷) آیا نمی‌دانی که فرمانروایی آسمان‌ها و زمین از آن الله است و شما جز الله [هیچ] دوست و یابوری ندارید [که کارسازتان باشد]؟

أَمْ تُرِيدُونَ أَنْ تَسْأَلُوا رَسُولَكُمْ
كَمَا سَأَلَ مُوسَىٰ مِنْ قَبْلُ ۗ وَمَنْ
يَتَّبِعِ الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ
ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ ﴿١٠٨﴾

(۱۰۸) [ای مؤمنان،] آیا می‌خواهید از پیامبر خود [موارد نامعقولی را] درخواست کنید که پیش از این از موسی خواسته شد؟ کسی که کفر را به [جای] ایمان برگزیند، مسلماً راه راست را گم کرده است.

وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ
يَرُدُّونَكُمْ مِّنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ
كُفَّارًا حَسَدًا مِّنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ
مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ ۗ
فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهَ
بِأَمْرِهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ
قَدِيرٌ ﴿١٠٩﴾

(۱۰۹) بسیاری از اهل کتاب پس از اینکه حق برایشان آشکار گردید، به خاطر حسادتی که در وجودشان است آرزو دارند که شما را بعد از ایمانتان به حال کفر بازگردانند؛ پس شما عفو کنید و [از آنان] درگذرید تا الله فرمان خویش را [برای جهاد با آنان] صادر نماید. همانا الله بر هر چیزی تواناست.

وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ
وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ
تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ بِمَا
تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿١١٠﴾

(۱۱۰) و نماز برپا دارید و زکات بپردازید؛ و [بدانید که] هر کار نیکی که برای خود پیش می‌فرستید، [پاداش] آن را نزد الله خواهید یافت. یقیناً الله به آنچه انجام می‌دهید بیناست.

وَقَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَن
كَانَ هُودًا أَوْ نَصْرِيًّا ۗ تِلْكَ
أُمَانِيُّهُمْ ۗ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِن
كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿١١١﴾

(۱۱۱) [اهل کتاب] گفتند: «جز یهودی یا نصرانی، [هیچ کس] هرگز وارد بهشت نخواهد شد». این آرزوهای [واهی و باطل] آنهاست. [ای پیامبر، به آنان] بگو: «اگر راست می‌گویید، دلیل خود را بیاورید».

بَلَىٰ مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿۱۱۲﴾

(۱۱۲) آری، کسی که روی خود را مخلصانه تسلیم الله کند و نیکوکار باشد، پاداش او نزد پروردگارش [محفوظ] است و [چنین کسانی] نه ترسی خواهند داشت و نه اندوهگین می‌شوند.

وَقَالَتِ الْيَهُودُ لَيْسَتْ الْتَّصْرَىٰ عَلَىٰ شَيْءٍ وَقَالَتِ الْتَّصْرَىٰ لَيْسَتْ الْيَهُودُ عَلَىٰ شَيْءٍ وَهُمْ يَتْلُونَ الْكِتَابَ كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ مِثْلَ قَوْلِهِمْ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿۱۱۳﴾

(۱۱۳) یهود گفتند: «نصاری بر حق نیستند [و آیین صحیحی ندارند]» و نصاری [نیز] گفتند: «یهود بر حق نیستند [و آیین صحیحی ندارند]»؛ در حالی که [هر دو گروه] آنان کتاب [آسمانی] را می‌خوانند؛ همچنین کسانی [مانند مشرکان] که [از پیام الهی هیچ] نمی‌دانند، [سخنی] همانند آنان گفتند. پس الله روز قیامت، در مورد آنچه با هم اختلاف داشتند، میانشان داوری خواهد کرد.

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن مَنَّ مَسْجِدًا لِلَّهِ أَنْ يُدْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا أُولَٰئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿۱۱۴﴾

(۱۱۴) کیست ستمکارتر از آن کس که از بردن نام الله در مساجد جلوگیری کند و در ویرانی آنها بکوشد؟ شایسته نیست که آنان جز با حال وحشت و ترس وارد این مساجد شوند. بهره آنان در دنیا، خواری و رسوایی است و در آخرت [نیز] عذاب بزرگی [در پیش] دارند.

وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَتَمَّ وَجْهُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ

(۱۱۵) مشرق و مغرب، از آن الله است؛ پس به هر سو رو کنید، آنجا وجه الله [= قبله] است.

همانا الله گشایشگرِ داناست.

عَلِيمٌ ﴿۱۱۵﴾

(۱۱۶) [اهل کتاب و مشرکان] گفتند: «الله [برای خود] فرزندی برگزیده است». او [از چنین نسبت‌هایی] منزّه است. [الله نه تنها نیازی به فرزند ندارد] بلکه [هر] آنچه در آسمان‌ها و زمین است متعلق به اوست [و] همه فرمانبردارِ او هستند.

وَقَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سُبْحٰنَهُ ۗ
بَل لَّهٗ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۗ
كُلُّ لَهٗ وَقِيَّتُونَ ﴿۱۱۶﴾

(۱۱۷) [او] پدیدآورندهٔ آسمان‌ها و زمین است و چون به کاری اراده فرماید، فقط به آن می‌گوید: «باش»؛ پس [بی‌درنگ] به وجود می‌آید.

بَدِيعُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۗ وَاِذَا
قَضٰۤی اَمْرًا فَاِنَّمَا يَقُوْلُ لَهٗ وَاكُنْ
فَاَكُوْنُ ﴿۱۱۷﴾

(۱۱۸) کسانی که [از اهل کتاب و مشرکان هستند و از آیین الهی چیزی] نمی‌دانند گفتند: «چرا الله با ما سخن نمی‌گوید؟ یا [چرا] معجزه و نشانه‌ای برای ما نمی‌آید؟» کسانی که پیش از اینان بودند [نیز] مانند همین سخن را می‌گفتند. [افکار و] دل‌هایشان، همانند یکدیگر است. بی‌تردید، ما نشانه‌ها [ی] یگانگی و قدرتِ خویش] را برای گروهی که یقین دارند، آشکار و روشن ساخته‌ایم.

وَقَالَ الَّذِيْنَ لَا يَعْلَمُوْنَ لَوْلَا
يُكَلِّمُنَا اللّٰهُ اَوْ تَاْتِيْنَاۤ اٰیٰتُهٗ
كَذٰلِكَ قَالَ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ
مِثْلَ قَوْلِهِمْ تَشَبَهَتْ قُلُوْبُهُمْ قَدْ
بَيَّنَّا الْاٰیٰتِ لِقَوْمٍ يُوقِنُوْنَ ﴿۱۱۸﴾

(۱۱۹) [ای پیامبر،] ما تو را به حق فرستادیم تا بشارت‌بخش و بیم‌دهنده باشی و [تو هرگز در آخرت] دربارهٔ [کفر و بی‌دینی] دوزخیان بازخواست نخواهی شد.

اِنَّا اَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيْرًا
وَنذِيْرًا ۗ وَلَا تُسْئَلُ عَنْ اَصْحٰبِ
الْجَحِيْمِ ﴿۱۱۹﴾

وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا
 النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ ۗ قُلْ
 إِنَّ هُدَىٰ اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ ۗ وَلَئِن
 آتَبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعَدَ الَّذِي
 جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ
 مِن وَّلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿۱۲۰﴾

(۱۲۰) یهود و نصاری هرگز از تو راضی نخواهند شد، مگر اینکه از آیین آنان پیروی کنی. بگو: «بی‌تردید، هدایت [راستین]، هدایتِ الله است»؛ و [یقین بدان] اگر پس از دانشی که به تو رسیده است از هوس‌های آنان پیروی کنی، در برابرِ الله هیچ دوست و یآوری نخواهی داشت.

الَّذِينَ ءَاتَيْنَهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ
 حَقًّا تِلَاوَتِهِ ۚ أُولَٰئِكَ يُؤْمِنُونَ
 بِهِ ۗ وَمَن يَكْفُرْ بِهِ ۚ فَأُولَٰئِكَ
 هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿۱۲۱﴾

(۱۲۱) کسانی که کتاب آسمانی [= تورات و انجیل] به آنها داده‌ایم [و] آن را چنان که شایسته است می‌خوانند، به [مطالب] آن [که دربارهٔ حقانیت محمد ﷺ و رسالتش است] ایمان می‌آورند؛ و کسانی که به او [و آیینش] کافر شوند آنانند که زیانکارند.

يَبْنَئِي إِسْرَائِيلَ أَذْكُرُوا نِعْمَتِيَ
 الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَلِي
 فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿۱۲۲﴾

(۱۲۲) ای بنی‌اسرائیل، نعمتم را که بر شما ارزانی داشتم به یاد آورید و اینکه شما را [به دلیل برخورداری از پیامبران متعدد و حق فرمانروایی]، بر مردم [زمان خودتان] برتری بخشیدم.

وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَن
 نَّفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا عَدْلٌ
 وَلَا تَنْفَعُهَا شَفَعَةُ وَلَا هُمْ
 يُنصَرُونَ ﴿۱۲۳﴾

(۱۲۳) از روزی بترسید که هیچ کس از دیگری دفاع نمی‌کند و هیچ تاوان و فدیهای از او پذیرفته نمی‌شود و هیچ شفاعتی سودی برایش ندارد و [انسان‌ها] یاری نمی‌شوند.

﴿وَإِذْ أَخْبَأْنَا إِبْرَاهِيمَ رَبِّهِ بِكَلِمَتِ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ ﴿۱۲۴﴾﴾

(۱۲۴) و [ای پیامبر، یاد کن از] هنگامی که الله ابراهیم را با سخنانی [مشمول بر احکام و تکالیف شرعی] آزمود و او همه را به خوبی به انجام رساند. [الله به وی] فرمود: «من تو را پیشوای مردم قرار می‌دهم». [ابراهیم] گفت: «[پروردگارا] از فرزندانم [نیز پیشوایانی قرار بده تا مردم به آنان اقتدا کنند]». [الله] فرمود: «عهد و پیمان من [با تو در مورد پیشوایی دین]، به ستمکاران نمی‌رسد».

﴿وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنَاً وَآخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلِّينَ وَعَهِدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ ﴿۱۲۵﴾﴾

(۱۲۵) و [یاد کن از] هنگامی که خانه [کعبه] را محل بازگشت [حاجیان مشتاق] و [مکان] امنی برای مردم قرار دادیم و [مقرر کردیم که] مقام ابراهیم را نمازگاهی برای خویش انتخاب کنید؛ و ما به ابراهیم و اسماعیل وحی کردیم که: «خانه مرا برای طواف کنندگان و مُعتکفان و رکوع و سجده کنندگان [= نمازگزاران] پاک و پاکیزه کنید».

﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُم بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ قَالَ وَمَنْ كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَىٰ

(۱۲۶) و [یاد کن از] هنگامی که ابراهیم گفت: «پروردگارا، این [سرزمین مکه] را شهری امن بگردان و اهل آن را - [یعنی] کسانی از ایشان را که به الله و روز قیامت ایمان آورده‌اند - از میوه‌های [گوناگون] روزی ده». [الله] فرمود: «هر کس کافر شود، اندکی بهره‌مندش می‌سازم،

عَذَابِ النَّارِ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿۱۲۶﴾ سپس او را به عذاب آتش [دوزخ] می‌کشانم؛ و چه بد سرانجامی است!.

وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿۱۲۷﴾ و [یاد کن از] هنگامی که ابراهیم و اسماعیل پایه‌های خانه [کعبه] را بالا می‌بردند [و می‌گفتند]: «پروردگارا، [اعمال نیک ما - از جمله بنای این خانه مقدس را] از ما بپذیر که بی‌تردید، تو شنوای دانایی.

رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمَيْنِ لَكَ وَمِن ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُّسْلِمَةً لَّكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿۱۲۸﴾ پروردگارا! ما را [تسلیم و] فرمانبردار خود قرار بده و از نسل ما [نیز] امتی فرمانبردار خود [پدید آور] و آداب عبادت‌مان را به ما نشان بده و توبه ما را بپذیر. حقا که تو توبه‌پذیرِ مهربانی.

رَبَّنَا وَأَبْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿۱۲۹﴾ پروردگارا، در میان آنان [= مردم مکه] پیامبری از خودشان [از نسل اسماعیل] برانگیز تا آیات تو را بر آنان بخواند و کتاب و حکمت [= قرآن و سنت] به آنان بیاموزد و [از شرک و نادانی] پاکیزه‌شان گرداند. همانا که تو پیروزمندِ حکیمی.

وَمَنْ يَرْغَبْ عَنِ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مِنْ سَفَهٍ نَّفْسَهُ ۗ وَلَقَدْ اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ ﴿۱۳۰﴾ و چه کسی جز آن که خود را به [سبکسری و] نادانی می‌اندازد از آیین ابراهیم رویگردان می‌گردد؟ و به راستی که ما او را در دنیا برگزیدیم و بی‌تردید، در آخرت [نیز] از شایستگان خواهد بود.

إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمْتُ قَالَ
 أَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۱۳۱﴾
 (۱۳۱) آنگاه که پروردگارش به او فرمود:
 «[خالصانه] تسلیم شو» [و او در پاسخ] گفت:
 «تسلیم پروردگار جهانیان شدم».

وَوَصَّىٰ بِهَا إِبْرَاهِيمَ بَنِيهِ وَيَعْقُوبَ
 يَبْنَئِي إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ لَكُمْ
 الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ
 مُسْلِمُونَ ﴿۱۳۲﴾
 (۱۳۲) و ابراهیم و یعقوب فرزندان را به
 این [آیین] سفارش کردند [و هر یک به آنان
 می گفتند]: «ای فرزندان من، الله این آیین را
 برای شما برگزیده است [پس به آن بگروید] و
 از دنیا نروید مگر اینکه تسلیم [فرمان حق]
 باشید».

أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ
 يَعْقُوبَ الْمَوْتَ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا
 تَعْبُدُونَ مِن بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ
 إِلَهَكَ وَآلَهُ ءَأَبَايَكَ إِبْرَاهِيمَ
 وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَهًا وَاحِدًا
 وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ﴿۱۳۳﴾
 (۱۳۳) آیا هنگامی که مرگ یعقوب فرا رسید،
 شما حاضر بودید؟ آنگاه که به فرزندان گفت:
 «بعد از من چه چیز را عبادت می کنید؟»
 گفتند: «معبود تو و معبود پدرانت - ابراهیم و
 اسماعیل و اسحاق - الله یکتا را عبادت
 می کنیم و ما تسلیم او هستیم».

تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا
 كَسَبَتْ وَلكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَلَا
 تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۱۳۴﴾
 (۱۳۴) آنان امتی بودند که درگذشتند؛ آنچه
 که [از نتیجه اعمالشان] کسب کرده اند، از آن
 خودشان است و آنچه شما کسب کرده اید از
 آن خودتان است؛ و شما درباره آنچه [انان]
 انجام می دادند بازخواست نخواهید شد.

وَقَالُوا كُونُوا هُودًا أَوْ نَصْرَىٰ

(۱۳۵) و [اهل کتاب] گفتند: «یهودی یا

نصرانی شوید تا هدایت یابید». [ای پیامبر، به آنان] بگو: «[نه از آیین شما] بلکه از آیین ابراهیم [پیروی می‌کنیم] که حقگرا بود و هرگز در زمرهٔ مشرکان نبود».

تَهْتَدُوا قُلْ بَلْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿۱۳۵﴾

(۱۳۶) [ای مؤمنان، به اهل کتاب] بگویید: «ما به الله ایمان آورده‌ایم و به آنچه بر ما نازل شده است و به آنچه که بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و نوادگان [یعقوب] نازل گردید و [همچنین] به آنچه که به موسی و عیسی داده شده است و به آنچه که به پیامبران [دیگر] از طرف پروردگارشان داده شده است؛ [آری به همهٔ آنان ایمان می‌آوریم] و میان هیچ یک از ایشان تفاوت نمی‌گذاریم و ما [همگی] تسلیم الله هستیم».

قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا مِنْ رَبِّهِمْ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطَ وَمَا أُوتِيَ مُوسَى وَعِيسَى وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ﴿۱۳۷﴾

(۱۳۷) پس اگر آنان [نیز] به آنچه شما ایمان آورده‌اید ایمان آوردند، قطعاً هدایت یافته‌اند؛ و اگر پشت کنند، پس جز این نیست که قطعاً سرستیز [و جدایی] دارند؛ پس [ای پیامبر، پروردگار یکتا برای حمایت تو کافی است و] به زودی الله [شرّاً] آنها را از تو دفع خواهد نمود و او شنوای داناست.

فَإِنْ آمَنُوا بِمِثْلِ مَا آمَنْتُمْ بِهِ فَقَدْ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا هُمْ فِي شِقَاقٍ فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿۱۳۸﴾

(۱۳۸) رنگ الهی [و دین او را بپذیرید و به آن پایبند باشید] و چه کسی خوش‌نگارتر از الله است؟ و ما تنها او را عبادت می‌کنیم.

صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ ﴿۱۳۸﴾

قُلْ أَتُحَاجُّونَنَا فِي اللَّهِ وَهُوَ رَبُّنَا
وَرَبُّكُمْ وَلَنَا أَعْمَلُنَا وَلَكُمْ
أَعْمَلُكُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُخْلِصُونَ ﴿۱۳۹﴾
«ای پیامبر، به اهل کتاب] بگو: (آیا
دربارهٔ الله با ما مجادله می‌کنید؟! در حالی که
او پروردگار ما و شماست و کردار ما از آن ما و
کردار شما از آن شماست؛ و ما او را با اخلاص
عبادت می‌کنیم)».

أَمْ تَقُولُونَ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ
وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطَ
كَانُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى قُلْ عَأَنْتُمْ
أَعْلَمُ أَمْ اللَّهُ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن
كُتِمَ شَهَادَةٌ عِنْدَهُ مِنْ اللَّهِ وَمَا
اللَّهُ بِغَفِيلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿۱۴۰﴾
«[آیا] می‌گویید: «ابراهیم و اسماعیل و
اسحاق و یعقوب و نوادگان [یعقوب] یهودی یا
نصرانی بودند [در حالی که یهودیت و نصرانیت
پس از این پیامبران به وجود آمده‌اند]؟» بگو:
«شما داناترید یا الله؟» و کیست ستمکارتر از
آن کس که شهادتی را که از [جانب] الله [در
کتاب‌های آسمانی دربارهٔ این پیامبران آمده و]
نزد اوست کتمان می‌کند؟ و [یقین بدانید که]
الله از آنچه می‌کنید غافل نیست».

تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا
كَسَبَتْ وَلَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَلَا
تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۱۴۱﴾
«[به هر حال،] آنان امتی بودند که
درگذشتند؛ آنچه که [از نتیجهٔ اعمالشان]
کسب کرده‌اند، از آن خودشان است و آنچه
شما کسب کرده‌اید از آن خودتان است؛ و شما
دربارهٔ آنچه [آنان] انجام می‌دادند بازخواست
نخواهید شد».

سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا
وَلَّيْنَاهُمْ عَنْ قِبَلَتِهِمْ الَّتِي كَانُوا
﴿۱۴۲﴾ به زودی گروهی از مردم کم‌خرد
[یهودی] خواهند گفت: «چه چیزی آنها
[مسلمانان] را از قبله‌شان [= بیت‌المقدس]

عَلَيْهَا قُلْ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿١٤٢﴾

که بر آن بودند [به سوی کعبه] بازگرداند؟» [ای پیامبر،] بگو: «مشرق و مغرب از آن الله است؛ هرکس را بخواهد، به راه راست هدایت می کند».

وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعِ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَى عَقْبَيْهِ وَإِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِيعَ إِيمَانَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَعُوفٌ رَحِيمٌ ﴿١٤٣﴾

همان گونه [که قبله ای پسندیده برای شما برگزیدیم] شما را نیز، امتی میانه [رو و اهل اعتدال] قرار دادیم تا [در روز قیامت] بر مردم گواه باشید [که پیامبران الهی پیامشان را به درستی ابلاغ کردند]؛ و پیامبر بر شما گواه باشد [که کلام الله را به شما رسانده است]؛ و ما قبله ای را که پیشتر بر آن بودی [= بیت المقدس، قبله] قرار ندادیم، مگر به این هدف تا کسی را که از پیامبر پیروی می کند، از کسی که به عقب بازمی گردد [و از اطاعت الله و رسولش رویگردان می شود] مشخص کنیم. مسلماً این [حکم،] جز بر کسانی که الله هدایتشان کرده باشد، سنگین و دشوار است. الله هرگز ایمان [و نماز] شما را ضایع نمی گرداند. به راستی که الله نسبت به مردم، دلسوز و مهربان است.

قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا

[ای پیامبر،] به راستی که ما گرداندنِ رویت به [سوی] آسمان را [که در انتظار وحی الهی برای تغییر قبله هستی] می بینیم. اکنون تو را به [سوی] قبله ای بازمی گردانیم که به آن راضی شوی؛ پس روی خود را به سوی

وَجُوهَكُمْ سَطَّرَهُ^ط وَإِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ^ط وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ ﴿١٤٤﴾

مسجدالحرام کن و [شما نیز ای مؤمنان، برای ادای نماز] هر جا بودید، روی خود را به سوی آن بگردانید. کسانی که کتاب [آسمانی] به آنها داده شد، به خوبی می‌دانند که این [تغییر قبله، فرمانی] حق [و] از جانب پروردگارشان است؛ و الله از آنچه می‌کنند غافل نیست.

وَلَئِنْ أَتَيْتَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ بِكُلِّ آيَةٍ مَّا تَبِعُوا قِبْلَتَكَ وَمَا أَنْتَ بِتَابِعٍ قِبْلَتَهُمْ وَمَا بَعْضُهُمْ بِتَابِعٍ قِبْلَةَ بَعْضٍ وَلَئِنْ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّكَ إِذَا لَمِنَ الظَّالِمِينَ ﴿١٤٥﴾

(۱۴۵) اگر برای کسانی که کتاب [آسمانی] به آنان داده شده است هر گونه نشانه [و دلیلی برای حقانیت تغییر قبله] بیاوری، [باز هم] از قبله تو پیروی نمی‌کنند و تو [نیز] از قبله آنان پیروی نخواهی کرد و برخی از آنان نیز از قبله برخی دیگر پیروی نمی‌کنند؛ و اگر پس از آنکه علم و دانش به تو رسیده است، از خواسته‌های [نفسانی] آنان [در مورد قبله و سایر احکام] پیروی کنی، مسلماً از ستمکاران خواهی بود.

الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ آبْنَاءَهُمْ^ط وَإِنَّ فَرِيقًا مِّنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿١٤٦﴾

(۱۴۶) کسانی که به آنان کتاب [آسمانی] داده‌ایم، او [= محمد ﷺ] را چنان می‌شناسند که فرزندان خود را می‌شناسند [و می‌دانند که سخنش برحق است]؛ و [الی] گروهی از آنان - در حالی که خود نیز می‌دانند - حق را کتمان می‌کنند.

الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ ﴿١٤٧﴾

(۱۴۷) ای پیامبر، آنچه بر تو نازل می‌گردد، حکم [حق] از جانب پروردگارِ توست؛ پس هرگز از تردیدکنندگان مباش.

(۱۴۸) هر [امتی] جهتی دارد که [هنگام نماز] به آن رو می‌کند؛ پس [شما ای مؤمنان] در نیکی‌ها [بر یکدیگر] سبقت بگیرید. هر جا که باشید، الله [در روز قیامت]، همه شما را حاضر می‌کند. همانا الله بر هر چیزی تواناست.

وَلِكُلِّ وِجْهَةٍ هُوَ مُوَلِّيٰهَا فَاسْتَبِقُوا
الْخَيْرَاتِ اِنَّ مَا تَكُونُوا يَاتِ
بِكُمْ اَللّٰهُ جَمِيعًا اِنَّ اَللّٰهَ عَلٰى كُلِّ
شَيْءٍ قَدِيْرٌ ﴿۱۴۸﴾

(۱۴۹) [ای پیامبر]، از هر مکانی که [به قصد سفر] خارج شدی، [هنگام نماز] روی خود را به سوی مسجدالحرام کن؛ و به درستی که این [قبله] حق [و] از جانب پروردگارت است؛ و الله از آنچه می‌کنید غافل نیست.

وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ
شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَاِنَّهُ
لَلْحَقُّ مِنْ رَّبِّكَ وَمَا اَللّٰهُ بِغَفِيْلٍ
عَمَّا تَعْمَلُوْنَ ﴿۱۴۹﴾

(۱۵۰) و از هر مکانی که بیرون رفتی، [هنگام نماز] روی خود را به سوی مسجدالحرام کن و [شما ای مؤمنان]، هر جا که بودید، روی خود را به سوی آن [مسجد] کنید تا مردم علیه شما حجتی نداشته باشند [تا با استناد به آنها بهانه‌تراشی کنند]؛ مگر کسانی از آنان که ستم کردند [و همواره دشمنان خواهند بود]؛ پس از آنان نترسید و از من بترسید [این تغییر قبله به این هدف بود] که نعمتم را بر شما تمام کنم [و شما را متمایز سازم]؛ باشد که هدایت شوید.

وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ
شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا
كُنْتُمْ فَوَلُّوْا وُجُوْهَكُمْ شَطْرَهُ
لِيْلَّا يَكُوْنَ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ
حُجَّةٌ اِلَّا الَّذِيْنَ ظَلَمُوْا مِنْهُمْ فَلَا
تَحْشَوْهُمْ وَاَحْشَوْنِيْ وَاِلَيْمُ نِعْمَتِيْ
عَلَيْكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَهْتَدُوْنَ ﴿۱۵۰﴾

(۱۵۱) همچنان که [نعمت دیگری نیز به شما ارزانی داشتیم و] پیامبری از خودتان به میانتان فرستادیم که آیات ما را بر شما

كَمَا اَرْسَلْنَا فِيْكُمْ رَسُوْلًا
مِّنْكُمْ يَتْلُوْا عَلَيْكُمْ اٰيَاتِنَا

وَيُزَكِّيْكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ ﴿١٥١﴾

می خواند و شما را [با امر به معروف و نهی از منکر، از پلیدی‌ها] پاک می گرداند و کتاب و حکمت [= قرآن و سنت] به شما می آموزد و آنچه را [که از امور دین و دنیایان] نمی دانستید به شما آموزش می دهد.

فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ ﴿١٥٢﴾

(۱۵۲) پس مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم و شکر مرا به جای آورید و از من ناسپاسی نکنید.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ ﴿١٥٣﴾

(۱۵۳) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از شکیبایی و نماز یاری بجوئید [که] بی تردید، الله با شکیبایان است.

وَلَا تَقُولُوا لِمَن يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَٰكِن لَّا تَشْعُرُونَ ﴿١٥٤﴾

(۱۵۴) و به کسانی که در راه الله کشته می شوند، مُرده نگوئید؛ بلکه آنان [نزد پروردگارشان] زنده اند؛ ولی شما نمی فهمید.

وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقِصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ ﴿١٥٥﴾

(۱۵۵) و قطعاً شما را با چیزی از [قبیل] ترس و گرسنگی [= قحطی] و زیان مالی [= نابودی] یا دشواری کسبِ آن [و جانی [= مرگ و میر یا شهادت] و زیان محصولات [کشاورزی] می آزماییم؛ و [ای پیامبر]، شکیبایان را [به آنچه در دنیا و آخرت برایشان فراهم می آید] بشارت بده؛

الَّذِينَ إِذَا أَصَبْتَهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ﴿۱۵۶﴾
 (۱۵۶) همان کسانی که هر گاه مصیبتی به ایشان می‌رسد [از روی رضایت و تسلیم] می‌گویند: «به راستی که ما از آن‌الله هستیم و به سوی او بازمی‌گردیم».

أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ ﴿۱۵۷﴾
 (۱۵۷) اینها هستند که درودها و رحمتی از پروردگارشان برایشان است و همینان هدایت‌یافتگانند.

وَإِنَّ الصَّافِيَ وَالْمَرَّةَ مِن شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ ﴿۱۵۸﴾
 (۱۵۸) «صفا» و «مره» از نشانه‌های [ظاهری شریعت] الله است؛ پس هر کس که حج خانه [کعبه] یا عمره به جای می‌آورد بر او گناهی نیست که طواف [= سعی] بین آن دو را [نیز] انجام دهد [و این کار، از رفتارهای جاهلیت تلقی نمی‌گردد]؛ و کسی که به میل خود کار نیکی انجام دهد، [بداند که] بی‌تردید، الله سپاس‌گزار و داناست.

إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّعِينُونَ ﴿۱۵۹﴾
 (۱۵۹) کسانی که دلایل روشن و هدایتی را که نازل کرده‌ایم - پس از آنکه در کتاب [= تورات و انجیل] برای مردم بیان نمودیم - پنهان می‌دارند، الله آنان را لعنت می‌کند و لعنت‌کنندگان [- اعم از فرشتگان و مؤمنان - نیز] بر آنان لعنت می‌کند؛

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنَّوْا

فَأُولَٰئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَأَنَا
التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿١٦٠﴾
ناشایستِ خود را [اصلاح نمایند و [حقیقت را]
آشکار سازند؛ اینان هستند که توبه‌شان را
می‌پذیرم و من توبه‌پذیرِ مهربانم.

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ
كُفَّارًا أُولَٰئِكَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ
وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ﴿١٦١﴾
کوشیدند] و در حال کفر مُردند، لعنتِ الله و
فرشتگان و همهٔ مردم بر آنها خواهد بود.

خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ
الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ ﴿١٦٢﴾
در آن [لعنت و عذاب] جاودانه باقی
می‌مانند و نه از عذابشان کاسته می‌شود و نه
مهلت [عذرخواهی] می‌یابند.

وَاللَّهُكُمْ إِلَهٌُ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا
هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ﴿١٦٣﴾
[ای مردم،] معبودِ شما معبودی یگانه
است [که] جز او [هیچ] معبودی [به‌حق]
نیست؛ [او] بخشندهٔ مهربان است.

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
وَإِخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ
الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ
النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ
مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ
مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ
وَتَصْرِيفِ الرِّيْحِ وَالسَّحَابِ
الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ
لَايَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿١٦٤﴾
(۱۶۴) به راستی، در آفرینش آسمان‌ها و زمین
و گذرِ شب و روز و کشتی‌هایی که برای
بهره‌برداریِ مردم در دریا روانند و آبی که الله
از آسمان نازل نموده است که با آن زمین را
پس از مردنش [و نابود شدن گیاه آن] زنده
کرده و انواع جنبندگان را در آن پراکنده است
و [همچنین] در تغییر مسیرِ باده‌ها و ابرهایی که
در میان آسمان و زمین به خدمت [انسان]
گماشته شده‌اند، برای کسانی که می‌اندیشند،
نشانه‌هایی [واضح از قدرت پروردگار] است.

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِن دُونِ اللَّهِ أَندَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرُونَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ ﴿١٦٥﴾

(۱۶۵) [با وجود این آیات روشن،] برخی از مردم، همتایانی غیر از الله را [برای عبادت] برمی‌گزینند و آنها را همچون الله دوست می‌دارند؛ و [الی] کسانی که ایمان آورده‌اند الله را بیشتر دوست دارند؛ و کسانی که [با ارتکاب شرک و گناهان، بر خود] ستم کردند، هنگامی که عذاب [قیامت] را ببینند، [خواهند دانست] که تمام قدرت از آن الله است و اینکه الله سخت‌کیفر است.

إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَرَأَوْا الْعَذَابَ وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ ﴿١٦٦﴾

(۱۶۶) آنگاه که رهبران [گمراهگر] از پیروان خود بیزار می‌جویند و عذاب را می‌بینند و اسباب [و تمام روابطی که موجب نجاتشان می‌شد، همگی] قطع شود.

وَقَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّنَا لَتَا كَرَّةً فَتَنَبَّرْنَا مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّءُوا مِنَّا كَذَلِكَ يُرِيهِمُ اللَّهُ أَعْمَلَهُمْ حَسْرَتٍ عَلَيْهِمْ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ ﴿١٦٧﴾

(۱۶۷) و [در آن هنگام،] کسانی که [در دنیا از رهبران گمراهگر] پیروی کرده بودند می‌گویند: «کاش بازگشتی [به دنیا] برای ما بود تا همان گونه که آنان از ما بیزاری جستند [ما نیز] از آنها بیزاری می‌جستیم». الله اینچنین رفتارشان را که مایه حسرتشان است به آنان نشان می‌دهد و [کافران] هرگز از آتش [دوزخ] بیرون نخواهند آمد.

يَتَأْتِيهَا النَّاسُ كَلْبًا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَلًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا

(۱۶۸) ای مردم، از آنچه در زمین است حلال و پاکیزه بخورید و از [راه‌ها و] گام‌های شیطان

[که به وسیله آنها به تدریج شما را به سوی عذاب می کشد] پیروی نکنید که به راستی او دشمن آشکار شماست.

حُطُوتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ
عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴿۱۶۸﴾

(۱۶۹) [او] شما را فقط به بدی و زشتی فرمان می دهد و اینکه [بر آن می دارد تا] آنچه را که نمی دانید به الله نسبت دهید.

إِنَّمَا يَأْمُرُكُمْ بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ
وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا
تَعْلَمُونَ ﴿۱۶۹﴾

(۱۷۰) و هنگامی که به آنان [= کافران] گفته شود: «از آنچه الله نازل کرده است پیروی کنید»، می گویند: [نه]، بلکه ما از چیزی که پدران خود را بر آن یافتیم پیروی می کنیم. آیا اگر پدرانشان [از حقیقت] چیزی نفهمیده و هدایت نیافته باشند [باز هم کورکورانه از آنان پیروی می کنند]؟

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ
قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ
ءَابَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانِ ءَابَاؤُهُمْ لَا
يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ ﴿۱۷۰﴾

(۱۷۱) مثل [دعوت تو - ای محمد - برای هدایت این] کافران، همچون کسی است که چهارپایی را صدا می زند ولی آن [چهارپا] چیزی جز صدا و آوایی نمی شنود؛ [و حقیقت آن را درک نمی کند. این کافران نیز چنین اند که در مواجهه با حق،] کر و لال و کور هستند و از این رو نمی اندیشند.

وَمَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ
الَّذِي يَنْعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا
دُعَاءَ وَنِدَاءَ صُمٌّ بُكْمٌ عُمْى
فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ ﴿۱۷۱﴾

(۱۷۲) ای کسانی که ایمان آورده اید، از نعمت های پاکیزه ای که روزی شما کرده ایم

يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُلُوا مِنْ
طَيْبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَأَشْكُرُوا

لِلَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ ﴿١٧٢﴾ بخورید و شکرِ الله را به جای آورید اگر تنها او را عبادت می‌کنید.

إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالْدَّمَ وَحَلْمَ الْخَنزِيرِ وَمَا أَهَلَ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَآئِحٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنْ أَلَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٧٣﴾ (۱۷۳) به تحقیق، [الله] مُردار و خون و گوشت خوک و آنچه را که [هنگام ذبح،] نامِ غیرِ الله بر آن برده شود بر شما حرام کرده است؛ پس هر کس [برای حفظ جان خود، به خوردن آنها] ناچار شود، در صورتی که سرکش و زیاده‌خواه نباشد، بر او گناهی نیست. به راستی که الله آمرزندهٔ مهربان است.

إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ الْكِتَابِ وَيَشْتَرُونَ بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَئِكَ مَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٧٤﴾ (۱۷۴) کسانی که آنچه را الله در کتاب [تورات دربارهٔ نبوت محمد ﷺ] نازل کرده است کتمان می‌کنند و آن را [برای کسبِ مال و مقامِ دنیا] به بهای اندکی می‌فروشند، [در حقیقت] جز آتش در شکم‌هایشان فرو نمی‌برند و الله روز قیامت با آنان سخن نمی‌گوید و [از پلیدی گناه] پاکشان نمی‌کند و عذاب دردناکی خواهند داشت.

أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالََةَ بِالْهُدَىٰ وَالْعَذَابَ بِالْمَغْفِرَةِ فَمَا أَصْبَرَهُمْ عَلَى النَّارِ ﴿١٧٥﴾ (۱۷۵) اینان همان کسانی هستند که گمراهی را به [بهای] هدایت و عذاب را به [بهای] آمرزش خریدند؛ پس بر [تحمل] آتش [دوزخ] چه شکیبا هستند!

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ نَزَّلَ الْكِتَابَ (۱۷۶) این [مجازات بر کتمان حق،] به خاطر

آن است که الله کتاب [های آسمانی] را به حق نازل کرده است و کسانی که در آن اختلاف کردند، دشمنی بسیار دور و درازی [با حقیقت] دارند.

(۱۷۷) نیکی [فقط] این نیست که [برای نماز] روی خود را به سوی مشرق و [یا] مغرب بگردانید؛ بلکه نیکی آن است که کسی به الله و روز قیامت و فرشتگان و کتاب [آسمانی] و پیامبران ایمان آورد و مال [خود] را - با وجود دوست داشتنش - به خویشاوندان و یتیمان و مستمندان و در راهمندگان و درخواست‌کنندگان [= گدایان] و در [راه آزادی] بردگان ببخشد و نماز برپا دارد و زکات بپردازد؛ و [نیز] کسانی که چون عهد می‌بندند به پیمانشان وفا می‌کنند و [کسانی که] در فقر و سختی و زیان و بیماری و به هنگام [شدت گرفتن] نبرد، [پایداری و] شکیبایی می‌کنند؛ آنان [که به این ویژگی‌ها آراسته‌اند] کسانی هستند که راست گفتند و همانان پرهیزگارانند.

(۱۷۸) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، در [مورد] کشتگان [ی که از روی عمد به قتل رسیده‌اند، حکم] قصاص بر شما مقرر گشته است: آزاد در برابر آزاد و برده در برابر برده و

بِالْحَقِّ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِي الْكِتَابِ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ ﴿۱۷۶﴾

لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قَبْلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالرَّسُولِ وَعَآتَى الْمَالِ عَلَىٰ حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّالِفِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَءَاتَى الزَّكَاةَ وَالْمُؤْمِنِينَ بَعْدَهُمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ ﴿۱۷۷﴾

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ ۗ الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ

زن در برابر زن. پس اگر کسی از جانب برادر [دینی] اش [یعنی ولی مقتول]، چیزی [از حق قصاص] به او گذشت شود، [از سوی عفو کننده] باید خوشرفتاری شود [و سختگیری و بدرفتاری نشود، و از سوی قاتل نیز به ولی مقتول] پرداخت [دیه] با نیکی انجام گیرد [و در آن کم و کاست نباشد]. این [حکم]، تخفیف و رحمتی است از سوی پروردگارتان؛ پس اگر کسی بعد از آن [گذشت و قبول دیه] تجاوز کند، عذابی دردناک [در انتظار] دارد.

وَالَّذِينَ بِالْأُنثَىٰ فَمَنّٰ عَفَىٰ لَهُۥ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتِّبَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ۗ ذَٰلِكَ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ ۗ فَمَنِ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَٰلِكَ فَلَهُۥ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿۱۷۸﴾

(۱۷۹) ای خردمندان، در قصاص برای شما [تداوم] زندگی است؛ باشد که تقوا پیشه کنید.

وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيٰوةٌ يَّأُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿۱۷۹﴾

(۱۸۰) بر شما مقرر شده است که هر گاه زمان مرگ یکی از شما فرا رسید، اگر مالی از خود به جای گذاشته است، برای پدر و مادر و خویشاوندان، به شیوه‌ای شایسته وصیت کند. این [کار]، حقی است بر پرهیزگاران [که باید انجام دهند].

كُتِبَ عَلَيْكُمُ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِن تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ ۗ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ ﴿۱۸۰﴾

(۱۸۱) پس هر کس آن [وصیت] را پس از شنیدنش تغییر دهد، گناهش تنها بر [عهده] کسانی است که آن را تغییر می‌دهند. به راستی که الله شنوای داناست.

فَمَن بَدَّلَهُۥ بَعْدَ مَا سَمِعَهُۥ فَإِنَّمَا إِثْمُهُۥ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُۥٓ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿۱۸۱﴾

فَمَنْ خَافَ مِنْ مَوْصٍ جَنَفًا أَوْ إِثْمًا فَأَصْلَحَ بَيْنَهُمْ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿۱۸۲﴾

(۱۸۲) اما کسی که از بی‌عدالتی [و تمایل بی‌جای] وصیت‌کننده [نسبت به بعضی ورثه] یا از گناه او [در وصیت نامشروع] بترسد و [با اصلاح وصیت] میان آنان [= وارثان]، سازش برقرار کند، بر او گناهی نیست [و مشمول حکم تبدیلِ وصیت نمی‌باشد]. همانا الله آمرزندهٔ مهربان است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿۱۸۳﴾

(۱۸۳) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، روزه بر شما واجب شده است همان‌گونه که بر کسانی که پیش از شما بودند [نیز] واجب شده بود؛ باشد که پرهیزگار شوید.

أَيَّامًا مَعْدُودَاتٍ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مَسْكِينٍ فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَّهُ وَأَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿۱۸۴﴾

(۱۸۴) روزهایی معین [را روزه‌داری کنید]؛ و هر کس از شما که بیمار یا مسافر باشد، [به اندازهٔ آن روزهایی که نتوانسته است روزه بگیرد] تعدادی از روزهای دیگر [را روزه بگیرد]؛ و بر کسانی که توانایی آن را ندارند، لازم است فدیهِ بدهند [و آن، به ازای هر روز]، خوراک دادن به یک مسکین است؛ و هر کس به میلِ خود [بیشتر] نیکویی کند، آن [افزون‌بخشی، به سودِ اوست و] برایش بهتر است؛ و اگر [فضیلت روزه‌داری را] بدانید، روزه برایتان بهتر [از افطار و پرداختِ فدیهِ] است.

شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ
 الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ
 مِّنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ فَمَن شَهِدَ
 مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَمَن
 كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ
 مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ
 الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ
 وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ
 عَلَى مَا هَدَيْتُكُمْ وَلَعَلَّكُمْ
 تَشْكُرُونَ ﴿۱۸۵﴾

(۱۸۵) ماه رمضان، [ماهی] است که قرآن در آن نازل شده است؛ [کتابی] که راهنمای مردم است و دلایل آشکاری از هدایت [با خود دارد] و جداکننده [حق از باطل] است. پس هر یک از شما [که مقیم و سالم است و] این ماه را دریابد، باید آن را روزه بدارد و هر کس که بیمار یا در سفر باشد، [باید به تعداد روزهایی که روزه نگرفته است] روزهای دیگری [را روزه بگیرد]. الله [با بیان این احکام،] برایتان آسانی می‌خواهد و دشواری نمی‌خواهد تا [بتوانید روزه ماه رمضان] را کامل کنید و الله را برای آنکه شما را هدایت کرده است، به بزرگی یاد کنید؛ باشد که شکر گزارید.

وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ ۖ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ ۖ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ ﴿۱۸۶﴾

(۱۸۶) و [ای پیامبر،] هرگاه بندگانم درباره من از تو بپرسند، [به آنان بگو] من نزدیکم و دعای دعاکننده را - هنگامی که مرا بخواند - اجابت می‌کنم؛ پس [آنان فقط] باید دعوت مرا بپذیرند و به من ایمان بیاورند؛ باشد که راه یابند.

أَحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ

(۱۸۷) [ای مؤمنان،] آمیزش با همسرانتان در شب [های] روزه، بر شما حلال گردیده است. آنان لباس شما هستند و شما لباس آنان [= مایه آرامش و سبب پاکدامنی یکدیگر] هستید.

فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ ۖ فَالَّذِينَ بَدِشُرُوهُنَّ وَأَبْتَغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ ۖ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ۖ ثُمَّ أَتُمُوا الصَّيَامَ إِلَى الْإِيلِ وَلَا تُبْشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَجِدِ ۗ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ ۗ فَلَا تَقْرُبُوهَا ۗ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ ۗ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ﴿۱۷۷﴾

الله می‌دانست که شما به خود خیانت می‌کردید [و با آنکه در اوایل اسلام، آمیزش پس از نماز عشاء در شب روزه حرام بود، شما به آن بی‌توجه بودید]؛ پس توبه‌تان را پذیرفت و از شما درگذشت؛ پس اکنون [در شب‌های روزه می‌توانید] با آنان آمیزش کنید و آنچه را که الله برایتان مقرر داشته است [از ایشان] طلب کنید. بخورید و بیاشامید تا رشتهٔ سپید صبح [= فجر صادق] از رشتهٔ سیاه [شب] برایتان آشکار گردد؛ آنگاه روزه را تا شب به پایان برسانید؛ و در حالی که در مساجد معتکف هستید با زنان آمیزش نکنید. این مرزهای [احکام] الهی است؛ پس به آنها نزدیک نشوید. الله اینچنین آیات [و احکام] خود را برای مردم روشن می‌سازد؛ باشد که پرهیزگار شوند.

وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿۱۷۸﴾

(۱۷۸) و اموالتان را بین خود به باطل [و ناحق] نخورید و برای آنکه بخشی از مال مردم را به گناه بخورید، قضیه را به حاکمان ارجاع ندهید، در حالی که خودتان می‌دانید [که این کار، گناه است].

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ ۗ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحُجَّ ۗ وَلَيْسَ

(۱۷۹) [ای پیامبر] از تو دربارهٔ هلال‌ها [ماهی] می‌پرسند؛ بگو: «آنها بیان اوقات [و تقویم طبیعی] برای مردم و [وسیلهٔ تعیین وقت] حج

هستند». نیکوکاری آن نیست که [مانند دوران جاهلیت، در حال احرام،] از پشت خانه‌ها وارد شوید؛ بلکه نیکی آن است که شخص تقوا پیشه کند؛ [پس پرهیزگار باشید] و به خانه‌ها از درهایشان وارد شوید و از الله بترسید؛ باشد که رستگار شوید.

الْبِرُّ بَأَن تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَىٰ وَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿۱۸۵﴾

(۱۹۰) و در راه الله با کسانی که با شما می‌جنگند، بجنگید و [الی با مُثله کردن و کشتن کودکان و زنان و کهنسالان] از حد تجاوز نکنید [که] به راستی، الله تجاوزگران را دوست ندارد.

وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقْتَلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ ﴿۱۹۰﴾

(۱۹۱) و آنان [= مشرکان] را هر کجا یافتید، بکشید و از آنها [= مکه] که شما را بیرون کرده‌اند اخراجشان کنید؛ زیرا فتنه [کفر و شرک و آزار رساندن به مسلمانان،] بدتر از قتل است؛ و [با وجود این،] در کنار مسجدالحرام با آنان پیکار نکنید مگر اینکه در آنها با شما بجنگند؛ پس اگر [در آنها] با شما جنگیدند، آنان را بکشید [که] سزای کافران چنین است.

وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُمْ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا تُقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّىٰ يُقَاتِلُوكُمْ فِيهِ فَإِنْ قَتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ ﴿۱۹۱﴾

(۱۹۲) پس اگر [از کفرشان] دست برداشتند [از نبرد دست بکشید که] بی‌گمان، الله آمرزندهٔ مهربان است.

فَإِنْ أَنْتَهُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿۱۹۲﴾

وَقَتْلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِئْتَةً وَيَكُونَ الَّذِينَ لِلَّهِ فَإِنْ أُنْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ ﴿١٩٣﴾

(۱۹۳) و با آنها بجنگید تا فتنه [= شرک] باقی نماند و دین، [خالصانه] از آنِ الله گردد. پس اگر دست برداشتند، [شما هم از پیکار با آنان دست بکشید] زیرا مجازات، جز بر ستمکاران روا نیست.

الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَتُ قِصَاصٌ فَمَنْ أَعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَأَعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا أَعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ ﴿١٩٤﴾

(۱۹۴) [این] ماه حرام [سال هفتم هجری] که امکان عمره گزاردن یافتید، در برابر ماه حرام [سال گذشته] است [که مشرکان شما را از ادای حج بازداشتند] و [هتک] حرمتها را سرزمین و ماه حرام] قصاص دارد؛ پس هرکس که دشمنی کرد، همان گونه که بر شما دشمنی کرده است، با او دشمنی نمایید و از الله پروا کنید؛ و بدانید که الله با پرهیزگاران است.

وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴿١٩٥﴾

(۱۹۵) و در راه الله انفاق کنید و [با فرار از میدان جهاد و ترک انفاق،] خود را با دست خویشتن به هلاکت نیفکنید؛ و نیکی کنید [که] به راستی الله نیکوکاران را دوست دارد.

وَأْتِمُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ فَإِنْ أُحْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ وَلَا تَحْلِقُوا رُءُوسَكُمْ حَتَّى يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحَلَّهُ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ بِهِ أَذَى

(۱۹۶) و حج و عمره را برای الله به پایان رسانید و اگر [به سبب مانعی مانند ترس از دشمن یا ابتلا به بیماری از این کار] بازماندید، آنچه از قربانی [اعم از شتر، گاو یا گوسفند] میسر شد [ذبح کنید و آنگاه از احرام خارج شوید] و سرهایتان را نتراشید تا قربانی به

جایگاهش [در قربانگاه] برسد؛ و اگر کسی از شما بیمار بود و یا ناراحتی‌ای در سر داشت [که ناچار بود به سبب آن، در حال احرام سرش را بتراشد]، فدیة بدهد؛ از [قبیل: سه روز] روزه یا صدقه [= خوراک دادن به شش مسکین حرم] یا قربانی کردن گوسفندی [که میان فقرای حرم تقسیم شود]. پس هنگامی که در امان بودید، هر کس از عمره بهره‌مند گردید و سپس [اعمال] حج را آغاز کرد، آنچه از قربانی [برایش] میسر شد [ذبح کند]؛ و هر کس [قربانی] نیافت، [باید] سه روز در [ایام] حج و هفت روز [دیگر] هنگامی که [به خانه] بازگشتید روزه بگیرد. این، ده [روز] کامل است. این [حکم] برای کسی است که خانواده‌اش ساکن مسجدالحرام [= مکه و اطراف آن] نباشد؛ و از الله پروا کنید و بدانید که الله سخت‌کیفر است.

مِنْ رَأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِّن صِيَامٍ أَوْ
صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَمَنْ
تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا
أَسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ فَمَنْ لَّمْ يَجِدْ
فَصِيَامٌ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ
وَسَبْعَةٌ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشْرَةٌ
كَامِلَةٌ ذَلِكَ لِمَنْ لَّمْ يَكُنْ أَهْلُهُ
حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَاتَّقُوا
اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ
الْعِقَابِ ﴿١٦٦﴾

الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَاتٌ فَمَنْ
فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا
فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ وَمَا
تَفَعَّلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ
وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَىٰ
وَاتَّقُوا يَتَأْوَلُوا الْآلِبَابَ ﴿١٦٧﴾

(۱۶۷) [موسم] حج ماه‌های مشخصی است [از آغاز شوال تا دهم ذیحجه]؛ پس کسی که در این ماه‌ها حج را [بر خود] واجب گرداند، [باید بداند که] در حج، آمیزش جنسی و [ارتکاب] گناه و درگیری [و جدال، روا] نیست؛ و هر کار نیکی که انجام دهید، الله آن را می‌داند؛ و [خوراک و پوشاک مورد نیاز حج را برای خود

فراهم کنید و] توشه بگیرید [ولی به یاد داشته باشید که] به راستی، بهترین توشه، پرهیزگاری است؛ و ای خردمندان، از من پروا کنید.

لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ فَإِذَا أَفَضْتُمْ مِّنْ عَرَفَاتٍ فَاذْكُرُوا اللَّهَ عِندَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَاذْكُرُوهُ كَمَا هَدَيْتُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ مِّن قَبْلِهِ لَمِنَ الضَّالِّينَ ﴿١٩٨﴾

(۱۹۸) گناهی بر شما نیست که [در ایام حج، با خرید و فروش] از فضل پروردگارتان [منفعت و روزی] طلب کنید؛ و هنگامی که [روز نهم، پس از وقوف] از عرفات کوچ کردید، الله را در «مَشْعَرِ الْحَرَامِ» یاد کنید؛ و او را یاد کنید، زیرا شما را که پیشتر از گمراهان بودید [به ادای مناسک حج و دیگر اعمال عبادی] هدایت کرد.

ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٩٩﴾

(۱۹۹) سپس از همانجا که مردم [= پیروان ابراهیم] روانه می‌شوند [شما نیز از عرفات به سوی مینا] حرکت کنید و از الله آمرزش بخواهید [زیرا] بی‌تردید، الله آمرزندهٔ مهربان است.

فَإِذَا قَضَيْتُمْ مَنَاسِكَكُمْ فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا فَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلْقٍ ﴿٢٠٠﴾

(۲۰۰) پس چون مناسک [حج] خود را به جای آوردید، همان گونه که پدرانتان را [با فخر و غرور] یاد می‌کردید - بلکه [بهتر و] بیشتر از آن - الله را یاد کنید؛ و برخی از مردم [دنیا دوست] می‌گویند: «پروردگارا، در دنیا [مال و فرزند] به ما عطا کن». این شخص در آخرت بهره‌ای [از نعمت‌های الهی] ندارد.

وَمِنْهُمْ مَّنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ﴿۲۰۱﴾

(۲۰۱) و برخی [دیگر] از ایشان [مؤمنانی] هستند که می‌گویند: «پروردگارا، در دنیا نیکی [= روزی، سلامتی، دانش و ایمان] به ما عطا کن و در آخرت [نیز] نیکی [عطا فرما] و ما را از عذاب آتش ننگه دار».

أُولَئِكَ لَهُمْ نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿۲۰۲﴾

(۲۰۲) اینانند که از دستاوردشان بهره‌ای دارند؛ و الله در حسابرسی، سریع است.

وَإِذْ كُرُوا لِلَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْدُودَاتٍ فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَنْ تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ لِمَنِ اتَّقَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَعْلَمُوا بِحُشْرُونِ ﴿۲۰۳﴾

(۲۰۳) الله را در روزهای معین [= سه روز ایام تشریق (یازدهم تا سیزدهم ذی‌حجه)] یاد کنید؛ پس کسی که شتاب کند و طی دو روز [اعمال را انجام دهد]، گناهی بر او نیست؛ و کسی که تأخیر کند [و اعمال را در سه روز انجام دهد]، گناهی بر او نیست. [این حق اختیار،] برای کسی است که تقوا پیشه کند؛ و [ای مؤمنان،] از الله پروا کنید و بدانید که به سوی او محشور خواهید شد.

وَمِنَ النَّاسِ مَن يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهَدُ اللَّهُ عَلَىٰ مَا فِي قَلْبِهِ ۖ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ ﴿۲۰۴﴾

(۲۰۴) و [ای پیامبر،] از مردم کسی هست که گفتارش در [مورد] زندگی دنیا تو را به شگفت می‌اندازد و الله را بر [ایمان قلبی و] آنچه در دلش دارد گواه می‌گیرد [تا جایی که او را راستگو می‌پنداری] و حال آنکه او [در زمره] سرسخت‌ترین دشمنان [و بدخواهان اسلام و مسلمین] است.

وَإِذَا تَوَلَّى سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ ۗ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ ﴿٢٠٥﴾

(۲۰۵) او هنگامی که [از تو] روی برمی گرداند و [از نزدت] می رود [یا به ریاستی می رسد،] در راه فساد در زمین می کوشد و [محصولات] کشاورزی و چهارپایان را نابود می سازد؛ و الله فساد و [تباهکاری] را دوست ندارد.

وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ فَحَسْبُ وَجْهَهُمْ ۗ وَاللَّهُ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ وَكَافٍ ﴿٢٠٦﴾

(۲۰۶) و هنگامی که به او گفته می شود: «از الله بترس»، خودبزرگ بینی [و غرور] او را به [استمرار بر انجام] گناه می کشاند؛ پس [آتش] جهنم برایش کافی است و چه بد جایگاهی است!

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ أُتْبَعَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ ﴿٢٠٧﴾

(۲۰۷) و از مردم کسی [نیز] هست که جان خود را برای کسبِ خشنودی الله می فروشد؛ و الله نسبت به بندگان مهربان است.

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَذْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَآفَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ ۗ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴿٢٠٨﴾

(۲۰۸) ای کسانی که ایمان آورده اید، به طور کامل در اسلام [و اطاعتِ الله] درآید و از [راهها و] گامهای شیطان پیروی نکنید. به راستی که او دشمن آشکار شماست.

فَإِن زَلَلْتُمْ مِّنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْكُمْ الْبَيِّنَاتُ فَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٠٩﴾

(۲۰۹) و اگر پس از آنکه نشانه های روشن و آشکار برایتان آمد، لغزش کردید و [منحرف شدید]، بدانید که الله شکست ناپذیرِ حکیم است.

(۲۱۰) آیا انتظار [پیروان شیطان] غیر از این
 است که الله [در روز قیامت، برای داوری] در
 سایبان‌هایی از ابرها به سوشان بیاید و
 فرشتگان [نیز برای اجرای عذاب الهی آنان را
 احاطه کنند] و کار یکسره شود؟ و [آگاه باشید
 که همه] کارها به سوی الله بازگردانده می‌شود.

سَلِّ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَمَا آتَيْنَاهُمْ
 مِنْ آيَةٍ بَيِّنَةٍ وَمَنْ يُبَدِّلْ نِعْمَةَ
 اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُ فَإِنَّ اللَّهَ
 شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿۲۱۱﴾

(۲۱۱) [ای پیامبر،] از بنی اسرائیل بپرس [که]
 چه اندازه نشانه‌های آشکار به آنها داده‌ایم؛ و
 کسی که نعمتِ الله را - پس از آنکه نصیبش
 شد- [به کفر و ناسپاسی] تبدیل کند، [عذاب
 سختی خواهد داشت و باید بداند که] الله
 سخت‌کیفر است.

زُيِّنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا
 وَيَسْحَرُونَ مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا
 وَالَّذِينَ اتَّقَوْا فَوْقَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
 وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ
 حِسَابٍ ﴿۲۱۲﴾

(۲۱۲) زندگی دنیا برای کافران آراسته شده
 است و [آنان] مؤمنان را مسخره می‌کنند؛ و
 [حال آنکه] پرهیزگاران در روز قیامت بالاتر از
 آنان هستند؛ [زیرا در بهشت جاودانند] و الله
 هر کس را بخواهد، بی‌شمار روزی می‌دهد.

كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ
 اللَّهُ النَّبِيِّنَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ
 وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ
 لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا

(۲۱۳) [در آغاز،] مردم یک امت [و پیرو یک
 دین] بودند [اما پس از آنکه اختلاف کردند]؛
 آنگاه الله پیامبران را بشارت‌بخش و بیم‌دهنده
 برانگیخت و همراه با آنان کتاب [آسمانی] را
 به‌حق نازل کرد تا میان مردم در آنچه اختلاف

داشتند داوری کنند؛ و فقط کسانی که [تورات] به آنان داده شده بود - پس از آنکه نشانه‌های روشن به آنها رسید- به خاطر ستم و حسادتی که بینشان بود، در مورد آن اختلاف کردند؛ پس الله به فرمان خویش کسانی را که ایمان آورده بودند، به حقیقتی که در آن اختلاف داشتند هدایت نمود؛ و الله هر کس را بخواهد، به راه راست هدایت می‌کند.

مُسْتَقِيمٍ ﴿۲۱۳﴾

(۲۱۴) [ای مؤمنان]، آیا پنداشته‌اید که وارد بهشت می‌شوید و حال آنکه هنوز مانند آنچه بر [سر] پیشینیان شما آمد، بر [سر] شما نیامده است؟ دشواری و زیان به آنان رسید و [چنان سختی کشیدند و] به لرزه افتادند که پیامبر و کسانی که با او ایمان آورده بودند گفتند: «باری الله کی فرا خواهد رسید؟» آگاه باشید! بی‌تردید، یاری الله نزدیک است.

قَرِيبٌ ﴿۲۱۵﴾

(۲۱۵) [ای پیامبر، یارانت] از تو می‌پرسند چه چیزی انفاق کنند؛ بگو: «هر مالی که انفاق کردید، باید به پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و نیازمندان و در راه‌ماندگان باشد؛ و هر کار نیکی که می‌کنید، الله به آن داناست.»

أَخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا أَخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَعْثًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا لِمَا أَخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ

أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسَّتْهُمُ الْبَأْسَاءُ وَالضَّرَّاءُ وَزُلْزِلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصُرَ اللَّهُ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ

يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلَّوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ وَالْيَتَامَى وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ ﴿۲۱۶﴾

(۲۱۶) [ای مؤمنان]، جهاد [در راه الله] بر

كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهٌ

شما واجب شده است، در حالی که [به سبب هزینۀ مالی و جانی] برایتان ناخوشایند است. چه بسا از چیزی خوشتان نیاید، حال آنکه برایتان بهتر است و چه بسا چیزی را دوست داشته باشید، حال آنکه برایتان شرّ است؛ و الله [خیر و شرّ امور را] می‌داند و شما نمی‌دانید.

لَكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿٢١٦﴾

(۲۱۷) [ای پیامبر،] دربارهٔ [حکم] جنگ در ماه حرام [= ذی‌قعدة، ذی‌حجه، محرم و رجب] از تو می‌پرسند؛ بگو: «جنگ در این [ماه‌ها، گناهی] بزرگ است و بازداشتن از راه الله و کفر ورزیدن به او و [جلوگیری از ورود مردم به] مسجد الحرام و بیرون راندن اهلس از آنجا، نزد الله [گناهی] بزرگ‌تر است؛ و فتنه [ی شرک] از قتل بزرگ‌تر است». و [ای مؤمنان، مشرکان] پیوسته با شما می‌جنگند تا اگر بتوانند، شما را از دینتان برگردانند؛ و کسانی از شما که از دینشان بازگردند و در حال کفر بمیرند، اعمالشان در دنیا و آخرت تباہ می‌گردد و اینان اهل آتشند و همیشه در آن خواهند بود.

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ وَصَدٌّ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَكُفْرٌ بِهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا يَزَالُونَ يَقْتُلُونَكُمْ حَتَّىٰ يَرُدُّوكُمْ عَن دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَعُوا وَمَن يَرْتَدِدْ مِنكُم عَن دِينِهِ فَمَا لَهُ مِن شَيْءٍ أَعْمَلُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢١٧﴾

(۲۱۸) کسانی که ایمان آوردند و کسانی که [برای برپایی دین حق] هجرت نمودند و در راه

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ

يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٦٨﴾

الله جهاد کردند، آنان به رحمتِ الله امیدوارند و الله [نسبت به اینان] آمرزندهٔ مهربان است.

﴿٢١٩﴾ [ای پیامبر، اصحابت] دربارهٔ شراب و قمار، از تو می‌پرسند؛ بگو: «در آن دو، گناهی بزرگ و [نیز] سودهایی برای مردم وجود دارد؛ ولی گناه آن دو، از سودشان [بیشتر و] بزرگ‌تر است»؛ و از تو می‌پرسند: چه چیزی انفاق کنند؟ بگو: «مازاد [از نیازمندی خود را]». الله اینچنین آیات [خود] را برای شما روشن می‌سازد؛ باشد که بیندیشید.

﴿٢١٩﴾

﴿٢٢٠﴾ دربارهٔ دنیا و آخرت [بیندیشید]؛ و [ای پیامبر، از تو در مورد [نحوهٔ سرپرستی‌شان بر] یتیمان می‌پرسند؛ بگو: «اصلاح [کار و پرهیز از درآمیختن اموال] آنان بهتر است؛ و اگر با [تجمع اموال آنان با دارایی خود، در هزینه‌های زندگی و مسکن با] آنان همزیستی کنید، [ایرادی در این کار نیست؛ زیرا] آنها برادران [دینی] شما هستند». و الله تبهکار را از درستکار می‌شناسد؛ و اگر الله می‌خواست، [در مورد یتیمان سخت‌گیری می‌کرد و] شما را به زحمت می‌انداخت. به راستی که الله شکست‌ناپذیر حکیم است.

﴿٢٢٠﴾

وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَةَ حَتَّىٰ
يُؤْمِنَ ۖ وَلَا مَٔمَّةً مُّؤْمِنَةً خَيْرٌ مِّنْ
مُّشْرِكَةٍ وَلَوْ أَعْجَبَتْكُمْ ۗ وَلَا
تُنكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا ۗ
وَلَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكٍ
وَلَوْ أَعْجَبَكُمْ ۗ أُولَٰئِكَ يَدْعُونَ
إِلَى النَّارِ ۗ وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى الْجَنَّةِ
وَالْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِ ۗ وَيُبَيِّنُ آيَاتِهِ
لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿۲۲۱﴾

(۲۲۱) و [ای مؤمنان] با زنان مشرک تا ایمان
نیاورده‌اند ازدواج نکنید؛ و بی‌گمان، کنیز
مؤمن، از زن [آزاد] مشرک بهتر است؛ گرچه
[زیبایی یا دارایی‌اش] مورد پسندتان واقع
گردد؛ و [زنان مسلمان را] به ازدواج مردان
مشرک درنیاورید، مگر آنکه ایمان بیاورند؛ و
قطعاً بردهٔ مؤمن، از مرد [آزاد] مشرک بهتر
است؛ گرچه شیفتهٔ [دارایی و موقعیت] او شده
باشید. آنان به سوی آتش [دوزخ] فرا
می‌خوانند و الله به فرمان [و توفیق] خویش به
سوی بهشت و آمرزش دعوت می‌کند و آیات [و
احکام] خویش را برای مردم روشن می‌سازد؛
باشد که پند گیرند.

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ ۗ قُلْ
هُوَ أَدَىٰ فَأَعْتَزِلُوا الْنِسَاءَ فِي
الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرُبُوهُنَّ حَتَّىٰ
يَظْهَرْنَ ۗ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ
حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ ۗ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ
التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ ﴿۲۲۲﴾

(۲۲۲) و [ای پیامبر] از تو دربارهٔ حیض [=
عادت ماهانهٔ زنان] می‌پرسند؛ بگو: «آن پلید و
زینبار است؛ پس در حالت قاعدگی از [آمیزش
با] زنان کناره‌گیری کنید و با آنان نزدیکی
نکنید تا پاک شوند. پس هنگامی که پاک شدند
[و غسل کردند]، از همان جا که الله به شما
فرمان داده است [یعنی از راه قُبُل و نه از راه
دُبُر] با آنان آمیزش کنید. به راستی که الله
توبه‌کنندگان را دوست دارد و پاکیزگان را
[نیز] دوست دارد».

نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ وَقَدِمُوا لِأَنفُسِكُمْ وَأَنْقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلْقَوُهُمْ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ ﴿۲۲۳﴾

(۲۲۳) زنان شما، [در حکم] کشتزاری برای شما هستند؛ پس هر گونه که می‌خواهید به کشتزار [= رَجِمِ همسر] خود درآیید، و [توشه‌ای همچون فرزند صالح] برای خود پیش بفرستید و از الله پروا کنید و بدانید که او را ملاقات خواهید کرد، و [ای پیامبر، درباره نعمت‌های الهی] به مؤمنان بشارت بده.

وَلَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً لِأَيْمَانِكُمْ أَنْ تَبَرُّوا وَتَتَّقُوا وَتُصْلِحُوا بَيْنَ النَّاسِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿۲۲۴﴾

(۲۲۴) و الله را دستاویز سوگندهایتان قرار ندهید تا [به این بهانه] از نیکوکاری و پرهیزگاری و آشتی‌دادن میان مردم [دست بردارید]؛ و [بدانید که] الله شنوای داناست.

لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَٰكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا كَسَبَتْ قُلُوبُكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ ﴿۲۲۵﴾

(۲۲۵) الله شما را به خاطر سوگندهایی که بیهوده و بدون قصد یاد می‌کنید، مؤاخذه نمی‌کند؛ ولی به خاطر آنچه دل‌هایتان [عمداً] کسب کرده است [و سوگندهای دروغی که آگاهانه بر زبان آورده‌اید] بازخواست می‌کند؛ و [اگر توبه کنید،] الله آمرزندهٔ بردبار است.

لِّلَّذِينَ يُؤَلُّونَ مِن نِّسَابِهِمْ تَرَبُّصٌ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ فَإِنْ فَاءُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿۲۲۶﴾

(۲۲۶) برای کسانی که [به رسم جاهلیت] بر ترک آمیزش با زنان خود سوگند یاد کنند [= ایلاء می‌کنند] چهار ماه انتظار [و مهلت] است. پس اگر [در مدت چهار ماه یا کمتر، پشیمان شدند و به زانشان] بازگشتند، [بدانند که] الله آمرزندهٔ مهربان است.

وَإِنْ عَزَمُوا الطَّلَاقَ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿۲۲۷﴾
و [تصمیم به طلاق گرفتند، بدانند که] همانا
الله شنوای داناست.

وَالْمُطَلَّقَاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ إِنْ كُنَّ يُؤْمِنَنَّ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَبُعُولَتُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِي ذَلِكَ إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ ۗ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿۲۲۸﴾
(۲۲۸) زنان مطلقه [پیش از ازدواج مجدد] باید به مدت سه بار پاکی [= دیدن سه بار عادت ماهیانه] انتظار بکشند؛ و اگر به الله و روز قیامت ایمان دارند، بر آنان روا نیست که آنچه را الله در رحم‌هایشان آفریده است کتمان کنند؛ و اگر شوهرانشان خواهان آشتی هستند، برای بازگرداندن آنان [به زندگی زناشویی] در این [مدت، از دیگران] سزاوارترند؛ و زنان حقوق شایسته‌ای [بر عهده مردان] دارند همانند [و همسنگِ وظایفی] که بر عهده دارند و مردان [در سرپرستی و امر طلاق] بر آنان برتری دارند؛ و الله شکست‌ناپذیرِ حکیم است.

الطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ فَإِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا إِلَّا أَنْ يَخَافَا أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَإِنْ خِفْتُمَا أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ ۗ تِلْكَ

(۲۲۹) طلاق [رجعی] دو بار است؛ پس [از آن، مرد یا باید همسرش را] به طرزی شایسته نگاه دارد یا به نیکی رها کند؛ و [ای مردان مسلمان،] برایتان حلال نیست که [ذره‌ای] از آنچه را به آنان داده‌اید [= مهریه و مانند آن] پس بگیرید؛ مگر آنکه [زن و شوهر] بترسند که نتوانند [حقوق زناشویی و] حدود الهی را بر پا دارند؛ پس [حل اختلاف را به خویشاوندان یا

حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿۲۲۹﴾

دوستان خود می‌سپارند؛ و شما ای مؤمنان! اگر ترسیدید که [ممکن است زوجین] حدود الهی را برپا ندارند، گناهی بر آن دو نیست که زن [برای کسب رضایت مرد به طلاق و آزاد کردن خود، مهریه‌اش را ببخشد یا به او] فدیة‌ای بپردازد [و طلاق خلع بگیرد]. اینها حدود [احکام] الهی است؛ پس از آنها تجاوز نکنید؛ و هر کس از حدود الله تجاوز کند، ستمکار است.

فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدِ حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يَتَرَاجَعَا إِنْ ظَنَّا أَنْ يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ يُبَيِّنُهَا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿۲۳۰﴾

(۲۳۰) اگر [شوهر برای بار سوم] او را طلاق داد، پس از آن، [زن] برایش حلال نیست؛ مگر اینکه [به قصد ازدواج حقیقی و نه برای حلال شدن] با شوهری غیر از او ازدواج کند [و با وی همبستر شود. در این صورت]، اگر [شوهر دوم فوت کرد یا] او را طلاق داد، اگر [آن دو زوج سابق] می‌پندارند که حدود [احکام] الله را برپا می‌دارند، گناهی بر آن دو نیست که [با ازدواج مجدد]، به یکدیگر بازگردند. اینها حدود الله است که آنها را برای مردمی که می‌دانند [و به اسلام ایمان دارند] بیان می‌کند.

وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَلَبُغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ

(۲۳۱) و هنگامی که زنان را طلاق [رجعی] دادید و به پایان [روزهای] عده خویش رسیدند، آنان را به شایستگی نگه دارید یا به نیکی و

خوبی رهایشان سازید؛ و [همچون دوران جاهلیت،] آنان را به قصد [آزار و] زیان رساندن نگه ندارید تا [به حقوقشان] تجاوز کنید؛ و هر کس چنین کند، قطعاً بر خویشان ستم کرده است؛ و آیات الله را به مسخره نگیرید و نعمتِ الله را بر خود و آنچه را که از کتاب و حکمت [= قرآن و سنت] بر شما نازل کرده است و شما را با آن پند می‌دهد به یاد بیاورید و از الله پروا داشته باشید و بدانید که الله به همه چیز داناست.

سَرَّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضَرَارًا لِّتَعْتَدُوا وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ وَلَا تَتَّخِذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمَا أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنَ الْكِتَابِ وَالْحِكْمَةِ يَعِظُكُمْ بِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿۲۳﴾

(۲۳۲) و هنگامی که زنان را طلاق دادید و [مدت] عدّه خود را به پایان رساندند، [شما ای سرپرستان،] آنان را بازندارید که اگر [بر اساس موازین شرعی] به طرز پسندیده‌ای بین خویش به توافق رسیده بودند، با شوهران [سابق] خود ازدواج کنند. این [دستوری است] که هر یک از شما که به الله و روز قیامت ایمان دارد، به آن [حکم] پند داده می‌شود؛ و این [دستور،] برایتان پربرکت‌تر و پاکیزه‌تر است؛ و الله [خیر و صلاح شما را] می‌داند و شما نمی‌دانید.

وَإِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلِّغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ أَنْ يَنْكِحْنَ أَزْوَاجَهُنَّ إِذَا تَرَصَوْنَ بَيْنَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ ذَلِكَ يُوعَظُ بِهِ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَمْ أَرْكَى لَكُمْ وَأَظْهَرٌ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿۲۳﴾

(۲۳۳) و مادران [باید] فرزندان خود را دو سال تمام شیر دهند. [این دستور،] برای کسی است که بخواهد دوران شیرخوارگی [فرزندش]

وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ

را تکمیل کند؛ و بر صاحبِ فرزند [= پدر] لازم است خوراک و پوشاک آنان [= مادران] را [در مدت شیردادن] به طور شایسته‌ای [فراهم کند]. هیچ کس جز به اندازه توانایی‌اش مکلف نمی‌شود؛ نه مادر باید به خاطر فرزندش زیان ببیند و نه پدر به سبب فرزندش. [اگر پدر کودک فوت کرده بود و مالی هم نداشت] مانند همین [تعهدات پدر] بر وارث [نیز] لازم است؛ پس اگر آن دو [= پدر و مادر] با رضایت و مشورت یکدیگر بخواهند [کودک را زودتر] از شیر بازگیرند، گناهی بر آنها نیست؛ و اگر خواستید که برای فرزندان‌تان دایه‌ای بگیرید، گناهی بر شما نیست؛ به شرط اینکه آنچه [از حقوق و دستمزد] مقرر کرده‌اید، به طور شایسته بپردازید؛ و از الله پروا کنید و بدانید که الله به آنچه انجام می‌دهید بیناست.

الرَّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِّنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُم بِالْمَعْرُوفِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٢٣٣﴾

(۲۳۴) و افرادی از شما که می‌میرند و همسرانی [غیرباردار از خود] باقی می‌گذارند، [آن زنان برای ازدواج مجدد] باید چهار ماه و ده روز انتظار بکشند [و عده نگه دارند] و هنگامی که مدت عده خود را به پایان رساندند، در مورد آنچه آنان به طور شایسته [و مشروع] درباره [زندگی] خود انجام دهند، گناهی بر شما [سرپرستان] نیست؛ و الله به آنچه می‌کنید آگاه است.

وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿٢٣٤﴾

وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا عَرَّضْتُمْ بِهِ مِنْ خِطْبَةِ النِّسَاءِ أَوْ أَكْنَنْتُمْ فِي أَنْفُسِكُمْ عَلِيمَ اللَّهُ أَنْكُمْ سَتَدْرُوْنَهُنَّ وَلَكِنَّ لَا تُوعِدُوهُنَّ سِرًّا إِلَّا أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا مَعْرُوفًا وَلَا تَعْرِمُوا عُقْدَةَ الْكِيَاحِ حَتَّى يَبْلُغَ الْكِتَابَ أَجَلَهُ، وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي أَنْفُسِكُمْ فَاحْذَرُوهُ وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ ﴿۲۳۵﴾

(۲۳۵) و گناهی بر شما نیست که به طور کنایه، از زنانی [که در عده وفات یا عده طلاق بائن قرار دارند] خواستگاری کنید و یا در دل [بر این کار] تصمیم بگیرید [بدون اینکه آن را بیان کنید]. الله می‌دانست که شما به زودی به یاد آنان خواهید افتاد؛ ولی پنهانی به آنها وعده [زناشویی] ندهید مگر اینکه [به کنایه و اشاره] سخنی پسندیده بگویید و [همچنین] تصمیم به عقد ازدواج نگیرید تا مدت مقرر [= عده] به سرآید؛ و بدانید که الله آنچه را که در دل‌های شماست می‌داند؛ پس از [مخالفت با] او پروا کنید و بدانید که به راستی الله آمرزندهٔ بردبار است.

لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً وَمَتَّعُوهُنَّ عَلَى الْمَوْسِعِ قَدَرُهُ وَعَلَى الْمُقْتِرِ قَدَرُهُ مَتَاعًا بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِينَ ﴿۲۳۶﴾

(۲۳۶) اگر زنان را قبل از آمیزش و قبل از تعیین مهریه، [به دلایلی] طلاق دادید، گناهی بر شما نیست و [در این صورت، دلجویی کنید و] آنان را [با اهدای هدیه‌ای مناسب] بهره‌مند سازید؛ توانگر به اندازهٔ توانش و تنگدست به اندازهٔ توانش. [اجرای این حکم،] بر نیکوکاران [حقی ثابت و] الزامی است.

وَإِنْ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ إِلَّا

(۲۳۷) اگر پیش از نزدیکی با آنان، خواستید طلاقشان بدهید و مهریه‌ای برایشان تعیین کرده بودید، نصف آنچه را که تعیین کرده‌اید

أَنْ يَعْفُونَ أَوْ يَعْفُوا الَّذِي بِيَدِهِ عِقْدُهُ الرِّجَالِ وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَلَا تَنْسُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿۲۳۷﴾

[به آنان بپردازید]؛ مگر اینکه [حق خود را] ببخشند یا [شوهر، یعنی] کسی که [تصمیم‌گیری در مورد] پیوند ازدواج با اوست، گذشت کند [و تمام مهریه را بپردازد]. گذشت شما [و بخشیدن تمام مهریه به زنان] به پرهیزگاری نزدیک‌تر است. [ای مؤمنان، هنگام پرداخت حقوق، آسان‌گیری و] نیکی را میان خود فراموش نکنید [و بدانید که] به راستی الله به آنچه می‌کنید بیناست.

حَفِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ ﴿۲۳۸﴾

(۲۳۸) [ای مسمانان،] بر [ادای] همه نمازها و [به خصوص] نماز عصر کوشا باشید و با فروتنی و فرمانبرداری برای الله به پا خیزید.

فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجَالًا أَوْ رُكْبَانًا فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَأَدْكُرُوا اللَّهَ كَمَا عَلَّمَكُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ ﴿۲۳۹﴾

(۲۳۹) اگر [از خطر] ترسیدید، در حال پیاده یا سواره [یا حتی با ایما و اشاره نماز را به جای آورید] و چون ایمن شدید، الله را [چنان که به شما آموخته است] یاد کنید [و شکر او تعالی را به جای آورید] که آنچه را نمی‌دانستید به شما یاد داد.

وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا وَصِيَّةً لِأَزْوَاجِهِمْ مَتَّعًا إِلَى الْحَوْلِ غَيْرَ إِخْرَاجٍ فَإِنْ خَرَجْنَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي

(۲۴۰) کسانی از شما که مرگشان فرامی‌رسد و همسرانی [از خود] به جا می‌گذارند، باید به نفع همسرانشان وصیت کنند که [وارثان] تا یک سال آنان را [با پرداختن هزینه زندگی] بهره‌مند سازند، بدون آنکه [آنان را از خانه

مَا فَعَلَنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ مِنْ مَّعْرُوفٍ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٤٠﴾

شوهر] بیرون کنند. اما اگر [به میل خود، پیش از پایان یک سال، خانه را ترک کنند و] بیرون بروند، درباره آنچه که نسبت به [ظاهر و زندگی] خود به طور شایسته [و مشروع] انجام می دهند [از قبیل زینت کردن و ازدواج مجدد] گناهی بر شما نیست؛ و الله شکستناپذیر حکیم است.

وَالْمُطَلَّقَاتِ مَتَّعٌ بِالْمَعْرُوفِ ﴿٢٤١﴾

و برای زنان مطلقه، هدیه ای مناسب و شایسته لازم است [که از طرف شوهر پرداخت شود تا دلشکستگی اش جبران گردد. اجرای این حکم،] حقی است بر مردان پرهیزگار.

كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ ۗ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٢٤٢﴾

[ای مؤمنان،] الله اینچنین آیات خویش را [که مشتمل بر حدود و احکام است] به روشنی برایتان بیان می کند؛ باشد که بیندیشید.

۞ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ ﴿٢٤٣﴾

[ای پیامبر،] آیا نمی دانی [داستان] افرادی [از بنی اسرائیل] را که هزاران نفر بودند و از ترس [بیماری و] مرگ از خانه هایشان فرار کردند؟ آنگاه الله به آنان فرمود: بمیرید؛ [پس مُردند.] سپس الله آنها را زنده کرد [تا برایشان روشن گرداند که تمام کارها به دست اوست]. به راستی که الله نسبت به بندگانش صاحب بخشایش است؛ ولی بیشتر مردم شکر [نعمت هایش را] به جای نمی آورند.

وَقَتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَعَلِمُوا أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٤٤﴾ و [ای مؤمنان،] در راه الله بجنگید و بدانید که بی‌تردید، الله شنوای داناست.

مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضْعِفُهُ لَهُ وَأُضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْصُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٢٤٥﴾ (۲۴۵) کیست که به الله قرض دهد؛ قرضی نیکو [و از اموالش در راه خشنودی پروردگار انفاق کند] تا [الله] آن را برایش چندین برابر کند؟ و الله است که [از روی حکمت و عدالت، در روزی بندگان] تنگی و گشایش پدید می‌آورد؛ و [همگی در آخرت] به سوی او بازگردانده می‌شوند.

أَلَمْ تَرَ إِلَى الْمَلَأِ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى إِذْ قَالُوا لِنَبِيِّ لَهُمْ أَبْعَثْ لَنَا مَلِكًا نَقْتُلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ قَالَ هَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ أَلَّا تُقَاتِلُوا قَالُوا وَمَا لَنَا أَلَّا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَدْ أُخْرِجْنَا مِنْ دِيَارِنَا وَأَبْنَاءِنَا فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ تَوَلَّوْا إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ ﴿٢٤٦﴾ (۲۴۶) [ای پیامبر،] آیا [از داستان] گروهی از [اشراف و بزرگان] بنی‌اسرائیل پس از موسی خبر داری که به پیامبر خود گفتند: «فرمانروایی برایمان انتخاب کن تا [به دستور] در راه الله بجنگیم»؟ [پیامبرشان] گفت: «شاید اگر جهاد بر شما مقرر شود، [سریچی کنید و] جهاد نکنید»؛ گفتند: «چرا در راه الله جهاد نکنیم، در حالی که از خانه‌هایمان رانده شده‌ایم و پسرانمان [را به اسارت برده‌اند]؟» اما هنگامی که جنگ بر آنان مقرر شد - جز عده کمی از آنان - [همگی] سریچی کردند؛ و الله به [حال] پیمان‌شکنان [و] ستمکاران داناست.

وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ

را به فروانروایی شما برگزیده است». [آنان] گفتند: «چگونه او بر ما فرمانروایی کند در حالی که ما به فرمانروایی از او سزاوارتریم و از مال [دنیا نیز] بهره چندان [به وی] داده نشده است؟» [پیامبرشان] گفت: «به راستی که الله او را بر شما برگزیده و دانش و نیروی جسمی اش را فزونی بخشیده است؛ و الله فرمانروایی خود را به هر کس بخواهد می دهد و الله گشایشگر داناست».

(۲۴۸) پیامبرشان به آنها گفت: «نشانه [راستی و درستی] فرمانروایی او، این است که صندوق [عهد] به شما می رسد که مایه آرامشی از سوی پروردگارتان است و بازمانده میراث خاندان موسی و هارون [همچون عصا و برخی الواح تورات] در آن قرار دارد و در حالی [می رسد] که فرشتگان آن را حمل می کنند. اگر مؤمن باشید، مسلماً در این [امر،] نشانه ای [در مورد حقانیت طالوت] برایتان وجود دارد».

(۲۴۹) پس هنگامی که طالوت با لشکریان رهسپار شد، به آنان گفت: «الله [شکیبایی] شما را به وسیله یک نهر [آب] آزمایش می کند؛ هر کس از آن بنوشد، از [یاران] من نیست و هر کس از آن ننوشد، قطعاً از [یاران] من است؛ مگر کسی که با دست خود مُشتی [از آن آب]

لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَأَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِّنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٤٧﴾

وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ مِّمَّا تَرَكَ آءَالُ مُوسَىٰ وَعَآلُ هَارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّكُمُ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٢٤٨﴾

فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَن شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَن لَّمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنِ اعْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرِبُوا

برگیرد [و به اندازه کف دستی بیاشامد]». پس جز عده کمی، همگی از آن [آب] نوشیدند؛ و هنگامی که او و کسانی که با او ایمان آورده بودند از آن [نهر] گذشتند [از کمی افراد خود ناراحت شدند و برخی] گفتند: «امروز ما توانایی [مقابله] با جالوت و سپاهیان را نداریم». [در این هنگام،] کسانی که به دیدار الله [در آخرت] یقین داشتند گفتند: «چه بسا گروه کوچکی که به فرمان الله بر گروهی بسیار پیروز شدند و [بدانید که همواره] الله همراه شکیبایان است».

وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿۲۴۹﴾

(۲۵۰) و هنگامی که [طالوت و همراهانش] برای [مبارزه] با جالوت و سپاهیان به میدان آمدند، گفتند: «پروردگارا، بر [دل‌های] ما صبر و شکیبایی فرو ریز و گام‌هایمان را استوار بدار و ما را بر گروه کافران پیروز گردان».

فَهَزَمُوهُم بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ وَءَاتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿۲۵۱﴾

(۲۵۱) پس به فرمان الله، آنها را شکست دادند و داود [= جوان نیرومند و شجاعی که در لشکر طالوت بود] جالوت را کشت و الله فرمانروایی و نبوت را به او بخشید و از آنچه می‌خواست به او آموخت؛ و اگر الله [فتنه] برخی از مردم را توسط برخی دیگر دفع نمی‌کرد، قطعاً زمین تباه می‌گردید؛ ولی الله نسبت به جهانیان فضل [و بخشش] دارد.

تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿۲۵۲﴾
 آن ای پیامبر، اینها، آیات الله است که آن را به حق بر تو می خوانیم و به راستی، تو از پیامبران هستی.

﴿۲۵۳﴾ تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ مِّنْهُمْ مَّنْ كَلَّمَ اللَّهُ وَرَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ وَعَاتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَقْتَلَ الَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ وَلَكِنْ اٰخْتَلَفُوا فَمِنْهُمْ مَّنْ ءَامَنَ وَمِنْهُمْ مَّنْ كَفَرَ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَقْتَلُوا وَلَكِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ ﴿۲۵۴﴾
 این پیامبران [که نام برخی از آنان گذشت] برخی از آنان را [در دریافت وحی و تعداد پیروان] بر برخی دیگر برتری دادیم. از [میان] اینان کسی [مانند موسی] بود که الله با او سخن گفت و درجات برخی [دیگر] از آنان را بالا برد؛ و به عیسی - پسر مریم- نشانه های روشنی [بر اثبات نبوتش] دادیم و او را توسط روح القدس [= جبرئیل] تأیید [و تقویت] کردیم؛ و اگر الله می خواست، کسانی که بعد از آنها آمدند پس از آن [همه] نشانه های روشنی که برایشان آمد، با یکدیگر نمی جنگیدند؛ ولی [با هم] اختلاف کردند و برخی از آنان ایمان آوردند و برخی کفر ورزیدند؛ و اگر الله می خواست، [هرگز] با هم نمی جنگیدند؛ ولی الله آنچه را می خواهد، انجام می دهد.

﴿۲۵۴﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِّنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمْ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خُلَّةَ وَلَا شَفْعَةً ۗ وَالْكَافِرُونَ ﴿۲۵۵﴾
 ای کسانی که ایمان آورده اید، از آنچه به شما روزی داده ایم انفاق کنید، پیش از آنکه روزی فرارسد که در آن نه خرید و فروشی است و نه دوستی و شفاعتی؛ و کافران [به سبب کفرشان] همان ستمکارانند.

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ
 لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا
 فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ
 ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ
 يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ
 وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ
 إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ
 السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ
 حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ ﴿۲۵۵﴾

(۲۵۵) الله [معبودِ راستین است؛] هیچ
 معبودی [به حق] جز او نیست؛ زنده پابنده [و
 قائم به ذات] است؛ نه خوابی سبک او را فرا
 می‌گیرد و نه خوابی سنگین؛ [و لحظه‌ای از
 تدبیر جهان هستی، غافل نمی‌ماند]؛ آنچه در
 آسمان‌ها و زمین است، از آن اوست. کیست
 که نزد او جز به فرمانش شفاعت کند؟ گذشته
 و آینده آنان [= بندگان] را می‌داند و [آنان] به
 چیزی از علم او احاطه [و آگاهی] نمی‌یابند،
 مگر آنچه خود [الله] بخواهد. کرسی او
 آسمان‌ها و زمین را در بر گرفته است و
 نگهداشتن آنها بر او [سنگین و] دشوار نیست
 و او بلندمرتبه [و] بزرگ است.

لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ
 الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ
 بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ
 اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا
 انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ
 عَلِيمٌ ﴿۲۵۶﴾

(۲۵۶) در [پذیرش] دین، هیچ اجباری نیست؛
 به راستی که راه راست [و هدایت] از راه انحراف
 [و گمراهی] روشن شده است؛ پس هر کس به
 طاغوت [= هر آنچه به جای الله عبادت می‌شود]
 کفر بورزد و به الله ایمان بیاورد، قطعاً
 به محکم‌ترین دستاویز چنگ زده است که هرگز
 نخواهد گسست؛ و الله شنوای داناست.

اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم
 مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ
 كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ

(۲۵۷) الله یاور [و کارساز] کسانی است که
 ایمان آورده‌اند؛ آنان را از تاریکی‌ها به سوی نور
 بیرون می‌برد؛ و کسانی که کافر شدند،

[کارساز و] یاورشان طاغوت است [که] آنان را از نور [ایمان و علم] به سوی تاریکی‌های کفر و نادانی [بیرون می‌برد. آنان اهل آتش هستند و] در آن جاودانند.

يُخْرِجُونَهُمْ مِّنَ النَّوْرِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢٥٧﴾

(۲۵۸) [ای پیامبر،] آیا [داستان] آن شخص [= نمرود] را ندانسته‌ای که از [سرمستی] آنکه الله به او فرمانروایی بخشیده بود با ابراهیم دربارهٔ پروردگارش مجادله می‌کرد؟ هنگامی که ابراهیم گفت: «پروردگار من ذاتی است که زنده می‌کند و می‌میراند». [نمرود] گفت: «من [نیز] زنده می‌کنم و می‌میرانم». ابراهیم گفت: «الله خورشید را از مشرق [بیرون] می‌آورد؛ پس تو آن را از مغرب بیاور». [آنگاه] آن کس که کفر ورزیده بود، مبهوت شد [و از ارائه دلیل ناتوان ماند]؛ و الله ستمکاران را هدایت نمی‌کند.

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِي حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّيَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا أُحْيِي وَأُمِيتُ قَالَ إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِي كَفَرَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿٢٥٨﴾

(۲۵۹) یا همچون آن کس که از شهری [ویران و متروک] که سقف‌ها و دیوارهایش فروریخته بود گذشت، [و با خود] گفت: «چگونه الله [اهالی] این [دیوار] را پس از مرگشان زنده می‌کند؟» پس الله او را [به مدت] صد سال میراند سپس او را زنده کرد [و به او] فرمود: «چه مدت [در این حال] مانده‌ای؟» گفت: «یک روز یا بخشی از یک روز [در این حال] مانده‌ام». فرمود: «چنین نیست؛ صد سال [در

أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّى يُحْيِي هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ قَالَ كَمْ لَبِثْتُ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضُ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِثْتُ مِائَةَ عَامٍ فَانظُرْ إِلَى طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ

لَمْ يَنْسَنَهُ^{٢٥٩} وَأَنْظُرْ إِلَى حِمَارِكَ
وَلِيَجْعَلَكَ آيَةً لِلنَّاسِ وَأَنْظُرْ
إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِزُهَا ثُمَّ
نَكْسُوهَا لَحْمًا فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ
قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ
قَدِيرٌ ﴿٢٥٩﴾

چنین حالی] مانده‌ای. به خوردنی و نوشیدنی‌ات بنگر که [رنگ و طعم آن] با گذشت زمان دگرگون نشده است و به الاغ خود بنگر [که چگونه متلاشی شده است. ما چنین کردیم تا به سؤالت پاسخ گوئیم] و تو را برای مردم نشانه‌ای [در مورد معاد] قرار دهیم. [اکنون] به استخوان‌های آن [مركب سواری خود] نگاه کن که چگونه آنها را برداشته و به هم پیوند می‌دهیم و سپس گوشت بر آن می‌پوشانیم». پس هنگامی که [قدرت الهی بر زنده کردن مردگان] برایش آشکار شد، گفت: «[به یقین] می‌دانم که الله بر هر کاری تواناست».

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَىٰ قَالَ أُولَٰمُ تُؤْمِنُ^{٢٦٠} قَالَ بَلَىٰ وَلَٰكِن لِّيَطْمِئِنَّ قُلُوبِي^{٢٦١} قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِّنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَىٰكَ ثُمَّ أَجْعَلْ عَلَىٰ كُلِّ جَبَلٍ مِّنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ أَدْعُهُنَّ يَأْتِينَكَ سَعْيًا^{٢٦٢} وَأَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٦٠﴾

(۲۶۰) و [ای پیامبر، یاد کن از] هنگامی که ابراهیم گفت: «پروردگارا، به من نشان بده چگونه مردگان را زنده می‌کنی؟» [الله] فرمود: «مگر ایمان نیاورده‌ای؟» گفت: «بله؛ ولی [می‌خواهم] قلبم آرام بگیرد». فرمود: «پس چهار پرنده بگیر [و آنها را ذبح] و ریزه‌ریزه کن [و درهم بیامیز]، سپس بر هر کوهی پاره‌ای از آنها را بگذار [و] آنگاه آنها را [به سوی خود] فراخوان؛ [خواهی دید که زنده می‌شوند و] شتابان به سوی تو می‌آیند؛ و [ای ابراهیم،] بدان که الله شکست‌ناپذیر حکیم است».

مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي

(۲۶۱) مَثَلُ [اجر و ثواب] کسانی که اموال

خود را در راه الله انفاق می‌کنند، همانند دانه‌ای است که هفت خوشه می‌رویاند که در هر خوشه یکصد دانه است؛ و الله برای هر کس بخواهد [پاداش او را] چند برابر می‌کند و الله گشایشگرِ داناست.

سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ ۗ وَاللَّهُ يُضْعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ وَسِعَ عَلِيمٌ ﴿۲۶۱﴾

(۲۶۲) کسانی که اموالشان را در راه الله می‌بخشند و در پی بخشش خود، منت و آزار روا نمی‌دارند، پاداش آنان نزد پروردگارشان [محفوظ] است؛ نه ترسی خواهند داشت و نه اندوهگین می‌شوند.

الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتْبِعُونَ مَا أَنْفَقُوا مَنًّا وَلَا أَدَىٰ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿۲۶۲﴾

(۲۶۳) سخنی پسندیده [در برخورد با نیازمندان] و گذشت [از اصرار و تندی آنان]، بهتر از صدقه‌ای است که آزاری در پی دارد؛ و الله بی‌نیاز بردبار است.

قَوْلٍ مَّعْرُوفٍ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِّنْ صَدَقَةٍ يَتْبَعُهَا أَدَىٰ ۗ وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٌ ﴿۲۶۳﴾

(۲۶۴) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صدقه‌های خود را با منت و آزار باطل نکنید همچون کسی که مال خود را برای نمایش دادن به مردم انفاق می‌کند و به الله و روز قیامت ایمان ندارد؛ پس مثل او همچون مثل سنگ صافی است که بر روی آن [اندکی] خاک نشسته است؛ آنگاه باران تندی بر آن می‌زند [و همه خاک‌ها را از سنگ می‌شوید] و آن را

يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَدَىٰ كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِثَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ۗ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا ۗ لَا يَقْدِرُونَ عَلَىٰ شَيْءٍ مِّمَّا

صاف [و بدون خاک] رها می‌کند. آنان [= ریاکاران] از آنچه که انجام داده‌اند، چیزی به دست نمی‌آورند؛ و الله گروه کافران را هدایت نمی‌کند.

(۲۶۵) وَ مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ آتِبَعَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَ تَثْبِيْتًا مِّنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أُكُلَهَا ضَعْفَيْنِ فَإِن لَّمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطُلٌُّ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

و مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ آتِبَعَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَ تَثْبِيْتًا مِّنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أُكُلَهَا ضَعْفَيْنِ فَإِن لَّمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطُلٌُّ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

و مثلی از کسانی که اموال خود را در طلب رضایت الله و به خاطر باوری که در دل‌هایشان [به پاداشِ الله] دارند انفاق می‌کنند، همچون باغی بر بالای تپه‌ای است که باران فراوانی بر آن بیارد و حاصلی دو چندان دهد؛ و اگر باران فراوانی هم به آن نرسد، بارانی سبک [نیز برایش کافی است و زمین پاکش را پرثمر می‌سازد]؛ و الله از آنچه می‌کنید آگاه است.

(۲۶۶) أَيَوَدُّ أَحَدُكُمْ أَنْ تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِّنْ نَّجِيلٍ وَأَعْنَابٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَأَصَابَهُ الْكِبَرُ وَلَهُ ذُرِّيَّتٌ ضُعَفَاءٌ فَأَصَابَهَا إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ

أَيَوَدُّ أَحَدُكُمْ أَنْ تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِّنْ نَّجِيلٍ وَأَعْنَابٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَأَصَابَهُ الْكِبَرُ وَلَهُ ذُرِّيَّتٌ ضُعَفَاءٌ فَأَصَابَهَا إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ

آیا کسی از شما دوست دارد که باغی از درختان خرما و انگور داشته باشد که از زیر آنها جویبارها [ی گوارا] روان است و هر گونه میوه برایش به بار می‌آورد [و لی] در حالی که به سن پیری رسیده و فرزندان [خردسال] و ناتوان دارد، ناگهان گردبادی آتشین در آن زند و [همه باغ] بسوزد؟ [حال کسانی که صدقه‌های خود را با منت و آزار و ریا باطل می‌کنند نیز چنین است]. الله بدین گونه آیات [خود] را برای شما روشن می‌سازد؛ باشد که بیندیشید.

كَسَبُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ

أَيَوَدُّ أَحَدُكُمْ أَنْ تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِّنْ نَّجِيلٍ وَأَعْنَابٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَأَصَابَهُ الْكِبَرُ وَلَهُ ذُرِّيَّتٌ ضُعَفَاءٌ فَأَصَابَهَا إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ

أَيَوَدُّ أَحَدُكُمْ أَنْ تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِّنْ نَّجِيلٍ وَأَعْنَابٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَأَصَابَهُ الْكِبَرُ وَلَهُ ذُرِّيَّتٌ ضُعَفَاءٌ فَأَصَابَهَا إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ

يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَنفِقُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغِصُّوا فِيهِ وَعَلِمُوا أَنَّ اللَّهَ عَنِّي حَمِيدٌ ﴿٢٦٧﴾

(۲۶۷) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از چیزهای پاکیزه‌ای که به دست آورده‌اید و از آنچه از زمین برای شما برآورده‌ایم، انفاق کنید؛ و به سراغ [مال] ناپاک نروید که از آن انفاق نمایید؛ در حالی که خودتان حاضر به پذیرفتنش نیستید، مگر با چشم‌پوشی [و بی‌میلی] نسبت به آن؛ [پس چگونه چیزی را که برای خود نمی‌پسندید، برای الله روا می‌دارید؟] و بدانید که الله بی‌نیاز [و در ذات و صفات و افعالش] ستوده است.

الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِّنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٦٨﴾

(۲۶۸) شیطان، شما را [به هنگام انفاق می‌ترساند و] وعده فقر [و تنگدستی] می‌دهد و شما را به زشتی‌ها [= ارتکاب گناه] امر می‌کند؛ ولی الله از جانب خود به شما وعده آمرزش و افزونی [نعمت] می‌دهد و الله گشایشگر داناست.

يُوتِي الْحِكْمَةَ مَن يَشَاءُ وَمَن يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿٢٦٩﴾

(۲۶۹) [الله] به هر کس بخواهد حکمت [= راستی در گفتار و کردار] می‌دهد و بی‌تردید، به هر کس حکمت داده شود، یقیناً خیر فراوانی [به او] عطا شده است؛ و جز خردمندان، کسی [از آیات الهی] پند نمی‌گیرد.

وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِّنْ نَّفَقَةٍ أَوْ نَذَرْتُمْ مِّنْ نَّذْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُهُ وَمَا

(۲۷۰) هر نفقه‌ای [کم یا زیاد] انفاق کنید یا هر نذری که [با خود] عهد کنید، قطعاً الله آن

لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ ﴿٢٧٠﴾ را می‌داند. [هر کس از اجرای اوامر الهی جلوگیری کند، ستمکار است] و ستمکاران [در آخرت،] هیچ یآوری ندارند.

إِنْ تُبْدُوا الصَّدَقَاتِ فَنِعِمَّا هِيَ ﴿٢٧١﴾ اگر صدقه‌ها را آشکار کنید، چه وَإِنْ تُخْفُوهَا وَتُؤْتُوهَا الْفُقَرَاءَ فَهِيَ خَيْرٌ لَكُمْ وَيُكَفِّرُ عَنْكُمْ مِنْ سَيِّئَاتِكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿٢٧١﴾ نیکوست! و اگر آنها را پنهان دارید و به نیازمندان بدهید، برایتان بهتر است و [این گونه الله متعال، بخشی] از گناهانتان را می‌زداید؛ و [بدانید که در هر حال،] الله به آنچه می‌کنید آگاه است.

﴿٢٧٢﴾ [ای پیامبر،] هدایتِ آنان بر عهدهٔ تو نیست؛ بلکه الله هر کس را بخواهد هدایت می‌کند؛ و [ای مؤمنان،] آنچه از مال [خود] انفاق می‌کنید، به سودِ خودتان است و [به یاد داشته باشید که] جز برای رضایت الله انفاق نکنید؛ و آنچه از مال انفاق می‌کنید، [پاداش آن] به طور کامل و تمام به شما داده می‌شود و [هرگز] به شما ستم نخواهد شد.

﴿٢٧٣﴾ [صدقات شما] برای افراد تنگدستی است که خود را وقف [جهاد] در راه الله کرده‌اند و نمی‌توانند [برای تأمین هزینه‌های زندگی] در زمین سفر کنند. از شدت [نجابت و] خویشنداری، افراد بی‌اطلاع [از حالشان]، آنان را بی‌نیاز می‌پندارند. اینان را از لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أُحْصِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَعْيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِحْفَافًا وَمَا

تُنْفِقُوا مِنْ حَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَالِمٌ ﴿٧٢﴾
 نشانه‌هایشان [که در لباس و وضعیت ظاهری‌شان آشکار است، به وضوح] می‌شناسی [و آنان هرگز] با اصرار [چیزی] از مردم نمی‌خواهند؛ و آنچه از مال انفاق می‌کنید، قطعاً الله از آن آگاه است.

الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلاَنِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٧٣﴾
 (۲۷۴) کسانی که اموال خود را شب و روز، پنهان و آشکار انفاق می‌کنند، پاداش آنان نزد پروردگارشان [محفوظ] است؛ نه ترسی خواهند داشت و نه اندوهگین می‌شوند.

الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَفُومُونَ إِلَّا كَمَا يَفُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِّنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٧٤﴾
 (۲۷۵) کسانی که ربا می‌خورند [روز قیامت از قبر] بر نمی‌خیزند؛ مگر مانند برخاستن کسی که بر اثر تماس شیطان، دیوانه شده است [و نمی‌تواند تعادل خود را حفظ کند]. این، به خاطر آن است که آنان [= رباخواران] گفتند: «داد و ستد نیز مانند رباست [و هر دو، مال را افزون می‌کند]»؛ در حالی که الله، داد و ستد را حلال و ربا را حرام نموده است. پس هر کس که از [جانب] پروردگارش پندی به او برسد و [از رباخواری] دست بردارد، آنچه گذشته و [سودهایی که قبل از نزول حکم ربا دریافت کرده است] از آن اوست و [در مورد آینده نیز] کارش به الله واگذار می‌شود؛ [و] کسانی که [به رباخواری] بازگردند، اهل آتش

[دوزخ] هستند و در آن جاودانند [= مدت طولانی در آن خواهند بود].

يَمَحُوقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ ﴿٢٧٦﴾
 (۲۷۶) الله ربا را نابود [و بی برکت] می گرداند و صدقات را [با افزودن بر ثوابش] افزایش و [برکت] می دهد؛ و الله هیچ کافر لجوج و گناهکاری را دوست ندارد.

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٢٧٧﴾
 (۲۷۷) کسانی که ایمان آورده اند و کارهای شایسته انجام داده اند و نماز برپا داشته اند و زکات پرداخته اند، پاداش آنان نزد پروردگارشان [محفوظ] است؛ نه ترسی خواهند داشت و نه اندوهگین می شوند.

يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٢٧٨﴾
 (۲۷۸) ای کسانی که ایمان آورده اید، از الله پروا کنید و اگر مؤمن هستید، آنچه را که از [مطالبات] ربا باقی مانده است رها کنید.

فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِن تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ ﴿٢٧٩﴾
 (۲۷۹) اگر [چنین] نکرديد، بدانيد که الله و رسولش با شما پیکار خواهند کرد؛ و اگر توبه کردید، اصل سرمایه هایتان از آن شماست؛ نه [با گرفتن سود سرمایه تان به کسی] ستم می کنید و نه [با کاستن از اصل سرمایه تان] بر شما ستم می رود.

وَإِن كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ

مَيْسِرَةً وَأَنْ تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَّكُمْ
 إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿۲۸۰﴾

[هنگام] گشایش [و توانایی بازپرداخت، به او] مهلت دهید و [اگر توانایی پرداخت نداشت، بخشیدن آن [بدهی] برایتان بهتر است، اگر [ثواب این کار را] بدانید.

وَأَتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ
 ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ
 وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿۲۸۱﴾

(۲۸۱) و از [عذاب] روزی بترسید که در آن به سوی الله بازگردانده می‌شوید؛ سپس به هر کس [پاداش] آنچه انجام داده است به طور کامل داده می‌شود و به آنان ستم نخواهد شد.

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ
 بِدِينٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ
 وَلْيَكْتُب بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ
 وَلَا يَأْب كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا
 عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلْيَكْتُبْ وَلْيُمْلِلِ
 الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ
 رَبَّهُ وَلَا يَبْخَسْ مِنْهُ شَيْئًا فَإِنْ
 كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا أَوْ
 ضَعِيفًا أَوْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُمْلِ
 هُوَ فَلْيُمْلِلْ وَلِيُّهُ بِالْعَدْلِ
 وَأَسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ
 رِّجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا
 رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّنْ

(۲۸۲) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر به یکدیگر وامی [پرداختید یا معامله نسیه‌ای انجام] دادید که سررسید معینی داشت، آن را بنویسید؛ و باید نویسنده‌ای [قرارداد این کار را] بر اساس عدالت بین شما بنویسد و هیچ نویسنده‌ای نباید از نوشتنش خودداری کند، همان‌گونه [و به شکرانه آن] که الله به او آموزش داده است؛ و کسی که وام بر عهده اوست [= بدهکار] باید املا [و اقرار] کند و او [= نویسنده] بنویسد؛ و باید از الله، که پروردگار اوست، بترسد و از [مبلغ و مدت] آن [وام] چیزی نکاهد. اگر کسی که وام بر عهده اوست سفيه [= کم‌خرد]، یا [به سبب خردسالی یا بیماری یا پیری] ناتوان است، یا خود نمی‌تواند املا کند، باید قیّم او با [رعایت] عدالت املا کند و دو شاهد از مردانتان را [بر آن قرارداد]

تَرَضُّونَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَنْ تَضِلَّ
 إِحْدَهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحْدَهُمَا
 الْأُخْرَىٰ وَلَا يَأْبَ الشُّهَدَاءُ إِذَا
 مَا دُعُوا وَلَا تَسْمَؤُا أَنْ تَكْتُبُوهُ
 صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا إِلَىٰ أَجَلِهِ
 ذَٰلِكُمْ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ وَأَقْوَمُ
 لِلشَّهَادَةِ وَأَدْنَىٰ أَلَّا تَرْتَابُوا إِلَّا أَنْ
 تَكُونَ تِجْرَةً حَاضِرَةً تُدِيرُونَهَا
 بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ
 أَلَّا تَكْتُبُوهَا وَأَشْهَدُوا إِذَا
 تَبَايَعْتُمْ وَلَا يُضَارَّ كَاتِبٌ وَلَا
 شَهِيدٌ وَإِنْ تَفَعَّلُوا فَإِنَّهُ فَسُوقٌ
 بِكُمْ وَأَنْتُمْ أَلَّهُ وَيُعَلِّمُكُمُ
 اللَّهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٢٨٢﴾

گواه بگیرید. اگر دو مرد نبودند، یک مرد و دو زن از میان گواهانی که [به عدالت آنان] رضایت دارید [گواه بگیرید] تا اگر یکی از آن دو [زن] فراموش کرد، دیگری به او یادآوری کند؛ و هنگامی که شاهدان [برای ادای شهادت] دعوت شدند، نباید [از آمدن] خودداری کنند. و از نوشتن [بدهی] تا سررسیدش [سستی نکنید و] دلگیر نشوید خواه [مبلغ آن] کم باشد خواه زیاد. این [کار،] در نزد الله به عدالت نزدیکتر و برای گواهی دادن، استوارتر است و برای آنکه [در مقدار و مدت وام] دچار تردید نشوید، [به احتیاط] نزدیکتر است؛ مگر اینکه داد و ستدی نقدی باشد که بین خود دست به دست می کنید. در این صورت، گناهی بر شما نیست که آن را ننویسید؛ و هنگامی که داد و ستد [نقدی] کردید، گواه بگیرید و [در این میان] نباید به نویسنده و گواه [هیچ] رنج و زبانی برسد؛ و اگر [چنین] کنید بی شک [بیانگر] نافرمانی شما خواهد بود؛ و [ای مؤمنان،] از الله پروا کنید [و معاملات را به همان شکلی که امر می کند انجام دهید]. الله [آنچه را که برای دنیا و آخرتتان سودمند است] به شما آموزش می دهد و الله به همه چیز داناست.

وَإِنْ كُنْتُمْ عَلَىٰ سَفَرٍ وَلَمْ تَجِدُوا كَاتِبًا فَرِهَانٌ مَّقْبُوضَةٌ فَإِنْ أَمِنَ بَعْضُكُم بَعْضًا فَلْيُؤَدِّ الَّذِي أُؤْتِمِنَ أَمْنَتَهُ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آثِمٌ قَلْبُهُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ ﴿۲۸۳﴾

(۲۸۳) اگر در سفر بودید و نویسنده‌ای نیافتید [که سندِ وام را بنویسد، چیزی] گرو بگیرید و اگر یکی از شما دیگری را امین دانست [و چیزی گرو نگرفت و نوشته و گواه نیز نداشت]، آن که امین شمرده شده است، باید امانت [و بدهی] خود را بازپس دهد و باید از الله، که پروردگار اوست، پروا کند؛ و شهادت را کتمان نکنید و [بدانید که] هر کس آن را کتمان کند، بی‌شک، قلبش گناهکار است؛ و الله به آنچه می‌کنید، داناست.

لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنْ تُبَدُّوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخْفَوْهُ يُحَاسِبْكُمْ بِهِ اللَّهُ فَيَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۲۸۴﴾

(۲۸۴) آنچه در آسمان‌ها و زمین است، از آنِ الله است. اگر آنچه را در دل خود دارید، آشکار کنید یا پنهانش نمایید، الله شما را بر [اساس] آن محاسبه می‌کند؛ آنگاه [بر اساس بخشش و رحمت خویش] هر کس را بخواهد می‌بخشد و [از روی عدالت و حکمتش نیز] هر کس را بخواهد عذاب می‌کند؛ و الله بر [انجام] هر کاری تواناست.

عَمَّنِ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْ رُّسُلِهِ ﴿۲۸۵﴾

(۲۸۵) رسول [الله] به آنچه از [سوی] پروردگارش بر او نازل شده ایمان آورده است و مؤمنان [نیز] همگی به الله و فرشتگان و کتاب‌ها و پیامبرانش ایمان آورده‌اند؛ [و رسول و مؤمنان گفتند]: «میان هیچ‌یک از پیامبرانش

وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ ﴿۲۸۵﴾
 فرق نمی‌گذاریم [و به همه شان ایمان داریم].
 و گفتند: «شنیدیم و اطاعت کردیم. پروردگارا،
 آمرزش تو را [خواهانیم] و بازگشت [تمام امور]
 به سوی توست».

لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا
 اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِن
 نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ
 عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى
 الَّذِينَ مِن قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا
 مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا
 وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا
 فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿۲۸۶﴾
 (۲۸۶) الله هیچ کس را جز به اندازه توانش
 مکلف نمی‌کند. آنچه [از خوبی] به دست آورده
 است به سود اوست و آنچه [بدی] کسب کرده
 است به زیان اوست. [پیامبران و مؤمنان
 گفتند:] «پروردگارا، اگر فراموش یا خطا کردیم،
 ما را بازخواست نکن. پروردگارا، بارِ گران [و
 تکلیف سنگین] بر [دوش] ما مگذار؛ چنان که
 آن را [به مجازات گناه و سرکشی،] بر [دوش]
 کسانی که پیش از ما بودند [= یهودیان] نهادی.
 پروردگارا، آنچه که تاب تحملش را نداریم بر
 [دوش] ما مگذار و از ما درگذر و ما را بیمارز و
 به ما رحم کن. تو یار [و کارساز] مایی؛ پس
 ما را بر گروه کافران پیروز گردان».

سُورَةُ آلِ عِمْرَانَ

سورة آل عمران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

الم ﴿١﴾

(۱) الم [= الف لام میم].

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ﴿٢﴾
 (۲) الله [معبودِ راستین است؛] هیچ معبودی
 [به حق] جز او نیست؛ زنده پاینده [و قائم به
 ذات] است.

نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَأَنْزَلَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ ﴿٣﴾
 (۳) این کتاب [= قرآن] را که تأییدکننده
 کتابهای [آسمانی] پیشین است، به حق و
 راستی بر تو نازل کرد و تورات و انجیل را

مِن قَبْلُ هَدَى لِلنَّاسِ وَأَنْزَلَ الْفُرْقَانَ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ ﴿٤﴾
 (۴) پیش از آن برای هدایت مردم نازل کرد؛ و
 [نیز] فرقان را [که جداکننده حق از باطل
 است] نازل نمود. کسانی که به آیات الله کافر
 شدند، عذاب سختی [در پیش] دارند؛ و الله
 شکست‌ناپذیر [و] انتقام‌گیرنده است.

إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ ﴿٥﴾
 (۵) بی‌تردید، هیچ چیز - [نه] در زمین و نه در
 آسمان - از الله پوشیده نمی‌ماند.

هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٦﴾
 (۶) اوست که شما را هر گونه که خواهد در
 رحم‌ها شکل می‌دهد. هیچ معبودی [به حق]
 جز آن ذاتِ شکست‌ناپذیرِ حکیم نیست.

(۷) [ای پیامبر]، اوست که کتاب [= قرآن] را بر تو نازل کرد. بخشی از آن، آیات محکم [صریح و روشن] است که آنها اساس کتابند و [بخشی] دیگر متشابهات است [که تأویل پذیرند]؛ اما کسانی که در دل هایشان انحراف است، برای فتنه جویی [و گمراه کردن مردم] و به خاطر تأویل آن [به دلخواه خود] از متشابه آن پیروی می کنند؛ حال آنکه تأویلش را [کسی] جز الله نمی داند؛ و راسخان در علم [= علمای دین] می گویند: «ما به همه آن [آیات - چه محکم و چه متشابه-] ایمان آوردیم؛ همه از طرف پروردگار ماست»؛ و جز خردمندان کسی پند نمی گیرد.

(۸) آنان می گویند: «پروردگارا، بعد از آنکه ما را هدایت فرمودی، دل هایمان را [از راه حق] منحرف مگردان و از سوی خود، رحمتی به ما ارزانی دار [که] بی تردید، تو بسیار بخشنده ای.

(۹) پروردگارا، بی شک، تو مردم را برای روزی که در [آمدن] آن تردیدی نیست جمع خواهی کرد. قطعاً الله در وعده [خود] خلاف نمی کند».

(۱۰) در حقیقت، کسانی که کفر ورزیدند، اموال و فرزندانشان چیزی از [عذاب] الله را از

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَبَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِّنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿٧﴾

رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِن لَّدُنكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ ﴿٨﴾

رَبَّنَا إِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ ﴿٩﴾

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ نُغْنِي عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادَهُمْ مِّنْ

اللَّهُ شَيْئًا وَأُوَلِّيكَ هُمْ وَفُودٌ
التَّارِ ﴿۱۰﴾

آنان دور نخواهد کرد و آنان خود هیزم آتش
[دوزخ] هستند.

كَذَّابٍ ءَالٍ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِنْ
قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَآخَذَهُمْ
اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَاللَّهُ شَدِيدُ
العِقَابِ ﴿۱۱﴾

(۱۱) [شیوه این کافران] همچون شیوه
خاندان فرعون و [اروش] کسانی است که پیش
از آنها بودند: آیات ما را تکذیب کردند؛ پس الله
آنان را به [سزای] گناهانشان عذاب کرد؛ و الله
[نسبت به کافران] سخت کیفر است.

قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا سَتُغْلَبُونَ
وَتُحْشَرُونَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ
المِهَادُ ﴿۱۲﴾

(۱۲) به کسانی که کفر ورزیدند بگو: «به
زودی [از مؤمنان] شکست خواهید خورد و
[سپس در قیامت] به سوی جهنم محشور
می شوید؛ و چه بد جایگاهی است!».

قَدْ كَانَ لَكُمْ ءَايَةٌ فِي فِئَتَيْنِ
الَّتَقَاتَا فِئَةٌ تَقَاتَلَتْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ
وَأُخْرَىٰ كَافِرَةٌ يَرَوْنَهُم مِّثْلِهِمْ
رَأَىٰ الْعَيْنُ وَاللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصْرِهِ
مَنْ يَشَاءُ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَعِبْرَةً
لِّأُولِي الْأَبْصَارِ ﴿۱۳﴾

(۱۳) قطعاً در [روبارویی] دو گروهی که [در
بدر] با هم روبرو شدند، [عبرت و] نشانه‌ای
برای شما بود؛ یک گروه در راه الله می جنگید
و [گروهی] دیگر کافر بودند. [مؤمنان] با چشم
خود، آنان [=کافران] را دوبرابر خود [و کمتر از
تعداد واقعی شان] می دیدند؛ و الله هر کس را
بخواهد با یاری خود تأیید می کند. به راستی
در این [ماجرای] برای اهل بینش، عبرتی است.

رُزِقَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ
التِّسَاءِ وَالْبَيْنِ وَالْقَنْطِيرِ
المُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِصَّةِ

(۱۴) دلبستگی به خواستنی‌های [مادی]، از
[جمله] زنان و فرزندان و اموال هنگفت - از
طلا و نقره و اسب‌های نشاندار و دام‌ها و

کشتزار[ها]- برای مردم آراسته شده است. [اما تمام] این[ها، لذتها و] کالای [زودگذر] زندگی دنیاست و [حال آنکه] سرانجام نیک، نزد الله است.

وَالْحَيْلِ الْمُسَوِّمَةِ وَالْأَنْعَمِ
وَالْحَرْثِ ذَٰلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا
وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ ﴿۱۴﴾

(۱۵) [ای پیامبر، به آنان] بگو: «آیا [می‌خواهید] شما را از چیزی آگاه کنم که از این [دارایی‌ها و لذت‌های مادی] بهتر باشد؟» کسانی که تقوا پیشه کرده‌اند، نزد پروردگارشان باغ‌هایی دارند که از زیر [درختان] آن جویبارها روان است؛ جاودانه در آن خواهند بود و همسرانی پاکیزه [و بی‌عیب دارند] و [همچنین از] خشنودی الله [برخوردارند]؛ و الله به [احوال] بندگان بیناست.

قُلْ أُوْتِيتُكُم بِخَيْرٍ مِّنْ
ذَٰلِكُمْ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ
جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
خَالِدِينَ فِيهَا وَأَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ
وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ
بِالْعِبَادِ ﴿۱۵﴾

(۱۶) [این بهشتیان] کسانی [هستند] که می‌گویند: «پروردگارا، به راستی که ما ایمان آورده‌ایم؛ پس گناهانمان را ببامرز و ما را از عذاب آتش ننگه دار.»

الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا إِنَّنَا آمَنَّا
فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَوَقِنَا عَذَابَ
النَّارِ ﴿۱۶﴾

(۱۷) آنان [در برابر مشکلات و در راه اطاعت و ترک گناه] شکیبایی می‌ورزند و [در گفتار و رفتارشان] راستگو هستند و [در برابر اوامر الهی] فرمانبردارند و [برای خشنودی باری تعالی] انفاق می‌کنند و در سحرگاهان آمرزش می‌طلبند.

الصَّابِرِينَ وَالصَّادِقِينَ وَالْقَانِتِينَ
وَالْمُسْتَغْفِرِينَ
بِالْأَسْحَارِ ﴿۱۷﴾

شَهْدَ اللَّهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةَ وَأُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿١٨﴾

(۱۸) الله، که [در جهان هستی] برپادارندهٔ عدل است، گواهی داده است که معبودی [به حق] جز او نیست و فرشتگان و علما [نیز بر یگانگی و عدالت الهی گواهی می دهند]. معبودی [به حق] جز او نیست [که] شکست ناپذیر حکیم است.

إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعِيًا بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿١٩﴾

(۱۹) در حقیقت، دین [پسندیده] نزد الله همان اسلام است؛ و کسانی که کتاب [آسمانی] به آنان داده شده است، با یکدیگر به اختلاف پرداختند مگر پس از آنکه علم برایشان [حاصل] آمد [و حجت بر آنان تمام شد]. آن [اختلاف و تفرقه] هم به خاطر سرکشی و حسدی [بود] که میانشان وجود داشت؛ و هر کس به آیات الله کفر بورزد، [بداند که] الله در حسابرسی سریع است.

فَإِنْ حَاجُّوكَ فَقُلْ أَسْلَمْتُ وَجْهِيَ لِلَّهِ وَمَنِ اتَّبَعَنِّي وَقُلْ لِّلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْأُمِّيِّينَ ءَأَسْلَمْتُمْ فَإِنْ أَسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلْغُ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ ﴿٢٠﴾

(۲۰) [ای پیامبر]، اگر [در بارهٔ اسلام و توحید] با تو مجادله کردند، بگو: «من در برابر الله [و اوامر و احکامش] تسلیم شده‌ام و پیروانم [نیز چنین هستند]»؛ و به اهل کتاب [= یهود و نصاری] و مشرکان بگو: «آیا شما هم تسلیم شده‌اید؟» اگر تسلیم شوند، قطعاً هدایت یافته‌اند و اگر رویگردان شدند [و سرپیچی کردند، اندوه مدار؛ زیرا] تو وظیفه‌ای جز

رساندن [وحی] نداری؛ و الله به [احوال] بندگان بیناست.

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيَّاتِ بَعْضَهُنَّ حَقًّا وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿٢١﴾

(۲۱) به راستی، کسانی که به آیات الله کفر می‌ورزند و پیامبران را به ناحق [و فقط از روی ستم و دشمنی] می‌کشند و [نیز] کسانی را که به عدالت امر می‌کنند، به قتل می‌رسانند، آنان را به عذابی دردناک بشارت ده!

أُولَئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتِ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ مِّنْ نَّصِيرٍ ﴿٢٢﴾

(۲۲) آنان کسانی هستند که اعمالشان در دنیا و آخرت تباه شده است و [در آخرت] هیچ یآوری ندارند.

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أَوْتُوا نَصِيبًا مِّنَ الْكِتَابِ يُدْعَوْنَ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ لِيَحْكَمَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ يَتَوَلَّوْا فَرِيقًا مِّنْهُمْ وَهُمْ مُّعْرِضُونَ ﴿٢٣﴾

(۲۳) [ای پیامبر] آیا داستان کسانی را که بهره‌ای از کتاب [تورات] یافته‌اند ندانسته‌ای که چون به [بازگشت به] سوی کتاب الله فراخوانده می‌شوند تا میانشان حکم کند، گروهی از [علما و بزرگان] آنان [که حقیقت را خلاف میل و منفعت خود می‌بینند] به حال سریچی روی برمی‌تابند؟

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَّعْدُودَاتٍ وَعَرَّهَمُ فِي دِينِهِمْ مَا كَانُوا يَفْتُرُونَ ﴿٢٤﴾

(۲۴) این [رویگردانی از حق]، به سبب آن است که [به خیال خام خود] گفتند: «آتش [دوزخ] جز چند روزی به ما نخواهد رسید»؛ و این [افتراها] و دروغ‌هایی که می‌بافتند آنان را در دینشان فریفته ساخت.

(۲۵) پس [حال پشیمانی‌شان] چگونه خواهد بود؟ [آری، در بدترین حال خواهد بود] آنگاه که آنان را برای روزی که [هیچ] تردیدی در [وقوع] آن نیست گرد آوریم و به هر کس [پاداش] آنچه که فراهم کرده است به تمام و کمال داده شود و به آنان ستم نخواهد شد.

قُلِ اللَّهُمَّ مَلِكُ أَمْلِكُ تُوْتِي أَمْلِكُ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ أَمْلِكُ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٦﴾

(۲۶) ای پیامبر، بگو: «بار الها، ای فرمانروای هستی، هر کس را بخواهی حکومت می‌بخشی و از هر کس بخواهی حکومت را بازپس می‌گیری؛ و به هر کس بخواهی عزت [و قدرت] می‌دهی و هر کس را بخواهی خوار می‌داری. [پروردگارا،] خوبی به دست توست و بی‌گمان، تو بر هر چیزی توانایی.

(۲۷) شب را به روز در می‌آوری و روز را به شب در می‌آوری [و از طول یکی می‌کاهی و بر دیگری می‌افزایی] و [موجود] زنده را از [ماده] بی‌جان بیرون می‌آوری [= رویش گیاه از دانه] و [ماده] بی‌جان را از [موجود] زنده خارج می‌سازی [= بیرون آمدن تخم از پرندگان] و به هر کس بخواهی، بی‌شمار روزی می‌دهی».

(۲۸) مؤمنان نباید کافران را به جای مؤمنان، دوست خود بگیرند؛ و هر کس چنین کند، هیچ پیوندی با الله ندارد [و الله از او بیزار

لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ

است]؛ مگر آنکه [ضعیف باشید و ناچار شوید با نرمی در گفتار و رفتار،] خویشان را از [آزار] آنان در امان دارید [و به خاطر حفظ جانتان احتیاط کنید]؛ و الله شما را از [نافرمانی] خویش بر حذر می‌دارد؛ و بازگشت [همه] به سوی الله است.

(۲۹) [ای پیامبر، به مؤمنان] بگو: «اگر هر آنچه [از دوستی و محبت کافران که] در دل‌هایتان است، پنهان دارید یا آشکارش کنید، الله آن را می‌داند [و نیز] آنچه را که در آسمان‌ها و زمین است می‌داند؛ و الله بر هر چیزی تواناست».

(۳۰) [روز قیامت،] روزی [است] که هر کس آنچه را از کار نیک [و بد] انجام داده است حاضر می‌بیند و آرزو می‌کند میان او و اعمال بدی که انجام داده است فاصله زیادی باشد؛ و الله شما را از [نافرمانی و کیفر] خود بر حذر می‌دارد؛ و الله نسبت به بندگان [خود] دلسوز است.

(۳۱) [ای پیامبر،] بگو: «اگر الله را دوست دارید، از من پیروی کنید تا الله شما را دوست بدارد و گناهانتان را ببامرزد؛ و الله آمرزندهٔ مهربان است»

يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاتُوا وَيُحَذِّرْكُمْ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ ﴿٢٩﴾

قُلْ إِنْ تُحِبُّوا مَا فِي صُدُورِكُمْ أَوْ تُبْذَرُوهُ يُعَلِّمَهُ اللَّهُ وَيَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٣٠﴾

يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا وَيُحَذِّرْكُمْ اللَّهُ نَفْسَهُ وَاللَّهُ رَعُوفٌ بِالْعِبَادِ ﴿٣١﴾

قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٣١﴾

قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَإِنَّ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ ﴿٣٢﴾

(۳۲) [ای پیامبر،] بگو: «از الله و پیامبر [او] اطاعت کنید؛» پس اگر پشت کردند [و سرپیچی نمودند]، قطعاً الله کافران را دوست ندارد.

إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَعَالَ إِبْرَاهِيمَ وَعَالَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿٣٣﴾

(۳۳) به راستی که الله، آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر جهانیان برگزید.

ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٣٤﴾

(۳۴) فرزندانی که برخی از آنان، از [نسل] برخی دیگرند؛ [توحید، اعمال صالح، و اخلاق والا را از یکدیگر به میراث برده‌اند]؛ و الله شنوای داناست.

إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٣٥﴾

(۳۵) [ای پیامبر، یاد کن از] هنگامی که همسر عمران گفت: «پروردگارا، من آنچه را در شکم دارم برای تو نذر کردم که آزاد [از همه چیز، در خدمت بیت‌المقدس و عبادت‌کننده تو] باشد؛ پس از من بپذیر که تو خود شنوای دانایی.»

فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنْثَىٰ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعْتَ وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنْثَىٰ وَإِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَإِنِّي أُعِيذُهَا

(۳۶) پس هنگامی که او را به دنیا آورد، گفت: «پروردگارا، من او را دختر زاده‌ام - ولی الله به آنچه او به دنیا آورده بود، داناتر بود - و پسر همانند دختر نیست، و من او را مریم نام نهادم، و او و فرزندانش را از [شر] شیطان رانده‌شده،

بِكَ وَذُرِّيَّتِهَا مِنَ الشَّيْطَانِ
الرَّجِيمِ ﴿٣٦﴾

(۳۷) آنگاه پروردگارش او [= مریم] را به نیکویی پذیرفت و [نهالِ وجودش را] به شیوه شایسته‌ای پرورش داد و سرپرستی‌اش را به زکریا سپرد. هر گاه زکریا وارد عبادتگاه [او] می‌شد، نزدش غذایی می‌یافت [پس با شگفتی] می‌گفت: «ای مریم، این [غذا] از کجا برایت آمده است؟» [مریم] می‌گفت: «این [غذا] از جانب الله است. بی‌گمان، الله به هر کس بخواهد، بی‌شمار روزی می‌بخشد».

هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ ﴿٣٨﴾

(۳۸) آنجا [بود که] زکریا پروردگارش را خواند [او] گفت: «پروردگارا، از جانب خویش فرزندی پاک و پسندیده به من عطا کن [که] بی‌تردید، تو شنونده‌ی دعایی».

(۳۹) پس در حالی که او [= زکریا] ایستاده در عبادتگاه [خود] نماز می‌خواند، فرشتگان او را ندا دادند که: «الله تو را به [ولادت] یحیی بشارت می‌دهد [که] تصدیق‌کننده کلمه‌ی الله [= عیسی] است و [در علم و عبادت، بر قوم خویش] سرور است و پارساست [= به شهوات توجهی ندارد] و پیامبری از شایستگان است».

قَالَ رَبِّ أُنِّي يَكُونُ لِي غُلْمٌ وَقَدْ بَلَغَنِي الْكِبَرُ وَأَمْرَاتِي عَاقِرٌ ۗ قَالَ كَذَلِكَ اللَّهُ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ ﴿۴۰﴾

(۴۰) [زکریا] گفت: «پروردگارا، چگونه فرزندی خواهم داشت، حال آنکه پیری به سراغم آمده و همسرم [نیز] نازاست؟» [الله] فرمود: «[امر آفرینش] چنین است [که] الله هر چه خواهد، انجام می‌دهد».

قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً ۗ قَالَ آيَاتِكَ إِلَّا تَكْلَمَ النَّاسَ ثَلَاثَةً أَيَّامٍ إِلَّا رَمَزًا وَاذْكُرَ رَبَّكَ كَثِيرًا وَسَبِّحْ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَرِ ﴿۴۱﴾

(۴۱) [زکریا] گفت: «پروردگارا، برایم نشانه‌ای قرار بده»؛ [الله] فرمود: «نشانه‌ات این است که سه [شبانه] روز، [بدون اینکه بیمار باشی] جز با اشاره، قادر به سخن گفتن با مردم نیستی [پس صبور باش] و پروردگارت را بسیار یاد کن و شامگاهان و صبحگاهان [او را] تسبیح گوی».

وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَمْرَيْمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَأَصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءٍ ۗ وَالْعَلَمِينَ ﴿۴۲﴾

(۴۲) و [ای پیامبر، یاد کن از] هنگامی که فرشتگان گفتند: «ای مریم، الله تو را برگزیده و پاک ساخته و تو را [در عصر خودت] بر زنان جهان برتری داده است».

يَمْرَيْمُ أَقْنِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ ﴿۴۳﴾

(۴۳) ای مریم، [همواره] عبادتگرِ پروردگار خویش باش و [برای او] سجده بگزار و همراه رکوع‌کنندگان رکوع کن».

ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَقُولُونَ

(۴۴) [ای پیامبر، این [خبر] از خبرهای غیبی است که به تو وحی می‌کنیم. و تو هنگامی که [علمای مذهبی یهود] قلم‌هایشان

أَقْلَمَهُمْ أَيُّهُمْ يَكْفُلُ مَرْيَمَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَخْتَصِمُونَ ﴿۴۴﴾

را [برای قرعه‌کشی به آب] می‌افکندند تا [تعیین کنند] کدام‌یک سرپرستی مریم را به عهده گیرد، نزدشان نبود؛ و [نیز] وقتی که [بر سر این موضوع] با یکدیگر کشمکش می‌کردند، کنارشان حضور نداشتی.

إِذْ قَالَتِ الْمَلِكَةُ يَمْرَيْمُ إِنَّ اللَّهَ يَبْشُرُكِ بِكَلِمَةٍ مِّنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ ﴿۴۵﴾

(۴۵) و [ای پیامبر، یاد کن از] هنگامی که فرشتگان گفتند: «ای مریم، الله تو را به کلمه‌ای از جانب خویش بشارت می‌دهد که نامش مسیح - عیسی پسر مریم - است؛ در حالی که [او] در دنیا و آخرت آبرومند و از نزدیکان [درگاه الهی] است.

وَيُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَمِنَ الصَّالِحِينَ ﴿۴۶﴾

(۴۶) او در گهواره [به اعجاز] و در میانسالی [به وحی الهی] با مردم سخن می‌گوید و از شایستگان است.

قَالَتْ رَبِّ أُنَّى يَكُونُ لِي وَلَدٌ وَلَمْ يَمَسَّ سِنِي بَشَرٌ قَالَ كَذَلِكَ اللَّهُ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ وَاكُن فَيَكُونُ ﴿۴۷﴾

(۴۷) [مریم] گفت: «پروردگارا، چگونه فرزندی خواهم داشت در حالی که [هیچ] بشری به من دست نزده است؟» [فرشته] گفت: «الله بدین‌سان هر چه را بخواهد می‌آفریند [و] هر گاه چیزی را اراده کند، فقط به آن می‌گوید: "باش" آنگاه آن [چیز بی‌درنگ] موجود می‌شود».

وَيُعَلِّمُهُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ ﴿۴۸﴾

(۴۸) و [نیز بشارت داد که الله] به او نوشتن و حکمت و تورات و انجیل می‌آموزد.

وَرَسُولًا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنِّي قَدْ
 جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ أَنِّي
 أَخْلَقُ لَكُمْ مِّنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ
 الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا
 بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُبْرِئُ الْأَكْمَةَ
 وَالْأَبْرَصَ وَأُحْيِي الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِ اللَّهِ
 وَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَمَا
 تَدْخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ إِنَّ فِي
 ذَلِكَ لَآيَةً لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ
 مُّؤْمِنِينَ ﴿٤٩﴾

(۴۹) و پیامبری به سوی بنی اسرائیل است که
 [به آنان می گوید: «من از سوی پروردگارتان
 برای شما نشانه‌ای آورده‌ام: من از گل برایتان
 [چیزی] به شکل پرنده می‌سازم؛ آنگاه در آن
 می‌دمم و به فرمان الله [آن گل بی‌جان، تبدیل
 به] پرنده‌ای می‌شود؛ و [همچنین] به فرمان
 الله، کورِ مادرزاد و مبتلایان به پیسی را
 بهبودی می‌بخشم و مردگان را زنده می‌کنم و
 از آنچه می‌خورید و در خانه‌هایتان ذخیره
 می‌کنید به شما خبر می‌دهم. مسلماً اگر ایمان
 داشته باشید، در این [معجزات] نشانه‌ای برای
 شماست [که نبوتم را باور کنید]».

وَمُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ
 التَّوْرَةِ وَإِلَّا جَلَّ لَكُمْ بَعْضُ
 الَّذِي حُرِّمَ عَلَيْكُمْ وَجِئْتُكُمْ
 بِآيَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ
 وَأَطِيعُوا ﴿٥٠﴾

(۵۰) و [می‌گوید: «آمده‌ام تا] تصدیق‌کننده
 تورات باشم که پیش از من [نازل شده] است؛
 و [فرستاده شده‌ام] تا برخی از چیزهایی را که
 بر شما حرام شده بود، حلال کنم؛ و نشانه‌ای
 از طرف پروردگارتان برای شما آورده‌ام؛ پس از
 الله پروا نمایید و مرا اطاعت کنید.

إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ
 هَذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ ﴿٥١﴾

(۵۱) به راستی که الله، پروردگار من و
 پروردگار شماست؛ پس او را عبادت کنید [که]
 راه راست این است».

فَلَمَّا أَحَسَّ عِيسَىٰ مِنْهُمُ
 الْكُفْرَ قَالَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَىٰ

(۵۲) سپس چون عیسی به کفر آنان پی برد
 گفت: «چه کسانی یاوران من [در راه دعوت]
 [من] خواهند بود؟»

اللَّهُ قَالَ الْخَوَارِثُونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ بِمَا آمَنَّا بِاللَّهِ وَأَشْهَدُ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ ﴿٥٢﴾

به سوی الله هستند؟» حواریون گفتند: «ما یاوران [دین] الله هستیم؛ به الله ایمان آورده‌ایم و [تو نیز ای عیسی]، گواه باش که ما تسلیم [او] هستیم.

رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُتِبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ ﴿٥٣﴾

(۵۳) پروردگارا، به آنچه نازل کرده‌ای ایمان آوردیم و از فرستاده [تو] پیروی نمودیم؛ پس ما را در زمره گواهان [به حق و مؤمنان به پیامبرت] بنویس.»

وَمَكْرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَكْرِينَ ﴿٥٤﴾

(۵۴) [پس از مدتی کافران بنی اسرائیل برای کشتن عیسی] مکر ورزیدند و الله [نیز در پاسخشان] تدبیر نمود و الله بهترین تدبیرکنندگان است.

إِذْ قَالَ اللَّهُ يَعْيسَى ابْنِي مَرْيَمَ مَا كَفَرْتُمْ فَانزَلْنَاهُ فِي الْقُرْآنِ ذِكْرًا لِّلَّذِينَ آمَنُوا وَأُولِي الْأَلْبَابِ وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْحَدِيثِ فِي الْحَمِيمِ ﴿٥٥﴾

(۵۵) [یاد کن از] هنگامی که الله [به عیسی] فرمود: «ای عیسی، من تو را [از زمین] برمی‌گیرم و به سوی خویش بالا می‌برم و تو را از [الایش و تهمت] کسانی که کفر ورزیدند، پاک می‌گردانم و تا روز رستاخیز، کسانی را که از تو پیروی کردند [و به محمد ایمان آوردند]، برتر از کسانی قرار می‌دهم که کفر ورزیدند. سپس بازگشتتان به سوی من است؛ آنگاه در [مورد] آنچه در آن اختلاف می‌کردید، میانتان داوری می‌کنم.

فَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَاَعْدِبُهُمْ

(۵۶) اما کسانی را که کفر ورزیدند، در دنیا و

عَذَابًا شَدِيدًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ مِّن نَّاصِرِينَ ﴿٥٦﴾
 آخرت به عذابی سخت مجازات می‌کنم و
 یاورانی نخواهند داشت.

وَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ﴿٥٧﴾
 و اما کسانی که ایمان آوردند و کارهای
 شایسته انجام دادند، [الله] پاداششان را به طور
 کامل به آنان خواهد داد؛ و الله ستمکاران را
 دوست ندارد.

ذَلِكَ نَتْلُوهُ عَلَيْكَ مِنَ الْآيَاتِ وَالذِّكْرِ الْحَكِيمِ ﴿٥٨﴾
 [ای پیامبر،] اینها که [از ماجرای عیسی]
 بر تو می‌خوانیم، از نشانه‌ها [ی روشن] است
 [که بر راستگویی تو] و [درستی این] اندرز
 حکمت‌آمیز [= قرآن] دلالت دارد.

إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ ءَادَمَ ۖ خَلَقَهُ مِن تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُن فَيَكُونُ ﴿٥٩﴾
 (۵۹) در حقیقت، مثل عیسی نزد الله، همچون
 مثل [خلقت] آدم است [که] او را از خاک
 آفرید سپس به او فرمود: «باش». پس
 [بی‌درنگ] موجود شد.

أَلْحَقْ مِن رَّبِّكَ فَلَا تَكُن مِّنَ الْمُمْتَرِينَ ﴿٦٠﴾
 (۶۰) [آنچه درباره عیسی بیان کردیم،]
 حقیقتی از جانب پروردگار توست؛ پس هرگز از
 تردیدکنندگان مباش.

فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِن بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ
 (۶۱) پس [ای پیامبر،] هر کس [از نصرانی‌های
 نجران] پس از آن دانشی که درباره او [= عیسی]
 برایت [حاصل] آمده است با تو بحث و
 جدل کند، [به آنها] بگو: «بیایید [همگی را]
 فرابخوانیم: پسران ما و پسران شما و زنان ما و

ثُمَّ نَبْتَهْلِ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكٰذِبِينَ ﴿٦١﴾
 زنان شما و خود ما و شما [نیز حاضر شویم]؛ سپس به [درگاه الهی تضرع و] دعا کنیم و لعنتِ الله را بر دروغگویان قرار دهیم».

إِنَّ هٰذَا لَهُوَ الْقَصَصُ الْحَقُّ وَمَا مِنْ إِلٰهٍ إِلَّا اللَّهُ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٦٢﴾
 این همان داستان حقیقی [مسیح] است، و هیچ معبودی [به حق] جز الله نیست و بی گمان، الله ذات شکست ناپذیر [و] حکیم است.

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِالْمُفْسِدِينَ ﴿٦٣﴾
 پس اگر [از سخن حق] روی گردانند، [بدان که] الله از [حال] مفسدان آگاه است.

قُلْ يٰٓأَهْلَ الْكِتٰبِ تَعَالَوْا إِلَىٰ كَلِمَةٍ سَوَآءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِّنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ ﴿٦٤﴾
 (ای پیامبر،) بگو: «ای اهل کتاب، به سوی سخنی بیاید که میان ما و شما عادلانه است [و انحرافی از حق در آن نیست]: که جز الله را عبادت نکنیم و چیزی را [در قدرت و تدبیر] با او شریک نسازیم و برخی از ما برخی دیگر را به جای الله، معبود نگیرند». اگر آنان [از این دعوت] روی گردانند، پس [ای مؤمنان، به آنان] بگویید: «گواه باشید که ما تسلیم [واامر الهی] هستیم».

يٰٓأَهْلَ الْكِتٰبِ لِمَ تُحَاجُّونَ فِي إِبْرٰهِيمَ وَمَا أُنزِلَتِ التَّوْرَةُ وَالْإِنْجِيلُ إِلَّا مِنْ بَعْدِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٦٥﴾
 ای اهل کتاب، چرا دربارهٔ ابراهیم مجادله می کنید؛ در حالی که تورات و انجیل بعد از او نازل شده است؟ آیا نمی اندیشید؟

هَاتَانْتُمْ هَؤُلَاءِ حَاجَجْتُمْ فِيمَا لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ فَلِمَ تُحَاجُّونَ فِيمَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿٦٦﴾

(۶۶) هان! شما [اهل کتاب] کسانی هستید که درباره آنچه نسبت به آن آگاهی و علم داشتید، بحث و ستیز می‌کردید؛ پس چرا [اینک] در مورد چیزی که به آن علم ندارید [و در کتاب‌هایتان نیامده است] بحث و ستیز می‌کنید؟ در حالی که الله [حقایق امور را] می‌داند و شما نمی‌دانید.

مَا كَانَ إِبْرَاهِيمَ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا وَلَكِنْ كَانَ حَنِيفًا مُّسْلِمًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿٦٧﴾

(۶۷) ابراهیم نه یهودی بود و نه نصرانی؛ بلکه حق‌گرای مسلمان بود و هرگز از زمره مشرکان نبود.

إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَذَا النَّبِيُّ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٦٨﴾

(۶۸) به راستی، سزاوارترین مردم به ابراهیم همان کسانی هستند که از او پیروی کرده‌اند؛ و [از جمله] این پیامبر [شما محمد] و کسانی که [مسلمانند و به او] ایمان آورده‌اند؛ و الله [یار و] کارساز مؤمنان است.

وَدَّتْ طَّائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يُضِلُّوكُمْ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ ﴿٦٩﴾

(۶۹) [ای مؤمنان]، گروهی از اهل کتاب آرزو می‌کردند کاش شما را گمراه می‌کردند؛ در حالی که جز خودشان [کسی] را گمراه نمی‌کنند و [الی] نمی‌فهمند.

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَأَنْتُمْ تَشْهَدُونَ ﴿٧٠﴾

(۷۰) ای اهل کتاب، چرا به آیات الله کافر می‌شوید، در حالی که خود [به درستی آن] گواهی می‌دهید؟

يَتَأْهَلُ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٧١﴾

(۷۱) ای اهل کتاب، چرا حق را به باطل می‌آمیزید و حقیقت [= پیامبری محمد] را پنهان می‌کنید در حالی که خود می‌دانید؟

وَقَالَتْ طَآئِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ ءَأَمِنُوا بِالَّذِي أُنزِلَ عَلَى الَّذِينَ ءَأَمِنُوا وَجَهَ النَّهَارِ وَكَفَرُوا ءَاخِرَهُ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿٧٢﴾

(۷۲) گروهی از [علمای] اهل کتاب [به] یکدیگر گفتند: «در آغاز روز به آنچه بر مؤمنان نازل شده است ایمان بیاورید و در پایان [روز] کافر شوید؛ شاید آنان [نیز تردید کنند و از اسلام] برگردند.»

وَلَا تُؤْمِنُوا إِلَّا لِمَنْ تَبِعَ دِينَكُمْ قُلْ إِنَّ الْهُدَىٰ هُدَىٰ اللَّهِ أَنْ يُؤْتَىٰ أَحَدٌ مِّثْلَ مَا أُوتِيتُمْ أَوْ يُحَاجُّوكُمْ عِنْدَ رَبِّكُمْ قُلْ إِنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٧٣﴾

(۷۳) و [اینکه] ایمان نیاورید مگر به کسی که از دین شما پیروی می‌کند. [ای پیامبر، به آنان] بگو: «در حقیقت، هدایت [راستین]، هدایتِ الله است». [دوباره گفتند: «هرگز چیزی به مسلمانان نیاموزید و اجازه ندهید] به کسی نظیر آنچه به شما داده شده است، داده شود یا [دلیلی در اختیارشان نگذارید که بتوانند] در پیشگاه پروردگارتان با شما بحث کنند». [ای پیامبر،] بگو: «بی‌تردید، فضل [و برتری] به دست الله است؛ آن را به هر کس خواهد می‌بخشد؛ و الله گشایشگرِ داناست.»

يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿٧٤﴾

(۷۴) رحمت خویش را به هر کس خواهد اختصاص می‌دهد؛ و الله دارای بخشش بزرگ [و بی‌اندازه] است.»

﴿۷۵﴾ از اهل کتاب کسی هست که اگر مال فراوانی به او امانت دهی، آن را به تو باز نمی‌گرداند؛ و از [میان] آنان کسی هست که اگر او را بر دیناری امین بشماری، آن را به تو باز نمی‌گرداند؛ مگر آنکه پیوسته بر [دریافت] آن ایستادگی کنی. این به سبب آن است که آنان می‌گویند: «در مورد [خوردن اموال] امیها [= غیر یهود]، گناهی بر ما نیست»؛ و [بدین گونه، آنان] در حالی که [حقیقت را] می‌دانند، بر الله دروغ می‌بندند.

﴿۷۶﴾ آری، [این کار، گناه است؛ اما] هر کس به پیمان خود وفا کند و پرهیزگاری نماید، [بداند که] بی‌تردید، الله پرهیزگاران را دوست دارد.

﴿۷۷﴾ کسانی که پیمان الله [درباره] اجرای احکام] و سوگندهای خود [درباره] پیروی از محمد] را به بهای ناچیزی می‌فروشند، یقیناً بهره‌ای در آخرت نخواهند داشت و الله روز قیامت با آنان سخن نمی‌گوید و به آنان نمی‌نگرد و آنها را [از گناه] پاک نمی‌سازد و عذاب دردناکی [در پیش] دارند.

﴿۷۸﴾ و گروهی از آنان [= یهود] هستند که زبان خود را به [هنگام تلاوت] کتاب [تورات]

وَمِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِقِنطَارٍ يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِدِينَارٍ لَّا يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ إِلَّا مَا دُمْتَ عَلَيْهِ قَائِمًا ۗ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْأُمِّيِّينَ سَبِيلٌ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿٧٥﴾

بَلَىٰ مَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ وَاتَّقَىٰ فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ ﴿٧٦﴾

إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَٰئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٧٧﴾

وَإِنَّ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا يَلُودُونَ

چنان می گردانند [و آن را تحریف می کنند] که گمان کنید [آنچه می خوانند واقعاً] از [مطالب آن] کتاب [آسمانی] است، در حالی که از آن کتاب نیست؛ و [باز به دروغ] می گویند: «آن [جملات] از جانب الله است»؛ در صورتی که از جانب الله نیست و بر الله دروغ می بندند، در حالی که خود [نیز حقیقت را] می دانند.

(۷۹) برای هیچ بشری سزاوار نیست که الله به او کتاب و حکم [= دانش و فهم] و پیامبری دهد، سپس او به مردم بگوید: «به جای الله، بندگان من باشید». بلکه [سزاوار است که پیامبران به مردم بگویند:] «به خاطر آنکه کتاب [تورات] را آموزش می دادید و از آنجا که [عقاید و احکام آن را] فرا می گرفتید، [فقیهان و دانشمندان] الهی باشید».

(۸۰) و نه اینکه به شما فرمان دهد که فرشتگان و پیامبران را [به جای الله، صاحب اختیار [معبود] بگیرید. آیا [این شخص] شما را پس از آنکه مسلمان شدید، به کفر فرمان می دهد؟

(۸۱) و [ای پیامبر، یاد کن از] هنگامی که الله از پیامبران پیمان گرفت [و فرمود:] «هر گاه به شما کتاب و حکمتی دادم و آنگاه فرستاده‌ای

أَلْسِنَتَهُم بِالْكِتَابِ لِتَحْسَبُوهُ مِنَ الْكِتَابِ وَمَا هُوَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿۷۸﴾

مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللَّهُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا عِبَادًا لِي مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ كُونُوا رَبَّيْنَكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تُعَلِّمُونَ الْكِتَابَ وَبِمَا كُنْتُمْ تَدْرُسُونَ ﴿۷۹﴾

وَلَا يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَتَّخِذُوا الْمَلَائِكَةَ وَالنَّبِيِّينَ أَرْبَابًا أَيَأْمُرُكُمْ بِالْكَفْرِ بَعْدَ إِذْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿۸۰﴾

وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْنَاكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا

[= محمد] به سویتان آمد که آنچه را با شماست تصدیق کرد، باید به او ایمان آورید و یاری اش کنید». [آنگاه] فرمود: «آیا اقرار کردید و پیمان محکم مرا در این باره پذیرفتید؟» [آنان] گفتند: «اقرار کردیم». [الله] فرمود: «پس [بر خود و امت هایتان] گواه باشید و من [نیز] با شما از گواهانم.

فَمَنْ تَوَلَّى بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿۸۲﴾
 (۸۲) پس هر کس بعد از این [پیمان، از عهد خویش] روی بگرداند، آنانند که فاسقند».

(۸۳) آیا [کافران، آیینی] جز دین الله را می جویند؟ حال آنکه هر کس [و هر چه] در آسمانها و زمین است - خواه ناخواه - سر به فرمان او نهاده است و [همگی] به سوی او بازگردانده می شوند.

قُلْ ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ عَلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَالنَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ﴿۸۴﴾
 (۸۴) ای پیامبر، بگو: «به الله و آنچه بر ما نازل شده است ایمان آوردیم و [همچنین به] آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و [پیامبرانی که از] نوادگان [یعقوب بودند] نازل گردیده است و آنچه به موسی و عیسی و [دیگر] پیامبران از جانب پروردگارشان داده شده است؛ میان هیچ یک از آنان فرقی نمی گذاریم و تسلیم او هستیم».

وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٨٥﴾

(۸۵) هر کس دینی غیر از اسلام برگزیند، هرگز از او پذیرفته نخواهد شد و در آخرت از زیانکاران است.

كَيْفَ يَهْدِي اللَّهُ قَوْمًا كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ وَشَهِدُوا أَنَّ الرَّسُولَ حَقٌّ وَجَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿٨٦﴾

(۸۶) چگونه الله قومی را هدایت می کند که بعد از ایمانشان و [پس از آنکه] گواهی دادند به اینکه پیامبر [اسلام] بر حق است و برایشان دلایل روشن آمد، کافر شدند؟ و قطعاً الله قوم ستمکار را هدایت نمی کند.

أُولَئِكَ جَزَاءُهُمْ أَنْ عَلَيهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ﴿٨٧﴾

(۸۷) جزایشان این است که لعنتِ الله و فرشتگان و مردم، همگی بر آنهاست.

خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمُ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ ﴿٨٨﴾

(۸۸) در آن [لعنت،] جاودانه می ماندند؛ نه عذاب از اینان کاسته می شود و نه مهلت [عذر و توبه] می یابند.

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٨٩﴾

(۸۹) مگر کسانی که پس از آن توبه کردند و [با درستکاری، رفتارشان را] اصلاح نمودند؛ که بی گمان، الله آمرزندهٔ مهربان است.

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ ثُمَّ أَزْدَادُوا كُفْرًا لَنْ نُقْبَلَ تَوْبَتَهُمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الضَّالُّونَ ﴿٩٠﴾

(۹۰) به راستی، کسانی که پس از ایمان خود کافر شدند و بر کفر [خویش] افزودند، هرگز توبهٔ آنان پذیرفته نخواهد شد و آنان قطعاً گمراهند.

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارًا فَلَنْ يُمْسِلَ مِنْ أَحَدِهِمْ مِلَّةٌ الْأَرْضِ ذَهَبًا وَلَوْ أُفْتَدِيَ بِهِ ۗ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ ﴿٩١﴾

(۹۱) کسانی که کفر ورزیدند و در حال کفر از دنیا رفتند، اگر زمین پر از طلا باشد و [بتوانند] آن را به عنوان فدیة [و کفارة اعمال بد خویش] بپردازند، هرگز از هیچ‌یک از آنها پذیرفته نخواهد شد و مجازاتی دردناک [در پیش] دارند و یاورانی نخواهند داشت.

لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ ﴿٩٢﴾

(۹۲) [ای مؤمنان،] هرگز به [منزلت و ثواب] نیکوکاری دست نمی‌یابید مگر آنکه از آنچه دوست دارید انفاق کنید؛ و بی‌تردید، الله به آنچه انفاق می‌کنید داناست.

كُلُّ الطَّعَامِ كَانَ حَلَالًا لِيَنِّي إِسْرَائِيلَ إِلَّا مَا حَرَّمَ إِسْرَائِيلُ عَلَى نَفْسِهِ ۚ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُنَزَّلَ الْتَّوْرَةُ ۚ قُلْ فَأْتُوا بِالتَّوْرَةِ فَآتُوهَا إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٩٣﴾

(۹۳) همهٔ غذاها برای بنی‌اسرائیل حلال بود، مگر آنچه یعقوب پیش از نزول تورات بر خود حرام کرده بود. [ای پیامبر، به یهود] بگو: «اگر راست می‌گویید [و سخنم را باور ندارید،] تورات را بیاورید و آن را بخوانید».

فَمَنْ أَفْتَرَى عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٩٤﴾

(۹۴) پس هر کس بعد از این، بر الله دروغ بدهد، آنانند که ستمکارند.

قُلْ صَدَقَ اللَّهُ ۗ فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿٩٥﴾

(۹۵) [ای پیامبر،] بگو: «الله [در مورد یعقوب و هر چه نازل فرموده است] راست گفت؛ پس از آیین ابراهیم پیروی کنید که حق‌گرا بود و هرگز در زمرهٔ مشرکان نبود».

إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي
بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ ﴿٩٦﴾
(۹۶) در حقیقت، نخستین خانه‌ای که برای
[عبادت] مردم قرار داده شد، همانی است که
در مکه قرار دارد که پیرکت و [مایه] هدایت
جهانیان است.

فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ
وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَلِلَّهِ عَلَى
النَّاسِ حُجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ
إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ
غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ ﴿٩٧﴾
(۹۷) در آن [خانه]، نشانه‌های روشن، [از
جمله] مقام ابراهیم است و [دیگر اینکه]
هر کس وارد آن [حرم] شود، در امان خواهد
بود؛ و بر مردم [واجب] است که برای [عبادت]
الله قصد آن خانه کنند [البته برای] کسی که
توانایی [مالی و جسمی] رفتن به سوی آن را
دارد؛ و هر کس [به فریضه حج] کفر ورزد،
بی‌تردید، الله از جهانیان بی‌نیاز است.

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ
تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ
شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا تَعْمَلُونَ ﴿٩٨﴾
(۹۸) ای پیامبر، بگو: «ای اهل کتاب، چرا به
آیات الله کفر می‌ورزید؟ حال آنکه الله بر آنچه
می‌کنید، گواه است.»

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَصُدُّونَ
عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ مَنْ آمَنَ
تَبَعُونَهَا عَوَجًا وَأَنْتُمْ شُهَدَاءُ وَمَا
اللَّهُ بِغَفِيلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٩٩﴾
(۹۹) بگو: «ای اهل کتاب، چرا کسی را که
ایمان آورده است از راه الله باز می‌دارید و آن
را منحرف می‌خواهید؟ در حالی که شما [خود]
به درستی آن [گواهید]؛ و الله از آنچه می‌کنید
غافل نیست.»

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَطِيعُوا
فَرِيقًا مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ

يَرُدُّوكُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ

از ایمانتان به کفر بازمی گردانند.

كَافِرِينَ ﴿١٠١﴾

وَكَيْفَ تَكْفُرُونَ وَأَنْتُمْ تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ آيَاتُ اللَّهِ وَفِيكُمْ رَسُولُهُ ۗ وَمَنْ يَعْتَصِم بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿١١١﴾

(۱۰۱) و چگونه شما کافر می شوید در حالی که آیات الله بر شما خوانده می شود و پیامبرش میان شماست؟ و هر کس به [کتاب] الله [و سنت پیامبرش] تمسک جوید، قطعاً به راه راست هدایت شده است.

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ ۗ حَقَّ تُقَاتِهِ ۚ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿١٠٢﴾

(۱۰۲) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از الله -آن گونه که شایستهٔ پروا کردن از اوست- پروا کنید و جز در حال مسلمانی نمیرید.

وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا ۗ وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا ۗ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ ۗ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿١٠٣﴾

(۱۰۳) و همگی به ریسمان الله [= دین الله] چنگ زنید و پراکنده نشوید؛ و نعمت [بزرگ] الله را بر خود به یاد آورید که چگونه دشمن یکدیگر بودید و او میان دل‌هایتان الفت ایجاد کرد و به [لطف و برکت] نعمتش برادر [یکدیگر] شدید؛ در حالی که [پیش از آن، به خاطر کفرتان،] بر لبِ پرتگاه آتش قرار داشتید [که] الله شما را از آن نجات داد. الله اینچنین آیات خود را برایتان آشکار می‌سازد؛ باشد که هدایت یابید.

وَلَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَىٰ الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ

(۱۰۴) و [ای مؤمنان،] باید گروهی از شما باشند که [مردم را] به نیکی دعوت کنند و به

وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿١٠٤﴾
 [کارهای] شایسته فرمان دهند و از [امور] ناپسند بازدارند؛ و آنانند که رستگارند.

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١٠٥﴾
 (۱۰۵) و مانند کسانی نباشید که پس از آنکه دلایل روشن برایشان آمد، پراکنده شدند و اختلاف کردند. اینان عذابی سهمگین [در پیش] دارند.

يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ فَأَمَّا الَّذِينَ أُسَوِّدَتْ وُجُوهُهُمْ أَكْفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ﴿١٠٦﴾
 (۱۰۶) روزی که چهره‌هایی سپید و چهره‌هایی سیاه می‌گردد؛ اما [به] کسانی که چهره‌هایشان سیاه شده است [گفته می‌شود]: «آیا بعد از ایمانتان کافر شدید؟ پس به سبب آنچه کفر می‌ورزیدید، عذاب را بچشید».

وَأَمَّا الَّذِينَ أَبْيَضَّتْ وُجُوهُهُمْ فِئِي رَحْمَةِ اللَّهِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿١٠٧﴾
 (۱۰۷) و اما کسانی که چهره‌هایشان سپید گشته است، در رحمتِ الله [در بهشتِ برین] جای می‌گیرند و در آن جاودانند.

تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِّلْعَالَمِينَ ﴿١٠٨﴾ [ای پیامبر،] اینها آیات الله است که آن را به حق بر تو می‌خوانیم؛ و الله [هیچ گاه] ستمی برای جهانیان نمی‌خواهد.

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ﴿١٠٩﴾
 (۱۰۹) و هر چه در آسمان‌ها و زمین است از آنِ الله است و [همه] کارها به سوی الله بازگردانده می‌شود.

(۱۱۰) [ای امت محمد،] شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده‌اید: به کار نیک فرمان می‌دهید و از کار ناپسند باز می‌دارید و به الله ایمان دارید؛ و اگر اهل کتاب [نیز] ایمان می‌آورند، قطعاً برایشان بهتر بود؛ برخی از آنان مؤمنند و [الی] بیشتر آنان [فاسق و] نافرمانند.

كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ ءَامَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِّنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿۱۱۰﴾

(۱۱۱) [فاسقان اهل کتاب] جز آزاری اندک [همچون طعنه و تمسخر] هرگز زبانی به شما نخواهند رساند و اگر با شما بجنگند، [شکست می‌خورند و] به شما پشت می‌کنند؛ آنگاه [نیز از سوی هیچ کس] یاری نمی‌شوند.

لَنْ يَضُرَّكُمْ إِلَّا أَذًى وَّ إِن يَقْتُلُوكُمْ يُؤَلِّوْكُمْ الْآدْبَارَ ثُمَّ لَا يُضَرُّونَ ﴿۱۱۱﴾

(۱۱۲) [یهود] هر کجا یافت شوند، [داغ ننگ و] خواری بر آنان زده شده است؛ جز در پناه الله یا پناه مردم، [امنیت نمی‌یابند]؛ و آنان به خشمی از الله گرفتار شده‌اند و [داغ] درماندگی [و بدبختی] بر آنان زده شده است. این به سبب آن بود که به آیات الله کفر می‌ورزیدند و پیامبران را به ناحق می‌کشتند؛ [و نیز] این [کیفر] به خاطر آن بود که نافرمانی کردند و از حدود [الهی] تجاوز می‌نمودند.

ضَرَبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلَّةُ أَئِينَ مَا تَقِفُوا إِلَّا بِحَبْلٍ مِّنَ اللَّهِ وَحَبْلِ مِّنَ النَّاسِ وَبَءَأُ وَبِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ وَضَرَبَتْ عَلَيْهِمُ الْمَسْكَنَةَ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقِّ ذَٰلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ ﴿۱۱۲﴾

(۱۱۳) [ولی همهٔ آنان] یکسان نیستند.

لَيْسُوا سَوَاءً سَوَاءً مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ

أُمَّةً قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ
عِنَاءً لَّيْلٍ وَهُمْ يَسْجُدُونَ ﴿١١٣﴾
گروهی از اهل کتاب هستند که درستکارند [و]
در دل شب، در حالی که به نماز ایستاده‌اند،
آیات الله را می‌خوانند،

يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ
وَيَأْتُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَتَّهَوْنَ
عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُسْرِعُونَ فِي
الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ
الصَّالِحِينَ ﴿١١٤﴾
ایمان دارند و [مردم را] به نیکی امر می‌کنند و
از بدی باز می‌دارند و در [انجام] کارهای نیک
می‌شتابند و آنان از زمره شایستگانند.

وَمَا يَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَنْ
يُكْفَرُوا ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ
بِالْمُتَّقِينَ ﴿١١٥﴾
و هر کار نیکی که انجام دهند، هرگز
درباره آن ناسپاسی نخواهند دید
[نیکی‌هایشان نزد الله محفوظ است]؛ و الله
به [حال] پرهیزگاران داناست.

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ نُغْنِيَ
عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِنَ
اللَّهِ شَيْئًا ۗ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ
النَّارِ ۗ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿١١٦﴾
(۱۱۶) بی‌گمان، کسانی که کفر ورزیدند، هرگز
اموال و فرزندانشان چیزی از [عذاب] الله را از
آنان دفع نخواهد کرد و آنان اهل آتشند [و]
جاودانه در آن می‌مانند.

مَثَلُ مَا يُنْفِقُونَ فِي هَذِهِ الْحَيَاةِ
الدُّنْيَا كَمَثَلِ رِيحٍ فِيهَا صِرٌّ
أَصَابَتْ حَرْثَ قَوْمٍ ظَلَمُوا
أَنْفُسَهُمْ فَأَهْلَكَتَهَا ۗ وَمَا ظَلَمَهُمْ

(۱۱۷) مثل آنچه [کافران] در این زندگی دنیا
انفاق می‌کنند، همانند بادی است که سرمای
سختی با خود دارد و به کشتزار قومی که بر
خود ستم کرده‌اند می‌رسد و نابودش می‌سازد.
الله به آنان ستم نکرده است، بلکه آنان خود بر

اللَّهُ وَلَٰكِنَ أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿۱۱۷﴾ خویشتن ستم کرده‌اند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا
بِطَانَةَ مِّن دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ
خَبَالًا وَدُوا مَا عَنْتُمْ قَدْ بَدَتِ
الْبَغْضَاءُ مِّنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي
صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ
الْآيَاتِ إِن كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ ﴿۱۱۸﴾
(۱۱۸) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از غیر
خودتان [دوست و] همراز نگیرید. آنان از هیچ
نابکاری [و شری] در حق شما کوتاهی
نمی‌کنند [و] دوست دارند که شما در رنج و
زحمت باشید. در حقیقت، [نشانه‌های]
دشمنی، از گفتارشان آشکار است و آنچه در
دل‌هایشان پنهان می‌دارند بزرگ‌تر است. اگر
بیندیشید، قطعاً [خواهید دانست که] ما
نشانه‌ها [ی پندآموز و راه سعادت دنیا و آخرت]
را برایتان به روشنی بیان کرده‌ایم.

هَآءَاتُمْ أَوْلَآءِ تُحِبُّونَهُمْ وَلَا
يُحِبُّونَكُمْ وَتُؤْمِنُونَ بِالْكِتَابِ
كَلِيمَةٍ وَإِذَا لَقُوكُمْ قَالُوا ءَامَنَّا وَإِذَا
خَلَوْا عَصَوْا عَلَيْكُمْ إِلَّا نَامِلًا
مِّنَ الْعِظِ قُلْ مُؤْتُوا بَعْضُكُمْ
إِنَ اللّٰهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿۱۱۹﴾
(۱۱۹) هان! شما [ای مؤمنان،] کسانی هستید
که آنان را دوست دارید در حالی که آنها شما
را دوست ندارند و شما به همه کتاب‌های
آسمانی [ایمان دارید] ولی آنان به قرآن ایمان
ندارند؛ و چون با شما ملاقات می‌کنند
می‌گویند: «ایمان آورده‌ایم» و چون تنها
می‌شوند، از شدت خشم بر شما، سرانگشتان
[خود] را به دندان می‌گزند. [ای پیامبر، به
آنان] بگو: «به خشم خود بمیرید». بی‌گمان،
الله از [راز] درون سینه‌ها آگاه است.

إِن تَمَسَّكُمْ حَسَنَةٌ تَسُومُكُمْ
وَإِن تُصِبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَّفْرَحُوا بِهَا

(۱۲۰) [ای مؤمنان،] اگر به شما نیکی [و
خوشی] رسد، آنان را اندوهگین می‌سازد و اگر

به شما بدی [و گزندی] رسد، به آن شادمان می‌شوند؛ و اگر [بر تقدیر الهی] صبر و پرهیزگاری نمایید، مکر و نیرنگشان هیچ زیانی به شما نمی‌رساند؛ [چرا که] بی‌تردید، الله به آنچه می‌کنند احاطه دارد.

وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ ﴿١٢٠﴾

(۱۲۱) و [ای پیامبر، به یاد آور] زمانی که [در جنگ احد]، بامدادان از خانه و کاشانه‌ات بیرون آمدی [و] مؤمنان را برای جنگیدن در سنگرهای نظامی مستقر می‌کردی؛ و الله شنوای داناست.

وَإِذْ غَدَوْتَ مِنْ أَهْلِكَ تُبَوِّئُ الْمُؤْمِنِينَ مَقْعِدَ لِلْقِتَالِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿١٢١﴾

(۱۲۲) و [به یاد آور] هنگامی که دو گروه از شما [= بنی‌سلمه و بنی‌حارثه] خواستند سستی ورزند [و همراه منافقان به مدینه بازگردند]؛ ولی الله یاور [و نگهدار] آنان بود؛ و مؤمنان باید تنها بر الله توکل کنند.

إِذْ هَمَّتْ طَّائِفَتَانِ مِنْكُمْ أَنْ تَفْشَلَا وَاللَّهُ وَلِيُهُمَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ﴿١٢٢﴾

(۱۲۳) و [ای مؤمنان] بی‌گمان، الله شما را در [جنگ] بدر در حالی یاری کرد که [به سبب کمبود افراد و اسلحه] ناتوان بودید؛ پس از الله پروا کنید؛ باشد که شکر [نعمت‌هایش را] به جای آورید.

وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرِ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿١٢٣﴾

(۱۲۴) [ای پیامبر، به یاد آور] آنگاه که به مؤمنان می‌گفتی: «آیا برایتان کافی نیست که پروردگارتان شما را با سه هزار فرشته که [از

إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ

بِثَلَاثَةِ ءَآلِفٍ مِّنَ الْمَلٰٓئِكَةِ ۖ اَسْمَانِۙ اَفَرُودَ مِیْ اَیْنِدِ یَارِی کَنْدُ؟»

مُنزَلِیْنَ ﴿۱۲۵﴾

بَلٰٓءٌ اِنْ تَصْبِرُوْا وَتَتَّقُوْا وَاِتٰوْكُمْ مِّنْ فَوْرِهِمْ هٰذَا یُمِدِّكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ ءَآلِفٍ مِّنَ الْمَلٰٓئِكَةِ مُسَوِّمِیْنَ ﴿۱۲۵﴾

(۱۲۵) آری، اگر شکیبایی و پارسایی کنید و دشمنان در این [هیجان و] شتاب خویش بر شما بتازند، پروردگارتان شما را با پنج هزار فرشتهٔ نشاندار یاری خواهد کرد.

وَمَا جَعَلَهُ اللّٰهُ اِلَّا بُشْرٰی لَّكُمْ وَلِتَطْمَیْنَنَّ قُلُوْبُكُمْ بِهٖ ۗ وَ مَا النَّصْرُ اِلَّا مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ الْعَزِیْزِ الْحَكِیْمِ ﴿۱۲۶﴾

(۱۲۶) و الله آن [وعده یاری] را جز بشارتی برای [پیروزی] شما قرار نداد تا [به وسیله آن] دل‌هایتان به آن آرامش گیرد؛ و [گرنه] پیروزی جز از جانب الله شکست‌ناپذیر حکیم نیست.

لَیَقْطَعَنَّ طَرَفًا مِّنَ الَّذِیْنَ كَفَرُوْا اَوْ یَكْبِتُهُمْ فِیْنَقْلِبُوْا خٰٓیِبِیْنَ ﴿۱۲۷﴾

(۱۲۷) [این پیروزی، برای آن بود] تا [الله] گروهی از کسانی را که کفر ورزیدند، هلاک سازد یا خوار و مغلوبشان نماید تا مأیوس [و خوار به مکه] بازگردند.

لَیْسَ لَكَ مِنَ الْاَمْرِ شَیْءٌ اَوْ یَتُوبَ عَلَیْهِمْ اَوْ یُعَذِّبُهُمْ فَاِنَّهُمْ ظٰلِمُوْنَ ﴿۱۲۸﴾

(۱۲۸) [ای پیامبر،] هیچ چیزی از کار [بندگان] در دست تو نیست؛ یا [الله] توبهٔ آنان [= مشرکان] را می‌پذیرد [و از گناهشان درمی‌گذرد] یا عذابشان می‌کند؛ زیرا آنان ستمکارند.

وَلِلّٰهِ مَا فِی السَّمٰوٰتِ وَمَا فِی (۱۲۹) آنچه در آسمان‌ها و زمین است، از آن

الله است. او تعالی هر کس را که بخواهد [به رحمت] می‌آمرزد و هر کس را بخواهد [به عدالت] عذاب می‌کند؛ و الله آمرزنده مهربان است.

الْأَرْضِ يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ
مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٢٩﴾

(۱۳۰) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، ربا را [با سود] چندبرابر نخورید و از الله پروا کنید؛ باشد که رستگار شوید.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَأْكُلُوا
الرِّبَا أَضْعَافًا مُّضَاعَفَةً وَاتَّقُوا
اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿١٣٠﴾

(۱۳۱) و از آتشی که برای کافران آماده شده است بپرهیزید.

وَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ
لِلْكَافِرِينَ ﴿١٣١﴾

(۱۳۲) و از الله و پیامبر اطاعت کنید؛ باشد که مورد رحمت [الله] قرار گیرید.

وَاطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ
تُرْحَمُونَ ﴿١٣٢﴾

(۱۳۳) و به سوی آموزش پروردگارتان و بهشتی بشتابید که گستره آن [به اندازه] آسمان‌ها و زمین است [و] برای پرهیزگاران مهیا شده است.

وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ
وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَوَاتُ
وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ ﴿١٣٣﴾

(۱۳۴) آن کسانی که در [هنگام] توانگری و تنگدستی انفاق می‌کنند و خشم خود را فرومی‌برند و از مردم درمی‌گذرند؛ و الله نیکوکاران را دوست دارد.

الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ
وَالضَّرَّاءِ وَالْكُظَّيْمِينَ الْغَيْظِ
وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ
الْمُحْسِنِينَ ﴿١٣٤﴾

(۱۳۵) و [همان] کسانی که چون مرتکب کار

وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَحِشَةً أَوْ

ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكِّرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفِرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرِ اللَّهُ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿۱۳۵﴾

زشتی شدند یا بر خود ستم کردند، الله را یاد می‌کنند و برای گناهانشان آمرزش می‌خواهند - و جز الله چه کسی گناهان را می‌آمرزد؟ - و بر آنچه کرده‌اند پافشاری نمی‌کنند در حالی که می‌دانند [گناهکارند و الله بخشاینده و توبه‌پذیر است].

أُولَٰئِكَ جَزَاؤُهُمْ مَغْفِرَةٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَجَنَّتٌ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ ﴿۱۳۶﴾

(۱۳۶) پاداش اینان، آمرزشی از [جانب] پروردگارشان است و باغ‌هایی که از زیر [درختان] آن جویبارها جاری است؛ جاودانه در آن می‌مانند؛ و پاداش [نیکوکاران و] اهل عمل چه نیکوست!

قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ ﴿۱۳۷﴾

(۱۳۷) [ای آسیب‌دیدگانِ اُحُد]، بی‌تردید، پیش از شما [نیز مؤمنانی بوده‌اند که رنج کشیدند و] سنت‌هایی گذشته است؛ پس در زمین بگردید و بنگرید که سرانجامِ تکذیب‌کنندگان [آیات الهی] چگونه بوده است.

هٰذَا بَيَانٌ لِّلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ ﴿۱۳۸﴾

(۱۳۸) این [قرآن]، بیانی آشکار برای مردم و هدایت و اندرزی برای پرهیزگاران است.

وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿۱۳۹﴾

(۱۳۹) و [ای مؤمنان، از جهاد در راه الله] سست [و ضعیف] نشوید و اندوهگین نگردید؛ و [بدانید که] اگر ایمان داشته باشید، شما برترید.

إِنْ يَمَسَّكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِّثْلُهُ، وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ ۗ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ﴿١٤٠﴾

(۱۴۰) اگر [در أحد] به شما جراحت [و آسیبی] رسید، به دشمنان شما نیز [در جنگ بدر به همان شکل] آسیب رسید [پس مقاومت کنید]. ما این روزها [ی شکست و پیروزی] را میان مردم می‌گردانیم تا الله، مؤمنان [واقعی] را معلوم کند و از میان شما [مؤمنان]، شهیدانی برگیرد؛ و الله ستمکاران را دوست ندارد.

وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَيَمْحَقَ الْكٰفِرِينَ ﴿١٤١﴾

(۱۴۱) و [ماجرای أحد وسیله امتحان بود] تا الله کسانی را که ایمان آورده‌اند [از گناهانشان پاک کند] و خالص گرداند و کافران را نابود سازد.

أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمَ الصَّابِرِينَ ﴿١٤٢﴾

(۱۴۲) [ای اصحاب محمد، آیا پنداشته‌اید که [تنها با ادعای ایمان،] به بهشت می‌روید، حال آنکه الله هنوز جهادگران و شکیبایان شما را معلوم نکرده است؟

وَلَقَدْ كُنْتُمْ تَمَتُّونَ الْمَوْتَ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَلْقَوْهُ فَقَدْ رَأَيْتُمُوهُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ ﴿١٤٣﴾

(۱۴۳) و [ای مؤمنان،] به راستی که پیش از روبه‌رو شدن با مرگ [در غزوه أحد]، آرزوی شهادت داشتید. سرانجام آن [معرکه جنگ] را دیدید و [اکنون پیش روی شماست و] به آن می‌نگرید.

وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ

(۱۴۴) و محمد جز فرستاده‌ای نیست که پیش

از او [نیز] رسولانی [بودند و] گذشتند. آیا اگر او بمیرد یا کشته شود، به عقب بازمی گردید [و دین خود را رها می کنید]؟ و هر کس [از عقیده راستین خود] بازگردد، [بداند که] هرگز به الله زبانی نمی رساند و [به زودی] الله سپاسگزاران را پاداش خواهد داد.

الشَّكِرِينَ ﴿۱۴۴﴾

(۱۴۵) و هیچ کسی جز به فرمان الله نمی میرد [چرا که مرگ،] سرنوشتی است زماندار [و معین]؛ و هر کس پاداش این دنیا را بخواهد، نصیبش می کنیم و هر کس پاداش آخرت را بخواهد [نیز] نصیبش خواهیم کرد و [به زودی] سپاسگزاران را پاداش خواهیم داد.

وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ كَتَبْنَا مُوَجَلًّا وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الْآخِرَةِ نُؤْتِهِ مِنْهَا وَسَنَجْزِي الشَّكِرِينَ ﴿۱۴۵﴾

(۱۴۶) و چه بسیار پیامبرانی که توده های انبوهی همراهشان نبرد کردند؛ آنان هیچ گاه در برابر [سختی ها و] آنچه که در راه الله به ایشان رسید سستی نوزیدند و [در مقابل دشمن] درمانده نشدند؛ و الله شکیبایان را دوست دارد.

وَكَايِنٍ مِّنْ نَّبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ ﴿۱۴۶﴾

(۱۴۷) و سخنشان تنها این بود که: «پروردگارا، گناهانمان را بیامرز و از زیاده روی ما در کارمان [درگذر] و گام هایمان را استوار بدار و ما را بر گروه کافران پیروز گردان».

وَمَا كَانَ قَوْلُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿۱۴۷﴾

فَقَاتِلْهُمْ اللَّهُ ثَوَابَ الدُّنْيَا وَحَسَنَّ
 ثَوَابَ الْآخِرَةِ ۗ وَاللَّهُ يُحِبُّ
 الْمُحْسِنِينَ ﴿١٤٨﴾

(۱۴۸) پس الله، پاداش این دنیا و پاداش نیک
 آخرت را به آنان عطا کرد؛ و الله نیکوکاران را
 دوست دارد.

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن تَطِيعُوا
 الَّذِينَ كَفَرُوا يُزِدُكُمْ عَلَى
 ءَعْقَابِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ ﴿١٤٩﴾

(۱۴۹) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر از
 کسانی که کفر ورزیدند اطاعت کنید، شما را
 [به کفر] بازمی‌گردانند، آنگاه [در دنیا و آخرت]
 زیانکار می‌گردید.

بَلِ اللَّهِ مَوْلَاكُمْ ۖ وَهُوَ خَيْرُ
 النَّاصِرِينَ ﴿١٥٠﴾

[بر کافران تکیه نکنید] بلکه، الله [یار
 و] کارسازِ شماست و او بهترین یاریگران است.

سَأَلْتَنِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا
 الرُّعْبَ بِمَا أَشْرَكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ
 يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَمَأْوَهُمُ النَّارُ
 وَبِئْسَ مَثْوَى الظَّالِمِينَ ﴿١٥١﴾

(۱۵۱) به زودی در دل‌های کسانی که کفر
 ورزیدند بیم و هراس خواهیم افکند؛ به خاطر
 اینکه چیزی را شریک الله قرار داده‌اند که هیچ
 دلیلی بر [حقانیت] آن نازل نکرده است؛ و
 جایگاهشان آتش است و جایگاه ستمکاران
 چه بد است!

وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ ۗ إِذْ
 تَحْسَبُونَهُم بِأَيْدِيهِمْ ۖ حَتَّىٰ إِذَا
 فَشِلْتُمْ وَتَنَزَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ
 وَعَصَيْتُمْ مِّنْ بَعْدِ مَا أَرْسَلْنَا
 مُجُوزًا مِّنْكُمْ مَّن يُرِيدُ الدُّنْيَا
 وَمِنْكُمْ مَّن يُرِيدُ الْآخِرَةَ ۗ ثُمَّ

(۱۵۲) و آنگاه که در [آغاز جنگ احد]، به
 فرمان او، آنان [= کافران] را می‌کشتید، به
 راستی الله وعده خود با شما را تحقق بخشید
 تا [اینکه در حفظ موقعیت خود] سست شدید
 و در کار [جنگ و جمع‌آوری غنیمت] با
 یکدیگر به نزاع پرداختید؛ و پس از آنکه [الله]
 آنچه را دوست می‌داشتید [= پیروزی] به شما

صَرَفَكُمْ عَنْهُمْ لِيَبْتَلِيَكُمْ ۖ
 وَلَقَدْ عَفَا عَنْكُمْ ۗ وَاللَّهُ ذُو
 فَضْلٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ ﴿۱۵۲﴾

نشان داد، [از دستور پیامبر] سرپیچی کردید؛
 برخی از شما خواهان دنیا بودند و برخی
 خواهان آخرت. سپس [الله] شما را از آنان
 برگردانید [و پیروزیتان به شکست انجامید] تا
 شما را بیازماید، و [چون از گناه و کوتاهی خود
 در نافرمانی از رسول پشیمان شدید] از شما
 درگذشت؛ و الله نسبت به مؤمنان بخشش
 [بسیار] دارد.

﴿۱۵۳﴾ و [ای مؤمنان، به یاد آورید] هنگامی که
 [از میدان جنگ] می‌گریختید و [چنان ترسیده
 بودید که] به هیچ کس توجه نمی‌کردید و
 پیامبر [که در میدان جنگ مقاومت می‌کرد] از
 پشت سرتان شما را صدا می‌زد [که: «ای
 بندگان الله، به سوی من بشتابید»؛ ولی شما
 توجه نمی‌کردید]؛ پس [الله نیز] با اندوهی در
 پی اندوهی [دیگر] شما را مجازات کرد. این به
 سبب آن بود که بر آنچه از دست داده‌اید [=]
 پیروزی و غنیمت] و آنچه بر سرتان آمده است
 [= شکست و ترس] اندوهگین نشوید و [بدانید
 که] الله به آنچه می‌کنید آگاه است.

ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ بَعْدِ الْغَمِّ
 أَمْنَةً نُّعَاسًا يَغْشَى طَآئِفَةً
 مِنْكُمْ ۗ وَطَآئِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ

ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ بَعْدِ الْغَمِّ
 أَمْنَةً نُّعَاسًا يَغْشَى طَآئِفَةً
 مِنْكُمْ ۗ وَطَآئِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ

گروهی دیگر [= منافقان] تنها در فکر جان خود بودند و دربارهٔ الله گمان‌های ناروا [و باطلی] همچون گمان‌های [دوران] جاهلیت داشتند. آنان می‌گفتند: «آیا ما در این کار اختیاری داریم؟» [ای پیامبر، به آنان] بگو: «همهٔ کارها [و شکست و پیروزی] به دست الله است». آنها چیزی را در دل‌هایشان پنهان می‌دارند که برای تو آشکار نمی‌سازند [و] می‌گویند: «اگر در این کار اختیار داشتیم، در اینجا کشته نمی‌شدیم». بگو: «اگر شما در خانه‌های خود نیز بودید، کسانی که کشته‌شدن بر آنان مقرر شده بود، قطعاً [با پای خود] به سوی قتلگاه‌های خویش می‌رفتند». و [این رویدادها] برای آن است که الله آنچه را در سینه‌هایتان [پنهان] دارید [در عمل] بیازماید و آنچه را در دل‌هایتان است پاک گرداند؛ و الله از [راز] درون سینه‌ها آگاه است.

(۱۵۵) [ای اصحاب پیامبر،] افرادی از شما که در روز برخورد دو گروه [مسلمانان و کافران] در جنگ احد] فرار کردند، در حقیقت، شیطان آنان را به سبب بعضی از کردار [و گناہانی] که مرتکب شده بودند دچار لغزش نمود و قطعاً الله از آنان درگذشت. بی‌گمان، الله آمرزندهٔ بردبار است.

أَنْفُسَهُمْ يَظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ يَقُولُونَ هَل لَّنَا مِنَ الْأَمْرِ مِنْ شَيْءٍ قُلْ إِنَّ الْأَمْرَ كُلَّهُ لِلَّهِ يُخْفُونَ فِي أَنْفُسِهِمْ مَا لَا يُبْدُونَ لَكَ يَقُولُونَ لَوْ كَانَ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ مَا قُتِلْنَا هَاهُنَا قُلْ لَوْ كُنْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ الَّذِينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَى مَضَاجِعِهِمْ وَلِيَبْتَلِيَ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَلِيُمَحِّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿١٥٥﴾

إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا وَلَقَدْ عَفَا اللَّهُ عَنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ ﴿١٥٥﴾

(۱۵۶) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، مانند افرادی نباشید که کفر ورزیدند و درباره برادرانشان - هنگامی که [در پی کسبِ روزی] به سفر رفتند [و مُردند] یا در جنگ شرکت کردند [و کشته شدند] - گفتند: «اگر آنان نزد ما بودند، نمی‌مردند و کشته نمی‌شدند». [این اعتقاد، در وجودشان نهاده شد] تا [این گونه]، الله [اندوه و] حسرتی در دل‌هایشان قرار دهد؛ و الله [است که] زنده می‌کند و می‌میراند؛ و الله به آنچه می‌کنید، بیناست.

(۱۵۷) و اگر در راه الله کشته شوید یا بمیرید، قطعاً آمرزش و رحمت الله بهتر است از [تمام] آنچه آنان [= دنیادوستان] جمع‌آوری می‌کنند.

(۱۵۸) و اگر بمیرید یا [در عرصه جهاد] کشته شوید، یقیناً به سوی الله محشور می‌شوید.

(۱۵۹) [ای پیامبر،] به [برکت] رحمت الهی است که تو با آنان [= اصحاب،] نرم خو [و مهربان] شدی؛ و اگر تندخو و سنگدل بودی، قطعاً از اطرافت پراکنده می‌شدند؛ پس از آنان درگذر و برایشان آمرزش بخواه و در کارها با آنان مشورت کن و آنگاه که تصمیم [بر انجام کاری] گرفتی، بر الله توکل کن؛ [چرا که] بی‌تردید، الله توکل‌کنندگان را دوست دارد.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ كَفَرُوا وَقَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ إِذَا ضَرَبُوا فِي الْأَرْضِ أَوْ كَانُوا غُزًى لَوْ كَانُوا عِنْدَنَا مَا مَاتُوا وَمَا قُتِلُوا لِيَجْعَلَ اللَّهُ ذَلِكَ حَسْرَةً فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ يُحِيءُ وَيُمِيتُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

وَلَيْنِ قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مِتُّمْ لَمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَحْمَةٌ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ

وَلَيْنِ مِّتُّم أَوْ قُتِلْتُمْ لِإِلَى اللَّهِ تُحْشَرُونَ

فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ

إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِنْ يَخْذَلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرْكُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ﴿١٦٠﴾

(۱۶۰) اگر الله شما را یاری کند، هیچ کس بر شما پیروز نخواهد شد و [الی] اگر شما را به خود واگذارد، کیست که پس از او یاری تان کند؟ و مؤمنان باید تنها بر الله توکل کنند.

وَمَا كَانَ لِئَبِي أَنْ يُعَلِّعَ وَمَنْ يُعَلِّعْ يَأْتِ بِمَا عَلَّ يَوْمَ الْقِيَمَةِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿١٦١﴾

(۱۶۱) و سزاوار نیست هیچ پیامبری [با گرفتن سهمی اضافی از غنایم، به اصحابش] خیانت کند؛ و هر کس خیانت کند، روز قیامت، با آنچه [در آن] خیانت کرده است می آید؛ سپس به هر کس [جزای] آنچه [از نیک و بد] کرده است به طور کامل داده می شود و به آنان ستم نخواهد شد.

أَقَمِنِ اتَّبَعَ رِضْوَانِ اللَّهِ كَمَنْ بَاءَ بِسَخَطٍ مِنَ اللَّهِ وَمَا أَوْلَىٰ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿١٦٢﴾

(۱۶۲) آیا کسی که در پی رضایتِ الله است، همانند کسی است که دچار خشمی از جانب الله گشته و جایگاهش دوزخ است؟ و [دوزخ] چه بد جایگاهی است!

هُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ ﴿١٦٣﴾

(۱۶۳) [هر یک از] اینان، درجاتی [متفاوت] نزد الله دارند و الله به آنچه می کنند بیناست.

لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ

(۱۶۴) به راستی، الله بر مؤمنان منت نهاد که میان آنان پیامبری از خودشان برانگیخت تا آیات او [= قرآن] را برایشان بخواند و [از گناه] پاکشان گرداند و به آنان کتاب [= قرآن] و

حکمت [= سنت] بیاموزد؛ و قطعاً پیش از آن، در گمراهی آشکاری بودند.

كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ﴿١٦٤﴾

(۱۶۵) [ای مؤمنان،] آیا چون [در جنگ اُحُد] به شما مصیبتی رسید - [با آنکه در جنگ بدر] دو برابرش را [به دشمنان خود] رساندید - گفتید: «این [مصیبت] از کجا [به ما] رسید؟» [ای پیامبر،] بگو: «آن [شکست] از جانب خودتان [و نتیجهٔ نافرمانی از دستور پیامبر] است». بی‌گمان، الله بر هر کاری تواناست.

أَوْلَمَّا أَصَبْتُمْ مُمْسِيَةً قَدْ أَصَبْتُمْ مِثْلَهَا قُلْتُمْ أِنِّي هَذَا قُلٌ هُوَ مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٦٥﴾

(۱۶۶) و روزی که [در جنگ احد] دو گروه [مؤمنان و کافران] با هم برخورد کردند، آنچه به شما رسید، به فرمان الله بود [تا شما را بیازماید] و مؤمنان را معلوم نماید.

وَمَا أَصَابَكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْأُجْمَعَانِ فَبِإِذْنِ اللَّهِ وَلِيَعْلَمَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٦٦﴾

(۱۶۷) و کسانی را که نفاق ورزیدند [نیز] معلوم نماید که [چون] به ایشان گفته شد: «بیایید در راه الله بجهاد کنید یا [از خانواده و قبیله‌تان] دفاع کنید». گفتند: «اگر می‌دانستیم جنگی روی خواهد داد، حتماً از شما پیروی می‌کردیم». آنان در آن هنگام به کفر نزدیک‌تر بودند تا ایمان؛ به زبان خویش چیزی می‌گویند که در دل‌هایشان نیست و الله به آنچه [در دل] پنهان می‌کنند، آگاه‌تر است.

وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ نَافَقُوا وَقِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ ادْعُوا قَالُوا لَوْ نَعْلَمُ قِتَالًا لَاتَّبَعْنَاكُمْ هُمْ لِلْكَفَرِ يَوْمِيذٍ أَقْرَبُ مِنْهُمْ لِلْإِيمَانِ يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ ﴿١٦٧﴾

الَّذِينَ قَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ وَقَعَدُوا لَوْ أَطَاعُونَا مَا قُتِلُوا قُلْ فَادْرَءُوا عَنَ أَنْفُسِكُمُ الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿١٦٨﴾

(۱۶۸) کسانی که [خود در خانه] نشستند [از جهاد سر باز زدند] و درباره برادران شان گفتند: «اگر آنها از ما پیروی می کردند، کشته نمی شدند». [ای پیامبر، به این منافقان] بگو: «اگر راست می گوئید، پس مرگ را از خود دور سازید».

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرَزَقُونَ ﴿١٦٩﴾

(۱۶۹) هرگز کسانی را که در راه الله کشته شده اند مُرده مپندار؛ بلکه زنده اند [و] نزد پروردگارشان روزی داده می شوند.

فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿١٧٠﴾

(۱۷۰) آنان به آنچه الله از فضل خود برایشان داده است شادمانند و برای [سرانجام نیک] کسانی که [راه] آنان را پی گرفته اند و [هنوز] به آنان نپیوسته اند شادی می کنند؛ چرا که [هیچ یک از] اینان ترس و اندوهی نخواهند داشت.

وَيَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةِ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٧١﴾

(۱۷۱) [همچنین] به نعمت و فضل الله شادمانند و اینکه [می بینند] الله پاداش مؤمنان را تباه نمی کند.

الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقُوا أَجْرٌ

(۱۷۲) کسانی که دعوت الله و پیامبر را - پس از آنکه [در غزوه احد] به آنان جراحت [و سختی بسیار] رسید - اجابت کردند [و برای

تعقیب مشرکان به سوی «حمرء الاسد» رفتند،
برای [آن عده از] اینان که نیکی و پرهیزگاری
کردند، پاداش بزرگی [در پیش] است.

عَظِيمٌ ﴿۱۷۲﴾

(۱۷۳) همان کسانی که برخی [از مشرکان] به
آنان گفتند: «مردم [مکه] برای [جنگ با] شما
گرد آمده‌اند؛ پس از آنها بترسید» و [لی این
سخن] بر ایمانشان افزود و گفتند: «الله برای
[محافظت از] ما بس است و [او] بهترین
[مراقب و] کارساز است».

الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ
قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ
فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ
وَنِعْمَ الْوَكِيلُ ﴿۱۷۳﴾

(۱۷۴) پس به نعمت و فضل الله [از حمراء
الاسد به مدینه] بازگشتند در حالی که هیچ
آسیبی به آنان نرسیده بود و همچنان در پی
[کسب] رضایتِ الله بودند؛ و الله فضل و
بخشش بزرگی دارد.

فَأَنْقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ
لَّمْ يَمَسَّهُمْ شُؤٌّ وَأَتَّبَعُوا
رِضْوَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ
عَظِيمٍ ﴿۱۷۴﴾

(۱۷۵) در حقیقت، این شیطان است که [شما
را از هیبت پوشالی] دوستانش می ترساند؛ پس
اگر ایمان دارید، از آنان [= مشرکان] نترسید و
از من بترسید.

إِنَّمَا ذَلِكَ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ
أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُونِ
إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿۱۷۵﴾

(۱۷۶) و [ای پیامبر] کسانی که در [یاری
کردن] کفر می شتابند، تو را اندوهگین نسازند.
یقیناً آنان هرگز زبانی به الله نمی رسانند. الله
می خواهد که بهره ای برایشان در آخرت قرار

وَلَا يَحْزَنكَ الَّذِينَ يُسْرِعُونَ فِي
الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَن يَصْرِوْا اللَّهَ
شَيْئًا يُرِيدُ اللَّهُ أَلَّا يَجْعَلَ لَهُمْ
حِزًّا فِي الْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ

ندهد و عذابی بزرگ [در پیش] دارند.

عَظِيمٌ ﴿۱۷۶﴾

إِنَّ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْكُفْرَ (۱۷۷) به راستی، کسانی که کفر را به [بهای] ایمان خریدند، هرگز به الله زیانی نمی‌رسانند و عذابی دردناک [در پیش] دارند.

وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿۱۷۷﴾

(۱۷۸) و کسانی که کافر شدند، میندارند که چون [با زندگی طولانی] به آنان مهلت می‌دهیم به سودشان است. جز این نیست که به آنان مهلت می‌دهیم تا بر گناه [خود] بیفزایند و عذابی خفت‌بار [در پیش] دارند.

عَذَابٌ مُّهِينٌ ﴿۱۷۸﴾

(۱۷۹) [ای مؤمنان]، چنین نبود [و از حکمت الهی نیست] که الله، مؤمنان را بر این حال که شما هستید [واگذار و مؤمن و منافق را در کنار یکدیگر] رها سازد [بلکه شما را با تکالیف و آزمایش‌های گوناگون می‌آزماید] تا پلید را از پاک متمایز کند؛ و چنین نبود که الله [برای مشخص نمودن مؤمنان از منافقان]، شما را از [اسرار] غیب آگاه کند؛ ولی الله از میان رسولانش هر کس را بخواهد برمی‌گزیند [و او را بر بخشی از غیب آگاه می‌کند]؛ پس به الله و رسولانش ایمان بیاورید؛ و اگر ایمان بیاورید و تقوا پیشه کنید، پاداش بزرگی برایتان [در پیش] است.

عَظِيمٌ ﴿۱۷۹﴾

وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا
 آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا
 لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا
 بَخَلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلِلَّهِ
 مِيرَاثُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ
 بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿١٨٠﴾

(۱۸۰) و کسانی که به آنچه الله از فضل
 خویش به آنان داده است بخل می‌ورزند، گمان
 نکنند که آن [بخل] برایشان خیر است؛ بلکه
 برایشان شر است. در روز قیامت، آنچه به آن
 بخل می‌ورزیدند، طوق گردنشان خواهد شد [و
 با آن عذاب می‌شوند]؛ و میراث آسمان‌ها و
 زمین از آن الله است و الله به آنچه می‌کنید
 آگاه است.

لَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذِينَ قَالُوا
 إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَنَحْنُ أَغْنِيَاءُ
 سَنَكْتُبُ مَا قَالُوا وَقَتْلَهُمْ
 الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقِّ وَنَقُولُ دُوقُوا
 عَذَابَ الْحَرِيقِ ﴿١٨١﴾

(۱۸۱) بی‌تردید، الله سخن کسانی را شنید که
 گفتند: «الله فقیر است و [از ما قرض
 می‌خواهد و] ما بی‌نیازیم». [ما این] گفتارشان
 و [نیز] قتل ناحق پیامبران را خواهیم نوشت و
 [روز قیامت به [آنان] می‌گوییم: «عذاب سوزان
 [دوزخ] را بچشید».

ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْت أَيْدِيكُمْ وَأَنَّ
 اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَامٍ لِلْعَبِيدِ ﴿١٨٢﴾

(۱۸۲) [ای یهودیان،] این [مجازات،] به خاطر
 کردار پیشین شماست؛ و [گرنه] الله هرگز به
 بندگان [خود] ستمکار نیست.

الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ عَهْدٌ إِلَيْنَا أَلَّا
 نُؤْمِنَ لِرَسُولٍ حَتَّىٰ يَأْتِيَنَا بِقُرْبَانٍ
 تَأْكُلُهُ النَّارُ فَلْ قَدْ جَاءَكُمْ
 رَسُولٌ مِّن قَبْلِي بِالْبَيِّنَاتِ وَبِالَّذِي
 قُلْتُمْ فَلِمَ قَتَلْتُمُوهُمْ إِنْ كُنْتُمْ

(۱۸۳) [این یهودیان، همان] کسانی هستند
 که گفتند: «الله به ما سفارش کرده که به هیچ
 پیامبری ایمان نیاوریم تا [پیامبری همراه خود]
 برایمان قربانی‌ای بیاورد که آتش [ناشی از
 صاعقه،] آن را [به نشانه پذیرش بسوزاند و]
 ببلعد». [ای پیامبر، به آنان] بگو: «قطعاً پیش

صَدِيقِينَ ﴿۱۸۳﴾

از من پیامبرانی بودند که دلایل آشکار را همراه آنچه گفتید برایتان آوردند. اگر راست می‌گویید، پس چرا آنان را کشتید؟»

فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَ رَسُولٌ
مِّن قَبْلِكَ جَاءُوا بِالْبَيِّنَاتِ
وَالزُّبُرِ وَالْكِتَابِ الْمُنِيرِ ﴿۱۸۴﴾

(۱۸۴) پس اگر [یهود و کافران] تو را تکذیب کردند، [غمگین مباش و بدان] پیامبرانی که پیش از تو بودند و معجزات و نوشته‌ها و کتاب‌های روشنگر آورده بودند [نیز] تکذیب شدند.

كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا
تُؤْتُونَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَن
زُحْزِحَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ
فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا
مَتَاعٌ الْعُرُورِ ﴿۱۸۵﴾

(۱۸۵) هر جاننداری چشنده [طعم] مرگ است و یقیناً روز قیامت پادشاهیتان را به صورت کامل دریافت خواهید کرد؛ پس هر که را از آتش دور دارند و در بهشت درآورند، قطعاً رستگار شده است؛ و زندگی دنیا چیزی جز مایه فریب نیست.

لَتُبْلَوْنَ فِي أَمْوَالِكُمْ
وَأَنفُسِكُمْ وَلَتَسْمَعَنَّ مِنَ الَّذِينَ
أُوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ وَمِنَ
الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَدَى كَثِيرًا وَإِن
تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِّن
عَزْمِ الْأُمُورِ ﴿۱۸۶﴾

(۱۸۶) [ای مؤمنان]، بی‌تردید شما در [امور] بدل [اموال و جان‌هایتان آزمایش می‌شوید و [همچنین] از کسانی که پیش از شما به آنان کتاب [آسمانی] داده شده است = یهود و نصاری] و [نیز] از کسانی که شرک ورزیدند سخنان آزاردهنده بسیاری خواهید شنید؛ و [الی] اگر صبر کنید و تقوا پیشه سازید، [شایسته‌تر است؛ زیرا] این [ایستادگی] حاکی از عزم استوار [شما] در کارهاست.

وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا
 الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَلَا
 تَكْتُمُونَهُ فَنَبَذُوهُ وَرَاءَ
 ظُهُورِهِمْ وَأَشْرَوْا بِهِ تَمَتًّا قَلِيلًا
 فَبِئْسَ مَا يَشْتَرُونَ ﴿١٨٧﴾

(۱۸۷) و [ای پیامبر، یاد کن] هنگامی که الله از کسانی که کتاب [آسمانی] به آنان داده شده بود پیمان گرفت که: «حتماً [آموزه‌های هدایت‌بخش] آن را برای مردم بیان نمایید و [آنچه را که از نبوت محمد ﷺ خبر می‌دهد] کتمانش نکنید»؛ و [الی] آن [عهد] را پشت سر خویش انداختند [به آن توجهی نکردند] و به بهای اندکی [همچون مال و مقام] فروختند. چه بد است آنچه می‌خرند!

لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَفْرَحُونَ بِمَا
 آتَوْا وَيُحِبُّونَ أَنْ يُحْمَدُوا بِمَا لَمْ
 يَفْعَلُوا فَلَا تَحْسَبَنَّهُمْ بِمَفَازَةٍ مِنَ
 الْعَذَابِ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٨٨﴾

(۱۸۸) کسانی که از اعمال [زشت] خود خشنود می‌گردند و دوست دارند در ازای کار [نیکی] که انجام نداده‌اند مورد ستایش قرار گیرند، گمان مبر که از عذاب [الهی] برکنارند؛ [بلکه] برای آنان عذاب دردناکی [در پیش] است.

وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
 وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٨٩﴾

(۱۸۹) فرمانروایی آسمان‌ها و زمین از آن الله است و الله بر هر چیزی تواناست.

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
 وَآخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ
 لِأُولِي الْأَلْبَابِ ﴿١٩٠﴾

(۱۹۰) به راستی در آفرینش آسمان‌ها و زمین و آمد و شد شب و روز، نشانه‌های [آشکاری] برای خردمندان است.

الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَمًا وَقُعُودًا
 إِحْوَالًا [ایستاده و نشسته و بر پهلو آرمیده یاد

می‌کنند و در آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند [و می‌گویند:] «پروردگارا، اینها را بیهوده نیافریده‌ای؛ منزهی تو؛ پس ما را از عذاب آتش [دوزخ] نگاه دار.

وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَطْلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ﴿١٩١﴾

(۱۹۲) پروردگارا، کسی را که تو به آتش [دوزخ] درآوری، یقیناً خوار و رسوایش کرده‌ای و ستمکاران [هیچ] یآوری ندارند.

رَبَّنَا إِنَّكَ مَن تَدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ ﴿١٩٢﴾

(۱۹۳) پروردگارا، ما [ندای] دعوتگری [= پیامبرت محمد ﷺ] را شنیدیم که به ایمان فرامی‌خواند که: "به پروردگار خود ایمان آورید؛" پس ما ایمان آوردیم. پروردگارا، پس گناهانمان را ببخش و بدی‌هایمان را بپوشان و ما را در زمره نیکان بمیران.

رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ ءَامِنُوا بِرَبِّكُمْ فَءَامَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ ﴿١٩٣﴾

(۱۹۴) پروردگارا، آنچه را که به وسیله رسولانت به ما وعده داده‌ای به ما عطا کن و در روز قیامت رسوایمان مگردان. بی‌تردید، تو خلاف وعده نمی‌کنی.»

رَبَّنَا وَعَاثِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَىٰ رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ ﴿١٩٤﴾

(۱۹۵) پس پروردگارشان دعای آنان را اجابت کرد [و فرمود:] «من [پاداش] عمل هیچ صاحب‌عملی از شما را - چه مرد و چه زن - که ممنوع یکدیگرید تباه نمی‌کنم؛ پس کسانی که

فَأَسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَمَلٍ مِّنْكُمْ مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنثَىٰ بَعْضُكُمْ مِّنْ بَعْضٍ فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا

[از وطن خود] هجرت کرده‌اند و [یا] از خانه‌های خود رانده شده‌اند و در راه من آزار دیده‌اند و جنگیده‌اند و کشته شده‌اند، قطعاً بدی‌هایشان را از آنان می‌زدایم و [به عنوان] پاداشی از جانب الله، آنان را در باغ‌هایی درمی‌آورم که از زیر [درختان] آن جویبارها جاری است؛ و الله است که پاداش نیکو نزد اوست.

مِنْ دِيَرِهِمْ وَأُودُوا فِي سَبِيلِي
وَقَتَلُوا وَفُتِلُوا لَأَكْفِرَنَّ عَنْهُمْ
سَيِّئَاتِهِمْ وَلَا دُخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ
تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَابًا مِمَّنْ
عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ
الثَّوَابِ ﴿١٩٥﴾

(۱۹۶) [ای پیامبر،] رفت و آمد کافران [برای تجارت] در شهرها [و مال و مقام آنان] تو را نفریبند.

لَا يَغْرَبُكَ تَقَلُّبُ الَّذِينَ كَفَرُوا
فِي الْبَلَدِ ﴿١٩٦﴾

(۱۹۷) [این] بهره‌مندی ناچیزی است؛ سپس جایگاهشان دوزخ است و چه بد جایگاهی است!

مَتَّعَ قَلِيلٌ ثُمَّ مَأْوَهُمْ جَهَنَّمُ
وَبِئْسَ الْمِهَادُ ﴿١٩٧﴾

(۱۹۸) اما کسانی که از پروردگارشان پروا کرده‌اند، [در بهشت] باغ‌هایی دارند که از زیر [درختان] آن جویبارها جاری است [و] جاودانه در آن می‌مانند. [این] محلّ پذیرایی از جانب الله [برای آنان مهیّا شده] است و آنچه نزد الله است، برای نیکوکاران بهتر است.

لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ
جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
خَالِدِينَ فِيهَا نُزُلًا مِمَّنْ عِنْدَ اللَّهِ
وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ لِّلْأَبْرَارِ ﴿١٩٨﴾

(۱۹۹) و کسانی از اهل کتاب هستند که به الله و آنچه بر شما نازل شده و آنچه بر خودشان نازل شده است ایمان دارند؛ در برابر

وَأَنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَمَنْ
يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ وَمَا

أُنزِلَ إِلَيْهِمْ خَشِيعِينَ لِلَّهِ لَا يَشْتَرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا ۚ
 أُولَٰئِكَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ ۗ
 إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿١٩٩﴾

الله فروتن هستند و آیات الله را به بهای ناچیزی نمی فروشند. اینانند که پاداششان نزد پروردگارشان [محفوظ] است. به راستی که الله در حسابرسی سریع است.

يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَصْبِرُوا
 وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ
 لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٢٠٠﴾

(۲۰۰) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، [بر تکالیف دینی و رنج‌های دنیوی] شکیبایی ورزید و [در برابر دشمنان] پایدار باشید و [مرزها]ی سرزمین اسلامی را نگهبانی کنید و پرهیزگاری پیشه کنید؛ باشد که رستگار شوید.

سُورَةُ النَّسَاءِ

سورة نساء

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

(۱) ای مردم، از پروردگارتان پروا کنید [همان ذاتی] که شما را از یک تن آفرید و همسرش را [نیز] از او آفرید و از [نسل] آن دو، مردان و زنان بسیاری پراکند؛ و از الله که به [نام] او از یکدیگر درخواست می‌کند پروا نمایید و از [گسستن] پیوند خویشاوندی بپرهیزید. بی‌گمان، الله همواره مراقب [و نهبان] شماست.

يَأْتِيهَا النَّاسُ آتِفُوا رَبَّكُمْ
الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ
وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا
رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ
الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ
اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا ﴿١﴾

(۲) و [ای سرپرستان،] اموال یتیمان را [پس از بلوغ و رشد] به آنان بازگردانید و [مال کم‌ارزش و] نامرغوب [خود] را با [مال ارزشمند و] مرغوب [آنان] عوض نکنید و اموالشان را همراه اموال خود نخورید. به راستی که این [کار] گناه بزرگی است.

وَأْتُوا الْيَتَامَىٰ أَمْوَالَهُمْ وَلَا
تَتَبَدَّلُوا الْخَبِيثَ بِالطَّيِّبِ وَلَا
تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ
إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا ﴿٢﴾

(۳) و اگر ترسیدید که [به خاطر کاستن از مهریه یا بدرفتاری] نتوانید عدالت را در حق دختران یتیم رعایت نمایید، [از ازدواج با آنان صرف‌نظر کنید و] از زنانی [دیگر] که مورد پسند شماست، [یک یا] دو و [یا] سه و [یا] چهار تن را به همسری درآورید. پس اگر بیم

وَأِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي
الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ
لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مِثْلَىٰ
وَأُولَٰئِكَ رُبْعٌ فَإِنْ
خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةٌ
أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ

ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا ﴿۳﴾
 دارید که نتوانید عدالت کنید، به یک [زن] یا به آنچه [از کنیزان] که مالک آنها هستید [اکتفا نمایید]. این [کار] نزدیکتر است به اینکه ستم نکنید.

وَأَثُوا النَّسَاءَ صَدَقْتِهِنَّ نِحْلَةً ﴿۴﴾ و مهریه‌های زنان را به عنوان هدیه [و فریضه‌ای الهی] با خوشدلی به آنان بدهید. پس اگر آنان چیزی از آن را با رضایت خاطر به شما بخشیدند، آن را نوشین و گوارا بخورید.

وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَمًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا ﴿۵﴾ و اموالتان را که الله مایه قوام [زندگی] شما قرار داده است به سفیهان [و کم‌خردان] نسپارید و [الی] از [درآمد] آن [اموال] به آنان خوراک و پوشاک بدهید و به شایستگی با آنان سخن بگویید.

وَابْتَلُوا الَّتِي تَمَىٰ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنَّ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَأْكُلُوهَا إِسْرَافًا وَبِدَارًا أَن يَكْبَرُوا وَمَن كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْعِفْهُ وَمَن كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ فَإِذَا دَفَعْتُمْ إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ فَأَشْهِدُوا عَلَيْهِمْ ﴿۶﴾ و یتیمان را [از لحاظ توانایی بر مراقبت از اموالشان] بیازمایید تا وقتی به [سن] ازدواج برسند؛ پس اگر رشد [فکری کافی] در آنان یافتید، اموالشان را به آنان بدهید و آن را [از بیم آنکه مبادا] بزرگ شوند [و از شما پس بگیرند] به اسراف و شتاب مخورید؛ و هر کس بی‌نیاز است، باید [از گرفتن اجرت سرپرستی] خودداری کند و هر کس نیازمند است، باید به طرز شایسته [و مطابق عرف از آن] بخورد. پس هر گاه اموالشان را به آنان بازگردانید، بر آنان

وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا ﴿٦﴾ گواه بگیرید و [بدانید] الله برای حسابرسی کافی است.

لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ ۗ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا ﴿٧﴾ (۷) مردان از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان [شان به عنوان ارث] بر جای گذاشته‌اند، سهمی دارند و زنان [نیز] از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان بر جای گذاشته‌اند، سهمی دارند - خواه آن [مال] کم باشد یا زیاد. [چنین] بهره‌ای [از جانب الله] معین [و مقرر شده] است.

وَإِذَا حَضَرَ الْقِسْمَةَ أُولُو الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينُ فَأَرْزُقُوهُمْ مِنْهُ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَّعْرُوفًا ﴿٨﴾ (۸) و هر گاه خویشاوندان [غیر وارث] و یتیمان و مستمندان در تقسیم [میراث] حاضر شدند، [پیش از تقسیم، چیزی] از آن [اموال را از باب استحباب] به آنان بدهید و به شایستگی با آنان سخن بگویید.

وَلْيَخْشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكَوْا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً ضِعْفًا خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَلْيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ﴿٩﴾ (۹) و کسانی که اگر فرزندان ناتوانی از خود بر جای بگذارند، بر [آینده] آنان بیم دارند، باید [از ستم درباره یتیمان مردم نیز] بترسند؛ پس باید از الله پروا کنند و سخنی [سنجیده و] درست بگویند.

إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا ۖ وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا ﴿١٠﴾ (۱۰) در حقیقت، کسانی که اموال یتیمان را به ستم می‌خورند، جز این نیست که آتش در شکم خویش فرومی‌برند و به زودی به آتشی برافروخته درمی‌آیند.

(۱۱) الله درباره فرزندانان به شما سفارش می‌کند: سهم پسر، مانند سهم دو دختر است؛ و اگر [وارثان، دو دختر یا] بیشتر از دو دختر باشند، سهم آنان دو سوم ترکه [= میراث] است؛ و اگر فقط یک دختر باشد، سهم او نصف ترکه است. اگر [متوفی] فرزند [چه پسر و چه دختر] داشته باشد، برای هر یک از پدر و مادر او [= متوفی]، یک‌ششم ترکه است و اگر فرزند نداشته باشد و [تنها] پدر و مادرش از او ارث ببرند، در این صورت، برای مادرش یک‌سوم است [و بقیه که دو سوم می‌شود سهم پدر است]؛ و اگر او [= متوفی] برادرانی داشته باشد، سهم مادرش یک‌ششم است. [این تقسیم میراث] پس از اجرای وصیتی که [میت] بدان سفارش نموده یا [پرداخت] بدهی‌ها و قرض‌هایی که دارد انجام می‌گیرد]. شما نمی‌دانید که پدرانان و [یا] فرزندانان، کدامیک برایتان سودمندترند. [این احکام]، فریضه‌ای [معین و مقرر] از جانب الله است. به راستی که الله دانای حکیم است.

حَكِيمًا ﴿۱۱﴾

(۱۲) و [ای شوهران]، اگر همسرانان فرزندی نداشته باشند، نیمی از ترکه برای شماست و اگر فرزندی داشته باشند، یک‌چهارم ترکه از آن شماست؛ [البته] پس از [عمل به] وصیتی که

وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ
أَزْوَاجُكُمْ إِنْ لَمْ يَكُن لَّهُنَّ وَلَدٌ
فَإِنْ كَانَ لَهُنَّ وَلَدٌ فَلَكُمْ الرُّبْعُ

کرده‌اند یا [پرداخت] بدهی [ها و قرض‌هایی] که دارند؛ و اگر شما فرزندی نداشته باشید، یک‌چهارمِ ترکه شما برای زنانان است و اگر فرزندی داشته باشید، یک‌هشتم ترکه شما از آن ایشان است؛ [البته] پس از عمل به وصیتی که کرده‌اید و [پرداخت] بدهی [ها و قرض‌هایی] که دارید؛ و اگر مرد یا زنی که از او ارث می‌برند، کلاله [= بدون پدر و مادر و بدون فرزند] باشد و یک برادر [مادری] یا یک خواهری [مادری] داشته باشد، برای هر یک از آنان یک‌ششم [ترکه] است؛ و اگر [برادران و خواهران مادری میت] بیش از این [دو نفر] باشند، در این صورت، در یک‌سوم [از ترکه] شریکند؛ [البته] پس از انجام وصیتی که به آن سفارش شده یا بدهی [ها و قرض‌هایی] که [باید پرداخت گردد]؛ به شرط آنکه از این طریق، [زیانی] [به ورثه] نرساند. [این حکم]، سفارش الله است و الله دانای بردبار است.

مِمَّا تَرَكْنَ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِيَنَّ بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَلَهُنَّ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكْتُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثُّمُنُ مِمَّا تَرَكْتُمْ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ تُوصُونَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَإِنْ كَانَ رَجُلٌ يُورَثُ كَلَلَةً أَوْ امْرَأَةً وَوَلَةً أَخٌ أَوْ أُخْتٌ فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ فَإِنْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ فَهُمْ شُرَكَاءُ فِي الثُّلُثِ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصَى بِهَا أَوْ دَيْنٍ غَيْرِ مُضَارٍّ وَصِيَّةً مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَلِيمٌ ﴿١٣﴾

(۱۳) اینها حدود الهی است و هر کس از الله و پیامبرش اطاعت کند، وی را به باغ‌هایی درمی‌آورد که از زیر [درختان] آن جویبارها جاری است؛ در آن جاودانه‌اند و این همان کامیابی بزرگ است.

تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ الْقَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿١٣﴾

(۱۴) و هر کس از الله و پیامبرش نافرمانی

وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ

حُدُودَهُ يُدْخِلُهُ نَارًا خَالِدًا فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُّهِينٌ ﴿۱۴﴾
 نماید و از حدود او تجاوز کند، وی را در آتشی وارد می‌کند که جاودانه در آن خواهد ماند و برایش عذابی خفت‌بار [در پیش] است.

وَأَلَّتِي يَأْتِيَنَّ الْفَلْحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ فَاسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةً مِنْكُمْ فَإِنْ شَهِدُوا فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّى يَتَوَقَّعُنَّ الْمَوْتَ أَوْ يُجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا ﴿۱۵﴾
 (۱۵) و کسانی از زنان شما که مرتکب زنا می‌شوند، چهار نفر [مرد عادل] از خودتان را بر آنان گواه گیرید؛ پس اگر گواهی دادند، آن زنان را در خانه‌ها نگه دارید تا مرگشان فرارسد یا الله راهی برایشان قرار دهد.

وَالَّذَانِ يَأْتِيَنَّهَا مِنْكُمْ فَكَادُوهُمَا ۖ وَإِن تَابَا وَأَصْلَحَا فَأَعْرَضُوا عَنْهُمَا ۚ إِنَّ اللَّهَ كَانَ تَوَّابًا رَحِيمًا ﴿۱۶﴾
 (۱۶) از میان شما، آن مرد و زنی که مرتکب آن [عمل زشت] می‌شوند، [با تنبیه و توبیخ] آزارشان دهید؛ پس اگر توبه کردند و درستکار شدند، از آنان صرف‌نظر کنید؛ [چرا که] بی‌تردید، الله توبه‌پذیر مهربان است.

إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهْلَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ فَأُولَٰئِكَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ ۗ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿۱۷﴾
 (۱۷) [پذیرش] توبه از سوی الله، تنها برای کسانی است که از روی نادانی [و سفاهت] کار ناشایستی انجام می‌دهند، آنگاه به زودی [و پیش از فرارسیدن مرگ] توبه می‌کنند. اینانند که الله توبه‌شان را می‌پذیرد و الله دانای حکیم است.

وَلَيْسَتِ التَّوْبَةُ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ مرتکب کارهای ناشایست می‌شوند و هنگامی

که مرگ یکی از آنان فرامی‌رسد می‌گوید: «اکنون توبه کردم» [هیچ] توبه [و بخششی در کار] نیست و نه برای کسانی که در حال کفر می‌میرند. اینان هستند که برایشان عذاب دردناکی مهیا ساخته‌ایم.

أَلِيمًا ﴿۱۸﴾

(۱۹) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، برای شما حلال نیست که زنان [پدرانتان] را بر خلاف میلشان به ارث برید [یا مجبور به ازدواج با دیگران کنید] و [در مورد همسران خودتان نیز حکم این است که] آنان را زیر فشار قرار ندهید تا برخی از آنچه را که [به عنوان مهریه] به آنان داده‌اید پس بگیرید؛ مگر اینکه مرتکب عمل ناشایست آشکاری [مانند زنا] شوند؛ [اما در مورد زنان پاکدامن خود نیکوگفتار باشید] و با آنها به طور شایسته رفتار کنید و اگر از آنان [خوشتان نیامد و] کراهت داشتید، پس [شکیبایی کنید؛] چه بسا از چیزی خوشتان نمی‌آید و الله خیر بسیاری در آن قرار می‌دهد.

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّسَاءَ كَرْهًا وَلَا تَعْضَلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا ءَاتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَحِشَةٍ مُّبِينَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَبَجَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا ﴿۱۹﴾

(۲۰) اگر خواستید همسری [دیگر] به جای همسر [پیشین خود] برگزینید و به یکی از آنان مال فراوانی [به عنوان مهریه] پرداخته‌اید، چیزی از آن را پس نگیرید. آیا می‌خواهید آن [مال] را به ناحق و گناه آشکار بازپس بگیرید؟

وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَسْتَبْدَالَ زَوْجٍ مَكَانَ زَوْجٍ وَعَأْتَيْتُمُ إِحْدَهُنَّ قِنطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا أَتَأْخُذُونَهُ بُهْتَانًا وَإِنَّمَا مُبِينًا ﴿۲۰﴾

وَكَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَىٰ
بَعْضُكُمُ إِلَىٰ بَعْضٍ وَأَخَذَنَّ
مِنْكُمْ مَّيِّثَةً غَلِيظًا ﴿٢١﴾

(۲۱) و چگونه آن [مهریه] را باز پس می گیرید
در حالی که از یکدیگر بهره مند شده‌اید [و از
اسرار یکدیگر آگاهید] و آنان [هنگام عقد
ازدواج] از شما پیمانی محکم و استوار گرفته‌اند؟

وَلَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ
مِّنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّهُ
كَانَ فَحِشَةً وَمَقْتًا وَسَاءَ
سَبِيلًا ﴿٢٢﴾

(۲۲) و با زنانی که پدرانتان [با آنها] ازدواج
کرده‌اند، [پس از مرگ پدر] ازدواج نکنید؛ مگر
آنچه در گذشته [از این نوع ازدواج، پیش از
اعلام این حکم] رخ داده است؛ [چرا که]
بی تردید، این کار، عملی بسیار زشت و مبعوض
[الله] و راهی نادرست است.

حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ
وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ
وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ
الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأَخْتِ وَأُمَّهَاتُكُمْ
الَّتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ مِّنَ
الرَّضَاعَةِ وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ
وَرَبَبَاتُكُمْ الَّتِي فِي حُجُورِكُمْ
مِّنَ نِّسَائِكُمُ الَّتِي دَخَلْتُم بِهِنَّ
فَإِنْ لَّمْ تَكُونُوا دَخَلْتُم بِهِنَّ فَلَا
جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَحَلَائِلُ
أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ

(۲۳) [ازدواج با این زنان] بر شما حرام
شده است: مادر و دختر و خواهر و عمه و خاله
و دختر برادر و دختر خواهر و مادری که به
شما شیر داده است و خواهر رضاعی و مادر زن
و دختر همسری که [آن دختر] در خانه شما
پرورش یافته است و با آن همسر همبستر
شده‌اید - ولی اگر با آن زن آمیزش نکرده‌اید،
گناهی نیست [که با دخترش ازدواج کنید]-
همچنین همسران پسرانتان که از نسل
خودتان هستند و ازدواج با دو خواهر [در یک
زمان، نیز بر شما حرام است]؛ مگر آنچه در
گذشته [از این نوع ازدواج، پیش از اعلام این
حکم] رخ داده است؛ [چرا که] بی تردید،

وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿۲۳﴾

﴿۲۴﴾ و زنان شوهردار [نیز بر شما حرامند]؛ مگر زنانی که [کنیزتان هستند و شما از راه اسارت] مالک آنها شده‌اید. [این] فریضه الهی است که بر شما مقرر داشته است و غیر از اینها [که گفته شد،] برایتان حلال است که - در حالی که پاکدامنی می‌ورزید و زناکار نیستید - با اموال خود [زنان دیگر را] طلب کنید. پس آن زنانی را که [به ازدواج درآوردید و] از آنان کام گرفتید، باید مهریه‌شان را به عنوان فریضه‌ای به آنان بدهید و در مورد آنچه بعد از تعیین مهریه [در مورد بیش و کم آن] با یکدیگر توافق می‌کنید، گناهی بر شما نیست. بی‌گمان، الله دانای حکیم است.

وَمَنْ لَّمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَنْ يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِّنْ فَتَيَاتِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِكُمْ بَعْضُكُم مِّنْ بَعْضٍ فَانكِحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ

﴿۲۵﴾ و هر یک از شما از لحاظ مالی توانایی ازدواج با زنان آزاده مؤمن را ندارد، با کنیزکان باایمانی که در اختیار شما [یا دیگر مسلمانان] هستند [ازدواج کند]؛ و الله به ایمانتان داناتر است. [شما و آنان] همگی از جنس یکدیگر [و با یکدیگر برابر] هستید؛ پس با اجازه سرپرستان با آنان ازدواج کنید و

مهریه‌هایشان را به طور پسندیده به آنان بدهید [به شرط آنکه] پاکدامن باشند نه زناکار، و نه [در زمره] کسانی که پنهانی [برای خود] دوست می‌گیرند. آنگاه چون ازدواج کردند، اگر مرتکب زنا شدند، مجازاتشان [پنجاه تازیانه، یعنی] نصف مجازات زنان آزاد است. این [جواز ازدواج با کنیزان]، برای کسی از شماست که از مشقت [غریزه جنسی و دچار شدن به زنا] بترسد؛ و [الی در مورد ازدواج با کنیزان] اگر شکیبایی [و پاکدامنی] پیشه کنید، برایتان بهتر است؛ و الله آمرزندهٔ مهربان است.

وَأَتَوْهُنَّ أَجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ
مُحْصَنَاتٍ غَيْرِ مُسْلِفَاتٍ وَلَا
مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ فَإِذَا أَحْصِنَّ
فَإِنَّ أَتَيْنَ بِفَحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ
نِصْفُ مَا عَلَى الْمُحْصَنَاتِ مِنَ
الْعَذَابِ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ الْعَنَتَ
مِنْكُمْ وَأَنْ تَصْبِرُوا خَيْرٌ لَّكُمْ
وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٢٥﴾

(۲۶) الله می‌خواهد که [احکام خویش را] برایتان روشن سازد و شما را به راه و روش کسانی که پیش از شما بودند راهنمایی کند و توبه‌تان را بپذیرد؛ و الله دانای حکیم است.

يُرِيدُ اللَّهُ لِيُبينَ لَكُمْ
وَيَهْدِيَكُمْ سُنَنَ الَّذِينَ مِنْ
قَبْلِكُمْ وَيَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَاللَّهُ
عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٢٦﴾

(۲۷) و الله می‌خواهد توبهٔ شما را بپذیرد [و از آلودگی گناه پاکتان نماید]؛ و [الی] کسانی که پیرو شهوات هستند، می‌خواهند که شما دستخوش انحراف بزرگی شوید.

وَاللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْكُمْ
وَيُرِيدَ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الشَّهَوَاتِ
أَنْ تَمِيلُوا مِيلًا عَظِيمًا ﴿٢٧﴾

(۲۸) الله [با تشریح این احکام] می‌خواهد بر شما آسان بگیرد؛ و انسان ناتوان آفریده شده است.

يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ
وَخَلِقَ الْإِنْسَانَ ضَعِيفًا ﴿٢٨﴾

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَأْكُلُوا
 اَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ اِلَّا
 اَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ
 مِّنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا اَنْفُسَكُمْ اِنَّ
 اللّٰهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيْمًا ﴿٢٩﴾

(۲۹) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال یکدیگر را به باطل [و از راه‌های نامشروعی همچون غصب و دزدی و رشوه] نخورید؛ مگر اینکه تجارتی با رضایت شما [انجام گرفته] باشد؛ و [همچنین] یکدیگر را نکشید و خودکشی نکنید؛ همانا الله [نسبت] به شما مهربان است [و شما را از این کارها باز می‌دارد].

وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ عُدُوْنَا وَظُلْمًا
 فَسَوْفَ نُصَلِّيْهِ نَارًا وَّكَانَ ذَلِكَ
 عَلٰى اللّٰهِ يَسِيْرًا ﴿٣٠﴾

(۳۰) و هر کس [آگاهانه و] از روی تجاوز و ستم چنین کند، به زودی او را در آتشی [سوزان] درمی‌آوریم و این [کار] برای الله آسان است.

اِنْ مَّجْتَبِئُوْا كَبٰٓئِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ
 نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ
 وَنُدْخِلْكُمْ مُّدْخَلًا كَرِيْمًا ﴿٣١﴾

(۳۱) [ای مؤمنان،] اگر از گناهان بزرگی که از آن نهی شده‌اید دوری کنید، گناهان [صغیره]تان را از شما می‌زداییم و شما را در جایگاهی شایسته [= بهشت] وارد می‌کنیم.

وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللّٰهُ بِهِ
 بَعْضَكُمْ عَلٰى بَعْضٍ لِلرِّجَالِ
 نَصِيْبٌ مِّمَّا اُكْتَسَبُوْا وَلِلنِّسَاءِ
 نَصِيْبٌ مِّمَّا اُكْتَسَبْنَ وَسَعَلُوْا
 اللّٰهَ مِنْ فَضْلِهِ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ
 بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمًا ﴿٣٢﴾

(۳۲) [ای مؤمنان،] آنچه را که الله به وسیله آن، برخی از شما را بر برخی دیگر برتری داده است، آرزو مکنید [تا دچار حسد نشوید]. مردان از آنچه به دست آورده‌اند [پاداش و] بهره‌ای دارند و زنان [نیز] از آنچه به دست آورده‌اند [اجر و] بهره‌ای دارند؛ و از بخشش الله [چیزی] بخواهید. بی‌تردید، الله به هر چیزی داناست.

وَلِكُلِّ جَعَلْنَا مَوْلَىٰ مِمَّا تَرَكَ
 الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ ۚ وَالَّذِينَ
 عَقَدْتُمْ أَيْمَانَكُمْ فَمَأْوَهُمْ
 نَصِيبُهُمْ ۚ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ
 شَيْءٍ شَهِيدًا ﴿٣٣﴾

(۳۳) ما برای هر کس وارثانی قرار داده‌ایم که از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان بر جای گذاشته‌اند ارث ببرند؛ و [نیز] به کسانی که [با آنان] پیمان [برادری و یاری] بسته‌اید، سهمشان را [از ارث] بدهید. بی‌گمان، الله بر هر چیزی گواه است.

الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النَّسَاءِ ۚ بِمَا
 فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ
 وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ ۚ
 فَالصَّالِحَاتُ قَلِيلَاتٌ حَفِظَتْ
 لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ ۗ وَالَّتِي
 تَخَافُونَ ذُشُورَهُنَّ فَاعْظُوهُنَّ
 وَأَهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ
 وَأَضْرِبُوهُنَّ ۚ فَإِنْ أَطَعْتُمُ فَلَا
 تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا ۗ إِنَّ اللَّهَ كَانَ
 عَلِيمًا كَبِيرًا ﴿٣٤﴾

(۳۴) مردان بر زنان سرپرست و نگهبانند، به دلیل آنکه الله برخی از اینان را بر برخی برتری داده است و [نیز] به دلیل آنکه از اموال خویش [برای زنان] خرج می‌کنند. پس زنان صالح، [آنانند که هم از الله و هم از شوهرانشان] فرمانبردارند [و] به پاس آنچه الله [برایشان] حفظ کرده است [اسرار و حقوق شوهران خود را] در غیاب [آنان] حفظ می‌کنند؛ و [ای شوهران]، به زنانی که از نافرمانی‌شان بیم دارید، پند و اندرز دهید؛ [اگر فرمانبردار نشدند،] در بستر از آنان دوری کنید [و اگر تأثیر نکرد،] آنان را [طوری که آزار نینند] بزنید؛ پس اگر از شما اطاعت کردند، هیچ راهی برای [بهانه‌جویی و سرزنش] بر آنها مجوید [و بدانید که] به راستی الله بلندمرتبه بزرگ است.

وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا

(۳۵) و [شما ای اولیای زن و مرد،] اگر از

اختلاف و جدایی میان آن دو [= زن و شوهر] بیم داشتید، یک داور از خانواده شوهر و یک داور از خانواده زن [تعیین کنید و برای تصمیم گیری] بفرستید. اگر این دو [داور] قصد اصلاح [و آشتی بین زوجین] داشته باشند، الله میان آن دو [زن و شوهر] سازگاری خواهد داد. بی گمان، الله دانای آگاه است.

حَكَمًا مِّنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِّنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَيْرًا ﴿٣٥﴾

(۳۶) و الله را عبادت کنید و چیزی را با او شریک نگردانید و به پدر و مادر نیکی کنید و [نیز] به خویشاوندان و یتیمان و مستمندان و همسایه خویشاوند و همسایه غیرخویشاوند و [دوست و] همنشین و [مسافر] درراهمانده و [کنیزان و] بردگانی که مالک آنها هستید [نیکی کنید و بدانید که] یقیناً الله کسی را که متکبر و خرفروش باشد دوست ندارد.

وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا ﴿٣٦﴾

(۳۷) [همان] کسانی که بخل می‌ورزند و مردم را به بخل وامی‌دارند و آنچه [از ثروت و دانش] را که الله از فضل خویش به آنان بخشیده است پنهان می‌کنند؛ و ما برای کافران [و ناسپاسان،] عذابی خفت‌بار مهیا کرده‌ایم.

الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَيَكْتُمُونَ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُّهِينًا ﴿٣٧﴾

(۳۸) و [نیز برای] کسانی که اموالشان را برای خودنمایی [و] نشان دادن به مردم انفاق

وَالَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ رِئَاءَ

می‌کنند و به الله و روز آخرت ایمان ندارند؛ [چنین شخصی یارِ شیطان است] و کسی که شیطان همدمش باشد، چه بد همدمی دارد!

الَّتَائِسِ وَلَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا
بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَكُنْ
الشَّيْطَانُ لَهُ قَرِينًا فَسَاءَ
قَرِينًا ﴿٣٨﴾

(۳۹) و برای آنان چه زبانی داشت اگر به الله و روز آخرت ایمان می‌آوردند و از آنچه الله به آنان روزی داده است انفاق می‌کردند؟ و الله به [حال و اعمال] اینان داناست.

وَمَاذَا عَلَيْهِمْ لَوْ ءَامَنُوا بِاللَّهِ
وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقَهُمُ
اللَّهُ وَكَانَ اللَّهُ بِهِمْ عَلِيمًا ﴿٣٩﴾

(۴۰) بی‌گمان، الله به اندازه ذره‌ای [به بندگانش] ستم نمی‌کند و اگر [ذره‌ای] کار نیک باشد، آن را چندین برابر می‌کند و از پیشگاه خود [به آنان] پاداش بزرگی عطا می‌کند.

إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ وَإِن
تَكَ حَسَنَةً يَّضْعِفْهَا وَيُؤْتِ مِنْ
لَدُنْهُ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿٤٠﴾

(۴۱) و [حال و روز ناباوران] چگونه باشد آنگاه که از هر امتی شاهدهی را [که پیامبر همان امت باشد] به میان آوریم و تو را [نیز ای پیامبر، دربارهٔ ابلاغ پیام الهی] بر اینان گواه آوریم؟

فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ
بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ
شَهِيدًا ﴿٤١﴾

(۴۲) آن روز کسانی که کافر شدند و از پیامبر نافرمانی کردند، آرزو می‌کنند که ای کاش با خاک یکسان می‌شدند و هیچ سخنی را نمی‌توانند از الله پنهان کنند.

يَوْمَئِذٍ يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا
وَعَصَوْا الرَّسُولَ لَوْ تُسَوَّىٰ بِهِمُ
الْأَرْضُ وَلَا يَكْتُمُونَ اللَّهَ
حَدِيثًا ﴿٤٢﴾

(۴۳) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، در حال

يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَقْرَبُوا

مستی به نماز نزدیک نشوید تا زمانی که بدانید چه می‌گویید و [همچنین] هنگامی که جُنُب هستید، تا غسل نکرده‌اید، به نماز [و مسجد] نزدیک نشوید مگر آنکه رهگذر باشید؛ و اگر بیمار یا مسافر بودید یا یکی از شما از مکان قضای حاجت آمد یا با زنان آمیزش کردید و [برای وضو یا غسل] آب نیافته‌اید، پس [باید] با خاکی پاک تیمم کنید؛ [به این روش که] چهره و دست‌هایتان را [با خاک] مسح نمایید. بی‌گمان، الله بخشاینده آمرزگار است.

الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَرَىٰ حَتَّىٰ تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّىٰ تَغْتَسِلُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِّنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَمَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُوًّا غَفُورًا ﴿٤٣﴾

(۴۴) [ای پیامبر،] آیا کسانی [از یهود] را که بهره‌ای از کتاب به آنها داده شده است ندیده‌ای [که چگونه] گمراهی را می‌خرند و می‌خواهند شما [مؤمنان نیز مانند آنان] گمراه شوید؟

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِّنَ الْكِتَابِ يَشْتَرُونَ الضَّلَالَةَ وَيُرِيدُونَ أَنْ تَضِلُّوا السَّبِيلَ ﴿٤٤﴾

(۴۵) و [ای مؤمنان،] الله به دشمنان شما داناتر است و کافی است که الله یار [و کارسازتان] باشد و کافی است که الله یاور [و مددکارتان] باشد.

وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِأَعْدَائِكُمْ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَلِيًّا وَكَفَىٰ بِاللَّهِ نَصِيرًا ﴿٤٥﴾

(۴۶) برخی از یهود، کلمات [الله] را از جای خود تحریف می‌کنند و با پیچاندن زبان خود و به قصد طعن‌زدن در دین [با درآمیختن زبان

مِنَ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهِ وَيَقُولُونَ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَأَسْمَعُ غَيْرَ مَسْمَعٍ

عبری با عربی، به پیامبر [می گویند: «شنیدیم و نافرمانی کردیم» و «بشنو که [کاش] ناشنوا گردی!»] و [نیز به تمسخر می گویند: «راعنا»] [که در عبری مفهوم توهین آمیزی دارد؛] ولی اگر آنان می گفتند: «شنیدیم و اطاعت کردیم» و «سخنان ما را [بشنو و به ما مهلت بده]، قطعاً برایشان بهتر و درست تر بود؛ ولی الله آنان را به خاطر کفرشان لعنت کرده است؛ پس جز [گروهی] اندک ایمان نمی آورند.

(۴۷) ای اهل کتاب، به آنچه که [بر محمد] نازل کردیم و کتاب آسمانی شما را تصدیق می کند ایمان بیاورید، پیش از آنکه [اندام های حسی] چهره ها را محو کنیم و آنها را [همچون] پشت سرشان [صاف و زشت] بگردانیم؛ یا آنان را همچون اصحاب سبت [= یهودیان نافرمانی که روز شنبه ماهی گرفتند] لعنت کنیم [و به شکل میمون درآوریم]؛ و [بدانید که] فرمان الله قطعاً به وقوع می پیوندد.

(۴۸) بی گمان، الله این گناه را که به او شرک آورده شود نمی بخشد و غیر از آن را - برای هر کس بخواهد - می بخشد؛ و هر کس به الله شرک ورزد، یقیناً گناهی بزرگ برافته است.

وَرَاعِنَا لِيَا بِالْأَسْنَتِهِمْ وَطَعْنَا فِي
الَّذِينَ وَلَوْ أَنَّهُمْ قَالُوا سَمِعْنَا
وَأَطَعْنَا وَأَسْمَعُ وَأَنْظُرْنَا لَكَانَ
خَيْرًا لَّهُمْ وَأَقْوَمَ وَلَكِنْ لَعَنَهُمُ
اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا
قَلِيلًا ﴿٤٦﴾

يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ أوتُوا الْكِتَابَ
ءَامِنُونَ بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِمَا
مَعَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَنْظِمَ
وُجُوهًا فَنَرُدَّهَا عَلَىٰ أَدْبَارِهَا أَوْ
نَلْعَنَهُمْ كَمَا لَعَنَّا أَصْحَابَ
الْحَبَشَةِ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ
مَفْعُولًا ﴿٤٧﴾

إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ ۗ
وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ
وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدِ افْتَرَىٰ
إِثْمًا عَظِيمًا ﴿٤٨﴾

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يُزَكُّونَ أَنْفُسَهُمْ ۖ بَلِ اللَّهُ يُزَكِّي مَن يَشَاءُ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا ﴿٤٩﴾

(۴۹) [ای پیامبر،] آیا ندیدی کسانی را که خویشان را پاک می‌شمارند [و خودستایی می‌کنند؟ چنین نیست؛] بلکه الله هر کس را خواهد پاک می‌گرداند، و به آنان به اندازه ذره‌ای ناچیز [حتی به اندازه نخ روی هسته خرما] ستم نمی‌شود.

أَنْظُرْ كَيْفَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَكَفَىٰ بِهِ إِثْمًا مُّبِينًا ﴿٥٠﴾

(۵۰) [ای پیامبر،] بنگر که چگونه بر الله دروغ می‌بندند! و همین [عمل به عنوان] گناهی آشکار کافی است.

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِّنَ الْكِتَابِ يُؤْمِنُونَ بِالْحَبِيبِ وَالظَّالِعُوتِ وَيَقُولُونَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا هَؤُلَاءِ أَهْدَىٰ مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا سَبِيلًا ﴿٥١﴾

(۵۱) آیا افرادی [از قوم یهود] را که بهره‌ای از کتاب [آسمانی] به آنان داده شده است ندیده‌ای [که چگونه] به حِبِّت [=سحر] و طاغوت [= معبودان باطل] ایمان می‌آورند؟ [این افراد از روی دوستی و مدارا] درباره کسانی که کفر ورزیده‌اند می‌گویند: «اینان از کسانی که ایمان آورده‌اند هدایت‌یافته‌ترند».

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ وَمَن يَلْعَنِ اللَّهُ فَلَن نَّجِدَ لَهُ نَصِيرًا ﴿٥٢﴾

(۵۲) آنان کسانی هستند که الله لعنتشان کرده است و هر که را الله لعنت کند، هرگز برایش یآوری نخواهی یافت.

أَمْ لَهُمْ نَصِيبٌ مِّنَ الْمُلْكِ فَإِذَا لَا يُؤْتُونَ النَّاسَ نَقِيرًا ﴿٥٣﴾

(۵۳) آیا آنان بهره‌ای از حکومت [= فرمانروایی] دارند؟ [اگر هم داشتند،] به قدر نقطه پشت هسته خرما [چیزی] به مردم نمی‌دادند.

أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَعَاتَيْنَاهُمْ مُلْكًا

(۵۴) آیا به مردم [= محمد و یارانش] به خاطر آنچه الله از فضل خویش به آنان بخشیده است حسد می‌ورزند؟ در حقیقت، ما [بیشتر نیز] به خاندان ابراهیم کتاب و حکمت دادیم و به آنان فرمانروایی بزرگی بخشیدیم.

عَظِيمًا ﴿٥٤﴾

فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ بِهِ وَمِنْهُمْ مَنْ صَدَّ عَنْهُ وَكَفَىٰ بِجَهَنَّمَ سَعِيرًا ﴿٥٥﴾

(۵۵) پس برخی از آنان به وی ایمان آوردند و برخی از آنان از او روی گرداندند [پس نسبت به دعوت محمد نیز چنین کردند] و [برای این کافران] آتش افروخته دوزخ کافی است.

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا سَوْفَ نُصَلِّيهِمْ نَارًا كَلَّمًا نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمًا ﴿٥٦﴾

(۵۶) بی‌گمان، کسانی را که به آیات ما کفر ورزیدند، در آتشی [سوزان] وارد خواهیم کرد که هر چه پوستشان بریان گردد، پوست‌های دیگری به جایش قرار می‌دهیم تا [طعم] عذاب را بچشند. به راستی که الله، شکست‌ناپذیر حکیم است.

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا لَّهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَنُدْخِلُهُمْ ظِلًّا ظَلِيلًا ﴿٥٧﴾

(۵۷) و کسانی را که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند، به باغ‌هایی [از بهشت] وارد خواهیم نمود که از زیر [درختان] آن جویبارها جاری است؛ همواره در آن خواهند ماند و در آنجا همسران پاکیزه دارند و آنان را زیر سایه‌هایی گسترده [و انبوه] جای می‌دهیم.

﴿۵۸﴾ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا ﴿۵۸﴾

(۵۸) الله به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را [به طور کامل] به صاحبانشان بازگردانید و هنگامی که میان مردم داوری می‌کنید، به عدالت داوری کنید. الله شما را به امری نیک پند می‌دهد. به راستی که الله شنوای بیناست.

﴿۵۹﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَزَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهٗ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا ﴿۵۹﴾

(۵۹) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از الله و پیامبر و کارگزاران [و فرماندهان مسلمان] خود اطاعت کنید و اگر در چیزی اختلاف کردید، آن را به [کتاب] الله و [سنت] پیامبر بازگردانید. اگر به الله و روز قیامت ایمان دارید، [یقین داشته باشید که] این [بازگشت به قرآن و سنت، برایتان] بهتر و خوش‌فراجم‌تر است.

﴿۶۰﴾ (ای پیامبر،) آیا ندیدی افرادی را که گمان می‌کنند به آنچه بر تو نازل شده و [به] آنچه پیش از تو نازل شده، ایمان آورده‌اند، [ولی] می‌خواهند برای داوری [به جای شریعت الهی] نزد طاغوت بروند؟ [و حکم باطل را به جای حکم الله بپذیرند] با آنکه به آنان دستور داده شده است که به طاغوت کفر ورزند؛ [ولی] شیطان می‌خواهد آنان را در گمراهی دور و درازی قرار دهد.

﴿۶۰﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا نُزِّلَ إِلَيْكَ وَمَا نُزِّلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا ﴿۶۰﴾

وَأِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنزَلَ اللَّهُ وَإِلَىٰ الرَّسُولِ رَأَيْتَ الْمُنَافِقِينَ يَصُدُّونَ عَنكَ صُدُودًا ﴿٦١﴾

(۶۱) و چون به آنان گفته شود: «به سوی آنچه الله نازل کرده است [=قرآن] و به سوی پیامبر [او] بیایید» منافقان را می بینی که از تو سخت روی می گردانند.

فَكَيْفَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ ثُمَّ جَاءُوكَ يَحْلِفُونَ بِاللَّهِ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا إِحْسَانًا وَتَوْفِيقًا ﴿٦٢﴾

(۶۲) اما چگونه است که وقتی به [سزای] کارهای بدشان مصیبتی به آنان می رسد، نزد تو می آیند و به الله سوگند یاد می کنند که: «منظور ما [از دادخواهی نزد دیگران، چیزی] جز نیکی و توافق [میان طرفین] نبوده است»؟

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ يَعْلَمُ اللَّهُ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَعِظْهُمْ وَقُلْ لَهُمْ فِي أَنفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا ﴿٦٣﴾

(۶۳) اینان همان کسانی هستند که الله می داند چه در دل دارند؛ پس [ای پیامبر،] از آنان روی بگردان و [لی] اندرزشان بده و با بیانی رسا [نتایج] کردارشان را بر آنان گوشزد کن.

وَمَا أَرْسَلْنَا مِن رَّسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَّحِيمًا ﴿٦٤﴾

(۶۴) و هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر به این هدف که به فرمان الله [مردم از وی] اطاعت کنند؛ و اگر هنگامی که آنان [با گناه و نافرمانی] بر خویشان ستم می کردند، [در حالی که زنده هستی] نزد تو می آمدند و از الله آمرزش می خواستند، و پیامبر هم برایشان آمرزش می طلبید؛ بی تردید، الله را توبه پذیر مهربان می یافتند.

فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا ﴿٦٥﴾

(۶۵) نه؛ سوگند به پروردگارت [ای محمد] که آنان ایمان نمی‌آورند مگر اینکه در اختلافاتشان تو را داور قرار دهند و از داوری تو در دل خویش احساس ناراحتی نکنند و کاملاً تسلیم [حکم تو] باشند.

وَلَوْ أَنَّا كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ أَنْ اقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ أَوْ اخْرَجُوا مِنْ دِيَارِكُمْ مَا فَعَلُوهُ إِلَّا قَلِيلٌ مِّنْهُمْ وَلَوْ أَنَّهُمْ فَعَلُوا مَا يُوعَظُونَ بِهِ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ وَأَشَدَّ تَثْبِيتًا ﴿٦٦﴾

(۶۶) و اگر [مانند بنی اسرائیل] بر آنان مقرر می‌کردیم که «[نافرمانان] خود را بکشید یا از خانه و شهرتان بیرون بروید»، جز اندکی از آنان [به آن دستورها] عمل نمی‌کردند؛ و اگر به آنچه اندرز داده شدند عمل می‌کردند، بی‌تردید برایشان بهتر و در پایداری‌شان [بر دین] مؤثرتر بود.

وَإِذَا لَاتَيْنَهُمْ مِّن لَّدُنَّا أَجْرًا عَظِيمًا ﴿٦٧﴾

(۶۷) و در این صورت، از نزد خود پاداش بزرگی به آنان می‌دادیم،

وَلَهَدَيْنَهُمْ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا ﴿٦٨﴾

(۶۸) و به راه راست هدایتشان می‌کردیم.

وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَٰئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشَّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَٰئِكَ رَفِيقًا ﴿٦٩﴾

(۶۹) و کسی که الله و پیامبر را اطاعت کند [روز قیامت] همنشین کسانی خواهد بود که الله آنان را گرمی داشته است؛ [یعنی] با پیامبران و صدیقان [= تصدیق‌کنندگان پیامبر] و شهیدان و صالحان؛ و اینان چه نیکو رفیقانی هستند!

ذَٰلِكَ الْفَضْلُ مِنَ اللَّهِ وَكَفَىٰ

(۷۰) این فضل و بخشش از جانب الله است و

بِاللَّهِ عَلِيمًا ﴿٧٠﴾

همین بس که الله [به احوال بندگان] داناست.

يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا خُدُوعًا ﴿٧١﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، سلاح خود را برگزید؛ سپس گروه‌گروه یا یکپارچه [برای جهاد با دشمن] رهسپار گردید.

جَمِيعًا ﴿٧١﴾

وَإِنَّ مِنْكُمْ لَمَنْ لَّيَبْطِئَنَّ فَإِنْ أَصَبْتُمْ مُصِيبَةً قَالَ قَدْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيَّ إِذْ لَمْ أَكُنْ مَعَهُمْ شَهِيدًا ﴿٧٢﴾ و [ای مسلمانان،] بی‌تردید، از [میان] شما کسی هست که [به خاطر ترس، از شرکت در میدان جهاد] سستی می‌ورزد و اگر مصیبتی به شما برسد می‌گوید: «الله به من لطف کرد که همراه آنان [در جنگ] حاضر نبودم».

شَهِيدًا ﴿٧٢﴾

وَلَيْنِ أَصَبْتُمْ فَضُلٌّ مِنَ اللَّهِ لَيَقُولَنَّ كَأَنْ لَمْ تَكُنْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُ مَوَدَّةٌ يَلْبِئْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا ﴿٧٣﴾ و [الی] اگر بخشش و غنیمتی از جانب الله به شما رسد - چنان که گویا هرگز میان شما و او [رابطه] دوستی نبوده است - [با حسرت] می‌گوید: «ای کاش من نیز همراه آنان بودم و به کامیابی بزرگی می‌رسیدم».

فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا ﴿٧٣﴾

فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ ﴿٧٤﴾ و [ای کسانی که زندگی دنیا را به آخرت فروخته‌اند، باید در راه الله پیکار کنند؛ و به هر کسی که در راه الله پیکار کند - خواه کشته شود یا پیروز گردد - پاداش بزرگی خواهیم داد.

عَظِيمًا ﴿٧٤﴾

وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ و [ای مؤمنان،] شما را چه شده است که در راه الله و [برای یاری] مردان و زنان و

کودکان ستم‌دیده پیکار نمی‌کنید؟ همان کسانی که می‌گویند: «پروردگارا، ما را از این شهر [مکه] که اهالی‌اش ستم‌کارند بیرون ببر و از سوی خویش برای ما یار و کارسازی قرار بده و از جانب خود یاور و مددکاری برایمان بگمار.»

اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ وَلِيًّا وَاجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ

نَصِيرًا ﴿٧٥﴾

(۷۶) کسانی که ایمان آورده‌اند، در راه الله پیکار می‌کنند و کافران، در راه طاغوت [و حاکمان خودکامه] می‌جنگند؛ پس با یاران شیطان بجنگید که قطعاً نیرنگ [و نقشه] شیطان ضعیف است.

الَّذِينَ ءَامَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ

ضَعِيفًا ﴿٧٦﴾

(۷۷) [ای پیامبر] آیا کسانی را ندیدی که [در مکه] به آنها گفته شد: «[اکنون] دست [از جنگ] بازدارید و نماز برپا دارید و زکات بپردازید» و [الی] چون [در مدینه] جهاد بر آنان مقرر شد، آنگاه گروهی از آنان از مردم [مشرك مکه] ترسیدند - مانند ترس از الله یا [حتی] بیشتر - و گفتند: «پروردگارا، چرا جهاد را بر ما مقرر نمودی؟ چرا تا مدتی کوتاه به ما مهلت ندادی [تا از نعمت‌های دنیوی بهره‌مند گردیم]؟» [به آنان] بگو: «برخورداری [از لذت‌های این] دنیا ناچیز است و برای کسی که

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَءَاتُوا الزَّكَاةَ فَلَمَّا كُنِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِّنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْلَا أَخَّرْتَنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ قُلْ مَتَّعْتُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّمَنِ اتَّقَىٰ وَلَا

تُظَلِّمُونَ فِتْيَانًا ﴿٧٧﴾

پرهیزگار باشد سرای آخرت بهتر است و [در آنجا] به قدر نخ هسته خرمایی به شما ستم خواهد شد.

﴿٧٨﴾ هر کجا باشید، مرگ شما را درمی‌یابد؛ هر چند که در برج‌های استوار باشید؛» و اگر به آنان [= منافقان] خیری [همچون فرزند و مال فراوان] برسد، می‌گویند: «این از جانب الله است» و اگر شری [همچون مرگ و زیان مالی] به ایشان برسد [رسول الله را بدیمن می‌دانند و به او] می‌گویند: «این از جانب توست». [ای پیامبر، به آنان] بگو: «همه [چیز] از جانب الله است». چرا این قوم حاضر نیستند سخنی را درک کنند؟

﴿٧٩﴾ [ای انسان]، آنچه از نیکی‌ها به تو می‌رسد، از جانب الله است و آنچه از بدی‌ها به تو می‌رسد، از جانب خود توست؛ و [ای پیامبر]، ما تو را برای [هدایت] مردم فرستادیم و گواهی الله [در این باره] کافی است.

﴿٨٠﴾ هر کس از پیامبر اطاعت کند، در حقیقت، از الله اطاعت کرده است؛ و هر کس رویگردان شود، [از او اندوهگین نباش ای پیامبر؛ زیرا ما هرگز] تو را بر آنان نگهبان [و مراقب] نفرستادیم.

وَيَقُولُونَ طَاعَةٌ فَإِذَا بَرَرُوا مِنْ عِنْدِكَ بَيَّتَ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ غَيْرَ الَّذِي تَقُولُ وَاللَّهُ يَكْتُبُ مَا يُبَيِّنُونَ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا ﴿٨١﴾

(۸۱) آنان [نزد تو] می گویند: «فرمانبرداریم»، ولی چون از نزد تو بیرون می روند، گروهی از آنان شبانه چیزی جز آنچه تو گفته ای نقشه می کشند؛ و الله هر چه را که شبانه، تدبیر می کنند [در پرونده اعمالشان] می نویسد. پس از آنان روی بگردان و بر الله توکل کن و همین بس که الله [مراقب و] کارساز [تو] باشد.

أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْفُرْعَانَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا ﴿٨٢﴾

(۸۲) آیا در قرآن نمی اندیشند که اگر از سوی [کسی] غیر از الله بود، قطعاً اختلاف [و تناقض] بسیاری در آن می یافتند؟

وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوْ الْحُوفِ أَدَاعُوا بِهٖ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أَوْلِيَ الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿٨٣﴾

(۸۳) هنگامی که خبری [حاکمی] از ایمنی [و پیروزی] یا ترس [و شکست] به آنان می رسد، [بدون هیچ تحقیقی] آن را فاش می سازند؛ و [الی] اگر آن را به پیامبر و فرماندهانشان بازگردانند، افرادی از آنان که اهل [فهم و] استنباط هستند قطعاً [مصلحتِ اعلام یا کتمان اخبار را بهتر] می دانند؛ و [ای مؤمنان،] اگر فضل و رحمت الله بر شما نبود، جز اندکی، [همگی] از شیطان پیروی می کردید.

فَقَتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا تُكَلَّفُ إِلَّا نَفْسَكَ وَحَرِّضَ الْمُؤْمِنِينَ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَكْفَ بِأَسَ

(۸۴) پس [ای پیامبر،] در راه الله بیکار کن. تو عهده دار کسی جز خود نیستی و [الی] مؤمنان را [نیز به جهاد] تشویق کن. امید است

که الله آسیب کافران را از شما بازدارد؛ و الله قدرتش، بیشتر و کیفرش سخت تر است.

الَّذِينَ كَفَرُوا وَاللَّهُ أَشَدُّ بَأْسًا
وَأَشَدُّ تَنكِيلًا ﴿٨٤﴾

(۸۵) کسی که شفاعت [= میانجی‌گری] پسندیده‌ای کند، از [خیر] آن نصیبی خواهد داشت و کسی که شفاعت ناپسندی کند، از [شر] آن سهمی خواهد داشت؛ و الله همواره بر هر چیزی شاهد و مراقب است.

مَنْ يَشْفَعْ شَفَعَةً حَسَنَةً يَكُنْ
لَهُ نَصِيبٌ مِّنْهَا ۖ وَمَنْ يَشْفَعْ
شَفَعَةً سَيِّئَةً يَكُنْ لَهُ كِفْلٌ
مِّنْهَا ۗ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ
مَّقِيتًا ﴿٨٥﴾

(۸۶) [ای مؤمنان،] هر گاه با درودی صمیمانه به شما سلام گویند، شما پاسخی بهتر - و یا همانند آن - بگویید؛ [چرا که] بی‌تردید، الله همواره بر هر چیزی حسابگر است.

وَإِذَا حُيِّئْتُمْ بِهِ بِحَسَنَةٍ
فَاحْسِنُوا ۚ وَبِأَحْسَنِ مِنْهَا
أَوْ رُدُّوهَا ۗ إِنَّ اللَّهَ
كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا ﴿٨٦﴾

(۸۷) الله [که معبود راستین است و] هیچ معبودی [به‌حق] جز او نیست، یقیناً همگی شما را روز قیامت - که تردیدی در [وقوع] آن نیست - جمع می‌کند؛ و کیست که از الله راستگوتر باشد؟

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ
إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ ۗ
وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا ﴿٨٧﴾

(۸۸) [ای مؤمنان،] شما را چه شده است که در مورد [نحوه رفتار با] منافقان دو گروه شده‌اید، حال آنکه الله آنان را به خاطر آنچه انجام داده‌اند سرنگون ساخته [و به کفر و گمراهی بازگردانده] است؟ آیا می‌خواهید کسی

﴿۸۸﴾ فَمَا لَكُمْ فِي الْمُنَافِقِينَ فِئَتَيْنِ
وَاللَّهُ أَرْكَسَهُمْ بِمَا كَسَبُوا ۗ
أَتُرِيدُونَ أَنْ تَهْدُوا مَنْ أَضَلَّ
اللَّهُ ۗ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَلَنْ مَّجْدَ

لَهُ سَبِيلًا ﴿۸۸﴾

را که الله گمراه کرده است هدایت کنید؟
[ولی] هر کس که الله او را گمراه کند، راهی
[به سوی هدایت] برایش نخواهی یافت.

وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا
فَتَكُونُونَ سَوَاءً فَلَا تَتَّخِذُوا
مِنْهُمْ أَوْلِيَاءَ حَتَّىٰ يُهَاجِرُوا فِي
سَبِيلِ اللَّهِ فَإِن تَوَلَّوْا فَخُذُوهُمْ
وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَلَا
تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ وِلِيًّا وَلَا
نَصِيرًا ﴿۸۹﴾

(۸۹) آنان [= منافقان] آرزو می‌کنند که شما
نیز همچون خودشان کفر بورزید تا با هم برابر
شوید؛ پس هیچ‌یک از آنان را به دوستی
نگیرید، مگر آنکه [مسلمان شوند و] در راه الله
هجرت کنند؛ پس اگر از [اسلام و هجرت] روی
برتافتند [و رفتارشان را ادامه دادند]، آنها را هر
جا که یافتید، دستگیر کنید و بکشید و دوست
و یآوری [از میان] آنان اختیار نکنید.

إِلَّا الَّذِينَ يَصِلُونَ إِلَىٰ قَوْمٍ
بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مَبِثَّةٌ أَوْ
جَاءُوكُمْ حَصِرَتْ صُدُورُهُمْ أَمْ
يُقْتَلُوكُمْ أَوْ يُقْتَلُوا قَوْمَهُمْ وَلَوْ
شَاءَ اللَّهُ لَسَلَطَهُمْ عَلَيْكُمْ
فَلَاقَتُلُوكُمْ فَإِن أَعَزَّتْ لُوكُمْ فَلَمْ
يُقْتَلُوكُمْ وَالْقَوَا إِلَيْكُمْ أَلْسَلَمَ
فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ

(۹۰) مگر آنهایی که با هم‌پیمانان شما پیمان
بسته‌اند یا آنهایی که نزدتان می‌آیند در حالی
که از جنگ با شما یا قوم خود به تنگ آمده‌اند؛
و اگر الله می‌خواست، آنان را بر شما مسلط
می‌کرد که با شما بجنگند؛ پس اگر از شما
کناره‌گیری کردند و با شما نجنگیدند و تسلیم
[و فرمانبردار] شما شدند، [بدانید که دیگر] الله
برای شما راهی [برای تجاوز] بر آنان قرار
نداده است.

سَبِيلًا ﴿۹۰﴾

سَتَجِدُونَ ءَاخِرِينَ يُرِيدُونَ أَن

(۹۱) [ای مؤمنان]، به زودی [گروه] دیگری

[از منافقان] را خواهید یافت که [ظاهراً] می‌خواهند از شما و قوم خود در امان باشند؛ ولی [هر گاه به فتنه [شرک] بازگردانده شوند، در آن فرو می‌روند. پس اگر از شما کناره نرفتند و از در صلح و آشتی وارد نشدند و دست از [جنگ با] شما برنداشتند، آنگاه آنان را هر کجا یافتید، دستگیر کنید و بکشید. آنان هستند که ما برای شما علیه آنان دلیلی آشکار [برای دستگیری و قتلشان] قرار داده‌ایم.

يَأْمُنُوكُمْ وَيَأْمَنُوا قَوْمَهُمْ كُلٌّ مَا رُدُّوْا إِلَى الْفِتْنَةِ أُرْكَسُوا فِيهَا ۚ فَإِنْ لَّمْ يَعْتَزِلُوكُمْ وَيُلْقُوا إِلَيْكُمْ السَّلَامَ وَيَكْفُرُوا أَيْدِيَهُمْ فَخُذُوهُمْ وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ تَقْتُلُوهُمْ ۚ وَأُولَئِكَ جَعَلْنَا لَكُمْ عَلَيْهِمْ سُلْطٰنًا مُّبِينًا ﴿٩١﴾

(۹۲) هیچ مؤمنی مجاز نیست که مؤمنی را بکشد، مگر به اشتباه [و غیر عمد]؛ و کسی که مؤمنی را به اشتباه بکشد، باید یک برده مؤمن آزاد کند و خون‌بهایی به خانواده او [= به وارثان مقتول] بپردازد؛ مگر اینکه آنها گذشت کنند؛ و اگر [مقتول] از قومی باشد که دشمنان شما هستند و [خود] او مؤمن است، آزاد کردن یک برده مؤمن [توسط قاتل به عنوان کفاره کافی است و پرداخت خون‌بها به وارثانش لازم نیست] و اگر [مقتول مؤمن نباشد ولی] از قومی باشد که میان شما و آنان پیمانی برقرار است، باید خون‌بهایی به خانواده او بپردازد و یک برده مؤمن را [نیز] آزاد کند؛ و هر کس [توان مالی نداشت یا برده‌ای برای آزاد کردن] نیافت، [باید] به عنوان توبه‌ای به

وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقْتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَاً وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَاً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ ۚ إِلَّا أَنْ يَصَدَّقُوا فَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ عَدُوٍّ لَكُمْ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ فَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ ۚ وَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ ۖ فَمَنْ لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ تَوْبَةً مِّنَ اللَّهِ ۗ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿٩٢﴾

درگاه الله، دو ماه بیای پی روزه بگیرد؛ و الله همواره دانای حکیم است.

وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِدًا (۹۳) و هر کس مؤمنی را عمداً به قتل برساند، فَجَزَاءُوهُ جَهَنَّمُ خَلِيدًا فِيهَا می ماند و الله بر وی خشم می گیرد و او را از رحمت خویش دور می سازد و عذاب بزرگی لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا ﴿۹۳﴾

(۹۴) ای کسانی که ایمان آورده اید، هنگامی که در راه الله [برای جهاد] رهسپار شدید، [جوانب امر را به دقت] بررسی کنید و به کسی که اظهار صلح و اسلام نمود، نگوئید: «تو مؤمن نیستی» تا [به این بهانه بتوانید او را بکشید و غنیمت و] سرمایه ناپایدار زندگی دنیا را به دست آورید؛ زیرا غنیمت های بسیاری [برای شما] نزد الله است. شما نیز قبلاً اینچنین بودید [و ایمانتان را پنهان می کردید]؛ سپس الله بر شما منت نهاد [و هدایت شدید]. بنابراین به درستی بررسی کنید؛ [چرا که] بی تردید، الله به آنچه انجام می دهید آگاه است.

لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

جهد کردند [هرگز] یکسان نیستند. الله

بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ
 الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ
 عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ
 اللَّهُ الْحُسْنَىٰ وَفَضَّلَ اللَّهُ
 الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا
 عَظِيمًا ﴿٩٥﴾

دَرَجَاتٍ مِّنْهُ وَمَغْفِرَةً وَرَحْمَةً
 وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا ﴿٩٦﴾
 (۹۶) پاداشی که [به عنوان درجات و آموزش
 و رحمتی از [پیشگاه] او [نصبشان می‌گردد]
 و الله آمرزندهٔ مهربان است.

إِنَّ الَّذِينَ تَوَقَّعْتُمُ الْمَلٰٓئِكَةَ
 ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ
 قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ
 قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضَ اللَّهِ وَسِعَةً
 فَتَهَاجَرُوا فِيهَا فَأُولٰٓئِكَ مَاوِلُهُمْ
 جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا ﴿٩٧﴾
 (۹۷) کسانی که [با ماندن در سرزمین کفر]
 نسبت به خویش ستمکار بوده‌اند، [وقتی]
 فرشتگان جانشان را می‌گیرند [به آنان]
 می‌گویند: «در چه [حال] بودید؟» پاسخ
 می‌دهند: «ما در زمین از ستمدیدگان بودیم».
 [فرشتگان] می‌گویند: «آیا زمینِ الله گسترده
 نبود تا در آن مهاجرت کنید [و ایمانتان را
 حفظ نمایید]؟» پس جایگاهشان دوزخ است و
 چه بد سرانجامی است!

إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ
 وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ لَا يَسْتَطِيعُونَ
 حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا ﴿٩٨﴾
 (۹۸) مگر آن مردان و زنان و کودکان
 ستم‌دیده‌ای که نمی‌توانند چاره‌ای بیندیشند و
 راه به جایی نمی‌برند.

فَأُولَئِكَ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَعْفُوَ عَنْهُمْ وَكَانَ اللَّهُ عَفُوًّا غَفُورًا ﴿٩٩﴾ پس آنان [که عذری دارند] امید است
 الله از اینان درگذرد و الله همواره بخشاینده
 آمرزگار است.

﴿١٠٠﴾ و هر کس در راه الله هجرت کند، در
 زمین سرپناه بسیار و گشایش [ی در مصالح
 دین و دنیا] می یابد و کسی که به قصد هجرت
 به سوی الله و پیامبرش از خانه اش خارج شود
 و آنگاه مرگش فرا رسد، قطعاً پاداش او بر
 [عهده] الله است و الله آمرزنده مهربان است.

﴿١٠١﴾ وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنَّ خَفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُّبِينًا ﴿١٠١﴾

﴿١٠١﴾ و [ای مؤمنان،] هر گاه در زمین
 سفر کردید، اگر ترسیدید کسانی که کفر
 ورزیدند زبانی به شما برسانند، گناهی بر شما
 نیست که از [رکعات] نماز بکاهید [و آن را
 شکسته بخوانید]؛ زیرا کافران همواره برایتان
 دشمن آشکاری هستند.

﴿١٠٢﴾ وَإِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ فَلْتُمْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ فَإِذَا سَجَدُوا فَلْيَكُونُوا مِنْ وَرَائِكُمْ وَلْتَأْتِ طَائِفَةٌ أُخْرَى لَمْ يُصَلُّوا فَلْيُصَلُّوا مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ

سرتان قرار گیرند و آن دسته دیگری که نماز نخوانده‌اند باید بیایند و [یک رکعت] با تو نماز بخوانند [و پس از اینکه نمازت به پایان رسید، ادامه نمازشان را کامل کنند] و [آنان نیز] باید احتیاط کنند و جنگ‌افزارهایشان را [در نماز با خود] برگیرند؛ [زیرا] کافران آرزو دارند که شما از جنگ‌افزارها و تجهیزات خود غافل شوید تا یکباره بر شما بتازند؛ و اگر از باران [یا موانع دیگر] در رنج بودید و [یا] بیمار [و مجروح] بودید، گناهی بر شما نیست که جنگ‌افزارهای خود را [بر زمین] بگذارید؛ ولی جانب احتیاط را رعایت کنید. به راستی که الله برای کافران عذابی خفت‌بار مهیّا کرده است.

فَإِذَا قَضَيْتُمُ الصَّلَاةَ فَادْكُرُوا اللَّهَ قِيَمًا وَقَعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِكُمْ فَإِذَا اطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَّوْفُوتًا ﴿۱۰۳﴾

چون نماز را به پایان رساندید، الله را [در همه حال]، ایستاده و نشسته و بر پهلو خفته [= خوابیده] یاد کنید؛ و هر گاه آرامش یافتید [و ترس از بین رفت]، نماز را [کامل] بر پا دارید [چرا که] بی‌تردید، نماز [فریضه‌ای است که] در اوقات معینی بر مؤمنان واجب شده است.

وَلَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ ۗ إِن تَكُونُوا تَأْلَمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُونَ كَمَا تَأْلَمُونَ وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا

[ای مؤمنان]، در تعقیب آن گروه [دشمن] سستی نکنید. اگر شما [از خستگی و جراحت] رنج می‌برید، آنان نیز چنان که شما رنج می‌برید رنج برده‌اند؛ ولی شما از الله

لَا يَرْجُونَ^ط وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا
 چیزی را امید دارید که آنان ندارند؛ و الله
 دانای حکیم است. حَكِيمًا ﴿١٠٤﴾

إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ
 تو نازل کردیم تا به [موجب] آنچه الله به تو
 آموخته است در میان مردم داوری کنی؛ و
 مدافع خیانتهکاران مباش. حَصِيمًا ﴿١٠٥﴾

وَأَسْتَغْفِرِ اللَّهَ^ط إِنَّ اللَّهَ كَانَ
 آمرزنده مهربان است. عَفُورًا رَحِيمًا ﴿١٠٦﴾

وَلَا تُجَادِلْ عَنِ الَّذِينَ يَخْتَانُونَ
 خیانت می کنند دفاع نکن [زیرا] بی گمان، الله
 هر کس را که خیانتکار [و] گناهکار باشد
 دوست ندارد. خَوَانًا أَثِيمًا ﴿١٠٧﴾

يَسْتَخْفُونَ مِنَ النَّاسِ وَلَا
 پنهان می دارند، ولی نمی توانند چیزی را از الله
 پنهان کنند؛ و [حال آنکه] او تعالی همراهشان
 است آنگاه که شبانه چاره اندیشی می کنند و
 [از سر دروغ و افترا] سخنانی می گویند که او
 نمی پسندد؛ و الله همواره به آنچه می کنند
 احاطه دارد. يَسْتَخْفُونَ مِنَ اللَّهِ وَهُوَ مَعَهُمْ إِذْ
 يُبَيِّنُونَ مَا لَا يَرْضَى مِنَ الْقَوْلِ ﴿١٠٨﴾

هَاتَانِمْ هَتُولَاءِ جَدَلْتُمْ عَنْهُمْ
 دنیا از آنان دفاع کردید؛ پس کیست که روز
 فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَمَنْ يُجَادِلْ

اللَّهِ عَنْهُمْ يَوْمَ الْفَيْصَةِ أَمْ مَنْ يَكُونُ عَلَيْهِمْ وَكَيْلًا ﴿١٠٩﴾

قیامت در برابر الله از آنان دفاع کند؟ یا چه کسی است که [مراقب و] کارسازشان باشد؟

وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿١١٠﴾

(۱۱۰) و هر کس عمل ناشایستی مرتکب شود یا [با نافرمانی از دستور الله و رسولش] به خود ستم کند [و] سپس از الله آمرزش بخواهد، الله را آمرزندهٔ مهربان خواهد یافت.

وَمَنْ يَكْسِبْ إِثْمًا فَإِنَّمَا يَكْسِبُهِ عَلَىٰ نَفْسِهِ ۚ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿١١١﴾

(۱۱۱) و هر کس گناهی مرتکب شود، تنها به زیان خویش [چنین] می‌کند؛ و الله همواره دانای حکیم است.

وَمَنْ يَكْسِبْ خَطِيئَةً أَوْ إِثْمًا ثُمَّ يَرْمِ بِهِ بَرِيئًا فَقَدِ احْتَمَلَ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا ﴿١١٢﴾

(۱۱۲) و هر کس خطا یا گناهی مرتکب شود، سپس آن را بر گردن بی‌گناهی بیندازد، قطعاً [بار] بهتان و گناه آشکاری را بر دوش گرفته است.

وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَتُهُ لَهَمَّت طَّائِفَةٌ مِّنْهُمْ أَنْ يُضْلُوكَ وَمَا يُضْلُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَصُرُّونَكَ مِنْ شَيْءٍ ۚ وَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُن تَعْلَمُ ۚ وَكَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا ﴿١١٣﴾

(۱۱۳) و [ای پیامبر،] اگر فضلِ الله و رحمتش بر تو نبود، گروهی از آنان قصد داشتند که تو را گمراه کنند [تا ناعادلانه قضاوت کنی]؛ و [الی] جز خودشان [کسی] را گمراه نمی‌سازند و هیچ زبانی به تو نمی‌رسانند؛ و الله کتاب [= قرآن] و حکمت [= سنت] را بر تو نازل کرد و آنچه را نمی‌دانستی به تو آموخت؛ و همواره فضلِ الله بر تو بزرگ [و بسیار] بوده است.

﴿لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِّنْ نَّجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ وَمَن يَفْعَلْ ذَلِكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا﴾ (۱۱۴) در بسیاری از [سخنان درگوشی و] نجواهای آنان خیری نیست، مگر [در گفتار] کسی که به [دادن] صدقه‌ای یا کاری پسندیده یا سازشی میان مردم فرمان دهد؛ و هر کس برای رضایت الله چنین کند، به زودی پاداش بزرگی به وی خواهیم داد.

﴿وَمَن يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِن بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَىٰ وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّىٰ وَنُصَلِّهِ ۖ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا﴾ (۱۱۵) و هر کس پس از آنکه [راه حق و] هدایت برایش روشن شد با پیامبر مخالفت ورزد و از راهی جز راه مؤمنان پیروی کند، او را به آنچه [برای خود برگزیده و از آن] پیروی کرده است وامی‌گذاریم و به دوزخ می‌کشانیم؛ و [حقا که دوزخ] چه بد جایگاهی است!

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَن يُشْرَكَ بِهِ ۖ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَن يَشَاءُ ۗ وَمَن يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا﴾ (۱۱۶) الله این [گناه] را که به او شرک آورده شود، قطعاً نمی‌آمرزد و غیر آن [هر گناهی] را برای هر کس که بخواهد می‌آمرزد؛ و هر کس به الله شرک آورد، بی‌تردید در گمراهی دور و درازی افتاده است.

﴿إِن يَدْعُونَ مِن دُونِهِ ۖ إِلَّا إِنثَانًا ۚ وَإِن يَدْعُونَ إِلَّا شَيْطَانًا مَّرِيدًا﴾ (۱۱۷) [مشرکان] به جای الله بُت‌های مادینه‌ای [همچون لات و عَزَّى و منات] را می‌خوانند و [در حقیقت] جز شیطان سرکش را نمی‌خوانند.

﴿لَعَنَهُ اللَّهُ وَقَالَ لَأَتَّخِذَنَّ مِنْ

عِبَادِكَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا ﴿۱۱۸﴾
 دور ساخت و او گفت: «از بندگان تو، سهمی
 معین برخواهم گرفت.

وَلَا ضَلَّعْتَهُمْ وَلَا مَتَّيْتَهُمْ وَلَا مُرْتَبَهُمْ
 فَلَيْبَتِكِنَّ عَاذَانَ الْأَنْعَمِ
 وَلَا مُرْتَبَهُمْ فَلْيَعْيِرَنَّ حَلَقَ اللَّهِ
 وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِّنْ
 دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا
 مُّبِينًا ﴿۱۱۹﴾

(۱۱۹) و مسلماً آنان را گمراه می‌کنم و به
 آرزوهای باطل می‌افکنم؛ و به آنان دستور
 می‌دهم که گوش چهارپایان را بشکافند و
 وادارشان می‌کنم تا آفرینش الله را تغییر
 دهند؛ و هر کس شیطان را به جای الله
 دوست [و کارساز] خود گیرد، قطعاً زبانی
 آشکار کرده است.

يَعِدُّهُمْ وَيُمَيِّتُهُمْ وَمَا يَعِدُّهُمْ
 الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا ﴿۱۲۰﴾

(۱۲۰) [آری،] شیطان به آنان وعده می‌دهد و
 آنها را در [دام] آرزوها می‌اندازد و به آنان
 وعده‌ای جز فریب نمی‌دهد.

أُولَئِكَ مَاؤُهُمْ جَهَنَّمُ وَلَا
 يَجِدُونَ عَنْهَا مَحِيصًا ﴿۱۲۱﴾

(۱۲۱) آنان [= پیروان شیطان] جایگاهشان
 دوزخ است و هیچ راه فراری از آن نمی‌یابند.

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا
 الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ
 تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ
 فِيهَا أَبَدًا وَعَدَّ اللَّهُ حَقًّا وَمَنْ
 أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا ﴿۱۲۲﴾

(۱۲۲) و کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای
 شایسته انجام داده‌اند، به زودی آنان را در
 باغ‌هایی [از بهشت] وارد می‌کنیم که جویبارها
 از زیر [درختان] آن جاری است؛ جاودانه در
 آن خواهند ماند؛ وعده الله حق است و کیست
 که در گفتار [و وعده‌هایش] از الله راستگوتر
 باشد؟

لَيْسَ بِأَمَانِيكُمْ وَلَا أَمَانِي أَهْلِ

(۱۲۳) [ای مسلمانان، نجات و رستگاری

وَابْسِطْهُ [به آرزوهای شما و آرزوهای اهل کتاب نیست. هر کس کار ناشایستی انجام دهد، به کيفرش خواهد رسید و دوست و یاورى جز الله بَرَاىِ خُودِ نَخَوَاهِدِ يَافِتْ. ۱۲۳]

وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا ۱۲۴]

(۱۲۴) و هر کس - چه مرد و چه زن - که کارهای شایسته کند و مؤمن باشد، [همه] آنان وارد بهشت می‌شوند و به اندازه ذره ناچیزی [حتی به اندازه شکاف پشته هسته خرمايي نیز] به آنان ستم نخواهد شد.

وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ وَاتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا ۱۲۵]

(۱۲۵) و دین چه کسی بهتر از [دین] کسی است که خالصانه خود را تسلیم الله کرده و نیکوکار است و از آیین ابراهیم حق‌گرا پیروی نموده است؟ و الله ابراهیم را به دوستی خالصانه خود برگزید.

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطًا ۱۲۶]

(۱۲۶) و آنچه در آسمان‌ها و زمین است از آن الله است و الله همواره به هر چیزی احاطه دارد.

وَيَسْتَفْتُونَكَ فِي النِّسَاءِ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِيهِنَّ وَمَا يُتَىٰ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ فِي يَتِمَّىٰ النِّسَاءِ الَّتِي لَا تُوْتُونَهُنَّ مَا

(۱۲۷) و [ای پیامبر، مسلمانان] از تو درباره زنان نظرخواهی می‌کنند؛ بگو: «الله درباره آنان فتوا می‌دهد و در آنچه از کتاب [الله] بر شما خوانده می‌شود [نیز] آمده است که [حکم او] درباره دختران یتیمی که حق مقررشان [از

مهریه و ارث] را نمی‌پردازید و به ازدواج با آنان تمایل ندارید [و از روی طمع در اموالشان، آنان را از ازدواج با دیگران نیز منع می‌کنید]، و [همچنین دستور او تعالی در مورد] کودکان ناتوان [این است] که: «در حق یتیمان به عدل و انصاف بکوشید»؛ و هر آنچه از نیکی‌ها که انجام دهید، الله به آن آگاه است.

كُتِبَ لَهُنَّ وَتَرَعَبُونَ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الْوِلْدَانِ وَأَنْ تَقُومُوا لِلْيَتَامَى بِالْقِسْطِ وَمَا تَفَعَّلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِهِ عَلِيمًا ﴿١٢٧﴾

(۱۲۸) و اگر زنی از ناسازگاری یا روی گردانی شوهرش بیم داشت، بر آن دو گناهی نیست که [با صرف نظر از برخی حقوق و وظایف] با یکدیگر آشتی کنند؛ و آشتی بهتر [از طلاق] است و الی طمع و [بخل، نفس‌ها را فراگرفته است] [و هیچ کس از حق خویش نمی‌گذرد]؛ و اگر نیکی کنید و پرهیزگاری پیشه سازید، قطعاً الله به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.

وَإِنْ أَمْرَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُورًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ وَأُحْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ وَإِنْ تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ﴿١٢٨﴾

(۱۲۹) و [شما مردان] هر چند بکوشید هرگز نمی‌توانید [از نظر محبت قلبی] میان زنان عدالت برقرار کنید؛ پس یکسره [به یکی میل نکنید و] از یکی روی نگردانید که او را بلامتکلیف رها کنید؛ و اگر سازش نمایید و پرهیزگاری کنید، بی‌تردید الله آمرزندهٔ مهربان است.

وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمِيلِ فَتَدْرُوهَا كَالْمُعَلَّقَةِ وَإِنْ تُصْلِحُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿١٣٠﴾

(۱۳۰) و اگر آن دو [= زن و شوهر] از یکدیگر

سَعَتِهِ ۚ وَكَانَ اللَّهُ وَاسِعًا
 حَكِيمًا ﴿۱۳۰﴾
 جدا شوند، الله هر یک از آنان را از گشایش [بخشش] خویش بی نیاز می سازد؛ و الله همواره گشایشگرِ حکیم است.

وَاللَّهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَلَقَدْ وَصَّيْنَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَإِيَّاكُمْ أَنْ اتَّقُوا اللَّهَ ۚ وَإِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۗ وَكَانَ اللَّهُ غَنِيًّا حَمِيدًا ﴿۱۳۱﴾
 و آنچه در آسمان‌ها و زمین است از آنِ الله است؛ و ما به کسانی که پیش از شما به آنان کتاب [آسمانی] داده شد و [همچنین] به شما سفارش کردیم که: «از الله پروا کنید»، و اگر کافر شدید، [بدانید که] آنچه در آسمان‌ها و زمین است از آنِ الله است و الله بی نیاز ستوده است.

وَاللَّهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۗ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا ﴿۱۳۲﴾
 و آنچه در آسمان‌ها و زمین است، از آنِ الله است و همین بس که الله [مراقب و کارگزار] بندگان] باشد.

إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ وَيَأْتِ بِآخَرِينَ ۚ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكُمْ قَدِيرًا ﴿۱۳۳﴾
 ای مردم، اگر او تعالی بخواهد، شما را از میان می برد و دیگرانی را می آورد؛ و الله همواره بر این [کار] تواناست.

مَنْ كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ۗ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا بَصِيرًا ﴿۱۳۴﴾
 هر کس [در قبال کارهایش] پاداش دنیا را می خواهد، [بداند که] پاداش دنیا و آخرت نزد الله است و الله همواره شنوای بیناست.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا بَرِيءًا مِمَّا رَدَّدَ عَلَيْكُمُ الْكُفْرَ إِن كُنْتُمْ حَسِبْتُمْ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ مُبْرَأِينَ مِنَ اللَّهِ فَأُولَٰئِكَ سَمِعُوا اللَّهَ يَدْعُوا إِلَىٰ اللَّهِ وَأَطَاعُوا اللَّهَ فَأُولَٰئِكَ سَمِعُوا اللَّهَ حَقَّ سَمْعِهِ ۗ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿۱۳۵﴾
 ای کسانی که ایمان آورده اید، برپادارنده عدالت باشید [و] برای الله شهادت

دهید؛ هر چند به زیان خودتان یا پدر و مادر و نزدیکان [شما] باشد. اگر [یکی از دو طرف دعوا] توانگر یا نیازمند باشد، [باز هم] الله [از شما] به آن دو نفر سزاوارتر است؛ پس از هوای نفس پیروی نکنید که [از حق] منحرف می‌شوید؛ و اگر زبان را بگردانید [و حق را تحریف کنید] یا [از اظهار آن] خودداری نمایید، مسلماً الله به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.

قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ ۚ إِن يَكُنْ عَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَلَلَهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا ۖ فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىَٰ أَن تَعْدِلُوا ۚ وَإِن تَلَوُّوا أَوْ تَعْرِضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَّ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ﴿١٣٥﴾

(۱۳۶) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به الله و پیامبرش و کتابی که بر او نازل کرده است و [به هر] کتابی که پیش از این فرستاده است ایمان بیاورید [و بر آن پایدار باشید]؛ و هر کس به الله و فرشتگان او و کتاب‌ها و پیامبرانش و روز قیامت کفر بورزد، بی‌تردید، در گمراهی دور و درازی افتاده است.

يَتَّبِعُهَا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ۚ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَىٰ رَسُولِهِ ۚ وَالْكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلَ مِن قَبْلُ ۚ وَمَن يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْأَخِيرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا ﴿١٣٦﴾

(۱۳۷) بی‌تردید، کسانی که ایمان آوردند، سپس کافر شدند و پس از آن ایمان آوردند و باز کافر شدند و آنگاه بر کفر [خود] افزودند، الله هرگز بر آن نیست که آنان را ببخشد و به راهی [راست که به سعادت ابدی ختم می‌گردد] هدایتشان کند.

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ أَرَادُوا كُفْرًا ۚ لَّمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيُعْفِرْ لَهُمْ وَلَا لِيُهْدِيَهُمْ سَبِيلًا ﴿١٣٧﴾

بَشِيرِ الْمُنَافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿۱۳۸﴾ [ای پیامبر،] به منافقان خبر بده که عذابی دردناک برایشان [در پیش] است.

الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَبِئْتَعُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا ﴿۱۳۹﴾ [همان] کسانی که کافران را به جای مؤمنان به دوستی برمی‌گزینند. آیا سربلندی را نزد آنان می‌جویند؟ [باید بدانند که] همه سربلندی از آن الله است.

وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ ۚ إِنَّكُمْ إِذًا مِثْلُهُمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا ﴿۱۴۰﴾ [ای مؤمنان،] مسلماً [الله این حکم را] در این کتاب [= قرآن] بر شما نازل کرده است که: «چون شنیدید [افرادی] آیات الله را انکار می‌کنند و آن را به تمسخر می‌گیرند، با آنان ننشینید تا به سخنی دیگر پردازند. [اگر با آنان بنشینید،] در این صورت، قطعاً شما [نیز] همانند آنان خواهید بود». بی‌تردید، الله همه منافقان و کافران را در دوزخ گرد هم می‌آورد.

الَّذِينَ يَتَرَبَّصُونَ بِكُمْ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فِتْحٌ مِنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ وَإِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحِذْ عَلَيْكُمْ وَنَمْنَعُكُم مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ ۗ فَاللَّهُ يَحْكُمُ

همواره] شما را زیر نظر دارند [و منتظر هستند که چه چیزی به شما می‌رسد؛ اگر پیروزی و گشایشی از جانب الله نصیبتان گردد، می‌گویند: «مگر ما با شما نبودیم؟» و اگر بهره‌ای نصیب کافران گردد، [به آنان] می‌گویند: «مگر ما پشتیبانتان نبودیم و شما را

از [گزند] مؤمنان باز نمی‌نداشتیم؟»؛ پس الله روز قیامت میان شما داوری می‌کند؛ و الله هرگز برای کافران راهی [برای تسلط] بر مؤمنان قرار نداده است.

بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَلَنْ يَجْعَلَ
اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ
سَبِيلًا ﴿١٤١﴾

(۱۴۲) بی‌تردید، منافقان [با دروغگویی و تظاهرشان] با الله فریبکاری می‌کنند [و حال آنکه به سزای رفتارشان] الله فریب‌دهنده آنان است؛ و چون به نماز برخیزند، با سستی و کاهلی برمی‌خیزند [و] با مردم ریاکاری می‌کنند و الله را جز اندکی یاد نمی‌کنند.

إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَدِعُونَ اللَّهَ
وَهُوَ خَدِيعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى
الصَّلَاةِ قَامُوا كَسَالَى يُرَاءُونَ
النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا
قَلِيلًا ﴿١٤٢﴾

(۱۴۳) [منافقان] بین این دو [گروه مؤمنان و کافران] متحیر و سرگردانند؛ نه با اینانند و نه با آنان؛ و [ای پیامبر] هر کس که الله او را گمراه کند، راهی برای [هدایت] او نخواهی یافت.

مُذَبِّبِينَ بَيْنَ ذَلِكَ لَا إِلَى
هَؤُلَاءِ وَلَا إِلَى هَؤُلَاءِ وَمَنْ
يُضِلِلِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ
سَبِيلًا ﴿١٤٣﴾

(۱۴۴) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، کافران را به جای مؤمنان، دوستان [خود] نگیرید. آیا می‌خواهید برای الله دلیل آشکاری به زیان خود [برای عذاب] پدید آورید؟

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا
الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ
الْمُؤْمِنِينَ ءَأُتْرِيدُونَ أَنْ تَجْعَلُوا
لِلَّهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا مُبِينًا ﴿١٤٤﴾

(۱۴۵) همانا منافقان در پایین‌ترین درجات دوزخند و هرگز یآوری برایشان نخواهی یافت.

إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ
مِنَ النَّارِ وَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ
نَصِيرًا ﴿١٤٥﴾

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَآخِلَصُوا بِاللَّهِ وَأَخْلَصُوا دِينَهُمْ لِلَّهِ فَأُولَٰئِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ وَسَوْفَ يُؤْتِي اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿١٤٦﴾

(۱۴۶) مگر کسانی که توبه کردند و [باطن] خویش را [اصلاح نمودند و به [کتاب] الله تمسک جستند و دین خود را برای الله خالص گرداندند؛ که اینان با مؤمنانند و الله پاداش بزرگی به مؤمنان خواهد داد.

مَا يَفْعَلُ اللَّهُ بِعَدَابِكُمْ إِنْ شَكَرْتُمْ وَعَٰمَنْتُمْ وَكَانَ اللَّهُ شَاكِرًا عَلِيمًا ﴿١٤٧﴾

(۱۴۷) اگر شکر کنید و ایمان آورید، الله چه نیازی به مجازات شما دارد؟ و الله همواره قدردانِ داناست.

لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوِّءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا ﴿١٤٨﴾

(۱۴۸) الله بدگویی آشکار را دوست ندارد، مگر از جانب کسی که به او ستم شده است [و ناچار زبان به شکایت و نفرین می‌گشاید]؛ و الله همواره شنوای داناست.

إِنْ تُبَدُّوْا خَيْرًا أَوْ تُخَفُّوْهُ أَوْ تَعْفُوْا عَنْ سُوءٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُوًّا قَدِيرًا ﴿١٤٩﴾

(۱۴۹) اگر کار نیک را آشکار کنید یا آن را پنهان دارید یا از بدی [و ستمی که به شما رسیده است] درگذرید، [بدانید که] بی‌تردید، الله همواره آمرزندهٔ تواناست.

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيُرِيدُونَ أَنْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيَقُولُونَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ

(۱۵۰) کسانی که به الله و پیامبرانش کفر می‌ورزند و می‌خواهند میان الله و پیامبرانش جدایی اندازند و می‌گویند: «ما به بعضی ایمان داریم و بعضی را انکار می‌کنیم» و می‌خواهند در این [میان، بین کفر و ایمان برای خود]

وَيُرِيدُونَ أَنْ يُتَّخَذُوا بَيْنَ ذَلِكَ

راهی برگزینند.

سَبِيلًا ﴿١٥٠﴾

أُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ حَقًّا ﴿١٥١﴾ آنان به راستی کافرند و ما برای کافران
وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا

مُهِينًا ﴿١٥١﴾

وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَلَمْ
آورده‌اند و میان هیچ یک از آنان تفاوت
يُفَرِّقُوا بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ أُولَئِكَ
نمی‌گذارند، به زودی [الله] پاداششان را عطا
سَوْفَ يُؤْتِيهِمْ أَجْرَهُمْ وَكَانَ اللَّهُ
می‌کند و الله همواره آمرزندهٔ مهربان است.

عَفُورًا رَّحِيمًا ﴿١٥٢﴾

يَسْأَلُكَ أَهْلُ الْكِتَابِ أَنْ تُنزِلَ
[ای پیامبر،] اهل کتاب از تو می‌خواهند
عَلَيْهِمْ كِتَابًا مِّنَ السَّمَاءِ فَقَدْ
که [به نشانهٔ راستگویی، یکباره] کتابی از
سَأَلُوا مُوسَىٰ أَكْبَرَ مِنْ ذَلِكَ
آسمان برایشان نازل کنی. [این درخواستشان را
بزرگ مشمار؛ زیرا آنان] از موسی [چیزی
بزرگ‌تر و] عجیب‌تر از این خواستند و گفتند:
فَقَالُوا أَرِنَا اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْهُمُ
«الله را آشکارا به ما نشان بده»؛ به خاطر
الضَّعِيفَةَ بِظُلْمِهِمْ ثُمَّ اتَّخَذُوا
درخواستِ ناحقشان، صاعقه [ی مرگ] آنان را
الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمُ
فرو گرفت؛ آنگاه [چون الله آنان را دوباره زنده
أَلْبَيْتِنتَ فَعَفَوْنَا عَنْ ذَلِكَ ﴿١٥٣﴾
کرد] پس از آنکه نشانه‌های آشکار برایشان آمد،
وَأَتَيْنَا مُوسَىٰ سُلْطَانًا مُّبِينًا ﴿١٥٣﴾
گوساله را [به عنوان معبود] گرفتند و [الی ما
پس از آنکه توبه کردند] از آن [گناهشان نیز]
درگذشتیم و به موسی دلیلی آشکار بخشیدیم.

وَرَفَعْنَا فَوْقَهُمُ الطُّورَ بِمِيثَاقِهِمْ وَقُلْنَا لَهُمُ ادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَقُلْنَا لَهُمْ لَا تَعْدُوا فِي السَّبْتِ وَأَخَذْنَا مِنْهُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا ﴿۱۵۴﴾

(۱۵۴) و به سبب پیمان [گرفتن از] آنان [کوه] طور را بالای سرشان برافراشتیم و [نیز] به آنان گفتیم: «با فروتنی از دروازه [بیت المقدس] وارد شوید» و [همچنین] به آنان گفتیم: «حرمتِ شنبه را نشکنید [و از آن صید ماهی در این روز دست بکشید]» و از آنان پیمانی سخت و استوار گرفتیم.

فِيمَا نَقُضِيهِمْ مِيثَاقَهُمْ وَكُفْرِهِمْ بِآيَاتِ اللَّهِ وَقَتْلِهِمُ الْأَنْبِيَاءَ بَغَيْرِ حَقٍّ وَقَوْلِهِمْ قُلُوبُنَا غُلْفٌ بَلْ طَبَعَ اللَّهُ عَلَيْهَا بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿۱۵۵﴾

(۱۵۵) [آنان را لعنت کردیم] به خاطر اینکه پیمانشان را شکستند و به آیاتِ الله کفر ورزیدند و پیامبران را به ناحق کشتند و [نیز از روی تمسخر] گفتند که: «بر دل‌های ما، پرده [انداخته شده] است [که سخن حق را درک نمی‌کنیم]»؛ بلکه الله به خاطر کفرشان بر دل‌هایشان مهر زده است؛ بنابراین جز اندکی ایمان نمی‌آورند.

وَبِكُفْرِهِمْ وَقَوْلِهِمْ عَلَىٰ مَرْيَمَ بُهْتَانًا عَظِيمًا ﴿۱۵۶﴾

(۱۵۶) و [نیز آنان را لعنت کردیم] به سبب کفرشان و آن تهمت بزرگی که به مریم زدند؛

وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَٰكِن شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ

(۱۵۷) و [همچنان آنان را لعنت کردیم] به خاطر این [سخنشان که: «ما مسیح - عیسی پسر مریم - پیامبر الله را کشتیم»؛ در حالی که نه او را کشتند و نه به دار آویختند؛ بلکه [امر] بر آنان مُشْتَبَه شد [و مردی را که شبیه عیسی بود به دار کشیدند] و کسانی که درباره او

إِلَّا أَتْبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا ﴿١٥٧﴾
 اختلاف کردند، قطعاً راجع به وی دچار تردیدند و هیچ علمی به آن ندارند، مگر آنکه از گمان پیروی می‌کنند؛ و یقیناً او را نکشته‌اند.

بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ﴿١٥٨﴾
 بلکه الله او را به سوی خویش بالا بُرد؛ و الله شکست‌ناپذیرِ حکیم است.

وَأَنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِدًا ﴿١٥٩﴾
 [پس از نزول عیسی، کسی] از اهل کتاب نخواهد بود، مگر اینکه پیش از مرگ عیسی، حتماً به او ایمان می‌آورد و روز قیامت [نیز] وی بر [کفر و ایمان] آنان گواه خواهد بود.

فَيُظْلَمُ مِنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَمْنَا عَلَيْهِمْ طَيْبَاتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ وَبِصَدِّهِمْ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ كَثِيرًا ﴿١٦٠﴾
 پس به سزای ستمی که از یهود سر زد و به سبب اینکه [مردم را] بسیار از راه الله بازداشتند، ما چیزهای پاکیزه‌ای را که برایشان حلال بود، بر آنان حرام کردیم.

وَأَخَذِهِمُ الرِّبَا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ وَأَكْلِهِمْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْبِطْلِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿١٦١﴾
 [نیز به سزای] ربا گرفتن شان - با آنکه از آن نهی شده بودند - و اینکه مال مردم را به ناروا می‌خوردند؛ و ما برای کافرانشان عذابی دردناک مهیا کرده‌ایم.

لَٰكِنِ الرَّسَّخُونَ فِي الْعِلْمِ مِنْهُمْ وَالْمُؤْمِنُونَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ ﴿١٦٢﴾
 ولی از میان آنان راسخان در علم [= علمای یهود] و مؤمنان [یعنی کسانی که] به آنچه بر تو نازل شده است و [به] آنچه که پیش

إِلَيْكَ وَمَا أَنْزَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ
وَالْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ وَالْمُؤْتُونَ
الزَّكَاةَ وَالْمُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ
الْآخِرِ أُولَئِكَ سَنُؤْتِيهِمْ أَجْرًا
عَظِيمًا ﴿١٦٣﴾

﴿١٦٣﴾ [ای پیامبر،] بی تردید، ما به تو وحی
فرستادیم؛ همان گونه که به نوح و پیامبران
بعد از او وحی فرستادیم و [نیز] به ابراهیم و
اسماعیل و اسحاق و یعقوب و نوادگان
[یعقوب] و عیسی و ایوب و یونس و هارون و
سلیمان وحی فرستادیم؛ و به داود زبور دادیم.
وَإِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا
إِلَى نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ
وَأَوْحَيْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ
وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ
وَعِيسَى وَأَيُّوبَ وَيُونُسَ وَهَارُونَ
وَسُلَيْمَانَ وَعَاتَيْنَا دَاوُدَ زَبُورًا ﴿١٦٣﴾

وَرَسُولًا قَدْ قَضَيْنَاهُمْ عَلَيْكَ
مِنْ قَبْلُ وَرَسُولًا لَمْ نَقْضِهُمْ
عَلَيْكَ وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى
تَكَلِيمًا ﴿١٦٤﴾

﴿١٦٤﴾ و پیامبرانی [فرستادیم] که در حقیقت،
[سرگذشت] آنان را پیش از این برای تو حکایت
نمودیم و پیامبرانی [را نیز برانگیخته‌ایم] که
[داستان] آنان را برایت بیان نکرده‌ایم؛ و الله
با موسی آشکارا [و بی واسطه] سخن گفت.

رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا
يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ
بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا
حَكِيمًا ﴿١٦٥﴾

﴿١٦٥﴾ پیامبرانی [فرستادیم] که بشارت‌بخش
و بیم‌دهنده بودند تا برای مردم پس از [بعثت]
پیامبران، در مقابل الله [هیچ بهانه و] حجتی
نباشد؛ و الله همواره شکست‌ناپذیر حکیم
است.

لَٰكِنِ اللَّهُ يَشْهَدُ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ ۗ أَنْزَلَهُ بِعِلْمِهِ ۗ وَالْمَلَكُ يَشْهَدُونَ ۗ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا ﴿١٦٦﴾

می‌کنند] ولی الله به [درستی] آنچه بر تو نازل کرده است گواهی می‌دهد؛ آن را به علم خویش نازل کرده است و فرشتگان نیز گواهی می‌دهند؛ و [برای حقانیت قرآن،] کافی است که الله گواه باشد.

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَن سَبِيلِ اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا ﴿١٦٧﴾

بی‌تردید، کسانی که کفر ورزیدند و [مردم را] از راه الله بازداشتند، به گمراهی دور و درازی افتاده‌اند.

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَظَلَمُوا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيُغْفِرَ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ طَرِيقًا ﴿١٦٨﴾

بی‌تردید، کسانی که کفر ورزیدند و [با این کار بر خود] ستم کردند، الله هرگز بر آن نیست که آنان را بیمارزد و آنان را به راهی [درست نیز] هدایت نمی‌کند.

إِلَّا طَرِيقَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ۗ وَكَانَ ذَٰلِكَ عَلَىٰ اللَّهِ يَسِيرًا ﴿١٦٩﴾

(۱۶۹) مگر راه جهنم که جاودانه در آن می‌مانند؛ و این [کار] بر الله آسان است.

يَأْتِيهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمُ الرَّسُولُ بِالْحَقِّ مِن رَّبِّكُمْ فَآمَنُوا خَيْرًا لَّكُمْ ۖ وَإِن تَكْفُرُوا فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ وَكَانَ اللَّهُ

(۱۷۰) ای مردم، این پیامبر، از جانب پروردگارتان [هدایت و دین] حق را برایتان آورده است؛ پس ایمان بیاورید که به خیر [و صلاح] شماست؛ و اگر [سخنش را نپذیرید و] کفر بورزید، [بدانید که] آنچه در آسمان‌ها و

عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿۱۷۰﴾

زمین است از آنِ الله است [و کفر شما زیانی به او نمی‌رساند] و الله همواره دانای حکیم است.

(۱۷۱) ای اهل کتاب، در دین خود غلو نکنید و دربارهٔ الله جز [سخن] حق نگوئید. بی‌تردید، مسیح - عیسی پسر مریم - فرستادهٔ الله و کلمهٔ اوست که [امر کرد: «باش» که بی‌درنگ موجود شد و به این صورت، به امرِ الله، جبرئیل] وی را به مریم القا کرد و [عیسی] روحی از جانب اوست؛ پس به الله و پیامبرانش ایمان بیاورید و نگوئید: «[معبود] سه‌گانه است». [از این سخن] بازایستید که برای شما بهتر است. الله تنها معبود یگانه است [و] از اینکه فرزندی داشته باشد، پاک [و منزّه] است. آنچه در آسمان‌ها و زمین است از آنِ اوست و همین بس که الله کارگزار [و مراقبِ مخلوقات] باشد.

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَى مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِنْهُ فَتَأْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَلَا تَقُولُوا ثَلَاثَةً ^ع أَنْتَهُوا خَيْرًا لَكُمْ إِنَّمَا اللَّهُ إِلَهُ وَاحِدٌ ^ع سُبْحَانَهُ أَنْ يَكُونَ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ^ع وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا ﴿۱۷۱﴾

(۱۷۲) مسیح و فرشتگان مقرب هرگز ابا ندارند از اینکه بندهٔ الله باشند؛ و هر کس از عبادت او تعالی سربیزی کند و تکبر ورزد، همهٔ آنان را [برای حسابرسی] نزد خویش جمع خواهد کرد.

لَنْ يَسْتَنْكِفَ الْمَسِيحُ أَنْ يَكُونَ عَبْدًا لِلَّهِ وَلَا الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ ^ع وَمَنْ يَسْتَنْكِفْ عَنْ عِبَادَتِهِ ^ع وَيَسْتَكْبِرْ فَسَيَحْشُرْهُمْ

إِلَيْهِ جَمِيعًا ﴿۱۷۲﴾

فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَيَزِيدُهُم مِّن فَضْلِهِ ۗ وَأَمَّا الَّذِينَ اسْتَنكَفُوا وَاسْتَكْبَرُوا فَيُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَلَا يَجِدُونَ لَهُم مِّن دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ﴿١٧٣﴾

اما کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند، [الله] پاداش‌هایشان را به طور کامل می‌دهد و از فضل خویش بر آنها می‌افزاید؛ و اما کسانی را که ابا کردند و تکبر ورزیدند، به عذابی دردناک عذاب می‌کند و دوست و یابوری غیر از الله برای خود نمی‌یابند.

يَأْتِيهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُم بُرْهَانٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُّبِينًا ﴿١٧٤﴾

(۱۷۴) ای مردم، به راستی که برای شما از جانب پروردگارتان دلیلی روشن [= محمد ﷺ] آمد و نوری آشکار [= قرآن] را به سویتان نازل کردیم.

فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَأَعْتَصَمُوا بِهِ فَيَسِيْدُ خَلْفَهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِّنْهُ وَفَضْلٍ وَيَهْدِيهِمْ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمًا ﴿١٧٥﴾

(۱۷۵) اما کسانی را که به الله ایمان آوردند و به آن [= قرآن] تمسک جستند، به زودی [الله] آنان را در رحمت و فضل خویش وارد خواهد کرد و به راهی راست به سوی خویش هدایت خواهد نمود.

يَسْتَفْتُونَكَ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِي الْكَلَالَةِ ۗ إِنِ امْرُؤٌ هَلَكَ لَيْسَ لَهُ وَلَدٌ وَلَهُ وَهٌ أُخْتُ فَلَهَا نِصْفُ مَا تَرَكَ ۗ وَهُوَ يَرِثُهَا إِن لَّمْ يَكُن لَّهَا وَلَدٌ فَإِن كَانَتَا ائْتِنَتَيْنِ فَلَهُمَا الثُّلُثَانِ مِمَّا تَرَكَ ۗ وَإِن كَانُوا إِخْوَةً

(۱۷۶) [ای پیامبر، درباره نحوه تقسیم ارث بین برادر و خواهر متوفایی که پدر و مادر و فرزند ندارد] از تو می‌پرسند. بگو: «الله در [مورد] کلاله برایتان حکم صادر می‌کند: اگر مردی که [پدر و مادر و] فرزندی ندارد فوت کند و خواهری داشته باشد، نصف ترکه از آن اوست؛ [و اگر زنی فوت کند و برادری داشته

رَجَالًا وَنِسَاءً فَلِلَّذَكَرِ مِثْلُ حَظِّ
 الْأُنثَيَيْنِ ۗ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ أَنْ
 تَضِلُّوا ۗ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ
 عَلِيمٌ ﴿۱۷۶﴾

باشد] در صورتی که [متوفی] فرزند نداشته
 باشد، آن مرد [همه ترکه را] از او به ارث
 می‌برد؛ و اگر [فقط] دو خواهر [یا بیشتر از
 متوفی] باقی بماند، دو سوم ترکه برای
 آنهاست؛ و اگر [چند] برادر و خواهر [با هم]
 باشند، هر مردی [معادل] سهم دو زن را دارد.
 الله [این احکام را] برایتان روشن می‌سازد تا
 گمراه نشوید [و در تقسیم ارث، به راه خطا
 نروید]؛ و الله به هر چیزی داناست».

سُورَةُ الْمَائِدَةِ

سورة مائده

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ أُحِلَّتْ لَكُمْ بَهِيمَةُ الْأَنْعَامِ إِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ غَيْرِ مُحِلِّي الصَّيْدِ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ ﴿۱﴾

(۱) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به پیمان‌ها [یتان] وفا کنید. [خوردن گوشت] چهارپایان بر شما حلال است، مگر آنچه [حکمش] بر شما خوانده شود و [به شرط آنکه] در حال احرام [حج یا عمره] شکار را حلال نشمارید. همانا الله هر چه بخواهد حکم می‌کند.

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَحْلُوا شَعِيرَ اللَّهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْفَلَاحِيذَ وَلَا ءَامِينَ الْمَيْتِ الْحَرَامِ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّن رَّبِّهِمْ وَرِضْوَانًا وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ أَن صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَن تَعْتَدُوا وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ

(۲) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، [حرمت] شعایر الهی و ماه حرام [را نگه دارید] و [همچنین حرمت] قربانی بی‌نشان و قربانی‌های قلاده‌دار و راهیان بیت الحرام که فضل و رضایت پروردگارش را می‌طلبند؛ و چون از احرام [و سرزمین حرم] خارج شدید، [می‌توانید آزادانه] به شکار بپردازید؛ و [مبادا] کینه‌توزی و [دشمنی گروهی که شما را از مسجد الحرام بازداشتند، شما را به تعدی و تجاوز وادار کند؛ و در نیکوکاری و پرهیزگاری به یکدیگر یاری رسانید و در گناه و تجاوز دستیار هم نشوید و از الله پروا کنید [چرا که]

وَالْعَدْوَانَ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿۳﴾
 بی تردید، الله سخت کیفر است.

(۳) [اینها همه] بر شما حرام شده است: [گوشت] مُردار و خون و گوشت خوک و آنچه [هنگام ذبح] نام غیر الله بر آن برده شود و [حیوانات حلال گوشت] خفه شده و به ضرب [چوب و سنگ و... و مُرده و از بلندی افتاده] [و مُرده] و [آنها که از حیوانی دیگر] شاخ خورده [و مُرده اند] و نیم خورده [حیوانات] درنده - مگر آنچه [پیش از مردن] ذبح [شرعی] کرده باشید - و [همچنین] آنچه در برابر نشانه های معبودان باطل ذبح می شود و [همچنان بر شما حرام است که] باتیرهای بخت آزمایی تصمیم گیری و اقدام کنید؛ و [به یقین بدانید که روی آوردن به تمام] اینها نافرمانی [از الله] است. امروز کافران از دین شما [و بازگشتتان به کفر] ناامید شده اند؛ پس از آنان نترسید و از من بترسید. امروز دینتان را کامل کردم و نعمتم را بر شما تمام نمودم و اسلام را [به عنوان بهترین] دین برایتان برگزیدم. اما هر کس [برای حفظ جان خود و] بدون آنکه به گناه متمایل باشد، [به خوردن گوشت های ممنوعه] ناچار شود [گناهی بر او نیست]. به راستی که الله آمرزنده مهربان است.

حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أَلْمَيْتَةُ وَالْدَّمُ وَلَحْمُ الْخَنزِيرِ وَمَا أُهْلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْقُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالنَّطِيحَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصَبِ وَإِنَّ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَمِ ذَلِكُمْ فَسُقُتِ الْيَوْمَ يَيْسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا فَمَنْ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرَ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿۳﴾

(۴) [ای پیامبر، اصحابت] از تو می پرسند چه چیز برایشان حلال شده است. بگو: «چیزهای پاکیزه و [شکار] حیوانات شکاری که از آنچه الله به شما تعلیم داده، به آنها آموخته‌اید، برایتان حلال شده است. پس، از آنچه [این حیوانات] برای شما گرفته‌اند [و خود از آن نخورده‌اند] بخورید و [به هنگام ذبح یا فرستادن حیوانات شکاری] نام الله را بر آن ببرید و از الله پروا کنید. بی‌گمان الله، حسابرسی سریع است».

يَسْأَلُونَكَ مَاذَا أُحِلَّ لَهُمْ قُلْ
أُحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ وَمَا
عَلَّمْتُمْ مِنَ الْجَوَارِحِ مُكَلَّبِينَ
تُعَلِّمُونَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ اللَّهُ
فَكُلُوا مِمَّا أَمْسَكْنَ عَلَيْكُمْ
وَأَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ وَاتَّقُوا
اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿٤﴾

(۵) [ای مسلمانان،] امروز خوراکی‌های پاکیزه برایتان حلال شده است و [ذبیح و] غذای اهل کتاب برای شما حلال است و غذای شما [نیز] برای آنان حلال است؛ و [همچنین ازدواج با] زنان پاکدامن مسلمان و زنان پاکدامن از [اهل کتاب، یعنی] کسانی که پیش از شما به آنان کتاب [آسمانی] داده شده است [حلال است]؛ به شرط آنکه مهریه‌های آنان را بپردازید، در حالی که خود پاکدامن باشید، نه زناکار باشید و نه [زنان را] پنهانی به دوستی بگیرید؛ و هر کس به [ارکان] ایمان کفر بورزد، قطعاً عملش تباه شده است و در آخرت از زیانکاران خواهد بود.

الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ
وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَلَّلٌ
لَكُمْ وَطَعَامُكُمْ حَلَّلٌ لَهُمْ
وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ
وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا
الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا
ءَاتَيْتُمُوهُنَّ أَجْرَهُنَّ مُحْصِنِينَ
غَيْرِ مُسْلِفِينَ وَلَا مُتَّخِذِي
أَحْدَانٍ وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ
فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي
الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٥﴾

(۶) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون به [قصد] نماز برخاستید، صورت و دست‌هایتان را تا آرنج بشویید و سرتان را مسح کنید و پاهایتان را تا دو قوزک [بشویید] و اگر جُنب بودید، خود را [با غسل کردن] پاک سازید؛ و اگر بیمار یا مسافرید یا هر یک از شما از محل قضای حاجت آمده است یا با زنان آمیزش کرده‌اید و آب نمی‌یابید، با خاکی پاک تیمم کنید و از آن بر صورت و دست‌هایتان بکشید. الله نمی‌خواهد شما را به سختی بیندازد؛ بلکه می‌خواهد شما را پاک سازد و نعمت خویش را بر شما تمام کند؛ باشد که شکر به جای آورید.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَمَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَٰكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٦﴾

(۷) و به یاد آورید نعمت الله را بر خویش و [نیز] بیمانی که شما را به [انجام] آن متعهد گردانده است آنگاه که [درباره] دعوت به فرمانبرداری از پیامبر [گفتید: «شنیدیم و اطاعت کردیم»؛ و از الله پروا کنید [که] بی‌تردید، الله به آنچه درون سینه‌هاست داناست.

وَأذْكُرُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ وَمِيثَاقَهُ الَّذِي وَاثَقَكُمْ بِهِ إِذْ قُلْتُمْ سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿٧﴾

(۸) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، برای الله به

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا

عدل برخیزید [و] به عدالت گواهی دهید؛ و البته نباید دشمنی یک گروه، شما را بر آن دارد که عدالت نکنید. عدالت کنید که این [کار] به پرهیزگاری نزدیک تر است؛ و از الله پروا دارید [که] بی تردید، الله به آنچه انجام می دهید، آگاه است.

قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ ۗ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ ۖ عَلَىٰ ۤأَلَا تَعْدِلُوا ۖ أَعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ ۗ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۚ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌۢ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿۸﴾

(۹) الله به کسانی که ایمان آورده اند و کارهای شایسته انجام داده اند، وعدهٔ آمرزش و پاداش بزرگی داده است.

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ ﴿۹﴾

(۱۰) و کسانی که کفر ورزیدند و آیات ما را تکذیب کردند، آنان اهل دوزخند.

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا ۖ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ ﴿۱۰﴾

(۱۱) ای کسانی که ایمان آورده اید، نعمتِ الله را بر خود به یاد آورید، آنگاه که گروهی [از دشمنان] قصد کردند به سویتان دست درازی کنند، اما [الله] دستشان را از شما بازداشت؛ و از الله پروا کنید؛ و مؤمنان باید تنها بر الله توکل کنند.

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ هُمْ قَوْمٌ ۖ أَن يَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ فَكَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ ۗ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۚ وَعَلَىٰ اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ﴿۱۱﴾

(۱۲) و بی تردید، الله از بنی اسرائیل پیمان گرفت و از میان آنان [به تعداد قبایلشان] دوازده سالار برگماشتیم و الله فرمود: «من با شما هستم. اگر نماز برپا دارید و زکات بپردازید

وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا ۗ وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ ۗ لَئِنْ

و به پیامبران من ایمان آورید و آنان را یاری کنید و در راه الله قرضی نیکو دهید، گناهانتان را می‌زدایم و شما را به باغ‌هایی [از بهشت] وارد می‌کنم که جویبارها از زیر [درختان] آن جاری است. اما هر یک از شما که بعد از این کافر شود، مسلماً راه راست را گم کرده است.»

أَفَمَنْ أَلْفَتْكُمْ أَلْسِنَهُ يُنَادِي الْمَرْءَ مَرْءًا مِّنْ دُونِ اللَّهِ فَأَنذَرْتُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَنشَرْتُهُمْ وَاتَّخَذُوا لِكُلِّ قَوْمٍ نُّبَلَاءًا لَّا كُفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَلَا ذُكِّرْتُمْ بَلْ يَأْتِيكُمُ الْغَيْبُ أَفْجَاءًا يَكْفُرُ بِهِ الْعَامِلُونَ فِي الْأَشْهُارِ فَلَمَّا أَصَابُوا مَجْرِبَاتٍ أَشْجَوْا لَسَوَاءٌ أَلْسِنُ الْغَافِقِينَ

السَّبِيلِ ﴿١٣﴾

(۱۳) پس به [سزای] پیمان‌شکنی‌شان، آنان را از رحمت خویش دور ساختیم و دل‌هایشان را سخت گرداندیم؛ [زیرا با تغییر لفظ و تأویل معنا] سخنان [الله] را از جایگاهش تحریف می‌کنند و بخشی از آنچه را به آن پند داده شدند فراموش کردند؛ و [ای پیامبر] تو پیوسته درباره‌ی خیانتی از سوی آنان آگاه می‌شوی، مگر [شماری] اندک از اینان [که خیانتکار نیستند]؛ پس از آنان درگذر و چشم‌پوشی کن [که] بی‌تردید، الله نیکوکاران را دوست دارد.

فِيمَا نَقَضُوا عَلَيْهِمْ مِّيثَقَهُمْ لَعْنَهُمْ وَأَنزَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَلْسِيَةً يَجْرِفُونَ الْكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهَا وَتَسُوا حَظًّا مِّمَّا ذُكِّرُوا بِهِ وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَائِنَةٍ مِنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴿١٣﴾

(۱۴) و [همچنین] از کسانی که گفتند: «ما نصرانی هستیم» پیمان گرفتیم، [که پیرو قرآن و رسول الله باشند] و [الی دینشان را تحریف

وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصْرِيُّونَ وَكُنَّا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا فَغَارِبُنَا بَيْنَهُمْ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ

نمودند و [بخشی از آنچه را که به آن پند داده شدند به فراموشی سپردند و ما [نیز] تا روز قیامت میانشان دشمنی و کینه افکندیم؛ و [در آن روز] الله آنان را [از نتیجه] آنچه کرده‌اند آگاه خواهد ساخت.

الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ
الْقِيَامَةِ وَسَوْفَ يُنَبِّئُهُمُ اللَّهُ بِمَا
كَانُوا يَصْنَعُونَ ﴿١٤﴾

(۱۵) ای اهل کتاب، همانا پیامبر ما به سوی شما آمده است که بسیاری از [مطالب و آموزه‌های] کتاب [آسمانی خود] را که پنهان می‌کردید، برایتان به روشنی بیان کند و از [بیان موارد] بسیاری درگذرد. قطعاً از جانب الله برایتان نور و کتابی روشن‌تر آمده است.

يَأْتِيهِمْ الْكِتَابُ فَأَقْرُبُوا
رَسُولًا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِّمَّا
كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ
وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ قَدْ جَاءَكُمْ
مِّنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُّبِينٌ ﴿١٥﴾

(۱۶) الله به وسیله این [کتاب] کسانی را که به دنبال رضایتش باشند به راه‌های [امنیت و] سلامت هدایت می‌کند و به فرمان خویش آنان را از تاریکی‌ها به سوی روشنایی می‌برد و به راهی راست هدایتشان می‌کند.

يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ
سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِّنَ
الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ
وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿١٦﴾

(۱۷) کسانی که گفتند: «الله همان مسیح - پسر مریم - است» یقیناً کافر شدند. [ای پیامبر، به آنان] بگو: «اگر الله بخواهد که مسیح - پسر مریم - و مادرش و همه کسانی را که روی زمین هستند نابود کند، چه کسی در برابر الله اختیاری دارد [که مانع شود]؟ فرمانروایی آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آن

لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ
هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ قُلْ فَمَنْ
يَمْلِكُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ أَنْ
يُهْلِكَ الْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ
وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَلِلَّهِ مُلْكُ
السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا

يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٧﴾
 دو قرار دارد از آنِ الله است؛ هر چه بخواهد می‌آفریند؛ و الله بر همه چیز تواناست».

﴿١٨﴾ وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَىٰ نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبُّهُوَ قُلْ فَلِمَ يُعَذِّبُكُمْ بِذُنُوبِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بَشَرٌ مِّمَّنْ خَلَقَ يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا ۗ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ ﴿١٨﴾
 (١٨) یهود و نصاری گفتند: «ما پسران و دوستان الله هستیم». [ای پیامبر، در پاسخ به آنان] بگو: «پس چرا او شما را به کیفر گناهانتان عذاب می‌کند؟! [هرگز چنین نیست] بلکه شما [نیز] بشری هستید از جمله افرادی که آفریده است؛ هر کس را بخواهد می‌آمزد و هر کس را بخواهد عذاب می‌کند؛ و فرمانروایی آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آن دو قرار دارد، از آنِ الله است و بازگشت [همه] به سوی اوست».

﴿١٩﴾ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ عَلَىٰ فَتْرَةٍ مِّنَ الرُّسُلِ أَنْ تَقُولُوا مَا جَاءَنَا مِن بَشِيرٍ وَلَا نَذِيرٍ ۗ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَشِيرٌ وَنَذِيرٌ ۗ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٩﴾
 (١٩) ای اهل کتاب، پیامبر ما، پس از [انقطاع وحی، و] فترتی از پیامبران [=فاصله بین بعثت عیسی و محمد علیهما السلام]، به سوی شما آمد که [احکام و آموزه‌های الهی را] به روشنی برایتان بیان کند تا مبادا [روز قیامت] بگوئید: «نه بشارت‌دهنده‌ای به سراغمان آمد، نه بیم‌دهنده‌ای». یقیناً [اینک] پیامبر بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده به سویتان آمده است؛ و الله بر همه چیز تواناست.

﴿٢٠﴾ وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ يَتَقَوْمٌ
 (٢٠) و [ای پیامبر، یاد کن از] هنگامی که موسی به قومش گفت: «ای قوم من، نعمت

الله را بر خود به یاد آورید، آنگاه که پیامبرانی میان شما برانگیخت و [پس از بردگی فرعون، افرادی از] شما را فرمانروایان [خودتان] ساخت و چیزهایی به شما بخشید که به هیچ یک از جهانیان [معاصران] نداده بود.

أَذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ
جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَجَعَلَكُمْ
مُلُوكًا وَعَآتَكُمْ مِمَّا لَمْ يُوْتِ
أَحَدًا مِّنَ الْعَالَمِينَ ﴿۱۰﴾

(۲۱) ای قوم من، به سرزمین مقدسی که الله برایتان مقرر نموده است وارد شوید و به عقب بازنگردید [و از دینتان دست نکشید] که زیانکار خواهید شد.

يَقُومُوا أَدْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ
الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا
تَرْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا
خَاسِرِينَ ﴿۱۱﴾

(۲۲) [آنان] گفتند: «ای موسی، بی گمان آنجا قومی زورمند هستند [و] تا آنان از آنجا بیرون نروند، ما هرگز در آن وارد نمی شویم؛ اگر از آنجا بیرون بروند، ما وارد خواهیم شد.»

قَالُوا يَمْوَسَىٰ إِنَّ فِيهَا قَوْمًا
جَبَّارِينَ وَإِنَّا لَنَنْدَخُلُهَا حَتَّىٰ
يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِن يَخْرُجُوا مِنْهَا
فَإِنَّا دَاخِلُونَ ﴿۱۲﴾

(۲۳) دو تن از مردانی که [از نافرمانی و عذاب الهی] می ترسیدند و الله به آنان نعمت [اطاعت و بندگی] داده بود گفتند: «از آن دروازه بر آنان [هجوم برید و] وارد شوید که اگر از آن درآمدید، قطعاً پیروز خواهید شد؛ و اگر مؤمنید، بر الله توکل کنید.»

قَالَ رَجُلَانِ مِنَ الَّذِينَ يَخْفَوْنَ
أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمَا أَدْخُلُوا عَلَيْهِمُ
الْبَابَ فَإِذَا دَخَلْتُمُوهُ فَانْكُم
غَلِبُونَ وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِن
كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿۱۳﴾

(۲۴) [بنی اسرائیل] گفتند: «ای موسی، تا زمانی که آنان در آن [شهر] هستند ما هرگز

قَالُوا يَمْوَسَىٰ إِنَّا لَنَنْدَخُلُهَا أَبَدًا
مَّا دَامُوا فِيهَا فَادْهَبْ أَنْتَ

وَرَبُّكَ فَقْتِلَا إِنَّا هَهُنَا
وَجَنُودٌ ﴿٤٤﴾

وارد نمی‌شویم. تو و پروردگارت بروید و
بجنگید. ما همینجا نشستیم».

قَالَ رَبِّ إِنِّي لَا أَمْلِكُ إِلَّا نَفْسِي
وَأَخِي فَأَفْرُقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ الْقَوْمِ
الْفَاسِقِينَ ﴿٤٥﴾

(۲۵) [موسی] گفت: «پروردگارا، من جز
اختیار خودم و برادرم [اختیار کس دیگری] را
ندارم؛ پس میان ما و این گروه نافرمان جدایی
ببنداز».

قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ
سَنَةً يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ فَلَا تَأْسَ
عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ ﴿٤٦﴾

(۲۶) [الله] فرمود: «در این صورت، [ورود به]
آن [سرزمین مقدس] تا چهل سال بر آنان
حرام شده است؛ [و پیوسته] در زمین
سرگردان خواهند بود؛ پس بر این گروه نافرمان
افسوس مخور».

وَأْتَلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ أَبِي عَادَمَ
بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتُقُبِّلَ مِنْ
أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ
قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ
اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ ﴿٤٧﴾

(۲۷) و [ای پیامبر]، داستان دو پسر آدم [=]
هابیل و قابیل] را به حق برایشان بخوان:
هنگامی که [هر کدام] برای نزدیکی جستن [به
درگاه الله] یک قربانی تقدیم کردند؛ اما از یکی
پذیرفته شد و از دیگری پذیرفته نشد. [قابیل
به هابیل] گفت: «قطعاً تو را خواهم کشت».
[هابیل] گفت: «الله [قربانی را] فقط از
پرهیزگاران می‌پذیرد».

لِيُنْ بَسَطَتْ إِلَيَّ يَدَكَ لِتَقْتُلَنِي مَا
أَنَا بِبَاسِطٍ يَدِيَ إِلَيْكَ لِأَقْتُلَنَّكَ
إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ ﴿٤٨﴾

(۲۸) اگر تو دستت را برای کشتن من دراز
کنی، من هرگز دستم را برای کشتن به سویت
دراز نخواهم کرد؛ [زیرا] بی‌تردید، من از الله -
پروردگار جهانیان - می‌ترسم.

إِنِّي أُرِيدُ أَنْ تَبُوءَ بِإِثْمِي وَإِثْمِكَ (۲۹) [آنگاه برای آنکه او را بترساند گفت:] من می‌خواهم که تو با گناه [قتل] من و گناه [اعمال] خودت [به سوی الله] بازگردی و از اهل دوزخ باشی؛ و این است سزای ستمکاران».

فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُ فَأَصْبَحَ مِنَ الْخٰسِرِينَ (۳۰) پس نفس [سرکش] او کشتن برادرش را برایش آراست [و موجه و آسان جلوه داد]؛ پس او را کشت و از زیانکاران شد.

فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ كَيْفَ يُورِي سَوَاءَ أَخِيهِ قَالَ يُوزِلْتِىَ أَعْجُرْتُ أَنْ أَكُونَ مِثْلَ هَذَا الْغُرَابِ فَأَوْرِي سَوَاءَ أَخِي فَأَصْبَحَ مِنَ النَّادِمِينَ (۳۱) [آنگاه الله کلاغی را فرستاد که زمین را می‌کاوید تا [کلاغ مرده‌ای را دفن کند و این گونه] به وی نشان دهد که چگونه جسد برادرش را بیپوشاند. [قایل] گفت: «وای بر من! آیا ناتوان بودم از اینکه همچون این کلاغ باشم و جسد برادرم را بیپوشانم؟» [آنگاه] به شدت از کار زشت خویش [پشیمان شد].

مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَن قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ

(۳۲) به همین سبب، بر بنی‌اسرائیل مقرر داشتیم که هر کس انسانی را جز برای [قصاص] کسی یا [به کیفر] فساد [که] در زمین [مرتکب شده است] به قتل برساند، چنان است که گویی همهٔ مردم را کشته است و هر کس [با خودداری از قتل‌های خودسرانه و بیهوده]، انسانی را زنده بدارد، چنان است که همهٔ مردم را زنده کرده است؛ و بی‌گمان،

بَعْدَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ **﴿۳۲﴾** پیامبران ما با دلایل روشن نزد آنان [= بنی اسرائیل] آمدند، [ولی] باز هم بسیاری از آنان پس از آن [با ارتکاب گناه] در زمین [پا از حدود الهی فراتر گذاشتند و] زیاده‌روی کردند.

إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِّنْ خَلْفٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْأٰخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ **﴿۳۳﴾** سزای کسانی که با الله و پیامبرش می‌جنگند و [با قتل و دزدی و فحشا] در زمین به فساد می‌کوشند، جز این نیست که کشته شوند یا به دار آویخته شوند یا دست [راست] و پای [چپ] آنها در خلاف [جهت یکدیگر] قطع شود یا از سرزمین [خود] تبعید گردند. این [مجازات، مایه] رسوایی آنها در دنیاست و در آخرت [نیز] عذابی بزرگ [در پیش] دارند.

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِن قَبْلِ أَنْ تَقْدِرُوا عَلَيْهِمْ فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ **﴿۳۴﴾** مگر کسانی که [شما حاکمان] پیش از آنکه بر آنان دست یابید توبه کنند؛ پس [اگر چنین کردند، از آنان درگذرید و] بدانید که الله آمرزندهٔ مهربان است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ **﴿۳۵﴾** ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از الله پروا کنید و [با انجام کارهای نیک، برای تقرب] به سوی او وسیله بجویید و در راهش جهاد کنید؛ باشد که رستگار شوید.

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ أَنَّ لَهُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ

همانندش [نیز] با آن [در اختیار شان باشد و بخواهند] به وسیله آن خود را از عذاب روز قیامت بازخرند، از آنان پذیرفته نمی‌شود و عذابی دردناک [در پیش] دارند.

لَيَقْتَدُوا بِهِ مِنْ عَذَابِ يَوْمِ
الْقِيَامَةِ مَا تُقْبَلُ مِنْهُمْ^{٣٦} وَلَهُمْ
عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٣٦﴾

(۳۷) [این کافران] می‌خواهند از آتش [دوزخ] بیرون روند؛ ولی [از آن] عذاب] خارج‌شدنی نیستند و برایشان عذابی پایدار [مهیا] است.

يُرِيدُونَ أَنْ يُخْرِجُوا مِنَ النَّارِ
وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنْهَا^{٣٧} وَلَهُمْ
عَذَابٌ مُّقِيمٌ ﴿٣٧﴾

(۳۸) دست مرد و زن دزد را به سزای عملی که مرتکب شده‌اند، به عنوان مجازاتی از جانب الله قطع کنید و [بدانید که] الله شکست‌ناپذیر حکیم است.

وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا
أَيْدِيَهُمَا جِزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا
مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٣٨﴾

(۳۹) اما هر کس بعد از [گناه و] ستم‌کردنش توبه کند و [اعمال خود را جبران و] اصلاح نماید، بی‌تردید الله توبه‌اش را می‌پذیرد. به راستی که الله آمرزندهٔ مهربان است.

فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ
وَأَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ إِنْ
اللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٣٩﴾

(۴۰) آیا نمی‌دانی که فرمانروایی آسمان‌ها و زمین از آن الله است [و] هر کس را بخواهد عذاب می‌کند و هر کس را بخواهد می‌بخشد؟ و الله بر هر چیزی تواناست.

أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يُعَذِّبُ مَنْ
يَشَاءُ وَيَعْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى
كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٤٠﴾

(۴۱) ای پیامبر، کسانی که در [راه] کفر شتاب می‌کنند؛ تو را غمگین نسازند - [خواه] از

يَتَّيَبُهَا الرَّسُولُ لَا يَحْزَنكَ
الَّذِينَ يُسْرِعُونَ فِي الْكُفْرِ مِنَ

الَّذِينَ قَالُوا آمَنَّا بِأَفْوَاهِهِمْ وَلَمْ تُؤْمِنِ قُلُوبُهُمْ وَمِنَ الَّذِينَ هَادُوا سَمَّعُونَ لِلْكَذِبِ سَمَّعُونَ لِقَوْمٍ آخَرِينَ لَمْ يَأْتُوكَ يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ يَقُولُونَ إِنْ أُوتِيتُمْ هَذَا فَخُذُوهُ وَإِن لَمْ تُؤْتَوْهُ فَاحْذَرُوا وَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ فِتْنَتَهُ فَلَنْ تَمْلِكَ لَهُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا أُولَئِكَ الَّذِينَ لَمْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يُطَهِّرْ قُلُوبَهُمْ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَعَلَيْهِمْ فِي الآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿٤٢﴾

کسانی که به زبانشان می‌گویند: «ایمان آوردیم» و قلبشان ایمان نیاورده است و [خواه] از یهودیانی باشند که به سخنان دروغ گوش می‌سپارند و از گروهی که خودشان [از روی کبر و حسد] نزد تو نیامده‌اند، می‌شنوند [و از آنها فرمان می‌برند]. آنان سخنان [الله] را [بر اساس میل و منفعتِ خود] از جایگاهشان تحریف می‌کنند و [به یکدیگر] می‌گویند: «اگر این [حکم از سوی محمد] به شما داده شد، [از او] بپذیرید و اگر آن [چیزی که دل‌خواهتان است] به شما داده نشد، [از او] دوری کنید». و [ای پیامبر] هر کس که الله گمراهی‌اش را خواسته باشد، تو هرگز در برابر الله برایش اختیاری نداری [و نمی‌توانی از او دفاع کنی]. آنان [= یهود و منافقان] کسانی هستند که الله خواسته است دل‌هایشان را [از پلیدی کفر] پاک کند. آنان در دنیا رسوایی [و خواری در انتظار] دارند و در آخرت برایشان عذاب بزرگی [در پیش] است.

سَمَّعُونَ لِلْكَذِبِ أَكَلُونَ لِلسُّحْتِ فَإِن جَاءُوكَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ وَإِن تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَنْ يَصُرُّوكَ شَيْئًا

(۴۲) آنان [= یهود] بسیار به دروغ گوش می‌سپارند [و] مال حرام فراوان می‌خورند؛ پس [ای پیامبر] اگر [برای داوری] نزدت آمدند، میانشان داوری کن یا از آنان روی بگردان؛ و [یقین بدان که] اگر از آنان روی بگردانی، هیچ

وَإِنْ حَكَمْتَ فَأَحْكُم بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ ﴿٤٢﴾

زیانی به تو نمی‌رسانند؛ ولی] اگر داوری کردی، با عدالت میانشان داوری کن. بی‌تردید، الله دادگران را دوست دارد.

وَكَيفَ يُحْكُمُونَكَ وَعِنْدَهُمُ التَّوْرَةُ فِيهَا حُكْمُ اللَّهِ ثُمَّ يَتَوَلَّوْنَ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَمَا أُولَئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ ﴿٤٣﴾

(۴۳) و آنان چگونه تو را به داوری می‌طلبند در حالی که تورات نزدشان است [و] حکم الله در آن وجود دارد؟ سپس بعد از آن [داوری، اگر سخنی خلاف میلشان بگویی، از دستور تورات و حکم تو] روی می‌گردانند؛ و اینان مؤمن نیستند.

إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ بِمَا اسْتَحْفِظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَكَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءً فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ وَآخِشُوا وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ ﴿٤٤﴾

(۴۴) به راستی ما تورات را نازل کردیم که در آن هدایت و نور است. پیامبرانی که [در برابر فرمان الله] تسلیم بودند، بر اساس [آموزه‌های] آن برای یهود داوری می‌کردند و [نیز] مصلحان و دانشمندان [یهود] که پاسداری از کتاب الله [و جلوگیری از تحریف تورات] به آنان سپرده شده بود و بر [حقانیت] آن گواه بودند [و بنا به دستورهایش حکم می‌کردند]؛ پس [ای یهود، در اجرای احکام الهی] از مردم نترسید و از من بترسید و آیاتم را به بهایی ناپسند نخرید؛ و هر کس بر [اساس قوانین و] احکامی که الله نازل کرده است داوری [و حکم] نکند، کافر است.

(۴۵) و در آن [= تورات] بر آنان [= بنی اسرائیل] مقرر داشتیم که: «جان در برابر جان و چشم در برابر چشم و بینی در برابر بینی و گوش در برابر گوش و دندان در برابر دندان است؛ و [حتی] زخم‌ها قصاص دارند». اما هر کس از آن [قصاص] گذشت نماید، آن [بخشش]، کفاره [گناهان] اوست؛ و هر کس بر [اساس قوانین و] احکامی که الله نازل کرده است داورى [و حکم] نکند، ستمکار است.

(۴۶) و به دنبال آنان [= پیامبران بنی اسرائیل] عیسی پسر مریم را فرستادیم که تصدیق‌کننده تورات بود که پیش از او فرستاده بودیم؛ و انجیل را که در آن هدایت و نور بود به او دادیم که تصدیق‌کننده تورات پیش از وی بود و هدایت و اندرزی برای پرهیزگاران بود.

(۴۷) و پیروان انجیل باید به آنچه الله در آن [کتاب] نازل کرده است حکم کنند؛ و هر کس بر [اساس قوانین و] احکامی که الله نازل کرده است داورى [و حکم] نکند، فاسق است.

(۴۸) و [ای پیامبر، ما این] کتاب را به حق بر تو نازل کردیم [که] تصدیق‌کننده کتاب‌های

وَكَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ
بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ
بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ
بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصٌ فَمَن
تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَّهُ وَمَن
لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ
فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٤٥﴾

وَقَفَّيْنَا عَلَىٰ عَائِلِهِم بِعِيسَى ابْنِ
مَرْيَمَ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ
التَّوْرَةِ ۖ وَعَاتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ فِيهِ
هُدًى وَنُورٌ وَمُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ
يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَهُدًى
وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ ﴿٤٦﴾

وَلِيَحْكُمَ أَهْلَ الْإِنجِيلِ بِمَا
أَنزَلَ اللَّهُ فِيهِ وَمَن لَّمْ يَحْكَمْ
بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ
الْفٰسِقُونَ ﴿٤٧﴾

وَأَنزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ
مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ

اَلْكِتَابِ وَمُهِيمًا عَلَيْهِ ۖ فَاحْكُم بَيْنَهُم بِمَا اَنْزَلَ اللّٰهُ ۗ وَلَا تَتَّبِعْ اَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا ۗ وَلَوْ شَاءَ اللّٰهُ لَجَعَلَكُمْ اُمَّةً وَّاحِدَةً ۗ وَلٰكِنْ لِّيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتٰكُمْ ۗ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ ۗ اِلَى اللّٰهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ﴿۵۸﴾

پیشین و نگهبان و گواه بر آنهاست. پس بین آنان بر اساس آنچه الله نازل کرده است حکم کن و به جای حقیقتی که [از جانب قرآن] به تو رسیده است، از هوس‌های آنان پیروی نکن. [ای مردم]، ما برای هر یک از شما [امت‌ها] آیین و راهی روشن قرار دادیم؛ و اگر الله می‌خواست، همه شما را امتی واحد قرار می‌داد؛ ولی [الله می‌خواهد] شما را در [مورد] آنچه به شما بخشیده است بیازماید؛ پس در نیکی‌ها بر یکدیگر پیشی گیرید. بازگشت همگی شما به سوی الله است؛ آنگاه او تعالی شما را از آنچه در آن اختلاف می‌کردید، آگاه می‌سازد.

وَأَن اَحْكُم بَيْنَهُم بِمَا اَنْزَلَ اللّٰهُ ۗ وَلَا تَتَّبِعْ اَهْوَاءَهُمْ وَّاحْدَرَهُمْ اَن يَفْتِنُوْكَ عَنۢ بَعْضِ مَا اَنْزَلَ اللّٰهُ اِلَيْكَ ۗ فَاِنۢ تَوَلَّوْا فَاَعْلَمۡ اَنَّمَا يُرِيْدُ اللّٰهُ اَنۢ يُصِيبَهُمْ بِبَعْضِ ذُنُوْبِهِمْ ۗ وَاِنَّ كَثِيْرًا مِّنَ النَّاسِ لَفٰسِقُوْنَ ﴿۵۹﴾

(۴۹) و [ای پیامبر]، میان آنان [= یهود] بر اساس آنچه الله [در قرآن] نازل کرده است حکم کن و از هوس‌هایشان پیروی مکن و بر حذر باش از اینکه تو را از برخی از آنچه الله بر تو نازل کرده است منحرف کنند؛ پس اگر [از پذیرش داوری تو] روی گردانند، بدان که الله می‌خواهد آنان را به [خاطر] برخی از گناهانشان مجازات کند؛ و به راستی که بسیاری از مردم نافرمانند.

(۵۰) آیا آنان حکم [و داوری بر اساس موازین] جاهلیت را می‌خواهند؟ و برای اهل یقین،

أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ ﴿۵۰﴾

حکم [و داوری] چه کسی بهتر از الله است؟

﴿۵۱﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، یهود و نصاری را به دوستی نگیرید. آنان دوستان یکدیگرند؛ و هر یک از شما که با آنان دوستی [و همکاری] کند، حتماً از آنهاست. بی‌تردید، الله گروه ستمکاران را [به خاطر دوستی با کافران] هدایت نمی‌کند.

﴿۵۱﴾

﴿۵۲﴾ پس [ای پیامبر]، کسانی را که در دل‌هایشان بیماری [نفاق] است می‌بینی که در [دوستی با] آنان می‌شتابند [و] می‌گویند: «می‌ترسیم که [اگر پیروز شوند، از جانب آنان] آسیبی به ما برسد». امید است که الله [برای مسلمانان] از جانب خود فتح [و پیروزی] یا امر [دیگری] را پیش آورد، آنگاه [این منافقان] از آنچه در دل خود پنهان می‌داشتند پشیمان شوند.

﴿۵۲﴾

﴿۵۳﴾ و کسانی که ایمان آورده‌اند می‌گویند: «آیا اینها [= منافقان] همان کسانی هستند که با بیشترین تأکید به الله سوگند می‌خوردند که با شما هستند؟» اعمالشان تباہ گشت و زیانکار شدند.

﴿۵۳﴾

يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْ يَرْتَدَّ
 مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي
 اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ ؕ أَذَلَّةٍ
 عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى
 الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ
 اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ؕ ذَلِكَ
 فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ
 وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٥٤﴾

(۵۴) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هر یک از شما که از دین خود برگردد [به الله زیانی نمی‌رساند]، الله به زودی گروهی را می‌آورد که آنان را دوست دارد و آنها [نیز] او تعالی را دوست دارند، [آنان] نسبت به مؤمنان فروتن [و مهربان] و در برابر کافران سرسخت هستند، در راه الله جهاد می‌کنند و از سرزنش هیچ ملامتگری نمی‌هراسند. این فضل الله است که به هر کس بخواهد می‌بخشد؛ و الله گشایشگر داناست.

إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ
 وَالَّذِينَ ءَامَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ
 الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ
 رَاكِعُونَ ﴿٥٥﴾

(۵۵) [ای مؤمنان]، بی‌تردید، [یاور و] دوست شما فقط الله و پیامبرش و [همچنین] افرادی هستند که ایمان آورده‌اند؛ [همان] کسانی که نماز برپا می‌دارند و با فروتنی [و رضایت کامل] زکات می‌پردازند.

وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ
 ءَامَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ
 الْغَالِبُونَ ﴿٥٦﴾

(۵۶) و هر کس الله و پیامبرش و مؤمنان را به دوستی بگیرد، [از گروه الله است و] یقیناً گروه الله پیروزند.

يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا
 الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُؤًا
 وَلَعِبًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ
 مِنْ قَبْلِكُمْ وَالْكَفَّارَ ؕ أَوْلِيَاءُ

(۵۷) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، کسانی را که دینتان را به تمسخر و بازی گرفته‌اند دوستان [خود] مگیرید؛ [خواه] از کسانی [باشند] که پیش از شما به آنان کتاب داده

وَأَتَقُوا اللَّهَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٥٧﴾ شده است و [خواه از] کافران؛ و اگر ایمان دارید، از الله پروا کنید.

وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُوعًا وَلِعِبَاءً ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ ﴿٥٨﴾ و [این افراد کسانی هستند که] وقتی [توسط اذان، مردم را] به نماز می خوانید، آن را به مسخره و بازی می گیرند؛ زیرا آنان گروهی هستند که نمی اندیشند.

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ هَلْ تَنْقُمُونَ مِنِّي إِلَّا أَنْ ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ مِن قَبْلُ وَأَنْ أَكْثَرُكُمْ فَاسِقُونَ ﴿٥٩﴾ [ای پیامبر،] بگو: «ای اهل کتاب، آیا [علت اینکه] بر ما خرده می گیرید جز این است که ما به الله و آنچه بر ما نازل شده و [به] آنچه پیش از ما نازل گردیده است ایمان آورده ایم و [همچنین بر این باوریم] که اغلب شما نافرمانید؟»

قُلْ هَلْ أُنبِئُكُمْ بِشَرِّ مِّنْ ذَلِكَ مَثُوبَةً عِنْدَ اللَّهِ مَنْ لَعَنَهُ اللَّهُ وَغَضِبَ عَلَيْهِ وَجَعَلَ مِنْهُمْ الْفِرْدَةَ وَالْحَنَازِيرَ وَعَبَدَ الطَّاغُوتَ أُولَئِكَ شَرٌّ مَّكَانًا وَأَضَلُّ عَن سَوَاءِ السَّبِيلِ ﴿٦٠﴾ [آیا] می خواهید [شما را از [حال] کسانی آگاه کنم که کیفری از این بدتر نزد الله دارند؟ [آنان] کسانی [هستند] که الله لعنتشان کرد و بر آنان خشم گرفت و برخی از آنان را [مسخ نمود و به شکل] بوزینه و خوک درآورد و [نیز] کسانی که [به جای الله،] طاغوت [=معبودان باطل] را عبادت [و بندگی] کردند. اینان [از همه] بدمقام تر و از راه راست گمگشته ترند».

وَإِذَا جَاءَكُمْ قَالُوا ءَامَنَّا وَقَدْ نَزَدْتَانِ مِي آيِنْد، مِي گويند: «ایمان آورده ایم»؛

دَخَلُوا بِالْكَفْرِ وَهُمْ قَدْ خَرَجُوا بِهِ^{٦٥} وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا كَانُوا يَكْتُمُونَ ﴿٦٦﴾

حال آنکه با کفر وارد شدند و قطعاً با همان [کفر] بیرون رفته‌اند؛ و الله به آنچه پنهان می‌کردند داناتر است.

وَتَرَى كَثِيرًا مِّنْهُمْ يُسْرِعُونَ فِي الْأِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَأَكْلِهِمُ السُّحْتِ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٦٦﴾

(۶۲) و بسیاری از آنان را می‌بینی که در گناه و تجاوز [به حقوق دیگران] و حرام‌خواری شتاب می‌کنند. چه بد است آنچه می‌کنند.

لَوْلَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْأِثْمَ وَأَكْلِهِمُ السُّحْتِ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ ﴿٦٧﴾

(۶۳) چرا دانشمندان و فقهای [یهود] آنان را از گفتارِ گناه [الود] و حرام‌خواری‌شان باز نمی‌دارند؟ راستی چه بد است آنچه انجام می‌دهند!

وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا وَالْقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعُدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَاللَّهُ

(۶۴) و یهود [هنگام سختی و تنگدستی] گفتند: «دست الله [از خیر و بخشش] بسته است». دست‌هایشان بسته باد و به سزای آنچه گفتند لعنت بر آنان باد! [هرگز چنین نیست؛] بلکه هر دو دست او گشاده است [و] هر گونه که بخواهد، می‌بخشد. [ای پیامبر،] این آیات که از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، بر سرکشی و کفر بسیاری از آنان می‌افزاید. ما در میان آنان تا روز قیامت دشمنی و کینه افکندیم. هر زمان آتش جنگ برافروختند، الله

آن را خاموش کرد. آنان [پیوسته] در زمین به تبهکاری [و فساد] می کوشند؛ و الله تبهکاران را دوست ندارد.

لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ ﴿٦٤﴾

(۶۵) و اگر اهل کتاب ایمان می آوردند و پرهیزگاری می کردند، یقیناً گناهانشان را می زدودیم و آنان را به باغهای پر نعمت [بهشت] وارد می کردیم.

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْكِتَابِ ءَامَنُوا
وَأَتَقُوا لَكَفَّرْنَا عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ
وَلَأَدْخَلْنَاهُمْ جَنَّاتِ النَّعِيمِ ﴿٦٥﴾

(۶۶) و اگر آنان به تورات و انجیل و آنچه از سوی پروردگارشان بر آنها نازل شده است [= قرآن] عمل می کردند، قطعاً از [برکات آسمان] بالای سرشان و از [نعمت‌های زمین] زیر پایشان برخوردار می شدند. برخی از آنان میانه‌رو [و بر حق، پایدار] هستند و [الی] بسیاری از آنان [به سبب بی‌ایمانی] کارهای بدی مرتکب می شوند.

وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ
وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ
رَبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِن
تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ مِّنْهُمْ أُمَّةٌ
مُّقْتَصِدَةٌ وَكَثِيرٌ مِّنْهُمْ سَاءَ مَا
يَعْمَلُونَ ﴿٦٦﴾

(۶۷) ای پیامبر، آنچه را از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است ابلاغ کن؛ و اگر [چنین] نکنی، رسالت او را [به انجام] نرسانده‌ای؛ و الله تو را از [گزند] مردم حفظ می کند. بی تردید، الله گروه کافران را هدایت نمی کند.

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ
إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ ۖ وَإِنْ لَّمْ تَفْعَلْ
فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ ۗ وَاللَّهُ
يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا
يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ ﴿٦٧﴾

(۶۸) بگو: «ای اهل کتاب، شما بر هیچ [آیین درستی] نیستید؛ مگر اینکه تورات و انجیل و

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَىٰ
شَيْءٍ حَتَّىٰ تُقِيمُوا التَّوْرَةَ

آنچه را که از طرف پروردگارتان بر شما نازل شده است برپا دارید». و [ای پیامبر،] بی تردید آنچه از سوی پروردگارت بر تو نازل شده است، بر سرکشی و کفر بسیاری از آنان می افزاید؛ پس بر [این] گروه کافران، افسوس مخور.

وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِّن رَّبِّكُمْ^ط وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِّنْهُم مَّا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُعَيْنَا وَكُفْرًا فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿٦٨﴾

(۶۹) در حقیقت، کسانی که [به رسالت محمد ﷺ] ایمان آورده اند و نیز کسانی [از امت های پیشین، قبل از بعثت محمد ﷺ از] یهود و صابئان [= پیروان برخی پیامبران]، و نصاری؛ هر کس [از آنان] به الله و روز قیامت ایمان آورند و کارهای شایسته انجام دهند، پاداش آنان نزد پروردگارشان است؛ نه ترسی خواهند داشت و نه اندوهگین می شوند.

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّالِحِينَ وَالنَّصْرَىٰ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٦٩﴾

(۷۰) یقیناً ما از بنی اسرائیل [در مورد اطاعت از فرمان حق] پیمان گرفتیم و پیامبرانی به سویشان فرستادیم؛ هر گاه پیامبری چیزی آورد که هوای نفسشان نمی پسندید، گروهی را دروغگو خواندند و گروهی را کشتند.

لَقَدْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَارْسَلْنَا إِلَيْهِمْ رَسُولًا قُلَّمَا جَاءَهُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَىٰ أَنفُسُهُمْ فَرِيقًا كَذَّبُوا وَفَرِيقًا يَقْتُلُونَ ﴿٧٠﴾

(۷۱) [آری، یهود پیمان شکستند] و پنداشتند که [عذاب و] مجازاتی در کار نیست؛ پس کور گشتند [و حق را ندیدند] و کر شدند [و حق را

وَحَسِبُوا أَلَّا نَكُونَ فِتْنَةً فَعَمَّوْا وَصَمَّوْا ثُمَّ تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ ثُمَّ عَمَّوْا وَصَمَّوْا كَثِيرٌ مِّنْهُمْ وَاللَّهُ

نشنیدند]؛ آنگاه [توبه کردند و] الله توبه‌شان را پذیرفت. سپس بسیاری از آنان [باز هم در برابر هدایت] کور و کر شدند؛ و الله به آنچه انجام می‌دهند بیناست.

بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ ﴿۷۱﴾

(۷۲) کسانی که گفتند: «الله همان مسیح پسر مریم است» یقیناً کافر شدند؛ در حالی که [خود] مسیح گفت: «ای بنی اسرائیل، الله را عبادت کنید که پروردگار من و پروردگار شماست. بی‌تردید، هر کس به الله شرک ورزد، الله بهشت را بر او حرام کرده است و جایگاهش دوزخ است؛ و ستمکاران هیچ یآوری ندارند».

لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ وَقَالَ الْمَسِيحُ يَبْنِي إِسْرَائِيلَ أَعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ إِنَّهُ مَن يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ ﴿۷۲﴾

(۷۳) کسانی که [به تثلیث قائل شدند و معبود حقیقی را مجموعه پدر، پسر و روح القدس دانستند و] گفتند: «الله، یکی از [این] سه تاست [پدر، پسر، روح القدس]» قطعاً کافر شدند. معبودی [به‌حق] جز معبود یگانه نیست؛ و اگر از آنچه می‌گویند باز نایستند، قطعاً به افرادی از آنان که کفر ورزیدند عذاب دردناکی خواهد رسید.

لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَالِثُ ثَلَاثَةٍ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا إِلَهٌُ وَاحِدٌ وَإِن لَّمْ يَنْتَهُوا عَمَّا يَقُولُونَ لَيَمَسَّنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿۷۳﴾

(۷۴) آیا به سوی الله باز نمی‌گردند و از او طلب آمرزش نمی‌کنند؟ حال آنکه الله آمرزندهٔ مهربان است.

أَفَلَا يَتُوبُونَ إِلَى اللَّهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لَهُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿۷۴﴾

(۷۵) مَا الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ وَأُمُّهُ صِدِّيقَةٌ كَانَا يَأْكُلَانِ الطَّعَامَ ۗ أَنْظُرْ كَيْفَ نُبَيِّنُ لَهُمْ الْآيَاتِ ثُمَّ أَنْظُرْ أَتَى يُؤْفَكُونَ ﴿٧٥﴾

(۷۵) مسیح پسر مریم، جز پیامبری نیست که پیش از او [نیز] پیامبران دیگری بودند و مادرش زن بسیار راستگو [و درستکار] بود؛ هر دو [مانند انسان‌های دیگر] غذا می‌خوردند. [ای پیامبر] بنگر که چگونه آیات [خود] را برایشان روشن می‌سازیم و باز بنگر که چگونه [از حقیقت] رویگردان می‌شوند.

(۷۶) قُلْ أَتَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا ۗ وَاللَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٧٦﴾

(۷۶) [ای پیامبر] بگو: «آیا چیزی را به جای الله عبادت می‌کنید که سود و زیانی برایتان ندارد؟ و [حال آنکه] الله شنوای داناست».

(۷۷) قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا مِنْ قَبْلُ وَأَضَلُّوا كَثِيرًا وَضَلُّوا عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ ﴿٧٧﴾

(۷۷) بگو: «ای اهل کتاب، در دین خود به ناحق غلو [و زیاده‌روی] نکنید و از هوس‌های گروهی پیروی نکنید که پیشتر گمراه شدند و بسیاری [از پیروانشان] را گمراه کردند و [خودشان] از راه راست منحرف گشتند».

(۷۸) لَعْنُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ۗ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ ﴿٧٨﴾

(۷۸) [افراد] از بنی‌اسرائیل که کفر ورزیدند، از زبان داوود [در زبور] و [از قول] عیسی پسر مریم [در انجیل] مورد لعن قرار گرفتند. این [نفرین]، به خاطر آن بود که نافرمانی کردند و [از حدود الهی] تجاوز می‌نمودند.

(۷۹) أَنَا يَكْدِيكُمْ رَا از [گناهان و] کار[های]

فَعَلُوهُ لَيْتَسَ مَا كَانُوا
يَفْعَلُونَ ﴿٧٩﴾
زشتی که انجام می دادند نهی نمی کردند. به
راستی، چه بد بود آنچه انجام می دادند!

تَرَى كَثِيرًا مِّنْهُمْ يَتَوَلَّوْنَ الَّذِينَ
كَفَرُوا لَيْتَسَ مَا قَدَّمْتَ لَهُمْ
أَنْفُسُهُمْ أَنْ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ
وَفِي الْعَذَابِ هُمْ خَالِدُونَ ﴿٨٠﴾
(۸۰) [ای پیامبر،] بسیاری از آنان را می بینی
که با کافران دوستی [و همکاری] می کنند. به
راستی چه زشت است آنچه برای خود پیش
فرستادند که [در نتیجه آن نیز] الله بر آنان
خشم گرفت و جاودانه در عذاب می ماند.

وَلَوْ كَانُوا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ
وَالنَّبِيِّ
وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مَا اتَّخَذُوهُمْ
أَوْلِيَاءَ
وَلَكِنَّ كَثِيرًا
مِّنْهُمْ
فَاسِقُونَ ﴿٨١﴾
(۸۱) و اگر [یهود] به الله و پیامبر و آنچه بر او
نازل شده ایمان می آوردند، آنان [=]
کافران] را به دوستی نمی گرفتند؛ ولی
بسیاری از آنان نافرمانند.

لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً
لِّلَّذِينَ
آمَنُوا
الْيَهُودَ
وَالَّذِينَ
أَشْرَكُوا
وَلَتَجِدَنَّ
أَقْرَبَهُمْ
مُّوَدَّةً
لِّلَّذِينَ
آمَنُوا
الَّذِينَ
قَالُوا
إِنَّا
نَصْرِيُّ
ذَلِكَ
بِأَنَّ
مِنْهُمْ
قَسِيسِينَ
وَرَهَبَانًا
وَأَنَّهُمْ
لَا
يَسْتَكْبِرُونَ ﴿٨٢﴾
(۸۲) [ای پیامبر،] یقیناً یهود و کسانی را که
شرک ورزیده اند، دشمن ترین مردم نسبت به
مؤمنان خواهی یافت؛ و نزدیک ترین دوستان به
مؤمنان را کسانی خواهی یافت که می گویند:
«ما نصرانی هستیم». این به سبب آن است که
در میان آنان کشیشان و راهبانی [حق پرست]
هستند و [نیز] از آن روست که تکبر
نمی ورزند.

وَإِذَا سَمِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَى الرَّسُولِ
تَرَى أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ
(۸۳) و چون آیتی را که بر پیامبر نازل شده
است می شنوند، می بینی بر اثر آنچه از حق

شناخته‌اند، چشمانشان اشک می‌بارد و می‌گویند: «پروردگارا، ایمان آوردیم؛ پس ما را در زمره [مسلمانان و] گواهان بنویس.

الشَّاهِدِينَ ﴿۸۳﴾

(۸۴) چرا به الله و آنچه از حق به ما رسیده است ایمان نیاوریم؛ حال آنکه امید داریم پروردگاران ما را با گروه شایستگان [به بهشت] درآورد؟»

وَمَا لَنَا لَا نُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا جَاءَنَا مِنَ الْحَقِّ وَنَطْمَعُ أَنْ يُدْخِلَنَا رَبُّنَا مَعَ الْقَوْمِ الصَّالِحِينَ ﴿۸۴﴾

(۸۵) پس الله به پاس آنچه گفتند، به آنان باغ‌هایی [از بهشت] پاداش داد که از زیر [درختان] آن جویبارها جاری است و جاودانه در آن خواهند ماند؛ و این است جزای نیکوکاران.

فَأَثَبَهُمُ اللَّهُ بِمَا قَالُوا جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ ﴿۸۵﴾

(۸۶) و کسانی که کفر ورزیدند و آیات ما را تکذیب کردند، آنان اهل دوزخند.

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ ﴿۸۶﴾

(۸۷) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چیزهای پاکیزه‌ای را که الله برای [استفاده] شما حلال کرده است، [به بهانه] زهد و دینداری بر خود [حرام نکنید و [از حد] تجاوز ننمایید. به راستی که الله متجاوزان [از حدود الهی] را دوست ندارد.

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَحْرِمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ ﴿۸۷﴾

(۸۸) و از چیزهای حلال [و] پاکیزه‌ای که الله به شما روزی داده است بخورید، و از الله که به

وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ

مُؤْمِنُونَ ﴿۸۸﴾

او ایمان دارید پروا کنید.

لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا عَقَدْتُمُ الْأَيْمَانَ فَكَفَرْتُمْ بِهِ وَإِطْعَامُ عَشْرَةِ مَسْكِينٍ مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعَمُونَ أَهْلِيكُمْ أَوْ كِسْوَتُهُمْ أَوْ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ذَلِكَ كَفَرَةٌ أَيْمَانِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ وَأَحْفَظُوا أَيْمَانَكُمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿۸۹﴾

(۸۹) الله شما را به خاطر سوگندهای بیهوده [و بی‌اختیارتان] بازخواست نمی‌کند؛ ولی در سوگندهایی که [آگاهانه] می‌خورید [و می‌شکنید] مؤاخذه می‌کند. پس کفاره آن، خوراک دادن به ده مستمند از غذاهای [معمولی و] متوسط مردم شهرتان است یا لباس دادن به ده نفر [از مستمندان] یا آزاد کردن یک برده. اگر کسی [توانایی مالی ندارد یا هیچ یک از اینها را] نمی‌یابد، [باید] سه روز روزه [بگیرد]. این، کفاره سوگندهای شماس [برای] هر زمان که سوگند یاد کردید [و آن را شکستید]؛ و سوگندهایتان را حفظ کنید [و نشکنید]. الله اینچنین آیات خود را برای شما بیان می‌کند؛ باشد که شکر به جای آورید.

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَأَجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿۹۰﴾

(۹۰) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بی‌تردید، شراب و قمار و نشانه‌های معبودان باطل و تیرهای قرعه‌کشی [برای فالگیری]، پلید [و] از کار [های] شیطان هستند؛ پس از آنها دوری کنید؛ باشد که رستگار شوید.

إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقَعَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي

(۹۱) در حقیقت، شیطان می‌خواهد با شراب و قمار، در میان شما دشمنی و کینه ایجاد کند و شما را از یاد الله و از نماز بازدارد؛ پس [ای

مؤمنان، حال که حقیقت را دانستید، آیا از آنها دست برمی دارید؟

الْحَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ ﴿۹۱﴾

(۹۲) و از الله اطاعت کنید و فرمانبر پیامبر باشید و [از گناه و نافرمانی] پرهیز کنید. اما اگر روی گردانید، بدانید که وظیفه پیامبر ما [چیزی] جز ابلاغ آشکار نیست.

وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأَحْذَرُوا فَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّمَا عَلَى رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ﴿۹۲﴾

(۹۳) بر کسانی که ایمان آورده اند و کارهای شایسته انجام داده اند، [ایراد و] گناهی در آنچه [پیش از حکم تحریم شراب] خورده اند نیست؛ [البته] در صورتی که [از محرّمات] پروا کنند و ایمان بیاورند و کارهای شایسته انجام دهند؛ سپس پرهیزگاری کنند و ایمان بیاورند؛ آنگاه [بیش از پیش] پرهیزگاری کنند و نیکی نمایند؛ و الله نیکوکاران را دوست دارد.

لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جُنَاحٌ فِيمَا طَعِمُوا إِذَا مَا اتَّقَوْا وَءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ثُمَّ اتَّقَوْا وَءَامَنُوا ثُمَّ اتَّقَوْا وَأَحْسَنُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴿۹۳﴾

(۹۴) ای کسانی که ایمان آورده اید، الله شما را [در حالی که مُحْرِم هستی]د به چیزی از شکار [صحرايي] که در دسترس شما و نیزه هایتان باشد می آزماید تا معلوم دارد چه کسی در نهان از او می ترسد. پس هر کس بعد از این [آزمون] از حد درگذرد [و در حال حج یا عمره شکار کند]، عذابی دردناک [در پیش] دارد.

يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لِيَلْبُوتَكُمْ اللَّهُ بِشَيْءٍ مِّنَ الصَّيْدِ تَنَالَهُ وَأَيْدِيكُمْ وَرِمَاحُكُمْ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَخَافُهُ بِالْغَيْبِ فَمَن أَعْتَدَى بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿۹۴﴾

يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَقْتُلُوا
 الصَّيْدَ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ وَمَنْ قَتَلَهُ
 مِنْكُمْ مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءٌ مِّثْلُ مَا
 قَتَلَ مِنَ النَّعْمِ يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا
 عَدْلٍ مِّنْكُمْ هَدِيًّا بَلِيعَ الْكُفَّةِ
 أَوْ كَفَّرَهُ طَعَامٌ مَسْكِينٍ أَوْ
 عَدْلٌ ذَلِكَ صِيَامًا لِّيَذُوقَ وَبَالَ
 أَمْرِهُ عَفَا اللَّهُ عَمَّا سَلَفَ وَمَنْ
 عَادَ فَيَنْتَقِمُ اللَّهُ مِنْهُ وَاللَّهُ عَزِيزٌ
 ذُو انْتِقَامٍ ﴿٩٥﴾

(۹۵) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، در حال احرام، شکار را نکشید؛ و هر یک از شما که به عمد آن را بکشد، باید همانند آنچه که کشته است، کفاره‌ای از چهارپایان بدهد؛ [به شرطی] که دو نفر عادل از شما [برابری ارزش] آن را تأیید کنند و [آنگاه آن کفاره را به صورت] قربانی به [مستمندان پیرامون] کعبه برساند؛ یا [معادل بهای آن را] به مستمندان [حرم] غذا دهد یا [اگر توان مالی نداشت] معادل آن را [به ازای هر فقیر، یک روز] روزه بگیرد تا کیفر عمل خود را بچشد. الله آنچه را که [پیش از این تحریم] گذشته است عفو نمود؛ و [الی] هر کس [به این گناه] بازگردد، [بداند که] الله از او انتقام می‌گیرد؛ و الله شکست‌ناپذیر انتقام‌گیرنده است.

أَحِلَّ لَكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ
 وَطَعَامُهُمْ مَتَاعًا لَّكُمْ وَلِلسَّيْرَةِ
 وَحَرَّمَ عَلَيْكُمْ صَيْدُ الْبَرِّ مَا
 دُمْتُمْ حُرْمًا وَأَتَقُوا اللَّهَ الَّذِي
 إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ﴿٩٦﴾

(۹۶) ای مسلمانان، در حال احرام [صید دریایی و خوراک آن برای شما حلال شده است تا شما [که در مکه مقیم هستید] و کاروانیان [که مسافرنند، همگی] از آن برخوردار شوید؛ و [الی] تا زمانی که مُحْرِم هستید، صید صحرائی بر شما حرام است؛ و از الله که [روز قیامت] نزد او جمع می‌شوید، پروا کنید.

﴿٩٧﴾ جَعَلَ اللَّهُ الْكُفَّةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ وَوَسِيلَةَ

استواری [و سامان بخشیدن به کار] مردم قرار داد و [همچنین حرمت جنگ و درگیری در] ماه حرام و [کشتن] قربانی [بی نشان] و قربانی قلاهدار [را برای آسایش مردم وضع کرد]. این [گونه احکام] برای آن است که بدانید الله آنچه را که در آسمان ها و زمین است می داند و اینکه الله به همه چیز داناست.

(۹۸) ای مردم، بدانید که الله سخت کیفر است و [در عین حال]، الله آمرزنده مهربان است.

(۹۹) پیامبر وظیفه ای جز رساندن [وحی] ندارد؛ و الله آنچه را که آشکار می کنید و پنهان می دارید [همه را] می داند.

(۱۰۰) ای پیامبر، بگو: «پلید و پاک یکسان نیستند؛ هر چند که فراوانی پلید [ی] تو را به شگفت آورد. پس ای خردمندان، از الله پروا کنید؛ باشد که رستگار شوید».

(۱۰۱) ای کسانی که ایمان آورده اید، از چیزهایی نپرسید که اگر [پاسخ حقیقی] اش [برایتان آشکار گردد]، شما را اندوهگین می کند و اگر زمانی که قرآن نازل می گردد پرس و جو کنید، [حکم و پاسخ پرسش هایتان] بر شما

الْحَرَامَ قِيَمًا لِلنَّاسِ وَالشَّهْرَ الْحَرَامَ وَالْهَدْيَ وَالْقَلْبِدَّ ذَلِكَ لِيَتَعَلَّمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿۹۷﴾

أَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ وَأَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿۹۸﴾

مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا أَلْبَلُغٌ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ ﴿۹۹﴾

قُلْ لَا يَسْتَوِي الْحَبِيثُ وَالطَّيِّبُ وَلَوْ أَعْجَبَكَ كَثْرَةُ الْحَبِيثِ فَاتَّقُوا اللَّهَ يَتَأُولَى الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿۱۰۰﴾

يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءَ إِنْ تُبَدَّ لَكُمْ تَسْأَلُوا وَإِنْ تَسْأَلُوا عَنْهَا حِينَ يُنزَّلَ الْقُرْءَانُ تُبَدَّ لَكُمْ عَفَا

اللَّهُ عَنْهَا وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ ﴿۱۱﴾ آشکار می‌گردد. الله از آن [سوالات نابجای قلبی و پاسخ به آنها] درگذشت؛ و الله آمرزنده بردبار است.

قَدْ سَأَلَهَا قَوْمٌ مِّن قَبْلِكُمْ ثُمَّ أَصْبَحُوا بِهَا كَافِرِينَ ﴿۱۲﴾ (۱۰۲) در حقیقت، گروهی [که] پیش از شما [بودند نیز] از این [گونه] سؤال‌ها پرسیدند؛ سپس [وقتی که جوابی ناگوار برایشان آمد،] به آن [عمل نکردند و] کفر ورزیدند.

مَا جَعَلَ اللَّهُ مِنْ بَحِيرَةٍ وَلَا سَائِيَةٍ وَلَا وَصِيلَةٍ وَلَا حَامٍ وَلَا كِنٍّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَأَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ ﴿۱۳﴾ (۱۰۳) الله هیچ گونه «بحیره» و «سایبه» و «وصیله» و «حام» [= انواع شترهای مختلفی که مشرکان وقف معبودهایشان می‌کردند] را [برای خود] قرار نداده است؛ ولی کسانی که کفر ورزیدند، [با ادعای حرمت این حیوانات] بر الله دروغ می‌بندند؛ و بیشتر آنان نمی‌اندیشند.

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَى مَا أَنزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أُولَئِكَ كَانَ أَبَاؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ ﴿۱۴﴾ (۱۰۴) و هنگامی که به آنان گفته شود: «به سوی آنچه الله نازل کرده است و به سوی پیامبر بیایید» می‌گویند: «آنچه نیاکانمان را بر آن یافته‌ایم، برایمان کافی است». آیا اگر نیاکانشان چیزی نمی‌دانستند و هدایت نیافته بودند [باز هم از آنان پیروی می‌کنند]؟

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا عَلَيْكُمْ أَنفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُم مِّن ضَلٍّ إِذَا أَهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ ﴿۱۵﴾ (۱۰۵) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، مراقب [ایمان و طاعت] خود باشید. اگر هدایت یافته باشید، همراهی کسانی که گمراه شده‌اند [چنانچه به امر به معروف و نهی از منکر پایبند

جَمِيعًا فَيَنْبِئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿١٥﴾
 باشید] زبانی به شما نمی‌رساند. بازگشت همه شما به سوی الله است؛ آنگاه شما را از آنچه می‌کردید، آگاه می‌سازد.

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا شَهَدَةً بَيْنَكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّةِ اثْنَانِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنكُمْ أَوْ ءَاخَرَانِ مِّنْ غَيْرِكُمْ إِنْ أَنْتُمْ صَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَأَصَبْتَكُمْ مُصِيبَةُ الْمَوْتِ تَحْسِبُونَهُمَا مِنْ بَعْدِ الصَّلَاةِ فَيَقْسِمَانِ بِاللَّهِ إِنْ أَرْتَبْتُمْ لَا نَشْتَرِي بِهِ ثَمَنًا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَلَا نَكْتُمُ شَهَدَةَ اللَّهِ إِنَّآ إِذًا لَّمِنَ الْآثِمِينَ ﴿١٦﴾
 (۱۰۶) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هنگامی که [نشانه‌های] مرگ یکی از شما فرا رسید، در هنگام وصیت، باید از میان خودتان دو نفر عادل را گواه بگیرید یا اگر به سفر رفتید و پیشامد مرگ به شما رسید [و شاهد مسلمان نیافتید]، دو نفر از غیر خود [= غیرمسلمانان] را به گواهی بطلبید؛ و اگر [در راستگویی آنها] تردید داشتید، آن دو را بعد از نماز نگاه دارید تا به الله سوگند بخورند که: «ما حاضر نیستیم آن [وصیت] را به چیزی بفروشیم، اگرچه [به سود] خویشانمان باشد؛ و گواهی الله را کتمان نمی‌کنیم که در این صورت قطعاً از گناهکاران خواهیم بود».

فَإِنْ عَثَرَ عَلَىٰ أَنَّهُمَا أُسْتَحَقَّ إِثْمًا فَءَاخَرَانِ يَفُومَانِ مَقَامَهُمَا مِنَ الَّذِينَ أُسْتَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْأَوْلِيَانِ فَيَقْسِمَانِ بِاللَّهِ لَشَهَدَتُنَا أَحَقُّ مِنْ شَهَدَتِهِمَا وَمَا أَعْتَدْنَا إِنَّا إِذًا لَّمِنَ الظَّالِمِينَ ﴿١٧﴾
 (۱۰۷) پس اگر مشخص شد که آن دو مرتکب گناه [خیانت و دروغگویی] شده‌اند، دو تن از کسانی که مورد جفای گواهان قرار گرفته‌اند و از نزدیکان [متوفی] هستند، به جای آنان برخیزند و به الله سوگند بخورند که: «گواهی ما از گواهی آن دو درست‌تر است و ما [از حق] تجاوز نمی‌کنیم و در غیر این صورت، از ستمکاران خواهیم بود».

ذَلِكَ أَذَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِالشَّهَادَةِ عَلَىٰ
وَجْهٍهَا أَوْ يَخَافُوا أَنْ تُرَدَّ أَيْمَنُ
بَعْدَ أَيْمَنِهِمْ ۗ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاسْمَعُوا ۗ
وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ
الْفَاسِقِينَ ﴿۱۰۸﴾

(۱۰۸) این [روش،] نزدیک تر است به آنکه
شهادت به صورت درست آن ادا شود یا
شاهدان بترسند که پس از سوگند آنان [=]
ورثه [سوگندهایشان رد شود [و خیانتشان
آشکار گردد]؛ و از الله پروا کنید و [این پندها
را] بشنوید و [بدانید که] الله مردم [بدکار و]
نافرمان را هدایت نمی کند.

يَوْمَ يَجْمَعُ اللَّهُ الرُّسُلَ فَيَقُولُ
مَاذَا أَجَبْتُمْ قَالُوا لَا عِلْمَ لَنَا إِنَّكَ
أَنْتَ عَلَّمُ الْغُيُوبِ ﴿۱۰۹﴾

(۱۰۹) روزی [خواهد رسید] که الله پیامبران
را گرد می آورد و می پرسد: «[امت هایتان] چه
پاسخی به [دعوت] شما دادند؟» آنان گویند:
«ما دانشی [به حقیقت امر] نداریم. بی تردید،
تویی که دانای رازهای نهانی».

إِذْ قَالَ اللَّهُ لِيَعِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ
أَذْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَعَلَىٰ وَاوَدَتِكَ
إِذْ آتَيْتُكَ بِرُوحِ الْقُدُسِ تُكَلِّمُ
النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهَلًا وَإِذْ
عَلَّمْتُكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ
وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ ۗ وَإِذْ تَخَلَّقُ مِنْ
الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِإِذْنِي ۗ
فَتَنْفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِي ۗ
وَتُبْرِئُ الْأَكْمَةَ وَالْأَبْرَصَ بِإِذْنِي ۗ

(۱۱۰) [ای پیامبر، یاد کن از] هنگامی که الله
فرمود: «ای عیسی پسر مریم، نعمت مرا بر
خود و بر مادرت به یاد آور؛ آنگاه که تو را با
روح القدس [= جبرئیل] تأیید [و یاری] کردم
که در گهواره [به اعجاز،] و در میانسالی [به
وحی] با مردم سخن می گفتی؛ و آنگاه که به تو
نوشتن و حکمت و تورات و انجیل آموختم؛ و
آنگاه که به فرمان من، از گل، [چیزی] به
شکل پرنده می ساختی و در آن می دمیدی و
به فرمان من پرنده ای می شد؛ و کور مادرزاد و
بیمار مبتلا به پیسی را به فرمان من شفا

می دادی؛ و آنگاه که مردگان را به فرمان من [زنده از قبر] بیرون می آوردی؛ و آنگاه که [آزار] بنی اسرائیل را - وقتی معجزات آشکار برایشان آورده بودی - از تو بازداشتی. پس کسانی از آنان که کفر ورزیده بودند گفتند: "این [کارها چیزی] نیست مگر افسونی آشکار".

مُؤْمِنِينَ ﴿۱۱۰﴾

(۱۱۱) و [ای عیسی، به یاد آور] زمانی که به حواریون وحی فرستادم که: «به من و به فرستاده‌ام ایمان بیاورید». آنان گفتند: «ایمان آوردیم و گواه باش که ما تسلیم [فرمانت] شده‌ایم».

وَإِذْ أَوْحَيْتُ إِلَى الْحَوَارِيِّينَ أَنْ آمِنُوا بِي وَبِرَسُولِي قَالُوا ءَأَمِنَّا وَشَهِدْنَا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ ﴿۱۱۱﴾

(۱۱۲) و [یاد کن از] آنگاه که حواریون گفتند: «ای عیسی پسر مریم، آیا پروردگارت می‌تواند سفره‌ای [پر از غذا] از آسمان بر ما نازل کند؟». [عیسی در پاسخ] گفت: «اگر مؤمن هستید، از الله پروا کنید».

إِذْ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ يَٰعِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ هَلْ يَسْتَطِيعُ رَبُّكَ أَنْ يُنَزِّلَ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ ۗ قَالَ أَتَقُونِ اللَّهَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿۱۱۲﴾

(۱۱۳) آنان گفتند: «می‌خواهیم از آن بخوریم و دل‌هایمان [به رسالت تو] اطمینان یابد و بدانیم که به ما راست گفته‌ای و خود از گواهان آن باشیم».

قَالُوا نُرِيدُ أَنْ نَأْكُلَ مِنْهَا وَتَطْمَئِنَّ قُلُوبُنَا وَنَعْلَمَ أَنْ قَدْ صَدَقْتَنَا وَنَكُونَ عَلَيْهَا مِنَ الشَّاهِدِينَ ﴿۱۱۳﴾

(۱۱۴) عیسی - پسر مریم - [دعا کرد و] گفت:

قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا

«بار الها، ای پروردگار ما، سفره‌ای [پرخورانه] از آسمان بر ما بفرست تا عیدی برای امروزیان و آیندگانمان باشد و [همچنین] معجزه‌ای از جانب تو باشد؛ و به ما روزی ده که تو بهترین روزی‌دهنده‌ای».

أَنْزَلَ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا عِيدًا لِأَوْلِيَانَا وَعَاخِرِنَا وَعَايَةً مِنْكَ ۗ وَأَرْزُقْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّزُقِينَ ﴿۱۱۴﴾

(۱۱۵) الله [دعای او را اجابت کرد و] فرمود: «من آن [سفره] را بر شما نازل می‌کنم؛ اما هر یک از شما که پس از آن کفر بورزد، او را به چنان عذابی [سخت] دچار می‌کنم که هیچ یک از جهانیان را آنچنان، عذاب نکرده باشم».

قَالَ اللَّهُ إِنِّي مُنَزِّلُهَا عَلَيْكُمْ ۖ فَمَنْ يَكْفُرْ بَعْدُ مِنْكُمْ فَإِنِّي أُعَذِّبُهُ عَذَابًا لَّا أُعَذِّبُهُ أَحَدًا مِّنَ الْعَالَمِينَ ﴿۱۱۵﴾

(۱۱۶) و [یاد کن از] هنگامی که [روز قیامت] الله می‌فرماید: «ای عیسی - پسر مریم، آیا تو به مردم گفتی که: "من و مادرم را [همچون] دو معبود به جای الله برگزینید؟"» [عیسی] می‌گوید: «[بار الها،] تو منزّه‌ی. شایسته نیست که من [درباره خویشان] چیزی که حقم نیست بگویم. اگر چنین [سخنی] گفته باشم، بی‌گمان، تو می‌دانی. تو آنچه را که در نفس من است می‌دانی و [الی] من آنچه را که در ذات [پاک] توست نمی‌دانم. بی‌تردید، تو خود دانای رازهای نهانی».

وَإِذْ قَالَ اللَّهُ يٰعِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ ءَأَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَأُمِّيَ إِلَهَيْنِ مِن دُونِ اللَّهِ ۗ قَالَ سُبْحٰنَكَ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَقُولَ مَا لَيْسَ لِي بِحَقِّ ۗ إِن كُنْتُ قُلْتُهُ ۗ فَقَدْ عَلِمْتَهُ ۗ تَعَلَّمَ مَا فِي نَفْسِي ۗ وَلَا أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ ۗ إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّمُ الْعُيُوبِ ﴿۱۱۶﴾

(۱۱۷) جز آنچه مرا به آن فرمان دادی چیزی به آنان نگفتم. [بلکه گفتم که:] "الله را عبادت

مَا قُلْتُ لَهُمْ إِلَّا مَا أَمَرْتَنِي بِهِ ۗ أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ ۗ

کنید که پروردگار من و شماس است؛ و تا زمانی که در میان آنان به سر می‌بردم، بر [سخنان] آنان گواه بودم؛ و چون مرا [به سوی خویش] برگرفتی، تو خود مراقبشان بودی؛ و تو بر هر چیز گواهی.

وَكُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَّا دُمْتُ فِيهِمْ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنْتُ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ وَأَنْتَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ﴿۱۱۷﴾

(۱۱۸) اگر آنان را [با عدالت خویش] عذاب کنی، بندگان تو هستند؛ و اگر آنان را [با رحمت خود] ببخشی، تویی که شکست‌ناپذیر حکیمی.»

إِنْ تُعَذِّبُهُمْ فَإِنَّهُمْ عَبْدَاكَ وَإِنْ تُغْفِرَ لَهُمْ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿۱۱۸﴾

(۱۱۹) الله می‌فرماید: «امروز روزی است که راستیِ راستگویان به آنان سود می‌بخشد. آنان باغ‌هایی [در بهشت] دارند که جویبارها از زیر [درختان] آن جاری است و تا ابد جاودانه در آن می‌مانند. الله از [اعمال] آنان راضی است و آنان [نیز] از [پاداش] او راضی هستند. این همان رستگاری بزرگ است.»

قَالَ اللَّهُ هَذَا يَوْمٌ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿۱۱۹﴾

(۱۲۰) فرمانروایی آسمان‌ها و زمین و آنچه در آنهاست از آن الله است و او بر هر چیزی تواناست.

لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا فِيهِنَّ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۱۲۰﴾

سُورَةُ الْأَنْعَامِ

سورة انعام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ ۚ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ ﴿١﴾

(۱) ستایش الله را که آسمانها و زمین را آفرید و تاریکیها و روشنایی [= شب و روز] را پدید آورد. با این همه، کسانی که کفر ورزیده‌اند، [دیگران را] با پروردگار خود برابر می‌دانند.

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى عِنْدَهُ ۚ ثُمَّ أَنْتُمْ تَمْتَرُونَ ﴿٢﴾

(۲) اوست که شما را از گل آفرید، آنگاه مدتی را [برای حیات شما] مقرر داشت؛ و اجلِ حتمی نزد اوست. با این همه، شما [در قدرت او برای برپایی قیامت] تردید دارید.

وَهُوَ اللَّهُ فِي السَّمَوَاتِ وَفِي الْأَرْضِ يَعْلَمُ سِرَّكُمْ وَجَهْرَكُمْ وَيَعْلَمُ مَا تَكْسِبُونَ ﴿٣﴾

(۳) و اوست الله [معبود حقیقی و یگانه] در آسمانها و زمین؛ نهان و آشکارتان را می‌داند و آنچه را به دست می‌آورید [و انجام می‌دهید نیز] می‌داند.

وَمَا تَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ ﴿٤﴾

(۴) و هیچ یک از نشانه‌های پروردگارشان برای آنان [= کافران] نمی‌آید، مگر اینکه از آن رویگردان می‌شوند.

فَقَدْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَسَوْفَ يَأْتِيهِمْ أَنْبَأُ مَا كَانُوا

(۵) همانا آنان حق را هنگامی که به سویشان آمد دروغ شمردند؛ پس به زودی [حقیقت]

بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ ﴿٥﴾ خبرهای آنچه را که مسخره‌اش می‌کردند، به آنان خواهد رسید.

﴿٦﴾ آیا [کافران] ندیده‌اند که پیش از آنان چه [بسیار] گروه‌هایی از مردم را نابود کردیم؟ [امت‌هایی] که در زمین به آنان چنان اقتدار [و نیرویی] داده بودیم که [هرگز] به شما چنان امکاناتی نداده‌ایم؛ و باران آسمان را [فراوان و] پیاپی بر آنان فرستادیم و نهرها پدید آوردیم که زیر [خانه‌های] آنان جاری بود. اما [هنگامی که ناسپاسی کردند ما] آنان را به [سزای] گناهانشان نابود کردیم و پس از آنان گروهی دیگر پدید آوردیم.

وَلَوْ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ كِتَابًا فِي قِرْطَاسٍ فَلَمَسُوهُ بِأَيْدِيهِمْ لَقَالُوا الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ ﴿٧﴾ و [ای پیامبر، حتی] اگر کتابی [نوشته] بر کاغذ بر تو نازل می‌کردیم و اینان آن [کتاب] را با دستان خویش لمس می‌کردند، قطعاً کسانی که کفر ورزیدند می‌گفتند: «این [کتاب، چیزی] نیست مگر جادویی آشکار».

﴿٨﴾ و [کافران] گفتند: «چرا فرشته‌ای بر او نازل نشده است [تا گواه راستگویی‌اش باشد]؟» و اگر فرشته‌ای می‌فرستادیم [و ایمان نمی‌آوردند]، قطعاً کار به پایان می‌رسید و مهلتی [برای توبه] نمی‌یافتند [و هلاک می‌شدند].

وَلَوْ جَعَلْنَاهُ مَلَكًا لَجَعَلْنَاهُ رَجُلًا
وَلَلْبَسْنَا عَلَيْهِمْ مَا يَلْبِسُونَ ﴿٩﴾

(۹) و اگر آن [فرستاده] را فرشته‌ای قرار می‌دادیم، حتماً وی را به شکل مردی درمی‌آوردیم [تا بتوانند او را ببینند و سخنانش را بفهمند] و یقیناً آنان را دچار همان اشتباهی می‌کردیم که قبلاً در آن بودند [زیرا آن فرشته نیز صورت انسان داشت].

وَلَقَدْ أَسْتَهْزَيْتَ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ
فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَا
كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ﴿١٠﴾

(۱۰) [ای پیامبر،] قطعاً پیامبران پیش از تو [نیز از سوی کافران] مورد تمسخر واقع شدند؛ پس آنچه که مسخره‌اش می‌کردند دامانشان را گرفت [و گرفتار عذاب شدند].

قُل سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ أَنْظِرُوا
كَيْفَ كَانَ عَقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ ﴿١١﴾

(۱۱) [ای پیامبر، به کافران] بگو: «در زمین بگردید و بنگرید که سرانجام تکذیب‌کنندگان [آیات الهی] چگونه بوده است».

قُل لِّمَن مَّا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
قُل لِّلَّهِ كَتَبَ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ
لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا
رَيْبَ فِيهِ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ
فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٢﴾

(۱۲) بگو: «آنچه در آسمان‌ها و زمین است از آن کیست؟» بگو: «از آن الله است که رحمت را بر خویش واجب گردانیده است [و] قطعاً شما را در روز قیامت - که در [وقوع] آن شکی نیست - [نزد خود] جمع خواهد کرد؛ و کسانی که خویش را تباہ کرده‌اند، ایمان نمی‌آورند».

بِهِ وَ لَهُ مَا سَكَنَ فِي اللَّيْلِ
وَالنَّهَارِ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿١٣﴾

(۱۳) و هر چه در شب و روز، آرام [و قرار] دارد از آن اوست؛ و او شنوای داناست».

قُلْ أَعِزَّ اللَّهُ أَتَّخِذُ وَلِيًّا فَاطِرِ

(۱۴) بگو: «آیا غیر الله را [برای خود دوست و]

کارساز گیرم؟ [پروردگاری] که پدیدآورنده آسمانها و زمین است و اوست که روزی می‌دهد و خود روزی داده نمی‌شود». بگو: «من فرمان یافته‌ام که نخستین کسی [از این امت] باشم که تسلیم [اوامر الهی] شده است و [الله به من فرمان داد که:] "هرگز از مشرکان نباش"».

الْسَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ يُطْعِمُهُ وَلَا يُطْعَمُ فُلٌ إِنَِّّي أُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَسْلَمَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿١٥﴾

(۱۵) بگو: «اگر من از [حکم] پروردگارم نافرمانی کنم، بی‌تردید از عذاب روز بزرگ می‌ترسم».

فُلٌ إِنَِّّي أَخَافُ إِنَّ عَصِيَّتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿١٥﴾

(۱۶) هر کس که در آن روز به او عذاب نرسد، قطعاً [الله] به وی رحم کرده است و این همان پیروزی آشکار است.

مَنْ يُصْرَفْ عَنْهُ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمَهُ وَذَلِكَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ ﴿١٦﴾

(۱۷) [ای انسان]، اگر الله [بخواهد] زبانی به تو رساند، هیچ کس جز او برطرف‌کننده آن نیست؛ و اگر [اراده کند که] خیری به تو رساند، [کسی بازدارنده آن نیست] پس او بر همه چیز تواناست.

وَإِنْ يَمَسُّكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يَمَسُّكَ بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٧﴾

(۱۸) و او بر بندگانش چیره و فوق [آنان] است؛ و او حکیم آگاه است.

وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ ﴿١٨﴾

(۱۹) [ای پیامبر، به مشرکان] بگو: «گواهی چه کسی از همه برتر است؟» بگو: «الله [که] میان من و شما گواه است؛ و این قرآن [از جانب او]

قُلْ أَيُّ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً قُلْ اللَّهُ شَهِيدٌ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَأُوحِيَ

إِلَىٰ هَذَا الْقُرْآنُ لِإِنذِرْكُمْ بِهِ ۖ
 وَمَنْ بَلَغَ أَئِنَّكُمْ لَتَشْهَدُونَ أَنَّ
 مَعَ اللَّهِ إِلَهًا أُخْرَىٰ قُلْ لَا
 أَشْهَدُ قُلْ إِنَّمَا هُوَ إِلَهٌُ وَاحِدٌ
 وَإِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ ﴿١٦﴾

بر من وحی شده است تا به وسیله آن به شما و
 هر کس [این پیام به او] می‌رسد هشدار دهم.
 آیا شما به راستی گواهی می‌دهید که با الله
 معبودان دیگری هست؟» بگو: «من [هرگز به
 چنین چیزی] گواهی نمی‌دهم». بگو: «یقیناً او
 تنها معبود یگانه است و من از آنچه [با او]
 شریک قرار می‌دهید بیزارم».

الَّذِينَ ءَاتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ
 يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ
 الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فَهُمْ لَا
 يُؤْمِنُونَ ﴿٢٠﴾

(۲۰) کسانی که به آنان کتاب [آسمانی]
 داده‌ایم، همان گونه که پسران خود را
 می‌شناسند، او [= پیامبر] را می‌شناسد.
 کسانی که [با پیروی از هوای نفس] به خویش
 زیان رسانده‌اند، ایمان نمی‌آورند.

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ
 كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا
 يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ ﴿٢١﴾

(۲۱) و کیست ستمکارتر از آن کس که بر الله
 دروغ می‌بندد [و برایش شریک می‌پندارد] یا
 آیاتش را دروغ می‌انگارد؟ یقیناً ستمکاران
 [مشرک] رستگار نمی‌شوند.

وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ
 لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا أَيْنَ شُرَكَائُكُمْ
 الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ ﴿٢٢﴾

(۲۲) و [یاد کن از قیامت]: روزی که همه آنان
 را جمع می‌کنیم و به کسانی که شرک
 ورزیده‌اند می‌گوییم: «معبودانتان که [شریک
 الله] می‌پنداشتید کجا هستند؟»

ثُمَّ لَمْ تَكُن فِتْنَتُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا
 وَاللَّهِ رَبَّنَا مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ ﴿٢٣﴾

(۲۳) آنگاه [پاسخ و] عذرشان جز این نیست
 که می‌گویند: «به الله - پروردگارمان - سوگند
 که ما مشرک نبودیم».

(۲۴) [ای پیامبر،] بنگر چگونه بر خود دروغ بستند و آنچه [در مورد شفاعت معبودانشان] به دروغ می گفتند، [همه] محو و نابود شد.

(۲۵) و افرادی از آنان [= مشرکان] هستند که [هنگام تلاوت قرآن] به تو گوش می سپارند و [الی] ما بر دل هایشان پرده ای افکنده ایم تا آن را نفهمند و در گوش هایشان سنگینی [قرار داده ایم]؛ و اگر تمام معجزات [و دلایل توحید] را ببینند، [باز هم] به آن ایمان نمی آورند تا نزدت بیایند و با تو مجادله کنند. کسانی که کفر ورزیدند می گویند: «این [قرآن، چیزی] نیست مگر افسانه های [خیالی] پیشینیان».

(۲۶) و آنان [مردم] را از پیروی او [= پیامبر] باز می دارند و خود [نیز] از او دور می شوند و [کسی] جز خویشان را هلاک نمی کنند و [الی] نمی دانند.

(۲۷) و اگر [آنان را] هنگامی که در برابر آتش [دوزخ] نگه داشته شده اند ببینی، [از حالشان شگفت زده می شوی که] می گویند: «ای کاش [به دنیا] بازگردانده می شدیم و آیات پروردگاران را تکذیب نمی کردیم و از مؤمنان بودیم!»

بَلْ بَدَا لَهُمْ مَّا كَانُوا يُخْفُونَ مِنْ قَبْلُ ۖ وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿۲۸﴾

(۲۸) [چنین نیست که می‌گویند؛] بلکه آنچه پیش از این پنهان می‌کردند برایشان آشکار شده است و اگر [هم به دنیا] بازگردانده شوند، بی‌تردید، به آنچه از آن نهی شده بودند بازمی‌گردند و اینان دروغگو هستند.

وَقَالُوا إِن هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ ﴿۲۹﴾

(۲۹) و [مشرکان] گفتند: «جز زندگی ما در دنیا هیچ [زندگی دیگری] نیست و هرگز برانگیخته نخواهیم شد».

وَلَوْ تَرَىٰ إِذُ وَقَفُوا عَلَىٰ رَبِّهِمْ قَالَ أَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ قَالُوا بَلَىٰ وَرَبِّنَا قَالَ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ﴿۳۰﴾

(۳۰) و اگر آنان را هنگامی که در پیشگاه پروردگارشان نگه داشته شده‌اند ببینی، [شگفت‌زده می‌شوی. الله به آنان] می‌فرماید: «آیا این [زندگی پس از مرگ] حق نیست؟» آنان می‌گویند: «بله، قسم به پروردگارمان [که حق است]». [الله] می‌فرماید: «پس به سزای آنکه کفر می‌ورزیدید، این عذاب را بچشید».

قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَتْهُمْ السَّاعَةُ بَغْتَةً قَالُوا يَحْسِرْتَنَّا عَلَىٰ مَا فَرَّطْنَا فِيهَا وَهُمْ يَحْمِلُونَ أَوْزَارَهُمْ عَلَىٰ ظُهُورِهِمْ ۗ أَلَا سَاءَ مَا يَزُرُونَ ﴿۳۱﴾

(۳۱) کسانی که دیدار پروردگار را تکذیب کردند، قطعاً زیان دیدند؛ [پس] هنگامی که ناگهان قیامت بر آنان فرا رسد، در حالی که بار [سنگین] گناهان خویش را بر پشتشان حمل می‌کنند می‌گویند: «ای دریغ بر ما از آنچه درباره آن [در دنیا] کوتاهی کردیم!». هان! چه بد است باری که [بر دوش] می‌کشند!

وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَهَوٌّ ۖ
وَلِلْآخِرَةِ الْآخِرَةُ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ ۗ
أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿۳۲﴾

(۳۲) زندگی دنیا [چیزی] جز بازیچه و سرگرمی نیست؛ و قطعاً سرای آخرت برای کسانی که پروا پیشه می‌کنند بهتر است. آیا نمی‌اندیشید؟

قَدْ نَعَلِمُ إِنَّهُ لَيَحْزُنُكَ الَّذِي يَقُولُونَ ۖ فَإِنَّهُمْ لَا يُكَذِّبُونَكَ وَلَٰكِنَّ الظَّالِمِينَ بِآيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ ﴿۳۳﴾

(۳۳) [ای پیامبر،] به یقین ما می‌دانیم که آنچه [مشرکان] می‌گویند، تو را سخت غمگین می‌کند. در واقع، آنان [در دل،] تو را تکذیب نمی‌کنند؛ بلکه ستمکاران [با آنکه حقیقت را می‌دانند] آیاتِ الله را انکار می‌کنند.

وَلَقَدْ كَذَّبْتَ رَسُولٌ مِّن قَبْلِكَ فَصَبَرُوا عَلَىٰ مَا كَذَّبُوا وَوَدُّوا حَتَّىٰ أَتَتْهُمْ نَصْرُنَا وَلَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ۗ وَلَقَدْ جَاءَكَ مِن نَّبَائِ الْمُرْسَلِينَ ﴿۳۴﴾

(۳۴) و پیش از تو نیز پیامبرانی تکذیب شدند؛ ولی بر آنچه تکذیب شدند و آزار دیدند، شکیبایی کردند تا [سرانجام] یاری ما به آنان رسید؛ و سخنان الله [در مورد پیروزی پیامبرانش] را هیچ تغییردهنده‌ای نیست [که مانع گردد]؛ و مسلماً اخبار پیامبران [پیشین و داستان شکست دشمنانشان] به تو رسیده است.

وَإِن كَانَ كَبُرَ عَلَيْكَ إِعْرَاضُهُمْ فَإِنِ اسْتَطَعْتَ أَن تَبْتَغِيَ نَفَقًا فِي الْأَرْضِ أَوْ سُلَّمًا فِي السَّمَاءِ فَتَأْتِيَهُمْ بِآيَةٍ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَمَعَهُمْ عَلَى الْهُدَىٰ فَلَا

(۳۵) و [ای پیامبر،] اگر رویگردانی آنان [از قرآن،] بر تو ناگوار [و دشوار] است، اگر می‌توانی حفره‌ای در زمین یا نردبانی در آسمان بجویی تا معجزه‌ای [دیگر] برایشان بیاوری [پس چنان کن. ولی سودی ندارد]؛ و اگر الله می‌خواست، قطعاً آنان را بر [مسیر]

هدایت جمع می‌کرد؛ پس هرگز از نادانان مباش.

تَكُونَنَّ مِنَ الْجَاهِلِينَ ﴿۳۵﴾

(۳۶) به راستی، تنها کسانی [دعوت حق را] می‌پذیرند که می‌شنوند [و درک می‌کنند]؛ و الله مردگان را [روز قیامت] برمی‌انگیزد سپس به سوی او بازگردانده می‌شوند.

إِنَّمَا يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ
وَالْمَوْتَىٰ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ ثُمَّ إِلَيْهِ
يُرْجَعُونَ ﴿۳۶﴾

(۳۷) و [مشرکان] گفتند: «چرا نشانه‌ای [درباره حَقَانِیْتِ محمد] از طرف پروردگارش بر او نازل نشده است؟» [ای پیامبر، بگو: «بی‌گمان، الله تواناست که نشانه‌ای [مطابق خواست آنان] نازل کند»؛ ولی بیشتر آنان نمی‌دانند [که نزول معجزات، بر اساس حکمت و تدبیر است].

وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّن
رَّبِّهِ قُلْ إِنَّ اللَّهَ قَادِرٌ عَلَىٰ أَنْ
يُنزِلَ آيَةً وَلَٰكِنَّا أَكْثَرُهُمْ لَا
يَعْلَمُونَ ﴿۳۷﴾

(۳۸) و هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست و نه هیچ پرنده‌ای که با دو بال خود پرواز می‌کند، مگر آنکه آنها [نیز در آفرینش و زندگی،] گروه‌هایی مانند شما هستند. ما هیچ چیزی را در کتاب [= لوح محفوظ] فروگذار نکرده‌ایم؛ سپس [همه، روز قیامت] نزد پروردگارشان گرد آورده می‌شوند.

وَمَا مِن دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا
طَيْرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ
أَمْثَالُكُمْ مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ
مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ
يُحْشَرُونَ ﴿۳۸﴾

(۳۹) و کسانی که آیات ما را تکذیب کردند، کر و گنگ و در تاریکی‌ها [ای جهل و کفر، سرگشته] هستند. الله هر کس را بخواهد

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا صُمُّ
وَبُكْمٌ فِي الظُّلُمَاتِ مَن يَشَاءُ
اللَّهُ يُضِلُّهُ وَمَنْ يَشَاءُ يُجْعَلُهُ عَلَىٰ

گمراه می‌کند و هر کس را بخواهد بر راه راست قرار می‌دهد.

صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿۳۹﴾

قُلْ أَرَأَيْتَكُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ أَوْ أَتَتْكُمْ السَّاعَةُ أَغَيْرَ اللَّهِ تَدْعُونَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿۴۰﴾

(۴۰) [ای پیامبر، به مشرکان] بگو: «اگر راست می‌گویید، به من خبر دهید که اگر عذابِ الله به سراغتان بیاید یا [ناگهان] قیامت برپا شود، آیا غیر از الله را [به یاری] می‌خوانید؟».

بَلْ إِيَّاهُ تَدْعُونَ فَيَكْشِفُ مَا تَدْعُونَ إِلَيْهِ إِنْ شَاءَ وَتَنْسَوْنَ مَا تُشْرِكُونَ ﴿۴۱﴾

(۴۱) آری، تنها او را [به دعا] می‌خوانید؛ و اگر او بخواهد، رنج و بلا را که به خاطر آن او را فرامی‌خوانید از بین می‌برد و شما [نیز از ترس عذاب،] شریکی را که برایش قائل شده‌اید، از یاد می‌برید.

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاهُم بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ ﴿۴۲﴾

(۴۲) [ای پیامبر،] بی‌تردید، پیش از تو [نیز پیامبرانی را] به سوی امت‌ها [ای پیشین] فرستادیم و آنان [= امت‌ها] را به تنگدستی و ناخوشی دچار ساختیم؛ باشد که [به درگاه الهی فروتنی و] تضرع کنند.

فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا وَلَٰكِن قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۴۳﴾

(۴۳) پس چرا هنگامی که عذاب ما به آنان رسید تضرع نکردند؟ ولی [واقعیت این است که] دل‌هایشان سخت شده است و شیطان آنچه را انجام می‌دادند برایشان آراسته است.

فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا

(۴۴) وقتی [مشرکان] آنچه را که به آن پند

داده شده بودند فراموش کردند، درهای هر چیزی [از نعمت‌های الهی] را بر آنان گشودیم تا وقتی که به آنچه داده شدند شاد گشتند؛ ناگهان آنان را [به کیفر] گرفتیم؛ پس همان دم [همگی از نجات و رحمت] مایوس شدند.

عَلَيْهِمْ أَتَوَبَ كُلُّ شَيْءٍ حَتَّىٰ إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَعْتَةً فِإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ ﴿۴۴﴾

(۴۵) بنا بر این، ریشه آن گروهی که ستم کردند برکنده شد؛ و ستایش مخصوص الله - پروردگار جهانیان - است.

فَقُطِعَ دَابِرُ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۴۵﴾

(۴۶) [ای پیامبر، به مشرکان] بگو: «به من خبر دهید اگر الله گوش و چشم‌هایتان را بگیرد و بر دل‌هایتان مهر بزند، کدام معبود جز الله [می‌تواند] آنها را به شما بازگرداند؟» ببین چگونه آیات را [به شیوه‌های] گوناگون [بیان] می‌کنیم آنگاه آنان روی می‌گردانند.

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَخَذَ اللَّهُ سَمْعَكُمْ وَأَبْصَارَكُمْ وَخَتَمَ عَلَى قُلُوبِكُمْ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِهِ أَنْظِرْ كَيْفَ نَصْرَفَ الْأَيَاتِ ثُمَّ هُمْ يَصْدِفُونَ ﴿۴۶﴾

(۴۷) بگو: «بیندیشید اگر عذاب الهی به ناگاه یا آشکارا به سراغ شما بیاید، آیا جز گروه ستمکاران [کسی] نابود می‌شود؟»

قُلْ أَرَأَيْتَكُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ بَعْتَةً أَوْ جَهْرَةً هَلْ يُهْلِكُ إِلَّا الْقَوْمَ الظَّالِمُونَ ﴿۴۷﴾

(۴۸) و ما پیامبران را جز بشارت‌گر و بیم‌دهنده نمی‌فرستیم؛ پس هر کس ایمان بیاورد و [خویشتن را] اصلاح کند، نه ترسی بر آنان است و نه اندوهگین می‌شوند.

وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ فَمَنْ ءَامَنَ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿۴۸﴾

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا يَمَسُّهُمُ الْعَذَابُ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ﴿٤٩﴾ [سزای] آنکه نافرمانی می کردند، عذاب [الهی] دامنگیرشان خواهد شد.

قُلْ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبِ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ ﴿٥٠﴾ [ای پیامبر، به مشرکان] بگو: «من نمی گویم گنجینه های الله نزد من است و غیب [نیز] نمی دانم و به شما نمی گویم که من فرشته ام. من از چیزی پیروی نمی کنم مگر از آنچه که به من وحی می گردد». بگو: «آیا نابینا و بینا [= کافر و مؤمن] یکسانند؟ آیا نمی اندیشید؟»

وَأَنْذِرْ بِهِ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْ يُحْشَرُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ لَيْسَ لَهُمْ مِّنْ دُونِهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ لَّعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ﴿٥١﴾ [ای پیامبر،] با این [قرآن،] به آنان که می ترسند به سوی پروردگارشان [برانگیخته] و گرد آورده شوند هشدار ده؛ [چرا] که جز او نه [دوست و] کارسازی برایشان هست و نه شفاعتگری؛ باشد که پروا کنند.

وَلَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ ۗ مَا عَلَيْكَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَمَا مِنْ حِسَابِكَ عَلَيْهِمْ مِنْ شَيْءٍ فَتَطْرُدَهُمْ فَتَكُونَ مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿٥٢﴾ [و کسانی را که [فقیرند و] سحرگهان و شامگهان پروردگارشان را می خوانند [و] خشنودی او را می طلبند [از مجالس خود] طرد نکن [تا به بزرگان مشرکان توجه کنی]؛ نه چیزی از حساب آنها بر عهده توست و نه چیزی از حساب تو بر عهده آنهاست که [بخواهی] آنها را [از پیرامونت] طرد کنی و از ستمکاران شوی.

وَكَذَلِكَ فَتَنَّا بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لِيَقُولُوا أَهَؤُلَاءِ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنْ بَيْنِنَا أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِالشَّاكِرِينَ ﴿۵۳﴾

(۵۳) و اینچنین برخی از آنان را با برخی دیگر آزمودیم تا [کافران ثروتمند درباره مؤمنان مستمند] بگویند: «آیا از میان ما اینها هستند که الله [با بخشش توفیق ایمان] بر آنان منت نهاده است؟» آیا الله به [حال] سپاسگزاران داناتر نیست؟

وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَّمَ عَلَيْكُمْ ط بِمَا كَفَرْتُمْ أَنْتُمْ مَن بَعَدَ عَنْ عَمَلِكُمْ مِمَّا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿۵۴﴾

(۵۴) و [ای پیامبر،] هر گاه کسانی که به آیات ما ایمان دارند نزد تو آیند، بگو: «سلام بر شما. پروردگارتان [در حق شما بخشایش و] رحمت را بر خود مقرر داشته است. هر یک از شما که از روی نادانی کار بدی انجام دهد سپس توبه کند و [گذشته خویش را] اصلاح نماید، [بداند که] یقیناً او تعالی آمرزنده مهربان است.»

وَكَذَلِكَ نَقُصُّ عَلَيْكَ الْأَقْوَامَ الَّتِي كُنتُمْ تُعْبَدُونَ ﴿۵۵﴾

(۵۵) و اینچنین آیات [خود] را شرح می دهیم تا راه گناهکاران روشن شود [و شما از آن دوری کنید].

قُلْ إِنِّي نُهَيْتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ قُلْ لَأَتَّبِعُ أَهْوَاءَكُمْ قَدْ ضَلَلْتُ إِذًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُهْتَدِينَ ﴿۵۶﴾

(۵۶) [ای پیامبر، به مشرکان] بگو: «من نهی شده‌ام از اینکه کسانی را عبادت کنم که شما به جای الله می خوانید». بگو: «من از هوس‌هایتان پیروی نمی‌کنم که [اگر چنین کنم،] قطعاً گمراه شده‌ام و از هدایت‌یافتگان نخواهم بود.»

(۵۷) بگو: «من دلیل روشنی از پروردگارم دارم و [الی] شما آن را دروغ پنداشتید؛ و آنچه به شتاب خواستارش هستید [= عذاب الهی] نزد من نیست. فرمان، تنها از آن الله است [که] حق را بیان می‌کند و او بهترین جداکننده [ی حق از باطل] است».

(۵۸) [ای پیامبر، به مشرکان] بگو: «اگر آنچه که به شتاب خواستارش هستید نزد من بود، [بر سرتان فرود می‌آوردم و] کار میان من و شما به پایان می‌رسید؛ و [الی] الله به [حال] ستمکاران داناتر است [و به آنان مهلت می‌دهد]».

(۵۹) و کلیدهای [گنجینه‌های] نهان نزد اوست [و] جز او [هیچ کس] آن را نمی‌داند و [اوست که] آنچه را در خشکی و دریاست می‌داند و هیچ برگی [از درخت] نمی‌افتد مگر اینکه آن را می‌داند؛ و هیچ دانه‌ای در تاریکی‌های زمین و هیچ تر و خشکی نیست مگر اینکه در کتابی روشن [= لوح محفوظ] قرار دارد.

(۶۰) و اوست که شبانگاه روحتان را [هنگام خواب] می‌گیرد و آنچه را در روز به دست آورده‌اید می‌داند؛ سپس شما را در آن [= روز]

قُلْ إِنِّي عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّي وَكَذَّبْتُمْ بِهِ ۚ مَا عِنْدِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ ۚ إِنِ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ يَقْضُ الْحُكْمَ ۖ وَهُوَ خَيْرُ الْفَاصِلِينَ ﴿٥٧﴾

قُلْ لَوْ أَنَّ عِنْدِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ ۖ لَفُضِيَ الْأَمْرُ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ ۗ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِالظَّالِمِينَ ﴿٥٨﴾

وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ ۚ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ ۚ وَمَا تَسْقُطُ مِن رَّوْقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِي ظُلْمَتٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ ﴿٥٩﴾

وَهُوَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُم بِاللَّيْلِ وَيَعْلَمُ مَا جَرَحْتُم بِالنَّهَارِ ۚ ثُمَّ

بیدار می‌کند تا آنکه هنگامی معین سپری گردد؛ آنگاه [که وفات کردید، در قیامت] بازگشتتان به سوی اوست؛ سپس شما را از آنچه انجام می‌دادید، آگاه می‌کند.

يَبْعَثُكُمْ فِيهِ لِيُقْضَىٰ أَجَلٌ مُّسَيَّطٌ ثُمَّ إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ ثُمَّ يُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٦٠﴾

(۶۱) و او بر بندگانش چیره [و فوق آنان] است و نگهبانانی [از فرشتگان] بر شما می‌فرستد تا زمانی که مرگ یکی از شما فرارسد فرستادگان ما [با همراهی فرشته مرگ] جانش را می‌گیرند و آنان [در مأموریت خود] کوتاهی نمی‌کنند.

وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمْ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفِرُّونَ ﴿٦١﴾

(۶۲) آنگاه به سوی الله که [یار و] کارساز راستینشان است بازگردانده می‌شوند. آگاه باشید! حکم از آن اوست و او سریع‌ترین حسابرس است.

ثُمَّ رُدُّوْا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمُ الْحَقِّ ۗ أَلَا لَهُ الْحُكْمُ وَهُوَ أَسْرَعُ ۗ أَلْحَسِبِیْنَ ﴿٦٢﴾

(۶۳) [ای پیامبر، به مشرکان] بگو: «کیست که شما را از تاریکی‌ها [و سختی‌های] خشکی و دریا نجات می‌دهد؟ [در حالی که] او را به زاری و پنهانی می‌خوانید [و می‌گویید:] "اگر ما را از این [ورطه مرگ] نجات دهد، قطعاً از سپاسگزاران خواهیم بود"».

قُلْ مَنْ يُنَجِّیْكُمْ مِّنْ ظُلُمَاتٍ أَلْبَرٍ وَالْبَحْرِ تَدْعُونَهُ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً لَّئِن أَنْجَلْنَا مِنْ هَذِهِ لَئَكُونَ مِنَ الشَّاكِرِیْنَ ﴿٦٣﴾

(۶۴) بگو: «الله شما را از این [تاریکی‌ها] و از تمام سختی‌ها نجات می‌دهد؛ سپس شما [باز هم] شرک می‌ورزید».

قُلِ اللَّهُ يُنَجِّیْكُمْ مِنْهَا وَمِنْ كُلِّ كَرْبٍ ثُمَّ أَنْتُمْ مُشْرِكُونَ ﴿٦٤﴾

قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبَسَكُمْ شِيْعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ أَنْظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ ﴿٦٥﴾

(۶۵) بگو: «او تواناست که بر شما عذابی [همچون صاعقه و طوفان] از بالای سرتان یا [همچون خشکسالی و زلزله] از زیر پاهایتان بفرستد یا شما را به صورت گروه‌هایی پراکنده [و جدا از هم] درآورد و عذاب برخی از شما را به برخی [دیگر] بچشاند». بنگر چگونه آیات [خود] را گوناگون بیان می‌کنیم؛ باشد که دریابند.

وَكَذَّبَ بِهِ قَوْمُكَ وَهُوَ الْحَقُّ قُل لَّسْتُ عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ ﴿٦٦﴾

(۶۶) [ای پیامبر،] قوم تو آن [= قرآن] را دروغ شمردند، در حالی که آن [کتاب،] حق است. [به کافرانِ قومت] بگو: «من [مراقب و] کارگزارِ شما نیستم.

لِكُلِّ نَبِيٍّ مُّسْتَقَرٌّ وَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ﴿٦٧﴾

(۶۷) هر خبری سررسیدی [برای وقوع] دارد؛ و [به زودی] خواهید دانست [که سرانجامتان چگونه است]».

وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ وَإِمَّا يُنسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرَىٰ مَعَ الْقَوْمِ

(۶۸) و هر گاه کسانی را دیدی که در آیات ما [با دشمنی و تمسخر] گفتگو می‌کنند، از آنان روی بگردان تا به سخن دیگری بپردازند؛ و اگر شیطان تو را به فراموشی انداخت، پس از آنکه به یاد آوردی، دیگر با قوم ستمکار [مشرك] منشین.

وَمَا عَلَى الَّذِينَ يَتَّقُونَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَلَكِنْ ذِكْرِي لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ﴿٦٩﴾

(۶۹) و [هر چند] چیزی از حساب [و گناه] آنان بر [عهده] پرهیزگاران نیست، ولی یادآوری [و ارشاد، لازم] است؛ باشد که پروا کنند.

وَذَرِ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لِبَاطِلٍ آلِهَاتِهِمْ وَعَزَّوْتَهُمْ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَذَكِّرْ بِهِ ۚ أَنْ تُبْسَلَ نَفْسٌ بِمَا كَسَبَتْ لَيْسَ لَهَا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ وَإِنْ تَعَدَلَ كُلُّ قَدْلٍ لَّا يُؤْخَذُ مِنْهَا ۗ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ أُبْسِلُوا بِمَا كَسَبُوا ۗ لَهُمْ شَرَابٌ مِّنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ ﴿٧٠﴾

(۷۰) و کسانی را که دینشان را به بازی و سرگرمی گرفته‌اند و زندگی دنیا آنان را فریفته است رها کن؛ و [مردم را] با این [قرآن] اندرز ده تا مبدا کسی به [کیفر] آنچه به دست آورده است به هلاکت بیفتد در حالی که در برابر الله برای [رهایی از عذاب] آن نه [دوست] و [کارسازی دارد و نه شفاعتگری؛ و [حتی] اگر [بخواهد برای نجات خویش] هر فدیهای دهد، از او پذیرفته نمی‌شود. اینان هستند که به [کیفر] آنچه به دست آورده‌اند، هلاک گشته‌اند و به [سزای] آنکه کفر می‌ورزیدند، شرابی از آب جوشان و عذابی پردرد [در پیش] دارند.

قُلْ أَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُنَا وَلَا يَضُرُّنَا وَنُرَدُّ عَلَىٰ أَعْقَابِنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا اللَّهُ كَالَّذِي أُسْتَهْوَتْهُ الشَّيَاطِينُ فِي الْأَرْضِ حَيْرَانَ لَهُ أَصْحَابٌ يَدْعُونَهُ إِلَى الْهُدَىٰ أُتِّبْنَا ۗ قُلْ إِنَّ

(۷۱) [ای پیامبر،] بگو: «آیا به جای الله چیزی را بخوانیم که نه به ما سود می‌دهد و نه زیان می‌رساند؟ و آیا پس از آنکه الله ما را هدایت کرده است [به سوی گمراهی] به عقب بازگردیم؟ همچون کسی که شیاطین او را [فريب داده و از راه راست] به در بُرده‌اند و او در زمین حیران و سرگشته مانده است، در

هُدَىٰ اللَّهُ هُوَ الْهُدَىٰ ۖ وَأَمْرَنَا لِنُسَلِّمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٧١﴾

حالی که او یارانی [دلسوز] دارد که به هدایت دعوتش می‌کنند [و می‌گویند]: "به سوی ما بیا". بگو: «بی‌تردید، هدایت [راستین]، هدایت الله است و ما فرمان یافته‌ایم که تسلیم پروردگار جهانیان باشیم؛

وَأَنْ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتَقُوا وَهُوَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ﴿٧٢﴾

(۷۲) و اینکه نماز برپا دارید و از او پروا کنید؛ و اوست که به پیشگاهش محشور خواهید شد».

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ ۖ وَيَوْمَ يَقُولُ كُن فَيَكُونُ ۚ قَوْلُهُ الْحَقُّ وَلَهُ الْمَلَكُ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ عَلِيمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ ۚ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ ﴿٧٣﴾

(۷۳) و اوست که آسمان‌ها و زمین را به حق آفرید و روزی که [الله به هر چیزی] بگوید: «موجود شو»، بی‌درنگ موجود می‌شود. سخن او حق است؛ و روزی که در صور دمیده می‌شود، فرمانروایی از آن اوست. او دانای پنهان و پیداست و اوست که حکیم آگاه است.

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ أَعَزَّرَ أَتَّخِذُ أَصْنَامًا ءَالِهَةً إِنِّي أَرَأَيْتَ وَقَوْمَكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٧٤﴾

(۷۴) و [یاد کن از] هنگامی که ابراهیم به پدرش - آزر - گفت: «آیا بت‌ها را معبود [خویش] می‌گیری؟ به راستی که من تو و قومت را در گمراهی آشکاری می‌بینم».

وَكَذَلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ ﴿٧٥﴾

(۷۵) و این گونه فرماندهی [شکوهمند] آسمان‌ها و زمین را به ابراهیم نشان دادیم تا [یگانگی الله و گمراهی آزر و قومش را دریابد و] از اهل یقین باشد.

فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَى كَوْكَبًا ۖ
 قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا
 أُحِبُّ الْأَفْلِينَ ﴿٧٦﴾

(۷۶) پس هنگامی که [تاریکی] شب او را در بر گرفت، ستاره‌ای دید [و] گفت: «این پروردگار من است» و چون غروب کرد [و ناپدید شد] گفت: «غروب‌کنندگان را دوست ندارم».

فَلَمَّا رَأَى الْقَمَرَ بَازِعًا قَالَ هَذَا
 رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَئِن لَّمْ يَهْدِنِي
 رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ
 الضَّالِّينَ ﴿٧٧﴾

(۷۷) پس هنگامی که ماه را تابنده دید گفت: «این پروردگار من است» و چون غروب کرد گفت: «اگر پروردگارم مرا هدایت نکرده بود، قطعاً از گمراهان بودم».

فَلَمَّا رَأَى الشَّمْسَ بَازِعَةً قَالَ
 هَذَا رَبِّي هَذَا أَكْبَرُ فَلَمَّا أَفَلَتْ
 قَالَ يَقَوْمِ إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا
 تُشْرِكُونَ ﴿٧٨﴾

(۷۸) پس هنگامی که خورشید را درخشنده دید گفت: «این پروردگار من است. این بزرگ‌تر است»؛ اما وقتی که غروب کرد گفت: «ای قوم، من از آنچه [برای الله] شریک قرار می‌دهید بیزارم».

إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ
 السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا وَمَا أَنَا
 مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿٧٩﴾

(۷۹) به راستی که من حقگرایانه دین [و عبادت] خویش را برای کسی خالص کرده‌ام که آسمان‌ها و زمین را پدید آورده است و هرگز در زمره مشرکان نیستم».

وَحَاجَّهُ قَوْمُهُ قَالَ أَتُحِبُّونِي
 فِي اللَّهِ وَقَدْ هَدَبْتُ وَلَا أَخَافُ مَا
 تُشْرِكُونَ بِهِ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ رَبِّي
 شَيْئًا وَسِعَ رَبِّي كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا ۖ

(۸۰) و قوم او با وی به مجادله پرداختند [و او را از خشم معبودها ترساندند. ابراهیم] گفت: «آیا درباره‌ی الله با من مجادله می‌کنید در حالی که او مرا [به راه راست] هدایت کرده است و از چیزهایی که با او شریک می‌پندارید هیچ

أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ ﴿۸۰﴾

نمی‌ترسم، مگر آنکه پروردگارم چیزی [از سود و زیان برایم] خواسته باشد. علمِ پروردگارم همه چیز را فرا گرفته است. آیا پند نمی‌گیرید؟

(۸۱) و چگونه از چیزهایی که شریک [الله] می‌پندارید بترسم با آنکه شما خود نمی‌هراسید از اینکه چیزی را شریک الله ساخته‌اید که او تعالی [هیچ] دلیلی درباره [حقانیت] آن بر شما نازل نکرده است؟ پس اگر می‌دانید، [بگویند] کدام یک از این دو گروه [موحد و مشرک] به امنیت [و دوری از عذاب] سزاوارتر است؟

وَكَيْفَ أَخَافُ مَا أَشْرَكْتُمْ وَلَا تَخَافُونَ أَنَّكُمْ أَشْرَكْتُمْ بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا ۚ فَأَيُّ الْفَرِيقَيْنِ أَحَقُّ بِالْأَمْنِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿۸۱﴾

(۸۲) کسانی که ایمان آورده‌اند و ایمانشان را به [هیچ] شرکی نیالوده‌اند، آناند که امنیت [و آرامش] دارند و رهیافتگانند».

الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُّهْتَدُونَ ﴿۸۲﴾

(۸۳) و این [استدلال]، حجت ما بود که به ابراهیم در برابر قومش دادیم. [در دنیا و آخرت، مقام] هر کس را که بخواهیم به درجاتی بالا می‌بریم. [ای پیامبر]، بی‌تردید، پروردگارت حکیم داناست.

وَتِلْكَ حُجَّتُنَا آتَيْنَاهَا إِبْرَاهِيمَ عَلَىٰ قَوْمِهِ ۖ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مَّن نَّشَاءُ ۗ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ ﴿۸۳﴾

(۸۴) و به او [= ابراهیم] اسحاق و یعقوب را بخشیدیم و همه را [به راه راست] هدایت کردیم؛ و بیشتر نوح را [نیز] هدایت کرده بودیم و از نسل او داود و سلیمان و ایوب و

وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ ۗ كُلًّا هَدَيْنَا ۚ وَنُوحًا هَدَيْنَا مِن قَبْلُ ۗ وَمِن ذُرِّيَّتِهِ دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ ۚ وَأَيُّوبَ وَيُوسُفَ وَمُوسَىٰ وَهَارُونَ ۚ

یوسف و موسی و هارون را [به راه حق رهنمون ساختیم] و نیکوکاران را این گونه پاداش می‌دهیم.

وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿٨٤﴾

(۸۵) و [همچنین] زکریا و یحیی و عیسی و الیاس [را راه نمودیم که] همه از شایستگان بودند.

وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَىٰ وَعِيسَىٰ وَإِيلَاسَ
كُلٌّ مِّنَ الصَّالِحِينَ ﴿٨٥﴾

(۸۶) و اسماعیل و یسَع و یونس و لوط [را نیز هدایت کردیم] و جملگی را بر جهانیان برتری دادیم.

وَإِسْمَاعِيلَ وَالْيَسَعَ وَيُونُسَ وَلُوطًا
وَكُلًّا فَضَّلْنَا عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿٨٦﴾

(۸۷) و [نیز] از پدران و فرزندان و برادرانشان [برخی را برتری دادیم و] آنان را برگزیدیم و به راه راست هدایت کردیم.

وَمِنْ آبَائِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَإِخْوَانِهِمْ
وَأَجْتَبَيْنَاهُمْ وَهَدَيْنَاهُمْ إِلَى صِرَاطٍ
مُّسْتَقِيمٍ ﴿٨٧﴾

(۸۸) این هدایتِ الله است که هر یک از بندگان را که بخواهد، با آن هدایت می‌کند؛ و اگر شرک می‌ورزیدند، آنچه [از اعمال نیک] انجام داده بودند تباه می‌شد.

ذَٰلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَن يَشَاءُ
مِنَ عِبَادِهِ وَلَوْ أَشْرَكُوا لَحَبِطَ عَنْهُمْ
مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٨٨﴾

(۸۹) اینان کسانی هستند که به ایشان کتاب و حکمت و نبوت بخشیدیم. پس [ای پیامبر]، اگر اینان [= مشرکان] به این [پیامبران و کتاب‌های الهی] کفر بورزند، قطعاً گروهی [= مهاجران و انصار و تابعین] را بر [حفظ و

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ
وَالنَّبُوَّةَ فَإِن يَكْفُرْ بِهَا هَٰؤُلَاءِ فَقَدْ
وَكَّلْنَا بِهَا قَوْمًا لَّيْسُوا بِهَا بِكَافِرِينَ ﴿٨٩﴾

نگهبانی] آن [اصول و عقاید] می‌گماریم که نسبت به آن کافر نباشند.

أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ^ط فَبِهَدْيِهِمْ أَفْتَدِيهِ^ط قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ ﴿٩٠﴾

(۹۰) آنان [= پیامبران] کسانی هستند که الله هدایتشان کرده است؛ پس [ای پیامبر،] از هدایت [و راه راست] ایشان پیروی کن [و به قومت] بگو: «من در برابر این [رسالت،] پاداشی از شما نمی‌خواهم. این [قرآن، چیزی] نیست مگر [یادآوری و] پندی برای جهانیان».

وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِذْ قَالُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيَّ بَشْرًا مِّنْ شَيْءٍ قُلْ مَنْ أَنْزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي جَاءَ بِهِ مُوسَى نُورًا وَهُدًى لِّلنَّاسِ لِيَجْعَلُوهُ^ط قَرَاطِيسَ يُبَدُّونَهَا وَخُفُونَ كَثِيرًا وَعَلِمْتُمْ مَا لَمْ تَعْلَمُوا أَنْتُمْ وَلَا آبَاؤُكُمْ قُلِ اللَّهُ تَمَّ ذَرْهَمٌ فِي خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ ﴿٩١﴾

(۹۱) و [مشرکان، بزرگی و مقام] الله را چنان که سزاوار اوست نشناختند؛ چرا که گفتند: «الله بر [هیچ] بشری چیزی نازل نکرده است». [ای پیامبر،] بگو: «آن کتابی را که موسی آورد چه کسی نازل کرده است؟ [همان کتابی که] برای مردم روشنایی و رهنمودی بود [و شما یهودیان] آن را به صورت [پراکنده بر] طومارها درمی‌آورید [و هر چه را که می‌خواهید] از آن آشکار می‌سازید و بسیاری را پنهان می‌کنید؛ و [اکنون ای قوم عرب،] چیزهایی [از آیات و اخبار قرآن] به شما آموخته شد که نه خود می‌دانستید و نه پدرانتان». [ای پیامبر،] بگو: «الله [آن را نازل کرده است]»؛ آنگاه [در جهل و گمراهی] رهایشان کن تا در ژرفای [عقاید باطل] خود سرگرم بازی باشند.

وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ مُصَدِّقٌ لِّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ ۗ وَهُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ ﴿٩٢﴾

(۹۲) و این [قرآن] کتاب مبارکی است که آن را نازل کردیم [تا] تصدیق کننده چیزی باشد که پیش از آن نازل شده است و [همچنین] به این منظور است که به [ساکنان] اُمّ القُری [= مکه] و [مردم] پیرامونش [در سراسر گیتی] هشدار دهی؛ و کسانی که به آخرت ایمان می آورند، به این [کتاب] نیز ایمان می آورند و بر نماز خویش مواظبت می کنند.

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ قَالَ أُوحِيَ إِلَيَّ وَلَمْ يُوحَ إِلَيْهِ شَيْءٌ وَمَنْ قَالَ سَأُنزِلُ مِثْلَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ ۗ وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ فِي غَمَرَاتِ الْمَوْتِ وَالْمَلَائِكَةُ بَاسِطُوا أَيْدِيهِمْ أَخْرِجُوا أَنْفُسَكُمُ الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ وَكُنْتُمْ عَنْ آيَاتِهِ تَسْتَكْبِرُونَ ﴿٩٣﴾

(۹۳) و کیست ستمکارتر از آن کس که دروغی به الله ببندد یا بگوید: «به من [نیز] وحی شده است»؛ در حالی که هیچ وحیی به او نرسیده است و [یا] کسی که بگوید: «من [هم] مانند آنچه را که الله نازل کرده است [برایتان] نازل می کنم»؟ و [ای پیامبر، صحنه هولناکی است] اگر هنگامی را ببینی که [این] ستمکاران، در [ترس و] سختی های مرگ فرورفته اند و فرشتگان [قبض روح]، دست هایشان را [به سوی آنان] گشوده اند [و فریاد می زنند]: «جان هایتان را [از بدن] بیرون دهید. امروز به [سزای] آنچه به ناحق بر الله دروغ می بستید و در برابر آیاتش تکبر می کردید، به عذابی خفت بار مجازات می شوید».

وَلَقَدْ جِئْتُمُونَا فُرَادَىٰ كَمَا

(۹۴) و [روز قیامت الله می فرماید]: «همان

گونه که شما را نخستین بار [بدون مال و مقام] آفریدیم، [اکنون نیز] قطعاً تنها به سوی ما آمده‌اید و آنچه [از متاع دنیا] را که به شما ارزانی کرده بودیم، پشت سر خود [در دنیا] وا گذاشتید و [معبودان و] شفاعتگرانی را که در [امور] خودتان شریکان [الله] می‌پنداشتید، همراه شما نمی‌بینیم. به راستی پیوند میان شما گسسته است و آنچه [شریک ما و شفیع خود] می‌پنداشتید، گم گشته است».

خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَتَرَكْتُمْ مَا
خَوَّلْنَاكُمْ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ وَمَا
نَرَى مَعَكُمْ شُفَعَاءَكُمُ الَّذِينَ
زَعَمْتُمْ أَنَّهُمْ فِيكُمْ شُرَكَاءُ
لَقَدْ تَقَطَّعَ بَيْنَكُمْ وَضَلَّ
عَنْكُمْ مَا كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ ﴿٩٤﴾

(۹۵) بی‌تردید، الله شکافندهٔ دانه [ی گیاهان] و هسته [ی خرما در دل زمین] است؛ [موجود] زنده را از [ماده] بی‌جان بیرون می‌آورد [= رویش گیاه از دانه] و [ماده به ظاهر] بی‌جان را از [موجود] زنده خارج می‌سازد [= بیرون آمدن تخم یا نطفه از حیوانات]. این الله است [که چنین قدرت مطلقى دارد]؛ پس چگونه [از راه بندگی او] منحرف می‌شوید؟

إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَى
يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ
الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ ذَٰلِكُمُ اللَّهُ
فَإِنِّي تُوفِّكُونَ ﴿٩٥﴾

(۹۶) [او] شکافندهٔ سپیده‌دم است و شب را [امایه] آرامش قرار داد و خورشید و ماه را [نیز] با حساب [و نظمی دقیق] پدید آورد. تقدیر [پروردگار] شکست‌ناپذیر دانا چنین است.

فَالِقُ الْإِصْبَاحِ وَجَعَلَ اللَّيْلَ
سَكَنًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ حُسْبَانًا
ذَٰلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ﴿٩٦﴾

(۹۷) و [ای فرزندان آدم]، اوست که ستارگان را برایتان قرار داد تا در تاریکی‌های خشکی و

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ النُّجُومَ
لِيَهْتَدُوا بِهَا فِي ظُلُمَاتِ اللَّيْلِ

دریا به [کمک] آنها راه یابید. به راستی که ما نشانه‌های [توان و تدبیر خویش] را برای مردمی که می‌دانند به تفصیل بیان کرده‌ایم.

(۹۸) و اوست که شما را از یک تن آفرید؛ پس برای شما [در رحم مادر] قرارگاهی است و [در پشت پدر] امانتگاهی. ما آیات [خود] را برای مردمی که [کلام الهی را] می‌فهمند به تفصیل بیان کرده‌ایم.

(۹۹) و اوست که از آسمان، آبی فرو ریخت و از آن [باران] هر گونه رویدنی برآوردیم و از آن [نیز هر کشت و گیاه] سبزی را رویاندیم [که] از آن [گیاهان نیز برای تغذیه شما] دانه‌های متراکمی [همچون گندم و جو] پدید می‌آوریم؛ و [همچنین] از شکوفه نخل، خوشه‌هایی نزدیک به یکدیگر [رویاندیم] و باغ‌هایی از انگور و زیتون و انار [آفریدیم؛ میوه‌هایی که] برخی همانند و برخی ناهمانند هستند. وقتی به بار نشست، به میوه‌های آن و [نحوه] رسیدنش بنگرید. در این [آفرینش] برای مردمی که ایمان دارند، نشانه‌هایی [روشن از قدرت الهی] است.

(۱۰۰) و [مشرکان] شریکانی از جن برای الله قایل شده‌اند؛ حال آنکه [الله خود] آنها را

وَالْبَحْرِ ۖ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿۹۷﴾

وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِّن نَّفْسٍ وَاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ ۗ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ ﴿۹۸﴾

وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُّخْرِجُ مِنْهُ حَبًّا مُّتَرَاكِبًا وَمِنَ النَّخْلِ مِن طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ وَجَنَّاتٍ مِّنْ أَعْنَابٍ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُشْتَبِهًا وَغَيْرَ مُتَشَبِهٍ ۗ نَنْظُرُوا إِلَى ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَيَنْعِهِ ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكُمْ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿۹۹﴾

وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ الْجِنَّ وَخَلَقَهُمْ ۗ وَخَرَقُوا لَهُ بَنِينَ وَبَنَاتٍ بِغَيْرِ

عِلْمٍ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُصِفُونَ ﴿۱۰۰﴾
 آفریده است؛ و [همچنین] از روی نادانی
 برایش [فرزندان] پسر و دختر می‌سازند [و به
 او تعالی نسبت می‌دهند]. او از آنچه توصیف
 می‌کنند پاک و برتر است.

بَدِيعَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ أَلَيْسَ
 يَكُونُ لَهُ وَاَلِدٌ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ
 صَاحِبَةٌ ۗ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ ۗ وَهُوَ
 بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿۱۰۱﴾
 [او] پدید آورنده آسمان‌ها و زمین
 است؛ چگونه ممکن است فرزندی داشته باشد
 در حالی که همسری ندارد؟ و همه چیز را
 آفریده و او به همه چیز داناست.

ذَٰلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ ۗ لَا إِلَهَ إِلَّا
 هُوَ ۗ خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ ۗ فَاعْبُدُوهُ
 وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ ﴿۱۰۲﴾
 [این است] الله، پروردگار شما؛ هیچ
 معبودی [به‌حق] جز او نیست؛ آفریننده همه
 چیز است؛ پس او را عبادت کنید و [بدانید که]
 او [مراقب و] کارگزار همه چیز است.

لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ
 الْأَبْصَرَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ ﴿۱۰۳﴾
 چشم‌ها او را در نمی‌یابند و [الی] او
 چشم‌ها را درمی‌یابد و اوست که باریک‌بین و
 آگاه است.

قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ ۗ
 فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ ۗ وَمَنْ عَمِيَ
 فَعَلَيْهَا ۗ وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ
 بِحَفِيظٍ ﴿۱۰۴﴾
 [ای پیامبر، به مشرکان بگو:] «به
 راستی دلایل آشکاری از جانب پروردگارتان
 برای شما آمده است؛ پس هر کس [با بصیرت
 و منطق درباره آن] بیندیشد به سود اوست و
 هر کس چشم [بر حقیقت] ببندد، به زیان
 اوست؛ و من نگهبان شما نیستم.»

وَكَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْأَيَاتِ وَلِيَقُولُوا دَرَسْتَ وَلِنُبَيِّنَهُ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿١٠٥﴾

و اینچنین نشانه‌ها [و دلایل قدرت الهی] را گوناگون بیان می‌کنیم تا مبدا [مشرکان] بگویند: «[آنها را از اهل کتاب] آموخته‌ای»؛ و ما آنها را برای گروهی که می‌دانند [و می‌فهمند] به روشنی بیان می‌کنیم.

اتَّبِعْ مَا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۖ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ ﴿١٠٦﴾

[ای پیامبر] از آنچه که از جانب پروردگارت بر تو وحی شده است پیروی کن - هیچ معبودی [به‌حق] جز او نیست - و از مشرکان روی بگردان.

وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكُوا وَمَا جَعَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا ۖ وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ ﴿١٠٧﴾

[اگر الله می‌خواست، [آنان هرگز] شرک نمی‌ورزیدند؛ و ما تو را بر آنان نگهبان قرار نداده‌ایم و تو [هرگز مراقب و] کارگزارشان نیستی.

وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ ۗ كَذَلِكَ زَيَّنَّا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلَهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٠٨﴾

[ای مؤمنان، هرگز] به آنها [=معبودهای باطل] که [مشرکان] به جای الله [به نیایش] می‌خوانند دشنام ندهید [چرا که] آنان نیز [به ناحق] از روی ستم [و] نادانی به الله دشنام می‌دهند. این گونه برای هر امتی کردارشان را آراستیم؛ سپس بازگشت آنان [در قیامت] به سوی پروردگارشان است و آنان را از آنچه انجام می‌دادند آگاه می‌سازد.

وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِن

[مشرکان] با سخت‌ترین سوگندهایشان

به الله سوگند خوردند که اگر معجزه‌ای [که خواسته‌اند] برایشان بیاید، حتماً ایمان می‌آورند. [ای پیامبر،] بگو: «معجزات فقط در اختیار الله است» و شما [ای مؤمنان،] چه می‌دانید که اگر [معجزه‌ای هم] بیاید، ایمان نمی‌آورند.

جَاءَتْهُمْ آيَةٌ لِّيُؤْمِنُوا بِهَا قُلْ إِنَّمَا الْأَيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ وَمَا يُشْعِرُكُمْ أَنَّهَا إِذَا جَاءَتْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٠٩﴾

(۱۱۰) و ما دل‌ها و دیدگانشان را [از درک حقایق] برمی‌گردانیم، [در نتیجه، به معجزات ما ایمان نمی‌آورند] چنانکه نخستین بار به آن ایمان نیاوردند. و آنان را در [نافرمانی و] طغیانشان سرگشته رها می‌کنیم.

وَنُقَلِّبُ أَفْعَادَهُمْ وَأَبْصَرَهُمْ كَمَا لَمْ يُؤْمِنُوا بِهِ أَوْلَٰ مَرَّةٍ وَنَذَرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴿١١٠﴾

(۱۱۱) و اگر ما فرشتگان را به سوی آنان می‌فرستادیم و [حتی] اگر مردگان با آنان به سخن می‌آمدند و هر چیزی را دسته‌دسته در برابرشان گرد می‌آوردیم [تا راستگویی پیامبر را گواهی دهند]، باز هم ایمان نمی‌آوردند - مگر اینکه الله بخواهد - ولی بیشتر آنان نادانی می‌کنند.

وَلَوْ أَنَّا نَزَّلْنَا إِلَيْهِمُ الْمَلَكِيَّةَ وَكَلَّمَهُمُ الْمَوْتَىٰ وَحَشَرْنَا عَلَيْهِمْ كُلَّ شَيْءٍ قُبَلًا مَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ يَجْهَلُونَ ﴿١١١﴾

(۱۱۲) و [ای پیامبر محمد، تو را با دشمنی مشرکان آزمودیم و] همچنین برای هر پیامبری، دشمنی از شیاطین انس و جن قرار دادیم که برخی از آنان در نهان، به برخی دیگر سخنان فریبنده [و بی‌اساس] القا می‌کنند و اگر پروردگارت می‌خواست، [هرگز] چنین

وَكَذَٰلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَٰيَطِينَ الْإِنسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرَّهُمْ وَمَا يُفْتَرُونَ ﴿١١٢﴾

نمی‌کردند؛ پس آنان را با دروغ‌هایی که می‌بافند واگذار.

وَلِصَّغَىٰ إِلَيْهِ أَفْعَدَهُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَلِيَرْتَوْهُ وَلِيَقْتَرِفُوا مَا هُمْ مُقْتَرِفُونَ ﴿١١٣﴾
 و [چنین کردیم تا آنان را بیازماییم، خواستیم] تا دل‌های کسانی که به آخرت ایمان نمی‌آورند، به آن [سخن فریبنده] بگراید و آن را بیسندد و هر گناهی که می‌خواهند مرتکب شوند.

أَفَعَيَّرَ اللَّهُ أَلْبَنِي حَكَمًا وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ مُفَصَّلًا وَالَّذِينَ ءَاتَيْنَهُمُ الْكِتَابَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ مُنَزَّلٌ مِّن رَّبِّكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ ﴿١١٤﴾
 [ای پیامبر به مشرکان بگو:] «آیا [سزاست که برای قضاوت دربارهٔ اختلاف من و شما] داوری جز الله بجویم؟ و حال آنکه اوست ذاتی که این کتاب را به تفصیل به سوی شما نازل کرده است»؛ و کسانی که کتاب [آسمانی] به ایشان داده‌ایم می‌دانند که آن [قرآن] از جانب پروردگارت به حق نازل شده است؛ پس هرگز از تردیدکنندگان نباش.

وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿١١٥﴾
 [در گفتار] و عدل [در احکام] به حد تمام و کمال رسید. هیچ تغییردهنده‌ای برای سخنانش نیست؛ و او شنوای داناست.

وَإِنْ تُطِعْ أَكْثَرَ مَن فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ ﴿١١٦﴾
 و اگر از بیشتر مردم زمین اطاعت کنی، تو را از راه الله گمراه می‌کنند. آنان جز گمان [بی‌اساس خود از چیزی] پیروی نمی‌کنند و جز دروغ نمی‌بافند.

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ مَنْ يَضِلُّ عَنْ سَبِيلِهِ ۗ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ ﴿١١٧﴾

(۱۱۷) بی تردید، پروردگارت به [حال] کسی که از راه او منحرف می شود داناتر است؛ و او به [حال] راه یافتگان [نیز] داناتر است.

فَكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ بِآيَاتِهِ مُؤْمِنِينَ ﴿١١٨﴾

(۱۱۸) پس [ای مردم]، اگر به آیاتش ایمان دارید، [فقط] از [گوشت] آنچه نام الله [هنگام ذبح] بر آن برده شده است بخورید.

وَمَا لَكُمْ أَلَّا تَأْكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَقَدْ فَصَّلَ لَكُمْ مَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ إِلَّا مَا اضْطُرِرْتُمْ إِلَيْهِ وَإِنَّ كَثِيرًا لَيُضِلُّونَ بِأَهْوَابِهِمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُعْتَدِينَ ﴿١١٩﴾

(۱۱۹) و [ای مسلمانان]، شما را چه شده است که از آنچه [از گوشت هایی که] نام الله بر آن برده شده است نمی خورید؟ حال آنکه [الله] آنچه را بر شما حرام کرده است به تفصیل برایتان بیان داشته است [پس از آنها دوری کنید]؛ مگر چیزی که به [خوردن] آن ناچار شوید؛ و بی تردید، بسیاری [از مردم، دیگران را] از روی نادانی با هوس های خویش گمراه می کنند. [ای پیامبر]، یقیناً پروردگارت به [حال] تجاوزکاران [از حدود الهی] داناتر است.

وَذَرُوا ظِلْمَهُ الْأَئِمِّ وَبَاطِنَهُ إِنَّ الَّذِينَ يَكْسِبُونَ الْأَئِمَّ سَيُجْزَوْنَ بِمَا كَانُوا يَقْتَرِفُونَ ﴿١٢٠﴾

(۱۲۰) و [ای مردم]، گناه آشکار و پنهان را رها کنید؛ [چرا که] بی تردید، کسانی که مرتکب گناه می شوند، به زودی در ازای آنچه می کردند مجازات خواهند شد.

وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذْكَرْ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَفِسْقٌ وَإِنَّ

(۱۲۱) و [ای مؤمنان]، از آنچه [هنگام ذبح] نام الله بر آن برده نشده است نخورید؛ چرا که

آن [کار] قطعاً نافرمانی است؛ و در حقیقت، شیاطین به دوستان خود القا می‌کنند که با شما [در این مورد] مجادله نمایند؛ و اگر از آنان اطاعت کنید، قطعاً شما [نیز در زمره] مشرکان هستید.

الشَّيْطَانِ لِيُوْحُونَ إِلَىٰ أَوْلِيَآئِهِمْ
لِيَجْدِلُواكُمْ وَإِنَّ أَطْعَمُوهُمْ
إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ ﴿١٢١﴾

(۱۲۲) آیا کسی که [دلش بر اثر جهل و شرک] مرده بود و ما [با توحید و ایمان] زنده‌اش گردانیدیم و نوری برایش پدید آوردیم تا در پرتوی [هدایت] آن، میان مردم گام بردارد، همچون کسی است که در تاریکی‌ها [گرفتار] است و از آن بیرون آمدنی نیست؟ آنچه کافران می‌کردند، این گونه برایشان آراسته شده است.

أَوْ مَن كَانَ مَيِّتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا
لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ
كَمَن مَّثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ
بِخَارِجٍ مِّنْهَا كَذَلِكَ زُيِّنَ
لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٢٢﴾

(۱۲۳) و این گونه در هر شهری بزرگان گناهکارش را می‌گماریم تا در آن به نیرنگ بپردازند [و مردم را از راه الله بازدارند]؛ و [الی] آنان جز به خود نیرنگ نمی‌زنند و [این حقیقت را] درک نمی‌کنند.

وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ
أَكْبَرَ مُجْرِمِيهَا لِيَمْكُرُوا فِيهَا
وَمَا يَمْكُرُونَ إِلَّا بِأَنْفُسِهِمْ وَمَا
يَشْعُرُونَ ﴿١٢٣﴾

(۱۲۴) و [مشرکان] چون آیه‌ای [از قرآن] برایشان می‌آید می‌گویند: «هرگز به آن ایمان نمی‌آوریم، مگر آنکه همانند آنچه به پیامبران الهی داده شده است، به ما نیز داده شود». الله بهتر می‌داند رسالت خویش را کجا [و بر عهده] چه کسی [قرار دهد. به زودی به کسانی که

وَإِذَا جَاءَتْهُمْ آيَةٌ قَالُوا لَن نُّؤْمِنَ
حَتَّىٰ نُؤْتَىٰ مِثْلَ مَا أُوتِيَ رُسُلُ
اللَّهِ اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ
رِسَالَتَهُ سَيُصِيبُ الَّذِينَ أَجْرَمُوا
صَغَارٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعَذَابٌ شَدِيدٌ

مرتکب [نافرمانی و] گناه شدند، به سزای نیرنگی که ورزیده بودند، از جانب الله، خواری و عذابی سخت خواهد رسید.

بِمَا كَانُوا يَمْكُرُونَ ﴿۱۲۴﴾

(۱۲۵) پس هر کس که الله بخواهد او را هدایت کند، دلش را برای [پذیرش] اسلام می‌گشاید؛ و هر کس را بخواهد در گمراهی واگذارد، دلش را بسیار تنگ [و بسته] می‌سازد [و پذیرش حق را چنان برایش محال می‌گرداند که] گویی می‌خواهد از آسمان بالا رود [ولی نمی‌تواند]. الله اینچنین عذاب را بر کسانی که ایمان نمی‌آورند، می‌گمارد.

فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأْتَمَا يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿۱۲۵﴾

(۱۲۶) و [ای پیامبر]، این [دین اسلام] راه راستِ پروردگار توست. به راستی که ما آیات [خود] را برای گروهی که پند می‌گیرند، به تفصیل بیان کردیم.

وَهَذَا صِرَاطٌ رَبِّكَ مُسْتَقِيمًا قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ ﴿۱۲۶﴾

(۱۲۷) برای آنان نزد پروردگارشان سرای سلامت و امنیت است و او به [پاداش] کارهایی که می‌کردند، [دوست و] کارسازشان است.

لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَهُوَ وَيُلِيهِمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۱۲۷﴾

(۱۲۸) و [یاد کن از قیامت؛] روزی که [الله] همه آنان [= انس و جن] را گرد می‌آورد [و می‌فرماید:] «ای گروه جنیان، از آدمیان [بسیاری را گمراه کردید و پیروان] فراوان یافتید»؛ و دوستان [مشرک] آنان از [میان]

وَيَوْمَ يَجْمَعُهُمْ جَمِيعًا يَلْمَعُشَرِ الْجِنَّ قَدْ اسْتَكْبَرْتُمْ مِنَ الْإِنْسِ وَقَالَ أَوْلِيَاؤُهُمْ مِنَ الْإِنْسِ رَبَّنَا اسْتَمْتَعَ بَعْضُنَا بِبَعْضٍ وَبَلَّغْنَا

انسان‌ها می‌گویند: «پروردگارا، برخی از ما از برخی دیگر بهره‌برداری کردند [و در کفر و گناه به یکدیگر یاری رساندند] و [اینک] ما به پایانی که برایمان مقرر کرده بودی رسیده‌ایم». [الله] می‌فرماید: «جایگاهتان آتش است [و] در آن جاودان خواهید بود؛ مگر آنچه را الله بخواهد [از آن بکاهد یا ببخشد]. بی‌تردید، پروردگارت حکیم داناست».

(۱۲۹) و اینچنین بعضی از ستمکاران را بر بعضی دیگر به [سزای] آنچه می‌کردند، مسلط می‌گردانیم.

(۱۳۰) ای گروه جن و انس، آیا رسولانی از میان خود شما برایتان نیامدند که آیات مرا بر شما بخوانند و از دیدار این روز به شما هشدار دهند؟ آنان می‌گویند: «[آری]، ما علیه خویش گواهی می‌دهیم [که آمدند]»؛ و زندگی دنیا آنان [= کافران] را فریب داد و به زیان خود گواهی دادند که کافر بوده‌اند.

(۱۳۱) این [اتمام حجت] به خاطر آن است که پروردگارت هیچ‌گاه شهرها را - در حالی که مردمش [از پیام الهی بی‌خبر و] غافلند - به ستم نابود نکرده است.

أَجَلْنَا الَّذِي أَجَلْت لَنَا قَالَ النَّارُ
مَثْوَاكُمْ خَالِدِينَ فِيهَا إِلَّا مَا
شَاءَ اللَّهُ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ
عَلِيمٌ ﴿۱۲۸﴾

وَكَذَلِكَ نُؤَلِّي بَعْضَ الظَّالِمِينَ
بَعْضًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿۱۲۹﴾

يَمْعَشَرِ الْإِنْسِ وَالْإِنْسِ أَلَمْ
يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنْكُمْ يَقُصُّونَ
عَلَيْكُمْ آيَاتِي وَيُنذِرُونَكُمْ
لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا قَالُوا شَهِدْنَا
عَلَىٰ أَنْفُسِنَا وَعَرَّتْهُمُ الْحَيَاةُ
الدُّنْيَا وَشَهِدُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ أَنَّهُمْ
كَانُوا كَافِرِينَ ﴿۱۳۰﴾

ذَلِكَ أَنْ لَّمْ يَكُنْ رَبُّكَ مُهْلِكَ
الْقُرَىٰ بِظُلْمٍ وَأَهْلِهَا غَافِلُونَ ﴿۱۳۱﴾

وَلِكُلِّ دَرَجَتٍ مِّمَّا عَمِلُوا وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ ﴿۱۳۲﴾
 و هر یک [از بندگان] در برابر آنچه انجام داده‌اند، [نزد الله] درجات [و مراتبی از ثواب و عذاب] دارند، و پروردگارت از آنچه انجام می‌دهند غافل نیست.

وَرَبُّكَ الْغَنِيُّ ذُو الرَّحْمَةِ إِنْ يَشَاءُ يُدْهِبْكُمْ وَيَسْتَخْلِفْ مِنْ بَعْدِكُمْ مَا يَشَاءُ كَمَا أَنْشَأَكُمْ مِنْ ذُرِّيَّةِ قَوْمٍ ءَاخِرِينَ ﴿۱۳۳﴾
 و پروردگارت بی‌نیاز و دارای رحمت [بیکران] است. [ای بندگان گنهکار، الله] اگر بخواهد، شما را [با عذاب از میان] می‌برد و پس از شما هر کس را بخواهد جانشین می‌سازد؛ همچنان که شما را نیز از نسل گروهی دیگر آفرید.

إِنَّ مَا تُوْعَدُونَ لَأَتِيَةٌ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ ﴿۱۳۴﴾
 [ای کافران] آنچه به شما وعده داده می‌شود، یقیناً خواهد آمد و شما نمی‌توانید [الله را] ناتوان سازید [و از کیفرش بگریزید].

فَلْيَقْوِمُوا أَعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنْ يَئْتِيَنَّكُمْ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ تَكُونُ لَهُمْ عَاقِبَةُ الدَّارِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ ﴿۱۳۵﴾
 بگو: «ای قوم من، به شیوه خود عمل کنید [و بر کفر و گمراهی خود بمانید که] بی‌تردید، من [نیز به ایمان خویش] عمل می‌کنم؛ پس به زودی خواهید دانست که [پیروزی دنیا و] فرجام [نیکوی] آن سرا از آن کیست. بی‌گمان، ستمکاران [مشرک] رستگار نخواهند شد».

وَجَعَلُوا لِلَّهِ مِمَّا ذَرَأَ مِنَ الْحَرْثِ وَالْأَنْعَامِ نَصِيبًا فَقَالُوا هَذَا لِلَّهِ

کردند و به گمان خود گفتند: «این مخصوصِ الله است و این مخصوصِ شریکان ما [= معبودان]». آنچه برای شریکانشان بود به الله نمی‌رسد؛ و [الی] آنچه برای الله بود، به شریکان آنها می‌رسد. چه بد داوری می‌کنند!

(۱۳۷) و این گونه بود که شریکان آنها [اعم از شیاطین و...،] در نظر بسیاری از مشرکان [که فقیر بودند] قتل فرزندانشان را آراستند [و زیبا جلوه دادند] تا هلاکشان کنند و آیینشان را بر آنان [آشفته و] مشتبه سازند؛ و اگر الله می‌خواست، چنین نمی‌کردند؛ پس [ای پیامبر، تو نیز] آنان را با [تهمت و] دروغ‌هایشان واگذار.

(۱۳۸) و به پندار خویش گفتند: «[استفاده از] این چهارپایان و کشتزارها [بی‌ی که وقف معبودها شده] ممنوع است و هیچ‌کس از آن نمی‌خورد مگر آن [گروه از خادمان معبودها] که ما خواهیم؛ و چهارپایانی [نیز] هستند که [سوارشدن بر] پشتشان حرام شده است»؛ و دام‌هایی [داشتند] که [هنگام ذبح] نام الله را بر آنها نمی‌بردند. [اینها همه باورهایی بود که] به دروغ به الله نسبت می‌دادند [و الله] به زودی جزای دروغ‌هایی را که می‌بافتند به آنان خواهد داد.

بِرَعْمِهِمْ وَهَذَا لِشُرَكَائِنَا فَمَا كَانَ لِشُرَكَائِهِمْ فَلَا يَصِلُ إِلَى اللَّهِ وَمَا كَانَ لِلَّهِ فَهُوَ يَصِلُ إِلَى شُرَكَائِهِمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ﴿١٣٦﴾

وَكَذَلِكَ زَيْنَ لِكَثِيرٍ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ قَتَلَ أَوْلَادِهِمْ شُرَكَائِهِمْ لِيُرِدُوهُمْ وَيَلْبِسُوا عَلَيْهِمْ دِينَهُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا فَعَلُوهُ فَذَرَهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ ﴿١٣٧﴾

وَقَالُوا هَذِهِ أُنْعَمٌ وَحَرَّتْ حَجْرٌ لَّا يَطْعَمُهَا إِلَّا مَنْ نَشَاءُ بِرَعْمِهِمْ وَأُنْعَمٌ حَرِّمَتْ ظُهُورُهَا وَأُنْعَمٌ لَّا يَذْكُرُونَ أَسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا افْتِرَاءً عَلَيْهِ سَيَجْزِيهِمْ بِمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿١٣٨﴾

وَقَالُوا مَا فِي بُطُونِ هَذِهِ الْأَنْعَامِ خَالِصَةٌ لِّذُكُورِنَا وَمُحَرَّمٌ عَلَىٰ أَزْوَاجِنَا وَإِن يَكُن مِّمَّتَهُ فَهُمْ فِيهِ شُرَكَاءُ سَيَجْزِيهِمْ وَصْفَهُمْ إِنَّهُ حَكِيمٌ عَلِيمٌ ﴿۱۳۹﴾

(۱۳۹) و گفتند: «آنچه در شکم این چهارپایان است [اگر زنده متولد شود،] به مردان ما اختصاص دارد و بر همسرانمان حرام شده است؛ و[الی] اگر [جنین] مرده باشد، همه آنان [از زن و مرد] در آن شریکند». به زودی [الله] آنان را به سزای این توصیفشان کیفر خواهد داد. به راستی که او حکیم داناست.

قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ وَحَرَّمُوا مَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ افْتِرَاءً عَلَى اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ ﴿۱۴۰﴾

(۱۴۰) کسانی که از روی [جهل و] بی‌خردی، فرزندان خود را [از ترس فقر] کشتند و با دروغ بستن به الله، آنچه را که الله روزی‌شان کرده بود [بر خود] حرام دانستند، سخت زیان کردند. بی‌تردید، آنان گمراه شدند و هدایت‌یافته نبودند.

وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَّعْرُوشَاتٍ وَغَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ وَالنَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أَكْلُهُ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُتَشَابِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ كُلُوا مِن ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَءَاتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ ﴿۱۴۱﴾

(۱۴۱) اوست که باغ‌هایی [با بوته‌های] داربست‌دار [مانند انگور] و [درختان] بی‌داربست [مانند خرما] پدید آورد و [نیز] درخت خرما و زراعتی که میوه‌هایش گوناگون است و درخت زیتون و انار که [برگ‌هایشان] همانند و [میوه‌هایشان] متفاوت است. [ای مردم]، از میوه آن - چون به بار نشست - بخورید و روز چیدنش، حق [زکات] بینوایان [از] آن را بپردازید و[الی] اسراف نکنید [چرا که] بی‌تردید، او تعالی اسرافکاران را دوست ندارد.

وَمِنَ الْأَنْعَامِ حُمُولَةٌ وَفَرَسًا كُلُّوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعُوا خُطْوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴿۱۴۲﴾

(۱۴۲) و [نیز] از چهارپایان، [حیوانات] باربر و [حیوانات] غیرباری [برای منافع دیگر، آفرید]. از آنچه الله به شما روزی داده است بخورید و از گام‌های شیطان پیروی نکنید. بی‌گمان، او دشمن آشکاری برای شماست.

ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ مِّنَ الضَّأْنِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْمَعْزِ اثْنَيْنِ قُلْ آلذَّكَرَيْنِ حَرَّمَ أَمَ الْأُنثَيَيْنِ أَمَّا اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ أَرْحَامُ الْأُنثَيَيْنِ نَبَوْنِي بِعِلْمٍ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿۱۴۳﴾

(۱۴۳) هشت [رأس] نر و ماده [برای استفاده شما آفرید:] از گوسفند یک جفت و از بز یک جفت. [ای پیامبر، به مشرکان] بگو: «آیا [الله] آن دو نر را حرام کرده است یا ماده‌ها را؟ یا آنچه که رجم‌های [این] دو ماده در بر دارد؟ اگر راست می‌گویید [و بر تحریم آنها دلیلی دارید]، از روی علم [و منطق] به من خبر دهید».

وَمِنَ الْإِبِلِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْبَقَرِ اثْنَيْنِ قُلْ آلذَّكَرَيْنِ حَرَّمَ أَمَ الْأُنثَيَيْنِ أَمَّا اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ أَرْحَامُ الْأُنثَيَيْنِ أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ وَصَّكُمُ اللَّهُ بِهِدًا فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا لِيُضِلَّ النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿۱۴۴﴾

(۱۴۴) و از شتر یک جفت و از گاو یک جفت [آفرید]. بگو: «آیا [الله] آن دو نر را حرام کرده است یا دو ماده را؟ یا آنچه که رجم‌های [این] دو ماده در بر دارد؟ آیا وقتی الله شما را به این [تحریم] سفارش می‌کرد [آنجا] حاضر بودید؟ پس کیست ستمکارتر از آن کس که بر الله دروغ می‌بندد تا بدون هیچ [استناد و] علمی مردم را گمراه کند؟ به راستی که الله گروه ستمکاران را هدایت نمی‌کند».

قُلْ لَا آجِدُ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا

(۱۴۵) بگو: «در آنچه [از احکام الهی که] به

من وحی شده است، [غذای] حرامی را که خوردنش برای خورنده‌ای حرام باشد نمی‌یابیم؛ مگر [گوشت] مردار یا خون ریخته یا گوشت خوک - که قطعاً پلید [و حرام] است - یا [قربانی‌ای که هنگام ذبح] از روی نافرمانی، نام غیر الله را بر آن برده باشند». اما هر کس [برای حفظ جان خود، به خوردن آنها] ناچار شود - بدون آنکه سرکش و زیاده‌خواه باشد، [بر او گناهی نیست]. به راستی که پروردگارت آمرزندهٔ مهربان است.

عَلَىٰ ظَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَيْتَةً أَوْ دَمًا مَّسْفُوحًا أَوْ لَحْمَ خِنزِيرٍ فَإِنَّهُ رِجْسٌ أَوْ فِسْقًا أَهْلًا لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَإِنَّ رَبَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١٤٥﴾

(۱۴۶) و هر [حیوان] سم‌ناشکافته‌ای را بر یهود حرام کردیم و از گاو و گوسفند، چربی‌های آن دو را بر آنان حرام کردیم؛ مگر چربی‌هایی که بر پشت آنها یا دور روده‌هاست یا چربی‌هایی که با استخوان درآمیخته است. این گونه آنان را به سزای سرکشی‌شان مجازات کردیم و بی‌تردید، ما راستگوییم.

وَعَلَى الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا كُلَّ ذِي ظُفْرٍ وَمِنَ الْبَقَرِ وَالْغَنَمِ حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ شُحُومَهُمَا إِلَّا مَا حَمَلَتْ ظُهُورُهُمَا أَوْ الْحَوَايَا أَوْ مَا اخْتَلَطَ بِعَظْمٍ ذَلِكَ جَزَيْنَهُمْ بِبَعْضِهِمْ وَإِنَّا لَصَدِيقُونَ ﴿١٤٦﴾

(۱۴۷) پس [ای پیامبر]، اگر تو را تکذیب کردند، بگو: «پروردگارتان رحمتی گسترده دارد؛ و[الی] عذابش از گروه گناهکاران بازگردانده نخواهد شد».

فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ رَبُّكُمْ ذُو رَحْمَةٍ وَاسِعَةٍ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ ﴿١٤٧﴾

(۱۴۸) کسانی که شرک ورزیدند خواهند گفت: «اگر الله می‌خواست، نه ما شرک می‌آوردیم و

سَيَقُولُ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكْنَا وَلَا آبَاؤُنَا وَلَا

نه پدرانمان و [همچنین] چیزی را [خودسرانه] تحریم نمی‌کردیم». کسانی که پیش از آنان بودند نیز همین گونه [پیامبران خود را] تکذیب کردند تا عذاب ما را چشیدند. [ای پیامبر، به این مشرکان] بگو: «آیا [دانش و] دلیلی نزدتان هست که آن را برای ما آشکار کنید؟ [در حقیقت،] شما جز پندار [از چیزی] پیروی نمی‌کنید و جز دروغ نمی‌گویید».

(۱۴۹) بگو: «دلیل رسا و روشن از آن‌الله است و اگر [او تعالی] می‌خواست، همه شما را هدایت می‌کرد».

(۱۵۰) بگو: «گواهانتان را که گواهی می‌دهند الله اینها را حرام کرده است بیاورید». پس [حتی] اگر گواهی دادند، تو با آنان [به چنین دروغی] گواهی نده و از هوس‌های کسانی که آیات ما را دروغ شمردند و کسانی که به آخرت ایمان نمی‌آورند و [معبودان باطل را] با پروردگارشان هم‌تا قرار می‌دهند، پیروی نکن.

(۱۵۱) بگو: «بباید آنچه را که پروردگارتان بر شما حرام کرده است برایتان بخوانم: اینکه چیزی را با او شریک قرار ندهید و به پدر و مادر نیکی کنید و فرزندان خود را از [ترس] تنگدستی نکشید، ما به شما و آنان روزی

حَرَمْنَا مِنْ شَيْءٍ كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ حَتَّى ذَاقُوا بَأْسَنَا قُلْ هَلْ عِنْدَكُمْ مِنْ عِلْمٍ فَتُخْرِجُوهُ لَنَا إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ أَنْتُمْ إِلَّا خُرُوصٌ ﴿١٤٨﴾

قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَلِيغَةُ فَلَوْ شَاءَ لَهَدَيْكُمْ أَجْمَعِينَ ﴿١٤٩﴾

قُلْ هَلَمْ شُهَدَاءَكُمْ الَّذِينَ يَشْهَدُونَ أَنَّ اللَّهَ حَرَّمَ هَذَا فَإِنْ شَهِدُوا فَلَا تَشْهَدْ مَعَهُمْ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَهُمْ بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ ﴿١٥٠﴾

﴿قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّي عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ

تَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ وَلَا تَقْرَبُوا
 الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ
 وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ
 إِلَّا بِالْحَقِّ ذَٰلِكُمْ وَصَلَّكُمْ بِهِ
 لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿١٥١﴾

وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي
 هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ
 وَأَوْفُوا بِالْكَيْلِ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ
 لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَإِذَا
 قُلْتُمْ فَأَعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ
 وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذَٰلِكُمْ
 وَصَلَّكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ
 تَذَكَّرُونَ ﴿١٥٢﴾

(۱۵۲) و به مال یتیم نزدیک نشوید، مگر به
 بهترین شکل [که به سود و صلاح او باشد] تا به
 سن [بلوغ و] رشد خود برسد؛ و [سنجش]
 پیمانه و ترازو را به عدالت کامل کنید - ما هیچ
 کس را جز به اندازه توانش مکلف نمی‌کنیم- و
 هنگامی که سخن می‌گویید [یا گواهی می‌دهید]
 عدالت را رعایت کنید؛ هر چند [درباره]
 خویشاوند[تان] باشد و به عهد و پیمان الله وفا
 کنید. این است [آنچه الله] شما را به [پیروی از]
 آن سفارش کرده است؛ باشد که پند گیرید.

وَأَنَّ هَٰذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا
 فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ
 بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَٰلِكُمْ
 وَصَلَّكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿١٥٣﴾

(۱۵۳) و [بدانید] که این راه راست من است؛
 پس از آن پیروی کنید و از [دیگر] راه‌ها پیروی
 نکنید [چرا که] شما را از راه او جدا می‌سازد.
 این است [آنچه الله] شما را به [پیروی از] آن
 سفارش کرده است؛ باشد که پروا کنید».

ثُمَّ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ تَمَامًا
 عَلَى الَّذِي أَحْسَنَ وَتَفْصِيلًا لِّكُلِّ

(۱۵۴) سپس به موسی کتاب [تورات] دادیم تا
 بر کسی که نیکی کرده است نعمت را تمام

کنیم و به این هدف که [حکم] هر چیزی را به تفصیل بیان نماییم و رهنمود و رحمتی گردد؛ باشد که به دیدار پروردگارشان ایمان بیاورند.

شَيْءٍ وَهَدَىٰ وَرَحْمَةً لَّعَلَّهُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ ﴿۱۵۴﴾

(۱۵۵) و این [قرآن] که آن را نازل کردیم کتابی پُربُرت است؛ از آن پیروی کنید و پروا نمایید؛ باشد که مورد رحمت [الله] قرار گیرید.

وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ وَاتَّقُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿۱۵۵﴾

(۱۵۶) [آن را نازل کردیم] تا نگویند: «کتاب [آسمانی] تنها بر دو طایفه پیش از ما [= یهود و نصاری] نازل شده بود و ما از آموختن [کتاب‌های] آنان بی‌خبر بودیم».

أَنْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَنْزَلَ الْأَكْتَابُ عَلَىٰ طَائِفَتَيْنِ مِنْ قَبْلِنَا وَإِنْ كُنَّا عَنْ دِرَاسَتِهِمْ لَغَفِيلِينَ ﴿۱۵۶﴾

(۱۵۷) یا نگویند: «اگر کتاب [آسمانی] بر ما نازل می‌شد، از آنان راه‌یافته‌تر بودیم». پس بی‌تردید [اینک] از جانب پروردگارتان دلیل روشن و هدایت و رحمتی برایتان آمده است. پس کیست ستمکارتر از آن کس که آیات الله را دروغ انگارد و از آن روی بگرداند؟ به زودی کسانی را که از آیات ما روی می‌گردانند، به سزای آنکه [به کلام الهی] پشت می‌کردند، به عذابی سخت [و خفت‌بار] مجازات خواهیم کرد.

أَوْ تَقُولُوا لَوْ أَنَّا أُنزِلَ عَلَيْنَا الْأَكْتَابُ لَكُنَّا أَهْدَىٰ مِنْهُمْ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَهَدَىٰ وَرَحْمَةً فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَصَدَفَ عَنْهَا سَنَجْزِي الَّذِينَ يَصْدِفُونَ عَنْ آيَاتِنَا سُوءَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يَصْدِفُونَ ﴿۱۵۷﴾

(۱۵۸) آیا [کافران] انتظاری جز این دارند که فرشتگان [مرگ] نزدشان بیایند یا پروردگارت

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ أَوْ يَأْتِيَ

بَعْضُ ءَايَاتِ رَبِّكَ ۗ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ ءَايَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ ءَامَنَتْ مِن قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا ۗ قُلِ أَنْتَظِرُونَ ۗ إِنَّا مُنْتَظِرُونَ ﴿۱۵۸﴾

[خود برای داوری] بیاید یا برخی از نشانه‌های پروردگارت [در مورد قیامت] فرارسد؟ روزی که برخی از نشانه‌های پروردگارت آشکار گردد، ایمان آوردن کسی که پیشتر ایمان نیاورده یا با ایمانش خیری حاصل نکرده است، سودی به حالش ندارد. [ای پیامبر، به مشرکان] بگو: «منتظر باشید. بی‌گمان، ما [نیز] منتظریم».

إِنَّ الَّذِينَ فَرَقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا لَّسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ ۗ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ﴿۱۵۹﴾

(۱۵۹) [ای پیامبر،] کسانی که دین خود را پراکنده ساختند و فرقه‌فرقه شدند، بی‌تردید، تو را با آنان کاری نیست؛ آنان کارشان فقط با الله است؛ آنگاه [الله در روز قیامت] آنان را از آنچه انجام می‌دادند، آگاه می‌سازد.

مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرٌ أَمْثَالِهَا ۖ وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَىٰ إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿۱۶۰﴾

(۱۶۰) [در آن روز،] هر [مؤمنی] که کار نیکی بیاورد، ده برابر آن [پاداش] خواهد داشت و هر کس کار بدی بیاورد، جز مانند آن کیفر نخواهد دید؛ و به آنان ستم نخواهد شد.

قُلْ إِنِّي هَدَيْتِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قِيَمًا مِثْلَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا ۚ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿۱۶۱﴾

(۱۶۱) [ای پیامبر، به مشرکان] بگو: «بی‌تردید، پروردگارم مرا به راه راست هدایت کرده است: دین پایدار [و] آیین ابراهیم که حقگرا بود و هرگز در زمره مشرکان نبود».

قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ
وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٦٢﴾
(۱۶۲) بگو: «بی‌تردید، نمازم و قربانی‌های من
و زندگی و مرگم همه برای الله - پروردگار
جهانیان- است.

لَا شَرِيكَ لَهُ ۗ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا
أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ ﴿١٦٣﴾
(۱۶۳) [همان ذاتی که] شریکی ندارد؛ و به
این [عبادت الله به یگانگی و خالصانه] دستور
یافته‌ام و من نخستین مسلمان [از این قوم]
هستم».

قُلْ أَعْيَرَ اللَّهُ أَبْعَى رَبًّا وَهُوَ رَبُّ
كُلِّ شَيْءٍ وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ
نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ
وِزْرَ أُخْرَىٰ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ
مَّرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ
فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ﴿١٦٤﴾
(۱۶۴) بگو: «آیا به جز الله پروردگاری را
بجویم و حال آنکه او پروردگار همه چیز
است؟» و هیچ کس [کار ناشایستی] انجام
نمی‌دهد، مگر آنکه [بار گناهش] بر خود
اوست؛ و هیچ گناهکاری بار [گناه] دیگری را
به دوش نمی‌کشد؛ سپس بازگشت [همه] شما
به سوی پروردگارتان است؛ سرانجام [همه]
شما را [در روز قیامت، از حقیقت] آنچه در آن
اختلاف داشتید، آگاه می‌سازد.

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ
الْأَرْضِ وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ
بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيَبْلُوكُمْ فِي مَا
ءَاتَاكُمْ ۗ إِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ الْعِقَابِ
وَإِنَّهُ لَعَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٦٥﴾
(۱۶۵) و اوست که شما را جانشین [پیشینیان
در] زمین قرار داد و برخی از شما را [در آفرینش
و ثروت] بر برخی دیگر به درجاتی برتری داد تا
شما را [به وسیله] آنچه به شما داده است
ببازماید. بی‌تردید، پروردگارت زودکیفر است و
یقیناً او بسیار آمرزنده [و] مهربان است.

سُورَةُ الْأَعْرَافِ

سورة اعراف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

المصّ ①

(۱) المصّ [= الف. لام. میم. صاد].

(۲) [ای پیامبر، این قرآن،] کتابی است که بر تو نازل شده است؛ پس نباید در سینه‌ات نسبت به آن تردیدی باشد؛ [نازل شده] تا با آن [مردم را] بیم دهی و برای مؤمنان پند [و تذکری] باشد.

كِتَابٌ أَنْزَلَ إِلَيْكَ فَلَا يَكُنْ فِي
صَدْرِكَ حَرَجٌ مِّنْهُ لِتُنذِرَ بِهِ
وَذِكْرَى لِّلْمُؤْمِنِينَ ②

(۳) [ای مردم،] از آنچه از جانب پروردگارتان بر شما نازل شده است پیروی کنید و از [دوستان و] کارسازانِ دیگر به جز او پیروی نکنید؛ چه اندک پند می‌پذیرید!

اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَيْكُم مِّن
رَّبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا مِن دُونِهِ
أَوْلِيَاءَ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ ③

(۴) چه بسیار [ساکنانِ روستاها و] شهرها که نابودشان کردیم و عذاب ما شب‌هنگام [که در خواب بودند] یا در حالی که به خواب نیمروزی فرورفته بودند به سراغشان آمد.

وَكَمْ مِّن قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا فَجَاءَهَا
بَأْسُنَا بَيِّنًا أَوْ هُمْ قَائِلُونَ ④

(۵) و چون عذاب ما به سراغشان آمد، سخن [و دعای]شان جز این نبود که گفتند: «به راستی که ما [کافر و] ستمکار بودیم [و پشیمانیم]».

فَمَا كَانَ دَعْوَاهُمْ إِذْ جَاءَهُمْ
بَأْسُنَا إِلَّا أَنْ قَالُوا إِنَّا كُنَّا
ظَالِمِينَ ⑤

فَلَنَسْتَأَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ
وَلَنَسْتَأَنَّ الْمُرْسَلِينَ ﴿٦﴾

(۶) مسلماً ما از کسانی که [پیامبرانمان] به
سویشان فرستاده شدند، [درباره پذیرش پیام
حق] سؤال خواهیم کرد؛ و قطعاً از پیامبران
[نیز درباره پاسخ امت‌هایشان به دعوت آنان]
خواهیم پرسید.

فَلَنَقُصَّنَّ عَلَيْهِم بِعِلْمٍ وَمَا كُنَّا
غَافِبِينَ ﴿٧﴾

(۷) یقیناً [کردار بندگان را] با علم [خود]
برایشان بیان می‌کنیم؛ و ما هرگز غایب [و
غافل از احوال آنان] نبوده‌ایم.

وَالْوَزْنُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ فَمَنْ ثَقُلَتْ
مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ
الْمُفْلِحُونَ ﴿٨﴾

(۸) در آن روز، وزن [و معیار سنجش اعمال،
عادلانه و] درست است؛ پس هر کس کفه
میزان [اعمال] وی سنگین باشد، چنین
کسانی رستگارند.

وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ
الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ بِمَا كَانُوا
بِآيَاتِنَا يَظْلِمُونَ ﴿٩﴾

(۹) و هر کس کفه میزان [اعمال] وی سبک
باشد، اینانند که به خود زیان رسانده‌اند؛ چرا
که [با انکار قرآن،] به آیات ما ستم می‌کردند.

وَلَقَدْ مَكَنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ
وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعِيشَةً
قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ ﴿١٠﴾

(۱۰) و [ای مردم،] به راستی که ما شما را در
زمین جای دادیم و وسایل [و امکانات] زندگی
را در آن برایتان نهادیم. چه اندک شکر
می‌گزارید!

وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ
ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ

شکل دادیم، نگاه به فرشتگان گفتیم: «برای [بزرگداشت و احترام، بر] آدم سجده کنید»؛ پس [همگی] سجده کردند، مگر ابلیس که از سجده‌کنندگان نبود.

فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ لَمْ يَكُنْ
مِنَ السَّاجِدِينَ ﴿١١﴾

(۱۲) [الله] فرمود: «وقتی که تو را [به سجده] فرمان دادم، چه چیز تو را بازداشت از اینکه سجده کنی؟» [ابلیس] گفت: «من از او بهترم؛ مرا از آتش آفریدی و [الی] او را از گل پدید آوردی».

قَالَ مَا مَنَعَكَ إِلَّا تَسْجُدَ إِذْ
أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ
خَلَقْتَنِي مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِن
طِينٍ ﴿١٢﴾

(۱۳) [الله] فرمود: «از این [بهشت برین] فرود آی [زیرا] حق تو نیست که در آن [مکان، گردنکشی و] تکبر کنی؛ پس بیرون رو [که] بی‌تردید، تو از خوارشدگانی».

قَالَ فَأَهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ
لَكَ أَنْ تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَاخْرُجْ إِنَّكَ
مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿١٣﴾

(۱۴) [ابلیس] گفت: «تا روزی که [انسان‌ها] برانگیخته شوند، مرا مهلت بده».

قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿١٤﴾

(۱۵) [الله] فرمود: «قطعاً تو از مهلت‌یافتگانی».

قَالَ إِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ ﴿١٥﴾

(۱۶) [ابلیس] گفت: «پس به خاطر آنکه مرا در گمراهی [و هلاکت] افکندی، من نیز بر سر راه مستقیم تو برای [فریب] آنان می‌نشینم،

قَالَ فِيمَا آغْوَيْتَنِي لِأَقْعُدَنَّ لَهُمْ
صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ ﴿١٦﴾

(۱۷) سپس بر آنان - از روبرو و از پشت سر و از طرف راست و چپشان - درمی‌آیم و [چنان می‌کنم که] بیشتر آنان را شکرگزار [نعمت‌های

ثُمَّ لَا تَبِيتُهُمْ مِّنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ
خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ

شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ خُودِ] نیابی».

شَكِرِينَ ﴿۱۷﴾

قَالَ أَخْرَجَ مِنْهَا مَذْءُومًا مَذْخُورًا لَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكُمْ أَجْمَعِينَ ﴿۱۸﴾

نکوهیده و رانده شده بیرون رو. هر یک از آنان که از تو پیروی کند، [در سپاهِ توست و روز قیامت،] قطعاً دوزخ را از همه شما پر خواهم کرد.

وَيَعَادِمُ اسْكَنُ أَنْتَ وَرَوْجِكَ أَلْجَنَّةَ فَكُلًّا مِنْ حَيْثُ شِئْتُمْ وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿۱۹﴾

و ای آدم، تو و همسرت در بهشت ساکن شوید و از [خوردنی‌های آن از] هر جا که خواستید بخورید؛ و [الی] به این درخت نزدیک نشوید که از ستمکاران [نافرمان] خواهید بود».

فَوَسَّوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوْآتِهِمَا وَقَالَ مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَكَتَيْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ ﴿۲۰﴾

(۲۰) پس شیطان آن دو را وسوسه کرد تا آنچه از شرمگاهشان بر آنان پوشیده مانده بود، برایشان آشکار سازد [پس حيله‌ای اندیشید] و گفت: «پروردگارتان شما را از [خوردن میوه] این درخت منع نکرد مگر [برای] آنکه [مبادا تبدیل به] دو فرشته گردید یا از جاودانان شوید».

وَقَاسَمَهُمَا إِنِّي لَكُمَا لَمِنَ النَّاصِحِينَ ﴿۲۱﴾

(۲۱) و برای آن دو سوگند یاد کرد که: «من قطعاً خیرخواهتان هستم».

فَدَلَّلَهُمَا بِعُرُورٍ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْءَتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَنَادَاهُمَا رَبُّهُمَا أَلَمْ أَنْهَكُمَا عَنْ تِلْكَمَا الشَّجَرَةِ وَأَقُلْ لَكُمَا إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمَا عَدُوٌّ مُبِينٌ ﴿۲۲﴾

(۲۲) پس آنها را با فریب [از مقام و منزلشان] فرود آورد و چون از [میوه] آن درخت [ممنوعه] چشیدند، شرمگاهشان بر آنان نمایان شد؛ و شروع کردند به قرار دادن برگ‌های درختان [بهشت بر شرمگاه] خود [تا آن را بیوشانند]؛ و پروردگارشان [اینچنین] به آنها ندا داد: «آیا شما را از [خوردن میوه] آن درخت منع نکردم و به شما نگفتم که بی‌تردید، شیطان دشمن آشکار شماست؟».

قَالَ رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿۲۳﴾

(۲۳) [آن دو] گفتند: «پروردگارا، ما [با سربلندی از دستور تو] به خویشتن ستم کردیم و اگر ما را نیامرزی و بر ما رحم نکنی، قطعاً از زیانکاران خواهیم بود».

قَالَ أَهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَعٌ إِلَىٰ حِينٍ ﴿۲۴﴾

(۲۴) [الله] فرمود: «[از بهشت بر زمین] فرود آید. [در حالی که زین پس] برخی از شما دشمن برخی دیگرید و در زمین تا مدتی [معین] قرارگاه و بهره‌مندی برایتان خواهد بود».

قَالَ فِيهَا تَحْيَوْنَ وَفِيهَا تَمُوتُونَ وَمِنْهَا تُخْرَجُونَ ﴿۲۵﴾

(۲۵) [او] فرمود: «در آن زندگی می‌کنید و در همان [جا] می‌میرید و [روز قیامت نیز] از آن بیرون آورده می‌شوید».

يَبْنَیْ عَادَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ

(۲۶) ای فرزندان آدم، همانا لباسی برایتان فرو

لِبَاسًا يُوَارِي سَوْءَتِكُمْ وَرِدِيًا ۖ
 وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ ذَٰلِكَ
 مِّنْ ءَايَتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ
 يَذَّكَّرُونَ ﴿٢٦﴾

فرستادیم که شرمگاهتان را می پوشاند و [مایه] زینت شماست؛ و [برای مؤمن،] لباس پرهیزگاری بهتر است. این از نشانه‌های [قدرت] الله است؛ باشد که [انسان‌ها] پند گیرند.

يَبْنِي ءَادَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمْ
 الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم
 مِنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا
 لِيُرِيَهُمَا سَوْءَتِهِمَا إِنَّهُ يَرِنُّكُمْ
 هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا
 تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ
 أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٢٧﴾

(۲۷) ای فرزندان آدم، [آگاه باشید که] شیطان شما را نفریبد چنان که پدر و مادرتان را از بهشت بیرون کرد و لباس آن دو را از نشان [بیرون] کشید تا شرمگاهشان را به آنان نشان دهد. بی تردید، او و گروهش، از جایی که آنها را نمی بینید، شما را می بینند. به راستی که ما شیاطین را دوستان کسانی قرار داده ایم که ایمان نمی آورند.

وَإِذَا فَعَلُوا فَحِشَةً قَالُوا وَجَدْنَا
 عَلَيْهَا ءَابَاءَنَا وَاللَّهُ أَمَرَنَا بِهَا قُلْ
 إِنَّ اللَّهَ لَا يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ ۗ
 أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا
 تَعْلَمُونَ ﴿٢٨﴾

(۲۸) و چون [مشرکان] کار زشتی [از قبیل شرک یا طواف در حال برهنگی] انجام می دهند، می گویند: «ما نیاکان خود را بر این [کار] یافته ایم و الله ما را به [انجام] آن فرمان داده است». بگو: «الله هرگز به زشتکاری فرمان نمی دهد. آیا سخنی را که نمی دانید به الله نسبت می دهید؟».

قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ ۗ وَأَقِيمُوا
 وُجُوهَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ
 وَخُذُوا الصَّلَاةَ لِلَّهِ حِزْبًا ۚ
 كَذَٰلِكَ تَتَذَكَّرُونَ ﴿٢٩﴾

(۲۹) [ای پیامبر، به مشرکان] بگو: «پروردگام به عدالت فرمان داده است و [اینکه همه جا، به ویژه] در هر مسجدی [خالصانه] به سوی

وَأَدْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا
بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ ﴿۲۹﴾

[قبله او] روی آورید و او را در حالی [به عبادت و دعا] بخوانید که دین [خود] را برایش خالص نموده‌اید. [و بدانید] همان گونه که شما را در آغاز پدید آورد، [پس از مرگ نیز بار دیگر به سویش] بازمی‌گردید.

فَرِيقًا هَدَىٰ وَفَرِيقًا حَقَّ عَلَيْهِمُ الضَّلَالَةُ إِنَّهُمْ اتَّخَذُوا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُّهْتَدُونَ ﴿۳۰﴾

(۳۰) [الله] گروهی را هدایت کرد و بر گروهی [دیگر] گمراهی مقرر گشته است؛ زیرا آنان به جای الله، شیاطین را [به عنوان] دوستان [خویش] برگزیدند و گمان می‌کنند که هدایت‌یافته‌اند.

يَبْنِيٰٓ عَادَمَ حُدُوٰ زَيْنَتِكُمْ ۖ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوْا وَاشْرَبُوْا وَلَا تُسْرِفُوْا ۗ اِنَّهٗ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِيْنَ ﴿۳۱﴾

(۳۱) ای فرزندان آدم، هنگام رفتن به مسجد [و در هر نمازی] زینت خود را بگیرید [و عورت‌هایتان را ببوشانید و لباس شایسته بپوشید] و [در زندگی، از خوراکی‌های پاکیزه] بخورید و بیاشامید؛ و [الی] اسراف نکنید [که] بی‌تردید، الله اسرافکاران را دوست ندارد.

قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيٰمَةِ ۗ كَذٰلِكَ نُفَصِّلُ الْآيٰتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُوْنَ ﴿۳۲﴾

(۳۲) [ای پیامبر، به مشرکان] بگو: «لباس [و زینت‌هایی] را که الله برای بندگانش پدید آورده و [همچنین] روزی‌های پاکیزه را چه کسی حرام کرده است؟». بگو: «این [نعمت‌ها] در زندگی دنیا برای کسانی است که ایمان آورده‌اند [و اگر چه کافران نیز از آنها بهره‌مندند] روز قیامت، مخصوص [مؤمنان]

خواهد بود». ما اینچنین آیات [خود] را برای گروهی که می‌دانند، به تفصیل بیان می‌کنیم.

قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّيَ الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَالْإِثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ أَحَقِّ وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿۳۳﴾

(۳۳) بگو: «پروردگارم زشتکاری‌ها را - چه آشکار [باشد] و چه پنهان- و گناه و ستم ناحق را حرام نموده است و اینکه کسی [یا چیزی] را شریک الله بدانید که دلیلی بر [حقانیت] آن نازل نکرده است و اینکه چیزی را که نمی‌دانید به الله نسبت دهید».

وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ ﴿۳۴﴾

(۳۴) هر امتی، اجلی دارد؛ و هنگامی که اجلشان به سر آید، نه لحظه‌ای [از آن] تأخیر می‌کنند و نه [بر آن] پیشی می‌گیرند.

يَبْنَیْ عَادَمَ إِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ رُسُلٌ مِّنْكُمْ يَقْضُونَ عَلَيْكُمْ ءَايَاتِي فَمَنْ أَتَقَىٰ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿۳۵﴾

(۳۵) ای فرزندان آدم، اگر پیامبرانی از خود شما [نزدتان] بیایند که آیات مرا برایتان بخوانند، [از آنان پیروی کنید]؛ پس کسانی که پرهیزگاری نمایند و [رفتارهای گذشته را] اصلاح کنند، نه ترسی خواهند داشت و نه اندوهگین می‌شوند.

وَالَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿۳۶﴾

(۳۶) و کسانی که آیات ما را دروغ می‌پندارند و در برابر آنها [گردنکشی و] تکبر می‌ورزند، اهل دوزخند و جاودانه در آن خواهند ماند.

(۳۷) پس کیست ستمکارتر از آن کس که بر
 الله دروغ می‌بندد یا آیاتش را دروغ می‌پندارد؟
 آنان کسانی هستند که نصیبشان از آنچه [در
 لوح محفوظ برایشان] مقرر شده است، به آنان
 خواهد رسید تا آنگاه که فرستادگان ما به
 سراغشان می‌آیند که جانشان را بگیرند [به
 آنان] می‌گویند: «آنهایی که به جای الله [به
 یاری و دعا] می‌خواندید کجا هستند؟» [آنان]
 می‌گویند: «از [نزد] ما گم شدند»؛ و [این
 گونه] علیه خود گواهی می‌دهند که کافر
 بوده‌اند.

قَالَ ادْخُلُوا فِيْ اُمَمٍ قَدْ خَلَتْ
 مِنْ قَبْلِكُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ
 فِي النَّارِ كُلَّمَا دَخَلَتْ اُمَّةٌ لَعْنَتْ
 اُخْتَهَا حَتَّىٰ اِذَا اَدَارَكُوا فِيهَا
 جَمِيْعًا قَالَتْ اُخْرَبْنَهُمْ لِاَوْلٰئِهِمْ
 رَبَّنَا هٰؤُلَاءِ اَضَلُّوْنَا فَعَاتِبْنَهُمْ
 عَذَابًا ضِعْفًا مِّنَ النَّارِ قَالَ لِكُلِّ
 ضِعْفٍ وَلٰكِنْ لَا تَعْلَمُوْنَ ﴿٣٨﴾

(۳۸) [فرشتگان] به آنها می‌گویند: «در بین
 گروه‌هایی از جن و انس که پیش از شما [کافر
 و گمراه] بوده‌اند، در آتش [دوزخ] وارد شوید».
 هر گاه گروهی وارد می‌شوند، گروه دیگر را
 لعنت می‌کنند تا هنگامی که [سرانجام] همگی
 در آنجا به هم می‌رسند. [آنگاه] پیروان
 [فریب‌خورده] آنها دربارهٔ رهبران‌شان می‌گویند:
 «پروردگارا، اینان بودند که ما را گمراه کردند؛
 پس عذابی چند برابر از آتش به آنان بده».
 [الله] می‌فرماید: «برای هر کدام [از شما
 عذابی] چند برابر است؛ ولی نمی‌دانید».

(۳۹) رهبران آنها به پیروانشان می‌گویند:

وَقَالَتْ اَوْلٰئِهِمْ لِاُخْرَبْنَهُمْ فَمَا كَانَ

«شما هیچ امتیازی بر ما ندارید؛ پس به [کیفر] آنچه می‌کردید، عذاب را بچشید».

لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ فذُوقُوا
الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ ﴿۳۹﴾

(۴۰) کسانی که آیات ما را تکذیب کردند و در برابر آنها [گردنکشی و] تکبر نمودند، درهای آسمان هرگز برایشان گشوده نمی‌شود و به بهشت وارد نخواهند شد، مگر آنکه شتر از سوراخ سوزن وارد شود؛ و گناهکاران را اینچنین کیفر می‌دهیم.

إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا
وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا تُفَتَّحُ لَهُمْ
أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ
الْجَنَّةَ حَتَّىٰ يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ
الْحَيَاطِ ۚ وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي
الْمُجْرِمِينَ ﴿۴۰﴾

(۴۱) بستری از [آتش] دوزخ برایشان [مهیاست] و [رواندازشان نیز] پوشش‌هایی [از آتش است]؛ و ستمکاران را اینچنین کیفر می‌دهیم.

لَهُمْ مِّنْ جَهَنَّمَ مِهَادٌ وَمِن فَوْقِهِمْ
غَوَاشٍ ۚ وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي
الظَّالِمِينَ ﴿۴۱﴾

(۴۲) کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند، [هر اندازه عمل نیک کرده‌اند می‌پذیریم؛ چرا که] بر هیچ کس جز به اندازه توانش تکلیف نمی‌کنیم. اینان بهشتی‌اند و در آن جاودان خواهند بود.

وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا
الصَّالِحَاتِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا
إِلَّا وُسْعَهَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ
الْجَنَّةِ ۖ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿۴۲﴾

(۴۳) و هر کینه‌ای را از سینه‌هایشان می‌زداییم؛ از زیر [قصرهای] آنان جویبارها جاری است و می‌گویند: «سپاس مخصوص الله است که ما را [توفیق عبادت داد و] به این کُتَا لِنَهْتَدِي لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ

وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِّنْ غِلٍّ
تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ وَقَالُوا
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَٰذَا وَمَا
كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ

لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلٌ رَبِّنَا بِالْحَقِّ وَنُودُوا أَنْ تِلْكُمْ الْجَنَّةَ أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿۴۳﴾

[بهشت] هدایت نمود؛ و اگر الله ما را هدایت نمی کرد، هرگز راه نمی یافتیم. بی تردید، رسولان پروردگارمان، حق را آوردند». [آنگاه] به آنان ندا داده می شود که: «این بهشت، به پاداش آنچه می کردید به شما رسیده است».

وَنَادَىٰ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابَ النَّارِ أَنْ قَدْ وَجَدْنَا مَا وَعَدَنَا رَبُّنَا حَقًّا فَهَلْ وَجَدْتُمْ مَا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا قَالُوا نَعَمْ فَأَذَّنَ مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ ﴿۴۴﴾

(۴۴) بهشتیان به دوزخیان ندا می دهند که: «ما آنچه را که پروردگارمان به ما وعده داده بود درست یافتیم. آیا شما [نیز] آنچه را که پروردگارتان وعده داده بود درست یافتید؟» آنان می گویند: «آری». آنگاه ندادهندهای در میان آنان ندا درمی دهد که: «لعنت الله بر ستمکاران [کافر] باد!

الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُمْ بِالْآخِرَةِ كَافِرُونَ ﴿۴۵﴾

(۴۵) [همان] کسانی که [مردم را] از راه الله باز می داشتند و آن را [با القای شبّهات] منحرف می خواستند و آخرت را باور نداشتند».

وَبَيْنَهُمَا حِجَابٌ وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَتِهِمْ وَنَادُوا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ سَلِّمُوا عَلَيْكُمْ لَمْ يَدْخُلُوهَا وَهُمْ يَطْمَعُونَ ﴿۴۶﴾

(۴۶) در میان آن دو [گروه بهشتی و دوزخی]، مانعی است و بر اعراف [= بلندی های آن مانع] مردانی هستند که هر یک [از آن دو گروه] را از [نشانه های] چهره شان می شناسند و [از بلندای اعراف]، اهل بهشت را ندا می دهند که: «سلام بر شما باد». اینان امید [ورود به] بهشت دارند و هنوز به آن وارد نشده اند.

﴿۴۷﴾ و هنگامی که چشمانشان متوجه اهل دوزخ می‌شود، می‌گویند: «پروردگارا، ما را با گروه ستمکاران [در یکجا] قرار نده».

وَاِذَا صُرِفَتْ أَبْصَارُهُمْ تِلْقَاءَ أَصْحَابِ النَّارِ قَالُوا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿۴۷﴾

﴿۴۸﴾ اهل اعراف، مردانی [از دوزخیان را] که آنان را از چهره‌هایشان می‌شناسند، صدا می‌زنند [و] می‌گویند: «جمعیت [و مال‌اندوزی] شما و آن [همه] گردنکشی [و تکبر] که می‌کردید، سودی به حالتان نداشت».

وَنَادَى أَصْحَابُ الْأَعْرَافِ رِجَالًا يَعْرِفُونَهُمْ بِسِيمَاهُمْ قَالُوا مَا أَغْنَىٰ عَنْكُمْ جَمْعُكُمْ وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ ﴿۴۸﴾

﴿۴۹﴾ آیا اینها [= بهشتیان] همان کسانی هستند که سوگند یاد می‌کردید که الله [هرگز] رحمتی به آنان نمی‌رساند؟ [سپس الله می‌فرماید: ای مؤمنان،] به بهشت وارد شوید [که در آنجا] نه ترسی خواهید داشت و نه اندوهگین می‌شوید.

أَهْوَلَاءِ الَّذِينَ أَقْسَمْتُمْ لَا يَنَالُهُمُ اللَّهُ بِرَحْمَةٍ أَدْخُلُوا الْجَنَّةَ لَا حَوْفَ عَلَيْكُمْ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ ﴿۴۹﴾

﴿۵۰﴾ اهل دوزخ، به بهشتیان ندا می‌دهند که: «از آن آب یا آنچه الله روزی‌تان کرده است اندکی ما را بهره‌مند سازید». [آنان در پاسخ] می‌گویند: «الله هر دو را بر کافران حرام کرده است».

وَنَادَى أَصْحَابُ النَّارِ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ أَفِيضُوا عَلَيْنَا مِنَ الْمَاءِ أَوْ مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَهَا عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿۵۰﴾

﴿۵۱﴾ [همان] کسانی که دین خود را به سرگرمی و بازی گرفتند و زندگی دنیا فریبشان

الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَهْوًا وَلَعِبًا وَغَرَّتْهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ

داد. پس چنان که آنان دیدار امروزشان را از یاد بردند و آیات ما را انکار می کردند، ما [نیز] امروز آنان را از یاد می بریم [و در عذاب رها می کنیم].

نَنْسَنَهُمْ كَمَا نَسُوا لِقَاءَ يَوْمِهِمْ
هَذَا وَمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا
يَجْحَدُونَ ﴿٥١﴾

(۵۲) به راستی، ما کتابی برایشان آوردیم که آن را بر [اساس] علم [بیکران الهی] به تفصیل بیان کرده ایم [و نازل کردیم] تا برای گروهی که ایمان می آورند، هدایت و رحمتی باشد.

وَلَقَدْ جِئْتَهُمْ بِكِتَابٍ فَصَّلْنَاهُ
عَلَىٰ عِلْمٍ هُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ
يُؤْمِنُونَ ﴿٥٢﴾

(۵۳) آیا آنان [= کافران] جز تأویل آیات [و فرا رسیدن قیامت] انتظار [دیگری] دارند؟ روزی که تأویلش [= قیامت] فرارسد، کسانی که آن را بیشتر فراموش کرده بودند می گویند: «یقیناً رسولان پروردگاران حق را آوردند؛ پس آیا [امروز] شفاعتگرانی داریم که شفاعت ما را بکنند یا [می توانیم به دنیا] بازگردیم تا کارهایی غیر از آنچه می کردیم انجام دهیم؟» بی تردید، [آنان] به خود زیان زدند و آنچه را به دروغ [معبود خود] می ساختند [همه] محو و نابود شد.

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ يَوْمَ
يَأْتِي تَأْوِيلَهُ يَقُولُ الَّذِينَ نَسُوهُ
مِنْ قَبْلُ قَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا
بِالْحَقِّ فَهَلْ لَنَا مِنْ شُفَعَاءَ
فَيَشْفَعُوا لَنَا أَوْ نُرَدُّ فَنَعْمَلْ غَيْرَ
الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ قَدْ خَسِرُوا
أَنْفُسَهُمْ وَصَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا
يَفْتَرُونَ ﴿٥٣﴾

(۵۴) [ای مردم،] بی گمان، پروردگار شما الله است که آسمانها و زمین را در شش روز آفرید؛ سپس [آن گونه که شایسته جلال و عظمت اوست] بر عرش قرار گرفت.

إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ
ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي

[روشنایی] روز را با [تاریکی] شب می پوشاند که [هر یک،] آن [دیگری] را شتابان [و پیوسته] می جوید و خورشید و ماه و ستارگان را [پدید آورد] که [همگی] به فرمان او به خدمت [انسان] گماشته شده اند. آگاه باشید! آفرینش و فرمانروایی، از آن اوست. پربرکت [و بزرگ] است الله که پروردگار جهانیان است.

أَلَيْلَ النَّهَارِ يَطْلُبُهُ حَيْثُ مَا
وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ
مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِ رَبِّهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ
وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ
الْعَالَمِينَ ﴿٥٤﴾

(۵۵) [ای مؤمنان،] پروردگارتان را به زاری و پنهانی بخوانید که او متجاوزان [از حدود الهی] را دوست ندارد.

ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً
إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ ﴿٥٥﴾

(۵۶) و در زمین - پس از آنکه [با بعثت پیامبران و دینداری مؤمنان] اصلاح گشته است - فتنه و فساد نکنید و او [=الله] را با بیم و امید بخوانید [که] بی تردید، رحمت الله به نیکوکاران نزدیک است.

وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ
إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا
إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ
الْمُحْسِنِينَ ﴿٥٦﴾

(۵۷) او ذاتی است که پیشاپیش [باران] رحمتش، بادهای سنگین بار [از آب] را [بر دوش] کشند [و] آن را به سوی سرزمینی [خشک و] مرده می فرستیم؛ آنگاه بر آن [سرزمین،] آب فرو می باریم و با [برکت] آن [آب] هر گونه میوه ای برمی آوریم. این گونه، مردگان را [نیز از قبر] خارج می سازیم؛ باشد که پند گیرید.

وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيْحَ بُشْرًا
بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ حَتَّى إِذَا أَقْلَّتْ
سَحَابًا ثِقَالًا سُقْنَهُ لِبَلَدٍ مَّيِّتٍ
فَأَنْزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ فَأَخْرَجْنَا بِهِ
مِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ كَذَلِكَ نُخْرِجُ
الْمَوْتَى لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿٥٧﴾

وَالْبَلَدُ الظَّيْبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ
 بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبثَ لَا
 يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا كَذَلِكَ نُصَرِّفُ
 الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ ﴿۵۸﴾

(۵۸) سرزمین پاکیزه [و آماده،] گیاهش به فرمان پروردگارش [فراوان و پُربار] می‌روید و از آن [شوره‌زاری] که ناپاک است، جز [گیاهی] اندک و بی‌ارزش نمی‌روید. این گونه آیات [خود] را برای گروهی که سپاس می‌گزارند، گوناگون بیان می‌کنیم.

لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ
 يَقَوْمِ أَعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ
 إِلَهٍ غَيْرُهُ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ
 عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿۵۹﴾

(۵۹) بی‌تردید، ما نوح را به سوی قومش فرستادیم، پس گفت: «ای قوم من، الله را عبادت کنید که جز او معبودی [به‌حق] ندارید. [اگر او را عبادت نکنید،] من بر شما از عذاب روزی بزرگ می‌ترسم».

قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرُكَ
 فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿۶۰﴾

(۶۰) اشراف [و بزرگان] قومش گفتند: «به راستی که ما تو را در گمراهی آشکار می‌بینیم».

قَالَ يَقَوْمِ لَيْسَ بِي ضَلَالَةٌ
 وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِنْ رَبِّ
 الْعَالَمِينَ ﴿۶۱﴾

(۶۱) او گفت: «ای قوم من، هیچ گونه گمراهی [و انحرافی] در من نیست؛ بلکه من فرستاده‌ای از [جانب] پروردگار جهانیان هستم».

أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنْصَحُ
 لَكُمْ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا
 تَعْلَمُونَ ﴿۶۲﴾

(۶۲) پیام‌های پروردگارم را به شما می‌رسانم و برایتان خیرخواهی می‌کنم و از [شریعت] الله چیزهایی می‌دانم که شما نمی‌دانید.

أَوْعَجِبْتُمْ أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِّنْ
 پروردگارتان توسط مردی از خود شما برایتان

آمده است تا شما را [از عذاب قیامت] بیم دهد
 که پروا پیشه کنید و باشد که مشمول رحمت
 گردید؟»

رَبِّكُمْ عَلَى رَجُلٍ مِّنْكُمْ
 لِيُنذِرَكُمْ وَلِتَتَّقُوا وَلَعَلَّكُمْ
 تُرْحَمُونَ ﴿٦٣﴾

(۶۴) اما وی را دروغگو پنداشتند؛ آنگاه ما او و
 کسانی را که همراهش در کشتی بودند نجات
 دادیم و کسانی که آیات ما را تکذیب کرده
 بودند غرق کردیم. به راستی که آنان [در قبال
 حق]، گروهی نابینا بودند.

فَكَذَّبُوهُ فَأَنْجَيْنَاهُ وَالَّذِينَ مَعَهُ
 فِي الْفُلِكِ وَأَغْرَقْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا
 بِآيَاتِنَا إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا عَمِينَ ﴿٦٤﴾

(۶۵) و به [سوی قوم] عاد، برادرشان - هود - را
 [فرستادیم]. او گفت: «ای قوم من، الله را
 عبادت کنید که جز او معبودی [به حق] ندارید.
 آیا پروا نمی کنید؟»

وَإِلَى عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ
 يٰقَوْمِ أَعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِّنْ
 إِلَهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿٦٥﴾

(۶۶) اشراف [و بزرگان] قوم او که کافر بودند
 گفتند: «بی گمان، ما تو را در نادانی می بینیم؛
 و ما قطعاً تو را از دروغگویان می پنداریم.»

قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ
 قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرُّكَ فِي سَفَاهَةٍ وَإِنَّا
 لَنُظُنُّكَ مِنَ الْكٰذِبِينَ ﴿٦٦﴾

(۶۷) گفت: «ای قوم من، هیچ گونه نادانی ای
 در من نیست؛ بلکه من فرستاده ای از [جانب]
 پروردگار جهانیان هستم.

قَالَ يٰقَوْمِ لَيْسَ بِي سَفَاهَةٌ
 وَلٰكِنِّي رَسُولٌ مِّنْ رَبِّ
 الْعٰلَمِينَ ﴿٦٧﴾

(۶۸) پیام های پروردگارم را به شما می رسانم و
 من خیرخواهی امین برایتان هستم.

أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنَا
 لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ ﴿٦٨﴾

أَوْعَجِبْتُمْ أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ مِّنكُمْ لِيُنذِرَكُمْ ۖ وَذِكْرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِن بَعْدِ قَوْمِ نُوحٍ وَزَادَكُمْ فِي الْخَلْقِ بَصَلَةً ۗ فَأذْكُرُوا آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٦٩﴾

(۶۹) آیا تعجب کرده‌اید که پندی از جانب پروردگارتان توسط مردی از خودِ شما برایتان آمده است تا شما را [از عذاب قیامت] بیم دهد؟ و به یاد آورید هنگامی که [الله] پس از قوم نوح، شما را جانشینان [آنان] قرار داد و به شما در آفرینش، فزونی [و قدرت] داد. پس نعمت‌های الله را به یاد آورید؛ باشد که رستگار شوید».

قَالُوا أَجِئْنَا لِنَعْبُدَ اللَّهَ وَحْدَهُ وَنَذَرَ مَا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿٧٠﴾

(۷۰) [کافران] گفتند: «آیا به سوی ما آمده‌ای که فقط الله را عبادت کنیم و آنچه را پدرانمان عبادت می‌کردند رها کنیم؟ پس اگر از راستگویانی، آنچه [از عذاب الهی که] به ما وعده می‌دهی، بیاور».

قَالَ قَدْ وَقَعَ عَلَيْكُمْ مِّن رَّبِّكُمْ رِجْسٌ وَغَضَبٌ أَتُجَدِّلُونَنِي فِي أَسْمَاءِ سَمِيئَتُوهَا أَنْتُمْ وَعَابَاؤُكُمْ مَا نَزَّلَ اللَّهُ بِهَا مِن سُلْطَانٍ فَأَنْظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ ﴿٧١﴾

(۷۱) [هود] گفت: «بی‌تردید، عذاب و خشمی [سخت] از [سوی] پروردگارتان بر شما واقع شده [و شما را فراگرفته] است. آیا درباره اسم‌هایی که خودِ شما و پدرانتان آنها را [معبود] نام نهاده‌اید و الله هیچ دلیلی بر [حقانیت] آنها نازل نکرده است با من مجادله می‌کنید؟ پس منتظر باشید [که] بی‌گمان، من [نیز] با شما از منتظرانم».

فَأَحْيَيْنَاهُ وَالَّذِينَ مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا

(۷۲) پس او و کسانی را که همراهش بودند به

وَقَطَعْنَا دَابِرَ الَّذِينَ كَذَبُوا بَيَاتِنًا
وَمَا كَانُوا مُؤْمِنِينَ ﴿۷۲﴾
رحمت [و لطفی] از [جانب] خویش نجات
دادیم و ریشه کسانی که آیات ما را تکذیب
کردند و از مؤمنان نبودند، برانداختیم.

وَالِئِذَا تَمُودُ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ
يَقَوْمِ أَعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ
إِلَهٍ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ
مِنْ رَبِّكُمْ هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ
لَكُمْ آيَةٌ فَذَرُوهَا تَأْكُلْ فِي
أَرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمْسُوهَا بِسُوءٍ
فَيَأْخُذْكُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿۷۳﴾
(۷۳) و به [سوی قوم] تمود، برادرشان - صالح
- را [فرستادیم]. او گفت: «ای قوم من، الله را
عبادت کنید که جز او معبودی [به حق] ندارید.
بی تردید، دلیل روشنی از [سوی] پروردگارتان
برای شما آمده است. این ماده شترِ الله [که از
دل صخره‌ها بیرون آمده است] معجزه‌ای
برایتان است؛ پس او را [به حال خود] واگذارید
تا در زمین الله [بچرد و علف] بخورد و به او
آزار [و آسیبی] نرسانید که شما را عذابی
دردناک فرا خواهد گرفت.

وَأذْكُرُوا إِذْ جَعَلْنَا خُلَفَاءَ مِنْ
بَعْدِ عَادٍ وَبَوَّأَكُمْ فِي الْأَرْضِ
تَتَّخِذُونَ مِنْ سُهولِهَا قُصُورًا
وَتَنْحِتُونَ الْجِبَالَ بُيُوتًا فَاذْكُرُوا
عَالَاءَ اللَّهِ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ
مُفْسِدِينَ ﴿۷۴﴾
(۷۴) و به یاد آورید هنگامی که [الله] شما را
پس از [قوم] عاد، جانشینان [آنان] قرار داد و
در زمین مستقر ساخت که در دشت‌هایش
قصرهایی بنا می‌کنید و در کوه‌ها خانه‌هایی
می‌تراشید. پس نعمت‌های الله را به یاد آورید و
در زمین به فساد [و تباهی] نکوشید».

قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ
قَوْمِهِ لِلَّذِينَ اسْتَضَعِفُوا لِمَنْ
عَامَنَ مِنْهُمْ أَتَعْلَمُونَ أَنَّ صَالِحًا
(۷۵) اشراف [و بزرگان] قوم او که گردنکشی
می‌کردند، به مستضعفان - به [همان] کسانی
از آنان که ایمان آورده بودند- گفتند: «آیا [به

مُرْسَلٌ مِّن رَّبِّهِ ۚ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلَ بِهِءُ مُؤْمِنُونَ ﴿٧٥﴾
 یقین] می دانید که صالح از [طرف] پروردگارش فرستاده شده است؟» [آنان] گفتند: «ما به آنچه او با آن فرستاده شده است ایمان داریم».

قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا بِالَّذِي آمَنْتُمْ بِهِءُ كَافِرُونَ ﴿٧٦﴾
 (۷۶) کسانی که گردنکشی می کردند گفتند: «ما به آنچه شما به آن ایمان آورده اید، باور نداریم».

فَعَقَرُوا النَّاقَةَ وَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ وَقَالُوا يُصَلِّحُ اتِّتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿٧٧﴾
 (۷۷) پس ماده شتر را پی کردند و از فرمان پروردگارشان سرپیچی نمودند و گفتند: «ای صالح، اگر از پیامبران [الهی] هستی، آنچه از عذاب که به ما وعده می دهی [بر سرمان] بیاور».

فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جِثِيمِينَ ﴿٧٨﴾
 (۷۸) سرانجام زمین لرزه [شدیدی] آنان را فراگرفت؛ و در خانه های خود به روی افتادند [و هلاک شدند].

فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَاقَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَةَ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ وَلَكِنْ لَا تُحِبُّونَ النَّاصِحِينَ ﴿٧٩﴾
 (۷۹) پس [صالح] از آنان روی گرداند و گفت: «ای قوم من، من پیام پروردگارم را به شما رساندم و برایتان خیرخواهی کردم؛ ولی شما [خیرخواهان و] نصیحت گران را دوست ندارید».

وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ ۖ أَتَأْتُونَ الْفَلْحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِّنَ الْعَالَمِينَ ﴿٨٠﴾
 (۸۰) و لوط را [به پیامبری فرستادیم] که به قوم خود گفت: «آیا کار بسیار زشتی را انجام می دهید که پیش از شما هیچ یک از جهانیان انجام نداده است؟»

إِنَّكُمْ لَأَتْثُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِّنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ ﴿٨١﴾

(۸۱) شما از روی شهوت، به جای زنان، با مردان می‌آمیزید. آری، شما [از حدود الهی فراتر رفته‌اید و] گروهی تجاوزکارید».

وَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَخْرِجُوهُمْ مِّنْ قَرْيَتِكُمْ إِنَّهُمْ أَنَاسٌ يَّتَطَهَّرُونَ ﴿٨٢﴾

(۸۲) و[الی] پاسخ قومش جز این نبود که گفتند: «آنان را از شهرتان بیرون کنید؛ [چرا که] بی‌تردید، اینها افرادی پاکدامن [و مقدس‌مآب] هستند».

فَأَجْبَيْنَاهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا أُمَّرَأَتَهُ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ ﴿٨٣﴾

(۸۳) پس ما او و خاندانش را نجات دادیم؛ مگر همسرش که از بازماندگان [در عذاب] بود.

وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَأَنْظَرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ ﴿٨٤﴾

(۸۴) و بارانی [از سنگ] بر آنان باریدیم. پس بنگر که سرانجام گناهکاران چگونه بود.

وَالِى مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَاقَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِّنْ إِلَهِ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِّنْ رَبِّكُمْ فَاقِفُوا أَلْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٨٥﴾

(۸۵) و به سوی [مردم] مَدْيَنَ، برادرشان شُعَيْب را [فرستادیم]. او گفت: «ای قوم من، الله را عبادت کنید که جز او معبودی [به‌حق] ندارد. یقیناً از [سوی] پروردگارتان دلیلی روشن برای شما آمده است؛ پس [حق] پیمان‌ها و ترازو را کامل [و درست] ادا کنید و از اجناس مردم نگاهید و در زمین - پس از اصلاحش - فساد نکنید. اگر ایمان دارید، این برای شما بهتر است؛

وَلَا تَقْعُدُوا بِكُلِّ صِرَاطٍ تُوعِدُونَ وَتَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِهِ وَتَبَعُونَهَا عَوْجًا وَاذْكُرُوا إِذْ كُنْتُمْ قَلِيلًا فَكَذَّبْتُمْ وَأَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ ﴿٨٦﴾

(۸۶) و بر سر هر راهی ننشینید که [با زورگیری و دزدی و تهدید به قتل، مردم را] بترسانید و هر کس را که ایمان دارد از راه الله بازدارید و راهش را منحرف خواهید [که به هدایت دست نیابد]؛ و به یاد آورید هنگامی را که اندک بودید، سپس الله [تعداد] شما را فزونی بخشید؛ و بنگرید که سرانجامِ مفسدان [تبهکار] چگونه بود.

وَإِنْ كَانَ طَائِفَةٌ مِّنْكُمْ آمَنُوا بِالَّذِي أُرْسِلَتْ بِهِ وَطَائِفَةٌ لَّمْ يُؤْمِنُوا فَاصْبِرُوا حَتَّىٰ يَحْكُمَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ ﴿٨٧﴾

(۸۷) اگر گروهی از شما به آنچه با آن فرستاده شده‌ام ایمان آوردند و گروه دیگر ایمان نیاوردند، صبر کنید تا الله میان ما داوری کند و او بهترین داور است.

قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِن قَوْمِهِ لَنُخْرِجَنَّكَ يَشْعَبُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَكَ مِنْ قَرْيَتِنَا أَوْ لَتَعُودُنَّ فِي مِلَّتِنَا قَالَ أَوَلَوْ كُنَّا كَاهِنِينَ ﴿٨٨﴾

(۸۸) اشراف [و بزرگان] قومش که تکبر می‌ورزیدند گفتند: «ای شعیب، قطعاً تو و کسانی را که همراهت ایمان آورده‌اند از شهرمان بیرون می‌کنیم؛ [پس یا بروید] یا به آیین ما بازگردید». [شعیب] گفت: «آیا [بازگردیم حتی] اگر از آن کراهت داشته [و بیزار] باشیم؟»

قَدْ أَفْتَرْنَا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا إِنْ عُدْنَا فِي مِلَّتِكُمْ بَعْدَ إِذْ نَجَّيْنَا

(۸۹) اگر به آیین شما برگردیم پس از آنکه الله ما را از آن نجات بخشید، در حقیقت، به الله

دروغ بسته‌ایم؛ و سزاوار ما نیست که به آن بازگردیم، مگر آنکه الله - پروردگار ما - بخواهد. علم پروردگاران همه چیز را فراگرفته است؛ بر الله توکل کرده‌ایم. پروردگارا، میان ما و قوممان به حق داوری کن و تو بهترین داوری.»

اللَّهُ مِنْهَا وَمَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَعُودَ فِيهَا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّنَا وَسِعَ رَبُّنَا كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ ﴿٨٩﴾

(۹۰) و اشراف [و بزرگان] قومش که کافر بودند گفتند: «اگر از شعیب پیروی کنید، قطعاً زیانکار خواهید بود.»

وَقَالَ الْأَمْلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَئِن آتَبَعْتُمْ شُعَيْبًا إِنَّكُمْ إِذَا لَخَسِرُونَ ﴿٩٠﴾

(۹۱) آنگاه زلزله [شدیدی] آنان را فراگرفت؛ و در خانه‌های خود به روئ درافتادند [و هلاک شدند].

فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَثِيمِينَ ﴿٩١﴾

(۹۲) کسانی که شعیب را دروغگو انگاشتند [چنان از بین رفتند که] گویی هرگز در آن [دیوار] نبوده‌اند؛ و آنان که شعیب را دروغگو انگاشتند، خود زیانکار بودند.

الَّذِينَ كَذَّبُوا شُعَيْبًا كَأَنْ لَمْ يَغْنَوْا فِيهَا الَّذِينَ كَذَّبُوا شُعَيْبًا كَانُوا هُمُ الْخَاسِرِينَ ﴿٩٢﴾

(۹۳) پس [شعیب] از آنان روی برگرداند و گفت: «ای قوم من، بی‌تردید، پیام‌های پروردگارم را به شما رساندم و پندتان دادم. پس چگونه برای گروهی کافر [الجوج] اندوهگین باشم؟»

فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَاقَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَتِ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ فَكَيْفَ ءَأْسَىٰ عَلَىٰ قَوْمٍ كَافِرِينَ ﴿٩٣﴾

وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّن نَّبِيٍّ إِلَّا
أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ
لَعَلَّهُمْ يَضَّرِعُونَ ﴿٩٤﴾

(۹۴) و ما در هیچ شهر [و دیاری] پیامبری
نفرستادیم، مگر اینکه ساکنانش را به رنج‌ها و
سختی‌ها گرفتار ساختیم؛ باشد که [به درگاه
الهی، فروتنی و] تضرع کنند.

ثُمَّ بَدَّلْنَا مَكَانَ السَّيِّئَةِ الْحَسَنَةَ
حَتَّىٰ عَفَوْا وَقَالُوا قَدْ مَسَّ
آبَاءَنَا الضَّرَّاءُ وَالسَّرَّاءُ
فَأَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا
يَشْعُرُونَ ﴿٩٥﴾

(۹۵) سپس به جای ناخوشی [و بدی،] نیکی
[و خوشی] آوردیم تا افزون شدند و گفتند:
«بی‌تردید، به پدران ما [نیز به حکم طبیعت،]
سختی و راحتی می‌رسید». پس در حالی که
بی‌خبر بودند، ناگهان آنان را [به عذاب سخت]
گرفتیم.

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا
لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّن
السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا
فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا
يَكْسِبُونَ ﴿٩٦﴾

(۹۶) و اگر اهل آن شهرها ایمان می‌آوردند و
پروا می‌کردند، [درهای] برکات آسمان و زمین
را بر آنان می‌گشودیم؛ ولی [آیات و پیام‌های ما
را] تکذیب کردند؛ پس به [کیفر] آنچه
می‌کردند، آنان را [به عذاب] فروگرفتیم.

أَفَأَمِّنَ أَهْلُ الْقُرَىٰ أَن يَأْتِيَهُمْ
بَأْسُنَا بَيِّنًا وَهُمْ نَائِمُونَ ﴿٩٧﴾

(۹۷) آیا ساکنان [این] شهرها در امانند از
اینکه عذاب ما [ناگهان] شب‌هنگام که خفته‌اند
به سراغشان بیاید؟

أَوْ أَمِّنَ أَهْلُ الْقُرَىٰ أَن يَأْتِيَهُمْ
بَأْسُنَا ضُحًى وَهُمْ يُلْعَبُونَ ﴿٩٨﴾

(۹۸) و آیا ساکنان [این] شهرها در امانند از
اینکه عذاب ما در روز روشن که به بازی [و
امور بیهوده] سرگردمند، به سراغشان بیاید؟

أَفَأَمِنُوا مَكْرَ اللَّهِ فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْأَلْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ ﴿٩٩﴾
 (۹۹) آیا خود را از مکر [و تدبیر] الله ایمن دانسته‌اند؟ [حال آنکه] جز مردمِ زیانکار، [کسی] خود را از مکرِ الله در امان نمی‌داند.

أَوْلَمْ يَهْدِ لِلَّذِينَ يَرِثُونَ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِ أَهْلِهَا أَنْ لَوْ نَشَاءُ أَصْبَلْهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَنَطْبَعُ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ ﴿١٠٠﴾
 (۱۰۰) مگر برای کسانی که زمین را پس از ساکنان [پیشین] آن به ارث می‌برند، روشن نشده است که اگر می‌خواستیم، آنان را به [کیفر] گناهانشان نابود می‌کردیم و بر دل‌هایشان مُهر می‌نهادیم تا دیگر [ندای حق را] نشنوند؟

تِلْكَ الْقَرْيُ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِهَا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا مِنْ قَبْلُ كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِ الْكَافِرِينَ ﴿١٠١﴾
 (۱۰۱) [ای پیامبر]، اینها شهرهایی است که برخی از خبرهایشان را بر تو حکایت می‌کنیم. بی‌تردید، پیامبران آنها دلایل روشن را برایشان آوردند؛ ولی آنان نمی‌خواستند به چیزی که بیشتر دروغ شمرده بودند ایمان بیاورند. الله بر دل‌های کافران، این گونه مُهر [غفلت] می‌نهد.

وَمَا وَجَدْنَا لِأَكْثَرِهِمْ مِنْ عَهْدٍ وَإِن وَجَدْنَا أَكْثَرَهُمْ لَفَاسِقِينَ ﴿١٠٢﴾
 (۱۰۲) و در بیشتر آنان وفای به عهد نیافتیم و اکثرشان را جداً نافرمان یافتیم.

ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِم مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِۦ فَرَسَدَا فَمَا لَهُمْ كَفَرُوا وَرَدُّوا عَلَىٰ أَعْقَابِهِمْ لِيُحَدِّثُوا إِلَىٰ عِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ عَذَابِ اللَّهِ الَّذِي هُوَ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٠٣﴾
 (۱۰۳) سپس بعد از آنها موسی را با آیات خویش به سوی فرعون و بزرگان قومش فرستادیم؛ ولی آنها به آن [آیات] کفر ورزیدند؛

فَظَلَمُوا بِهَا فَأَنْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ ﴿١٠٣﴾
 پس بنگر که سرانجامِ تبهکاران چگونه بوده است.

وَقَالَ مُوسَىٰ يَافِرْعَوْنُ إِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٠٤﴾
 فرستاده‌ای از [سوی] پروردگار جهانیانم. «ای فرعون، من

حَقِيقٌ عَلَىٰ أَنْ لَا أَقُولَ عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقُّ قَدْ جِئْتُكُم بِبَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ فَأَرْسِلْ مَعِيَ بَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿١٠٥﴾
 سزاوار است که در مورد الله جز [به] راستی و [حق سخن نگویم. بی‌تردید، من دلیل [و معجزه‌ای روشن] از پروردگارتان برای شما آورده‌ام؛ پس بنی‌اسرائیل را همراه من بفرست.»

قَالَ إِنْ كُنْتَ جِئْتَ بِآيَةٍ فَأْتِ بِهَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿١٠٦﴾
 [فرعون] گفت: «اگر معجزه‌ای آورده‌ای [و] اگر راست می‌گویی، آن را بیاور.»

فَأَلْقَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ ﴿١٠٧﴾
 پس [موسی] عصایش را انداخت و ناگهان [تبدیل به] اژدهایی آشکار [و بزرگ تبدیل] شد.

وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بِيضَاءٌ لِلنَّظِيرِينَ ﴿١٠٨﴾
 و دستش را [از گریبان] بیرون آورد و ناگهان برای تماشاگران سپید [و درخشان] می‌نمود.

قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ ﴿١٠٩﴾
 [بزرگان] قوم فرعون گفتند: «حقا که این [مرد] جادوگری داناست.»

يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُم مِّنْ

سُورَةُ الْأَعْرَافِ ﴿۱۱۰﴾ ۱۱۰ ﴿۱۱۰﴾ سرزمینتان بیرون کند؛ پس نظرتان چیست؟»

﴿۱۱۱﴾ آنان گفتند: «کارِ او و برادرش را به تأخیر بینداز و مأمورانِ جمع‌آوری را به [همه] شهرها بفرست؛

﴿۱۱۲﴾ تا همهٔ جادوگران دانا [و ماهر] را نزدت بیاورند».

﴿۱۱۳﴾ و [سرانجام،] جادوگران نزد فرعون آمدند [و] گفتند: «آیا اگر ما پیروز شدیم، [نزد تو] پاداشی خواهیم داشت؟»

﴿۱۱۴﴾ [فرعون] گفت: «آری، قطعاً شما از مقرّبان [درگاهم] خواهید بود».

﴿۱۱۵﴾ [در روز موعود،] جادوگران مغرورانه گفتند: «ای موسی، یا تو نخست [عصایت را] بیفکن یا ما [ابزار خود را] می‌افکنیم».

﴿۱۱۶﴾ [موسی] گفت: «شما بیفکنید». هنگامی که [بزارشان را] افکندند، چشمان مردم را افسون کردند و آنان را سخت ترساندند و جادویی بزرگ [پدید] آوردند.

﴿۱۱۷﴾ و [ما] به موسی وحی کردیم که: «عصایت را بینداز». ناگهان آن [عصا، به مار

بزرگی تبدیل شد و] آنچه را به دروغ ساخته بودند، فرو بلعید. ﴿۱۱۷﴾

فَوَقَعَ الْحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۱۱۸﴾ پس حقیقت آشکار گردید و آنچه می‌کردند باطل شد.

فَعَلِبُؤُا هُنَالِكَ وَأَنْقَلَبُوا صَغِيرِينَ ﴿۱۱۹﴾ و [فرعون و فرعونیان همگی در] آنجا شکست خوردند و خوار گردیدند،

وَأَلْقَى السَّحَرَةَ سَاجِدِينَ ﴿۱۲۰﴾ و جادوگران به سجده افتادند.

قَالُوا ءَأَمَّا رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۱۲۱﴾ گفتند: «به پروردگار جهانیان ایمان آوردیم؛

رَبِّ مُوسَى وَهَارُونَ ﴿۱۲۲﴾ پروردگار موسی و هارون».

قَالَ فِرْعَوْنُ ءَأَمَنْتُمْ بِهِ قَبْلَ أَنْ ءَاذَنَ لَكُمْ إِنَّ هَذَا لَمَكْرٌ مَّكْرَتُهُمْ فِي الْمَدِينَةِ لِيُخْرِجُوا مِنْهَا أَهْلَهَا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ﴿۱۲۳﴾ فرعون گفت: «پیش از آنکه به شما اجازه دهم به او ایمان آوردید؟ قطعاً این نیرنگی است که در شهر به راه انداخته‌اید تا ساکنانش را از آن بیرون کنید. پس به زودی [نتیجه کارتان را] خواهید دانست.

لَأُفِطَنَ أَيْدِيكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِّنْ خِلَافٍ ثُمَّ لَأُصَلِّبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ ﴿۱۲۴﴾ یقیناً دست و پایتان را بر خلاف یکدیگر [از چپ و راست] قطع می‌کنم و همگی شما را به دار می‌آویزم».

قَالُوا إِنَّا إِلَى رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ ﴿۱۲۵﴾ آنان گفتند: «بی‌تردید، ما [پس از مرگ] به سوی پروردگارمان بازمی‌گردیم

وَمَا تَنْقِمُ مِنَّا إِلَّا أَنْ ءَامَنَّا بِبَيِّنَاتٍ رَّبِّنَا لَمَّا جَاءَتْنَا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَوَقَّفْنَا مُسْلِمِينَ ﴿۱۲۶﴾

(۱۲۶) و [ای فرعون،] تو از ما ایراد نمی گیری جز به این سبب که به معجزات پروردگاران - آنگاه که به ما رسید - ایمان آوردیم. پروردگارا، بر ما شکیبایی [و استقامت] ببار و ما را در حالی بمیران که تسلیم [فرمان تو] هستیم».

وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ أَتَدْرُكُ مُوسَى وَقَوْمَهُ لِيُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَيَذُرِكَ وَعَالِهَتَكَ قَالَ سَنُقَاتِلُ أبنَاءَهُمْ وَنَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ وَإِنَّا فَوْقَهُمْ قَاهِرُونَ ﴿۱۲۷﴾

(۱۲۷) و بزرگان قوم فرعون [به او] گفتند: «آیا موسی و قومش را رها می کنی تا در این سرزمین فساد کنند و تو و معبودانت را رها کنند؟». [فرعون] گفت: «هرگز؛ بلکه [پسرانشان را خواهیم کشت و زنانشان را [برای کنیزی] زنده خواهیم گذاشت؛ و ما بر آنان چیره ایم».

قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَأَصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ ﴿۱۲۸﴾

(۱۲۸) موسی به قومش گفت: «از الله یاری بجوید و شکیبایی [و استقامت] پیشه کنید. بی تردید، زمین از آن الله است [و] آن را به هر یک از بندگانش که بخواهد، به میراث می دهد؛ و سرانجام نیک، از آن پرهیزگاران است».

قَالُوا أُوذِينَا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَأْتِيَنَا وَمِنْ بَعْدِ مَا جِئْتَنَا قَالَ عَسَى رَبُّكُمْ أَنْ يُهْلِكَ عَدُوَّكُمْ وَيَسْتَخْلِفَكُمْ فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ ﴿۱۲۹﴾

(۱۲۹) [بنی اسرائیل] گفتند: «پیش از آنکه نزد ما بیایی و [حتی] پس از آنکه نزد ما آمدی، [از ستم های فرعون] آزار و اذیت دیده ایم». [موسی] گفت: «امید است که پروردگار شما دشمنان را هلاک کند و شما را در زمین جانشین [آنان] سازد؛ آنگاه بنگرد که چگونه رفتار می کنید».

وَلَقَدْ أَخَذْنَا آلَ فِرْعَوْنَ
بِالسِّنِينَ وَنَقْصِ مِنَ الثَّمَرَاتِ
لَعَلَّهُمْ يَذْكُرُونَ ﴿۱۳۰﴾

و (۱۳۰) و بی‌تردید، ما فرعونیان را به خشکسالی و کمبود محصولات دچار کردیم؛ باشد که پند گیرند [و توبه کنند].

فَإِذَا جَاءَهُمْ الْحَسَنَةُ قَالُوا لَنَا
هَذِهِ ۗ وَإِنْ نُسِبْهُمْ سَيِّئَةٌ يَظْهَرُوا
بِمُوسَىٰ وَمَنْ مَعَهُ ۗ أَلَا إِنَّمَا
طَبَّرْنَاهُمْ عِنْدَ اللَّهِ وَلَكِنَّ
أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿۱۳۱﴾

(۱۳۱) اما وقتی نیکی [و فراوانی نعمت] به آنان می‌رسید، می‌گفتند: «این به سبب [شایستگی] خود ماست» و اگر بدی [و خشکسالی] به آنان می‌رسید، به موسی و کسانی که همراهش بودند، شگون بد می‌زدند. آگاه باشید! سرنوشتِ شوم آنان، تنها نزد الله [و به قضا و قدر او] است؛ اما بیشتر آنان نمی‌دانند.

وَقَالُوا مَهْمَا تَأْتِنَا بِهِ مِنْ آيَةٍ
لِتَسْحَرَنَا بِهَا فَمَا نَحْنُ لَكَ
بِمُؤْمِنِينَ ﴿۱۳۲﴾

(۱۳۲) و [پیروان فرعون به او] گفتند: «هر [معجزه و] نشانه‌ای برایمان بیاوری تا ما را با آن جادو کنی، [هرگز] به تو ایمان نمی‌آوریم».

فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ وَالْجُرَادَ
وَالْقُمَّلَ وَالضَّفَادِعَ وَالِدَّمَ ۗ آيَاتٍ
مُفَصَّلَاتٍ فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا
مُجْرِمِينَ ﴿۱۳۳﴾

(۱۳۳) پس [بلاهایی همچون] طوفان و ملخ و شته و قورباغه‌ها و [رودِ پر] خون بر آنان فرستادیم [که] نشانه‌هایی جدا [از هم و بی‌پای] بودند؛ اما [باز هم] گردنکشی کردند و گروهی گناهکار بودند.

وَلَمَّا وَقَعَ عَلَيْهِمُ الرِّجْزُ قَالُوا
يَمُوسَىٰ أَدْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ

(۱۳۴) و هنگامی که عذاب بر آنان واقع شد، گفتند: «ای موسی، از پروردگارت

برای ما بخواه، بنا به پیمانی که با تو دارد [تا این عذاب و بلا را از ما دور کند]. اگر این عذاب را از ما برداری، قطعاً به تو ایمان می‌آوریم و بنی‌اسرائیل را همراه تو روانه می‌کنیم».

عِنْدَكَ لَئِن كَشَفْتَ عَنَّا الرَّجْزَ لَتُؤْمِنَنَّ لَكَ وَلَنُرْسِلَنَّ مَعَكَ بَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿١٣٤﴾

(۱۳۵) اما چون عذاب را تا مدت معینی که [پیش از هلاکت] فرصت داشتند از آنان دور کردیم، باز هم پیمان‌شکنی کردند.

فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمْ الرَّجْزَ إِلَىٰ أَجَلٍ هُمْ بَلِغُوهُ إِذَا هُمْ يَنْكُثُونَ ﴿١٣٥﴾

(۱۳۶) پس از آنان انتقام گرفتیم و در دریا غرقشان ساختیم؛ زیرا آیات [و معجزات] ما را دروغ می‌انگاشتند و از آن غافل بودند.

فَأَنْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ ﴿١٣٦﴾

(۱۳۷) و به آن گروهی که همواره مورد ستم واقع می‌شدند، [بخش‌های] شرقی و غربی سرزمین [شام] را - که به آن برکت بخشیده بودیم - به میراث عطا کردیم و به پاداش آنکه شکیبایی کردند، وعدهٔ نیکوی پروردگارت به بنی‌اسرائیل [= یاری ستمدیدگان] تحقق یافت و آنچه را که فرعون و قومش می‌ساختند و برمی‌افراشتند [یکسره] ویران کردیم.

وَأَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضْعَفُونَ مَشْرِقَ الْأَرْضِ وَمَغْرِبَهَا الَّتِي بَرَكْنَا فِيهَا وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَىٰ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا وَدَمَّرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَقَوْمُهُ وَمَا كَانُوا يَعْرِشُونَ ﴿١٣٧﴾

(۱۳۸) و بنی‌اسرائیل را از دریا گذرانیدیم و [در راه] به قومی رسیدند که همواره به [عبادت] بت‌هایشان می‌پرداختند؛ [در این هنگام بنی‌اسرائیل] گفتند: «ای موسی، همان گونه

وَجَوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَىٰ قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلَىٰ أَصْنَامٍ لَهُمْ قَالُوا يَا مُوسَىٰ اجْعَلْ

لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ ءَالِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ ﴿۱۳۸﴾
 که آنان معبودانی دارند، برای ما [نیز] معبودی تعیین کن. [موسی] گفت: «بی تردید، شما گروهی هستید که جهالت [و نادانی] می کنید [و عظمتِ الله را نمی دانید].»

إِنَّ هَؤُلَاءِ مُتَّبِعُونَ مِمَّا هُمْ فِيهِ وَبِطِلٌ مِمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۱۳۹﴾
 (۱۳۹) یقیناً آیین [مشرکانه] اینها نابودشدنی است و آنچه می کنند [نیز] باطل است.»

قَالَ أَعْيَرَ اللَّهُ أَبْغِيكُمْ إِلَهًا وَهُوَ فَضَّلَكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿۱۴۰﴾
 (۱۴۰) [سپس] گفت: «آیا به جز الله معبودی [دیگر] برایتان بجویم در حالی که او شما را بر جهانیان [هم عصرتان] برتری داده است؟»

وَإِذْ أَنْجَيْنَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يُقْتُلُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَٰلِكُمْ بَلَاءٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَظِيمٌ ﴿۱۴۱﴾
 (۱۴۱) و [به یاد آورید] زمانی که شما را از [آسیب] فرعونیان نجات دادیم [که] بدترین [و خفت بارترین] عذاب را بر سرتان می آوردند: پسرانتان را می کشتند و زنانتان را [برای کنیزی] زنده نگه می داشتند؛ و در این [عذاب و نجات] آزمایشی بزرگ از جانب پروردگارتان برای شما بود.

وَوَاعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمَمْنَا بِعَشْرِ فِتْنٍ مِّمَّا قَدْ كَانُوا فِيهَا يُكْفَرُونَ ﴿۱۴۲﴾
 (۱۴۲) و با موسی سی شب [برای مناجات] وعده نهادیم و آن را با ده شب [دیگر] کامل کردیم؛ به این ترتیب وعده پروردگارش [با او] در چهل شب تمام شد. و موسی [هنگام رفتن به کوه طور] به برادرش هارون گفت: «جانشین من در میان قومم باش و [امورشان

را] اصلاح کن و از راه مفسدان پیروی نکن».

الْمُفْسِدِينَ ﴿١٤٢﴾

(۱۴۳) و هنگامی که موسی به وعده‌گاه ما آمد و پروردگارش [بی‌واسطه] با او سخن گفت. [موسی] عرض کرد: «پروردگارا، خود را به من نشان بده تا به تو بنگرم». [الله] فرمود: «[در دنیا] هرگز مرا نخواهی دید؛ ولی به این کوه بنگر؛ اگر در جای خود برقرار باقی ماند، تو [نیز] مرا خواهی دید». پس چون پروردگارش بر [آن] کوه تجلی کرد، آن را متلاشی [و پراکنده] ساخت و موسی بیهوش شد و نقش زمین گردید و چون به هوش آمد، عرض کرد: «[بار الها،] تو پاک و منزّهی. به درگاهت توبه کردم و بی‌تردید، من [میان قوم خود] نخستین مؤمن هستم».

وَلَمَّا جَاءَ مُوسَىٰ لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِي إِلَيْكَ قَالَ لَنْ تَرِنِي وَلَكِنِ أَنْظُرُ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ تَرِنِي فَلَمَّا تَجَلَّىٰ رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَخَرَّ مُوسَىٰ صَعِقًا فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ سُبْحَانَكَ تُبْتُ إِلَيْكَ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٤٣﴾

(۱۴۴) [الله] فرمود: «ای موسی، [بدان که] من تو را به پیام‌ها و کلام [بی‌واسطه] خویش، بر مردمان برگزیدم. آنچه به تو می‌بخشم بگیر و سپاسگزار باش».

قَالَ يَمُوسَىٰ إِنِّي اصْطَفَيْتُكَ عَلَى النَّاسِ بِرِسَالَتِي وَبِكَالِمِي فَاخْذُ مَا آتَيْتُكَ وَكُن مِّنَ الشَّاكِرِينَ ﴿١٤٤﴾

(۱۴۵) و در الواح [تورات] برای او در هر موردی پندی [آوردیم] و برای هر امری شرحی نگاشتیم [و به موسی فرمودیم:] «آن را با جدیت بگیر و به قومت دستور بده که نیکوترین آنها را فراگیرند [و به آن عمل کنند]؛

وَكَتَبْنَا لَهُ فِي الْأَلْوَابِ مِن كُلِّ شَيْءٍ مَّوعِظَةً وَتَفْصِيلًا لِّكُلِّ شَيْءٍ فَخُذْهَا بِقُوَّةٍ وَأْمُرْ قَوْمَكَ يَأْخُذُوا بِأَحْسَنِهَا سَأُرِيكُمْ

دَارَ الْفَلْسِيقِينَ ﴿١٤٥﴾ و به زودی [جایگاه و] سرای نافرمانان را به شما نشان خواهیم داد».

سَأَصْرَفُ عَنْ عَائِتِي الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَإِنْ يَرَوْا كُلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الْغَيِّ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا

غَافِلِينَ ﴿١٤٦﴾

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِقَاءِ الْأَخِرَةِ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٤٧﴾ و کسانی که آیات ما و دیدار آخرت را تکذیب کردند، کارهایشان تباه گشته است. آیا جز [در برابر] آنچه می کردند مجازات می شوند؟

وَاتَّخَذَ قَوْمُ مُوسَى مِنْ بَعْدِهِ مِنْ حُلِيِّهِمْ عِجَلًا جَسَدًا لَهُمْ خُورًا أَلَمْ يَرَوْا أَنَّهُ لَا يُكَلِّمُهُمْ وَلَا يَهْدِيهِمْ سَبِيلًا اتَّخَذُوهُ وَكَانُوا

ظَلِيمِينَ ﴿١٤٨﴾

(۱۴۸) و قوم موسی پس از [رفتن] او [به کوه طور]، از زیورهایشان مجسمه گوساله‌ای را ساختند [و عبادت کردند] که صدایی [همچون صدای گوساله] داشت. آیا نمی دیدند که [آن پیکر بی جان] با آنان سخن نمی گوید و آنان را به راهی هدایت نمی کند؟ آن را [معبود] گرفتند و [به خاطر این شرک، نسبت به خویش] ستمکار بودند.

وَلَمَّا سَقَطَ فِي أَيْدِيهِمْ وَرَأَوْا أَنَّهُمْ قَدْ ضَلُّوا قَالُوا لَئِن لَّمْ يَرْحَمْنَا رَبُّنَا وَيَغْفِرْ لَنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿١٤٩﴾

(۱۴۹) و چون [از کرده خویش] پشیمان شدند و دیدند که به راستی گمراه شده‌اند، گفتند: «اگر پروردگاران به ما رحم نکنند و ما را نیامرزند، مسلماً زیانکار خواهیم بود».

وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِيفًا قَالَ بِئْسَمَا خَلَفْتُمُونِي مِنْ بَعْدِي أَعْجَلْتُمُ أَمْرَ رَبِّكُمْ وَأَلْقَى الْأُلُوحَ وَأَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُ إِلَيْهِ قَالَ ابْنَ أُمَّ إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضَعُّوْنِي وَكَادُوا يَقْتُلُونَنِي فَلَا تُشْمِتْ بِيَ الْأَعْدَاءَ وَلَا تَجْعَلْنِي مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿١٥٠﴾

(۱۵۰) و چون موسی به سوی قومش بازگشت [او آنان را بر شرک و گمراهی یافت،] با خشم و اندوه گفت: «پس از من، چه بد جانشینی کردید! آیا از حکم پروردگارتان پیشی گرفتید؟» و [آنگاه] الواح را انداخت و [ریش و موی] سر برادر خود را گرفت و به سوی خود کشید. [هارون] گفت: «ای پسرِ مادرم، به راستی این قوم، مرا ناتوان پنداشتند [و تحقیر کردند] و نزدیک بود مرا بکشند؛ پس دشمنان را با [سرزنش] من شادمان نکن و مرا در زمره گروه ستمکار [و نافرمان] قرار نده».

قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِأَخِي وَأَدْخِلْنَا فِي رَحْمَتِكَ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ﴿١٥١﴾

(۱۵۱) [موسی] گفت: «پروردگارا، من و برادرم را بیامرز و ما را در [پناه] رحمت خویش درآور؛ و تو مهربان‌ترین مهربانانی».

إِنَّ الَّذِينَ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ سَيِّئًا لَّهُمْ غَضَبٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَذِلَّةٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُفْتَرِينَ ﴿١٥٢﴾

(۱۵۲) بی‌تردید، کسانی که گوساله را [معبود] گرفتند، به زودی خشمی از پروردگارشان و ذلتی در زندگی دنیا به آنان خواهد رسید؛ و ما دروغ‌پردازان را اینچنین کیفر می‌دهیم.

وَالَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ ثُمَّ تَابُوا مِنْ بَعْدِهَا وَعَمِنُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَعَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١٥٣﴾

(۱۵۳) و کسانی که مرتکب کارهای ناشایست [= کفر و گناه] شدند، سپس بعد از آن توبه نمودند و ایمان آوردند، بی گمان، پروردگارت از آن پس، آمرزندهٔ مهربان است.

وَلَمَّا سَكَتَ عَنْ مُوسَى الْغَضَبُ أَخَذَ الْأَلْوَابَ^ط وَفِي نُسُخَتِهَا هُدًى وَرَحْمَةٌ لِلَّذِينَ هُمْ لِرَبِّهِمْ يَرْهَبُونَ ﴿١٥٤﴾

(۱۵۴) و چون خشم موسی فرونشست، الواح [تورات] را برگرفت و در نوشته‌هایش برای کسانی که از پروردگارشان می‌ترسند، هدایت و رحمتی [بزرگ] بود.

وَأَخْتَارَ مُوسَى قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِمِيقَاتِنَا فَلَمَّا أَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ قَالَ رَبِّ لَوْ شِئْتَ أَهْلَكْتَهُمْ مِنْ قَبْلُ وَإِنِّي أَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ السُّفَهَاءُ مِنَّا إِنْ هِيَ إِلَّا فِتْنَتُكَ تُضِلُّ بِهَا مَنْ تَشَاءُ وَتَهْدِي مَنْ تَشَاءُ أَنْتَ وَابْنُ آدَمَ فَكُنَّا مُسَاهِرِينَ ﴿١٥٥﴾

(۱۵۵) و موسی از قومش، هفتاد مرد را برای وعده‌گاه ما [در طور سینا] برگزید [تا به خاطر شرک و گناه قومشان به درگاه الهی توبه کنند]. هنگامی که [به دلیل نافرمانی و درخواستِ رؤیت الهی،] زلزله [شدید] آنان را فراگرفت [و همگی مردند، موسی] گفت: «پروردگارا، اگر می‌خواستی، آنان و مرا پیش از این هلاک می‌کردی. آیا ما را به خاطر آنچه افراد بی‌خرد ما کرده‌اند هلاک می‌کنی؟ این [عذاب، چیزی] نیست، مگر آزمایش تو؛ به [وسیلهٔ] آن هر کس را بخواهی، گمراه می‌سازی و هر کس را بخواهی، هدایت می‌کنی. تو [دوست و] کارسازِ مایی؛ پس ما را بیامرز و بر ما رحم آور؛ و تو بهترین آمرزنده‌ای.

﴿وَأَكْتُبُ لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ إِنَّا هُدُنَا إِلَيْكَ قَالَ عَذَابِي أُصِيبُ بِهِ مَنْ أَشَاءُ وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ لَئِيْفُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٥٦﴾﴾

(۱۵۶) و در این دنیا و در سرای آخرت، نیکی برایمان مقرر فرما [که] بی‌تردید، ما به سوی تو بازگشتیم». [الله] فرمود: «عذابم را به هر کس بخواهم می‌رسانم و رحمتم همه چیز را فراگرفته است؛ پس آن را برای کسانی مقرر خواهم داشت که پروا پیشه می‌کنند و زکات می‌دهند و [همچنین برای] کسانی که به آیات ما ایمان می‌آورند.

(۱۵۷) همان کسانی که از فرستاده و پیامبر درس‌ناخوانده [= اُمّی] پیروی می‌کنند؛ [همان] که نام [و نشانه‌های] او را نزد خود در تورات و انجیل نوشته‌شده می‌یابند؛ [همو] که آنان را به نیکی‌ها فرمان می‌دهد و از زشتی‌ها [و کارهای ناپسند] باز می‌دارد و پاکیزه‌ها را برایشان حلال می‌گرداند و پلیدی‌ها را بر آنان حرام می‌کند و اعمال مشقت‌بار و قید و بندهایی را که بدان مکلف شده بودند از [عهده] آنان برمی‌دارد. پس کسانی که به او ایمان آوردند و گرمی‌اش داشتند و یاری‌اش کردند و از نوری که با او نازل شده است پیروی نمودند، آنانند که رستگارند».

(۱۵۸) بگو: «ای مردم، من فرستاده‌الله به سوی همه‌ شما هستم؛ همان [پروردگاری] که

قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ

فرمانروایی آسمان‌ها و زمین از آن اوست؛ معبودی [به حق] جز او نیست؛ زنده می‌کند و می‌میراند؛ پس به الله و فرستاده‌اش - آن پیامبر درس‌ناخوانده‌ای که به الله و سخنانش باور دارد - ایمان بیاورید و از او پیروی کنید؛ باشد که هدایت شوید».

الْسَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ فَأَمَّا نُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ آلَمَّتِ الْأُمِّيَّةُ الَّتِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبَعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿١٥٨﴾

(۱۵۹) و گروهی از قوم موسی هستند که [مردم را] به [راه] حق هدایت می‌کنند و بر اساس آن [نیز قضاوت و] عدالت می‌کنند.

وَمِن قَوْمِ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ ﴿١٥٩﴾

(۱۶۰) و آنان را به دوازده قبیله [که هر کدام] شاخه‌ای از نوادگان [یعقوب] بودند تقسیم کردیم؛ و به موسی - آنگاه که قومش از او آب خواستند - وحی کردیم که: «عصایت را بر سنگ بزن»؛ به ناگاه دوازده چشمه از آن جوشید [و] هر گروهی آبشخور خود را شناخت؛ و ابر را بر [سر] آنان سایه‌گستر نمودیم و تَرَنجَبِينَ و بلدِرجین بر آنان فرورستادیم [و گفتیم]: «از چیزهای پاکیزه‌ای که روزی‌تان کرده‌ایم بخورید». آنان [با نافرمانی و مخالفت، در حقیقت] به ما ستم نکردند؛ بلکه به خویشتن ستم می‌نمودند.

وَقَطَّعْنَاهُمْ أَثْنَتَيْ عَشْرَةَ أَسْبَاطًا أُمَمًا وَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى إِذِ اسْتَسْقَاهُ قَوْمُهُ أَنْ أَضْرِبَ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْبَجَسَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَشْرَبَهُمْ وَظَلَّلْنَا عَلَيْهِمُ الْغَمَمَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْهِمُ الْمَنَّاءَ وَالسَّلْوَى كُلُّوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿١٦٠﴾

(۱۶۱) و [یاد کن از] هنگامی که به آنان گفته شد: «در این شهر [= بیت‌المقدس] ساکن

وَإِذْ قِيلَ لَهُمْ اسْكُنُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ وَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ

وَقُولُوا حِطَّةٌ وَادْخُلُوا الْبَابَ
 سَجْدًا تَغْفِرَ لَكُمْ خَطِيئَتِكُمْ
 سَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ ﴿١٦١﴾

شوید و [از نعمت‌های] آن - از هر جا [و هر
 وقت] که خواستید - بخورید و [برای
 عذرخواهی] بگوئید: «[پروردگارا،] گناهانمان
 را فرو ریز» و با فروتنی از دروازه [ی شهر] وارد
 شوید تا گناهانتان را ببیمازیم؛ [و پاداش دنیا و
 آخرت] نیکوکاران را خواهیم افزود».

فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ قَوْلًا
 غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَرْسَلْنَا
 عَلَيْهِمْ رِجْزًا مِنْ السَّمَاءِ بِمَا
 كَانُوا يَظْلِمُونَ ﴿١٦٢﴾

(۱۶۲) اما افرادی از آنها که [نافرمان و]
 ستمکار بودند، سخن را به چیزی غیر از آنچه
 که به آنان گفته شده بود تبدیل کردند [و به
 جای طلب آموزش، کلمات تمسخرآمیزی
 گفتند]؛ پس به [کیفر] آنکه ستم می کردند،
 عذابی از آسمان بر آنان فرودستادیم.

وَسَأَلَهُمْ عَنِ الْفَرِيَةِ الَّتِي كَانَتْ
 حَاضِرَةً الْبَحْرِ إِذْ يَعْدُونَ فِي
 السَّبْتِ إِذْ تَأْتِيهِمْ حِيتَانُهُمْ يَوْمَ
 سَبْتِهِمْ شُرْعًا وَيَوْمَ لَا يَسْبِتُونَ لَا
 تَأْتِيهِمْ كَذَلِكَ نَبْلُوهُمْ بِمَا كَانُوا
 يَفْسُقُونَ ﴿١٦٣﴾

(۱۶۳) و [ای پیامبر،] از آنان درباره [ساکنان]
 شهری که نزدیک دریا بود پرس؛ هنگامی که
 آنان از [حکم] تحریم صید در روز [شنبه تجاوز
 می کردند، و ماهی‌هایشان در روزهای شنبه
 [که روز تعطیل و عبادت بود] روی آب ظاهر
 می شدند و روزهای غیرشنبه به سوی آنان
 نمی آمد. آنان را به [خاطر] آنکه نافرمانی
 می کردند، اینچنین آزمودیم.

وَإِذْ قَالَتْ أُمَّةٌ مِّنْهُمْ لِمَ تَعِظُونَ
 قَوْمًا اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ
 عَذَابًا شَدِيدًا قَالُوا مَعذِرَةٌ إِلَىٰ

(۱۶۴) و [یاد کن از] هنگامی که گروهی از
 آنان [به گروه دیگر] گفتند: «چرا قومی را پند
 می دهید [که سرانجام،] الله آنان را هلاک

رَبِّكُمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ﴿١٦٤﴾ خواهد کرد یا به عذابی شدید گرفتار خواهد نمود؟» [ناصحان] گفتند: «این [پند و نهی، در حکم] معذرتی به درگاه پروردگار شماسست و باشد که پروا کنند».

فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَنْجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَدَابِ بَيْسٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ﴿١٦٥﴾ (۱۶۵) اما چون آنچه را به آنان پند داده بودند به فراموشی سپردند، کسانی را که از [کار] بد بازمی داشتند نجات دادیم و کسانی را که [با نادیده گرفتن حکم الهی به خود] ستم کرده بودند - به سزای آنکه نافرمانی می کردند - به عذابی شدید گرفتار نمودیم.

فَلَمَّا عَتَوْا عَن مَّا نُهَوُّا عَنْهُ فَلَمَّا كَانُوا كُونًا قِرَدَةً خَاسِئِينَ ﴿١٦٦﴾ (۱۶۶) و چون در برابر آنچه از آن نهی شده بودند [الجابت و] سرپیچی کردند، به آنان گفتیم: «به صورت بوزینه‌هایی [خوار و] رانده شده درآیید».

وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكَ لِيُبْعَثَنَّ عَلَيْهِمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ يَسُومُهُمْ سُوءَ الْعَذَابِ إِنَّ رَبَّكَ لَسَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١٦٧﴾ (۱۶۷) و [یاد کن از] هنگامی که پروردگارت فرمود یقیناً تا روز قیامت، کسی را بر آنان [=یهود] خواهد گماشت که همواره بدترین [و خفت‌بارترین] عذاب را بر سرشان بیاورد. بی‌گمان، پروردگارت زودکیفر است، و [الی] او تعالی قطعاً آمرزندهٔ مهربان است.

وَقَطَّعْنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أُمَّمًا مِّنْهُمْ الْمُصَلِحُونَ وَمِنْهُمْ دُونَ ذَلِكَ ﴿١٦٨﴾ (۱۶۸) و آنان را در زمین به صورت گروه‌هایی [مختلف] پراکنده ساختیم. [برخی] از آنان نیکوکار اند و [برخی] میانه‌رو هستند و گروهی

وَبَلَّوْنَهُمْ بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ
لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿١٦٨﴾
نیز] غیر از اینند؛ و آنان را با خوشی‌ها و
ناخوشی‌ها آزمودیم؛ باشد که [به راه حق]
بازگردند.

فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ وَرِثُوا
الْكِتَابَ يَأْخُذُونَ عَرَضَ هَذَا
الْأَذَى وَيَقُولُونَ سَيَعْفَرُ لَنَا وَإِن
يَأْتِيهِمْ عَرَضٌ مِثْلُهُ يَأْخُذُوهُ أَلَمْ
يُؤَخِّدْ عَلَيْهِمْ مِيثَاقَ الْكِتَابِ أَن
لَا يَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ
وَدَرَسُوا مَا فِيهِ وَالنَّارُ الْأَخْرَجَةُ
خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا
تَعْقِلُونَ ﴿١٦٩﴾
(۱۶۹) و پس از آنان، جانشینان [ناشایستی]
آمدند که کتاب [تورات] را به ارث بردند. آنان
[ثروت و] کالای این [دنیا] پست را می‌گیرند
[که سخنان الله را تحریف و به ناحق حکم
کنند] و می‌گویند: «بخشیده خواهیم شد»؛ و
اگر کالایی [دیگر] همانند آن برایشان بیاید، آن
را [نیز] می‌گیرند. آیا در کتاب [آسمانی] از
آنان پیمان گرفته نشده است که درباره‌ی الله جز
[سخن] حق نگویند؟ [پس نافرمانی‌شان از
روی نادانی نیست؛ زیرا بارها تورات را
خوانده‌اند] و آنچه را که در آن است
آموخته‌اند؛ و سرای آخرت برای کسانی که پروا
پیشه کنند بهتر است. آیا نمی‌اندیشید؟

وَالَّذِينَ يُمَسِّكُونَ بِالْكِتَابِ
وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نَضِيعُ أَجْرَ
الْمُصْلِحِينَ ﴿١٧٠﴾
(۱۷۰) و کسانی که به کتاب [الله] تمسک
می‌جویند و نماز را برپا می‌دارند، به یقین
[بدانند که] ما پاداش نیکوکاران را تباه
نمی‌کنیم.

وَإِذْ نَتَقْنَا الْجَبَلَ فَوْقَهُمْ كَأَنَّهُ
ظُلَّةٌ وَظَنُّوا أَنَّهُ وَاقِعٌ بِهِمْ خُذُوا
مَّا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَادْكُرُوا مَا

فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿٧١﴾

فرود می‌آید [و در این حالت، از آنان عهد گرفتیم و گفتیم: «آنچه را که به شما داده‌ایم، با نیرو [و جدیت] بگیرید و آنچه را که در آن است به یاد داشته باشید] و به آن عمل نمایید؛ [باشد که پروا کنید].»

وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَن تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ ﴿٧٢﴾

(۱۷۲) و [یاد کن از] هنگامی که پروردگارت از پشت فرزندان آدم، نسلشان را برگرفت و آنان را بر خودشان گواه گرفت [و فرمود: «آیا من پروردگار شما نیستم؟» آنان گفتند: «آری؛ [بر این حقیقت] گواهی می‌دهیم». [الله فرمود: «از شما اقرار گرفتیم] تا مبادا روز قیامت بگویند که "ما قطعاً از این [امر] بی‌خبر بودیم".

أَوْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَشْرَكَ آبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ وَكُنَّا ذُرِّيَّةً مِّنْ بَعْدِهِمْ أَفَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ الْمُبْطِلُونَ ﴿٧٣﴾

(۱۷۳) یا [مبادا] بگویند که پدرانمان پیشتر شرک آورده بودند و ما نیز فرزندان پس از آنان بودیم. آیا ما را به [سزای] آنچه [کافران و] باطل‌اندیشان انجام دادند، هلاک می‌کنی؟»

وَكَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿٧٤﴾

(۱۷۴) و اینچنین آیات [خود] را به تفصیل بیان می‌کنیم [تا آنها را بفهمند] و باشد که [به توحید] بازگردند.

وَأْتَلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِي آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَانْسَلَخَ مِنْهَا فَأَتْبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ ﴿٧٥﴾

(۱۷۵) و [ای پیامبر،] سرگذشت کسی را بر آنان حکایت کن که آیات [و نشانه‌های] خویش را به او دادیم و [او حقانیت این آیات را درک کرد؛ ولی] از آنها جدا [و عاری] گشت؛ پس

شیطان به دنبالش افتاد [و بر وی مسلط گردید] و او از گمراهان شد.

(۱۷۶) و اگر می‌خواستیم، [مقام و منزلت] او را به خاطر [پایبندی و عمل به] آن [آیات] بالا می‌بردیم؛ ولی او به دنیا [و پستی] گرایید و از هوای نفس خویش پیروی کرد. پس مثل او [در دنیا دوستی] همچون مثل سگ است که اگر به او حمله کنی [و او را برانی]، زبان از دهان بیرون می‌آورد و اگر او را [به حال خود] واگذاری، [باز هم] زبان از دهان بیرون می‌آورد [چنین شخصی را نیز چه پند بدهی یا پند ندهی، تفاوتی ندارد]. این، مثل گروهی است که آیات ما را تکذیب کردند. پس این داستان را [برایشان] حکایت کن؛ باشد که بیندیشند.

(۱۷۷) چه زشت است داستان گروهی که آیات ما را تکذیب کردند و به خویش ستم نمودند!

(۱۷۸) کسی که الله او را هدایت کند، هدایت یافته [واقعی] است؛ و کسی که الله او را گمراه سازد، آنانند که زیانکارند.

(۱۷۹) و بی‌تردید، بسیاری از جنیان و آدمیان را برای دوزخ آفریده‌ایم؛ [زیرا] دل‌هایی دارند

وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَكِنَّهُ
أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ
فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلُ
عَلَيْهِ يَلْهَثُ أَوْ تَتْرُكُهُ يَلْهَثُ
ذَلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَبُوا
بِآيَاتِنَا فَاقْصِصْ الْقِصَصَ لَعَلَّهُمْ
يَتَفَكَّرُونَ ﴿١٧٦﴾

سَاءَ مَثَلًا الْقَوْمُ الَّذِينَ كَذَبُوا
بِآيَاتِنَا وَأَنْفُسَهُمْ كَانُوا
يَظْلِمُونَ ﴿١٧٧﴾

مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِيٌّ وَمَنْ
يُضِلُّ فَأُولَئِكَ هُمُ
الْخَاسِرُونَ ﴿١٧٨﴾

وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ
الْحِنِّ وَالْإِنسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَّا

يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَّا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَّا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَٰئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَٰئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ ﴿١٧٩﴾

که با آنها [حقایق را] درک نمی‌کنند و چشمانی دارند که با آنها [نشانه‌های توان و تدبیر الهی را] نمی‌بینند و گوش‌هایی دارند که با آنها [سخنان حق را] نمی‌شنوند. آنان همچون چهارپایانند، بلکه [از آنها هم] گمراه‌تر. [آری،] آنانند که [از آخرت] غافلند.

وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا وَذَرُوا الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي أَسْمَائِهِ سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٨٠﴾

(۱۸۰) و الله زیباترین نام‌ها را دارد؛ پس او را به آن [نام‌ها] بخوانید و کسانی را که در [مورد] نام‌هایش بیراهه می‌روند [و آنها را تحریف می‌کنند] رها کنید. آنان به [سزای] آنچه می‌کردند، مجازات خواهند شد.

وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ ﴿١٨١﴾

(۱۸۱) و از [میان] کسانی که آفریده‌ایم، گروهی هستند که [مردم را] به حق هدایت می‌نمایند و بر [اساس] آن، به عدالت رفتار می‌کنند.

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُم مِّنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٨٢﴾

(۱۸۲) و کسانی که آیات ما را تکذیب کردند، [درهای روزی را به رویشان می‌گشاییم تا بیشتر در گناه غرق شوند، و این‌گونه] آنان را به تدریج از جایی که نمی‌دانند [به کیفر خود] گرفتار خواهیم ساخت.

وَأُمْلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ ﴿١٨٣﴾

(۱۸۳) و به آنان مهلت می‌دهم. به راستی که تدبیر من، استوار [و حساب‌شده] است.

أَوْلَمْ يَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِحِهِمْ مِّنْ جَنَّةٍ إِنَّهُ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿١٨٤﴾
 (۱۸۴) آیا نیندیشیده‌اند که همنشینِ آنان [= رسول الله] هیچ جنونی ندارد؟ او جز بیم‌دهنده‌ای آشکار نیست.

أَوْلَمْ يَنْظُرُوا فِي مَلَكُوتِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ وَأَنْ عَسَى أَنْ يَكُونَ قَدِ اقْتَرَبَ أَجَلُهُمْ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ ﴿١٨٥﴾
 (۱۸۵) آیا در فرمانروایی آسمان‌ها و زمین و آنچه الله آفریده است نمی‌نگرند و اینکه چه بسا هنگام مرگشان نزدیک شده باشد؟ پس بعد از این [قرآن] به کدام سخن ایمان می‌آورند؟

مَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَلَا هَادِيَ لَهُ وَيَذَرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴿١٨٦﴾
 (۱۸۶) هر کس که الله او را گمراه کند، [هیچ] راهنمایی برایش نیست و آنان را در سرکشی خویش سرگردان رها می‌کند.

يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَلُهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمُ إِلَّا بَعَثَةً مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ لَعَلَّ النَّاسَ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٨٧﴾
 (۱۸۷) [ای پیامبر، کافران مکه] دربارهٔ قیامت از تو می‌پرسند [که] چه زمانی واقع می‌شود؟ بگو: «بی‌تردید، دانش آن فقط نزد پروردگار من است و هیچ کس جز او تعالی [نمی‌تواند] آن را در وقت معینش پدیدار سازد؛ این امر [= ظهور قیامت] بر اهل آسمان‌ها و زمین دشوار است و جز به طور ناگهانی به سويتان نمی‌آید». [آنان چنان] از تو می‌پرسند که گویی تو خود مشتاق [دانستن زمان] آن هستی [حال آنکه تو دربارهٔ زمان وقوعش هیچ نمی‌پرسی]. بگو: «دانش آن فقط نزد الله

است؛ ولی بیشتر مردم نمی دانند».

قُلْ لَّا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَوْ كُنْتُ أَعْلَمُ الْغَيْبِ لَأَسْتَكْثَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ السُّوءُ إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿۱۸۸﴾

(۱۸۸) [ای پیامبر،] بگو: «من مالکِ سود و زیان خویشتن نیستم، مگر آنچه را که الله بخواهد؛ و اگر غیب می دانستم، خیر [و سود] بسیاری [برای خود] فراهم می ساختم و هیچ بدی [و زبانی] به من نمی رسید. من [کسی] نیستم، مگر بیم دهنده و بشارت بخشی [دلسوز] برای گروهی که ایمان دارند».

﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيًّا فَمَرَّتْ بِهِ ۖ فَلَمَّا أَثْقَلَتْ دَعَا اللَّهَ رَبَّهُمَا لَئِنْ آتَيْتَنَا صَالِحًا لَنُكَونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ ﴿۱۸۹﴾

(۱۸۹) [ای مردم،] او ذاتی است که شما را از یک تن آفرید و همسرش را از او پدید آورد تا در کنارش آرام گیرد. پس [نظام تولد و تناسل آغاز شد؛] چون شوهری با همسرش آمیزش نمود، زن به حملی سبک باردار شد، و [نخستین ماه های بارداری را] گذرانید؛ و چون سنگین بار شد، زن و شوهر، الله - پروردگار خود - را [به دعا] خواندند که: «اگر [فرزندی تندرست و] شایسته به ما عطا کنی، قطعاً سپاسگزار خواهیم بود».

﴿فَلَمَّا آتَاهُمَا صَالِحًا جَعَلَا لَهُ شُرَكَاءَ فِيمَا آتَاهُمَا فَتَعَلَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿۱۹۰﴾

(۱۹۰) اما هنگامی که [الله، فرزندی تندرست و] شایسته به آنان داد، در این نعمت که به آنها بخشیده بود، شریکانی برایش قرار دادند؛ و الله از آنچه که شریک [و همتای] او می سازند برتر و منزّه است.

أَيُّشْرِكُونَ مَا لَا يَخْلُقُ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ ﴿١٩١﴾
 می دهند که چیزی نمی آفرینند و خود آفریده می شوند؟

وَلَا يَسْتَطِيعُونَ لَهُمْ نَصْرًا وَلَا أَنْفُسَهُمْ يَنْصُرُونَ ﴿١٩٢﴾
 و نه می توانند آنان را یاری کنند و نه به خویشان یاری می رسانند.

وَإِنْ تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَىٰ لَا يَتَّبِعُوكُمْ سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ أَدَعَوْتُمُوهُمْ أَمْ أَنْتُمْ صَلِمْتُونَ ﴿١٩٣﴾
 و [ای مشرکان،] اگر آنها [= معبودها] را به [راه] هدایت دعوت کنید، از شما پیروی نمی کنند. چه آنها را دعوت کنید و چه خاموش باشید، برایتان یکسان است [و پاسخی نخواهد شنید].

إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ عِبَادٌ أَمْثَلُكُمْ فَادْعُوهُمْ فَلْيَسْتَجِيبُوا لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿١٩٤﴾
 یاری و دعا می خوانید، بندگان [و آفریدگان] ای همچون خودتان هستند؛ پس آنها را [در سختی ها به یاری و دعا] بخوانید. اگر راست می گوید، باید پاسخ شما را بدهند.

أَلَهُمْ أَرْجُلٌ يَمْشُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ أَيْدٍ يَبْطِشُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ أَعْيُنٌ يُبْصِرُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا قُلِ ادْعُوا شُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ كِيدُوا فَلَا تُنظِرُونَ ﴿١٩٥﴾
 آیا آنها پاهایی دارند که با آنها راه بروند یا دست هایی دارند که با آنها [یاری تان دهند و از شما] دفاع کنند؟ آیا چشمانی دارند که با آنها ببینند یا گوش هایی دارند که با آنها بشنوند؟ [ای پیامبر، به مشرکان] بگو: «شریکانتان را بخوانید، سپس [علیه من] تدبیر [و نیرنگ] کنید و به من مهلت ندهید.

إِنَّ وَلِيََّ اللَّهُ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ ۗ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ ﴿١٩٦﴾
 (۱۹۶) بی تردید، [دوست و] کارسازِ من الله است که [این] کتاب را نازل کرده است و او برای شایستگان [دوستی و] کارسازی می کند.

وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَظِيلُونَ نَصْرَكُمْ وَلَا أَنْفُسَهُمْ يَنْصُرُونَ ﴿١٩٧﴾
 (۱۹۷) و کسانی را که [شما مشرکان] به جای او [به یاری و دعا] می خوانید، نه می توانند شما را یاری کنند و نه به خویشان یاری رسانند.

وَإِنْ تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَىٰ لَا يَسْمَعُوا وَتَرَاهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ وَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ ﴿١٩٨﴾
 (۱۹۸) و اگر آنان را به [راه] هدایت دعوت کنید، [سخنانتان را] نمی شنوند؛ و آنان را می بینی که [ظاهراً] به تو نگاه می کنند، در حالی که نمی بینند».

خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ ﴿١٩٩﴾
 (۱۹۹) [ای پیامبر، با آنان] مدارا کن و به نیکی فرمان بده و از نادانان روی بگردان.

وَأَمَّا يَنْزِعَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٠٠﴾
 (۲۰۰) و اگر وسوسه ای از سوی شیطان به تو رسید، به الله پناه ببر [که] بی تردید، او شنوای داناست.

إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ ﴿٢٠١﴾
 (۲۰۱) در حقیقت، کسانی که [از الله] پروا می کنند، چون وسوسه ای از جانب شیطان به آنان برسد، [الله را] به یاد می آورند و آنگاه [نسبت به حقیقت] بینا می شوند.

وَإِخْوَانُهُمْ يَمُدُّوهُمْ فِي الْغَيِّ ثُمَّ

لَا يُفْصِرُونَ ﴿٢٠٢﴾

مشرکان که شیاطین هستند] آنان را به گمراهی می‌کشاند و [هرگز در این کار] کوتاهی نمی‌کنند.

وَأِذَا لَمْ تَأْتِهِمْ بِآيَةٍ قَالُوا لَوْلَا آجْتَبَيْتَهَا قُلْ إِنَّمَا أَتَّبِعُ مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ مِنْ رَبِّي هَذَا بَصَآئِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٢٠٣﴾

(۲۰۳) و [ای پیامبر،] هنگامی که [نزول وحی به تأخیر می‌افتد و] تو آیه‌ای برایشان نمی‌آوری، می‌گویند: «چرا تو خود آن را نمی‌سازی؟». بگو: «من فقط از چیزی پیروی می‌کنم که از سوی پروردگارم به من وحی می‌شود. این [قرآن، شامل] روشنگری‌هایی از سوی پروردگارتان است و برای گروهی که ایمان می‌آورند، هدایت و رحمت است.

وَأِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿٢٠٤﴾

(۲۰۴) و هنگامی که قرآن خوانده می‌شود، به آن گوش فرادهید و خاموش باشید؛ باشد که مشمول رحمت شوید».

وَأَذْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرَّعًا وَخَيْفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ وَلَا تَكُن مِّنَ الْغَافِلِينَ ﴿٢٠٥﴾

(۲۰۵) و پروردگارت را در دل خویش با تضرع و ترس، بدون آوای بلند [در] بامدادان و شامگاهان یاد کن و [از یاد الله] غافل نباش.

إِنَّ الَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيُسَبِّحُونَهُ وَلَهُ يَسْجُدُونَ ﴿٢٠٦﴾

(۲۰۶) [ای پیامبر،] کسانی که نزد پروردگار تو هستند [= فرشتگان] یقیناً از عبادت وی [سرکشی و] تکبر نمی‌ورزند و او را به پاکی می‌ستایند و برایش سجده می‌کنند.

سُورَةُ الْأَنْفَالِ

سورة انفال

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

(۱) [ای پیامبر،] از تو درباره [تقسیم] انفال [= غنایم جنگی] می پرسند؛ بگو: «انفال از آن الله و پیامبر است؛ پس از الله پروا کنید و با یکدیگر سازش نمایید و اگر ایمان دارید، از الله و پیامبرش اطاعت کنید».

مُؤْمِنِينَ ﴿١﴾

(۲) بی تردید، مؤمنان فقط کسانی هستند که وقتی الله یاد می شود، دل هایشان هراسان می گردد و هرگاه آیاتش بر آنان خوانده می شود، بر ایمانشان می افزاید و بر پروردگارشان توکل می کنند.

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ﴿٢﴾

(۳) همان کسانی که نماز برپا می دارند و از آنچه روزی شان کرده ایم انفاق می کنند.

الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ﴿٣﴾

(۴) آنان هستند که به راستی مؤمنند. برای آنان نزد پروردگارشان، درجاتی [اولا] و آمرزش و روزی نیکو خواهد بود.

أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ﴿٤﴾

(۵) [ای پیامبر،] اختیار کامل تو بر غنایم، موجب ناخشنودی برخی افراد است؛ درست]

همان طور که پروردگارت تو را به حق از خانهات [در مدینه به سوی میدان بدر] بیرون آورد و قطعاً گروهی از مؤمنان [از جنگیدن] ناخشنود بودند.

بِالْحَقِّ وَإِنَّ فَرِيقًا مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ
لَكَرِهُونَ ﴿۶﴾

(۶) آنان پس از آنکه حقیقت آشکار شد، درباره حق [= جهاد] با تو مجادله می کنند؛ گویی آنان را به سوی مرگ می رانند در حالی که خود [به مُردنشان] می نگرند.

يُجَادِلُونَكَ فِي الْحَقِّ بَعْدَ مَا تَبَيَّنَ
كَأَنَّمَا يُسَاقُونَ إِلَى الْمَوْتِ وَهُمْ
يَنْظُرُونَ ﴿۶﴾

(۷) و [ای مجاهدان، به یاد آورید] هنگامی که الله به شما وعده داد که [غنایم] یکی از دو گروه [= کاروان تجاری یا لشکر] نصیبتان خواهد شد و شما دوست داشتید که کاروان غیرنظامی [= تجاری] برای شما باشد؛ و [الی] الله می خواست با سخنان خویش [درباره کشتار کفار، حق [= اسلام] را پایدار گرداند و ریشه کافران را قطع کند.

وَإِذْ يَعِدُكُمُ اللَّهُ إِحْدَى
الطَّائِفَتَيْنِ أَنَّهَا لَكُمْ وَتَوَدُّونَ
أَنَّ غَيْرَ ذَاتِ الشُّوْكَةِ تَكُونُ
لَكُمْ وَيُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ
بِكَلِمَتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ
الْكَافِرِينَ ﴿۷﴾

(۸) [الله اسلام را پیروز کرد] تا حق را ثابت نماید و باطل را از میان بردارد؛ هر چند که گناهکاران [مشرك] ناخشنود باشند.

لِيُحِقَّ الْحَقَّ وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ وَلَوْ
كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ ﴿۸﴾

(۹) [روز بدر را به یاد آورید؛] آنگاه که از پروردگارتان فریادرسی [و یاری] می خواستید و او [درخواست] شما را پذیرفت [و فرمود:] «بی گمان، شما را با هزار فرشته که بیایي فرود

إِذْ تَسْتَعِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ
لَكُمْ أَنِّي مُنْذِرُكُمْ بِالْفِ مِّنَ
الْمَلَائِكَةِ مُرْسِلِينَ ﴿۹﴾

می آیند یاری می کنم».

وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ
وَلِتَضْمِنَ بِهِ قُلُوبُكُمْ وَمَا
النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ
عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿۱۰﴾

(۱۰) و الله این [یاری] را جز مژده‌ای [برای شما] قرار نداد تا دل‌هایتان با آن آرام گیرد؛ و [بدانید که] پیروزی جز از جانب الله نیست. به راستی که الله شکست‌ناپذیرِ حکیم است.

إِذْ يُغَشِّيكُمْ التُّعَاسُ أَمَنَةً مِّنْهُ
وَيُنزِلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً
لِّيُطَهِّرَكُم بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُم
رِجْسَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَىٰ
قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ ﴿۱۱﴾

(۱۱) [او به یاد آورید] هنگامی که [الله آن] خواب سبک را که [امنیت و] آرامشی از سوی او تعالی بود، بر شما افکند و آبی از آسمان برایتان فرورستاد تا شما را با آن پاک کند و پلیدی [= وسوسه‌های] شیطان را از شما دور سازد و دل‌هایتان را محکم بدارد و گام‌هایتان را با آن استوار نماید.

إِذْ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلَأِكَةِ أَنِي
مَعَكُمْ فَتَبَيَّنُوا الَّذِينَ ءَامَنُوا
سَأَلْتَنِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا
الرُّعْبَ فَاضْرِبُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ
وَاضْرِبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ ﴿۱۲﴾

(۱۲) [و ای پیامبر، به یاد آور] هنگامی که پروردگارت به فرشتگان وحی کرد: «من با شما هستم؛ پس کسانی را که ایمان آورده‌اند، ثابت‌قدم دارید. به زودی در دل کسانی که کفر ورزیدند، هراس می‌افکنم؛ پس [ای مجاهدان، شمشیر خویش را] بر فراز گردن‌هایشان بزنید و همه انگشتانشان را قطع کنید [تا سلاح برنگیرند].

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُّوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ
وَمَنْ يُشَاقِقِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ

(۱۳) این [کیفر] به خاطر آن است که آنان با الله و رسولش مخالفت کردند؛ و هر کس با الله

و رسولش مخالفت کند، [بداند که] الله سخت کیفر است.

اللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿۱۳﴾

(۱۴) ای کافران، این [عذاب دنیا] را بچشید و [بدانید که] برای کافران [در قیامت،] عذاب آتش است.

ذَلِكُمْ فَذُوقُوهُ وَأَنَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابَ النَّارِ ﴿۱۴﴾

(۱۵) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هر گاه [در میدان جنگ] با انبوه کافران روبرو شدید، به آنان پشت نکنید [و نگریزید].

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحَفًا فَلَا تُولُوهُمْ الْأَدْبَارَ ﴿۱۵﴾

(۱۶) و هر کس در آن هنگام به آنان پشت کند - مگر آنکه [انگیزه‌اش فریب دشمن یا] کناره‌گیری برای نبردی [دوباره] یا پیوستن به گروهی [دیگر از سپاه مسلمانان] باشد - قطعاً به خشم الله گرفتار می‌گردد و جایگاهش دوزخ است؛ و چه بد سرانجامی است!

وَمَنْ يُؤَلِّمُ يَوْمَئِذٍ دُبُرَهُ إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِقِتَالٍ أَوْ مُتَحَرِّرًا إِلَىٰ فِتْنَةٍ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿۱۶﴾

(۱۷) پس ای مؤمنان، در روز نبرد با مشرکان در بدر [شما [با نیروی خود] آنان را نکشید؛ بلکه الله آنان را کشت؛ و [ای پیامبر،] هنگامی که [به سویشان خاک و سنگ] می‌انداختی، [در حقیقت،] تو نینداختی؛ بلکه الله انداخت تا مؤمنان را به آزمایشی نیکو از جانب خود بیازماید. بی‌تردید، الله شنوای داناست.

فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَىٰ وَلِيُبْلِيَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءً حَسَنًا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿۱۷﴾

(۱۸) این [شکست و فرار مشرکان و سرافرازی

ذَلِكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ مُوهِنٌ كَرِيمٌ

الْكَافِرِينَ ﴿١٨﴾

مؤمنان، همه از جانب الله] بود و الله نیرنگِ کافران را سست [و بی اثر] می گرداند.

﴿١٩﴾ [ای مشرکان،] اگر خواهان پیروزی [بر مسلمانان و فرارسیدن عذاب الهی هستید،] اینک پیروزی [اسلام،] که بزرگترین رنج و عذاب شماسست [به سراغتان آمد؛ و اگر [از کفر و دشمنی با پیامبر] دست بردارید، آن [کار] برایتان بهتر است؛ و [الی] اگر [به جنگ با مسلمانان] برگردید، ما نیز برمی گردیم؛ و [این را بدانید] که گروه شما - هر چند زیاد باشد - هرگز نمی تواند شما را از چیزی بی نیاز کند و [دیگر] اینکه [همواره] الله با مؤمنان است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَوَلَّوْا عَنَّهُ وَاتَّبِعُوا تَسْمَعُونَ ﴿٢٠﴾

﴿٢٠﴾ ای کسانی که ایمان آورده اید، از الله و رسولش اطاعت کنید و از [احکام و فرمان های] او روی نگردانید؛ در حالی که [آیات قرآن و سخنان پیامبر را] می شنوید.

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ قَالُوا سَمِعْنَا وَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ ﴿٢١﴾

﴿٢١﴾ و مانند کسانی نباشید که گفتند: «[آیات الهی و سخن رسولان را] شنیدیم»؛ حال آنکه نمی شنیدند.

إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الضُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ ﴿٢٢﴾

﴿٢٢﴾ بی گمان، بدترین جنبنندگان نزد الله، آن [کسانی هستند که در برابر حق] کر و گنگ هستند [و حقا] که نمی اندیشند.

وَلَوْ عَلِمَ اللَّهُ فِيهِمْ خَيْرًا لَأَسْمَعَهُمْ^{٢٣} وَلَوْ أَسْمَعَهُمْ لَتَوَلَّوْا^{٢٣} وَهُمْ مُعْرِضُونَ ﴿٢٣﴾
 و اگر الله خیری در آنان سراغ داشت، [در برابر کلام حق] شنوایشان می نمود؛ و [الی حتی] اگر آنان را شنوا می ساخت، باز هم پشت می کردند و رویگردان می شدند.

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اسْتَجِيبُوا^{٢٤} لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ^{٢٤} وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ^{٢٤} بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ^{٢٤} وَأَنَّهُ دَرِإِيهِ^{٢٤} مُحْشَرُونَ ﴿٢٤﴾
 (۲۴) ای کسانی که ایمان آورده اید، هر گاه الله و پیامبر، شما را به چیزی فراخواندند که به شما زندگی می بخشد، [فرمان] آنان را اجابت کنید و بدانید که الله میان انسان و دلش حایل می شود [و از اسرار آگاه است] و اینکه [در قیامت، همگی] نزد او گرد آورده می شوید.

وَاتَّقُوا^{٢٥} فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً^{٢٥} وَأَعْلَمُوا^{٢٥} أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٢٥﴾
 (۲۵) و [ای مؤمنان،] از عذابی بپرهیزید که تنها دامن ستمکارانتان را نمی گیرد؛ و بدانید که الله سخت کیفر است.

وَأَذْكُرُوا^{٢٦} إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ مُسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ تَخَافُونَ^{٢٦} أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ^{٢٦} فَآوَاكُمْ^{٢٦} وَأَيَّدَكُمْ^{٢٦} بِبَنَصِرِهِ^{٢٦} وَرَزَقَكُمْ^{٢٦} مِنَ الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٢٦﴾
 (۲۶) و به یاد آورید زمانی را که شما در سرزمین [مکه] اندک و ناتوان بودید [و] می ترسیدید که مردمان [مشرك،] شما را بربایند؛ ولی الله شما را [در مدینه] پناه داد و با یاری خویش نیرومندتان ساخت و از چیزهای پاکیزه به شما روزی بخشید؛ باشد که سپاسگزاری کنید.

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَخُونُوا^{٢٧} اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا^{٢٧} أَمَنَاتِكُمْ^{٢٧} سَرِيحِي^{٢٧} مِنْ أَمْرٍ وَنَوَاهِي^{٢٧}، بِهَ اللَّهُ وَبِالْمُؤْمِنِينَ
 (۲۷) ای کسانی که ایمان آورده اید، [با

وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿۲۷﴾ خیانت نکنید و [همچنین] در امانت‌هایتان خیانت نکنید، در حالی که می‌دانید [این کار، گناه است].

وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ ﴿۲۸﴾ (۲۸) و بدانید که بی‌تردید، اموال و فرزندانتان [وسیله] آزمایش [شما] هستند و پاداشی بزرگ نزد الله است.

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَل لَّكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿۲۹﴾ (۲۹) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر از الله پروا کنید، برای شما [نیروی] تشخیص [حق و باطل] قرار می‌دهد و گناهانتان را از شما می‌زداید و شما را می‌آمرد؛ و الله دارای بخشش بزرگ است.

وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَكْرِينَ ﴿۳۰﴾ (۳۰) و [ای پیامبر، به یاد آور] آنگاه که کافران درباره تو دسیسه می‌کردند که تو را به زندان بیفکنند یا بکشند یا تو را [از مکه] بیرون کنند. آنان مکر می‌اندیشیدند و الله [نیز تدبیر و] مکر می‌کرد؛ و الله بهترین مکرانگیزان است.

وَإِذَا تَتَلَىٰ عَلَيْهِمْ ءَايَاتُنَا قَالُوا قَدْ سَمِعْنَا لَوْ نَشَاءُ لَقُلْنَا مِثْلَ هَذَا إِنْ هَذَا إِلَّا أَسْطِيرُ الْأُولِينَ ﴿۳۱﴾ (۳۱) و چون آیات ما بر آنان خوانده شود، می‌گویند: «به خوبی شنیدیم. اگر می‌خواستیم، ما نیز قطعاً همانند این [سخنان] را می‌گفتیم. این [قرآن، چیزی] نیست، مگر افسانه‌های [خیالی] پیشینیان».

وَإِذْ قَالُوا اللَّهُمَّ إِن كَانَ هَذَا هُوَ (۳۲) و [به یاد آور] آنگاه که گفتند:

«پروردگارا، اگر این [قرآن] به راستی، حق و از جانب توست، سنگ‌هایی [ویرانگر] از آسمان بر ما ببار یا عذابی دردناک بر ما بفرست.»

بِعَذَابِ أَلِيمٍ ﴿۳۲﴾

(۳۳) و[لی ای محمد]، تا تو در میان آنان هستی، الله بر آن نیست که عذابشان کند و تا زمانی که [از درگاه الهی] آمرزش می‌طلبند، الله عذاب‌کننده آنان نیست.

وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ ﴿۳۳﴾

(۳۴) و چرا الله آنان را [در آخرت] عذاب نکند، با اینکه آنان [مردم را] از [طواف و عبادت در] مسجدالحرام بازمی‌دارند؟ و [مشرکان] هرگز دوستان الله نبوده‌اند؛ [زیرا] دوستان الله کسی جز پرهیزگاران نیستند؛ ولی بیشتر آنان نمی‌دانند.

وَمَا لَهُمْ آلًا يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ وَهُمْ يَصُدُّونَ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَمَا كَانُوا أَوْلِيَاءَهُ ۗ إِنْ أَوْلِيَائِهِمْ إِلَّا الْمُتَّقُونَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿۳۴﴾

(۳۵) و نمازشان نزد خانه [کعبه] چیزی جز سوت‌کشیدن و کف‌زدن نبود؛ پس به سزای آنکه کفر می‌ورزیدید، عذاب [شکست و اسارت در بدر] را بچشید.

وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مُكَاءً وَتَصْدِيَةً ۚ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ﴿۳۵﴾

(۳۶) کسانی که کفر ورزیدند، اموالشان را خرج می‌کنند تا [مردم را] از راه الله بازدارند؛ پس به زودی همه را خرج می‌کنند، آنگاه [این کار، مایه] حسرت و پیشمانی‌شان می‌گردد و سپس شکست می‌خورند؛ و [سرانجام،]

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ ۗ فَسَيُنْفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ يُغْلَبُونَ ۗ وَالَّذِينَ

كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ يُحْشَرُونَ ﴿۳۶﴾ کسانی که کفر ورزیدند، به سوی [آتش] دوزخ کشانده می‌شوند.

لِيَمِيزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَيَجْعَلَ الْخَبِيثَ بَعْضُهُ عَلَىٰ بَعْضٍ فَيَرْكُمَهُ جَمِيعًا فَيَجْعَلُهُ فِي جَهَنَّمَ أُولَٰئِكَ هُمُ الْخٰسِرُونَ ﴿۳۷﴾

(۳۷) تا الله، پلید را از پاکیزه جدا کند و پلیدان را روی یکدیگر نهد و همگی را متراکم سازد، سپس [یکجا] در دوزخ قرار دهد. اینان همان زیانکاران [واقعی] هستند.

قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ يَنْتَهُوا يُغْفَرْ لَهُمْ مَا قَدْ سَلَفَ وَإِنْ يَعُودُوا فَقَدْ مَصَّتْ سُنتُ الْأَوَّلِينَ ﴿۳۸﴾

(۳۸) [ای پیامبر]، به کسانی که کفر ورزیدند بگو [که] اگر [از شرک و دشمنی] دست بردارند، گذشته‌هایشان بخشوده می‌شود و [الی] اگر [به رفتار گذشته خود] بازگردند، سنت [و عذاب الهی که در مورد] پیشینیان گذشت [تکرار خواهد شد].

وَقَتَلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنْ آنتَهُوا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿۳۹﴾

(۳۹) و [ای مؤمنان]، با آنان پیکار کنید تا فتنه [ای شرک] ریشه‌کن شود و [عبادت و] دین، همه از آن الله گردد. پس اگر آنان [از شرک و آزار] دست برداشتند، [رهایشان کنید؛ چرا که] بی‌تردید، الله به آنچه می‌کنند بیناست.

وَإِنْ تَوَلَّوْا فَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَوْلٰكُمْ نِعَمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعَمَ النَّصِيرِ ﴿۴۰﴾

(۴۰) و اگر [از اوامر الهی] سرپیچی کردند، بدانید که الله [دوست و] کارساز شماست. چه نیکو کارساز و چه نیک یابوری است!

﴿۴۱﴾ وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ ۖ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ ۚ إِن كُنْتُمْ عَامِنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أُنزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقَىٰ أَجْمَعِينَ ۗ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۴۱﴾

(۴۱) و بدانید هر غنیمتی که به دست آوردید، یک‌پنجم آن برای الله و پیامبر و برای خویشاوندان [پیامبر، از بنی‌هاشم و بنی‌مطلب] و یتیمان [نابالغ] و مستمندان و درراه‌ماندگان است. اگر به الله و آنچه که بر بنده خود در روز جدایی [حق از باطل]، روز برخورد دو گروه [مؤمنان و مشرکان] نازل کردیم، ایمان دارید [به این احکام عمل کنید] و [بدانید که] الله بر هر چیز تواناست.

﴿۴۲﴾ إِذْ أَنْتُمْ بِالْعُدْوَةِ الدُّنْيَا وَهُمْ بِالْعُدْوَةِ الْقُصْوَىٰ وَالرَّكْبُ أَسْفَلَ مِنْكُمْ ۖ وَلَوْ تَوَاعَدْتُمْ لِأَخْتَلَفْتُمْ فِي الْمِيعَدِ ۚ وَلَكِنَّ لِيَقْضَىٰ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ وَيَحْيَىٰ مَنْ حَيَّ عَنْ بَيِّنَةٍ ۗ وَإِنَّ اللَّهَ لَسَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿۴۲﴾

(۴۲) آنگاه که شما [مؤمنان] بر دامنه نزدیک‌تر [دره، به سمت مدینه] بودید و آنان در دامنه دورتر [دره، به سمت مکه] قرار داشتند و کاروان [تجاری قریش] پایین‌تر از [میدان جنگ و دور از تیررس] شما بود و اگر [شما و مشرکان] با یکدیگر [در مورد محل درگیری] وعده گذاشته بودید، قطعاً در وعده‌گاه خود اختلاف می‌کردید؛ ولی [به اراده الهی در بدر جمع شدید] تا الله کاری را که قطعاً [باید] به وقوع می‌پیوست انجام دهد تا هر [کافری] که هلاک می‌شود [با وجود برتری نظامی و عددی، در شرک و گمراهی] هلاک گردد و هر [مؤمنی] که زنده می‌ماند [به هدایت] زندگی یابد [و این مرگ و زندگی] بر اساس دلیلی روشن باشد؛ و به راستی که الله شنوای داناست.

إِذْ يُرِيكَهُمُ اللَّهُ فِي مَنَايِكَ قَلِيلًا ۖ وَلَوْ أَرْنَكُهُمْ كَثِيرًا لَّفَشِلْتُمْ وَتَلْتَزَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ ۗ وَلَكِنَّ اللَّهَ سَلَّمَ ۗ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿٤٣﴾

(۴۳) [به یاد آور] آنگاه که الله [تعداد] آنان را در خوابت به تو اندک نشان داد؛ و اگر آنان را بسیار نشان می‌داد، مسلماً سست [و بددل] می‌شدید و در کار [جنگ] اختلاف می‌کردید؛ ولی الله [شما را از سستی و اختلاف] در امان نگاه داشت. بی‌گمان، او تعالی به آنچه در سینه‌هاست، داناست.

وَإِذْ يُرِيكُمُوهُمْ إِذِ الْتَقَيْتُمْ فِي آعْيُنِكُمْ قَلِيلًا وَيُقَلِّلُكُمْ فِي آعْيُنِهِمْ لِيَقْضَى اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا ۗ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ﴿٤٤﴾

(۴۴) و [به یاد آور] هنگامی که با هم روبرو شدید، آنان را به چشم شما کم‌تعداد نمود و شما را [نیز] به چشم آنان اندک جلوه داد، تا الله کاری را که قطعاً [باید] به وقوع می‌پیوست انجام دهد؛ و [بدانید که همه] کارها به الله بازگردانده می‌شود.

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٤٥﴾

(۴۵) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هنگامی که با گروهی [از دشمنان] روبرو شدید، پایداری نمایید و الله را بسیار یاد کنید؛ باشد که رستگار شوید.

وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ ۗ وَلَا تَتَلَوَّطُوا بَشَرًا فَنَقَضُوا بِأَنفُسِكُمْ ۗ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَأَصْبَرُوا ۗ إِنَّا اللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ ﴿٤٦﴾

(۴۶) و از الله و پیامبرش اطاعت کنید و [در تصمیم‌گیری] با یکدیگر کشمکش نکنید که سست می‌شوید و [توان و] اقتدارتان از بین می‌رود؛ و شکیبایی کنید که بی‌گمان، الله با شکیبایان است.

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بَطْرًا وَرِفَاءً أَلْتَأْسِ وَيَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَاللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ حَكِيمٌ ﴿٤٧﴾

(۴۷) و مانند کسانی نباشید که با سرکشی و خودنمایی در برابر مردم، از سرزمین خود [= مکه] خارج شدند و [مردم را] از راه الله بازداشتند؛ و الله به آنچه می‌کنند احاطه دارد.

وَإِذْ زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَلَهُمْ وَقَالَ لَا غَالِبَ لَكُمْ الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ وَإِنِّي جَارٌ لَكُمْ فَلَمَّا تَرَآتِ الْفَيْتَانِ نَكَصَ عَلَى عَقَبَيْهِ وَقَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِّنْكُمْ إِنِّي أَرَىٰ مَا لَا تَرَوْنَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٤٨﴾

(۴۸) و [ای مؤمنان، به یاد آورید] هنگامی که شیطان، اعمال آنان را در نظرشان آراست و گفت: «امروز هیچ کس بر شما پیروز نمی‌شود و من [یاور و] پناهتان هستم»؛ اما هنگامی که دو گروه [با هم] روبرو شدند، [شیطان] به عقب بازگشت و گفت: «به راستی که من از شما بیزارم و چیزی [= فرشتگان یاریگر] را می‌بینم که شما نمی‌بینید. من از الله می‌ترسم و [از هلاکت بیم دارم؛ چرا که] الله سخت‌گیر است».

إِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ غَرَّ هَوَاهُ دِينُهُمْ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٤٩﴾

(۴۹) و [به یاد آورید] هنگامی که منافقان و کسانی که در دل‌هایشان بیماری بود می‌گفتند: «اینان [= مؤمنان] را دینشان فریفته است»؛ و هر کس بر الله توکل کند، پس [آسوده‌خاطر باشد؛ چرا که] بی‌تردید، الله شکست‌ناپذیر حکیم است.

وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ يَتَوَفَّى الَّذِينَ كَفَرُوا الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ

(۵۰) و اگر می‌دیدید آنگاه که فرشتگان جان کافران را می‌ستانند، بر صورت و پشتشان

وَأَدْبَرَهُمْ وَدُوفُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ ﴿۵۰﴾
 می‌زنند و می‌گویند: «عذاب سوزان را
 بچشید.

ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْت أَيْدِيكُمْ وَأَنَّ
 اللَّهُ لَيْسَ بِظَلَمٍ لِلْعَبِيدِ ﴿۵۱﴾
 (۵۱) این [جان دادنِ خفت‌بار و عذاب
 دردناک] در مقابل کارهایی است که از پیش
 فرستاده‌اید؛ و [گرنه] الله نسبت به بندگان
 [خود] ستمکار نیست.

كَذَّابٍ عَالٍ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِنْ
 قَبْلِهِمْ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ
 فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ إِنَّ اللَّهَ
 قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿۵۲﴾
 (۵۲) [عذاب این کافران حق‌ستیز، همانند
 شیوه [مجازات] فرعونیان و [دیگر] کسانی
 است که پیش از آنان بودند [که همگی] به
 آیات الله کفر ورزیدند و الله آنان را به [سزای]
 گناهانشان گرفتار کرد. بی‌تردید، الله نیرومند
 سخت‌کیفر است.

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكْ مُغَيِّرًا
 نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى
 يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ
 سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿۵۳﴾
 (۵۳) این [کیفر سخت،] از آن روست که الله
 هرگز بر آن نبوده است که نعمتی را که بر
 مردمی ارزانی داشته است دگرگون کند؛ مگر
 آنکه آنان [رفتار موحدانه] خود را تغییر دهند
 [و کفر و ناسپاسی بورزند]؛ و بی‌تردید، الله
 شنوای داناست.

كَذَّابٍ عَالٍ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِنْ
 قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ
 فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَأَغْرَقْنَا
 عَالَ فِرْعَوْنَ وَكُلُّ كَانُوا

ظَلِيمِينَ ﴿٥٤﴾

کردیم و فرعونیان را غرق نمودیم و همگی
[مشرك و] ستمكار بودند.

إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٥٥﴾
(۵۵) یقیناً بدترین جنبنندگان نزد الله کسانی
هستند که کفر می‌ورزند و ایمان نمی‌آورند.

الَّذِينَ عَاهَدْتَ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ وَهُمْ لَا يَتَّقُونَ ﴿٥٦﴾
(۵۶) [همان] کسانی که با آنان پیمان بستیم؛
ولی هر بار پیمانشان را می‌شکنند و [از الله]
پروا نمی‌کنند.

فَأَمَّا تَثَقَفَتْهُمُ فِي الْحَرْبِ فَشَرِدُوا بِهِنَّ مَن خَلَفَهُمُ لَعَلَّهُمْ يَدْكُرُونَ ﴿٥٧﴾
(۵۷) و [ای پیامبر]، اگر در جنگ بر آنان
دست یافتی، چنان آنان را در هم بکوب که
مایه عبرت دیگران گردد؛ باشد که [دیگران]
پند گیرند.

وَأَمَّا تَخَافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً فَأَنْتَ بِنِعْمَةِ اللَّهِ عَلَىٰ سَوَاءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ ﴿٥٨﴾
(۵۸) و اگر از گروهی بیم خیانت داری،
[پیمانشان را] به آنان بازگردان [و از لغو پیمان،
آنان را آگاه کن تا آگاهی طرفین از نقض
پیمان] به طور یکسان [باشد]. بی‌تردید، الله
خائنان را دوست ندارد.

وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَبَقُوا إِنَّهُمْ لَا يُعْجِزُونَ ﴿٥٩﴾
(۵۹) و کسانی که کفر ورزیدند، هرگز مپندارند
که جان به در برده‌اند [و نجات یافته‌اند]؛ آنان
هرگز [از مرگ و عذاب] راه‌گریزی ندارند.

وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ -
(۶۰) و [ای مؤمنان]، هر چه در توان دارید - از
نیرو و اسب‌های آماده [و جنگ‌افزار] - بسیج

کنید تا با این [تدارکات]، دشمن الله و دشمن خویش را بترسانید، همچین [با این تجهیزات، دشمنان] دیگری را غیر از اینان که شما آنان را نمی‌شناسید و [لی] الله آنان را می‌شناسد [به وحشت بیندازید]؛ و هر چه در راه الله انفاق کنید، پاداش آن به شما بازگردانده می‌شود و بر شما ستم نمی‌رود.

عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَعَاخِرِينَ
مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ
يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي
سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفِّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا
تُظْلَمُونَ ﴿٦٠﴾

(۶۱) و اگر [کافران] به صلح مایل شدند، پس تو [نیز ای پیامبر]، از در صلح درآی و بر الله توکل کن. بی‌گمان، اوست که شنوای داناست.

وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْتَحْ لَهَا
وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ
الْعَلِيمُ ﴿٦١﴾

(۶۲) و اگر [کافران با تظاهر به آستی] بخواهند تو را فریب دهند، الله برایت کافی است. او تعالی همان ذاتی است که با یاری خود و مؤمنان، تو را تأیید [و تقویت] نمود.

وَإِنْ يُرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ
حَسْبَكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي أَيْدَكَ
بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ ﴿٦٢﴾

(۶۳) و بین دل‌هایشان [مهربانی و] الفت برقرار نمود. [ای پیامبر]، اگر تو تمام آنچه را که در روی زمین است خرج می‌کردی، [هرگز] نمی‌توانستی بین دل‌هایشان الفت برقرار کنی؛ ولی الله میان آنان الفت انداخت. به راستی که او شکست‌ناپذیر حکیم است.

وَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا
فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَّا أَلَّفْتَ بَيْنَ
قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلَّفَ بَيْنَهُمْ
إِنَّهُ وَعَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٦٣﴾

(۶۴) ای پیامبر، [حمایت] الله برای تو و [نیز] برای مؤمنانی که از تو پیروی کرده‌اند، کافی است.

يَأْتِيهَا النَّبِيُّ حَسْبَكَ اللَّهُ وَمَنْ
اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٦٤﴾

يَتَأْتِيهَا النَّبِيُّ حَرَضَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَعْلَبُوا مَائَتِينَ^{٦٥} وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَعْلَبُوا أَلْفًا مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ ﴿٦٥﴾

(۶۵) ای پیامبر، مؤمنان را به جنگ تشویق کن. اگر از [میان] شما [مؤمنان] بیست نفر [بر جهاد] شکیبا باشند، بر دویست نفر [از کافران] غلبه می‌کنند و اگر صد نفر از شما [اینچنین] باشند، بر هزار نفر از کسانی که کفر ورزیدند غلبه می‌کنند؛ زیرا آنان گروهی هستند که [ارزش حقیقی جهاد را] نمی‌فهمند.

أَلَسَنَ خَفَّفَ اللَّهُ عَنْكُمْ وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا فَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ صَابِرَةٌ يَعْلَبُوا مَائَتِينَ^{٦٦} وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ يَعْلَبُوا أَلْفِينَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ ﴿٦٦﴾

(۶۶) اکنون الله به شما تخفیف داد و دانست که [بر اثر جنگ]، ضعفی در وجودتان است. پس اگر از [میان] شما صد نفر شکیبا باشند، بر دویست نفر [از کافران] پیروز می‌شوند و اگر از شما هزار نفر باشند، به فرمان الله، بر دو هزار نفر پیروز خواهند شد؛ و الله با شکیبایان است.

مَا كَانَ لِنَبِيِّ أَنْ يَكُونَ لَهُوَ أَسْرَى حَتَّى يُشْحَنَ فِي الْأَرْضِ^{٦٧} تُرِيدُونَ عَرَصَ الدُّنْيَا وَاللَّهُ يُرِيدُ الْأُخْرَةَ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٦٧﴾

(۶۷) برای هیچ پیامبری سزاوار نیست که اسیران [جنگی] داشته باشد [تا آنان را در مقابل دریافت فدیة رها کند، مگر] تا [زمانی که با ریختن خون آنها] در زمین کشتار بسیار به راه اندازد [و به این وسیله، دشمن را به وحشت بیندازد]. شما [مؤمنان]، با گرفتن فدیة از اسیران بدر، ثروت و [کالای دنیا را می‌خواهید و الله آخرت را [برایتان] می‌خواهد؛ و الله شکست‌ناپذیر حکیم است.

لَوْلَا كِتَابٌ مِّنَ اللَّهِ سَبَقَ
لَمَسَّكُمْ فِيمَا أَخَذْتُمْ عَذَابٌ
عَظِيمٌ ﴿٦٨﴾

(۶۸) اگر در آنچه [از غنایم و فدیها که] گرفتید، حکم پیشین الهی وجود نداشت [و آن را برایتان حلال نکرده بود]، قطعاً عذابی بزرگ به شما می‌رسید.

فَكُلُوا مِمَّا غَنِمْتُمْ حَلَالًا طَيِّبًا
وَأْتَقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ
رَّحِيمٌ ﴿٦٩﴾

(۶۹) پس [اکنون] از آنچه غنیمت گرفته‌اید، حلال و پاکیزه بخورید و از الله پروا کنید. به راستی که الله آمرزندهٔ مهربان است.

يَأْتِيهَا الَّتِي قُل لِّمَن فِي
أَيْدِيكُمْ مِنَ الْأَسْرَىٰ إِن يَعْلَمِ
اللَّهُ فِي قُلُوبِكُمْ خَيْرًا يُؤْتِيكُمْ
خَيْرًا مِّمَّا أَخَذَ مِنْكُمْ وَيَغْفِرَ
لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٧٠﴾

(۷۰) ای پیامبر، به اسیرانی که در دست شما هستند بگو: «اگر الله خیری در دل‌هایتان سراغ داشته باشد، بهتر از [فدیها و] آنچه را که از شما گرفته شده است به شما می‌دهد و شما را می‌آمرزد؛ و الله آمرزندهٔ مهربان است».

وَإِن يُرِيدُوا خِيَانَتَكَ فَقَدْ خَانُوا
اللَّهَ مِن قَبْلُ فَأَمْكَنَ مِنْهُمْ
وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٧١﴾

(۷۱) و [ای پیامبر] اگر بخواهند به تو خیانت کنند، [بدان که] آنان قطعاً پیش از این [نیز] به الله خیانت کرده‌اند و الله [تو را] بر آنان پیروز نمود؛ و الله دانای حکیم است.

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا
وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي
سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ ءَاوَأُوا وَنَصَرُوا
أُولَٰئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ

(۷۲) کسانی که ایمان آوردند و هجرت کردند و با اموال و جان‌هایشان در راه الله جهاد نمودند و کسانی که [مهاجران را] پناه دادند و یاری نمودند، اینان [همه] دوستان یکدیگرند؛ و کسانی که ایمان آوردند و [الی از سرزمین

کفر] هجرت نکردند، شما هیچ دوستی [و پیوندی] با آنان ندارید؛ مگر آنکه هجرت کنید؛ و اگر در [کار] دین از شما یاری خواستند، بر شما [واجب] است که [به آنان] یاری رسانید، مگر [اینکه این یاری خواهی] علیه گروهی باشد که میان شما و آنان پیمانی برقرار است؛ و الله به آنچه می کنید بیناست.

(۷۳) و کسانی که کفر ورزیدند، [آنان نیز] دوستان یکدیگرند. اگر [شما مؤمنان به این سفارش درباره دوست و دشمن] عمل نکنید، فتنه و فساد بزرگ در زمین بر پا می گردد.

(۷۴) و کسانی که ایمان آوردند و هجرت نمودند و در راه الله جهاد کردند و کسانی که [این مهاجران را] پناه دادند و یاری نمودند، اینان مؤمنان حقیقی هستند. برای آنان [در بهشت] آموزش و روزی شایسته‌ای خواهد بود.

(۷۵) و کسانی که پس از آنان ایمان آوردند و هجرت نمودند و به همراه شما [مؤمنان] جهاد کردند، آنان [نیز] از شما هستند؛ و در [حکم] کتاب الله، خویشاوندان [در میراث]، نسبت به یکدیگر سزاوارترند. به راستی که الله به همه چیز داناست.

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِّنْ وَلِيَّتِهِم مِّن شَيْءٍ حَتَّىٰ يُهَاجِرُوا وَإِنِ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمُ النَّصْرُ إِلَّا عَلَىٰ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُم مِّيثَاقٌ ۗ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٧٢﴾

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُن فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ ﴿٧٣﴾

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَأُوا وَنَصَرُوا أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَّغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ﴿٧٤﴾

وَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْ بَعْدِ وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا مَعَكُمْ فَأُولَٰئِكَ مِنْكُمْ وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٧٥﴾

سُورَةُ التَّوْبَةِ

سورة توبه

(۱) [این آیات،] اعلام بیزاری [و پایان تعهد] از طرف الله و پیامبرش نسبت به مشرکانی است که [شما مسلمانان] با آنان پیمان بسته‌اید.

(۲) پس [ای مشرکان، فقط] چهار ماه [فرصت دارید که با امنیت کامل] در زمین بگردید و بدانید که [هرگز] نمی‌توانید الله را ناتوان سازید [و از عذابش بگریزید] و الله رسواکننده کافران است.

(۳) و [این،] اعلامی است از جانب الله و پیامبرش به مردم در روز حج اکبر [= عید قربان] که: «الله و پیامبرش از مشرکان بیزارند؛ پس اگر توبه کنید، برای شما بهتر است و اگر روی بگردانید [و سرپیچی کنید] بدانید که شما [هرگز] نمی‌توانید الله را ناتوان سازید [و از عذابش بگریزید]؛ و [تو ای پیامبر،] کسانی را که کفر ورزیدند، به عذاب دردناکی بشارت ده.

(۴) مگر کسانی از مشرکان که با آنان پیمان بسته‌اید و چیزی از [تعهدات خود نسبت به] شما فروگذار نکرده‌اند و کسی را علیه شما

بَرَاءَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ
عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿١﴾

فَسِيحُوا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ
وَأَعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي
اللَّهِ وَأَنَّ اللَّهَ مَخْرِي
الْكَافِرِينَ ﴿٢﴾

وَأَذِّنْ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى
النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ
اللَّهَ بَرِيءٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ
وَرَسُولُهُ فَإِنْ تُبْتُمْ فَهُوَ خَيْرٌ
لَّكُمْ وَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا
أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَبَشِّرِ
الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿٣﴾

إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ
ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُوكُمْ شَيْئًا وَلَمْ
يُظْهِرُوا عَلَيْكُمْ أَحَدًا فَأَتِمُّوا

إِلَيْهِمْ عَهْدُهُمْ إِلَىٰ مُدَّتِهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ ﴿۵﴾

پشتیبانی نکردند؛ پیمان آنان را تا پایان مدتشان به پایان برسانید [که] بی‌تردید، الله پرهیزگاران را دوست دارد.

فَإِذَا أَنْسَلَخَ الْأَشْهُرَ الْحُرْمَ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَأَحْصُرُوهُمْ وَأَقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصِدٍ فَإِن تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَعَآتُوا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿۶﴾

(۵) وقتی ماه‌های حرام سپری شد، مشرکان را هر کجا یافتید، بکشید و آنان را دستگیر کنید و در محاصره بگذارید و در هر گذرگاهی به کمین آنان بنشینید؛ پس اگر توبه کردند و نماز برپا داشتند و زکات پرداختند، رهایشان کنید [چرا که] بی‌تردید الله آمرزندهٔ مهربان است.

وَإِن أَحَدٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّىٰ يَسْمَعَ كَلِمَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ ﴿۶﴾

(۶) و [ای پیامبر]، اگر یکی از مشرکان از تو پناه خواست، پناهِش بده تا سخن الله را بشنود؛ سپس او را به محل امنش برسان. این [امان دادن به مشرکان]، به سبب آن است که آنان گروهی نادانند.

كَيْفَ يَكُونُ لِلْمُشْرِكِينَ عَهْدٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ رَسُولِهِ إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ فَمَا اسْتَقْتُمُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ ﴿۷﴾

(۷) چگونه مشرکان می‌توانند نزد الله و پیامبرش [عهد و] پیمانی داشته باشند؟ مگر [در مورد] کسانی که با آنان نزدیک مسجدالحرام [در حدیبیه] پیمان بسته‌اید. پس تا [مشرکان در مورد آن عهد]، با شما پایدارند، شما [نیز] با آنان پایدار باشید؛ [چرا که] بی‌تردید، الله پرهیزگاران را دوست دارد.

كَيْفَ وَإِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا يَرْقُبُوا فِيكُمْ إِلَّا وَلَا ذِمَّةً يُرْضُونَكُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ وَتَأْبَى قُلُوبُهُمْ وَأَكْثَرُهُمْ فَاسِقُونَ ﴿٨﴾

(۸) چگونه [پیمان مشرکان ارزش دارد] با اینکه اگر بر شما پیروز [و مسلط] شوند، درباره شما نه [حق] خویشاوندی را مراعات می‌کند و نه هیچ پیمانی را؟ آنان شما را با زبان خود راضی می‌کنند و حال آنکه دل‌هایشان امتناع می‌ورزد و بیشتر آنان نافرمانند.

أَشْتَرُوا بِبَايَتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَصَدُّوا عَن سَبِيلِهِ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٩﴾

(۹) آیات الله را به بهای ناچیزی فروختند و [مردم را] از راه او بازداشتند. به راستی چه بد اعمالی انجام می‌دادند!

لَا يَرْقُبُونَ فِي مُؤْمِنٍ إِلَّا وَلَا ذِمَّةً وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُعْتَدُونَ ﴿١٠﴾

(۱۰) اینان در حق هیچ مؤمنی، نه [حق] خویشاوندی را مراعات می‌کنند و نه پیمانی را؛ و اینانند که تجاوزکارند.

فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَعَآتُوا الزَّكَاةَ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَنُقِصَلُ الْأَيَّاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿١١﴾

(۱۱) پس [با این حال]، اگر توبه کردند و نماز برپا داشتند و زکات پرداختند، برادران دینی شما [مسلمانان] هستند؛ و ما آیات خود را برای گروهی که می‌دانند، به تفصیل بیان می‌کنیم.

وَإِنْ نَكَتُوا أَيْمَانَهُمْ مِّن بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعَنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَتِلُوا أَيْمَةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَنَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ ﴿١٢﴾

(۱۲) و اگر [تعهد و] سوگندشان را پس از پیمان خویش شکستند و در دینتان طعنه زدند، با پیشوایان کفر بجنگید؛ زیرا آنان را [نسبت به پیمان‌هایشان] هیچ تعهدی نیست؛ باشد که [از رفتار خود] دست بردارند.

أَلَا تَقْتُلُونَ قَوْمًا نَّكَثُوا أَيْمَانَهُمْ
وَهُمْوَا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَهُمْ
بَدَءُكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ أَتَخْشَوْنَهُمْ
فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ
مُؤْمِنِينَ ﴿١٣﴾

(۱۳) [ای مؤمنان،] چرا با گروهی نمی جنگید که سوگند [و پیمان] خود را شکستند و در بیرون راندن پیامبر [از مکه] کوشیدند؟ آنان بودند که نخستین بار [با یاری کردن قبیله بکر در برابر خُزاعه، جنگ را] با شما آغاز کردند. آیا از آنان می ترسید؟ در حالی که اگر ایمان دارید، الله سزاوارتر است که از او بترسید.

قَتَلُوهُمْ يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ
وَيُخْزِيهِمْ وَيَنْصُرْكُمْ عَلَيْهِمْ
وَيَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُّؤْمِنِينَ ﴿١٤﴾

(۱۴) با آنان بجنگید تا الله آنان را به دست شما عذاب کند و خوار سازد و شما را بر آنان پیروز گرداند و دل های مؤمنان را آرام بخشد.

وَيَذِهُبُ غَيْظَ قُلُوبِهِمْ وَيَتُوبُ
اللَّهُ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ
حَكِيمٌ ﴿١٥﴾

(۱۵) و [با شکست کافران،] خشم دل های آنان [= مؤمنان] را برطرف کند؛ و الله از هر کس بخواهد درمی گذرد؛ و الله دانای حکیم است.

أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتْرَكُوا وَلَمَّا يَعْلَمِ
اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَلَمْ
يَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَا
رَسُولِهِ وَلَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِيجَةً
وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١٦﴾

(۱۶) آیا پنداشته اید که [بدون امتحان الهی] به حال خود رها می شوید؟ در حالی که الله هنوز کسانی از شما را که جهاد کرده اند و جز الله و پیامبر و مؤمنان [کسی را به دوستی و] همرازی نگرفته اند معلوم نکرده است؟ و الله به آنچه می کنید آگاه است.

مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا
مَسْجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَىٰ

أَنْفُسِهِمْ بِالْكَفْرِ أُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَلُهُمْ فِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ ﴿١٧﴾

خویش گواهند [و آن را اظهار می کنند]. آنانند که اعمالشان تباه گشته است و خود در آتش [دوزخ] جاودانند.

إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسْجِدَ اللَّهِ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَءَاتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ ﴿١٨﴾

(۱۸) مساجدِ الله را فقط کسانی [باید] آباد کنند که به الله و روز آخرت ایمان آورده اند و نماز برپا می دارند و زکات می پردازند و از غیر الله نمی ترسند. امید است که اینان از هدایت یافتگان باشند.

وَأَجَعَلْتُمْ سَفَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿١٩﴾

(۱۹) [ای مشرکان،] آیا آبادان به حاجیان و آباد کردن مسجد الحرام را با [ایمان و عمل] کسی که به الله و روز واپسین ایمان آورده و در راه الله جهاد کرده است برابر می دانید؟ [این دو هرگز] نزد الله برابر نیستند؛ و الله ستمکاران [مشرک] را هدایت نمی کند.

الَّذِينَ ءَامَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَعْظَمُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ ﴿٢٠﴾

(۲۰) کسانی که ایمان آوردند و هجرت کردند و در راه الله با اموال و جان های خویش جهاد کردند، نزد الله مقام برتری دارند؛ و اینان همان رستگارانند.

يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ

(۲۱) پروردگارش آنان را از جانب خویش به

وَرِضْوَانٍ وَجَنَّتْ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ
مُتَقِيمٌ ﴿٢١﴾
رحمت و خشنودی و باغ‌هایی [در بهشت]
مژده می‌دهد که در آنها نعمت‌هایی پایدار
دارند.

خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ
أَجْرٌ عَظِيمٌ ﴿٢٢﴾
(۲۲) همواره در آن جاودانند. به راستی که
پاداش بزرگ [فقط] نزد الله است.

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا
ءَابَاءَكُمْ وَاِخْوَانَكُمْ ءَوْلِيَاءَ اِنْ
اَسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْاِيْمَانِ
وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِّنْكُمْ فَاُولٰٓئِكَ
هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٢٣﴾
(۲۳) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر پدران
و برادرانتان کفر را بر ایمان ترجیح دهند،
[آنان را] به دوستی نگیرید؛ و هر کس از شما
که آنان را به دوستی بگیرد، آنان همان
ستمکارانند.

قُلْ اِنْ كَانَ ءَابَاؤُكُمْ وَاَبْنَاؤُكُمْ
وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ
وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا
وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا
وَمَسَاكِينٌ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ
إِلَيْكُمْ مِّنْ اَللّٰهِ وَرَسُوْلِهِ وَجِهَادٍ
فِي سَبِيْلِهِ فَتَرْبُّوْا حَتّٰى يَأْتِي
اَللّٰهُ بِاَمْرِهٖ وَاَللّٰهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ
الْفٰسِقِيْنَ ﴿٢٤﴾
(۲۴) [ای پیامبر، به مؤمنان] بگو: «اگر پدران
و فرزندان و برادران و همسران و
خویشاوندانتان و اموالی که به دست آورده‌اید و
تجارتی که از [بی‌رونقی و] کساداش
می‌ترسید و خانه‌هایی که به آن دلخوش
هستید، نزد شما از الله و پیامبرش و جهاد در
راه او محبوب‌ترند، منتظر باشید تا الله فرمان
[عذاب] خویش را نازل کند؛ و الله گروه
نافرمان را هدایت نمی‌کند».

لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللّٰهُ فِي مَوٰطِنٍ
(۲۵) بی‌تردید، الله شما [مؤمنان] را در

كثيرةً وَيَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ
 أَعْجَبْتَكُمْ كَثَرْتُمْ فَلَمْ تُغْنِ
 عَنْكُمْ شَيْئًا وَضَاقَتْ عَلَيْكُمْ
 الْأَرْضُ بِمَا رَحَبَتْ ثُمَّ وَلَّيْتُمْ
 مُدْبِرِينَ ﴿٢٥﴾

موقعیت‌های زیادی یاری کرده است و نیز در جنگ حُنَین، آنگاه که فراوانی تعدادتان، شما را [شاد و] شگفت‌زده کرد؛ ولی هیچ سودی به حالتان نداشت و زمین - با همه گسترده‌گی - بر شما تنگ آمد؛ آنگاه [به دشمن] پشت کردید [و گریختید].

ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى
 رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَنْزَلَ
 جُبُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَعَدَّبَ الَّذِينَ
 كَفَرُوا وَذَلِكَ جَزَاءُ
 الْكَافِرِينَ ﴿٢٦﴾

(۲۶) سپس الله آرامش خویش را بر پیامبرش و بر مؤمنان فرو فرستاد و سپاهیی را که شما نمی‌دیدید [به یاری‌تان] فرستاد و کسانی را که کفر ورزیده بودند عذاب کرد؛ و جزای کافران چنین است.

ثُمَّ يَتُوبُ اللَّهُ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَلَى
 مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٢٧﴾

(۲۷) سپس الله بعد از آن [عذاب خفت‌بار،] توبه هر کس را بخواهد می‌پذیرد؛ و الله آمرزندهٔ مهربان است.

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِتْمًا
 الْمَشْرُكُونَ فَلاَ يَقْرَبُوا
 الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ
 هَذَا وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ
 يُغْنِيكُمْ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ
 شَاءَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٢٨﴾

(۲۸) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، مشرکان قطعاً پلیدند؛ پس نباید بعد از امسال به مسجدالحرام نزدیک شوند؛ و اگر [به خاطر قطع تجارت با آنان] از تنگدستی بیم دارید، [بدانید که] اگر الله بخواهد، شما را از بخشش خویش بی‌نیاز می‌سازد. بی‌تردید، الله دانای حکیم است.

قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا

قیامت ایمان نمی‌آورند و آنچه را الله و پیامبرش حرام کرده‌اند حرام نمی‌شمارند و دین حق را نمی‌پذیرند بجنگید تا آنگاه که با شکست و خواری به دست خویش جزیه دهند.

بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحْرِمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَن يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ ﴿٢٩﴾

(۳۰) و یهود گفتند: «عزیر پسر الله است» و نصاری گفتند: «مسیح پسر الله است». این سخن [باطلی] است که بر زبان می‌آورند و به گفتار کسانی که پیش از این کفر ورزیدند شباهت دارد. الله آنان را نابود کند! چگونه [از حق] منحرف می‌شوند؟

وَقَالَتِ الْيَهُودُ عِزِيرٌ ابْنُ اللَّهِ وَقَالَتِ النَّصَارَى الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ ذَلِكَ قَوْلُهُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ يُضَاهُونَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن قَبْلُ قَتَلْتَهُمُ اللَّهُ أَتَى يُؤْفَكُونَ ﴿٣٠﴾

(۳۱) [این مشرکان،] علما و راهبان خود و [همچنین] مسیح - پسر مریم - را به جای الله [به عنوان] معبودان خویش تلقی کردند؛ حال آنکه دستوری جز این نداشتند که فقط الله یگانه را عبادت کنند که معبودی [به حق] جز او نیست. او تعالی از آنچه [با وی] شریک قرار می‌دهند، منزه است.

أَتَّخَذُوا أَحْبَابَهُمُ وَرَهْبَنَهُمُ أَرْبَابًا مِّن دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَمَا أُمْرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا لَّا إِلَهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٣١﴾

(۳۲) آنان می‌خواهند نورِ الله را با سخنان خویش خاموش کنند؛ ولی الله جز این نمی‌خواهد که نورِ خویش را کامل کند؛ هر چند کافران خوش نداشته باشند.

يُرِيدُونَ أَن يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَن يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ ﴿٣٢﴾

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ ۚ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ ﴿٣٣﴾

(۳۳) اوست که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاده است تا آن را بر همه ادیان پیروز گرداند؛ هر چند مشرکان دوست نداشته باشند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْأَحْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لِيَآكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَطْلِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ ۗ وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُم بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿٣٤﴾

(۳۴) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بی‌تردید، بسیاری از علما [ی یهودی] و راهبان، اموال مردم را به ناحق می‌خورند و [آنان را] از راه الله باز می‌دارند؛ و کسانی که زر و سیم می‌اندوزند و آن را در راه الله انفاق نمی‌کنند، آنان را به عذابی دردناک بشارت بده.

يَوْمَ يُحْمَىٰ عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فُتُكْوَىٰ بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ ۗ هَذَا مَا كُنْتُمْ لِأَنفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ ﴿٣٥﴾

(۳۵) روزی که آن [گنجینه‌ها] را در آتش دوزخ سرخ کنند و پیشانی و پهلو و پشتشان را با آن داغ نهند [و بگویند:] «این است آنچه برای خویش می‌اندوختید؛ پس بچشید آنچه را که می‌اندوختید».

إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ ۗ ذَٰلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ ﴿٣٦﴾

(۳۶) شمار ماه‌ها نزد الله، [از] روزی که آسمان‌ها و زمین را آفریده است، در کتاب الله [= لوح محفوظ] دوازده ماه است که [جنگ و درگیری در] چهار ماه از آن، حرام است؛ [ذوالقعدة، ذوالحجه، محرم و رجب]. این است

فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ ۗ وَقَتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَآفَّةً كَمَا يُقْتُلُونَكُمْ كَآفَّةً ۗ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ ﴿٣٦﴾

آیینِ استوار [و راهِ حق]؛ پس در این [چهار ماه،] بر خود ستم نکنید و با همه [انواع] مشرکان [و کافران] بجنگید، چنان که آنان با همه شما می‌جنگند؛ و بدانید که الله همراه پرهیزگاران است.

إِنَّمَا النَّسِيءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ يُضَلُّ بِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُجْلُونَهُ عَامًا وَيُحَرِّمُونَهُ عَامًا لِّيُوَاطِئُوا عِدَّةَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ فَيُجِلُّوا مَا حَرَّمَ اللَّهُ زَيْنَ لَهُمْ سُوءَ أَعْمَالِهِمْ ۗ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ ﴿٣٧﴾

(۳۷) بی‌تردید، به تأخیر انداختن [ماه‌های حرام و بر هم زدن ترتیب اصلی آنها، موجب] افزایش کفر است [و] کسانی که کفر ورزیدند با این کار، به گمراهی کشیده می‌شوند. آن [ماه] را یک سال حلال می‌شمارند و یک سال [دیگر] حرام می‌دانند تا با تعداد ماه‌هایی که الله حرام کرده است یکسان سازند؛ پس [به این سبب،] آنچه را که الله حرام کرده است [بر خود] حلال می‌کنند؛ زشتی اعمال آنان برایشان آراسته شده است؛ و الله گروه کافران را هدایت نمی‌کند.

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ أَنْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَتَأْقَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَّعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ ﴿٣٨﴾

(۳۸) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، شما را چه شده است که چون به شما گفته می‌شود: «در راه الله رهسپار [جهاد] شوید»، سستی به خرج می‌دهید [و در خانه‌هایتان می‌نشینید]؟ آیا به جای آخرت، به زندگی دنیا دل خوش کرده‌اید؟ [پس بدانید که] کالای زندگی دنیا در برابر آخرت، جز اندکی نیست.

إِلَّا تَنْفِرُوا يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا (۳۹) [ای مؤمنان،] اگر رهسپار [جهاد] نگرديد، [الله] شما را به عذابی دردناک گرفتار می‌کند و به جای شما گروهی دیگر را می‌آورد و [شما با نافرمانی، هرگز] به او تعالی زبانی نمی‌رسانید، و الله بر هر چیزی تواناست.

إِلَّا تَنْفِرُوا فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيًا إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَىٰ ۗ وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا ۗ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۴۰) [ای اصحاب پیامبر،] اگر شما او را یاری نکنید، قطعاً الله [او را یاری می‌کند، همان گونه که قبلاً] یاری‌اش نمود؛ هنگامی که کافران او را [از مکه] بیرون کردند، در حالی که او دوّمین نفر بود [و یک نفر بیشتر همراه نداشت]؛ آنگاه که آن دو در غار [ثور پناه گرفته] بودند، به یار خود [= ابوبکر] گفت: «غم مخور [که] بی‌تردید الله با ماست»؛ پس الله آرامش خود را بر او فرو فرستاد و او را با سپاهيانی که آنها را نمی‌دیدید، تأیید [و تقویت] کرد و سخن کسانی را که کفر ورزیدند پست‌تر گرداند؛ و سخن الله است که برتر است؛ و الله شکست‌ناپذیر حکیم است.

أَنْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۴۱) [جهاد] رهسپار شوید و با اموال و جان‌هایتان در راه الله جهاد کنید. اگر بدانید، این برای شما بهتر است.

لَوْ كَانَ عَرَضًا قَرِيبًا وَسَفَرًا قَاصِدًا لَاتَّبَعُوكَ وَلَكِنْ بَعَدَتْ عَلَيْهِمُ الشُّقَّةُ وَسَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَوِ اسْتَطَعْنَا لَخَرَجْنَا مَعَكُمْ يُهْلِكُونَ أَنْفُسَهُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿٤٢﴾

(۴۲) [ای پیامبر،] اگر مالی در دسترس و سفری [آسان و] کوتاه در پیش بود، قطعاً [منافقان] به دنبال تو می‌آمدند؛ ولی آن راه پر مشقت [= شام] بر آنان دور [و دشوار] نمود؛ و به زودی به الله سوگند خواهند خورد که: «اگر می‌توانستیم، حتماً با شما رهسپار می‌شدیم».

[آنان با نافرمانی و سوگند دروغ،] خود را به هلاکت افکندند و الله می‌داند که آنان یقیناً دروغگو هستند.

عَفَا اللَّهُ عَنْكَ لِمَ أَذِنْتَ لَهُمْ حَتَّىٰ يَتَّبِعَنَ لَكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَتَعْلَمَ الْكَاذِبِينَ ﴿٤٣﴾

(۴۳) [ای پیامبر،] الله از تو درگذرد! چرا پیش از آنکه [حال] راستگويان بر تو روشن گردد و دروغگويان را بازشناسی، به آنان اجازه دادی [که در جهاد شرکت نکنند]؟

لَا يَسْتَعِدُّنَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَن يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ ﴿٤٤﴾

(۴۴) کسانی که به الله و روز واپسین ایمان دارند، در جهاد با اموال و جان‌هایشان از تو اجازه [معافیت] نمی‌خواهند؛ و الله به [حال] پرهیزگاران داناست.

إِنَّمَا يَسْتَعِدُّنَكَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَرْتَابَتْ قُلُوبُهُمْ فَهُمْ فِي رَيْبِهِمْ يَتَرَدَّدُونَ ﴿٤٥﴾

(۴۵) تنها کسانی از تو اجازه [معافیت از جهاد] می‌خواهند که به الله و روز واپسین ایمان ندارند و دل‌هایشان به تردید آلوده است و در تردید خود سرگردانند.

﴿۴۶﴾ و اگر [به راستی] اراده رهسپاری [به قصد جهاد] داشتند، قطعاً ساز و برگی برایش فراهم می‌کردند؛ ولی الله رهسپاری آنان را [برای جهاد در رکاب تو] نپسندید؛ پس آنان را منصرف نمود و [به آنان] گفته شد: «با خانه‌نشینان بمانید».

﴿۴۷﴾ [ای مؤمنان،] اگر [منافقان] همراه شما رهسپار می‌شدند، [به سبب بزدلی و فرار از میدان جنگ،] جز فتنه و فساد برایتان به بار نمی‌آوردند و در میانتان نفوذ می‌نمودند و در حق شما فتنه‌جویی می‌کردند و در جمع شما جاسوسانی دارند؛ و الله به [حال] ستمکاران آگاه است.

﴿۴۸﴾ یقیناً پیش از این [نیز منافقان، بسیار] فتنه‌جویی کردند و کارها را بر تو [وارونه و] آشفته جلوه دادند تا آنکه حق آمد و فرمان الله آشکار گردید، در حالی که آنان کراهت داشتند.

﴿۴۹﴾ و از میان آنان کسی هست که می‌گوید: «به من اجازه بده [که جهاد نکنم] و مرا در فتنه نینداز». آگاه باشید! [منافقان] هم اکنون نیز در فتنه افتاده‌اند و بی‌تردید، دوزخ بر کافران احاطه دارد.

إِنْ تُصِيبَكَ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ وَإِنْ تُصِيبَكَ مُصِيبَةٌ يَقُولُوا قَدْ أَخَذْنَا أَمْرًا مِنْ قَبْلٍ وَيَتَوَلَّوْا وَهُمْ فَرِحُونَ ﴿۵۰﴾

(۵۰) [ای پیامبر،] اگر به تو نیکی برسد، آنان را ناراحت می‌کند و اگر مصیبتی به تو رسد، می‌گویند: «ما پیش از این چاره کار خود را اندیشیده‌ایم» و شادمان [نزد خانواده‌هایشان] بازمی‌گردند.

قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ﴿۵۱﴾

(۵۱) بگو: «هرگز [مصیبتی] به ما نمی‌رسد، جز آنچه الله برایمان مقرر کرده است. او [دوست و] کارساز ماست و مؤمنان باید بر الله توکل کنند».

قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا إِلَّا إِحْدَى الْأَحْسَنِينَ وَنَحْنُ نَرَبَّصُ بِكُمْ أَنْ يُصِيبَكُمْ اللَّهُ بِعَذَابٍ مِّنْ عِنْدِهِ أَوْ بِأَيْدِينَا فَتَرَبَّصُوا إِنَّا مَعَكُمْ مُتَرَبِّصُونَ ﴿۵۲﴾

(۵۲) [به منافقان] بگو: «آیا برای ما جز یکی از دو نیکی [پیروزی یا شهادت] را انتظار دارید؟ در حالی که ما انتظار می‌کشیم الله از جانب خویش یا به دست ما، شما را به عذابی [سخت] گرفتار کند. پس انتظار بکشید که بی‌تردید، ما [نیز] با شما منتظریم».

قُلْ أَنْفِقُوا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا لَنْ يُتَقَبَلَ مِنْكُمْ إِنَّا كُنْتُمْ قَوْمًا فَسِيقِينَ ﴿۵۳﴾

(۵۳) [به منافقان] بگو: «چه با رغبت چه با کراهت انفاق کنید، هرگز از شما پذیرفته نمی‌شود [چرا که] بی‌تردید، شما گروهی نافرمان بوده‌اید».

وَمَا مَنَعَهُمْ أَنْ تُقَبَلَ مِنْهُمْ نَفَقَتُهُمْ إِلَّا أَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ وَلَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا

(۵۴) و هیچ چیز مانع قبول انفاق‌هایشان نشد، جز اینکه آنان به الله و پیامبرش کفر ورزیدند و جز با کسالت [و سستی] نماز نمی‌گزارند و جز

وَهُمْ كَسَالَىٰ وَلَا يُنْفِقُونَ إِلَّا وَهُمْ كَاهُونَ ﴿٥٥﴾
 به کراحت [و بی میلی] انفاق نمی کنند.

فَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَلَا
 أَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ
 بِهَا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَتَرْهَقَ
 أَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ ﴿٥٦﴾
 (۵۵) پس [ای پیامبر،] اموال و فرزندانشان تو
 را شگفت زده نکند. بی تردید، الله می خواهد
 آنان را در زندگی دنیا به این وسیله عذاب کند
 و در حالی که کافرنند جانشان برآید.

وَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ إِنَّهُمْ لَمِنكُمْ
 وَمَا هُمْ مِنْكُمْ وَلَكِنَّهُمْ قَوْمٌ
 يَفْرُقُونَ ﴿٥٦﴾
 (۵۶) و آنان [= منافقان] به الله سوگند یاد
 می کنند که از شما [مؤمنان] هستند، در حالی
 که از شما نیستند؛ بلکه آنان گروهی هستند
 که می ترسند [و به این سبب سوگند می خورند].

لَوْ يَجِدُونَ مَدَجًّا أَوْ مَغْرَبًا أَوْ
 مُدْخَلًا لَّوَلَّوْا إِلَيْهِ وَهُمْ
 يَجْمَحُونَ ﴿٥٧﴾
 (۵۷) اگر پناهگاه یا غار یا گریزگاهی پیدا کنند،
 شتابان به سوی آن روی می آورند.

وَمِنْهُمْ مَّن يَلْمِزُكَ فِي الصَّدَقَاتِ
 فَإِنْ أُعْطُوا مِنْهَا رَضُوا وَإِنْ لَمْ
 يُعْطُوا مِنْهَا إِذَا هُمْ يَسْتَخْطُونَ ﴿٥٨﴾
 (۵۸) و برخی از آنان در [تقسیم] صدقات [و
 غنائیم] بر تو خرده می گیرند؛ اگر از آن [اموال]
 به آنان داده شود راضی می گردند و اگر چیزی
 از آن به آنان داده نشود، خشمگین می شوند.

وَلَوْ أَنَّهُمْ رَضُوا مَا آتَاهُمُ اللَّهُ
 وَرَسُولُهُ وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ
 سَيُؤْتِينَا اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ
 (۵۹) و [قطعاً برایشان بهتر بود] اگر به آنچه
 الله و پیامبرش به آنان داده اند راضی
 می گشتند و می گفتند: «الله برایمان کافی
 است؛ به زودی الله و پیامبرش از فضل و

وَرَسُولُهُ إِنَّا إِلَى اللَّهِ رَاغِبُونَ ﴿٥٩﴾ بخشش خود به ما می‌دهند و ما به الله [امیدوار و] مشتاقیم».

﴿٥٩﴾ إِنَّمَا أَصَدَقْتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَمِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمَوْلَاةِ فُلُوبُهُمْ فِي الرِّقَابِ وَالْغَرَمِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأَبْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٦٠﴾ (٦٠) زکات اختصاص دارد به فقیران و مستمندان و کارگزاران [جمع‌آوری و توزیع] آن و دلجویی‌شدگان [تازه مسلمان] و برای [آزاد کردن] بردگان و [پرداخت وام] بدهکاران و [جهادگران] در راهِ الله و [کمک به] در راه‌ماندگان. [این] فریضه‌ای [مقرر شده] از جانب الله است؛ و الله دانای حکیم است.

﴿٦١﴾ وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أذُنٌ قُلُّ أذُنٌ خَيْرٌ لَّكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةٌ لِّلَّذِينَ ءَامَنُوا مِنكُمْ وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٦١﴾ (٦١) و برخی از آنان [= منافقان] هستند که پیامبر را می‌آزارند و می‌گویند: «او زودباور [و سراپا گوش] است»؛ [ای پیامبر،] بگو: «او برای شما [فقط] شنونده سخن خیر است. [وی] به الله ایمان دارد و [سخن] مؤمنان را باور دارد و برای کسانی از شما که ایمان آورده‌اند رحمتی است»؛ و کسانی که رسول الله را می‌آزارند، عذابی دردناک [در پیش] دارند.

﴿٦٢﴾ (٦٢) [ای مؤمنان، منافقان] برایتان به الله سوگند یاد می‌کنند تا شما را راضی سازند؛ در حالی که اگر ایمان داشتند، شایسته‌تر [این] بود که الله و پیامبرش را راضی سازند.

﴿٦٣﴾ (٦٣) آیا نمی‌دانند هر کس با الله و رسولش مخالفت [و دشمنی] کند، مسلماً آتش جهنم

وَرَسُولُهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا ذَلِكَ الْخِزْيُ الْعَظِيمُ ﴿٦٣﴾

برای اوست [و] جاودانه در آن خواهد بود؟ این همان رسوایی بزرگ است.

يَحْذَرُ الْمُنَافِقُونَ أَنْ تُنَزَّلَ عَلَيْهِمْ سُورَةٌ تُنَبِّئُهُمْ بِمَا فِي قُلُوبِهِمْ قُلِ اسْتَهِزَّوْا إِنِّي اللَّهُ مُخْرِجٌ مَا تَحْذَرُونَ ﴿٦٤﴾

(۶۴) منافقان بیم دارند که [مبادا] سوره‌ای درباره آنان [بر پیامبر] نازل شود و آنان [= مؤمنان] را از آنچه در دل‌های آنان [= منافقان] است آگاه سازد. [ای پیامبر، به آنان] بگو: «[هر چه می‌خواهید،] مسخره کنید [که] بی‌تردید، الله آنچه را که [از آن می‌پرهیزید و] هراس دارید، افشا خواهد کرد».

وَلَيْن سَأَلْتَهُمْ لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَنَلْعَبُ قُلْ أَبِاللَّهِ وَءَايَاتِهِ وَرَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِئُونَ ﴿٦٥﴾

(۶۵) و اگر از آنان بپرسی: «چرا تمسخر می‌کردید؟» [مسلماً می‌گویند: «ما جدی نمی‌گفتیم و [شوخی و] بازی می‌کردیم»]. بگو: «آیا الله و آیات او و پیامبرش را مسخره می‌کردید؟»

لَا تَعْتَذِرُوا قَدْ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ إِنْ نَعْفُ عَنْ طَآئِفَةٍ مِّنْكُمْ نُعَذِّبْ طَآئِفَةً بِأَنَّهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ ﴿٦٦﴾

(۶۶) عذر نیاورید. به راستی که شما پس از ایمانتان کافر شده‌اید. اگر گروهی از شما را [به خاطر توبه‌شان] ببخشیم، گروهی دیگر را [به سبب سرکشی و ترک انفاق] عذاب خواهیم کرد؛ چرا که بی‌تردید، آنان تبه‌کار بودند.

الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُم مِّنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ

(۶۷) مردان و زنان منافق، [مانند یکدیگر و] از یک گروهند: به کارهای زشت فرمان می‌دهند

وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَيَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفٰسِقُونَ ﴿٦٧﴾

و از نیکی‌ها باز می‌دارند و دست‌های خویش را [از انفاق] فرومی‌بندند [و] الله را فراموش کردند؛ الله [نیز با بی‌تفاوتی] آنان را به فراموشی سپرد [= رحمت و توفیقش را از آنان سلب نمود]. در حقیقت، این منافقانند که فاسق [و سرکش و گناهکار] هستند.

وَعَدَّ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا هِيَ حَسْبُهُمْ وَلَعْنَةُ اللَّهِ لََّهُمْ وَعَذَابٌ مُّقِيمٌ ﴿٦٨﴾

(۶۸) الله به مردان و زنان منافق و [همچنین به] کافران، آتش دوزخ را وعده داده است؛ جاودانه در آن خواهند ماند. همان [آتش] برایشان کافی است و الله لعنتشان کرده است و عذابی پایدار [در پیش] دارند.

كَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْكُمْ قُوَّةً وَأَكْثَرَ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا فَاسْتَمْتَعُوا بِخَلْقِهِمْ فَاسْتَمْتَعْتُمْ بِخَلْقِكُمْ كَمَا اسْتَمْتَعَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ بِخَلْقِهِمْ وَخُضْتُمْ كَالَّذِي خَاضُوا أُولَٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْخٰسِرُونَ ﴿٦٩﴾

(۶۹) [شما منافقان] همانند کسانی [هستید] که پیش از شما بودند [بلکه] آنان از شما نیرومندتر بودند و اموال و فرزندان بیشتری داشتند. پس، از بهره‌ خویش [در دنیا] برخوردار شدند؛ و شما [نیز] از بهره‌ خود برخوردار شدید چنانکه کسانی که پیش از شما بودند [نیز] از بهره‌ خویش برخوردار شدند؛ و شما [در گناه تکذیب حق و توهین به پیامبر خود] فرو رفتید، همان طور که آنان فرو رفتند. آنان اعمالشان در دنیا و آخرت تباہ گشت و آنانند که زیانکارند.

أَلَمْ يَأْتِهِمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ

(۷۰) آیا خبر کسانی که پیش از آنان بودند به

آنان نرسیده است؟ [کسانی همچون] قوم نوح و عاد و ثمود و قوم ابراهیم و اصحاب مدین = قوم شعیب] و شهرهای زیر و رو شده [قوم لوط] که پیامبران آنان دلایل روشن برایشان آوردند [ولی آنان نپذیرفتند]؛ پس الله بر آن نبود که [با نزول عذاب] به آنان ستم کند؛ بلکه خود بر خویشتن ستم می کردند.

قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَقَوْمِ إِبْرَاهِيمَ وَأَصْحَابِ مَدْيَنَ وَالْمُؤْتَفِكَاتِ أَتَتْهُمُ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿٧٠﴾

(۷۱) و مردان و زنان مؤمن، دوستان یکدیگرند؛ [مردم را] به نیکی فرمان می دهند و از کارهای ناپسند بازمی دارند و نماز برپا می دارند و زکات می پردازند و از الله و پیامبرش اطاعت می نمایند. اینانند که الله آنان را مورد رحمت قرار خواهد داد. بی تردید، الله شکست ناپذیر حکیم است.

وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيَطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٧١﴾

(۷۲) الله به مردان و زنان مؤمن، باغهایی [از بهشت] وعده داده است که جویبارها از زیر [درختان] آن جاری است؛ جاودانه در آن خواهند ماند؛ و [نیز] خانههای پاکیزه‌ای در بهشت‌های جاودان [به آنان وعده داده است]؛ و رضایت الله [از همه اینها] برتر است. این همان [رستگاری و] کامیابی بزرگ است.

وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسْكِنٍ طَيِّبَةٍ فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ وَّرِضْوَانٍ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٧٢﴾

(۷۳) ای پیامبر، با کافران و منافقان جهاد کن

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ

وَأَلْمَنَفِيقِينَ وَأَعْلَظَ عَلَيْهِمْ
وَمَا أَوْلَهُمْ جَهَنَّمَ ط وَبَيْسَ
الْمَصِيرُ ﴿٧٣﴾

يَخْلِفُونَ بِاللَّهِ مَا قَالُوا وَلَقَدْ قَالُوا
كَلِمَةً الْكُفْرِ وَكَفَرُوا بَعْدَ
إِسْلَامِهِمْ وَهُمْ أُولَىٰ بِمَا لَمْ يَنَالُوا وَمَا
نَقَمُوا إِلَّا أَنْ أَغْنَاهُمُ اللَّهُ
وَرَسُولُهُ مِنْ فَضْلِهِ فَإِنْ يَتُوبُوا
يَكْ حَيْرًا لَّهُمْ وَإِنْ يَتَوَلَّوْا
يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ عَذَابًا أَلِيمًا فِي
الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ فِي
الْأَرْضِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿٧٤﴾

(۷۴) [منافقان] به الله سوگند یاد می کنند که
[سخنان ناپسندی درباره الله و پیامبرش]
نگفته اند و به راستی که سخن کفر گفته اند و
پس از اسلام آوردنشان [باز] کافر شدند [و با
دسیسه برای قتل پیامبر،] تصمیم به کاری
گرفتند که در آن موفق نشدند. و به عیب جویی
[و مخالفت] برخاستند مگر پس از آنکه الله و
پیامبرش [با بخشیدن غنایم،] آنان را از فضل
خویش بی نیاز کردند؛ پس اگر توبه کنند،
برایشان بهتر است و اگر روی بگردانند، الله
آنان را در دنیا و آخرت، به عذابی دردناک
دچار می سازد و در زمین هیچ کارساز و یابوری
نخواهند داشت.

وَمِنْهُمْ مَنْ عَاهَدَ اللَّهُ لَنْ
ءَاتَيْنَا مِنْ فَضْلِهِ لَنَصَّدَّقَنَّ
وَلَنَكُونَنَّ مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿٧٥﴾

(۷۵) بعضی از آنان با الله [عهد و] پیمان
بستند که: «اگر [الله] از فضل خود [نصیبی]
به ما دهد، قطعاً صدقه [و زکات] خواهیم داد و
از نیکوکاران خواهیم بود».

فَلَمَّا ءَاتَاهُمْ مِّنْ فَضْلِهِ بَخِلُوا
بِهِ وَتَوَلَّوْا وَهُمْ مُّعْرِضُونَ ﴿٧٦﴾

(۷۶) اما وقتی [الله] از فضل خود به آنان
[نصیبی] بخشید، نسبت به آن بخل ورزیدند و

[از آن پیمان] روی گرداندند و [از حق] سرپیچی کردند.

فَأَعْقَبَهُمْ نِفَاقًا فِي قُلُوبِهِمْ إِلَى يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ بِمَا أَخْلَفُوا اللَّهَ مَا وَعَدُوهُ وَبِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ ﴿٧٧﴾

(۷۷) پس به سزای آنکه با الله خُلفِ وعده کردند و به خاطر آن که دروغ می‌گفتند، [الله نیز] تا روزی که او را [در قیامت] ملاقات می‌کنند، در دل‌هایشان داغ [و ننگ] نفاق نهاد.

أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ وَأَنَّ اللَّهَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ ﴿٧٨﴾

(۷۸) آیا ندانسته‌اند که الله راز و نجوایشان را [که در محافل خویش بیان می‌شود، به خوبی] می‌داند و الله دانای رازهای پنهان است؟

الَّذِينَ يَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ وَالَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ سَخِرَ اللَّهُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٧٩﴾

(۷۹) [منافقان] کسانی [هستند] که بر مؤمنانی عیب می‌گیرند که داوطلبانه صدقات [مستحبی زیادی، علاوه بر صدقه واجب] می‌دهند و [همچنین فقرا و] افرادی را که بیش از توان مالی خویش چیزی [برای صدقه] نمی‌یابند مسخره می‌کنند. الله آنان را به تمسخر می‌گیرد و برایشان عذابی دردناک [در پیش] خواهد بود.

أَسْتَغْفِرُ لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرُ لَهُمْ إِنْ تَسْتَغْفِرُ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاللَّهُ لَا

(۸۰) [ای پیامبر]، چه برای آنان آمرزش خواهی، چه آمرزش نخواهی، [سودی به حالشان ندارد. حتی] اگر هفتاد بار برایشان آمرزش خواهی، الله هرگز آنان را نمی‌آمرزد؛

يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ﴿٨٠﴾ چرا که به الله و پیامبرش کفر ورزیدند، و الله گروه نافرمان را هدایت نمی کند.

فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ وَكَرِهُوا أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ ﴿٨١﴾ (۸۱) واگذاشته شدگان [از غزوه تبوک] پس از [مخالفت با] رسول الله، از خانه نشینی خود شادمان شدند و از اینکه با اموال و جان هایشان در راه الله جهاد کنند کراهت داشتند و [به افراد سست ایمان] می گفتند: «در این گرما، رهسپار [جهاد] نشوید». [ای پیامبر، به آنان] بگو: «آتش دوزخ [از این بسیار] سوزان تر است»، اگر می فهمیدند.

فَلْيُضْحَكُوا قَلِيلًا وَلْيَبْكِوْا كَثِيرًا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٨٢﴾ (۸۲) به سزای آنچه می کردند، باید [در دنیا] کم بخندند و [در آخرت] بسیار بگریند.

فَإِنْ رَجَعَكَ اللَّهُ إِلَى طَائِفَةٍ مِنْهُمْ فَاسْتَعْدَدُوا لِلْخُرُوجِ فَقُلْ لَنْ تَخْرُجُوا مَعِيَ أَبَدًا وَلَنْ تُقَاتِلُوا مَعِيَ عَدُوًّا إِنَّكُمْ رَضِيتُمْ بِالْقُعُودِ أَوَّلَ مَرَّةٍ فَاقْعُدُوا مَعَ الْخَلِيفِينَ ﴿٨٣﴾ (۸۳) و اگر الله تو را به سوی گروهی از آنها بازگرداند و از تو برای همراهی [در جهادی دیگر] اجازه خواستند بگو: «[از این پس،] هرگز با من رهسپار [جهاد] نخواهید شد و هرگز همراه من با هیچ دشمنی نبرد نخواهید کرد؛ زیرا شما نخستین بار به خانه نشینی رضایت دادید؛ پس [اکنون نیز] با بازماندگان [از جهاد] بنشینید».

وَلَا تُصَلِّ عَلَى أَحَدٍ مِنْهُمْ مَاتَ وَلَا تَصَلِّ عَلَى أَحَدٍ مِنْهُمْ مَاتَ (۸۴) و هرگز بر هیچ مُرده ای از آنان نماز

نخوان و [برای دعا خواندن و طلب آمرزش] بر سر قبرش نیست؛ [چرا که] بی تردید، آنان به الله و پیامبرش کفر ورزیده‌اند و در حالی مُردند که نافرمان بودند.

أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَىٰ قَبْرِهِ ۖ إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَمَاتُوا وَهُمْ فَسِقُونَ ﴿٨٥﴾

(۸۵) و [ای پیامبر، افزونی] اموال و فرزندان‌شان تو را شگفت‌زده نکند. به راستی جز این نیست که الله می‌خواهد به این [وسیله] آنان را در دنیا عذاب کند و در حالی که کافرند جان‌شان برآید.

وَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَأَوْلَادُهُمْ ۗ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ ﴿٨٥﴾

(۸۶) و هنگامی که سوره‌ای نازل شود [و امر می‌کند] که «به الله ایمان بیاورید و همراه پیامبرش جهاد کنید»، ثروتمندان‌شان [برای نرفتن به جهاد] از تو اجازه می‌خواهند و می‌گویند: «بگذار ما با خانه‌نشینان باشیم».

وَإِذَا أَنْزَلَتْ سُورَةٌ أَنْ آمَنُوا بِاللَّهِ وَجَاهِدُوا مَعَ رَسُولِهِ اسْتَأْذَنَكَ أُولُوا الطَّوْلِ مِنْهُمْ وَقَالُوا ذَرْنَا نَكُنْ مَعَ الْفَاعِلِينَ ﴿٨٦﴾

(۸۷) آنان راضی شدند که با خانه‌نشینان باشند و بر دل‌هایشان مُهر [نفاق] نهاده شده است؛ پس [خیر و صلاح خویش را] در نمی‌یابند.

رَضُوا بِأَنْ يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ وَطُبِعَ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ ﴿٨٧﴾

(۸۸) اما پیامبر و کسانی که با او ایمان آورده‌اند، با اموال و جان‌هایشان [در راه الله] جهاد کردند. آنانند که همه نیکی‌ها برایشان است و آنان همان رستگارانند.

لَكِنِ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ جَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَأُولَٰئِكَ لَهُمُ الْخَيْرَاتُ ۗ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿٨٨﴾

أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٨٩﴾

(۸۹) الله برایشان باغ‌هایی [از بهشت] مهیا کرده است که جویبارها از زیر [درختان] آن جاری است [و] جاودانه در آن می‌مانند. این [همان] رستگاری و [کامیابی] بزرگ است.

وَجَاءَ الْمُعَذِّرُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ لِيُؤْذَنَ لَهُمْ وَقَعَدَ الَّذِينَ كَذَبُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ سَيُصِيبُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٩٠﴾

(۹۰) و بهانه‌جویان [و عذرتراشان] بادیه‌نشین [نزد تو] آمدند تا به آنان اجازه [معافیت از رفتن به جهاد] داده شود و کسانی که [در ادعای ایمان خود] به الله و پیامبرش دروغ می‌گفتند [بدون هیچ عذر و اجازه‌ای، به جای جهاد،] خانه‌نشین شدند. به زودی به کسانی از آنان که کفر ورزیدند، عذابی دردناک خواهد رسید.

لَيْسَ عَلَى الضُّعَفَاءِ وَلَا عَلَى الْمَرْضَى وَلَا عَلَى الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ مَا يُنْفِقُونَ حَرَجٌ إِذَا نَصَحُوا لِلَّهِ وَرَسُولِهِ مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٩١﴾

(۹۱) بر ناتوانان [= زنان و کودکان] و بیماران و بر کسانی که چیزی نمی‌یابند [تا در راه جهاد] هزینه کنند - اگر برای الله و پیامبرش خیرخواهی کنند - گناهی نیست [که در جهاد شرکت نکنند]. بر نیکوکاران [شان نیز] هیچ راهی [برای سرزنش و مجازات] نیست؛ و الله آمرزندهٔ مهربان است.

وَلَا عَلَى الَّذِينَ إِذَا مَا أَتَوْكَ لِتَحْمِلَهُمْ قُلْتَ لَا أَجِدُ مَا أَحْمِلُكُمْ عَلَيْهِ تَوَلَّوْا وَأَعْيُنُهُمْ

(۹۲) و [همچنین] گناهی نیست بر کسانی که چون نزدت آمدند تا آنان را [برای رفتن به جهاد، بر چهارپایی] سوار کنی، [به آنان] گفتی: «چیزی پیدا نمی‌کنم که شما را بر آن

تَفِيضٌ مِّنَ الدَّمْعِ حَزَنًا أَلَّا يَجِدُوا مَا يُنْفِقُونَ ﴿٩٣﴾
 بنشانم». آنان بازگشتند در حالی که چشمانشان از این اندوه، اشکبار بود که چیزی نمی‌یابند تا [در راه جهاد] هزینه کنند.

﴿٩٣﴾ إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ وَهُمْ أَغْنِيَاءُ رَضُوا بِأَنْ يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ وَطَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٩٣﴾
 [سرزنش و مجازات] تنها بر کسانی [گشوده] است که با آنکه توانگرند [و امکان جهاد دارند]، از تو اجازه می‌خواهند [که در جهاد شرکت نکنند]. آنان به این رضایت داده‌اند که با خانه‌نشینان باشند و الله بر دل‌هایشان مهر [نفاق] زده است؛ پس [خیر و صلاح خویش را] در نمی‌یابند.

﴿٩٤﴾ وَتَمَّتْ لِقَاءُ رَبِّكُمُ الْيَوْمَ فَمَن يَمُوتْ يَدْرَأْهُ إِلَىٰ رَبِّهِ فَإِلَيْهِمْ يَرْجَعُونَ ﴿٩٤﴾
 (۹۴) وقتی [از غزوه تبوک] به سویشان بازگردید، برایتان عذر می‌آورند. [ای پیامبر]، بگو: «عذر نیاورید؛ ما هرگز [سخن] شما را باور نمی‌کنیم. در حقیقت، الله ما را از اخبار شما آگاه کرده است و به زودی الله و پیامبرش رفتارتان را خواهند دید [که آیا توبه می‌کنید یا بر نفاق می‌مانید]. آنگاه به سوی [الله] دانای پنهان و آشکار بازگردانده می‌شوید و او شما را از آنچه می‌کردید آگاه می‌کند».

﴿٩٥﴾ سَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَكُمْ إِذَا انْقَلَبْتُمْ إِلَيْهِمْ لِعُرْضُوا عَنْهُمْ فَأَعْرِضُوا عَنْهُمْ رِجْسٌ
 (۹۵) [ای مؤمنان، پس از جنگ] وقتی به سوی آنان [= منافقان] بازگردید، برایتان به الله سوگند یاد می‌کنند تا از [گناه] آنان چشم‌پوشی کنید. پس از آنان روی بگردانید؛

وَمَا وَلَهُمْ جَهَنَّمَ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٩٥﴾

[چرا که] بی‌تردید، آنان پلیدند و به [سزای] آنچه می‌کردند، جایگاهشان دوزخ است.

يَخْلِفُونَ لَكُمْ لِتَرْضَوْا عَنْهُمْ ﴿٩٦﴾

برایتان سوگند یاد می‌کنند تا از آنان راضی شوید. [حتی] اگر شما از آنان راضی شوید، الله هرگز از گروه نافرمان راضی نمی‌گردد.

الْأَعْرَابُ أَشَدُّ كُفْرًا وَنِفَاقًا وَأَجْدَرُ أَلَّا يَعْلَمُوا حُدُودَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٩٧﴾

(۹۷) کفر و نفاق اعراب [بادیه‌نشین، از دیگران] شدیدتر است و سزاوارترند که حدود آنچه را که الله بر پیامبرش نازل کرده است ندانند؛ و الله دانای حکیم است.

وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَن يَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ مَغْرَمًا وَيَتَرَبَّصُ بِكُمُ الدَّوَابِّ ۗ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ ۗ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٩٨﴾

(۹۸) و برخی از اعراب [بادیه‌نشین] هستند که آنچه را [در راه الله] هزینه می‌کنند، خسارتی [برای خود] می‌دانند و پیشامدهای بد را برایتان انتظار می‌کشند [تا از شما رهایی یابند]. پیشامد بد بر خودشان باد؛ و الله شنوای داناست.

وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَن يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ قُرْبَتٍ عِنْدَ اللَّهِ وَصَلَوَاتِ الرَّسُولِ ۗ أَلَا إِنَّهَا قُرْبَةٌ لَّهُمْ ۗ سَيُدْخِلُهُمُ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ ۗ إِنَّ

(۹۹) و برخی [دیگر] از اعراب [بادیه‌نشین] هستند که به الله و روز واپسین ایمان دارند و آنچه را که انفاق می‌کنند باعث نزدیکی به الله و [نتیجه] دعا‌های پیامبر [در حق خویش] می‌دانند. آگاه باشید! [این انفاق،] مایه نزدیکی آنهاست. الله [در قیامت] آنان را در جوار

اللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٩٩﴾

رحمتِ خویش درخواهد آورد. بی تردید، الله آمرزندهٔ مهربان است.

وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتَهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿١٠٠﴾

(۱۰۰) و پیشگامان نخستین - از مهاجران و انصار- و کسانی که به نیکی از آنان پیروی کردند، الله از آنان راضی گشت و آنان [نیز] از او راضی شدند؛ و باغ‌هایی [در بهشت] برایشان مهیا کرده است که جویبارها از زیر [درختان] آن جاری است؛ جاودانه در آن خواهند ماند. این همان [رستگاری و] کامیابی بزرگ است.

وَمِمَّنْ حَوْلَكُم مِّنَ الْأَعْرَابِ مُنَافِقُونَ وَمِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَرَدُوا عَلَى النِّفَاقِ لَا تَعْلَمُهُمْ نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ سَنُعَذِّبُهُمْ مَّرَّتَيْنِ ثُمَّ يَرُدُّونَ إِلَىٰ عَذَابٍ عَظِيمٍ ﴿١٠١﴾

(۱۰۱) و برخی از اعراب [بادیه‌نشین مدینه] که پیرامون شما هستند، [گروهی] منافقند و از اهل مدینه [نیز] گروهی به نفاق خو گرفته‌اند. [ای پیامبر،] تو آنان را نمی‌شناسی [ولی] ما آنان را می‌شناسیم. آنان را دو بار عذاب خواهیم کرد، سپس به سوی عذابی بزرگ [در قیامت] فرستاده می‌شوند.

وَعَاخِرُونَ اعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا وَعَاخَر سَيِّئًا عَسَىٰ اللَّهُ أَن يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٠٢﴾

(۱۰۲) و گروهی دیگر به گناهان خود [دربارهٔ فرار از جهاد] اعتراف کرده‌اند. [آنان] کار شایسته و ناشایست را به هم آمیخته‌اند. امید است که الله توبهٔ آنان را بپذیرد؛ [چرا که] بی تردید، الله آمرزندهٔ مهربان است.

خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ
وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ
صَلَوَاتَكَ سَكَنٌ لَّهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ
عَلِيمٌ ﴿۱۰۳﴾

(۱۰۳) از اموال آنان [= توبه‌کاران] صدقه [و
زکات] بگیر، تا به وسیله آن، آنان را [از گناه]
پاک گردانی و درجاتشان را بالا ببری؛ و
برایشان دعا کن [چرا که] یقیناً دعای تو
[رحمتی برایشان و] مایه آرامش برای آنان
است؛ و الله شنوای داناست.

أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ
التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ
الصَّدَقَاتِ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ
الرَّحِيمُ ﴿۱۰۴﴾

(۱۰۴) آیا نمی‌دانند الله است که توبه را از
بندگان می‌پذیرد و صدقات را می‌ستاند؛ و
بی‌تردید، الله است که توبه‌پذیرِ مهربان است.

وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ
عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ
وَسَتُرَدُّونَ إِلَىٰ عِلْمِ الْغَيْبِ
وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ
تَعْمَلُونَ ﴿۱۰۵﴾

(۱۰۵) و [ای پیامبر، به متخلفان از جهاد و
توبه‌کاران] بگو: «به عمل بکشید [و آنچه را
که از دست داده‌اید جبران کنید] که الله و
پیامبرش و مؤمنان، کارهای شما را خواهند
دید؛ و به زودی به سوی [الله] دانای پنهان و
آشکار بازگردانده می‌شوید، سپس او [در
قیامت] شما را از آنچه انجام می‌دادید آگاه
می‌سازد».

وَأَخْرُونَ مُرْجُونَ لِأَمْرِ اللَّهِ إِمَّا
يُعَذِّبُهُمْ وَإِمَّا يَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَاللَّهُ
عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿۱۰۶﴾

(۱۰۶) و گروهی دیگر [از متخلفانِ تبوک
هستند که سرنوشت آنان] به فرمان الله موکول
است: یا آنان را عذاب می‌کند و یا توبه‌شان را
می‌پذیرد؛ و الله دانای حکیم است.

(۱۰۷) و کسانی [از منافقان هستند] که به هدف زیان رساندن [به مسلمانان] و [تقویت] کفر و تفرقه‌افکنی میان مؤمنان، مسجدی ساختند [تا] کمینگاهی باشد برای کسانی که با الله و پیامبرش از پیش در جنگ بودند؛ و البته آنان سوگند یاد می‌کنند که قصدی جز نیکی [و خدمت] نداشته‌ایم؛ و [الی] الله گواهی می‌دهد که آنان قطعاً دروغگو هستند.

(۱۰۸) [ای پیامبر،] هرگز در آن مسجد [به نماز] نایست؛ [زیرا] شایسته‌تر است در مسجدی [به نماز] بایستی که از روز نخست، بر پایه پرهیزگاری بنا شده است. [آری، مسجد قُباست] که در آن، مردانی هستند که دوست دارند [از گناه و آلودگی] پاک و پاکیزه گردند؛ و الله پاکیزگان را دوست دارد.

(۱۰۹) آیا کسی که بنیان [کار] خویش را بر پایه پرهیزگاری و رضایت الله بنا نهاده بهتر است یا کسی که بنیان خویش را بر لبه پرتگاهی در شرف ریزش [و سقوط] بنا نهاده است و با آن در آتش دوزخ سرنگون می‌گردد؟ و الله گروه ستمکاران را [به سبب کفر و نفاقشان] هدایت نمی‌کند.

(۱۱۰) آن بنایی که آنان بنیان نهاده‌اند،

وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا
وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ
وَأَرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ
وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَلَيَحْلِفْنَ إِنْ
أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ يَشْهَدُ
إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿١٠٧﴾

لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا لَمَسْجِدٍ أُسِّسَ
عَلَى التَّقْوَىٰ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ
أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ
أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ
الْمُطَهَّرِينَ ﴿١٠٨﴾

أَفَمَنْ أُسِّسَ بُنْيَانُهُ عَلَى تَقْوَىٰ
مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ أَمْ مَنْ
أُسِّسَ بُنْيَانُهُ عَلَى شَفَا جُرْفٍ
هَارٍ فَانْتَهَرَ بِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ
وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ
الظَّالِمِينَ ﴿١٠٩﴾

لَا يَزَالُ بُنْيَانُهُمُ الَّذِي بَنَوْا رِيبَةً

بپیوسته در دل‌هایشان مایهٔ تردید [و نفاق] خواهد بود مگر آنکه دل‌هایشان پاره‌پاره شود [و بمیرند]؛ و الله دانای حکیم ﴿۱۱۰﴾

﴿۱۱۱﴾ بی‌تردید، الله از مؤمنان، جان‌ها و اموالشان را به [بهای] اینکه بهشت برای آنان باشد، خریده است؛ همان کسانی که در راه الله می‌جنگند و [کافران را] می‌کشند و [یا خود به دست آنها] کشته می‌شوند. [این پاداش،] به عنوان وعده‌ای راست و درست در تورات و انجیل و قرآن بر عهدهٔ اوست؛ و کیست که از الله به پیمان خویش وفادارتر است؟ پس [ای مؤمنان،] به معامله‌ای که با او کرده‌اید شادمان باشید؛ و این همان [رستگاری و] کامیابی بزرگ است.

﴿۱۱۲﴾ [کسانی که چنین پاداشی دارند، همان] توبه‌کنندگان، عبادت‌کنندگان، سپاسگزاران، روزه‌داران، رکوع‌کنندگان، سجده‌کنندگان، فرمان‌دهندگان به کارهای پسندیده و بازدارندگان از کارهای ناپسند و پاسداران حدود [و احکام] الهی هستند؛ و آن مؤمنان را [که چنین هستند، به بهشت] بشارت بده.

﴿۱۱۳﴾ برای پیامبر و کسانی که ایمان آوردند

فِي قُلُوبِهِمْ إِلَّا أَنْ تَقَطَّعَ قُلُوبُهُمْ
وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿۱۱۰﴾

وَإِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ
أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ
يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ
وَيُقْتَلُونَ وَعَدَّا عَلَيْهِ حَقًّا فِي
التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ
أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا
بِيعْتِكُمْ الَّتِي بَايَعْتُمْ بِهِ
وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿۱۱۱﴾

التَّائِبُونَ الْعَبِدُونَ الْحَمِيدُونَ
الرَّكَعُونَ
السَّجِدُونَ الْأَمْرُونَ بِالْمَعْرُوفِ
وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ
وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ
الْمُؤْمِنِينَ ﴿۱۱۲﴾

مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَنْ

يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوا
أُولَىٰ قُرْبَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ
أَنَّهُمْ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ ﴿١١٣﴾

سزاوار نیست که برای مشرکان - پس از اینکه
برایشان آشکار شد که آنان اهل دوزخند -
آمزش بخواهند؛ هر چند از نزدیکان [شان]
باشند.

وَمَا كَانَ اسْتِغْفَارُ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ
إِلَّا عَنْ مَوْعِدَةٍ وَعَدَهَا إِيَّاهُ فَلَمَّا
تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ
إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَأَوَّاهٌ حَلِيمٌ ﴿١١٤﴾

(۱۱۴) آمزش خواهی ابراهیم برای پدرش
[آزر]، جز به خاطر وعده‌ای که به او داده بود
صورت نگرفت؛ اما وقتی برایش آشکار شد که
وی دشمن الله است، از او بیزارى جست [و
برایش دعا نکرد]. به راستی که ابراهیم، بسی
نیاشگر و بردبار بود.

وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْمًا بَعْدَ إِذْ
هَدَاهُمْ حَتَّىٰ يُبَيِّنَ لَهُمْ مَا يَتَّقُونَ
إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿١١٥﴾

(۱۱۵) و الله هرگز بر آن نیست که گروهی را
پس از آنکه هدایتشان کرده است گمراه
بگذارد؛ مگر آنکه چیزی را که باید [از آن]
پرهیز کنند برایشان روشن کرده باشد [و آنان
به آن عمل نکرده باشند]. بی تردید، الله به هر
چیزی داناست.

إِنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضِ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَمَا
لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا
نَصِيرٍ ﴿١١٦﴾

(۱۱۶) در حقیقت، فرمانروایی آسمان‌ها و
زمین از آن الله است. [اوست که] زنده می‌کند
و می‌میراند؛ و شما به جز الله هیچ کارساز و
یاوری ندارید.

لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ
وَالْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ الَّذِينَ

(۱۱۷) بی‌گمان، الله بر پیامبر و مهاجران و
انصار که در هنگام دشواری [غزوه تبوک] از او

پیروی کردند رحمت آورد؛ بعد از آنکه نزدیک بود دل‌های گروهی از آنان بلغزد [و به سبب سختی‌های فراوان، جهاد را ترک کنند] سپس [باز هم] توبهٔ آنان را پذیرفت. بی‌تردید، او تعالی [نسبت] به آنان دلسوز [و] مهربان است.

(۱۱۸) و [همچنین توبه] آن سه نفری [را] قبول کرد [که امرشان به تأخیر انداخته شد؛ آنگاه که [مسلمانان از آنان بریدند و] زمین با همهٔ فراخی‌اش بر آنان تنگ شد و از خود [نیز] به تنگ آمدند و دانستند که از الله، جز به سوی خود او پناهگاهی نیست؛ پس [الله با بخشایش خویش] به آنان بازگشت تا توبه کنند [و از آنان درگذشت]. یقیناً الله است که توبه‌پذیر مهربان است.

(۱۱۹) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از الله پروا کنید و با راستگویان باشید.

(۱۲۰) سزاوار نیست که اهل مدینه و اعراب [بادیه‌نشین] پیرامونِ آنان، از [همراهی با] رسول الله بازمانند و حفظ جان خویش را بر او مقدم شمارند؛ زیرا در راه الله هیچ تشنگی و رنج و گرسنگی‌ای به آنان نمی‌رسد و در هیچ مکانی که کافران را به خشم می‌آورد قدم نمی‌گذارند و به دشمن هیچ [گزند و]

اتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ الْعُسْرَةِ مِنْ بَعْدِ مَا كَادَ يَزِيغُ فُلُوبَ فَرِيقٍ مِّنْهُمْ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ إِنَّهُ رَعُوفٌ رَّحِيمٌ ﴿١١٧﴾

وَعَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خُلِفُوا حَتَّىٰ إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحَبَتْ وَضَاقَتْ عَلَيْهِمُ أَنْفُسُهُمْ وَظَنُّوا أَنْ لَا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿١١٨﴾

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ ﴿١١٩﴾

مَا كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَمَنْ حَوْلَهُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ أَنْ يَتَخَلَّفُوا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ وَلَا يَرْغَبُوا بِأَنْفُسِهِمْ عَنْ نَفْسِهِ ۗ ذَٰلِكُمْ بِأَنَّهُمْ لَا يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ وَلَا نَصَبٌ وَلَا مَخْمَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

دستبردی نمی‌رسانند، مگر اینکه به [پاداش] آن، کاری شایسته برای آنان [در نامه‌های اعمالشان] ثبت می‌شود. به راستی که الله پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌گرداند.

وَلَا يَطْغُونَ مَوْطِئًا يَغِيظُ الْكُفَّارَ وَلَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوِّ نِيْلًا إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ﴿١٢٠﴾

(۱۲۱) و هیچ مال کوچک یا بزرگی را [در راه الله] انفاق نمی‌کنند و [در راه جهاد] از هیچ سرزمینی نمی‌گذرند مگر اینکه [پاداش آن] برایشان ثبت می‌شود تا الله بر اساس نیکوترین طاعت و [کردارشان به آنان پاداش دهد.

وَلَا يُنْفِقُونَ نَفَقَةً صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً وَلَا يَقْطَعُونَ وَادِيًا إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٢١﴾

(۱۲۲) و سزاوار نیست که مؤمنان همگی رهسپار [جهاد] شوند. پس چرا از هر گروهی از آنان، عده‌ای رهسپار نمی‌شوند [و عده‌ای نیز همراه پیامبر نمی‌مانند] تا [به سبب آنچه از او فرامی‌گیرند] در دین آگاهی بیابند و قوم خود را - وقتی به سویشان بازگشتند- بیم دهند؟ باشد که آنان [از کیفر الهی بترسند و] پرهیزند.

وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَآفَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ ﴿١٢٢﴾

(۱۲۳) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، با کافرانی که نزدیک [محل زندگی] شما هستند بجنگید [تا خطرشان را دفع نمایید]؛ و آنان باید در شما شدت و خشونت بیابند؛ و بدانید که الله با پرهیزگاران است.

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قَتَلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلِيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ ﴿١٢٣﴾

وَإِذَا مَا أَنْزَلَتْ سُورَةً فَمِنْهُمْ مَن يَقُولُ أَيْكُمُ زَادَتْهُ هَذِهِ إِيمَانًا فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا فزَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَهُمْ يَسْتَبْشِرُونَ ﴿١٢٤﴾

(۱۲۴) و هنگامی که سوره‌ای نازل می‌گردد، بعضی از آنان [به دیگران] می‌گویند: «این [سوره]، به ایمان کدامیک از شما افزود؟». اما کسانی که ایمان آورده‌اند، بر ایمانشان می‌افزاید و [به آن] شادمان می‌گردند.

وَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ فَزَادَتْهُمْ رِجْسًا إِلَىٰ رِجْسِهِمْ وَمَاتُوا وَهُمْ كَافِرُونَ ﴿١٢٥﴾

(۱۲۵) و اما کسانی که در دل‌هایشان بیماری [شک و نفاق] است، پلیدی‌ای بر پلیدی‌شان می‌افزاید و در حالی که کافرند می‌میرند.

أَوَلَا يَرَوْنَ أَنَّهُمْ يُفْتَنُونَ فِي كُلِّ عَامٍ مَّرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ لَا يَتُوبُونَ وَلَا هُمْ يَذَّكَّرُونَ ﴿١٢٦﴾

(۱۲۶) آیا آنان نمی‌بینند که هر سال، یک یا دو بار آزمایش می‌شوند؟ اما نه توبه می‌کنند و نه پند می‌پذیرند.

وَإِذَا مَا أَنْزَلَتْ سُورَةً نَّظَرَ بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ هَلْ يَرَىٰكُمْ مِّنْ أَحَدٍ ثُمَّ أَنْصَرَفُوا صَرَفَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ ﴿١٢٧﴾

(۱۲۷) و هنگامی که سوره‌ای نازل می‌شود [که احوال منافقان را بیان نموده است]، بعضی از آنان به بعضی دیگر نگاه می‌کنند [و می‌گویند]: «آیا کسی شما را می‌بیند؟» سپس [مخفیانه از مجلس پیامبر] بازمی‌گردند. الله دل‌هایشان را [از خیر و هدایت] بازگردانده است؛ زیرا آنان گروهی هستند که نمی‌فهمند.

لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ

(۱۲۸) یقیناً پیامبری از [میان] خود شما به سویتان آمد که رنج‌دیدنتان بر او [گران و] دشوار است و بر [هدایت] شما سخت‌اصرار

رَعُوفٌ رَّحِيمٌ ﴿۱۲۸﴾

دارد و [نسبت] به مؤمنان، دلسوز [و] مهربان است.

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ﴿۱۲۹﴾

(۱۲۹) پس [ای پیامبر،] اگر [مشرکان و منافقان از حق] رویگردان شدند، بگو: «الله برای من کافی است. هیچ معبودی [به حق] جز او نیست؛ تنها بر او توکل کردم و او پروردگارِ عرش بزرگ است».

سُورَةُ يُوسُفَ

سورة یونس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

الرَّ تِلْكَ ءَايَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ ﴿١﴾

(۱) الر [= الف. لام. را]. این آیات کتاب پر حکمت است.

أَكَانَ لِلنَّاسِ عَجَبًا أَنْ أَوْحَيْنَا إِلَى رَجُلٍ مِّنْهُمْ أَنْ أَنذِرِ النَّاسَ وَبَشِّرِ الَّذِينَ ءَامَنُوا أَنَّ لَهُمْ قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ ۗ قَالَ الْكٰفِرُونَ إِنَّ هَذَا لَسَجْرٌ مُّبِينٌ ﴿٢﴾

(۲) آیا برای مردم موجب شگفتی است که به مردی از خودشان وحی کرده ایم که: «به مردم [درباره عذاب آخرت] هشدار بده و به کسانی که ایمان آورده اند بشارت بده که برای آنان نزد پروردگارشان پاداشی نیکوست؟» کافران گفتند: «این [مرد] قطعاً جادوگری آشکار است».

إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اُسْتَوٰى عَلَى الْعَرْشِ ۗ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ ۗ مَا مِنْ شَفِيعٍ إِلَّا مِنْ بَعْدِ ۗ اِذْنِهٖ ۗ ذٰلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمُ فَاعْبُدُوْهُ ۗ اَفَلَا تَدَّكَّرُوْنَ ﴿٣﴾

(۳) بی گمان، پروردگار شما الله است که آسمان ها و زمین را در شش روز آفرید؛ سپس [آن گونه که شایسته جلال و مقام اوست] بر عرش قرار گرفت. او کار [جهان] را تدبیر می کند [و در روز قیامت] هیچ شفاعتگری نیست مگر پس از اجازه او. این الله است، پروردگارتان؛ پس او را عبادت کنید. آیا پند نمی گیرید؟

إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا ۖ وَعَدَّ اللَّهُ

(۴) بازگشت همه شما به سوی اوست. وعده

حَقًّا إِنَّهُ يَبْدُوا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ بِالْقِسْطِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِّنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ ﴿٤١﴾

الله [در مورد قیامت] حق است. اوست که آفرینش را آغاز می کند، آنگاه [پس از مرگ] آن را بازمی گرداند تا کسانی را که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند، به عدالت پاداش دهد؛ و کسانی که کفر ورزیدند - به سزای آنکه کافر بودند - شربتی از آب جوشان و عذابی دردناک [در پیش] دارند.

هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسُ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ مَا خَلَقَ اللَّهُ ذَلِكَ إِلَّا بِالْحَقِّ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿٤٢﴾

(۵) اوست که خورشید را درخشان نمود و ماه را تابان کرد و جایگاهها [ی مشخصی] برایش قرار داد تا [با تغییر وضع ماه] شمارش سالها و حساب [زندگی خود] را بدانید. الله اینها را جز به حق نیافریده است. او نشانه های خود [را برای گروهی که می دانند، به تفصیل بیان می کند.

إِنَّ فِي اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَّقُونَ ﴿٤٣﴾

(۶) بی گمان، در آمد و شد شب و روز و آنچه الله در آسمانها و زمین آفریده است برای کسانی که پروا می کنند، نشانه های قدرت الهی [است.

إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنَّنُوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ ءَايَاتِنَا غَافِلُونَ ﴿٤٤﴾

(۷) کسانی که به دیدار ما امید [و باور] ندارند و به زندگانی دنیا راضی شدند و به آن دل بسته اند و کسانی که از آیات ما غافلند،

أُولَئِكَ مَاؤُنْهُمُ النَّارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٨﴾
 اینان به سزای آنچه انجام می دادند، جایگاهشان آتش [دوزخ] است.

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ فِي جَنَّاتِ التَّعِيمِ ﴿٩﴾
 (۹) بی تردید، کسانی که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند، پروردگارشان آنان را به پاس ایمانشان، به باغ های [بهشت پر] نعمت هدایت می کند که جویبارها از زیر [قصرهای] آن جاری است.

دَعَوْنَهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَتَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ وَعَآخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٠﴾
 (۱۰) دعایشان در آنجا [این است: «الهی، تو پاک و منزهی» و درودشان [در آنجا] «سلام» است و پایان دعایشان این است که: «حمد و سپاس، مخصوص الله - پروردگار جهانیان - است».

وَلَوْ يُعَجِّلُ اللَّهُ لِلنَّاسِ الشَّرَّ أَكْثَرَ مِمَّا يُعَجِّلُ الْخَيْرَ لَغَضِبَ اللَّهُ بِهِمْ أَجَلُهُمْ فَئِذْ ذُرُّوا الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴿١١﴾
 (۱۱) و اگر الله [نفرین و دعای] شر را با همان شتاب برای مردم اجابت می نمود، قطعاً آجلشان فرا رسیده بود. اما کسانی را که به دیدار ما امید [و باور] ندارند، وامی گذاریم تا در [گمراهی و] سرکشی شان سرگردان بمانند.

وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ الضُّرُّ دَعَانَا لِجَنبِهِ أَوْ قَاعِدًا أَوْ قَائِمًا فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ ضُرَّهُ مَرَّ كَأَن لَّمْ يَدْعُنَا إِلَىٰ ضُرِّ مَسَّهُ كَذَلِكَ

رُسُوفَ لِلْمُسْرِفِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۱۲﴾
 رسیده بود نخوانده است. به همین صورت،
 برای اسرافکاران [نیز] آنچه می‌کردند [در
 نظرشان] آراسته شده است.

وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ مِنَ قَبْلِكُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ وَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا كَذَلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ ﴿۱۳﴾
 (۱۳) و [ای مشرکان،] بی‌تردید، ما امت‌های
 پیش از شما را هنگامی که ظلم کردند هلاک
 کردیم، در حالی که پیامبرانشان با دلایل
 روشن به سویشان آمدند و [ای] آنان بر آن
 نبودند که ایمان بیاورند. ما گروه مجرمان را
 این گونه کیفر می‌دهیم.

ثُمَّ جَعَلْنَاكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ مِنْ بَعْدِهِمْ لِنَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ ﴿۱۴﴾
 (۱۴) سپس بعد از [نابودی] آنان، شما [مردم]
 را جانشینان آنها [در] زمین قرار دادیم تا
 بنگریم که چگونه رفتار می‌کنید.

وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا أَتَيْتَ بِقُرْآنٍ غَيْرِ هَذَا أَوْ بَدَّلَهُ قُلْ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أُبَدِّلَهُ مِنْ تِلْقَائِ نَفْسِي ۚ إِنِّي أَخَافُ إِلَّا مَا يُوْحَىٰ إِلَيَّ ۚ إِنِّي أَخَافُ أَنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿۱۵﴾
 (۱۵) و هنگامی که آیات روشن ما بر آنان
 خوانده می‌شود، کسانی که به دیدار ما [در
 قیامت] امید ندارند می‌گویند: «[ای محمد،]
 قرآنی غیر از این بیاور [که مطابق میل ما باشد]
 یا آن را تغییر ده». [تو ای پیامبر، به آنان] بگو:
 «من حق ندارم که آن را از پیش خود تغییر
 دهم و پیروی نمی‌کنم مگر از چیزی که بر من
 وحی می‌شود و اگر از پروردگارم نافرمانی کنم،
 از عذاب روز بزرگ می‌ترسم».

قُلْ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا تَلَوْتُهُ ۗ

(۱۶) بگو: «اگر الله می‌خواست، نه من آن را بر

عَلَيْكُمْ وَلَا أَدْرِيكُمْ بِهِ فَقَدْ لَيْثٌ فِيكُمْ عُمْرًا مِّن قَبْلِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿١٦﴾

شما می خواندم و نه او [= الله] شما را از آن آگاه می کرد. به راستی که پیش از این [دعوت،] عمری را در میان شما گذرانده ام. آیا نمی اندیشید؟»

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْمُجْرِمُونَ ﴿١٧﴾

(۱۷) پس کیست ستمکارتر از آن کس که بر الله دروغ بندد یا آیاتش را تکذیب کند؟ بی گمان، مجرمان رستگار نخواهند شد.

وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شَفَعَتُونَا عِنْدَ اللَّهِ قُلْ أَنتَبِئُونَ اللَّهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ سُبْحٰنَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿١٨﴾

(۱۸) و [مشرکان] به جای الله چیزهایی را عبادت می کنند که نه به آنان زیانی می رساند و نه سودی به آنان می بخشد و می گویند: «اینها، [واسطه ها و] شفاعتگران ما نزد الله هستند». [ای پیامبر،] بگو: «آیا [به گمان خود،] الله را از چیزی [= شریکی] آگاه می سازید که در آسمان ها و زمین [برایش قائلید و خود] نمی دانند؟» او تعالی منزّه است و از چیزهایی که با وی شریک می سازند، برتر است.

وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَأَخْتَلَفُوا وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ لَفُضِيَ بَيْنَهُمْ فِيمَا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿١٩﴾

(۱۹) [در آغاز،] مردم جز امتی واحد [که الله را به یگانگی عبادت می کردند] نبودند، سپس اختلاف کردند؛ و اگر پیشتر [در مورد مهلت به گناهکاران و حسابرسی در قیامت] سخنی از جانب پروردگارت بیان نشده بود، یقیناً [در همین دنیا] درباره آنچه با هم اختلاف می کنند، میانشان داوری می شد.

(۲۰) و [مشرکان] می گویند: «چرا [معجزه و] نشانه‌ای از [جانب] پروردگارش بر او نازل نشده است؟». [ای پیامبر،] بگو: «[آگاهی از] غیب، تنها از آن الله است؛ پس انتظار بکشید که من [نیز] با شما از منتظرانم».

وَإِذَا أَذَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً مِنْ بَعْدِ ضَرَاءٍ مَسَّتْهُمْ إِذَا لَهُمْ مَكْرٌ فِي آيَاتِنَا قُلِ اللَّهُ أَسْرَعُ مَكْرًا إِنَّ رُسُلَنَا يَكْتُوبُونَ مَا تَمْكُرُونَ ﴿۲۱﴾

(۲۱) و هنگامی که به مردم - پس از [زیان و] رنجی که به آنان رسیده است - [نعمت و] رحمتی بچشانیم، به ناگاه در آیات ما [تمسخر و] نیرنگ می کنند. بگو: «الله در نیرنگ زدن سریع تر است». بی تردید، فرستادگان [= فرشتگان] ما هر چه را نیرنگ می کنید، می نویسند.

هُوَ الَّذِي يُسَيِّرُكُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ حَتَّىٰ إِذَا كُنْتُمْ فِي الْفُلِكِ وَجَرَيْنَ بِهِمْ بِرِيحٍ طَيِّبَةٍ وَفَرِحُوا بِهَا جَاءَتْهَا رِيحٌ عَاصِفٌ وَجَاءَهُمُ الْمَوْجُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَظَنُوا أَنَّهُمْ أُحِيطَ بِهِمْ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ لَئِنِ أَنْجَيْتَنَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ ﴿۲۲﴾

(۲۲) [ای مردم،] او همان ذاتی است که شما را در خشکی و دریا به حرکت درمی آورد تا آنگاه که در [دریا بر] کشتی قرار می گیرید و [کشتی‌ها] با بادی دلپذیر آنان را [به سوی مقصد] حرکت می دهند و [سرنشینان] به آن شادمان می شوند. [ناگهان] طوفان شدیدی می وزد و موج از هر طرف [به سویشان] می آید و گمان می کنند که راه گریزی ندارند [و] هلاک خواهند شد؛ آنگاه [الله را از روی اخلاص می خوانند که: «اگر ما را از این گرفتاری] نجات دهی، قطعاً از سپاسگزاران خواهیم شد».

(۲۳) اما وقتی [الله] آنان را نجات می‌دهد، به ناحق در زمین سرکشی [و ستم] می‌کنند. ای مردم، سرکشی [و ستم] شما تنها به زیان خودتان است؛ [چرا که فقط] بهره [ی ناچیزی از] زندگی دنیا [می‌برید و] سپس بازگشتان به سوی ما خواهد بود؛ آنگاه شما را از آنچه [در دنیا] انجام می‌دادید، باخبر می‌سازیم.

فَلَمَّا أَجَلْتَهُمْ إِذَا هُمْ يَبْعُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ يَأْتِيهَا النَّاسُ إِنَّمَا بَعِيكُم عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ مَتَّعَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُكُمْ فَنُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٢٣﴾

(۲۴) جز این نیست که مثال زندگی دنیا همچون آبی است که از آسمان فروریختیم؛ پس گیاهان [گوناگون] زمین - از آنچه مردم و دام‌ها می‌خورند - با آن درآمیخت [و روید] تا آنگاه که زمین پیرایه خود را [با گل‌ها و گیاهان] برگرفت و آراسته شد و ساکنانش پنداشتند که آنان بر آن توانایی دارند [تا از محصولاتش بهره‌مند گردند؛ ولی ناگهان] شبی یا روزی، فرمان [ویرانی] ما آمد و آن [کشت و میوه] را چنان درو کردیم که گویی دیروز هیچ نبوده است. ما نشانه‌ها [ی خود] را برای مردمی که می‌اندیشند، اینچنین به روشنی بیان می‌کنیم.

إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَالْأَنْعَامُ حَتَّىٰ إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّيَّنَتْ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَتَاهَا أَمْرُنَا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَن لَّمْ تَغْنَ بِالْأَمْسِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٢٤﴾

(۲۵) و الله [شما را] به سرای سلامت [= بهشت] فرامی‌خواند و هر کس را بخواهد به راه راست هدایت می‌کند.

وَاللَّهُ يَدْعُوا إِلَىٰ دَارِ السَّلَامِ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٢٥﴾

﴿۲۶﴾ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ ۖ وَلَا يَرْهَقُ وُجُوهَهُمْ قَتَرٌ وَلَا ذِلَّةٌ ۗ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ ۖ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿۲۶﴾

(۲۶) برای کسانی که نیکی کرده‌اند، پاداش نیک [= بهشت] است و افزون بر آن، [رؤیت باری تعالی است؛] و تیرگی و خواری، چهره‌هایشان را نخواهد پوشاند. اینان اهل بهشتند [و] جاودانه در آن خواهند ماند.

﴿۲۷﴾ وَالَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ يَمْشِيهَا وَتَرَهُمْ ذِلَّةٌ ۖ مَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ ۖ كَأَنَّمَا أُغْشِيَتْ وُجُوهُهُمْ قِطْعًا مِّنَ اللَّيْلِ مُظْلِمًا ۗ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ ۖ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿۲۷﴾

(۲۷) و کسانی که مرتکب بدی‌ها شدند، [بدانند] سزای [هر] بدی، همانند آن است؛ و خواری [چهره‌های] آنان را می‌پوشاند و در برابر [عذاب] الله هیچ [مانع و] محافظی ندارند. [چنان می‌شوند که] گویی چهره‌هایشان با پاره‌ای از شب تاریک پوشانده شده است. اینان اهل آتشند و جاودانه در آن خواهند ماند.

﴿۲۸﴾ وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ۖ ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا مَكَانَكُمْ أَنْتُمْ وَشُرَكَاءُكُمْ ۖ فَزَيَّلْنَا بَيْنَهُمْ ۖ وَقَالَ شُرَكَاءُهُمْ مَا كُنْتُمْ إِلَّا نَا تَعْبُدُونَ ﴿۲۸﴾

(۲۸) [و ای پیامبر، یاد کن از] روزی که همه آنان را گرد می‌آوریم؛ آنگاه به کسانی که شرک ورزیده‌اند می‌گوییم: «شما و شریکانتان [= معبودانتان] بر جای خود بمانید»؛ سپس میان آنها جدایی می‌افکنیم و شریکانشان می‌گویند: «در حقیقت، شما ما را عبادت نمی‌کردید،

﴿۲۹﴾ فَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا ۖ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ ۖ إِنْ كُنَّا عَنْ عِبَادَتِكُمْ لَغَافِلِينَ ﴿۲۹﴾

(۲۹) و کافی است که الله میان ما و شما گواهی دهد [که ما به شرک‌ورزی شما راضی نبودیم و] از عبادت شما کاملاً بی‌خبر بودیم».

هُنَالِكَ تَبْلُغُوا كُلَّ نَفْسٍ مَّا
 أَسْلَفْتُمْ وَرُدُّوْا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمْ
 الْحَقُّ وَصَلَّ عَنْهُمْ مَّا كَانُوا
 يَفْتَرُونَ ﴿۳۰﴾

(۳۰) آنجاست که هر کسی آنچه را از پیش فرستاده است [بررسی کرده و] می‌آزماید و همگی به سوی الله - کارساز حقیقی‌شان - بازگردانده می‌شوند و دروغ‌هایی که [درباره شفاعت معبودها] می‌بافتند همه محو و نابود می‌گردد.

قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِّنَ السَّمَاءِ
 وَالْأَرْضِ أَمَّنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ
 وَالْأَبْصَرَ وَمَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ
 الْمَمِيَّتِ وَيُخْرِجُ الْمَمِيَّتَ مِنَ الْحَيِّ
 وَمَنْ يَدْبِرِ الْأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ
 فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿۳۱﴾

(۳۱) [ای پیامبر، به مشرکان] بگو: «کیست که از آسمان و زمین به شما روزی می‌بخشد؟ یا کیست که بر گوش‌ها و دیدگان حاکم است؟ و کیست که [موجود] زنده را از [ماده] بی‌جان بیرون می‌آورد و [ماده] بی‌جان مرده را از [موجود] زنده خارج می‌سازد؟ و کیست که کار [جهان و جهانیان] را تدبیر می‌کند؟» خواهند گفت: «الله». پس بگو: «آیا پروا نمی‌کنید؟»

فَذَالِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمُ الْحَقُّ
 فَمَاذَا بَعَدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ فَأَنَّى
 تُصِرُّونَ ﴿۳۲﴾

(۳۲) پس آن الله [یکتا]، پروردگار حقیقی شماست و بعد از حقیقت، جز گمراهی چیست؟ پس چگونه [از حق] بازگردانده می‌شوید؟

كَذَلِكَ حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى
 الَّذِينَ فَسَقُوا أَنَّهُمْ لَا
 يُؤْمِنُونَ ﴿۳۳﴾

(۳۳) این گونه سخن پروردگارت درباره کسانی که [از فرمان او] نافرمانی کردند به حقیقت پیوست که «آنان ایمان نمی‌آورند».

قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَبْدُوا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ قُلِ اللَّهُ يَبْدُوا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ ﴿٣٤﴾

(۳۴) [ای پیامبر، به مشرکان] بگو: «آیا از شریکان [=معبودان] تان کسی هست که آفرینش را آغاز کند و سپس آن را [پس از مرگ] بازگرداند؟» بگو: «الله است که آفرینش را آغاز می کند سپس آن را بازمی گرداند؛ پس به کجا منحرف می شوید؟»

قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ قُلِ اللَّهُ يَهْدِي لِلْحَقِّ أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدِيَ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ﴿٣٥﴾

(۳۵) بگو: «آیا از معبودانتان کسی هست که به سوی حق رهبری کند؟» بگو: «[تنها] الله است که به سوی حق رهبری می کند؛ پس آیا کسی که به سوی حق رهبری می کند سزاوارتر است پیروی شود یا کسی که خود راه نمی یابد مگر آنکه هدایتش کند؟ پس شما را چه شده است؟ چگونه داوری می کنید؟»

وَمَا يَتَّبِعُ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ ﴿٣٦﴾

(۳۶) و بیشتر آنان جز از گمان پیروی نمی کنند؛ [در حالی که] گمان هرگز [انسان را] از [شناخت] حق بی نیاز نمی گرداند. بی تردید، الله به آنچه می کنند داناست.

وَمَا كَانَ هَذَا الْقُرْآنُ أَنْ يُفْتَرَى مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ نَصَدِيقَ الْأَيْدِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٣٧﴾

(۳۷) و نشاید که این قرآن از جانب غیر الله [و] به دروغ ساخته شده باشد؛ بلکه تصدیق کننده کتاب هایی است که پیش از آن آمده است و شرح [احکام] آنهاست و تردیدی در آن نیست [و] از [جانب] پروردگار جهانیان [نازل شده] است.

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ وَادْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٣٨﴾

(۳۸) یا می‌گویید: «[محمد] آن [سخنان] را به دروغ [به الله] نسبت داده است؟» بگو: «اگر راست می‌گوئید، یک سوره همانند آن بیاورید و به جز الله، هر کس را می‌توانید [به یاری] بخوانید».

بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعَلَمِهِ ۖ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ ۚ كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ ۖ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ ﴿٣٩﴾

(۳۹) [چنین نیست] بلکه چیزی را تکذیب کردند که به شناختش احاطه نداشتند و هنوز واقعیت آن [و حقیقت اخبارش] برایشان روشن نشده است. کسانی که پیش از آنان بودند نیز [پیامبران و آیات الله را] همین گونه تکذیب کردند. پس [ای پیامبر]، بنگر که عاقبت ستمکاران چگونه بود.

وَمِنْهُمْ مَّنْ يُؤْمِنُ بِهِ ۖ وَمِنْهُمْ مَّنْ لَا يُؤْمِنُ بِهِ ۗ وَرَبُّكَ أَعْلَمُ بِالْمُفْسِدِينَ ﴿٤٠﴾

(۴۰) و از میان آنان [= مشرکان] کسی هست که به آن [= قرآن] ایمان می‌آورد و از آنان کسی هست که [هرگز] به آن ایمان نمی‌آورد؛ و پروردگارت به [حال] مفسدان آگاه‌تر است.

وَإِن كَذَّبُوكَ فَقُلْ لِي عَمَلٍ ۖ وَلَكُمْ عَمَلُكُمْ ۗ أَنتُمْ بَرِيءُونَ مِمَّا أَعْمَلُ وَأَنَا بَرِيءٌ مِّمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٤١﴾

(۴۱) و اگر [کافران] تو را دروغگو انگاشتند، پس بگو: «[نتیجه] عمل من برای خودم و [سزای] عمل شما برای خودتان است. شما از آنچه من می‌کنم بیزارید و من [نیز] از آنچه [شما] می‌کنید بیزارم».

وَمِنْهُمْ مَّنْ يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ ۖ

(۴۲) و برخی از آنها [در ظاهر] به تو گوش

أَفَأَنْتَ تَسْمِعُ الصَّمَّ وَلَوْ كَانُوا لَا يَعْقِلُونَ ﴿٤٢﴾
 فرامی دهند؛ اما مگر تو می توانی ناشنویان را [که از شنیدن کلام حق عاجزند] شنوا کنی، هر چند خردورزی نکنند؟

وَمِنْهُمْ مَّنْ يَنْظُرُ إِلَيْكَ أَفَأَنْتَ تَهْدِي الْعُمْىَ وَلَوْ كَانُوا لَا يُبْصِرُونَ ﴿٤٣﴾
 (۴۳) و از میان آنان کسانی هستند که [با چشم ظاهری] تو را می نگرند؛ اما آیا تو می توانی نابینایان را هدایت کنی، هر چند که اهل بصیرت نباشند؟

إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَلَٰكِنَّ النَّاسَ أَنفُسُهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿٤٤﴾
 (۴۴) یقیناً الله هیچ ستمی به مردم نمی کند؛ ولی مردم [هستند که با شرک و نافرمانی] به خویشان ستم می کنند.

وَيَوْمَ يُحْشَرُهُمْ كَأَن لَّمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّنَ النَّهَارِ يَتَعَارَفُونَ بَيْنَهُمْ قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ ﴿٤٥﴾
 (۴۵) و روزی که [الله] آنان را [در پیشگاه خویش] گرد می آورد، [چنان احساس می کنند که] گویی جز ساعتی از روز [در دنیا] درنگ نکرده اند [و در آنجا] یکدیگر را می شناسند. بی تردید، کسانی که دیدار الله را دروغ می انگاشتند، زبان دیدند و هدایت نیافتند.

وَأَمَّا نُرِّيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتُوفِيَنَّكَ فِإِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ اللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ ﴿٤٦﴾
 (۴۶) و [ای پیامبر]، اگر بخشی از آنچه [از عذاب] را که به آنان وعده داده ایم به تو نشان دهیم یا جان تو را [پیش از عذاب آنان] بگیریم، [در هر حال] بازگشتشان به سوی ماست؛ آنگاه الله بر آنچه می کنند گواه است.

وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولٌ فَإِذَا جَاءَ

رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ
وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿۴۷﴾

پیامبرشان آمد [برخی مؤمن و برخی کافر شدند؛ و روز قیامت] میان آنان به عدالت داوری می‌شود و [هرگز] به آنان ستم نخواهد شد.

وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿۴۸﴾

(۴۸) [مشرکان به پیامبر] می‌گویند: «اگر [تو و پیروانت] راست می‌گویید، این وعده [عذاب] چه زمانی خواهد بود؟»

قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي ضَرًّا وَلَا نَفْعًا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ إِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ فَلَا يَسْتَعْجِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ ﴿۴۹﴾

(۴۹) بگو: «من مالک هیچ زیان و سودی برای خویش نیستم، مگر آنچه الله بخواهد. هر امتی، آجلی دارد و آنگاه که اجلشان به سر آید، نه ساعتی [از آن] تأخیر می‌کنند و نه پیشی می‌گیرند.»

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَنْكَمْتُ عَذَابُهُمْ بَيِّنًا أَوْ نَهَارًا مَاذَا يَسْتَعْجِلُ مِنْهُ الْمُجْرِمُونَ ﴿۵۰﴾

(۵۰) [ای پیامبر، به کافران] بگو: «به من بگوئید اگر عذاب او تعالی شبانه یا در [وقت] روز بر شما نازل گردد، [چه می‌کنید و] گناهکاران چه چیزی را از آن [عذاب] به شتاب می‌خواهند؟»

أَنْتُمْ إِذَا مَا وَقَعَ ءَأْمَنْتُمْ بِهِ ۖ ءَأَلْسَنَ وَقَدْ كُنْتُمْ بِهِ ۖ تَسْتَعْجِلُونَ ﴿۵۱﴾

(۵۱) آیا پس از آنکه [عذاب] واقع شد آن را باور می‌کنید؟ آیا اکنون [ایمان می‌آورید]؟ و حال آنکه [پیشتر] آن [=عذاب] را به شتاب می‌خواستید.

ثُمَّ قِيلَ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا بِمَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ ﴿۵۲﴾

می‌شود: «عذاب جاودان را بچشید. آیا جز در برابر آنچه می‌کردید مجازات می‌شوید؟»

﴿۵۳﴾ و [ای پیامبر، مشرکان] از تو خبر می‌گیرند [که]: «آیا آن [عذاب] حقیقت دارد؟» بگو: «آری، سوگند به پروردگارم که قطعاً حقیقت دارد و شما نمی‌توانید [الله را از وقوع معاد و عذاب] در مانده کنید».

﴿۵۴﴾ و هر کس [با ارتکاب شرک و گناه] ستم کرده است، اگر [تمام] آنچه را در زمین وجود دارد [در اختیار] داشته باشد، قطعاً آن را برای [رهایی و] بازخريد [خود از عذاب] خود می‌دهد و [مشرکان] وقتی عذاب را ببینند، پشیمانی خود را پنهان می‌کنند و به عدالت در میانشان داوری می‌شود و بر آنان ستم نمی‌رود.

﴿۵۵﴾ آگاه باشید! در حقیقت، آنچه در آسمان‌ها و زمین است [همه] از آنِ الله است. آگاه باشید! بی‌تردید، وعدهٔ الله [در مورد کیفر کافران] راست است؛ ولی بیشتر آنان نمی‌دانند.

﴿۵۶﴾ اوست که زنده می‌کند و می‌میراند و [همگی] به سوی او بازگردانده می‌شوید.

وَيَسْتَنْبِئُونَكَ أَحَقُّ هُوَ قَوْلٌ إِيَّ رَبِّي إِنَّهُ لَحَقٌّ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ ﴿۵۳﴾

وَلَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ مَا فِي الْأَرْضِ لَافْتَدَتْ بِهِ ۗ وَأَسْرُوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ ۗ وَفُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ ۗ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿۵۴﴾

أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ أَلَا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿۵۵﴾

هُوَ يُحْيِي ۖ وَيُمِيتُ ۗ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿۵۶﴾

يَأْتِيهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَتْكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ ﴿٥٧﴾

(۵۷) ای مردم، به راستی برای شما از جانب پروردگارتان موعظه‌ای آمده است و شفایی برای آنچه در دل‌هاست و هدایت و رحمتی برای مؤمنان.

قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ ﴿٥٨﴾

(۵۸) بگو: «[مؤمنان] باید به بخشش و رحمت الله شادمان شوند که این [نعمت] از آنچه می‌اندوزند بهتر است».

قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ لَكُمْ مِنْ رِزْقٍ فَجَعَلْتُمْ مِنْهُ حَرَامًا وَحَلَالًا قُلْ ءَلَا لِلَّهِ آذِنٌ لَكُمْ أَمْ عَلَى اللَّهِ تَفْتَرُونَ ﴿٥٩﴾

(۵۹) بگو: «به من خبر دهید که آنچه از [نعمت و] روزی که الله برایتان فرستاده است [چرا] بخشی از آن را حرام و [بخشی دیگر را] حلال تلقی کرده‌اید؟» بگو: «آیا الله چنین دستوری به شما داده است یا بر الله دروغ می‌بندید؟»

وَمَا ظَنُّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ ﴿٦٠﴾

(۶۰) و کسانی که بر الله دروغ می‌بندند، [در باره] روز قیامت چه می‌پندارند؟ بی‌گمان، الله بر [همه] مردم فضل [و بخشش] دارد؛ ولی بیشتر آنان سپاس نمی‌گزارند.

وَمَا تَكُونُ فِي شَأْنٍ وَمَا تَتْلُوا مِنْهُ مِنْ قُرْآنٍ وَلَا تَعْمَلُونَ مِنْ عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُودًا إِذْ

(۶۱) و [ای پیامبر]، تو مشغول هیچ کاری نیستی و هیچ [آیه‌ای از] آن [قرآن] را نمی‌خوانی؛ و [شما نیز ای مردم]، هیچ کاری نمی‌کنید، مگر اینکه آنگاه که به آن می‌پردازید،

ما بر [کارهای] شما گواهیم؛ و هم‌وزنِ ذره‌ای - [نه] در زمین و نه در آسمان - از پروردگارت پنهان نیست؛ و [حتی] کوچک‌تر یا بزرگ‌تر از آن [نیز] چیزی نیست، مگر اینکه در کتابی روشن [ثبت شده] است.

تُفِيضُونَ فِيهِ وَمَا يَعْزُبُ عَن رَّبِّكَ مِن مِّثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَلَا أَصْغَرَ مِن ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ ﴿٦١﴾

(۶۲) آگاه باشید! دوستانِ الله نه ترسی خواهند داشت و نه اندوهگین می‌شوند.

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٦٢﴾

(۶۳) [همان] کسانی که ایمان آوردند و پرهیزگاری می‌کردند.

الَّذِينَ ءَامَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ ﴿٦٣﴾

(۶۴) برای آنان در زندگی دنیا و در آخرت بشارت است. سخنانِ الله [دربارهٔ پیروزی و پاداشِ دو جهان]، تغییرناپذیر است. این همان [رستگاری و] کامیابیِ بزرگ است.

لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٦٤﴾

(۶۵) [ای پیامبر]، سخنِ آنان تو را غمگین نکند. بی‌تردید، تمام عزت [و پیروزمندی] از آنِ الله است [و] او شنوای داناست.

وَلَا يَحْزَنكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٦٥﴾

(۶۶) آگاه باشید! هر کس [و هر چه] در آسمان‌ها و زمین است، از آنِ الله است؛ پس کسانی که به جای الله شریکانی را می‌خوانند، از چه پیروی می‌کنند؟ اینان جز از [تردید و] گمان پیروی نمی‌کنند و جز دروغ نمی‌گویند.

أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَن فِي السَّمَوَاتِ وَمَن فِي الْأَرْضِ وَمَا يَتَّبِعُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ شُرَكَاءَ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ ﴿٦٦﴾

هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الَّيْلَ لِيَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ ﴿٦٧﴾

(۶۷) او ذاتی است که شب را برایتان پدید آورد تا در آن بیارامید و روز را روشن ساخت [تا در پرتوی نورش به کار بپردازید]. بی تردید، در این [امور] برای گروهی که [سخن حق را] می شنوند نشانه هاست.

قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سُبْحٰنَهُ هُوَ الْغَنِيُّ لَهُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ إِنَّ عِنْدَكُمْ مِّنْ سُلْطٰنٍ بِهٰذَا أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٦٨﴾

(۶۸) [مشرکان] گفتند: «الله فرزندی برای خود اختیار کرده است». منزّه است او تعالی [و] بی نیاز است. آنچه در آسمانها و زمین است، از آن اوست. [ای مشرکان،] شما بر این [ادعا] دلیلی ندارید. آیا چیزی را که نمی دانید به دروغ به الله نسبت می دهید؟

قُلْ إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكٰذِبَ لَا يُفْلِحُونَ ﴿٦٩﴾

(۶۹) بگو: «کسانی که به الله نسبت دروغ می دهند، هرگز رستگار نمی شوند».

مَتَّعْ فِي الدُّنْيَا ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ نُذِيقُهُمُ الْعَذَابَ الشَّدِيدَ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ ﴿٧٠﴾

(۷۰) آنان بهره ای [اندک] در دنیا [دارند]؛ سپس بازگشتشان به سوی ماست. آنگاه به [سزای] آنکه کفر می ورزیدند، عذابی سخت به آنان می چشانیم.

وَآتٰلَ عَلَيْهِمْ نَبَأُ نُوحٍ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ يَفْقَمُونَ إِن كَانَ كَبُرَ عَلَيْنَا مَقَامِي وَتَذٰكِرِي بآيَاتِ اللَّهِ فَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ

(۷۱) [ای پیامبر،] داستان نوح را بر آنان بازگو؛ آنگاه که به قومش گفت: «ای قوم من، اگر ماندن من [در میان شما] و اندرز دادن من به آیات الله، بر شما گران آمده است، [بدانید که من] بر الله توکل کرده ام؛ پس [در توطئه و]

کارتان با شریکان خود، [علیه من] همدست شوید و در کارتان پرده‌پوشی نکنید؛ آنگاه [هر چه در دل دارید و می‌توانید] علیه من به کار بندید و به من مهلت ندهید.

تَنْظُرُونَ ﴿٧١﴾

(۷۲) اگر [از دعوت حق] رویگردان شدید، [بدانید که] من پاداشی از شما نخواسته‌ام؛ [چرا که] پاداشم تنها بر الله است و من دستور یافته‌ام که از تسلیم‌شدگان [اوامر الهی] باشم».

فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَمَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَأَمَرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿٧٢﴾

(۷۳) اما [قومش] او را دروغگو انگاشتند و ما او و کسانی را که در کشتی همراهش بودند نجات دادیم و آنان را جانشین [غرق‌شدگان] ساختیم و کسانی را که آیات ما را دروغ می‌انگاشتند غرق کردیم. پس بنگر که سرانجام هشدار یافتگان چگونه بود.

فَكَذَّبُوهُ فَانجَبْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلِكِ وَجَعَلْنَاهُمْ خَلْفَيْهِ وَأَغْرَقْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنذَرِينَ ﴿٧٣﴾

(۷۴) سپس، بعد از او [= نوح] پیامبرانی به سوی قومشان فرستادیم و معجزات روشن [برایشان] آوردند؛ ولی آنها برآن نبودند که به چیزی ایمان بیاورند که از پیش، آن را دروغ شمرده بودند. بدین‌سان، بر دل‌های تجاوزکاران [از حدود الهی] مهر می‌نهم.

ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِ رَسُولًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ كَذَلِكَ نَطْبَعُ عَلَى قُلُوبِ الْمُعْتَدِينَ ﴿٧٤﴾

(۷۵) سپس بعد از آنان، موسی و هارون را با

ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِم مُوسَى

وَهَارُونَ إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ
بِأَيَّتِنَا فَأَسْتَكْبِرُوا وَكَانُوا قَوْمًا
مُجْرِمِينَ ﴿٧٥﴾

معجزات خویش به سوی فرعون و بزرگان
قومش فرستادیم؛ و[الی آنان] گردنکشی کردند
و قومی گناهکار بودند.

فَلَمَّا جَاءَهُمْ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا
قَالُوا إِنَّ هَذَا لَسِحْرٌ مُّبِينٌ ﴿٧٦﴾

(۷۶) اما هنگامی که حق از نزد ما به سویشان
آمد، گفتند: «این قطعاً جادویی آشکار است».

قَالَ مُوسَى أَتَقُولُونَ لِلْحَقِّ لَمَّا
جَاءَكُمْ أَسِحْرٌ هَذَا وَلَا يُفْلِحُ
السَّاجِرُونَ ﴿٧٧﴾

(۷۷) موسی گفت: «آیا وقتی حق به سویتان
آمد، می‌گویید [جادوست]؟ آیا این جادوست؟ و
حال آنکه جادوگران رستگار نمی‌شوند».

قَالُوا أَجِئْنَا لِنُلْفِتَنَّا عَمَّا وَجَدْنَا
عَلَيْهِ ءِآبَاءَنَا وَتَكُونَ لَكُمَا
الْكِبْرِيَاءُ فِي الْأَرْضِ وَمَا نَحْنُ
لَكُمَا بِمُؤْمِنِينَ ﴿٧٨﴾

(۷۸) [فرعونیان] گفتند: «آیا به سوی ما
آمده‌ای تا ما را از شیوه‌ای که پدرانمان را بر آن
یافته‌ایم بازگردانی و [عزت و] بزرگی در این
سرزمین برای شما دو تن باشد؟ ما هرگز به
شما دو نفر ایمان نمی‌آوریم».

وَقَالَ فِرْعَوْنُ أَأَنْتَوْنِي بِكُلِّ
سَجْرِ عَلِيمٍ ﴿٧٩﴾

(۷۹) و فرعون گفت: «تمام جادوگران [ماهر
و] دانا را نزد من بیاورید».

فَلَمَّا جَاءَ السَّحَرَةُ قَالَ لَهُمْ
مُوسَى أَلْقُوا مَا أَنْتُمْ مُلْقُونَ ﴿٨٠﴾

(۸۰) وقتی جادوگران آمدند، موسی به آنان
گفت: «آنچه [از وسایل جادو] می‌خواهید
بیفکنید، [اکنون] بیفکنید».

فَلَمَّا أَلْقَوْا قَالَ مُوسَى مَا جِئْتُمْ
بِهِ السَّحَرُ إِنَّ اللَّهَ سَبِّطُهُ وَإِنَّ

(۸۱) هنگامی که افکندند، موسی گفت: «آنچه
آورده‌اید، جادوست. یقیناً الله آن را باطل

اللَّهُ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ
 الْمُفْسِدِينَ ﴿٨١﴾ خواهد کرد. بی تردید، الله کارِ مفسدان را
 اصلاح نمی کند.

وَيُحِقُّ اللَّهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَلَوْ
 كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ ﴿٨٢﴾ و الله با سخنان خویش حق را [ثابت و]
 پایدار می کند؛ هر چند که مجرمان نپسندند.

فَمَا ءَامَنَ لِمُوسَىٰ إِلَّا ذُرِّيَّةٌ مِّنْ
 قَوْمِهِ عَلَىٰ خَوْفٍ مِّنْ فِرْعَوْنَ
 وَمَلَائِهِمْ أَن يَفْتِنَهُمْ وَإِنَّ فِرْعَوْنَ
 لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّهُ لَمِنَ
 الْمُسْرِفِينَ ﴿٨٣﴾ پس هیچ کس به موسی ایمان نیاورد،
 مگر گروهی از از قومش، [آن هم] با ترسی
 [شدید] از فرعون و اطرافیانش که [مبادا] آنان
 را مورد [شکنجه] و آزار قرار دهند؛ و بی شک،
 فرعون در زمین سرکش [و جاه طلب] بود و به
 راستی که او از اسرافکاران [در کفر و جنایت]
 بود.

وَقَالَ مُوسَىٰ يٰقَوْمِ إِن كُنتُمْ
 ءَامَنتم بِاللّٰهِ فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُوا إِن
 كُنتُمْ مُّسْلِمِينَ ﴿٨٤﴾ و موسی گفت: «ای قوم من، اگر به الله
 ایمان آورده اید و اگر اهل تسلیم هستید، پس
 بر او توکل کنید».

فَقَالُوا عَلَىٰ اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا لَا
 تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٨٥﴾ آنان گفتند: «بر الله توکل کرده ایم.
 پروردگارا، ما را دستخوشِ فتنه [و شکنجه و
 آزار] گروه ستمکاران قرار نده؛

وَنَجِّنَا بِرَحْمَتِكَ مِنَ الْقَوْمِ
 الْكَافِرِينَ ﴿٨٦﴾ و [بفضل و] رحمت خویش ما را از
 [شر] گروه کافران رهایی بخش».

وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ أَن

کردیم که: «برای قوم خود، خانه‌هایی در [سرزمین] مصر بگیرید و خانه‌هایتان را عبادتگاه قرار دهید و نماز برپا دارید؛ و [ای موسی]، مؤمنان را [به پیروزی و بهشت] بشارت بده».

(۸۸) موسی گفت: «پروردگارا، بی‌گمان، تو به فرعون و اطرافیانش زینت و اموالی [فراوان] در زندگی دنیا داده‌ای؛ پروردگارا، تا [به وسیله آن، مردم را] از راهت گمراه کنند. پروردگارا، اموالشان را نابود کن و دل‌هایشان را سخت بگردان که ایمان نیاورند تا [وقتی که] عذاب دردناک را ببینند».

(۸۹) [الله] فرمود: «قطعاً دعای شما دو نفر پذیرفته شد؛ پس استقامت کنید و از راه کسانی که نمی‌دانند پیروی نکنید».

(۹۰) و [سرانجام] بنی‌اسرائیل را از دریا گذراندیم؛ آنگاه فرعون و سپاهیانش از روی ستم و تجاوز، در پی آنان رفتند تا هنگامی که غرقاب، او [= فرعون] را فراگرفت [با ناامیدی] گفت: «ایمان آوردم که هیچ معبودی [به‌حق] نیست مگر کسی که بنی‌اسرائیل به او ایمان آورده‌اند و من از تسلیم‌شدگانم».

تَبَوَّءَا لِقَوْمِكَمَا بَيَّرَ بُيُوتًا
وَأَجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَأَقِيمُوا
الصَّلَاةَ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٨٧﴾

وَقَالَ مُوسَى رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ
فِرْعَوْنَ وَمَلَئَهُ زِينَةً وَأَمْوَالًا فِي
الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوا عَن
سَبِيلِكَ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَيَّ أَمْوَالِهِمْ
وَأَشْدُدْ عَلَيَّ قُلُوبَهُمْ فَلَا يُؤْمِنُوا
حَتَّى يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ﴿٨٨﴾

قَالَ قَدْ أُجِيبَت دَعْوَتُكُمَا
فَأَسْتَقِيمَا وَلَا تَتَّبِعَانِ سَبِيلَ
الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٨٩﴾

وَجَوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ
فَاتَّبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ وَجُنُودُهُ بَغْيًا
وَعَدْوًا حَتَّى إِذَا أَدْرَكَهُ الْعَرْقُ
قَالَ ءَأَمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي
ءَأَمَنْتُ بِهِء بَنُو إِسْرَائِيلَ وَأَنَا
مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿٩٠﴾

عَالَمَنَ وَقَدْ عَصَيْتَ قَبْلُ وَكُنْتَ
مِنَ الْمُفْسِدِينَ ﴿۹۱﴾
(۹۱) [به او گفته شد:] «اینک [ایمان
می‌آوری]؟ و حال آنکه پیشتر سرپیچی
می‌کردی و از مفسدان بودی؟

فَالْيَوْمَ نُنَجِّيكَ بَدَنِكَ لَتَكُونَ
لِمَن خَلَقَكَ آيَةً وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ
النَّاسِ عَنِ آيَاتِنَا لَعْفُلُونَ ﴿۹۲﴾
(۹۲) [بدان که] امروز پیکر [بی‌جان] تو را بر
بلندی [ساحل] می‌اندازیم تا برای آیندگان
مایهٔ عبرت باشد؛ و به راستی، بسیاری از
مردم از نشانه‌های [توان و تدبیر] ما غافلند.

وَلَقَدْ بَوَّأْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مُبَوَّأً
صِدْقٍ وَرَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ
فَمَا اخْتَلَفُوا حَتَّى جَاءَهُمُ الْعِلْمُ
إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
فِي مَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿۹۳﴾
(۹۳) و بی‌تردید، ما بنی اسرائیل را در جایگاهی
شایسته [در سرزمین شام و مصر] جای دادیم
و از نعمت‌های پاکیزه روزی‌شان کردیم. پس
آنها اختلاف نکردند، مگر پس از آنکه علم [به
حقانیت قرآن] به سویشان آمد. [ای پیامبر،]
پروردگارت روز قیامت دربارهٔ آنچه اختلاف
می‌کردند، قطعاً در میانشان داوری می‌کند.

فَإِن كُنْتَ فِي شَكٍّ مِّمَّا أَنْزَلْنَا
إِلَيْكَ فَسْئَلِ الَّذِينَ يُقْرَأُونَ
الْكِتَابَ مِن قَبْلِكَ لَقَدْ جَاءَكَ
الْحَقُّ مِن رَّبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ
الْمُمْتَرِينَ ﴿۹۴﴾
(۹۴) پس اگر در آنچه بر تو نازل کرده‌ایم
تردیدی داری، از کسانی که پیش از تو کتاب
[تورات و انجیل] را می‌خواندند سؤال کن.
یقیناً حق از طرف پروردگارت به سوی تو آمده
است؛ پس هرگز از تردیدکنندگان نباش.

وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الَّذِينَ كَذَبُوا
بِآيَاتِ اللَّهِ فَتَكُونُوا مِنَ
الْخَاسِرِينَ ﴿۹۵﴾
(۹۵) و [همچنین] از کسانی نباش که آیات الله
را تکذیب کردند که از زیانکاران خواهی بود.

إِنَّ الَّذِينَ حَقَّتْ عَلَيْهِمْ كَلِمَتُ رَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٩٦﴾
 (۹۶) بی‌تردید، کسانی که سخن پروردگارت درباره [کفر در دنیا بر] آنان تحقق یافته است، ایمان نمی‌آورند؛

وَلَوْ جَاءَتْهُمْ كُلُّ آيَةٍ حَتَّى يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ﴿٩٧﴾
 (۹۷) هر چند تمام نشانه‌ها [و پندها] برایشان بیاید؛ [مگر] وقتی که عذاب دردناک را ببینند.

فَلَوْلَا كَانَتْ قَرِيَةً ءَامَنَتْ فَنَفَعَهَا إِيْمَانُهَا إِلَّا قَوْمَ يُونُسَ لَمَّا ءَامَنُوا كَشَفْنَا عَنْهُمْ ءَعَابَ الْحِزْبِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَىٰ حِينٍ ﴿٩٨﴾
 (۹۸) هیچ شهری نبود که [اهلش هنگام مشاهده عذاب،] ایمان بیاورد و ایمانش به حال آن سود بخشد، مگر قوم یونس که چون [به موقع] ایمان آوردند، عذابِ خواری [و رسوایی] در زندگی دنیا را از آنان برطرف نمودیم و آنان را تا مدتی [که زنده بودند از نعمت‌های دنیوی] برخوردار ساختیم.

وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مِنَ فِي الْأَرْضِ كُلُّهُمْ جَمِيعًا أَفَأَنْتَ تُكْفِرُ النَّاسَ حَتَّىٰ يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ ﴿٩٩﴾
 (۹۹) و [ای پیامبر،] اگر پروردگارت می‌خواست، قطعاً تمام کسانی که در زمین هستند، ایمان می‌آوردند. پس آیا تو مردم را وادار می‌کنی که مؤمن شوند؟

وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تُوْمِنَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَيَجْعَلُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ ﴿١٠٠﴾
 (۱۰۰) و هیچ کس نمی‌تواند [به اراده خویش] ایمان بیاورد مگر به فرمان الله؛ و [الله] پلیدی [عذاب و خواری] را بر کسانی قرار می‌دهد که نمی‌اندیشند.

قُلْ أَنْظَرُوا مَاذَا فِي السَّمَوَاتِ (۱۰۱) [ای پیامبر، به مشرکان] بگو: «بنگرید

وَالْأَرْضِ وَمَا تُعْغِي الْأَيُّتُ وَالْتُدْرُ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿۱۱﴾
 که در آسمان‌ها و زمین چه [نشانه‌ها] است»
 و[الی همه] نشانه‌ها و هشدارها، برای گروهی
 که ایمان نمی‌آورند، سودی نمی‌بخشد.

فَهَلْ يَنْتَظِرُونَ إِلَّا مِثْلَ أَيَّامِ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِهِمْ قُلْ فَاَنْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ ﴿۱۲﴾
 (۱۰۲) آیا آنها [چیزی] جز همانند روزگار
 پیشینیان [و عذاب‌ها و مجازات‌هایشان] را
 انتظار می‌کشند؟ بگو: «منتظر باشید که من
 [نیز] با شما از منتظرانم».

ثُمَّ نُنَجِّي رُسُلَنَا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا كَذَلِكَ حَقًّا عَلَيْنَا نُنَجِّ الْمُؤْمِنِينَ ﴿۱۳﴾
 (۱۰۳) سپس [هنگام نزول عذاب،]
 پیامبرانمان و کسانی را که [به الله] ایمان
 آورده‌اند نجات می‌دهیم؛ زیرا حقی بر عهده
 ماست که مؤمنان را نجات دهیم.

قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنْتُمْ فِي شَكِّ مِنْ دِينِي فَلَا أَعْبُدُ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ أَعْبُدُ اللَّهَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُمْ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُوْمِنِينَ ﴿۱۴﴾
 (۱۰۴) بگو: «ای مردم، اگر در دین من تردید
 دارید، پس [آگاه باشید که من] کسانی را که
 شما به جای الله عبادت می‌کنید، عبادت
 نمی‌کنم؛ بلکه آن الله را عبادت می‌کنم که
 جانتان را می‌گیرد و فرمان یافته‌ام که از
 مؤمنان باشم».

وَأَنْ أَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿۱۵﴾
 (۱۰۵) و [به من امر شده است] که:
 «حقگرایانه به این دین روی آور و هرگز در
 زمره مشرکان نباش.»

وَلَا تَدْعُ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكَ وَلَا يَضُرُّكَ فَإِنْ فَعَلْتَ فَإِنَّكَ إِذَا مِنْ الظَّالِمِينَ ﴿١٠٦﴾
 و (۱۰۶) و به جای الله، چیزی را که سود و
 زبانی به تو نمی‌رساند [به عبادت و نیازخواهی]
 بخوان که اگر چنین کنی، قطعاً از ستمکاران
 [مشرك] خواهی بود.

وَإِنْ يَمَسُّكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ يُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿١٠٧﴾
 و (۱۰۷) و اگر الله زبانی به تو برساند، هیچ
 بازدارنده‌ای جز او تعالی برایش نیست؛ و اگر
 برایت اراده خیری نماید، برای فضل [و
 بخشش] او هیچ مانعی نیست. [او بخشش
 خویش را] به هر یک از بندگانش که بخواهد،
 می‌رساند و او آمرزنده مهربان است.

قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنِ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ ﴿١٠٨﴾
 (۱۰۸) بگو: «ای مردم، از جانب پروردگارتان
 حق برای شما آمده است؛ پس هر کس هدایت
 یابد، به سود خویش هدایت می‌یابد و هر کس
 گمراه گردد، به زیان خویش گمراه می‌گردد؛ و
 من [مراقب و] کارگزار شما نیستم».

وَأَتَّبِعْ مَا يُوْحَىٰ إِلَيْكَ وَأَصْبِرْ حَتَّىٰ يَحْكُمَ اللَّهُ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ ﴿١٠٩﴾
 و (۱۰۹) و [ای پیامبر،] از آنچه بر تو وحی
 می‌شود پیروی کن و شکیبا باش تا الله [بین تو
 و کافران] داوری کند؛ و او تعالی بهترین داور
 است.

سُورَةُ هُودٍ

سورة هود

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

(۱) الر [= الف. لام. را]. این [قرآن]، کتابی است که آیات آن استحکام یافته [که هیچ خلل و نقصانی در آن وجود ندارد]، سپس از جانب [ذات] حکیمی آگاه، به روشنی بیان شده است.

الرَّ كِتَبٌ أَحْكَمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ
فُصِّلَتْ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ
خَبِيرٍ ﴿١﴾

(۲) [پیام پیامبر این است] که جز الله را عبادت نکنید [که] بی‌تردید، من از سوی او برایتان بیم‌دهنده و بشارتگر هستم.

أَلَّا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ إِنِّي لَكُمْ
مِّنْهُ نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ ﴿٢﴾

(۳) و اینکه از پروردگارتان آمرزش بخواهید، سپس به درگاهش توبه کنید تا شما را [در زندگی دنیا] تا سرآمدی معین، به خیر و خوبی بهره‌مند سازد و به هر صاحب فضیلتی [که الله را به یگانگی عبادت نموده و نیکوکاری پیشه کرده است، پاداش و] فزونی بخشد؛ و اگر [از ایمان] روی بگردانید، [بدانید که من] به راستی از عذاب روزی سهمگین برایتان می‌ترسم.

وَأِنْ أَسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا
إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَتَلَعًا حَسَنًا إِلَىٰ
أَجَلٍ مُّسَمًّى وَيُؤْتِ كُلَّ ذِي
فَضْلٍ فَضْلَهُ وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنِّي
أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ
كَبِيرٍ ﴿٣﴾

(۴) [شما ای مردم]، بازگشتتان به سوی الله است و او بر هر چیزی تواناست.

إِلَىٰ اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ
شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٤﴾

أَلَا إِنَّهُمْ يَثْنُونَ صُدُورَهُمْ لِيَسْتَخْفُوا مِنْهُ أَلَا حِينَ يَسْتَعِشُونَ ثِيَابَهُمْ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ إِنَّهُمْ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿٥﴾

(۵) آگاه باشید! آنها [کفر را] در سینه‌هایشان پنهان می‌کنند تا آن را از او [= الله] پنهان دارند. آگاه باشید! آنگاه که آنان جامه‌هایشان را بر سر می‌کشند، الله آنچه پنهان می‌سازند و آنچه آشکار می‌دارند، [همه را] می‌داند. بی‌تردید، او به اسرار سینه‌ها داناست.

وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ﴿٦﴾

(۶) و هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست، مگر [اینکه] روزی‌اش بر عهده‌ی الله است و [او] قرارگاه و محل مرگش را می‌داند. همه [اینها] در کتابی روشن [ثبت] است.

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَلَئِنْ قُلْتُمْ إِنَّكُمْ مَبْعُوثُونَ مِنْ بَعْدِ الْمَوْتِ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ ﴿٧﴾

(۷) و اوست که آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید و [پیش از آن،] عرش او بر آب بود، تا شما را بیازماید که کدامتان نیکوکارترید. و اگر [به مشرکان] بگویید: «شما پس از مرگ برانگیخته می‌شوید»، کسانی که کفر ورزیدند می‌گویند: «این [قرآن چیزی] نیست مگر جادویی آشکار».

وَلَئِنْ أَخَّرْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَعْدُودَةٍ لَيَقُولَنَّ مَا يَجِبُ سُهُورًا أَلَا يَوْمَ يَأْتِيهِمْ لَيْسَ مَصْرُوفًا

(۸) و اگر ما عذابشان را تا مدت محدودی به تأخیر بیندازیم، البته [از روی تمسخر] می‌گویند: «چه چیزی مانع [وقوع] آن شده است؟» آگاه باشید! روزی که [عذاب] به

عَنْهُمْ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِءَ
يَسْتَهْزِءُونَ ﴿٨﴾
سراغشان بیاید، از آنان بازگردانده نخواهد شد
و آنچه را به مسخره می گرفتند، دامگیرشان
خواهد شد.

وَلَيْنِ أَدْفَنَّا الْأَنْسَانَ مِمَّا رَحِمَةً لِّمَنْ
نَرَعْنَهَا مِنْهُ إِنَّهُ لَيُؤَسُّ
كُفُورٌ ﴿٩﴾
(۹) و اگر از جانب خویش رحمتی به انسان
بچشانیم، سپس آن را از او بگیریم، قطعاً
دلسرد [و] ناسپاس می گردد.

وَلَيْنِ أَذَقْنَاهُ نِعْمَاءَ بَعْدَ ضِرَاءٍ
مَسَّتْهُ لِيَقُولَنَّ ذَهَبَ السَّيِّئَاتُ
عَنِّي إِنَّهُ لَفَرِحٌ فَخُورٌ ﴿١٠﴾
(۱۰) و اگر پس از رنجی که به او رسیده است
نعمتی به او بچشانیم قطعاً می گوید: «سختی‌ها
[و ناگواری‌ها] از من دور شد». حقا که او [از
روی ناسپاسی] سرخوش و [به داشتن
نعمت‌ها] فخر فروش است.

إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَمِلُوا
الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ
وَأَجْرٌ كَبِيرٌ ﴿١١﴾
(۱۱) مگر کسانی که شکیبایی نمودند و
کارهای نیکو انجام دادند [که] برای اینان
آمزش و پاداش بزرگی [در پیش] است.

فَلَعَلَّكَ تَارِكٌ بَعْضَ مَا يُوحَىٰ
إِلَيْكَ وَضَائِقٌ بِهِ صَدْرُكَ أَنْ
يَقُولُوا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ كِتَابٌ أَوْ
جَاءَ مَعَهُ مَلَكٌ إِنَّمَا أَنْتَ نَذِيرٌ
وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ ﴿١٢﴾
(۱۲) و [ای پیامبر،] مبادا [ابلاغ] برخی از
آنچه را که به سویت وحی می شود ترک کنی و
سینهات از آن به تنگ آید که [مشرکان]
می گویند: «چرا گنجی بر او نازل نگشته است
یا فرشته‌ای با او نیامده است؟». جز این نیست
که تو فقط بیم‌دهنده‌ای و الله [مراقب و]
کارگزار هر چیزی است.

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوْرٍ مِّثْلِهِ مُفْتَرِيَتٍ وَادْعُوا مَن اسْتَضَعْتُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِيْنَ ﴿١٣﴾

(۱۳) یا می‌گویند: «[محمد] آن [کتاب] را بر ساخته است». بگو: «اگر راست می‌گویید، ده سوره بر ساخته همانند آن بیاورید و جز الله هر کس را می‌توانید به یاری بخوانید».

فَالَمْ يَسْتَجِيبُوا لَكُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّمَا أُنزِلَ بِعِلْمِ اللَّهِ وَأَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَهَلْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿١٤﴾

(۱۴) پس اگر آنان دعوتتان را نپذیرفتند، بدانید که [قرآن] فقط به علم الله نازل شده است و اینکه هیچ معبودی [به حق] جز او نیست؛ پس آیا تسلیم [امر الله و پیامبر] می‌شوید؟

مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا نُوفِيَ إِلَيْهِمْ أَعْمَالَهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ ﴿١٥﴾

(۱۵) کسانی که زندگی دنیا و زیور آن را می‌خواهند، [پاداش] کارهایشان را در این [دنیا] به تمامی به آنان می‌دهیم و در آن [پاداش، هیچ] کم و کاستی نخواهند دید.

أُولَئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ وَحَبِطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَبِطُلَّ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٦﴾

(۱۶) اینان کسانی هستند که در آخرت جز آتش [دوزخ، هیچ نصیبی] نخواهند داشت و آنچه در دنیا انجام داده‌اند، بر باد رفته است و آنچه می‌کردند، تباه است.

أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِّنْهُ وَمِن قَبْلِهِ كَتَبَ مُوسَىٰ إِمَامًا وَرَحْمَةً ۗ

(۱۷) آیا کسی که از سوی پروردگارش بر دلیل روشنی [از بصیرت و بینش] متکی باشد و [قرآن، به عنوان] گواهی از جانب او [تعالی] به دنبال آن آید [و آن را تصدیق نماید]، و قبل از

آن [= قرآن]، کتاب موسی که پیشوا و مایه رحمت بود [بر حقانیت آن گواهی می‌دهد، همانند کافران گمراه است که چنین دلایلی ندارند؟! اینان [= مسلمانان] به آن [کتاب] ایمان دارند؛ و هر کسی از گروه‌ها [ی مختلف مشرکان] که به آن کفر بورزد [و آن را انکار کند] آتش دوزخ وعده‌گاه اوست. پس [ای پیامبر]، از [قرآن و حقیقت وعده‌های] آن در تردید مباش. بی‌تردید، آن [کتابی] راست و درست از سوی پروردگار توست؛ ولی بیشتر مردم ایمان نمی‌آورند.

(۱۸) و کیست ستمکارتر از آن کس که [با نسبت دادن فرزند یا شریک،] بر الله دروغ می‌بندد؟ آنان [روز قیامت] بر پروردگارشان عرضه می‌شوند و گواهان [= پیامبران و فرشتگان] می‌گویند: «اینها همان کسانی هستند که بر پروردگارشان دروغ می‌بستند». هان! لعنت الله بر ستمکاران [مشرک] باد!

(۱۹) [همان] کسانی که [مردم را] از راه الله باز می‌دارند و آن را منحرف می‌خواهند؛ و همان‌ها آخرت را باور ندارند.

(۲۰) آنان در زمین ناتوان‌کننده [ی الله از وقوع عذاب خویش] نیستند و جز الله،

أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ مِنَ الْأَحْزَابِ فَالْتَأَرْ مَوْعِدُهُ فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِّنْهُ إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ وَالْكَانِ أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿۱۷﴾

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أُولَئِكَ يُعْرَضُونَ عَلَىٰ رَبِّهِمْ وَيَقُولُ الْأَشْهَادُ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَىٰ رَبِّهِمْ أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ ﴿۱۸﴾

الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ ﴿۱۹﴾

أُولَئِكَ لَمْ يَكُونُوا مُعْجِزِينَ فِي

دوستانی ندارند. عذاب برایشان چندین برابر می‌شود [چرا که] آنان نه توان شنیدن [حق را] داشتند و نه [حقایق را] می‌دیدند.

الْأَرْضِ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ يُضْعِفُ لَهُمْ الْعَذَابَ مَا كَانُوا يَسْتَطِيعُونَ السَّمْعَ وَمَا كَانُوا يُبْصِرُونَ ﴿۲۰﴾

(۲۱) آنان کسانی هستند که به خویش زیان زدند و دروغ‌هایی که می‌بافتند، [همه] محو و نابود شد.

أُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿۲۱﴾

(۲۲) ناگزیر، آنان در آخرت از همه زیانکارترند.

لَا جَرَمَ أَنَّهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمْ الْآخَسَرُونَ ﴿۲۲﴾

(۲۳) کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند و در برابر پروردگارشان فروتنی نموده‌اند، اینان یقیناً بهشتی‌اند [و] هم اینان در آن جاودانند.

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَخْبَتُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿۲۳﴾

(۲۴) مثل این دو گروه [کافر و مؤمن]، همانند نابینا و ناشنوا [از یک سو] و بینا و شنوا [از سوی دیگر] است. آیا با یکدیگر برابرند؟ آیا پند نمی‌گیرید؟

مَثَلُ الْفَرِيقَيْنِ كَالْأَعْمَىٰ وَالْأَصْمَىٰ وَالْبَصِيرِ وَالسَّمِيعِ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿۲۴﴾

(۲۵) و به راستی ما نوح را به سوی قومش فرستادیم [با این پیام] که: «به راستی که من بیم‌دهنده‌ای آشکار برایتان هستم.

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ إِلَىٰ لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿۲۵﴾

أَنْ لَا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ أَلِيمٍ ﴿٣٦﴾
 (۲۶) جز الله را عبادت نکنید [که] بی‌تردید، من از عذاب روزی دردناک بر شما می‌ترسم».

فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا تَرَكْ إِلَّا بَشَرًا مِثْلَنَا وَمَا تَرَكْ أَتْبَعَكَ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أَرَادْنَا بِأَدَى الرَّأْيِ وَمَا نَرَى لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ بَلْ نَظُنُّكُمْ كَاذِبِينَ ﴿٣٧﴾
 (۲۷) بزرگانی از قوم او که کفر ورزیده بودند، [در پاسخ] گفتند: «تو را جز بشری همانند خویش نمی‌بینیم و جز فرومایگان ما - [آن هم ندانسته و] نسنجیده - [کسی دیگر را] نمی‌بینیم که از تو پیروی کرده باشد؛ و برایتان [هیچ] برتری‌ای بر خود نمی‌بینیم؛ بلکه شما را دروغگو می‌پنداریم».

قَالَ يَقَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي وَعَاطَنِي رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِهِ فَعَمِيَتْ عَلَيْكُمْ أَنْزِلْ مُكُومَهَا وَانْتُمْ لَهَا كَاهِنُونَ ﴿٣٨﴾
 (۲۸) [نوح] گفت: «ای قوم من، به من بگوئید [که] اگر از سوی پروردگارم دلیل [و معجزه] آشکاری داشته باشم و او از جانب خویش رحمتی [= نبوت] به من بخشیده باشد و [این موهبت] از دید شما پوشیده باشد، آیا ما می‌توانیم شما را به [پذیرش] آن وادار کنیم و حال آنکه کراهت دارید؟»

وَيَقَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مَالًا إِنِ اجْرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَمَا أَنَا بِظَارِدِ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّهُمْ مُلْقُوا رَبَّهُمْ وَلَكِيْنِي أَرْبُكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ ﴿٣٩﴾
 (۲۹) و ای قوم من، برای این [رسالت، من هیچ ثروت و] مالی از شما درخواست نمی‌کنم. پاداش من جز بر [عهده] الله نیست؛ و کسانی را که ایمان آورده‌اند از خود نمی‌رانم. بی‌تردید، [روز قیامت] آنان ملاقات‌کننده پروردگار خویشند؛ ولی من شما را گروهی می‌بینم که نادانی می‌کنید.

(۳۰) و ای قوم من، اگر من آنان [= مومنان] را طرد کنم، کیست که مرا در برابر [کیفر] الله یاری رساند؟ پس آیا پند نمی‌گیرید؟

وَيَقَوْمٍ مِّنْ يَّنصُرُنِي مِنَ اللَّهِ إِن طردتُهُمْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿٣٠﴾

(۳۱) و به شما نمی‌گویم که گنجینه‌های الله نزد من است و غیب [نیز] نمی‌دانم و نمی‌گویم که من فرشته‌ام و دربارهٔ کسانی که به چشم شما حقیر می‌آیند، نمی‌گویم که الله خیری نصیبتان خواهد کرد. الله به آنچه در دل هایشان وجود دارد آگاه‌تر است. [اگر چنین بگویم،] در آن صورت، قطعاً از ستمکاران خواهم بود.

وَلَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ إِنِّي مَلَكٌ وَلَا أَقُولُ لِلَّذِينَ تَزْدَرِي أَعْيُنُكُمْ لَن يُؤْتِيَهُمُ اللَّهُ خَيْرًا ۗ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا فِي أَنْفُسِهِمْ إِنِّي إِذًا لَّمِنَ الظَّالِمِينَ ﴿٣١﴾

(۳۲) [قومش] گفتند: «ای نوح، به راستی که با ما جدال کردی و بسیار [هم] جدال کردی؛ پس اگر راست می‌گویی، آنچه [از عذاب] را که به ما وعده می‌دهی بیاور.»

قَالُوا يَنْوُحُ قَدْ جَدَلْتَنَا فَأَكْثَرْتَ جِدْلَنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِن كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿٣٢﴾

(۳۳) [نوح] گفت: «تنها الله است که اگر بخواهد، آن را بر [سر] شما می‌آورد و شما ناتوان‌کننده [او از عذاب کردن] نیستید.

قَالَ إِنَّمَا يَأْتِيَكُمْ بِهِ اللَّهُ إِن شَاءَ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ ﴿٣٣﴾

(۳۴) و اگر من بخواهم شما را نصیحت کنم، نصیحت کردن من سودی برایتان ندارد اگر الله بخواهد [که نابود و] گمراهتان سازد. او پروردگار شماست و [همگی] به سویش بازگردانده می‌شوند.

وَلَا يَنْفَعُكُمْ نُصْحِي إِن أَرَدْتُ أَنْ أَنْصَحَ لَكُمْ إِن كَانَ اللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يُغْوِيَكُمْ هُوَ رَبُّكُمْ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٣٤﴾

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَيْنَاهُ قُلْ إِن
 افْتَرَيْتُهُو فَعَلَيْ إِجْرَامِي وَأَنَا
 بَرِيءٌ مِّمَّا تُجْرِمُونَ ﴿٣٥﴾

(۳۵) آیا [مشرکان] می‌گویند: «او [= محمد]
 این سخنان را به دروغ به الله نسبت داده است؟»
 بگو: «اگر من اینها را از پیش خود ساخته باشم
 و به او نسبت دهم، گناهش بر [عهده] من
 است و [لی] من از گناهان شما بیزارم».

وَأَوْحَىٰ إِلَىٰ نُوحٍ أَنَّهُ لَنْ يُؤْمِنَ
 مِنْ قَوْمِكَ إِلَّا مَنْ قَدَّ ءَأَمَنَ فَلَا
 تَبْتِئِسْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ﴿٣٦﴾

(۳۶) و به نوح وحی شد که: «از قوم تو - جز
 کسانی که ایمان آورده‌اند- دیگر هیچ کس
 ایمان نمی‌آورد؛ پس بر آنچه می‌کردند غم
 مخور».

وَأَصْنَعُ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيُنَا
 وَلَا تَخْطِبْنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا
 إِنَّهُمْ مُّعْرِضُونَ ﴿٣٧﴾

(۳۷) و [کنون] کشتی را زیر نظر ما و به وحی
 [و راهنمایی] ما بساز و درباره [گذشت از]
 کسانی که ستم کردند با من سخن مگو [چرا
 که] آنها قطعاً غرق‌شدنی هستند».

وَيَصْنَعُ الْفُلْكَ وَكَلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ
 مَلَأٌ مِّن قَوْمِهِ سَخِرُوا مِنْهُ قَالَ
 إِن تَسْخَرُوا مِنَّا فَإِنَّا نَسْخَرُ
 مِنْكُمْ كَمَا تَسْخَرُونَ ﴿٣٨﴾

(۳۸) و [نوح] کشتی را می‌ساخت و هر گاه
 بزرگانی از قومش بر او می‌گذشتند، مسخره‌اش
 می‌کردند. [او] می‌گفت: «اگر ما را مسخره
 کنید، ما [نیز] به همان صورت که ما را مسخره
 می‌کنید، شما را مسخره خواهیم کرد».

فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ
 عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ
 عَذَابٌ مُّقِيمٌ ﴿٣٩﴾

(۳۹) به زودی خواهید دانست که عذاب
 [الهی] سراغ چه کسی می‌آید که خوارش سازد
 و عذابی پایدار بر او فرود آید».

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُورُ ﴿٤٠﴾ [این حالت همچنان ادامه داشت] تا زمانی که فرمان [عذاب] فرارسید و [آب از] تنور فوران کرد. [به نوح] گفتیم: «از هر [صنف حیوان] یک جفت [نر و ماده] در آن [کشتی] سوار کن و [همچنین] خاندان خود را؛ مگر کسی که وعده [هلاکت] قبلاً بر او مقرر شده است و [نیز] کسانی را که ایمان آورده‌اند [سوار کن]»؛ و جز [افراد] اندکی همراه او ایمان نیاورده بودند.

﴿٤١﴾ [نوح] گفت: «در آن [کشتی] سوار شوید. حرکت و توقفش با نام [و خواست] الله است. بی‌تردید، پروردگارم آمرزندهٔ مهربان است.» ﴿٤١﴾

﴿٤٢﴾ و آن [کشتی]، آنان را در میان امواجی کوه‌پیکر [پیش] می‌برد و نوح پسرش را که در کناری [ایستاده] بود صدا زد: «پسرم، با ما سوار شو و همراه کافران نباش.» ﴿٤٢﴾

﴿٤٣﴾ [پسر نوح] گفت: «به کوهی پناه خواهیم برد که مرا از آب محافظت کند.» [نوح] گفت: «امروز هیچ نگهدارنده‌ای در برابر فرمان الله نیست، مگر کسی که [الله] به او رحم کند» و [الی ناگاه] موج در میان آن دو فاصله

﴿٤٠﴾ وَقَالَ ارْكَبُوا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ
مَجْرِبَهَا وَمُرسَلَهَا إِنَّ رَبِّي لَعَفُورٌ
رَّحِيمٌ ﴿٤١﴾

﴿٤٢﴾ وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ
كَالْجِبَالِ وَنَادَىٰ نُوحٌ ابْنَهُ وَكَانَ
فِي مَعْزِلٍ يَا بُنَيَّ ارْكَب مَعَنَا وَلَا
تَكُن مَعَ الْكَافِرِينَ ﴿٤٣﴾

﴿٤٣﴾ قَالَ سَاوِي إِلَىٰ جَبَلٍ يَعْصِمُنِي
مِنَ الْمَاءِ قَالَ لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ
مِنَ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ رَحِمَ وَحَالَ
بَيْنَهُمَا الْمَوْجُ فَكَانَ مِنَ

انداخت؛ پس [پسر نوح نیز] از غرق شدگان
گردید.

الْمُعْرِقِينَ ﴿۴۳﴾

(۴۴) و گفته شد: «ای زمین، آبت را فرو بر و
ای آسمان، [از باریدن] باز ایست؛ و آب
فرونشست و کار به انجام رسید و [کشتی] بر
[کوه] جودی قرار گرفت؛ و گفته شد: «دوری
[از رحمت الهی] بر گروه ستمکاران باد!»

وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكِ
وَيَسْمَاءُ أَفْلَحِي وَغِيصَ الْمَاءِ
وَفُضِيَ الْأَمْرُ وَأَسْتَوَتْ عَلَى
الْجُودِيِّ وَقِيلَ بُعْدًا لِلْقَوْمِ
الظَّالِمِينَ ﴿۴۴﴾

(۴۵) و نوح پروردگارش را ندا داد و گفت:
«پروردگارا، پسر من از خاندان من است و
بی گمان، وعده تو [درباره نجات خاندانم] حق
است؛ و تو بهترین داوری.»

وَنَادَى نُوحٌ رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ
ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ
وَأَنْتَ أَحْكَمُ الْحَكَمِينَ ﴿۴۵﴾

(۴۶) [الله] فرمود: «ای نوح، در حقیقت، او از
خاندان تو نیست. [کردار] او، کرداری
ناشایست است. پس چیزی را که به آن دانش
نداری از من نخواه. من به تو پند می‌دهم که
مبادا از جاهلان باشی.»

قَالَ يَنْوُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ
إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا
تَسْأَلُنِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ
إِنِّي أَعْظَمُكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ
الْجَاهِلِينَ ﴿۴۶﴾

(۴۷) [نوح] گفت: «پروردگارا، من به تو پناه
می‌برم از اینکه چیزی را که به آن دانشی
ندارم از تو بخواهم و اگر مرا نبخشی و بر من
رحم نکنی، از زیانکاران خواهم بود.»

قَالَ رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ
أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ
وَإِلَّا تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي أَكُنَ مِنَ
الْخَاسِرِينَ ﴿۴۷﴾

(۴۸) گفته شد: «ای نوح، با [امنیت و] سلامتی از جانب ما و [نیز همراه با] برکت‌های [فراوان] بر تو و بر گروه‌هایی که همراهت هستند، [بر زمین] فرود آی؛ و گروه‌هایی [نیز] هستند که به زودی آنان را [از نعمت‌ها] بهره‌مند می‌سازیم، سپس عذاب دردناکی از سوی ما به آنان خواهد رسید».

تِلْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهَا إِلَيْكَ مَا كُنْتَ تَعْلَمُهَا أَنْتَ وَلَا قَوْمُكَ مِنْ قَبْلِ هَذَا فَاصْبِرْ إِنَّ الْعَقَبَةَ لِلْمُتَّقِينَ ﴿٤٩﴾

(۴۹) [ای پیامبر،] اینها از خبرهای غیب است که آن را به تو وحی می‌کنیم. نه تو آنها را پیش از این می‌دانستی و نه قومت؛ پس [در برابر آزارشان] شکیبایی کن. یقیناً عاقبت [نیکو] از آن پرهیزگاران است.

وَالِإِلَىٰ عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَقَوْمِ أَعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا مُفْتَرُونَ ﴿٥٠﴾

(۵۰) و به سوی قوم عاد، برادرشان هود را [فرستادیم که] گفت: «ای قوم من، الله را عبادت کنید که معبودی [به‌حق] جز او ندارید [و] شما [یک گروه] نیرومند [هستیم]. حقا که پدرمان [با این مهرورزی بی‌دلیل] در

يَقَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ أَجْرِي إِلَّا عَلَىٰ الَّذِي فَطَرَنِي أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٥١﴾

(۵۱) ای قوم من، برای [رساندن] این [دعوت] از شما پاداشی نمی‌طلبم. پاداش من تنها بر [عهده] ذاتی است که مرا آفرید. آیا نمی‌اندیشید؟

وَيَقَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ

تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ
عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً
إِلَىٰ قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا
مُجْرِمِينَ ﴿٥٣﴾

قَالُوا يَا هُودُ مَا جِئْتَنَا بِبَيِّنَةٍ وَمَا
نَحْنُ بِتَارِكِي آلِهَتِنَا عَنْ قَوْلِكَ
وَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ ﴿٥٤﴾

آمزش کنید، سپس به سوی او بازگردید [و
توبه کنید] تا [باران] آسمان را پیاپی بر شما
بفرستد و نیرویی بر نیرویتان بیفزاید و
گنهکارانه [از حق] روی نگردانید».

آنان گفتند: «ای هود، دلیل روشنی
برایمان نیاورده‌ای و ما به [خاطر] گفتار تو،
معبودانمان را رها نمی‌کنیم و به تو ایمان
نمی‌آوریم.

إِن تَقُولُ إِلَّا أَعْتَرَكُ بَعْضُ
آلِهَتِنَا بِسُوءٍ قَالَ إِنِّي أُشْهِدُ اللَّهَ
وَأَشْهَدُوا أَنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا
تُشْرِكُونَ ﴿٥٥﴾

[ما چیزی] جز این نمی‌گوییم که برخی
از معبودانمان به تو گزندی رسانده‌اند [و دیوانه
شده‌ای]». [هود] گفت: «الله را گواه می‌گیرم
و شما [نیز] گواه باشید که من از آنچه [با الله]
شریک قرار می‌دهید بیزارم.

مِنْ دُونِهِ فَكِيدُونِي جَمِيعًا ثُمَّ لَا
تَنْظُرُونَ ﴿٥٦﴾

[آری،] به جز او [تعالی، از هر معبودی
بیزارم]. پس همگی [در باره] من نقشه بکشید
و مهلتم ندهید.

إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمْ
مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ
بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَىٰ صِرَاطٍ
مُسْتَقِيمٍ ﴿٥٧﴾

من بر الله که پروردگار من و شماست
توکل کرده‌ام. هیچ جنبنده‌ای نیست، مگر
اینکه در حیطة قدرت و فرمانروایی اوست.
بی‌تردید، پروردگارم بر راه راست است.

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ مَا

[پس اگر روی بگردانید، [بدانید که] من

یقیناً آنچه را که به خاطر آن به سوی شما فرستاده شده‌ام به شما رساندم؛ و پروردگار من، قومی غیر از شما را جانشین [تان] می‌کند و شما نمی‌توانید هیچ زبانی به او برسانید [چرا که] بی‌تردید، پروردگارم بر همه چیز، نگهبان است».

أُرْسِلْتُ بِهِ إِلَيْكُمْ وَيَسْتَخْلِفُ رَبِّي قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّونَهُ شَيْئًا إِنَّ رَبِّي عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَفِيفٌ ﴿٥٧﴾

(۵۸) و هنگامی که فرمان [عذاب] ما فرارسید، هود و کسانی را که همراهش ایمان آورده بودند، به رحمتی از [جانب] خویش نجات دادیم و آنان را از عذاب سخت رهاندم.

وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا هُودًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَنَجَّيْنَاهُم مِّنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ ﴿٥٨﴾

(۵۹) و این [قوم] عاد بودند که آیات پروردگارشان را انکار کردند و از پیامبرانش نافرمانی نمودند و از فرمان هر سرکش ستیزه‌گری پیروی کردند.

وَتِلْكَ عَادٌ جَحَدُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَعَصَوْا رُسُلَهُ وَاتَّبَعُوا أَمْرَ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ ﴿٥٩﴾

(۶۰) و در این دنیا و روز قیامت [نیز] لعنتی به دنبالشان است. آگاه باشید! قوم عاد به پروردگارشان کفر ورزیدند. هان! عاد - قوم هود- [از رحمت الهی] دور باد!

وَاتَّبِعُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ ۗ أَلَا إِنَّ عَادًا كَفَرُوا رَبَّهُمْ ۗ أَلَا بَعْدَ لِعَادٍ قَوْمِ هُودٍ ﴿٦٠﴾

(۶۱) و به سوی [قوم] ثمود، برادرشان - صالح - را [فرستادیم]. او گفت: «ای قوم من، الله را عبادت کنید که جز او معبودی [به‌حق] ندارید. او شما را از زمین پدید آورد و آبادانی آن را به شما واگذاشت؛ پس از او آمرزش بطلبید سپس

وَإِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَاقَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنِّي إِلَهٍ غَيْرُهُ ۗ هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَأَسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا

به سویس بازگردید [و توبه کنید]. بی تردید، پروردگارم نزدیک [و] اجابتگر است».

فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُّجِيبٌ ﴿٦١﴾

(۶۲) آنان گفتند: «ای صالح، پیش از این، تو میان ما مایه امیدواری بودی. آیا ما را از عبادت آنچه پدرانمان عبادت می کردند باز می داری؟ و به راستی، ما از آنچه که ما را به سوی آن دعوت می کنی، سخت تردید داریم».

قَالُوا يَصْلِحُ قَدْ كُنْتَ فِينَا مَرْجُوًّا قَبْلَ هَذَا أَتَنْهَنَّا أَنْ نَعْبُدَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا وَإِنَّا لَفِي شَكٍّ مِّمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ مُرِيبٍ ﴿٦٢﴾

(۶۳) [صالح] گفت: «ای قوم من، به من بگوئید [که] اگر از سوی پروردگارم دلیل [و معجزه] آشکاری داشته باشم و او از جانب خویش رحمتی [= نبوت] به من بخشیده باشد، اگر از او نافرمانی کنم، چه کسی مرا در برابر الله یاری می کند؟ [آنگاه] شما جز [گمراهی و] زیانکاری، [چیزی] بر من نمی افزایید.

قَالَ يَقَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّي وَعَآئِنِي مِنْهُ رَحْمَةً فَمَنْ يَنْصُرُنِي مِنَ اللَّهِ إِنْ عَصَيْتُهُ فَمَا تَزِيدُونَنِي غَيْرَ نَخْسِيرٍ ﴿٦٣﴾

(۶۴) ای قوم من، این ماده شترِ الله است که برای شما نشانه ای است [بر درستی دعوتم]؛ پس بگذارید تا در زمینِ الله بچرد و آزاری به او نرسانید که [در غیر این صورت]، غذایی زودرس شما را فرامی گیرد».

وَيَقَوْمِ هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةٌ فَذَرُوهَا تَأْكُلْ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمْسُوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذْكُمْ عَذَابٌ قَرِيبٌ ﴿٦٤﴾

(۶۵) اما آن [ماده شتر] را پی کردند؛ آنگاه [صالح به آنان] گفت: «سه روز در خانه هایتان [از نعمت های دنیا] بهره مند گردید [و پس از

فَعَقَرُوهَا فَقَالَ تَمَتَّعُوا فِي دَارِكُمْ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ ذَٰلِكَ وَعَدُّ غَيْرُ مَكْدُوبٍ ﴿٦٥﴾

آن، عذاب خواهد آمد]. این وعده‌ای است که دروغ نخواهد بود».

فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَحْنِینَا صَالِحًا
وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا
وَمِنْ خِزْيِ یَوْمِئِذٍ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ
الْقَوِیُّ الْعَزِیزُ ﴿٦٦﴾

(۶۶) پس چون فرمان [عذاب] ما فرارسید، صالح و کسانی را که همراهش ایمان آورده بودند به رحمتی از [جانب] خویش از [عذاب] و رسوایی آن روز نجات دادیم. بی‌گمان، پروردگارت همان توانمند شکست‌ناپذیر است.

وَأَخَذَ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّیْحَةَ
فَأَصْبَحُوا فِی دِیْرِهِمْ جَثِیمِینَ ﴿٦٧﴾

(۶۷) و کسانی را که ستم کرده بودند، بانگی [مرگبار] فرورگرفت؛ و در جای خویش به روی افتادند و هلاک شدند.

كَأَن لَّمْ یَعْنُوا فِیْهَا ءَلَا إِنَّا ثُمُودًا
كَفَرُوا رَبَّهُمْ ءَلَا بُعْدًا
لِثُمُودَ ﴿٦٨﴾

(۶۸) چنان که گویی هرگز در آن [دیوار] نبوده‌اند. آگاه باشید! [قوم] ثمود به پروردگارشان کفر ورزیدند. هان! ثمود [از رحمت الهی] دور باد!

وَلَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِیمَ
بِالْبَشْرَى قَالُوا سَلَمًا قَالَ سَلَمٌ
فَمَا لَبِثَ أَنْ جَاءَ بِعِجْلٍ
حَنِیدٍ ﴿٦٩﴾

(۶۹) به راستی، فرستادگان ما با بشارت [تولد فرزند] نزد ابراهیم آمدند [و] گفتند: «سلام [بر تو]». [او نیز در پاسخ] گفت: «سلام [بر شما]» و دیری نپایید که [ابراهیم برایشان] گوساله‌ای بریان آورد.

فَلَمَّا رءَا أَیْدِیْهِمْ لَا تَصِلُ إِلَیْهِ
نَكِرَهُمْ وَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِیفَةً
قَالُوا لَا تَخَفْ إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَى قَوْمٍ

(۷۰) اما چون دید به سوی آن [غذا] دست نمی‌برند [و چیزی نمی‌خورند]، با آنان احساس بیگانگی کرد و [از بیم آنکه قصد جاننش را

لُوطٍ ﴿٧٠﴾

داشته باشند،] ترسی از آنان به دل گرفت. [فرشتگان] گفتند: «ترس؛ ما به سوی قوم لوط فرستاده شده‌ایم».

وَأَمْرَأَتُهُ قَانِئَةً فَضَحِكَتْ ﴿٧١﴾ و همسرش [ساره که پشت پرده] ایستاده بود، [از شنیدن مژده تولد فرزند] خندید؛ آنگاه او را به اسحاق و پس از او به یعقوب بشارت دادیم.

قَالَتْ يَوَيْلَآءِ أَلِدُ وَأَنَا عَجُوزٌ ﴿٧٢﴾ [ساره] گفت: «ای وای بر من! آیا در حالی که خودم پیرزنم و این شوهرم پیرمردی [فرتوت] است، فرزند می‌زایم؟ به راستی، این امری شگفت‌آور است».

قَالُوا أَتَعْجَبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ ﴿٧٣﴾ [فرشتگان] گفتند: «آیا از فرمان الله تعجب می‌کنی؟ رحمت الله و برکاتش بر شما اهل خانه [نبوت] باد. بی‌تردید، او [تعالی] در ذات و صفات و افعالش [ستوده‌ای بزرگوار است».

فَلَمَّا ذَهَبَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ الرَّوْعُ ﴿٧٤﴾ هنگامی که ترس از [دل] ابراهیم [بیرون] رفت و بشارت [تولد فرزند] به او رسید، درباره [تأخیر عذاب یا نجات مؤمنان] قوم لوط با ما به بحث [و چون و چرا] پرداخت.

إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَحَلِيمٌ أَوَّاهٌ مُنِيبٌ ﴿٧٥﴾ [ساره] گفت: «ای وای بر من! آیا از فرمان الله تعجب می‌کنی؟ رحمت الله و برکاتش بر شما اهل خانه [نبوت] باد. بی‌تردید، او [تعالی] در ذات و صفات و افعالش [ستوده‌ای بزرگوار است».

نیاشگر و بازآینده [به درگاه ما] بود.

يَا اِبْرَاهِيْمُ اَعْرِضْ عَن هٰذَا اِنَّهٗ
 قَدْ جَاءَ اَمْرٌ رَبِّكَ وَاِنَّهُمْ
 عَذَابٌ غَيْرُ مَرْدُوْدٍ ﴿٧٦﴾

(۷۶) [فرشتگان گفتند:] «ای ابراهیم، از این [سخن] بگذر؛ [چرا که] به راستی فرمان [عذاب] پروردگارت فرارسیده است و مسلماً عذابی بازگشت‌ناپذیر برایشان خواهد آمد».

وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوْطًا سِیْءَ
 بِهٖمْ وَصَاقٍ بِهٖمْ ذَرَعًا وَقَالَ هٰذَا
 یَوْمٌ عَصِیْبٌ ﴿٧٧﴾

(۷۷) و چون فرستادگان ما نزد لوط آمدند، از [تصور بی‌شرمی قومش نسبت به] آنان نگران و دلتنگ شد و گفت: «امروز، روز بسیار سختی است».

وَجَاءَهُ قَوْمُهُ یُهْرَعُونَ اِلَیْهِ وَمِن
 قَبْلُ كَانُوْا یَعْمَلُوْنَ السَّیِّئَاتِ قَالَ
 یَقَوْمِ هٰؤُلَاءِ بَنَاتِی هُنَّ اَظْهَرُ
 لَكُمْ فَاتَّقُوا اللّٰهَ وَلَا تُخْزَوْنِ فِی
 صَیْفِی اَلِیْسَ مِنْكُمْ رَجُلٌ
 رَّشِیْدٌ ﴿٧٨﴾

(۷۸) و قوم او شتابان [به قصد کامجویی از مهمانان لوط] به سوی [خانه] او هجوم آوردند، در حالی که پیش از آن [نیز] مرتکب کارهای زشتی می‌شدند. [لوط] گفت: «ای قوم من، اینان دختران [= زنان] امت من هستند؛ [با آنها ازدواج کنید]. آنان برای شما پاکیزه‌ترند؛ پس از الله بترسید و مرا در [مقابل] مهمانانم شرمسار نکنید. آیا بین شما مرد خردمندی نیست [که شما را از این کار بازدارد]؟».

قَالُوْا لَقَدْ عَلِمْتِ مَا لَنَا فِی
 بَنَاتِكَ مِنْ حَقِّ وَاِنَّكَ لَتَعْلَمُ مَا
 نُرِیْدُ ﴿٧٩﴾

(۷۹) آنان گفتند: «تو خود می‌دانی که ما به دختران [= زنان] امت تو نیازی نداریم و خوب می‌دانی که ما چه می‌خواهیم».

قَالَ لَوْ اَنَّ لِیْ بِكُمْ قُوَّةٌ اَوْ اٰوِیٔ
 دَاسْتُمْ یَا مِیْ تَوَاسْتُمْ بِهٖ تَکِیْهَ گَآهَیْ اَسْتَوَار

(۸۰) [لوط] گفت: «کاش در برابر شما قدرتی داشتم یا می‌توانستم به تکیه‌گاهی استوار

[همچون خانواده و قبیله‌ام] پناه ببرم».

إِلَىٰ رُكْنٍ شَدِيدٍ ﴿۸۰﴾

(۸۱) [فرشتگان] گفتند: «ای لوط، ما فرستادگان پروردگارت هستیم. آنان هرگز به تو دست نمی‌یابند؛ خانواده‌ات را در پاسی از شب، [از این شهر بیرون] ببر و هیچ یک از شما به پشت سر نگاه نکند؛ مگر همسرت که آنچه [از عذاب] که به آنان می‌رسد، قطعاً به او [نیز] خواهد رسید. در حقیقت، وعده‌گاهشان صبح است. آیا صبح نزدیک نیست؟»

قَالُوا يَلُوطُ إِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ لَنْ يَصِلُوا إِلَيْكَ فَأَسْرِبْ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِّنَ اللَّيْلِ وَلَا يَلْتَفِتْ مِنكُمْ أَحَدٌ إِلَّا أَمْرَاتُكَ إِنَّهُ مُصِيبُهَا مَا أَصَابَهُمْ إِنَّ مَوْعِدَهُمُ الصُّبْحُ أَلَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ ﴿۸۱﴾

(۸۲) هنگامی که فرمان ما فرارسید، آن [سرزمین] را زیر و رو کردیم و بر آنان سنگ‌گلهایی پیاپی باریدیم.

فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا جَعَلْنَا عَلِيَّهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهَا حِجَارَةً مِّن سِجِّيلٍ مَّنصُودٍ ﴿۸۲﴾

(۸۳) [سنگ‌هایی که] نزد پروردگارت نشاندار بود؛ و این [عذاب دردناک،] از ستمکاران [دیگر] دور نیست.

مُسَوَّمَةٌ عِنْدَ رَبِّكَ ۖ وَمَا هِيَ مِنَ الظَّالِمِينَ بِبَعِيدٍ ﴿۸۳﴾

(۸۴) و به سوی [مردم] مدین، برادرشان شعیب را [فرستادیم]. او گفت: «ای قوم من، الله را عبادت کنید که معبودی [به‌حق] جز او ندارید؛ و پیمان‌ه و میزان را کم نکنید. به راستی، شما را در نعمت می‌بینم؛ ولی [از عذاب روز فراگیر بر شما می‌ترسم.

وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يٰقَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِن إِلَهٍ غَيْرُهُ ۖ وَلَا تَتَّقُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ ۖ إِنِّي أَرَاكُمْ بِخَيْرٍ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ

مُحِيطٍ ﴿۸۴﴾

(٨٥) و ای قوم من، پیمانۀ و میزان را با عدالت، تمام [و کامل] بپردازید و کالاهای مردم را کم ندهید و در زمین به فساد [و گناه] نکوشید.

مُفْسِدِينَ ﴿٨٥﴾

(٨٦) اگر ایمان داشته باشید، آنچه [از کسب حلال که] الله [پس از تحویل کامل پیمانۀ و ترازو]، برایتان باقی می‌گذارد بهتر است؛ و من بر شما نگهبان نیستم».

بِحَفِيظٍ ﴿٨٦﴾

(٨٧) آنان گفتند: «ای شعیب، آیا نمازت تو را بر آن می‌دارد که [به ما امر کنی تا] دست از آنچه پدرانمان عبادت می‌کردند برداریم یا در اموالمان هر کاری که می‌خواهیم نکنیم؟ تو که بردبار [و خردمندی] پس چرا چنین می‌گویی؟».

لَأَنْتَ الْحَلِيمُ الرَّشِيدُ ﴿٨٧﴾

(٨٨) [شعیب] گفت: «ای قوم من، به من بگویید [که] اگر از سوی پروردگارم دلیل [و معجزه] آشکاری داشته باشم و از جانب خویش روزی نیکویی به من عطا کرده باشد، [آنگاه چه می‌کنید؟] و من نمی‌خواهم در آنچه شما را از آن باز می‌دارم با شما مخالفت کنم [و خودم انجامش دهم]. تا آنجا که در توان دارم، جز اصلاح نمی‌خواهم؛ و توفیق من، جز به [لطف و خواست] الله نیست؛ بر او توکل کرده‌ام و به سوی او باز می‌گردم.

وَالِيهِ أُنِيبُ ﴿٨٨﴾

وَيَقَوْمٌ لَا يَجْرِمَتَكُمْ شِقَاقِي أَنْ يُصِيبَكُمْ مِثْلَ مَا أَصَابَ قَوْمَ نُوحٍ أَوْ قَوْمَ هُودٍ أَوْ قَوْمَ صَالِحٍ وَمَا قَوْمَ لُوطٍ مِّنْكُمْ بِبَعِيدٍ ﴿٨٩﴾

(۸۹) و ای قوم من، دشمنی [و مخالفت] با من سبب نشود که همانند آنچه که به قوم نوح یا قوم هود یا قوم صالح رسید، به شما [نیز] برسد؛ و [به خصوص عذاب] قوم لوط [که از لحاظ زمان و مکان] چندان از شما دور نیست.

وَأَسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ ﴿٩٠﴾

(۹۰) و از پروردگارتان آمرزش بخواهید؛ سپس به سوی او بازگردید [و توبه کنید که] بی تردید، پروردگارم مهربان [و] دوستدار [توبه‌کنندگان] است.»

قَالُوا يَشْعِيبُ مَا نَفَقَهُ كَثِيرًا مِّمَّا تَقُولُ وَإِنَّا لَنَرِيكَ فِينَا ضَعِيفًا وَلَوْلَا رَهْطُكَ لَرَجَمْنَاكَ وَمَا أَنْتَ عَلَيْنَا بِعِزِيزٍ ﴿٩١﴾

(۹۱) آنان گفتند: «ای شعیب، بسیاری از آنچه را که می‌گویی نمی‌فهمیم و یقیناً تو را در میان خود ناتوان می‌بینیم؛ و اگر [احترام] قبیله‌ات نبود، مسلماً سنگسارت می‌کردیم و تو نزد ما توانمند [و گرانقدر] نیستی.»

قَالَ يَقَوْمِ أَرْهَطِي أَعَزُّ عَلَيْكُمْ مِّنَ اللَّهِ وَاتَّخَذْتُمُوهُ وَرَاءَكُمْ ظُهْرِيًّا إِنَّ رَبِّي بِمَا تَعْمَلُونَ مُحِيطٌ ﴿٩٢﴾

(۹۲) [شعیب] گفت: «ای قوم من، آیا قبیله‌ام نزد شما گرامی‌تر از الله است که [فرمان] او را [فراموش کردید و] پشت سر خویش انداخته‌اید. بی‌تردید، پروردگارم به آنچه انجام می‌دهید احاطه دارد.»

وَيَقَوْمٌ أَعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَمِلٌ سَوْفٌ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُجْزِيهِ وَمَنْ هُوَ

(۹۳) و ای قوم من، شما به روش خود عمل کنید، من نیز [به روش خود] عمل می‌کنم. به زودی خواهید دانست که عذاب رسواکننده بر

كَذِبٌ ۖ وَارْتَقِبُوا إِنِّي مَعَكُمْ رَقِيبٌ ﴿٩٣﴾
 چه کسی فرود می‌آید و دروغگو کیست. شما منتظر باشید و من [نیز] با شما در انتظارم.

وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا شُعَيْبًا ۖ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا ۖ وَأَخَذتِ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةَ فَأَصْبَحُوا فِي دِيرِهِمْ جَثَمِينَ ﴿٩٤﴾
 و چون فرمان ما فرارسید، شعیب و کسانی را که همراهش ایمان آورده بودند، به رحمتی از [جانب] خویش نجات دادیم و کسانی را که ستم کردند، بانگی [مرگبار] فروگرفت، که در جای خود به روی افتادند و هلاک شدند؛

كَأَن لَّمْ يَغْنَوْا فِيهَا ۖ آلَا بُعْدًا لِّمَدْيَنَ كَمَا بَعَدتْ ثَمُودُ ﴿٩٥﴾
 آن [دیوار] نبودند. هان! [قوم] مدین [از رحمت الهی] دور باد! چنان که [قوم] ثمود دور شدند.

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا ۖ وَسُلْطٰنٍ مُّبِينٍ ﴿٩٦﴾
 و به راستی موسی را با آیات خود و دلیلی آشکار فرستادیم.

إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ ۖ فَاتَّبَعُوا أَمْرَ فِرْعَوْنَ ۖ وَمَا أَمْرُ فِرْعَوْنَ بِرَشِيدٍ ﴿٩٧﴾
 به سوی فرعون و بزرگان [و اشراف قوم] او؛ اما آنان از فرمان فرعون پیروی کردند و فرمان فرعون درست [و بخردانه] نبود.

يَقْدُمُ قَوْمَهُ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ ۖ وَبِئْسَ الْوَرْدُ الْمَوْرُودُ ﴿٩٨﴾
 می‌رود و آنان را به آتش [دوزخ] وارد می‌کند؛ و چه بد جایگاهی است که به آن وارد می‌شوند!

وَأَتَّبَعُوا فِي هٰذِهِ لَعَنَةً وَيَوْمَ ۖ

دنبال دارند و چه بد ارمغانی به آنان می‌بخشند! ﴿٩٩﴾

دَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْفَرَىٰ نَقُصُّهُ ۗ
عَلَيْكَ مِنْهَا فَايْمٌ وَحَصِيدٌ ﴿١٠٠﴾

(۱۰۰) [ای پیامبر، این [برخی] از خبرهای آن [سرزمین‌ها و] شهرهاست که آنها را برایت بازگو می‌کنیم؛ برخی از آنها [هنوز] پابرجاست و [برخی دیگر] ویران [گشته است].

وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ ظَلَمُوا
أَنْفُسَهُمْ ۖ فَمَا أَغْنَتْ عَنْهُمْ
عَالِهَتُهُمُ الَّتِي يَدْعُونَ مِنْ دُونِ
اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ لَمَّا جَاءَ أَمْرُ رَبِّكَ ۗ
وَمَا زَادُوهُمْ غَيْرَ تَتْبِيبٍ ﴿١٠١﴾

(۱۰۱) و ما به آنان ستم نکردیم؛ بلکه آنان [خود] به خویشتن ستم کردند؛ و هنگامی که فرمان پروردگارت [برای عذابشان] فرارسید، معبودانشان که [آنها را] به جای الله می‌خواندند، سودی برایشان نرساندند [و یاری‌شان ندادند] و بر آنان جز هلاکت [و تباهی] نیفزودند.

وَكَذَلِكَ أَخْذُ رَبِّكَ إِذَا أَخَذَ
الْفَرَىٰ وَهِيَ ظَلِيمَةٌ ۖ إِنَّ أَخَذَهُ
أَلِيمٌ شَدِيدٌ ﴿١٠٢﴾

(۱۰۲) و چنین است بازخواستِ پروردگارت که اهالی شهرهایی را که ستمکار [و مشرک] بودند فرومی‌گرفت. بی‌گمان، بازخواستِ او دردناک و سخت است.

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّمَنْ خَافَ
عَذَابَ الْآخِرَةِ ۚ ذَلِكَ يَوْمٌ مَّجْمُوعٌ
لَّهُ النَّاسُ وَذَلِكَ يَوْمٌ مَّشْهُودٌ ﴿١٠٣﴾

(۱۰۳) یقیناً در این [داستان‌ها، پند و] نشانه‌ای است برای کسی که از عذاب آخرت می‌ترسد. آن [روز]، روزی است که مردم را برای [حسابرسی] در [آن جمع می‌کنند و آن [روز]، روزی است که [تمام اهل محشر] آن را می‌بینند.

وَمَا نُؤَخِّرُهُ ۖ إِلَّا لِأَجَلٍ
مَّعْدُودٍ ﴿١٠٤﴾

(۱۰۴) و ما آن [روز] را جز تا مدتی معین به تأخیر نمی‌اندازیم.

يَوْمَ يَأْتِ لَا تَكَلِّمُنَّ نَفْسًا إِلَّا
بِإِذْنِهِ فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَسَعِيدٌ ﴿١٠٥﴾

(١٠٥) وقتی این روز فرا رسد هیچ کس جز به اجازه او [= الله] سخن نمی گوید؛ [در آن روز] برخی از آنان بدبختند و [برخی دیگر] نیکبخت.

فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُوا فِيهِ النَّارُ لَهُمْ
فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ ﴿١٠٦﴾

(١٠٦) اما کسانی که بدبخت شدند، [دوزخی اند و] در آتش [با هر دم و بازدمی] ضجه و ناله‌ای برایشان است.

خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَوَاتُ
وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ إِنَّ
رَبَّكَ فَعَّالٌ لِّمَا يُرِيدُ ﴿١٠٧﴾

(١٠٧) تا آسمان‌ها و زمین [باقی] است، در آن [عذاب] جاودانند؛ مگر آنکه پروردگارت بخواهد [که موحدان گناهکار را از دوزخ خارج سازد]. بی‌تردید، پروردگارت آنچه را که بخواهد انجام می‌دهد.

وَإِنَّمَا الَّذِينَ سَعَدُوا فِيهِ الْجَنَّةِ
خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَوَاتُ
وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءٌ
غَيْرٌ مَّجْدُودٍ ﴿١٠٨﴾

(١٠٨) و اما کسانی که نیکبخت [و سعادتمند] شدند، تا آسمان‌ها و زمین [باقی] است، جاودانه در بهشتند؛ مگر آنکه پروردگارت بخواهد [موحدان گناهکار را پیش از ورود به بهشت، در دوزخ مجازات کند. این نعمت،] بخشی بی‌پایان است.

فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِّمَّا يَعْبُدُ
هَؤُلَاءِ مَا يَعْبُدُونَ إِلَّا كَمَا
يَعْبُدُ آبَاؤَهُمْ مِنْ قَبْلُ وَإِنَّا
لَمُوقِفُهُمْ نَصِيبُهُمْ غَيْرَ
مَنْقُوصٍ ﴿١٠٩﴾

(١٠٩) پس، از [باطل بودن] آنچه اینان [= مشرکان] عبادت می‌کنند در تردید نباش. آنان این معبودان را عبادت نمی‌کنند مگر به [تقلید و] همان شکلی که پدرانشان [نیز] پیشتر عبادت می‌کردند؛ و ما سهمشان را [از عذاب] بی‌کم‌وکاست به آنان خواهیم داد.

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ (۱۱۰) و به راستی [ما] به موسی کتاب دادیم؛ سپس در آن اختلاف شد؛ و اگر پیشتر [در مورد مهلت به گناهکاران و حسابرسی در قیامت] سخنی از جانب پروردگارت بیان نشده بود، یقیناً [در همین دنیا] در میانشان داوری می شد [و عذاب نازل می گشت]؛ و به راستی که آنان [= یهود و مشرکان] درباره [حقانیت] این [قرآن] سخت در تردیدند.

وَإِنَّ كَلًّا لَّمَّا لِيُوقِيَهُمْ رَبُّكَ أَعْمَلَهُمْ ۗ إِنَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿۱۱۱﴾ (۱۱۱) و پروردگارت [پاداش] اعمال همگان را قطعاً بی کم و کاست خواهد داد. بی تردید، او به آنچه می کنند آگاه است.

فَأَسْتَقِمَّ كَمَا أَمَرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْعَوْا ۗ إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿۱۱۲﴾ (۱۱۲) پس [ای پیامبر]، چنان که فرمان یافته‌ای، [در برابر مشرکان] استقامت کن و کسی که همراه تو [به پیشگاه الهی] روی آورده است [نیز باید در دینداری استقامت کند] و [از حدود الهی] تجاوز نکنید. بی تردید، او به آنچه می کنید بیناست.

وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ۗ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ ﴿۱۱۳﴾ (۱۱۳) به کسانی که ستم کردند [= کافران] گرایش نیابید که [اگر چنین کنید]، آتش [دوزخ] به شما نیز خواهد رسید و در برابر الله [هیچ] دوستی ندارید و آنگاه یاری نمی شوید.

وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَزُلْفًا
مِّنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ
السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرِي
لِلذَّكِرِينَ ﴿١١٤﴾

(۱۱۴) و در دو طرف روز [= آغاز و پایان روز] و ساعاتی از شب، نماز بگزار. بی‌تردید، نیکی‌ها بدی‌ها را از بین می‌برد. این [سخن]، پندی است برای پندپذیران.

وَأَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ
الْمُحْسِنِينَ ﴿١١٥﴾

(۱۱۵) و شکیبایی کن [که] بی‌تردید، الله پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌کند.

فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِن
قَبْلِكُمْ أُولُوا بَقِيَّةَ يَنَّهُوْنَ عَنِ
الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا
مِّمَّنْ أَنجَيْنَا مِنْهُمْ وَاتَّبَعَ الَّذِينَ
ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ وَكَانُوا
جُورِمِينَ ﴿١١٦﴾

(۱۱۶) پس چرا در میان امت‌های پیش از شما - جز اندکی از کسانی که آنان را [از عذاب] نجات دادیم - [مؤمنان و] خردمندانی نبودند که [مردم را] از فساد در زمین بازدارند؟ و کسانی که ستم کردند، به دنبال ناز و نعمتی که یافته بودند رفتند و گناهکار بودند.

وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرَى
بِظُلْمٍ وَأَهْلِهَا مُصْلِحُونَ ﴿١١٧﴾

(۱۱۷) و [سنت] پروردگارت [هرگز] چنین نبوده است که شهرها را - در حالی که ساکنانش [افرادی] نیکوکار بودند - به ستم نابود کند.

وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً
وَّاحِدَةً ۗ وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ ﴿١١٨﴾

(۱۱۸) و اگر پروردگارت می‌خواست، [همه] مردم را یک امت [موحد و درستکار] قرار می‌داد؛ ولی [انان] همواره مختلفند.

إِلَّا مَن رَّحِمَ رَبُّكَ ۗ وَلِذَلِكَ

(۱۱۹) مگر کسانی که پروردگارت به آنان رحم

حَلَقَهُمْ^{۱۱۹} وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ
 لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْ الْجِنَّةِ
 وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ﴿۱۱۹﴾

کرده باشد و به همین هدف [آزمودن به وسیله
 اختلاف] آنان را آفریده است؛ و وعده
 پروردگارت [چنین] تحقق پذیرفته است [که]:
 «قطعاً دوزخ را از جن و انسان [گناهکار]
 انباشته خواهم ساخت».

وَكَلَّا نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ
 الرُّسُلِ مَا نُثَبِّتُ بِهِ فُؤَادَكَ
 وَجَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقُّ وَمَوْعِظَةٌ
 وَذِكْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿۱۲۰﴾

(۱۲۰) و [ای محمد،] از اخبار پیامبران این
 همه را بر تو حکایت می‌کنیم تا دلت را با
 [بیان] آنها ثبات [و آرامش] بخشیم؛ و در این
 [سرگذشت‌ها] حقیقت برایت آمده است و [این
 داستان‌ها] پندی است [برای کافران] و تذکری
 است برای مؤمنان.

وَقُلْ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ أَعْمَلُوا
 عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنَّا عَمِلُونَ ﴿۱۲۱﴾

(۱۲۱) و به کسانی که ایمان نمی‌آورند بگو:
 «شما به روش خود عمل کنید، ما [نیز به
 شیوه خود] عمل می‌کنیم».

وَأَنْتَظِرُونَ إِنَّا مُنْتَظِرُونَ ﴿۱۲۲﴾

(۱۲۲) و منتظر باشید [که] بی‌تردید، ما [نیز]
 منتظریم».

وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
 وَإِلَيْهِ يُرْجَعُ الْأُمُورُ كُلُّهُ فَاَعْبُدْهُ
 وَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ
 عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿۱۲۳﴾

(۱۲۳) و [آگاهی از] غیب آسمان‌ها و زمین، از
 آنِ الله است و همه کارها به سوی او بازگردانده
 می‌شود؛ پس او را عبادت کن و بر او توکل نما؛
 و پروردگارت از آنچه می‌کنید [هرگز] غافل
 نیست.

سُورَةُ يُوسُفَ

سورة يوسف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

الرَّ تِلْكَ ءَايَاتُ الْكِتَابِ ۝ (۱) الر [= الف. لام. را]. این آیات کتاب
الْمُبِينِ ۝^۱ روشنگر است.

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ ۝ (۲) ما آن را قرآنی [به زبان] عربی نازل کردیم؛
تَعْقِلُونَ ۝^۲ باشد که [در مفاهیم] بیندیشید.

نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ ۝ (۳) [ای پیامبر] ما بهترین داستانها را با
الْقَصَصِ بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ هَذَا ۝ وحی کردن این قرآن بر تو حکایت می‌کنیم؛ و
الْقُرْآنَ وَإِنْ كُنْتَ مِنْ قَبْلِهِ ۝ مسلماً پیشتر تو [از این داستانها] بی‌خبر
لِمَنِ الْعَافِلِينَ ۝^۳ بودی.

إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي ۝ (۴) [یاد کن از] هنگامی که یوسف به پدرش
رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا ۝ [یعقوب] گفت: «پدر جان، من [در خواب]
وَالشَّمْسِ وَالْقَمَرِ رَأَيْتَهُمْ لِي ۝ یازده ستاره و خورشید و ماه دیدم. آنها را دیدم
سَاجِدِينَ ۝^۴ که برایم سجده می‌کردند».

قَالَ يَبْنَئُ لَا تَقْصُصْ رُءْيَاكَ عَلَيَّ ۝ (۵) [یعقوب] گفت: «پسر، خوابت را به
إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا إِنَّ ۝ برادران خویش بازگو نکن که نیرنگی برایت
الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُبِينٌ ۝ می‌اندیشند؛ [چرا که] بی‌تردید، شیطان دشمن
آشکاری برای انسان است.

وَكَذَلِكَ يَجْتَبِيكَ رَبُّكَ وَيُعَلِّمُكَ
 مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَيُتِمُّ
 نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ آلِ يَعْقُوبَ
 كَمَا أَتَمَّهَا عَلَىٰ أَبَوَيْكَ مِنْ قَبْلُ
 إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبَّكَ عَلِيمٌ
 حَكِيمٌ ﴿٦﴾

﴿٦﴾ وَكَذَلِكَ يَجْتَبِيكَ رَبُّكَ وَيُعَلِّمُكَ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَيُتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ آلِ يَعْقُوبَ كَمَا أَتَمَّهَا عَلَىٰ أَبَوَيْكَ مِنْ قَبْلُ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبَّكَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٦﴾

﴿٧﴾ بِه راستی که در [داستان] یوسف و برادرانش، برای پُرسشگران [درباره] یوسف، عبرت‌ها و [نشانه‌هاست].

﴿٨﴾ أَنْگَاهِ که [برادرانش به یکدیگر] گفتند: «یوسف و برادرش [بنیامین] نزد پدرمان از ما محبوب‌ترند؛ در حالی که ما یک گروه [نیرومند] هستیم. حقا که پدرمان [با این مهرورزی بی‌دلیل] در گمراهی آشکاری است.»

أَفْتُلُوهَا يُوسُفَ أَوْ اطْرَحُوهُ أَرْضًا يَخْلُ لَكُمْ وَجْهَ أَبِيكُمْ وَتَكُونُوا مِنْ بَعْدِهِ قَوْمًا صَالِحِينَ ﴿٩﴾

﴿٩﴾ [یکی از برادران گفت:] «یوسف را بکشید یا او را به سرزمینی [دوردست] بیفکنید تا توجه پدرتان فقط به [سوی] شما باشد و پس از آن [توبه کنید و] افرادی شایسته باشید.»

﴿١٠﴾ یکی [دیگر] از آنان گفت: «یوسف را نکشید و اگر [می‌خواهید] کاری انجام دهید، او را در قعر چاه بیندازید تا برخی از مسافران

بَعْضُ السَّيَّارَةِ إِنْ كُنْتُمْ
[کاروان] او را برگیرند [و با خود به جایی دور
ببرند]».

فَلَعَلَّيْنِ ﴿۱۰﴾

قَالُوا يَا أَبَانَا مَا لَكَ لَا تَأْمَنَّا عَلَى
[سپس نزد یعقوب رفتند] و گفتند: «پدر
یوسف وَإِنَّا لَهُ لَنَنْصِحُونَ ﴿۱۱﴾
جان، چرا ما را بر یوسف امین نمی‌شماری؛
حال آنکه ما خیر خواهش هستیم؟

أَرْسَلَهُ مَعَنَا غَدًا يَرْتَعُ وَيَلْعَبُ
[۱۲] فردا او را با ما [به دشت] بفرست تا [در
وَأِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ ﴿۱۲﴾
چمنزارها و گلزارها] بگردد و بازی کند؛ و ما به
خوبی مراقب او هستیم».

قَالَ إِنِّي لَيَحْزُنُنِي أَنْ تَذْهَبُوا بِهِ
[۱۳] [یعقوب] گفت: «اینکه او را ببرید، مرا
وَأَخَافُ أَنْ يَأْكُلَهُ الدِّبُّ
اندوهگین می‌کند و از این می‌ترسم که گرگ او
وَأَنْتُمْ عَنْهُ غَافِلُونَ ﴿۱۳﴾
را بخورد و شما از او غافل باشید».

قَالُوا لَئِنْ أَكَلَهُ الدِّبُّ وَوَحْنُ
[۱۴] آنان گفتند: «با وجود اینکه ما یک گروه
عُصْبَةٍ إِنَّا إِذَا لَلْخَسِرُونَ ﴿۱۴﴾
[نیرومند] هستیم، اگر [اجازه دهیم که] گرگ
او را بخورد، قطعاً زیانکار خواهیم بود».

فَلَمَّا ذَهَبُوا بِهِ وَاجْمَعُوا أَنْ
[۱۵] هنگامی که او را [همراه خود] بردند و
يَجْعَلُوهُ فِي غِيَابَتِ الْجُبِّ
همدست شدند که او را در قعر چاه بیندازند،
وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ لَتُنَبِّئَنَّهُمْ بِأَمْرِهِمْ
به او وحی کردیم که: «[سرانجام] قطعاً آنان را
از در حالی که هیچ [درباره‌ات] نمی‌دانند، از
[چند و چون] این کارشان آگاه خواهی
ساخت».

وَجَاءَ وَآبَاهُمُ عِشَاءً يَبْكَونَ ﴿۱۶﴾ و شبانگاه، گریه‌کنان نزد پدرشان آمدند.

قَالُوا يَا أَبَانَا إِنَّا ذَهَبْنَا نَسْتَبِقُ
وَتَرَكَنَا يُوسُفَ عِنْدَ مَتْلَعِنَا
فَأَكَلَهُ الذِّبْءُ وَمَا أَنْتَ بِمُؤْمِنٍ
لَنَا وَلَوْ كُنَّا صَادِقِينَ ﴿۱۷﴾

(۱۷) گفتند: «پدرجان، ما [دورتر] رفتیم که مسابقه دهیم و یوسف را نزد اثاث خود گذاشتیم که گرگ او را خورد؛ و هر چند که راستگو باشیم، تو [هرگز سخن] ما را باور نخواهی کرد».

وَجَاءُوا عَلَى قَمِيصِهِ بِدَمٍ كَذِبٍ
قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ
أَمْرًا فَصَبْرٌ جَمِيلٌ وَاللَّهُ
الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ ﴿۱۸﴾

(۱۸) و پیراهن او را [آغشته] با خونی دروغین [برای یعقوب] آوردند. [او] گفت: «[چنین نیست؛] بلکه [هوای] نفس شما کاری [ناشایست] را برایتان آراسته است؛ پس صبری نیکو [برایم بهتر است] و الله در [مورد] آنچه می گویند یاریگر [من] است».

وَجَاءَتْ سَيَّارَةٌ فَأَرْسَلُوا وَارِدَهُمْ
فَادَّلَى دَلْوَهُ قَالَ يَبِشْرَى هَذَا
عُلْمٌ وَأَسْرُوهُ بِضَعَّةٍ وَاللَّهُ عَلِيمٌ
بِمَا يَعْمَلُونَ ﴿۱۹﴾

(۱۹) و کاروانی آمد و آنان آب آور خود را فرستادند؛ او دلوش را [در چاه] انداخت [و چون یوسف را بالا کشید] گفت: «مژده دهید! این یک نوجوان است»؛ و [پس از نجاتش] او را همچون یک کالا [ی ارزشمند از دیگران] پنهان داشتند؛ و [الی] الله به آنچه می کردند آگاه بود.

وَشَرَوْهُ بِثَمَنٍ بَخْسٍ دَرَاهِمَ
مَعْدُودَةٍ وَكَانُوا فِيهِ مِنَ
الزَّاهِدِينَ ﴿۲۰﴾

(۲۰) و [سرانجام] او را به بهایی اندک - چند درهم - فروختند و در [بارۀ نگه داشتن] او بی میل بودند.

وَقَالَ الَّذِي اشْتَرَاهُ مِنْ مِصْرَ
لِامْرَأَتِهِ أَكْرِمِي مَثْوَاهُ عَسَى

آن یَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ وَلِنُعَلِّمَهُ مِن تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَى أَمْرِهِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿۲۱﴾

گرامی بدار. امید است که برایمان سودمند باشد یا او را به فرزندی بگیریم». و اینچنین بود که یوسف را در [آن] سرزمین، ارجمند [و مقتدر] گردانیدیم تا تعبیر خواب به او بیاموزیم؛ و الله بر کار خویش [توانا و] چیره است؛ ولی بیشتر مردم نمی دانند.

وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ ءَاءْتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿۲۲﴾

(۲۲) و چون [یوسف به اوج] نیروی جوانی رسید، حکمت و دانش به او عطا کردیم؛ و نیکوکاران را اینچنین پاداش می دهیم.

وَرَوَدَتْهُ الْمَتَىٰ هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ وَعَلَقَتِ الْأَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْت لَكَ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ ﴿۲۳﴾

(۲۳) و آن زنی که او [= یوسف] در خانه اش بود، از وی تقاضای کامجویی کرد و درها را بست و گفت: «بیا [که] در اختیار تو [هستم]». [یوسف] گفت: «پناه بر الله! آن مرد، [شوهر تو و] سرور من است [و] جایگاهم را گرامی داشته است [پس چگونه به او خیانت کنم؟] یقیناً ستمکاران رستگار نمی شوند».

وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنَّ رَأَىٰ بُرْهَانَ رَبِّهِ كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِن عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ ﴿۲۴﴾

(۲۴) و در حقیقت، [آن زن] قصد او کرد و او [= یوسف نیز] - اگر بُرهان پروردگارش را ندیده بود - قصد آن زن می کرد. ما اینچنین [کردیم] تا بدی و زشتکاری را از او دور سازیم. به راستی که او از بندگان مخلص ما بود.

وَأَسْتَبَقَا الْبَابَ وَقَدَّتْ قَمِيصَهُ وَ

(۲۵) و هر دو به طرف در شتافتند و [همسر

مِنْ دُبُرٍ وَأَلْفِيَا سَيِّدَهَا لَدَا الْأَبَابِ
 قَالَتْ مَا جَزَاءُ مَنْ أَرَادَ بِأَهْلِكَ
 سُوءًا إِلَّا أَنْ يُسْجَنَ أَوْ عَذَابٌ
 أَلِيمٌ ﴿۲۵﴾

عزیز مصر [پیراهن او] = یوسف را از پشت پاره
 کرد و [در این هنگام] شوهرش را در آستانه در
 یافتند. [آن] زن گفت: «کیفر کسی که قصد
 بدی به خانواده تو داشته باشد چیست؛ جز
 اینکه زندانی شود یا عذابی دردناک [ببیند]؟»

قَالَ هِيَ رَوَدْتَنِي عَنْ نَفْسِي
 وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِّنْ أَهْلِهَا إِنْ كَانَ
 قَمِيصُهُ وَفُدٌّ مِّنْ قَبْلِ فَصَدَقَتْ
 وَهُوَ مِنَ الْكَاذِبِينَ ﴿۲۶﴾

(۲۶) [یوسف] گفت: «او از من تقاضای
 کامجویی کرد؛» و [در آن هنگام] شاهدهی از
 بستگان آن زن، [چنین] شهادت داد: «اگر
 پیراهنش از جلو پاره شده باشد، این زن راست
 می‌گوید و آن مرد [= یوسف] دروغگوست؛

وَإِنْ كَانَ قَمِيصُهُ وَفُدٌّ مِّنْ دُبُرٍ
 فَكَذَبَتْ وَهُوَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿۲۷﴾

(۲۷) [الی] اگر پیراهنش از پشت پاره شده
 باشد، این زن دروغ می‌گوید و آن مرد
 راستگوست.»

فَلَمَّا رَأَى قَمِيصَهُ وَفُدٌّ مِّنْ دُبُرٍ
 قَالَ إِنَّهُ مِّنْ كَيْدِكُنَّ إِنَّ
 كَيْدَكُنَّ عَظِيمٌ ﴿۲۸﴾

(۲۸) چون [عزیز مصر] دید که پیراهن او از
 پشت پاره شده است، [به حقیقت پی بُرد و]
 گفت: «این از نیرنگ شما [زنان] است. به
 راستی که نیرنگ شما بزرگ است.»

يُوسُفُ أَعْرَضَ عَنْ هَذَا
 وَأَسْتَغْفِرِي لِذَنبِكِ إِنَّكِ كُنْتِ
 مِنَ الْخَاطِئِينَ ﴿۲۹﴾

(۲۹) ای یوسف، از این [ماجرا] درگذر و [تو ای
 زن،] برای گناهت آمرزش بخواه که بی‌تردید
 خطاکار بوده‌ای.»

وَقَالَ نِسْوَةٌ فِي الْمَدِينَةِ امْرَأَتُ
 (۳۰) [هنگامی که این خبر منتشر شد] برخی
 از زنان در شهر گفتند: «همسر عزیز [مصر]، از

الْعَزِيزِ تُرَاوِدُ فَتْلَهَا عَنِ نَفْسِهِ ۗ
 قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا إِنَّا لَنَرُلَهَا فِي
 ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿۳۰﴾

غلام [جوان] خویش تقاضای کامجویی می کند
 [و] سخت شیفته اش گشته است. ما او را واقعاً
 در گمراهی آشکاری می بینیم».

فَلَمَّا سَمِعَتْ بِمَكْرِهِنَّ أَرْسَلَتْ
 إِلَيْهِنَّ وَأَعْتَدَتْ لَهُنَّ مُتَّكِنًا
 وَآتَتْ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِّنْهُنَّ سِكِّينًا
 وَقَالَتِ أَخْرِجْ عَلَيَّهِنَّ فَلَمَّا
 رَأَيْنَهُ أَكْبَرْنَهُ وَقَطَّعْنَ
 أَيْدِيَهُنَّ وَقُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا هَذَا
 بَشَرًا إِنْ هَذَا إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ ﴿۳۱﴾

(۳۱) وقتی [همسر عزیز] نیرنگ [و بدگویی]
 آنان را شنید، [شخصی را برای دعوت] به
 سراغشان فرستاد و مجلسی برایشان ترتیب
 داد و به هر یک از آنان [برای بریدن غذا]
 چاقویی داد و به یوسف گفت: «بر [جمع] آنان
 وارد شو». [زنان] چون او را دیدند، [و را]
 بسیار بزرگ [وار و زیبا] شمردند و [از شدت
 شگفتی] دست‌هایشان را زخمی کردند و
 گفتند: «پناه بر الله! این بشر نیست؛ این جز
 فرشته‌ای بزرگوار نیست».

قَالَتْ فَذَلِكُنَّ الَّذِي لُمْتُنَنِي فِيهِ
 وَلَقَدْ رَاوَدْتُهُ عَنِ نَفْسِهِ ۗ
 فَأَسْتَعْصَمَ ۗ وَلَئِن لَّمْ يَفْعَلْ مَا
 ءَأْمُرُهُ لَيُسْجَنَنَّ وَلَيَكُونًا مِّنَ
 الصَّغِيرِينَ ﴿۳۲﴾

(۳۲) [همسر عزیز] گفت: «این [جوان
 زیباروی] همان است که مرا درباره او سرزنش
 می کردید. [آری] در حقیقت، من از او تقاضای
 کامجویی نمودم و [لی] او خویشتنداری کرد؛ و
 [اینک] اگر آنچه را به او دستور می‌دهم انجام
 ندهد، قطعاً زندانی می‌شود و مسلماً از
 خوارشدگان خواهد بود».

قَالَ رَبِّ السِّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا
 يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ ۗ وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي

(۳۳) [یوسف] گفت: «پروردگارا، زندان برای
 من از آنچه [اینها] مرا به سویش می‌خوانند

محبوب‌تر است؛ و اگر نیرنگشان را از من نگردانی، به آنان گرایش می‌یابم و [اگر چنین کنم،] نادان خواهم بود».

كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُنَّ
مِنَ الْجَاهِلِينَ ﴿٣٣﴾

(۳۴) پروردگارش [دعای] او را اجابت کرد و نیرنگشان را از او بازگرداند. بی‌تردید، او شنوای داناست.

فَأَسْتَجَابَ لَهُ رَبُّهُ فَصَرَفَ عَنْهُ
كَيْدَهُنَّ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ
الْعَلِيمُ ﴿٣٤﴾

(۳۵) آنگاه پس از آنکه [عزیز مصر و اطرافیان‌ش] نشانه‌ها [ی پاکدامنی یوسف] را دیدند، تصمیم گرفتند [برای سرپوش گذاشتن بر این بی‌آبرویی،] او را تا مدتی زندانی کنند.

ثُمَّ بَدَأَ لَهُمْ مِن بَعْدِ مَا رَأَوُا
الْآيَاتِ لَيْسَجُنُّهُوَ
حِينَ ﴿٣٥﴾

(۳۶) و دو جوان همراه او وارد زندان شدند. [روزی] یکی از آن دو گفت: «من [در خواب،] خود را دیدم که [انگور برای] شراب می‌فشارم» و دیگری گفت: «من خواب دیده‌ام که بر سر خویش [ظرف] نانی می‌برم [و] پرندگان از آن می‌خورند. ما را از تعبیر آن آگاه کن [که] قطعاً تو را از نیکوکاران می‌بینیم».

وَدَخَلَ مَعَهُ السِّجْنَ فَتَيَانٍ قَالَ
أَحَدُهُمَا إِنِّي أَرْنِيَّ أَعْصِرُ خَمْرًا
وَقَالَ الْآخَرُ إِنِّي أَرْنِيَّ أَحْمِلُ فَوْقَ
رَأْسِي خُبْرًا تَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْهُ
نَبِّئْنَا بِتَأْوِيلِهِ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ
الْمُحْسِنِينَ ﴿٣٦﴾

(۳۷) [یوسف] گفت: «هیچ غذایی برای خوردن نزدتان نمی‌رسد، مگر آنکه پیش از رسیدنش، شما را از [کیفیت و] حقیقت آن [= خواب‌ها] آگاه خواهم ساخت. این [اخبار غیبی و تعبیر خواب،] از چیزهایی است که پروردگار

قَالَ لَا يَأْتِيكُمَا طَعَامٌ تُرْزَقَانِيهِ
إِلَّا نَبَّأْتُكُمَا بِتَأْوِيلِهِ قَبْلَ أَنْ
يَأْتِيَكُمَا ذَلِكَمَا مِمَّا عَلَّمَنِي رَبِّي
إِنِّي تَرَكْتُ مِلَّةَ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ

بِاللَّهِ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَفَرُونَ ﴿۳۷﴾
 به من آموخته است. در حقیقت، من آیینِ قومی را که به الله ایمان نمی‌آورند و به [سرای] آخرت [نیز] کفر می‌ورزند، ترک کرده‌ام.

وَاتَّبَعْتُ مِلَّةَ آبَائِي إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ مَا كَانَ لَنَا أَنْ نُشْرِكَ بِاللَّهِ مِنْ شَيْءٍ ذَٰلِكَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَلَيْنَا وَعَلَى النَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ ﴿۳۸﴾
 (۳۸) و از آیین پدرانم - ابراهیم و اسحاق و یعقوب - پیروی نموده‌ام. برای ما سزاوار نیست که چیزی را شریک الله قرار دهیم. این [عبادت الله به یگانگی]، از فضل الله بر ما و بر [همه] مردم است؛ ولی بیشتر مردم سپاس نمی‌گزارند.

يَصْحَجِي السَّجْنِ أَرْبَابٌ مُتَفَرِّقُونَ خَيْرٌ أَمْ اللَّهُ الْوَّاحِدُ الْقَهَّارُ ﴿۳۹﴾
 (۳۹) ای رفقای زندانی من، آیا معبودان پراکنده [و متعدد] بهترند، یا الله یگانه پیروزمند؟

مَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا أَسْمَاءَ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ مِمَّا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ إِنْ أَحْكَمْ إِلَّا لِلَّهِ أَمْرٌ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ ذَٰلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿۴۰﴾
 (۴۰) شما به جای او [معبودی را] عبادت نمی‌کنید، مگر نام‌هایی [بی‌معنی] که خود و پدرانتان بر آنها نهاده‌اید. الله هیچ دلیلی بر [حقانیت] آنها نازل نکرده است. فرمانروایی، تنها از آن الله است [و] فرمان داده است که جز او را عبادت نکنید. این همان دین راست و استوار است؛ ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.

يَصْحَجِي السَّجْنِ أَمَّا أَحَدُكُمَا (۴۱) ای رفقای زندانی من، یکی از شما [آزاد

می‌شود] و به سرور خویش شراب خواهد نوشاند؛ و اما دیگری به دار آویخته می‌شود و پرنندگان از [مغز] سرش خواهند خورد. امری که در [مورد] آن از من نظر خواستید، [چنین] مقدر شده است».

فَيَسْقِي رَبَّهُوْ خَمْرًا وَّامَّا الْآخَرُ
فَيُصَلِّبُ فَتَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْ
رَأْسِهِ فُضِيَ الْأَمْرُ الَّذِي فِيهِ
تَسْتَفْتِيَانِ ﴿٤١﴾

(۴۲) و [یوسف] به یکی از آن دو [جوان] که دانست رها می‌شود، گفت: «نزد سرورت [= پادشاه] از من یاد کن»؛ و [الی] شیطان یاد کردن [از یوسف نزد] سرورش را از خاطر وی [= ساقی پادشاه] برد و او [= یوسف] چندین سال [دیگر نیز] در زندان باقی ماند.

وَقَالَ لِلَّذِي ظَنَّ أَنَّهُ نَاجٍ مِّنْهُمَا
أَذْكُرْنِي عِنْدَ رَبِّكَ فَأَنْسَهُ
الشَّيْطَانُ ذِكْرَ رَبِّهِ فَلَبِثَ فِي
السِّجْنِ بِضْعَ سِنِينَ ﴿٤٢﴾

(۴۳) و [روزی] پادشاه گفت: «من [در خواب] دیدم که هفت گاو چاق را هفت [گاو] لاغر می‌خورند؛ و هفت خوشهٔ سبز و [هفت خوشهٔ] دیگر را خشک [دیدم]. ای بزرگان، اگر تعبیر خواب می‌کنید، در [بارهٔ] خوابم نظر دهید».

وَقَالَ الْمَلِكُ إِنِّي أَرَى سَبْعَ
بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعَ
عِجَافٍ وَسَبْعَ سُنبُلَاتٍ خُضْرٍ
وَأُخْرَى يَابِسَاتٍ يَأْتِيهَا الْمَلَأُ
أَفْتُونِي فِي رُءْيَايَ إِنْ كُنْتُمْ لِلرُّءْيَا
تَعْبُرُونَ ﴿٤٣﴾

(۴۴) آنان گفتند: «[اینها] خواب‌هایی پریشان است و ما به تعبیر این [گونه] خواب‌ها دانا نیستیم».

قَالُوا أَضْغَثٌ أَحْلَمٌ وَمَا نَحْنُ
بِتَأْوِيلِ الْأَحْلَمِ بِعَلَمِينَ ﴿٤٤﴾

(۴۵) و یکی از آن دو [زندانی] که نجات یافته بود، پس از مدت‌ها [یوسف] را به یاد آورد [و]

وَقَالَ الَّذِي نَجَا مِنْهُمَا وَادَّكَرَ

بَعْدَ أُمَّةٍ أَنَا أُنَبِّئُكُمْ بِتَأْوِيلِهِ ۗ فَأَرْسِلُونِ ﴿٤٥﴾
گفت: «مرا به [زندان] بفرستید تا دربارهٔ تعبیر آن [خواب] به شما خبر دهم».

يُوسُفُ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ أَفْتِنَا فِي سَبْعِ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعُ عَجَافٍ وَسَبْعِ سُنبُلَاتٍ خُضْرٍ وَأُخَرَ يَابِسَاتٍ لَعَلَّ أَرْجِعُ إِلَى النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿٤٦﴾
(۴۶) [او به زندان رفت و گفت:] «یوسف، ای [مرد] راستگو، در [بارهٔ این خواب که] هفت گاو چاق را هفت گاو [لاغر] می‌خورند و هفت خوشهٔ سبز و [هفت خوشهٔ] خشکیدهٔ دیگر، برایمان نظر بده [و آن را تعبیر کن] تا نزد مردم برگردم؛ شاید آنها [تعبیر این خواب و توانایی‌های تو را] بدانند».

قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَابًّا ۖ فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرُوهُ فِي سُنْبُلِهِ ۖ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّا تَأْكُلُونَ ﴿٤٧﴾
(۴۷) [یوسف] گفت: «هفت سال بیابی [با جدیت] کشاورزی کنید و آنچه را که درو می‌کنید - جز اندکی که می‌خورید - با خوشه‌اش [کنار] بگذارید».

ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ سَبْعٌ شِدَادٌ يَأْكُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّا تُحْصِنُونَ ﴿٤٨﴾
(۴۸) سپس بعد از آن [دوران رونق]، هفت [سال قحطی] سخت می‌آید که آنچه را برای آن سال‌ها [کنار] گذاشته‌اید می‌خورید، جز اندکی که آن را [برای بذر] ذخیره می‌کنید.

ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَامٌ فِيهِ يُغَاثُ النَّاسُ وَفِيهِ يَعْرِضُونَ ﴿٤٩﴾
(۴۹) سپس بعد از آن هفت [سال]، سالی فرا می‌رسد که باران فراوانی نصیب مردم می‌شود و در آن سال، [بر اثر فراوانی، از میوه‌ها و دانه‌های روغنی] عصاره می‌گیرند».

وَقَالَ الْمَلِكُ أَتُوتُنِي بِهِ ۗ فَلَمَّا

(۵۰) پادشاه [چون این تعبیر را شنید] گفت:

«او را نزد من بیاورید». اما وقتی فرستاده [پادشاه] نزد او آمد، [یوسف] گفت: «نزد سرورت بازگرد و از او بپرس که ماجرای زنانی که دست‌های خود را بریدند چه بود؟ قطعاً پروردگارم به نیرنگِ آنان آگاه است».

جَاءَهُ الرَّسُولُ قَالَ ارْجِعْ إِلَى رَبِّكَ فَسْأَلْهُ مَا بَالُ النِّسْوَةِ الَّتِي قَطَعْنَ أَيْدِيَهُنَّ إِنَّ رَبِّي بِكَيْدِهِنَّ عَلِيمٌ ﴿۵۱﴾

(۵۱) [پادشاه آن زنان را خواست و] گفت: «هنگامی که یوسف را به سوی خویش دعوت کردید، جریان کارتان چه بود؟» گفتند: «پناه بر الله! ما هیچ گناهی در او سراغ نداریم». [در این هنگام] همسر عزیز گفت: «اکنون حق آشکار شد: من [بودم که] از وی تقاضای کامجویی کردم [و او پاکدامنی ورزید] و یقیناً راستگوست».

قَالَ مَا خَطْبُكُنَّ إِذْ رَاوَدْتَنَّ يُوسُفَ عَنِ نَفْسِهِ ۗ قُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا عَلِمْنَا عَلَيْهِ مِنْ سُوِّ ۗ قَالَتِ امْرَأَتُ الْعَزِيزِ الْمَنَّانُ حَصْحَصَ الْحَقُّ أَنَا رَاوَدْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ ﴿۵۱﴾

(۵۲) این [اعتراف] برای آن است که [عزیز مصر] بداند من در پنهان به او خیانت نکرده‌ام و اینکه الله نیرنگِ خائنان را به جایی نمی‌رساند».

ذَلِكَ لِيَعْلَمَ أَنِّي لَمْ أَخُنْهُ بِالْغَيْبِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي كَيْدَ الْخَائِنِينَ ﴿۵۲﴾

(۵۳) من هرگز خود را بیگناه نمی‌شمارم. بی‌شک، نفس [وسوسه‌گر انسان، او را] پیوسته به بدی فرمان می‌دهد مگر نفس [کسی] که پروردگارم به او رحم کند. بی‌تردید، پروردگارم آمرزندهٔ مهربان است».

وَمَا أَبْرَأُ نَفْسِي ۚ إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي ۗ إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿۵۳﴾

(۵۴) و پادشاه گفت: «او [= یوسف] را نزد من

وَقَالَ الْمَلِكُ أَتُؤْتُونِي بِهِ ۚ

بیاورید [تا مشاور] ویژه خود گردانم». پس چون [یوسف نزدش آمد و] با وی صحبت کرد، [پادشاه] گفت: «تو امروز نزد ما ارجمند [و] امین هستی».

أَسْتَخْلِصُهُ لِتَفْسِي ۖ فَلَمَّا كَلَّمَهُ
قَالَ إِنَّكَ الْيَوْمَ لَدَيْنَا مَكِينٌ
أَمِينٌ ﴿٥٤﴾

(۵۵) [یوسف] گفت: «مرا بر [سرپرستی] خزانه‌های [مالی و غذایی این] سرزمین بگمار [که] بی‌تردید، من نگهبانی دانا هستم».

قَالَ أَجْعَلْنِي عَلَىٰ خَزَائِنِ الْأَرْضِ ۗ
إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ ﴿٥٥﴾

(۵۶) و این گونه به یوسف در سرزمین [مصر] منزلت [و قدرت] دادیم [آنچنان] که [می‌توانست به هر جا برود و] در هر جایی از آن که می‌خواست، اقامت می‌گزید. ما رحمت خود را به هر کس که بخواهیم می‌رسانیم و پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌کنیم.

وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ
يَتَّبِعُوا مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ ۗ نُصِيبُ
بِرَحْمَتِنَا مَنْ نَشَاءُ ۗ وَلَا نُضِيعُ أَجْرَ
الْمُحْسِنِينَ ﴿٥٦﴾

(۵۷) و یقیناً پاداش آخرت برای کسانی که ایمان آورده‌اند و پرهیزگاری کرده‌اند، بهتر است.

وَلَا جُرْ الْأَخْرَةَ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ ءَامَنُوا
وَكَانُوا يَتَّقُونَ ﴿٥٧﴾

(۵۸) و [چون سرزمین کنعان را خشکسالی فراگرفت] برادران یوسف [برای تهیه گندم به مصر] آمدند و بر او وارد شدند. [او] آنها را شناخت در حالی که آنان وی را نشناختند.

وَجَاءَ إِخْوَةَ يُوسُفَ فَدَخَلُوا
عَلَيْهِ فَعَرَفَهُمْ وَهُمْ لَهُ
مُنْكَرُونَ ﴿٥٨﴾

(۵۹) هنگامی که بارهائشان را آماده کرد، [به آنان] گفت: «نوبت آینده، [برادری را که از

وَلَمَّا جَهَّزَهُمْ بِجَهَّازِهِمْ قَالَ
أَتُوتُنِي بِأَخٍ لَّكُم مِّنْ أَبِيكُمْ ۗ

پدرتان دارید، نزد من بیاورید. آیا نمی بینید که
 من پیمانہ را تمام می‌دهم و بهترین میزبانم؟
 خَيْرَ الْمُنزِلِينَ ﴿۵۹﴾

فَإِنْ لَّمْ تَأْتُونِي بِهِ فَلَا كَيْلَ
 لَكُمْ عِنْدِي وَلَا تَقْرَبُونِ ﴿۶۰﴾
 (۶۰) و اگر او را نزد من نیاورید، پیمانہ‌ای نزد
 من نخواهید داشت و به من نزدیک نشوید».

قَالُوا سَنُرَوِّدُ عَنْهُ أَبَاهُ وَإِنَّا
 لَفَاعِلُونَ ﴿۶۱﴾
 (۶۱) [برادران] گفتند: «او را از پدرش خواهیم
 خواست و حتماً این کار را می‌کنیم».

وَقَالَ لِفَتِيئِهِ اجْعَلُوا بِضَعْتَهُمْ
 فِي رِحَالِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَعْرِفُونَهَا إِذَا
 أَنْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ لَعَلَّهُمْ
 يَرْجِعُونَ ﴿۶۲﴾
 (۶۲) و [یوسف] به غلامانش گفت:
 «سرمایه‌هایشان را [که برای خرید غله
 آورده‌اند، مخفیانه] در بارهایشان بگذارید؛ شاید
 هنگامی که به سوی خانواده خود بازگشتند،
 آن را [ببینند و] بشناسند. امید است که
 بازآیند».

فَلَمَّا رَجَعُوا إِلَىٰ أَبِيهِمْ قَالُوا
 يَا أَبَانَا مُنِعَ مِنَّا الْكَيْلُ فَأَرْسِلْ
 مَعَنَا آخَانَا نَكَتْلُ وَإِنَّا لَهُ
 لَحَافِظُونَ ﴿۶۳﴾
 (۶۳) هنگامی که به سوی پدرشان بازگشتند،
 گفتند: «پدر جان، پیمانہ [و سهم غله] نوبت
 آینده] را از ما بازداشتند؛ پس برادرمان
 [بنیامین] را با ما بفرست تا سهمی [از غله]
 بگیریم و ما حتماً مراقبش خواهیم بود».

قَالَ هَلْ ءَامَنُكُمْ عَلَيْهِ إِلَّا كَمَا
 ءَامَنُكُمْ عَلَىٰ أَخِيهِ مِنْ قَبْلُ
 فَاللَّهُ خَيْرٌ حَفِظًا وَهُوَ أَرْحَمُ
 الرَّحِيمِينَ ﴿۶۴﴾
 (۶۴) [یعقوب] گفت: «آیا همان گونه که پیشتر
 شما را نسبت به برادرش [یوسف] امین داشتم،
 [این بار هم] بر او امین بدانم؟ الله بهترین
 نگهبان است و او مهربان‌ترین مهربانان است».

وَلَمَّا فَتَحُوا مَتَاعَهُمْ وَجَدُوا (۶۵) و چون بار خود را گشودند، سرمایه‌شان را یافتند که به آنان بازگردانده شده بود. گفتند: «پدر جان، [دیگر] چه می‌خواهیم؟ این سرمایه‌ ماست که به ما بازگردانده شده است؛ [به این وسیله] برای خانواده خود آذوقه [فراوانی] می‌آوریم و از برادرمان [نیز] محافظت می‌کنیم و [با بردن بنیامین] یک بار شتر اضافه می‌گیریم. این پیمانانه [برای عزیز مصر، کار] آسانی است».

قَالَ لَنْ أَرْسِلَهُو مَعَكُمْ حَتَّى تُؤْتُونِ مَوْثِقًا مِّنَ اللَّهِ لَتَأْتُنِنِي بِهِ إِلَّا أَنْ يُحَاطَ بِكُمْ فَلَمَّا آتَوْهُ مَوْثِقَهُمْ قَالَ اللَّهُ عَلَىٰ مَا نَقُولُ وَكِيلٌ ﴿٦٦﴾

(۶۶) [یعقوب] گفت: «هرگز او را با شما نخواهم فرستاد تا با من به نام الله پیمان استواری ببندید که قطعاً او را نزد من باز می‌آورید، مگر آنکه گرفتار [حادثه‌ای] شوید [و هیچ یک نجات نیابید]». وقتی [عهد و] پیمان استوار خویش را به او دادند، [یعقوب] گفت: «الله بر آنچه می‌گوییم [گواه و] نگهبان است».

وَقَالَ يَبْنَئِي لَا تَدْخُلُوا مِنِّي بَابٍ وَاحِدٍ وَاَدْخُلُوا مِنِّي أَبْوَابٍ مُّتَفَرِّقَةٍ وَمَا أُغْنِي عَنْكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أُلْحِمَكُم إِلَّا لِلَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَعَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ ﴿٦٧﴾

(۶۷) و [همچنین] گفت: «ای پسرانم، [برای آنکه جلب توجه نکنید، همگی] از یک دروازه وارد [شهر] نشوید؛ بلکه از دروازه‌های مختلف وارد شوید و [البته من با این سفارش] نمی‌توانم چیزی از [قضا و قدر] الله را از شما دور کنم. حُکم، جز برای الله نیست؛ بر او توکل کرده‌ام و توکل کنندگان باید بر او توکل کنند».

(۶۸) و وقتی همان گونه که پدرشان به آنان دستور داده بود وارد شدند، [این شیوه ورود،] آنان را از [قضای] الله بازداشت؛ ولی [هر چه بود،] خواسته قلبی یعقوب را برآورده کرد. او از [برکت] آنچه به او آموخته بودیم، دارای دانشی [فراوان] بود؛ ولی بیشتر مردم نمی دانند.

الْتَّائِسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٦٨﴾

(۶۹) و چون [برادران] بر یوسف وارد شدند، برادرش [بنیامین] را نزد خود جای داد [و به آهستگی به او] گفت: «من برادرت هستم؛ و از کارهایی که [برادرانمان] می کردند اندوهگین نباش.»

(۷۰) هنگامی که بارهایشان را آماده کرد، جام [پادشاه] را در بارِ برادرش [بنیامین] گذاشت؛ آنگاه ندادنده‌ای بانگ برآورد [که]: «ای کاروانیان، قطعاً شما دزد هستید.»

لَسْرِفُونَ ﴿٧٠﴾

(۷۱) [برادرانِ یوسف] رو به آنان کردند و گفتند: «چه گم کرده اید؟»

تَفْقِدُونَ ﴿٧١﴾

(۷۲) [کارگزاران] گفتند: «پیمانۀ پادشاه را گم کرده ایم و [آن که بانگ برآورده بود گفت:] هر کس آن را بیاورد، یک بار شتر [جایزه] دارد و من ضامن این [پاداش] هستم.»

رَعِيمٌ ﴿٧٢﴾

قَالُوا تَاللَّهِ لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَّا جِئْنَا لِنُفْسِدَ فِي الْأَرْضِ وَمَا كُنَّا سَارِقِينَ ﴿٧٣﴾

(۷۳) [برادران یوسف] گفتند: «به الله سوگند، شما می دانید که ما نیامده ایم تا در این سرزمین فساد کنیم و ما [هرگز] دزد نبوده ایم».

قَالُوا فَمَا جَزَاؤُهُ إِنْ كُنْتُمْ كَاذِبِينَ ﴿٧٤﴾

(۷۴) [آنان] گفتند: «اگر دروغگو باشید، کیفرش چیست؟»

قَالُوا جَزَاؤُهُ مَنْ وَجَدَ فِي رَحْلِهِ فَهُوَ جَزَاؤُهُ كَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ ﴿٧٥﴾

(۷۵) گفتند: «کیفر کسی که [آن پیمانہ] در بارش پیدا شود، [این است که] خودش کیفر آن باشد [و به بردگی شما درآید]. ما ستمکاران را این گونه مجازات می کنیم».

فَبَدَأَ بِأَوْعِيَّتِهِمْ قَبْلَ وِعَاءِ أَخِيهِ ثُمَّ اسْتَخْرَجَهَا مِنْ وِعَاءِ أَخِيهِ كَذَلِكَ كِدْنَا لِيُوسُفَ مَا كَانَ لِيَأْخُذَ أَخَاهُ فِي دِينِ الْمَلِكِ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مَن نَّشَاءُ وَفَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ عَلِيمٌ ﴿٧٦﴾

(۷۶) آنگاه [یوسف] پیش از بار بردارش، شروع به [جست و جوی] بارهای آنان کرد؛ سپس آن [پیمانہ] را از بار بردارش بیرون کشید. این گونه برای یوسف چاره اندیشی کردیم؛ [تا] بتواند بنیامین را نزد خود نگه دارد؛ زیرا او] طبق آیین پادشاه [مصر] نمی توانست بردارش را بازداشت کند، مگر اینکه الله بخواهد. ما هر که را بخواهیم [به] درجاتی بالا می بریم؛ و [بدانید که] فراتر از هر صاحب دانشی، دانشوری است.

قَالُوا إِنْ يَسْرِقْ فَقَدْ سَرَقَ أَخٌ لَهُ مِنْ قَبْلُ فَأَسْرَهَا يُوسُفُ فِي

(۷۷) [برادران] گفتند: «اگر او دزدی کرده است [شگفت نیست؛ چرا که] بردارش [نیز] پیش از این دزدی کرده بود».

دل خویش پنهان داشت و [ناراحتی را] بر آنان آشکار نکرد [و با خود] گفت: «شما از نظر جایگاه، [از آنچه وانمود می‌کنید] بدترید و الله به آنچه بیان می‌کنید، داناتر است».

(۷۸) گفتند: «ای عزیز، او پدر پیری دارد [که طاقت دوری فرزندش را ندارد]؛ پس یکی از ما را به جای او بگیر. به راستی که ما تو را از نیکوکاران می‌بینیم».

(۷۹) [یوسف] گفت: «پناه بر الله از اینکه جز آن کسی را که کالایمان را نزدش یافته‌ایم بازداشت کنیم! در این صورت [اگر کس دیگری را به جای او بازداشت کنیم] قطعاً ستمکار خواهیم بود».

(۸۰) هنگامی که [برادران] از او ناامید شدند، نجوانکان [برای مشورت] به گوشه‌ای رفتند. [برادر] بزرگشان گفت: «مگر نمی‌دانید که پدرتان با نام الله پیمانی استوار از شما گرفته است و پیشتر [نیز] در مورد یوسف چه کوتاهی‌ای کردید؟ من هرگز از این سرزمین نمی‌روم تا پدرم به من اجازه [بازگشت] دهد یا [آنکه] الله درباره‌ام داوری کند [که] بی‌تردید، او بهترین داور است.

نَفْسِهِ ۖ وَلَمْ يُبَيِّدْهَا لَهُمْ ۖ قَالَ أَنْتُمْ شَرُّ مَكَانًا ۗ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَصِفُونَ ﴿٧٧﴾

قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ إِنَّ لَهُ أَبًا شَيْخًا كَبِيرًا فَخُذْ أَحَدَنَا مَكَانَهُ ۗ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ ﴿٧٨﴾

قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ أَنْ نَأْخُذَ إِلَّا مَن وَجَدْنَا مَتَّعْنَا عِنْدَهُ ۖ إِنَّا إِذَا لَطَلِمُونَ ﴿٧٩﴾

فَلَمَّا أَسْتَيْسُوا مِنْهُ خَلَصُوا نَجِيًّا ۖ قَالَ كَبِيرُهُمْ أَلَمْ تَعْلَمُوا أَنَّ أَبَاكُمْ قَدْ أَخَذَ عَلَيْكُمْ مَوْثِقًا مِنَ اللَّهِ ۖ وَمِن قَبْلُ مَا فَرَطْتُمْ فِي يُوسُفَ ۖ فَلَنْ أَبْرَحَ الْأَرْضَ حَتَّىٰ يَأْذَنَ لِي أَبِي أَوْ يَحْكَمَ اللَّهُ لِي ۗ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ ﴿٨٠﴾

(۸۱) [شما] نزد پدرتان بازگردید و بگویید: أَرْجِعُونَا إِلَىٰ أَبِيكُمْ فَقُولُوا

ای پدر، پسرت دزدی کرد و ما جز به آنچه می‌دانستیم گواهی ندادیم و از غیب آگاه نبودیم [که بدانیم دزدی می‌کند].

يَتَابَانَا إِنَّ أُنْتِكَ سَرَقَ وَمَا شَهِدْنَا إِلَّا بِمَا عَلِمْنَا وَمَا كُنَّا لِلْغَيْبِ حَافِظِينَ ﴿٨١﴾

(۸۲) و از [مردم] شهری که در آن بودیم و از کاروانی که با آن آمدیم بپرس؛ و ما قطعاً راستگوییم».

وَسَأَلِ الْقَرْيَةَ الَّتِي كُنَّا فِيهَا وَالْعِيرَ الَّتِي أَقْبَلْنَا فِيهَا وَإِنَّا لَصَادِقُونَ ﴿٨٢﴾

(۸۳) [یعقوب] گفت: «[چنین نیست؛] بلکه [هوای] نفس شما کاری [ناشایست] را برایتان آراسته است؛ پس [چاره کار،] صبری نیکوست. امید است که الله همه آنان را به من برساند. بی‌تردید، او دانای حکیم است».

قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْراً فَصَبْرٌ جَمِيلٌ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَنِي بِهِمْ جَمِيعاً إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ﴿٨٣﴾

(۸۴) و از آنان روی برگرداند و گفت: «دریغ از یوسف!» و چشمانش از شدت اندوه [و گریستن برای فرزندش] سفید شد و همچنان اندوه خود را فرومی‌خورد.

وَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا أَسْفَىٰ عَلَىٰ يُوسُفَ وَأَبْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ ﴿٨٤﴾

(۸۵) [پسرانش] گفتند: «به الله سوگند، تو [آنقدر] پیوسته از یوسف یاد می‌کنی تا [عاقبت،] به سختی بیمار شوی یا بمیری».

قَالُوا تَاللَّهِ تَفْتُنَا تَذَكَّرُ يُوسُفَ حَتَّىٰ تَكُونَ حَرَضًا أَوْ تَكُونَ مِنَ الْهَالِكِينَ ﴿٨٥﴾

(۸۶) [یعقوب] گفت: «من از درد و اندوه خویش به [درگاه] الله می‌نالم و از [لطف و بزرگی] الله چیزهایی می‌دانم که شما نمی‌دانید؛

قَالَ إِنَّمَا أَشْكُوا بَنِي وَحُزْنِي إِلَى اللَّهِ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٨٦﴾

(۸۷) ای پسرانم، بروید و درباره یوسف و برادرش جستجو کنید [و خبر بگیرید] و از رحمتِ الله مأیوس نشوید؛ [چرا که] جز گروه کافران، کسی از رحمتِ الله مأیوس نمی‌گردد».

الْكَافِرُونَ ﴿۸۷﴾

(۸۸) وقتی [پسران یعقوب به مصر رفتند و] بر او [= یوسف] وارد شدند، گفتند: «ای عزیز، به ما و خاندانمان [در اثر فقر و خشکسالی] سختی فراوانی رسیده است و [اینک] کالای ناچیز [و مال اندکی برای خرید آذوقه] با خود آورده‌ایم؛ پس پیمانۀ را برایمان کامل کن و بر ما صدقه [و بخشش] کن. بی‌تردید، الله بخشنده‌گان را پاداش می‌دهد».

الْمُتَّصِدِّقِينَ ﴿۸۸﴾

(۸۹) [یوسف] گفت: «آیا دانستید که وقتی [از عاقبتِ کارتان] بی‌خبر بودید، در حق یوسف و برادرش چه کردید؟»

جَاهِلُونَ ﴿۸۹﴾

(۹۰) [آنان] گفتند: «آیا به راستی تو [همان] یوسفی؟» او گفت: «[آری،] من یوسفم و این برادر من است. یقیناً الله بر ما منت نهاد. به راستی، هر کس پرهیزگاری و شکیبایی کند، [بداند که] بی‌تردید، الله پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌کند».

الْمُحْسِنِينَ ﴿۹۰﴾

قَالُوا تَاللَّهِ لَقَدْ ءَاثَرَكِ اللَّهُ عَلَيْنَا (۹۱) [برادرانش] گفتند: «به الله سوگند [که] یقیناً الله تو را بر ما برتری داده است و ما قطعاً خطاکار بودیم».

قَالَ لَا تَثْرِيبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ ۖ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ (۹۲) [یوسف] گفت: «امروز هیچ سرزنشی بر شما نیست. الله شما را می‌آمرزد و او مهربان‌ترین مهربانان است».

أَذْهَبُوا بِقَمِيصِي هَذَا فَالْقُوهُ عَلَىٰ وَجْهِ أَبِي يَأْتِ بَصِيرًا وَأْتُونِي بِأَهْلِكُمْ أَجْمَعِينَ (۹۳) [اکنون] این پیراهن مرا ببرید و بر صورت پدرم بیندازید تا بینا گردد و [سپس] همه خانواده خود را نزد من بیاورید».

وَلَمَّا فَصَلَتِ الْعِيرُ قَالَ أَبُوهُمْ إِنِّي لَأَجِدُ رِيحَ يُوسُفَ لَوْلَا أَن تَقْدِرُونَ (۹۴) و چون کاروان [از مصر به سوی کنعان] به راه افتاد، پدرشان [به اطرافیان] گفت: «اگر مرا کم‌خرد نشمارید، [می‌گویم که] یقیناً بوی یوسف را احساس می‌کنم».

قَالُوا تَاللَّهِ إِنَّكَ لَفِي ضَلَالِكَ الْقَدِيمِ (۹۵) [آنان] گفتند: «به الله سوگند که حتماً [باز هم] در اشتباه دیرینه‌ات هستی».

فَلَمَّا أَن جَاءَ الْبَشِيرُ أَلْقَاهُ عَلَىٰ وَجْهِهِ فَارْتَدَّ بَصِيرًا قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (۹۶) [پیراهن] را بر چهره او افکند، ناگهان بینا شد [او] گفت: «آیا به شما نگفتم که من از [لطف و بزرگی] الله چیزهایی می‌دانم که شما نمی‌دانید؟»

قَالُوا يَا أَبَانَا أَسْتَغْفِرُ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ ﴿٩٧﴾ گفتند: «ای پدر، برای ما [به خاطر] گناهانمان آمرزش بخواه [چرا که] یقیناً ما گناهکار بودیم».

قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿٩٨﴾ [یعقوب] گفت: «به زودی از پروردگارم برایتان آمرزش می‌طلبم. بی‌تردید، او آمرزنده مهربان است».

فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَى يُوسُفَ آوَى إِلَيْهِ أَبُوهُ وَقَالَ ادْخُلُوا مِصْرَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ عَامِنِينَ ﴿٩٩﴾ [همگی به مصر رفتند و] چون بر یوسف وارد شدند، او پدر و مادرش را [در آغوش گرفت و] نزد خود جای داد و گفت: «[همگی] به مصر درآید که ان شاء الله [از هر گونه آزاری] ایمن خواهید بود».

وَرَفَعَ أَبُوهُ عَلَى الْعَرْشِ وَخَرُّوا لَهُ سُجَّدًا وَقَالَ يَا أَبَتِ هَذَا تَأْوِيلُ رُؤْيَايَ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَعَلَهَا رَبِّي حَقًّا وَقَدْ أَحْسَنَ بِي إِذْ أَخْرَجَنِي مِنَ السِّجْنِ وَجَاءَ بِكُمْ مِنَ الْبَدْوِ مِنْ بَعْدِ أَنْ نَزَغَ الشَّيْطَانُ بَيْنِي وَبَيْنَ إِخْوَتِي إِنَّ رَبِّي لَطِيفٌ لِمَا يَشَاءُ إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ﴿١٠٠﴾ [همگی] در برابرش به سجده افتادند و [یوسف] گفت: «پدر جان، این تعبیر [همان] خوابم است که پیشتر دیده بودم. پروردگارم آن را راست گرداند [و تحقق بخشید]. یقیناً او به من نیکی کرد که مرا از زندان بیرون آورد و - پس از آنکه شیطان میان من و برادرانم فتنه برپا کرد - شما را از بیابان [کنعان به مصر] آورد. بی‌تردید، پروردگارم در آنچه می‌خواهد، باریک‌بین است. به راستی که او دانای حکیم است».

﴿۱۰۱﴾ پروردگارا، مرا از فرمانروایی [بهره‌ای] عطا کردی و از علم تعبیر خواب‌ها به من آموختی. ای پدیدآورنده آسمان‌ها و زمین، تویی که در دنیا و آخرت [دوست و] کارساز منی. مرا مسلمان [= فرمانبردار] بمیران و به شایستگان ملحق فرما. ﴿۱۰۱﴾

﴿۱۰۲﴾ [ای پیامبر،] این [داستان،] از خبرهای غیب است که به تو وحی می‌کنیم؛ و هنگامی که [برادران یوسف علیه وی] بداندیشی می‌کردند و نیرنگ می‌زدند، تو نزدشان نبودی.

﴿۱۰۳﴾ و بیشتر مردم مؤمن نخواهند شد؛ حتی اگر [برای ایمان آوردنشان] حرص بورزی. ﴿۱۰۳﴾

﴿۱۰۴﴾ تو از آنان برای این [رسالت] پاداشی نمی‌خواهی. این [قرآن، چیزی] نیست، مگر پندی برای جهانیان. ﴿۱۰۴﴾

﴿۱۰۵﴾ و چه بسیار نشانه‌ها در آسمان‌ها و زمین وجود دارد که بر آنها می‌گذردند و [الی] از آنها روی برمی‌گردانند [و توجه نمی‌کنند]. ﴿۱۰۵﴾

﴿۱۰۶﴾ و بیشتر آنان [در ظاهر] به الله ایمان نمی‌آورند، مگر آنکه [در عمل، به نوعی] مشرکند. ﴿۱۰۶﴾

(۱۰۷) آیا [مشرکان] ایمن هستند از اینکه عذابی فراگیر از جانب الله بر آنان فرود آید یا در حالی که غافلند، ناگهان قیامت آنان را فرا گیرد؟ ﴿۱۰۷﴾

قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعِيَ ۗ وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿۱۰۸﴾

(۱۰۸) [ای پیامبر، به مردم] بگو: «این راه من است. من با دلیلی آشکار به سوی الله دعوت می‌کنم و کسانی که از من پیروی کردند [نیز چنین می‌کنند]؛ و الله پاک و منزّه است و من از مشرکان نیستم».

(۱۰۹) و ما پیش از تو جز مردانی از اهل [همین] شهرها [را به پیامبری] نفرستاده‌ایم که به آنان وحی می‌کردیم. آیا در زمین نگشته‌اند تا ببینند سرانجام کسانی که پیش از آنان بودند چگونه بوده است؟ و یقیناً سرای آخرت برای پرهیزگاران بهتر است. آیا نمی‌اندیشید؟ ﴿۱۰۹﴾

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوْحِيَ إِلَيْهِمْ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ ۗ أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ ۗ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿۱۱۰﴾

(۱۱۰) [ما همچنان به کافران مهلت می‌دادیم] تا آنگاه که پیامبران [از ایمان آوردن اقوام‌شان] مأیوس شدند و [مردم] پنداشتند [در آنچه رسولان از جانب الله آورده‌اند]، به آنان دروغ گفته شده است. [در این هنگام] یاری ما به سراغشان آمد. پس هر کس را که خواستیم، نجات یافت؛ و [الی] عذاب سخت ما از گروه مجرمان بازگردانده نمی‌شود. ﴿۱۱۰﴾

لَقَدْ كَانَ فِي قَصصِهِمْ عِبْرَةٌ
 لِأُولِي الْأَلْبَابِ ۗ مَا كَانَ حَدِيثًا
 يُفْتَرَىٰ وَلَٰكِن تَصْدِيقَ الَّذِي
 بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ
 وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿۱۱۱﴾

(۱۱۱) یقیناً در داستان آنان برای خردمندان
 عبرتی است. این [قرآن] سخنی نیست که به
 دروغ ساخته شده باشد؛ بلکه تصدیق‌کننده
 آنچه [از کتاب‌هایی] است که پیش از آن [آمده]
 است و روشن‌گر همه چیز است و رهنمود و
 رحمتی است برای گروهی که ایمان می‌آورند.

سُورَةُ الرَّعْدِ

سورة رعد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

(۱) المر [= الف. لام. میم. را]. این آیات کتاب [آسمانی] و آنچه از [سوی] پروردگارت بر تو نازل شده است، حق است؛ ولی بیشتر مردم ایمان نمی‌آورند.

الْمَرَّ تِلْكَ آيَاتِ الْكِتَابِ وَالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿۱﴾

(۲) الله است که آسمان‌ها را بدون ستون‌هایی که آنها را ببینید برافراشت، آنگاه [آن گونه که شایسته جلال و مقام اوست] بر عرش قرار گرفت؛ و خورشید و ماه را به خدمت [انسان] گماشته است که هر یک تا زمانی معین در [مدار خود] در حرکت باشند. [الله] کار [جهان] را تدبیر می‌کند و آیات [خویش] را به روشنی بیان می‌دارد؛ باشد که به دیدار پروردگارتان یقین پیدا کنید.

اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ثُمَّ أَسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى يُدَبِّرُ الْأُمْرَ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ بِلِقَاءِ رَبِّكُمْ تُؤْفِقُونَ ﴿۲﴾

(۳) و او همان ذاتی است که زمین را بگسترده و در آن، کوه‌های استوار و جویبارها پدید آورد و در آن از هر گونه میوه‌ای دو گونه آفرید؛ شب را به روز [و روز را به شب] می‌پوشاند. قطعاً در این [امور] برای مردمی که می‌اندیشند نشانه‌هایی [از قدرت پروردگار] است.

وَهُوَ الَّذِي مَدَّ الْأَرْضَ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْهَارًا وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا رَوَاجِينَ أَنْثِيًّا يُغَيِّثُ اللَّيْلَ النَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿۳﴾

(۴) و در زمین، قطعاتی است در کنار هم [که با یکدیگر متفاوتند]؛ و [نیز] باغ‌هایی از انگور و کشتزارها و درختان خرما که [نر و ماده‌اند و] گاه از یک ریشه می‌رویند و گاه از ریشه‌های متفاوتند و [همه آنها] با یک آب سیراب می‌شوند. و [با این حال،] بعضی از آنها را در [طعم و خواص] میوه بر دیگری برتری می‌دهیم. بی‌تردید، در این [امر نیز] برای مردمی که خرد می‌ورزند، نشانه‌های [روشنی] است.

وَإِنْ تَعْجَبَ فَعَجَبٌ قَوْلُهُمْ
 أءِذَا كُنَّا تُرَابًا أَعْنَا لِنَبِيٍّ خَلَقَ
 جَدِيدًا ۗ أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا
 بِرَبِّهِمْ وَأُولَئِكَ الْأَعْلَىٰ
 فِي أَعْنَاقِهِمْ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ ۗ
 هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٥﴾

(۵) و [ای پیامبر،] اگر [از بی‌ایمانی کافران] تعجب می‌کنی، عجیب [تر] گفتار آنان است که [درباره معاد می‌گویند:] «آیا وقتی خاک شدیم، واقعاً [زنده می‌شویم و] در آفرینش جدیدی خواهیم بود؟» اینانند که به پروردگارشان کفر ورزیده‌اند و در گردن‌هایشان [از آتش،] زنجیرهاست و آنان اهل آتشند [و] در آن جاودانند.

وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ
 الْحُسْنَىٰ وَوَقَدْ خَلَّتْ مِنْ قَبْلِهِمْ
 الْمَثَلَاتُ ۗ وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَعْفِرَةٍ
 لِلنَّاسِ عَلَىٰ ظُلْمِهِمْ ۗ وَإِنَّ رَبَّكَ
 لَشَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٦﴾

(۶) و [ای پیامبر،] مشرکان [پیش از نیکی =] رحمت [به شتاب از تو بدی = عذاب] را درخواست می‌کنند و حال آنکه پیش از اینان [نیز بر کافران] عقوبت‌های عبرت‌آموز رفته است؛ و به راستی، پروردگارت نسبت به مردم - با وجود ستمکاری‌شان - آمرزنده است؛ و بی‌تردید، پروردگارت سخت‌کیفر است.

(۷) و کسانی که کفر ورزیدند می‌گویند: «چرا نشانه‌ها [و معجزاتی همانند موسی و عیسی] از پروردگارش بر او نازل نشده است؟» [ای پیامبر]، بی‌تردید، تو فقط بیم‌دهنده‌ای؛ و هر قومی، [پیامبر] هدایتگری دارد.

وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَاتٌ مِنْ رَبِّهِ ۗ إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ ﴿٧﴾

(۸) الله می‌داند آنچه را که هر ماده‌ای [در رحم] بار می‌گیرد و [نیز] آنچه را که رحم‌ها می‌کاهند و آنچه را می‌افزایند؛ و هر چیزی نزد او به اندازه [و دقیق] است.

اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ أُنْثَىٰ وَمَا تَغِيصُ الْأَرْحَامُ وَمَا تَزْدَادُ وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ ﴿٨﴾

(۹) [او] دانای نهان و آشکار [و] بزرگ بلندمرتبه است.

عَلِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْكَبِيرِ الْمُتَعَالِ ﴿٩﴾

(۱۰) [ای مردم]، هر یک از شما که سخن [خود] را پنهان کند یا آن را آشکارا بیان نماید و هر کس در [تاریکی] شب پنهان گردد یا در روز [به دنبال انجام کارهایش] برود، [در علم الهی] یکسان است [و او همه را می‌داند].

سَوَاءٌ مِنْكُمْ مَنْ أَسَرَ الْقَوْلَ وَمَنْ جَهَرَ بِهِ وَمَنْ هُوَ مُسْتَخْفٍ بِاللَّيْلِ وَسَارِبٌ بِالنَّهَارِ ﴿١٠﴾

(۱۱) برای او [= انسان] فرشتگانی است که همواره از پیش رو و از پشت سرش، او را به فرمان الله حفاظت می‌کنند. بی‌گمان، الله حال [و سرنوشت نیکوی] هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد، مگر آنکه آنان آنچه را که در دل‌هایشان دارند دگرگون سازند [و مرتکب

لَهُ مَعْصِبَتٌ مِّنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ ۗ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ ۗ وَمَا

گناه شوند؛] و هنگامی که الله برای قومی [گرفتاری و] بدی بخواهد، هیچ چیز مانع آن نخواهد شد و آنان جز [ذات پاک] او هیچ کارسازی ندارند.

لَهُمْ مِّنْ دُونِهِۦٓ مِنْ وَّالٍ ﴿۱۱﴾

(۱۲) اوست که برق را برای بیم [از صاعقه و آتش] و امید [به باران] به شما می‌نماید و برهای گرانبار را پدید می‌آورد.

هُوَ الَّذِي يُرِيكُمُ الْبَرْقَ حَوَافًا
وَطَمَعًا وَيُنشِئُ السَّحَابَ
الْثِقَالَ ﴿۱۲﴾

(۱۳) رعد به ستایش او و [تمام] فرشتگان از خوف و خشیت، او را تسبیح می‌گویند؛ و [اوست که] صاعقه‌ها را می‌فرستد؛ و آن [صاعقه مرگبار] به هر کس که او بخواهد برخورد می‌کند؛ و آنان [= کافران] درباره [یگانگی] الله مجادله می‌کنند و او تعالی سختگیر [و سخت کیفر] است.

وَيُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِۦ وَالْمَلَائِكَةُ
مِنْ خِيْفَتِهِۦ وَيُرْسِلُ الصَّوَاعِقَ
فَيُصِيبُ بِهَا مَن يَشَاءُ وَهُمْ
يُجَادِلُونَ فِي اللَّهِ وَهُوَ شَدِيدُ
الْمِحَالِ ﴿۱۳﴾

(۱۴) دعای حقیقی [و عبادت به یگانگی] فقط از آن او [= الله] است؛ و کسانی را که [مشرکان] به جای او [به دعا و یاری] می‌خوانند، به هیچ وجه دعایشان را اجابت نمی‌کنند؛ مگر مانند کسی که دو دستش را به سوی آب بگشاید تا [آب] به دهانش برساند، در حالی که [هیچ آبی] به [دهان] او نمی‌رسد؛ و دعای کافران [در برابر معبودهایشان] جز در گمراهی نیست.

لَهُۥ دَعْوَةُ الْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ
مِنْ دُونِهِۦٓ لَا يَسْتَجِيبُونَ لَهُمْ
بِشَيْءٍ إِلَّا كَبْسِطٍ كَفِّهِۦٓ إِلَى
الْمَاءِ لِيَبْلُغَ فَاهُۙ وَمَا هُوَ بِبَلِغِهِۦٓ
وَمَا دُعَاءُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي
ضَلَالٍ ﴿۱۴﴾

وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَظِلَالُهُمْ بِالْعُدُوِّ وَالْأَصَالِ ﴿١٥﴾
 (۱۵) و هر کس [و هر چه] در آسمان‌ها و زمین است - خواه و ناخواه - و [حتی] سایه‌هایشان، بامداد و شامگاه برای الله سجده [و فروتنی] می‌کنند.

قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ قُلْ أَفَاتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ لَا يَمْلِكُونَ لِأَنْفُسِهِمْ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ أَمْ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ خَلَقُوا كَخَلْقِهِ فَتَشَبَهَ الْخَلْقُ عَلَيْهِمْ قُلِ اللَّهُ خَلِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهْرُ ﴿١٦﴾
 (۱۶) [ای پیامبر، به مشرکان] بگو: «پروردگار آسمان‌ها و زمین کیست؟» بگو: «الله». [سپس] بگو: «آیا به جای او [دوستان و کارسازانی برگزیده‌اید که [حتی] مالک سود و زیان خود نیستند؟». بگو: «آیا نابینا و بینا برابرند؟ یا تاریکی‌ها و نور یکسانند؟ یا آنان شریکانی برای الله قرار داده‌اند که همچون آفرینش او آفریده‌اند و [در نتیجه، امر] آفرینش بر آنان مُشْتَبِه شده است؟» بگو: «الله آفریننده همه چیز است و او یگانه پیروزمند است.»

أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَهُ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حِلْيَةٍ أَوْ مَتَلَعٍ زَبَدٌ مِثْلُهُ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ
 (۱۷) [الله] از آسمان آبی فرو بارید؛ آنگاه رودها هر یک به اندازه [گنجایش] خود جاری شدند و سیلاب، کف روی خود را برآورد؛ و از آنچه بر آتش می‌افروزند [و می‌گدازند] تا زیور یا کالایی به دست آورند [نیز] کفی همانند آن [آب برمی‌آید]. الله حق و باطل را اینچنین مثال می‌زند. و اما کف، به کناری می‌رود و نیست می‌گردد؛ ولی آنچه به مردم سود می‌رساند بر زمین [باقی] می‌ماند. الله مثل‌ها

الْتَّاسَ فَيَمَكْتُ فِي الْأَرْضِ ۚ
كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ ﴿١٧﴾

(۱۸) برای کسانی که [دعوت] پروردگارش را اجابت کردند، پاداش نیک [= بهشت در پیش] است؛ و کسانی که [دعوت] او را اجابت نکردند، اگر تمام آنچه در زمین است و [نیز] همانندش را با آن داشتند، یقیناً [حاضر بودند که همه را] برای رهایی خویش [از عذاب] بپردازند، [ولی از آنان پذیرفته نخواهد شد].

وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ الْحُسْنَىٰ
وَالَّذِينَ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُ لَوْ أَنَّ
لَهُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ
مَعَهُ لَا فِتْنَدُوا بِهِ ۚ أُولَٰئِكَ لَهُمْ
سُوءُ الْحِسَابِ وَمَأْوَهُمْ جَهَنَّمُ
وَبِئْسَ الْمِهَادُ ﴿١٨﴾

آنان حسابی بد [و بازخواستی بسیار سخت] دارند و جایگاهشان دوزخ است و چه بد جایگاهی است!

﴿١٩﴾ آیا کسی که می‌داند آنچه از [طرف] پروردگارت بر تو نازل شده حق است، مانند کسی است که [نسبت به حق] نابیناست؟ تنها خردمندان پند می‌گیرند.

﴿١٩﴾ أَفَمَنْ يَعْلَمُ نَمَّا أَنْزَلَ إِلَيْكَ
مِنَ رَبِّكَ الْحَقُّ كَمَنْ هُوَ أَعْمَىٰ
إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿١٩﴾

(۲۰) [همان] کسانی که به پیمان الله وفا می‌کنند و عهد نمی‌شکنند.

وَالَّذِينَ يُؤْفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَلَا
يَنْفُضُونَ الْمِيثَاقَ ﴿٢٠﴾

(۲۱) و کسانی که هر آنچه را الله به پیوند کردن آن فرمان داده است می‌پیوندند [= صلهٔ رحم برقرار می‌کنند] و از پروردگارش می‌ترسند و از سختی حساب می‌هراسند.

وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ ۚ
أَنْ يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ
وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ ﴿٢١﴾

وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَدْرَعُونَ بِالْحَسَنَةِ أُولَئِكَ أُولَئِكَ لَهُمْ عُقُوبَى الدَّارِ ﴿۲۲﴾

(۲۲) و کسانی که برای کسب خشنودی پروردگارشان شکیبایی کرده‌اند و نماز بر پا داشته‌اند و از آنچه به آنان روزی داده‌ایم، پنهان و آشکارا انفاق کرده‌اند و بدی را با نیکی می‌زدایند. آنانند که فرجامی نیک خواهند داشت.

جَنَّتْ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ ﴿۲۳﴾

(۲۳) [پاداششان] باغ‌های جاودان [بهشت است] که آنان و هر یک از پدران و همسران و فرزندانشان که نیکوکار بوده‌اند، به آن وارد می‌شوند و فرشتگان از هر دری بر آنان درمی‌آیند.

سَلَّمَ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعَمَ عُقُوبَى الدَّارِ ﴿۲۴﴾

(۲۴) [و به آنان می‌گویند:] «سلام بر شما به [پاداش] آنچه [بر ایمانتان] شکیبایی کرده‌اید. پس چه نیکوست فرجام آن سرای!»

وَالَّذِينَ يَنفُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ ﴿۲۵﴾

(۲۵) و کسانی که پیمان الله را پس از استوارکردنش می‌شکنند و آنچه را که الله به پیوستنش فرمان داده است [= صله رحم] می‌گسلند و در زمین [فتنه و] فساد می‌کنند، اینانند که [در آخرت] لعنت و فرجامی بد دارند.

اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ وَفَرِحُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا

(۲۶) الله [نعمت و] روزی را بر هر کس که خواهد گسترده می‌دارد و یا تنگ می‌کند؛ و

وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مَتَاعٌ ﴿٢٦﴾
 [کافران] به زندگی دنیا شاد شدند و [الی] زندگی دنیا در [برابر] آخرت، جز بهره‌ای [ناچیز] نیست.

وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ إِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ أُنَابَ ﴿٢٧﴾
 (۲۷) و کسانی که کفر ورزیدند می‌گویند: «چرا نشانه‌ای از [سوی] پروردگارش بر او نازل نشده است؟» بگو: «بی‌تردید، الله هر کس را که بخواهد گمراه می‌کند؛ و هر کس را که توبه نماید به سوی خویش هدایت می‌کند».

الَّذِينَ ءَامَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ ﴿٢٨﴾
 (۲۸) [همان] کسانی که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به یاد الله آرام می‌گیرد. آگاه باشید که تنها با یاد الله دل‌ها آرام می‌گیرد.

الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَى لَهُمْ وَحَسُنَ مَا أَجَبَ ﴿٢٩﴾
 (۲۹) کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند، خوشا بر آنان! و سرانجامی نیک دارند.

كَذَلِكَ أَرْسَلْنَاكَ فِي أُمَّةٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهَا أُمَمٌ لِيَتْلُوا عَلَيْهِمُ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَهُمْ يَكْفُرُونَ بِالرَّحْمَنِ قُلْ هُوَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ مَتَابٌ ﴿٣٠﴾
 (۳۰) [ای پیامبر]، این‌گونه، تو را بین امتی فرستادیم که پیش از آنها امت‌هایی [دیگر] آمده [و رفته] بودند تا آنچه بر تو وحی کرده‌ایم بر آنان بخوانی و حال آنکه آنان به [پروردگار] رحمان کفر می‌ورزند. بگو: «او پروردگار من است [و] معبودی [به‌حق] جز او نیست؛ بر او توکل کرده‌ام و بازگشتم به سوی اوست».

وَلَوْ أَنَّ قُرْءَانًا سُيِّرَتْ بِهِ الْجِبَالُ

[هیبت] آن به حرکت درمی‌آمد و زمین پاره‌پاره می‌شکافت یا مردگان از [تلاوت] آن به سخن درمی‌آمدند [باز هم کافران ایمان نمی‌آوردند]. امر [تدبیر جهان و نزول معجزات]، از آنِ الله است. آیا کسانی که ایمان آورده‌اند نمی‌دانند که اگر الله می‌خواست قطعاً همهٔ مردم را هدایت می‌کرد؟ و کسانی که کفر ورزیدند، پیوسته به [سزای] آنچه کرده‌اند گرفتار مصیبت کوبنده‌ای می‌شوند یا [عذاب الهی] نزدیک خانه‌هایشان فرود می‌آید تا [سرانجام] وعدهٔ الله فرارسد. بی‌تردید، الله خُلف وعده نمی‌کند.

(۳۲) [ای پیامبر]، یقیناً پیامبرانی که پیش از تو بودند [نیز] مورد تمسخر واقع شدند، آنگاه به کسانی که کفر ورزیدند مهلت دادم، سپس آنان را [به عذاب] فروگرفتم. پس [بنگر که] کیفر من چگونه بود.

(۳۳) آیا آن [پروردگاری] که حاکم بر هر کس و [ناظر بر] رفتار و کردار اوست [به عبادت سزاوارتر است یا معبودهای باطل و بی‌خبر]؟ و [کافران] شریکانی برای الله قرار دادند. بگو: «آنان را نام ببرید». آیا [می‌خواهید به] او تعالی دربارهٔ آنچه در زمین است و او نمی‌داند خبر دهید، یا فقط سخنی سطحی [و

أَوْ قُطِعَتْ بِهِ الْأَرْضُ أَوْ كَلِمَ بِهِ الْمَوْتَىٰ بَلِ لِلَّهِ الْأَمْرُ جَمِيعًا أَفَلَمْ يَأْتِيسِ الَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَهَدَى النَّاسَ جَمِيعًا وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا تُصِيبُهُم بِمَا صَنَعُوا قَارِعَةٌ أَوْ تَحُلُّ قَرِيبًا مِّن دَارِهِمْ حَتَّىٰ يَأْتِيَ وَعْدُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ ﴿٣١﴾

وَلَقَدْ أَسْتَهْزِئَ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ فَأَمَلَيْتُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا ثُمَّ أَخَذْتَهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ ﴿٣٢﴾

أَفَمَنْ هُوَ قَائِمٌ عَلَىٰ كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ ۗ وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ قُل سَمُّهُمْ ۗ أَمْ تُنَبِّئُونَهُ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي الْأَرْضِ ۗ أَمْ بِيْظَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بَلْ زُيِّنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مَكْرُهُمْ وَصُدُّوا عَنِ السَّبِيلِ ۗ وَمَنْ يُضِلِلْ

بی‌اساس] می‌گویید؟ [چنین نیست؛] بلکه برای کسانی که کفر ورزیده‌اند، نیرنگشان آراسته شده است و از راه [حق] بازداشته شده‌اند؛ و هر کس که الله او را گمراه گذارد، هدایتگری نخواهد داشت.

اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ ﴿٣٣﴾

(۳۴) آنان در زندگی دنیا عذاب [دردناکی] دارند و قطعاً عذاب آخرت سخت‌تر است؛ و در برابر [عذاب] الله، هیچ [یار و] محافظی ندارند.

لَهُمْ عَذَابٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا
وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَقُّ وَمَا لَهُمْ
مِنْ اللَّهِ مِنْ وَاقٍ ﴿٣٤﴾

(۳۵) ویژگی بهشتی که به پرهیزگاران وعده داده شده [چنین است که:]: جویبارها از زیر [درختان] آن جاری است، میوه‌هایش همیشگی و سایه‌اش [نیز دائمی است]. این، سرانجام کسانی است که پرهیزگاری کرده‌اند؛ و سرانجام کافران، آتش [دوزخ] است.

مِثْلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ
تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلُّهَا
دَائِمٌ وَظِلُّهَا تِلْكَ عُقْبَى الَّذِينَ
اتَّقَوْا وَعُقْبَى الْكَافِرِينَ النَّارُ ﴿٣٥﴾

(۳۶) و کسانی که به آنان کتاب آسمانی داده‌ایم، از آنچه بر تو نازل شده است شادمان می‌شوند و برخی از گروه‌ها [ای اهل کتاب]، بخشی از آن را انکار می‌کنند. [ای پیامبر، به آنان] بگو: «جز این نیست که من دستور یافته‌ام الله را عبادت کنم و به او شرک نورزم؛ به سوی او دعوت می‌دهم و بازگشتم به سوی اوست».

وَالَّذِينَ ءَاتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ
يَفْرَحُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمِنْ
الْأَحْزَابِ مَنْ يُنْكِرُ بَعْضَهُ فُلِ
إِنَّمَا أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ وَلَا
أُشْرِكَ بِهِ ۚ إِلَيْهِ أَدْعُوا وَإِلَيْهِ
مَعَابٍ ﴿٣٦﴾

وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ حُكْمًا عَرَبِيًّا ۗ (۳۷) و این گونه، این [قرآن] را فرمانی به زبان عربی [فصیح] نازل کردیم؛ و اگر پس از دانشی که [از جانب پروردگار] برایت آمده است، از هوس‌های آنان [= مشرکان] پیروی کنی، در برابر [عذاب] الله هیچ کارساز و نگهدارنده‌ای نخواهی داشت.

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّن قَبْلِكَ وَجَعَلْنَا لَهُمُ أَزْوَاجًا وَذُرِّيَّةً وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ لِكُلِّ أَجَلٍ كِتَابٌ ﴿٣٨﴾ (۳۸) و بی‌تردید، پیش از تو [نیز] پیامبرانی فرستادیم و برای آنان [مانند دیگر انسان‌ها] همسران و فرزندان قرار دادیم؛ و برای هیچ پیامبری سزاوار نیست که جز به فرمان الله [معجزه و] آیه‌ای بیاورد. هر امری، [تقدیر و] نوشته‌ای [معلوم] دارد.

يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ ۗ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ ﴿٣٩﴾ (۳۹) الله هر چه را که بخواهد از میان می‌برد و [آنچه را بخواهد] استوار می‌دارد؛ و أم الكتاب [= لوح محفوظ] نزد اوست.

وَإِن مَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلْغُ وَعَلَيْنَا الْحِسَابُ ﴿٤٠﴾ (۴۰) و [ای پیامبر]، اگر برخی از آنچه را که به آنان وعده می‌دهیم به تو نشان دهیم یا [پیش از فرارسیدن عذاب]، تو را بمیرانیم، [در هر حال] فقط تبلیغ [رسالت] بر [عهده] توست و حساب [و مجازاتشان] بر ماست.

أُولَٰئِكَ يَرَوْنَ أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْفُضُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا ۗ وَاللَّهُ

يَحْكُمُ لَا مُعْتَبَٰرَ لِحُكْمِهِۦ وَهُوَ
سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿٤١﴾

می‌کاهیم [و بر قلمروی اسلام می‌افزاییم]؟ و
الله حکم می‌کند و [هیچ] بازدارنده‌ای برای
حُکمش نیست و او در حسابرسی سریع است.

وَقَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلِلَّهِ
الْمَكْرُ جَمِيعًا يَعْزِمُ مَا تَكْسِبُ
كُلُّ نَفْسٍ وَّسَيَعْلَمُ الْكَفْرُ لِمَنْ
عُقِبَ الدَّارِ ﴿٤٢﴾

(۴۲) و به راستی، کسانی که پیش از آنان
بودند [برای مقابله با پیامبرانشان] مکر
ورزیدند؛ ولی تمام مکرها [و تدبیرها] از آن الله
است. او تعالی می‌داند که هر کسی چه کاری
انجام می‌دهد؛ و به زودی کافران خواهند
دانست که فرجام [نیکوی] سرای [آخرت] از
آن کیست.

وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ
مُرْسَلًا قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا
بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ
الْكِتَابِ ﴿٤٣﴾

(۴۳) و کسانی که کفر ورزیدند می‌گویند:
«[ای محمد،] تو رسول [الله] نیستی». بگو:
«کافی است که الله و کسانی که دانش
کتابهای آسمانی پیشین [نزدشان است،
میان من و شما گواه باشند».

سُورَةُ إِبْرَاهِيمَ

سورة ابراهيم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

(۱) الر [= الف. لام. را]. این [قرآن] کتابی است که بر تو نازل کردیم تا مردم را به فرمان پروردگارشان، از تاریکی‌ها [ی شرک و جهل] به روشنایی [ایمان و دانش] بیرون آوری؛ به راه پروردگار [شکست‌ناپذیر ستوده].

الرَّ كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ﴿١﴾

(۲) همان [الله که آنچه در آسمان‌ها و زمین است از آن اوست؛ و وای بر کافران از عذاب سخت!]

اللَّهُ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَوَيْلٌ لِلْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ شَدِيدٍ ﴿٢﴾

(۳) کسانی که زندگی دنیا را بر آخرت ترجیح می‌دهند و [مردم را] از راه الله بازمی‌دارند و آن راه را منحرف [و سازگار با هوای نفس‌شان] می‌خواهند، اینان در گمراهی دور و درازی هستند.

الَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ ﴿٣﴾

(۴) ما هیچ پیامبری را جز به زبان قومش نفرستادیم تا [بتواند پیام الهی را] برایشان بیان کند. الله هر کس را که بخواهد [به عدالت خویش] گمراه می‌سازد و [به فضل خویش] هر کس را که بخواهد هدایت می‌کند و او شکست‌ناپذیر حکیم است.

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ فَيُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٤﴾

(۵) و به راستی، ما موسی را با نشانه‌های روشن خود فرستادیم [و به او دستور دادیم] که: «قومت را از تاریکی‌های [کفر] به روشنایی [توحید] بیرون آور و روزهای الله را به آنان یادآوری کن. بی‌تردید، در این [یادآوری]، برای هر شکیبای شکرگزار، نشانه‌هایی [از یگانگی و بزرگی الله] است.

وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ أَذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ أَنْجَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ وَيَدَجِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَٰلِكُمْ بَلَاءٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَظِيمٌ ﴿٦﴾

(۶) و [ای پیامبر، یاد کن از] هنگامی که موسی به قومش گفت: «نعمت الله را بر خود به یاد آورید، آنگاه که شما را از [چنگال] فرعونیان نجات داد، [همان کسانی] که بدترین [و خفت‌بارترین] عذاب را بر سرتان می‌آوردند: پسرانتان را می‌کشتند و زنانتان را [برای] کنیزی [زنده می‌گذاشتند؛ و در این [امر]، آزمایشی بزرگ از جانب پروردگارتان برای شما بود [تا شکیبایی‌تان را بیازماید]».

وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ ﴿٧﴾

(۷) و [یاد کنید از] هنگامی که پروردگارتان اعلام کرد: «اگر شکر گزارید، یقیناً [نعمتم را] بر شما می‌افزایم و اگر ناسپاسی کنید، یقیناً عذاب من سخت است».

وَقَالَ مُوسَىٰ إِنَّ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ ﴿٨﴾

(۸) و موسی به [آنان] گفت: «اگر شما و همه مردم روی زمین کافر شوید، [هیچ زبانی به الله نمی‌رسد؛ چرا که] بی‌تردید، الله بی‌نیاز ستوده است».

أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبُؤُا الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَالَّذِينَ مِن بَعْدِهِمْ لَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا اللَّهُ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَرَدُّوا أَعْيُنَهُمْ فِي آفْوَاهِهِمْ وَقَالُوا إِنَّا كَفَرْنَا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِء وَإِنَّا لَفِي شَكِّ مِمَّا تَدْعُونَنَا إِلَيْهِ مُرِيبٍ ﴿٩﴾

(۹) [ای کافران،] آیا خبر [هلاکت] کسانی که پیش از شما بودند، - [مانند] قوم نوح و عاد و ثمود - و [نیز] کسانی که بعد از آنان بودند [و] جز الله کسی از آنان خبر ندارد، به شما نرسیده است؟ پیامبرانشان با دلایل [و معجزات] روشن به سویشان آمدند؛ ولی آنان [به نشانه مخالفت] دست‌های خود را بر دهان‌هایشان نهادند و [انگشت به دندان گزیدند و] گفتند: «ما آنچه را که شما برای [ابلاغ] آن فرستاده شده‌اید انکار می‌کنیم و درباره آنچه ما را به سویش می‌خوانید، سخت در تردید هستیم».

﴿٩﴾ قَالَتْ رُسُلُهُمْ أَفِي اللَّهِ شَكٌّ فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَدْعُوكُمْ لِيَغْفِرَ لَكُمْ مِّن ذُنُوبِكُمْ وَيُؤَخِّرَكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى قَالُوا إِنْ أَنتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا تُرِيدُونَ أَن تَصُدُّونَا عَمَّا كَانِ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا فَاقْتُونَا يَسُلْطٰنِ مِّبِينِ ﴿١٠﴾

(۱۰) پیامبرانشان گفتند: «آیا در [یگانگی] الله - آفریننده آسمان‌ها و زمین - تردیدی هست؟ او شما را [به ایمان] فرامی‌خواند تا گناهانتان را ببخشد و تا مدتی معین به شما مهلت دهد». آنان گفتند: «شما جز بشری همانند ما نیستید [و] می‌خواهید ما را از آنچه که پدرانمان عبادت می‌کردند بازدارید. پس دلیلی آشکار [در مورد راستگویی‌تان] بر ایمان بیاورید».

﴿١٠﴾ قَالَتْ لَهُمْ رُسُلُهُمْ إِنْ نَحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَمُنُّ

(۱۱) پیامبرانشان به آنان گفتند: «[آری،] ما جز انسان‌هایی مانند شما نیستیم؛ ولی الله بر

هر یک از بندگان که بخواهد [با نعمتِ نبوت] منت می‌نهد؛ و سزاوار نیست که ما جز به اجازهٔ الله دلیلی برای شما بیاوریم؛ پس مؤمنان باید بر الله توکل کنند.

عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ ۖ وَمَا كَانَ لَنَا أَنْ نَأْتِيَكُمْ بِسُلْطٰنٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ ۗ وَعَلَىٰ اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ﴿۱۱﴾

(۱۲) و چرا بر الله توکل نکنیم، و حال آنکه او ما را به راه‌های [سعادت] مان هدایت نمود؟ و ما بر آزاری که شما [در راه رسالت] به ما می‌رسانید، قطعاً شکیبایی می‌کنیم؛ و توکل‌کنندگان باید فقط بر الله توکل کنند».

وَمَا لَنَا أَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدٰنَا سُبُلَنَا ۗ وَلَنَصْبِرَنَّ عَلَىٰ مَا آءَاذٰتُنَا ۗ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ ﴿۱۲﴾

(۱۳) و کسانی که کفر ورزیدند به پیامبران‌شان گفتند: «یا شما را از سرزمینمان بیرون می‌کنیم یا به آیین ما بازگردید». پروردگارشان به آنان وحی کرد که: «یقیناً ستمکاران را نابود می‌کنیم».

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِرُسُلِهِمْ لَنُخْرِجَنَّكُمْ مِّنْ أَرْضِنَا أَوْ لَنَعُودَنَّ فِي مِلَّتِنَا فَأَوْحٰى إِلَيْهِمْ رَبُّهُمْ لَنُهْلِكَنَّ الظَّٰلِمِينَ ﴿۱۳﴾

(۱۴) و قطعاً شما را پس از آنان در زمین جای خواهیم داد. این [عذاب و پاداش] برای کسی است که از ایستادن [به هنگام حسابرسی] در پیشگاه من بترسد و از تهدیدم بهراسد».

وَلَنُسَكِّنَنَّكُمْ الْأَرْضَ مِنۢ بَعْدِهِمْ ۚ ذٰلِكَ لِمَنْ خَافَ مَقَامِي ۗ وَخَافَ وَعَبٰدِ ﴿۱۴﴾

(۱۵) و [پیامبران از الله] درخواست پیروزی [بر کافران را] کردند و [سرانجام] هر گردنکشی ستیزه‌جویی، ناکام [و نابود] شد.

وَأَسْتَفْتِحُوكُمْ عَلَىٰ كُلِّ مَنۢ بَدَا بِكُم مِّنۢ بَعْدِ ۗ إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿۱۵﴾

مِنْ وَرَائِهِ جَهَنَّمَ وَيُسْقَىٰ مِنْ مَّاءٍ صَدِيدٍ ﴿١٦﴾
 [همان کسی که] دوزخ پیش روی اوست
 و آبی از چرک خون‌آلود [دوزخیان] به وی
 می‌نوشانند.

يَتَجَرَّعُهُ وَلَا يَكَادُ يُسِغُهُ ۖ وَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَمَا هُوَ بِمَيِّتٍ ۖ وَمِنْ وَرَائِهِ عَذَابٌ غَلِيظٌ ﴿١٧﴾
 [آبی] که آن را جرعه‌جرعه می‌آشامد و
 [از فرطِ تعفن و تلخی،] فروبردنش آسان و
 گوارا نیست و مرگ از هر طرف به سویش رو
 می‌آورد ولی نمی‌میرد و عذابی سخت [و
 سهمگین] پیش روی اوست.

مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ ۖ أَعْمَلُهُمْ كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ لَا يَقْدِرُونَ مِمَّا كَسَبُوا عَلَىٰ شَيْءٍ ۚ ذَٰلِكَ هُوَ الصَّلْوُ الْبَعِيدُ ﴿١٨﴾
 [این است که] اعمالشان همچون
 خاکستری است که در روز طوفانی باد شدیدی
 بر آن می‌وزد [و] از آنچه کرده‌اند، چیزی در
 دست ندارند. این، همان گمراهی دور و دراز
 است.

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ ۚ إِنَّ يَشَأُ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ ﴿١٩﴾
 [ای انسان،] آیا ندیدی که الله آسمان‌ها
 و زمین را به‌حق آفریده است؟ اگر بخواهد،
 شما را [از میان] می‌برد و خلق جدیدی [به
 جای شما پدید] می‌آورد.

وَمَا ذَٰلِكَ عَلَىٰ اللَّهِ بِعَزِيزٍ ﴿٢٠﴾ و این [کار] بر الله دشوار نیست.

وَبَرَزُوا لِلَّهِ جَمِيعًا فَقَالَ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا

[۲۱] و [روز قیامت] همگی در پیشگاه الله
 حاضر [و آشکار] می‌شوند؛ [در این هنگام]

ستمدیدگان به کسانی که گردنکشی می کردند می گویند: «ما [در دنیا] پیرو شما بودیم؛ آیا [امروز] می توانید چیزی از عذاب الله را از ما بازدارید؟» آنان می گویند: «اگر الله ما را [در دنیا به سوی رستگاری] راهنمایی کرده بود، ما نیز راه را به شما نشان می دادیم. چه بی تابی کنیم چه شکیبایی نماییم، برایمان یکسان است؛ [هیچ] گریزگاهی نداریم.»

كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُّعْتَدُونَ
عَنَّا مِنْ عَذَابِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ ۗ
قَالُوا لَوْ هَدَّيْنَا اللَّهُ لَهَدَيْنَاكُمْ ۗ
سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَجْرَعْنَا أَمْ سَبَرْنَا مَا
لَنَا مِنْ مَّحِيصٍ ﴿۲۲﴾

(۲۲) و چون کار [داوری] انجام شد، شیطان می گوید: «بی تردید، الله به شما وعده داد؛ وعده ای راست و درست؛ و من به شما وعده [دروغین] دادم و با شما خُلفِ وعده کردم؛ و من هیچ تسلطی بر شما نداشتم جز اینکه شما را دعوت دادم و شما [نیز دعوت] مرا اجابت کردید؛ پس مرا سرزنش نکنید و خودتان را سرزنش کنید. [امروز] نه من فریادرس شما هستم و نه شما فریادرس من هستید. من بیزارم از اینکه پیش از این مرا [با الله] شریک می گرفتید. ستمکاران [مشرک] عذابی پردرد خواهند داشت.

وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ
إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعَدَ الْحَقِّ
وَوَعَدْتُكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ وَمَا
كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا
أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا
تَلُمُونِي وَلُومُوا أَنْفُسَكُمْ مَا أَنَا
بِمُصْرِخِكُمْ وَمَا أَنْتُمْ بِمُصْرِخِي
إِنِّي كَفَرْتُ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ
قَبْلُ ۗ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ
أَلِيمٌ ﴿۲۲﴾

(۲۳) و کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، به باغ های [بهشتی] درآورده می شوند که جویبارها از زیر [درختان] آن جاری است؛ به فرمان پروردگارش در آن

وَأُدْخِلَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا
الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ
تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا بِإِذْنِ

جاودانند و درودشان در آنجا «سلام» است.

رَبِّهِمْ تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ ﴿٢٣﴾

(۲۴) [ای پیامبر،] آیا ندیدی که الله چگونه مثل زده است؟ کلمه پاک [لا اله الا الله] همچون درخت [نخل تنومند و] پاکی است که ریشه‌اش [در اعماق زمین] استوار است و شاخه‌اش بر آسمان [سر برآورده] است.

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا
كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ
أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي
السَّمَاءِ ﴿٢٤﴾

(۲۵) میوه‌اش را هر لحظه به فرمان پروردگارش می‌دهد؛ و الله برای [هدایت مردم] مثل‌ها می‌زند؛ باشد که پند گیرند.

تُؤْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ
رَبِّهَا وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ
لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٢٥﴾

(۲۶) و مثل کلمه پلید [شرك]، همچون درخت پلیدی است که از زمین برکنده شده [و هیچ] قرار و ثباتی ندارد.

وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ
خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ
مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ ﴿٢٦﴾

(۲۷) الله کسانی را که ایمان آورده‌اند در زندگی دنیا و در آخرت، با سخن استوار [توحید] ثابت می‌گرداند و ستمگران [مشرك] را گمراه می‌کند؛ و الله هر کاری بخواهد انجام می‌دهد.

يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ
الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي
الْآخِرَةِ وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ
وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ ﴿٢٧﴾

(۲۸) آیا ندیدی آن کسانی [از قریش] را که [سپاس] نعمتِ الله [= حرم امن و وجود پیامبر] را به [ناسپاسی و] کفر تبدیل کردند و قومشان را به سرای هلاکت درآوردند؟

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ
اللَّهِ كُفْرًا وَآحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ
الْبُورِ ﴿٢٨﴾

جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا^ط وَيَبْسُ^ط الْقَرَارُ ﴿٢٩﴾ [آن سراى هلاکت،] دوزخ است [که] در آن وارد مى‌شوند و چه بد جاىگاهى است!

وَجَعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا لِّيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِهِ^ط قُلْ تَمَتَّعُوا فَإِنَّ مَصِيرَكُمْ إِلَى النَّارِ ﴿٣٠﴾ [مشركان] همتايانى براى الله قرار دادند تا [مردم را] از راه او گمراه كنند. بگو: «[چند روزى از نعمت‌هاى دنيا] بهره گيريد؛ كه يقيناً بازگشتتان به سوى آتش [دوزخ] است».

قُلْ لِعِبَادِيَ الَّذِينَ ءَامَنُوا يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَاطَانِيَةً مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خِلَالَ^ط ﴿٣١﴾ [اى پيامبر،] به بندگان من كه ايمان آورده‌اند بگو نماز را برپا دارند و از آنچه روزى‌شان كرده‌ايم پنهانى و آشكارا انفاق كنند؛ پيش از آنكه روزى فرارسد كه در آن نه خريد و فروشى هست و نه دوستى‌اى.

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ^ط وَسَخَّرَ لَكُمْ الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ^ط وَسَخَّرَ لَكُمْ^ط الْأَنْهَارَ ﴿٣٢﴾ الله است كه آسمان‌ها و زمين را آفريد و آبى از آسمان فروفرستاد و با آن، [انواع] ميوه‌ها را براى روزى شما پديد آورد؛ و كشتى‌ها را به خدمتتان گماشت تا به فرمانش در دريا در حركت باشند و جويبارها را [نيز] در خدمت شما نهاد؛

وَسَخَّرَ لَكُمْ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَابِّينَ^ط وَسَخَّرَ لَكُمْ الْإِيلَ وَالنَّهَارَ ﴿٣٣﴾ و خورشيد و ماه را كه پيوسته [در مدار خود] در حركتند و [همچنين] شب و روز را به خدمتتان گماشت.

وَعَاتَلَكُمْ مِّنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ (۳۴) و از هر آنچه از او خواستید به شما بخشید؛ و اگر نعمت الله را بشمارید، [چنان فراوان است که] نمی‌توانید آن را شمارش کنید. به راستی که انسان، [در حق خویش،] ستمکار [و نسبت به الله،] ناسپاس است.

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ (۳۵) و [یاد کن از] ابراهیم هنگامی که گفت: «پروردگارا، این شهر [= مکه] را امن بگردان و من و فرزندانم را از عبادت بُت‌ها دور بدار.

رَبِّ إِنَّهُمْ أَضَلُّنَ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ ۗ فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي ۗ وَمَنْ عَصَانِي فَإِنَّكَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۳۶) پروردگارا، به راستی که آنها [=معبودها] بسیاری از مردم را [با تصور شفاعت] گمراه ساخته‌اند؛ پس هر کس [در عبادت الله به یگانگی] از من پیروی کند، یقیناً از من است و هر کس از من نافرمانی کند، بی‌تردید، تو آمرزندهٔ مهربانی.

رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بُوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ (۳۷) پروردگارا، من [یکی] از فرزندانم را در تنگه‌ای بی‌آب و کشت، نزد خانهٔ محترم [و شکوهمند] تو جای دادم. پروردگارا، [چنین کردم] تا نماز را برپا دارند؛ پس دل‌های برخی از مردم را چنان کن که به سوی آنان [و این سرزمین] متمایل گردد و از محصولات [مورد نیازشان] به آنان روزی ببخش؛ باشد که سپاس گزارند.

رَبَّنَا إِنَّكَ تَعَلَّمْ مَا نُخْفِي وَمَا نُعَلِّمُ ۖ
 وَمَا يَخْفَى عَلَى اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ فِي
 الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ ﴿٣٨﴾

(۳۸) پروردگارا، تو آنچه را که پنهان می‌کنیم و آشکار می‌سازیم، [همه را] می‌دانی؛ و چیزی در زمین و آسمان از الله پوشیده نیست.

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى
 الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبِّي
 لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ ﴿٣٩﴾

(۳۹) ستایش از آن الله است که در کهنسالی، اسماعیل و اسحاق را به من عطا فرمود. بی‌تردید، پروردگارم شنونده دعاست.

رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ
 ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ ﴿٤٠﴾

(۴۰) پروردگارا، مرا برپادارنده نماز قرار بده و از فرزندانم [نیز چنین کن]. پروردگارا، دعایم را بپذیر.

رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ
 يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ ﴿٤١﴾

(۴۱) پروردگارا، من و پدر و مادرم و [همه] مؤمنان را در روزی که حساب برپا می‌شود بیامرز.

وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَفِيلاً عَمَّا
 يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ
 لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ ﴿٤٢﴾

(۴۲) و [ای پیامبر، هرگز] مپندار که الله از آنچه ستمکاران می‌کنند غافل است؛ نه، بلکه کیفر [آنان را برای روزی به تأخیر می‌افکند که چشم‌ها در آن [از وحشت] خیره می‌شوند،

مُهَاطِعِينَ مُقْنِعِي رُءُوسِهِمْ لَا
 يَرْتَدُّ إِلَيْهِمْ طَرْفُهُمْ وَأَفْئِدَتُهُمْ
 هَوَاءٌ ﴿٤٣﴾

(۴۳) در حالی که [به سوی منادی محشر] شتابانند و سرها را بالا گرفته‌اند [و با بی‌قراری به آسمان می‌نگرند] و چشم بر هم نمی‌زنند و دل‌هایشان [از وحشت] تهی گشته است.

(۴۴) و [ای پیامبر،] مردم را از روزی بترسان که عذاب الهی به سراغشان می‌آید؛ و کسانی که [با کفر و شرک به خویش] ستم کرده‌اند می‌گویند: «پروردگارا، اندکی به ما مهلت بده تا [به دنیا بازگردیم و] دعوتت را پاسخ گوئیم و از پیامبران پیروی کنیم». [به آنان گفته می‌شود:] «مگر شما نبودید که بیشتر سوگند می‌خوردید شما را فنايي نیست؟»

(۴۵) و [مگر نه این است که] در خانه‌های کسانی که [با شرک و ناسپاسی] به خویشان ستم کرده بودند [= قوم هود و صالح] ساکن شدید و برایتان روشن شد که [چون کفر ورزیدند] با آنان چگونه رفتار کردیم و [از سرگذشت پشینیان] برایتان مثل‌ها زدیم [ولی باز هم پند نگرفتید].

(۴۶) و آنان نهایت نیرنگ خود را [برای مخالفت با پیامبر و کشتن او] به کار بردند، و مکرشان نزد الله [آشکار] است؛ هر چند نیرنگشان [در حدی نیست که] به سبب آن کوه‌ها از جایش کنده شود.

(۴۷) پس هرگز مپندار که الله وعده خویش را [درباره پیروزی حق] با پیامبرانش خلاف می‌کند. بی‌تردید، الله شکست‌ناپذیر انتقام‌گیرنده است.

وَأَنْذِرِ النَّاسَ يَوْمَ يَأْتِيهِمُ
الْعَذَابُ فَيَقُولُ الَّذِينَ ظَلَمُوا
رَبَّنَا أَخْرِجْنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ نُّحِبُّ
دَعْوَتَكَ وَنَتَّبِعِ الرَّسُولَ ۗ أَوْلَمَ
تَكُونُوا أَقْسَمْتُمْ مِّن قَبْلُ مَا
لَكُم مِّن زَوَالٍ ﴿٤٤﴾

وَسَكَنتُمْ فِي مَسْكِينَ الَّذِينَ
ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ وَتَبَيَّنَ لَكُم
كَيْفَ فَعَلْنَا بِهِمْ وَضَرَبْنَا لَكُمُ
الْأَمْثَالَ ﴿٤٥﴾

وَقَدْ مَكَرُوا مَكْرَهُمْ وَعِنْدَ اللَّهِ
مَكْرُهُمْ وَإِن كَانَ مَكْرُهُمْ لِيَتْرَوْلَ
مِنَهُ الْجِبَالَ ﴿٤٦﴾

فَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ مُخْلِيفَ وَعْدِهِ ۗ
رُسُلَهُ ۗ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ ذُو
الْإِنْتِقَامِ ﴿٤٧﴾

يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَوَاتُ^{٤٨} وَبَرَزُوا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ ﴿٤٨﴾
 (۴۸) در آن روز، [این] زمین، به زمینی دیگر و آسمان‌ها [به آسمان‌های دیگر] تبدیل می‌شوند و [مردم] در مقابل الله یگانه پیروزمند ظاهر می‌گردند.

وَتَرَى الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ مُّقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ ﴿٤٩﴾
 (۴۹) و در آن روز گناهکاران را می‌بینی که در زنجیرها بسته شده‌اند.

سَرَّابِلُهُمْ مِّنْ قَطْرَانٍ وَتَعَشَىٰ وَجُوهُهُمْ^{٥٠} النَّارُ ﴿٥٠﴾
 (۵۰) لباس‌هایشان از قیرِ گداخته است و آتش صورت‌هایشان را می‌پوشاند.

لِيَجْزِيَ اللَّهُ كُلَّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿٥١﴾
 (۵۱) تا الله هر کس را به [سزای] آنچه کرده است کیفر دهد. به راستی که الله در حسابرسی سریع است.

هَذَا بَلْعٌ لِّلنَّاسِ وَلَيُنذَرُوا بِهِ وَلَيَعْلَمُوا أَنَّمَا هُوَ إِلَهُهُ وَاحِدٌ وَلَيَذَّكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿٥٢﴾
 (۵۲) این [قرآن] پیامی رسا برای مردم است [تا به وسیله آن هدایت شوند] و با آن هشدار یابند و بدانند که او تعالی معبودی یکتاست؛ و تا خردمندان پند گیرند.

سُورَةُ الْحَجْرِ

سورة حجر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

الرَّ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ وَقُرْآنٍ

(۱) الر [= الف. لام. را]. این آیات کتاب [الهی]

و قرآن روشنگر است.

مُبِينٍ ﴿١﴾

رُبَّمَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا

(۲) چه بسا کافران [هنگام مواجهه با عذاب

قیامت] آرزو کنند که کاش مسلمان بودند.

مُسْلِمِينَ ﴿٢﴾

ذُرَّهُمْ يَأْكُلُوا وَيَتَمَتَّعُوا وَيُلْهِمُهُمُ

(۳) بگذار بخورند و [از لذت‌های دنیا] بهره‌مند

شوند و آرزوها [ی مادی]، سرگرمشان سازد؛

پس به زودی خواهند دانست.

الْأَمَلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿٣﴾

وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرِيَةٍ إِلَّا وَلَهَا

(۴) ما [ساکنان] هیچ [شهر و] دیاری را هلاک

نکردیم؛ مگر اینکه [مهلت و] آجلی معین

داشتند.

كِتَابٌ مَّعْلُومٌ ﴿٤﴾

مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا

(۵) هیچ امتی از آجل [مقرر] خود نه پیشی

می‌گیرد و نه [از آن] عقب می‌ماند.

يَسْتَكْبِرُونَ ﴿٥﴾

وَقَالُوا يَا أَيُّهَا الَّذِي نُزِّلَ عَلَيْهِ

(۶) [کافران] گفتند: «ای کسی که [ادعا

می‌کنی] قرآن بر تو نازل شده است، یقیناً تو

دیوانه‌ای.

الذِّكْرُ إِنَّكَ لَمَجْنُونٌ ﴿٦﴾

لَوْ مَا تَأْتِينَا بِالْمَلَكَةِ إِنْ كُنْتَ

(۷) اگر راست می‌گویی، چرا فرشتگان را

نزدمان نمی‌آوری [تا درباره پیامبری‌ات گواهی

دهند]؟»

مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿٧﴾

مَا نُزِّلَ الْمَلَكَةَ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَا كَانُوا إِذَا مُنْظَرِينَ ﴿٨﴾
 (۸) [باید بدانند که] ما فرشتگان را به حق [و فقط در هنگام عذاب کافران] نازل می کنیم؛ و [اگر برای عذابشان نازل شوند] دیگر مهلتی نمی یابند.

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُو لَحَفِظُونَ ﴿٩﴾
 (۹) به راستی که ما خود، قرآن را نازل کردیم و قطعاً خودمان نیز نگهبان آن [از هر گونه تبدیل و تحریفی] هستیم.

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي شَيْعِ الْأَوَّلِينَ ﴿١٠﴾
 (۱۰) [ای پیامبر،] پیش از تو نیز [رسولان خود را] میان گروه های پیشین فرستادیم.

وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ﴿١١﴾
 (۱۱) هیچ پیامبری نزدشان نمی آمد، مگر آنکه مسخره اش می کردند.

كَذَلِكَ نَسُئُكَ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ ﴿١٢﴾
 (۱۲) اینچنین آن [تکذیب و تمسخر] را در دل های گناهکاران [= کافران] راه می دهیم.

لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ وَقَدْ خَلَتْ سُنَّةُ الْأَوَّلِينَ ﴿١٣﴾
 (۱۳) آنان به آن [قرآن] ایمان نمی آورند؛ و شیوه [الله در مجازات] پیشینیان [نیز چنین] رفته است [که آنان را با عذابی دردناک هلاک نماید].

وَلَوْ فَتَحْنَا عَلَيْهِم بَابًا مِّنَ السَّمَاءِ فَظَلُّوا فِيهِ يَعْرُجُونَ ﴿١٤﴾
 (۱۴) و [حتی] اگر دری از آسمان به روی آنان می گشودیم تا پیوسته در آن بالا روند [و شگفتی های ملکوت را ببینند]،

لَقَالُوا إِنَّمَا سُكِّرَتْ أَبْصَرُنَا بَلْ
 نَحْنُ قَوْمٌ مَّسْحُورُونَ ﴿۱۵﴾
 (۱۵) یقیناً باز هم می‌گفتند: «بی‌تردید، ما را
 چشم‌بندی کرده‌اند؛ بلکه ما گروهی
 جادوشده‌ایم».

وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا
 وَرَازِبَاتٍ لِّلنَّظِيرِينَ ﴿۱۶﴾
 (۱۶) و به راستی، ما برجهایی در آسمان قرار
 داده‌ایم و آن را برای تماشاگران آراسته‌ایم.

وَحَفِظْنَاهَا مِن كُلِّ شَيْطَانٍ
 رَّجِيمٍ ﴿۱۷﴾
 (۱۷) و آن [= آسمان] را از [ورود و دستبرد]
 هر شیطانِ رانده‌شده‌ای حفظ کردیم.

إِلَّا مَن أَسْرَقَ السَّمْعَ فَاتَّبَعَهُ
 شِهَابٌ مُّبِينٌ ﴿۱۸﴾
 (۱۸) مگر آن کس که دزدانه سخنی [از
 ملکوتیان] بشنود که [در آن صورت،] شهابی
 روشن او را دنبال می‌کند [و می‌سوزاند].

وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا
 رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِن كُلِّ
 شَيْءٍ مَّوْزُونٍ ﴿۱۹﴾
 (۱۹) و زمین را گسترديم و کوه‌های استواری
 در آن افکندیم و از هر گیاه سنجیده [و
 مناسبی] در آن رویاندیم.

وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعِيشَ وَمَن
 لَّسْتُمْ لَهُو بَرَزَقِينَ ﴿۲۰﴾
 (۲۰) و برای شما و کسانی که روزی‌دهنده
 آنان نیستید اسباب زندگی در آن قرار دادیم.

وَإِن مِّن شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا
 خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ
 مَّعْلُومٍ ﴿۲۱﴾
 (۲۱) و هیچ چیز نیست، مگر آنکه
 گنجینه‌هایش نزد ماست و ما آن را جز
 به اندازه‌ای معین فرو نمی‌فرستیم.

وَأَرْسَلْنَا الرِّيحَ لَوَاقِحَ فَأَنْزَلْنَا مِنْ

السَّمَاءِ مَاءً فَأَسْقَيْنَكَ مَوْءً وَمَا
 أَنْتُمْ لَهُ بِخَازِنِينَ ﴿۲۲﴾
 سپس آبی از آسمان‌ها نازل کردیم و شما را با
 آن سیراب ساختیم؛ در حالی که شما
 ذخیره‌کننده‌اش نیستید.

وَأَنَّا لَنَحْنُ نُحْيِيهِ وَنُمِيتُهُ وَنَحْنُ
 الْوَارِثُونَ ﴿۲۳﴾
 و یقیناً ما مییم که زنده می‌کنیم و
 می‌میرانیم، و ما [بازماندهٔ جاوید و] وارث [همهٔ
 جهانیان] هستیم.

وَلَقَدْ عَلَّمْنَا الْمُسْتَقْدِمِينَ
 مِنْكُمْ وَلَقَدْ عَلَّمْنَا
 الْمُسْتَخِيرِينَ ﴿۲۴﴾
 و بی‌تردید، [تولد و مرگ] گذشتگان شما
 را دانسته‌ایم و یقیناً [تولد و مرگ] آیندگان را
 [نیز به خوبی] می‌دانیم.

وَإِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَحْشُرُهُمْ إِنَّهُ
 حَكِيمٌ عَلِيمٌ ﴿۲۵﴾
 و [ای پیامبر،] بی‌گمان، پروردگارت
 [همهٔ] آنان را [در قیامت] محشور می‌کند. به
 راستی که او حکیم داناست.

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ
 صَلْصَلٍ مِّنْ حَمَءٍ مَّسْنُونٍ ﴿۲۶﴾
 و در حقیقت، ما [نخستین] انسان [=]
 آدم] را از گِلِ خشک [بازمانده] از لجنی بدبو
 آفریدیم.

وَالْحِجَابَ خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلِ مِنْ نَّارِ
 السَّمُومِ ﴿۲۷﴾
 و پیش از آن، جن را از آتشی سوزان و
 بی‌دود آفریدیم.

وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَأِكَةِ إِنِّي
 خَلَقْتُ بَشَرًا مِّنْ صَلْصَلٍ مِّنْ حَمَءٍ
 مَّسْنُونٍ ﴿۲۸﴾
 و [یاد کن] از هنگامی که پروردگارت به
 فرشتگان فرمود: «همانا من بشری را از گِلِ
 خشک [بازمانده] از لجنی بدبو خواهم آفرید.»

(۲۹) پس چون [او را آفریدم و] به او سامان دادم و از روح خویش در وی دمیدم، [به نشانه اطاعت از فرمان من، همگی] بر او سجده کنید».

فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ ﴿۲۹﴾

(۳۰) فرشتگان همگی سجده کردند،

فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ ﴿۳۰﴾

(۳۱) مگر ابلیس که سرپیچی کرد از اینکه با سجده‌کنندگان باشد.

إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى أَنْ يَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ ﴿۳۱﴾

(۳۲) [الله] فرمود: «ای ابلیس، چرا تو با سجده‌کنندگان [همراه] نیستی؟»

قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا لَكَ أَلَّا تَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ ﴿۳۲﴾

(۳۳) [ابلیس] گفت: «من آن نیستم که برای بشری که او را از گل خشک [بازمانده] از لجنی بدبو آفریده‌ای سجده کنم».

قَالَ لَمْ أَكُنْ لِأَسْجُدَ لِبَشَرٍ خَلَقْتَهُ مِنْ صَلْصَلٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ ﴿۳۳﴾

(۳۴) [الله] فرمود: «از آنجا [= بهشت] بیرون شو [که] بی‌تردید، تو [از بارگاه ما] رانده شده‌ای.

قَالَ فَأَخْرَجَ مِنْهَا فَاِنَّكَ رَجِيمٌ ﴿۳۴﴾

(۳۵) و یقیناً تا روز قیامت بر تو لعنت خواهد بود».

وَإِنَّ عَلَيْكَ اللَّعْنَةَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ ﴿۳۵﴾

(۳۶) [ابلیس] گفت: «پروردگارا، تا روزی که [مردم] برانگیخته می‌شوند به من مهلت بده [و مرا نمیران]».

قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿۳۶﴾

قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ ﴿٣٧﴾ [الله] فرمود: «[برو که] یقیناً تو از مهلت یافتگانی،

إِلَى يَوْمِ أَوْفَتِ الْمَعْلُومِ ﴿٣٨﴾ (۳۸) تا روز آن وقت معلوم [که تمام مخلوقات با نفخه نخست می میرند]».

قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأَزِيدَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَاغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٣٩﴾ [او] گفت: «[پروردگارا، به سبب آنکه مرا گمراه ساختی، [من نیز] در زمین [بدی‌ها را] در نظرشان نیک جلوه می‌دهم و همه آنان را به گمراهی می‌کشانم؛

إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ ﴿٤٠﴾ (۴۰) مگر بندگان خالص تو از [میان] آنان، [که هدایتشان کرده‌ای]».

قَالَ هَذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ ﴿٤١﴾ [الله] فرمود: «[این] [اخلاص،] راه مستقیمی است [که به من می‌رسد].

إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَنٌ إِلَّا مَنْ آتَبَعَكَ مِنْ الْغَاوِينَ ﴿٤٢﴾ (۴۲) یقیناً تو بر بندگانم تسلطی نداری، مگر [بر آن مشرکان و] گمراهانی که از تو پیروی می‌کنند.

وَأَنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٤٣﴾ (۴۳) و بی‌تردید، دوزخ وعده‌گاه همه آنان است.

لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ لِكُلِّ بَابٍ مِنْهُمْ جُزْءٌ مَقْسُومٌ ﴿٤٤﴾ (۴۴) [دوزخ] هفت در دارد [و] برای هر دری، گروهی از آنان تقسیم [و مشخص] شده‌اند».

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ ﴿٤٥﴾ (۴۵) یقیناً پرهیزگاران در باغ‌ها [ی بهشت] و

در [کنار] چشمه‌ها هستند.

وَعُيُونٍ ﴿٤٥﴾

(۴۶) [هنگام ورود به آنان گفته می‌شود:] «به سلامت و ایمنی به آن [باغ‌ها] وارد شوید».

أَدْخُلُوهَا بِسَلَامٍ ءَأَمِينٍ ﴿٤٦﴾

(۴۷) آنچه از کینه [و حسد که] در دل‌هایشان است برمی‌کنیم؛ برادرانه بر تخت‌ها مقابل یکدیگرند.

وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِّنْ غِلٍّ إِخْوَانًا عَلَىٰ سُرُرٍ مُّتَقَابِلِينَ ﴿٤٧﴾

(۴۸) در آنجا نه رنجی به آنان می‌رسد و نه از آنجا بیرون رانده می‌شوند.

لَا يَمَسُّهُمْ فِيهَا نَصَبٌ وَمَا هُمْ مِّنْهَا بِمُخْرَجِينَ ﴿٤٨﴾

(۴۹) [ای پیامبر،] به بندگانم خبر بده که من آمرزندهٔ مهربانم.

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ عِبَادِيَ أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿٤٩﴾

(۵۰) و اینکه عذاب من، عذابی دردناک است.

وَأَنَّ عَذَابِي هُوَ الْعَذَابُ الْأَلِيمُ ﴿٥٠﴾

(۵۱) و از مهمانان ابراهیم [نیز] به آنان خبر بده.

وَنَبِّئَهُمْ عَن ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ ﴿٥١﴾

(۵۲) هنگامی که بر او وارد شدند، سلام گفتند؛ [اما چون دست به غذا نبردند، ابراهیم] گفت: «ما از شما هراسانیم».

إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ إِنَّا مِنْكُمْ وَجِلُونَ ﴿٥٢﴾

(۵۳) آنان گفتند: «نترس؛ ما تو را به پسری دانا مژده می‌دهیم».

قَالُوا لَا تَوْجَلْ إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ ﴿٥٣﴾

قَالَ أَبَشِّرْتُمُونِي عَلَىٰ أَنْ مَسَّنِيَ الْكِبَرُ فِيمَ تُبَشِّرُونَ ﴿٥٤﴾

(۵۴) [ابراهیم] گفت: «آیا با اینکه سالخورده شده‌ام مزده [ی تولد فرزند] به من می‌دهید؟ به چه [دلیل اینچنین] بشارت می‌دهید؟»

قَالُوا بَشِّرْنَاكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُن مِّنَ الْكَافِرِينَ ﴿٥٥﴾

(۵۵) آنان گفتند: «ما تو را به درستی بشارت دادیم؛ پس ناامید نباش.»

قَالَ وَمَنْ يَقْنَطُ مِن رَّحْمَةِ رَبِّهِ ۖ إِلَّا الضَّالُّونَ ﴿٥٦﴾

(۵۶) [ابراهیم] گفت: «و جز گمراهان، چه کسی از رحمت پروردگارش ناامید می‌گردد؟»

قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ ﴿٥٧﴾

(۵۷) [آنگاه به فرشتگان] گفت: «ای فرستادگان، کار [و مأموریت دیگر] شما چیست؟»

قَالُوا إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَىٰ قَوْمٍ مُّجْرِمِينَ ﴿٥٨﴾

(۵۸) آنان گفتند: «در حقیقت، ما به سوی قوم گنهکار [لوط] فرستاده شده‌ایم [تا هلاکشان کنیم].»

إِلَّا عَالِ لُوطٍ إِنَّا لَمُنَجُّوهُمْ إِلَّا جَمْعِينَ ﴿٥٩﴾

(۵۹) مگر خانواده لوط که ما یقیناً همه آنان را نجات خواهیم داد.

إِلَّا أُمَّرَأَتَهُ ۗ قَدَرْنَا ۖ إِنَّهَا لَمِنَ الْغَابِرِينَ ﴿٦٠﴾

(۶۰) جز همسرش که مقدر کرده‌ایم از بازماندگان [در عذاب] باشد.»

فَلَمَّا جَاءَ عَالَ لُوطٍ الْمُرْسَلُونَ ﴿٦١﴾

(۶۱) هنگامی که فرستادگان [الله به شکل انسان] نزد خاندان لوط آمدند،

قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ مُنْكَرُونَ ﴿٦٢﴾ [لوط] گفت: «شما گروهی ناشناس هستيد».

قَالُوا بَلْ جِئْنَاكَ بِمَا كَانُوا فِيهِ يَمْتَرُونَ ﴿٦٣﴾ [فرشتگان] گفتند: «بلکه ما همان چیزی را برایت آورده‌ایم که [این مردم گناهکار] درباره‌اش تردید می‌کردند [= نزول عذاب].»

وَأَتَيْنَكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ ﴿٦٤﴾ و ما برایت [خبر حقیقی و] راست آورده‌ایم و قطعاً ما راستگوییم.

فَأَسِرْ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِّنَ اللَّيْلِ وَاتَّبِعْ أَدْبَارَهُمْ وَلَا يَلْتَفِتْ مِنْكُمْ أَحَدٌ وَامْضُوا حَيْثُ تُؤْمَرُونَ ﴿٦٥﴾ [٦٥] (٦٥) پس پاسی از شب [که گذشت] خانواده‌ات را [از این جا] ببر و [خودت] به دنبالشان برو؛ و هیچ‌یک از شما [نباید] پشت سرش را نگاه نکند و به جایی که به شما فرمان می‌دهند بروید».

وَقَضَيْنَا إِلَيْهِ ذَلِكَ الْأَمْرَ أَنَّ دَابِرَ هَوْلَاءِ مَقْطُوعٌ مُّصْبِحِينَ ﴿٦٦﴾ [٦٦] (٦٦) و ما او [= لوط] را از این امر آگاه کردیم که صبحگاهان ریشه‌آنان برکنده خواهد شد.

وَجَاءَ أَهْلَ الْمَدِينَةِ الْفُرْقَانُ ﴿٦٧﴾ و اهالی شهر، در حالی که [درباره آمدن افراد جدید] با شادی [به یکدیگر] خبر می‌دادند [به سوی خانه لوط] آمدند.

قَالَ إِنَّ هَؤُلَاءِ صِيفِي فَلَا تَقْضُحُونَ ﴿٦٨﴾ [لوط] گفت: «اینها مهمانان من هستند؛ پس مرا رسوا [و شرمنده مهمانانم] نکنید،

وَأَتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تُخْزُونِ ﴿٦٩﴾ و از الله بترسید و سرشکسته‌ام نسازید».

قَالُوا أَوْلَمَ نَنْهَكَ عَنِ الْعَالَمِينَ ﴿٧٠﴾ [آنان] گفتند: «مگر ما تو را از [میزبانی] افراد [بیگانه] نهی نکردیم؟»

قَالَ هَؤُلَاءِ بَنَاتِي إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ ﴿٧١﴾ [لوط] گفت: «اگر می‌خواهید [کاری حلال] انجام دهید، اینها دختران [قوم] من هستند؛ [با آنها ازدواج کنید]».

لَعَمْرُكَ إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴿٧٢﴾ سوگند به جان تو [ای پیامبر] که آنان در مستی خویش سرگشته بودند.

فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ مُشْرِقِينَ ﴿٧٣﴾ پس هنگام برآمدن آفتاب، بانگ [مرگبار] آنان را فراگرفت.

فَجَعَلْنَا عَلَيْهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِّن سِجِّيلٍ ﴿٧٤﴾ آنگاه آن [سرزمین] را زیر و رو کردیم و سنگ‌گلهایی پیاپی بر آنان باریدیم.

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّمُتَوَسِّمِينَ ﴿٧٥﴾ به یقین، در این [کیفر]، برای هوشیاران عبرت‌هاست.

وَأَنَّهَا لَبِيسِيلٍ مُّقِيمٍ ﴿٧٦﴾ و [آثار] آن [شهرهای ویرانه، هنوز] بر سر راه [مسافران] پابرجاست.

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ ﴿٧٧﴾ یقیناً در این [عذاب]، نشانه‌ای برای [عبرت گرفتن] مؤمنان است.

وَإِنْ كَانَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ ﴿٧٨﴾ و اصحاب آیکه [= قوم شعیب] قطعاً

ستمکار بودند.

أَظْلَمِينَ ﴿۷۸﴾

فَأَنْتَقَمْنَا مِنْهُمْ وَإِنَّهُمَا لَبِإِمَامٍ ﴿۷۹﴾ [ما] از آنان انتقام گرفتیم و [شهرهای
ویران شده] این دو [قوم] بر سر راه آشکار
مُبِينٍ ﴿۷۹﴾
است.

وَلَقَدْ كَذَّبَ أَصْحَابُ الْحَجْرِ ﴿۸۰﴾ و بی‌تردید، اهل حجر [= قوم ثمود]
پیامبران را دروغگو انگاشتند.
الْمُرْسَلِينَ ﴿۸۰﴾

وَأَعَاتَيْنَهُمْ آيَاتِنَا فَكَانُوا عَنْهَا ﴿۸۱﴾ و [ما معجزات و] نشانه‌های خود را به
آنان دادیم، و [الی] از آنها رویگردان شدند.
مُعْرِضِينَ ﴿۸۱﴾

وَكَانُوا يُنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا ﴿۸۲﴾ و از کوه‌ها خانه‌هایی [برای خود]
می‌تراشیدند که در امان بمانند.
ءَامِنِينَ ﴿۸۲﴾

فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ مُصْبِحِينَ ﴿۸۳﴾ پس صبحگاهان بانگ [مرگبار] آنان را
فراگرفت.

فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَّا كَانُوا ﴿۸۴﴾ و آنچه [از اموال و خانه‌های محکم] به
دست آورده بودند، سودی به حالشان نداشت
يَكْسِبُونَ ﴿۸۴﴾
[و عذاب الهی را دفع نکرد].

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ﴿۸۵﴾ و ما آسمان‌ها و زمین و آنچه را که میان
آنهاست جز به حق نیافریده‌ایم؛ و قیامت قطعاً
آمدنی است؛ پس [ای پیامبر، از کافران] به
نیکویی گذشت کن.
الْحَمِيلِ ﴿۸۵﴾

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْخَلْقُ الْعَلِيمُ ﴿٨٦﴾ بی‌تردید، پروردگارت همان آفریدگارِ داناست.

وَلَقَدْ آتَيْنَكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ ﴿٨٧﴾ (۸۷) و به راستی، ما به تو «سبع المثنای» [= سورة فاتحه] و قرآن بزرگ را دادیم.

لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَأخْفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿٨٨﴾ (۸۸) [بنابراین،] هرگز به آنچه [از نعمت‌های دنیوی] که گروه‌هایی از آنان [= کافران] را بهره‌مند کرده‌ایم چشم ندوز و به خاطر [ناسپاسی و شرک] آنان اندوهگین نباش و با مؤمنان فروتنی کن.

وَقُلْ إِنِّي أَنَا النَّذِيرُ الْمُبِينُ ﴿٨٩﴾ (۸۹) و بگو: «به راستی که من همان بیم‌دهنده آشکارم».

كَمَا أَنْزَلْنَا عَلَى الْمُقْتَسِمِينَ ﴿٩٠﴾ (۹۰) [و آنان را از عذاب بترسان] همان گونه که [آن را] بر تقسیم‌کنندگان [آیات الهی] فرستادیم؛

الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ ﴿٩١﴾ (۹۱) همان کسانی که قرآن را بخش‌بخش کردند [و آن را شعر، سحر، کذب، و اساطیر نامیدند].

فَوَرَبِّكَ لَنَسْأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٩٢﴾ (۹۲) سوگند به پروردگارت، قطعاً [در قیامت] از همه آنان سؤال خواهیم کرد،

عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٩٣﴾ (۹۳) از آنچه می‌کردند.

فَأَصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ
 الْمُشْرِكِينَ ﴿٩٤﴾
 (۹۴) پس [ای پیامبر،] آنچه [را که از سوی
 الله] دستور یافته‌ای، آشکار کن و از مشرکان
 روی بگردان.

إِنَّا كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ ﴿٩٥﴾
 (۹۵) بی‌تردید، ما [شرّ] مسخره‌کنندگان را از
 تو دور می‌کنیم.

الَّذِينَ يَجْعَلُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا
 آخَرَ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿٩٦﴾
 (۹۶) همان کسانی که [برای خود،] با الله،
 معبود دیگری قرار می‌دهند؛ پس به زودی
 [نتیجهٔ شرکِ خویش را] خواهند دانست.

وَلَقَدْ نَعَلْنَاكَ يُضِيقُ صَدْرُكَ
 بِمَا يَقُولُونَ ﴿٩٧﴾
 (۹۷) و [ای پیامبر،] یقیناً ما می‌دانیم که تو از
 آنچه آنان [= کافران] می‌گویند آزرده‌خاطر
 می‌گردی.

فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَكُن مِّنَ
 السَّاجِدِينَ ﴿٩٨﴾
 (۹۸) پس به ستایش پروردگارت تسبیح بگو و
 از سجده‌کنندگان باش.

وَأَعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ
 الْيَقِينُ ﴿٩٩﴾
 (۹۹) و تا هنگامی که مرگت فرامی‌رسد
 پروردگارت را عبادت کن.

سُورَةُ النَّحْلِ

سورة نحل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشندهٔ مهربان

(۱) [ای کافران، لحظهٔ وقوع قیامت و] فرمانِ الله [برای عذابتان] نزدیک شده است؛ پس برای [رسیدن] آن شتاب نکنید. او منزّه است و از چیزهایی که با وی شریک می‌سازند برتر است.

يُنزِلُ أَمْرًا لِّلَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ
سُبْحٰنَهُ وَتَعَالٰی عَمَّا يُشْرِكُوْنَ ﴿١﴾

(۲) [الله] به فرمان خویش فرشتگان را با وحی بر هر یک از بندگانش که بخواهد نازل می‌کند [با این پیام] که: «[ای پیامبران، مردم را از شرک به الله] بیم دهید [و به آنان بگویید که] معبودی [به حق] جز من نیست؛ پس [ای مردم،] از من پروا کنید».

يُنزِلُ الْمَلٰٓئِكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ
أَمْرِهِ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ
أَنۢ يُنذِرُوۡا أَنَّهُۥ لَا إِلَٰهَ إِلَّا أَنَا
فَاتَّقُوۡنَ ﴿٢﴾

(۳) او تعالی آسمان‌ها و زمین را به حق [و هدفمند] آفرید [و] از چیزهایی که [با وی] شریک می‌سازند برتر است.

خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ بِالْحَقِّ
تَعَالٰی عَمَّا يُشْرِكُوْنَ ﴿٣﴾

(۴) [الله] انسان را از نطفه‌ای آفرید و ناگهان او ستیزه‌گری سرسخت و آشکار شد.

خَلَقَ الْاِنْسَانَ مِنْ نُّطْفَةٍ فَاِذَا هُوَ
خَصِيْمٌ مُّبِيْنٌ ﴿٤﴾

(۵) و چهارپایان را برایتان آفرید که در آنها پوشش [گرم] و منافع [دیگری] است و از [گوشت برخی از] آنها می‌خورید.

وَالْاَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيْهَا
دِفْءٌ وَمَنْفَعٌ وَمِنْهَا تَاْكُلُوْنَ ﴿٥﴾

وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَحِينَ تَسْرَحُونَ ﴿٦﴾
 و در آنها زیبایی [و شکوه] برایتان است،
 آنگاه که [آنها را شامگاهان] از چرا بازمی‌آورید
 و [بامدادان] برای چرا [به صحرا] می‌فرستید.

وَتَحْمِيلٌ أَثْقَالَكُمْ إِلَىٰ بَلَدٍ لَّمْ تَكُونُوا بَلِغِيهِ إِلَّا بِشِقِّ الْأَنْفُسِ إِنَّ رَبَّكُمْ لَرءُوفٌ رَّحِيمٌ ﴿٧﴾
 [آنها] بارهای سنگین شما را [از شهری] به شهری [دیگر] می‌برند که [اگر چنین نمی‌کردند،] جز با زحمتی جانکاه نمی‌توانستید به آنجا برسید. به راستی که پروردگارتان دلسوز و مهربان است.

وَالْحَيْلِ وَالْبِغَالِ وَالْحَئِيرِ ﴿٨﴾ و اسبان و قاطران و خران را [نیز آفرید] تا بر آنها سوار شوید و [نیز برایتان مایه] تجمل [است] و چیزهایی می‌آفریند که نمی‌دانید.
 تَعْلَمُونَ ﴿٨﴾

وَعَلَىٰ اللَّهِ قَصْدُ السَّبِيلِ وَمِنْهَا جَائِرٌ وَلَوْ شَاءَ لَهَدَيْكُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٩﴾
 بر الله است که راه راست [= اسلام] را [به] بندگانش بنمایاند] و برخی از آن [راه‌ها] بیراهه است؛ و اگر [الله] می‌خواست، همه شما را هدایت می‌کرد.

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لَكُمْ مِنْهُ شَرَابٌ وَمِنْهُ شَجْرٌ فِيهِ تُسِيمُونَ ﴿١٠﴾
 او همان ذاتی است که آبی از آسمان فر فرستاد که آشامیدنی شما از آن است و [گیاه و] درختی که [چهارپایان خود را] در آن می‌چرانید [نیز] از آن [آب] است.

يُثْبِتُ لَكُمْ بِهِ الزَّرْعَ وَالزَّيْتُونَ وَالنَّخِيلَ وَالْأَعْنَبَ وَمِنْ كُلِّ

الْتَمَرَاتِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿۱۱﴾
 میوه‌های دیگر] برایتان می‌رویاند. به راستی که در اینها برای مردمی که می‌اندیشند نشانه‌ای [از قدرت پروردگار] است.

وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِي إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿۱۲﴾
 (۱۲) و شب و روز و خورشید و ماه را به خدمتتان گماشت؛ و ستارگان [نیز] به فرمانش در خدمت [انسان] هستند. بی‌تردید، در این [آفرینش]، برای مردم که خردورزی می‌کنند نشانه‌ای [از قدرت پروردگار] است.

وَمَا ذَرَأًا لَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُخْتَلِفًا أَلْوَنُهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ ﴿۱۳﴾
 (۱۳) و آنچه را که در زمین به رنگ‌های گوناگون برایتان آفرید [نیز به خدمت شما گماشت]. بی‌تردید، در این [امور]، برای مردمی که پند می‌گیرند، نشانه‌ای [از قدرت پروردگار] است.

وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفُلْكَ مَوَاحِرَ فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ ۗ وَلِعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿۱۴﴾
 (۱۴) اوست که دریا را به خدمتتان گماشت تا از [صید] آن، گوشت تازه بخورید و زیوری [همچون مروارید و مرجان] از آن بیرون می‌آورید که می‌پوشید؛ و کشتی‌ها را در آن [دریا] می‌بینی که [امواج را] می‌شکافند تا شما از فضل [و بخشش] الله بهره‌مند گردید و باشد که سپاس گزایید.

وَأَلْقَى فِي الْأَرْضِ رَوْسًا أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَأَنْهَارًا وَسُبُلًا لَّعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿۱۵﴾
 (۱۵) و کوه‌های استوار [و محکمی] در زمین درافکند که مبادا شما را بلرزاند و جویبارها و راه‌ها [بی‌پدید آورد] تا [بدون گم‌شدن]، راه خود را بیابید.

وَعَلَّمَتْ وَيَالْتَجَمُّ هُمْ (۱۶) و نشانه‌هایی [برای یافتن مسیرها در طول روز آفرید] و توسط ستاره [ها نیز در شب] يَهْتَدُونَ ﴿۱۶﴾ راه‌بایی می‌کنند.

أَقَمْنَ يَخْلُقُ كَمَنْ لَا يَخْلُقُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿۱۷﴾ (۱۷) آیا آن ذاتی که می‌آفریند همچون کسی است که [هیچ] نمی‌آفریند؟ آیا پند نمی‌گیرید؟

وَأَنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا ﴿۱۸﴾ (۱۸) اگر [بخواهید] نعمت [های] الله را بشمارید، نمی‌توانید آنها را به شمارش در آورید. بی‌تردید، الله آمرزندهٔ مهربان است.

وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَمَا تُعْلِنُونَ ﴿۱۹﴾ (۱۹) و الله آنچه پنهان می‌کنید و آشکار می‌سازید، [همه را] می‌داند.

وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ ﴿۲۰﴾ (۲۰) و آنهایی را که [مشرکان] به جای الله [به باری و دعا] می‌خوانند، چیزی را نمی‌آفرینند و خود آفریده می‌شوند.

أَمْوَاتٌ غَيْرٌ أَحْيَاءٍ وَمَا يَشْعُرُونَ ﴿۲۱﴾ (۲۱) [این معبودها در حقیقت،] مُرده‌اند نه زنده؛ و خود نمی‌دانند که چه هنگام برانگیخته می‌شوند.

إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ قُلُوبُهُمْ مُنْكَرَةٌ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ ﴿۲۲﴾ (۲۲) معبود شما، معبودی یگانه است؛ و کسانی که به آخرت ایمان ندارند، دل‌هایشان انکارکننده [ی حق] است و خود متکبرند.

لَا جَرَمَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ ﴿۲۳﴾ (۲۳) قطعاً الله آنچه را پنهان می‌کنند و آشکار

وَمَا يُعْلِنُونَ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ
الْمُسْتَكْبِرِينَ ﴿۲۳﴾

می سازند [همه را] می دانند. بی تردید، او متکبران را دوست ندارد.

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ مَآذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ
قَالُوا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ﴿۲۴﴾

(۲۴) هنگامی که به آنان گفته می شود: «پروردگارتان چه چیزی نازل کرده است؟» می گویند: «افسانه های [خیالی] پیشینیان».

لِيَحْمِلُوا أَوْزَارَهُمْ كَامِلَةً يَوْمَ
الْقِيَامَةِ وَمِنْ أَوْزَارِ الَّذِينَ
يُضِلُّونَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ أَلَا سَاءَ مَا
يَزُرُونَ ﴿۲۵﴾

(۲۵) [همچنان در کفر می مانند] تا روز قیامت، [هم] بار گناهان خود را به تمامی بر دوش کشند و [هم بخشی] از بار گناهان کسانی را که از روی نادانی [و تقلید] گمراهشان کرده اند. هان! چه بد است آنچه بر دوش می کشند!

قَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَاتَى
اللَّهُ بُنْيَانَهُمْ مِنَ الْقَوَاعِدِ فَخَرَّ
عَلَيْهِمُ السَّقْفُ مِنْ فَوْقِهِمْ
وَأَتَتْهُمْ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا
يَشْعُرُونَ ﴿۲۶﴾

(۲۶) در حقیقت، کسانی که پیش از آنان بودند [نیز] نیرنگ [و بداندیشی] کردند؛ اما فرمان الله در رسید که بنیادشان را از اساس برانداخت و سقف بر سرشان فرو ریخت و از [همان] جایی که گمان نمی کردند عذاب دامنگیرشان شد.

ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُخْزِبُهُمْ وَيَقُولُ
أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ
تُشْتَفُونَ فِيهِمْ قَالَ الَّذِينَ أُوتُوا
الْعِلْمَ إِنَّ الْخِزْيَ الْيَوْمَ وَالسُّوءَ

(۲۷) سپس روز قیامت، [الله با عذابی دردناک،] آنان را خوار می سازد و می فرماید: «کجا هستند شریکان من که درباره آنان [با پیامبران و مؤمنان] ستیز می کردید؟» کسانی که به آنان علم داده شده است [= علمای

عَلَى الْكٰفِرِیْنَ ﴿۲۷﴾ ربانی] می‌گویند: «امروز خواری و عذاب، نصیب کافران است».

الَّذِیْنَ تَتَوَقَّعُهُمُ الْمَلٰٓئِكَةُ ظٰلِمِیْۤ اَنْفُسِهِمْ ۗ فَالْقَوٰۤا السَّلٰمَ مَا كُنَّا نَعْمَلُ مِنْ سُوْعٍۭ بَلٰۤیَۃٍ اِنَّ اللّٰهَ عَلِیْمٌۭ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ ﴿۲۸﴾ (۲۸) همان] کسانی که فرشتگان [عذاب،] در حالی جانشان را می‌گیرند که [به سبب شرک در دنیا] به خود ستم کرده بودند. [آنان در هنگام مرگ] سر تسلیم فرود می‌آورند [و می‌گویند:] «ما هیچ [کار] بدی نمی‌کردیم». آری، مسلماً الله به آنچه می‌کردید داناست.

فَادْخُلُوْا اَبْوَابَ جَهَنَّمَ خٰلِدِیْنَ فِیْهَا ۗ فَلَبِئْسَ مَثْوٰی الْمُتَكَبِّرِیْنَ ﴿۲۹﴾ (۲۹) پس، از دروازه‌های دوزخ وارد شوید [که] جاودانه در آن خواهید بود؛ و به راستی، جایگاه گردنکشان چه بد است!

وَقِیْلَ لِلَّذِیْنَ اتَّقَوْا مَاذَا اَنْزَلَ رَبُّكُمْ ۗ قَالُوْا خَیْرًاۗ لِلَّذِیْنَ اَحْسَنُوْا فِیْ هٰذِهِ الدُّنْیَا حَسَنَةٌۭ وَّلَدَارُ الْاٰخِرَةِ خَیْرٌۭ وَلِنِعْمَ دَارُ الْمُتَّقِیْنَ ﴿۳۰﴾ (۳۰) و به کسانی که پرهیزگاری کردند گفته می‌شود: «پروردگارتان [بر پیامبر] چه چیز نازل کرده است؟» آنان می‌گویند: «خیر [و نیکویی بسیار]». برای کسانی که در این دنیا نیکی کرده‌اند، [پاداش] نیکویی است و قطعاً سرای آخرت بهتر است؛ و به راستی، چه نیکوست سرای پرهیزگاران!

جَنَّتْ عَدْنٌۭ یَدْخُلُوْنَهَا تَجْرِیْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ ۗ لَهُمْ فِیْهَا مَا یَشَآءُوْنَ ۗ كَذٰلِكَ یَجْزِی اللّٰهُ (۳۱) [جایگاهشان،] باغ‌هایی [از بهشت] جاودان است که به آن وارد می‌شوند. از زیر [درختان] آن جویبارها جاری است [و] در آنجا هر چه بخواهند برایشان [فراهم] است.

الْمُتَّقِينَ ﴿۳۱﴾

الله پرهیزگاران را اینچنین پاداش می دهد.

الَّذِينَ تَتَوَفَّوهُمْ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ ﴿۳۲﴾ [همان] کسانی که فرشتگان در حالی
 يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ اَدْخُلُوا
 الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿۳۱﴾
 گناه] پاکند [و به آنان] می گویند: «درود بر
 شما. به [پاداش] آنچه می کردید [اینک] به
 بهشت درآیید».

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ
 الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ أَمْرٌ رَبِّكَ
 كَذَلِكَ فَعَلَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ
 وَمَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَكِنْ كَانُوا
 أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿۳۳﴾
 (۳۳) آیا [کافران] جز این انتظار دارند که
 فرشتگان [برای قبض روح] به سراغشان بیایند
 یا فرمان پروردگارت [برای عذابشان] بیاید؟
 کسانی که پیش از آنان بودند [نیز] چنین
 می کردند و الله به آنان ستم نکرد؛ بلکه آنان
 خود به خویشتن ستم می کردند.

فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا
 وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ
 يَسْتَهْزِءُونَ ﴿۳۴﴾
 (۳۴) پس [کیفر] بدی‌هایی که مرتکب شده
 بودند گریبانگیرشان شد و آنچه که آن را
 مسخره می کردند آنان را فروگرفت.

وَقَالَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ
 مَا عَبَدْنَا مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ
 نَحْنُ وَلَا آبَاؤُنَا وَلَا حَرَمْنَا مِنْ
 دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ كَذَلِكَ فَعَلَ
 الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَهَلْ عَلَى
 الرُّسُلِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ﴿۳۵﴾
 (۳۵) و کسانی که شرک ورزیدند گفتند: «اگر
 الله می خواست، نه ما و نه پدرانمان چیزی را
 غیر از او عبادت نمی کردیم و چیزی را جز به
 [خواست و فرمان] او حرام نمی کردیم».
 کسانی که پیش از آنان بودند نیز چنین کردند؛
 پس آیا پیامبران وظیفه‌ای جز رساندن آشکار
 [وحی] دارند؟

(۳۶) یقیناً ما در هر امتی، پیامبری را [با این پیام] برانگیختیم که: «الله یکتا را عبادت کنید و از طاغوت [= معبودان غیر الله] دوری کنید». الله برخی از آنان را هدایت کرده است و برخی از آنان نیز سزاوار گمراهی شدند. پس در زمین بگردید و بنگرید که سرانجام تکذیب کنندگان [آیات الهی] چگونه بوده است.

(۳۷) [ای پیامبر] هر اندازه بر هدایت آنان مشتاق باشی [سودی ندارد؛ زیرا] الله کسی را که گمراه نماید، هدایت نخواهد کرد و آنان [هیچ] یآوری ندارند.

(۳۸) [مشرکان] با سخت‌ترین سوگندهایشان به الله سوگند خوردند که: «الله کسی را که می‌میرد بر نمی‌انگیزد». آری، این [برانگیختن مردگان]، وعده‌ای است که به‌حق بر عهده اوست؛ ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.

(۳۹) [او مردگان را زنده می‌کند] تا سرانجام [حقیقت] آنچه را که در آن اختلاف می‌کنند برایشان روشن سازد و تا کسانی که کفر ورزیدند بدانند که دروغگو بوده‌اند.

(۴۰) سخن ما درباره چیزی که آن را اراده کرده‌ایم فقط این است که به آن می‌گوییم: «موجود شو»، پس بی‌درنگ موجود می‌شود.

وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَّنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَّنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ ﴿٣٦﴾

إِنْ تَحْرِصْ عَلَىٰ هُدَاهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَن يُضِلُّ وَمَا لَهُم مِّن نَّاصِرِينَ ﴿٣٧﴾

وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَن يَمُوتُ بَلَىٰ وَعَدَا عَلَيْهِ حَقًّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٨﴾

لِيُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي يُخْتَلِفُونَ فِيهِ وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ كَانُوا كَاذِبِينَ ﴿٣٩﴾

إِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَيْءٍ إِذَا أَرَدْنَاهُ أَن نَّقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ﴿٤٠﴾

وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَنُبَوِّئَنَّهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً ۖ وَلَا جُرْأَلِیَةَ الْأَخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿۴۱﴾

(۴۱) و کسانی که در [راه] الله - پس از آنکه مورد ستم واقع شدند- هجرت کردند، قطعاً در دنیا [در سرزمین و] مکانی نیکو آنان را جای می‌دهیم؛ و یقیناً پاداش آخرت بزرگ‌تر است. اگر [کسانی که از هجرت امتناع کردند، پاداش این کار را] می‌دانستند، [هرگز از هجرت باز نمی‌ماندند].

وَالَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ﴿۴۲﴾

(۴۲) [مهاجران در راه الله،] کسانی [هستند] که شکیبایی نمودند و بر پروردگارشان توکل می‌کنند.

(۴۳) و [ای پیامبر،] ما پیش از تو جز مردانی که به آنان وحی می‌کردیم [کسی را به رسالت] نفرستادیم؛ پس [ای مشرکان،] اگر نمی‌دانید، از اهل ذکر [= دانشمندان اهل کتاب] بپرسید.

بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ ۖ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ ۖ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ ﴿۴۴﴾

(۴۴) [آن پیامبران را] با دلایل روشن و کتاب‌ها [ای آسمانی فرستادیم]؛ و [ما این] قرآن را بر تو نازل کردیم تا برای مردم آنچه را که برایشان نازل شده است روشن سازی؛ باشد که [در مفاهیمش] بیندیشند.

أَفَأَمِنَ الَّذِينَ مَكَرُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ يَخْسِفَ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا

(۴۵) آیا کسانی که بداندیشی [و توطئه] کردند، ایمن هستند [از این] که الله [همه] آنان را در زمین فروبرد یا عذاب [لهی] از

جایی که نمی دانند [به سراغشان] بیاید؟

يَشْعُرُونَ ﴿٤٥﴾

أَوْ يَأْخُذَهُمْ فِي تَقْلِبِهِمْ فَمَا هُمْ
بِمُعْجِزِينَ ﴿٤٦﴾

(۴۶) یا [آنکه] به هنگام رفت و آمدشان [گریبان] آنان را بگیرد؟ پس آنان مانع [رسیدن عذاب] نیستند.

أَوْ يَأْخُذَهُمْ عَلَى تَخَوُّفٍ فَإِنَّ
رَبَّكُمْ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ ﴿٤٧﴾

(۴۷) یا [آنکه عذاب الهی] در حالی که [از آن] می ترسند گریبانگیرشان شود؟ پس بی تردید، پروردگارتان دلسوزِ مهربان است [که در مجازات شما شتاب نمی کند].

أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَىٰ مَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ يَتَفَيَّؤُا ظِلَالُهُ عَنِ الْيَمِينِ وَالشَّمَائِلِ سُجَّدًا لِلَّهِ وَهُمْ دَاخِرُونَ ﴿٤٨﴾

(۴۸) آیا آنان به چیزهایی [همچون درختان و کوهها] که الله آفریده است نمی نگرند که [چگونه با حرکت خورشید و ماه] سایه هایشان از راست و چپ می گسترند و در حالی برای الله سجده می کنند که [در برابر عظمتش] خاکسارند؟

وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ دَابَّةٍ وَالْمَلَائِكَةُ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ ﴿٤٩﴾

(۴۹) و هر چه در آسمانها و زمین است - از جنبنندگان و فرشتگان - [همگی] برای الله سجده می آورند و گردنکشی نمی کنند.

يَخَافُونَ رَبَّهُمْ مِمَّنْ قَوْفِهِمْ وَيَقْعُلُونَ مَا يُمْرُونَ ۗ ﴿٥٠﴾

(۵۰) [فرشتگان] از پروردگار خویش که [به ذات و غلبه و قدرتش] بالای آنان است می ترسند و آنچه را فرمان داده می شوند انجام می دهند.

(۵۱) و الله فرمود: «دو معبود [را برای خود به عبادت] نگیرید. جز این نیست که [معبود شما] همان الله یکتاست؛ پس تنها از من پروا کنید».

وَقَالَ اللَّهُ لَا تَتَّخِذُوا إِلَهَيْنِ إِلَّا هُوَ ۚ إِنَّنِي أَنَا اللَّهُ وَاحِدٌ فَايْتِي فَاَرْهَبُونَ ﴿٥١﴾

(۵۲) و آنچه در آسمان‌ها و زمین است، از آن اوست و عبادت و فرمانبرداری [نیز] همیشه و پیوسته برای اوست. آیا از غیر الله پروا می‌کنید؟

وَلَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ وَلَهُ الدِّينُ وَاصِبًا أَفَغَيْرَ اللَّهِ تَتَّقُونَ ﴿٥٢﴾

(۵۳) و [ای مردم]، هر نعمتی که دارید، از سوی الله است؛ به علاوه، وقتی گزندی به شما می‌رسد، به پیشگاه او ناله و زاری می‌کنید.

وَمَا بِكُمْ مِّن نِّعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ ثُمَّ إِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فَإِلَيْهِ تَجْعَرُونَ ﴿٥٣﴾

(۵۴) سپس وقتی آن گزند را از شما برطرف ساخت، گروهی از شما به پروردگارشان شرک می‌ورزند.

ثُمَّ إِذَا كَشَفَ الضُّرَّ عَنْكُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِّنْكُمْ بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ ﴿٥٤﴾

(۵۵) تا سرانجام به آنچه به آنان داده‌ایم ناسپاسی کنند. پس [چند روزی از نعمت‌های دنیا] برخوردار شوید که به زودی [نتایج کردارتان را] خواهید دانست.

لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ فَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ﴿٥٥﴾

(۵۶) و [مشرکان] از آنچه روزی‌شان کرده‌ایم، برای معبودانی که [چیزی] نمی‌دانند سهمی قرار می‌دهند. به الله سوگند که درباره آنچه افترا می‌بستید، قطعاً بازخواست خواهید شد.

وَيَجْعَلُونَ لِمَا لَا يَعْلَمُونَ نَصِيبًا مِّمَّا رَزَقْنَاهُمْ ۗ تَاللَّهِ لَتَسْأَلُنَّ عَمَّا كُنْتُمْ تَفْتَرُونَ ﴿٥٦﴾

وَيَجْعَلُونَ لِلَّهِ الْبَدَنَ سُبْحَانَهُ ۖ
 وَلَهُمْ مَا يَشْتَهُونَ ﴿۵۷﴾
 (۵۷) و [آنان فرشتگان را] دخترانی برای الله
 قرار می دهند - او تعالی منزّه است - و آنچه را
 میل دارند [= پسران] برای خودشان [قرار
 می دهند].

وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ
 وَجْهَهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ ﴿۵۸﴾
 (۵۸) و هر گاه یکی از آنان را به [تولد] دختری
 بشارت دهند، در حالی که خشمش را
 فرومی خورد، چهره اش [از اندوه] تیره می شود.

يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا
 بُشِّرَ بِهِ ۖ أَيُمْسِكُهُ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ
 يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ أَلَّا سَاءَ مَا
 يَحْكُمُونَ ﴿۵۹﴾
 (۵۹) از بدی [و ناراحتی] آنچه به او مژده
 داده اند، از قوم [خویش] پنهان می شود [و با
 خود می اندیشد که] آیا او را با سرافکنندگی نگه
 دارد یا در خاک پنهانش کند. هان! چه بد
 داوری می کنند!

لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ مَثَلُ
 السَّوِّءِ ۖ وَلِلَّهِ الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ وَهُوَ
 الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿۶۰﴾
 (۶۰) صفت زشت [جهل و کفر] برای کسانی
 است که به آخرت ایمان ندارند و صفت برتر، از
 آن الله است و او شکست ناپذیر حکیم است.

وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِظُلْمِهِمْ
 مَا تَرَكَ عَلَيْهَا مِنْ دَابَّةٍ وَلَكِنْ
 يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ۖ فَإِذَا
 جَاءَ أَجَلُهُمْ لَا يَسْتَجِرُّونَ
 سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ ﴿۶۱﴾
 (۶۱) و اگر الله مردم را به خاطر ظلمشان
 بازخواست می کرد، جنبنده ای روی زمین باقی
 نمی گذاشت؛ ولی [کیفر] آنان را تا زمانی معین
 به تأخیر می اندازد؛ و چون آجلشان به سر آید،
 نه ساعتی [از آن] تأخیر می کنند و نه پیشی
 می گیرند.

وَيَجْعَلُونَ لِلَّهِ مَا يَكْرَهُونَ
وَتَصِفُ أَلْسِنَتُهُمُ الْكَذِبَ أَنَّ
لَهُمُ الْحُسْنَىٰ لَا جَرَمَ أَنَّ لَهُمُ
النَّارَ وَأَنَّهُمْ مُّفْرَطُونَ ﴿٦٢﴾

(۶۲) و [مشركان] آنچه را نمی‌پسندند برای
الله قرار می‌دهند و زبانشان [چنین] دروغ
می‌سازد که [رستگاری و] نیکویی از آن آنان
است. حقا که آتش نصیبشان است و آنان قطعاً
در [دوزخ] رها [و فراموش] می‌شوند.

تَاللَّهِ لَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّن
قَبْلِكَ فَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ
أَعْمَلَهُمْ فَهُوَ وَلِيُّهُمُ الْيَوْمَ وَلَهُمْ
عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٦٣﴾

(۶۳) [ای پیامبر،] سوگند به الله که به سوی
امت‌هایی که پیش از تو بودند [نیز پیامبرانی]
فرستادیم؛ اما شیطان کارهایشان را برایشان
آراست؛ از این رو، امروز [نیز دوست و]
کارسازشان همو [= شیطان] است و برایشان
عذابی دردناک [در پیش] است.

وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا
لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ
وَهُدَىٰ وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٦٤﴾

(۶۴) و [ای پیامبر،] این کتاب را بر تو نازل
نکردیم مگر برای اینکه [حقیقت] آنچه را که
[مردم] در آن اختلاف دارند برایشان بیان کنی
و هدایت و رحمتی باشد برای گروهی که ایمان
می‌آورند.

وَاللَّهُ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً
فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ
فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ ﴿٦٥﴾

(۶۵) و الله آبی از آسمان فرو فرستاد و با آن،
زمین را پس از خزان و خشکی‌اش زنده کرد.
قطعاً در این [امر] برای مردمی که [سخن حق
را] می‌شنوند، نشانه‌ای [از قدرت پروردگار]
است.

وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً ۖ

(۶۶) و [ای مردم،] قطعاً در [آفرینش]

چهارپایان عبرتی برای شماست: از آنچه در شکم آنهاست، از میان غذاهای هضم‌شده و خون، شیرِ خالصی به شما می‌نوشانیم که برای نوشندگان گواراست.

تُسْقِيكُمْ مِمَّا فِي بُطُونِهِ مِنْ بَيْنِ فَرْثٍ وَدَمٍ لَبْنَا خَالِصًا سَائِغًا لِلشَّارِبِينَ ﴿٦٦﴾

(۶۷) و [نیز] از میوه‌های درختان خرما و انگور، هم شراب [مستی‌آور] و هم روزی نیکو [و پاکیزه] به دست می‌آورد. بی‌گمان، در این [امر]، برای کسانی که خرد می‌ورزند، نشانه‌ای [از لطف و قدرت پروردگار] است.

وَمِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَالْأَعْنَبِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَرِزْقًا حَسَنًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿٦٧﴾

(۶۸) پروردگارت به زنبور عسل الهام کرد که: «از کوه‌ها و درختان و از آنچه [مردم] بنا می‌کنند [برای خود] خانه‌هایی برگیر.

وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ ﴿٦٨﴾

(۶۹) آنگاه از [شیره] تمام میوه‌ها [و گل‌ها] بخور و راه‌های پروردگارت را فروتنانه طی کن. از شکم آنها شهدی رنگارنگ بیرون می‌آید که شفای مردم در آن است. به راستی، در این [ویژگی و کار زنبور عسل]، برای مردمی که می‌اندیشند، نشانه‌ای [از علم و قدرت پروردگار] است.

ثُمَّ كُلِي مِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلًّا يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٦٩﴾

(۷۰) و الله شما را آفریده است سپس جانتان را می‌گیرد؛ و برخی از شما به فروترین [دوران] عمر [= کهنسالی] می‌رسد چنان که

وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ ثُمَّ يَتَوَفَّاكُمْ وَمِنْكُمْ مَنْ يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْدَلِ الْعُمُرِ لِكَيْ لَا يَعْلَمَ بَعْدَ عِلْمٍ شَيْئًا إِنَّ

پس از دانستن [بسیاری چیزها، دیگر] چیزی نمی‌داند [و همه را فراموش می‌کند]. بی‌تردید، الله دانای تواناست.

اللَّهُ عَلِيمٌ قَدِيرٌ ﴿۷۰﴾

(۷۱) و الله برخی از شما را بر برخی [دیگر] در [نعمت و] روزی برتری داده است؛ ولی کسانی که برتری داده شده‌اند، حاضر نیستند از روزی خود به بردگانشان بدهند، تا همگی در آن [نعمت و دارایی] برابر شوند. [اگر خود از شریک بیزارند، چرا برای الله شریک قرار می‌دهند؟] پس آیا [با این شرک‌ورزی،] نعمت الله را انکار می‌کنند؟

وَاللَّهُ فَضَّلَ بَعْضَكُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ فِي الرِّزْقِ فَمَا الَّذِينَ فُضِّلُوا بِرَادِي رِزْقِهِمْ عَلَىٰ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَهُمْ فِيهِ سَوَاءٌ أَفَبِنِعْمَةِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ ﴿۷۱﴾

(۷۲) و الله از [جنس] خودتان همسرانی برای شما قرار داد و از همسرانتان فرزندان و نوادگانی برای شما آفرید و از چیزهای پاکیزه به شما روزی بخشید. پس آیا [باز هم] به باطل ایمان می‌آورند و نعمت الله را ناسپاسی می‌کنند؟

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ بَنِينَ وَحَفَدَةً وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَتِ اللَّهِ هُمْ يَكْفُرُونَ ﴿۷۲﴾

(۷۳) و [مشرکان] به جای الله چیزهایی را عبادت می‌کنند که مالک هیچ روزی‌ای در آسمان‌ها و زمین برایشان نیستند و توانایی [هیچ کاری] ندارند.

وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَهُمْ رِزْقًا مِّنَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ شَيْئًا وَلَا يَسْتَطِيعُونَ ﴿۷۳﴾

(۷۴) پس برای الله امثال [و شریک‌ها] قائل

فَلَا تَضْرِبُوا لِلَّهِ الْأَمْثَالَ إِنَّ اللَّهَ

نشوید. بی تردید، الله می داند و شما نمی دانید.

يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿٧٤﴾

(۷۵) الله مثالی زده است: بردهٔ مملوکی که قادر به هیچ کاری نیست و [در مقابل،] کسی که از جانب خویش به او روزی نیکویی بخشیده‌ایم و او از همان [نعمت‌های الهی] پنهان و آشکار انفاق می‌کند. آیا این دو برابرند؟ [پس شما مشرکان چگونه مالک مطلق را با معبودهای ناتوان یکسان می‌دانید؟] ستایش مخصوص الله است؛ اما بیشتر آنان [حق یگانگی‌اش را] نمی‌دانند.

وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا عَبْدًا مَمْلُوكًا لَا يَقْدِرُ عَلَىٰ شَيْءٍ وَمَنْ رَزَقْنَاهُ مِنَّا رِزْقًا حَسَنًا فَهُوَ يُنْفِقُ مِنْهُ سِرًّا وَجَهْرًا ۗ هَلْ يَسْتَوُونَ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٧٥﴾

(۷۶) و الله مثل [دیگری] زده است: دو مرد را [فرض کنید] که یکی از آنها گنگ است و هیچ کاری از وی بر نمی‌آید و سربارِ سرور خود می‌باشد، هر کجا او را می‌فرستد، هیچ خیری به همراه نمی‌آورد [و وظایفش را به درستی انجام نمی‌دهد]؛ آیا او با کسی که به عدالت فرمان می‌دهد و خود بر راهی مستقیم قرار دارد برابر است؟ [پس شما مشرکان چگونه قادر مطلق را با مردگان و بُت‌های بی‌احساسِ ناتوان یکسان می‌دانید؟]

وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلَيْنِ أَحَدُهُمَا أَبْكَمٌ لَا يَقْدِرُ عَلَىٰ شَيْءٍ وَهُوَ كَلٌّ عَلَىٰ مَوْلَاهُ أَيْنَمَا يُوجِّهُهُ لَا يَأْتِ بِخَيْرٍ ۗ هَلْ يَسْتَوِي هُوَ وَمَنْ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَهُوَ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٧٦﴾

(۷۷) [علم] غیب آسمان‌ها و زمین، تنها از آنِ الله است و امر [برپایی] قیامت، جز [به سرعت] یک چشم بر هم زدن نیست؛ یا [حتی]

وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ وَمَا أَمْرُ السَّاعَةِ إِلَّا كَلَمْحِ الْبَصَرِ

أَوْ هُوَ أَقْرَبُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۷۷﴾
 سریع تر. بی تردید، الله بر هر چیزی تواناست.

وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَرَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿۷۸﴾
 (۷۸) [ای مردم،] الله شما را از شکم مادرانتان خارج نمود در حالی که هیچ چیز نمی دانستید؛ و گوش و چشم و دل [= عقل] برایتان پدید آورد [تا قدرت های الهی را درک کنید]؛ باشد که سپاس گزارید.

أَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ مُسَخَّرَاتٍ فِي جَوْءِ السَّمَاءِ مَا يُمَسِّكُهُنَّ إِلَّا اللَّهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿۷۹﴾
 (۷۹) آیا [مشرکان] پرندگان را ندیده اند که در فضای آسمان رام شده اند [و] کسی جز الله آنها را [در آن حال] نگه نمی دارد؟ به راستی، در این [امر]، برای مردمی که ایمان دارند، نشانه هایی [از قدرت پروردگار] است.

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُم مِّن بُيُوتِكُمْ سَكَنًا وَجَعَلَ لَكُم مِّن جُلُودِ الْأَنْعَامِ بُيُوتًا تَسْتَخِفُّونَهَا يَوْمَ ظَعْنِكُمْ وَيَوْمَ إِقَامَتِكُمْ وَمِنْ أَصْوَابِهَا وَأَوْبَارِهَا وَأَشْعَارِهَا أَثَثًا وَمَتْنًا إِلَىٰ حِينٍ ﴿۸۰﴾
 (۸۰) الله از خانه هایتان محل سکونت [و آرامش] برای شما قرار داد و از پوست چهارپایان [نیز] خانه هایی [= خیمه هایی] برایتان قرار داد تا روز کوچ کردن سبکبار باشید و روز اقامتتان [نیز برپایی اش آسان باشد]؛ و از پشم و گرگ و موهایشان تا مدتی معین اثاث [خانه] و اسباب [و وسایل زندگی، برایتان] فراهم کرد.

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُم مِّمَّا خَلَقَ ظِلَالًا وَجَعَلَ لَكُم مِّنَ الْجِبَالِ

[نیز راه‌ها و] پناهگاه‌هایی برایتان قرار داده است و جامه‌هایی برایتان پدید آورده است که شما را از [سرما] و گرما نگاه می‌دارد و [زره‌ها و] تن‌پوشهایی که در جنگ [های]تان از شما محافظت می‌کند. او اینچنین نعمتش را بر شما تمام می‌گرداند؛ باشد که [در برابر توحید] تسلیم شوید [و شرک نورزید].

أَكْنَنَّا وَجَعَلْ لَكُمْ سَرَابِيلَ تَقِيكُمْ الْحَرَّ وَسَرَابِيلَ تَقِيكُمْ بَأْسَكُمْ كَذَلِكَ يَتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَسْلُمُونَ ﴿٨١﴾

(۸۲) پس [ای پیامبر]، اگر [مشرکان] روی گرداندند، جز این نیست که وظیفه تو [فقط] پیام‌رسانی آشکار است.

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلْغُ الْمُبِينُ ﴿٨٢﴾

(۸۳) [آنان] نعمت الله را می‌شناسند؛ اما [باز هم] آن را انکار می‌کنند و بیشتر آنان ناسپاس و کافرند.

يَعْرِفُونَ نِعْمَتَ اللَّهِ ثُمَّ يُنْكِرُونَهَا أَكْفَرُونَ ﴿٨٣﴾

(۸۴) و [یاد کن از] روزی که از هر امتی، گواهی [بر آنان] برمی‌انگیزیم؛ آنگاه به کسانی که کفر ورزیدند نه اجازه [سخن گفتن] داده می‌شود و نه از آنان خواسته می‌شود که پوزش بخواهند.

وَيَوْمَ نَبْعَثُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا ثُمَّ لَا يُؤَدُّنُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ ﴿٨٤﴾

(۸۵) و کسانی که ستم کردند، هنگامی که عذاب [آخرت] را می‌بینند؛ نه عذابشان سبک می‌شود و نه مهلت داده می‌شوند.

وَإِذَا رَأَى الَّذِينَ ظَلَمُوا الْعَذَابَ فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ ﴿٨٥﴾

وَإِذَا رَعَا الَّذِينَ أَشْرَكُوا شُرَكَاءَهُمْ قَالُوا رَبَّنَا هَؤُلَاءِ شُرَكَائُنَا الَّذِينَ كُنَّا نَدْعُوا مِنْ دُونِكَ فَأَلْقَوْا إِلَيْهِمُ الْقَوْلَ إِنَّكُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿٨٦﴾

(۸۶) کسانی که شرک ورزیدند، وقتی شریکان خود را می بینند می گویند: «پروردگارا، اینها بودند آن شریکانی که ما به جای تو می خواندیم» [ولی شریکان،] سخن آنان را [اینگونه] رد می کنند که: «یقیناً شما دروغگویید».

وَأَلْقُوا إِلَى اللَّهِ يَوْمَئِذٍ السَّلَمَ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿٨٧﴾

(۸۷) در آن روز، در برابر الله، سر تسلیم می افکنند و دروغهایی که [درباره شفاعت غیر الله] می یافتند همه محو و نابود می گردد.

الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ زِدْنَاهُمْ عَذَابًا فَوْقَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يُفْسِدُونَ ﴿٨٨﴾

(۸۸) کسانی که کفر ورزیدند و [مردم را] از راه الله بازداشتند، به [کیفر] آنکه فساد می کردند، عذابی بر عذابشان می افزاییم.

وَيَوْمَ نَبَعْتُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَى هَؤُلَاءِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيِينًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهَدَىٰ وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ ﴿٨٩﴾

(۸۹) و روزی [را یاد کن] که از هر امتی، گواهی از خودشان بر آنان می گماریم [تا به کفر و ایمانشان گواهی دهد] و تو را [نیز ای محمد،] بر اینان گواه می گیریم؛ و ما این کتاب [= قرآن] را بر تو نازل کردیم که روشنگر همه چیز است و برای مسلمانان، رهنمود و رحمت و بشارت است.

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَايِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ

(۹۰) در حقیقت، الله [شما را] به عدالت و نیکوکاری و بخشش به خویشاوندان فرمان می دهد و از فحشا و زشت کاری و سرکشی نهی

می‌کند. او شما را پند می‌دهد؛ باشد که پند
گیرید.

وَالْبَغْيَ يَعِظُكُم لَعَلَّكُمْ
تَذَكَّرُونَ ﴿۹۰﴾

(۹۱) و چون با الله [یا با مردم] پیمان بستید،
به آن وفا کنید؛ و سوگندها [ی خود] را پس از
محکم ساختنشان نشکنید، در حالی که الله را
بر [وفاداری] خویش گواه قرار داده‌اید.
بی‌تردید، الله می‌داند که چه می‌کنید.

وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ وَلَا
تَنْفُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا
وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ
كَفِيلًا إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا
تَفْعَلُونَ ﴿۹۱﴾

(۹۲) و مانند آن زن [نادانی] نباشید که رشته
[پشمی تاییده] خویش را پس از محکم بودن از
هم بازگشود [و گسست؛ پس مبادا]
سوگندهای خود را وسیله فریب یکدیگر قرار
دهید [آن هم تنها] به سبب این که [ثروت و]
جمعیت گروهی افزون‌تر از دیگری است. جز
این نیست که الله شما را با این [کار] می‌آزماید
و یقیناً روز قیامت، آنچه را که در آن اختلاف
می‌کردید، برایتان روشن می‌سازد.

وَلَا تَكُونُوا كَالَّتِي نَقَضَتْ
عَزْلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَا
تَتَّخِذُونَ أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا
بَيْنَكُمْ أَنْ تَكُونَ أُمَّةٌ هِيَ أَرْبَى
مِنْ أُمَّةٍ إِنَّمَا يَبُلُوكُمُ اللَّهُ بِهِ
وَلِيَبَيِّنَنَّ لَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَا
كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ﴿۹۲﴾

(۹۳) و اگر الله می‌خواست، همه شما را یک
امت قرار می‌داد؛ ولی [با عدالت خویش] هر
کس را که بخواهد گمراه می‌کند و [با فضل
خویش] هر کس را که بخواهد هدایت
می‌نماید؛ و شما [روز قیامت] قطعاً از آنچه
می‌کردید، بازخواست خواهید شد.

وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً
وَاحِدَةً وَلَكِنْ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ
وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَلِنَسْأَلَنَّ عَمَّا
كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿۹۳﴾

وَلَا تَتَّخِذُوا أَيْمَنَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ فَتَرِلَّ قَدَمٌ بَعْدَ ثُبُوتِهَا وَتَذُوقُوا أَلْسُوَةَ بِمَا صَدَدْتُمْ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَلَكُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿٩٤﴾

(۹۴) و سوگندهایتان را وسیلهٔ نیرنگ [و فریبکاری] میان خویش قرار ندهید، تا مبادا [ایمانتان به خطر بیفتد و] گامی پس از استواری اش بلغزد و به سزای آنکه [مردم را] از راه الله بازداشته‌اید، [کیفر] ناگواری بچشید و عذابی بزرگ برایتان [در پیش] باشد.

وَلَا تَشْتَرُوا بِعَهْدِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا إِنَّمَا عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٩٥﴾

(۹۵) و پیمان الله را به بهای اندک نفروشید. اگر بدانید، یقیناً آنچه نزد الله است، برایتان بهتر است.

مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ وَلَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٩٦﴾

(۹۶) آنچه نزد شماست، پایان می‌پذیرد و [الی] آنچه نزد الله است، باقی [و جاوید] است؛ و قطعاً به کسانی که شکیبایی کرده‌اند، اجرشان را بر اساس نیکوترین [طاعت و] کاری که می‌کردند خواهیم داد.

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّن ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٩٧﴾

(۹۷) هر کس - مرد یا زن - که کار نیک کند و مؤمن باشد، قطعاً او را [در دنیا] به زندگانی پاک و پسندیده‌ای زنده می‌داریم و [در آخرت نیز] بر اساس نیکوترین [طاعت و] کاری که می‌کردند، به آنان پاداش می‌دهیم.

فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ﴿٩٨﴾

(۹۸) پس [ای مؤمن]، هنگامی که قرآن می‌خوانی، از [شر] شیطانِ رانده‌شده [از رحمت الهی]، به الله پناه ببر.

إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ
آمَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ﴿٩٩﴾
و بر پروردگارشان توکل می‌کنند [هیچ]
تسلطی ندارد.

إِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلَى الَّذِينَ
يَتَوَلَّوْنَهُ وَالَّذِينَ هُمْ بِهِ
مُشْرِكُونَ ﴿١٠٠﴾
[دوست و] کارساز خود گرفته‌اند و [همچنین
بر] کسانی که به سبب [اغوی] شیطان، [به
الله] شرک می‌ورزند.

وَإِذَا بَدَّلْنَا آيَةً مَّكَانَ آيَةٍ وَاللَّهُ
أَعْلَمُ بِمَا يُنزِلُ قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ
مُفْتَرٍ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا
يَعْلَمُونَ ﴿١٠١﴾
[ای محمد]، جز این نیست که تو
دروغ‌بافی». [چنین نیست؛] بلکه بیشتر آنان
[از احکام شرع و حکمت الهی چیزی]
نمی‌دانند.

قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ
بِالْحَقِّ لِيُثَبِّتَ الَّذِينَ آمَنُوا
وَهُدَىٰ وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ ﴿١٠٢﴾
بگو: «روح القدس [= جبرئیل] آن را از
جنب پروردگارت به حق نازل کرده است تا
کسانی را که ایمان آورده‌اند ثابت‌قدم گرداند و
هدایت و بشارتی برای مسلمانان باشد».

وَلَقَدْ نَعَلُمْ أَنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّمَا
يُعَلِّمُهُ بَشَرٌ لِّسَانُ الَّذِي
يُلْحِدُونَ إِلَيْهِ أَعْجَمِيٌّ وَهَذَا
می‌دهد». [نه، چنین نیست؛ زیرا] زبان کسی
که [این] نسبت را به او می‌دهند غیرعربی

لِسَانَ عَرَبِيٍّ مُّبِينٍ ﴿١١٣﴾

است؛ حال آنکه این [قرآن]، به زبان عربی روشن [و با بلاغت و فصاحت عالی نازل شده] است.

إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ لَا يَهْدِيهِمُ اللَّهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١١٤﴾

(۱۰۴) یقیناً کسانی که به آیات الله ایمان نمی آورند، الله آنان را هدایت نمی کند و عذاب دردناکی برای آنان [در پیش] است.

إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكَذِبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْكَاذِبُونَ ﴿١١٥﴾

(۱۰۵) [محمد ﷺ] دروغگو نیست؛ بلکه کسانی دروغ می بافند که به آیات الله ایمان ندارند و اینان دروغگویان [واقعی] هستند.

مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ أَكْرَهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ وَلَكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكُفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِّنَ اللَّهِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١١٦﴾

(۱۰۶) هر کس بعد از ایمانش به الله کفر بورزد، [گرفتار عذاب الهی خواهد شد]؛ مگر کسی که [به این کار] وادار شده باشد و [الی] دلش به ایمان، آرام [و استوار] باشد؛ اما هر کس سینه اش را به کفر بگشاید، خشم الله بر آنان است و عذابی سهمگین [در پیش] دارند.

ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ أُسْتَحَبُّوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ ﴿١١٧﴾

(۱۰۷) این [مجازات]، از آن روست که زندگی دنیا را بر آخرت ترجیح دادند؛ و [نیز] اینکه الله گروه کافران را هدایت نمی کند.

أُولَئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَسَمِعِهِمْ وَأَبْصَرِهِمْ

(۱۰۸) اینان کسانی هستند که [بر اثر گناهانشان] الله بر دلها و گوشها و چشمانشان مُهر نهاده است؛ و اینان غافلان

[واقعی] هستند.

وَأُولَئِكَ هُمُ الْعَافِلُونَ ﴿۱۰۸﴾

لَا جَرَمَ أَنَّهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمْ

الْخَاسِرُونَ ﴿۱۰۹﴾

﴿۱۱۰﴾ سپس پروردگارت نسبت به کسانی که پس از زجر کشیدن [از آزار مشرکان] هجرت کردند سپس به جهاد برخاستند و شکیبایی نمودند، پس از آن [همه سختی‌ها] قطعاً آمرزندهٔ مهربان است.

رَحِيمٌ ﴿۱۱۰﴾

﴿۱۱۱﴾ [ای پیامبر، یاد کن از] روزی که هر کس در حالی [به پیشگاه عدل الهی] می‌آید که [تنها] از خود دفاع می‌کند؛ و هر کس در برابر آنچه کرده است، بی‌کم‌وکاست پاداش می‌گیرد و بر آنان ستم نمی‌رود.

يَوْمَ تَأْتِي كُلُّ نَفْسٍ تُجَادِلُ عَن

نَفْسِهَا وَتُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا

عَمِلَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿۱۱۱﴾

﴿۱۱۲﴾ و الله شهری [همچون مکه] را مثال می‌زند که امن و آرام بود [و] روزی‌اش از هر سو به آسانی و فراوانی می‌رسید؛ ولی [مردمانش] نسبت به نعمت‌های الهی ناسپاسی نمودند و آنگاه الله [نیز] به سزای آنچه مرتکب می‌شدند، طعم گرسنگی و ترس را به [اهالی] آن چشانید.

وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ

ءَامِنَةً مَّتَطْمِئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا

رَغَدًا مِّن كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ

بِأَنعُمِ اللَّهِ فَأَذَقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ

الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا

يَصْنَعُونَ ﴿۱۱۲﴾

﴿۱۱۳﴾ و پیامبری از خودشان به سوی آنان آمد، اما او را دروغگو انگاشتند؛ و در حالی که

وَلَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِّنْهُمْ

فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ وَهُمْ ظَالِمُونَ ﴿١١٣﴾
 ستمکار [و مشرک] بودند، عذاب [الهی] آنان را فروگرفت.

فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَلًا طَيِّبًا وَأَشْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ ﴿١١٤﴾
 (۱۱۴) پس، از آنچه الله روزی تان کرده است حلال [و] پاکیزه بخورید و اگر فقط او را عبادت می کنید [و شرک نمی ورزید]، بر نعمت الهی شکر گزارید.

إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالْدَّمَ وَحَلْمَ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهْلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ ۖ فَمَنِ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١١٥﴾
 (۱۱۵) جز این نیست که [الله] فقط مُردار و خون و گوشت خوک و آنچه را که [هنگام ذبح] نام غیر الله بر آن برده شده است بر شما حرام کرده است؛ اما هر کس [برای حفظ جانش به خوردن آنها] ناچار شود [و] سرکش و زیاده خواه نباشد، [بر او گناهی نیست؛ چرا که] بی تردید، الله آمرزنده مهربان است.

وَلَا تَقُولُوا لِمَا تَصِفُ أَلْسِنَتِكُمْ أَلْكَذِبَ هَذَا حَلَلٌ وَهَذَا حَرَامٌ لِّفْتَرُوا عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ لَا يُفْلِحُونَ ﴿١١٦﴾
 (۱۱۶) و [ای مشرکان]، با دروغی که بر زبانتان جاری می شود نگوئید: «این حلال است و آن حرام» تا بر الله دروغ بندید. کسانی که بر الله دروغ می بندند، هرگز رستگار نمی شوند.

مَتَعَّ قَلِيلٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١١٧﴾
 (۱۱۷) [نتیجه دنیا دوستی شان] بهره ای اندک است و [در آخرت] عذابی دردناک [در پیش] دارند.

وَعَلَى الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا مَا
 قَصَصْنَا عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَمَا
 ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ
 يَظْلِمُونَ ﴿١١٨﴾

(۱۱۸) و بر یهود آنچه را پیش تر بر تو حکایت
 کردیم حرام نمودیم و ما به آنان ستم نکردیم؛
 بلکه آنها خود [بودند که در نتیجه نافرمانی،]
 به خویشان ستم می کردند.

ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ عَمِلُوا السُّوءَ
 بِجَهْلَةٍ ثُمَّ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ
 وَأَصْلَحُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا
 لَعَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١١٩﴾

(۱۱۹) با وجود این، پروردگارت نسبت به
 کسانی که از روی نادانی گناه کردند و سپس
 از آن [اشتباهات] توبه نمودند و درستکاری
 کردند، قطعاً پس از آن، آمرزنده مهربان است.

إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ
 حَنِيفًا وَاَلَمْ يَكُ مِنَ
 الْمُشْرِكِينَ ﴿١٢٠﴾

(۱۲۰) بی گمان، ابراهیم پیشوایی فروتن در
 برابر الله [او] حَقگرا بود و [هرگز] در زمره
 مشرکان نبود.

شَاكِرًا لِأَنْعَمِهِ أَجْتَبَنَهُ وَهَدَانَهُ
 إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿١٢١﴾

(۱۲۱) [او] شکرگزارِ نعمت‌های الله بود. [الله]
 وی را برگزید و به راه راست هدایت نمود.

وَأَتَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَإِنَّا
 فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ ﴿١٢٢﴾

(۱۲۲) [ما] در دنیا به او نیکی عطا کردیم و
 قطعاً او در آخرت [نیز] از شایستگان است.

ثُمَّ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ أَنْ اتَّبِعْ مِلَّةَ
 إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ
 الْمُشْرِكِينَ ﴿١٢٣﴾

(۱۲۳) سپس [ای پیامبر]، به تو وحی کردیم
 که از آیین ابراهیم پیروی کن که حَقگرا بود و
 [هرگز] در زمره مشرکان نبود.

إِنَّمَا جُعِلَ السَّبْتُ عَلَى الَّذِينَ

(۱۲۴) [و]جوبِ بزرگداشتِ روزهای [شنبه، تنها

بر کسانی قرار داده شد که در آن اختلاف کردند؛ و قطعاً پروردگارت روز قیامت، در مورد آنچه اختلاف می‌کردند، میان آنان داوری خواهد کرد.

أَحْتَلِفُوا فِيهِ وَإِنَّ رَبَّكَ لَيَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿١٢٤﴾

(۱۲۵) [ای پیامبر، مردم را] با حکمت و پند نیکو به راه پروردگارت دعوت نما و با روشی که نیکوتر است با آنان [بحث و] مناظره کن. بی‌تردید، پروردگارت به [حال] کسی که از راه او گمراه می‌شود داناتر است و او به [حال] هدایت‌یافتگان [نیز] داناتر است.

أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَدِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ ﴿١٢٥﴾

(۱۲۶) و اگر [شما مؤمنان] خواستید [دشمنانتان را] مجازات کنید، چنان مجازات کنید که [آنان] شما را مجازات کرده‌اند؛ و اگر [خویش‌نداری و] شکیبایی کنید، [بدانید که] قطعاً این [کار] برای شکیبایان بهتر است.

وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ ﴿١٢٦﴾

(۱۲۷) و [ای پیامبر،] صبر پیشه کن و صبر تو جز به [یاری و] توفیق الله نیست؛ و بر آنان [= کافران] اندوه مخور و از نیرنگی که می‌ورزند دلتنگ مباش.

وَأَصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُ فِي ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ ﴿١٢٧﴾

(۱۲۸) بی‌تردید، الله با کسانی است که پرهیزگاری کردند و کسانی که نیکوکارند.

إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ ﴿١٢٨﴾

سُورَةُ الْاِسْرَاءِ

سورة اِسراء

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

به نام الله بخشنده مهربان

(۱) پاک و منزّه است آن [پروردگاری] که بنده اش [محمد] را شبانگاه از مسجد الحرام به سوی مسجد الاقصی - که پیرامونش را برکت داده ایم - سیر داد تا برخی از نشانه های [قدرت] خویش را به او بنمایانیم. بی تردید، او همان شنوای بیناست.

سُبْحٰنَ الَّذِیْ اَسْرٰی بِعَبْدِهٖۙ
 لَیْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ اِلَی
 الْمَسْجِدِ الْاَقْصَا الَّذِی بَرَكْنَا
 حَوْلَهٗ وَّلِیْلٍۙ مِنْ اٰیٰتِنَاۗ اِنَّهٗ
 هُوَ السَّمِیْعُ الْبَصِیْرُ ﴿۱﴾

(۲) و ما به موسی کتاب [تورات] دادیم و آن را [مایه] هدایت بنی اسرائیل ساختیم [و فرمودیم] که: «کارگزاری جز من [برای خود] برنگزینید».

وَءَاْتٰنَا مُوسٰی الْكِتٰبَ وَجَعَلْنٰهٗ
 هُدًى لِّبَنِیْۤ اِسْرٰٓءِیْلَ اِلَّا تَتَّخِذُوْا
 مِنْ دُوْنِیْ وَّكِیْلًا ﴿۲﴾

(۳) ای فرزندان کسانی که آنان را با نوح [در کشتی] سوار کردیم، به راستی او [= نوح] بنده ای شکرگزار بود.

ذُرِّیَّةً مِّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍۙ اِنَّهٗ
 كَانَ عَبْدًا شَكُوْرًا ﴿۳﴾

(۴) و در کتاب [تورات] به بنی اسرائیل وحی کردیم که قطعاً دو بار در زمین فساد خواهید کرد و قطعاً سرکشی [و طغیان] بزرگی خواهید نمود.

وَ قَضٰیۤنَا اِلَیۤ بَنِیۤ اِسْرٰٓءِیْلَ فِی
 الْكِتٰبِ لَنُفْسِدَنَّ فِی الْاَرْضِ
 مَرَّتَیْنٍ وَّلَنُتَعَلَّنَّ عَلُوًّا كَبِیْرًا ﴿۴﴾

(۵) پس هر گاه وعده نخستین از آن دو [بار]

فَاِذَا جَآءَ وَعْدُ اُولٰٓئِهٖمَا بَعَثْنَا

فرارسید، گروهی از بندگانِ بسیار نیرومند [و پیکارجوی] خود را بر شما برمی‌انگیزیم تا میان خانه‌ها [یتان برای قتل و غارت شما] به جستجو درآیند؛ و این وعده‌ای انجام‌شدنی [و قطعی] بود.

(۶) آنگاه [پس از مدتی] شما را بر آنان مسلط می‌گردانیم و با اموال و فرزندان یاری‌تان می‌کنیم، و [تعداد] نفرات شما را بیشتر [از دشمن] می‌گردانیم.

(۷) اگر [در گفتار و رفتار] نیکی کنید، به خود نیکی کرده‌اید؛ و اگر بدی کنید، [باز هم به] خود کرده‌اید. پس هنگامی که وعده دیگر فرارسید، [دشمن آنچنان شما را خوار می‌سازد] که آثار غم و اندوه در چهره‌هایتان ظاهر می‌شود و همان گونه که بار نخست وارد شدند، [این بار نیز حمله می‌آورند] تا به مسجد [الاقصی] داخل شوند و تا بر هر چه دست یابند [آن را] یکسره نابود کنند.

(۸) [ای بنی‌اسرائیل، اگر توبه کنید] امید است که پروردگارتان بر شما رحمت آورد و اگر [به تباهی] بازگشتید، ما نیز [به عذاب کردن شما] بازمی‌گردیم و دوزخ را زندان [ابدی] کافران کرده‌ایم.

عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بَأْسٍ
شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ
وَعْدًا مَّفْعُولًا ﴿٥﴾

ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ
وَأَمَدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبِئَن
وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا ﴿٦﴾

إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ
لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا فَإِذَا
جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسْتَوْا
وُجُوهَكُمْ وَلِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ
كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَلِيُتَبِّرُوا مَا
عَلَوْا تَتَّبِعُوا ﴿٧﴾

عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يَرْحَمَكُمْ وَإِنْ
عُدْتُمْ عُدْنَا وَجَعَلْنَا جَهَنَّمَ
لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا ﴿٨﴾

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا ﴿٩﴾

(۹) به راستی که این قرآن به استوارترین راه هدایت می‌کند و به مؤمنانی که کارهای شایسته می‌کنند مژده می‌دهد که پاداشی بزرگ برایشان [در پیش] است.

وَأَنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ آعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿١٠﴾

(۱۰) و برای کسانی که به آخرت ایمان نمی‌آورند، عذابی دردناک مهیا کرده‌ایم.

وَيَدْعُ الْإِنْسَانُ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا ﴿١١﴾

(۱۱) انسان [در هنگام خشم، از روی نادانی و شتاب، نفرین می‌کند و] بدی را می‌طلبد، همان گونه که نیکی را درخواست می‌کند؛ و انسان همواره شتابزده است.

وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَاتٍ ۚ فَمَحَوْنَا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِّتَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ وَلِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ ۚ وَكُلُّ شَيْءٍ فَصَلْنَاهُ تَفْصِيلًا ﴿١٢﴾

(۱۲) شب و روز را دو نشانه‌ای قدرت و یگانگی خویش] قرار دادیم؛ و نشانه شب را محو [و تیره] کردیم و نشانه روز را روشنی‌بخش قرار دادیم تا از پروردگارتان روزی بجوید و شمار سال‌ها و حساب [وقایع] را بدانید؛ و هر چیزی را به تفصیل بیان کردیم.

وَكُلُّ إِنْسَانٍ لِّزَمَّتْهُ ظَهْرَهُ فِي عُتُقِهِ ۚ وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنشُورًا ﴿١٣﴾

(۱۳) و [سرنوشت] رفتار هر انسانی را [تا لحظه حسابرسی] در گردنش بسته‌ایم و روز قیامت نوشته‌ای برایش بیرون می‌آوریم که آن را گشوده می‌بیند.

أَقْرَأَ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ
عَلَيْكَ حَسِيبًا ﴿١٤﴾

(۱۴) [به او می‌گوییم:] «نامه‌ات را بخوان. کافی است که امروز خود حسابگر خویش باشی».

مَنْ أَهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي
لِنَفْسِهِ ۗ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ
عَلَيْهَا ۗ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ۗ
وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ
رَسُولًا ﴿١٥﴾

(۱۵) هر کس راه [راست] یافت، جز این نیست که به سود خویش راه یافته است و هر کس گمراه شد، یقیناً به زیان خود گمراه شده است؛ و هیچ گناهکاری، بار گناه دیگری را بر نمی‌دارد؛ و ما هرگز [قومی را] مجازات نخواهیم کرد، مگر آنکه [میانشان] پیامبری مبعوث کرده باشیم [تا وظایفشان را بیان کند].

وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا
مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ
عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَا
تَدْمِيرًا ﴿١٦﴾

(۱۶) و هر گاه بخواهیم [مردم] شهری را نابود کنیم، [نخست] به ثروتمندان سرکش آنجا فرمان [اطاعت از الله و پیروی از پیامبران را] می‌دهیم، سپس وقتی در آنجا به فساد [و مخالفت] برخاستند، وعده [ی عذاب الهی بر] آنجا محقق می‌گردد؛ آنگاه آنجا را به شدت در هم می‌کوبیم [و ساکنانش را از بین می‌بریم].

وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنَ الْقُرُونِ مِن
بَعْدِ نُوحٍ ۗ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ بِذُنُوبِ
عِبَادِهِ حَسِيرًا بَصِيرًا ﴿١٧﴾

(۱۷) و چه بسیار نسل‌هایی را که پس از نوح [زندگی می‌کردند] هلاک کردیم [و همین] کافی است که پروردگارت از گناهان بندگان آگاه [و نسبت به آنان] بیناست.

مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَلْنَا

(۱۸) هر کس خواهان [دنیای] زودگذر است،

لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلَاهَا مَذْمُومًا مَّدْحُورًا ﴿١٨﴾

هر چه بخواهیم [و] به هر که بخواهیم [بهره‌ای] از آن می‌دهیم؛ آنگاه دوزخ را نصیبش می‌کنیم که در آنجا خوار و رانده‌شده [از رحمت الله]، وارد می‌گردد.

وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعِيهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعِيهِمْ مَشْكُورًا ﴿١٩﴾

(۱۹) و هر کس [زندگی] آخرت را بخواهد و برای [رسیدن به] آن با جدیت بکوشد و مؤمن باشد، اینان کسانی هستند که از تلاششان قدردانی خواهد شد.

كُلًّا نُمِدُّ هَتُوْلًا وَهَتُوْلًا مِّنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا ﴿٢٠﴾

(۲۰) همه را - [خواه] این گروه [بدکار] و [یا] آن گروه [نیکوکار] - از بخشش [و نعمت‌های دنیوی] پروردگارت بهره‌مند می‌سازیم و بخشش پروردگارت [از کسی] منع نشده است.

أَنْظُرْ كَيْفَ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ وَلِلْآخِرَةِ أَكْبَرُ دَرَجَاتٍ وَأَكْبَرُ تَفْضِيلًا ﴿٢١﴾

(۲۱) بنگر که چگونه برخی از آنان را [از لحاظ مال و مقام] بر برخی دیگر برتری داده‌ایم؛ و قطعاً آخرت [در مقایسه با دنیا] از نظر درجات، بزرگ‌تر و از لحاظ فضیلت، برتر است [پس مومن باید به آن اشتیاق ورزد].

لَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا ءَاخَرَ فَتَقَعَدَ مَذْمُومًا مَّحْدُولًا ﴿٢٢﴾

(۲۲) [ای انسان، هرگز هیچ] معبود دیگری را با الله [شریک] قرار نده که نکوهیده و بی‌یاور خواهی ماند.

﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا﴾

(۲۳) و پروردگارت چنین فرمان داده است که: «جز او را عبادت نکنید و به پدر و مادر [تان]

نیکي کنید. هر گاه یکی از آن دو یا هر دوی آنها در کنار تو به سن پیری رسیدند، حتی کمترین اهانتی به ایشان نکن و بر سرشان فریاد زن و به نیکي [و مهربانی] با آنان سخن بگو. ﴿۲۳﴾

وَأَخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلِيلِ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا ﴿۲۴﴾ و از روی مهربانی، در برابرشان فروتن باش و بگو: «پروردگارا، همان گونه که [بر من رحمت آوردند و] مرا در کودکی پرورش دادند، [تو نیز] به آنان رحمت آور.»

رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا فِي نُفُوسِكُمْ إِنَّ تَكُونُوا صَالِحِينَ فَإِنَّهُ كَانَ لِلْأَوَّابِينَ غَفُورًا ﴿۲۵﴾ پروردگارِ شما، به آنچه در دل هایتان است آگاه‌تر است. اگر شایسته باشید، یقیناً او در حق توبه‌کاران آمرزنده است. ﴿۲۵﴾

وَأَتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمَسْكِينِ وَالْبَنِي السَّبِيلِ وَلَا تُبَدِّرْ تَبْدِيرًا ﴿۲۶﴾ و حق خویشاوند را به او بده [= صلهٔ رحم] به جای آور[و نیازمند و درراه‌مانده [را یاری کن] و ولخرجی و اسراف نکن. ﴿۲۶﴾

إِنَّ الْمُبَدِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَافِرًا ﴿۲۷﴾ در حقیقت، اسرافکاران برادران شیاطین هستند و شیطان نسبت به پروردگارش همواره ناسپاس بوده است. ﴿۲۷﴾

وَأَمَّا نُرْضِضُ عَنْهُمْ أْبَتَعَاءَ رَحْمَةٍ مِّن رَّبِّكَ تَرْجُوهَا فَقُلْ لَهُمْ قَوْلًا مَّيْسُورًا ﴿۲۸﴾ و اگر به امید رحمت و [گشایش روزی] از جانب پروردگارت [به ناچار] از آنان روی می‌گردانی، سخنی نرم به آنان بگو. ﴿۲۸﴾

وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا ﴿٢٩﴾

(۲۹) و [هرگز] دست از انفاق نیند و [نیز] گشاده‌دستی بسیار نکن که ملامت‌شده و حسرت‌زده می‌گردد.

إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا ﴿٣٠﴾

(۳۰) بی‌گمان، پروردگارت، [نعمت و] روزی را بر هر کس که بخواهد گسترده می‌دارد و یا تنگ می‌گرداند. بی‌تردید، او همواره به [احوال] بندگانش آگاه و بیناست.

وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةً إِمَّا يَكُنْ لَكُمْ نَرْزُقُهم وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطَاً كَبِيرًا ﴿٣١﴾

(۳۱) و فرزندانان را از بیم تنگدستی نکشید. ما به آنان و شما روزی می‌بخشیم. یقیناً کشتن آنها همواره خطایی بزرگ است.

وَلَا تَقْرُبُوا الزَّوْجِيَّ إِنَّهُوَ كَانَ فَحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا ﴿٣٢﴾

(۳۲) و نزدیک زنا نشوید. بی‌تردید، آن [کار،] بسیار زشت و راهی ناپسند است.

وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَن قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطٰنًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنصُورًا ﴿٣٣﴾

(۳۳) و کسی را که الله [کشتنش را] حرام کرده است جز به‌حق نکشید؛ و هر کس به ستم کشته شود، به قیّم او قدرت [و حق قصاص] داده‌ایم؛ او نیز نباید در [کیفر] قتل زیاده‌روی کند. بی‌تردید، او [= ولیّ دم] تحت حمایت [الله و شریعت او تعالی] قرار دارد.

وَلَا تَقْرُبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَ ارشُد و [بلوغش برسد و به پیمان [خویش] وفا

(۳۴) و به مال یتیم - جز به شیوه‌ای که نیکوتر است - نزدیک نشوید تا آنگاه که به حد

وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا ﴿٣٤﴾
کنید؛ چرا که [از شما] درباره پیمان پرسیده خواهد شد.

وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا ﴿٣٥﴾
و هنگامی که [در خرید و فروش، اجناس را] پیمانه می‌کنید، پیمانه را کامل [و تمام] بدهید و [آنها را] با ترازوی درست وزن کنید. این [کار] برای شما بهتر است و سرانجام نیکوتری دارد.

وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا ﴿٣٦﴾
و از آنچه دانشی درباره آن نداری پیروی نکن. بی‌تردید [در قیامت،] گوش و چشم و دل، از همه اینها بازخواست خواهد شد.

وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَنْ تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَلَنْ تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا ﴿٣٧﴾
و در زمین با تکبر راه نرو. تو هرگز نمی‌توانی [با راه رفتنِ غرورآمیزت] زمین را بشکافی و در بلندی [و گردن‌فرازی نیز] به کوه‌ها نمی‌رسی.

كُلُّ ذَلِكَ كَانَ سَيِّئُهُ عِنْدَ رَبِّكَ مَكْرُوهًا ﴿٣٨﴾
همه این [کارها]، گناهش نزد پروردگارت ناپسند است.

ذَلِكَ مِمَّا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ وَلَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا ءَاخَرَ فَتَلْقَىٰ فِي جَهَنَّمَ مَلُومًا مَّدْحُورًا ﴿٣٩﴾
این [سفارش‌ها] از آن حکمت‌هایی است که از جانب پروردگارت به تو وحی شده است؛ و معبود دیگری با الله قرار نده که نکوهیده و رانده‌شده [از رحمت الله] به دوزخ خواهی افتاد.

أَفَأَصْفَدَكُمْ رَبُّكُمْ بِالْبَيْنِ
وَأَتَّخَذَ مِنَ الْمَلٰٓئِكَةِ إِنثًا إِنَّكُمْ
لَتَقُولُونَ قَوْلًا عَظِيمًا ﴿٤٠﴾

(۴۰) آیا [شما مشرکان گمان می‌کنید که] پروردگارتان [داشتن] پسران را به شما اختصاص داده است و خود از [میان] فرشتگان، دخترانی برگرفته است؟ به راستی که سخنی بسیار بزرگ [و ناروا] می‌گویید.

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هٰذَا الْقُرْآنِ
لِيَدَّكُرُوا وَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا
نُفُورًا ﴿٤١﴾

(۴۱) و بی‌تردید، ما در این قرآن [احکام و اندرزها را با شیوه‌های روشن و] گوناگون بیان کردیم تا [مردم] پند بگیرند؛ ولی این سخنان، [جز دوری [از حق] بر آنان نمی‌افزاید.

قُل لَّوْ كَانَ مَعَهُ ۤءَالِهَةٌ كَمَا
يَقُولُونَ إِذَا لَابَّغَوْا إِلَىٰ ذِي
الْعَرْشِ سَبِيلًا ﴿٤٢﴾

(۴۲) [ای پیامبر،] بگو: «اگر [بر فرضِ محال،] چنان که [مشرکان] می‌گویند، با او [= الله] معبودانی [دیگر] بود، در این صورت، آنان [برای تقرب و کسبِ خشنودی پروردگار] به سوی [الله] صاحب‌عرش راهی می‌جستند».

سُبْحٰنَهُ وَتَعَالٰی عَمَّا يَقُولُونَ
عُلُوًّا كَبِيرًا ﴿٤٣﴾

(۴۳) او تعالی پاک و منزّه است و از آنچه آنان می‌گویند، بسی برتر است.

تَسْبِيحٌ لِّهٖ السَّمٰوٰتِ السَّبْعِ
وَالْاَرْضِ وَمَنْ فِيهِنَّ ۗ وَاِنْ مِنْ
شَيْءٍ اِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ ۗ وَلٰكِنْ
لَّا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ ۗ اِنَّهٗ كَانَ
حَلِيْمًا عَفُوًّا ﴿٤٤﴾

(۴۴) آسمان‌های هفتگانه و زمین و هر کس در آنهاست او را به پاکی می‌ستایند؛ و هیچ چیز نیست مگر آنکه او را به پاکی یاد می‌کند؛ ولی شما تسبیح آنان را در نمی‌یابید. بی‌تردید، او همواره بردبار [و] آمرزنده است.

وَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَّسْتُورًا ﴿٤٥﴾

و [ای پیامبر] هنگامی که قرآن می‌خوانی، میان تو و کسانی که به آخرت ایمان ندارند، پرده‌ای پوشیده قرار می‌دهیم.

وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَوَّا عَلَى أَدْبَارِهِمْ نُفُورًا ﴿٤٦﴾

و [پیام] آن را در نیابند و در گوش‌هایشان سنگینی [نهادیم تا حق را نشنوند]؛ و چون پروردگارت را در قرآن به یگانگی یاد می‌کنی، با نفرت پشت می‌کنند [و می‌گریزند].

نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَسْتَمِعُونَ بِهِ إِذْ يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ وَإِذْ هُمْ نَجْوَى إِذْ يَقُولُ الظَّالِمُونَ إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْحُورًا ﴿٤٧﴾

و [کافران] به تو گوش می‌سپارند، ما بهتر می‌دانیم که به چه [منظور و چگونه] گوش می‌دهند و [نیز] آنگاه که نجوا می‌کنند [ما از سخنانشان آگاهیم]؛ آنگاه که ستمکاران [مشرك به مردم] می‌گویند: «شما جز از مردی جادوشده پیروی نمی‌کنید».

أَنْظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا ﴿٤٨﴾

بنگر که چگونه برای مثال‌ها زدند، پس گمراه شدند و در نتیجه، نمی‌توانند راهی [به سوی حق] بیابند.

وَقَالُوا أَوَّآءًا كُتًّا عِظْمًا وَرَفَثًا أَيْنَا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا ﴿٤٩﴾

و [مشركان] گفتند: «آیا هنگامی که استخوان‌هایی [پوسیده و] پراکنده شدیم، دوباره با آفرینشی جدید برانگیخته می‌شویم؟»

﴿٥٠﴾ بگو: «[حتی اگر] سنگ باشید یا آهن

أَوْ خَلَقًا مِّمَّا يَكْبُرُ فِي صُدُورِكُمْ فَسَيَقُولُونَ مَن يُعِيدُنَا ۗ قُلِ الَّذِي فَطَرَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ ۗ فَسَيُنْغِضُونَ إِلَيْكَ رُءُوسَهُمْ وَيَقُولُونَ مَتَى هُوَ قُلْ عَسَىٰ أَن يَكُونَ قَرِيبًا ﴿٥١﴾

(۵۱) یا [هر] آفریده‌ای که در خاطرتان بزرگ می‌نماید، [باز هم الله می‌تواند شما را زنده کند]». پس خواهند گفت: «چه کسی ما را باز می‌گرداند؟» بگو: «[همان پروردگاری] که نخستین بار شما را آفرید». آنگاه سرهایشان را [به نشانه نابوری و تمسخر] در برابر تو تکان می‌دهند و می‌گویند: «آن [حادثه] کی خواهد بود؟» بگو: «چه بسا نزدیک باشد».

يَوْمَ يَدْعُوكُمْ فَتَسْتَجِيبُونَ بِحَمْدِهِ وَتَظُنُّونَ إِن لَّبِئْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا ﴿٥٢﴾

(۵۲) روزی که [الله] شما را [به صحرای محشر] فرامی‌خواند و شما با سپاس و ستایش اجابتش می‌کنید و می‌پندارید که جز اندکی [در دنیا] به سر نبرده‌اید».

وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ ۚ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ ۗ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنسَانِ عَدُوًّا مُّبِينًا ﴿٥٣﴾

(۵۳) و [ای پیامبر،] به بندگانم بگو با بهترین [الفاظ با یکدیگر] صحبت کنند [و از بددهانی پرهیزند؛ چرا که] بی‌تردید، شیطان میان آنان دشمنی می‌افکند. به راستی که شیطان برای انسان، دشمنی آشکار است.

رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِكُمْ ۗ إِن يَشَأْ يُرْحَمْكُمْ ۗ أَوْ إِن يَشَأْ يُعَذِّبْكُمْ ۗ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ وَكِيلًا ﴿٥٤﴾

(۵۴) [ای مردم،] پروردگارتان به [احوال] شما داناتر است؛ اگر بخواهد، بر شما رحمت می‌آورد یا اگر بخواهد، عذابتان می‌کند؛ و [ای پیامبر،] ما تو را [برای آنان، نگهبان و] کارگزار نفرستاده‌ایم.

وَرَبُّكَ اَعْلَمُ بِمَن فِي السَّمَوَاتِ (۵۵) پروردگارت به [هر چه و] هر کس در
 وَاَلْاَرْضِ ۙ وَلَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ
 النَّبِيِّنَ عَلٰی بَعْضٍ ۗ وَاَتَيْنَا دَاوُدَ
 زَبُورًا ﴿۵۵﴾
 آسمان‌ها و زمین است داناتر است؛ و به راستی
 [ما] برخی پیامبران را [با افزونی پیروان و
 اعطای کتاب،] بر برخی [دیگر] برتری
 بخشیدیم و به داوود زبور دادیم.

قُلِ ادْعُوا الَّذِيْنَ رَعَمْتُمْ مِّنْ
 دُوْنِهٖ ۚ فَلَا يَمْلِكُوْنَ كَشْفَ
 الضَّرِّ عَنْكُمْ وَلَا تَحْوِيْلًا ﴿۵۶﴾
 (ای پیامبر، به مشرکان] بگو: «کسانی را
 که به جای او [معبود و کارساز خویش]
 پنداشته‌اید فراخوانید؛ [خواهید دید که آنها]
 نه می‌توانند گزندى را از شما دور کنند و نه
 قادرند آن را [به سوى دیگری] بگردانند».

اُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ يَدْعُوْنَ يَبْتَغُوْنَ
 اِلٰى رَبِّهِمُ الْوَسِيْلَةَ اَتَيْهِمْ اَقْرَبُ
 وَيَرْجُوْنَ رَحْمَتَهُ ۗ وَيَخَافُوْنَ
 عَذَابَهُ ۗ اِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ
 مُّحْذَرًا ﴿۵۷﴾
 (۵۷) کسانی را که آنان [به یاری و دعا]
 می‌خوانند، خود [با عبادت و عمل صالح]
 وسیله‌ای [برای تقرب] به پروردگارشان
 می‌جویند [و در رقابتند تا بدانند] کدام‌یک از
 آنان [به عبادت الله] نزدیک‌ترند و به رحمتش
 امیدوارند و از عذابش می‌ترسند؛ [چرا که]
 بی‌تردید، عذاب پروردگارت همواره شایسته
 پرهیز است.

وَ اِنْ مِّنْ قَرْيَةٍ اِلَّا نَحْنُ مُّهِلْكُوهَا
 قَبْلَ يَوْمِ الْقِيٰمَةِ اَوْ مُّعَذِّبُوهَا
 عَذَابًا شَدِيْدًا ۗ كَانَ ذٰلِكَ فِى
 الْكِتٰبِ مَسْطُوْرًا ﴿۵۸﴾
 (۵۸) و هیچ شهری نیست مگر اینکه [به سبب
 کفر و نافرمانی، مردم] آن را پیش از روز
 قیامت نابود می‌کنیم یا به عذابی سخت گرفتار
 می‌سازیم. این [کیفر] در کتاب الهی [= لوح
 محفوظ] ثبت است.

وَمَا مَنَعَنَا أَنْ نُرْسِلَ بِالْآيَاتِ إِلَّا
 أَنْ كَذَّبَ بِهَا الْأَوْلُونَ وَعَاتَيْنَا
 ثَمُودَ النَّاقَةَ مُبْصِرَةً فَظَلَمُوا بِهَا
 وَمَا نُرْسِلُ بِالْآيَاتِ إِلَّا
 تَخْوِيفًا ﴿٥٩﴾

[چیزی] (۵۹) ما را از فرستادن معجزات
 [درخواستی مشرکان] بازداشت، مگر اینکه
 پیشینیان آن را دروغ پنداشتند؛ و ما به ثمود
 [قوم صالح] آن ماده‌شتر را به عنوان نشانه‌ای
 روشن دادیم؛ اما به آن ستم کردند و ما
 نشانه‌ها [و معجزات] را جز برای بیم‌دادن
 [مردم] نمی‌فرستیم.

وَإِذْ قُلْنَا لَكَ إِنَّ رَبَّكَ أَحَاطَ
 بِالنَّاسِ وَمَا جَعَلْنَا الرُّءْيَا الَّتِي
 أَرَيْنَكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ
 وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ
 وَنُوحُوفُهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا
 كَبِيرًا ﴿٦٠﴾

(۶۰) و [به یاد آور] هنگامی که به تو گفتیم:
 «یقیناً پروردگارت بر مردم احاطه دارد [و در
 قبضه قدرت او هستند]؛ و آن رؤیایی را که
 [در شب معراج] به تو نمایانیم؛ و [همچنین]
 آن درخت لعنت‌شده [زقوم] در قرآن را جز
 برای آزمایش مردم قرار ندادیم؛ و ما آنان را
 بیم می‌دهیم، ولی جز بر سرکشی بیشتر آنان
 نمی‌افزاید.

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ
 فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ قَالَ
 أَسْجُدْ لِمَنْ خَلَقْتَ طِينًا ﴿٦١﴾

(۶۱) و [یاد کن از] هنگامی که به فرشتگان
 گفتیم: «برای آدم سجده کنید»؛ پس [همگی]
 سجده کردند، جز ابلیس که [از روی تکبر سر
 باز زد و] گفت: «آیا برای کسی سجده کنم که
 [او را] از گل آفریده‌ای؟»

قَالَ أَرَأَيْتَكَ هَذَا الَّذِي كَرَّمْتَ
 عَلَيَّ لَنْ أَخَّرْتَنِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ
 غَرَامِي كَرَّمْتَ

(۶۲) [او] گفت: «به من خبر بده آیا این همان
 کسی است که او را بر من [برتری دادی و]
 گرامی داشتی؟ اگر تا روز قیامت به من مهلت

لَا حَتِّبَنَّ دُرِّيَّتَهُ إِلَّا قَلِيلًا ﴿٦٢﴾ دهی، فرزندانش را - جز عده کمی - [مهار زده و] ریشه کن خواهیم کرد».

قَالَ أَذْهَبُ فَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ فَإِنَّ جَهَنَّمَ جَزَاؤُكُمْ جَزَاءً مَوْفُورًا ﴿٦٣﴾ (۶۳) [الله] فرمود: «برو که هر یک از آنان که از تو پیروی کند، یقیناً دوزخ پاداشتان خواهد بود که پاداشی کامل است.

وَأَسْتَفْزِرُ مِنْ أَسْتَطَعْتَ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَأَجْلِبُ عَلَيْهِمْ بِخَيْلِكَ وَرَجِلِكَ وَشَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعَدَّهُمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا ﴿٦٤﴾ (۶۴) و هر کس از آنان را توانستی به آوای خود برانگیز [و به سوی گناه بکشان] و با سواران و پیادگانت بر آنان بانگ بزن [تا آلوده گناه گردند] و در اموال و فرزندان، شریکشان شو و به آنان وعده [های واهی] بده؛ و [الی] شیطان به آنان وعده نمی دهد مگر به فریب.

إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَنٌ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ وَكِيلًا ﴿٦٥﴾ (۶۵) [ای شیطان،] تو هرگز تسلطی بر بندگان من نخواهی داشت»؛ و [ای پیامبر،] همین بس که پروردگارت [کارگزار و] نگهبانِ آنان [= مؤمنان] باشد.

رَبُّكُمْ الَّذِي يُزِيحُ لَكُمْ الْفُلْكَ فِي الْبَحْرِ لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا ﴿٦٦﴾ (۶۶) [ای مردم،] پروردگار شما کسی است که کشتی را در دریا برایتان به حرکت درمی آورد تا از فضلش بهره مند گردید. بی تردید، او همواره نسبت به شما مهربان است.

وَإِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا إِلَٰهًا فَلَمَّا

نَجَّيْكُمْ إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ وَكَانَ
الْإِنْسَانُ كَفُورًا ﴿٦٧﴾

می‌خوانید، ناپدید [و فراموش] می‌گردد مگر
[ذات پاک] او؛ اما وقتی شما را [از خطر مرگ]
رهاند و به خشکی رساند، [از عبادت الله به
یگانگی] رویگردان می‌شوید؛ و انسان همواره
ناسپاس است.

أَفَأَمِنْتُمْ أَنْ يَخْسِفَ بِكُمْ
جَانِبَ الْبَرِّ أَوْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ
حَاصِبًا ثُمَّ لَا تَجِدُوا لَكُمْ
وَكِيلًا ﴿٦٨﴾

(۶۸) آیا [می‌پندارید] از اینکه [الله] شما را در
کناره خشکی [در زمین] فرو برد یا طوفان شن
به سوی شما بفرستد [و سنگبارانتان کند]
ایمن شده‌اید؟ آنگاه برای خود هیچ [کارگزار و]
نگهبانی نمی‌یابید.

أَمْ أَمِنْتُمْ أَنْ يُعِيدَكُمْ فِيهِ تَارَةً
أُخْرَىٰ فَيُرْسِلَ عَلَيْكُمْ قَاصِفًا
مِّنَ الرِّيحِ فَيُغْرِقَكُم بِمَا
كَفَرْتُمْ ثُمَّ لَا تَجِدُوا لَكُمْ
عَلِيًّا بِهِ تَبِيعًا ﴿٦٩﴾

(۶۹) یا ایمن شده‌اید از اینکه بار دیگر شما را
به دریا بازگرداند و تئدبادی کوبنده به سویتان
بفرستد و به سزای کفرتان شما را غرق کند؟
آنگاه در برابر ما هیچ بازپرسی برای خود
نمی‌یابید [که دلیل کارمان را جویا شود].

وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ
وَحَمَلْنَهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ
وَرَزَقْنَهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ
وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ كَثِيرٍ مِّمَّنْ
خَلَقْنَا تَفْضِيلًا ﴿٧٠﴾

(۷۰) و به راستی، ما فرزندان آدم را گرامی
داشتیم و آنان را در خشکی و دریا [بر وسایل
سفر] سوار کردیم و از انواع [نعمت‌های] پاکیزه
به آنان روزی دادیم و آنان را بر بسیاری از
موجوداتی که آفریده‌ایم، برتری بسیار بخشیدیم.

يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمْهَاتِهِمْ

(۷۱) [یاد کن از] روزی که هر گروهی را با

فَمَنْ أَوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ ۖ فَأُولَئِكَ يَقْرَءُونَ كِتَابَهُمْ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا ﴿٧١﴾

پیشوایشان فرامی‌خوانیم؛ آنگاه کسانی که نامه‌ی اعمالشان به [دست] راستشان داده می‌شود، اینان نامه خود را [با شادمانی] می‌خوانند و [کوچکترین] ستمی [حتی] به اندازه رشته میان هسته خرما نمی‌بینند.

وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ وَأَضَلُّ سَبِيلًا ﴿٧٢﴾

(۷۲) و[الی] کسی که در این [دنیا از دیدن حق] نابینا بوده است، در آخرت [نیز] نابینا و گمراه‌تر است.

وَإِنْ كَادُوا لَيَفْتِنُونَكَ عَنِ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ لِتَفْتَرِيَ عَلَيْنَا غَيْرَهُ ۗ وَإِذَا لَا تَأْخُذُكَ حَلِيلًا ﴿٧٣﴾

(۷۳) [ای پیامبر]، نزدیک بود آنها تو را [با وسوسه‌های خود] از آنچه بر تو وحی کرده‌ایم بفریبند تا [الفاظی] غیر از آن را [که وحی کرده‌ایم] به دروغ به ما نسبت دهی و آنگاه تو را به دوستی بگیرند.

وَلَوْلَا أَنْ ثَبَّتْنَاكَ لَقَدْ كِدْتَ تَرْكَنُ إِلَيْهِمْ شَيْئًا قَلِيلًا ﴿٧٤﴾

(۷۴) و اگر [ما] تو را ثابت‌قدم نمی‌کردیم، به راستی نزدیک بود اندکی به آنان متمایل شوی [و در آنچه که بر تو پیشنهاد داده‌اند و بخاطر اشتیاق زیاد بر ایمان آوردنشان با آنها موافقت کنی].

إِذَا لَأَذَقْنَاكَ ضَعْفَ الْحَيَاةِ وَضَعْفَ الْمَمَاتِ ۖ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ عَلَيْنَا نَصِيرًا ﴿٧٥﴾

(۷۵) در آن صورت، قطعاً چند برابر عذاب زندگی در دنیا و چند برابر عذاب مرگ در آخرت به تو می‌چشانند؛ و آنگاه در برابر ما یآوری برای خویش نمی‌یافتی.

وَإِنْ كَادُوا لَيَسْتَفْرِزُونَكَ مِنْ الْأَرْضِ لِيُخْرِجُوكَ مِنْهَا وَإِذَا لَا يَلْبُثُونَ خِلْفَكَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿٧٦﴾

(۷۶) و نزدیک بود [که کافران با نیرنگ و دشمنی،] تو را از سرزمین [مکه] برگند تا از آنجا بیرونت کنند و [اگر چنین می‌کردند] در آن صورت، آنان [نیز] پس از تو جز [زمان] اندکی نمی‌ماندند [و گرفتار عذاب می‌شدند].

سُنَّةَ مَنْ قَدْ أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنْ رُسُلِنَا وَلَا نَجِدُ لِسُنَّتِنَا تَحْوِيلًا ﴿٧٧﴾

(۷۷) این [شیوه برخورد با ملت‌های ناسپاس،] سنت [ما درباره] پیامبرانی است که پیش از تو فرستادیم؛ و [هرگز] در سنت ما [دگرگونی و] تغییری نمی‌یابی.

أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْءَانَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْءَانَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا ﴿٧٨﴾

(۷۸) نماز را از زوال خورشید [= هنگام ظهر] تا نهایت تاریکی شب [= نیمه شب] برپا دار و [به ویژه] نماز صبح را. به راستی که نماز صبح [و تلاوت قرآن در این وقت،] مورد مشاهده [و در حضور فرشتگان روز و شب] است.

وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَحْمُودًا ﴿٧٩﴾

(۷۹) و [ای پیامبر،] پاسی از شب را [از خواب] برخیز و نماز بگزار. قطعاً [این نماز شب،] برای افزونی مقام و مرتبه توست [تا درجاتت را برتری بخشد]. امید است پروردگارت تو را به مقامی در خور ستایش [همگان] برانگیزد! [= مقام شفاعت کبری را به تو عطا فرماید].

وَقُلْ رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ وَأَجْعَلْ

(۸۰) و بگو: «پروردگارا، مرا [در هر کاری] به درستی داخل نما و به درستی خارج ساز

لِي مِّن لَّدُنكَ سُلْطٰنًا نَّصِيْرًا ﴿٨٠﴾ [چنان که موردِ رضایِ توست؛ و از جانب خویشِ حجتیِ یاری‌کننده برای من [در برابر دشمنانم] قرار بده].

وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَرَهَقَ الْبٰطِلُ اِنَّ الْبٰطِلَ كَانَ زَهُوْقًا ﴿٨١﴾ و بگو: «حق [= اسلام] آمد و باطل [= شرک] نابود شد. به راستی که باطل نابودشدنی است».

وَنَزَّلَ مِنَ الْقُرْءٰنِ مَا هُوَ شِفَاؤٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِيْنَ وَلَا يَزِيْدُ الظَّٰلِمِيْنَ اِلَّا خَسٰرًا ﴿٨٢﴾ و از قرآن، آنچه درمان [شرک و کفر] و رحمتی برای مؤمنان است نازل می‌کنیم و [این کتاب،] بر ستمکاران [مشرک] جز زیان نمی‌افزاید.

وَ اِذَا اَنْعَمْنَا عَلٰی الْاِنْسٰنِ اَعْرَضَ وَنَا بَجٰنِبِهٖ وَ اِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ كَانَ يُّوْسًا ﴿٨٣﴾ و چون به انسان نعمت [ثروت و سلامتی] می‌دهیم، روی می‌گرداند و [از شکرگزاری و عبادت] دوری می‌کند و چون بدی [و گزندی] به او می‌رسد، [از رحمت الهی] ناامید می‌گردد.

قُلْ كُلُّ يَّعْمَلُ عَلٰی شَاكِرَتِهٖ ۙ فَرُبُّكُمْ اَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ اَهْدٰى سَبِيْلًا ﴿٨٤﴾ [ای پیامبر،] بگو: «هر کس طبق روش خویش [و متناسب با هدایت یا گمراهی‌اش] رفتار می‌کند؛ و پروردگارتان بهتر می‌داند که چه کسی هدایت‌یافته‌تر است».

وَيَسْءَلُوْنَكَ عَنِ الرُّوْحِ ۗ قُلِ الرُّوْحُ مِنْ اَمْرِ رَبِّيْ وَمَا اُوْتِيْتُمْ مِّنَ الْعِلْمِ اِلَّا قَلِيْلًا ﴿٨٥﴾ و [ای پیامبر، کافران] از تو دربارهٔ روح می‌پرسند؛ بگو: «روح از [جمله امور غیبی و ناشی از] فرمانِ پروردگارِ من است و جز اندکی از دانش به شما نداده‌اند».

وَلَيْنَ شِئْنَا لَنُدْهَبَنَّ بِالَّذِي
 أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ بِهِ
 عَلَيْنَا وَكَيْلًا ﴿٨٦﴾
 و اگر می خواستیم، قطعاً آنچه را به تو
 وحی کرده ایم [از یادت] می بردیم؛ آنگاه هیچ
 [کارگزار و] نگهبانی در برابر ما برای خود
 نمی یافتی [که مانع فراموشی ات گردد].

إِلَّا رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ إِنَّ فَضْلَهُ
 كَانَ عَلَيْكَ كَبِيرًا ﴿٨٧﴾
 [چنین نکردیم و این لطف، به
 خاطر] رحمتی از جانب پروردگارِ توست.
 بی تردید، همواره بخشش او بر تو بسیار است.

قُل لِّئِنِ اجْتَمَعَتِ الْاِنْسُ وَالْجِنُّ
 عَلٰی اَنْ يَّاتُوْا بِمِثْلِ هٰذَا الْقُرْءَانِ
 لَا يَأْتُوْنَ بِمِثْلِهِ ۗ وَلَوْ كَانَ
 بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظٰهِرًا ﴿٨٨﴾
 [ای پیامبر، بگو: «اگر انس و جن
 [همگی] جمع شوند تا همانند این قرآن را
 بیاورند، [هرگز] همانندش را نخواهند آورد؛ هر
 چند آنان پشتیبان یکدیگر باشند».

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِي هٰذَا
 الْقُرْءَانِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ فَاَبٰى اَكْثَرُ
 النَّاسِ اِلَّا كُفُوْرًا ﴿٨٩﴾
 و به راستی ما در این قرآن از هر گونه
 مثال [و اندرز و داستان] برای مردم آوردیم؛
 ولی بیشتر مردم [از پذیرش آن] خودداری
 کردند [و] جز سرانکار نداشتند.

وَقَالُوْا لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتّٰى تَنْجِرَ
 لَنَا مِنَ الْاَرْضِ يَتَّبِعُوْعًا ﴿٩٠﴾
 و گفتند: «ما هرگز به تو ایمان نمی آوریم،
 مگر اینکه از زمین [مکه] چشمه هایی بر ایمان
 جاری کنی

اَوْ تَكُوْنَ لَكَ جَنَّةٌ مِّنْ نَّجِيْلِ
 وَعِنَبٍ فَتُفَجَّرَ الْاَنْهٰرُ خِلَالَهَا
 تَفْجِيْرًا ﴿٩١﴾
 [یا باغی از نخل و انگور داشته باشی و
 میان [درختان] آن، جوی ها روان گردانی.

أَوْ تُسْقِطَ السَّمَاءَ كَمَا زَعَمَتْ عَلَيْنَا كِسْفًا أَوْ تَأْتِيَ بِاللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ قَبِيلًا ﴿٩٢﴾

(۹۲) یا چنان که ادعا کردی، یا آسمان را پاره پاره بر [سر] ما بیفکنی یا الله و فرشتگان را در برابرمان حاضر کنی [تا به راستگویی ات گواهی دهند]

أَوْ يَكُونُ لَكَ بَيْتٌ مِّنْ زُخْرِفٍ أَوْ تَرْقَىٰ فِي السَّمَاءِ وَلَنْ نُؤْمِنَ لِرُقِيِّكَ حَتَّىٰ تُنزِلَ عَلَيْنَا كِتَابًا نَّقْرُؤُهُ ۗ قُلْ سُبْحَانَ رَبِّي هَلْ كُنْتُ إِلَّا بَشَرًا رَسُولًا ﴿٩٣﴾

(۹۳) یا خانه‌ای [آراسته] از طلا داشته باشی یا در آسمان بالا روی؛ و [البته] هرگز بالا رفتنت را باور نمی‌کنیم مگر آنکه نوشته‌ای بر ما فرود آوری که آن را بخوانیم». بگو: «پروردگارم منزّه است. آیا من جز بشری فرستاده‌شده هستم؟»

وَمَا مَنَعَ النَّاسَ أَنْ يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَىٰ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَبَعَثَ اللَّهُ بَشَرًا رَسُولًا ﴿٩٤﴾

(۹۴) و [چیزی] مانع ایمان آوردن مردم نشد - آنگاه که هدایت برایشان آمد - جز اینکه گفتند: «آیا الله یک انسان را به پیامبری برانگیخته است؟»

قُلْ لَوْ كَانُ فِي الْأَرْضِ مَلَائِكَةٌ يَّمْشُونَ مُطْمَئِنِّينَ لَنزَلْنَا عَلَيْهِنَّ مِنَ السَّمَاءِ مَلَكًا رَسُولًا ﴿٩٥﴾

(۹۵) [ای پیامبر،] بگو: «اگر در زمین [به جای انسان،] فرشتگانی بودند که [همچون شما] با آرامش راه می‌رفتند، قطعاً از آسمان فرشته‌ای را [از جنس خودشان به عنوان] پیامبر بر آنان نازل می‌کردیم».

قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ ۗ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا ﴿٩٦﴾

(۹۶) بگو: «کافی است که الله میان من و شما گواه باشد. بی‌تردید، او همواره [نسبت] به بندگانش آگاه [و] بیناست».

(۹۷) و هر کس که الله او را هدایت کند، هدایت یافته [ی واقعی] است و هر کس را که گمراه سازد، هرگز جز او [= الله] دوستانی برایشان نخواهی یافت؛ و آنان را در قیامت، نابینا و گنگ و ناشنوا محسور می گردانیم [در حالی که] بر صورت هایشان [کشیده می شوند]؛ جایگاهشان دوزخ است [که] هر گاه شعله اش فرونشیند، شراره ای [تازه] بر آنان می افزاییم.

(۹۸) این جزای آنان است؛ چرا که آیات ما را انکار کردند و گفتند: «آیا هنگامی که استخوان هایی [پوسیده و] پراکنده شدیم، دوباره با آفرینشی جدید برانگیخته می شویم؟»

(۹۹) آیا ندانستند الله که آسمان ها و زمین را آفریده است، می تواند همانند آنان را بیافریند و آجلی برایشان تعیین کرده است که هیچ تردیدی در آن نیست؟ و [الی] ستمکاران جز انکار [چیزی را] نپذیرفتند.

(۱۰۰) [ای پیامبر، به مشرکان] بگو: «اگر شما مالک گنجینه های [بخشش و] رحمت پروردگارم بودید، [باز هم] از بیم خرج کردن [و تنگدستی] از انفاق خوداری می کردید؛ و انسان همواره بخیل [و تنگ نظر] است».

وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ ۖ وَمَنْ يُضِلِّ فَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِهِ ۗ وَنَحْشُرُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ عُمِيَآ وَبُكْمًا ۖ وَصَّمَآءًا مَّاؤُنُهُمْ جَهَنَّمَ ۖ كُلَّمَا حَبَّتْ زِدْنَاهُمْ سَعِيرًا ﴿٩٧﴾

ذَٰلِكَ جَزَاؤُهُمْ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا ۖ بِآيَاتِنَا وَقَالُوا أَءِذَا كُنَّا عِظْمًا وَرَفَلْنَا أَءِنَّا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا ﴿٩٨﴾

۞ أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ قَادِرٌ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ وَجَعَلَ لَهُمْ أَجَلًا لَا رَيْبَ فِيهِ فَأَبَى الظَّالِمُونَ إِلَّا كُفُورًا ﴿٩٩﴾

قُلْ لَوْ أَنْتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِذًا لَأَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ الْإِنْفَاقِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ قَشُورًا ﴿١٠٠﴾

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى تِسْعَ آيَاتٍ
بَيِّنَاتٍ فَسَأَلَ بَنِي إِسْرَائِيلَ إِذْ
جَاءَهُمْ فَقَالَ لَهُ فِرْعَوْنُ إِنِّي
لَأَظُنُّكَ يَمُوسَى مَسْحُورًا ﴿١٠١﴾

(۱۰۱) و به راستی، ما نه معجزه روشن [را به
عنوان نشانه‌های پیامبری] به موسی دادیم؛
پس از بنی‌اسرائیل پرس آنگاه که [موسی]
نزدشان آمد و فرعون به او گفت: «ای موسی،
یقیناً تو را افسون شده می‌پندارم».

قَالَ لَقَدْ عَلِمْتَمَا أَنْزَلَ هَؤُلَاءِ
إِلَّا رُبَّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
بَصَائِرٍ وَإِنِّي لَأَظُنُّكَ يَفْرِعُونُ
مَثُورًا ﴿١٠٢﴾

(۱۰۲) [موسی] گفت: «تو قطعاً می‌دانی که اینها
[معجزات] را [کسی] جز پروردگار آسمان‌ها و
زمین نفرستاده است. [این معجزات]، دلایلی
روشن [درباره قدرت و یگانگی الله و راستگویی
پیامبرش هستند]؛ و ای فرعون، به راستی که
تو را هلاک‌شده [و زیان‌دیده] می‌پندارم».

فَأَرَادَ أَنْ يَسْتَفِزَّهُمْ مِنَ الْأَرْضِ
فَأَعْرَفْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ جَمِيعًا ﴿١٠٣﴾

(۱۰۳) [فرعون] خواست که آنان [=]
بنی‌اسرائیل] را از آن سرزمین [مصر] بیرون
کند؛ و [الی ما] او و تمام کسانی را که همراهش
بودند غرق کردیم.

وَقُلْنَا مِنْ بَعْدِهِ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ
أَسْكُنُوا الْأَرْضَ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ
الْآخِرَةِ جِئْنَا بِكُمْ لَفِيفًا ﴿١٠٤﴾

(۱۰۴) و پس از [نابودی] او به بنی‌اسرائیل
گفتیم: «در سرزمین [شام] ساکن شوید و
هنگامی که وعده آخرت فرارسید، همه شما را
با هم [به صحرای محشر] می‌آوریم».

وَبِالْحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ وَبِالْحَقِّ نَزَلَ وَمَا
أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ﴿١٠٥﴾

(۱۰۵) و این [قرآن] را به حق نازل کردیم و
به حق [او بدون هیچ تحریف و تغییری] نازل
شد؛ و [ای محمد]، تو را جز بشارتگر و
بیم‌دهنده نفرستادیم.

وَقَرَأْنَا فَرَقْنَهُ لِقَرَاءَتِهِ عَلَيَّ
 وَتَنزِيلِهِ عَلَىٰ مَكَّةَ وَنَزَّلْنَاهُ
 آهستگی] برای مردم بخوانی؛ و آن را به تدریج
 [و بر حسب رویدادهای مختلف] نازل کردیم.

قُلْ ءَامِنُوا بِهِ ءَوْ لَا تُؤْمِنُوا اِنَّ
 الَّذِيْنَ اُوْتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ ءِذَا
 يُنْتَلَىٰ عَلَيْهِمْ يَخِرُّوْنَ لِلْاَذْقَانِ
 سَجَدًا

(۱۰۷) [ای پیامبر، به کافران] بگو: «[چه] به
 آن ایمان بیاورید یا ایمان نیاورید [فرقی به
 حالتان ندارد]. بی‌تردید، کسانی که قبل از
 [نزول] آن، دانش [کتاب‌های آسمانی] پیشین
 را [یافته‌اند، چون] آیات قرآن [بر آنان خوانده
 شود، سجده‌کنان بر [زمین] می‌افتند».

وَيَقُولُوْنَ سُبْحٰنَ رَبِّنَا اِنْ كٰنَ
 وَعَدْرَبِنَا لَمَفْعُوْلًا

(۱۰۸) و می‌گویند: «پروردگاران پاک و منزّه
 است. یقیناً وعدهٔ پروردگاران انجام‌شدنی
 است».

وَيَخِرُّوْنَ لِلْاَذْقَانِ يَبْكُوْنَ
 وَيَزِيْدُهُمْ خُشُوْعًا

(۱۰۹) و [آنگاه] گریه‌کنان بر [زمین] می‌افتند
 و [تلاوت قرآن و تدبر در آیاتش] بر فروتنی‌شان
 می‌افزاید.

قُلْ اَدْعُوْا اللّٰهَ اَوْ اَدْعُوْا الرَّحْمٰنَ
 اَيًّا مَّا تَدْعُوْا فَلَهٗ الْاَسْمَاءُ
 الْحُسْنٰى وَلَا تَجْهَرُوْا بِصَلٰتِكَ وَلَا
 تُخٰفِتْ بِهَا وَاَبْتَغِ بَيْنَ ذٰلِكَ
 سَبِيْلًا

(۱۱۰) بگو: «(الله) را بخوانید یا (رحمان) را
 بخوانید؛ هر کدام را که بخوانید، نیکوترین
 نام‌ها برای اوست». و [ای پیامبر، نمازت را
 [آنچنان] به صدای بلند نخوان [که مشرکان
 بشنوند] و آن را [آنقدر نیز] آهسته نخوان [که
 حتی اصحابت نشوند]؛ و میان این [دو حالت،]
 راهی [میانه] بجوی.

وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ
 وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي
 الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وِئٍ مِّنَ
 الدُّلِّ وَكَبْرُهُ تَكْبِيرًا ﴿١١١﴾

(۱۱۱) و بگو: «ستایش مخصوص الله است که
 فرزندی [برای خویش] برنگزیده است و در
 فرمانروایی، هیچ شریکی ندارد و هرگز خوار و
 ناتوان نمی‌گردد که [نیاز به دوست و] کارساز
 داشته باشد» و او را بزرگ بدار؛ بزرگداشتی
 شایسته.

سُورَةُ الْكَهْفِ

سورة كهف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَى عَبْدِهِ
الْكِتَابَ وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا ۝۱

(۱) حمد و سپاس مخصوص الله است که این کتاب [= قرآن] را بر بنده اش [محمد] نازل کرد و هیچ گونه انحرافی در آن قرار نداد.

فَيَمَّا لَيْنِذِرْ أَسَا شَدِيدًا مِّن لَّدُنْهُ
وَيُبَشِّرَ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ
الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا
حَسَنًا ۝۲

(۲) [کتابی] استوار تا [الله، کافران را] از عذابی سخت از جانب خود بیم دهد و به مؤمنانی که کارهای شایسته می‌کنند مژده دهد که پاداش نیکویی برایشان [در پیش] است.

مَكِينٍ فِيهِ أَبَدًا ۝۳

(۳) [همان بهشتی] که جاودانه در آن خواهند ماند.

وَيُنذِرَ الَّذِينَ قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ
وَلَدًا ۝۴

(۴) و [نیز] کسانی را که گفتند: «الله فرزندی [برای خود] برگزیده است» بیم دهد.

مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ وَلَا لِآبَائِهِمْ
كَبُرَتْ كَلِمَةً تَخْرُجُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ
إِنْ يَقُولُونَ إِلَّا كَذِبًا ۝۵

(۵) نه خودشان به این [ادعای باطل]، علم [و یقین] دارند نه پدرانشان. سخن بسیار ناپسندی است که از دهانشان بیرون می‌آید [و] جز دروغ نمی‌گویند.

فَلَعَلَّكَ بَخِيعُ نَفْسِكَ عَلَىٰ

(۶) پس [ای پیامبر] نزدیک است اگر [قومت]

عَاثِرِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهِدَاً
 [بی‌ایمانی] آنان، خود را [از تأسف و اندوه]
 هلاک کنی.

إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً
 لَّهَا لِيَتْلُوهُمْ أَحْسَنُ
 بيازماییم که کدامشان نیکوکارترند.

وَإِنَّا لَجَاعِلُونَ مَا عَلَيْهَا صَعِيدًا
 جُرْرًا
 [پس از پایان حیات،] آنچه را که روی
 زمین است، به بیابانی خشک و بی‌گیاه تبدیل
 خواهیم کرد.

أَمْ حَسِبْتَ أَنْ أَصْحَبَ الْكَهْفِ
 وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا
 عَجَبًا
 آیا پنداشته‌ای که [ماجرای] اصحاب كهف
 و آن سنگ‌نوشته [که نامشان بر آن حک شده
 بود]، از جمله نشانه‌های شگفت‌انگیز [و
 غیرممکن] ما بوده است؟

إِذْ أَوَى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ
 فَقَالُوا رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً
 وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا
 (۱۰) هنگامی که آن جوانمردان به غار پناه
 بردند و گفتند: «پروردگارا، رحمتی از جانب
 خویش بر ما ارزانی دار و در کارمان برای ما
 هدایت و تعالی فراهم ساز.»

فَضَرَبْنَا عَلَى آذَانِهِمْ فِي الْكَهْفِ
 سِنِينَ عَدَدًا
 (۱۱) در آن غار، تا سالیان دراز [پرده‌ای از
 سکوت و آرامش] بر گوش‌هایشان زدیم [تا به
 خواب روند].

ثُمَّ بَعَثْنَا لَهُمْ لِعَلَمٍ أَى الْحَرِيزِينَ
 (۱۲) سپس بیدارشان کردیم تا معلوم بداریم

کدام یک از آن دو گروه مدتی را که [در خواب] مانده‌اند درست‌تر حساب کرده است.

أَحْصَىٰ لِمَا لَبِئُوا أَمَدًا ﴿۱۲﴾

(۱۲) [ای پیامبر،] ما داستان آنان را به درستی برایت بازگو می‌کنیم. آنان جوانانی [شایسته] بودند که به پروردگارشان ایمان آورده بودند و ما [نیز] بر هدایتشان افزودیم.

تَحْنُ نَفْصٌ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ
إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ
هُدًى ﴿۱۳﴾

(۱۴) و دل‌هایشان را [بر ایمان] استوار ساختیم، آنگاه که [در برابر پادشاه کافر] قیام کردند و گفتند: «پروردگار ما، پروردگار آسمان‌ها و زمین است؛ و ما هرگز جز او معبودی را عبادت نمی‌کنیم که آنگاه [اگر چنین کنیم،] سخنی گزاف و ناروا گفته‌ایم».

وَرَبَطْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا
فَقَالُوا رَبُّنَا رَبُّ السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضِ لَن نَدْعُوهُ مِن دُونِهِ
إِلَهًا لَّقَدْ فُلْنَا إِذَا شَطَطًا ﴿۱۴﴾

(۱۵) [سپس به همفکرانشان گفتند:] «این قوم ما [که] به جای او [= الله] معبودانی [دیگر] برگزیده‌اند، چرا دلیل آشکاری بر [حقانیت] آنان نمی‌آورند؟ پس کیست متمکارت‌تر از آن کس که بر الله دروغ بندد [و برایش شریک قائل شود]؟»

هَؤُلَاءِ قَوْمًا اتَّخَذُوا مِن دُونِهِ
ءَالِهَةً لَّوَلَا يَأْتُونَ عَلَيْهِمُ
بِسُلْطَانٍ بَيْنَ يَدَيْهِ فَمَن أَظْلَمُ مِمَّنِ
أَفْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا ﴿۱۵﴾

(۱۶) و چون از آنان و از آنچه به جای الله عبادت می‌کنند کناره‌گیری کردید، به غار پناه ببرید تا پروردگارتان از [سایه] رحمت خویش بر شما بگسترانند و در کارتان [آسایش و] گشایشی پدید آورند».

وَإِذْ أَعَزَّنَا فِي الْكَهْفِ مِنكُمْ
إِن كُنْتُمْ مُّشْكِرِينَ ﴿۱۶﴾

وَوَتَرَى الشَّمْسَ إِذَا طَلَعَتْ تَزَوُّرًا عَن كَهْفِهِمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَإِذَا غَرَبَتْ تَقْرِضُهُمْ ذَاتَ الشِّمَالِ وَهُمْ فِي فَجْوَةٍ مِّنْهُ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ مَن يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَن يُضِلِّ فَلَن تَجِدَ لَهُ وَايًّا مُّرْشِدًا ﴿١٧﴾

(۱۷) و [ای محمد، اگر آنجا بودی،] خورشید را می دیدی که وقتی طلوع می کند به سمت راست [غار] متمایل می گردد و وقتی غروب می کند، از سمت چپ آنان دور می شد [و گرما آزارشان نمی داد]؛ و آنان در محلی گسترده [و گشاده] از آن [غار] بودند. این، از نشانه های [قدرت] الله است. هر کس که الله او را هدایت کند، او هدایت یافته [ی واقعی] است و هر کس را که گمراه کند، هرگز دوست [و] راهنمایی برایش نمی یابی.

وَتَحْسَبُهُمْ آيِقَاطًا وَهُمْ رُقُودٌ وَنُقَلِّبُهُمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَذَاتَ الشِّمَالِ وَكَلْبُهُم بَاسِطٌ ذِرَاعَيْهِ بِالْوَصِيدِ لَوِ اطَّلَعْتَ عَلَيْهِمْ لَوَلَّيْتَ مِنْهُمْ فِرَارًا وَلَمُلِئْتَ مِنْهُمْ رُعبًا ﴿١٨﴾

(۱۸) و [اگر به آنها نگاه می کردی،] می پنداشتی بیدارند؛ در حالی که [با چشمان باز] خفته بودند؛ و ما آنان را به پهلو راست و چپ می گردانیم [تا بدنشان آسیب نبیند]؛ و سگشان بر آستانه غار [نشسته و به حالت پاسبانی] دست هایش را گشوده بود. اگر [به آنان نگاه می کردی و] از حالشان آگاه می شدی، قطعاً [از وحشت] فرار می کردی و دلت از ترس آنان آکنده می شد.

وَكَذَلِكَ بَعَثْنَاهُمْ لِيَتَسَاءَلُوا بَيْنَهُمْ قَالَ قَائِلٌ مِّنْهُمْ كَمْ لَبِثْتُمْ قَالُوا لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالُوا رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا لَبِثْتُمْ

(۱۹) و همان گونه [که آنان را در خواب فرو بردیم] آنان را [از خواب] بیدار نمودیم تا بین خود از یکدیگر سوال کنند. یکی از آنان گفت: «چه مدت [در خواب] ماندید؟» [بقیه] گفتند:

فَأَبَعْتُمْ أَحَدَكُمْ بِوَرِقِكُمْ هَذِهِ إِلَى الْمَدِينَةِ فَلْيَنْظُرْ أَيُّهَا أَزْكَى طَعَامًا فَلْيَأْتِكُمْ بِرِزْقٍ مِنْهُ وَلْيَتَلَطَّفْ وَلَا يُشْعِرَنَّ بِكُمْ أَحَدًا ﴿١٩﴾

«یک روز یا بخشی از یک روز». [سرانجام] گفتند: «پروردگارتان داناتر است که چقدر [در این حالت] مانده‌اید. [اکنون] یک نفر از خودتان را با این سکه [های]تان به شهر بفرستید تا ببیند کدام یک از [فروشندهگان] آنجا، کاسی و [غذایش پاکیزه‌تر است و از نزد] او غذایی برایتان بیاورد؛ و باید [در رفت‌وآمد و خرید، پنهان کاری و] زیرکی نماید و هیچ کس را از [حال] شما آگاه نسازد.

إِنَّهُمْ إِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوكُمْ أَوْ يُعِيدُوكُمْ فِي مِلَّتِهِمْ وَلَنْ تُفْلِحُوا إِذًا أَبَدًا ﴿٢٠﴾

(۲۰) بی‌تردید، اگر آنان [از مکان شما آگاه شوند و] بر شما دست یابند، سنگسارتان می‌کنند یا شما را به آیین خویش بازمی‌گردانند و در آن صورت، هرگز رستگار نخواهید شد».

وَكَذَلِكَ أَعْتَرْنَا عَلَيْهِمْ لِيَعْلَمُوا أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا إِذْ يَتَنَزَّعُونَ مِنْهُمْ أَمْرَهُمْ فَقَالُوا أُنْبِئُوا عَلَيْهِمْ بُنْيَانًا رَبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لِنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا ﴿٢١﴾

(۲۱) و این‌گونه، [مردم آن سرزمین] را از حال آنان آگاه کردیم تا بدانند وعده الله [درباره یاری مؤمنان و برانگیختن مردگان] راست و درست است و اینکه در [فرارسیدن] قیامت تردیدی نیست. هنگامی که [مردم شهر] بین خود [درباره آن جوانمردان متوفی] دچار اختلاف شدند، گروهی گفتند: «دیواری بر [اورودی] آن [غار] بسازید. پروردگارشان به حال آنان آگاه‌تر است». برخی دیگر که [ناآگاه بودند و نفوذ و] قدرت داشتند گفتند: «[به نشانه بزرگداشت،] بر [غار] آنان عبادتگاهی می‌سازیم».

سَيَقُولُونَ ثَلَاثَةٌ رَّابِعُهُمْ كَلْبُهُمْ وَيَقُولُونَ خَمْسَةٌ سَادِسُهُمْ كَلْبُهُمْ رَجْمًا بِالْغَيْبِ وَيَقُولُونَ سَبْعَةٌ وَثَامُنُهُمْ كَلْبُهُمْ قُل رَّبِّي أَعْلَمُ بِعَدَّتِهِمْ مَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا قَلِيلٌ فَلَا تُمَارِ فِيهِمْ إِلَّا مِرَاءَ ظَهْرٍ وَلَا تَسْتَفْتِ فِيهِمْ مِنْهُمْ أَحَدًا ﴿۲۲﴾

(۲۲) [درباره تعدادشان] خواهند گفت: «سه نفر بودند [و] چهارمین آنان سگشان بود» و [گروهی] می‌گویند: «پنج نفر بودند [و] ششمین آنان سگشان بود» - [که البته] همه از روی حدس و گمان است - و [گروهی] می‌گویند: «هفت نفر بودند و هشتمین آنان سگشان بود». بگو: «پروردگرم از [تعداد] آنان آگاه‌تر است [و] جز گروهی اندک، کسی از تعدادشان آگاه نیست». پس درباره آنان گفتگویی مختصر [و بحثی آرام و گذرا] داشته باش و درباره آنان از هیچ کس سؤال نکن.

وَلَا تَقُولَنَّ لِشَايٍ إِنِّي فَاعِلٌ ذَٰلِكَ غَدًا ﴿۲۳﴾

(۲۳) و هرگز در مورد کاری نگو: «فردا آن را انجام می‌دهم»،

إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَادُّرُّ رَبِّكَ إِذَا نَسِيتَ وَقُلْ عَسَى أَنْ يَهْدِيَنَّ رَبِّي لِأَقْرَبٍ مِنْ هَذَا رَشَدًا ﴿۲۴﴾

(۲۴) مگر اینکه [بگویی: «ان شاء الله»؛ و هر گاه فراموش کردی، [با گفتن این لفظ] پروردگارت را یاد کن و بگو: «امیدوارم پروردگرم مرا به راهی رهنمون گردد که از این [راه]، به هدایت [و صلاح] نزدیک‌تر باشد».

وَلْيَتُوبُوا فِي كَهْفِهِمْ ثَلَاثَ مِائَةٍ وَسِتِّينَ وَارْتَدَّوْا تِسْعًا ﴿۲۵﴾

(۲۵) و آنان [= اصحاب كهف] سیصد سال در غارشان [در حالت خواب] ماندند و نه سال [نیز] بر آن افزودند.

قُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا لَبِثُوا لَهُ غَيْبٌ

(۲۶) [ای پیامبر،] بگو: «الله از [مدت]

ماندنشان [در غار] آگاه‌تر است؛ غیب آسمان‌ها و زمین از آن اوست. [به راستی که] او تعالی چه بینا و چه شنواست! آنان [=جهانیان] هیچ [دوست و] کارسازی جز او ندارند و او هیچ کس را در حکم [و فرمان] خویش شریک نمی‌سازد».

الْسَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ أَبْصَرَ بِهِ
وَأَسْمِعَ مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ
وَلِيٍّ وَلَا يُشْرِكُ فِي حُكْمِهِ
أَحَدًا ﴿٢٦﴾

(۲۷) و [ای پیامبر،] از کتاب پروردگارت آنچه را به تو وحی شده است تلاوت کن. هیچ کس تغییردهنده سخنان او [=الله] نیست و هرگز پناهمگاهی جز او نمی‌یابی.

وَأْتِلْ مَا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ مِنْ كِتَابِ
رَبِّكَ لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَلَنْ
تَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا ﴿٢٧﴾

(۲۸) و خود را [بر همنشینی] با کسانی همراه [و شکیبا] گردان که بامداد و شامگاه پروردگارشان را می‌خوانند [و با آنکه فقیرند، تنها] رضایت او را می‌خواهند؛ و مبادا چشمانت از آنان [به سوی ثروتمندان] برگردد تا زیورهای دنیا [و همنشینی با اشراف و قدرتمندان] را خواهی و [همچنین] از کسی پیروی نکن که دلش را از یاد خویش غافل ساخته‌ایم و از هوای نفس خود پیروی کرده و کارش تباه است.

وَأَصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ
رَبَّهُمْ بِالْعَدْوَةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ
وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ
تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَا تُطْعَم
مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنِ ذِكْرِنَا
وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرْطًا ﴿٢٨﴾

(۲۹) [ای پیامبر، به مشرکان] بگو: «[این قرآن، سخن] حق از جانب پروردگارتان است؛ پس هر کس می‌خواهد، ایمان بیاورد و هر کس

وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ
فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ إِنَّا
أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ

سُرَادِفُهَا وَإِنْ يَسْتَعِيثُوا يُعَاثُوا
بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوهَ
بِئْسَ الشَّرَابُ وَسَاءَتْ
مُرْتَقَفًا ﴿١٩﴾

می‌خواهد، کافر شود». ما برای ستمکاران
آتشی آماده کرده‌ایم که سراپرده‌هایش آنان را
از هر سو فرامی‌گیرد؛ و اگر [در طلب آب،]
فریادرسی بجویند، با آبی همچون مسِ گداخته
به فریادشان می‌رسند؛ [آبی که حرارتش]
چهره‌ها را بریان می‌کند. چه بد نوشیدنی و چه
بد جایگاهی است!

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا
الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ
مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا ﴿٢٠﴾

(۳۰) کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای
شایسته انجام داده‌اند، [به یقین بدانند که] ما
پاداش کسی را که کار نیکو کرده باشد هرگز
تباہ نمی‌کنیم.

أُولَئِكَ لَهُمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي
مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ يُجَلَّوْنَ فِيهَا
مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَيَلْبَسُونَ
ثِيَابًا خُضْرًا مِّن سُنْدُسٍ
وَإِسْتَبْرَقٍ مُّتَّكِعِينَ فِيهَا عَلَى
الْأَرَآئِكِ نِعْمَ الثَّوَابُ وَحَسُنَتْ
مُرْتَقَفًا ﴿٢١﴾

(۳۱) آنان کسانی هستند که باغ‌های جاودانی
[در بهشت] دارند که از زیر [قصرها] شان
جویبارها جاری است. در آنجا با دستبندهای
زرین آراسته می‌شوند و جامه‌های [فاخر]
سبزرنگ از حریر نازک و حریر ضخیم بر تن
می‌کنند، در حالی که بر تخت‌ها تکیه زده‌اند.
چه پاداش شایسته و چه نیکو جایگاهی است!

وَاصْرِبْ لَهُم مَّثَلًا رَّجُلَيْنِ
جَعَلْنَا لِأَحَدِهِمَا جَنَّتَيْنِ مِنْ
أَعْنَبٍ وَحَفَفْنَاهُمَا بِنَخْلٍ
(۳۲) و [ای پیامبر،] مثالی برای آنان بزن: دو
مرد [کافر و مؤمن] که برای یکی از آنان [که
کافر است] دو باغ انگور قرار دادیم و پیرامون
آن دو [باغ] را با درختان نخل پوشاندیم و

میان آن، کشتزاری [پُربار] نهادیم.

وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمَا زَرْعًا ﴿٣٢﴾

(۳۳) هر دو باغ، میوه خود را [فراوان] می‌داد و چیزی از آن نمی‌کاست؛ و میان آن دو [باغ] نهری بزرگ جاری کردیم.

نَهْرًا ﴿٣٣﴾

(۳۴) او [= صاحب باغ] میوه‌هایی [بسیار و درآمدی فراوان] داشت؛ پس به دوست خود که با او گفتگو می‌کرد گفت: «ثروت من از تو بیشتر است و از لحاظ خانواده [و نفرات] از تو توانمندترم».

وَكَانَ لَهُ ثَمْرٌ فَقَالَ لِصَاحِبِهِ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَنَا أَكْثَرُ مِنْكَ مَالًا وَأَعَزُّ نَفَرًا ﴿٣٤﴾

(۳۵) و او در حالی به باغ خویش داخل شد که [به خاطر کفر و غرور،] در حق خویش ستمکار بود؛ [پس رو به دوستش] گفت: «گمان نمی‌کنم که این [باغ] هرگز نابود گردد».

وَدَخَلَ جَنَّتَهُ وَهُوَ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ قَالَ مَا أَظُنُّ أَن تَبِيدَ هَذِهِ أَبَدًا ﴿٣٥﴾

(۳۶) و گمان نمی‌کنم که قیامت بر پا گردد؛ و اگر [قیامتی در کار باشد و] به سوی پروردگارم بازگردانده شوم، قطعاً جایگاهی بهتر از این می‌یابم».

وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِن رُّدِدْتُ إِلَىٰ رَبِّي لَأَجِدَنَّ خَيْرًا مِّنْهَا مُنْقَلَبًا ﴿٣٦﴾

(۳۷) دوستش که با وی گفتگو می‌کرد به او گفت: «آیا به آن ذاتی که تو را از خاک [و] سپس از نطفه آفرید و سپس تو را مردی [کامل] سامان داد کافر شده‌ای؟

قَالَ لَهُ صَاحِبُهُ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَكَفَرْتَ بِالَّذِي خَلَقَكَ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّكَ رَجُلًا ﴿٣٧﴾

لَكِنَّا هُوَ اللَّهُ رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ (۳۸) اما من [می‌گویم:] او الله پروردگار من است و هیچ کس را با پروردگارم شریک نمی‌دانم.

وَلَوْلَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتِكَ قُلْتَ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ إِنْ تَرَنْ أَنَا أَقَلَّ مِنْكَ مَالًا وَوَلَدًا (۳۹) وقتی وارد باغت شدی، چرا نگفتی هر چه الله بخواهد [همان می‌شود] و هیچ نیرویی جز به [تأیید] الله نیست؟ اگر می‌بینی من از نظر مال و فرزند از تو کمترم، [مهم نیست].

فَعَسَىٰ رَبِّي أَن يُؤْتِيَنِي خَيْرًا مِّنْ جَنَّتِكَ وَيُرْسِلَ عَلَيْهَا حُسْبَانًا مِّنَ السَّمَاءِ فَتُصْبِحُ صَعِيدًا زَلَقًا (۴۰) چه بسا پروردگارم [چیزی] بهتر از باغ تو به من بدهد و از آسمان چنان غذایی [آتشبار] بر باغت فروبارد که به زمین صاف و بی‌گیاه لغزنده‌ای تبدیل شود.

أَوْ يُصْبِحَ مَأْوَهَا غُورًا فَلَنْ تَسْتَطِيعَ لَهُوَ طَلَبًا (۴۱) یا آتش در [اعماق زمین چنان] فرو رود که هرگز نتوانی به آن دست بیابی».

وَأَحِيطَ بِثَمَرِهِ فَأَصْبَحَ يُقَلِّبُ كَفَّيْهِ عَلَىٰ مَا أَنفَقَ فِيهَا وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا وَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُشْرِكْ بِرَبِّي أَحَدًا (۴۲) [سرانجام، عذاب الهی فرارسید] و تمام میوه‌هایش را در بر گرفت [و نابود شد]. و او به خاطر هزینه‌هایی که صرف آنجا کرده بود، پیوسته دست‌هایش را [از پشیمانی و اندوه] بر هم می‌زد و در حالی که داربست‌هایش فروریخته بود می‌گفت: «ای کاش [در عبادت،] کسی را شریک پروردگارم قرار نداده بودم».

وَلَمْ تَكُن لَّهُ فِئَةٌ يَنْصُرُونَهُ (۴۳) و او [که به خاندان خود می‌بالید، اینک]

مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ يَارِي أَيْ يَارِي أَشْ كُنْدُو وَ خُودِ [نیز] یاری کُنْدُو خُوشِ
مُنْتَصِرًا ﴿۴۳﴾
گروهی نداشت که در برابر [عذاب] الله
نیبود.

هُنَالِكَ الْوَلِيَّةُ لِلَّهِ الْحَقِّ هُوَ خَيْرٌ
ثَوَابًا وَخَيْرٌ عُقْبًا ﴿۴۴﴾
(۴۴) آنجا [ثابت شد که یاری و] کارسازی از
آن [پروردگار] حق است. او پاداش [عبادتش]
بهتر است و سرانجام [بندگان مؤمنش] نیکوتر.

وَاضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا
كَمَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ
فَأَخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ
فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيحُ
وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ
مُقْتَدِرًا ﴿۴۵﴾
(۴۵) و [ای پیامبر، فناپذیری] زندگی دنیا را به
آبی مثل بزن که از آسمان فرورستادیم و به
وسیله آن، گیاه زمین [سرسبز شد و] در
هم آمیخت؛ سپس [چنان] خشک و شکسته
شد که بادهای [به هر سو] پراکنده‌اش
می‌گرداند؛ و الله بر هر چیزی تواناست.

الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا
وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِندَ
رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا ﴿۴۶﴾
(۴۶) مال و فرزندان، زینت زندگی دنیاست و
نیکی‌های پایدار [= رفتار و گفتار شایسته] نزد
پروردگارت، پاداشش بهتر است و امیدداشتن
[به ثوابش] نیکوتر.

وَيَوْمَ نُسَيِّرُ الْجِبَالَ وَتَرَى الْأَرْضَ
بَارِزَةً وَحَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ
مِنْهُمْ أَحَدًا ﴿۴۷﴾
(۴۷) و [یاد کن از] روزی که کوهها را به
حرکت درمی‌آوریم و زمین را آشکار [و هموار]
می‌بینی و همه [مخلوقات] را جمع می‌کنیم و
هیچ‌یک از آنان را [به حال خود] رها نمی‌کنیم.

وَعَرِضُوا عَلَىٰ رَبِّكَ صَفًّا لَقَدْ
(۴۸) و [همگی] صف‌کشیده بر پروردگارت

عرضه می‌شوند [و به آنان می‌گوید: «بی‌تردید، چنان که نخستین بار شما را آفریدیم، [امروز نیز تنها و پابرنه] نزد ما آمدید؛ بلکه می‌پنداشتید که ما هرگز وعده‌گاهی برایتان قرار نمی‌دهیم»].

جِئْتُمُونَا كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ بَلْ زَعَمْتُمْ أَلَّنْ نَجْعَلَ لَكُمْ مَوْعِدًا ﴿٤٨﴾

(۴۹) و نامه [ی اعمال در میان] نهاده می‌شود؛ آنگاه گناهکاران را می‌بینی که از آنچه در آن [نامه] است ترسان و نگرانند و می‌گویند: «ای وای بر ما! این چه نامه‌ای است که هیچ [گفتار و رفتار] کوچک و بزرگی را رها نکرده است، مگر اینکه آن را در شمار آورده است؟» و هر چه کرده‌اند حاضر می‌یابند و پروردگارت به هیچ کسی ستم نمی‌کند.

وَوُضِعَ الْكِتَابُ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ يَا وَيْلَتَنَا مَالِ هَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَلَا يَظِلُّمُ رَبُّكَ أَحَدًا ﴿٤٩﴾

(۵۰) و [یاد کن از] هنگامی که به فرشتگان گفتیم: «برای آدم سجده کنید»؛ آنگاه [همه] سجده کردند، مگر ابلیس که از جن بود و از فرمان پروردگارش سرپیچید. پس [ای مردم،] آیا به جای من، او و فرزندان او را دوستان [خود] می‌گیرید، حال آنکه آنان دشمنان هستند؟ [طاعت از ابلیس و نسلش به جای طاعت الله] چه جایگزین بدی است برای ستمکاران!

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ ۗ أَفَتَتَّخِذُونَهُ وَذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي وَهُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ بِئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا ﴿٥٠﴾

(۵۱) من آنان را [که مشرکانه به عبادت

مَا أَشْهَدْتُهُمْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ

می‌گیرید] نه هنگام آفرینش آسمان و زمین به گواهی گرفتیم و نه هنگام آفرینش خودشان؛ و من هرگز گمراه‌کنندگان را یار و مددکار [خویش] نگرفته‌ام.

(۵۲) و [یاد کن از] روزی که الله [به مشرکان] می‌فرماید: «شریکانی را که برای من می‌پنداشتید، فرابخوانید [تا شما را از عذاب برهانند]؛ آنها را می‌خوانند، ولی پاسخشان را نمی‌دهند؛ و ما در میان این دو گروه، مهلکه‌ای [از آتش دوزخ] قرار داده‌ایم.

(۵۳) و گناهکاران آتش [دوزخ] را می‌بینند و به یقین درمی‌یابند که در آن خواهند افتاد و هیچ راه بازگستی از آنجا ندارند.

(۵۴) و به راستی در این قرآن، برای مردم از هر گونه مثلی آوردیم؛ و [لی] انسان بیش از هر چیزی به ستیز [و چون و چرا] می‌پردازد.

(۵۵) و چیزی مردم را باز نداشت که وقتی هدایت [= پیامبر و قرآن] به سویشان آمد ایمان بیاورند و از پروردگارشان آمرزش بخواهند، مگر اینکه [از روی لجاجت می‌خواستند] سنت [الله در مورد عذاب] پیشینیان، بر [سر] آنان [نیز] بیاید یا عذاب رو در رو به آنان برسد.

وَالْأَرْضِ وَلَا خَلْقَ أَنفُسِهِمْ وَمَا كُنْتَ مُتَّخِذَ الْمُضِلِّينَ عَضُدًا ﴿۵۱﴾

وَيَوْمَ يَقُولُ نَادُوا شُرَكَائِيَ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ فَدَعَوْهُمْ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُم مَّوْبِقًا ﴿۵۲﴾

وَرِعَا الْمُجْرِمُونَ النَّارَ فَظَنُّوا أَنَّهُمْ مُوَاقِعُوهَا وَلَمْ يَجِدُوا عَنْهَا مَصْرِفًا ﴿۵۳﴾

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِلنَّاسِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا ﴿۵۴﴾

وَمَا مَنَعَ النَّاسَ أَنْ يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَىٰ وَيَسْتَغْفِرُوا رَبَّهُمْ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمْ سُنَّةُ الْأُولَٰئِينَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ قُبُلًا ﴿۵۵﴾

وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَيُجَادِلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ وَاتَّخَذُوا عَائِيَّتِي وَمَا أَنْذَرُوا هُزُورًا ﴿٥٦﴾

(۵۶) و ما پیامبران را جز بشارتگر و بیم‌دهنده نمی‌فرستیم و کسانی که کفر ورزیدند، به [سخنان بیهوده و] باطل ستیز می‌کنند تا به وسیله آن، حق [= قرآن] را پایمال کنند و [معجزات و] آیات من و آنچه را که به آن بیم داده شده‌اند، به تمسخر گرفتند.

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ فَأَعْرَضَ عَنْهَا وَنَسِيَ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ إِنَّا جَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِنْ تَدْعُهُمْ إِلَى الْهُدَى فَلَنْ يَهْتَدُوا إِذًا أَبَدًا ﴿٥٧﴾

(۵۷) کیست ستمکارتر از آن کس که به آیات پروردگارش پند داده شود ولی از آن روی بگرداند و کارهای [زشت] گذشته‌اش را فراموش کند؟ ما بر دل‌هایشان پرده‌هایی افکنده‌ایم تا [پیام حق] را درنیابند و در گوش‌هایشان سنگینی [نهاده‌ایم تا سخن حق را نشنوند]؛ و اگر آنان را به سوی هدایت بخوانی، هرگز هدایت نمی‌شوند.

وَرَبُّكَ الْغَفُورُ ذُو الرَّحْمَةِ لَوْ يُؤَاخِذُهُمْ بِمَا كَسَبُوا لَعَجَلْ لَهُمُ الْعَذَابَ بَلْ لَهُمْ مَوْعِدٌ لَنْ يَجِدُوا مِنْ دُونِهِ مَوْبِلًا ﴿٥٨﴾

(۵۸) [ای پیامبر]، پروردگارت آمرزنده و دارای رحمت [فراوان] است. اگر آنان [= کافران] را به [سزای] آنچه کرده‌اند بازخواست می‌کرد، قطعاً در عذابشان شتاب می‌نمود؛ [اما چنین نمی‌کند]؛ بلکه آنان موعدی دارند که هرگز از آن گریزی نخواهند داشت.

وَتِلْكَ الْقُرَىٰ أَهْلَكْنَاهُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَعَلْنَا لِمَهْلِكِهِمْ مَوْعِدًا ﴿٥٩﴾

(۵۹) ما [ساکنان] آن شهرها را هنگامی هلاک نمودیم که [به خاطر کفر و گناه، به خود] ستم کردند و برای هلاکتشان موعدی تعیین کردیم.

وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِفَتَاهُ لَا أَبْرَحُ حَتَّىٰ أَبْلُغَ مَجْمَعَ الْبَحْرَيْنِ أَوْ أَمْضِيَ حُقُبًا ﴿٦٠﴾

(۶۰) [یاد کن از] هنگامی که موسی به [خدمتکار] جوان خود [یوشع بن نون] گفت: «همچنان خواهم رفت تا به محل برخورد دو دریا برسم یا برای مدت طولانی راه بیمایم [تا بنده درستیاری بیابم و نادانسته‌هایم را از او بیاموزم]».

فَلَمَّا بَلَغَا مَجْمَعَ بَيْنِهِمَا نَسِيَا حُوتَهُمَا فَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ سَرَبًا ﴿٦١﴾

(۶۱) وقتی به محل برخورد دو دریا رسیدند، ماهی خود را [که برای خوردن همراه داشتند] فراموش کردند [و الله آن را زنده کرد و به آب انداخت] و ماهی، راه خود را در دریا [مانند تونلی] در پیش گرفت [و رفت].

فَلَمَّا جَاوَزَا قَالَ لِفَتَاهُ آتَيْنَا غَدَاءَنَا لَقَدْ لَقِينَا مِنْ سَفَرِنَا هَذَا نَصَبًا ﴿٦٢﴾

(۶۲) هنگامی که [به راه افتادند و از آنجا] گذشتند، [موسی] به [خدمتکار] جوان خود گفت: «غذایمان را بیاور که از این سفر بسیار خسته شده‌ایم».

قَالَ أَرَأَيْتَ إِذْ أَوَيْنَا إِلَى الصَّخْرَةِ فَإِنِّي نَسِيتُ الْحُوتَ وَمَا أَنسَنِيهِ إِلَّا الشَّيْطَانُ أَنْ أَذْكُرَهُ وَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ عَجَبًا ﴿٦٣﴾

(۶۳) [یوشع] گفت: «به یاد داری هنگامی که [برای استراحت] به کنار آن تخته‌سنگ جای گرفتیم، من [در آنجا داستان زنده شدن] ماهی را فراموش کردم [که به تو بگویم] و جز شیطان، [کسی] مرا از یادآوری آن [داستان] به فراموشی نینداخت و ماهی به طرز شگفت‌آور راهش را در دریا پیش گرفت».

قَالَ ذَٰلِكَ مَا كُنَّا نَبْغُ فَأَرْتَدَّا عَلَىٰ
 ءَأْتَارِهِمَا قَصَصًا ﴿٦٤﴾
 (۶۴) [موسی] گفت: «آن همان چیزی است
 که می‌خواستیم [و جایگاه آن بنده نیکوکار،
 همان جاست]». پس جستجوکنان رد پای خود
 را گرفتند [و از همان راه] بازگشتند.

فَوَجَدَا عَبْدًا مِّنْ عِبَادِنَا ءَاتَيْنَاهُ
 رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِمَّنْ
 لَّدُنَّا عِلْمًا ﴿٦٥﴾
 (۶۵) [در آنجا] بنده‌ای از بندگان ما [= حَضِر] را
 یافتند که از جانب خویش به او رحمتی داده
 بودیم و از نزد خود به وی دانشی [که این قصه
 آن را در بر دارد] آموخته بودیم.

قَالَ لَهُ مُوسَىٰ هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَىٰ
 أَنْ تُعَلِّمَني مِمَّا عَلَّمْتَ رُسُلًا ﴿٦٦﴾
 (۶۶) موسی به او گفت: «آیا [اجازه می‌دهی]
 همراهت بیایم تا از آنچه به تو آموخته شده و
 مایه هدایت و ارشاد است به من بیاموزی؟»

قَالَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ
 صَبْرًا ﴿٦٧﴾
 (۶۷) [حَضِر] گفت: «تو هرگز نمی‌توانی [در
 اطاعت و همراهی] با من شکیبایی کنی.

وَكَيفَ تَصْبِرُ عَلَىٰ مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ
 خُبْرًا ﴿٦٨﴾
 (۶۸) و چگونه بر [انجام] کاری که به [راز] آن
 آگاه نیستی شکیبایی می‌کنی؟»

قَالَ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ
 صَابِرًا وَلَا أَعْصِي لَكَ أَمْرًا ﴿٦٩﴾
 (۶۹) [موسی] گفت: «ان شاء الله شکیبا خواهم
 بود و در هیچ کاری از تو نافرمانی نمی‌کنم.»

قَالَ فَإِنِ اتَّبَعْتَنِي فَلَا تَسْأَلْنِي
 عَنْ شَيْءٍ حَتَّىٰ أُحَدِّثَ لَكَ مِنْهُ
 ذِكْرًا ﴿٧٠﴾
 (۷۰) [حَضِر] گفت: «پس اگر با من همراه
 شدی، درباره هیچ چیز از من سؤال نکن تا
 خود درباره آن سخنی با تو بگویم.»

فَانْطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا رَكِبَا فِي السَّفِينَةِ خَرَقَهَا ۖ قَالَ أَخْرَقْتَهَا لِتُغْرِقَ أَهْلَهَا لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا إِمْرًا ﴿٧١﴾

(۷۱) آن دو به راه افتادند تا آنکه سوار کشتی شدند. [خَضِرًا] کشتی را سوراخ کرد. [موسی] گفت: «آن را سوراخ کردی تا سرنشینانش را غرق کنی؟ راستی چه کار ناروایی کردی!»

قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا ﴿٧٢﴾

(۷۲) [خَضِرًا] گفت: «آیا نگفتم تو هرگز نمی‌توانی با من شکیبایی کنی؟»

قَالَ لَا تَأْخِذْ بِمَا نَسِيتُ وَلَا تُرْهِقْنِي مِنْ أَمْرِي عُسْرًا ﴿٧٣﴾

(۷۳) [موسی] گفت: «به خاطر آنچه فراموش کردم سرزنشم نکن و در کارم بر من سخت نگیر.»

فَانْطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا لَقِيَا غُلَامًا فَقَتَلَهُ ۖ قَالَ أَقْتَلْتَنِي نَفْسًا زَكِيَّةً بِغَيْرِ نَفْسٍ لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا نُكْرًا ﴿٧٤﴾

(۷۴) پس به راه افتادند تا هنگامی که به نوجوانی رسیدند و [خَضِرًا] او را کشت. [موسی] گفت: «شخص [بی‌گناه و] پاکي را کشتی [آن هم] بدون اینکه کسی را کشته باشد؟ واقعاً کار ناپسندی کردی!»

قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا ﴿٧٥﴾

(۷۵) [خَضِرًا] گفت: «به تو نگفتم که هرگز نمی‌توانی با من شکیبایی کنی؟»

قَالَ إِن سَأَلْتُكَ عَنْ شَيْءٍ بَعْدَهَا فَلَا تُصَحِّبْنِي ۖ قَدْ بَلَغْتَ مِن لَدُنِّي عُذْرًا ﴿٧٦﴾

(۷۶) [موسی] گفت: «اگر از این پس چیزی از تو پرسیدم، دیگر با من همراهی نکن [و] از جانب من قطعاً معذور خواهی بود.»

فَانْطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا أَتَيَا أَهْلَ قَرْيَةٍ

(۷۷) پس به راه افتادند تا به اهالی شهری

اَسْتَطْعَمَا اَهْلَهَا فَاَبَوْا اَنْ يُصَيِّفُوهُمَا فَوَجَدَا فِيهَا جِدَارًا يُرِيدُ اَنْ يَنْقُضَ فَاَقَامَهُۥ قَالَ لَوْ شِئْتَ لَتَّخَذْتَ عَلَيْهِ اَجْرًا ﴿٧٧﴾

رسیدند [و] از آنان غذا خواستند؛ [اما آنان] از مهمان کردنشان خودداری کردند. سپس در آنجا دیواری یافتند که می‌خواست فرو بریزد و [خضر] آن را راست و استوار کرد. [موسی] گفت: «اگر می‌خواستی، [می‌توانستی] برای آن [کار، از آنان] مزدی بگیری».

قَالَ هَذَا فِرَاقُ بَيْنِي وَبَيْنِكَ سَأْتِيكَ بِتَاوِيلٍ مَا لَمْ تَسْتَطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا ﴿٧٨﴾

(۷۸) [خضر] گفت: «اینک زمان جدایی من و تو فرارسیده است. به زودی تو را از توضیح [و دلیل] آنچه که نتوانستی در برابرش شکیبایی کنی آگاه خواهیم ساخت».

اَمَّا السَّفِينَةُ فَكَانَتْ لِمَسْكِينٍ يَعْمَلُونَ فِي الْبَحْرِ فَاَرَدْتُ اَنْ اَعْيِبَهَا وَاَنْ وِرَاءَهُمْ مَلِكٌ يَأْخُذُ كُلَّ سَفِينَةٍ غَصْبًا ﴿٧٩﴾

(۷۹) اما آن کشتی، از آن بینوایانی بود که در دریا کار می‌کردند؛ خواستم معیوبش کنم؛ [زیرا] پیش راهشان [در دریا] پادشاهی [ستمکار] بود که هر کشتی [سالمی] را به زور می‌گرفت.

وَأَمَّا الْعُلَمَاءُ فَكَانَ أَبَوَاهُ مُؤْمِنِينَ فَخَشِينَا اَنْ يُرْهَقَهُمَا طُغْيَانًا وَكُفْرًا ﴿٨٠﴾

(۸۰) و اما آن نوجوان، پدر و مادرش مؤمن بودند؛ پس ترسیدیم که آن دو را به سرکشی و کفر وادارد.

فَاَرَدْنَا اَنْ يُبَدِّلَهُمَا رَبُّهُمَا خَيْرًا مِنْهُ زَكَاةً وَاَقْرَبَ رَحْمًا ﴿٨١﴾

(۸۱) از این رو، خواستیم که پروردگارشان به جای او [فرزند] پاک‌تر و مهربان‌تری به آنها عطا فرماید.

وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ

(۸۲) و اما آن دیوار، از دو پسر بچه یتیم در آن

شهر بود و گنجی زیر آن بود که به آن دو تعلق داشت و پدرشان [نیز] مردی درستکار بود؛ پس پروردگارت خواست که [آن دو یتیم] به حد بلوغ برسند و گنج خویش را [از زیر آن دیوار] بیرون آورند. این رحمتی از جانب پروردگار تو بود و من این [کارها] را خودسرانه نکردم. این بود توضیح [و دلیل] کارهایی که نتوانستی در برابرش شکیبایی کنی».

صَبْرًا ﴿۸۲﴾

(۸۳) و [ای پیامبر، مشرکان و یهود] درباره «ذوالقرنین» از تو می‌پرسند؛ بگو: «به زودی چیزی از سرگذشت او برایتان خواهم خواند».

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ ذِي الْقُرْنَيْنِ قُلْ سَأَتْلُوا عَلَيْكُمْ مِنْهُ ذِكْرًا ﴿۸۳﴾

(۸۴) ما در زمین به او قدرت و حکومت دادیم و وسیله [رسیدن به] هر چیزی را در اختیارش نهادیم.

إِنَّا مَكَّنَّا لَهُ فِي الْأَرْضِ وَءَاتَيْنَاهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا ﴿۸۴﴾

(۸۵) او [از این] وسایل [برای رسیدن به اهدافش] استفاده کرد.

فَاتَّبَعَ سَبَبًا ﴿۸۵﴾

(۸۶) [روزی در زمین به راه افتاد] تا به محل غروب خورشید رسید. [چنین به نظرش رسید] که خورشید در چشمه‌ای گرم و گل‌آلود غروب می‌کند و در [نزدیکی] آنجا قومی [کافر] یافت. [به او] گفتیم: «ای ذوالقرنین، یا [آنان را] مجازات می‌کنی یا در میانشان [رفتار] نیکویی پیش می‌گیری».

حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَرْبَعَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَغْرُبُ فِي عَيْنٍ حَمِئَةٍ وَوَجَدَ عِنْدَهَا قَوْمًا قُلْنَا يَبْنَؤُا الْقُرْنَيْنِ إِمَّا أَنْ نُعَذِّبَ وَإِمَّا أَنْ نَتَّخِذَ فِيهِمْ حُسْنًا ﴿۸۶﴾

قَالَ أَمَّا مَنْ ظَلَمَ فَسَوْفَ نُعَذِّبُهُ ثُمَّ يُرَدُّ إِلَىٰ رَبِّهِ فَيُعَذِّبُهُ عَذَابًا نُكْرًا ﴿٨٧﴾ [ذوالقرنین] گفت: «اما کسی را که ستم کرده [و شرک ورزیده] است مجازات خواهیم کرد، سپس به سوی پروردگارش بازگردانده می‌شود، آنگاه او را به عذابی بسیار سخت مجازات خواهد کرد.

وَأَمَّا مَنْ ءَامَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُ جَزَاءُ الْحُسْنَىٰ وَسَنَقُولُ لَهُ مِن أَمْرِنَا يُسْرًا ﴿٨٨﴾ [ذوالقرنین] و اما کسی که ایمان آورد و کار شایسته انجام دهد، [در آخرت،] نیکوترین پاداش [بهشت] را خواهد داشت و با ملایمت [و مهربانی] با وی سخن خواهیم گفت.»

ثُمَّ أَتْبَعَ سَبَبًا ﴿٨٩﴾ [ذوالقرنین] سپس [ذوالقرنین] از وسایل [خود] استفاده کرد [و به سوی مشرق رفت].

حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَطْلِعَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَطْلُعُ عَلَىٰ قَوْمٍ لَّمْ يَجْعَلْ لَهُم مِّن دُونِهَا سِتْرًا ﴿٩٠﴾ [ذوالقرنین] تا آنکه به جایگاه برآمدن خورشید رسید. [در آنجا خورشید را] دید که بر مردمانی طلوع می‌کند که در برابر [نور و گرمای آفتاب] پوششی برایشان قرار نداده بودیم [نه سرپناهی، نه سایه درختی].

كَذَٰلِكَ وَقَدْ أَحْطْنَا بِمَا لَدَيْهِ خُبْرًا ﴿٩١﴾ [کار ذوالقرنین] اینچنین بود و ما به آنچه او در اختیار داشت [و انجام می‌داد] کاملاً آگاه بودیم.

ثُمَّ أَتْبَعَ سَبَبًا ﴿٩٢﴾ [ذوالقرنین] سپس [ذوالقرنین] از امکانات [خود] استفاده کرد [و به جایی بین شرق و غرب رفت].

(۹۳) [او همچنان رفت] تا به [دره‌ای] میان دو کوه رسید و در کنار آن دو [کوه]، مردمی را یافت که سخنی [جز زبان خود را] نمی فهمیدند. يَقْفَهُونَ قَوْلًا ﴿٩٣﴾

(۹۴) [آنان] گفتند: «ای ذوالقرنین، یاجوج و ماجوج در این سرزمین [تبهکاری و] فساد می کنند. آیا [ممکن است] هزینه‌ای در اختیار قرار دهیم تا میان ما و آنان سدی بسازی؟» تَجْعَلُ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًّا ﴿٩٤﴾

(۹۵) او گفت: «آنچه [از قدرت و ثروت] که پروردگارم در آن به من توانایی داده است [از پیشنهاد مالی شما] بهتر است؛ پس مرا با نیرویی [انسانی] یاری کنید [تا] میان شما و آنان سدی محکم و استوار بسازم. قَالَ مَا مَكَّنِّي فِيهِ رَبِّي خَيْرٌ فَأَعِينُونِي بِقُوَّةٍ أَجْعَلْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ رَدْمًا ﴿٩٥﴾

(۹۶) قطعات آهن برایم بیاورید [و روی هم بچینید]» تا وقتی کاملاً میان دو کوه را برابر ساخت [و پوشاند. سپس] گفت: «[در اطراف دیواره آهنین آتش بیفروزید و] در آن بدمید». [آنان چنین کردند] تا وقتی آن [قطعات آهن] را گداخته کرد؛ [سپس] گفت: «[اکنون] مسِ مُذَابِ برایم بیاورید تا روی آن [دیوار] بریزم.» ءَاتُونِي زُبَرَ الْحَدِيدِ حَتَّىٰ إِذَا سَاوَىٰ بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ أَنفُخُوا حَتَّىٰ إِذَا جَعَلَهُ نَارًا قَالَ ءَاتُونِي أُفْرِغْ عَلَيْهِ قِطْرًا ﴿٩٦﴾

(۹۷) [یاجوج و ماجوج] دیگر نتوانستند از آن [سد] بالا روند و [حتی] نتوانستند سوراخی در آن ایجاد کنند. فَمَا اسْتَطَعُوا أَن يَظْهَرُوهُ وَمَا اسْتَطَعُوا لَهُ نُقْبًا ﴿٩٧﴾

قَالَ هَذَا رَحْمَةٌ مِّن رَّبِّي فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ رَبِّي جَعَلَهُ دَكَّاءَ وَكَانَ وَعْدُ رَبِّي حَقًّا ﴿٩٨﴾

(۹۸) [آنگاه ذوالقرنین] گفت: «این [سد،] از رحمت پروردگار من است [و تا الله بخواهد باقی می ماند]؛ اما هنگامی که وعده پروردگارم فرارسد، آن را در هم می کوبد و وعده پروردگارم حق است».

وَتَرَكْنَا بَعْضَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَمُوجُ فِي بَعْضٍ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَجَمَعْنَاهُمْ جَمْعًا ﴿٩٩﴾

(۹۹) و در آن روز [که جهان پایان می پذیرد] آنان را [چنان] رها می کنیم که [از فراوانی جمعیت،] در هم می آمیزند و [همین که] در صور دمیده شد، همه را [در یک جا] جمع می کنیم.

وَعَرَضْنَا جَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ لِّلْكَافِرِينَ عَرَضًا ﴿١٠٠﴾

(۱۰۰) و آن روز، دوزخ را آشکارا بر کافران عرضه می داریم.

الَّذِينَ كَانَتْ أَعْيُنُهُمْ فِي غِطَاءٍ عَن ذِكْرِي وَكَانُوا لَا يَسْتَطِيعُونَ سَمْعًا ﴿١٠١﴾

(۱۰۱) [همان] کسانی که چشمانشان از یاد من در پرده [ی غفلت] بود و توان شنیدن [آیات الهی را] نداشتند.

أَفَحَسِبَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَن يَتَّخِذُوا عِبَادِي مِن دُونِي أَوْلِيَاءَ إِنَّا أَعْتَدْنَا جَهَنَّمَ لِّلْكَافِرِينَ نَزُلًا ﴿١٠٢﴾

(۱۰۲) آیا کسانی که کفر ورزیدند، پنداشته اند که [می توانند] به جای من، بندگام را کارساز [و دوست خود] بگیرند؟ بی تردید، ما دوزخ را برای پذیرایی کافران آماده کرده ایم.

قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا ﴿١٠٣﴾

(۱۰۳) [ای پیامبر،] بگو: «[می خواهید] شما را از زیانکارترین [مردم] در کارها آگاه سازم؟

الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَّهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا ﴿١٠٤﴾

(۱۰۴) آنان [کسانی هستند که تلاششان در زندگی دنیا تباه گشته است و خود می‌پندارند که کار نیکو می‌کنند].

أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزَنًا ﴿١٠٥﴾

(۱۰۵) آنان کسانی هستند که به آیات پروردگارشان و دیدار او [در آخرت] کافر شدند؛ پس کارهایشان تباه گشت و روز قیامت [هیچ قدر و] ارزشی برایشان قائل نمی‌شویم.

ذَٰلِكَ جَزَاؤُهُمْ جَهَنَّمَ بِمَا كَفَرُوا وَتَّخَذُوا آيَاتِي وَرُسُلِي هُزُوًا ﴿١٠٦﴾

(۱۰۶) اینچنین است که به خاطر کفری که ورزیده‌اند و آیات و پیامبران مرا به تمسخر گرفته‌اند مجازات‌شان دوزخ است.

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا ﴿١٠٧﴾

(۱۰۷) بی‌تردید، کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، باغ‌های [بهشت] برین، محل پذیرایی آنها خواهد بود.

حَلِيدِينَ فِيهَا لَا يَبْغُونَ عَنْهَا حِوَلًا ﴿١٠٨﴾

(۱۰۸) جاودانه در آن خواهند ماند و هرگز از آنجا به جای دیگری گرایش ندارند.

قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لِّكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا ﴿١٠٩﴾

(۱۰۹) [ای پیامبر،] بگو: «اگر دریا برای [نگارش] کلمات پروردگارم جوهر شود، پیش از آنکه کلمات پروردگارم پایان یابد، قطعاً دریا به پایان می‌رسد؛ هر چند [دریاهایی دیگر] همانند آن [دریا را نیز] به کمک [آن] بیاوریم».

قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ
 إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ وَاحِدٌ فَمَن
 كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ
 عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ
 رَبِّهِ ۚ أَحَدًا ﴿١١٠﴾

(۱۱۰) [ای پیامبر، بگو: «من فقط بشری
 [عادی] همچون شما هستم. به من وحی
 می‌شود که تنها معبودتان، الله یکتاست؛ پس
 هر کس به دیدار پروردگارش [در آخرت] امید
 دارد، باید کار شایسته انجام دهد و هیچ کس را
 در عبادت پروردگارش شریک نسازد».

سُورَةُ مَرْيَمَ

سورة مریم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

كَهَيْعَصَ ﴿١﴾

(۱) کهیعص [= کاف. ها. یا. عین. صاد].

ذِكْرُ رَحْمَتِ رَبِّكَ عَبْدَهُو

(۲) [این] بیان رحمت پروردگارت [نسبت] به بنده‌اش زکریاست.

زَكَرِيَّا ﴿٢﴾

إِذْ نَادَى رَبَّهُو نِدَاءً خَفِيًّا ﴿٣﴾

(۳) آنگاه که پروردگارش را به ندایی پنهان [به دعا] خواند.

قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي

(۴) گفت: «پروردگارا، به راستی که استخوانم سست شده و [موی] سرم از پیری سپید گشته و ای پروردگام، [هرگز] در دعای تو [از اجابت] بی بهره نبوده‌ام.

وَأَشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا وَلَمْ أَكُنْ

بُدْعَايِكَ رَبِّ شَقِيًّا ﴿٤﴾

وَأِنِّي خِفْتُ الْمَوْلَىٰ مِنْ وَرَائِي

(۵) و من پس از [مرگ] خود از خویشاوندانم [نسبت به حفظ دین تو] بیمناکم و همسرم [نیز] نازاست؛ پس به لطف خویش [فرزندی به عنوان وارث و] یاور به من عطا فرما.

وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا فَهَبْ لِي مِنْ

لَدُنْكَ وَلِيًّا ﴿٥﴾

يَرْتُئِي وَيَرِثُ مِنْ عَالٍ يَعْقُوبُ ﴿٦﴾

(۶) [پسری که] وارث من و وارث خاندانم یعقوب باشد؛ و پروردگارا، او را [در علم و دین، انسانی] پسندیده گردان.»

وَأَجْعَلُهُ رَبِّ رَضِيًّا ﴿٦﴾

يَزَكَّرِيَّا إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ اسْمُهُو

(۷) [الله دعایش را اجابت کرد و فرمود:] «ای

يَحْيَى لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مِنْ قَبْلُ
سَمِيًّا ﴿٧﴾

زکریا، ما تو را به [تولد] پسری بشارت می‌دهیم
که نامش یحیی است [و] پیش از این، همنامی
برایش قرار نداده‌ایم».

قَالَ رَبِّ أُنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ
وَكَانَتْ أُمْرَاتِي عَاقِرًا وَقَدْ بَلَغْتُ
مِنَ الْكِبَرِ عِتِيًّا ﴿٨﴾

(۸) [زکریا] گفت: «پروردگارا، چگونه پسری
خواهم داشت در حالی که همسرم نازاست و
من [نیز] از شدت پیری، به ناتوانی رسیده‌ام؟»

قَالَ كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَيَّ
هَيِّنٌ وَقَدْ خَلَقْتُكَ مِنْ قَبْلُ وَلَمْ
تَكُ شَيْئًا ﴿٩﴾

(۹) [فرشته] گفت: «این گونه است [که تو
می‌گویی؛ ولی] پروردگارت فرموده است: "این
[امر]، برای من آسان است و به راستی پیش از
این [نیز] تو را آفریدم، در حالی که چیزی
نبودی"».

قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً ۗ قَالَ
ءَايَتُكَ اَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَ
اَيَّامٍ سَوِيًّا ﴿١٠﴾

(۱۰) [زکریا] گفت: «پروردگارا، نشانه‌ای [بر
تحقق این بشارت] برایم قرار بده». [الله]
فرمود: «نشانه تو این است که سه شبانه [روز]
در حالی که سالم [و تندرست] هستی، با مردم
سخن نمی‌گویی».

فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ مِنَ الْمِحْرَابِ
فَأَوْحَىٰ إِلَيْهِمْ أَنْ سَبِّحُوا بُكْرَةً
وَعَشِيًّا ﴿١١﴾

(۱۱) او از محراب [= جایگاه عبادتش] به سوی
قومش رفت و به آنان اشاره کرد که: «بامداد و
شامگاه، [پروردگار را] به پاکی یاد کنید».

يَا يَحْيَى خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ ۗ
وَعَاثَيْنَاهُ اَلْحُكْمَ صَبِيًّا ﴿١٢﴾

(۱۲) [الله فرمود:] «ای یحیی، کتاب [تورات]
را با قوّت [و جدیت] بگیر» و در کودکی به او
دانش [و حکمت] دادیم.

وَحَنَانًا مِّن لَّدُنَّا وَزَكَاةً وَكَانَ (۱۳) و از جانب خویش [به او] محبت و پاکی
تَقِيًّا ﴿۱۳﴾ [از گناهان عطا کردیم] و او پرهیزگار بود.

وَبَرًّا بِوَالِدَيْهِ وَلَمْ يَكُنْ جَبَّارًا (۱۴) و نسبت به پدر و مادرش نیکوکار بود و
عَصِيًّا ﴿۱۴﴾ [و] نافرمان نبود.

وَسَلَّمْ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَيَوْمَ يَمُوتُ (۱۵) و سلام [و امنیتِ الله] بر او باد، روزی که
متولد شد و روزی که می‌میرد و روزی که زنده
وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا ﴿۱۵﴾ برانگیخته می‌شود.

وَأذْكَرُ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ (۱۶) و در [این] کتاب [= قرآن] از مریم یاد
كُنْ، آنگاه که از خانواده‌اش کناره گرفت [و در]
نَاحِيَةِ شَرْقِيٍّ [از آنان] مستقر شد.
شَرْقِيًّا ﴿۱۶﴾

فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا (۱۷) و میان خود و آنها پرده‌ای افکند [تا
خلوتگاهِ عبادتش باشد]. آنگاه [ما] روح خود [=]
جبرئیل] را به سویش فرستادیم و به [شکل]
انسانی خوش اندام بر وی نمایان گشت.
بَشْرًا سَوِيًّا ﴿۱۷﴾

قَالَتْ إِنَّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ (۱۸) [مریم] گفت: «من از [شر] تو، به [الله]
رحمان پناه می‌برم. اگر پرهیزگاری [به من
كُنْتَ تَقِيًّا ﴿۱۸﴾ آسیب نرسان]».

قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ (۱۹) [جبرئیل] گفت: «یقیناً من فرستاده
پروردگارت هستم تا پسر پاکیزه‌ای به تو بخشم.»
لِي عَلَمًا زَكِيًّا ﴿۱۹﴾

قَالَتْ أَنَّى يَكُونُ لِي عَلَمٌ وَلَمْ (۲۰) [مریم] گفت: «چگونه ممکن است پسری

يَمَسُّنِي بَشَرٌ وَلَمْ أَكُ بَغِيًّا ﴿۲۰﴾ داشته باشم؛ حال آنکه دست هیچ انسانی به من نرسیده است و بدکار [نیز] نبوده‌ام؟»

قَالَ كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ وَلِنَجْعَلَهُ آيَةً لِلنَّاسِ وَرَحْمَةً مِنَّا وَكَانَ أَمْرًا مَّقْضِيًّا ﴿۲۱﴾ (۲۱) [جبرئیل] گفت: «[دستور] چنین است. پروردگارت فرمود: "این [کار] بر من آسان است و او را برای مردم نشانه‌ای [از قدرت خویش] قرار می‌دهیم و [نیز] رحمتی از سوی ماست؛ و این [شیوه تولد]، امری انجام‌یافته [و حتمی] است"».

فَوَحَمَلَتْهُ فَانْتَبَدَتْ بِهِ مَكَانًا قَصِيًّا ﴿۲۲﴾ (۲۲) پس [مريم] او [= عیسی] را باردار شد. و با او به جایی دور دست [رفت و از مردم] کناره گرفت.

فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ يَلَيْتَنِي مِثُّ قَبَلٍ هَذَا وَكُنْتُ نَسِيًّا مَّنْسِيًّا ﴿۲۳﴾ (۲۳) درد زایمان او را به سمت یک تنه نخل کشاند [و او در حالی که درد می‌کشید] گفت: «ای کاش پیش از این می‌مُردم و به کلی از یادها می‌رفتم [تا کسی درباره‌ام خیال باطل نکند]».

فَنَادَاهَا مِن تَحْتِهَا أَلَا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا ﴿۲۴﴾ (۲۴) ناگهان از پایین [پای] او، [جبرئیل] یا عیسی] ندایش داد که: «غمگین مباش. پروردگارت زیر [پای] تو چشمه‌آبی روان ساخته است.

وَهَرِي إِلَىٰ إِيكَ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسْقِطُ عَلَيْكَ رَطْبًا جَنِيًّا ﴿۲۵﴾ (۲۵) و تنه نخل را به طرف خود تکان بده [تا] خرمای تازه بر تو فروریزد.

(۲۶) آنگاه [از آن خرما] بخور و [از آب نهر] بنوش و دیدگان را [به این فرزند] روشن دار [و شاد باش]؛ و اگر هر یک از مردم را دیدی [با اشاره] بگو: "من برای [الله] رحمان روزه‌ای سکوت [نذر کرده‌ام و امروز با هیچ انسانی سخن نخواهم گفت]".

(۲۷) [مریم] در حالی که او [= عیسی] را برداشته بود نزد قومش آمد. آنان گفتند: «ای مریم، به راستی که کاری شگفت [و گناهی بزرگ] مرتکب شده‌ای!

(۲۸) ای خواهر هارون، نه پدرت مرد بدکاری بود و نه مادرت [زن] بدکاره‌ای».

(۲۹) آنگاه مریم به او [= عیسی] اشاره کرد. آنان گفتند: «چگونه با کودکی در گهواره سخن بگوییم؟»

(۳۰) [عیسی به سخن آمد و] گفت: «من بنده الله هستم. او به من کتاب داده و مرا پیامبر ساخته است.

(۳۱) و مرا - هر جا که باشم - پربرکت نموده و تا زنده هستم مرا به نماز و زکات سفارش کرده است.

دُمْتُ حَيًّا ﴿٣١﴾

وَبَرًّا بِوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا ﴿٣٢﴾
 و نسبت به مادرم نیکوکار [گردانده] و مرا [در برابر پروردگارم] سرکش [و] نافرمان قرار نداده است.

وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَيَوْمَ أَمُوتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا ﴿٣٣﴾
 و سلام بر من، روزی که متولد شدم و روزی که می‌میرم و روزی که زنده برانگیخته می‌شوم».

ذَٰلِكَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ ۗ قَوْلَ الْحَقِّ الَّذِي فِيهِ يَمْتَرُونَ ﴿٣٤﴾
 این است [حکایت] عیسی پسر مریم؛ [همان] گفتار راستی که [گمراهان] درباره‌اش تردید [و اختلاف] می‌کنند.

مَا كَانَ لِلَّهِ أَنْ يَتَّخِذَ مِنْ وُلْدٍ سُبْحٰنَهُ ۗ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُن فَيَكُونُ ﴿٣٥﴾
 [هرگز] سزاوار نیست که الله [برای خویش] فرزندی بگیرد. او [پاک و] منزّه است. [الله] هر گاه کاری را اراده کند، فقط به آن می‌گوید: «موجود شو»؛ آنگاه [بی‌درنگ] موجود می‌شود.

وَإِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ هَدًا صِرَاطَ مُسْتَقِيمٍ ﴿٣٦﴾
 و [عیسی به قومش گفت:] «بی‌تردید، الله پروردگار من و شماست؛ پس او را عبادت کنید [که] راه راست همین است».

فَأَخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ مَّشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿٣٧﴾
 [انگاه گروه‌ها]ی مختلف قومش [در میان خود دچار اختلاف شدند؛ پس وای بر کسانی که کفر ورزیدند از مشاهده روز بزرگ [قیامت]! یوم عظیم»

أَسْمِعْ بِهِمْ وَأَبْصِرْ يَوْمَ يَأْتُونَنَا ﴿٣٨﴾
 آن روز که نزد ما می‌آیند، چه [خوب]

شنوا و بینا هستند! اما امروز [در زندگی دنیا] ستمکاران در گمراهی آشکارند.

لَكِنَّ الظَّالِمُونَ الْيَوْمَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٣٨﴾

(۳۹) و [ای پیامبر،] به آنان دربارهٔ روز [پشیمانی و] حسرت هشدار بده؛ آنگاه که کار [داوری] انجام می‌گیرد؛ و [امروز] آنان در غفلتند و ایمان نمی‌آورند.

وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٣٩﴾

(۴۰) یقیناً ما زمین و هر کس را بر آن است به ارث می‌بریم و [همه] به سوی ما بازگردانده می‌شوند.

إِنَّا نَحْنُ نَرِثُ الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا وَإِلَيْنَا يُرْجَعُونَ ﴿٤٠﴾

(۴۱) و [ای پیامبر،] در این کتاب از ابراهیم یاد کن. بی‌تردید، او پیامبری بسیار راستگو بود.

وَأذْكَرُ فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا ﴿٤١﴾

(۴۲) هنگامی که به پدرش [آزر] گفت: «پدر جان، چرا چیزی را عبادت می‌کنی که نه [دعایت را] می‌شنود و نه [عبادتت را] می‌بیند و نه گزندگی را از تو دور می‌سازد؟

إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ وَلَا يُغْنِي عَنْكَ شَيْئًا ﴿٤٢﴾

(۴۳) پدر جان، یقیناً از دانش [وحی] چیزی به من رسیده است که [هرگز] به تو نرسیده است؛ پس از من پیروی کن تا تو را به راهی راست هدایت کنم.

يَتَأْتِي إِيَّانِي قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ فَاتَّبِعْنِي أَهْدِكَ صِرَاطًا سَوِيًّا ﴿٤٣﴾

(۴۴) پدر جان، از شیطان پیروی نکن [چرا

يَتَأْتِي لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ

الْشَّيْطَانُ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا ﴿٤٤﴾ که [بی تردید، شیطان نسبت به [الله] رحمان نافرمان بود.

يَتَّابَتِ إِلَيَّ إِخَافُ أَنْ يَمَسَّكَ ﴿٤٥﴾ پدر جان، من می ترسم که از [جانب الله] عذابٌ مِّنَ الرَّحْمَنِ فَتَكُونَ لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا ﴿٤٥﴾

قَالَ أَرَأَيْتُ أَنْتَ عَنْ ءَالِهَتِي يَتَّبِعُهُمْ لَئِن لَّمْ تَنْتَهَ لِأَرْجُمَنَّكَ ﴿٤٦﴾ [آزر] گفت: «ای ابراهیم، آیا از دست برنداری، قطعاً سنگسارت می کنم؛ [برو] و مدت زیادی از من دور شو».

قَالَ سَلَّمٌ عَلَيْكَ سَأَسْتَعْفِرُ لَكَ رَبِّي إِنَّهُ كَانَ بِي حَفِيًّا ﴿٤٧﴾ [ابراهیم] گفت: «سلام [و امنیت از جانب من] بر تو. به زودی از پروردگارم برایت آمرزش خواهم خواست. بی تردید، او نسبت به من بسیار مهربان است.

وَأَعْتَزِلْكُمْ وَمَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَأَدْعُوا رَبِّي عَسَىٰ أَلَّا أَكُونَ بِدُعَاءِ رَبِّي شَقِيًّا ﴿٤٨﴾ و از شما [کافران] و آنچه به جای الله می خوانید کناره گیری می کنم و پروردگارم را می خوانم. امید است که در خواندن پروردگارم [از اجابت] بی بهره نباشم».

فَلَمَّا أَعْتَزَلْتَهُمْ وَمَا يَعْجِدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَهَبْنَا لَهُوَ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَكَلَّا جَعَلْنَا نَبِيًّا ﴿٤٩﴾ (۴۹) هنگامی که از آنان و آنچه به جای الله عبادت می کردند کناره گیری کرد، [پسرش] اسحاق و [نوه اش] یعقوب را به او بخشیدیم و همه [آنان] را پیامبر نمودیم.

وَوَهَبْنَا لَهُمْ مِّن رَّحْمَتِنَا وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا ﴿۵۰﴾
 و ایشان را از رحمت خویش بهره‌مند ساختیم و [در میان مردم آوازه بلند و] نام نیکو برایشان نهادیم.

وَأذْكَرُ فِي الْكِتَابِ مُوسَىٰ إِنَّهُ كَانَ مُخْلَصًا وَكَانَ رَسُولًا نَّبِيًّا ﴿۵۱﴾
 و در این کتاب، از موسی یاد کن. بی‌تردید، او [برگزیده‌ای] مخلص و فرستاده‌ای پیامبر بود.

وَنَدَيْتُهُ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَقَرَّبْنَاهُ نَجِيًّا ﴿۵۲﴾
 و [ما] او [=موسی] را از کناره [کوه] طور و سمت راست [خودش] ندا دادیم و او را مناجات‌کنان [به خویش] نزدیک ساختیم.

وَوَهَبْنَا لَهُ مِمَّن رَّحِمْنَا آخَاهُ هَارُونَ نَبِيًّا ﴿۵۳﴾
 و از رحمت خود، برادرش هارون را به عنوان پیامبر به وی عطا کردیم.

وَأذْكَرُ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَّبِيًّا ﴿۵۴﴾
 و در این کتاب، از اسماعیل یاد کن. بی‌تردید، او راست‌وعده و فرستاده‌ای پیامبر بود.

وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا ﴿۵۵﴾
 و [همواره] خانواده‌اش را به نماز و زکات فرمان می‌داد و نزد پروردگارش پسندیده بود.

وَأذْكَرُ فِي الْكِتَابِ إِدْرِيسَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَّبِيًّا ﴿۵۶﴾
 و در این کتاب، از ادریس یاد کن. بی‌تردید، او راست‌گفتار پیامبری بود.

وَرَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا ﴿٥٧﴾ و [ما] او را به مقامی بلند برکشیدیم.

﴿٥٨﴾ اینان کسانی از پیامبران هستند که الله نعمت [هدایت] به آنان داد؛ [افرادی] از فرزندان آدم و از کسانی که همراه نوح [بر کشتی] سوار کردیم و از فرزندان ابراهیم و یعقوب و از [جمله] افرادی که هدایت کردیم و برگزیدیم [و] هر گاه آیات [پروردگار] رحمان بر آنان خوانده می‌شد، سجده‌کنان و گریان به خاک می‌افتادند.

﴿٥٩﴾ پس از آنان، جانشینانی گمراه و ناشایست آمدند که نماز را تبه ساختند [و در آن سهل‌انگاری نمودند] و از هوس‌ها [و شهوات] پیروی کردند؛ و به زودی [کیفر] گمراهی [خویش] را خواهند دید.

﴿٦٠﴾ مگر کسی که توبه نمود و ایمان آورد و کاری شایسته کرد، اینان به بهشت داخل می‌شوند و هیچ ستمی بر آنان نمی‌رود.

﴿٦١﴾ باغ‌هایی جاودان که [الله] رحمان از [عالم] غیب [و نادیده] به بندگانش وعده داده است. یقیناً وعده او آمدنی است.

﴿٦٢﴾ در آنجا سخن بیهوده‌ای نمی‌شنوند [و

أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ مِنْ ذُرِّيَةِ آدَمَ وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَمِنْ ذُرِّيَةِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْرَائِيلَ وَمِمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا ﴿٥٨﴾

﴿٥٩﴾ فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غِيًّا ﴿٥٩﴾

﴿٦٠﴾ إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ شَيْئًا ﴿٦٠﴾

﴿٦١﴾ جَنَّاتٍ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدَ الرَّحْمَنُ عِبَادَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّهُ كَانَ وَعْدُهُ مَأْتِيًّا ﴿٦١﴾

﴿٦٢﴾ لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا إِلَّا سَلَامًا ط

وَأَلْهَمَ رِزْقَهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا ﴿٦٢﴾
 گفتارشان] جز سلام [و تحیت نیست]؛ و در آنجا برایشان [هر] صبح و شام روزی [بی حساب فراهم] است.

تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي نُورِثُ مِنْ عِبَادِنَا مَنْ كَانَ تَقِيًّا ﴿٦٣﴾
 (۶۳) این همان بهشتی است که به هر کس از بندگانمان که [در دنیا] پرهیزگار باشد به میراث می دهیم.

وَمَا نَنْزِلُ إِلَّا بِأَمْرِ رَبِّكَ لَهُ مَا بَيْنَ أَيْدِينَا وَمَا خَلْفَنَا وَمَا بَيْنَ ذَلِكَ وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا ﴿٦٤﴾
 (۶۴) و [ای جبرئیل، به محمد بگو:] «[ما فرشتگان] جز به فرمان پروردگارت فرود نمی آیم. او حاکم بر آینده و گذشته و حال ماست؛ و پروردگارت فراموشکار نیست.

رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَاعْبُدْهُ وَاصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَمِيًّا ﴿٦٥﴾
 (۶۵) [همان] پروردگار آسمان ها و زمین و آنچه میان آنهاست؛ پس او را عبادت کن و بر عبادتش شکیبا [و پایدار] باش. آیا [همانند و] همانمی برایش می شناسی؟»

وَيَقُولُ الْإِنْسَانُ أَإِذَا مَا مِثَّ لَسَوْفَ أَخْرَجُ حَيًّا ﴿٦٦﴾
 (۶۶) و انسان [کافر] می گوید: «آیا هنگامی که بمیرم، به راستی مرا زنده [از گور] بیرون خواهند آورد؟»

أَوَلَا يَذْكُرُ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ وَلَمْ يَكْ شَيْئًا ﴿٦٧﴾
 (۶۷) آیا انسان به یاد نمی آورد که ما پیش از این او را آفریدیم، در حالی که هیچ نبود؟

فَوَرَبِّكَ لَنَحْشُرَنَّهُمْ وَالشَّيَاطِينَ ثُمَّ لَنُحْضِرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ
 (۶۸) پس سوگند به پروردگارت که یقیناً آنان [= منکران قیامت] را با شیاطین محشور خواهیم کرد؛ سپس همه را به زانودرآمده

گرداگرد دوزخ حاضر می‌کنیم.

جِثِّيَا ﴿٦٨﴾

(۶۹) سپس از هر گروهی، کسانی را که در برابر [فرمان الله] رحمان سرکش‌تر بوده‌اند بیرون می‌کشیم.

ثُمَّ لَنَنْزِعَنَّ مِنْ كُلِّ شِيعَةٍ أَيُّهُمْ أَشَدُّ عَلَى الرَّحْمَنِ عِتِيًّا ﴿٦٩﴾

(۷۰) آنگاه یقیناً ما به [حال] کسانی که برای [درافتادن به] آن [آتش مهیب] سزاوارترند، داناتریم.

ثُمَّ لَنَحْنُ أَعْلَمُ بِالَّذِينَ هُمْ أَوْلَىٰ بِهَا صِلِيًّا ﴿٧٠﴾

(۷۱) و هیچ یک از شما [مردم] نیست، مگر آنکه وارد آن می‌گردد؛ [مؤمنان برای عبور و دیدن، کافران برای ورود و ماندن]. این [امر]، همواره بر پروردگارت حکمی حتمی است.

وَإِنْ مِّنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ حَتْمًا مَّقْضِيًّا ﴿٧١﴾

(۷۲) سپس کسانی را که پرهیزگاری کرده‌اند [از آتش] نجات می‌دهیم و ظالمان را به‌زانددرآمده در آن رها می‌کنیم.

ثُمَّ نُنجِي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَنَدْرُؤُا الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثِّيًّا ﴿٧٢﴾

(۷۳) و هنگامی که آیات روشن ما بر آنان تلاوت می‌شود، کسانی که کفر ورزیده‌اند به افرادی که ایمان آورده‌اند می‌گویند: «کدام یک از [ما] دو گروه، جایگاهی بهتر و مجلسی نیکوتر دارد؟»

وَإِذَا تُلِيٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَّقَامًا وَأَحْسَنُ نَدِيًّا ﴿٧٣﴾

(۷۴) چه بسیار نسل‌ها را پیش از آنان نابود کردیم که ثروتی بیشتر و ظاهری آراسته‌تر داشتند.

وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِّن قَرْنٍ هُمْ أَحْسَنُ أَثْنًا وَرِعِيًّا ﴿٧٤﴾

قُلْ مَنْ كَانَ فِي الضَّلَالَةِ فَلْيَمْدُدْ لَهُ الرَّحْمَنُ مَدًّا حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ إِمَّا الْعَذَابَ وَإِمَّا السَّعَاةَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ شَرُّ مَكَانًا وَأَضْعَفُ جُنْدًا ﴿٧٥﴾

(۷۵) [ای پیامبر، بگو: «هر کس که در گمراهی است، [الله] رحمان به او مهلت می‌دهد [تا گمراهی‌اش بیشتر شود] تا زمانی که وعده الهی را [به چشم خود] ببینند: یا عذاب [دنیا] یا [کیفر] قیامت. پس به زودی خواهند دانست که چه کسی جایگاهش بدتر و سپاهش ناتوان‌تر است».

وَيَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى وَالْبَقِيَّةَ الصَّالِحِينَ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ مَّرَدًّا ﴿٧٦﴾

(۷۶) و [اما] کسانی که راه‌یافته‌اند، الله بر هدایتشان می‌افزاید؛ و نیکی‌های پایدار [= رفتار و گفتار شایسته] در پیشگاه پروردگارت، پاداشی بهتر و سرانجامی نیکوتر دارد.

أَفَرَأَيْتَ الَّذِي كَفَرَ بِآيَاتِنَا وَقَالَ لَأُوتِيَنَّ مَالًا وَوَلَدًا ﴿٧٧﴾

(۷۷) آیا دیدی آن کسی را که به آیات ما کافر شد و گفت: «قطعاً مال و فرزند [فراوانی در آخرت] به من داده خواهد شد»؟

أَطَّلَعَ الْغَيْبَ أَمِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا ﴿٧٨﴾

(۷۸) آیا او بر غیب آگاهی یافته یا از [الله] رحمان پیمانی گرفته است؟

كَلَّا سَنَكْتُبُ مَا يَقُولُ وَنَمُدُّ لَهُ مِنَ الْعَذَابِ مَدًّا ﴿٧٩﴾

(۷۹) [هرگز] چنین نیست؛ گفته‌اش را می‌نویسیم و بر عذابش می‌افزاییم.

وَنَرِيئُهُ مَا يَقُولُ وَيَأْتِينَا فَرْدًا ﴿٨٠﴾

(۸۰) و آنچه [از اموال و فرزندان] که می‌گوید از او به ارث می‌بریم و [روز قیامت، نیازمند و] تنها نزد ما می‌آید.

وَأَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ عَالِهَةً (۸۱) و [مشركان] به جای الله معبودانی برگزیده‌اند تا [یاور و] پشتیبانشان باشند. ﴿۸۱﴾

كَلَّا سَيَكْفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمْ (۸۲) چنین نیست؛ [بلکه آن معبودها در قیامت] عبادت آنان را انکار خواهند کرد و دشمنشان خواهند بود. ﴿۸۲﴾

أَلَمْ تَرَ أَنَّا أَرْسَلْنَا الشَّيَاطِينَ عَلَى الْكَافِرِينَ تَؤْوَرُهُمْ آزًّا (۸۳) [ای پیامبر،] آیا ندیدی که ما شیاطین را بر کافران فرستادیم تا آنان را [با وسوسه‌های خود] تحریک کنند [و از راه الله بازدارند]؟! ﴿۸۳﴾

فَلَا تَعْجَلْ عَلَيْهِمْ إِنَّمَا نَعُدُّ لَهُمْ عَذَابًا (۸۴) پس درباره [نابودی] آنان شتاب نکن. جز این نیست که ما [روزهای مرگ و فرارسیدن عذاب را] به دقت برایشان می‌شماریم. ﴿۸۴﴾

يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفَدًا (۸۵) [یاد کن از] روزی که پرهیزگاران را [با عزت و احترام] به مهمانی [الله] رحمان گرد می‌آوریم. ﴿۸۵﴾

وَنَسُوقُ الْمُجْرِمِينَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ وَرِدًّا (۸۶) و مجرمان را تشنه‌کام به سوی جهنم می‌رانیم. ﴿۸۶﴾

لَا يَمْلِكُونَ الشَّفْعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا (۸۷) آنان هرگز [توان] شفاعت ندارند؛ مگر کسی که [با ایمان و عمل شایسته‌اش،] از [الله] رحمان پیمانی گرفته باشد. ﴿۸۷﴾

وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا (۸۸) و [مشركان] گفتند: «[الله] رحمان، فرزندی [برای خویش] برگزیده است.» ﴿۸۸﴾

لَقَدْ جِئْتُمْ شَيْئًا إِدًّا ﴿٨٩﴾ به راستی [با این ادعا] چیزی بسیار زشت [به میان] آوردید!

تَكَادُ السَّمَوَاتُ يَتَفَطَّرَنَ مِنْهُ ﴿٩٠﴾ از این [سخن کفرآمیز،] نزدیک است آسمان‌ها از هم بپاشد و زمین بشکافتد و کوه‌ها در هم بشکنند و فروریزند. هَذَا ﴿٩٠﴾

أَنْ دَعَوْا لِلرَّحْمَنِ وَلَدًا ﴿٩١﴾ [چرا] که برای [الله] رحمان فرزندی ادعا کرده‌اند.

وَمَا يَنْبَغِي لِلرَّحْمَنِ أَنْ يَتَّخِذَ ﴿٩٢﴾ و هرگز سزاوار [الله] رحمان نیست که فرزندی برگزیند. وَلَدًا ﴿٩٢﴾

إِنْ كُلُّ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ﴿٩٣﴾ در آسمان‌ها و زمین هیچ کسی نیست، مگر آنکه [در روز قیامت، خاکسار و] بنده‌وار نزد الله رحمان می‌آید. إِلَّا آتَايَ الرَّحْمَنُ عَبْدًا ﴿٩٣﴾

لَقَدْ أَحْصَاهُمْ وَعَدَّهُمْ عَدًّا ﴿٩٤﴾ یقیناً [الله همه] آنان را در شمار آورده و درست برشمرده است.

وَكُلُّهُمْ عَاتِيهِ يَوْمَ الْقِيَمَةِ فَرْدًا ﴿٩٥﴾ و همگی‌شان روز قیامت، تنها [و] تهیدست [نزد او حاضر می‌شوند].

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا ﴿٩٦﴾ کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند یقیناً [الله] رحمان [در دل‌های بندگان]ش محبتی برایشان خواهد نهاد. الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا ﴿٩٦﴾

فَإِنَّمَا يَسَّرْنَاهُ بِلِسَانِكَ لِئُبَشِّرَ بِهِ
 الْمُتَّقِينَ وَنُنذِرَ بِهِ قَوْمًا لُدًّا ﴿٩٧﴾
 (۹۷) [ای پیامبر،] بی تردید، ما این [قرآن] را بر
 زبان تو آسان نمودیم تا پرهیزگاران را با آن
 بشارت دهی و ستیزه‌گران [سرسخت] را بیم
 دهی.

وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِّن قَرْنٍ هَلْ
 يُحِيسُ مِنْهُمْ مِّنْ أَحَدٍ أَوْ تَسْمَعُ
 لَهُمْ رِكْوًا ﴿٩٨﴾
 (۹۸) و چه بسیار نسل‌های گذشته را پیش از
 آنان نابود کردیم. آیا [وجود] هیچ‌یک از آنان را
 احساس می‌کنی یا کمترین صدایی از آنان
 می‌شنوی؟

سُورَةُ طه

سورة طه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

طه ﴿١﴾

(١) طه [= طا. ها].

مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِيَتَشَقَّى ﴿٢﴾
تا در رنج بیفتی.

إِلَّا تَذِكْرَةً لِّمَن يَخْشَى ﴿٣﴾
(٣) [آن را نفرستادیم] مگر آنکه پندی باشد
برای هر کس که [از عذاب الهی] می ترسد.

تَنْزِيلًا مِّمَّنْ خَلَقَ الْأَرْضَ ﴿٤﴾
وَالسَّمَوَاتِ الْعُلَى ﴿٥﴾
آن ذاتی که زمین و آسمان‌های بلند را آفریده
است.

الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى ﴿٥﴾
(٥) [پروردگار] رحمان [آن گونه که شایسته
جلال و مقام اوست] بر عرش قرار گرفت.

لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَمَا تَحْتَ الثَّرَى ﴿٦﴾
(٦) آنچه در آسمان‌ها و زمین و آنچه میان
آنهاست و آنچه زیر خاک [پنهان] است
[همگی] از آن اوست.

وَإِنْ تَجَهَّرَ بِالْقَوْلِ فَإِنَّهُ يَعْلَمُ ﴿٧﴾
السِّرَّ وَأَخْفَى ﴿٧﴾
(٧) و اگر سخن آشکار بگویی [یا آن را پنهان
داری]، [یقیناً او] [راز] نهران و [حتی] نهران تر [از
آن] را نیز می داند.

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْأَسْمَاءُ (۸) الله است که هیچ معبودی [به حق] جز او نیست [و] نیکوترین نام‌ها از آن اوست. ﴿۸﴾ الْحُسْنَىٰ

وَهَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَىٰ ﴿۹﴾ (۹) [ای پیامبر،] آیا خبر موسی به تو رسیده است؟

إِذْ رَأَىٰ نَارًا فَقَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَّعَلِّي آتِيكُم مِّنْهَا بِقَبَسٍ أَوْ أَجْدٍ عَلَى النَّارِ هُدًى ﴿۱۰﴾ (۱۰) آنگاه که آتشی را [از دور] دید و به خانواده‌اش گفت: «[لحظه‌ای] درنگ کنید [که] من آتشی دیده‌ام. شاید شعله‌ای از آن برایتان بیاورم یا کنار آن آتش راهنمایی بیابم.»

فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ يَمُوسَىٰ ﴿۱۱﴾ (۱۱) وقتی نزد آن [آتش] آمد، ندا داده شد که: «ای موسی،

إِنِّي أَنَا رَبُّكَ فَأَخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى ﴿۱۲﴾ (۱۲) به راستی، من پروردگارت هستم؛ پس [برای مناجات با پروردگار] کفش‌هایت را درآور [که] در حقیقت، تو در سرزمین مقدس «طوی» هستی.

وَأَنَا أَخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَىٰ ﴿۱۳﴾ (۱۳) و من تو را [به پیامبری] برگزیدم؛ پس به آنچه وحی می‌شود گوش فرا دار: ﴿۱۳﴾

إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي ﴿۱۴﴾ (۱۴) بی‌تردید، منم «الله» که هیچ معبودی [به حق] جز من نیست؛ پس مرا عبادت کن و برای یاد من نماز برپا دار. ﴿۱۴﴾

إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ أَكَادُ أُخْفِيهَا (۱۵) یقیناً قیامت آمدنی است؛ [ولی] می‌خواهم [وقت] آن را پنهان دارم تا به هر کسی در برابر [کار و] تلاشی که می‌کند پاداش داده شود.

فَلَا يَصُدُّكَ عَنْهَا مَنْ لَّا يُؤْمِنُ بِهَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَتَرْدَى (۱۶) پس مبادا کسی که به آن ایمان ندارد و از هوس‌هایش پیروی می‌کند، تو را از [نیکوکاری و آمادگی برای] آن بازدارد که هلاک می‌شوی.

وَمَا تِلْكَ بِيَمِينِكَ يَمُوسَى (۱۷) و ای موسی، آن چیست به [دست] راستت؟

قَالَ هِيَ عَصَايَ أَتَوَكَّوْا عَلَيَّهَا وَأَهْبَشُ بِهَا عَلَىٰ غَنَمِي وَلِي فِيهَا مَعَارِبُ أُخْرَى (۱۸) او گفت: «این عصای من است؛ بر آن تکیه می‌کنم و با آن برای گوسفندانم [برگ درختان را] فرومی‌ریزم و کارهای دیگری [نیز] با آن دارم [که برآورده می‌کنم].»

قَالَ أَلْقَاهَا يَمُوسَى (۱۹) [الله] فرمود: «ای موسی، آن را بیفکن.»

فَأَلْقَاهَا فَإِذَا هِيَ حَبِيبَةٌ تُسَعَى (۲۰) [موسی] آن را [بر زمین] افکند و ناگهان [تبدیل به] ماری شد که به سرعت می‌خزید.

قَالَ خُذْهَا وَلَا تَخَفْ سَنُعِيدُهَا سِيرَتَهَا الْأُولَى (۲۱) [الله] فرمود: «آن را بگیر و نترس. به زودی آن را به شکل اولش بازمی‌گردانیم.»

وَأَضْمُمُ يَدَكَ إِلَىٰ جَنَاحِكَ تَخْرُجْ (۲۲) و دستت را در بغل کن تا بدون هیچ گزندی [به عنوان] معجزه‌ای دیگر، سفید [و

بَيِّضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ ءَايَةً
أُخْرَى ﴿٢٢﴾

لِنُرِيكَ مِنْ ءَايَاتِنَا الْكُبْرَى ﴿٢٣﴾ [هدف از آرایه این دو معجزه، این بود] که برخی از نشانه‌های بزرگ خویش را به تو نشان دهیم.

أَذْهَبُ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى ﴿٢٤﴾ [اینک] به سوی فرعون برو [که] بی‌تردید، [کفر ورزیده و] سرکشی کرده است.

قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي ﴿٢٥﴾ [موسی] گفت: «پروردگارا، بر [حوصله و] شکیبایی‌ام بیفزای

وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي ﴿٢٦﴾ و کارم را برآیم آسان گردان

وَأَحْلِلْ عُقْدَةَ مِنِّ لِسَانِي ﴿٢٧﴾ و گره از زبانت باز کن

يَفْقَهُوا قَوْلِي ﴿٢٨﴾ تا سختم را دریابند.

وَأَجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِّنْ أَهْلِي ﴿٢٩﴾ و یاوری از [افراد] خاندانم برای من قرار بده؛

هَارُونَ أَخِي ﴿٣٠﴾ هارون، برادرم را.

أَشْدُدْ بِهِ أَزْرِي ﴿٣١﴾ پشتم را با او محکم کن؛

وَأَشْرِكْهُ فِي أَمْرِي ﴿٣٢﴾ و او را در کار [رسالت] من شریک کن

كَيْ نُسَبِّحَكَ كَثِيرًا ﴿٣٣﴾ تا تو را بسیار به پاکی بستاییم

وَنَذْرُكَ كَثِيرًا ﴿٣٤﴾ و بسیار یادت کنیم.

إِنَّكَ كُنْتَ بِنَا بَصِيرًا ﴿٣٥﴾ بی تردید، تو به [حال] ما بینایی.

قَالَ قَدْ أُوتِيتَ سُؤْلَكَ ﴿٣٦﴾ [الله] فرمود: «ای موسی، خواسته‌ات به یَمُوسَى ﴿٣٦﴾ تو داده شد.

وَلَقَدْ مَنَّا عَلَيْكَ مَرَّةً أُخْرَى ﴿٣٧﴾ (۳۷) در حقیقت، ما [بیشتر] یک بار دیگر [نیز] بر تو منت نهاده بودیم.

إِذْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّكَ مَا يُوحَىٰ ﴿٣٨﴾ (۳۸) آنگاه که آنچه را که [باید دربارهٔ حفاظت از تو] الهام می‌شد به مادرت الهام کردیم؛

أَنْ أَوْفَدِيهِ فِي الثَّابُوتِ فَأَفْدِيهِ فِي الْيَمِّ فَلْيَلْقِهِ الْيَمُّ بِالسَّاحِلِ يَأْخُذْهُ عَدُوٌّ لِي وَعَدُوٌّ لَهُ ۗ وَالْقِيَتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةٌ مِّنِّي ۗ وَلِضَمِّعَ عَلَىٰ عَيْنِي ﴿٣٩﴾ (۳۹) که: «او را در صندوقی بگذار و آن [صندوق] را به دریا [= رود نیل] بینداز تا دریا او را به ساحل بیفکند [و] دشمن من و دشمن او، آن را [از آب] بگیرد»؛ و از جانب خویش مهری [در دل‌ها] بر تو افکندم و [تو را حمایت کردم] تا تحت نظرم پرورش یابی.

إِذْ تَمْشِي أُخْتُكَ فَتَقُولُ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ مَن يَكْفُلُهُ ۗ فَرَجَعْنَاكَ إِلَىٰ أُمِّكَ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ ۗ وَفَتَلَّتْ نَفْسًا وَنَجَّيْنَاكَ مِنَ الْغَمِّ وَفَتَنَّاكَ فُتُونًا ۗ فَلَبِثْتَ سِنِينَ فِي أَهْلِ

(۴۰) آنگاه که خواهرت [در پی صندوق تو] راه می‌رفت و [به کسانی که تو را از آب گرفتند] گفت: «می‌خواهید شخصی را به شما نشان دهم که سرپرستی او را به عهده بگیرد؟» پس تو را به مادرت بازگردانیدیم تا چشمش [به دیدارت] روشن گردد و اندوهگین نباشد؛ و [بعدها] تو شخصی [قبطی] را گشتی

مَدِينَ نُمْ جِئْتَ عَلَيَّ قَدْرٍ
 وَ مَا از اندوه [و مجازاتِ قتل] نجات دادیم و
 تو را بارها آزمودیم. پس [از آن،] چند سال بین
 مردم مَدِينَ به سر بردی؛ آنگاه ای موسی، بر
 [طبق] تقدیر [الهی و در زمان مقرر به اینجا]
 آمدی.

وَأَصْطَنَعْتُكَ لِنَفْسِي ﴿٤١﴾
 (۴۱) و تو را برای خودم برگزیدم [تا پیامم را به
 مردم برسانی].

أَذْهَبَ أَنْتَ وَأَخُوكَ بِآيَاتِي وَلَا
 تَنِيَا فِي ذِكْرِي ﴿٤٢﴾
 (۴۲) [اینک] تو و برادرت با نشانه‌های [قدرت و
 یگانگی] من روانه شوید و در [دعوت حق و]
 یاد کردنِ من سستی نورزید.

أَذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ ﴿٤٣﴾
 (۴۳) به سوی فرعون بروید که او [کفر ورزیده
 و] سرکشی کرده است.

فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ
 يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ ﴿٤٤﴾
 (۴۴) پس به نرمی با او سخن بگویند؛ باشد که
 پند گیرد یا [از عذاب الهی] بترسد [و توبه
 کند].

قَالَا رَبَّنَا إِنَّنَا نَخَافُ أَنْ يَقْرُبَ
 عَلَيْنَا أَوْ أَنْ يَطَّعَىٰ ﴿٤٥﴾
 (۴۵) [موسی و هارون] گفتند: «پروردگارا، ما
 بیمناکیم که بر ما پیشدستی نماید [و پیش از
 پایان دعوت، مجازاتمان کند] یا [در برابر سخن
 حق] سرکشی کند».

قَالَ لَا تَخَافَا إِنَّنِي مَعَكُمَا أَسْمَعُ
 وَأَرَىٰ ﴿٤٦﴾
 (۴۶) [الله] فرمود: «نترسید [که] یقیناً من
 همراهتان هستم [و همه چیز را] می‌شنوم و
 می‌بینم».

فَأْتِيَاهُ فَقَوْلَا إِنَّا رَسُولَا رَبِّكَ فَأَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَا تُعَذِّبْهُمْ قَدْ جِئْنَاكَ بِبَيِّنَاتٍ مِّن رَّبِّكَ وَالسَّلَامُ عَلَيَّ مَنِ اتَّبَعَ الْهُدَى ﴿٤٧﴾

(۴۷) پس به سوی او بروید و بگویید: "ما رسولان پروردگارت هستیم. بنی اسرائیل را همراه ما بفرست و آنان را [تحقیر و] آزار نکن. به راستی که ما نشانه‌های روشنی از جانب پروردگارت برای تو آورده‌ایم؛ و سلامتی [از عذاب الهی] بر کسی است که از هدایت پیروی کند.

إِنَّا قَدْ أُوحِيَ إِلَيْنَا أَنَّ الْعَذَابَ عَلَىٰ مَن كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ ﴿٤٨﴾

(۴۸) در حقیقت، به ما وحی شده است که عذاب [دوزخ] بر کسی است که [آیات و معجزات را] تکذیب کند و [از دعوت پیامبرش] روی گرداند".

قَالَ فَمَنْ رَبُّكُمَا يَا مُوسَىٰ ﴿٤٩﴾

(۴۹) [فرعون] گفت: «ای موسی، پروردگار شما کیست؟»

قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَىٰ كُلَّ شَيْءٍ حَلْقَهُ ثُمَّ هَدَىٰ ﴿٥٠﴾

(۵۰) [موسی] گفت: «پروردگار ما [همان] ذاتی است که به هر چیزی آفرینش [= ظاهر و ویژگی‌های مناسب] او را بخشیده و سپس [آن را] هدایت نموده است».

قَالَ فَمَا بَالُ الْقُرُونِ الْأُولَىٰ ﴿٥١﴾

(۵۱) [فرعون] گفت: «پس حال [و سرنوشت] نسل‌های گذشته [که کافر بوده‌اند] چیست؟»

قَالَ عَلِمَهَا عِنْدَ رَبِّي فِي كِتَابٍ لَّا يَضِلُّ رَبِّي وَلَا يَنْسَىٰ ﴿٥٢﴾

(۵۲) [موسی] گفت: «دانش آن در کتابی [= لوح محفوظ] نزد پروردگار من [ثبت] است. پروردگارم نه اشتباه می‌کند و نه فراموش می‌نماید».

الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا
وَسَلَكَ لَكُم فِيهَا سُبُلًا وَأَنْزَلَ
مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ
أَنْزُوجًا مِّن نَّبَاتٍ شَتَّى ﴿٥٣﴾

گیاهان را [از زمین] بیرون آوردیم.

كُلُوا وَارْعَوْا أَنْعَمَكُمُ إِنَّ فِي
ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ ﴿٥٤﴾

چهارپایانتان را [در آن] بچرانید. بی تردید، در این [امور] نشانه‌هایی [از قدرت الهی] برای خردمندان است.

مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا
نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً
أُخْرَى ﴿٥٥﴾

شما را از آن [خاک] آفریدیم و به آن بازمی‌گردانیم و بار دیگر [در قیامت] از آن بیرون می‌آوریم.

وَلَقَدْ أَرَيْنَاهُ آيَاتِنَا كُلَّهَا فَكَذَّبَ
وَأَبَىٰ ﴿٥٦﴾

[و به راستی [ما] همه نشانه‌های [قدرت] خود [و صداقت رسالت موسی] را به او نشان دادیم؛ ولی [همه را] دروغ پنداشت و [دعوت حق را] نپذیرفت.

قَالَ أَجِئْتَنَا لِتُخْرِجَنَا مِنْ أَرْضِنَا
بِسِحْرِكَ يَا مُوسَىٰ ﴿٥٧﴾

[آنگاه] گفت: «ای موسی، آیا نزد ما آمده‌ای که با جادویت ما را از سرزمینمان بیرون کنی؟»

فَلَنَأْتِيَنَّكَ بِسِحْرٍ مِّثْلِهِ فَاجْعَلْ
بَيْنَنَا وَبَيْنَكَ مَوْعِدًا لَا نُخْلِفُهُ

[۵۸] یقیناً ما نیز جادویی مانند آن برایت می‌آوریم؛ پس در مکانی که [فاصله‌اش از هر دو

نَحْنُ وَلَا أَنْتَ مَكَانًا سَوَى ﴿۵۸﴾ طرف] یکسان باشد، وعده‌گاهی میان ما و خود تعیین کن که نه ما از آن خلاف کنیم و نه تو».

قَالَ مَوْعِدُكُمْ يَوْمَ الزَّيْنَةِ وَأَنْ يُحْشَرَ النَّاسُ ضُحَىٰ ﴿۵۹﴾ (۵۹) [موسی] گفت: «وعده‌گاه شما روز عید باشد که [همه] مردم پیش از ظهر جمع می‌شوند».

فَتَوَلَّىٰ فِرْعَوْنُ فَجَمَعَ كَيْدَهُ ثُمَّ أَتَىٰ ﴿۶۰﴾ (۶۰) آنگاه فرعون بازگشت و [تمام] نیرنگ و حيله خویش را جمع کرد و [همراه] جادوگرانش به محل مورد نظر آمد.

قَالَ لَهُمْ مُوسَىٰ وَيْلَكُمْ لَا تَفْتَرُوا عَلَيَّ اللَّهُ كَذِبًا فَيُسْحِتَكُمْ بِعَذَابٍ وَقَدْ خَابَ مَنْ افْتَرَىٰ ﴿۶۱﴾ (۶۱) موسی به آنان گفت: «وای بر شما! بر الله دروغ نبندید که با عذابی [سخت] نابودتان می‌سازد؛ و یقیناً هر کس [با فریب‌دادن مردم بر الله] دروغ بست، زیانکار گشت».

فَتَنَزَّعُوا أَمْرَهُم بَيْنَهُمْ وَأَسْرُوا ﴿۶۲﴾ (۶۲) [جادوگران پس از هشدار موسی] در کارشان میان خود اختلاف ورزیدند و پنهانی گفتگو کردند.

قَالُوا إِنْ هَذَا إِلَّا لَسِحْرَانِ يُرِيدَانِ أَنْ يُخْرِجَاكُم مِّنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِمَا وَيَذْهَبَا بِطَرِيقَتِكُمُ الْمُثَلَّىٰ ﴿۶۳﴾ (۶۳) [برخی از آنان] گفتند: «این دو [نفر] قطعاً جادوگرند [و] با جادوی خویش می‌خواهند شما را از سرزمینتان بیرون کنند و آیین [و راه و رسم] برتر شما را از میان بردارند.

فَأَجْمِعُوا كَيْدَكُمْ ثُمَّ اتُّوْا ﴿۶۴﴾ (۶۴) پس [همه] نیرنگ خویش را فراهم کنید

صَفًّا وَقَدْ أَفْلَحَ الْيَوْمَ مَنِ
 اَسْتَعَلَى ﴿٦٤﴾
 [او به کار بندید]؛ سپس در یک صف [برای
 مبارزه] به پیش آید. بی‌تردید، هرکس امروز
 [بر دشمن] چیره شود، پیروز [و کامیاب]
 گشته است».

قَالُوا يَمُوسَىٰ إِمَّا أَنْ تُلْقَىٰ وَإِمَّا
 أَنْ نَكُونَ أَوْلَٰئِكَ مِنَ الْفَلٰئِكِ ﴿٦٥﴾
 [جادوگران] گفتند: «ای موسی، آیا تو
 [آنچه را با خود داری] می‌افکنی یا [ما]
 نخستین کسی باشیم که می‌افکند؟»

قَالَ بَلْ أَلْقُوا فَإِذَا حِبَالُهُمْ
 وَعِصِيُّهُمْ يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ
 أَنَّهَا تَسْعَىٰ ﴿٦٦﴾
 [موسی] گفت: «[نه]، بلکه، شما بیفکنید».
 ناگاه ریسمان‌ها و چوبدستی‌های آنان از
 جادویشان چنان به نظرش رسید که گویی
 به شتاب می‌خزند.

فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً
 مُوسَىٰ ﴿٦٧﴾
 پس موسی در دلش ترسی احساس کرد.

قُلْنَا لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ
 الْأَعْلَىٰ ﴿٦٨﴾
 [٦٨] گفتیم: «نترس [که] تو قطعاً [پیروز و]
 برتری».

وَأَلْقَىٰ مَا فِي يَمِينِكَ تَلْقَفَ مَا
 صَعَوْا وَإِنَّمَا صَعُؤُا كَيْدُ سِحْرٍ
 وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَىٰ ﴿٦٩﴾
 [٦٩] و آنچه را که در دست راست خود داری
 بیفکن تا [تمام] آنچه را که ساخته‌اند ببلعد.
 بی‌تردید، آنچه آنان ساخته‌اند، فقط نیرنگ
 جادوگر است و جادوگر هر جا که باشد [و هر
 چه کند]، پیروز نمی‌گردد».

فَأَلْقَى السَّحْرَةَ سَجْدًا قَالُوا ءَامَنَّا

[٧٠] هنگامی که موسی عصایش را بر زمین

انداخت، به مار بزرگی تبدیل شد و ساخته‌های آنان را بلعید [آنگاه جادوگران به سجده افتادند [و] گفتند: «به پروردگار هارون و موسی ایمان آوردیم».

يَرْبِّ هَارُونَ وَمُوسَى ﴿٧٠﴾

(۷۱) [فرعون] گفت: «آیا پیش از آنکه به شما اجازه دهم به او ایمان آوردید؟ قطعاً او بزرگ شماس است که به شما جادوگری آموخته است. پس قطعاً دست و پای شما را بر عکس یکدیگر [از چپ و راست] قطع می‌کنم و همگی‌تان را از تنه‌های نخل به دار می‌آویزم و آنگاه خوب خواهید دانست که عذاب [و شکنجه] کدام یک از ما سخت‌تر و پاینده‌تر است؛ [من یا پروردگار موسی]».

قَالَ ءَامَنْتُمْ لَهُ قَبْلَ اَنْ ءَاذَنَ لَكُمْ اِنَّهُ لَكَبِيرُكُمْ الَّذِي عَلَّمَكُمْ السِّحْرَ فَلَا قُطْعَنَ اَيْدِيكُمْ وَاَرْجُلَكُمْ مِّنْ خِلَافٍ وَّلَا صَلْبَيْنَكُمْ فِي جُدُوعِ النَّخْلِ وَاَتَعَلَّمَنَّ اَيْتًا اَشَدُّ عَذَابًا وَاَبْقَى ﴿٧١﴾

(۷۲) [جادوگران] گفتند: «هرگز [پیروی از] تو را بر این دلایل روشنی که برایمان آمده است و [همچنین] بر آن که ما را آفریده است ترجیح نمی‌دهیم؛ پس به هر حکمی که می‌خواهی، حکم کن. تو فقط می‌توانی در زندگی این دنیا حکم کنی.

قَالُوا لَنْ نُؤْتِرَكَ عَلٰی مَا جَاءَنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالَّذِي فَطَرَنَا فَاقْضِ مَا اَنْتَ قَاضٍ اِنَّمَا تَقْضِي هٰذِهِ الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا ﴿٧٢﴾

(۷۳) بی‌تردید، ما به پروردگارمان ایمان آوردیم تا گناهانمان و آنچه را از جادوگری بر ما تحمیل کردی ببخشاید؛ و الله بهتر و پاینده‌تر است».

اِنَّا ءَامَنَّا بِرَبِّنَا لِيَغْفِرَ لَنَا خَطٰیٰنَا وَمَا اَكْرَهْتَنَا عَلَیْهِ مِنَ السِّحْرِ وَاَللّٰهُ خَيْرٌ وَّاَبْقَى ﴿٧٣﴾

إِنَّهُ مَن يَأْتِ رَبَّهُ مُجْرِمًا فَإِنَّ لَهُ جَهَنَّمَ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَى ﴿٧٤﴾

(۷۴) هرکس در پیشگاه پروردگارش، گناهکار حاضر شود، یقیناً آتش دوزخ برای اوست؛ در آنجا نه می‌میرد [که رهایی یابد] و نه [به خوشی] زندگی کند.

وَمَن يَأْتِهِ مُؤْمِنًا قَدْ عَمِلَ الصَّالِحَاتِ فَأُولَٰئِكَ لَهُمُ الدَّرَجَاتُ الْعُلَى ﴿٧٥﴾

(۷۵) و هرکس مؤمن نزد او تعالی بیاید در حالی که کارهای شایسته انجام داده باشد، اینان درجات عالی دارند.

جَنَّتْ عَدْنٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَٰلِكَ جَزَاءُ مَن تَزَكَّى ﴿٧٦﴾

(۷۶) باغ‌های جاودان [بهشت] که جویبارها زیر [درختان] آن جاری است. همیشه در آن خواهند بود؛ و این است پاداش کسی که خود را [از آلودگی‌های شرک و گناه] پاک کرده است.

وَلَقَدْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَن أَسْرِ بِعِبَادِي فَاصْرِبْ لَهُمُ ظَرِيفًا فِي الْبَحْرِ يَبَسًا لَا تَخَفْ دَرَكًا وَلَا تَخْشَى ﴿٧٧﴾

(۷۷) و به راستی [ما] به موسی وحی کردیم که: «بندگانم را شبانه [از مصر بیرون] ببر، سپس در دریا راهی خشک برایشان بگشا، که نه از تعقیب [دشمنان] خواهی ترسید و نه [از غرق شدن در دریا] بیم داری».

فَاتَّبَعَهُمُ فِرْعَوْنُ بِجُنُودِهِ فَغَشِيَهُم مِّنَ اللَّيْمِ مَا غَشِيَهُمْ ﴿٧٨﴾

(۷۸) آنگاه فرعون با سپاهیان‌اش آنان را دنبال کرد و آب دریا آنان را فروپوشاند؛ چنان پوشاندنی [که حقیقتش را کسی جز الله نمی‌داند].

وَأَصْلَ فِرْعَوْنُ قَوْمُهُ، وَمَا هَدَىٰ ﴿٧٩﴾ و [بدین سان] فرعون قوم خود را گمراه نمود و هدایت نکرد. ﴿٧٩﴾

يَبْنِي إِسْرَائِيلَ قَدْ أَجْجَيْتَكُم مِّنْ عَدْوِكُمْ وَوَعَدْنَا جَانِبَ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّاءَ وَالسَّلْوَىٰ ﴿٨٠﴾ [چنگ] دشمنانتان نجات دادیم و در سمت راست [کوه] طور با شما وعده گذاشتیم [تا تورات را نازل کنیم] و بر شما تَرَنجبین و بلدرچین فرفرستادیم. ﴿٨٠﴾

كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَلَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي ۗ وَمَن يَحِلِّ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَىٰ ﴿٨١﴾ (۸۱) از نعمت‌های پاکیزه‌ای که به شما روزی داده‌ایم بخورید و در آن زیاده‌روی نکنید که خشم من بر شما فرود می‌آید؛ و هرکس که خشم من بر او فرود آید، قطعاً هلاک می‌گردد. ﴿٨١﴾

وَإِنِّي لَعَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَىٰ ﴿٨٢﴾ (۸۲) و یقیناً من آمرزنده کسی هستم که توبه کند و ایمان آورد و کاری شایسته کند و آنگاه بر هدایت [خود باقی] بماند. ﴿٨٢﴾

وَمَا أَعْجَلَكَ عَن قَوْمِكَ يَمُوسَىٰ ﴿٨٣﴾ (۸۳) ای موسی، چه چیز موجب شد که جلوتر از قومت [به سوی وعده‌گاه طور] بشتابی؟ ﴿٨٣﴾

قَالَ هُمْ أَوْلَاءُ عَلَىٰ أَثْرِي وَعَجِلْتُ إِلَيْكَ رَبِّ لِتَرْضَىٰ ﴿٨٤﴾ (۸۴) [موسی] گفت: «پروردگارا، آنان به دنبال من می‌آیند و من به سویت شتافتم تا [از من] راضی گردی.» ﴿٨٤﴾

قَالَ فَإِنَّا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَكَ مِن

بَعْدِكَ وَأَضَلَّهُمُ السَّامِرِيُّ ﴿٨٥﴾ پس از [رفتن] تو آزمودیم و سامری گمراهشان کرد.»

فَرَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ يَقَوْمِ أَلَمْ يَعِدْكُمْ رَبُّكُمْ وَعَدًّا حَسَنًا أَفْتَالٌ عَلَيْكُمُ الْعَهْدُ أَمْ أَرَدْتُمْ أَنْ يَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبٌ مِّن رَّبِّكُمْ فَأَخْلَفْتُم مَّوْعِدِي ﴿٨٦﴾ (۸۶) آنگاه موسی خشمگین [و] اندوهناک به سوی قومش بازگشت [و] گفت: «ای قوم من، مگر پروردگارتان [درباره نزل تورات] وعده نیکو به شما نداده بود؟ آیا بر پیمان شما [با الله] زمانی طولانی گذشت [و همه را از یاد بردید] یا خواستید خشمی از [سوی] پروردگارتان بر شما فرود آید که وعده مرا خلاف کردید؟»

قَالُوا مَا أَخْلَفْنَا مَوْعِدَكَ بِمَلِكِنَا وَلَكِنَّا حُمِلْنَا أَوْزَارًا مِّن زِينَةِ الْقَوْمِ فَقَذَفْنَاهَا فَكَذَلِكَ أَلْقَى السَّامِرِيُّ ﴿٨٧﴾ (۸۷) آنان گفتند: «[ما] به اختیار خود پیمان تو را نشکستیم؛ ولی بارهای سنگینی از زر و زیورهای قوم [فرعون] را که بر ما نهاده بودند [در آتش] انداختیم و سامری نیز [آنچه را که ادعا می کرد خاکِ سُمِ اسب جبرئیل است، در آتش] انداخت.»

فَأَخْرَجَ لَهُمْ عِجْلًا جَسَدًا لَهُ خُورٌ فَقَالُوا هَذَا إِلَهُكُم وَإِلَهُ مُوسَىٰ فَنَسِيَ ﴿٨٨﴾ (۸۸) سپس مجسمه گوساله‌ای برایشان ساخت که صدایی [همچون صدای گوساله] داشت. [سامری و پیروانش به مردم] گفتند: «این معبود شما و معبود موسی است که آن را فراموش [و اینجا رها] کرده است.»

أَفَلَا يَرَوْنَ أَلَّا يَرْجِعُ إِلَيْهِمْ قَوْلًا بَاطِلًا يَخْتَلِفُونَ فِيهِ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ﴿٨٩﴾ (۸۹) آیا نمی‌دیدند که [این گوساله] هیچ پاسخی به آنها نمی‌دهد و هیچ زیان و سودی

وَلَا يَمْلِكُ لَهُمْ صَرًّا وَلَا نَفْعًا ﴿٨٩﴾ برایشان ندارد؟

وَلَقَدْ قَالَ لَهُمْ هَارُونُ مِنْ قَبْلُ
يَقَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهِ وَإِنَّ
رَبَّكُمْ الرَّحْمَنُ فَاتَّبِعُونِي
وَأَطِيعُوا أَمْرِي ﴿٩٠﴾

(۹۰) و در حقیقت، پیش از آن [که موسی بازگردد]، هارون نیز به آنها گفته بود: «ای قوم من، جز این نیست که شما با این [گوساله] امتحان شده‌اید و بی‌تردید، پروردگار [حقیقی] شما [الله] رحمان است؛ پس پیرو من باشید و از فرمانم اطاعت کنید».

قَالُوا لَنْ نَبْرَحَ عَلَيْهِ عَافِيَةً
حَتَّىٰ يَرْجِعَ إِلَيْنَا مُوسَىٰ ﴿٩١﴾

(۹۱) [آنان] گفتند: «ما پیوسته بر این [عبادت گوساله] می‌مانیم تا موسی نزدمان بازگردد».

قَالَ يَهْرُونَ مَا مَنَعَكَ إِذْ رَأَيْتَهُمْ
ضَلُّوا ﴿٩٢﴾

(۹۲) [وقتی موسی بازگشت] گفت: «ای هارون، هنگامی که دیدی آنان گمراه شده‌اند، چه چیزی تو را بازداشت

أَلَا تَتَّبِعَنِ أَفَعَصَيْتَ أَمْرِي ﴿٩٣﴾

(۹۳) که از من پیروی نکنی [چرا آنان را ترک نکردی و به من نپیوستی]؟ آیا از فرمانم سرپیچی کردی؟»

قَالَ يَبْنَؤُمَّ لَا تَأْخُذْ بِلِحْيَتِي وَلَا
بِرَأْسِي ۗ إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ
فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَمْ
تَرْقُبْ قَوْلِي ﴿٩٤﴾

(۹۴) [هارون] گفت: «ای پسر مادرم، ریش و [موی] سرم را نگیر. در حقیقت، ترسیدم که بگویی میان بنی‌اسرائیل تفرقه انداختی و سخن [و سفارش] مرا به کار نبستی».

قَالَ فَمَا خَطْبُكَ يَسْمِرِيُّ ﴿٩٥﴾

(۹۵) [موسی] گفت: «ای سامری، این چه کاری است که کردی؟»

قَالَ بَصُرْتُ بِمَا لَمْ يَبْصُرُوا بِهِ ۖ فَقَبَضْتُ قَبْضَةً مِّنْ أَثَرِ الرَّسُولِ فَنَبَذْتُهَا وَكَذَلِكَ سَوَّلْتُ لِي نَفْسِي ﴿٩٦﴾

(۹۶) او گفت: «من چیزی را دیدم که آنان ندیدند و مُشتی از خاک پای [اسب] فرستاده [= جبرئیل] را برداشتم و [در پیکر گوساله] انداختم و [هوای] نفسم [این کار را] اینچنین برایم آراست.»

قَالَ فَأَذْهَبُ فَإِنَّ لَكَ فِي الْحَيَاةِ أَنْ تَقُولَ لَا مِسَاسٌ وَإِنَّ لَكَ مَوْعِدًا لَّنْ نُخْلَفَهُ ۗ وَأَنْظُرْ إِلَىٰ إِلَهِكَ الَّذِي ظَلْتَ عَلَيْهِ عَاكِفًا لَّنُحَرِّقَنَّهُ ۖ ثُمَّ لَنَنْسِفَنَّهُ فِي الْيَمِّ نَسْفًا ﴿٩٧﴾

(۹۷) [موسی] گفت: «پس برو. بی تردید، بهره تو در زندگی این است که [چنان مطرود شوی که به مردم] بگویی: "[به من] دست نزنید؛ و وعده‌گاهی [برای عذاب] خواهی داشت که هرگز از آن تخلف نخواهد شد؛ و [اکنون] به آن معبودی که پیوسته در عبادتش بودی بنگر؛ آن را می‌سوزانیم، آنگاه [که کاملاً خاکستر شد،] در دریا پراکنده‌اش می‌سازیم.»

إِنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا ﴿٩٨﴾

(۹۸) [ای مردم،] معبود شما الله است که هیچ معبودی [به‌حق] جز او نیست و علمش همه چیز را فراگرفته است.

كَذَلِكَ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ مَا قَدْ سَبَقَ ۗ وَقَدْ آتَيْنَاكَ مِن لَّدُنَّا ذِكْرًا ﴿٩٩﴾

(۹۹) [ای پیامبر،] این گونه از اخبار [داستان‌های پیامبران] گذشته بر تو حکایت می‌کنیم؛ و به راستی که [ما] از جانب خویش به تو قرآنی [پندآموز] داده‌ایم.

مَنْ أَعْرَضَ عَنْهُ فَإِنَّهُ يَجْمَلُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وِزْرًا ﴿١٠٠﴾

(۱۰۰) هرکس از آن رویگردان شود، یقیناً روز قیامت بار سنگینی [از گناه] بر دوش خواهد کشید.

خَلْدَيْنَ فِيهِ وِسَاءَ لَهُمَّ يَوْمَ ۞ (۱۰۱) جاودانه در آن [عذاب] خواهند ماند؛ و چه بد است باری که [کافران] در قیامت خواهند کشید!

يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ وَنَحْشُرُ ۞ (۱۰۲) روزی که در «صور» دمیده می‌شود و در آن روز، مجرمان را [که بسیار ترسیده‌اند، با چشم و بدن] کبود جمع می‌کنیم.

يَتَخَفَتُونَ بَيْنَهُمْ إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا ۞ (۱۰۳) بین خود آهسته سخن می‌گویند: «[شما] بیش از ده روز [در دنیا] به سر نبرده‌اید».

نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ إِذْ يَقُولُ ۞ (۱۰۴) ما به آنچه آنان می‌گویند داناتریم؛ آنگاه که خردمندترینشان می‌گوید: «[شما] تنها یک روز به سر برده‌اید».

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْجِبَالِ فَقُلْ ۞ (۱۰۵) و [ای پیامبر،] از تو درباره کوه‌ها [در قیامت] می‌پرسند؛ بگو: «پروردگرم آنان را سخت متلاشی [و پراکنده] می‌کند؛

فَيَذَرُهَا قَاعًا صَفْصَفًا ۞ (۱۰۶) و آنها را صاف و هموار خواهد نمود؛

لَا تَرَى فِيهَا عِوَجًا وَلَا أَمْتًا ۞ (۱۰۷) [همچون زمینی] که در آن هیچ پستی و بلندی‌ای نمی‌بینی».

يَوْمَئِذٍ يَتَّبِعُونَ الدَّاعِيَ لَا عِوَجَ لَهُ وَخَشَعَتِ الْأَصْوَاتُ لِلرَّحْمَنِ ۞ (۱۰۸) در آن روز، [همه مردم] بدون هیچ مخالفتی از دعوت‌کننده [الهی] پیروی

می‌کنند و صداها در مقابل [الله] رحمان به خاموشی می‌گراید و جز صدایی آهسته [و زیر لب، چیزی] نمی‌شنوی.

فَلَا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْسًا ﴿١٠٨﴾

(۱۰۹) در آن روز، شفاعت [هیچ کس] سودی ندارد، مگر کسی که [الله] رحمان به او اجازه دهد و سخنش را بپسندد.

يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا ﴿١٠٩﴾

(۱۱۰) [الله] آنچه را که انسان‌ها [در آخرت] در پیش دارند و آنچه را که [در دنیا] پشت سر گذاشته‌اند [همه را] می‌داند؛ ولی دانش آنان او را فرامی‌گیرد.

يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِهِ عِلْمًا ﴿١١٠﴾

(۱۱۱) و چهره‌ها در برابر [پروردگار] زنده بایدار، خوار می‌گردد و هرکس [بار] ستم برداشت، زیان دید.

وَوَعَتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ ﴿١١١﴾
وَقَدْ حَآبَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا ﴿١١٢﴾

(۱۱۲) و کسی که از کارهای شایسته انجام دهد، و مؤمن باشد، نه از هیچ ستمی می‌هراسد و نه از کاستن [پاداش اعمال نیکش].

وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا يَخَافُ ظُلْمًا وَلَا هَضْمًا ﴿١١٢﴾

(۱۱۳) و اینچنین آن را قرآنی [به زبان] عربی نازل کردیم و هشدارهای گوناگون در آن بیان نمودیم؛ باشد که [از عذاب الهی] بپرهیزند یا [این کتاب] برایشان پندی پدید آورد.

وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا وَصَرَّفْنَا فِيهِ مِنَ الْوَعِيدِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ أَوْ يُحْدِثُ لَهُمْ ذِكْرًا ﴿١١٣﴾

(۱۱۴) پس بلندمرتبه است الله که فرمانروای

فَتَعَلَى اللَّهِ الْمَلِكُ الْحَقُّ ﴿١١٤﴾ وَلَا

تَعَجَّلْ بِالْفُرْعَانِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَىٰ إِلَيْكَ وَحْيُهُ وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا ﴿١١٤﴾

حق است. و در [خواندن] قرآن - پیش از آنکه وحی آن بر تو پایان یابد - شتاب مکن؛ و بگو: «پروردگارا، بر دانشم بیفزای.»

وَلَقَدْ عَاهَدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِنْ قَبْلِ فَنَسِيَ وَلَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا ﴿١١٥﴾

(۱۱۵) به راستی، پیش از این با آدم پیمان بستیم [که از میوه درخت ممنوعه نخورد]؛ ولی [پیمانش را] فراموش کرد و عزمی [استوار] در او نیافتیم.

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ ﴿١١٦﴾

(۱۱۶) و [یاد کن از] هنگامی که به فرشتگان گفتیم: «برای آدم سجده کنید»؛ پس [همگی] سجده کردند، مگر ابلیس که سرپیچی نمود.

فَقُلْنَا يَا آدَمُ إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَكَ وَلِزَوْجِكَ فَلَا يُخْرِجَنَّكَ مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَىٰ ﴿١١٧﴾

(۱۱۷) گفتیم: «ای آدم، این [ابلیس] دشمنی برای تو و همسرت است؛ مبادا شما را از بهشت بیرون کند که به سختی می‌افتی.

إِنَّ لَكَ أَلًا تَجُوعَ فِيهَا وَلَا تَعْرَىٰ ﴿١١٨﴾

(۱۱۸) در حقیقت، تو این [نعمت را در بهشت] داری که نه گرسنه می‌شوی و نه برهنه می‌مانی.

وَأَنَّكَ لَا تَظْمَأُ فِيهَا وَلَا تَصْحَىٰ ﴿١١٩﴾

(۱۱۹) و اینکه در آنجا نه تشنه می‌شوی و نه آفتاب‌زده.

فَوَسَّوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَىٰ شَجَرَةٍ

(۱۲۰) اما شیطان او را وسوسه کرد [و] گفت: «ای آدم، آیا [می‌خواهی] درخت جاودانگی و

أَخْلُدِ وَمُلْكٍ لَا يَبْلَى ﴿١٢٠﴾ فرمانروایی فناپذیر را به تو نشان دهم؟»

فَأَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتَ لَهُمَا سَوَاءُتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجِنَّةِ وَعَصَىٰ عَادَمُ رَبَّهُ فَغَوَىٰ ﴿١٢١﴾ (۱۲۱) آنگاه از آن [درخت ممنوعه] خوردند و شرمگاهشان بر آنان نمایان شد و به قراردادن برگ [درختان] بهشت بر خود شروع کردند [تا عورتشان را ببوشانند]؛ و [اینچنین بود که] آدم از پروردگارش سرپیچی کرد و به بیراهه رفت.

ثُمَّ اجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَتَابَ عَلَيْهِ وَهَدَىٰ ﴿١٢٢﴾ (۱۲۲) سپس پروردگارش او را برگزید و توبه‌اش را پذیرفت و هدایتش کرد.

قَالَ أَهْبِطَا مِنْهَا جَمِيعًا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ فِيمَا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَىٰ ﴿١٢٣﴾ (۱۲۳) فرمود: «[شما دو تن همراه ابلیس] همگی از بهشت فرود آید، در حالی که دشمن یکدیگرید. اگر از [جانب] من رهنمودی برایتان رسید، [بدانید] هرکس از هدایتم پیروی کند، نه گمراه می‌شود و نه [از عذاب دوزخ] به رنج می‌افتد.»

وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَىٰ ﴿١٢٤﴾ (۱۲۴) و کسی که از یاد من رویگردان شود، یقیناً زندگی سختی خواهد داشت و روز قیامت او را نابینا برمی‌انگیزیم.

قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَىٰ وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا ﴿١٢٥﴾ (۱۲۵) وی می‌گوید: «پروردگارا، چرا مرا نابینا برانگیختی؛ حال آنکه [در دنیا] بینا بودم؟»

قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا مَا بَرَّتُوا اللَّهَ فَكُنْتُمْ آيَاتٍ ﴿١٢٦﴾ (۱۲۶) [الله] می‌فرماید: «همان طور که آیات ما بر تو آمد و آنها را به فراموشی سپردی،

فَنَسِيهَا^ط وَكَذَلِكَ^ط الْيَوْمَ تُنسى ﴿١٢٦﴾ امروز تو [نیز] به همان صورت فراموش می‌شوی».

وَكَذَلِكَ^ط نَجَزِي مَنْ أَسْرَفَ وَلَمْ يُؤْمِنْ بِآيَاتِ رَبِّهِ^ط وَلَعَذَابُ^ط الْآخِرَةِ^ط أَشَدُّ وَأَبْقَى ﴿١٢٧﴾ و کسی را که [در گمراهی و گناه] زیاده‌روی کند و به آیات پروردگارش ایمان نیاورد، این گونه کیفر می‌دهیم؛ و قطعاً عذاب آخرت شدیدتر و پایدارتر است.

أَفَلَمْ^ط يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسْكِنِهِمْ^ط إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّأُولِي^ط النَّهْيِ ﴿١٢٨﴾ آیا برای هدایتشان کافی نیست که [بدانند] چه نسل‌هایی را پیش از آنان نابود کردیم که [اکنون این مشرکان] در خانه‌های آنان [= نسل‌های گذشته] راه می‌روند؟ به راستی در این [نکته،] نشانه‌هایی [عبرت‌انگیز] برای خردمندان است.

وَلَوْلَا^ط كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَكَانَ لِرِمَامًا^ط وَآجَلٌ مُّسَمًّى ﴿١٢٩﴾ و اگر از سوی پروردگارت سخنی [درباره اتمام حجت با مردم] نگذشته بود و سررسیدی معین در کار نبود، قطعاً [عذاب الهی در همین دنیا بر آنان] لازم می‌شد.

فَأَصْبِرْ^ط عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا^ط وَمِنْ عَآنَائِ^ط اللَّيْلِ فَسَبِّحْ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْضَىٰ ﴿١٣٠﴾ پس [ای پیامبر،] بر آنچه می‌گویند شکیبا باش و پروردگارت را پیش از طلوع آفتاب [در نماز صبح] و پیش از غروب [در نماز عصر] به پاکی ستایش کن و ساعاتی از شب [در نماز عشاء] و کناره‌های روز [در نماز ظهر و مغرب نیز به نیایش پرداز]؛ باشد که [از پاداش الهی] راضی شوی.

وَلَا تَمَدَّنْ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ ﴿١٣١﴾

(۱۳۱) و هرگز به [نعمت‌های دنیوی و] آنچه که گروه‌هایی از آنان [= مشرکان] را از آنها بهره‌مند ساخته‌ایم چشم ندوز. اینها [فقط] زینتِ زندگی دنیاست تا آنان را به آن بیازماییم؛ و روزیِ پروردگارت بهتر و پایدارتر است.

وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَىٰ ﴿١٣٢﴾

(۱۳۲) و خانواده‌ات را به نماز فرمان بده و [خود] بر [انجام] آن شکیبا باش. [ما] از تو روزی نمی‌خواهیم، [بلکه] خود به تو روزی می‌دهیم؛ و سرانجام نیک، برای [اهل] پرهیز است.

وَقَالُوا لَوْلَا يَأْتِينَا بِآيَةٍ مِّن رَّبِّهِ ۗ أَلَمْ تَأْتِهِم بَيِّنَةٌ مِّن فِي الصُّحُفِ الْأُولَىٰ ﴿١٣٣﴾

(۱۳۳) [مشرکان] گفتند: «چرا [محمد] معجزه‌ای از جانب پروردگارش برای ما نمی‌آورد؟» بگو: «آیا [قرآن به عنوان] دلیل روشن [و تصدیق‌کننده] آنچه در کتاب‌های پیشین است برایشان نیامده است؟»

وَلَوْ أَنَّا أَهْلَكْنَاهُمْ بِعَذَابٍ مِّن قَبْلِهِ لَقَالُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِّن قَبْلِ أَنْ نَذِلَّ وَنَخْزَىٰ ﴿١٣٤﴾

(۱۳۴) اگر ما آنان را پیش از آن [که پیامبر و کتاب آسمانی بیاید] با عذابی هلاک می‌کردیم، قطعاً [روز قیامت مشرکان] می‌گفتند: «پروردگارا، چرا پیامبری به سویمان نفرستادی تا پیش از آنکه خوار و رسوا شویم از آیات تو پیروی کنیم؟»

قُلْ كُلُّ مُتَرَبِّصٍ فَتَرَبِّصُوا^{طه} (۱۳۵) [ای پیامبر، به آنان] بگو: «همه منتظرند؛ پس شما [نیز] منتظر باشید. به زودی خواهید دانست که رهروانِ راه راست چه کسانی هستند و هدایت یافته کیست».

الصِّرَاطِ السَّوِيِّ وَمَنِ اهْتَدَى ﴿۱۳۵﴾

سُورَةُ الْأَنْبِيَاءِ

سورة انبياء

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

أَقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي
 غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ ﴿١﴾

(۱) [زمان] حساب مردم نزدیک شده است و
 آنان در ناآگاهی [از بازخواستِ آخرت]
 رویگردانند.

مَا يَأْتِيهِمْ مِّنْ ذِكْرٍ مِّن رَّبِّهِمْ
 مُّحَدِّثٍ إِلَّا أَسْتَمِعُوهُ وَهُمْ
 يَلْعَبُونَ ﴿٢﴾

(۲) هیچ پند تازه‌ای از جانب پروردگارشان
 برای آنان نمی‌آید، مگر آنکه بازی‌کنان به آن
 گوش می‌دهند.

لَا هَيْبَةَ قُلُوبُهُمْ ۗ وَأَسْرُوا التَّجْوَىٰ
 الَّذِينَ ظَلَمُوا هَلْ هَذَا إِلَّا بَشْرٌ
 مِّثْلُكُمْ أَفَتَأْتُونَ السَّحَرَ وَأَنْتُمْ
 تُبْصِرُونَ ﴿٣﴾

(۳) [پیام الهی را در حالی می‌شنوند که]
 دل‌هایشان غافل است؛ و کسانی که [کافر و]
 ستمکار بودند، نجوهایشان را پنهان کردند [و
 گفتند: «آیا این [مدعی پیامبری]، جز بشری
 همچون شماست؟ آیا در حالی که [حقیقت را]
 می‌بینید، به جادو روی می‌آورید؟»

قَالَ رَبِّي يَعْلَمُ الْقَوْلَ فِي السَّمَاءِ
 وَالْأَرْضِ ۗ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٤﴾

(۴) [پیامبر] گفت: «پروردگارم هر سخنی را
 که در آسمان و زمین باشد می‌داند و او شنوای
 داناست.»

بَلْ قَالُوا أَضْغَثٌ أَحْلَمِ بَلِ
 أَفْتَرْنَاهُ بَلْ هُوَ شَاعِرٌ فَلْيَأْتِنَا بَيِّنَاتٍ

(۵) بلکه [کافران در ستیز با قرآن] گفتند:
 «[آنچه محمد می‌گوید] خواب‌هایی آشفته
 است؛ بلکه آن را به دروغ [به الله] نسبت

می‌دهد؛ [نه،] بلکه او شاعر است. پس [اگر راست می‌گوید،] معجزه‌ای برایمان بیاورد، چنان که پیامبران پیشین [نیز با معجزات] فرستاده شدند».

كَمَا أَرْسِلَ الْأَوْلُونَ ﴿۵﴾

(۶) پیش از آنان [نیز ساکنان هر] شهری که نابودش می‌کردیم [به آیات و معجزات ما] ایمان نیاورده بودند. پس آیا [اینها] ایمان می‌آورند؟

مَا ءَامَنَتْ قَبْلَهُمْ مِّن قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَفَهُمْ يُؤْمِنُونَ ﴿۶﴾

(۷) و [ای پیامبر،] پیش از تو جز مردانی که به آنان وحی می‌کردیم [برای هدایت مردم] نفرستادیم؛ پس [ای کافران،] اگر نمی‌دانید، از اهل کتاب بپرسید.

وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ إِلَّا رِجَالًا نُّوحِي إِلَيْهِمْ فَسَلُّوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِن كُنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿۷﴾

(۸) و [ما] آنان را بیکرهایی [مخالف سرشت و طبیعت بشری] که غذا نخوردند قرار ندادیم و [در دنیا نیز] جاودان نبودند.

وَمَا جَعَلْنَاهُمْ جَسَدًا لَّا يَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَمَا كَانُوا خَالِدِينَ ﴿۸﴾

(۹) سپس وعده‌ای را که [درباره پیروزی و نجات] به آنان داده بودیم تحقق بخشیدیم و آنان را به همراه هرکس که خواستیم نجات دادیم و اسرافکاران [کافر] را نابود کردیم.

ثُمَّ صَدَقْنَاهُمُ الْوَعْدَ فَأَنْجَيْنَاهُمْ وَمَنْ نَشَاءُ وَأَهْلَكْنَا الْمُسْرِفِينَ ﴿۹﴾

(۱۰) بی‌تردید، کتابی به سویتان نازل کردیم که عزت [و شرف دنیا و آخرت] شما در آن است. آیا نمی‌اندیشید؟

لَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ كِتَابًا فِيهِ ذِكْرُكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿۱۰﴾

وَكَمْ قَصَمْنَا مِنْ قَرْيَةٍ كَانَتْ
ظَالِمَةً وَأَنْشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا
ءَاخِرِينَ ﴿١١﴾

(۱۱) چه بسیار شهرهایی را که [ساکنانش]
ستمکار بودند در هم شکستیم و پس از آنان
گروهی دیگر پدید آوردیم.

فَلَمَّا أَحْسَوْا بِأَسْنَاءِ إِذَا هُمْ مِّنْهَا
يَرْكُضُونَ ﴿١٢﴾

(۱۲) هنگامی که عذاب ما را احساس می کردند
[و به چشم می دیدند،] ناگاه از آنجا می گریختند.

لَا تَرْكُضُوا وَأَرْجِعُوا إِلَىٰ مَا
أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَمَسْكِنِكُمْ
لَعَلَّكُمْ تَسْأَلُونَ ﴿١٣﴾

(۱۳) [به تمسخر گفتیم:] «فرار نکنید. به
سوی خانه هایتان و نعمت هایی که در آن
آسوده بودید بازگردید؛ باشد که [فقط درباره
امور دنیوی] بازخواست شوید».

قَالُوا يَوَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿١٤﴾

(۱۴) گفتند: «وای بر ما [که] قطعاً ستمکار
بوده ایم!»

فَمَا زَالَتْ تِلْكَ دَعْوَهُمْ حَتَّىٰ
جَعَلْنَاهُمْ حَصِيدًا خَلْمِيْنَ ﴿١٥﴾

(۱۵) پس گفتارشان پیوسته همین بود تا آنکه
آنان را [چون گیاهی] درو شده [و] بی جان
ساختیم.

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا
بَيْنَهُمَا لَعِبِينَ ﴿١٦﴾

(۱۶) و ما آسمان و زمین و آنچه را که میان
آنهاست به بازیچه نیافریده ایم.

لَوْ أَرَدْنَا أَنْ نَتَّخِذَ لَهُمْ آيَاتٍ
مِّنْ لَّدُنَّا إِنْ كُنَّا فَاعِلِينَ ﴿١٧﴾

(۱۷) اگر [به فرض] می خواستیم که
سرگرمی ای [مانند فرزند یا هم صحبت برای
خود] برگزینیم، آن را [نه از معبودهای شما
بلکه] از نزد خویش برمی گزیدیم، البته ما
چنین کاری نکرده و نخواهیم کرد.

بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ
فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَلَكُمُ
الْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ ﴿١٨﴾

(۱۸) بلکه ما حق را بر باطل می افکنیم؛ که آن را در هم می شکنند و ناگاه آن [باطل] نابود می شود؛ و [ای کافران]، وای بر شما از آنچه توصیف می کنید!

وَلَهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
وَمَنْ عِنْدَهُ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ
عِبَادَتِهِ ۚ وَلَا يَسْتَحْسِرُونَ ﴿١٩﴾

(۱۹) هر کس [و هر چه] در آسمان ها و زمین است از آن اوست و کسانی که نزد او هستند [= فرشتگان] از عبادتش سرکشی نمی کنند و خسته نمی شوند.

يُسَبِّحُونَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لَا
يَفْتُرُونَ ﴿٢٠﴾

(۲۰) آنان شب و روز [الله را] به پاکی می ستایند و سستی نمی ورزند.

أَمْ أُتَّخَذُوا آلِهَةً مِّنَ الْأَرْضِ هُمْ
يُنشِرُونَ ﴿٢١﴾

(۲۱) آیا [این مشرکان] معبودانی از زمین برگزیده اند که [مردگان را] زنده می کنند؟

لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ
لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ
الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ ﴿٢٢﴾

(۲۲) اگر در آنها [= آسمان و زمین] معبودانی جز الله وجود داشت، [در اثر ناسازگاری آنها] قطعاً هر دو تباه می شدند؛ پس الله - پروردگار عرش - از توصیفی که [مشرکان] می کنند پاک و منزّه است.

لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ
يُسْأَلُونَ ﴿٢٣﴾

(۲۳) [الله] به خاطر آنچه می کند بازخواست نمی شود؛ [ولی] آنان [در برابر رفتارشان] مسئولند.

أَمْ أُتَّخَذُوا مِن دُونِهِ آلِهَةٌ قُلْ

(۲۴) آیا [مشرکان] معبودانی جز او برگزیده اند؟

[به آنان] بگو: «دلیلتان را بیاورید. این [قرآن] کتابی است که همراه من است و [اینها نیز] کتاب‌هایی است [متعلق به پیامبرانی] که پیش از من بودند؛ [و در هیچ کدام دلیلی بر حقایق شما وجود ندارد]؛ بلکه بیشتر آنان [به جهل و تقلید استناد می‌کنند و] حق را نمی‌دانند و [از آن] رویگردانند.

هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ هَذَا ذِكْرٌ مِّن مَّعِيَ وَذِكْرٌ مِّن قَبْلِي بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ الْحَقَّ فَهُمْ مُّعْرِضُونَ ﴿۲۵﴾

(۲۵) و ما پیش از تو هیچ پیامبری را نفرستادیم، مگر آنکه به او وحی کردیم که [به مردم بگوید]: «معبودی [به‌حق] جز من [= الله] نیست؛ پس تنها مرا عبادت کنید».

وَمَا أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ مِن رَّسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ ﴿۲۵﴾

(۲۶) [مشرکان با این تصور که فرشتگان دختران الله هستند] گفتند: «[الله] رحمان فرزندی [برای خویش] برگزیده است». او منزّه است؛ [چنین نیست که می‌پندارند؛] بلکه [فرشتگان] بندگان گرامی [اش] هستند.

وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ ﴿۲۶﴾

(۲۷) آنان هرگز در سخن بر او پیشی نمی‌گیرند و [پیوسته] به فرمانش عمل می‌کنند.

لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ ﴿۲۷﴾

(۲۸) [الله] گذشته و آینده آنان را می‌داند و آنان جز برای کسی که [الله] بیسندد [و از او راضی باشد] شفاعت نمی‌کنند و خود از بیم او هراسانند.

يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضَىٰ وَهُمْ مِّنْ خَشْيَتِهِ مُشْفِقُونَ ﴿۲۸﴾

وَمَنْ يُقُلْ مِنْهُمْ إِنِّي إِلَهُ مِّنْ دُونِهِ فَذَلِكَ نَجْرِيهِ جَهَنَّمَ كَذَلِكَ نَجْرِي الظَّالِمِينَ ﴿٢٩﴾

(۲۹) و هر یک از آنان بگویند: «جز او، من [نیز] معبود هستم»، وی را به دوزخ کیفر می‌دهیم. [آری]، ستمکاران را اینچنین کیفر می‌دهیم.

أولم ير الذين كفروا أن السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ ﴿٣٠﴾

(۳۰) آیا کسانی که کفر ورزیدند، ندانسته‌اند که آسمان‌ها و زمین به هم چسبیده بودند؛ [نه بارانی می‌بارید و نه گیاهی می‌روید؛] سپس [ما] آن دو را [به قدرت خویش] از هم جدا کردیم و هر چیز زنده‌ای را از آب پدید آوردیم؟ پس آیا [باز هم] ایمان نمی‌آورند؟

وَجَعَلْنَا فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِهِمْ وَجَعَلْنَا فِيهَا فِجَاجًا سُبُلًا لَّعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ ﴿٣١﴾

(۳۱) و کوه‌هایی استوار در زمین نهادیم تا مبدا آنان را بلرزاند و راه‌هایی [وسیع] در آن پدید آوردیم؛ باشد که [در سفرهایشان، به مقصد] راه یابند.

وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَحْفُوظًا وَهُمْ عَنْ آيَاتِهَا مُعْرِضُونَ ﴿٣٢﴾

(۳۲) و آسمان را سقفی محفوظ قرار دادیم [ولی] آنان [= مشرکان] از [تفکر در] نشانه‌هایش رویگردانند.

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ ﴿٣٣﴾

(۳۳) اوست که شب و روز و خورشید و ماه را آفرید [و چنان منظم ساخت که] هر یک [از اینها] در مداری [معین] شناورند.

وَمَا جَعَلْنَا لِبَشَرٍ مِّن قَبْلِكَ الْخُلْدَ أَفَإِن مِّنْهُمْ

(۳۴) [ای پیامبر]، ما پیش از تو برای هیچ بشری جاودانگی [در دنیا] قرار ندادیم. آیا اگر

تو بمیری، آنان جاودانند؟

الْخَالِدُونَ ﴿۳۵﴾

(۳۵) هر کسی چشنده [طعم] مرگ است؛ و [ای مردم،] شما را با بدی و نیکی می‌آزماییم و [سرانجام] به سوی ما بازگردانده می‌شوید.

كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَنَبْلُوكُم بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً وَإِنَّا نُرْجِعُونَ ﴿۳۵﴾

(۳۶) کسانی که کفر ورزیدند، هر گاه که تو را می‌بینند، فقط به مسخره‌ها می‌گیرند [و می‌گویند:] «آیا این همان کسی است که از معبودانتان [به بدی] یاد می‌کند؟» و حال آنکه آنان خود یاد [الله] رحمان را انکار می‌کنند.

وَإِذَا رَأَوْكَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِذْ يَتَخَذُونَكَ إِلَّا هُزُؤًا أَهَذَا الَّذِي يَذْكُرُ ءَالِهَتِكُمْ وَهُمْ يَذُكِّرُونَ الرَّحْمَنَ هُمْ كَفِرُونَ ﴿۳۶﴾

(۳۷) انسان [ذاتاً] عجول آفریده شده است [و همه چیز را پیش از زمان مقررش می‌خواهد]. به زودی نشانه‌های [عذاب] خویش را به شما نشان خواهیم داد؛ پس [نزولِ عذاب را] به شتاب نخواهید.

خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ سَأُورِيكُمْ ءَايَاتِي فَلَا تَسْتَعْجِلُونِ ﴿۳۷﴾

(۳۸) [کافران] می‌گویند: «اگر راست‌گویید، این وعده [ی قیامت] کی خواهد بود؟»

وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدِ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿۳۸﴾

(۳۹) کسانی که کفر ورزیدند اگر می‌دانستند زمانی که [به دوزخ می‌افتند] نمی‌توانند [شعله‌های] آتش را از چهره‌ها و پشت‌هایشان بازدارند و [از سوی هیچ کس] یاری نمی‌شوند، هرگز این گونه شتابان عذاب را نمی‌خواستند.

لَوْ يَعْلَمُ الَّذِينَ كَفَرُوا حِينَ لَا يَكْفُونَ عَنْ وُجُوهِهمُ النَّارَ وَلَا عَنْ ظُهُورِهِمْ وَلَا يُنصَرُونَ ﴿۳۹﴾

بَلْ تَأْتِيهِمْ بَغْتَةً فَتَبْهَتُهُمْ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ رَدَّهَا وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ ﴿۴۰﴾

(۴۰) بلکه [آتش، چنان] ناگهانی به آنان می‌رسد و آنان را [چنان سرگشته و] بهت‌زده می‌کند که نه می‌توانند آن را [از خود] دفع کنند و نه مهلت [توبه] به آنان داده می‌شود.

وَلَقَدْ أَسْتَهْرَيْتُ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ ﴿۴۱﴾

(۴۱) یقیناً پیامبران پیش از تو [نیز] مورد تمسخر قرار گرفتند؛ آنگاه بر سر کسانی که آنها [= عذاب‌های الهی] را به ریشخند می‌گرفتند، همان چیزی آمد که آن را مسخره می‌کردند.

قُلْ مَن يَكْفُرْكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مِنَ الرَّحْمَنِ بَلْ هُمْ عَن ذِكْرِ رَبِّهِمْ مُّعْرِضُونَ ﴿۴۲﴾

(۴۲) ای پیامبر، به کافران بگو: «چه کسی شما را در شب و روز از [عذاب الله] رحمان محافظت می‌کند؟ بلکه [حق این است که] آنان از یاد پروردگارشان رویگردانند.

أَمْ لَهُمْ آلِهَةٌ تَمْنَعُهُمْ مِّن دُونِنَا لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَ أَنفُسِهِمْ وَلَا هُمْ مِنَّا يُصْحَبُونَ ﴿۴۳﴾

(۴۳) آیا آنان معبودانی دارند که [می‌توانند] در برابر ما از آنان دفاع کنند؟ [هرگز!] آنان نه می‌توانند خود را یاری دهند و نه از [عذاب] ما در امانند.

بَلْ مَتَّعْنَا هَؤُلَاءِ وَآبَاءَهُمْ حَتَّى طَالَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ أَفَلَا يَرَوْنَ أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا ؕ أَفَهُمُ الْغَالِبُونَ ﴿۴۴﴾

(۴۴) بلکه [ما] آنان و پدرانشان را [از نعمت‌های دنیوی] بهره‌مند ساختیم تا عمرشان به درازا کشید [و مغرور شدند]. آیا نمی‌بینند که ما [همواره] به سراغ زمین می‌آییم و آن را از هر طرف می‌کاهیم [و مردمش را نابود می‌کنیم]؟ پس آیا آنان [بر قدرت الله] پیروزند؟

قُلْ إِنَّمَا أُنذِرُكُمْ بِالْوَحْيِ وَلَا يَسْمَعُ الصَّمُّ الدُّعَاءَ إِذَا مَا يُنذِرُونَ ﴿٤٥﴾

(۴۵) بگو: «من فقط شما را به وسیله وحی [از عذاب الهی] بیم می‌دهم» و [الی] چون به کران بیم داده شود، دعوت [حق] را نمی‌شنوند.

وَلَيْنَ مَسَّتْهُمْ نَفْحَةٌ مِّنْ عَذَابِ رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ يَٰوَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿٤٦﴾

(۴۶) اگر اندکی از عذاب پروردگارت به آنان برسد، قطعاً می‌گویند: «ای وای بر ما [که] یقیناً ستمکار بوده‌ایم!».

وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَىٰ بِنَا حَٰسِبِينَ ﴿٤٧﴾

(۴۷) روز قیامت، ما ترازوهای عدل را [برای حسابرسی در میان] می‌نهمیم؛ آنگاه به هیچ کس [کمترین] ستمی نمی‌شود؛ و اگر [کردارشان] همسنگ دانه خردلی باشد، آن را [به حساب] می‌آوریم؛ و کافی است که ما حسابرس باشیم.

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَىٰ وَهَارُونَ الْفُرْقَانَ وَضِيَاءً وَذِكْرًا لِّلْمُتَّقِينَ ﴿٤٨﴾

(۴۸) به راستی، ما به موسی و هارون فرقان [= تورات] دادیم و [این کتاب] برای پرهیزگاران، روشنایی و اندرزی است.

الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَهُمْ مِّنَ السَّاعَةِ مُشْفِقُونَ ﴿٤٩﴾

(۴۹) [همان] کسانی که در نهان از پروردگارشان می‌ترسند و از قیامت بیمناکند.

وَهَذَا ذِكْرٌ مُّبَارَكٌ أَنْزَلْنَاهُ أَفَأَنْتُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ ﴿٥٠﴾

(۵۰) و این [قرآن] پند مبارکی است که آن را نازل کردیم. آیا [باز هم] انکارش می‌کنید؟

وَلَقَدْ آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُشْدَهُ

(۵۱) و بی‌تردید، پیش از آن، ما به ابراهیم

مِنْ قَبْلِ وَكُنَّا بِهِ عَالِمِينَ ﴿۵۱﴾ [ارشاد فکری و] هدایتش را عطا کردیم و به [شایستگی‌های] او دانا بودیم؛

إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا هَذِهِ
الْتَّمَائِلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا
عَاكِفُونَ ﴿۵۲﴾ (۵۲) آنگاه که به پدر خود و قومش گفت: «این
مجسمه‌ها چیست که به عبادت آنها ایستاده‌اید؟»

قَالُوا وَجَدْنَا آبَاءَنَا لَهَا
عَابِدِينَ ﴿۵۳﴾ (۵۳) آنان گفتند: «ما پدرانمان را دیدیم که
آنها را عبادت می‌کردند».

قَالَ لَقَدْ كُنْتُمْ أَنْتُمْ وَعِبَاؤُكُمْ
فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿۵۴﴾ (۵۴) [ابراهیم] گفت: «قطعاً شما و پدرانتان
در گمراهی آشکار بوده‌اید».

قَالُوا أَجِئْنَا بِالْحَقِّ أَمْ أَنْتَ مِنْ
اللَّعِينِينَ ﴿۵۵﴾ (۵۵) آنان گفتند: «آیا [سخن] حق برایمان
آورده‌ای یا شوخی می‌کنی؟»

قَالَ بَلْ رَبُّكُمْ رَبُّ السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضِ الَّتِي فَطَرَهُنَّ وَأَنَا عَلَى
ذَلِكَ مِنَ الشَّاهِدِينَ ﴿۵۶﴾ (۵۶) [ابراهیم] گفت: «[نه،] بلکه [سخنم حق
است: پروردگارتان، پروردگار آسمان‌ها و زمین
است؛ همان ذاتی که آنها را پدید آورده است و
من بر این [سخن] گواهم».

وَتَأَلَّه لَأَكِيدَنَّ أَصْنَامَكُمْ
بَعْدَ أَنْ تُولَؤُا مُدْبِرِينَ ﴿۵۷﴾ (۵۷) و [با خود گفت: «به الله سوگند، پس از
آنکه پشت کردید و [به جشن] رفتید، برای
[نابودی] بُت‌هایتان تدبیری می‌اندیشم».

فَجَعَلَهُمْ جُودًا إِلَّا كَبِيرًا لَهُمْ
لَعَلَّهُمْ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ ﴿۵۸﴾ (۵۸) و [در غیاب بت‌پرستان،] همه آنها جز
[بُت] بزرگشان را خُرد کرد؛ شاید به سراغ آن
بروند [تا حقایق را برایشان بازگو کند].

قَالُوا مَنْ فَعَلَ هَذَا بِآلِهَتِنَا إِنَّهُ
 لَمِنَ الظَّالِمِينَ ﴿٥٩﴾
 (۵۹) [وقتی آنان معبودان خویش را چنین
 دیدند] گفتند: «چه کسی با معبودان ما چنین
 کرده است؟ قطعاً او ستمکار است».

قَالُوا سَمِعْنَا فَتَى يَذُكُرُهُمْ يُقَالُ
 لَهُوَ اِبْرَاهِيمُ ﴿٦٠﴾
 (۶۰) [برخی] گفتند: «ما شنیدیم جوانی که او
 را ابراهیم می‌نامند از آنها [به بدی] یاد
 می‌کند».

قَالُوا فَأْتُوا بِهِ عَلَىٰ أَعْيُنِ النَّاسِ
 لَعَلَّهُمْ يَشْهَدُونَ ﴿٦١﴾
 (۶۱) گفتند: «پس او را در برابر دیدگان مردم
 بیاورید؛ باشد که [بر اعترافش به گناه] گواه
 باشند».

قَالُوا ءَأَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِآلِهَتِنَا
 يَا اِبْرَاهِيمُ ﴿٦٢﴾
 (۶۲) [وقتی ابراهیم را آوردند] گفتند: «ای
 ابراهیم، آیا تو این [کار] را با معبودان ما
 کرده‌ای؟»

قَالَ بَلْ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ هَذَا
 فَسْأَلُوهُمْ إِنْ كَانُوا يَنْطِقُونَ ﴿٦٣﴾
 (۶۳) [او] گفت: «بلکه بزرگشان چنین کرده
 است. اگر سخن می‌گویند، از آنها پرسید».

فَرَجَعُوا إِلَىٰ أَنفُسِهِمْ فَقَالُوا
 إِنَّكُمْ أَنْتُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٦٤﴾
 (۶۴) [آنگاه [آنان] به خود آمدند و [به یکدیگر]
 گفتند: «واقعاً شما [مشرک و] ستمکارید».

ثُمَّ نَكِسُوا عَلَىٰ رُءُوسِهِمْ لَقَدْ
 عَلِمْتَ مَا هَؤُلَاءِ يَنْطِقُونَ ﴿٦٥﴾
 (۶۵) سپس [باز هم] سر به دشمنی و انکار
 برداشتند [و گفتند: «تو خوب می‌دانی که
 اینها سخن نمی‌گویند»].

قَالَ أَفَتَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا

لَا يَنْفَعُكُمْ شَيْئًا وَلَا يَضُرُّكُمْ ﴿٦٦﴾
چیزهایی را عبادت می‌کنید که نه سودی
برایتان دارد و نه زبانی به شما می‌رساند؟

أَفِ لَكُمْ وَلِمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٦٧﴾
(۶۷) اف بر شما و بر آنچه به جای الله عبادت
می‌کنید! آیا نمی‌اندیشید؟

قَالُوا حَرِّقُوهُ وَانصُرُوا آلِهَتَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ ﴿٦٨﴾
(۶۸) آنان گفتند: «اگر می‌خواهید [برای
مجازاتش] کاری کنید، او را بسوزانید و
معبودانتان را یاری دهید».

قُلْنَا يَنَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ ﴿٦٩﴾
(۶۹) [سرانجام او را در آتش انداختند؛ ولی ما]
گفتیم: «ای آتش، بر ابراهیم سرد و سلامت
باش».

وَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَخْسَرِينَ ﴿٧٠﴾
(۷۰) و خواستند برای [نابودی] او نیرنگی به
کار برند؛ ولی ما آنان را زیانکارترین [مردم]
ساختیم؛

وَنَجَّيْنَاهُ وَلُوطًا إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَرَكْنَا فِيهَا لِلْعَالَمِينَ ﴿٧١﴾
(۷۱) و او و لوط را [با هجرت] به سرزمینی که
برای جهانیان در آن برکت نهاده‌ایم [= شام]
نجات دادیم؛

وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ نَافِلَةً ۗ وَكَلَّا جَعَلْنَا صَالِحِينَ ﴿٧٢﴾
(۷۲) و اسحاق و [نوه‌اش] یعقوب را [نیز به
عنوان بخشش] افزونی به او بخشیدیم و
همگی‌شان را [افرادی] شایسته گردانیدیم؛

وَجَعَلْنَاهُمْ أَيْمَةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا ﴿٧٣﴾
(۷۳) و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به
فرمان ما [مردم را] هدایت می‌کردند و انجام

وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَبِيدِينَ ﴿٧٣﴾
 کارهای نیک و برپاداشتن نماز و ادای زکات را به آنان وحی کردیم؛ و آنان [همه] عبادت‌کننده ما بودند.

وَلُوطًا ءَاتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغُرِّيَةِ الَّتِي كَانَتْ تَعْمَلُ الْخَبِيثَاتِ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فَاسْقِينَ ﴿٧٤﴾
 ما به لوط، [اجازه] قضاوت و علم [دین] دادیم و او را از شهری که [ساکناش] اعمال زشت [و پلید] مرتکب می‌شدند نجات بخشیدیم. به راستی که آنان گروهی پلید و نافرمان بودند.

وَأَدْخَلْنَاهُ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿٧٥﴾
 او را در رحمت خود وارد کردیم. بی‌گمان، او از شایستگان بود.

وَنُوحًا إِذْ نَادَى مِنْ قَبْلُ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ ﴿٧٦﴾
 و نوح را [یاد کن] هنگامی که پیشتر [از سایر پیامبران، ما را] ندا داد؛ ما [نیز دعای] وی را اجابت کردیم آنگاه او و خاندانش را از اندوه بزرگ نجات دادیم.

وَنَصَرْنَاهُ مِنَ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فَأَغْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٧٧﴾
 و در برابر قومی که آیات ما را تکذیب کرده بودند یاری‌اش کردیم. بی‌تردید، آنان گروه بدکاری بودند؛ پس همگی‌شان را غرق کردیم.

وَدَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ إِذْ يَحْكُمَانِ فِي الْحَرْثِ إِذْ نَفَسَتْ فِيهِ غَنَمُ الْقَوْمِ وَكُنَّا لِحُكْمِهِمْ شَاهِدِينَ ﴿٧٨﴾
 و [یاد کن از] داود و سلیمان، آنگاه که درباره کشتزاری داوری می‌کردند که گوسفندان قوم، شبانه در آن چریده بودند و ما بر داوری آنان گواه بودیم.

فَقَهَّمَنَّا سُلَيْمَانَ وَكُلًّا ؕ ءَاتَيْنَا
 حُكْمًا وَعِلْمًا وَسَخَرْنَا مَعَ دَاوُدَ
 الْجَبَالَ يُسَبِّحُونَ وَالطَّيْرَ وَكُنَّا
 فَاعِلِينَ ﴿٧٩﴾

(۷۹) آن [حقیقت] را به سلیمان فهماندیم و به هر یک از آنان پیامبری و دانش [عمل به احکام دین] عطا کردیم؛ و کوه‌ها و پرندگان را در خدمت داود گماشتیم که [همراه با او، پروردگار را] تسبیح می‌گفتند و ما بودیم که این [همه] را انجام دادیم.

وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَّكُمْ
 لِتُحْصِنَكُمْ مِنْ بَأْسِكُمْ ۗ فَهَلْ
 أَنْتُمْ شَاكِرُونَ ﴿٨٠﴾

(۸۰) و ساختن زره را به او [= داود] آموختیم تا شما را از [آسیب] جنگ‌هایتان حفظ کند؛ پس آیا شکر می‌گزارید؟

وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ عَاصِفَةً تَجْرِي
 بِأَمْرِهِ إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَرَكْنَا
 فِيهَا ۗ وَكُنَّا بِكُلِّ شَيْءٍ
 عَلِيمِينَ ﴿٨١﴾

(۸۱) و تندباد را برای سلیمان [به خدمت گماشتیم] که به فرمان او به سوی سرزمینی که در آن برکت نهاده‌ایم [= شام] روان بود؛ و ما همه چیز را می‌دانستیم.

وَمِنَ الشَّيْطَانِ مَنْ يَغْوُصُونَ لَهُ
 وَيَعْمَلُونَ عَمَلًا دُونَ ذَلِكَ ۗ وَكُنَّا
 لَهُمْ حَافِظِينَ ﴿٨٢﴾

(۸۲) و [نیز] از شیاطین کسانی را [گماشتیم] که برایش غواصی می‌کردند [و جواهر استخراج می‌نمودند] و کارهایی غیر از این [نیز] انجام می‌دادند؛ و ما مراقب [رفتار و تعداد] آنان بودیم.

وَإِيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ ۗ أَنِّي
 مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ
 الرَّاحِمِينَ ﴿٨٣﴾

(۸۳) و ایوب را [یاد کن] آنگاه که پروردگارش را [چنین] ندا داد: «رنج [و بیماری] به من رسیده است و تو مهربان‌ترین مهربانانی».

فَأَسْتَجِبْنَا لَهُ وَفَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَعَآتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَذِكْرًا لِلْعَابِدِينَ ﴿٨٤﴾

(۸۴) ما [دعای] او را اجابت کردیم و رنجی را که به او رسیده بود برطرف ساختیم و خانواده‌اش و [نیز تعدادی] همانندشان را به همراه آنان به وی بازگردانیدیم [تا] رحمتی از جانب ما و پندی برای عبادت‌کنندگان باشد.

وَإِسْمَاعِيلَ وَإِدْرِيسَ وَذَا الْكِفْلِ كُلٌّ مِنَ الصَّابِرِينَ ﴿٨٥﴾

(۸۵) و [یاد کن از] اسماعیل و ادريس و ذوالکفل که همگی از شکیبایان بودند.

وَأَدْخَلْنَاهُمْ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُمْ مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿٨٦﴾

(۸۶) و [ما] آنان را در رحمت خویش وارد کردیم. بی‌تردید، آنان از شایستگان بودند.

وَذَا النُّونِ إِذ ذَهَبَ مُغْضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿٨٧﴾

(۸۷) و [یاد کن از] ذوالنون [= یونس] آنگاه که خشمگین [از میان قومش] رفت و چنین پنداشت که ما هرگز بر او سخت نمی‌گیریم [و به خاطر این کار مجازاتش نمی‌کنیم]؛ [وقتی ماهی او را بلعید] در تاریکی‌ها ندا داد که: «پروردگارا، هیچ معبودی [به‌حق] جز تو نیست. تو منزهی. بی‌تردید، من از ستمکاران بوده‌ام».

فَأَسْتَجِبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْعَمِّمِ وَكَذَلِكَ نُجِّي الْمُؤْمِنِينَ ﴿٨٨﴾

(۸۸) دعایش را اجابت کردیم و او را از اندوه نجات دادیم و مؤمنان را [نیز] اینچنین نجات می‌دهیم.

وَزَكَرِيَّا إِذْ نَادَى رَبَّهُ رَبِّ لَا

(۸۹) و [یاد کن از] زکریا، آنگاه که پروردگارش

تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ ﴿۸۹﴾
 را [این گونه] ندا داد: «پروردگارا، مرا تنها [و بی‌فرزند] مگذار و تو بهترین وارثانی».

فَأَسْتَجِبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيَىٰ وَأَصْلَحْنَا لَهُ زَوْجَهُ إِنَّهُمْ كَانُوا يُسْرِعُونَ فِي الْأَخْيَرَاتِ وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا لَنَا خَلْسِعِينَ ﴿۹۰﴾
 (۹۰) دعایش را اجابت کردیم و یحیی را به او بخشیدیم و همسرش را [که نازا بود] برایش شایسته [و آماده بارداری] نمودیم. آنان همواره در کارهای خیر می‌شتافتند و در حال بیم و امید ما را می‌خواندند و پیوسته برای ما [فرمانبردار و] فروتن بودند.

وَأَلَّتْ أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهَا مِنْ رُوحِنَا وَجَعَلْنَاهَا وَابْنَهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ ﴿۹۱﴾
 (۹۱) و [یاد کن از مریم،] زنی که دامان خود را پاک نگاه داشت و [ما] از روح [ای از جانب] خویش در [وجود] او دمیدیم و او و پسرش را برای جهانیان نشانه‌ای [از قدرت الهی] قرار دادیم.

إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ ﴿۹۲﴾
 (۹۲) [ای مردم،] به راستی، این آیین شما، آیینی یگانه [و مبتنی بر یکتاپرستی] است و من پروردگارتان هستم؛ پس مرا عبادت کنید.

وَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ كُلُّ إِلَهِنَا رَاجِعُونَ ﴿۹۳﴾
 (۹۳) [ولی مردم،] میان خود در امر [دین]شان فرقه‌فرقه شدند؛ [ولی سرانجام،] همگی به سوی ما بازمی‌گردند.

فَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا كُفْرَانَ لِسَعْيِهِ وَإِنَّا لَهُ كَاتِبُونَ ﴿۹۴﴾
 (۹۴) هر کس کارهای شایسته انجام دهد و مؤمن باشد، در برابر کوشش او ناسپاسی نخواهد شد و ما کارهایش را می‌نویسیم.

وَحَرَمٌ عَلَى قَرِيَّةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ ﴿٩٥﴾
 (۹۵) و [مردم] هر شهری را که [بر اثر کفر و گناه] نابودش کردیم، محال است که [بتوانند به قصد توبه به دنیا] بازگردند.

حَتَّىٰ إِذَا فُتِحَتْ يَأْجُوجُ وَمَأْجُوجُ وَهُمْ مِّنْ كُلِّ حَدَبٍ يَنْسِلُونَ ﴿٩٦﴾
 (۹۶) تا زمانی که [سَدّ] یأجوج و مأجوج گشوده شود و آنان از هر بلندی [و تپه‌ای] شتابان سرازیر گردند.

وَأَقْرَبَ الْوَعْدِ الْحَقِّ فَإِذَا هِيَ شَاخِصَةٌ أَبْصَرُ الَّذِينَ كَفَرُوا يُيَوَّلْنَا قَدْ كُنَّا فِي عَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا بَلْ كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿٩٧﴾
 (۹۷) و وعده حق [= قیامت] نزدیک گردد؛ در آن هنگام، چشم‌های کسانی که کفر ورزیدند [از شدت وحشت] خیره می‌ماند [و می‌گویند: «ای وای بر ما! قطعاً ما از این [حادثه] در غفلت بودیم! بلکه [کافر و] ستمکار بودیم»].

إِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ أَنْتُمْ لَهَا وَارِدُونَ ﴿٩٨﴾
 (۹۸) [به آنان گفته می‌شود:] «قطعاً شما و آنچه که به جای الله عبادت می‌کنید، هیزم دوزخید [و همگی] در آن وارد خواهید شد».

لَوْ كَانَ هَؤُلَاءِ آءِالِهَةً مَا وَرَدُوهَا^ط وَكُلٌّ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٩٩﴾
 (۹۹) اگر اینها معبودانی [به‌حق] بودند، هرگز وارد آن نمی‌شدند؛ و حال آنکه همگی در آن [عذاب سوزان] جاودانند.

لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَهُمْ فِيهَا لَا يَسْمَعُونَ ﴿١٠٠﴾
 (۱۰۰) در آنجا ناله‌هایی [دردناک] دارند و [از شدت درد و ترس] چیزی نمی‌شنوند.

إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا

أَلْحَسَنَىٰ أُولَٰئِكَ عَنْهَا
مُبْعَدُونَ ﴿١١﴾
بهشت] از جانب ما به آنان داده شده است،
یقیناً از آن [آتش جهنم] دور نگه داشته
می‌شوند.

لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَهَا وَهُمْ فِي مَا
أَسْتَهْتَأْنَفُسُهُمْ خَالِدُونَ ﴿١٢﴾
(۱۰۲) آنان صدای آن [آتش هولناک و
فریادهای دوزخیان] را نمی‌شنوند و در آنچه
میل داشته باشند، جاودانه [در آسایش]
هستند.

لَا يَحْزَنُهُمُ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ
وَتَتَلَقَّوْنَهُمُ الْمَلَائِكَةُ هَذَا
يَوْمَ كُمْ أَلَّذِي كُنْتُمْ
تُوعَدُونَ ﴿١٣﴾
(۱۰۳) وحشت بزرگ [قیامت] آنان را
اندوهگین نمی‌سازد و فرشتگان به استقبالشان
می‌آیند [و به آنان می‌گویند: «این همان روزی
است که به شما وعده داده می‌شد»].

يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ
السَّجْلِ لِلْكِتَابِ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ
خَلْقِ نُعِيدُهُ وَعَدَّا عَلَيْهَا إِنَّا كُنَّا
فَاعِلِينَ ﴿١٤﴾
(۱۰۴) روزی که آسمان را در هم می‌پیچیم
همانگونه که طومار نوشته‌ها را درهم می‌پیچد،
[و] همان گونه که نخستین [بار] آفرینش را
آغاز کردیم، [بار دیگر] آن را بازمی‌گردانیم.
[این] وعده‌ای است بر عهده ما که قطعاً
انجامش خواهیم داد.

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ
الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ
الصَّالِحُونَ ﴿١٥﴾
(۱۰۵) و به راستی پس [از اینکه در] لوح
محفوظ [ثبت شده بود]، در [تمام] کتاب‌های
[آسمانی] نوشتیم که: «زمین را بندگان
شایسته‌ام به ارث می‌برند».

إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِّقَوْمٍ (۱۰۶) بی‌گمان، در این [سخن، عبرت و] پیام
روشنی برای عبادت‌کنندگان است. عِبْدِينَ ﴿۱۰۶﴾

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ ﴿۱۰۷﴾ و [ای محمد]، تو را جز رحمتی برای
جهانیان نفرستادیم. لِّلْعَالَمِينَ ﴿۱۰۷﴾

قُلْ إِنَّمَا يُوحِي إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ وَاحِدٌ فَهَلْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿۱۰۸﴾
(۱۰۸) بگو: «در حقیقت به من وحی می‌شود که: "بی‌تردید، معبود شما معبودی یگانه است؛
پس آیا تسلیم [دعوت حق] می‌شوید؟"»

فَإِن تَوَلَّوْاْ فَقُلْ ءَادَنْتُكُمْ عَلَىٰ سَوَاءٍ وَإِن أَدْرَىٰ أَقْرَبُ أَمْ بَعِيدٌ مَّا تُوعَدُونَ ﴿۱۰۹﴾
(۱۰۹) اگر رویگردان شدند، بگو: «من [همه] شما را به طور یکسان آگاه کردم [و درباره عذاب الهی هشدار دادم] و نمی‌دانم آنچه که
به شما وعده داده می‌شود نزدیک است یا دور. مَّا تُوعَدُونَ ﴿۱۰۹﴾

إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ مِنَ الْقَوْلِ وَيَعْلَمُ مَا تَكْتُمُونَ ﴿۱۱۰﴾
(۱۱۰) یقیناً او تعالی سخن آشکار را می‌داند و [نیز] آنچه را [در دل خویش] پنهان می‌کنید
می‌داند. وَيَعْلَمُ مَا تَكْتُمُونَ ﴿۱۱۰﴾

وَإِن أَدْرَىٰ لَعَلَّهُ فِتْنَةٌ لِّكُمْ وَمَتَعَ إِلَىٰ حِينٍ ﴿۱۱۱﴾ و نمی‌دانم؛ شاید این [تأخیر عذاب،
مایه] آزمایش و بهره‌مندی شما تا مدتی [معین] باشد». مَتَعَ إِلَىٰ حِينٍ ﴿۱۱۱﴾

قُلْ رَبِّ أْحْكُم بِالْحَقِّ وَرَبُّنَا الرَّحْمَنُ الْمُسْتَعَانُ عَلَىٰ مَا تَصِفُونَ ﴿۱۱۲﴾
(۱۱۲) [پیامبر] گفت: «پروردگارا، [بین ما و کافران] به حق داوری کن؛ و پروردگار ما، [الله] رحمان است که در برابر آنچه [از کفر و شرک] می‌گویید از او یاری می‌خواهیم».

سُورَةُ الْحَجِّ

سورة حج

به نام الله بخشنده مهربان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(۱) ای مردم، از پروردگارتان پروا کنید. بی‌تردید، زلزله قیامت امر بزرگی است.

يَأْتِيهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ إِنَّ
زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ ﴿١﴾

(۲) روزی که آن را می‌بینید، [آنچنان وحشتناک است که] هر مادر شیرده‌ای [فرزند] شیرخوارش را فراموش می‌کند و هر [موجود] بارداری جنین خود را [بر زمین] می‌نهد و مردم را مست می‌بینی، در حالی که مست نیستند؛ بلکه عذاب الله شدید است.

يَوْمَ تَرُونَهَا تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ
عَمَّا أَرْضَعَتْ وَتَضَعُ كُلُّ ذَاتِ
حَمْلٍ حَمْلَهَا وَتَرَى النَّاسَ
سُكَرَىٰ وَمَا هُمْ بِسُكَرَىٰ
وَلَكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ ﴿٢﴾

(۳) و از [میان] مردم کسی هست که بدون [هیچ] دانشی، درباره الله مجادله می‌کند و از هر شیطان سرکشی پیروی می‌نماید.

وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ
بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطَانٍ
مَّرِيدٍ ﴿٣﴾

(۴) [در قضای الهی بر شیطان] مقرر شده است که هر کس او را به دوستی بگیرد، قطعاً گمراهش می‌سازد و به عذاب آتش می‌کشاند.

كُتِبَ عَلَيْهِ أَنَّهُ مَن تَوَلَّاهُ فَاتَّهَوْا
يُضِلُّهُ وَيَهْدِيهِ إِلَىٰ عَذَابِ
السَّعِيرِ ﴿٤﴾

(۵) ای مردم، اگر درباره برانگیخته شدن [در] قیامت [تردید دارید، بدانید که] بی‌تردید، ما شما را از خاک آفریدیم، سپس از نطفه و آنگاه

يَأْتِيهَا النَّاسُ إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ
مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّن
تُرَابٍ ثُمَّ مِّنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِّنْ عَلَقَةٍ

از خون بسته شده، سپس از پاره گوشتی دارای خلقت کامل و [بعضاً] خلقت ناقص؛ [چنین کردیم] تا [قدرت خویش را] برایتان آشکار سازیم؛ و هر چه را که بخواهیم، تا مدتی معین در رَحِمِ [مادران] نگه می داریم، آنگاه شما را به صورت نوزادی بیرون می آوریم، سپس [پرورش می یابید] تا به حد رشد [و بلوغ] خود برسید؛ و از شما کسی هست که [در دوران جوانی] می میرد و کسی نیز هست [که آنقدر عمر می کند تا] به نهایت فرتوتی [و کهنسالی] می رسد، چنان که پس از [آن همه] دانش، [همه را فراموش می کند و] چیزی نمی داند؛ و [اما مثالی دیگر:] زمین را خشکیده می بینی؛ ولی چون آب [باران] بر آن فرو می فرستیم، به جنبش درمی آید و رشد می کند و از هر نوع [گیاه] زیبایی می رویاند.

ثُمَّ مِنْ مَّضْغَةٍ مُّخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لِّبَنِينَ لَكُمْ وَنُقِرُّ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ وَمِنْكُمْ مَّنْ يُتَوَفَّىٰ وَمِنْكُمْ مَّنْ يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْلَا يَعْلَمَ مِنْ بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا وَتَرَىٰ الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ وَأَنْبَتَتْ مِنْ كُلِّ زَوْجٍ

بَهِيحٍ ﴿٥﴾

(۶) این [شگفتی های خلقت]، از آن روست که [بدانید] الله حق است و اوست که مردگان را زنده می کند و او بر هر کاری تواناست.

ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّهُ يُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَأَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ

قَدِيرٌ ﴿٦﴾

(۷) و اینکه قیامت آمدنی است [و] تردیدی در آن نیست و اینکه الله [همه] کسانی را که در گورها هستند، برمی انگیزد.

وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي

الْقُبُورِ ﴿٧﴾

وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُّنِيرٍ ﴿۸﴾

(۸) و از مردم کسی هست که بدون هیچ دانش و هدایت و کتاب روشنی‌بخشی، دربارهٔ الله مجادله می‌کند.

ثَانِيَ عِطْفِهِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ لَهُ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَنُذِيقُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَذَابَ الْحَرِيقِ ﴿۹﴾

(۹) [از روی تکبر] سر خویش را برمی‌گرداند تا [مردم را] از راه الله گمراه سازد. برای او در این دنیا رسوایی و خواری است و روز قیامت [نیز] عذاب آتش سوزان را به او می‌چشانیم.

ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتَ يَدَاكَ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَمٍ لِلْعَبِيدِ ﴿۱۰﴾

(۱۰) این [کیفر،] به سزای کارهایی است که از پیش فرستاده است و الله هرگز نسبت به بندگان [خود] ستمکار نیست.

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَىٰ حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلَىٰ وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ذَٰلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ ﴿۱۱﴾

(۱۱) و از [میان] مردم کسی هست که الله را با تردید عبادت می‌کند [و ایمانش ضعیف است]؛ پس اگر خیری به او برسد، [دلش] به آن آرام می‌گیرد [و بر ایمانش باقی می‌ماند] و اگر بلایی [برای آزمایش] به او برسد، روی می‌گرداند [و به کفر بازمی‌گردد]. او در دنیا و آخرت زیان کرده است. این همان زیان آشکار است.

يَدْعُوا مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُ وَمَا لَا يَنْفَعُهُ ذَٰلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ ﴿۱۲﴾

(۱۲) [انسان کافر،] به جای الله چیزی را می‌خواند که نه به او زبانی می‌رساند و نه سودی می‌بخشد. این همان گمراهی دور و دراز است.

يَدْعُوا لِمَنْ ضَرَّهُمْ أَقْرَبُ مِنْ
نزدیکتر از سودش می باشد؛ و چه بد دوست و
تَفْعِهِمْ لَيْسَ الْمَوْلَىٰ وَلَيْسَ
چه بد همدمی است!
الْعَشِيرُ ﴿۱۳﴾

إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا
آورده اند و کارهای شایسته انجام داده اند، به
وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ
باغ هایی [از بهشت] وارد می کند که جویبارها
تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ إِنَّ اللَّهَ
از زیر [درختان] آن جاری است. به راستی،
يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ ﴿۱۴﴾
الله آنچه را که می خواهد، انجام می دهد.

مَنْ كَانَ يَظُنُّ أَنْ لَنْ يَنْصُرَهُ اللَّهُ
کسی که گمان می کند الله او [= پیامبر]
فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَلْيَمْدُدْ بِسَبَبٍ
را در دنیا و آخرت هرگز یاری نخواهد کرد [و
اکنون حمایت الله را می بیند و خشمگین
إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ لْيَقْطَعْ فَلْيَنْظُرْ
است]، باید ریسمانی به سقف [خانه اش]
هَلْ يُدْهِبَنَّ كَيْدَهُمْ مَا يَغِيبُ ﴿۱۵﴾
بیاویزد و [خود را دار بزند تا راه نفس] را قطع
کند [و تا سر حد مرگ پیش رود]؛ آنگاه بنگرد
که آیا [این ترفند و] نیرنگ او، خشمش را از
میان می برد.

وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ ءَايَاتٍ بَيِّنَاتٍ
و این گونه، ما این [قرآن] را [به صورت]
وَأَنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يُرِيدُ ﴿۱۶﴾
آیاتی روشن نازل کردیم و الله هر کس را
بخواهد، هدایت می کند.

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا
کسانی که ایمان آورده اند و کسانی که
وَالصَّابِغِينَ وَالنَّصْرَىٰ وَالْمَجُوسَ
یهودی شدند و صابئان [= پیروان برخی
پیامبران] و نصاری و زرتشتیان و کسانی که

شرك ورزیدند، یقیناً روز قیامت الله میانشان داوری می کند. بی گمان، الله بر هر چیزی گواه است.

وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ
بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ عَلَى
كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ﴿۱۷﴾

(۱۸) آیا ندیدی که هر کس در آسمانها و هر کس در زمین است و خورشید و ماه و ستارگان و کوهها و درختان و جنبندگان و بسیاری از مردم برای الله سجده می کنند؟ و بسیاری نیز هستند که [در نتیجه سرپیچی از عبادت، فرمان] عذاب بر آنان تحقق یافته است؛ و هر کس که الله او را خوار سازد، کسی گرمی اش نمی دارد. بی تردید، الله هر چه بخواهد انجام می دهد.

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَن فِي
السَّمَوَاتِ وَمَن فِي الْأَرْضِ
وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ
وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالْدَّوَابُّ وَكَثِيرٌ
مِّنَ النَّاسِ وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ
الْعَذَابُ وَمَن يُهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ
مِن مُّكْرِمٍ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا
يَشَاءُ ﴿۱۸﴾

(۱۹) این دو [گروه مؤمن و کافر،] دشمنان یکدیگرند و دربارهٔ پروردگارشان ستیز می کنند. پس کسانی که کفر ورزیدند، برایشان جامه هایی از آتش بریده اند [و] از بالای سرشان [بر آنان] آب جوشان می ریزند.

هَذَانِ حَصْمَانِ اِخْتَصَمُوا فِي
رَبِّهِمْ فَالَّذِينَ كَفَرُوا قُطِعَتْ
لَهُمْ ثِيَابٌ مِّن نَّارٍ يُصَبُّ مِن
فَوْقِ رُءُوسِهِمُ الْحَمِيمُ ﴿۱۹﴾

(۲۰) آنچه در درونشان هست و [نیز] پوست هایشان با آن گداخته می شود.

يُصَهَّرُ بِهِ مَا فِي بُطُونِهِمْ
وَالْجُلُودُ ﴿۲۰﴾

(۲۱) و گرزهای آهنین برایشان [مهیا] است.

وَالَهُمْ مَقْلِعٌ مِّن حديدٍ ﴿۲۱﴾

(۲۲) هرگاه بخواهند از [شدت] اندوه از آنجا

كَمَا أَرَادُوا أَن يَخْرُجُوا مِنْهَا مِنْ

عَمَّ أَعِيدُوا فِيهَا وَذُوقُوا عَذَابَ
الْحَرِيقِ ﴿۲۲﴾
[= دوزخ] خارج شوند، به آن بازگردانده
می‌شوند و [به آنان گفته می‌شود:] «عذاب
سوزان را بچشید».

إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا
وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ
تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يُجْلَوْنَ
فِيهَا مِنْ أَسْوَرَ مِنْ ذَهَبٍ
وَلُؤْلُؤًا طَبَّابًا فِيهَا حَرِيرٌ ﴿۲۳﴾
(۲۳) بی‌تردید، الله کسانی را که ایمان
آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند، به
باغ‌هایی [از بهشت] وارد می‌کند که از زیر
[درختان] آن جویبارها جاری است. در آنجا به
دستبندهایی از طلا و مروارید آراسته می‌شوند
و لباسشان در آنجا ابریشم است.

وَهُدُوا إِلَى الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ
وَهُدُوا إِلَى صِرَاطٍ الْحَمِيدِ ﴿۲۴﴾
(۲۴) و [در دنیا] به سوی گفتار پاک [توحید و
تکبیر و تحمید] هدایت می‌شوند و به راه
ستوده [اسلام] راهنمایی می‌گردند.

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ عَنِ
سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ
الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً
الْعَكَفِ فِيهِ وَالْبَادِ وَمَنْ يُرِدْ
فِيهِ بِالْحَادِ بِظُلْمٍ نُدِقُهُ مِنْ
عَذَابِ آئِمٍ ﴿۲۵﴾
(۲۵) بی‌گمان، کسانی که کفر ورزیدند و
[مانند ماجرای حدیبیه، مردم را] از راه الله
بازمی‌دارند [عذابی دردناک در پیش دارند]؛ و
مسجد الحرام که آن را برای مردم [قبله و
عبادتگاه] قرار دادیم، مقیم و مسافر در آن
یکسانند؛ و هر کس در آنجا با ستمکاری [و
گناه] انحراف بخواند، از عذابی دردناک به او
می‌چشانیم.

وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ
أَنْ لَا تُشْرِكَ بِي شَيْئًا وَطَهَّرَ بَيْتِي
كَمَا بَدَأْتَهُ: «چیزی را شریک من قرار نده و خانه‌ام را

برای طواف کنندگان و قیام کنندگان و رکوع کنندگان [و] سجده کنندگان پاک گردان.

لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ
السُّجُودِ ﴿٢٦﴾

(۲۷) و بین مردم برای [ادای] حج ندا بده تا پیاده و [سوار] بر هر [وسیله سفر یا] شتر لاغری، از هر راه دوری به سویت بیایند.

وَأَذِّنْ فِي النَّائِسِ بِالْحَجِّ يَا تُوَكُّ
رَجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ
كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ ﴿٢٧﴾

(۲۸) تا شاهد منافع [گوناگون] خویش باشند و در روزهایی معین، [به هنگام قربانی] نام الله را بر چهارپایانی که به آنان روزی داده‌ایم، یاد کنند؛ پس [خودتان] از [گوشت] آن بخورید و به درمانده فقیر [نیز] غذا بدهید.

لِيَشْهَدُوا مَنَفَعَهُمْ وَيَذْكُرُوا
أَسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ عَلَىٰ
مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةٍ الْأَنْعَامِ
فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطِعُوا الْبَآئِسَ
الْفَقِيرَ ﴿٢٨﴾

(۲۹) سپس باید آلودگی‌هایشان را برطرف سازند و به نذرهای خویش وفا کنند و [گرداگرد] این خانه کهن [= کعبه] طواف کنند».

ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلِيُوفُوا
نُدُورَهُمْ وَلِيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ
الْعَتِيقِ ﴿٢٩﴾

(۳۰) این است [حکم الله]؛ و هر کس [محرّمات و] مقررات الهی را بزرگ بدارد، این [کار] نزد پروردگارش برای او بهتر است؛ و [ای مردم]، چهارپایانی برای [مصرف] شما حلال شده است، مگر آنچه [حکمش] بر شما خوانده می‌شود؛ پس از پلیدی بُت‌ها [و] معبودان باطل [دوری کنید و از گفتار باطل [و] دروغ] اجتناب نمایید.

ذَٰلِكَ وَمَنْ يُعْظَمْ حُرْمَتِ اللَّهِ
فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَأُحِلَّتْ
لَكُمْ الْأَنْعَامُ إِلَّا مَا يُتَنَىٰ
عَلَيْكُمْ فَأَجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ
الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ ﴿٣٠﴾

(۳۱) در حالی که [بندۀ مخلصِ الله و] حقگرا باشید و به او شرک نورزید؛ و هر کس به الله شرک ورزد، چنان است که گویی از آسمان افتاده و مرغان [شکاری] وی را برابند یا باد او را به جایی دورافتاده بیندازد.

سَجِيقٍ ﴿۳۱﴾

(۳۲) این است [فرمانِ الله]، و هر کس دستورهای دینی و الهی را بزرگ بشمارد، یقیناً این [بزرگداشت، نشانه‌ای] از پرهیزگاری دل‌هاست.

ذَٰلِكَ ۖ وَمَنْ يُعْظَمِ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ ﴿۳۲﴾

(۳۳) در آن [چهارپایانِ ویژه قربانی]، تا زمان معین [= هنگام ذبح] برای شما منافع [و بهره‌هایی] است. سپس قربانگاه آنها خانه قدیمی و گرامی [کعبه] است.

لَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ مَحِلُّهَا إِلَى الْبَيْتِ الْعَتِيقِ ﴿۳۳﴾

(۳۴) و برای هر امتی آیینی [در قربانی کردن] قرار دادیم تا نام الله را [وقت ذبح] بر چهارپایانی که روزی‌شان کرده است ذکر کنند. معبود شما، معبود یگانه است. [همه] در برابر او تسلیم باشید؛ و [ای پیامبر، خیر دنیا و آخرت را] به فروتنان بشارت بده.

وَلِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنَسَكًا لِّيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِّنْ بَهِيمَةٍ الْأَنْعَامِ ۖ فَالْهُكْمُ لِلَّهِ وَاحِدٌ فَلَهُ أَسْلِمُوا وَبَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ ﴿۳۴﴾

(۳۵) [همان] کسانی که چون نام الله برده شود، دل‌هایشان می‌ترسد و [کسانی که] در

الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَالصَّادِرِينَ عَلَىٰ مَا

برابر مصیبت‌هایی که به آنان می‌رسد شکیبا هستند و کسانی که نمازگزارند و از آنچه روزی‌شان کرده‌ایم انفاق می‌کنند.

أَصَابَهُمْ وَالْمُتَقِيهِ الصَّلَاةِ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ﴿۳۵﴾

(۳۶) [قربانی کردن] شتر [و گاو در موسم حج] را برای شما از شعایر دین [و نشانه‌های عبادت الله] قرار دادیم. در این [کار،] خیر [و برکت] برایتان است. [هنگام قربانی،] در حالی که [شتران] بر پا ایستاده‌اند، نام الله را بر آنها ببرید [و نحرشان کنید]. آنگاه چون بر خاک افتادند، از [گوشت] آنها بخورید و نیازمندان آبرومند و گدایان را نیز اطعام کنید. آنها [=چهارپایان] را اینچنین به خدمت شما گماشتیم؛ باشد که شکر به جای آورید.

وَالْبَدَنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِّنْ شَعَائِرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ ۗ فَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَافَّ ۗ فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبُهَا فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطِعُوا الْقَانِعَ وَالْمُعْتَرَّ ۗ كَذَلِكَ سَخَّرْنَاهَا لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿۳۶﴾

(۳۷) گوشت و خون این [قربانی‌ها] هرگز به الله نمی‌رسد؛ بلکه پرهیزگاری شماست که به او می‌رسد. او تعالی آنها را اینچنین به خدمت شما گماشت تا الله را به [شکرانه] آنکه شما را هدایت کرده است، به بزرگی یاد کنید؛ و نیکوکاران را [به خیر و رستگاری] بشارت بده.

لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومَهَا وَلَا دِمَآؤُهَا ۗ وَلَكِن يَنَالُهُ التَّقْوَىٰ مِنْكُمْ ۗ كَذَلِكَ سَخَّرَهَا لَكُمْ لِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَيْكُمْ ۗ وَبَشِّرِ الْمُحْسِنِينَ ﴿۳۷﴾

(۳۸) الله از کسانی که ایمان آورده‌اند قطعاً [در برابر دشمنانشان] دفاع می‌کند. بی‌تردید، الله هیچ خیانتکار ناسپاسی را دوست ندارد.

۞ إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ ءَامَنُوا ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ ﴿۳۸﴾

أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقْتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا ۖ وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ ﴿٣٩﴾
 (۳۹) به کسانی که [مشرکان] با آنان جنگیده‌اند اجازه [جهاد] داده شده است؛ چرا که ستم دیده‌اند؛ و یقیناً الله بر یاری‌شان تواناست.

الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ ۗ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَهَدَمَتِ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا ۗ وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ ﴿٤٠﴾
 (۴۰) [همان] کسانی که به ناحق از دیارشان رانده شدند [و گناهی نداشتند] جز اینکه می‌گفتند: «پروردگار ما الله است». و اگر الله [ظلم و کفر] برخی از مردم را به وسیله برخی دیگر دفع نمی‌کرد، صومعه‌ها [ی راهبان] و کلیساهای [نصاری] و عبادتگاه‌ها [ی یهود] و مساجدی که نام الله در آنان بسیار برده می‌شود حتماً ویران می‌گردید؛ و الله کسی را که [دین] او را یاری دهد، یقیناً یاری می‌کند. بی‌تردید، الله قدرتمند شکست‌ناپذیر است.

الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْأُمُورِ ﴿٤١﴾
 (۴۱) [همان] کسانی که هر گاه در زمین به آنان قدرت [و حکومت] ببخشیم، نماز برپا می‌دارند و زکات می‌پردازند و [مردم را] به نیکی فرمان می‌دهند و از کارهای ناپسند باز می‌دارند؛ و سرانجام کارها از آن الله است.

وَإِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَثَمُودٌ ﴿٤٢﴾
 (۴۲) [ای پیامبر] اگر [کافران] تو را دروغگو می‌انگارند، [شکیبا باش]. قطعاً پیش از آنان، قوم نوح و عاد و ثمود [نیز پیامبران را] دروغگو می‌انگاشتند.

وَقَوْمِ إِبْرَاهِيمَ وَقَوْمِ لُوطٍ ﴿۴۳﴾ و [همچنین] قوم ابراهیم و قوم لوط.

وَأَصْحَابُ مَدْيَنَ وَكَذَبَ مُوسَىٰ ﴿۴۴﴾ و [نیز] اهل مَدین [شعیب را دروغگو می دانستند] و موسی [نیز توسط فرعونیان] دروغگو خوانده شد. به کافران مهلت دادم؛ آنگاه آنان را [به عذاب] فروگرفتم. پس [بنگر که نتیجه] انکار [آیات و مجازات] من چگونه بود.

فَكَأَيِّن مِّن قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ فَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا وَبُئْرِ مَعْظَلَةٍ وَفَصَّرِ مَشِيدٍ ﴿۴۵﴾ چه بسیار شهرهایی را که [چون مردمش کافر و] ستمکار بودند نابودشان کردیم و [اینک] سقف‌هایش فرو ریخته است؛ و چه بسیار چاه‌های [متروک و قصر]های [استوار] او باشکوه که ساکنانش را از عذاب الهی نجات نداد.

أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونُ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لَا تَعْمَىٰ الْأَبْصَارُ وَلَكِن تَعْمَىٰ الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ ﴿۴۶﴾ آیا آنان در زمین گردش نکرده‌اند، تا دل‌هایی داشته باشند که [حقیقت را] با آن دریابند یا گوش‌هایی که [اخبار گذشتگان را] با آن بشنوند؟ به راستی، تنها چشم‌ها نیست که نابینا می‌گردد؛ بلکه دل‌هایی که در سینه‌هاست [بی‌بصیرت گشته و برای دیدن حق،] نابینا می‌شود.

وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَإِنَّ يَوْمًا

عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ ﴿۴۷﴾
 را خلاف نمی‌کند؛ و در واقع، یک روز [از عذاب آخرت] نزد پروردگارت، با هزار سال که شما می‌شمارید یکسان است.

وَكَايِنٍ مِّنْ قَرْيَةٍ أَمَلَيْتُ لَهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ ثُمَّ أَخَذْتُهَا وَإِلَى الْمَصِيرِ ﴿۴۸﴾
 (۴۸) و چه بسیار [اهالی] شهرهایی که به آنان مهلت دادم، در حالی که ستمکار بودند [اما باز هم سرپیچی کردند]؛ پس آنان را [به عذاب] فروگرفتم و بازگشت [همه] به سوی من است.

قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا أَنَا لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿۴۹﴾
 (۴۹) بگو: «ای مردم، جز این نیست که من برای شما بیم‌دهنده‌ای آشکارم».

فَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ﴿۵۰﴾
 (۵۰) کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند، آمرزش و روزی نیک [در پیش] دارند.

وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ ﴿۵۱﴾
 (۵۱) و کسانی که در [راه انکار و تکذیب] آیات ما می‌کوشند تا [به پندار خویش] ما را درمانده کنند، آنان اهل دوزخند.

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَنَّى أَلْقَى الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ فَيَنسَخُ اللَّهُ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ ثُمَّ يُحْكِمُ اللَّهُ آيَاتِهِ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿۵۲﴾
 (۵۲) و [ما] هیچ رسول و پیامبری را پیش از تو نفرستادیم، مگر اینکه چون [آیات الهی را] تلاوت می‌کرد، شیطان در تلاوتش [کلمات اشتباه] القا می‌کرد؛ آنگاه الله آنچه را که شیطان القا نموده بود از میان می‌برد و سپس آیات خویش را استوار می‌ساخت؛ و الله دانای حکیم است.

(۵۳) تا [بدين وسيله، الله] آنچه را که شيطان
القا می کند، برای کسانی که در دل هایشان
بیماری [شک و نفاق] است و [همچنین برای]
سنگدلان، وسیله آزمایش قرار دهد؛ و یقیناً
ستمکاران [مشرك] در دشمنی دور و درازی
[با الله و پیامبرش] هستند.

(۵۴) و تا کسانی که دانش یافته اند، بدانند که
این [قرآن] حق است [و] از جانب پروردگار
توست و به آن ایمان بیاورند و دل هایشان
برایش [نرم و] فروتن گردد؛ و بی تردید، الله
کسانی را که ایمان آورده اند، به راهی راست
هدایت می کند.

(۵۵) کسانی که کفر ورزیدند همواره در مورد
آن [چه در قرآن نازل کرده ایم] تردید دارند تا
آنگاه که ناگهان قیامت فرارسد یا عذاب روزی
بی خیر و رحمت بر آنان [فرود] آید.

(۵۶) در آن روز، فرمانروایی از آن الله است [و]
میان آنان داوری می کند. کسانی که ایمان
آورده اند و کارهای شایسته انجام داده اند، در
باغ های پر نعمت [بهشت] هستند.

(۵۷) و کسانی که کفر ورزیدند و آیات ما را
تکذیب کردند، عذاب خوارکننده ای [در پیش]
دارند.

وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوا أَوْ مَاتُوا لَيَرْزُقَنَّهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ ﴿٥٨﴾

(۵۸) و کسانی که در راه الله هجرت کردند، سپس کشته شدند یا وفات کردند، یقیناً الله به آنان روزی نیکویی می‌دهد. به راستی که الله بهترین روزی‌دهنده است.

لَيَدْخِلْنَهُمْ مُدْخَلَ رِزْوَنَةٍ وَإِنَّ اللَّهَ لَعَلِيمٌ حَلِيمٌ ﴿٥٩﴾

(۵۹) بی‌تردید، آنان را به جایگاهی وارد می‌کند که از آن راضی باشند؛ و به راستی که الله دانای بردبار است.

ذَلِكَ وَمَنْ عَاقَبَ بِمِثْلِ مَا عُوقِبَ بِهِ ثُمَّ بُغِيَ عَلَيْهِ لَيَنْصُرَنَّهُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَعَفُورٌ غَفُورٌ ﴿٦٠﴾

(۶۰) این است [حکم الهی درباره کافر و مؤمن]؛ و هر کس به همان مقدار که به او ستم شده است مجازات کند، سپس [باز] مورد ستم قرار گیرد، الله یاری‌اش خواهد کرد. بی‌تردید، الله بخشنده آمرزنده است.

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ ﴿٦١﴾

(۶۱) این [یاری مظلومان] از آن روست که الله [بر هر کاری تواناست؛ چنان که] شب را در روز، و روز را در شب داخل می‌کند؛ [و از یکی می‌کاهد و بر دیگری می‌افزاید]؛ و بی‌تردید، الله شنوای بیناست.

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ هُوَ الْبَاطِلُ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ ﴿٦٢﴾

(۶۲) این به سبب آن است که الله حق است و آنچه را که [مشرکان] جز او می‌خوانند [همه] باطل است و الله بلندمرتبه بزرگ است.

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ

(۶۳) آیا ندیدی که الله آبی از آسمان

مَاءً فَتُصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَّةً إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ ﴿٦٣﴾
 می‌گردد؟ بی‌تردید، الله باریک‌بین آگاه است.

لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ﴿٦٤﴾
 آنچه در آسمان‌ها و زمین است از آن اوست؛ و بی‌تردید، الله بی‌نیاز ستوده است.

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ وَالْفُلْكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَيُمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَّءُوفٌ رَحِيمٌ ﴿٦٥﴾
 آیا ندیدی که الله آنچه را در زمین است به خدمت شما گماشته است و کشتی‌ها به فرمانش در دریا در حرکتند و آسمان را نگه می‌دارد که جز به اجازه او بر زمین نیفتد؟ بی‌تردید، الله [نسبت] به مردم، دلسوز مهربان است.

وَهُوَ الَّذِي أَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ ﴿٦٦﴾
 و او تعالی ذاتی است که شما را زنده کرد، سپس می‌میراند، و آنگاه [بار دیگر] زنده می‌کند. به راستی که انسان [نسبت به نعمت‌های الهی] بسیار ناسپاس است.

لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا هُمْ نَاسِكُوهُ فَلَا يُنْزِعُ عَنْكَ فِي الْأَمْرِ وَادْعُ إِلَى رَبِّكَ إِنَّكَ لَعَلىٰ هُدًى مُسْتَقِيمٍ ﴿٦٧﴾
 برای هر امتی آیینی مقرر کرده‌ایم که به آن عمل کنند؛ پس [ای پیامبر، پیروان سایر ادیان] نباید با تو در این امر ستیز کنند. به راه پروردگارت دعوت کن؛ [چرا که] تو یقیناً بر [آیینی درست و] راهی راست قرار داری.

وَإِنْ جَدُلُواكَ فَقُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿٦٨﴾
 و اگر [دربارهٔ حقانیت دین] با تو مجادله کردند، بگو: «الله به آنچه انجام می‌دهید داناتر است.»

اللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ﴿٦٩﴾
 (۶۹) الله روز قیامت در مورد آنچه درباره‌اش اختلاف می‌کردید، میان شما داوری می‌کند.»

أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّ ذَلِكَ فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ﴿٧٠﴾
 (۷۰) آیا ندانسته‌ای که الله آنچه را در آسمان و زمین است می‌داند؟ بی‌گمان [همه] اینها در کتابی = [لوح محفوظ، ثبت] است. مسلماً این [کار،] بر الله آسان است.

وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَمَا لَيْسَ لَهُمْ بِهِ عِلْمٌ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ نَصِيرٍ ﴿٧١﴾
 (۷۱) و [مشرکان] به جای الله چیزی را عبادت می‌کنند که هیچ دلیلی بر [حقانیت] آن نازل نکرده است و به آن آگاهی [و شناختی نیز] ندارند؛ و ستمکاران [در برابر عذاب الهی] هیچ یاریگری ندارند.

وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ تَعْرِفُ فِي وُجُوهِ الَّذِينَ كَفَرُوا الْمُنْكَرَ يَكَادُونَ يَسْطُونَ بِالَّذِينَ يَتْلُونَ عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا قُلْ أَفَأَنْتُمْ كُمْ بِشَرٍّ مِنْ ذَلِكَ مُمْتَرِينَ وَاعْتَدُوا لِلنَّارِ وَعَدَّهَا اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا

(۷۲) و هنگامی که آیات روشن ما بر آنان خوانده می‌شود، در چهرهٔ کسانی که کفر ورزیده‌اند [آثار کراهت و] ناخوشایندی می‌بینی. نزدیک است به کسانی که آیات ما را برایشان می‌خوانند حمله‌ور شوند. [ای پیامبر، به کافران] بگو: «آیا شما را به بدتر از این [که در انتظارتان است] خبر دهم؟ آتش [دوزخ]

است که الله آن را به کسانی که کفر ورزیدند وعده داده است؛ و چه بد سرانجامی است!

وَبَشِّرِ الْمَصِيرُ ﴿۷۳﴾

(۷۳) ای مردم، [درباره ناتوانی معبودان باطل] مثلی زده شده است؛ پس به آن گوش دهید: کسانی را که به جای الله [به عبادت و یاری] می‌خوانید، هرگز نمی‌توانند [حتی] مگسی را بیافرینند، حتی اگر [همگی] برای این [کار] جمع شوند؛ و اگر آن مگس چیزی از آنان برباید، نمی‌توانند آن را بازپس گیرند. [آری،] طالب و مطلوب [= معبود باطل و مگس یا عابد و معبود باطل] هر دو ناتوانند.

يَأْتِيهَا النَّاسُ ضُرْبَ مَثَلٍ
فَأَسْتَمِعُوا لَهُ وَإِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ
مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا
وَلَوْ اجْتَمَعُوا لَهُ وَإِنْ يَسْلُبْهُمُ
الذُّبَابُ شَيْئًا لَّا يَسْتَنْقِذُوهُ مِنْهُ
ضَعْفَ الطَّالِبِ وَالْمَطْلُوبِ ﴿۷۳﴾

(۷۴) [آنان] الله را چنان که سزاوار [بزرگداشت] اوست نشناخته‌اند. بی‌تردید، الله نیرومند شکست‌ناپذیر است.

مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِنَّ اللَّهَ
لَعَزِيزٌ ﴿۷۴﴾

(۷۵) الله از میان فرشتگان، فرستادگانی [برای ابلاغ وحی به پیامبران] برمی‌گزیند و از میان انسان‌ها نیز [پیامبرانی برای رساندن پیام الهی] به مردم انتخاب می‌کند. بی‌تردید، الله شنوای بیناست.

اللَّهُ يَصْطَفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا
وَمِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ
بَصِيرٌ ﴿۷۵﴾

(۷۶) او تعالی آینده و گذشته آنان را می‌داند و [همه] کارها به الله بازگردانده می‌شود.

يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ
وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ﴿۷۶﴾

(۷۷) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، رکوع کنید

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَرْكَعُوا

وَأَسْجُدُوا وَعَبُدُوا رَبَّكُمْ
وَأَفْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ

تُفْلِحُونَ ﴿۷۷﴾

(۷۸) و در راه الله - چنان که سزاوارِ جهاد [در راه] اوست - جهاد کنید. او شما را برگزید و هیچ سختی [و تنگنایی] در دین برایتان قرار نداد. [این آیین سهل و آسان،] آیین پدرتان ابراهیم [است]. او [= الله] پیش از این [در کتاب‌های آسمانی گذشته] و در این [قرآن] شما را مسلمان نامید تا پیامبر بر [ابلاغ پیامش به] شما گواه باشد و شما [نیز] بر مردم گواه باشید [که همه پیامبران، پیام الهی را به قوم خود رسانده‌اند]. پس نماز برپا دارید و زکات پردازید و به الله پناه ببرید [و بر او توکل کنید] که او [دوست و] کارسازِ شماست؛ و چه نیکو کارساز و چه نیک یابوری است!

النَّصِيرُ ﴿۷۸﴾

سُورَةُ الْمُؤْمِنُونَ

سورة مؤمنون

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ ﴿١﴾

(۱) به راستی که مؤمنان رستگار شدند؛

وَالَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ ﴿٢﴾
 هستند؛

وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ ﴿٣﴾
 و آنان که از [گفتار و رفتار] بیهوده
 روگردانند؛

وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ ﴿٤﴾
 و آنان که زکات می‌پردازند؛

وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ ﴿٥﴾
 و آنان که شرمگاهشان را حفظ می‌کنند؛

إِلَّا عَلَىٰ أَرْوَاحِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ ﴿٦﴾
 مگر در مورد همسران یا کنیزانشان که
 [در بهره‌گیری جنسی از آنها] نکوهشی بر آنان
 نیست.

فَمَنْ أُبْتَغِيَ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ ﴿٧﴾
 اما کسانی که فراتر از این بخواهند، آنان
 کسانی هستند که از حد درگذشته‌اند.

وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمْتِنَتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ ﴿٨﴾
 و کسانی که امانت‌ها و عهد خود را رعایت
 می‌کنند،

وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ
يُحَافِظُونَ ﴿٩﴾
می کنند.

أُولَئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ ﴿١٠﴾
(۱۰) اینانند که وارثان هستند.

الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا
خَالِدُونَ ﴿١١﴾
می برند [و] در آن جاودانند.

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ
مِّن طِينٍ ﴿١٢﴾
گل آفریدیم.

ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ
مَّكِينٍ ﴿١٣﴾
سپس او را [به شکل] نطفه‌ای در
قرارگاهی استوار [= رَحِم] نهادیم.

ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا
الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ
عِظْمًا فَكَسَوْنَا الْعِظْمَ لَحْمًا ثُمَّ
أَدْنَيْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ
أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ ﴿١٤﴾
(۱۴) سپس نطفه را [به شکل] خون بسته
ساختیم و آنگاه خون بسته را [به صورت]
پاره‌گوشتی ساختیم؛ سپس پاره‌گوشت را [به
شکل] استخوان درآوردیم و آنگاه بر استخوان‌ها
گوشت پوشاندیم؛ سپس آن [جنین] را
آفرینشی دیگر بخشیدیم. [پربرکت و] بزرگوار
است الله که نیکوترین آفریننده است.

ثُمَّ إِنَّكُمْ بَعْدَ ذَلِكَ لَمَيِّتُونَ ﴿١٥﴾
(۱۵) سپس شما [پس از طی مراحل زندگی]
قطعاً خواهید مُرد.

ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ
تُبْعَثُونَ ﴿١٦﴾
(۱۶) آنگاه بی‌تردید، در روز قیامت برانگیخته
می شوید.

وَلَقَدْ خَلَقْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعَ طَرَائِقَ وَمَا كُنَّا عَنِ الْخَلْقِ غَافِلِينَ ﴿۱۷﴾
 (۱۷) و به یقین، ما بر فرازتان هفت آسمان آفریدیم و [هرگز] از مخلوقات [خود] غافل نبوده‌ایم.

وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَسْكَنَتْهُ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّا عَلَىٰ ذَهَابٍ بِهِ لَقَدِيرُونَ ﴿۱۸﴾
 (۱۸) و از آسمان به اندازه‌ای معین [برای نیاز مخلوقات] آبی فرستادیم و آن را در زمین جای دادیم؛ و قطعاً برای از بین بردنش [نیز] کاملاً تواناییم.

فَأَنْشَأْنَا لَكُمْ بِهِ جَنَّاتٍ مِّنْ نَّجِيلٍ وَأَعْنَبٍ لَّكُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿۱۹﴾
 (۱۹) سپس توسط آن [آب] باغ‌هایی از درختان خرما و انگور برایتان پدید آوردیم که در آن [باغ‌ها] میوه‌های بسیاری برای شماست و از آن [محصولات] می‌خورید.

وَشَجَرَةً تَخْرُجُ مِنْ طُورِ سَيْنَاءَ تَنْبُتُ بِالدُّهْنِ وَصِبْغٍ لِلْأَكْلِينَ ﴿۲۰﴾
 (۲۰) و درختی [آفریدیم] که از طور سینا برمی‌آید و روغن [زیتون] می‌دهد و خورشوی برای خورندگان است.

وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً ۗ نُسْقِيكُمْ مِمَّا فِي بُطُونِهَا وَلَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿۲۱﴾
 (۲۱) و بی‌تردید، در [وجود] چهارپایان عبرتی [از قدرت الهه] برایتان است: از آنچه در شکم آنهاست به شما [شیر] می‌نوشانیم و در [وجود] آنها سودهای بسیاری برایتان وجود دارد و از [گوشت] آنها می‌خورید.

وَعَلَيْهَا وَعَلَىٰ الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ ﴿۲۲﴾
 (۲۲) [در خشکی] بر آنها و [در آب] بر کشتی‌ها سوار می‌شوید.

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ ۖ فَقَالَ يَتَقَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ ۖ أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿۲۳﴾

(۲۳) و بی‌تردید، ما نوح را به سوی قومش فرستادیم؛ [به آنان] گفت: «ای قوم من، الله را عبادت کنید [که] جز او معبودی [به‌حق] ندارید. آیا پروا نمی‌کنید؟»

فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُرِيدُ أَنْ يَتَفَضَّلَ عَلَيْكُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً مَّا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ ﴿۲۴﴾

(۲۴) اما اشراف و بزرگان قومش که کفر ورزیده بودند گفتند: «این [مرد کسی] نیست مگر بشری همچون شما [که] می‌خواهد بر شما برتری جوید. اگر الله می‌خواست [رسولی بفرستد]، فرشتگانی [به سویتان] نازل می‌کرد. ما این [سخن] را [که نوح می‌گوید] در میان نیاکان خود نشنیده‌ایم.»

إِنْ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ بِهِ جِنَّةٌ فَبَرَبِّصُوا بِهِ حَتَّىٰ حِينٍ ﴿۲۵﴾

(۲۵) او مرد دیوانه‌ای بیش نیست؛ پس تا مدتی منتظر باشید [که یا دروغش آشکار گردد و دست از دعوتش بردارد یا مرگش فرارسد].

قَالَ رَبِّ أَنْصُرْنِي بِمَا كَذَّبْتَنِي ﴿۲۶﴾

(۲۶) [نوح] گفت: «پروردگارا، مرا در برابر تکذیب آنان یاری کن.»

فَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ أَنْ اصْنَعِ الْفُلَ ۖ بِأَعْيُنِنَا ۖ وَوَحَيْنَا فَإِذَا جَاءَ أَمْرُنَا ۖ وَفَارَ التَّنُورَ ۖ فَاسْلُكْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ ۚ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ مِنْهُمْ ۗ وَلَا

(۲۷) به او وحی کردیم: «کشتی را تحت نظر ما و به وحی ما بساز و هنگامی که فرمان [عذاب] ما فرارسید و [به نشانه رسیدن طوفان، آب از] تنور جوشید، از هر نوع [حیوان،] یک جفت [نر و ماده] در کشتی سوار کن و خانواده‌ات را [نیز همراه خود ببر] مگر کسانی

که پیشتر وعده [ی هلاکت] بر آنان مقرر شده است و درباره [نجات] کسانی که ستم کرده اند با من سخن نگو؛ [چرا که] آنان حتماً غرق خواهند شد.

تُخَطِّبُنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُعْرِفُونَ ﴿۲۷﴾

(۲۸) هنگامی که تو و همراهانت بر کشتی سوار شدید بگو: "سپاس مخصوص الله است که ما را از [چنگ] گروه ستمکار نجات داد".

فَإِذَا أَسْتَوَيْتَ أَنْتَ وَمَنْ مَعَكَ عَلَى الْفُلِكِ فَقُلْ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي نَجَّنا مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿۲۸﴾

(۲۹) و [نیز] بگو: «پروردگارا، ما را در منزل گاهی پیربکت فرود آور که تو بهترین فرودآورنده ای».

وَقُلْ رَبِّ أَنْزِلْنِي مُنْزَلًا مُّبَارَكًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ ﴿۲۹﴾

(۳۰) بی تردید در این [ماجرا] نشانه هایی [از قدرت الله در نجات مؤمنان و عذاب کافران] است و یقیناً ما آزمایشگر [ایمان و کفر مردم] بوده ایم؛

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ وَإِنْ كُنَّا لَمُبْتَلِينَ ﴿۳۰﴾

(۳۱) آنگاه گروه دیگری را پس از آنان پدید آوردیم؛

ثُمَّ أَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ ﴿۳۱﴾

(۳۲) و پیامبری از خودشان در [میان] آنان فرستادیم [تا بگویند]: «الله را عبادت کنید [که] جز او معبودی [به حق] ندارید. آیا پروا نمی کنید؟»

فَأَرْسَلْنَا فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ أَنْ أَعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ وَأَقْلَابًا تَتَّقُونَ ﴿۳۲﴾

(۳۳) گروهی از اشراف و بزرگان قومش که

وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ الَّذِينَ

کفر ورزیده بودند و دیدار آخرت را دروغ می‌انگاشتند و در زندگی دنیا نعمت و آسایش به آنان داده بودیم، گفتند: «این [مرد کسی] نیست مگر بشری همچون شما؛ از آنچه [شما] می‌خورید [او نیز] می‌خورد و از آنچه که شما می‌نوشید [او نیز] می‌نوشد [پس مزیتی ندارد که پیامبر باشد].»

كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِلِقَاءِ الْآخِرَةِ
وَأَتْرَفْنَاهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا مَا
هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يَأْكُلُ
مِمَّا تَأْكُلُونَ مِنْهُ وَيَشْرَبُ مِمَّا
تَشْرَبُونَ ﴿٣٣﴾

(۳۴) و اگر از بشری همچون خود اطاعت کنید، در آن صورت، یقیناً زیانکارید.

وَلَئِنْ أَطَعْتُمْ بَشَرًا مِّثْلَكُمْ
إِنَّكُمْ إِذَا لَخَسِرُونَ ﴿٣٤﴾

(۳۵) آیا او به شما وعده می‌دهد که وقتی مرید و خاک و استخوان شدید، [در قیامت از گور] بیرون آورده می‌شوید؟

أَيُعِدُّكُمْ أَنَّكُمْ إِذَا مِتُّمْ وَكُنْتُمْ
تُرَابًا وَعِظْلًا أَنَّكُمْ مُخْرَجُونَ ﴿٣٥﴾

(۳۶) آنچه به شما وعده می‌دهد، چه دور است، چه دور!

هِيَ هِيَ هِيَ هِيَ هِيَ هِيَ
تُوعَدُونَ ﴿٣٦﴾

(۳۷) [زندگانی] جز همین زندگی دنیای ما نیست؛ و [گروهی] می‌میریم و [و گروهی به جای آنها] زنده می‌شویم و هرگز [پس از مرگ] برانگیخته نخواهیم شد.

إِنَّ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ
وَنَحْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ ﴿٣٧﴾

(۳۸) او [کسی] نیست مگر مردی که بر الله دروغ می‌بندد و ما به او ایمان نمی‌آوریم.»

إِنَّ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ
كَذِبًا وَمَا نَحْنُ لَهُ بِمُؤْمِنِينَ ﴿٣٨﴾

(۳۹) [پیامبرشان] گفت: «پروردگارا، مرا در برابر تکذیب آنان یاری کن.»

قَالَ رَبِّ أَنْصُرْنِي بِمَا كَذَّبُونَ ﴿٣٩﴾

قَالَ عَمَّا قَلِيلٍ لِّيُصْبِحَنَّ ﴿٤٠﴾ [الله] فرمود: «پس از اندک زمانی، [از کار خود] سخت پشیمان می‌شوند».

نَدِيمِينَ ﴿٤١﴾

فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ بِالْحَقِّ ﴿٤١﴾ پس بانگی [مرگبار] آنان را به حق فروگرفت و آنان را [همچون] خس و خاشاک [روی سیل] نمودیم؛ پس قوم ستمکار [از رحمت الله] دور باد!

الظَّالِمِينَ ﴿٤٢﴾

ثُمَّ أَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قُرُونًا ﴿٤٢﴾ سپس بعد از آنان نسل‌هایی دیگر پدید آوردیم.

عَاخِرِينَ ﴿٤٣﴾

مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسْتَخِرُونَ ﴿٤٣﴾ هیچ امتی نه از اجل [معین] خود پیشی می‌گیرد و نه تأخیر می‌کند.

يَسْتَخِرُونَ ﴿٤٤﴾

ثُمَّ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا تَتْرًا كُلِّ مَا جَاءَ أُمَّةً رَّسُولُهَا كَذَّبُوهُ فَاتَّبَعْنَا بَعْضَهُمْ بَعْضًا وَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ فَبُعْدًا لِقَوْمٍ لَّا يُؤْمِنُونَ ﴿٤٤﴾

﴿٤٤﴾ سپس پیامبران خود را پیاپی فرستادیم. هر گاه پیامبری برای [هدایت] امتی می‌آمد، او را دروغگو می‌انگاشتند؛ [ما نیز] آنان را یکی پس از دیگری هلاک کردیم و آنان را داستان‌ها [ی عبرت‌آموزی برای آیندگان] قرار دادیم. پس نابود باد قومی که ایمان نمی‌آورند!

ثُمَّ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ وَأَخَاهُ هَارُونَ ﴿٤٥﴾ سپس موسی و برادرش هارون را با آیات [نُه‌گانه] خویش و دلایل آشکار فرستادیم

بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُّبِينٍ ﴿٤٥﴾

إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ ۚ فَاسْتَكْبَرُوا ﴿٤٦﴾ به سوی فرعون و اشراف [قوم] او؛ و [الی] آنان گردنکشی کردند و گروهی برتری‌خواه بودند.

وَكَاوُوا قَوْمًا عَلَيْنَ ﴿٤٦﴾

فَقَالُوا أَنْزَمُنْ لِبَشَرَيْنِ مِثْلِنَا (۴۷) و گفتند: «آیا به دو انسان مانند خود
ایمان بیاوریم، حال آنکه قومشان بردگان ما
وَقَوْمَهُمَا لَنَا عِيدُونَ ﴿۴۷﴾
هستند؟»

فَكَذَّبُوهُمَا فَكَانُوا مِنَ الْمُهْلَكِينَ ﴿۴۸﴾
(۴۸) پس آن دو را دروغگو انگاشتند [و]
سرانجام هلاک شدند.

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ (۴۹) و بی‌تردید، به موسی کتاب [تورات]
دادیم؛ باشد که [بنی‌اسرائیل] هدایت شوند.
لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ ﴿۴۹﴾

وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُو عَايَةً (۵۰) و پسر مریم و مادرش را نشانه‌ای [از]
قدرت الهی] قرار دادیم و آنان را در مکان بلند
و عَاوَيْنَهُمَا إِلَى رَبْوَةٍ ذَاتِ قَرَارٍ
و همواری که دارای امنیت و آبی [زالال و]
وَمَعِينٍ ﴿۵۰﴾
جاری بود جای دادیم.

يَأْتِيهَا الرُّسُلُ كُلُّو مِنَ الطَّيِّبَاتِ (۵۱) ای پیامبران، از [غذاهای] پاکیزه بخورید
و کار شایسته انجام دهید. یقیناً من از آنچه
وَأَعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ
انجام می‌دهید آگاهم.
عَلِيمٌ ﴿۵۱﴾

وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً (۵۲) و در حقیقت، این دین شما، دینی واحد
[به نام اسلام] است و من پروردگارتان هستم؛
وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ ﴿۵۲﴾
پس از من پروا کنید.

(۵۳) اما [پیروانشان اختلاف کردند و] در امر
[دین]شان میان خود پراکنده و گروه‌گروه
شَدَدُوا [و] هر گروهی به آنچه نزدشان است
فَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبُرًا كُلِّ
حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ ﴿۵۳﴾

دلخوشند [چرا که خود را بر حق و دیگران را بر باطل می‌دانند].

فَدَرَهُمْ فِي غَمْرَتِهِمْ حَتَّىٰ حِينٍ ﴿۵۴﴾ [ای پیامبر،] آنان را تا وقتی [که عذاب فرامی‌رسد] در جهل و نادانی‌شان رها کن.

أَيَحْسَبُونَ أَنَّمَا نُمِدُّهُم بِهِ مِن مَّالٍ وَبَنِينَ ﴿۵۵﴾ آیا گمان می‌کنند اموال و فرزندانى که به آنان می‌دهیم [به این هدف است که،]

نُسَارِعُ لَهُمْ فِي الْخَيْرَاتِ بَلْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿۵۶﴾ [شتابان نیکی‌ها را به آنان برسانیم؟] نه، هرگز چنین نیست؛ [بلکه آنان نمی‌فهمند] که این وسیله امتحانشان است.

إِنَّ الَّذِينَ هُمْ مِّنْ خَشِيَةِ رَبِّهِمْ مُّشْفِقُونَ ﴿۵۷﴾ کسانی که از بیم پروردگارشان ترسانند

وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ ﴿۵۸﴾ و کسانی که به آیات پروردگارشان ایمان می‌آورند

وَالَّذِينَ هُمْ بِرَبِّهِمْ لَا يُشْرِكُونَ ﴿۵۹﴾ و کسانی که به پروردگارشان شرک نمی‌ورزند

وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَىٰ رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ ﴿۶۰﴾ و کسانی که در انجام کارهای خیر می‌کوشند و از اینکه به سوی پروردگار خویش بازمی‌گردند دل‌هایشان هراسان است [از اینکه مبدا کارهای نیکشان قبول نشود].

أُولَٰئِكَ يُسْرِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ ﴿۶۱﴾ اینان در نیکی‌ها شتاب می‌کنند و در

انجام آن [از یکدیگر] پیشی می گیرند.

وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ ﴿٦١﴾

وَلَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا ﴿٦٢﴾ و [ما] به هیچ کس جز به اندازه توانش تکلیف نمی کنیم و نزد ما کتابی است که [در باره اعمال بندگان] به حق سخن می گوید و به آنان ستم نمی شود.

وَلَدَيْنَا كِتَابٌ يَنْطِقُ بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿٦٢﴾

(۶۳) [نه،] بلکه دل هایشان از این [کتاب] در غفلت است و آنان جز این [گناه کفر،] کارهایی [دیگر نیز] انجام می دهند.

بَلْ قُلُوبُهُمْ فِي غَمْرَةٍ مِّنْ هَذَا وَهُمْ أَعْمَلُ مِّنْ دُونِ ذَلِكَ هُمْ لَهَا عَمِلُونَ ﴿٦٣﴾

(۶۴) تا هنگامی که ثروتمندانشان را به عذاب گرفتار کنیم، ناگهان فریاد زاری سر می دهند.

حَتَّىٰ إِذَا أَخَذْنَا مُتْرَفِيهِمْ بِالْعَذَابِ إِذَا هُمْ يَجْعَرُونَ ﴿٦٤﴾

(۶۵) [به آنان گفته می شود:] «امروز ناله و زاری نکنید [که] هرگز از سوی ما یاری نخواهید شد.

لَا تَجْعَرُوا أَلْيَوْمٍ إِنَّكُمْ مِّنَّا لَا تُنصَرُونَ ﴿٦٥﴾

(۶۶) بی تردید، آیات من پیوسته بر شما خوانده می شد؛ ولی [از حق] روی می گردانید.

قَدْ كَانَتْ آيَاتِي تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ تَنْكِبُونَ ﴿٦٦﴾

(۶۷) در حالی که در برابرش تکبر می کردید [و در مجالس شبانه خود] به بدگویی می پرداختید.

مُسْتَكْبِرِينَ بِهِ سَمِرًا تَهْجُرُونَ ﴿٦٧﴾

(۶۸) آیا آنان در این گفتار [= قرآن]

أَفَلَمْ يَدَّبَّرُوا الْقَوْلَ أَمْ جَاءَهُمْ مَا

لَمْ يَأْتِ آبَاءَهُمُ الْأَوْلِيْنَ ﴿٦٨﴾ نیندیشیده‌اند یا [مگر] چیزی برایشان آمده که برای نیاکانشان نیامده است؟

أَمْ لَمْ يَعْرِفُوا رَسُولَهُمْ فَهُمْ لَهُوَ ﴿٦٩﴾ یا پیامبرشان را [به خوبی] نشناخته‌اند و از این روست که [او را انکار می‌کنند؟] مُنْكَرُونَ ﴿٦٩﴾

أَمْ يَقُولُونَ بِهِ جِنَّةٌ بَلْ جَاءَهُمُ بِالْحَقِّ وَأَكْثَرُهُمُ لِلْحَقِّ كَاهِنُونَ ﴿٧٠﴾ یا می‌گویند او جنون دارد؟ [نه، چنین نیست؛] بلکه [او دین] حق را برایشان آورده است؛ [ولی] بیشتر آنان [از روی حسادت و تعصبی که به باطل خویش دارند] حق را نمی‌پسندند [و از آن به خشم می‌آیند].

وَلَوْ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ بَلْ أَتَيْنَهُمْ بِذِكْرِهِمْ فَهُمْ عَنِ ذِكْرِهِمْ مُعْرِضُونَ ﴿٧١﴾ (۷۱) اگر الله از هوس‌های آنان پیروی کند [و امور هستی به میل کافران اداره شود]، آسمان‌ها و زمین و هر کس [و هر چه] در آنهاست تباہ می‌گردد؛ بلکه پندشان [= قرآن] را برای آنان آورده‌ایم [که مایه عزت و شرفشان است]؛ ولی آنان از پندشان رویگردانند.

أَمْ تَسْأَلُهُمْ خَرْجًا فَخَرَاجُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَهُوَ خَيْرُ الرَّزَاقِينَ ﴿٧٢﴾ (۷۲) [ای پیامبر]، آیا تو از آنان [برای تبلیغ دین] پاداشی می‌طلبی؟ و حال آنکه پاداش پروردگارت [بسی] بهتر است و او بهترین روزی‌دهنده است.

وَإِنَّكَ لَتَدْعُوهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٧٣﴾ (۷۳) و بی‌تردید، تو آنان را به راهی راست دعوت می‌کنی. مُسْتَقِيمٍ ﴿٧٣﴾

وَإِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ (۷۴) کسانی که به آخرت ایمان ندارند قطعاً از
عَنِ الصِّرَاطِ لَنُكِبُونَ ﴿۷۴﴾ این راه [راست] منحرف شده‌اند.

وَلَوْ رَحِمْنَاهُمْ وَكَشَفْنَا مَا بِهِمْ (۷۵) اگر به آنان رحم کنیم و بلا و رنجی را که
[از قحطی و گرسنگی] دیده‌اند از آنان برطرف
مِنْ ضَرِّ لَلْجُؤِ فِي طُعَيْنِهِمْ
يَعْمَهُونَ ﴿۷۵﴾ سازیم، بر سرکشی [و گمراهی] خویش
پافشاری می‌کنند [و همچنان] به بیراهه
می‌روند.

وَلَقَدْ أَخَذْنَاهُم بِالْعَذَابِ فَمَا (۷۶) در حقیقت، [ما] آنان را به عذاب [و بلا]
اَسْتَكَانُوا لِرَبِّهِمْ وَمَا
يَتَضَرَّعُونَ ﴿۷۶﴾ گرفتار ساختیم [تا بیدار شوند]؛ اما در برابر
پروردگارشان فروتنی ننمودند و [به درگاهش
تضرع و] زاری نکردند.

حَتَّىٰ إِذَا فَتَحْنَا عَلَيْهِم بَابًا ذَا (۷۷) [آنان پیوسته چنین هستند] تا آنگاه که
عَذَابٍ شَدِيدٍ إِذَا هُمْ فِيهِ
مُبْلِسُونَ ﴿۷۷﴾ دری از عذاب سخت بر آنان می‌گشاییم [و
چنان گرفتار شوند] که [از همه جا] مأیوس
گردند.

وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ لَكُمُ السَّمْعَ (۷۸) [ای منکران قیامت]، الله ذاتی است که
وَالْأَبْصَرَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا
تَشْكُرُونَ ﴿۷۸﴾ گوش و چشم و دل برایتان پدید آورد. چه
اندک سپاس می‌گزارید!

وَهُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ (۷۹) و او تعالی است که شما را در زمین
وَالِيهِ تُحْشَرُونَ ﴿۷۹﴾ [آفرید و] پراکنده کرد و [روز قیامت] به سوی
او جمع می‌شوید.

وَهُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ وَلَهُ
 اخْتَلَفَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ أَفَلَا
 تَعْقِلُونَ ﴿۸۰﴾

(۸۰) و اوست که زنده می کند و می میراند و
 گردش شب و روز از [تدبیر] اوست. آیا
 نمی اندیشید؟

بَلْ قَالُوا مِثْلَ مَا قَالَ الْأَوَّلُونَ ﴿۸۱﴾

(۸۱) [چنین نکردند؛] بلکه آنان نیز همان
 [سخنانی را] گفتند که پیشینیان می گفتند.

قَالُوا أَءِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظْمًا
 أَعْنَاءَ لِمَبْعُوثُونَ ﴿۸۲﴾

(۸۲) گفتند: «آیا هنگامی که مردیم و خاک و
 استخوان شدیم، برانگیخته خواهیم شد؟»

لَقَدْ وَعَدْنَا نَحْنُ وَعَآبَاؤُنَا هَذَا
 مِنْ قَبْلُ إِنْ هَذَا إِلَّا أَسْطِيرُ
 الْأَوَّلِينَ ﴿۸۳﴾

(۸۳) بی تردید، این وعده را پیش از این نیز به
 ما و نیاکانمان داده اند. این [سخن، چیزی]
 نیست مگر [دروغ ها و] افسانه های [خیالی]
 پیشینیان.

قُلْ لِمَنِ الْأَرْضُ وَمَنْ فِيهَا إِنْ
 كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿۸۴﴾

(۸۴) ای پیامبر، به منکرانِ معاد [بگو: «اگر
 می دانید، [بگوئید] زمین و هر کس در آن است
 از آن کیست؟»

سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا
 تَذَكَّرُونَ ﴿۸۵﴾

(۸۵) خواهند گفت: «[همه] از آنِ الله است.»
 بگو: «پس آیا پند نمی گیرید؟»

قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ
 وَرَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ﴿۸۶﴾

(۸۶) بگو: «پروردگارِ هفت آسمان و پروردگار
 عرش بزرگ کیست؟»

سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿۸۷﴾

(۸۷) خواهند گفت: «[همه] از آنِ الله است.»
 بگو: «پس آیا [از الله] پروا نمی کنید؟»

قُلْ مَنْ بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ يُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿۸۸﴾

(۸۸) بگو: «اگر می دانید، [بگوئید] فرمانروایی همه چیز به دست کیست؟ و [کیست که] پناه می دهد و کسی در برابر [عذاب] او پناه داده نمی شود؟»

سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ فَأَنَّى تُسْحَرُونَ ﴿۸۹﴾

(۸۹) خواهند گفت: «[فرمانروایی همه چیز، از آن الله است.». بگو: «پس چگونه افسون می شوید [و نمی اندیشید]؟»

بَلْ أَتَيْنَهُمْ بِالْحَقِّ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿۹۰﴾

(۹۰) [چنین نیست که کافران گمان می کنند] بلکه ما حق را برایشان آوردیم و یقیناً آنان دروغگو هستند.

مَا اتَّخَذَ اللَّهُ مِنْ وَلَدٍ وَمَا كَانَ مَعَهُ مِنْ إِلَهٍ إِذًا لَذَهَبَ كُلُّ إِلَهٍ بِمَا خَلَقَ وَلَعَلَّا بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ ﴿۹۱﴾

(۹۱) الله هرگز فرزندی برنگزیده است و هیچ معبودی با او نیست. [اگر چنین بود،] آنگاه هر معبودی آنچه را آفریده بود [با خود] می برد و مسلماً برخی بر برخی دیگر برتری می جستند [و نظام هستی تباه می گشت]. الله از آنچه [مشرکان] توصیف می کنند، منزّه است.

عَلِيمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَتَعَلَّىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿۹۲﴾

(۹۲) او دانای نهان و آشکار است و از چیزهایی که با [وی] شریک می سازند برتر است.

قُلْ رَبِّ إِمَّا تُرِيْبِي مَا يُوعَدُونَ ﴿۹۳﴾

(۹۳) بگو: «پروردگارا، اگر آن [عذابی] را که به آنان وعده داده می شود به من نشان می دهی [که شاهدش باشم]،

رَبِّ فَلَا تَجْعَلْنِي فِي الْقَوْمِ
الظَّالِمِينَ ﴿٩٤﴾

(۹۴) مرا در این [عذابها، در کنار این] گروه
ستمکار قرار نده.

وَإِنَّا عَلَىٰ أَنْ نُثْرِكَ مَا نَعِدُهُمْ
لَقَدِيرُونَ ﴿٩٥﴾

(۹۵) و قطعاً ما تواناییم که آنچه را به آنان
وعده می‌دهیم، به تو نشان دهیم.

أَدْفَعْ بِأَلْتِي هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةِ
نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَصِفُونَ ﴿٩٦﴾

(۹۶) [ای پیامبر،] بدی را به شیوه‌ای که بهتر
است، دفع کن [و ببخش و شکیبا باش]. ما به
آنچه [مشرکان دربارهٔ تو] توصیف می‌کنند،
داناتریم.

وَقُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ
الشَّيَاطِينِ ﴿٩٧﴾

(۹۷) و بگو: «پروردگارا، من از وسوسه‌های
شیاطین به تو پناه می‌برم.

وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ ﴿٩٨﴾

(۹۸) و پروردگارا، از اینکه آنها نزد من حاضر
شوند [نیز] به تو پناه می‌برم».

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ
رَبِّ أَرْجِعُونِ ﴿٩٩﴾

(۹۹) [کافران پیوسته بر عقیده باطلشان
هستند] تا هنگامی که مرگ یکی از آنان
فرارسد [آنگاه در حالی که] نزد پروردگار [خود
ناله و زاری می‌کند، به فرشتگان] می‌گوید:
«مرا [به دنیا] بازگردانید.

لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ
كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ
وَرَائِهِمْ بَرَزَخٌ إِلَىٰ يَوْمِ

(۱۰۰) شاید در آنچه [کوتاهی نموده و] ترک
کرده‌ام، کار شایسته‌ای انجام دهم». هرگز
چنین نیست. بی‌تردید، این فقط سخنی است
که او به زبان می‌گوید [و هرگز رفتارش تغییر

يُبْعَثُونَ ﴿١٠١﴾

نمی‌کند؛ و تا روزی که برانگیخته شوند، پشت سرشان برزخی است.

فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ ﴿١٠١﴾

(۱۰۱) روزی که در صور دمیده می‌شود، هیچ یک از [افتخارات خانوادگی و] پیوندهای خویشاوندی میانشان [برقرار] نخواهد بود و [از وحشتِ عذاب] از [حال] یکدیگر نمی‌پرسند.

فَمَنْ ثَقَلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿١٠٢﴾

(۱۰۲) و هر کس کفه میزان [اعمال] وی سنگین باشد، آنان رستگاراند.

وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ ﴿١٠٣﴾

(۱۰۳) و هر کس کفه میزان [اعمال] وی سبک باشد، آنانند که به خویش زیان زده‌اند [و] در دوزخ جاودانند.

تَلْفَحُ وُجُوهَهُمُ النَّارُ وَهُمْ فِيهَا كَالِحُونَ ﴿١٠٤﴾

(۱۰۴) آتش چهره‌هایشان را می‌سوزاند و در آنجا عبوس و زشت‌منظرند.

أَلَمْ تَكُنْ ءَأَيَّتِي تُتَىٰ عَلَيَّكُمْ فَكُنْتُمْ بِهَا تُكَدِّبُونَ ﴿١٠٥﴾

(۱۰۵) [به آنان گفته می‌شود:] «مگر نه این بود که آیاتم بر شما خوانده می‌شد و آنها را دروغ می‌انگاشتید؟»

قَالُوا رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا وَكُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ ﴿١٠٦﴾

(۱۰۶) [در پاسخ] می‌گویند: «پروردگارا، بدبختی بر ما چیره شد و گروهی گمراه بودیم.

رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنَّا عُدْنَا فَإِنَّا ظَالِمُونَ ﴿١٠٧﴾

(۱۰۷) پروردگارا، ما را از این [دوزخ] بیرون آور. اگر [به کفر و نافرمانی] بازگشتیم، قطعاً ستمکاریم.»

قَالَ أَحْسَنُوا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُونَ ﴿١٠٨﴾
 شویید و با من سخن نگوئید. [الله] می‌فرماید: «در آن [آتش] گم

إِنَّهُ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ ﴿١٠٩﴾
 "پروردگارا، ایمان آوردیم؛ پس ما را ببخشای و بر ما رحم کن [که] بی‌تردید، تو بهترین بخشاینده‌ای!"

فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ سِحْرِيًّا حَتَّىٰ أَنْسَوَكُمُ ذِكْرِي وَكُنْتُمْ مِنْهُمْ تَضْحَكُونَ ﴿١١٠﴾
 [سرگرم شدن به تمسخر آنان] ذکر [و عبادت] مرا از یادتان برد و همچنان به آنان می‌خندیدید.

إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْفَآئِزُونَ ﴿١١١﴾
 امروز من آنان را از آن رو که شکیبایی کردند پاداش می‌دهم. آری، ایشانند که رستگارانند.»

قَالَ كَمْ لَبِئْتُمْ فِي الْأَرْضِ عَدَدَ سِنِينَ ﴿١١٢﴾
 سال در زمین به سر بردید؟ «چند

قَالُوا لَبِئْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ فَسْئَلِ الْعَادِينَ ﴿١١٣﴾
 «یک روز، یا بخشی از یک روز را به سر بردیم. از حسابگران [که حساب روز و سال را نگه می‌دارند] بپرس.»

قَالَ إِنْ لَبِئْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا لَّوْ أَنكُمْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿١١٤﴾
 می‌دانستید، جز اندکی [در دنیا] به سر نبردید.»

أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ ﴿١١٥﴾
 آفریده‌ایم و به سوی ما بازگردانده نمی‌شوید؟ (۱۱۵) آیا پنداشته‌اید که شما را بیهوده

فَتَعَلَىٰ اللَّهُ الْمَلِئُكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ ﴿١١٦﴾
 بلندمرتبه [و بزرگ] است الله [که] فرمانروای حق است. هیچ معبودی [به‌حق] جز او نیست [و] پروردگارِ عرشِ گرانقدر است. (۱۱۶)

وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ ﴿١١٧﴾
 و هرکس معبود دیگری با الله بخواند، یقیناً هیچ دلیلی بر [حقانیت] آن نخواهد داشت؛ و حساب او با پروردگارش خواهد بود. بی‌تردید، کافران رستگار نمی‌شوند. (۱۱۷)

وَقُلْ رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ ﴿١١٨﴾
 و [ای پیامبر،] بگو: «پروردگارا، گناهانم را [ببخشای و رحم کن و تو بهترین رحم‌کنندگانی]». (۱۱۸)

سُورَةُ النُّورِ

سورة نور

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

سُورَةٌ أَنْزَلْنَاهَا وَفَرَضْنَاهَا وَأَنْزَلْنَا فِيهَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لَّعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿١﴾

(۱) [این] سوره‌ای است که آن را نازل کرده‌ایم و [عمل به احکام] آن را واجب نموده‌ایم و آیات روشنی در آن نازل کرده‌ایم؛ باشد که پند گیرید.

الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَيْشَهِدَ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٢﴾

(۲) هر یک از زن و مرد زناکاری [که قبلاً ازدواج نکرده‌اند] را صد تازیانه بزنید و اگر به الله و روز آخرت ایمان دارید، نباید در [اجرای احکام] دین الله نسبت به آن دو [نفر] دلسوزی [و مهربانی بی‌دلیل] داشته باشید؛ و باید گروهی از مؤمنان بر مجازاتشان گواه باشند.

الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَحُرْمٌ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ ﴿٣﴾

(۳) مرد زناکار جز با زن زناکار یا مشرک ازدواج نمی‌کند و زن زناکار را [نیز] جز مرد زناکار یا مشرک به ازدواج خود در نمی‌آورد؛ و این [ازدواج] بر مؤمنان حرام است.

وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ

(۴) و کسانی که [مردان و] زنان پاکدامن را [به زنا] متهم می‌کنند و چهار شاهد [بر ادعای خود] نمی‌آورند، آنان را هشتاد تازیانه بزنید و

فَأَجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿٤﴾

هرگز شهادتشان را [در هیچ موردی] نپذیرید؛ و اینانند که نافرمانند.

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٥﴾

(۵) مگر کسانی که بعد از آن [تهمت،] توبه کنند و [رفتار گذشته خود را] اصلاح [و جبران] نمایند؛ بی‌تردید، الله آمرزندهٔ مهربان است.

وَالَّذِينَ يَرْمُونَ أَزْوَاجَهُمْ وَلَمْ يَكُن لَّهُمْ شُهَدَاءُ إِلَّا أَنْفُسُهُمْ فَشَهَادَةُ أَحَدِهِمْ أَرْبَعُ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ ﴿٦﴾

(۶) و کسانی که همسران خود را [به زنا] متهم می‌کنند و شاهدی جز خویشان [بر این ادعا] ندارند، هر یک از آنان باید چهار بار به الله سوگند یاد کند که قطعاً راست می‌گوید.

وَالْخَمِيسَةُ أَنْ لَعْنَتُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كَانَ مِنَ الْكَاذِبِينَ ﴿٧﴾

(۷) و پنجمین بار [شوهر بگوید] که لعنت الله بر او باد اگر دروغگو باشد.

وَيَدْرُؤُا عَنْهَا الْعَذَابَ أَنْ تَشْهَدَ أَرْبَعَ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ ﴿٨﴾

(۸) و کیفر زن در صورتی برداشته می‌شود که چهار بار به الله سوگند یاد کند که آن مرد قطعاً دروغگوست.

وَالْخَمِيسَةُ أَنْ غَضَبَ اللَّهِ عَلَيْهَا إِنْ كَانَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿٩﴾

(۹) و پنجمین بار [بگوید] که خشم الله بر او باد اگر [شوهرش] راست گفته باشد.

وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُ اللَّهِ لَفُتِنْتُمْ بِهِ وَإِنَّكُمْ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينَةٍ ﴿١٠﴾

(۱۰) و [ای مردم،] اگر بخشش و رحمت الله بر شما نبود و اینکه الله توبه‌پذیر حکیم است،

وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ [قطعاً گرفتار عذاب می‌شدید].

حَكِيمٌ ﴿۱۰﴾

إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِّنْكُمْ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَّكُمَّ بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ لِكُلِّ أُمَّرٍ مِّنْهُمْ مَا أَكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿۱۱﴾

(۱۱) [ای مؤمنان،] بی‌تردید کسانی که آن تهمت بزرگ را [دربارهٔ مادر مؤمنان، عایشه] مطرح کردند، گروهی از خود شما هستند. گمان نکنید که این [ماجرای] برای شما شرّ است؛ بلکه خیری برایتان در آن [نهفته] است. برای هر یک از آنان [که در این شایعه‌پراکنی نقش داشته] کیفر گناهی است که مرتکب شده است؛ و برای آن کسی از آنان که بخش بزرگ آن [تهمت] را به عهده دارد [= عبدالله بن اُبی بن سلول]، عذاب بزرگی [در پیش] است.

لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنْفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ ﴿۱۲﴾

(۱۲) چرا هنگامی که این [بهتان] را شنیدید، مردان و زنان مؤمن گمان نیک به خود نبردند و نگفتند: «این تهمتی [بزرگ و] آشکار [به همسر پیامبر] است»؟

لَوْلَا جَاءُوا عَلَيْهِ بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَإِذْ لَمْ يَأْتُوا بِالشُّهَدَاءِ فَأُولَٰئِكَ عِنْدَ اللَّهِ هُمُ الْكَاذِبُونَ ﴿۱۳﴾

(۱۳) چرا چهار شاهد بر آن نیاوردند؟ پس چون شاهدان را نیاوردند، آنانند که نزد الله دروغگو هستند.

وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

(۱۴) و اگر بخشش و رحمت الله در دنیا و آخرت نبود، قطعاً به کیفر آنچه به آن

لَمَسَّكُمْ فِي مَا أَفَضْتُمْ فِيهِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿۱۴﴾
 پرخاش کنید، به عذابی [سخت و] بزرگ گرفتار می‌شدید.

إِذْ تَلَقَّوْنَهُ بِأَلْسِنَتِكُمْ وَتَقُولُونَ بِأَفْوَاهِكُمْ مَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَتَحْسَبُونَهُ هَيِّئًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ ﴿۱۵﴾
 (۱۵) آنگاه که آن [شایعه] را از زبان یکدیگر می‌شنیدید و سخنی را دهان به دهان نقل می‌کردید که هیچ آگاهی [و یقینی] درباره آن نداشتید و آن را ساده [و کوچک] می‌پنداشتید؛ در حالی که آن [تهمت] نزد الله بسیار بزرگ است.

وَلَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُمْ مَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَتَكَلَّمَ بِهِذَا سُبْحَانَكَ هَذَا بُهْتَانٌ عَظِيمٌ ﴿۱۶﴾
 (۱۶) چرا هنگامی که آن را شنیدید نگفتید: «سزاوار نیست که این [سخن وقیح] را بر زبان آوریم. [پروردگارا،] تو منزهی؛ این دروغ بزرگی است؟»

يَعِظُكُمُ اللَّهُ أَنْ تَعُودُوا لِمِثْلِهِ أَبَدًا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿۱۷﴾
 (۱۷) الله شما را پند می‌دهد که اگر مؤمن هستید، هرگز این [کار] را تکرار نکنید.

وَيُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿۱۸﴾
 (۱۸) و الله آیات [خود] را برای شما بیان می‌کند و الله دانای حکیم است.

إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ ءَامَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿۱۹﴾
 (۱۹) کسانی که دوست دارند زشتکاری در میان مؤمنان رایج گردد، قطعاً در دنیا و آخرت عذابی دردناک [در پیش] دارند؛ و الله [حقایق] و مصالح را [می‌داند و شما نمی‌دانید].

وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ رَعُوفٌ رَّحِيمٌ ﴿۲۰﴾

(۲۰) و اگر بخشش و رحمت الله بر شما نبود و اینکه الله دلسوز مهربان است، [قطعاً مجازات سختی در انتظارتان بود].

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مِّنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَٰكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿۲۱﴾

(۲۱) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، در راه‌های شیطان گام نگذارید؛ و هرکس راه‌های شیطان را می‌پوید، [بداند که] او تنها به زشتکاری و اعمال ناپسند فرمان می‌دهد؛ و اگر بخشش و رحمت الله بر شما نبود، هرگز هیچ یک از شما [از گناهان] پاک نمی‌شد؛ ولی الله هر کس را که بخواهد پاک می‌کند؛ و الله شنوای داناست.

وَلَا يَأْتَلِ أُولُو الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ أَن يُؤْتُوا أُولِي الْقُرْبَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَالْمُهَاجِرِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا ۗ أَلَا تُحِبُّونَ أَن يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ ۗ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿۲۲﴾

(۲۲) افرادی از شما که برتری [ایمانی] و وسعت [مالی] دارند، نباید سوگند یاد کنند که به خویشاوندان و نیازمندان و مهاجران در راه الله [که مرتکب گناه شده‌اند] چیزی ندهند. آنان باید عفو کنند و [از گناه دیگران] چشم ببوشند. آیا دوست ندارید که الله [نیز] شما را ببخشد؟ و الله آمرزنده مهربان است.

إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْفَاحِشَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لَعُنُوا فِي دُنْيَا وَآخِرَاتٍ مِنَ اللَّهِ دُونَ ذَلِكَ ۗ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿۲۳﴾

(۲۳) کسانی که زنان پاکدامن بی‌خبر [از فحشا و] مؤمن را [به زنا] متهم می‌کنند، در دنیا و آخرت از رحمت الله دور گشته‌اند؛ و [در

الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿۲۳﴾

آخرت] عذابی بزرگ [در پیش] دارند.

يَوْمَ نَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۲۴﴾

(۲۴) روزی که زبان‌ها و دست‌ها و پاهایشان درباره آنچه می‌کردند [و می‌گفتند] علیه آنان گواهی می‌دهند.

يَوْمَئِذٍ يُؤْفِكُهُمُ اللَّهُ دِينَهُمُ الْحَقُّ وَيَعْمَلُونَ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ ﴿۲۵﴾

(۲۵) آن روز، الله جزای واقعی آنان را بی‌کم‌وکاست می‌دهد و خواهند دانست که الله همان حق آشکار است.

الْحَيِّثُ لِلْحَيِّثِينَ وَالْحَيِّثُونَ لِلْحَيِّثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ أُولَئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ﴿۲۶﴾

(۲۶) زنان پلید برای مردان پلیدند و مردان پلید [نیز] برای زنان پلیدند؛ و زنان پاک از آن مردان پاکند و مردان پاک [نیز] از آن زنان پاکند. اینان از آنچه [ناپاکان درباره‌شان] می‌گویند، مبرا هستند [و] آمرزش [الهی] و روزی ارزشمندی [در پیش] دارند.

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتَسَلِّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿۲۷﴾

(۲۷) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به خانه‌هایی جز خانه‌های خود وارد نشوید؛ مگر اینکه اجازه بگیرید و بر اهل آن [خانه] سلام کنید. این [کار]، برای شما بهتر است؛ باشد که پند گیرید.

فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا

(۲۸) اگر کسی را در آن [خانه] نیافتید، وارد

نشوید تا به شما اجازه داده شود؛ و اگر به شما گفته شد: «برگردید»، پس برگردید؛ [چرا که] این [کسب اجازه،] برای شما شایسته‌تر است؛ و الله به آنچه می‌کنید داناست.

تَدْخُلُوهَا حَتَّى يُؤْذَنَ لَكُمْ^ط وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكَى لَكُمْ^ط وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ ﴿٢٨﴾

(۲۹) بر شما گناهی نیست که به خانه‌های غیرمسکونی [و مکان‌های عمومی] که در آنجا [احتیاج یا] بهره‌ای دارید وارد شوید؛ و الله آنچه آشکار می‌سازید و آنچه پنهان می‌دارید [همه را] می‌داند.

لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ مَسْكُونَةٍ فِيهَا مَتَاعٌ لَكُمْ^ط وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ ﴿٢٩﴾

(۳۰) [ای پیامبر،] به مردان مؤمن بگو چشمان خود را [از نگاه به نامحرم] فروگیرند و پاکدامنی پیشه کنند. این [کار] برای آنان پاکیزه‌تر است. بی‌تردید، الله به آنچه انجام می‌دهند آگاه است.

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ^ط ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ^ط إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ ﴿٣٠﴾

(۳۱) و به زنان مؤمن [نیز] بگو چشمان خود را [از نگاه به نامحرم] فروگیرند و پاکدامنی ورزند و زیور [و آرایش] خود را آشکار نکنند؛ مگر آنچه [به صورت طبیعی] نمایان است؛ و باید روسری خود را بر سینه بیفکنند [تا موها و چهره‌ها و سینه‌هایشان پوشیده گردد] و زینت خود را آشکار نسازند، مگر برای شوهر یا پدر یا پدرشوهر یا پسر خود یا پسر شوهرشان یا برادر

وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ^ط وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا^ط وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ^ط وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ^ط أَوْ لِأَبَائِهِنَّ^ط أَوْ لِأُمَّهَاتِهِنَّ^ط أَوْ لِأَبْنَائِهِنَّ^ط أَوْ لِأَخْوَاتِهِنَّ^ط أَوْ لِأَخْوَاتِ

یا پسر برادر یا پسر خواهر یا زنان [همکیش] خود یا کنیزان و بردگانشان یا خویشاوندانی که [دیگر]، نیاز و تمایلی به زنان ندارند یا کودکانی که از مسایل جنسی زنان آگاهی نیافته‌اند؛ همچنین [هنگام راه رفتن] پاهای خود را [چنان بر زمین] نکوبند که [صدای] زینت‌هایی که [زیر لباس] پنهان کرده‌اند [= خلخال] آشکار شود؛ و ای مؤمنان، همگی به سوی الله توبه کنید؛ باشد که رستگار گردید.

بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّبِيعِينَ غَيْرِ أُولِي الْأَرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوْ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنَ زِينَتِهِنَّ ۗ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿۳۱﴾

(۳۲) [ای مؤمنان]، مردان و زنان مجرد خود را همسر دهید و غلامان و کنیزانتان را که شایستگی دارند [نیز همسر دهید]، اگر آنان فقیر [و تنگدست] باشند، الله از بخشش [و لطف] خویش بی‌نیازشان می‌سازد؛ و الله گشایشگر آگاه است.

وَأَنْكِحُوا الْأَيَّتَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ ۚ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُعْزِمُهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ۗ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿۳۲﴾

(۳۳) کسانی که [شرایط و امکانات] ازدواج ندارند، باید پاکدامنی پیشه کنند تا الله آنان را از بخشش خویش بی‌نیاز نماید؛ و بردگانی که خواستار باز خرید [و آزادی خویش] هستند، اگر [توانایی پرداخت مال و] شایستگی در آنان می‌بینید، [درخواستشان را] بپذیرید و از ثروتی

وَلَيْسَتَعْفِيفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُعْزِمَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ۗ وَالَّذِينَ يَبْتِغُونَ الْكِتَابَ مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ فَكَاتِبُوهُمْ إِنْ عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا ۗ وَءَاتُوهُمْ

که الله به شما عطا کرده است، [مقداری] به آنان ببخشید [تا به آزادی‌شان کمک کنید]. همچنین کنیزانتان را که می‌خواهند پاکدامن باشند، به زنا وادار نکنید تا بهره [ناچیز] زندگی دنیا را به دست آورید؛ و اگر کسی آنان را [به این کار] وادار نماید، الله پس از مجبورشدنشان قطعاً [نسبت به آنان] آمرزنده [و] مهربان است.

مِنْ مَالِ اللَّهِ الَّذِي آتَيْنَاكُمْ وَلَا تُكْرَهُوا فَتَيَاتِكُمْ عَلَى الْبِعَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا لِيَبْتَغُوا عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَنْ يُكْرِهِنَّ فَإِنَّ اللَّهَ مِنْ بَعْدِ إِكْرَاهِهِنَّ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٣٣﴾

(۳۴) و به راستی، آیاتی روشن‌گر و داستانی از زندگی پیشینیان و پندی برای پرهیزگاران به سوی شما نازل کرده‌ایم.

وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ آيَاتٍ مُبَيِّنَاتٍ وَمَثَلًا مِنَ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ ﴿٣٤﴾

(۳۵) الله نور آسمان‌ها و زمین است. مثل نور او همانند چراغدانی است که درونش چراغی [افروخته] است [و] آن چراغ در شیشه‌ای قرار دارد [و] آن شیشه گویی ستاره‌ای درخشان [و] روشنایی‌بخش] است. این چراغ، با [روغن] درخت پربرکت زیتون افروخته می‌شود که نه شرقی است و نه غربی [و خورشید همواره بر آن می‌تابد]. روغنش [چنان زلال است که] نزدیک است بدون تماس با آتش شعله‌ور گردد. نوری است افزون بر نور. [قلب مؤمن نیز با نور هدایت این‌گونه روشن می‌شود] و الله

اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُّبْرَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَّا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُّورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَلَ

لِلنَّاسِ ۖ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ
عَلِيمٌ ﴿۳۵﴾
هر کس را بخواهد به نور خویش هدایت
می‌کند؛ و الله برای مردم مثل‌ها می‌زند؛ و الله
به همه چیز داناست.

فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تُرْفَعَ
وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسِيحَ لَّهُ
فِيهَا بِالْعُدْوِ وَالْأَصَالِ ﴿۳۶﴾
[این چراغ هدایت،] در مساجدی است
که الله امر کرده است تا [قدر و منزلتشان]
گرامی داشته شود و نامش در آنها برده شود
[و] در آنجا بامدادان و شامگاهان او را به پاکی
بستایند.

رَجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ
عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ
وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا
تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ
وَالْأَبْصَارُ ﴿۳۷﴾
(۳۷) مردانی که هیچ تجارت و خرید و فروشی
آنان را از یاد الله و برپا داشتن نماز و پرداخت
زکات غافل نمی‌کند [و] از روزی که دل‌ها و
چشم‌ها در آن دگرگون می‌شود بیم دارند.

لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا
وَيَزِيدَهُم مِّن فَضْلِهِ ۗ وَاللَّهُ
يَرِزُقُ مَن يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿۳۸﴾
(۳۸) تا الله بر اساس نیکوترین کردارشان به
آنان پاداش دهد و از فضل خود [نیز] بر
پاداششان بیفزاید و الله به هر کس که بخواهد،
بی حساب روزی می‌دهد.

وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَلُهُمْ
كَسْرَابٍ بَقِيَعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمْثَانُ
مَاءً حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ
شَيْئًا وَوَجَدَ اللَّهَ عِنْدَهُ فَوَفَّاهُ
(۳۹) و کسانی که کفر ورزیدند، اعمالشان
همچون سرابی در بیابانی هموار است که [از
دور، انسان] تشنه آن را آب می‌پندارد تا آنکه
نزدیکش می‌شود [و] چیزی نمی‌یابد و [اعمال
کافر نیز سرابی است که سودی برایش ندارد و

حِسَابُهُ^ط وَاللَّهُ سَرِيعٌ
 الْحِسَابِ ﴿۳۹﴾
 در عوض،[الله را نزد خویش می‌یابد که حسابش را به طور کامل می‌دهد؛ و الله در حسابرسی سریع است.

أَوْ كَظَلُمْتِ فِي بَحْرٍ لَّيْجٍ يَغْشَاهُ
 مَوْجٌ مِّنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ مِّنْ فَوْقِهِ
 سَحَابٌ ظَلَمْتُ بَعْضَهَا فَوْقَ
 بَعْضٍ إِذَا أُخْرِجَ يَدُهُ لَمْ يَكِدْ
 يَرْبُهَا وَمَنْ لَّمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ
 نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُّورٍ ﴿۴۰﴾
 (۴۰) یا [اعمالش] همچون تاریکی‌هایی در دریای ژرف است که موجی آن را می‌پوشاند و بر فراز آن، موجی دیگر است [و] بر فرازش ابری [تاریک] قرار دارد. تاریکی‌هایی است یکی بر فراز دیگری؛ [چنان که] اگر [شخص] گم‌گشته [دست خود را بیرون آورد، ممکن نیست آن را ببیند. و کسی که الله نوری [از هدایت] برایش قرار نداده باشد، هیچ هدایت و] نوری برایش نیست.

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُسَبِّحُ لَهُ مَن فِي
 السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالطَّيْرُ
 صَلَّتِ كُلُّ قَدِّ عِلْمٍ صَلَاتَهُ
 وَتَسْبِيحَهُ^ط وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا
 يَفْعَلُونَ ﴿۴۱﴾
 (۴۱) آیا ندیدی هر که [و هر چه] در آسمان‌ها و زمین است و [حتی] پرندگانِ پرگشوده [در آسمان، همگی] الله را به پاکی می‌ستایند. هر یک از آنان نیایش و ستایش خویش را می‌داند و الله به آنچه می‌کنند آگاه است.

وَاللَّهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
 وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ ﴿۴۲﴾
 (۴۲) و فرمانروایی آسمان‌ها و زمین از آن الله است و بازگشت [همه] به سوی الله است.

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُرْجِي سَحَابًا ثُمَّ
 يُؤَلِّفُ بَيْنَهُ ثُمَّ يَجْعَلُهُ رُكَامًا
 (۴۳) آیا ندیدی که الله ابرهایی را به آرامی می‌راند، سپس بین [اجزای] آن پیوند می‌دهد، آنگاه تودهٔ انبوهی پدید می‌آورد، پس قطره‌های

فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خَلِيلِهِ
وَيُنزَلُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ جِبَالٍ
فِيهَا مِنْ بَرَدٍ فَيُصِيبُ بِهِ مَنْ
يَشَاءُ وَيَصْرِفُهُ عَنِ مَنْ يَشَاءُ
يَكَادُ سَنَا بَرْقِهِ يَذْهَبُ
بِالْأَبْصَرِ ﴿٤٣﴾

باران را می بینی که از میانش تراوش می کند؛
و از کوههایی [از انبوه ابرها] که در آسمان
است دانه های تگرگ فرومی بارد؛ آنگاه آن را به
هر کس که بخواهد فرومی ریزد و از هر
کس که بخواهد بازمی دارد. نزدیک است
درخشندگی برقش چشم ها را [از بین] ببرد.

يُقَلِّبُ اللَّهُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ إِنَّ فِي
ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَرِ ﴿٤٤﴾

(۴۴) الله شب و روز را می گرداند [و پیاپی
می آورد]. یقیناً در این [گردش]، عبرتی برای
اهل بصیرت است.

وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِّن مَّاءٍ
فَمِنْهُمْ مَّن يَمْشِي عَلَىٰ بَطْنِهِ
وَمِنْهُمْ مَّن يَمْشِي عَلَىٰ رِجْلَيْنِ
وَمِنْهُمْ مَّن يَمْشِي عَلَىٰ أَرْبَعٍ
يَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ
كَلِيمٌ قَدِيرٌ ﴿٤٥﴾

(۴۵) و الله هر موجود زنده ای را [ابتدا] از آب
آفرید؛ برخی از آنها بر شکم خود می روند و
برخی بر دو پا راه می روند و برخی از آنها بر
چهار [پا] راه می روند. الله هر چه بخواهد
می آفریند. بی تردید، الله بر همه چیز تواناست.

لَقَدْ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ مُّبِينَاتٍ وَاللَّهُ
يَهْدِي مَن يَشَاءُ إِلَىٰ صِرَاطٍ
مُّسْتَقِيمٍ ﴿٤٦﴾

(۴۶) به راستی که [ما] آیات روشنگری نازل
کردیم و الله هر کس را بخواهد به راه راست
هدایت می کند.

وَيَقُولُونَ ءَأَمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ
وَأَطَعْنَا ثُمَّ يَتَوَلَّىٰ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ مِّنْ

(۴۷) و [منافقان] می گویند: «به الله و پیامبر
[و] ایمان آوردیم و [از فرمانشان] اطاعت

بَعْدَ ذَلِكَ وَمَا أَوْلَيْكَ بِالْمُؤْمِنِينَ ﴿٤٧﴾
 کردیم»؛ اما پس از این [ادعا]، گروهی از آنان
 رویگردان می‌شوند و اینان [در حقیقت] مؤمن
 نیستند.

وَإِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ مُعْرِضُونَ ﴿٤٨﴾
 (۴۸) و هنگامی که به سوی الله و پیامبرش
 فراخوانده می‌شوند تا در میانشان داوری کند،
 ناگاه گروهی از آنان رویگردان می‌شوند.

وَإِنْ يَكُنْ لَهُمُ الْحَقُّ يَأْتُوا إِلَيْهِ مُذْعِنِينَ ﴿٤٩﴾
 (۴۹) و اگر حق با آنان باشد، مطیعانه [و]
 فروتنانه] به سوی او می‌آیند.

أَفِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَمْ ارْتَابُوا أَمْ يَخَافُونَ أَنْ يَحْيِفَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَرَسُولُهُ بَلْ أَوْلَيْكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٥٠﴾
 (۵۰) آیا در دل‌هایشان بیماری [نفاق] است یا
 [درباره رسالتش] تردید دارند؟ یا می‌ترسند که
 الله و پیامبرش بر آنان ستم کنند؟ [نه]، بلکه
 آنان خود ستمکارند.

إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأَوْلَيْكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿٥١﴾
 (۵۱) سخن مؤمنان - هنگامی که به سوی الله
 و پیامبرش فراخوانده می‌شوند تا میانشان
 داوری کند - فقط این است که می‌گویند:
 «شنیدیم و اطاعت کردیم»؛ و اینان همان
 رستگارانند.

وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشِ اللَّهَ وَيَتَّقْهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ ﴿٥٢﴾
 (۵۲) و هر کس از الله و پیامبرش اطاعت کند
 و از الله بترسد و از [نافرمانی] او بپرهیزد،
 اینان کامیابند.

﴿۵۳﴾ [منافقان] با سخت‌ترین سوگندهایشان به الله سوگند یاد کردند که اگر به آنان فرمان دهی، [برای جهاد] رهسپار می‌شوند. بگو: «سوگند یاد نکنید. اطاعت [و سخنان دروغتان] شناخته‌شده است. بی‌تردید، الله از آنچه می‌کنید آگاه است».

﴿۵۴﴾ بگو: «از الله و پیامبر اطاعت کنید؛ اگر سربلندی کردید، پیامبر مسئول چیزی است که بر او تکلیف شده [= ابلاغ وحی] و شما نیز مسئول چیزی هستید که به آن تکلیف شده‌اید؛ اما اگر از او اطاعت کنید، هدایت می‌شوید؛ و پیامبر وظیفه‌ای جز رساندن آشکار [وحی] ندارد».

﴿۵۵﴾ الله به افرادی از شما که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده داده است که قطعاً آنان را در زمین جانشین [مشرکان] می‌سازد؛ همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند [نیز] جانشین [کافران و ستمگران] نمود؛ و [فرموده است] دینشان را که برای آنان پسندیده است، حتماً برایشان استوار [و پیروزمند] می‌سازد و یقیناً ترسشان را به آرامش و امنیت تبدیل می‌کند؛ [چرا که] تنها مرا عبادت می‌کنند و چیزی را با من بعد ذلک فأولئک هم

وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِن أَمَرْتَهُمْ لَيَخْرُجُنَّ قُلْ لَا تُقْسِمُوا طَاعَةً مَّعْرُوفَةً إِنَّ اللَّهَ خَيْرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿۵۳﴾

قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ ط فَإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ وَعَلَيْكُمْ مَا حُمِّلْتُمْ وَإِن تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا أَلْبَاحُ الْمُبِينِ ﴿۵۴﴾

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَٰلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ

شریک نمی‌سازند؛ و هر کس از این پس کفر بورزد، اینانند که نافرمانند.

الْفَلْسِيفُونَ ﴿۵۵﴾

وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ
وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ
تُرْحَمُونَ ﴿۵۶﴾

(۵۶) و نماز برپا دارید و زکات بپردازید و از پیامبر اطاعت کنید؛ باشد که مورد رحمت قرار گیرید.

لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا
مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا لَهُمْ
الْتِنَاءُ وَلَيْسَ الْمَصِيرُ ﴿۵۷﴾

(۵۷) ای پیامبر، هرگز مپندار کسانی که کفر ورزیدند، ناتوان‌کننده [ای الله] در زمینند [و می‌توانند از مجازات الهی بگریزند]. جایگاه اینان آتش است و چه بد بازگشتگاهی است!

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا
لِيَسْتَتِنُوا بِمَا كَانُوا عَلَىٰ
الْأَرْضِ مَخْرُجِينَ مِنْهَا لِيَسْأَلُوا
عَنْهَا لَعَلَّ يَتَذَكَّرُونَ ﴿۵۸﴾

(۵۸) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بردگانتان و کسانی از [کودکان] شما که به [سن] بلوغ نرسیده‌اند، باید در سه وقت از شما اجازه [ورود] بگیرند: پیش از نماز صبح و نیمروز - هنگامی که لباس‌هایتان را بیرون می‌آورید - و پس از نماز عشاء. [این] سه [وقت]، هنگام خلوت شماسست. جز این [سه وقت]، بر شما و بر آنان هیچ گناهی نیست [که بدون اجازه وارد شوند؛ چرا که] آنان پیرامونتان در رفت و آمدند [و] با یکدیگر [معاشرت می‌کنید]. الله اینچنین آیات [خود] را برایتان بیان می‌کند؛ و الله دانای حکیم است.

بَعْضٌ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ
الآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿۵۹﴾

وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمْ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَعِذُوا كَمَا أَسْتَعِذَنَّ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿۵۹﴾

(۵۹) و هنگامی که کودکانتان به [سن] بلوغ رسیدند، باید [برای ورود به خانه‌های دیگران] اجازه بگیرند؛ همانگونه که اشخاصی که پیش از آنان [به سن] بلوغ رسیده بودند، اجازه می‌گرفتند. الله اینچنین آیاتش را برایتان بیان می‌کند؛ و الله دانای حکیم است.

وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ الَّتِي لَا يَرَجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿۶۰﴾

(۶۰) و بر زنان [یائسه و] از کار افتاده‌ای که [دیگر میل و] امید زناشویی ندارند، گناهی نیست که پوشش [سر و صورت] خویش را کنار گذارند، [به شرط آنکه آرایش و] زینتی را آشکار نکنند؛ و اگر عفت بورزند [و خود را بیوشانند] برایشان بهتر است؛ و الله شنوای داناست.

لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَنْ تَأْكُلُوا مِنْ بُيُوتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ آبَائِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أُمَّهَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ إِخْوَانِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخَوَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَعْمَامِكُمْ أَوْ بُيُوتِ عَمَّاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخْوَالِكُمْ أَوْ بُيُوتِ خَالَاتِكُمْ

(۶۱) بر [افراد] نابینا و لنگ و بیمار [که از تکالیف اجتماعی - همچون جهاد - معاف شده‌اند] گناهی نیست و [همچنین] بر خود شما گناهی نیست که از خانه‌های خود [یا فرزندان و همسرانتان، غذایی] بخورید یا از خانه‌های پدرانتان یا خانه‌های مادرانتان یا خانه‌های برادرانتان یا خانه‌های خواهرانتان یا خانه‌های عموهایتان یا خانه‌های عمه‌هایتان یا خانه‌های دایی‌هایتان یا خانه‌های خاله‌هایتان یا از خانه‌ای که کلیدش در اختیار شماست یا [از

خانه‌های] دوستانتان. [نیز] بر شما گناهی نیست که دسته‌جمعی یا جداگانه [غذا] بخورید؛ و هنگامی که به خانه‌ها وارد می‌شوید، به یکدیگر سلام کنید که درودی مبارک [و] پسندیده از سوی الله است. الله این گونه آیات [خویش] را برایتان به روشنی بیان می‌کند؛ باشد که بیندیشید.

أَوْ مَا مَلَکْتُمْ مَفَاتِحَهُ وَ أَوْ صَدِیقُکُمْ لَیْسَ عَلَیْکُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَأْکُلُوا جَمِیعًا أَوْ أَشْتَاتًا فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُیُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَیْ أَنْفُسِکُمْ حَیَّهٖ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبْرَکَةً طَیِّبَةً کَذَٰلِکَ یُبَیِّنُ اللَّهُ لَکُمُ الْآیَاتِ لَعَلَّکُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٦٦﴾

(۶۲) مؤمنان [واقعی] کسانی هستند که به الله و پیامبرش ایمان آورده‌اند و هنگامی که برای [اجرای یک] امر اجتماعی با او [= پیامبر] همراه هستند، تا از وی اجازه نگرفته‌اند، [از جمع] خارج نمی‌شوند. بی‌تردید، کسانی که از تو اجازه می‌گیرند، آنان کسانی هستند که به الله و پیامبرش ایمان آورده‌اند. پس اگر برای انجام برخی کارهای [مهم] خود از تو اجازه می‌خواهند، به هر یک از آنان که می‌خواهی اجازه بده و از الله برایشان آمرزش بخواه. به راستی که الله آمرزندهٔ مهربان است.

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَىٰ أَمْرٍ جَامِعٍ لَّمْ يَذْهَبُوا حَتَّىٰ يَسْتَأْذِنُوهُ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِذَا أَسْتَأْذِنُوكَ لِبَعْضِ شَأْنِهِمْ فَأَذَنَ لِمَنْ شِئْتَ مِنْهُمْ وَاسْتَغْفِرَ لَهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٦٣﴾

(۶۳) [ای مؤمنان] آنگونه که یکدیگر را [با نام خودتان یا با نام پدرانتان] صدا می‌زنید، پیامبر را [با نام خودش یا با نام پدرش] صدا نزنید

لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الَّذِينَ يَتَسَلَّلُونَ

[نگویید: ای محمد، ای پسر عبدالله، بلکه بگویید: ای رسول الله، ای نبی الله]. یقیناً الله افرادی از شما را که پشت دیگران پنهان می‌شوند و مخفیانه [از نزد پیامبر] می‌گیرند [به خوبی] می‌شناسد. پس کسانی که از فرمانش سرپیچی می‌کنند، باید بترسند از اینکه اندوه و بلایی بر سرشان بیاید یا به عذابی دردناک گرفتار شوند.

مِنْكُمْ لَوَادًّا فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٦٣﴾

(۶۴) آگاه باشید! بی‌تردید، آنچه در آسمان‌ها و زمین است از آن الله است و یقیناً او می‌داند که شما [بر چه کار و] در چه حالی هستید؛ و روزی که [بندگان] به سویش بازگردانده می‌شوند، آنان را از آنچه [در دنیا] کرده‌اند آگاه می‌سازد؛ و الله به همه چیز داناست.

أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ قَدْ يَعْلَمُ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ وَيَوْمَ يُرْجَعُونَ إِلَيْهِ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٦٤﴾

سُورَةُ الْفُرْقَانِ

سورة فرقان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا ﴿١﴾

(۱) پربرکت [و بزرگوار] است ذاتی که قرآن را [که جداکننده حق و باطل است] بر بنده اش نازل کرد تا بیم‌دهنده جهانیان باشد.

الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُن لَّهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَرَهُ تَقْدِيرًا ﴿٢﴾

(۲) همان ذاتی که فرمانروایی آسمان‌ها و زمین از آن اوست و فرزندی [برای خویش] برنگزیده است و در فرمانروایی، هیچ شریکی ندارد و همه چیز را آفریده است و اندازه هر چیز را - چنان که مناسبش می‌باشد- تدبیر نموده است.

وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ وَلَا يَمْلِكُونَ لِأَنْفُسِهِمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَلَا يَمْلِكُونَ مَوْتًا وَلَا حَيَاةً وَلَا نُشُورًا ﴿٣﴾

(۳) و [مشرکان] به جای او [= الله] معبودانی برگزیده‌اند که چیزی نمی‌آفرینند و خود آفریده می‌شوند و مالک هیچ زیان و سودی برای خود نیستند و [نیز] مالک مرگ و زندگی و [قادر به] برانگیختن [مردگان] نیستند.

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ هَذَا إِلَّا إِفْكُ افْتَرَاهُ وَأَعَانَهُ عَلَيْهِ قَوْمٌ آخَرُونَ فَقَدْ جَاءُوا ظُلْمًا

(۴) و کسانی که کفر ورزیدند گفتند: «این [قرآن] جز دروغی نیست که [محمد خودش] بافته است و گروهی دیگر او را بر این [کار] عاخرُونَ ۱۱۱ فَقَدْ جَاءُوا ظُلْمًا

یاری داده‌اند». حقا که آنان [با این سخن،] به ستم و دروغ بزرگی روی آورده‌اند.

وَزُورًا ﴿۴﴾

وَقَالُوا أَسْطِیْرُ الْأَوَّلِينَ أَكْتَبَهَا فَهِيَ تُمَلَّى عَلَيْهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا ﴿۵﴾

(۵) و [کافران] گفتند: «[این قرآن، همان] افسانه‌های [خیالی] پیشینیان است که [محمد] آن را رونویسی کرده است و هر بامداد و شامگاه بر او املا می‌شود».

قُلْ أَنْزَلَهُ الَّذِي يَعْلَمُ الْبَیْرَ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿۶﴾

(۶) بگو: «ذاتی آن را نازل کرده است که راز آسمان‌ها و زمین را می‌داند. بی‌تردید، او همواره آمرزنده [و] مهربان است».

وَقَالُوا مَالِ هَذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ لَوْلَا أَنْزَلَ إِلَيْهِ مَلَكٌ فَيَكُونُ مَعَهُ نَذِيرًا ﴿۷﴾

(۷) و [مشرکان] گفتند: «این چگونه پیامبری است که [همچون مردم عادی] غذا می‌خورد و در بازارها راه می‌رود؟ چرا فرشته‌ای بر او نازل نشده است تا [یاری‌اش کند و] همراه او هشداردهنده باشد؟

أَوْ يُلْقَىٰ إِلَيْهِ كَنْزٌ أَوْ تَكُونُ لَهُ جَنَّةٌ يَأْكُلُ مِنْهَا وَقَالَ الظَّالِمُونَ إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْحُورًا ﴿۸﴾

(۸) یا چرا گنجی [از آسمان] بر او فرود نمی‌آید و یا چرا باغی ندارد که از [میوه‌های] آن بخورد؟» ستمکاران [مشرک] گفتند: «شما جز از مردی جادوشده پیروی نمی‌کنید».

أَنْظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَلَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا ﴿۹﴾

(۹) بنگر که چگونه برایت مثل‌ها زدند و گمراه شدند! چنان که نمی‌توانند راهی [به سوی حقیقت] بیابند.

تَبَارَكَ الَّذِي إِنْ شَاءَ جَعَلَ لَكَ خَيْرًا مِّنْ ذَلِكَ جَنَّتِ تَجْرِي مِّنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَيَجْعَلُ لَكَ قُصُورًا ﴿١٠﴾

(۱۰) پربرکت [و بزرگوار] است ذاتی که اگر خواهد، برایت بهتر از این قرار می‌دهد: باغ‌هایی که جویبارها از زیر [درختان] آن جاری است و [حتی] کاخ‌هایی [باشکوه] برایت پدید می‌آورد.

بَلْ كَذَّبُوا بِالسَّاعَةِ وَأَعْتَدْنَا لِمَنْ كَذَّبَ بِالسَّاعَةِ سَعِيرًا ﴿١١﴾

(۱۱) [مشرکان با این سخنان در پی حق نرفتند؛] بلکه قیامت را تکذیب کردند و [ما] برای هر کس که قیامت را دروغ انگارد، آتش سوزان [دوزخ را] مهیّا کرده‌ایم.

إِذَا رَأَوْهُمْ مِّنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ سَمِعُوا لَهَا تَغِيظًا وَزَفِيرًا ﴿١٢﴾

(۱۲) هنگامی که [دوزخ] آنان را از دور دست می‌بینند آوای خشم و خروشی [وحشتناک] از آن می‌شنوند.

وَإِذَا أُلْقُوا مِنْهَا مَكَانًا ضَيِّقًا مُّقَرَّنِينَ دَعَوْا هُنَالِكَ ثُبُورًا ﴿١٣﴾

(۱۳) و چون دست‌وپابسته [با غُل و زنجیر] در جای تنگی از آن [= دوزخ]، انداخته شوند، آنجاست که مرگ [خود] را می‌خواهند.

لَا تَدْعُوا أَلْيَوْمَ ثُبُورًا وَحِدًا وَادْعُوا ثُبُورًا كَثِيرًا ﴿١٤﴾

(۱۴) [به آنان گفته می‌شود:] «امروز نه یک بار، بلکه بارها درخواست مرگ کنید».

قُلْ أَدْلِكَ خَيْرٌ أَمْ جَنَّةُ الْخُلْدِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ كَانَتْ لَهُمْ جَزَاءً وَمَصِيرًا ﴿١٥﴾

(۱۵) [ای پیامبر، به کافران] بگو: «این [عذاب دردناک] بهتر است یا بهشت جاودانی که به پرهیزکاران وعده داده شده و پاداش و سرانجام آنان است؟»

لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ خَالِدِينَ ﴿۱۶﴾ در آنجا هر چه بخواهند، برایشان [فراهم] است [و] در آن جاودانند. این وعده‌ای است بر [عهده] پروردگارت که [بندگان پرهیزگار، انجامش را] از او خواسته‌اند.

وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَقُولُ ءَأَنْتُمْ أَضَلَلْتُمْ عِبَادِي هَؤُلَاءِ أَمْ هُمْ ضَلُّوا السَّبِيلَ ﴿۱۷﴾ و روزی که [همه] آنان و آنچه را که به جای الله عبادت می‌کردند جمع می‌کند و [به معبودان باطل] می‌فرماید: «آیا شما این بندگانم را گمراه کردید یا خود، راه را گم کردند؟»

قَالُوا سُبْحٰنَكَ مَا كَانَ يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نَتَّخِذَ مِنْ دُونِكَ مِنْ أَوْلِيَاءَ وَلَكِنْ مَتَّعْتَهُمْ وَعَآبَاءَهُمْ حَتَّىٰ نَسُوا الذِّكْرَ وَكَانُوا قَوْمًا بُورًا ﴿۱۸﴾ (۱۸) آنان می‌گویند: «تو منزهی؛ شایسته ما نبود که به جای تو [دوستان و] کارسازانی برگزینیم؛ ولی تو آنان و پدرانشان را [از نعمت‌ها] بهره‌مند ساختی تا اینکه یاد [تو] را فراموش کردند و [به این خاطر،] گروهی هلاک‌شده گشتند».

فَقَدْ كَذَّبْتُمْ بِمَا تَقُولُونَ فَمَا تَسْتَطِيعُونَ صَرْفًا وَلَا نَصْرًا وَمَنْ يَظْلِم مِّنْكُمْ نُدِقْهُ عَذَابًا كَبِيرًا ﴿۱۹﴾ (۱۹) [الله به مشرکان می‌فرماید:] «بی‌تردید، [معبودانتان] ادعای شما را دروغ شمردند. [اکنون] نه می‌توانید [عذاب را از خود] دور کنید و نه [از کسی] یاری بجوید؛ و هر یک از شما که [شرک بورزد و به خود] ستم کند، عذابی بزرگ به وی می‌چشانیم».

وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ

(۲۰) [ای پیامبر،] پیش از تو پیامبران را

إِلَّا إِنَّهُمْ لَيَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَيَمْشُونَ فِي الْأَسْوَاقِ^{٢١} وَجَعَلْنَا بَعْضَكُمْ لِبَعْضٍ فِتْنَةً أَتَصْبِرُونَ^{٢٢} وَكَانَ رَبُّكَ بَصِيرًا^{٢٣}

نفرستادیم، مگر اینکه آنان [نیز] غذا می‌خوردند و [همچون سایر انسان‌ها] در بازارها راه می‌رفتند؛ و ما برخی از شما را وسیله آزمایش برخی دیگر ساختیم [تا روشن شود] آیا شکیبایی می‌کنید؛ و پروردگارت همواره بیناست.

وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْنَا الْمَلٰٓئِكَةُ أَوْ نَرَىٰ رَبَّنَا لَقَدِ اسْتَكْبَرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ وَعَتَوْا عُتُوًا كَبِيرًا^{٢٤}

(۲۱) کسانی که به دیدار ما [در آخرت] امید ندارند گفتند: «چرا فرشتگانی بر ما نازل نشده‌اند یا [چرا] پروردگاران را نمی‌بینیم؟» بی‌تردید، آنان خود را بزرگ پنداشتند و سرکشی بزرگی کردند.

يَوْمَ يَرَوْنَ الْمَلٰٓئِكَةَ لَا بُشْرَىٰ يَوْمَئِذٍ لِلْمُجْرِمِينَ وَيَقُولُونَ حِجْرًا مَّحْجُورًا^{٢٥}

(۲۲) روزی که [کافران] فرشتگان را می‌بینند، هیچ بشارتی برای مجرمان نخواهد بود [بلکه روز کیفر و عذاب است]؛ و [فرشتگان] می‌گویند: «[بهشت] بر شما ممنوع [و حرام] است».

وَقَدِمْنَا إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَنْثُورًا^{٢٦}

(۲۳) و به [بررسی] کارهایشان می‌پردازیم و همه را [همچون] غباری پراکنده می‌سازیم.

أَصْحَابُ الْجَنَّةِ يَوْمَئِذٍ خَيْرٌ مُّسْتَقَرًّا وَأَحْسَنُ مَقِيلًا^{٢٧}

(۲۴) در آن روز، بهشتیان بهترین جایگاه و نیکوترین استراحتگاه را دارند.

وَيَوْمَ تَشْقُقُ السَّمَاءُ بِالْغَمِّمِ سَپید شکافته می‌شود و فرشتگان [پیاپی به

سرزمین محشر] فروفرستاده می‌شوند.

وَنُزِّلَ الْمَلَائِكَةُ تَنْزِيلًا ﴿٢٥﴾

(۲۶) در آن روز، فرمانروایی [راستین] از آن [الله] رحمان است و برای کافران روزی دشوار است.

الْمَلِكُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ لِلرَّحْمَنِ وَكَانَ يَوْمًا عَلَى الْكَافِرِينَ عَسِيرًا ﴿٢٦﴾

(۲۷) و [یاد کن از] روزی که ستمکار، دستانش را [از حسرت] می‌گزد و می‌گوید: «ای کاش من راهی [هماهنگ] با پیامبر برگزیده بودم!

وَيَوْمَ يَعِضُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَلَيْتَنِي أَخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا ﴿٢٧﴾

(۲۸) ای وای بر من! ای کاش فلان [کافر] را به دوستی نمی‌گرفتم!

يَوَيْلَئِي لِيَتَنِي لَمَ أَخَذْتُ فَلَانًا خَلِيلًا ﴿٢٨﴾

(۲۹) بی‌تردید، پس از آنکه قرآن [و دعوت پیامبر] به من رسید، او [بود که] مرا به گمراهی کشاند و شیطان همواره انسان را تنها [و خوار] وامی‌گذارد.»

لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي ۗ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَدُولًا ﴿٢٩﴾

(۳۰) و پیامبر گفت: «پروردگارا، قوم من این قرآن را رها کرده‌اند.»

وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي أَخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا ﴿٣٠﴾

(۳۱) و اینچنین برای هر پیامبری دشمنی از بدکاران [قومش] قرار دادیم؛ و کافی است که پروردگارت راهنما و یاورت باشد.

وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا مِّنَ الْمُجْرِمِينَ ۗ وَكُنِيَ بِرَبِّكَ هَادِيًا وَنَصِيرًا ﴿٣١﴾

(۳۲) و کسانی که کفر ورزیدند گفتند: «چرا

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ

عَلَيْهِ الْفُرْعَانُ جُمْلَةً وَاحِدَةً ۚ قَرَأَن يَكْبَرَهُ بَرٍ أَوْ نَازِلٍ نَشَدَهُ اسْتِ؟» مَا
 كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ ۖ فُؤَادَكَ ۗ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا ﴿۳۲﴾
 این گونه [کلام الهی را به مرور نازل] کرده ایم
 تا دلت را با آن [آرام و] استوار گردانیم و آن را
 به تدریج [بر تو] خوانده ایم [تا درک و حفظش
 آسان باشد].

وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ وَأَحْسَنَ تَفْسِيرًا ﴿۳۳﴾
 (۳۳) و [کافران] هیچ [اعتراض و] مثلی برای
 نمی آورند، مگر آنکه ما [نیز پاسخی] برحق و
 خوش بیان تر برای می آوریم.

الَّذِينَ يُحْشِرُونَ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ إِلَىٰ جَهَنَّمَ أُولَٰئِكَ سُورًا مَّكَانًا وَأَضَلُّ سَبِيلًا ﴿۳۴﴾
 (۳۴) کسانی که به رو در افتاده به دوزخ کشانده
 می شوند، اینان بد جایگاه تر و گمراه ترند.

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَىٰ الْكِتَابَ وَجَعَلْنَا مَعَهُ أَخَاهُ هَارُونَ وَزِيرًا ﴿۳۵﴾
 (۳۵) و در حقیقت، ما به موسی کتاب [تورات]
 دادیم و برادرش هارون را همراهش دستیار
 ساختیم.

فَقُلْنَا أَذْهَبًا إِلَىٰ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَدَمَّرْنَاهُمْ تَدْمِيرًا ﴿۳۶﴾
 (۳۶) و گفتیم: «شما دو نفر به سوی قومی
 بروید که آیات ما را تکذیب کردند»؛ پس [چون
 فرعونیان سرپیچی نمودند] آنان را به شدت
 نابود ساختیم.

وَقَوْمَ نُوحٍ لَمَّا كَذَّبُوا الرَّسُولَ ۖ أَغْرَقْنَا هُمْ وَجَعَلْنَاهُمْ لِلنَّاسِ آيَةً ۗ وَأَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ عَذَابًا
 (۳۷) و قوم نوح را - آنگاه که پیامبران را
 دروغگو انگاشتند - غرق کردیم و آنان را
 [نشانه و] عبرتی برای مردم قرار دادیم؛ و

عذابی دردناک برای ستمکاران مهیا کرده‌ایم.

أَلِيمًا ﴿۳۷﴾

(۳۸) و [همچنین] قوم عاد و ثمود و اهالی «زس» [= چاه] و نسل‌های بسیاری را که بین آنان بودند [نابود ساختیم].

وَعَادًا وَثَمُودًا وَأَصْحَابَ الرَّسِّ وَقُرُونًا بَيْنَ ذَلِكَ كَثِيرًا ﴿۳۸﴾

(۳۹) و برای هر یک از آنها مثلها زدیم و [چون پند نگرفتند، همه را به شدت از میان بردیم.

وَكُلًّا ضَرَبْنَا لَهُ الْأَمْثَلُ وَكُلًّا تَبَرْنَا تَبِيرًا ﴿۳۹﴾

(۴۰) و [مشرکان] قطعاً از [سرزمین قوم لوط، همان] شهری که باران بلا بر آن باریده بود گذر کرده‌اند. آیا آن [ویرانه‌های باقی‌مانده از عذاب] را ندیده‌اند؟ [چنین نیست؛] بلکه به زنده شدن [پس از مرگ] امیدی ندارند.

وَلَقَدْ آتَوْنَا عَلَى الْقَرْيَةِ الَّتِي أَمْطَرْنَا مَطَرًا سَوِيًّا أَفَلَمْ يَكُونُوا يَرَوْنَهَا بَلْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ نُشُورًا ﴿۴۰﴾

(۴۱) و هنگامی که تو را می‌بینند، فقط به تمسخر می‌گیرند [و می‌گویند: «آیا این همان کسی است که الله او را به پیامبری فرستاده است؟

وَإِذَا رَأَوْكَ إِذْ يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُؤًا أَهْذَاءَ الَّذِي بَعَثَ اللَّهُ رَسُولًا ﴿۴۱﴾

(۴۲) اگر بر [عبادت] معبودانمان [شکیبایی و] پایداری نمی‌کردیم، نزدیک بود [محمد] ما را از [راه] آنها گمراه کند؛» و [لی] [آنگاه که عذاب [الهی] را ببینند، خواهند دانست چه کسی گمراه‌تر [بوده] است.

إِنْ كَادَ لَيُضِلُّنَا عَنْ آلِهَتِنَا لَوْلَا أَنْ صَبَرْنَا عَلَيْهَا وَسَوْفَ يَعْلَمُونَ حِينَ يَرَوْنَ الْعَذَابَ مَنْ أَضَلُّ سَبِيلًا ﴿۴۲﴾

(۴۳) آیا کسی را که هوای نفسش را معبود

أَرَعَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ

أَفَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكَيْلًا ﴿۴۳﴾ خود کرده است دیده‌ای؟ آیا تو [می‌توانی] نگهبان [ایمان] او باشی؟

أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ ﴿۴۴﴾ آیا می‌پنداری بیشتر آنان می‌شنوند یا می‌فهمند؟ آنان جز همانند چهارپایان نیستند؛ بلکه گمراه‌ترند. بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا ﴿۴۴﴾

أَلَمْ تَرَ إِلَىٰ رَبِّكَ كَيْفَ مَدَّ الظَّلَّ ﴿۴۵﴾ آیا [آفرینش] پروردگارت را ندیده‌ای که چگونه سایه را گسترانده است و اگر می‌خواست، آن را ثابت می‌نمود؟ آنگاه [تغییر جایگاه] خورشید [نسبت به زمین] را دلیل [گسترش و حرکت] آن [سایه] قرار دادیم. جَعَلْنَا الشَّمْسُ عَلَيْهِ دَلِيلًا ﴿۴۵﴾

ثُمَّ قَبْضْنَاهُ إِلَيْنَا قَبْضًا يَسِيرًا ﴿۴۶﴾ سپس [با تغییر ارتفاع خورشید، سایه را کوتاه می‌کنیم و] آن را اندک‌اندک به سوی خویش بازمی‌گیریم.

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ ﴿۴۷﴾ و او تعالی است که شب را [با تاریکی فراگیرش] پوششی برای شما قرار داد و خواب را مایهٔ آسایش و روز را هنگام برخاستن [و کار و تلاش] ساخت. لِبَاسًا وَاللَّيْلَ سُبَاتًا وَجَعَلَ النَّهَارَ نُشُورًا ﴿۴۷﴾

وَهُوَ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ بُشْرًا ﴿۴۸﴾ و اوست که پیش از [باران] رحمتش بادها را بشارت‌بخش فرستاد و از آسمان آبی پاک [و پاک‌کننده] فرود فرستادیم. بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا ﴿۴۸﴾

لِنُحْيِيَ بِهِ بَلْدَةً مَّيْتًا وَنُسْقِيَهُ ﴿۴۹﴾ تا با آن [آب]، سرزمین [خشک و] مرده

مِمَّا خَلَقْنَا أَنْعَمًا وَأُنَاسِيًّا
را زنده گردانیم و چهارپایان و انسان‌های
بسیاری را که آفریده‌ایم سیراب سازیم.
كَثِيرًا ﴿٤٩﴾

وَلَقَدْ صَرَّفْنَاهُ بَيْنَهُمْ لِيَذَّكَّرُوا
فَأَبَى أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا
كُفُورًا ﴿٥٠﴾
(۵۰) و به راستی، آن [دلایل و نشانه‌های
قدرت الهی] را به صورت‌های گوناگون بیان
کردیم تا پند گیرند؛ ولی بیشتر مردم جز [انکار
و] ناسپاسی نکردند.

وَلَوْ شِئْنَا لَبَعَثْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ
بِإِيمَانٍ مِّنْ بَنِي آدَمَ
نَذِيرًا ﴿٥١﴾
(۵۱) و اگر می‌خواستیم، در هر دیاری
بیم‌دهنده‌ای برمی‌انگیختیم.

فَلَا تُطِيعُ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ
بِهِ ۚ جِهَادًا كَبِيرًا ﴿٥٢﴾
(۵۲) پس [ای پیامبر]، از کافران اطاعت نکن و
به وسیلهٔ قرآن به جهادی بزرگ با آنان برخیز
[و در این راه شکیباش].

وَهُوَ الَّذِي مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ هَذَا
عَذْبٌ فُرَاتٌ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ
وَجَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخًا وَحِجْرًا
مَّحْجُورًا ﴿٥٣﴾
(۵۳) و او همان ذاتی است که دو دریا را به هم
آمیخت: این یکی خوشگوار و شیرین است و آن
یکی بسیار شور و تلخ؛ و در میان آن دو مانعی
نفوذناپذیر قرار داد [تا با هم نیامیزند].

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا
فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا ۗ وَكَانَ رَبُّكَ
قَدِيرًا ﴿٥٤﴾
(۵۴) و اوست که انسان را از آب [منی] آفرید و
او را دارای [پیوند] نسبی و سببی گردانید؛ و
پروردگارت همواره تواناست.

وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا
يَنْفَعُهُمْ وَلَا يَضُرُّهُمْ ۗ وَكَانَ الْكَافِرُ
مِمَّا خَلَقْنَا أَنْعَمًا وَأُنَاسِيًّا
(۵۵) و [مشرکان] به جای الله چیزی را عبادت
می‌کنند که نه به آنان سودی می‌بخشد و نه

زیانی می‌رساند؛ و کافر در برابر پروردگارش، پیوسته پشتیبان [شیطان] است.

عَلَى رَبِّهِ ظَهِيرًا ﴿٥٥﴾

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ﴿٥٦﴾

و [ای پیامبر]، ما تو را جز بشارت‌بخش و بیم‌دهنده نفرستادیم.

﴿٥٧﴾ بگو: «من [در برابر رسالتم] هیچ پاداشی از شما نمی‌خواهم؛ مگر کسی که بخواهد راهی به سوی پروردگارش برگزیند [و همین برایم کافی است].»

قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا ﴿٥٧﴾

﴿٥٨﴾ و بر [پروردگار] زنده‌ای که هرگز نمی‌میرد توکل کن و او را با ستایش به پاکی یاد کن؛ و همین بس که او به گناهان بندگانش آگاه است.

وَتَوَكَّلْ عَلَىٰ الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَسَبِّحْ بِحَمْدِهِ وَكَفَىٰ بِهِ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا ﴿٥٨﴾

﴿٥٩﴾ [همان] ذاتی که آسمان‌ها و زمین و آنچه را میان آنهاست در شش روز آفرید، سپس [آن گونه که شایسته جلال و مقام اوست] بر عرش قرار گرفت. [او الله] رحمان است؛ پس در مورد او از کسی که آگاه است بپرس [و او نیز کسی جز الله نیست].

الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ الرَّحْمَنُ فَسْأَلْ بِهِ خَبِيرًا ﴿٥٩﴾

﴿٦٠﴾ و هنگامی که به آنان گفته شود: «برای [الله] رحمان سجده کنید»، می‌گویند: «رحمان کیست؟ آیا [قرار است] بر هر چه تو امر می‌کنی سجده بریم؟» و [این دعوت تو، دوری از حق و] نفرتشان را می‌افزاید.

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ اسْجُدُوا لِلرَّحْمَنِ قَالُوا وَمَا الرَّحْمَنُ أَنَسْجُدُ لِمَا تَأْمُرُنَا وَزَادَهُمْ نُفُورًا ﴿٦٠﴾

تَبَارَكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَجَعَلَ فِيهَا سِرَاجًا وَقَمَرًا مُنِيرًا ﴿٦١﴾
 (۶۱) پربرکت [و بزرگوار] است آن ذاتی که در آسمان، منزلگاه‌هایی [برای ستارگان] قرار داد و در [میان] آنها خورشیدی [درخشان و روشنایی‌بخش] و ماهی تابان پدید آورد.

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ خِلْفَةً لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يَذَّكَّرَ أَوْ أَرَادَ شُكُورًا ﴿٦٢﴾
 (۶۲) و او تعالی است که شب و روز را در پی یکدیگر قرار داد، برای هر کس که بخواهد [از تدبیر الهی] پند گیرد یا سپاسگزار باشد.

وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا ﴿٦٣﴾
 (۶۳) و بندگان [مؤمن و شایسته] رحمان، کسانی هستند که با فروتنی [و متانت] بر زمین راه می‌روند و هنگامی که جاهلان [با سخنان ناپسند] آنان را مورد خطاب قرار دهند، [به جای تلافی، به نیکی پاسخ دهند و] گویند: سلام [و با بی‌اعتنایی درگذرند].

وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا ﴿٦٤﴾
 (۶۴) و کسانی که برای پروردگارشان، در حال سجده و قیام، شب‌زنده‌داری می‌کنند.

وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا ﴿٦٥﴾
 (۶۵) و کسانی که می‌گویند: «پروردگارا، عذاب دوزخ را از ما بگردان [که] بی‌تردید، عذابش [سخت و] پایدار است.

إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا ﴿٦٦﴾ (۶۶) حقا که دوزخ جایگاه و اقامتگاه بدی است.»

وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا ﴿٦٧﴾
 (۶۷) و [مؤمنان] کسانی هستند که چون انفاق می‌نمایند، نه زیاده‌روی می‌کنند و نه سختگیری؛ و بین این دو [حالت، راه] اعتدال پیش می‌گیرند.

وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا ءآخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا ﴿٦٨﴾
 (۶۸) و کسانی که معبودی دیگر با الله نمی‌خوانند و کسی که الله [کشتنش را] حرام کرده است، جز به حق نمی‌کشند و زنا نمی‌کنند؛ و هر کس این [گناهان] را مرتکب شود، کیفر گناه [خویش] را می‌بیند.

يُضَاعَفْ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَيَخْلُدْ فِيهِ مُهَانًا ﴿٦٩﴾
 (۶۹) روز قیامت، عذابش چندین برابر می‌گردد و با خواری در آن [عذاب] جاودان می‌ماند.

إِلَّا مَنْ تَابَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿٧٠﴾
 (۷۰) مگر کسی که توبه کند و ایمان آورد و کاری شایسته انجام دهد؛ اینانند که الله بدی‌هایشان را به نیکی‌ها تبدیل می‌کند و الله همواره آمرزگاری مهربان است.

وَمَنْ تَابَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَإِنَّهُ يَتُوبُ إِلَى اللَّهِ مَتَابًا ﴿٧١﴾
 (۷۱) و کسی که توبه کند و کاری شایسته انجام دهد، یقیناً به درگاه الله - چنان که باید و شاید - توبه کرده است.

وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا ﴿٧٢﴾
 (۷۲) و کسانی [مؤمن هستند] که گواهی دروغ نمی‌دهند [و در مجالس باطل حضور نمی‌یابند] و چون به [کار ناپسند یا] بیهوده‌ای

برخورد می‌کنند، بزرگوارانه [از کنارش] می‌گذرند [و خود را آلوده نمی‌سازند].

وَالَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَمْ يَخْرُوا عَلَيْهَا صُمًّا وَعُمْيَانًا ﴿٧٣﴾

(۷۳) و کسانی که چون به آیات پروردگارشان پند داده می‌شوند، [از آن غفلت نمی‌کنند و در برابر قرآن،] چون کران و کوران نیستند.

وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَرْوَاجِنَا وَذُرِّيَّتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا ﴿٧٤﴾

(۷۴) و کسانی که می‌گویند: «پروردگارا، از همسران و فرزندانمان [کسانی را] به ما عطا فرما که [مایه شادی دل‌ها و] روشنی چشم‌ها باشند و ما را پیشوای پرهیزگاران قرار بده».

أُولَئِكَ يُجْزَوْنَ الْعُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَيُلَقَّوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً وَسَلَامًا ﴿٧٥﴾

(۷۵) [آری،] اینان به پاس آنکه شکیبایی کرده‌اند، منازل [عالی بهشت] را پاداش می‌گیرند و در آنجا با درود و سلام [فرشتگان] روبرو می‌گردند.

خَالِدِينَ فِيهَا حَسَنَتٌ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا ﴿٧٦﴾

(۷۶) در آنجا جاودانند. چه نیکو جایگاه و [چه نیک] اقامتگاهی است!

قُلْ مَا يَعْبُؤُا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامًا ﴿٧٧﴾

(۷۷) [به کافران] بگو: «اگر عبادت و دعایتان نباشد، پروردگارم اعتنایی به شما ندارد [و ارزشی برایتان قائل نیست]. به راستی، شما [دعوت حق را] تکذیب کردید؛ به زودی [کیفر این کار،] گریبان‌گیرتان خواهد شد».

سُورَةُ الشُّعْرَاءِ

سورة شعراء

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

طسّم ﴿۱﴾

(۱) طسم [= طا. سین. میم].

تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ ﴿۲﴾

(۲) این آیات کتاب روشنگر است.

لَعَلَّكَ بَخِيعٌ نَفْسِكَ إِلَّا يَكُونُوا

(۳) گویی می خواهی از [اندوه] اینکه [مشرکان] ایمان نمی آورند، خود را هلاک کنی.

مُؤْمِنِينَ ﴿۳﴾

إِنْ نَشَأْ نُزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ

(۴) اگر بخواهیم، از آسمان نشانه‌ای بر آنان نازل می کنیم که در برابرش با فروتنی سر فرود آورند.

آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا

خَاضِعِينَ ﴿۴﴾

وَمَا يَأْتِيهِمْ مِّنْ ذِكْرٍ مِّنَ

(۵) و هیچ پند تازه‌ای از سوی [الله] رحمان برایشان نمی آید، مگر اینکه از آن رویگردانند.

الرَّحْمَنِ مُحَدَّثٍ إِلَّا كَانُوا عَنْهُ

مُعْرِضِينَ ﴿۵﴾

فَقَدْ كَذَّبُوا فَسَيَأْتِيهِمْ أَتْبَوُا مَا

(۶) به راستی آنان [دعوت پیامبران و عذاب قیامت را] تکذیب کردند؛ به زودی اخبار آنچه مسخره می کردند به آنان خواهد رسید.

كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ﴿۶﴾

أَوْلَمْ يَرَوْا إِلَى الْأَرْضِ كَمَا أُبْتِنَا

(۷) آیا به زمین نمی نگرند که چه بسیار از هر گونه [گیاه] زیبا [و سودمندی] در آن رویانده‌ایم؟

فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ ﴿۷﴾

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً ۖ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ ﴿۸﴾
 (۸) بی تردید، در این [آفرینش،] نشانه‌ای [از] قدرت الله بر معاد] است؛ و [الی] بیشتر آنان ایمان نمی‌آورند.

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿۹﴾ و (۹) بی تردید، پروردگارت شکست‌ناپذیر مهربان است.

وَإِذْ نَادَى رَبُّكَ مُوسَىٰ أَنْ أَتِ الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿۱۰﴾ و (۱۰) [یاد کن از] هنگامی که پروردگارت موسی را ندا داد که: «به سوی قوم ستمکار برو

قَوْمَ فِرْعَوْنَ ۗ أَلَا يَتَّقُونَ ﴿۱۱﴾ (۱۱) - قوم فرعون - [و به آنان بگو] آیا [از کفر و سرکشی] نمی‌پرهیزند؟»

قَالَ رَبِّ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُكَذِّبُونِ ﴿۱۲﴾ (۱۲) [موسی] گفت: «پروردگارا، به راستی می‌ترسم که مرا تکذیب کنند،

وَيَضِيقُ صَدْرِي وَلَا يَنْطَلِقُ لِسَانِي فَأَرْسِلْ إِلَىٰ هَارُونَ ﴿۱۳﴾ و (۱۳) [از تکذیب و کفرشان] تنگ می‌گردد و زبانم [به قدر کافی گویا و] روان نیست؛ پس [جبرئیل را] به سوی هارون بفرست [تا مرا یاری کند].

وَلَهُمْ عَلَيَّ ذَنْبٌ فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ ﴿۱۴﴾ (۱۴) و آنان [به گمان خویش، قصاص] گناهی بر [گردن] من دارند؛ می‌ترسم که مرا بکشند».

قَالَ كَلَّا ۖ فَاذْهَبَا بِآيَاتِنَا ۖ إِنَّا مَعَكُمْ مُّسْتَمِعُونَ ﴿۱۵﴾ (۱۵) [الله] فرمود: «هرگز! [چنین نیست که] بتوانند تو را به قتل برسانند. پس تو و هارون [

با آیات [و معجزات] ما بروید. یقیناً [با یاری و
تایید] با شما مییم و [گفتگویتان را] می شنویم.

فَأْتِيَا فِرْعَوْنَ فَقُولَا إِنَّا رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٦﴾
(۱۶) پس نزد فرعون بروید و بگویید: "ما
فرستاده پروردگار جهانیان هستیم؛

أَنْ أُرْسِلَ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿١٧﴾ (۱۷) که بنی اسرائیل را همراه ما بفرست."

قَالَ أَلَمْ نُرَبِّكَ فِينَا وَلِيدًا وَلَبِثْتَ فِينَا مِنْ عُمُرِكَ سِنِينَ ﴿١٨﴾ (۱۸) [فرعون] گفت: «آیا تو را در کودکی میان
خویش پرورش ندادیم و سال‌هایی از عمرت را
بین ما نبودی؟

وَفَعَلْتَ فَعَلْتِكَ الَّتِي فَعَلْتَ وَأَنْتَ مِنَ الْكَافِرِينَ ﴿١٩﴾ (۱۹) و کار خود را - چنان که خواستی -
کردی [و برای یاری مردی از قومت آن مرد
قبطی را کشتی]؛ و تو [نسبت به نعمت‌های
من] ناسپاسی».

قَالَ فَعَلْتَهَا إِذَا وَأَنَا مِنْ الضَّالِّينَ ﴿٢٠﴾ (۲۰) [موسی] گفت: «من آن [کار] را زمانی
انجام دادم که از بی‌خبران بودم [نمی‌دانستم
مشتی سبب قتل می‌گردد].

فَقَرَرْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْمًا وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿٢١﴾ (۲۱) آنگاه چون از شما ترسیدم، فرار کردم.
آنگاه پروردگارم به من دانش بخشید و مرا از
پیامبران قرار داد.

وَتِلْكَ نِعْمَةٌ تَمُنُّهَا عَلَيَّ أَنْ عَبَّدتَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿٢٢﴾ (۲۲) و این [چه] نعمتی است که تو بر من
منت می‌گذاری که بنی اسرائیل را برده خود
ساخته‌ای؟»

قَالَ فِرْعَوْنُ وَمَا رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿۲۳﴾
 قَالَ فِرْعَوْنُ وَمَا رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿۲۳﴾ فرعون گفت: «پروردگار جهانیان کیست؟»

قَالَ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنَّ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ ﴿۲۴﴾
 قَالَ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنَّ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ ﴿۲۴﴾ [موسی] گفت: «پروردگار آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آنهاست. اگر اهل یقین هستید [تنها او را عبادت کنید].»

قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْتَمِعُونَ ﴿۲۵﴾
 قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْتَمِعُونَ ﴿۲۵﴾ [فرعون] به کسانی که در اطرافش بودند [با تمسخر] گفت: «آیا می‌شنوید [چه می‌گوید]؟»

قَالَ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ ﴿۲۶﴾
 قَالَ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ ﴿۲۶﴾ [موسی] گفت: «[الله] پروردگار شما و پروردگار نیاکان شماست.»

قَالَ إِنَّ رَسُولَكُمْ الَّذِي أُرْسِلَ إِلَيْكُمْ لَمَجْنُونٌ ﴿۲۷﴾
 قَالَ إِنَّ رَسُولَكُمْ الَّذِي أُرْسِلَ إِلَيْكُمْ لَمَجْنُونٌ ﴿۲۷﴾ [فرعون] گفت: «این پیامبرتان که به سوی شما فرستاده شده، یقیناً دیوانه است.»

قَالَ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنَّ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ ﴿۲۸﴾
 قَالَ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنَّ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ ﴿۲۸﴾ [موسی] گفت: «اگر بیندیشید، [خواهید دانست که او] پروردگار مشرق و مغرب و همه چیزهایی است که میان آن دو قرار دارد.»

قَالَ لَئِنِ اتَّخَذَتِ الْهَآءِ غَيْرِي لِأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُونِينَ ﴿۲۹﴾
 قَالَ لَئِنِ اتَّخَذَتِ الْهَآءِ غَيْرِي لِأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُونِينَ ﴿۲۹﴾ [فرعون] پس از ناتوانی از استدلال با موسی [گفت: «اگر معبودی جز من برگزینی، قطعاً تو را زندانی می‌کنم.»]

قَالَ أَوْلَوْ جِئْتُكَ بِشَيْءٍ مُّبِينٍ ﴿۳۰﴾
 قَالَ أَوْلَوْ جِئْتُكَ بِشَيْءٍ مُّبِينٍ ﴿۳۰﴾ [موسی] گفت: «حتی اگر نشانه آشکاری [در مورد رسالتم] برایت آورده باشم؟»

قَالَ فَأَتِ بِهِ إِذْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿۳۱﴾
 قَالَ فَأَتِ بِهِ إِذْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿۳۱﴾
 را بیاور.»

فَأَلْقَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ ﴿۳۲﴾
 فَأَلْقَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ ﴿۳۲﴾
 ناگهان [به] اژدهایی آشکار [تبدیل] شد.

وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بِيْضَاءٌ لِلنَّظِيرِ ﴿۳۳﴾
 وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بِيْضَاءٌ لِلنَّظِيرِ ﴿۳۳﴾
 و دستش را [از گریبان] بیرون آورد و ناگاه در نظرِ بینندگان سپید [و روشن] بود.

قَالَ لِلْمَلَإِ حَوْلَهُ إِنَّ هَذَا لَسِحْرٌ عَلِيمٌ ﴿۳۴﴾
 قَالَ لِلْمَلَإِ حَوْلَهُ إِنَّ هَذَا لَسِحْرٌ عَلِيمٌ ﴿۳۴﴾
 «حقا که این [مرد،] جادوگری داناست.

يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ ﴿۳۵﴾
 يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ ﴿۳۵﴾
 [او] می‌خواهد شما را با جادویش از سرزمینتان بیرون کند؛ نظرتان چیست؟»

قَالُوا أَرْجَاهُ وَأَخَاهُ وَأَبْعَثْ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ ﴿۳۶﴾
 قَالُوا أَرْجَاهُ وَأَخَاهُ وَأَبْعَثْ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ ﴿۳۶﴾
 و برادرش را به تأخیر انداز و مأمورانِ جمع‌آوری را به [همه] شهرها بفرست

يَأْتُوكَ بِكُلِّ سِحْرٍ عَلِيمٍ ﴿۳۷﴾
 يَأْتُوكَ بِكُلِّ سِحْرٍ عَلِيمٍ ﴿۳۷﴾
 تا هر جادوگرِ ماهر [و] دانایی را نزدت بیاورند.»

فَجُمِعَ السَّحْرَةُ لِمِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ ﴿۳۸﴾
 فَجُمِعَ السَّحْرَةُ لِمِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ ﴿۳۸﴾
 برای وعده‌گاهِ روزِ معینِ گرد آورده شدند.

وَقِيلَ لِلنَّاسِ هَلْ أَنْتُمْ ﴿۳۹﴾
 وَقِيلَ لِلنَّاسِ هَلْ أَنْتُمْ ﴿۳۹﴾
 و به مردم گفته شد: «آیا شما [نیز] جمع

می‌شوید [تا ببینیم برنده کیست]؟

تَجْتَمِعُونَ ﴿۳۹﴾

لَعَلَّنَا نَتَّبِعُ السَّحَرَةَ إِنْ كَانُوا هُمْ
[همگی] از آنان پیروی کنیم».

الْغَالِبِينَ ﴿۴۰﴾

فَلَمَّا جَاءَ السَّحَرَةُ قَالُوا لِفِرْعَوْنَ
«اگر ما پیروز شویم، آیا پاداشی خواهیم
داشت؟»

الْغَالِبِينَ ﴿۴۱﴾

قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ إِذَا لَمِنَ
نزدیکانم خواهید بود».

الْمُقَرَّبِينَ ﴿۴۲﴾

قَالَ لَهُم مُوسَى الْقُوا مَا أَنْتُمْ
[می‌خواهید] بیفکنید، [اکنون] بیفکنید».

مُلْقُونَ ﴿۴۳﴾

فَالْقُوا جِبَاهَهُمْ وَعَصِيَّهُمْ وَقَالُوا
و گفتند: «به عزت فرعون سوگند که ما حتماً
پیروزیم».

الْغَالِبُونَ ﴿۴۴﴾

فَالْقَى مُوسَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ
[به اژدهایی تبدیل شد و] آنچه را به دروغ
ساخته بودند بلعید.

تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ ﴿۴۵﴾

(۴۶) آنگاه جادوگران به سجده درافتادند.

فَالْقَى السَّحَرَةُ سَجِدِينَ ﴿۴۶﴾

(۴۷) [و] گفتند: «ما به پروردگار جهانیان
ایمان آوردیم؛

قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۴۷﴾

رَبِّ مُوسَىٰ وَهَارُونَ ﴿٤٨﴾ پروردگار موسی و هارون».

قَالَ ءَاَمَنْتُمْ لَهُ قَبْلَ اَنْ ءَاذَنَ لَكُمْ ؕ اِنَّهُ لَكَبِيرُكُمْ الَّذِي عَلَّمَكُمْ السِّحْرَ فَلَسَوْفَ تَعْلَمُوْنَ لِاَقْطَعَنَّ اَيْدِيَكُمْ وَاَرْجُلَكُمْ مِّنْ خِلَافٍ وَّلَا صَلْبَيْنَكُمْ اَجْمَعَيْنَ ﴿٤٩﴾

(۴۹) [فرعون] گفت: «آیا پیش از آنکه به شما اجازه دهم به او ایمان آوردید؟ بی تردید، او همان بزرگ شماس است که به شما جادو آموخته است. به زودی خواهید دانست [که مجازاتتان چیست]. یقیناً دست‌ها و پاهایتان را برعکس [یکدیگر از چپ و راست] قطع می‌کنم و همگی‌تان را به دار می‌آویزم».

قَالُوْا لَا ضَيْرٌۢ بَلَّ اِنَّا اِلَى رَبِّنَا مُنْقَلِبُوْنَ ﴿٥٠﴾

(۵۰) آنان گفتند: «در این شکنجه و عذاب هیچ زبانی نیست. بی تردید، ما به سوی پروردگارمان بازمی‌گردیم».

اِنَّا نَظْمَعُ اَنْ يَّعْفِرَ لَنَا رَبُّنَا حَظَّيْنَا اَنْ اَنْ كُنَّا اَوَّلَ الْمُؤْمِنِيْنَ ﴿٥١﴾

(۵۱) امیدواریم که پروردگارمان گناهان ما را ببخشد که ما نخستین کسانی هستیم که [از این قوم، به پروردگار موسی] ایمان آورده‌ایم».

وَءَاَوْحَيْنَا اِلَى مُوسَىٰ اَنْ اَسْرِ بِعِبَادِي اِنَّكُمْ مُّتَّبِعُوْنَ ﴿٥٢﴾

(۵۲) و به موسی وحی کردیم که: «بندگام را شبانه [از مصر] بیرون ببر؛ [زیرا سپاه فرعون] قطعاً در پی شما خواهد آمد».

فَاَرْسَلَ فِرْعَوْنُ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِيْنَ ﴿٥٣﴾

(۵۳) فرعون [چون از ماجرا آگاه گردید] مأموران جمع‌آوری [نیرو] را به شهرها فرستاد.

اِنَّ هَؤُلَاءِ لَشِرْذِمَةٌ قَلِيْلُوْنَ ﴿٥٤﴾

(۵۴) [و اعلام کرد:] اینها [= بنی اسرائیل] عده‌ای ناچیزند

- وَإِنَّهُمْ لَنَا لَغَائِظُونَ ﴿٥٥﴾ و (٥٥) و جداً ما را به خشم آورده اند
- وَإِنَّا لَجَمِيعٌ حَازِرُونَ ﴿٥٦﴾ و (٥٦) و ما همگی کاملاً [هوشیار و] آماده
بیکاریم».
- فَأَخْرَجْنَاهُمْ مِّن جَنَّاتٍ
سِرزمین مصر [بیرون آوردیم
وَعُيُونٍ ﴿٥٧﴾
- وَكُنُوزٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ ﴿٥٨﴾ و (٥٨) و از گنجها و خانههای مجلل [دور
ساختیم].
- كَذَلِكَ وَأَوْرَثْنَاهَا بَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿٥٩﴾ و (٥٩) اینچنین [کردیم] و بنی اسرائیل را وارث
آن [ثروت و دارایی] نمودیم.
- فَاتَّبَعُوهُمْ مَّشْرِيقِينَ ﴿٦٠﴾ و (٦٠) [سپاه فرعون] هنگام طلوع آفتاب به
تعقیب آنان پرداختند.
- فَلَمَّا تَرَاءَا الْجَمْعَانِ قَالَ
مُوسَى كَفْتُنْد: «قَطْعاً [در چنگال فرعونیان]
گرفتاریم».
- قَالَ كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ ﴿٦١﴾ و (٦١) و چون دو گروه یکدیگر را دیدند، یاران
موسی گفتند: «قطعاً [در چنگال فرعونیان]
گرفتاریم».
- قَالَ كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ ﴿٦٢﴾ و (٦٢) [موسی] گفت: «هرگز! بی تردید،
پروردگارم با من است و مرا [به راه نجات]
هدایت خواهد کرد».
- فَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنِ اضْرِبْ
بِعَصَاكَ الْبَحْرَ فَانْفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ
فِرْقٍ كَالطَّوْدِ الْعَظِيمِ ﴿٦٣﴾ و (٦٣) به موسی وحی کردیم: «عصایت را به
دریا بزن»؛ [هنگامی که عصایش را زد، دریا]
شکافته شد و هر بخشی [از آن،] همچون
کوهی بزرگ گشت.

- وَأَرْزَلْنَا ثُمَّ الْأَخْرِينَ ﴿٦٤﴾ (۶۴) و آن گروه دیگر [= فرعون و سپاهش] را به آنجا کشانندیم.
- وَأَنْجَيْنَا مُوسَى وَمَنْ مَعَهُ وَأَجْمَعِينَ ﴿٦٥﴾ (۶۵) و موسی و همه کسانی را که همراهش بودند نجات دادیم.
- ثُمَّ أَعْرَفْنَا الْأَخْرِينَ ﴿٦٦﴾ (۶۶) و دیگران را غرق نمودیم.
- إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٦٧﴾ (۶۷) قطعاً در این [ماجرای] نشانه‌ای [برای عبرت گرفتن] است؛ و [الی] بیشتر آنان مؤمن نبودند.
- وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿٦٨﴾ (۶۸) و بی‌تردید، پرورگارت همان شکست‌ناپذیر مهربان است.
- وَأْتَلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ إِبْرَاهِيمَ ﴿٦٩﴾ (۶۹) [ای پیامبر،] داستان ابراهیم را بر آنان بازگو.
- إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا تَعْبُدُونَ ﴿٧٠﴾ (۷۰) هنگامی که به پدر و قومش گفت: «چه چیز را عبادت می‌کنید؟»
- قَالُوا نَعْبُدُ أَصْنَامًا فَنَنْظِلُ لَهَا عَافِيَةً ﴿٧١﴾ (۷۱) آنان گفتند: «بُت‌هایی را عبادت می‌کنیم و پیوسته سر بر آستانشان داریم.»
- قَالَ هَلْ يَسْمَعُونَكُمُ إِذْ تَدْعُونَ ﴿٧٢﴾ (۷۲) [ابراهیم] گفت: «آیا وقتی آنها را می‌خوانید، [صدای] شما را می‌شنوند؟»
- أَوْ يَنْفَعُونَكُمُ أَوْ يَضُرُّونَ ﴿٧٣﴾ (۷۳) یا به شما سود و زیان می‌رسانند؟»

قَالُوا بَلْ وَجَدْنَا آبَاءَنَا كَذَلِكَ يَفْعَلُونَ ﴿٧٤﴾
 (۷۴) آنان گفتند: «[نه]، ولی پدرانمان را یافتیم که چنین می‌کردند [و از آن‌ها تقلید می‌کنیم]».

قَالَ أَفَرَأَيْتُمْ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ ﴿٧٥﴾
 (۷۵) [ابراهیم] گفت: «آیا دیدید [و دانستید] چیزهایی را که همواره عبادت می‌کردید

أَنْتُمْ وَعَابَاؤَكُمْ الْأَقْدَمُونَ ﴿٧٦﴾ (۷۶) [هم] شما و [هم] پدرانتان

فَأِنَّهُمْ عَدُوٌّ لِّي إِلَّا رَبَّ الْعَالَمِينَ ﴿٧٧﴾
 (۷۷) یقیناً [همه] آنها [= معبودان باطل] دشمن [عقیده توحیدی] من هستند؟ مگر پروردگار جهانیان.

الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ ﴿٧٨﴾
 (۷۸) آن [معبودی] که مرا آفریده و هدایت می‌کند

وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ ﴿٧٩﴾
 (۷۹) و همان ذاتی که به من غذا می‌دهد و سیراب می‌سازد

وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ ﴿٨٠﴾
 (۸۰) و هنگامی که بیمار می‌شوم، اوست که شفایم می‌دهد

وَالَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ ﴿٨١﴾
 (۸۱) و ذاتی که مرا می‌میراند و [دوباره] زنده‌ام می‌کند

وَالَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ ﴿٨٢﴾
 (۸۲) و ذاتی که امیدوارم روز جزا گناهانم را ببخشد.

رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ ﴿۸۳﴾
 پروردگارا، به من دانشی [در دین] ببخش و مرا به شایستگان ملحق کن.

وَأَجْعَلْ لِّي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ ﴿۸۴﴾
 و در آیندگان آوازه‌ای نیک برایم قرار بده.

وَأَجْعَلْنِي مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ ﴿۸۵﴾
 و مرا از وارثان بهشتِ پر نعمت بگردان.

وَأَغْفِرْ لِإِبْنِ إِيْمَانَ وَكَانَ مِنَ الْضَّالِّينَ ﴿۸۶﴾
 و پدرم را بیامرز [که] بی‌تردید در زمره گمراهان بود.

وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ يُبْعَثُونَ ﴿۸۷﴾
 و روزی که [مردم] برانگیخته می‌شوند، مرا رسوا [و شرمنده] نساز.

يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ ﴿۸۸﴾
 همان روزی که مال و فرزندان سودی نمی‌بخشد؛

إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ ﴿۸۹﴾
 مگر کسی که قلبی پاک [و خالی از شرک و نفاق و کینه و ریا] به پیشگاه الله بیاورد.

وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ ﴿۹۰﴾
 و [آن روز] بهشت برای پرهیزگاران نزدیک می‌گردد

وَبُرِّرَتِ الْجَحِيمُ لِلْغَاوِينَ ﴿۹۱﴾
 و دوزخ برای گمراهان آشکار می‌شود.

وَقِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ ﴿۹۲﴾
 و به آنان گفته می‌شود: «[اکنون] کجا هستند آنچه عبادت می‌کردید

۹۳) من دُونِ اللَّهِ هَلْ يَنْصُرُونَكُمْ أَوْ يَنْتَصِرُونَ ﴿۹۳﴾
 به جای الله؟ آیا [آنها در برابر عذاب الهی] شما را یاری می کنند یا [حتی خود] را یاری می دهند؟»

۹۴) فَكَبِّبُوا فِيهَا هُمْ وَالْعَاوُنَ ﴿۹۴﴾
 پس، آنها [= معبودان باطل] همراه گمراهان در آن [آتش مهیب] افکنده می شوند.

وَجُنُودُ إِبْلِيسَ أَجْمَعُونَ ﴿۹۵﴾
 و [همراه] تمام لشکریان ابلیس.

۹۶) قَالُوا وَهُمْ فِيهَا يَخْتَصِمُونَ ﴿۹۶﴾
 در آنجا [مشرکان] در حال ستیز [با معبودان باطل] می گویند:

تَاللَّهِ إِنْ كُنَّا لَنَعِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿۹۷﴾
 «به الله سوگند که ما در گمراهی آشکاری بودیم.

إِذْ نَسَّوْكُمْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۹۸﴾
 (۹۸) آنگاه که شما را با پروردگار جهانیان برابر می دانستیم.

وَمَا أَضَلَّنَا إِلَّا الْمُجْرِمُونَ ﴿۹۹﴾
 (۹۹) و ما را کسی جز مجرمان گمراه نکرد.

فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ ﴿۱۰۰﴾
 (۱۰۰) [اکنون] نه هیچ شفاعتگری داریم

وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ ﴿۱۰۱﴾
 و نه هیچ دوست مهربانی.

۱۰۲) فَلَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَكُونُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿۱۰۲﴾
 (۱۰۲) کاش بازگشتی [به دنیا] داشتیم و در زمره مؤمنان قرار می گرفتیم.»

۱۰۳) إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً ۖ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿۱۰۳﴾
 (۱۰۳) قطعاً در این [ماجرا] نشانه‌ای [برای عبرت گرفتن] است؛ ولی بیشتر آنان مؤمن نبودند.

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿١٠٤﴾ و بی تردید، پروردگارت همان شکست‌ناپذیرِ مهربان است.

كَذَّبَتْ قَوْمُ نُوحٍ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٠٥﴾ قوم نوح، پیامبران را دروغگو انگاشتند.

إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿١٠٦﴾ (آیا [از الله] پروا نمی‌کنید؟

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿١٠٧﴾ به راستی، من پیامبری امین برایتان هستم؛

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا ﴿١٠٨﴾ پس، از الله پروا کنید و مطیع [دستورهای] من باشید.

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنَّا أَجْرِي إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٠٩﴾ و من [در برابر رسالتم] هیچ پاداشی از شما نمی‌خواهم. پاداش من، تنها بر [عهده] پروردگار جهانیان است؛

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا ﴿١١٠﴾ پس، از الله پروا کنید و مطیع [دستورهای] من باشید.

﴿قَالُوا أَنْتُمْ مِنْ لَدُنْكَ وَأَتَّبَعَكَ﴾ (آیا به تو ایمان بیاوریم در حالی که [فقط] فرومایگان از تو پیروی کرده‌اند؟)

قَالَ وَمَا عَلِمِي بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١١٢﴾ [نوح] گفت: «من به آنچه آنان [در گذشته] می‌کردند چه دانشی دارم؟

إِنَّ حِسَابَهُمْ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّي لَوَّ تَشْعُرُونَ ﴿١١٣﴾
 (۱۱۳) حساب آنان تنها با پروردگار من است. اگر می فهمید [چنین سخن گزافی نگویید].

وَمَا أَنَا بِظَارِدِ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١١٤﴾ (۱۱۴) و من [هرگز] مؤمنان را طرد نمی کنم.

إِن أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿١١٥﴾ (۱۱۵) من جز بیم دهنده ای آشکار نیستم.

قَالُوا لَئِن لَّمْ تَنْتَه يَنْوُحْ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمَرْجُومِينَ ﴿١١٦﴾ (۱۱۶) آنان گفتند: «ای نوح، اگر [از دعوت] دست برداری، قطعاً سنگسار می شوی».

قَالَ رَبِّ إِنَّ قَوْمِي كَذَّبُونِ ﴿١١٧﴾ (۱۱۷) او گفت: «پروردگارا، قومم مرا دروغگو انگاشتند؛

فَأَفْتَحْ بَيْتِي وَبَيْنَهُمْ فَتْحًا وَنَجِّنِي وَمَنْ مَعِيَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١١٨﴾ (۱۱۸) پس میان من و آنان داوری کن و من و مؤمنانی را که همراهم هستند نجات بده».

فَأَنْجَيْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلِكِ الْمَشْحُونِ ﴿١١٩﴾ (۱۱۹) او و افرادی را که همراهش بودند، در [آن] کشتی آکنده [از انسان و حیوان و کالا] نجات دادیم

ثُمَّ أَعْرَفْنَا بَعْدَ الْبَاقِينَ ﴿١٢٠﴾ (۱۲۰) و باقی ماندگان را غرق کردیم.

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ ﴿١٢١﴾ (۱۲۱) قطعاً در این [ماجرا] نشانه ای [برای عبرت گرفتن] است؛ و [الی] بیشتر آنان مؤمن نبودند.

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿١٢٢﴾ (۱۲۲) و بی تردید، پروردگارت همان شکست ناپذیر مهربان است.

- كَذَّبَتْ عَادُ الْمُرْسَلِينَ ﴿۱۲۳﴾ [قوم] عاد [نیز] پیامبران را دروغگو
انگاشتند.
- إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ هُودٌ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿۱۲۴﴾ [آیا از الله] پروا نمی کنید؟
- إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿۱۲۵﴾ [از الله] پروا نمی کنید؟
- هستم.
- فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا ﴿۱۲۶﴾ [از الله] پروا کنید و مطیع
[دستورهای] من باشید.
- وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ
أَجْرِي إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۱۲۷﴾ [در برابر رسالت] هیچ پاداشی از
شما نمی خواهم. پاداش من، تنها بر [عهدۀ]
پروردگار جهانیان است.
- أَتَبْنُونَ بِكُلِّ رِيعٍ آيَةً ﴿۱۲۸﴾ [در آن] بیهوده کاری می کنید؟
- تَعْبُونَ ﴿۱۲۸﴾
- وَتَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ
تَخْلُدُونَ ﴿۱۲۹﴾ [در دنیا] جاودانید.
- مِي كُنْتُمْ لَعَلَّكُمْ ﴿۱۲۹﴾
- وَأِذَا
بَطَشْتُمْ بَطَشْتُمْ ﴿۱۳۰﴾ [به کسی] حمله ور می شوید،
[بی رحم و] ظالمانه حمله می کنید.
- جَبَّارِينَ ﴿۱۳۰﴾
- فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا ﴿۱۳۱﴾ [از الله] پروا کنید و مطیع [دستورهای]
من باشید.
- مِنَ بَشَرٍ مِّمَّنْ لَمَّ يَتَّبِعُوا ﴿۱۳۱﴾

وَأَتَقُوا الَّذِي أَمَدَّكُمْ بِمَا تَعْلَمُونَ ﴿۱۳۲﴾
 و از ذاتی پروا کنید که [نعمت‌هایی چنان فراوان] به شما عطا کرده است که خود، [آنها را بهتر] می‌دانید.

أَمَدَّكُمْ بِأَنْعَمٍ وَبَيْنَ ﴿۱۳۳﴾
 او به شما چهارپایان و فرزندان [بسیار] عطا کرده است

وَجَنَّتِ وَعُيُونٍ ﴿۱۳۴﴾
 و باغ‌ها و چشمه‌سارها.

إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿۱۳۵﴾
 به راستی که من از عذاب روزی بزرگ بر شما می‌ترسم».

قَالُوا سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَوَعَظْتَ أَمْ لَمْ تَكُنْ مِنَ الْوَاعِظِينَ ﴿۱۳۶﴾
 آنان گفتند: «چه ما را پند بدهی یا ندهی، برایمان یکسان است [و از تو اطاعت نمی‌کنیم].»

إِنَّ هَذَا إِلَّا خُلُقُ الْأَوَّلِينَ ﴿۱۳۷﴾
 این [آیین ما، همان] روش پیشینیان است

وَمَا نَحْنُ بِمُعَذِّبِينَ ﴿۱۳۸﴾
 و ما [هرگز] عذاب نخواهیم شد».

فَكَذَّبُوهُ فَأَهْلَكْنَاهُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةًٌ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿۱۳۹﴾
 آنان هود را دروغگو انگاشتند؛ ما [نیز] هلاکشان کردیم. قطعاً در این [ماجرای] نشانه‌ای [برای عبرت گرفتن] است؛ و بیشتر آنان مؤمن نبودند.

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿۱۴۰﴾
 و بی‌تردید، پروردگارت همان شکست‌ناپذیر مهربان است.

- كَذَّبَتْ ثَمُودُ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٤١﴾ [قوم] ثمود پیامبران را دروغگو انگاشتند.
- إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ صَالِحٌ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿١٤٢﴾ [از الله] پروا نمی کنید؟
- إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿١٤٣﴾ [از الله] پروا کنید و مطیع هستم.
- فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا أَمْرَهُ ﴿١٤٤﴾ [از الله] پروا کنید و مطیع [دستورهای] من باشید.
- وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنَّا أَجْرِي إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٤٥﴾ [در برابر رسالت] هیچ پاداشی از شما نمی خواهم. پاداش من، تنها بر [عهده] پروردگار جهانیان است.
- أَتُتْرَكُونَ فِي مَا هَلُّنَا آمَنِينَ ﴿١٤٦﴾ [می پندارید که] شما را در این نعمت هایی که اینجاست آسوده رها می کنند؟
- فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿١٤٧﴾ [در این] باغها و چشمه سارها
- وَزُرُوعٍ وَنَخْلٍ طَلْعُهَا هَضِيمٌ ﴿١٤٨﴾ [در کنار این] کشتزارها و نخل هایی که میوه هایش نرم و رسیده است؟
- وَتَنَحِيئُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا فَرِهِينَ ﴿١٤٩﴾ [سر مست و] ماهرانه از کوهها [برای خود] خانه هایی می تراشید.
- فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا أَمْرَهُ ﴿١٥٠﴾ [از الله] پروا کنید و مطیع [دستورهای] من باشید.

وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ ﴿١٥١﴾ و از اسرافکاران [گناهکار] پیروی نکنید.

الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ ﴿١٥٢﴾ [همان] کسانی که در زمین به فساد می‌پردازند و [خویشتن را] اصلاح نمی‌کنند.

قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ الْمَسْحَرِينَ ﴿١٥٣﴾ [ای صالح،] جز این نیست که تو جادوشده‌ای.

مَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا فَأْتِ بَيَّاتٍ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿١٥٤﴾ تو جز بشری همانند ما نیستی؛ پس اگر راست می‌گویی، نشانه‌ای [بر پیامبری‌ات] بیاور.

قَالَ هَذِهِ نَاقَةٌ لَهَا شِرْبٌ وَلَكُمْ شِرْبٌ يَوْمَ مَعْلُومٍ ﴿١٥٥﴾ [صالح] گفت: «این ماده شتری است که سهمی از آب [چشمه] دارد و [روزهای معینی نیز] شما سهمی از آب دارید.

وَلَا تَمْسُوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابُ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿١٥٦﴾ پس [کمترین] آزاری به آن نرسانید که عذابِ روزی بزرگ شما را فرامی‌گیرد».

فَعَقَرُوهَا فَاصْبَحُوا نَدِيمِينَ ﴿١٥٧﴾ اما آن را پی کردند و [از کرده خود] پشیمان شدند.

فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً ۖ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿١٥٨﴾ پس عذاب [الهی] آنان را فروگرفت. بی‌گمان، در این [ماجرا] نشانه‌ای [برای عبرت گرفتن] است؛ و بیشتر آنان مؤمن نبودند.

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿١٥٩﴾ و (۱۵۹) بی تردید، پروردگارت همان شکست‌ناپذیرِ مهربان است.

كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٦٠﴾ (۱۶۰) قوم لوط [نیز] پیامبران را دروغگو انگاشتند.

إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ لُوطُ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿١٦١﴾ (۱۶۱) آنگاه که برادرشان لوط به آنان گفت: «آیا [از الله] پروا نمی‌کنید؟»

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿١٦٢﴾ (۱۶۲) به راستی، من پیامبری امین برای شما هستم.

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا أَمْرًا ﴿١٦٣﴾ (۱۶۳) پس، از الله پروا کنید و مطیع [دستورهای] من باشید.

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٦٤﴾ و (۱۶۴) من [در برابر رسالت]م هیچ پاداشی از شما نمی‌خواهم. پاداش من، تنها بر [عهده] پروردگار جهانیان است.

أَتَأْتُونَ الذُّكْرَانَ مِنَ الْعَالَمِينَ ﴿١٦٥﴾ (۱۶۵) آیا از میان جهانیان، با مردان می‌آمیزید

وَتَذَرُونَ مَا خَلَقَ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ أَرْوَاحِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ عَادُونَ ﴿١٦٦﴾ و (۱۶۶) و همسرانی را که پروردگارتان برایتان آفریده است رها می‌کنید؟! بلکه شما گروهی متجاوزید.

قَالُوا لَنْ لَّمْ تَنْتَهَ يَلُوطُ لَتَكُونَنَّ ﴿١٦٧﴾ (۱۶۷) آنان گفتند: «ای لوط، اگر [از این امر و

مِنْ الْمُخْرَجِينَ ﴿١٦٧﴾ نهی [دست بر نداری، قطعاً [از شهر] اخراج می شوی».

قَالَ إِنِّي لِعَمَلِكُمْ مِّنَ الْفَالِقِينَ ﴿١٦٨﴾ (۱۶۸) [لوط] گفت: «من دشمن [سرسخت] این کارتان هستم.

رَبِّ نَجِيٍّ وَأَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ ﴿١٦٩﴾ (۱۶۹) پروردگارا، من و خانواده ام را از [عاقبت] آنچه [اینها] انجام می دهند نجات ده.»

فَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ ﴿١٧٠﴾ (۱۷۰) ما او و همه خانواده اش را نجات دادیم
إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَدِيرِينَ ﴿١٧١﴾ (۱۷۱) مگر پیرزنی که در میان بازماندگان [در عذاب] بود.

ثُمَّ دَمَّرْنَا الْأَخْرِينَ ﴿١٧٢﴾ (۱۷۲) سپس دیگران را نابود کردیم
وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَسَاءً ﴿١٧٣﴾ و بارانی [از سنگ] بر آنان بارانیدیم؛ و بارانِ بیم داده شدگان چه بد بود!

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ ﴿١٧٤﴾ (۱۷۴) بی گمان، در این [ماجرا] نشانه ای [برای عبرت گرفتن] است؛ و بیشتر آنان مؤمن نبودند.

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿١٧٥﴾ (۱۷۵) و بی تردید، پروردگارت همان شکست ناپذیرِ مهربان است.

كَذَّبَ أَصْحَابُ لُقْيَا ﴿١٧٦﴾ (۱۷۶) اصحاب آیکه [نیز] پیامبران را دروغگو انگاشتند.

إِذْ قَالَ لَهُمْ شُعَيْبٌ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿١٧٧﴾ آنگاه که شعیب به آنان گفت: «آیا [از الله] پروا نمی‌کنید؟

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿١٧٨﴾ به‌راستی، من پیامبری امین برای شما هستم.

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا ﴿١٧٩﴾ پس از الله پروا کنید و مطیع [دستورهای] من باشید.

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٨٠﴾ و من [در برابر رسالتم] هیچ پاداشی از شما نمی‌خواهم. پاداش من، تنها بر [عهده] پروردگار جهانیان است.

۞ أَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ ﴿١٨١﴾ پیمانانه را تمام بدهید و کم‌فروشی نکنید.

وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ ﴿١٨٢﴾ و با ترازوی درست وزن کنید.
وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ﴿١٨٣﴾ و کالای مردم را کم ندهید [و حقشان را ضایع نکنید] و در زمین به فساد [و تباهی] نکوشید.

وَاتَّقُوا الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالْحَبِيبَةَ الْأُولَىٰ ﴿١٨٤﴾ و از ذاتی که شما و امت‌های پیشین را آفرید پروا کنید».

قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ الْمُسْحَرِينَ ﴿١٨٥﴾ آنان گفتند: «[ای شعیب،] جز این نیست که تو جادوشده‌ای.

- وَمَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا وَإِن نَّظُنُّكَ لَمِنَ الْكٰذِبِيْنَ ﴿١٨٦﴾
 (۱۸۶) تو جز بشری همانند ما نیستی و ما تو را دروغگو می‌پنداریم.
- فَأَسْقِطْ عَلَيْنَا كِسْفًا مِّنَ السَّمَاءِ
 إِن كُنْتَ مِنَ الصّٰدِقِيْنَ ﴿١٨٧﴾
 (۱۸۷) اگر راست می‌گویی، پاره‌هایی از آسمان را بر [سر] ما بینداز.»
- قَالَ رَبِّ اَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُوْنَ ﴿١٨٨﴾
 (۱۸۸) [شعیب] گفت: «پروردگارم به آنچه می‌کنید داناتر است.»
- فَكَذَّبُوهُ فَاَخَذَهُمْ عَذَابٌ يَّوْمٍ
 الظُّلَّةِ اِنَّهُمْ كَانُوْا يُسۡـَٔرُوْنَ
 عَظِيْمٍ ﴿١٨٩﴾
 (۱۸۹) او را دروغگو انگاشتند و عذابِ روزِ ابر [آتشبار] آنان را فراگرفت. به راستی که آن [بارانِ آتش]، عذابِ روزی هولناک بود.
- اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَآيَةًۭ لِّمَنۡ كَانَ
 اَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِيْنَ ﴿١٩٠﴾
 (۱۹۰) بی‌گمان، در این [ماجرای] نشانه‌ای [برای عبرت گرفتن] است؛ و بیشتر آنان مؤمن نبودند.
- وَإِنَّ رَبَّكَ لَهٗوَ الْعَزِيْزُ الرَّحِيْمُ ﴿١٩١﴾
 (۱۹۱) و بی‌تردید، پروردگارت همان شکست‌ناپذیرِ مهربان است.
- وَإِنَّهٗ لَتَنْزِيْلُ رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ ﴿١٩٢﴾
 (۱۹۲) و به راستی [این] قرآن فروفرستاده پروردگار جهانیان است.
- نَزَلَ بِهٖ الرُّوْحُ الْاَمِيْنُ ﴿١٩٣﴾
 (۱۹۳) روح الامین [= جبرئیل] آن را فرود آورده است.
- عَلَىٰ قَلْبِكَ لِتَكُوْنَ
 مِنَ الْمُنذِرِيْنَ ﴿١٩٤﴾
 (۱۹۴) بر قلب تو [نازل کرده است] تا بیم‌دهنده باشی.

بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ ﴿١٩٥﴾ [قرآن را] به زبان عربی روشن [نازل نمود].

وَأَنَّهُ وَلَفِيَ زُبْرٍ الْأَوَّلِينَ ﴿١٩٦﴾ و بی تردید، [بشارت نزول] آن، در کتاب‌های پیشینیان [نیز آمده] است.

أَوْلَمْ يَكُنْ لَهُمْ آيَةٌ أَنْ يَعْلَمَهُوْ عُلَمَاءُ بَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿١٩٧﴾ آیا همین نشانه برایشان کافی نیست که علمای بنی‌اسرائیل از [حقیقت] قرآن آگاهند؟

وَلَوْ نَزَّلْنَاهُ عَلَىٰ بَعْضِ الْأَعْجَمِينَ ﴿١٩٨﴾ و اگر آن را بر بعضی از غیر عرب‌ها نازل می‌کردیم

فَقَرَأَهُ عَلَيْهِمْ مَا كَانُوا بِهِ مُؤْمِنِينَ ﴿١٩٩﴾ و [پیامبر،] آن را برایشان می‌خواند، به آن ایمان نمی‌آوردند.

كَذَلِكَ سَلَكْنَاهُ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ ﴿٢٠٠﴾ [آری،] این گونه آن [کفر و تکذیب] را در دل‌های گناهکاران جای دادیم.

لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ حَتَّىٰ يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ﴿٢٠١﴾ اما به آن ایمان نمی‌آورند تا آنگاه که عذاب دردناک را ببینند.

فَيَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٢٠٢﴾ ناگهان در حالی که بی‌خبرند، به سراغشان می‌آید.

فَيَقُولُوا هَلْ نَحْنُ مُنْظَرُونَ ﴿٢٠٣﴾ [در آن حال] می‌گویند: «آیا مهلتی [برای توبه] خواهیم داشت؟»

- أَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ ﴿٢٠٤﴾ آیا آنان عذاب ما را به شتاب خواستارند؟
- أَفَرَأَيْتَ إِنْ مَتَّعْنَاهُمْ سِنِينَ ﴿٢٠٥﴾ آیا دانستی که اگر آنان را سالها [از زندگی دنیا] بهره‌مند سازیم
- ثُمَّ جَاءَهُمْ مَا كَانُوا يُوعَدُونَ ﴿٢٠٦﴾ سپس آنچه که به آنان وعده داده شده است به سراغشان بیاید
- مَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يُمْتَعُونَ ﴿٢٠٧﴾ این بهره‌مندی‌شان [از دنیا، در هنگام عذاب] سودی برایشان نخواهد داشت؟
- وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا لَهَا مُنْذِرُونَ ﴿٢٠٨﴾ و ما [ساکنان] هیچ شهری را هلاک نکردیم مگر اینکه هشداردهنگانی [از پیامبران] داشتند.
- ذِكْرَىٰ وَمَا كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿٢٠٩﴾ تا آنان را پند دهند؛ و ما هرگز ستمکار نبوده‌ایم [که اتمام حجت نکنیم].
- وَمَا تَنْزَّلَتْ بِهِ الشَّيَاطِينُ ﴿٢١٠﴾ و این قرآن را شیاطین نازل نکرده‌اند.
- وَمَا يَتَّبِعِي لَهُمْ وَمَا يَسْتَطِيعُونَ ﴿٢١١﴾ آنان نه درخور این کارند و نه توانش را دارند.
- إِنَّهُمْ عَنِ السَّمْعِ لَمْعُزُولُونَ ﴿٢١٢﴾ بی‌تردید، آنان از شنیدن [وحی] منع شده‌اند.
- فَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتَكُونَ مِنَ الْمُعَذَّبِينَ ﴿٢١٣﴾ پس [ای پیامبر]، هیچ معبودی را با الله مخوان، که عذاب خواهی شد.

وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ ﴿٢١٤﴾ و خویشاوندان نزدیکت را [از عذاب الهی] بیم ده.

وَأَخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ ﴿٢١٥﴾ و با مؤمنانی که از تو پیروی کرده‌اند، مهربان [و فروتن] باش.

فَإِنْ عَصَوْكَ فَقُلْ إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٢١٦﴾ اگر از [فرمان] تو سرپیچی کردند، بگو: «به راستی، من از آنچه می‌کنید بیزارم».

وَتَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ ﴿٢١٧﴾ و بر [الله] شکست‌ناپذیر مهربان توکل کن.

الَّذِي يَرِنُّكَ حِينَ تَقُومُ ﴿٢١٨﴾ همان ذاتی که چون [برای عبادت] برمی‌خیزی، تو را می‌بیند.

وَتَقَلَّبَكَ فِي السَّجْدِينَ ﴿٢١٩﴾ و حرکت [و نشست و برخاست] تو را میان سجده‌کنندگان [می‌نگرد].

إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٢٢٠﴾ بی‌تردید، او همان شنوای داناست.

هَلْ أَنْبِئُكُمْ عَلَىٰ مَنْ تَنْزَلُ الشَّيَاطِينُ ﴿٢٢١﴾ آیا به شما خبر دهم که شیاطین بر چه کسی نازل می‌شوند؟

تَنْزَلُ عَلَىٰ كُلِّ آفَاكٍ أَثِيمٍ ﴿٢٢٢﴾ بر هر دروغ‌پرداز گنه‌پیشه نازل می‌شوند.

يُلْقُونَ السَّمْعَ وَأَكْثُرُهُمْ كَذِبُونَ ﴿٢٢٣﴾ آنان شنیده‌هایی را که دزدانه از ملکوت گوش داده‌اند، به جادوگران و فال‌گیران [القا می‌کنند و بیشتر آنان دروغگو هستند].

وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ ﴿٢٢٤﴾ و [محمد شاعر نیست؛ زیرا] شاعران را
گمراهان پیروی می کنند.

أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ ﴿٢٢٥﴾ آیا ندیدی که آنان در هر لغو و
بیهوده‌ای [حیران و] سرگشته‌اند؟

وَأَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ ﴿٢٢٦﴾ و چیزی را می‌گویند که [خود به آن
اعتقاد ندارند و] عمل نمی‌کنند؟

إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَانْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا ﴿٢٢٧﴾ مگر کسانی که ایمان آورده‌اند و
کارهای شایسته انجام داده‌اند و الله را بسیار یاد کرده‌اند و پس از آنکه ستم دیدند، انتقام
گرفتند [و با شعر خود از اسلام و رسول الله و مسلمانان دفاع نمودند]؛ و کسانی که ستم
کردند، به زودی خواهند دانست به چه بازگشتگاهی بازمی‌گردند.

سُورَةُ النَّملِ

سورة نمل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

طَسَّ تِلْكَ ءَايَاتُ الْقُرْآنِ (۱) طس [= طا. سین]. این، آیات قرآن و
وَكِتَابٍ مُّبِينٍ ﴿۱﴾
کتابی روشنگر است.

هُدًى وَبُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿۲﴾ (۲) [که] هدایت و بشارت برای مؤمنان است.

الَّذِينَ يُعِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ (۳) [همان] کسانی که نماز برپا می‌دارند و
الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ
زکات می‌پردازند و به آخرت یقین دارند.
يُوقِنُونَ ﴿۳﴾

إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ (۴) در حقیقت، کسانی که به آخرت ایمان
زَيَّنَّا لَهُمْ أَعْمَالَهُمْ فَهُمْ
نمی‌آورند، اعمال آنان را برایشان آراسته‌ایم؛
يَعْمَهُونَ ﴿۴﴾
پس [کوردل و] سرگشته‌اند.

أُولَئِكَ الَّذِينَ لَهُمْ سَوْءُ الْعَذَابِ (۵) آنان کسانی هستند که عذاب دردناک [در
وَهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمْ
پیش] دارند و در آخرت زیانکارترین [مردم]
الْأَخْسَرُونَ ﴿۵﴾
هستند.

وَإِنَّكَ لَتَلْقَى الْقُرْآنَ مِنْ لَدُنْ (۶) و [ای پیامبر،] یقیناً تو قرآن را از پیشگاه
حَكِيمٍ عَلِيمٍ ﴿۶﴾
[پروردگار] حکیم دانا دریافت می‌کنی.

إِذْ قَالَ مُوسَى لِأَهْلِهِ إِني

عَأَنْسْتُ نَارًا سَعَاتِيكُمْ مِّنْهَا
يُخَبِّرُ أَوْ عَاتِيكُمْ دِشَهَابٍ قَبَسٍ
لَّعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ ﴿٧﴾

گفت: «[بایستید؛] من آتشی [از دور] دیدم.
به زودی خبری از آن برایتان می آورم یا شعله
آتشی می آورم تا گرم شوید».

فَلَمَّا جَاءَهَا نُودِيَ أَنْ بُورِكَ مَنْ
فِي النَّارِ وَمَنْ حَوْلَهَا وَسُبْحَانَ
اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٨﴾

(۸) چون به آن [آتش] رسید، ندا داده شد که:
«مبارک [و خجسته] باد آن که در آتش است و
هر [فرشته‌ای] که پیرامون آن است؛ و پاک و
منزه است الله - پروردگار جهانیان -».

يَمُوسَىٰ إِنَّهُ أَنَا اللَّهُ الْعَزِيزُ
الْحَكِيمُ ﴿٩﴾

(۹) ای موسی، به راستی که منم الله
شکست‌ناپذیرِ حکیم.

وَأَلْقِ عَصَاكَ فَلَمَّا رَءَاهَا تَهْتَزُّ
كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّى مُدْبِرًا وَلَمْ
يُعَقِّبْ يَمُوسَىٰ لَا تَخَفْ إِنِّي لَا
يَخَافُ لَدَى الْمُرْسَلُونَ ﴿١٠﴾

(۱۰) و عصایت را بیفکن». چون [موسی] آن
را دید که همچون ماری [با سرعت] می‌خزد،
[از ترس] پشت کرد و گریخت و به پشت نگاه
نکرد. [ندا آمد که:] «ای موسی، نترس.
پیامبران در پیشگاه من هیچ ترسی ندارند».

إِلَّا مَنْ ظَلَمَ ثُمَّ بَدَّلْ حِسَابًا بَعْدَ
سُوءِ فَاثِنِي غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١١﴾

(۱۱) اما کسی که ستم کند، آنگاه [پس از
توبه،] بدی را به نیکی تبدیل نماید [بداند که]
بی‌تردید، من آمرزنده مهربانم.

وَأَدْخِلْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجْ
بَيَضَاءً مِنْ غَيْرِ سُوءٍ فِي تَسْعِ
عَائِلَتِ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَقَوْمِهِ ۖ إِنَّهُمْ
مُعْجَزَاتٌ نُّهْ گانه [که باید] به سوی فرعون و

(۱۲) و دستت را در گریبان‌ت فرو بر [تا] سپید
و بدون عیب [و بدون بیماری پیسی]
خارج شود. [این معجزه‌ای است] در زمره
معجزات نُه‌گانه

کَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ ﴿۱۲﴾ قومه [ببری؛ چرا که] بی‌تردید، آنان گروهی نافرمانند».

فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ آيَاتُنَا مُبْصِرَةً قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ ﴿۱۳﴾ اما وقتی آیات [و معجزات] ما روشن [و واضح] به سویشان آمد، گفتند: «این، جادویی آشکار است».

وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ ﴿۱۴﴾ و آنها را از روی ستم و سرکشی انکار کردند در حالی که دل‌هایشان به آنها یقین داشتند؛ پس بنگر که سرانجام مفسدان چگونه بود.

وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ ﴿۱۵﴾ و به راستی، به داود و سلیمان دانشی [عظیم] دادیم و آنان گفتند: «ستایش از آنِ الله است که ما را بر بسیاری از بندگان مؤمن خود برتری بخشید».

وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ وَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عُلِمْنَا مَنطِقَ الطَّيْرِ وَأُوتِينَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ ﴿۱۶﴾ و سلیمان از داود [علم و نبوت و پادشاهی را] میراث برد و گفت: «ای مردم، [فهم] زبان پرندگان به ما آموخته شده و از هر چیز به ما [بهره‌ای] داده‌اند. بی‌تردید، این فضلی آشکار [از جانب پروردگار] است».

وَحُشِرَ لِسُلَيْمَانَ جُنُودُهُ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ وَالطَّيْرِ فَهُمْ يُوزَعُونَ ﴿۱۷﴾ و سپاهیان سلیمان - از جن و انس و پرندگان - نزدش گرد آمدند؛ آنگاه منظم [و بی‌وسه] در کنار یکدیگر می‌رفتند.

(۱۸) [آنان به راه خود ادامه دادند] تا وقتی به سرزمین مورچگان [در شام] رسیدند. مورچه‌ای گفت: «ای مورچگان، به لانه‌های خود بروید تا سلیمان و لشکریانش شما را [ندیده و] ندانسته پایمال نکنند».

يَشْعُرُونَ ﴿١٨﴾

(۱۹) [سلیمان] از سخن آن [مورچه] خندید و گفت: «پروردگارا، به من توفیق بده تا شکر نعمتی را که بر من و بر پدر و مادرم ارزانی داشته‌ای به جای آورم و [یاری‌ام کن تا] کاری شایسته انجام دهم که مایه رضایت گردد و به رحمت خویش مرا در جمع بندگان شایسته‌ات وارد کن».

الصَّالِحِينَ ﴿١٩﴾

(۲۰) و [سلیمان، حال] پرنندگان را جويا شد و گفت: «چه شده است که هدهد را نمی‌بینم؟ [آیا جایی پنهان شده] یا غایب است؟

وَتَقَفَّذَ الطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَا أَرَى الْهُدُودَ أَمْ كَانَتْ مِنَ الْغَائِبِينَ ﴿٢٠﴾

(۲۱) [چون او را نیافت گفت:] قطعاً او را به سختی مجازات می‌کنم یا سرش را می‌برم، مگر اینکه دلیل روشنی [برای غیبتش] بیاورد».

لَأُعَذِّبَنَّهُ عَذَابًا شَدِيدًا أَوْ لَأَذْبَحَنَّهُ أَوْ لَيَأْتِيَنِي بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ ﴿٢١﴾

(۲۲) دیری نپایید [که هدهد آمد] و گفت: «از چیزی آگاهی یافته‌ام که تو به آن آگاهی نیافته‌ای و از [سرزمین] سبأ خبری موثق برایت آورده‌ام.

فَمَكَثَ غَيْرَ بَعِيدٍ فَقَالَ أَحَطْتُ بِمَا لَمْ نَحِطْ بِهِ وَجِئْتُكَ مِنْ سَبَإٍ بِنَبَأٍ يَقِينٍ ﴿٢٢﴾

إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ ﴿٢٣﴾

(۲۳) من [آنجا] زنی را یافته‌ام که بر آنان فرمانروایی می‌کند و [به او] از هر گونه نعمتی داده‌اند و تخت بزرگی دارد.

وَجَدْتَهَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَلَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ ﴿٢٤﴾

(۲۴) او و قومش را دیدم که به جای الله، برای خورشید سجده می‌کنند، و شیطان کارهای [باطل و شرک] آنان را برایشان آراسته و آنان را از راه [راست] بازداشته است؛ از این رو هدایت نمی‌شوند».

أَلَّا يَسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي يُخْرِجُ الْخَبَاءَ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُخْفُونَ وَمَا تُعْلِنُونَ ﴿٢٥﴾

(۲۵) [شیطان فریبشان داده است] تا برای الله سجده نکنند؛ [همان معبودی] که نهان آسمان‌ها و زمین را آشکار می‌کند و آنچه را که پنهان می‌کنید و آشکار می‌سازید، [همه را] می‌داند.

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ﴿٢٦﴾

(۲۶) الله، که هیچ معبودی [به‌حق] جز او نیست، پروردگار عرش بزرگ است.

قَالَ سَنَنْظُرُ أَصَدَقْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْكَاذِبِينَ ﴿٢٧﴾

(۲۷) [سلیمان] گفت: «خواهیم دید که آیا راست گفته‌ای یا دروغگویی».

أَذْهَبَ بِكِتَابِي هَذَا فَأَلْفَيْهِ إِلَيْهِمْ ثُمَّ تَوَلَّى عَنْهُمْ فَانظُرْ مَاذَا يَرْجِعُونَ ﴿٢٨﴾

(۲۸) این نامه مرا ببر و به سوی آنان بیفکن؛ آنگاه دور شو و [در گوشه‌ای بایست و] بنگر که [درباره آن] چه می‌گویند».

قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُوٓا۟ إِنِّيٓ أُلْقِيْتُ إِلَيْكَ
كِتَابَ كَرِيمٍ ﴿٢٩﴾

ارجمندی به سوی من افکنده شده است.

إِنَّهُ مِن سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ
الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿٣٠﴾

چنین است: "به نام الله بخشنده مهربان.

أَلَّا تَعْلَمُوٓا۟ عَلَيَّ وَأُتُونِي
مُسْلِمِينَ ﴿٣١﴾

(۳۱) بر من برتری مجوید و در حالی که [از شرک دست برداشته و] تسلیم [حق و توحید] شده‌اید، نزد من بیایید".

قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُوٓا۟ أَفْتُونِي فِي
أَمْرِي مَا كُنْتُ قَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّىٰ
تَشْهَدُونَ ﴿٣٢﴾

(۳۲) [ملکه] گفت: «ای بزرگان، نظرتان را در این مورد بگوید؛ [چرا که] من هرگز بدون حضور [و مشورت] شما درباره کاری تصمیم نگرفته‌ام».

قَالُوا نَحْنُ أَوْلُوٓا۟ قُوَّةٍ وَأُولُوٓا۟ بِأَسْ
شَدِيدٍ وَالْأَمْرُ إِلَيْكِ فَانظُرِي
مَاذَا تَأْمُرِينَ ﴿٣٣﴾

(۳۳) آنان گفتند: «ما نیروی بسیار و جنگجویان قدرتمندی داریم؛ ولی اختیار [و تصمیم نهایی] با توست؛ پس بررسی کن که چه دستوری بدهی».

قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً
أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعْرَٰةَ أَهْلِهَا
أَذِلَّةً ۚ وَكَذٰلِكَ يَفْعَلُونَ ﴿٣٤﴾

(۳۴) [ملکه] گفت: «بی تردید، وقتی پادشاهان [به عنوان فاتح] وارد شهری می‌شوند، آن را ویران [و تباه] می‌سازند و بزرگانش را خوار و ذلیل می‌کنند و رفتارشان همواره چنین بوده است.

وَإِنِّي مُرْسِلَةٌ إِلَيْهِمْ بِهَدِيَّةٍ فَنَاظِرَةٌ ﴿٣٥﴾ و من هدیه‌ای برایشان می‌فرستم و

بِمَ يَرْجِعُ الْمُرْسَلُونَ ﴿۳۵﴾

منتظر می‌مانم تا ببینم فرستادگان چه پاسخی
[برایم] می‌آورند».

فَلَمَّا جَاءَ سُلَيْمَانَ قَالَ أَتُمِدُّونَنِ
بِمَالٍ فَمَا آتَيْنِيَ اللَّهُ خَيْرٌ مِّمَّا
ءَاتَاكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بِهَدْيَتِكُمْ
تَفْرَحُونَ ﴿۳۶﴾

(۳۶) هنگامی که [فرستادهٔ ملکه] نزد سلیمان
آمد، [سلیمان] گفت: «آیا [می‌خواهید] با مال
[و ثروت] به من کمک کنید؟ آنچه الله [از
پیامبری و دانش و فرمانروایی] به من بخشیده،
از آن چیزی که به شما عطا کرده بهتر است؛
بلکه شما باید که به هدیهٔ خویش [و ثروت‌های
دنیا] شادمان می‌شوید.

أَرْجِعْ إِلَيْهِمْ فَلَنَأْتِيَنَّهُمْ بِجُنُودٍ لَّا
قَبْلَ لَهُمْ بِهَا وَنُخْرِجَنَّهُمْ مِّنْهَا
أَدَلَّةً وَهُمْ صَاغِرُونَ ﴿۳۷﴾

(۳۷) نزد آنان بازگرد [و بگو که] قطعاً با
لشکریانی به سویشان خواهیم آمد که توان
مقابله با آن را نداشته باشند و بی‌تردید، آنان را
از آن [سرزمین] با خفت و خواری بیرون
می‌کنیم».

قَالَ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُوْاْ أَيْكُمُ الْيَأْنِي
بِعَرْشِهَا قَبْلَ أَنْ يَأْتُونِي
مُسْلِمِينَ ﴿۳۸﴾

(۳۸) [آنگاه] گفت: «ای بزرگان، کدامیک از
شما - پیش از آنکه آنان تسلیم‌شده نزد من
بیایند - تخت او را برایم می‌آورد؟»

قَالَ عِفْرِيتٌ مِّنَ الْجِنِّ أَنَا
ءَاتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِن
مَّقَامِكَ ۗ وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ
أَمِينٌ ﴿۳۹﴾

(۳۹) یکی از جنیان تنومند گفت: «پیش از
آنکه از جای برخیزی، من آن را نزدت می‌آورم
و قطعاً بر انجام این کار، نیرومند و امینم».

قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِّنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رَآهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِن فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ وَمَن شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّيَ عَنِّي كَرِيمٌ ﴿۴۰﴾

(۴۰) کسی که دانشی از کتاب [الهی] داشت گفت: «پیش از آنکه چشم بر هم بزنی، آن را برایت می‌آورم». وقتی [سلیمان] آن [تخت] را نزد خود مستقر دید، گفت: «این از فضل پروردگار من است تا مرا بیازماید که آیا سپاس می‌گزارم یا ناسپاسی می‌کنم؛ پس هر کس سپاس گزارد، تنها به سود خویش سپاس می‌گزارد و هر کس ناسپاسی کند، [به زیان خود ناسپاسی کرده است؛ چرا که] بی‌تردید، پروردگارم بی‌نیاز کریم است».

قَالَ نَكِّرُوا لَهَا عَرْشَهَا نَنْظُرْ أَتَهْتَدِي أَمْ تَكُونُ مِنَ الَّذِينَ لَا يَهْتَدُونَ ﴿۴۱﴾

(۴۱) [سلیمان] گفت: «تختش را [تغییر شکل دهید و] برایش ناشناس کنید تا ببینیم آیا [آن را] تشخیص می‌دهد یا از کسانی است که [اشیا و اموال خود را] نمی‌شناسند».

فَلَمَّا جَاءَتْ قِيلَ أَهَكَذَا عَرْشُكِ قَالَتْ كَأَنَّهُ هُوَ وَأُوتِينَا الْعِلْمَ مِن قَبْلِهَا وَكُنَّا مُسْلِمِينَ ﴿۴۲﴾

(۴۲) هنگامی که [ملکه سبأ] آمد، [به او] گفته شد: «آیا تخت تو این گونه است؟» [ملکه] گفت: «گویی همان است» و [سلیمان گفت: «این دانش [و توانایی] پیش از این به ما داده شده است و همواره فرمانبردار بوده‌ایم»».

وَصَدَّهَا مَا كَانَتْ تَعْبُدُ مِن دُونِ اللَّهِ إِنَّهَا كَانَتْ مِن قَوْمِ كَافِرِينَ ﴿۴۳﴾

(۴۳) و آنچه [به تقلید از قومش] به جای الله عبادت می‌کرد، او را [از ایمان و توحید] بازداشته بود. بی‌تردید، او [= ملکه] از جمله کافران بود.

قِيلَ لَهَا ادْخِي الصَّرحَ ۗ فَلَمَّا رَأَتْهُ حَسِبَتْهُ لُجَّةً وَكَشَفَتْ عَن سَاقِيهَا ۗ قَالَ إِنَّهُ صَرْحٌ مُّمَرَّدٌ مِّن قَوَارِيرَ ۗ قَالَتْ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَأَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٤٤﴾

(۴۴) به وی گفته شد: «به صحن [قصر] وارد شو». هنگامی که آن را دید، پنداشت که حوضی است و دو ساق [پای] خویش را برهنه کرد [تا از آب بگذرد. سلیمان] گفت: «این [آب نیست؛ بلکه] کاخی است که با [قطعات] بلور فرش شده است». [آنگاه او را به توحید دعوت داد. ملکه سبأ] گفت: «پروردگارا، من به خود ستم کرده‌ام و [اینک] همراه سلیمان، تسلیم الله - پروردگار جهانیان - شدم».

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ ۗ فَإِذَا هُمْ فَرِيقَانِ يَخْتَصِمُونَ ﴿٤٥﴾

(۴۵) و به سوی قوم ثمود، برادرشان صالح را فرستادیم که [بگوید: «الله یگانه را عبادت کنید»؛ ولی آنان به دو گروه [مؤمن و کافر] تقسیم شدند و به ستیز پرداختند.

قَالَ يَاقَوْمِ لِمَ تَسْتَعْجِلُونَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ ۗ لَوْلَا تَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿٤٦﴾

(۴۶) [صالح] گفت: «ای قوم من، چرا به جای رحمت، شتابزده خواهان عذاب الهی هستید؟ چرا از الله آمرزش نمی‌خواهید؟ باشد که مورد رحمت قرار گیرید».

قَالُوا أَطَّيَّرْنَا بِكَ وَبِمَن مَّعَكَ ۗ قَالَ طَبَّرِكُمْ عِنْدَ اللَّهِ ۗ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تُفْتَنُونَ ﴿٤٧﴾

(۴۷) آنان گفتند: «ما تو و کسانی را که همراهت هستند به فال بد گرفته‌ایم». [صالح] گفت: «فالِ بد شما [و دانشِ آن] نزد الله است؛ بلکه شما گروهی هستید که آزمایش می‌شوید».

وَكَانَ فِي الْمَدِينَةِ بَعْضُهُ رَهْطٍ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ ﴿٤٨﴾
 و در شهر [حجر] نه نفر [سردسته گروه] بودند که در آن سرزمین به فساد می پرداختند و [هیچ] کار شایسته ای نمی کردند.

قَالُوا تَقَاسَمُوا بِاللَّهِ لَنُبَيِّتَنَّهُ وَأَهْلَهُ ثُمَّ لَنَقُولَنَّ لِوَلِيِّهِ مَا شَهِدْنَا مَهْلِكَ أَهْلِهِ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ ﴿٤٩﴾
 (۴۹) [آنان به یکدیگر] گفتند: «برای همدیگر به الله سوگند یاد کنید که بر او [= صالح] و خانواده اش شبیخون بزنیم [و آنان را بکشیم]؛ آنگاه به خونخواهش بگوییم: "ما هنگام کشتار خانواده اش حاضر نبودیم و قطعاً راست می گوییم"».

وَمَكْرُوا مَكْرًا وَمَكْرَنَا مَكْرًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٥٠﴾
 (۵۰) آنان [برای قتل صالح و پیروانش] نیرنگی به کار بردند و ما [نیز برای نابودی کافران] نیرنگی اندیشیدیم؛ در حالی که آنان نمی دانستند.

فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ مَكْرِهِمْ أَنَا دَمَرْنَاهُمْ وَقَوْمَهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٥١﴾
 (۵۱) بنگر عاقبت نیرنگشان چه شد: ما همه آن افراد و قومشان را نابود کردیم.

فَتِلْكَ بُيُوتُهُمْ خَاوِيَةٌ بِمَا ظَلَمُوا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿٥٢﴾
 (۵۲) اینک خانه هایشان به سزای ستمی که کردند [ویران و] تهی مانده است. بی گمان، در این [کیفر،] برای کسانی که می دانند [و ایمان دارند] نشانه ای [برای عبرت گرفتن] است.

وَأَحْيَيْنَا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ ﴿٥٣﴾
 (۵۳) و کسانی را که ایمان آورده و پرهیزگار بودند، [همراه صالح] نجات دادیم.

وَلَوْطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ
 الْفَلْحِشَةَ وَأَنْتُمْ تُبْصِرُونَ ﴿٥٤﴾
 گفت: «با آنکه [زشتی و گناه لواط را] می‌دانید، آیا [باز هم] مرتکب این عمل بی‌شرمانه می‌شوید؟

أَنْبِئْكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِّنْ
 دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ
 تَجْهَلُونَ ﴿٥٥﴾
 (۵۵) آیا از روی شهوت، به جای زنان، با مردان درمی‌آمیزید؟ بلکه شما گروهی نادانید».

فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ
 قَالُوا أَخْرِجُوا آلَ لُوطٍ مِّنْ
 قَرْيَتِكُمْ إِنَّهُمْ أَنَاسٌ
 يَّتَطَهَّرُونَ ﴿٥٦﴾
 (۵۶) اما پاسخ قومش جز این نبود که [به یکدیگر] گفتند: «خانواده لوط را از شهر خود بیرون کنید [چرا که] بی‌تردید، اینها افرادی پاکدامن [و مقدس‌مآب] هستند».

فَأَنْجَيْنَاهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ
 قَدَرْنَاهَا مِنَ الْغَابِرِينَ ﴿٥٧﴾
 (۵۷) آنگاه او و خانواده‌اش را نجات دادیم؛ مگر همسرش را که مقدر کردیم از بازماندگان [در عذاب] باشد.

وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَسَاءَ
 مَطَرُ الْمُنْذَرِينَ ﴿٥٨﴾
 (۵۸) و بارانی [از سنگ] بر آنان بارانیدیم؛ و باران بیم‌داده‌شدگان چه بد بود!

قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ
 الَّذِينَ اصْطَفَىٰ ؕ اللَّهُ خَيْرٌ مَّا
 يُشْرِكُونَ ﴿٥٩﴾
 (۵۹) بگو: «ستایش و سپاس از آن‌الله است و سلام بر بندگان‌ش که [آنان را] برگزیده است». آیا الله بهتر است یا آنچه [با او] شریک می‌سازند؟

۶۰) [آیا معبودان شما بهترند] یا ذاتی که آسمان‌ها و زمین را آفرید و آبی از آسمان برایتان نازل کرد و با آن باران، بوستان‌هایی خرم [و زیبا] رویاندیم که هرگز توان رویاندن درختانش را نداشتید؟ آیا معبود دیگری با الله است؟ [هرگز؟] بلکه آنان مردم منحرف هستند که مخلوقات را هم طرازِ الله قرار می‌دهند].

وَأَمَّنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ مَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُنْبِتُوا شَجَرَهَا ۗ أَلَيْسَ مَعَ اللَّهِ بَلٌّ لِّهَمُّ قَوْمٍ يَّعِدُّونَ ﴿٦٠﴾

۶۱) [آیا معبودان شما بهترند] یا ذاتی که زمین را قرارگاه [امنی] ساخت و جویبارهایی میان آن جاری ساخت و کوه‌هایی [استوار] برایش پدید آورد و میان دو دریا مانعی قرار داد [تا آب شور و شیرین با هم نیامیزند]؟ آیا معبود دیگری با الله وجود دارد؟ [هرگز؟] اما بیشتر آنان نمی‌دانند.

وَأَمَّنْ جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا وَجَعَلَ خِلَالَهَا أَنْهَارًا وَجَعَلَ لَهَا رَوَاسِيَ وَجَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حَاجِزًا ۗ أَلَيْسَ مَعَ اللَّهِ بَلٌّ لِّكَثْرِهِمْ لَا يَّعْلَمُونَ ﴿٦١﴾

۶۲) [آیا معبودان شما بهترند] یا ذاتی که [دعای] درمانده را - وقتی او را بخواند - اجابت می‌کند و گرفتاری را برطرف می‌سازد و شما را جانشینان [پیشینیان در] زمین قرار می‌دهد؟ آیا معبود دیگری با الله وجود دارد؟ چه اندک پند می‌گیرید!

وَأَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ ۗ أَلَيْسَ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَا تَدَّكَّرُونَ ﴿٦٢﴾

۶۳) [آیا معبودان شما بهترند] یا ذاتی که شما را در تاریکی‌های بیابان و دریا [به وسیله ماه و ستارگان] هدایت می‌کند و آن ذاتی که پیش از

وَأَمَّنْ يَهْدِيكُمْ فِي ظُلُمَاتِ اللَّيْلِ وَالْبَحْرِ وَمَنْ يُرْسِلُ الرِّيَّحَ بُشْرًا

بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ ۗ أَلَيْسَ مَعَ اللَّهِ تَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٦٣﴾

[باران] رحمتش، باده‌ها را به مزده می‌فرستد؟ آیا معبود دیگری با الله وجود دارد؟ الله از چیزهایی که [برایش] شریک قرار می‌دهند برتر است.

أَمَّنْ يَبْدُوهُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ ۖ وَمَنْ يَرْزُقُكُمْ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ ۗ أَلَيْسَ مَعَ اللَّهِ قُلُ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٦٤﴾

(۶۴) [آیا معبودان شما بهترند] یا ذاتی که آفرینش را آغاز کرد و سپس آن را بازمی‌گرداند و [یا] آن ذاتی که از آسمان و زمین به شما روزی می‌دهد؟ آیا معبود دیگری با الله وجود دارد؟ بگو: «اگر راستگویید، دلیلتان را بیاورید».

قُلْ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ ﴿٦٥﴾

(۶۵) بگو: «کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند از غیب آگاه نیستند، مگر الله؛ و نمی‌دانند چه زمانی برانگیخته می‌شوند».

بَلِ أَدْرَاكَ عِلْمُهُمْ فِي الْآخِرَةِ ۗ بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِّنْهَا ۗ بَلْ هُمْ مِّنْهَا عَمُونَ ﴿٦٦﴾

(۶۶) آیا علمشان درباره آخرت به کمال رسیده است [و درباره آن یقین دارند؟ هرگز]؛ بلکه آنان در این مورد، در شک [و حیرانی] هستند؛ بلکه آنان نسبت به [فهم] آن [بی‌بصیرت و] کوردلند.

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَإِذَا كُنَّا تُرَابًا وَعَآبَاؤُنَا أَنِينًا لُمَجْرُونَ ﴿٦٧﴾

(۶۷) و کسانی که کفر ورزیدند گفتند: «آیا هنگامی که ما و پدرانمان خاک شدیم، ما را [زنده می‌کنند و از گور] بیرون می‌آورند؟

لَقَدْ وَعَدْنَا هَذَا نَحْنُ وَعَآبَاؤُنَا

(۶۸) در حقیقت، این را به ما و پیش از این

مِنْ قَبْلُ إِنَّ هَذَا إِلَّا أَسْطِيرٌ الْأَوَّلِينَ ﴿٦٨﴾
 به پدرانمان [نیز] وعده داده‌اند. این [سخن، چیزی] نیست، مگر افسانه‌های [خیالی] پیشینیان».

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ ﴿٦٩﴾
 (ای پیامبر، به کافران] بگو: «در زمین بگردید و بنگرید که سرانجام گناهکاران چگونه بوده است».

وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُنْ فِي ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ ﴿٧٠﴾
 و از [رویکردانی] آنان غمگین نباش و از نیرنگ‌هایی که می‌ورزند، دلتنگ نشو.

وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٧١﴾
 و [کافران] می‌گویند: «اگر راستگوئید، این وعده [عذاب] کی خواهد بود؟»

قُلْ عَسَى أَنْ يَكُونَ رَدْفَ لَكُمْ بَعْضُ الَّذِي تَسْتَعْجِلُونَ ﴿٧٢﴾
 (بگو: «چه بسا برخی از آنچه به شتاب می‌خواهید، به شما نزدیک باشد».)

وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَئِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ ﴿٧٣﴾
 و بی‌گمان، پروردگارت نسبت به مردم بخشش [و رحمت] دارد؛ ولی بیشتر آنان سپاس نمی‌گزارند.

وَإِنَّ رَبَّكَ لَيَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ ﴿٧٤﴾
 و بی‌تردید، پروردگارت آنچه را در سینه‌هایشان پنهان می‌کنند و آنچه را آشکار می‌سازند، به خوبی می‌داند.

وَمَا مِنْ غَائِبَةٍ فِي السَّمَاءِ (٧٥) و هیچ پنهانی در آسمان و زمین نیست،

وَالْأَرْضِ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ ﴿٧٥﴾ مگر آنکه در کتابی روشن [= لوح محفوظ] ثبت است.

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَفُصُّ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَكْثَرَ الَّذِي هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿٧٦﴾ (۷۶) بی‌گمان، این قرآن بیشتر آنچه را بنی‌اسرائیل درباره‌اش اختلاف دارند، برایشان بیان می‌کند.

وَإِنَّهُ لَلْمُؤْمِنِينَ لَهْدًى وَرَحْمَةً ﴿٧٧﴾ (۷۷) و حقا که رهنمود و رحمتی برای مؤمنان است.

إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُم بِحُكْمِهِ ۗ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ ﴿٧٨﴾ (۷۸) مسلماً پروردگارت [در قیامت] به حکم خویش در میان آنان داوری می‌کند و او شکست‌ناپذیر داناست.

فَتَوَكَّلْ عَلَىٰ اللَّهِ ۗ إِنَّكَ عَلَىٰ الْحَقِّ الْمُبِينِ ﴿٧٩﴾ (۷۹) پس بر الله توکل کن. به راستی که تو بر حقیقتی آشکار هستی.

إِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَىٰ وَلَا تَسْمَعُ الصُّمَّ الدُّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ ﴿٨٠﴾ (۸۰) و تو هرگز نمی‌توانی مرده‌دلان را شنوا سازی و [ندای] دعوت [حق را] را به گوش کران برسانی؛ آنگاه که آنان پشت می‌کنند و روی می‌گردانند.

وَمَا أَنْتَ بِهَادِي الْعُمَىٰ عَن صَلَاتِهِمْ ۗ إِنَّ تَسْمَعُ إِلَّا مَن يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ ﴿٨١﴾ (۸۱) و تو نمی‌توانی کوردلان را از گمراهی‌شان [بازگردانی و] هدایت کنی. تو [می‌توانی پیام حق را تنها] به گوش کسانی برسانی که به آیات ما ایمان دارند و [در برابر حق،] تسلیمند.

﴿وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ﴾ (۸۲) و آنگاه که [در آستانه قیامت،] فرمان [عذاب] بر آنان واجب گردد، جنبنده‌ای را برایشان از زمین بیرون می‌آوریم که با آنان [در این مورد] سخن بگوید که مردم به آیات ما یقین نداشتند.

﴿وَيَوْمَ نَخْشِرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِّمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ﴾ (۸۳) و [یاد کن از] روزی که از هر امتی، گروهی از آنان که آیات ما را دروغ می‌انگاشتند جمع می‌کنیم؛ آنگاه [برای حسابرسی، به صف] نگاه داشته می‌شوند.

﴿حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُ قَالَ أَكَذَّبْتُم بِآيَاتِي وَلَمْ تُحِطُوا بِهَا عِلْمًا أَمْ آدَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ (۸۴) تا هنگامی که [به جایگاه حسابرسی] برسند؛ [در آنجا الله] می‌فرماید: «آیا در حالی که نسبت به [حقیقت] آیاتم دانشی نداشتید، آنها را دروغ می‌انگاشتید؟ یا [بگویید که] چه کاری می‌کردید؟»

﴿وَوَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ بِمَا ظَلَمُوا فَهُمْ لَا يَنْطِقُونَ﴾ (۸۵) و به خاطر ستمی که مرتکب شدند، فرمان [عذاب] بر آنان واقع می‌گردد و هیچ سخنی [در دفاع از خود] نمی‌گویند.

﴿أَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا آلَ لَيْسَ كُنُوءًا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾ (۸۶) آیا ندیدند که شب را پدید آورده‌ایم تا در آن آرامش یابند و روز را روشنی‌بخش [ساخته‌ایم تا به کار و تلاش پردازند]؟ بی‌تردید، در این [آفرینش،] برای کسانی که ایمان می‌آورند، نشانه‌هایی [روشن از قدرتِ الله] است.

(۸۷) و [یاد کن از] روزی که در صور دمیده می‌شود و هر کس در آسمان‌ها و زمین است وحشت می‌کند، مگر آن کس که الله بخواهد؛ و همگی با خواری [و ذلت] به پیشگاه الله می‌آیند. ﴿۸۷﴾

(۸۸) و کوه‌ها را می‌بینی [و] آنها را بی‌حرکت می‌پنداری؛ حال آنکه مانند گذر ابرها در حرکتند. این، آفرینش الهی است که هر چیزی را محکم [و استوار] پدید آورده است. بی‌تردید، او به آنچه می‌کنید آگاه است. ﴿۸۸﴾

(۸۹) هر کس [در روز قیامت] نیکی بیاورد، [پاداشی] بهتر از آن خواهد داشت و از وحشت آن روز در امانند. ﴿۸۹﴾

(۹۰) و هر کس بدی بیاورد، با صورت در آتش [دوزخ] نگونسار می‌شوند [و به آنان گفته می‌شود:] «آیا جز در برابر آنچه کرده‌اید مجازات می‌شوید؟» ﴿۹۰﴾

(۹۱) [ای پیامبر، به کافران بگو:] «من فقط مأمورم که پروردگار این شهر [= مکه] را عبادت کنم؛ همان ذاتی که به اینجا حرمت بخشیده و همه چیز از آن اوست؛ و مأمورم که تسلیم [فرمانش] باشم. ﴿۹۱﴾

وَيَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَفَزِعَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ وَكُلُّ أَتَوْهُ دَاخِرِينَ ﴿۸۷﴾

وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ صُنِعَ اللَّهُ الَّذِي أَتَقَنَ كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿۸۸﴾

مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِمَّا يَحْسَبُ وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكُبَّتْ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿۹۰﴾

إِنَّمَا أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ رَبَّ هَذِهِ الْبَلَدِ الَّذِي حَرَّمَهَا وَلَهُ كُلُّ شَيْءٍ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿۹۱﴾

وَأَنْ أَتْلُوهُ الْقُرْآنَ ۗ فَمَنْ أَهْتَدَىٰ
فَأَتَمَّا يَهْتَدَىٰ لِنَفْسِهِ ۗ وَمَنْ ضَلَّ
فَقُلْ إِنَّمَا أَنَا مِنَ الْمُنذِرِينَ ﴿٩٢﴾
و اینکه قرآن را تلاوت کنم؛ پس هر کس
هدایت شود، به سود خویش هدایت یافته است،
و [به] هر کس که گمراه می‌گردد بگو: «من
فقط بیم‌دهنده‌ام».

وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ سَيُرِيكُمْ
آيَاتِهِ ۗ فَتَعْرِفُونَهَا ۗ وَمَا رَبُّكَ
بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٩٣﴾
و بگو: «ستایش از آنِ الله است. به زودی
نشانه‌های [قدرت] خویش را به شما نشان
خواهد داد و آنها را خواهید شناخت»؛ و
پروردگارت از آنچه می‌کنید غافل نیست.

سُورَةُ الْقَصَصِ

سورة قصص

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

طسّم ﴿۱﴾

(۱) طسم [= طا. سین. میم].

تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ ﴿۲﴾

(۲) این آیات کتاب روشنگر است.

نَتْلُوْا عَلَيْكَ مِنْ نَّبَاِ مُوسَىٰ
وَفِرْعَوْنَ بِالْحَقِّ لِقَوْمٍ
يُؤْمِنُوْنَ ﴿۳﴾

(۳) [بخش‌هایی] از داستان موسی و فرعون را
برای کسانی که ایمان آورده‌اند، به درستی بر
تو تلاوت می‌کنیم.

إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ
وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ
طَائِفَةً مِّنْهُمْ يَدِّخُ أبنَاءَهُمْ
وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ
الْمُفْسِدِينَ ﴿۴﴾

(۴) بی‌تردید، فرعون در سرزمین [مصر]
برتری‌خواهی کرد و مردمش را به گروه‌هایی
تقسیم نمود؛ گروهی از آنان را به ناتوانی [و
خواری] می‌کشاند [چنان‌که] پسرانشان را
می‌کشت و زنانشان را [برای کنیزی] زنده نگه
می‌داشت. به راستی که او از تبه‌کاران بود.

وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ
أَسْتَضِعُّوْا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ
أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ ﴿۵﴾

(۵) و می‌خواستیم بر بنی‌اسرائیل، که در آن
سرزمین به ناتوانی کشیده شده بودند، [با نابود
کردن دشمنشان] منت بگذاریم و آنان را
پیشوایان [مردم] قرار دهیم و [پس از نابودی
فرعون] وارثان [سرزمین شام] نماییم.

وَنُمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِي

(۶) و در آن سرزمین به آنان قدرت و تمکین

فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ ﴿٦﴾
 بخشیم و [از طرفی] به فرعون و [وزیرش] هامان و سپاهیانشان، آنچه [= سقوط حکومتشان] را که همواره از جانب آنان [=بنی اسرائیل] می ترسیدند، نشان دهیم.

وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ فَإِذَا خَفَتْ عَلَيْهِ فَأَلْقِيهِ فِي الْيَمِّ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكَ وَجَاعَلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿٧﴾
 (۷) و به مادر موسی الهام کردیم که: «او را شیر بده و هنگامی که [از آسیب فرعونیان] بر او ترسیدی، او را [در جعبه‌ای بگذار و] به رود [نیل] بینداز و نترس و اندوهگین نشو [زیرا] قطعاً او را به تو بازمی گردانیم و از پیامبران قرار می دهیم».

فَأَلْقَتْهُ وَّاءَالٍ فِرْعَوْنَ لِيَكُونَ لَهُمْ عَدُوًّا وَحَزَنًا إِنَّ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا كَانُوا خَاطِئِينَ ﴿٨﴾
 (۸) [پس از اینکه مادر موسی چنین کرد،] خاندان فرعون او را [از آب] گرفتند، تا سرانجام [سال‌ها بعد، این فرزند بنی اسرائیل] دشمن و [مایه] اندوهشان گردد. به راستی که فرعون و هامان و سپاهیانشان گناهکار بودند.

وَقَالَتِ امْرَأَتُ فِرْعَوْنَ قُرَّتُ عَيْنِي لِي وَلَكَ لَا تَقْتُلُوهُ عَسَىٰ أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٩﴾
 (۹) و [چون فرعون دستور قتل موسی را داد، آسیه] همسر فرعون گفت: «[این پسر] نور چشم [و مایه خوشحالی] من و توست. او را نکشید؛ چه بسا سودی به ما ببخشد یا او را به فرزندی بگیریم»؛ حال آنکه [عاقبت کار را] نمی دانستند.

وَأَصْبَحَ فُؤَادُ أُمِّ مُوسَىٰ فَارِعًا إِنَّ پسرش [تهی گشت و اگر قلبش را مطمئن

نکرده بودیم که [به وعده ما] ایمان داشته باشد، نزدیک بود آن [راز] را فاش کند [و آشکارا بگوید که آن نوزاد، پسر اوست].

كَادَتْ لَتُبْدِي بِهِ لَوْلَا أَن رَّبَطْنَا
عَلَىٰ قَلْبِهَا لِتَكُونَ مِنَ
الْمُؤْمِنِينَ ﴿۱۰﴾

(۱۱) و [مادر موسی پس از آنکه او را در نیل رها کرد] به خواهر او گفت: «به دنبالش برو»؛ [خواهرش] از دور به او می‌نگریست، در حالی که آنان نمی‌دانستند [که آن دختر، خواهر این کودک است].

وَقَالَتْ لِأُخْتِهِ قُصِّيهِ ۖ فَبَصَّرَتْ
بِهِ عَنِ جُنُبٍ ۖ وَهُمْ لَا
يَشْعُرُونَ ﴿۱۱﴾

(۱۲) و ما [شیر] همه زنان شیرده را از قبل بر او حرام کردیم [چنان که سینه هیچ یک را نپذیرفت]. آنگاه [خواهرش] گفت: «می‌خواهید خانواده‌ای را به شما نشان دهم که او را برایتان سرپرستی کنند و خیرخواهش باشند؟»

وَوَحَرَّمْنَا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ مِن
قَبْلُ فَقَالَتْ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ
أَهْلِ بَيْتٍ يَكْفُلُونَهُ لَكُمْ
وَهُمْ لَهُمْ نَاصِحُونَ ﴿۱۲﴾

(۱۳) [آنان پذیرفتند و به این صورت،] او را به مادرش بازگردانیم تا چشمش [به او] روشن گردد و غمگین نباشد و بداند که وعده الله حق است؛ ولی بیشتر آنان نمی‌دانند.

فَرَدَدْنَاهُ إِلَىٰ أُمِّهِ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا
وَلَا تَحْزَنَ ۚ وَلِتَعْلَمَ أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ
حَقٌّ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا
يَعْلَمُونَ ﴿۱۳﴾

(۱۴) و چون موسی به رشد و کمال خویش رسید و برومند شد، به او حکمت و دانش [آیین بنی اسرائیل را] عطا کردیم و نیکوکاران را اینچنین پاداش می‌دهیم.

وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَاسْتَوَىٰ ءَاتَيْنَاهُ
حُكْمًا وَعِلْمًا ۚ وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي
الْمُحْسِنِينَ ﴿۱۴﴾

(۱۵) هنگامی که مردم [مشغول استراحت و] بی‌خبر بودند، موسی [مخفیانه] وارد شهر شد و دو مرد را دید که با یکدیگر درگیر شده‌اند. یکی از آنان از قوم موسی [=بنی‌اسرائیل] بود و دیگری [قبطی بود و] از دشمنانش. کسی که از قوم او بود، علیه دشمنش از موسی یاری خواست؛ [موسی] مشت [محکمی] به وی زد و او را از پای درآورد [آنگاه] گفت: «این کار شیطان بود. حقا که او دشمن [انسان و] گمراه‌کننده آشکاری است.»

قَالَ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي فَغَفَرَ لَهُ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿١٦﴾

(۱۶) [سپس] گفت: «پروردگارا، من به خود ستم کرده‌ام؛ مرا ببخش» و [الله] او را بخشید. بی‌تردید، او تعالی آمرزنده مهربان است.

(۱۷) [آنگاه] گفت: «پروردگارا، به شکرانه آنکه بر من نعمت [قدرت و دانش] ارزانی داشته‌ای، هرگز پشتیبان مجرمان نخواهم بود.»

فَأَصْبَحَ فِي الْمَدِينَةِ خَائِفًا يَتَرَقَّبُ فَإِذَا الَّذِي اُسْتَنْصَرُهُ بِالْأَمْسِ يَسْتَصْرِحُهُ قَالَ لَهُ مُوسَى إِنَّكَ لَعَوِيٌّ مُّبِينٌ ﴿١٨﴾

(۱۸) [موسی] شب را با ترس و نگرانی در شهر به صبح رساند که ناگاه مردی که دیروز از او یاری خواسته بود، [بار دیگر] به فریاد از او یاری خواست. موسی به او گفت: «واقعاً آشکار است که تو [ماجراجو و] گمراهی.»

(۱۹) هنگامی که [موسی] خواست به

فَلَمَّا أَنْ أَرَادَ أَنْ يَبْطِشَ بِالَّذِي

کسی که دشمن هر دوی آنان بود حمله کند، [آن مرد فریاد خواه به تصور آنکه موسی قصد وی را دارد] گفت: «ای موسی، آیا می‌خواهی همان گونه که دیروز کسی را کشتی، [امروز نیز] مرا بکشی؟ قصد تو فقط زورگویی در این سرزمین است و نمی‌خواهی از اصلاح‌گران [بین افراد] باشی».

هُوَ عَدُوٌّ لَهُمَا قَالَ يَمُوسَىٰ أَتُرِيدُ
أَنْ تَقْتُلَنِي كَمَا قَتَلْتَ نَفْسًا
بِالْأَمْسِ إِنْ تُرِيدُ إِلَّا أَنْ تَكُونَ
جَبَّارًا فِي الْأَرْضِ وَمَا تُرِيدُ أَنْ
تَكُونَ مِنَ الْمُصْلِحِينَ ﴿١٩﴾

(۲۰) و [در این هنگام] مردی [که از دوستان موسی بود] از دورترین نقطه شهر شتابان آمد [و] گفت: «ای موسی، بزرگان [قوم فرعون] درباره کشتنت به مشورت نشسته‌اند؛ پس بی‌درنگ [از شهر] خارج شو [که] من قطعاً خیرخواهت هستم».

وَجَاءَ رَجُلٌ مِّنْ أَقْصَا الْمَدِينَةِ
يَسْعَىٰ قَالَ يَمُوسَىٰ إِنَّ الْمَلَأَ
يَأْتِمُرُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوكَ فَاخْرُجْ
إِنِّي لَكَ مِنَ النَّاصِحِينَ ﴿٢٠﴾

(۲۱) موسی با ترس و نگرانی از شهر خارج شد [و] گفت: «پروردگارا، مرا از [آسیب] ستمکاران نجات بده».

فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ قَالَ
رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ
الظَّالِمِينَ ﴿٢١﴾

(۲۲) و چون به سوی [شهر] مدین روی آورد گفت: «امید است پروردگارم مرا به راه راست هدایت کند».

وَلَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقَاءَ مَدْيَنَ قَالَ
عَسَىٰ رَبِّي أَنْ يَهْدِيَنِي سَوَاءَ
السَّبِيلِ ﴿٢٢﴾

(۲۳) و هنگامی که به [چاه] آب مدین رسید، بر سر چاه، گروهی از مردم را دید که [چهارپایان خود را] آب می‌دهند و نزدیک آنان

وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ
أُمَّةً مِّنَ النَّاسِ يَسْقُونَ وَوَجَدَ

دو زن را دید که [گوسفندانشان را] کنار می‌کشیدند [و از دیگران فاصله می‌گرفتند. موسی] گفت: «شما چه می‌کنید؟ چرا گوسفندان خود را آب نمی‌دهید؟» آنان گفتند: «ما [به گله خود] آب نمی‌دهیم تا این چوپان‌ها [گوسفندانشان را از آب] برگردانند [و چاه آب خلوت شود]. و پدرمان پیرمردی کهنسال است [و توانایی این کار را ندارد].»

مِنْ دُونِهِمْ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ ۖ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّى يُصَدِرَ الرِّعَاءَ ۖ وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ ﴿٢٣﴾

(۲۴) موسی به [گوسفندان] آن دو زن آب داد؛ آنگاه به سوی سایه بازگشت و گفت: «پروردگارا، به هر خیری که برایم بفرستی، سخت نیازمندم.»

فَسَقَى لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّى إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ ﴿٢٤﴾

(۲۵) آنگاه یکی از آن دو [زن] - در حالی که با شرم و حیا گام برمی‌داشت - نزدش آمد و گفت: «پدرم تو را دعوت می‌کند [که نزدش بروی] تا مزد آنکه [گوسفندان] را برایمان آب دادی به تو بپردازد». چون [موسی] نزد او رفت و سرگذشت خویش را برایش حکایت کرد، وی گفت: «نترس که از گروه ستمکار نجات یافته‌ای.»

فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْثِي عَالِي اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقَصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٢٥﴾

(۲۶) یکی از آن دو [دختر] گفت: «پدر جان، او را استخدام کن [زیرا] بی‌تردید، بهترین کسی که می‌توانی به کار بگیری، آن است که

قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَجِرْهُ ۖ إِنَّ خَيْرَ مَنْ اسْتَجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ ﴿٢٦﴾

نیرومند و امانتدار باشد [و او چنین است].».

قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُنكِحَكَ إِحْدَى ابْنَتَيَّ هَاتَيْنِ عَلَىٰ أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَنِي حِجَابًا فَإِنِ أَنْمَمْتَ عَشْرًا فَمِنُ عِنْدِكَ وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَشُقَّ عَلَيْكَ سَتَجِدُنِي إِنِ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿٢٧﴾

(۲۷) [پیرمرد به موسی] گفت: «می‌خواهم یکی از دو دخترم را به همسری‌ات درآورم؛ به این [شرط] که هشت سال برایم کار کنی؛ و اگر [این کار را] تا ده سال ادامه دهی، لطف و محبتی از سوی توست و من نمی‌خواهم بر تو سخت بگیرم. ان شاء الله مرا شایسته [و نیکوکار] خواهی یافت».

قَالَ ذَلِكَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ أَيَّمَا الْأَجَلِينَ قَضَيْتَ فَلَا عُدْوَانَ عَلَيَّ وَاللَّهُ عَلَىٰ مَا نَقُولُ وَكِيلٌ ﴿٢٨﴾

(۲۸) [موسی] گفت: «این [قرارداد] میان من و تو باشد که هر کدام از این دو مدت [هشت یا ده سال] را که انجام دادم [به عهد خود وفا کرده‌ام]؛ پس ستمی بر من نباشد [و نخواهی که بیشتر بمانم]؛ و الله بر آنچه می‌گوییم گواه است».

﴿فَلَمَّا قَضَىٰ مُوسَى الْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِ آنَسَ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ نَارًا قَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَعَلِّي آتَيْتُكُمْ مِنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ جَذْوَةٍ مِنَ النَّارِ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ ﴿٢٩﴾﴾

(۲۹) هنگامی که موسی [آن] مدت [معین] را به پایان رساند و همراه خانواده‌اش [از مدین به سوی مصر] حرکت کرد، [ناگهان در تاریکی شب،] از سوی [کوه] طور آتشی دید؛ به خانواده‌اش گفت: «[اینجا] بایستید که من آتشی [از دور] دیدم. شاید خبری از آن برایتان بیاورم یا شعله آتشی [بیاورم] تا گرم شوید».

﴿فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ مِنْ شَلْطِي الْأَوَادِ رَاسَتِ آنَ سِرْزَمِينَ، فِي مَنطِقَةٍ مَبْرُكَةٍ [طور]،

الْأَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبْرَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ أَنْ يَمُوسَىٰ إِلَيَّ أَنَا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿٣٠﴾

از [میان] یک درخت ندا داده شد که: «ای موسی، بی تردید من الله، پروردگار جهانیانم.

وَأَنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَلَمَّا رَءَاهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّى مُدْبِرًا وَلَمْ يُعَقِّبْ يَمُوسَىٰ أَقْبَلَ وَلَا خَفَٰطٌ إِنَّكَ مِنَ الْأَمِينِينَ ﴿٣١﴾

(۳۱) و عصایت را بیفکن». وقتی [موسی عصایش را افکند و] آن را دید که همچون ماری می‌جنبد، [از ترس] پشت کرد و گریخت و به پشت نگاه نکرد. [ندا آمد: «ای موسی، پیش آی و نترس. قطعاً تو از [آسیب خطرات] ایمن شده‌ای.

أَسْأَلُكَ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجَ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ وَأَضْمَمَ إِلَيْكَ جَنَاحَكَ مِنَ الرَّهْبِ ۖ فَذَلِكَ بُرْهَانَانِ مِنْ رَبِّكَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ ۚ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَسِيقِينَ ﴿٣٢﴾

(۳۲) و دستت را در گریبانت فرو بر [تا] سپید و بدون عیب [و بدون بیماری پیسی] خارج شود؛ و [برای رهایی] از این ترس، دستانت را به سمت خود جمع کن [و به سینهات بچسبان]. این دو [معجزه عصا و ید بیضا] دو دلیل [روشن] از سوی پروردگارت برای فرعون و بزرگان [قوم] اوست. به راستی که آنان گروهی نافرمانند».

قَالَ رَبِّ إِنِّي قَتَلْتُ مِنْهُمْ نَفْسًا فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ ﴿٣٣﴾

(۳۳) [موسی] گفت: «پروردگارا، من یکی از آنان را [بدون عمد] کشته‌ام؛ می‌ترسم که [به قصاص آن قتل،] مرا بکشند.

وَأَخِي هَارُونُ هُوَ أَفْصَحُ مِنِّي لِسَانًا فَأَرْسَلْتُهُ مَعِيَ رِدْءًا

(۳۴) و برادرم - هارون - زبانش از من شیواتر است؛ پس او را همراهم بفرست تا یاورم باشد و

يُصَدِّقُنِي ۖ إِنَّي أَخَافُ أَنْ يُكَدِّبُونَ ﴿٣٤﴾
 راستگویی‌ام را تأیید کند؛ زیرا می‌ترسم مرا
 تکذیب کنند».

قَالَ سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ
 وَنَجْعَلُ لَكُمَا سُلْطٰنًا ۖ فَلَا
 يَصِلُونَ إِلَيْكُمَا بِأَيِّتِنَا ۗ أُنْتُمَا
 وَمَنِ اتَّبَعَكُمَا الْغٰلِبُونَ ﴿٣٥﴾
 (۳۵) [الله] فرمود: «تو را با [پیوستن] برادرت
 تقویت خواهیم نمود و سلطه و برتری برایتان
 قرار می‌دهیم که [فرعونیان هرگز] به شما
 دست نیابند؛ و به [برکت] معجزاتمان [که در
 اختیار دارید] شما و هر کس که از شما پیروی
 کند، پیروزید».

فَلَمَّا جَاءَهُمْ مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا
 بَيَّنَّتْ قَالُوٓا مَا هٰذَا إِلَّا سِحْرٌ
 مُّفْتَرَىٰ وَمَا سَمِعْنَا بِهٰذَا فِي
 ءَابَآئِنَا الْاُولٰٓئِن ﴿٣٦﴾
 (۳۶) هنگامی که موسی با معجزات روشن ما
 به سویشان آمد، گفتند: «این [چیزی] نیست
 مگر جادویی ساختگی؛ و ما هرگز این [ادعای
 عبادت الله به یگانگی] را از پدرانمان
 نشنیده‌ایم».

وَقَالَ مُوسَىٰ رَبِّيٰٓ اَعْلَمُ بِمَنْ جَاءَ
 بِالْهُدٰٓى مِنْ عِنْدِهٖ ۚ وَمَنْ تَكُوْنُ
 لَهٗ عَاقِبَةُ الدَّارِ ۗ اِنَّهٗ لَا يُفْلِحُ
 الظَّٰلِمُوْنَ ﴿٣٧﴾
 (۳۷) و موسی گفت: «پروردگارم بهتر می‌داند
 چه کسی هدایت را از نزد او آورده است و
 [آگاه‌تر است که] عاقبت نیک آن سرا برای
 کیست. بی‌تردید، ستمکاران رستگار
 نمی‌شوند».

وَقَالَ فِرْعَوْنُ يٰٓاَيُّهَا الْمَلَأُ مَا
 عَلِمْتُ لَكُم مِّنْ اِلٰهٍ غَيْرِي
 فَاَوْقَدْ لِي يٰٓهٰمُنُّ عَلَى الطِّينِ
 فَاَجْعَل لِّي صِرْحًا لَّعَلِّي اَطَّلِعُ اِلٰٓى

(۳۸) فرعون گفت: «ای بزرگان، معبودی جز
 خود برایتان نمی‌شناسم؛ پس ای هامان، برایم
 آتشی بر گل برافروز [و آجر بپز] آنگاه برج
 بلندی بساز؛ باشد که از معبود موسی باخبر

إِلَيْهِ مُوسَىٰ وَإِنِّي لِأَظُنُّهُ مِنَ الْكَاذِبِينَ ﴿٣٨﴾
شوم؛ هر چند که قطعاً او را دروغگو می‌پندارم».

وَأَسْتَكَبِرَ هُوَ وَجُنُودُهُ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ إِلَيْنَا لَا يُرْجَعُونَ ﴿٣٩﴾
(۳۹) و او [= فرعون] و لشکریانش به ناحق در سرزمین [مصر] سرکشی کردند و پنداشتند که به سوی ما بازگردانده نمی‌شوند.

فَأَخَذْنَاهُ وَجُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ فَاُنظَرُ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ ﴿٤٠﴾
(۴۰) [ما] او و لشکریانش را [به عذاب] فروگرفتیم و آنان را به دریا انداختیم؛ پس بنگر که عاقبت ستمکاران چگونه بود.

وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَدْعُونَ إِلَى التَّارِثِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنصَرُونَ ﴿٤١﴾
(۴۱) و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که [پیروانشان را] به آتش [دوزخ] دعوت می‌کردند؛ و روز قیامت یاری نمی‌شوند.

وَاتَّبَعْنَاهُمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ هُمْ مِنَ الْمَقْبُوحِينَ ﴿٤٢﴾
(۴۲) در این دنیا، به دنبالشان لعنت روانه کردیم و روز قیامت [نیز] زشت‌منظرند.

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِ مَا أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ الْأُولَىٰ بَصَائِرَ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لَّعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٤٣﴾
(۴۳) و به راستی، پس از آنکه امت‌های پیشین را نابود نمودیم، به موسی کتاب [تورات] دادیم که [دارای] روشنگری‌ها و هدایت و رحمتی برای مردم بود؛ باشد که پند پذیرند.

وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الْعَرَبِيِّ إِذْ

قَضَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ الْأَمْرَ وَمَا كُنْتَ مِنَ الشَّاهِدِينَ ﴿۴۴﴾

را به موسی می‌دادیم در دامنهٔ غربی [کوه طور] حضور نداشتی و از گواهان [نیز] نبودی.

وَلَكِنَّا أَنشَأْنَا قُرُونًا فَتَطَاوَلَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ وَمَا كُنْتَ ثَاوِيًّا فِي أَهْلِ مَدْيَنَ تَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا وَلَكِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ ﴿۴۵﴾

(۴۵) و [ما پس از موسی] نسل‌هایی آفریدیم و سال‌های طولانی بر آنان گذشت [و پیمان الهی را فراموش کردند]؛ و تو در میان اهل مدین اقامت نداشتی [که از داستان موسی باخبر باشی و] آیات ما را بر آنان [= مردم مکه] بخوانی؛ بلکه ما بودیم که [این آیات را به سویت] می‌فرستادیم.

وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الطُّورِ إِذْ نَادَيْنَا وَلَكِن رَّحِمَةً مِّن رَّبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أَتَلَهُمْ مِّن نَّذِيرٍ مِّن قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿۴۶﴾

(۴۶) و آنگاه که [به موسی] ندا دادیم، تو در کنار کوه طور نبودی؛ ولی به عنوان رحمتی از سوی پروردگارت [به تو وحی نمودیم] تا گروهی را که پیش از تو بیم‌دهنده‌ای به سراغشان نیامده است [با این آیات] بیم دهی؛ باشد که پند پذیرند.

وَلَوْلَا أَن تُصِيبَهُم مُّصِيبَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ فَيَقُولُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ آيَاتِكَ وَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿۴۷﴾

(۴۷) [با کافران اتمام حجت کردیم] تا وقتی به کیفر کارهایی که در گذشته مرتکب شده‌اند مصیبتی به آنها می‌رسد نگویند: «پروردگارا، چرا پیامبری بر ما نفرستادی تا از آیات پیروی کنیم و از مؤمنان باشیم؟»

فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا

ما به سراغشان آمد، [یهود از سرِ لجاجت] گفتند: «چرا معجزاتی همانند موسی به او داده نشده است؟» [در پاسخشان بگو: «مگر [یهود] در گذشته معجزات موسی را انکار نکردند؟» آنان گفتند: «[قرآن و تورات] دو جادو هستند که یکدیگر را تأیید می‌کنند» و گفتند: «ما تمام [مطالب] آنها را انکار می‌کنیم».

(۴۹) بگو: «اگر راستگوئید، از جانب الله، کتابی هدایت‌بخش‌تر از این دو [کتاب] بیاورید تا من نیز از آن پیروی کنم».

(۵۰) اگر [قریش] به درخواستت پاسخی ندادند، بدان که آنان فقط از هوای نفسشان پیروی می‌کنند؛ و کیست گمراه‌تر از آن کس که بدون رهنمودی از سوی الله، از هوای نفسش پیروی می‌کند؟ بی‌تردید، الله گروه ستمکار را هدایت نمی‌کند.

(۵۱) و به راستی، ما این آیات [و حکایات] را یکی پس از دیگری برای آنان [= مشرکان و یهود] نازل کردیم؛ باشد که پند گیرند.

(۵۲) کسانی که پیش از این [آیات الهی] کتاب [تورات] به آنان داده‌ایم، به این [قرآن] نیز ایمان می‌آورند

قَالُوا لَوْلَا أَوْتِيَ مِثْلَ مَا أُوتِيَ مُوسَىٰ أَوْلَمَ يَكْفُرُوا بِمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ مِنْ قَبْلُ قَالُوا سِحْرَانِ تَظَاهَرَا وَقَالُوا إِنَّا بِكُلِّ كَفْرٍ

قُلْ فَأْتُوا بِكِتَابٍ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ هُوَ أَهْدَىٰ مِنْهُمَا أَتَّبِعُهُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

فَإِنْ لَّمْ يَسْتَجِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ اتَّبَعَ هَوَاهُ بَغَيْرِ هُدًى مِّنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

وَلَقَدْ وَصَلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ

الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِهِ هُمْ بِهِ يُؤْمِنُونَ

وَإِذَا يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ قَالُوا ءَامَنَّا بِهِ ؗ
 إِنَّهُ الْحَقُّ مِن رَّبِّنَا إِنَّا كُنَّا مِن
 قَبْلِهِ مُسْلِمِينَ ﴿۵۳﴾

(۵۳) و چون [آیاتش] بر آنان خوانده می‌شود، می‌گویند: «به آن ایمان آوردیم. یقیناً سخن حقی از جانب پروردگاران است. به راستی که ما پیش از [نزول] آن نیز تسلیم [فرمان پروردگار] بوده‌ایم».

أُولَٰئِكَ يُؤْتَوْنَ أَجْرُهُم مَّرَّتَيْنِ
 بِمَا صَبَرُوا وَيَدْرَءُونَ بِالْحَسَنَةِ
 أَلْسِيَّةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ
 يُنفِقُونَ ﴿۵۴﴾

(۵۴) اینانند که به پاس آنکه شکیبایی ورزیدند، پاداششان را دو بار می‌گیرند و با کارهای نیک، [گناهان و] بدی‌ها را دفع می‌کنند و از آنچه به آنان روزی داده‌ایم انفاق می‌نمایند.

وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ
 وَقَالُوا لَنَا أَعْمَلُنَا وَلَكُمْ
 أَعْمَلُكُمْ سَلَمٌ عَلَيْكُمْ لَا
 نَبْتَغِي الْجَاهِلِينَ ﴿۵۵﴾

(۵۵) و هر گاه سخنی بی‌بهره [و ناشایست از اهل کتاب] می‌شنوند، [با بی‌توجهی] از آن روی می‌گردانند و می‌گویند: «[پاداش] کارهای ما برای ماست و [کیفر] کارهای شما از آن شماس؛ [شما از آزار و ناسزای ما] در امانید. ما به دنبال [هم‌صحبتی با] جاهلان نیستیم».

إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ
 وَلَا كِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ
 وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ ﴿۵۶﴾

(۵۶) [ای پیامبر] بی‌تردید، تو نمی‌توانی هر کس را دوست داشته باشی [به اجبار به راه راست] هدایت کنی؛ بلکه الله است که هر کس را بخواهد هدایت می‌کند و او به [حال راه‌یافتگان] داناتر است.

وَقَالُوا إِن نَّتَّبِعِ الْهُدَىٰ مَعَكَ
 نُنْتَخِطُفَ مِنْ أَرْضِنَا أَوْ لَمْ
 نُمَكِّنْ لَهُمْ حَرَمًا ءَامِنًا يُجِبِّي
 إِلَيْهِ ثَمَرَاتُ كُلِّ شَيْءٍ رِّزْقًا مِّن
 لَّدُنَّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا
 يَعْلَمُونَ ﴿٥٧﴾

وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِن قَرْيَةٍ بَطَرَتْ
 مَعِيشَتَهَا فِتْلِكَ مَسَكْنَهُمْ لَمْ
 تُسْكَن مِّن بَعْدِهِمْ إِلَّا قَلِيلًا
 وَكُنَّا نَحْنُ الْوَارِثِينَ ﴿٥٨﴾

(۵۷) و چه بسیار [مردم] شهرهایی را نابود
 ساختیم که [از شدت رفاه] در زندگی خویش،
 طغیان و سرکشی کرده بودند. این خانه‌های
 [ویران شده] آنان است که پس از آنان - جز
 اندکی- [کسی] در آنها سکونت نکرده است و
 ما وارث آنان بودیم.

وَمَا كَانَ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَىٰ
 حَتَّىٰ يَبْعَثَ فِي أُمَمٍ رَّسُولًا يَتْلُوا
 عَلَيْهِمْ ءَايَاتِنَا وَمَا كُنَّا مُهْلِكِي
 الْقُرَىٰ إِلَّا وَأَهْلُهَا ظَالِمُونَ ﴿٥٩﴾

(۵۸) و پروردگارت هرگز [مردم] شهرها را نابود
 نمی‌کند، مگر آنکه در شهر بزرگی از آنها
 [همچون مکه] پیامبری بفرستد که آیات ما را
 بر آنان بخواند؛ و ما هرگز شهرها را نابود
 نکردیم، مگر آنکه ساکنانش [کافر و] ستمکار
 بوده‌اند.

وَمَا أوتِيتُمْ مِّن شَيْءٍ فَمَتَّعْ
 أَحْيَاؤَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا وَمَا عِنْدَ
 اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٦٠﴾

(۶۰) و آنچه به شما داده شده است، بهره‌ای
 گذرا] و زینتِ زندگی دنیاست؛ و آنچه نزد الله
 است، بهتر و پایدارتر است. آیا نمی‌اندیشید؟

أَقْمَنَ وَعَدَّنُهُ وَعَدًّا حَسَنًا فَهُوَ لَقِيهِ كَمَنْ مَتَّعْنَاهُ مَتَاعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ هُوَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ الْمُحْضَرِينَ ﴿٦١﴾

(۶۱) آیا کسی که به او وعده نیکو داده‌ایم و به آن خواهد رسید، همچون کسی است که او را از بهره زندگی دنیا برخوردار ساخته‌ایم و روز قیامت از [جمله] احضارشدهگان [در آتش دوزخ] است؟

وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ ﴿٦٢﴾

(۶۲) و [یاد کن از] روزی که الله به آنان ندا می‌دهد و می‌فرماید: «افرادی که شریکان من [در عبادت] می‌پنداشتید کجا هستند؟»

قَالَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَغْوَيْنَا أَغْوَيْنَاهُمْ كَمَا غَوَيْنَا تَبَرَّأْنَا إِلَيْكَ مَا كَانُوا إِيَّانَا يَعْبُدُونَ ﴿٦٣﴾

(۶۳) کسانی [از سران کفار] که عذاب برایشان حتمی است می‌گویند: «پروردگارا، اینها کسانی هستند که ما گمراهشان کردیم. [آری،] آنان را گمراه کردیم، چنان که [خود نیز] گمراه شدیم. از [شُرک و توسل] آنان به سويت بیزاری می‌جوییم. [در حقیقت،] آنان ما را عبادت نمی‌کردند [بلکه شیطان را عبادت می‌کردند]».

وَقِيلَ ادْعُوا شُرَكَاءَكُمْ فَدَعَوْهُم فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَرَأَوُا الْعَذَابَ لَوْ أَنَّهُمْ كَانُوا يَهْتَدُونَ ﴿٦٤﴾

(۶۴) و [به مشرکان] گفته می‌شود: «شریکانتان را [که به جای الله عبادت می‌کردید] فراخوانید [تا یاری‌تان کنند]؛ آنگاه آنان را می‌خوانند، ولی پاسخی به اینان نمی‌دهند و عذاب [دوزخ] را می‌بینند [و آرزو می‌کنند] کاش هدایت‌یافته بودند.

وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ مَاذَا أَجَبْتُمُ الْمُرْسَلِينَ ﴿٦٥﴾
 و روزی که [الله] به آنان ندا می‌دهد و می‌فرماید: «به [دعوت] پیامبران چه پاسخی دادید؟»

فَعَمِيَتْ عَلَيْهِمُ الْأَنْبَاءُ يَوْمَئِذٍ فَهُمْ لَا يَتَسَاءَلُونَ ﴿٦٦﴾
 در آن روز، همهٔ دلایل [و بهانه‌هایی که برای توجیه دارند] از آنان پنهان می‌گردد و از شدت عذاب، از حال [یکدیگر نمی‌پرسند].

فَأَمَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَعَسَىٰ أَنْ يَكُونَ مِنَ الْمُفْلِحِينَ ﴿٦٧﴾
 اما کسی که توبه کند و ایمان آورد و کار شایسته انجام دهد، امید است که از رستگاران باشد.

وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ ۗ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٦٨﴾
 و پروردگارت هر چه خواهد می‌آفریند و [هر کس را خواهد به عبادت و پیامبری] برمی‌گزیند. مشرکان اختیاری ندارند [که در این مورد اعتراض کنند]. الله از چیزهایی که با او شریک می‌دانند منزّه و برتر است.

وَرَبُّكَ يَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ ﴿٦٩﴾
 و پروردگارت آنچه در سینه‌هایشان پنهان می‌کنند و آنچه آشکار می‌سازند، [همه را] می‌داند.

وَهُوَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولَىٰ وَالْآخِرَةِ وَلَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٧٠﴾
 و او الله است که هیچ معبودی [به‌حق] جز او نیست. ستایش در دنیا و آخرت برای اوست و حکم [و فرمانروایی نیز] از آن اوست و [همگی] به سوی او بازگردانده می‌شوید.

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ
الْيَلَّ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ
إِلَّا غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُم بِضِيَاءٍ
أَفَلَا تَسْمَعُونَ ﴿٧١﴾

(۷۱) [به مشرکان] بگو: «به من بگوئید اگر الله [تاریکی] شب را تا روز قیامت بر شما پاینده گرداند، کدام معبود به جز الله برایتان روشنی می آورد؟ آیا [سخن حق را] نمی شنوید؟»

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ
عَلَيْكُمُ النَّهَارَ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ
الْقِيَامَةِ مَنْ إِلَّا غَيْرُ اللَّهِ
يَأْتِيكُم بِلَيْلٍ تَسْكُنُونَ فِيهَا
أَفَلَا تُبْصِرُونَ ﴿٧٢﴾

(۷۲) بگو: «به من بگوئید اگر الله [روشنایی] روز را تا روز قیامت بر شما پاینده گرداند، کدام معبود جز الله شبی برایتان می آورد که در آن آرام بگیرید؟ آیا [این نشانه های قدرت الهی را] نمی بینید؟»

وَمِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمُ الْيَلَّ
وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا
مِنْ فَضْلِهِ ۗ وَلَعَلَّكُمْ
تَشْكُرُونَ ﴿٧٣﴾

(۷۳) و الله از رحمت خویش شب و روز را برایتان قرار داد تا در شب آرام گیرید و در روز [تلاش کنید و] از بخشش او [روزی] بجوئید و باشد که سپاس گزارید.

وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ
شُرَكَآئِي الَّذِينَ كُنْتُمْ
تَرْعَمُونَ ﴿٧٤﴾

(۷۴) و [یاد کن از] روزی که الله به آنان ندا می دهد و می فرماید: «کجا هستند شریکانی که برای من می پنداشتید؟»

وَنَزَعْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا فَقُلْنَا
هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ فَعَلِمُوا أَنَّ
الْحَقَّ لِلَّهِ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَّا كَانُوا
(۷۵) و از هر امتی، گواهی برمی گزینیم [که پیامبر آنان است و در مورد کفرشان گواهی می دهد]؛ سپس به آنان می گوئیم: «[دلیل] کفر و شرک [خویش را بیاورید]؛ پس می دانند که

يَفْتَرُونَ ﴿٧٥﴾

حق از آنِ الله است و دروغ‌هایی که می‌بافتند [و آنچه مشرکانه عبادت می‌کردند] محو و نابود گشته است.

(۷۶) قارون از قوم موسی بود؛ اما بر آنان فخرفروشی نمود؛ و از گنجینه‌ها، آنقدر به وی داده بودیم که [حتی] حمل کلیدهایش برای گروهی نیرومند مشکل بود. هنگامی که [مردم] قومش به او گفتند: «[به خاطر ثروت، چنین مغرور و] سرمست نباش. بی‌تردید، الله سرمستان را دوست ندارد.

﴿٧٦﴾ إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى فَبَغَى عَلَيْهِمْ ۖ وَعَاتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءُ بِالْعُصْبَةِ أُولَى الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ ۖ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ ﴿٧٦﴾

(۷۷) و با آنچه الله به تو بخشیده است، [ثواب] سرای آخرت را بجوی و [در عین حال،] بهره‌ات را از [زندگی] دنیا نیز فراموش نکن؛ و چنان که الله به تو نیکی کرده است، تو نیز [به بندگانش] نیکی کن و هرگز در پی تبهکاری [و فساد] در زمین نباش. بی‌تردید، الله مفسدان را دوست ندارد.»

وَأَتَّبِعْ فِيهَا آتِلَكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ ۖ وَلَا تَدَسَّ نَصِيْبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِن كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ ۖ وَلَا تَتَّبِعِ الْفَسَادَ فِي الْأَرْضِ ۖ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ ﴿٧٧﴾

(۷۸) [قارون] گفت: «آنچه به من داده شده، در نتیجه [قدرت و] دانشی است که نزد من است.» آیا نمی‌دانست که الله نسل‌هایی را پیش از وی نابود کرده بود که از او نیرومندتر و ثروتمندتر بودند؟ و [روز قیامت،] مجرمان [جهت اثبات] گناهانشان بازخواست نمی‌شوند

قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي ۖ أَوَلَمْ يَعْلَم أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ مِنْ قَبْلِهِ مِنْ الْقُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَأَكْثَرُ جَمْعًا وَلَا يُسْأَلُ عَنْ ذُنُوبِهِمْ

﴿۷۸﴾ الْمُجْرِمُونَ

[بلکه جهت توبیخ و اقرار از آنها سزال می‌شود].

﴿۷۹﴾ قَارُونَ بَا [تجملات و] زینت‌هایش در برابر قوم خویش ظاهر شد. افرادی [از اطرافیان او] که خواستار زندگی دنیا بودند، گفتند: «ای کاش همانند آنچه به قارون داده شده است ما [نیز] داشتیم. واقعاً او بهره بزرگی [از مال دنیا] دارد».

﴿۸۰﴾ اَمَا كَسَانِي كَه دَانش [حقیقی] یافته بودند، گفتند: «وای بر شما! برای کسی که ایمان آورده است و کارهای شایسته می‌کند، ثواب الهی بهتر است؛ و این [سخن] را کسانی جز شکیبایان نمی‌پذیرند».

﴿۸۱﴾ سِپَس قَارُونَ رَا هَمْرَاه خَانَه‌آش دَر زَمین فروبردیم؛ آنگاه هیچ گروهی نداشت که او را در برابر [عذاب] الله یاری کنند و [خود نیز] نتوانست به خویشان یاری رساند.

﴿۸۲﴾ وَ كَسَانِي كَه دِیروز آرزو می‌کردند به جای او باشند، بامداد [روز بعد] می‌گفتند: «وای بر ما! گویی الله است که [نعمت و] روزی را بر هر کس که بخواهد گسترده می‌دارد و [یا] تنگ می‌گرداند. اگر الله بر ما منت نهد

فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ ۖ قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَلِيتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ ﴿۷۹﴾

وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَيَلِكُمْ ثَوَابُ اللَّهِ خَيْرٌ لِمَنْ ءَامَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا وَلَا يُلَقَّهَا إِلَّا الصَّابِرُونَ ﴿۸۰﴾

فَخَسَفْنَا بِهِ وَبِدَارِهِ الْأَرْضَ فَمَا كَانَ لَهُ مِنْ فِئَةٍ يَنْصُرُونَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُنتَصِرِينَ ﴿۸۱﴾

وَأَصْبَحَ الَّذِينَ تَمَتَّوْا مَكَانَهُ بِالْأَمْسِ يَقُولُونَ وَيَكَفِّرَنَّ اللَّهُ بِبَسْطِ الرِّزْقِ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَوْلَا أَنْ مَنَّ اللَّهُ

عَلَيْنَا لِحَسَفٍ بِنَا وَيَكَاثُهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ ﴿٨٢﴾
 بود، قطعاً ما را [نیز به سزای سخنانمان به ژرفای زمین] فرومی‌برد، ای وای! گویی کافران هرگز رستگار نمی‌شوند».

تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ ﴿٨٣﴾
 این سرای آخرت را [فقط] برای کسانی قرار می‌دهیم که خواهان گردنکشی و فساد در زمین نیستند؛ و سرانجام [نیک]، از آن پرهیزگاران است.

مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِّنْهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى الَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٨٤﴾
 [روز قیامت] هر کس نیکی بیاورد، [پاداشی] بهتر از آن خواهد داشت و هر کس بدی بیاورد، [بداند] کسانی که کارهای ناشایست کرده‌اند، جز [در برابر] آنچه می‌کردند کیفر نمی‌بینند.

إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ مَنْ جَاءَ بِالْهُدَىٰ وَمَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٨٥﴾
 همان [پروردگاری] که قرآن را [نازل] نمود و تبلیغ آن را [بر تو واجب کرد، قطعاً تو را به جایگاهت [در مکه] بازمی‌گرداند. بگو: «پروردگارم بهتر می‌داند چه کسی هدایت آورده است و چه کسی در گمراهی آشکار است».

وَمَا كُنْتَ تَرْجُو أَنْ يُلْقَىٰ إِلَيْكَ الْكِتَابُ إِلَّا رَحْمَةً مِّنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ ظَهِيرًا لِّلْكَافِرِينَ ﴿٨٦﴾
 [پیش از بعثت]، تو انتظار نداشتی که این کتاب [آسمانی] بر تو نازل شود. [این نبود]، مگر رحمتی از جانب پروردگارت. پس هرگز پشتیبان کافران نباش.

وَلَا يَصُدُّكَ عَنْ آيَاتِ اللَّهِ (۸۷) و مبادا [کافران] تو را از [تبلیغ] آیات
 بَعْدَ إِذْ أَنْزَلْتُ إِلَيْكَ ٱلْكِتَابَ وَأَدْعُ إِلَىٰ
 رَبِّكَ ٱلْحَقَّ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ
 الْمُشْرِكِينَ ﴿۸۷﴾

وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا
 إِلَهَ إِلَّا هُوَ ٱلَّذِي هَالِكُ إِلَّا
 وَجْهَهُ لَهُ ٱلْحُكْمُ وَإِلَيْهِ
 تُرْجَعُونَ ﴿۸۸﴾

(۸۸) و معبود دیگری با الله [به نیایش]
 نخوان. هیچ معبودی [به حق] جز او نیست.
 همه چیز فناپذیر است؛ مگر [ذات جاوید و]
 روی او. فرمانروایی [تنها] از آن اوست و [روز
 قیامت، همگی] به پیشگاه او تعالی بازگردانده
 می شوید.

سُورَةُ الْعَنْكَبُوتِ

سورة عنكبوت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

الم ﴿١﴾

(۱) الم [= الف. لام. میم].

﴿٢﴾ آیا مردم پنداشته‌اند همین که [به زبان] بگویند: «ایمان آوردیم»، آنان را [به حال خود] وامی‌گذارند و آزموده نمی‌شوند؟

أَحْسِبَ النَّاسَ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا ءَامَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ ﴿٢﴾

﴿٣﴾ و به راستی کسانی را که پیش از آنان بودند نیز آزمودیم و تا الله حتما کسانی را که [درباره ایمانشان] راست گفته‌اند جدا سازد و دروغگویان را [نیز] معلوم گرداند.

وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ ۗ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكٰذِبِينَ ﴿٣﴾

﴿٤﴾ آیا کسانی که کارهای ناشایسته می‌کنند، پنداشته‌اند که می‌توانند ما را مغلوب نمایند [و از عذابمان بگریزند]؟ چه بد داوری می‌کنند!

أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ أَنْ يَسْبِقُونَا ۗ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ﴿٤﴾

﴿٥﴾ هر کس به دیدار الله امید دارد، [بداند که] وعده الله قطعاً خواهد آمد و او تعالی شنوای داناست.

مَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنَّ أَجَلَ اللَّهِ لَآتٍ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٥﴾

﴿٦﴾ و هر کس [در راه حق] بکوشد، به سود خویش کوشیده است. بی‌تردید، الله از جهانیان بی‌نیاز است.

وَمَنْ جَاهَدَ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعٰلَمِينَ ﴿٦﴾

وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَحْسَنَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۷﴾

(۷) و کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند، یقیناً گناهانشان را می‌زداییم و آنان را بر اساس نیکوترین طاعت و [کاری که انجام داده‌اند پاداش می‌دهیم.

وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا وَإِنْ جَاهَدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿۸﴾

(۸) و به انسان سفارش کردیم که به پدر و مادرش نیکی نماید؛ و [گفتیم:] «اگر آن دو کوشیدند تا چیزی را که تو به آن دانشی نداری شریک من سازی، از آنان اطاعت نکن. بازگشتان به سوی من است، آنگاه شما را از [حقیقت] آنچه می‌کردید، آگاه خواهم کرد.

وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُمْ فِي الصَّالِحِينَ ﴿۹﴾

(۹) و کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند، البته آنان را در [زمره] شایستگان درمی‌آوریم.

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ ءَامَنَّا بِاللَّهِ فَإِذَا أُوذِيَ فِي اللَّهِ جَعَلَ فِتْنَةَ النَّاسِ كَعَذَابِ اللَّهِ وَلَئِن جَاءَ نَصْرٌ مِّن رَّبِّكَ لَيَقُولُنَّ إِنَّا كُنَّا مَعَكُمْ أَوْلَىٰ أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِمَا فِي صُدُورِ الْعَالَمِينَ ﴿۱۰﴾

(۱۰) و برخی از مردم هستند که می‌گویند: «به الله ایمان آورده‌ایم»؛ اما هنگامی که در [راه] الله آزار می‌بینند، آزار مردم را همچون عذاب الله [سخت و جانکاه] می‌دانند [و از ایمانشان دست می‌کشند]؛ و اگر از سوی پروردگارت پیروزی [و گشایشی برایتان] پیش آید، می‌گویند: «بی‌تردید، ما [نیز] با شما همراه بودیم». آیا الله به آنچه در دل‌های جهانیان

است داناتر نیست؟

وَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا (۱۱) و به راستی، الله کسانی را که ایمان آورده‌اند به خوبی می‌شناسد و یقیناً منافقان را [نیز] می‌شناسد.

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّبِعُوا سَبِيلَنَا وَلْنَحْمِلْ خَطَايَكُمْ وَمَا هُمْ بِحَمِيلِينَ مِنْ خَطَايِهِمْ مِنْ شَيْءٍ إِنَّهُمْ لَكَذِبُونَ ﴿۱۲﴾ و کسانی که کفر ورزیدند به کسانی که ایمان آوردند می‌گفتند: «از راه ما پیروی کنید، و قطعاً بار گناهانتان را به عهده می‌گیریم»؛ [ولی] آنان هرگز چیزی از گناهانشان را بر عهده نخواهند گرفت. به راستی که آنان دروغگو هستند.

وَلَيَحْمِلُنَّ أَثْقَالَهُمْ وَأَثْقَالًا مَعَ أَثْقَالِهِمْ ۖ وَلَيَسْئَلُنَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَمَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿۱۳﴾ (۱۳) و قطعاً بار سنگین [گناه] خود و بارهای سنگین [گناه پیروانشان] را همراه بار سنگین خود به دوش خواهند کشید؛ و یقیناً روز قیامت، در مورد دروغ‌هایی که می‌بافتند بازخواست خواهند شد.

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ ۖ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ ظَالِمُونَ ﴿۱۴﴾ (۱۴) و ما نوح را به سوی قومش فرستادیم و او نهصد و پنجاه سال در میان آنان بود. آنگاه در حالی که ستمکار [و کافر] بودند طوفان [سهمگین] آنان را فراگرفت.

فَأَنجَيْنَاهُ وَأَصْحَابَ السَّفِينَةِ ۖ وَجَعَلْنَاهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ ﴿۱۵﴾ (۱۵) او [= نوح] و سرنشینان کشتی را نجات دادیم و آن [کشتی] را نشانه‌ای برای [عبرت گرفتن] جهانیان قرار دادیم.

وَأَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَعْبُدُوا اللَّهَ وَأَنْتُمْ تَعْبُدُونَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿١٦﴾

(۱۶) و [یاد کن از] ابراهیم آنگاه که به قومش گفت: «الله را عبادت کنید و از او پروا کنید [که] اگر بدانید، این کار برایتان بهتر است.

إِنَّمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا وَتَخْلُقُونَ إِفْكًا إِنَّ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقًا فَابْتَغُوا عِنْدَ اللَّهِ الرِّزْقَ وَاعْبُدُوهُ وَاشْكُرُوا لَهُ ۗ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿١٧﴾

(۱۷) جز این نیست که به جای الله، فقط بُت‌هایی را عبادت می‌کنید و [با این کار، به الله] دروغ می‌بندید. در حقیقت، کسانی را که شما به جای الله عبادت می‌کنید، اختیار روزی‌تان را ندارند؛ پس [نعمت و] روزی را تنها از پیشگاهِ الله طلب کنید و او را عبادت کنید و شکر او را به جای آورید [که] به سوی او بازگردانده می‌شوید».

وَإِنْ تَكْفُرُوا فَقَدْ كَذَّبْتُمْ أُمَّةً مِّن قَبْلِكُمْ وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا أَنْ يَبْلُغَ الْأُمَمِينَ ﴿١٨﴾

(۱۸) و [ای مشرکان،] اگر شما [محمد را] دروغگو بدانید، [عجیب نیست.] به راستی که برخی از امت‌های پیش از شما [نیز، پیامبران الهی را] تکذیب کردند؛ و پیامبر وظیفه‌ای جز رساندن آشکار [وحی] ندارد.

أَوَلَمْ يَرَوْا كَيْفَ يُبْدِئُ اللَّهُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ ۗ إِنَّ دَلِيلَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ﴿١٩﴾

(۱۹) آیا ندیدند که الله چگونه آفرینش را آغاز می‌کند سپس آن را [پس از مرگش] باز می‌گرداند؟ قطعاً این کار برای الله آسان است.

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ۗ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ

(۲۰) [ای پیامبر، به کافران] بگو: «در زمین بگردید و بنگرید که الله چگونه آفرینش را آغاز

کرد؛ [به همین صورت نیز] زندگی دیگر را پدید می‌آورد. بی‌تردید، الله بر هر کاری تواناست. شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۲۰﴾

(۲۱) او تعالی هر کس را بخواهد، عذاب می‌کند و بر هر کس که بخواهد، رحمت می‌آورد؛ و [همگی] به سویش بازگردانده می‌شوید. يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَيَرْحَمُ مَنْ يَشَاءُ وَإِلَيْهِ تُقْلَبُونَ ﴿۲۱﴾

(۲۲) شما - [نه] در زمین و نه در آسمان - هرگز ناتوان‌کننده او تعالی نیستید و جز الله هیچ کارساز و یآوری ندارید. وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَمَا لَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿۲۲﴾

(۲۳) و کسانی که به آیاتِ الله و دیدار او کفر ورزیدند، آنانند که از رحمت من مأیوسند و عذاب دردناکی برایشان [در پیش] است. وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَلِقَائِهِ أُولَٰئِكَ يَئِسُوا مِنْ رَّحْمَتِي وَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿۲۳﴾

(۲۴) اما پاسخ قوم او [= ابراهیم] جز این نبود که گفتند: «او را بکشید یا بسوزانید»؛ پس الله او را از آتش نجات داد. بی‌تردید، در این [رهایی از آتش]، برای گروهی که ایمان می‌آورند نشانه‌هایی [برای عبرت گرفتن] است. فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا اقْتُلُوهُ أَوْ حَرِّقُوهُ فَأَنْجَاهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿۲۴﴾

(۲۵) و [ابراهیم] گفت: «شما به جای الله بت‌هایی برای خود برگزیده‌اید که [مایهٔ دوستی و] محبت میان شما در زندگی دنیا باشد. آنگاه روز قیامت، از یکدیگر بیزاری می‌جوید و وَقَالَ إِنَّمَا اتَّخَذْتُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا مَّوَدَّةَ بَيْنِكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُ

همدیگر را لعنت می‌کنید و جایگاهتان آتش است و هیچ یاریگری نخواهید داشت».

بَعْضُكُمْ بِبَعْضٍ وَيَلْعَنُ
بَعْضُكُمْ بَعْضًا وَمَأْوَأُكُمْ
الْتَّارُ وَمَا لَكُمْ مِّنْ نَّصِيرِينَ ﴿٢٥﴾

(۲۶) لوط به او ایمان آورد و [ابراهیم] گفت: «من به سوی پروردگارم [به سرزمین شام] هجرت می‌کنم. بی‌تردید، او شکست‌ناپذیر حکیم است».

فَقَامَنَّ لَهُ لُوطٌ وَقَالَ إِنِّي
مُهَاجِرٌ إِلَىٰ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ
الْحَكِيمُ ﴿٢٦﴾

(۲۷) و اسحاق و یعقوب را به او بخشیدیم و میان فرزندان، نبوت و کتاب [آسمانی] قرار دادیم و پاداشش را در این دنیا دادیم؛ و یقیناً او در آخرت [نیز] از شایستگان خواهد بود.

وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ
وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِ النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ
وَعَاقِبَتُهُ أَجْرُهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي
الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ ﴿٢٧﴾

(۲۸) و [یاد کن از] لوط هنگامی که به قومش گفت: «واقعاً کار بسیار زشتی می‌کنید که پیش از شما هیچ‌یک از [مردم] جهان، آن را انجام نداده است».

وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ إِنَّكُمْ
لِتَأْتُونَ الْفَلْحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ
بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِّنَ الْعَالَمِينَ ﴿٢٨﴾

(۲۹) آیا با مردان می‌آمیزید و [به قصد تجاوز به مسافران] راه را می‌بندید و در محافل عمومی خود مرتکب کارهای ناپسند می‌شوید؟» پاسخ قومش جز این نبود که گفتند: «اگر راستگویی، عذاب الهی را پیش آور».

أَيِّنْكُمْ لِتَأْتُونَ الرِّجَالَ وَتَقْطَعُونَ
السَّبِيلَ وَتَأْتُونَ فِي نَادِيكُمُ
الْمُنْكَرَ ۗ فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ ۗ إِلَّا
أَن قَالُوا أَتَيْنَا بِعَذَابِ اللَّهِ إِنْ
كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿٢٩﴾

قَالَ رَبِّ أَنْصُرْنِي عَلَى الْقَوْمِ (۳۰) [لوط] گفت: «پروردگارا، مرا در برابر
الْمُفْسِدِينَ ﴿۳۰﴾ مفسدان یاری کن.»

وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلَنَا إِبْرَاهِيمَ (۳۱) و هنگامی که فرستادگان ما به ابراهیم
بشارت [تولد پسرش اسحاق را] دادند، به او
گفتند: «ما ساکنان شهر [سدوم] را قطعاً نابود
خواهیم کرد؛ [چرا که] بی‌تردید، مردم آنجا
ظالمین ﴿۳۱﴾ ستمکارند.»

قَالَ إِنَّ فِيهَا لُوطًا قَالُوا نَحْنُ
أَعْلَمُ بِمَنْ فِيهَا لَنُنَجِّيَنَّهُ
وَأَهْلَهُ إِلَّا أُمَّرَأَتَهُ كَانَتْ
مِنَ الْعَاقِرِينَ ﴿۳۲﴾
[ابراهیم] گفت: «لوط [نیز] در
آنجاست». فرشتگان گفتند: «ما بهتر می‌دانیم
چه کسانی در آنجا هستند. او و خانواده‌اش را
حتماً نجات خواهیم داد؛ مگر همسرش، که از
بازماندگان [در عذاب] خواهد بود.»

وَلَمَّا أَنْ جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سَيِّئًا (۳۳) و چون فرستادگان ما نزد لوط آمدند، از
بِهِمْ وَصَاقَ بِهِمْ ذُرْعًا وَقَالُوا لَا
تَخَفْ وَلَا تَحْزَنْ إِنَّا مُنْجُوكَ
وَأَهْلَكَ إِلَّا أُمَّرَأَتَكَ كَانَتْ
مِنَ الْعَاقِرِينَ ﴿۳۳﴾
[تصور بی‌شرمی قومش نسبت به] آنان نگران و
دل‌تنگ شد؛ و [فرشتگان] گفتند: «نترس و
اندوهگین نباش. ما تو و خانواده‌ات را حتماً
نجات می‌دهیم؛ مگر همسرت را که از
بازماندگان [در عذاب] است.»

إِنَّا مُنْزِلُونَ عَلَىٰ أَهْلِ هَذِهِ الْقَرْيَةِ
رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا
يَفْسُقُونَ ﴿۳۴﴾
(۳۴) ما بر ساکنان این شهر - به کیفر آنکه
نافرمانی [و گناه] کرده‌اند- عذابی از آسمان
فرود می‌آوریم.»

وَلَقَدْ تَرَكْنَا مِنْهَا آيَةً بَيِّنَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿٣٥﴾
 و در حقیقت، ما از آن شهر [ویران شده]،
 نشانه [و عبرت] آشکاری، برای کسانی که
 می‌اندیشند باقی گذاشتیم.

وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا فَقَالَ
 يٰقَوْمِ أَعْبُدُوا اللَّهَ وَأَرْجُوا الْيَوْمَ
 الْآخِرَ وَلَا تَعْتَوْا فِي الْأَرْضِ
 مُفْسِدِينَ ﴿٣٦﴾
 و به سوی [ساکنان] مَدْيَن، برادرشان
 شعیب [را فرستادیم]. او گفت: «ای قوم من،
 الله را عبادت کنید و به روز بازپسین امیدوار
 باشید و در زمین به فساد [و تباهی] نکوشید».

فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ
 فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَثِيمِينَ ﴿٣٧﴾
 و لی او را دروغگو انگاشتند و زلزله
 سختی آنان را فراگرفت؛ آنگاه در خانه‌های
 خود به روی افتادند و هلاک شدند.

وَعَادًا وَثَمُودًا وَقَدْ تَبَيَّنَ لَكُمْ
 مِّنْ مَّسْكِنِهِمْ ۗ وَرِئِينَ لَهُمْ
 الشَّيْطٰنُ أَعْمَلَهُمْ فَوَضَّعَهُمْ عَن
 السَّبِيلِ وَكَانُوا مُسْتَبْصِرِينَ ﴿٣٨﴾
 و [قوم] عاد و ثمود را [نیز هلاک کردیم]
 و یقیناً برخی از خانه‌های [ویران شده] آنان
 برایتان نمایان است؛ و شیطان کارهایشان را در
 نظرشان بیاراست و آنان را از راه [حق]
 بازداشت؛ در حالی که [نسبت به حق و باطل]
 بینا بودند.

وَقُرُونًا وَفِرْعَوْنَ ۗ وَهَلْمُنَّ ۗ وَلَقَدْ
 جَاءَهُمْ مُّوسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ
 فَأَسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانُوا
 سٰلِقِينَ ﴿٣٩﴾
 و قارون و فرعون و هامان را [نیز نابود
 کردیم]؛ و به راستی، موسی دلایل روشن
 برایشان آورد؛ اما آنان در سرزمین [مصر]
 سرکشی کردند؛ ولی [از عذاب الهی] پیشی
 نگرفتند [و راه فرار نداشتند].

فَكَلَّا أَخَذْنَا بِذَنبِهِ^{٤٠} فَمِنْهُمْ مَن
 أَرْسَلْنَا عَلَيْهِ حَاصِبًا وَمِنْهُمْ مَن
 أَخَذَتْهُ الصَّيْحَةُ وَمِنْهُمْ مَن
 حَسَفْنَا بِهِ الْأَرْضَ وَمِنْهُمْ مَن
 أَغْرَقْنَا وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُظْلِمَهُمْ
 وَلَكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ
 يَظْلِمُونَ ﴿٤١﴾

مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ
 أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ
 بَيْتًا^{٤١} وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ
 الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿٤٢﴾

(۴۱) مثل کسانی که به جای الله دوستانی [از
 سنگ و چوب و مردگان را به عنوان شفاعتگر]
 برای خود برگزیده‌اند، همچون مثل عنكبوت
 است که خانه‌ای [بی‌دوام را به عنوان پناهگاه
 خویش] برگزیده است؛ و بی‌تردید، سست‌ترین
 خانه‌ها، خانه عنكبوت است. اگر [مشرکان این
 حقیقت را] می‌دانستند، [معبودان باطل را به
 عبادت نمی‌گرفتند].

إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يَدْعُونَ مِنْ
 دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ^{٤٣} وَهُوَ الْعَزِيزُ
 الْحَكِيمُ ﴿٤٤﴾

وَتِلْكَ الْأَمْثَلُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ^{٤٣}
 وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ ﴿٤٤﴾

(۴۳) این مثل‌ها را برای مردم می‌زنیم و جز
 دانایان کسی آنها را در نمی‌یابد.

(۴۴) خَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِأَلْحَقٍّ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ ﴿٤٤﴾
 (۴۴) خَلَقَ اللَّهُ آسْمَانَهَا وَ زَمِينَ رَا بَه حَقِّ آفَرِيد. بِي تَرْدِيد، دَر اَيْن [آفَرِينَش]، نَشَانَه آي [اَز قَدْرَتِ الْهِي] بَرَاي مَوْمَانِ اسْت.

أَتْلُ مَا أُوْحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ ﴿٤٥﴾
 (۴۵) [ای پیامبر]، آنچه را از این کتاب بر تو وحی شده است تلاوت کن و نماز برپا دار. به راستی که نماز، انسان را از گناه و زشتکاری باز می دارد؛ و البته یاد الله [از هر کاری] بالاتر است؛ و الله می داند که چه می کنید.

وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَأَنْزَلَ إِلَيْكُمُ وَاللَّهُ وَ إِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ﴿٤٦﴾
 (۴۶) [ای مؤمنان]، با اهل کتاب جز به بهترین شیوه بحث و مناظره نکنید - مگر با کسانی از آنان که ستم کردند [و با شما به جنگ برخاستند] - و بگویید: «ما به تمام آنچه [از سوی الله] بر ما و شما نازل شده است ایمان آورده ایم و معبود ما و شما یکی است و ما تسلیم [فرمان] او هستیم».

وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ فَالَّذِينَ آتَيْنَهُمُ الْكِتَابَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمِنْ هَؤُلَاءِ مَنْ يُؤْمِنُ بِهِ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الْكَافِرُونَ ﴿٤٧﴾
 (۴۷) و همان گونه [که به پیامبران پیشین کتاب آسمانی فرو فرستادیم] این کتاب را [نیز] بر تو نازل کردیم؛ کسانی که [پیش از تو] به آنان کتاب [آسمانی] دادیم به این [قرآن نیز] ایمان می آورند و از اینان [= مشرکان قریش] کسانی هستند که به آن ایمان می آورند؛ و جز کافران [کسی] آیات ما را انکار نمی کند.

وَمَا كُنْتَ تَتْلُوا مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَلَا تَخُطُّهُ بِيَمِينِكَ إِذًا لِأَرْتَابِ الْمُبْطُلُونَ ﴿٤٨﴾

(۴۸) و پیش از [نزول] قرآن، تو [هرگز] هیچ کتابی نمی‌خواندی و با دست خود چیزی نمی‌نوشتی؛ وگرنه، قطعاً باطل‌اندیشان [درباره] صحت پیامبری‌ات [تردید می‌کردند].

بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوْتُوا الْعِلْمَ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الظَّالِمُونَ ﴿٤٩﴾

(۴۹) بلکه آن [کتاب، شامل] آیات روشنی است که در سینه دانشوران [مؤمن] جای دارد؛ و جز ستمکاران [مشرک، کسی] آیات ما را انکار نمی‌کند.

وَقَالُوا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَاتٌ مِّن رَّبِّهِ قُلْ إِنَّمَا الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿٥٠﴾

(۵۰) و [مشرکان] گفتند: «چرا معجزاتی از سوی پروردگارش بر او نازل نشده است؟» بگو: «معجزات نزد الله است [و به فرمان او نازل می‌شود] و من فقط بیم‌دهنده‌ای آشکارم».

أَلَمْ يَكْفِهِمْ أَنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَرَحْمَةً وَذِكْرَىٰ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٥١﴾

(۵۱) آیا برایشان کافی نیست که ما قرآن را بر تو نازل کردیم که [پیوسته] بر آنان خوانده می‌شود؟ بی‌گمان، در این [قرآن] برای مردمی که ایمان می‌آورند، رحمت و پند است.

قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ شَهِيدًا يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالَّذِينَ آمَنُوا بِالْبَاطِلِ وَكَفَرُوا بِاللَّهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿٥٢﴾

(۵۲) بگو: «همین بس که الله میان من و شما گواه است. او تعالی آنچه را که در آسمان‌ها و زمین است می‌داند؛ و کسانی که به باطل گرویده‌اند و به الله کفر ورزیده‌اند، زیانکارانند».

وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَوْلَا أَجَلٌ مُّسَمًّى لَّجَاءَهُمُ الْعَذَابُ وَلَيَأْتِيَنَّهُمْ بَعْتَةٌ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿۵۳﴾

(۵۳) و [مشرکان] به شتاب از تو درخواستِ عذاب می‌کنند؛ و اگر موعد مقرر [برای عذابشان] نبود، یقیناً عذاب [الهی] به [سراغ] آنان می‌آمد و [سرانجام] در حالی که غافلند، ناگهان به سراغشان خواهد آمد.

يَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ ﴿۵۴﴾

(۵۴) و [مشرکان] به شتاب از تو درخواستِ عذاب می‌کنند، و یقیناً دوزخ بر کافران احاطه دارد.

يَوْمَ يَغْشَاهُمْ الْعَذَابُ مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ وَيَقُولُ ذُقُوا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿۵۵﴾

(۵۵) روزی که عذاب، از بالای سر و زیر پایشان آنان را فرامی‌گیرد و [الله به آنان] می‌فرماید: «[کیفر] آنچه را انجام می‌دادید بچشید».

يَعْبَادِي الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةٌ فَإِنِّي فَاعْبُدُونِ ﴿۵۶﴾

(۵۶) «ای بندگان من که ایمان آورده‌اید، بی‌گمان، زمین من گسترده است؛ [پس برای رهایی از فشار مشرکان، هجرت کنید] و تنها مرا عبادت کنید».

كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ثُمَّ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ ﴿۵۷﴾

(۵۷) هر کسی چشنده [طعم] مرگ است؛ آنگاه به سوی ما بازگردانده می‌شود.

وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُبَوِّئَنَّهُمْ مِنَ الْجَنَّةِ غُرَفًا تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا

(۵۸) و کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند، قطعاً آنان را در غرفه‌هایی از بهشت جای می‌دهیم که جویبارها از زیر آن جاری است. جاودانه در آن خواهند

ماند. چه نیکوست پاداش عمل‌کنندگان!

نِعْمَ أَجْرُ الْعَمَلِينَ ﴿٥٨﴾

(۵۹) [همان] کسانی که شکیبایی ورزیدند و تنها بر پروردگارشان توکل می‌کنند.

الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ﴿٥٩﴾

(۶۰) و چه بسیار جاندارانی که [نمی‌توانند] روزی خود را حمل [یا ذخیره] کنند. الله به آنها و شما روزی می‌دهد و او شنوای داناست.

وَكَايِنٍ مِّنْ دَابَّةٍ لَا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٦٠﴾

(۶۱) و اگر از آنان [= مشرکان] بپرسی: «چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفریده و خورشید و ماه را به خدمت [انسان] گماشته است؟» مسلماً می‌گویند: «الله»؛ پس چگونه [از حق] رویگردان می‌شوند؟

وَلَئِن سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ فَأَلَّىٰ يُؤْفَكُونَ ﴿٦١﴾

(۶۲) الله [نعمت و] روزی را برای هر کس که بخواهد می‌گشاید و [یا] تنگ می‌گرداند. بی‌تردید، الله به هر چیزی داناست.

اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٦٢﴾

(۶۳) و اگر از آنان بپرسی: «چه کسی از آسمان باران فرستاد و به وسیله آن، زمین را - پس از خشکی و خزان - زنده کرد؟»، مسلماً می‌گویند: «الله». بگو: «حمد و ستایش مخصوص الله است»؛ بلکه بیشتر آنان [در این نشانه‌ها] نمی‌اندیشند.

وَلَئِن سَأَلْتَهُمْ مَنْ نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِ مَوْتِهَا لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ ﴿٦٣﴾

وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ
وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ
الْحَيَاةُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿٦٤﴾

(۶۴) و این زندگی دنیا [چیزی] جز سرگرمی و بازیچه نیست؛ و بی‌تردید، سرای آخرت زندگانی [راستین و همیشگی] است. اگر [کافران این حقیقت را] می‌دانستند [دل به دنیا نبسته بودند].

فَإِذَا رَكبُوا فِي الْفُلِكِ دَعَوْا اللَّهَ
مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ
إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ ﴿٦٥﴾

(۶۵) وقتی [مشرکان] در کشتی سوار می‌شوند، الله را با اخلاص می‌خوانند؛ اما چون آنان را به خشکی می‌رساند و [از خطر] غرق‌شدن [می‌رهاند، آنگاه [باز هم] شرک می‌ورزند.

لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ
وَلِيَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿٦٦﴾

(۶۶) [چنین می‌کنند] تا نسبت به نعمت‌هایی که به آنان داده‌ایم ناسپاسی کنند و [از لذت‌های زندگی دنیا] بهره‌مند باشند. به زودی [سرانجام در دناکشان را] خواهند دانست.

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا
وَيَتَخَطَّفُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ
أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَةِ اللَّهِ
يَكْفُرُونَ ﴿٦٧﴾

(۶۷) آیا ندیده‌اند در حالی که مردم پیرامونشان [گرفتارِ قتل و غارت هستند و] مورد دستبرد قرار می‌گیرند، ما حرم امنی [برای مردم مکه] پدید آورده‌ایم؟ آیا [باز هم] به [معبودهای] باطل ایمان می‌آورند و نسبت به نعمت الله ناسپاسی می‌کنند؟

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ
كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُ

(۶۸) و کیست ستمکارتر از آن که بر الله دروغ می‌بندد یا حق را - آنگاه که به او می‌رسد -

أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ ﴿٦٨﴾
 دروغ می‌انگارد؟ آیا در دوزخ جایگاهی برای
 کافران نیست؟

وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ
 الْمُحْسِنِينَ ﴿٦٩﴾
 (۶۹) کسانی که در راه [خشنودی] ما
 می‌کوشند، قطعاً آنان را به راه‌های خویش
 هدایت می‌کنیم و بی‌تردید، الله با نیکوکاران
 است.

سُورَةُ الرَّوْمِ

سورة روم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

الْم ﴿١﴾

(۱) الم [= الف. لام. میم].

غَلَبَتِ الْأَرُومُ ﴿٢﴾

(۲) رومیان [در جنگ با فارس] شکست خوردند.

فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِّنْ بَعْدِ

(۳) در نزدیکترین سرزمین [مرزی شام با فارس]؛ و آنان پس از شکستشان، [در نبردی دیگر] پیروز خواهند شد؛

غَلَبِهِمْ سَيَعْلَبُونَ ﴿٣﴾

(۴) در چند سال [آینده]. چه قبل و چه بعد از این [پیروزی، سررشته] کار در اختیار الله است؛ و در آن روز، مؤمنان شادمان می گردند.

فِي بَضْعِ سِنِينَ ۗ لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَمِنْ بَعْدِ ۗ وَيَوْمَئِذٍ يُفْرِحُ الْمُؤْمِنُونَ ﴿٤﴾

(۵) [این شادی]، به خاطر یاری رساندن الله [به اهل کتاب] است؛ و او تعالی هر کس را که خواهد یاری می کند و او شکستناپذیر مهربان است.

يَنْصُرِ اللَّهُ يَنْصُرُ مَن يَشَاءُ ۗ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿٥﴾

(۶) [این پیروزی] وعده الله است [و] الله هرگز از وعده خود تخلف نمی کند؛ ولی بیشتر مردم نمی دانند.

وَعَدَ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ ۗ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٦﴾

يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا (۷) آنان فقط ظاهری از زندگی دنیا را می‌دانند و از آخرت غافلند. ﴿۷﴾

أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِمْ ۗ مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى ۗ وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ بِلِقَائِ رَبِّهِمْ لَكَافِرُونَ ﴿۸﴾

(۸) آیا با خود نمی‌اندیشند که الله آسمان‌ها و زمین و آنچه را که میان آنهاست، جز به حق و برای مدت معینی نیافریده است؟ بی‌تردید، بسیاری از مردم به دیدار پروردگارشان [در قیامت] باور ندارند.

أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ ۖ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَأَثَارُوا الْأَرْضَ وَعَمَرُوهَا أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ ۖ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَٰكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿۹﴾

(۹) آیا [مشرکان] در زمین گشت و گذار نکرده‌اند تا ببینند سرانجام کسانی که پیش از آنان بودند چگونه بوده است؟ آنها بسیار نیرومندتر از اینان بودند و زمین را [برای کشاورزی و عمران]، بیش از اینان دگرگون ساختند و آباد کردند؛ و پیامبرانشان با دلایل روشن به سراغشان آمدند [اما آنان انکار کردند و نابود شدند]. الله هرگز بر آن نبود که به آنان ستم کند؛ بلکه آنان خود به خویشتن ستم می‌کردند.

ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا السُّوْءَىٰ ۗ إِنَّ كَذِبُوهَا بَيِّنَاتٍ ۗ اللَّهُ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِءُونَ ﴿۱۰﴾

(۱۰) آنگاه سرانجام کسانی که بدی کرده بودند، بسیار بدتر شد؛ چرا که آیات الله را دروغ می‌انگاشتند و آنها را به تمسخر می‌گرفتند.

اللَّهُ يَبْدُوُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَثُمَّ
إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿١١﴾

(۱۱) الله آفرینش مخلوقات را آغاز می‌کند؛ سپس آنان را [پس از مرگشان] باز می‌گرداند؛ آنگاه [در قیامت، همگی] به سویش بازگردانده می‌شوید.

وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُبْلِسُ
الْمُجْرِمُونَ ﴿١٢﴾

(۱۲) روزی که قیامت بر پا گردد، گناهکاران [از رحمت الهی] ناامید می‌شوند.

وَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ مِّنْ شُرَكَائِهِمْ
شُفَعَاؤُاْ وَكَانُواْ بِشُرَكَائِهِمْ
كَفَرِينَ ﴿١٣﴾

(۱۳) [در آن روز،] مشرکان از بین معبودان خود [که عبادت می‌کردند] هیچ شفاعتگری نخواهند داشت و نسبت به معبودانشان [که آنها را همتای الله قرار داده بودند] کفر می‌ورزند.

وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُؤْمِنُونَ
يَتَفَرَّقُونَ ﴿١٤﴾

(۱۴) روزی که قیامت برپا گردد، [مردم بر اساس کارهایشان] از یکدیگر جدا می‌شوند.

فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ
الصَّالِحَاتِ فَهُمْ فِي رَوْضَةٍ
يُحْبَرُونَ ﴿١٥﴾

(۱۵) اما کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند، در بوستانی [از بهشت] شادمان می‌گردند.

وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُواْ وَكَذَّبُواْ
بِآيَاتِنَا وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ فَأُولَٰئِكَ
فِي الْعَذَابِ مُحْضَرُونَ ﴿١٦﴾

(۱۶) و اما کسانی که کفر ورزیدند و آیات ما و دیدارمان در آخرت را تکذیب کردند، در عذاب [دوزخ] احضار می‌شوند.

فَسُبْحٰنَ اللّٰهِ حِيْنَ تُمْسُونَ ﴿١٧﴾

(۱۷) پس الله را به پاکی ستایش کنید، آنگاه

وَجِئْنَا تُصْبِحُونَ ﴿۱۷﴾

که به شب درمی‌آیید و آن دم که به صبح می‌رسید

وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
وَعَشِيًّا وَجِئْنَا تُظْهِرُونَ ﴿۱۸﴾

(۱۸) و عصرگاهان و هنگامی که به نیمروز می‌رسید؛ و حمد و ستایش در آسمان‌ها و زمین از آن اوست.

يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ
الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِي الْأَرْضَ
بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذَلِكَ تُخْرَجُونَ ﴿۱۹﴾

(۱۹) او تعالی [موجود] زنده را از [ماده] بی‌جان [= نطفه] پدید می‌آورد و [ماده] بی‌جان را از [موجود] زنده خارج می‌سازد؛ و زمین را - پس از خشکی و خزان - زنده می‌سازد؛ و [شما نیز روز قیامت،] اینچنین برانگیخته می‌شوید.

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ
تُرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ
تَنْتَشِرُونَ ﴿۲۰﴾

(۲۰) و [یکی دیگر] از نشانه‌های او تعالی [این] است که شما را از خاک آفرید، سپس انسان‌هایی شدید [که تولید مثل کردید و در زمین] پراکنده گشتید.

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ
أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا
وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ
فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ
يَتَفَكَّرُونَ ﴿۲۱﴾

(۲۱) و از [دیگر] نشانه‌های او [این] است که از جنس خود شما همسرانی برایتان آفرید تا در کنارشان آرام گیرید و در میانتان محبت و مهربانی قرار داد. بی‌گمان، در این [نعمت،] نشانه‌هایی است [از قدرت پروردگار] برای مردمی که تفکر می‌کنند.

(۲۲) و از [دیگر] نشانه‌های او تعالی، آفرینش

وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَوَاتِ

وَالْأَرْضِ وَآخْتَلَفُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ ﴿٢٢﴾

آسمان‌ها و زمین و اختلاف زبان‌ها و رنگ‌های شماسست. بی‌تردید، در این [امور] نشانه‌هایی [از قدرت پروردگار] برای دانشوران است.

وَمِنْ آيَاتِهِ مَنَامُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَآيَاتُكُمْ مِّنْ فَضْلِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ ﴿٢٣﴾

(۲۳) و [یکی دیگر] از نشانه‌های او، خواب شما در شب و روز و تلاشتان برای بهره‌گیری از بخشش پروردگار [و تأمین معاش] است. بی‌گمان، در این امور، برای مردمی که گوش شنوا دارند، نشانه‌هایی [از قدرت پروردگار] است.

وَمِنْ آيَاتِهِ يُرِيكُمُ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُحْيِي بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿٢٤﴾

(۲۴) و از [دیگر] نشانه‌های او [این] است که برق را برای ترس [از صاعقه] و امید [به باران]، به شما نشان می‌دهد و آبی از آسمان می‌فرستد و زمین را - پس از خشکی و خزان - با آن زنده می‌سازد. بی‌گمان، در این امور، برای مردمی که می‌اندیشند، نشانه‌هایی [از قدرت پروردگار] است.

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ تَقُومَ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ بِأَمْرِهِ ثُمَّ إِذَا دَعَاكُم دَعْوَةً مِّنَ الْأَرْضِ إِذَا أَنْتُمْ تَخْرُجُونَ ﴿٢٥﴾

(۲۵) و از نشانه‌های او [این] است که آسمان‌ها و زمین به فرمانش برپاست و [روز قیامت] هنگامی که با ندایی شما را از زمین فرا می‌خواند، ناگهان [همگی از گورها] بیرون می‌آید.

وَلَهُ مَن فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ

(۲۶) هر کس [و هر چه] در آسمان‌ها و زمین

است از آنِ الله است و همگی [تسلیم و] فرمانبردارِ او هستند.

كُلُّ لَهُ وَقَلْبُونَ ﴿٣٦﴾

(۲۷) او همان ذاتی است که آفرینش مخلوقات را آغاز می‌کند، سپس آنان را [پس از مرگشان] بازمی‌گرداند و این کار برایش آسان‌تر [از آفرینش نخستین] است؛ و برترین صفت در آسمان‌ها و زمین برای اوست و او تعالی شکست‌ناپذیرِ حکیم است.

وَهُوَ الَّذِي يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَهُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِ وَلَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٣٧﴾

(۲۸) [ای مشرکان،] الله برای شما از خودتان مثالی می‌آورد: آیا از بردگانتان کسی هست که در اموالی که به شما داده‌ایم شریکتان باشد؛ چنان که هر دو [در برخورداری از آن اموال،] یکسان باشید و همان طور که [به خاطر تصرف مال] از یکدیگر بیم دارید، از آنان نیز بیم داشته باشید؟ [حال که چنین نیست، پس چرا بندگان و مخلوقات الله را با او شریک می‌دانید؟] ما آیات خویش را برای کسانی که می‌اندیشند، اینچنین به روشنی بیان می‌کنیم.

صَرَبَ لَكُمْ مَثَلًا مِّنْ أَنْفُسِكُمْ ۗ هَلْ لَكُمْ مِّنْ مَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِّنْ شُرَكَاءَ فِي مَا رَزَقْنَاكُمْ فَأَنْتُمْ فِيهِ سَوَاءٌ تَخَافُونَهُمْ كَخِيفَتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ ۗ كَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿٣٨﴾

(۲۹) [دلیل شرک، کمبود دلایل توحیدی نیست؛] بلکه ستمکاران بدون علم و آگاهی، از هوی و هوس خود پیروی می‌کنند؛ پس کسی را که الله گمراه کرده است چه کسی هدایت می‌کند؟ و آنان [در برابر عذاب الهی] هیچ یآوری نخواهند داشت.

بَلِ اتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَهْوَاءَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ ۖ فَمَنْ يَهْدِي مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ ۗ وَمَا لَهُمْ مِّنْ نَّاصِرِينَ ﴿٣٩﴾

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ لَدِينِ حَنِيفًا ۖ فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَٰلِكَ الدِّينُ الْقَیِّمُ وَلَٰكِنَّا أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿۳۰﴾

[ای پیامبر،] حقگرایانه و خالصانه به این دین روی آور. [این آیین پاک،] اسلام است که الله فطرت مردم را بر اساس آن سرشته است. هیچ تغییری در آفرینشِ الله نیست. این است [راه راست و] دین استوار؛ ولی بیشتر مردم [حقیقت را] نمی دانند.

۞ مُبَيِّنَ إِلَيْهِ وَآتَوْهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿۳۱﴾

[ای مؤمنان،] به درگاه پروردگار توبه کنید و [به سوی او بازگردید و از او پروا کنید و نماز برپا دارید و از مشرکان نباشید.

مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا ۗ كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ ﴿۳۲﴾

[از کسانی [نباشید] که در دینشان تفرقه ایجاد کردند و دسته‌دسته شدند و هر گروهی به آنچه نزد خویش دارند خوشنودند.

وَإِذَا مَسَّ النَّاسَ ضُرٌّ دَعَوْا رَبَّهُمْ مُنِيبِينَ إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا أَذَاقَهُمْ مِنْهُ رَحْمَةً إِذَا فَرِيقٌ مِّنْهُمْ بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ ﴿۳۳﴾

[هنگامی که به مردم [رنج و] زبانی برسد، زاری کنان پروردگارشان را می خوانند؛ سپس چون [الله] رحمتی از جانب خویش به آنان بچشاند [و گره از کارشان بگشاید]، آنگاه گروهی از آنان به پروردگارشان شرک می آورند

لِيَكْفُرُوا بِمَا ءَاتَيْنَاهُمْ ۖ فَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ﴿۳۴﴾

[تا به آنچه که به آنان داده ایم ناسپاسی کنند. [از لذت‌های دنیوی] بهره بگیرید که به زودی [نتیجه] کردارتان را] خواهید دانست.

أَمْ أَنْزَلْنَا عَلَيْهِمْ سُلْطٰنًا فَهُوَ

[۳۵] آیا [در کتاب‌های آسمانی] دلیل محکمی

يَتَكَلَّمُ بِمَا كَانُوا بِهِ يَشْرِكُونَ ﴿٣٥﴾
 بر آنان نازل کرده ایم که از [درستی] آنچه به او
 [= الله] شرک ورزیده اند سخن می گوید [و این
 کار را تأیید می کند]؟

وَإِذَا أَدْفَنَّا لِلنَّاسِ رَحْمَةً فَرِحُوا
 بِهَا وَإِن تُصَبِّهُمُ سَيْئَةٌ بِمَا
 قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ إِذَا هُمْ
 يَقْنَطُونَ ﴿٣٦﴾
 وقتی رحمتی به مردم بچشانیم، از آن
 [بیش از حد] شاد می گردند [و تکبر می ورزند]
 و اگر به سزای کارهایی که می کردند رنج و
 مصیبتی به آنان برسد، [از رحمت الهی و دفع
 بلا] ناامید می شوند.

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ
 لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّ فِي ذَلِكَ
 لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٣٧﴾
 آیا ندیدند که الله [نعمت و] روزی را بر
 هر کس که بخواهد می گشاید و [یا] تنگ
 می گرداند؟ بی گمان، در این [گشایش و
 سختی،] نشانه هایی [از لطف و رحمت
 پروردگار،] برای مؤمنان است.

فَآتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ
 وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ ذَلِكَ
 خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ
 وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿٣٨﴾
 [حق] [صله رَحِم] خویشاوند و [صدقه و
 زکات] مستمند و درراه مانده را ادا کن. این
 [کار] برای کسانی که [خشنودی] الله را
 می طلبند بهتر است و آنان همان رستگارانند.

وَمَا عَآئِتِيْمٌ مِّن رَّبًّا لَّيْرُبُوْا فِي
 اَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرُبُوْا عِنْدَ اللّٰهِ
 وَمَا عَآئِتِيْمٌ مِّن زَكٰوٰةٍ تُرِيْدُوْنَ
 وَجْهَ اللّٰهِ فَاُولٰٓئِكَ هُم
 (۳۹) آنچه از اموال [خود، که به قصد] ربا به
 مردم می دهید تا [با پس گرفتن آن به میزان
 بیشتری بر اموالتان] افزوده گردد، نزد الله
 افزایش نمی یابد و [الی] آنچه برای خشنودی الله
 [به عنوان] زکات می پردازید، [برکت و افزایش

الْمُضْعِفُونَ ﴿۳۹﴾

می‌یابد] و [کسانی که چنین می‌کنند] اینانند که پاداششان [نزد الله] چند برابر می‌گردد.

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَفْعَلُ مِنْ ذَلِكَ مِنْ شَيْءٍ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿۴۰﴾

(۴۰) الله است که شما را آفرید و روزی داد؛ آنگاه شما را می‌میراند و باز [در قیامت] زنده می‌کند. آیا در میان شریکانتان کسی هست که چیزی از این [کارها] را انجام دهد؟ او تعالی منزّه است و از چیزهایی که [با وی] شریک می‌سازند برتر است.

ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿۴۱﴾

(۴۱) به سبب گناهایی که مردم مرتکب شده‌اند، فساد [و تباهی] در خشکی و دریا آشکار گشته است تا [الله] جزای برخی از اعمالشان را به آنان بچشاند؛ باشد که [به سوی حق] بازگردند.

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلُ كَانْ أَكْثَرُهُمْ مُشْرِكِينَ ﴿۴۲﴾

(۴۲) [ای پیامبر، به مشرکان] بگو: «در زمین بگردید تا ببینید سرانجام کسانی که پیش از شما بودند چگونه بوده است؛ بیشتر آنان مشرک بودند [و به همین سبب هلاک شدند]».

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ الْقَيِّمِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا مَرَدَّ لَهُ مِنْ اللَّهِ يَوْمَئِذٍ يَصَّدَّعُونَ ﴿۴۳﴾

(۴۳) به سوی دین مستقیم [و پایدار] روی آور پیش از آنکه روزی از جانب الله فرارسد که برگشت‌ناپذیر است [و قطعاً واقع می‌گردد]. در آن روز، [مردم] پراکنده می‌شوند [سپس گروهی به بهشت می‌روند و گروهی به دوزخ].

مَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ وَ مَنْ
عَمِلَ صَالِحًا فَلَا نَفْسَهُمْ
يَمْهَدُونَ ﴿٤٤﴾

(۴۴) هر کس کفر بورزد، کفرش به زیان
[خود] اوست و هر کس کاری شایسته انجام
دهد، [بهشت را] برای خود آماده می‌سازد.

لِيَجْزِيَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا
الصَّالِحَاتِ مِنْ فَضْلِهِ ۗ إِنَّهُ لَا
يُحِبُّ الْكٰفِرِينَ ﴿٤٥﴾

(۴۵) تا [الله] کسانی را که ایمان آورده‌اند و
کارهای شایسته انجام داده‌اند، از فضل خود
پاداش دهد. بی‌تردید، او تعالی کافران را
دوست ندارد.

وَمِنْ ءَايَاتِهِ ۗ أَنْ يُرْسِلَ الرِّيحَ
مُبَشِّرَاتٍ وَلِيُذِيقَكُمْ مِنْ
رَحْمَتِهِ ۗ وَلِتَجْرِيَ الْفُلُكُ بِأَمْرِهِ ۗ
وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ ۗ وَلِعَلَّكُمْ
تَشْكُرُونَ ﴿٤٦﴾

(۴۶) از نشانه‌های [قدرت] او این است که
بادهای بشارت‌بخش را [با مژده باران]
می‌فرستد تا از رحمت خویش به شما بچشاند و
کشتی‌ها به فرمانش حرکت کنند تا از بخشش
او [روزی] بجویند؛ باشد که شکر به جای
آورید.

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا
إِلَىٰ قَوْمِهِمْ فَجَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ
فَأَنفَقْنَا مِنْ الَّذِينَ أَجْرَمُوا ۗ وَكَانَ
حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٤٧﴾

(۴۷) و در حقیقت، پیش از تو [نیز] پیامبرانی
را به سوی قومشان فرستادیم و آنان با دلایل
روشن نزدشان آمدند [ولی آن دلایل را تکذیب
کردند]؛ سپس از کسانی که مرتکب گناه شده
بودند انتقام گرفتیم [و مؤمنان را نجات دادیم]
و یاری‌دادن مؤمنان [حق] بر عهده ما است.

اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيحَ فَتُثِيرُ
سَحَابًا فَيَبْسُطُهُ فِي السَّمَاءِ

(۴۸) الله است که بادهای را روانه می‌کند و [آنها]
نیز توده [ابری را به حرکت درمی‌آورند و [الله]
آنها را چنان که می‌خواهد در [پهنه] آسمان

می گستراند و به صورت پاره‌هایی درمی‌آورد و باران را می‌بینی که از میان آن [ابرها] بیرون می‌آید؛ و چون [پروردگار مهربان] این [باران] حیات‌بخش] را به هر یک از بندگانش که بخواهد فروبازد، آنگاه است که شادمان می‌شوند.

(۴۹) و قطعاً پیش از آنکه بر آنان بیبارد، [آری] پیش از آن، ناامید بودند.

(۵۰) پس به آثار رحمت الهی بنگر که چگونه زمین را پس از خشکی و خزانش زنده می‌کند. به راستی، اوست که یقیناً زندگی‌بخش مردگان است و او تعالی بر هر چیزی تواناست.

(۵۱) اگر بادی [سوزان] بفرستیم و آن [کشتزارهایشان] را زرد [و پژمرده] ببینند، قطعاً پس از آن، ناسپاسی می‌کنند.

(۵۲) [ای پیامبر]، تو هرگز نمی‌توانی مردگان را شنوا سازی و آوای دعوت [حق را] را به گوش کران برسانی؛ آنگاه که آنان پشت می‌کنند و روی می‌گردانند.

(۵۳) و تو راهنمای کوردلان از گمراهی‌شان نیستی. تو تنها [سخن حق را] به گوش کسانی

كَيْفَ يَشَاءُ وَيَجْعَلُهُ كِسْفًا
فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ
فَإِذَا أَصَابَ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ
عِبَادِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ ﴿٤٩﴾

وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ أَنْ يُنَزَّلَ
عَلَيْهِمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمُبْلِسِينَ ﴿٥٠﴾

فَأَنْظِرْ إِلَىٰ آثَارِ رَحْمَتِ اللَّهِ
كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا
إِنَّ ذَٰلِكَ لَمُحْيِ الْمَوْتَىٰ وَهُوَ عَلَىٰ
كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٥١﴾

وَلَئِنْ أَرْسَلْنَا رِيحًا فَرَأَوْهُ مُصْفَرًا
لَظَلُّوا مِنْ بَعْدِهِ يَكْفُرُونَ ﴿٥٢﴾

فَإِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَىٰ وَلَا تَسْمَعُ
الصَّمَّ الدَّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا
مُدْبِرِينَ ﴿٥٣﴾

وَمَا أَنْتَ بِهَادٍ الْعُمَىٰ عَنِ
صَلَاتِهِمْ إِنْ تَسْمَعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ

می‌رسانی که به آیات ما ایمان دارند و [در برابر فرمان الله] تسلیمند.

بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ ﴿۵۳﴾

(۵۴) الله است که شما را از [آب] بی‌ارزشی آفرید؛ سپس بعد از ناتوانی [دوران خردسالی]، نیرومندی بخشید؛ آنگاه پس از نیرومندی، ضعف و کهنسالی پدید آورد. او هر چه بخواهد می‌آفریند و او دانای تواناست.

۞ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ ﴿۵۴﴾

(۵۵) و روزی که قیامت برپا گردد، گناهکاران سوگند یاد می‌کنند که جز ساعتی [در گور] درنگ نکرده‌اند. آنان [در دنیا نیز] این گونه به انحراف کشیده می‌شدند.

وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُقْسِمُ الْمُجْرِمُونَ مَا لَبِئُوا غَيْرَ سَاعَةٍ كَذَلِكَ كَانُوا يُؤْفَكُونَ ﴿۵۵﴾

(۵۶) و کسانی که به آنان دانش و ایمان داده شده است [به گناهکاران] می‌گویند: «بی‌تردید، شما [بر اساس آنچه] در کتاب الله [مقدر بوده است] تا روز رستاخیز درنگ کرده‌اید. پس این روز رستاخیز است؛ اما شما نمی‌دانستید [و آن را انکار می‌کردید]».

وَقَالَ الَّذِينَ أَوْتُوا الْعِلْمَ وَالْإِيمَانَ لَقَدْ لَبِئْتُمْ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِلَى يَوْمِ الْبَعْثِ فَهَذَا يَوْمُ الْبَعْثِ وَلَكِنَّكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿۵۶﴾

(۵۷) در آن روز، عذرخواهی کسانی که ستم کرده‌اند سودی ندارد و از آنان خواسته نمی‌شود که [برای به دست آوردن خشنودی الله] عذرخواهی کنند.

فَيَوْمَئِذٍ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَعذِرَتُهُمْ وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ ﴿۵۷﴾

وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَلَئِنْ جِئْتَهُمْ بِآيَةٍ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا مُبْطِلُونَ ﴿٥٨﴾

(۵۸) به راستی که در این قرآن، از هر گونه مثلی برای مردم آوردیم؛ و اگر نشانه‌ای [در مورد راستگویی‌ات] برایشان بیاوری، کسانی که کفر ورزیدند می‌گویند: «شما باطل‌اندیشانی بیش نیستید».

كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٥٩﴾

(۵۹) الله بر دل‌های کسانی که [سخن حق را] نمی‌فهمند، این گونه مُهر [غفلت] می‌نهد.

فَأَصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَا يَسْتَخِفُّكَ الَّذِينَ لَا يُوقِنُونَ ﴿٦٠﴾

(۶۰) ای پیامبر، بر آزار و تکذیبِ مشرکان شکمیا باش [که] قطعاً وعده [یاری] الله، حق است؛ و مبادا کسانی که [به رستاخیز] باور ندارند، تو را به [بی‌صبری و] سبکسری وادار کنند.

سُورَةُ لُقْمَانَ

سورة لقمان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

الْم ﴿١﴾

(۱) الم [= الف. لام. میم].

تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ ﴿٢﴾

(۲) این آیات کتاب حکیم است.

هُدًى وَرَحْمَةً لِّلْمُحْسِنِينَ ﴿٣﴾

(۳) [که] هدایت و رحمتی برای نیکوکاران است.

الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ
الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ

(۴) همان کسانی که نماز برپا می‌دارند و زکات می‌پردازند و به آخرت یقین دارند.

يُوقِنُونَ ﴿٤﴾

أُولَئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ
وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿٥﴾

(۵) آنان از جانب پروردگارشان از هدایتی برخوردارند و آنان قطعاً رستگارند.

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوًا
الْحَدِيثَ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ
بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا
أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ ﴿٦﴾

(۶) و در میان مردم کسی هست که در پی سخن یابو است تا [دیگران را] از روی نادانی، از راه الله گمراه سازد و آن [آیات روشنگر] را به تمسخر می‌گیرد. آنان [که رفتارشان چنین است] عذابی خفت‌بار [در پیش] دارند.

وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا وَوَلَّىٰ
مُستَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا كَأَنَّ

(۷) و هنگامی که آیات ما بر او خوانده می‌شود، متکبرانه روی می‌گرداند؛ گویی آن را نشنیده

فِي أَذُنَيْهِ وَقَرًّا فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿۷﴾

[او] گویی در گوش‌هایش سنگینی است؛ او را به عذابی دردناک بشارت ده.

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ يَرِنَعَتُ [بهشت] برایشان است.

التَّعِيمِ ﴿۸﴾

خَالِدِينَ فِيهَا وَعَدَّ اللَّهُ حَقًّا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿۹﴾

(۹) در آنجا جاودانند. وعده‌الله راست است و او تعالی شکست‌ناپذیر حکیم است.

حَلَقَ السَّمَوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا وَأَلْقَى فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ ﴿۱۰﴾

(۱۰) چنان که می‌بینید، [الله] آسمان‌ها را بدون ستون آفرید و کوه‌های استوار [و محکمی] در زمین پی افکند تا [زمین] شما را نلرزاند و از هر گونه جنبنده‌ای در آن پراکنده ساخت و آبی از آسمان فرستادیم و از هر گونه گیاه زیبا و سودمندی در آن رویاندیم.

هَذَا خَلْقُ اللَّهِ فَأَرُونِي مَاذَا خَلَقَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ ۗ بَلِ الظَّالِمُونَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿۱۱﴾

(۱۱) این آفرینشِ الله است؛ اینک [ای مشرکان،] به من نشان دهید کسانی که غیر از او هستند [و شما آنها را عبادت می‌کنید] چه آفریده‌اند؟ بلکه ستمکاران [مشرک] در گمراهی آشکارند.

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَنْ اشْكُرْ لِلَّهِ وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا

(۱۲) به راستی، ما دانش [فهم دین و تدبیر زندگی] به لقمان بخشیدیم [و به او گفتیم]:

يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ^ط وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ
اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ ﴿١٢﴾

«شکر الله را به جای آور؛ و هر کس شکر
گزارد، تنها به سود خویش شکر گزارده است؛
و هر کس ناسپاسی کند، [بداند که] بی‌تردید،
الله بی‌نیاز ستوده است.

وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ
يُعِظُهُ وَيُبَيِّنُ لَآ تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ
الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ ﴿١٣﴾

(۱۳) و [یاد کن از] آنگاه که لقمان به پسرش
[چنین] پند می‌داد: «پسرم، به الله شرک نیاور
[و کسی یا چیزی را همتایش قرار نده؛ چرا
که] یقیناً شرک، ستم بزرگی است».

وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ
أُمُّهُ وَهَنًا عَلَىٰ وَهْنٍ وَفِصْلُهُ فِي
عَامَيْنِ أَنِ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ
إِلَى الْمَصِيرِ ﴿١٤﴾

(۱۴) ما انسان را [درباره نیکویی] به پدر و
مادرش سفارش کردیم [از آن رو که] مادرش
او را با سستی [و ضعف] روزافزون باردار شد و
[دوران شیرخوارگی و] بازگرفتنش از شیر دو
سال به طول می‌انجامد. [به او گفتیم] که:
«شکر من و پدر و مادرت را به جای آور [که]
بازگشت [همه] به سوی من است.

وَإِنْ جَاهَدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي
مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا
تُطِعْهُمَا^ط وَصَاحِبَهُمَا فِي الدُّنْيَا
مَعْرُوفًا^ط وَأَتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ
إِلَىٰ^ع ثُمَّ إِلَىٰ مَرْجِعِكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ
بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿١٥﴾

(۱۵) و اگر آن دو [مشرک باشند و] تلاش
کنند تو چیزی را شریک من قرار دهی که
نسبت به آن دانشی نداری، [در این صورت] از
آنها اطاعت نکن و [الی] در دنیا با آنان به
شایستگی [و نیکویی] رفتار کن و از راه کسی
پیروی کن که [موحدانه] به سوی من بازآمده
است؛ آنگاه بازگشتتان به سوی من است و شما
را از آنچه انجام می‌دادید آگاه می‌کنم».

(۱۶) [لقمان گفت:] «پسرم، اگر [عمل نیک یا بد] همسنگِ دانه خردل باشد و درون تخته‌سنگی یا در [گوشه‌ای از] آسمان‌ها یا در زمین [نهفته] باشد، الله آن را [روز قیامت به حساب] می‌آورد. بی‌تردید، الله باریک‌بین آگاه است.

(۱۷) پسرم، نماز برپا دار و [مردم را] به نیکی فرمان بده و از کار ناپسند بازدار و بر آنچه [که از سختی‌های این کار] به تو می‌رسد، شکیبا باش. بی‌تردید، انجام این کارها از دستورات اکید الهی است.

(۱۸) و [از روی غرور و تکبر] از مردم روی نگردان و مغرورانه در زمین راه نرو. به راستی که الله هیچ متکبر فخرفروشی را دوست ندارد.

(۱۹) و [در منش و رفتارت] میانه‌رو باش و به آرامی سخن بگو [نه با صدای بلند؛ چرا که] قطعاً زشت‌ترین صدا، صدای خران است.»

(۲۰) [ای مردم،] آیا ندیده‌اید که الله آنچه را در آسمان‌ها و زمین است، به خدمتتان گماشته و [بخشش] نعمت‌های آشکار و پنهان خویش را بر شما تمام کرد؟ [با این حال،] از

يَبْنِيَّ إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ ﴿١٦﴾

يَبْنِيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ ﴿١٧﴾

وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ ﴿١٨﴾

وَأَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَأَعْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ ﴿١٩﴾

أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَهْرَهُ

مردم کسی هست که بدون هیچ دانش و هدایت و کتابِ روشنگری، در [مورد] الله مجادله می‌کند.

وَبَاطِنَةٌ ۖ وَمِنَ اللَّيْسِ مَنْ يُجَادِلُ
فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا
كِتَابٍ مُنِيرٍ ﴿۲۰﴾

(۲۱) و هنگامی که به آنان گفته می‌شود: «از آنچه الله نازل کرده است پیروی کنید» می‌گویند: «[نه]، بلکه از چیزی پیروی می‌کنیم که پدرانمان را بر آن یافتیم». آیا اگر شیطان آنان را به سوی عذاب [آتش] سوزان دعوت کند [باز هم از پدرانشان پیروی می‌کنند؟]

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ
قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا عَلَيْنِهِ
ءَابَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ الشَّيْطَانُ
يَدْعُوهُمْ إِلَىٰ عَذَابِ السَّعِيرِ ﴿۲۱﴾

(۲۲) هر کس [خالصانه] به الله رو کند و نیکوکار باشد، به راستی که به محکم‌ترین دستاویز چنگ زده است؛ و سرانجام کارها به سوی الله است.

وَمَنْ يُسَلِّمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ
وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ
بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ وَإِلَى اللَّهِ عَاقِبَةُ
الْأُمُورِ ﴿۲۲﴾

(۲۳) هر کس کفر ورزید، کفرش تو را غمگین نسازد. بازگشت آنان به سوی ماست؛ آنگاه آنان را از آنچه کرده‌اند آگاه می‌سازیم. بی‌تردید، الله از [راز] دل‌ها آگاه است.

وَمَنْ كَفَرَ فَلَا يَحْزُنكَ كُفْرُهُ ۗ
إِنَّا مَرْجِعُهُمْ فَنُنَبِّئُهُم بِمَا
عَمِلُوا ۗ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ
الصُّدُورِ ﴿۲۳﴾

(۲۴) آنان [= کافران] را اندکی [از نعمت‌های دنیا] بهره‌مند می‌سازیم؛ آنگاه آنان را به [تحمل] عذابی سخت دچار می‌کنیم.

نُمَتِّعُهُمْ قَلِيلًا ثُمَّ نَضْطَرُّهُمْ إِلَىٰ
عَذَابٍ غَلِيظٍ ﴿۲۴﴾

وَلَيْنِ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولَنَّ اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٢٥﴾

(۲۵) و اگر از مشرکان بپرسی: «چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفریده است؟» قطعاً می‌گویند: «الله». بگو: «سپاس [و ستایش] مخصوصِ الله است [که شما را از این حقیقت، آگاه نمود]»؛ بلکه بیشتر آنان نمی‌دانند.

لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَمِيدُ ﴿٢٦﴾

(۲۶) آنچه در آسمان‌ها و زمین است، از آنِ الله است. بی‌تردید، الله بی‌نیاز ستوده است.

وَلَوْ أَنَّمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَمٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَا نَفِدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٧﴾

(۲۷) اگر [همه] درختان روی زمین قلم شود و دریا [مرکب گردد] و هفت دریای دیگر به یاری‌اش بیاید [تا دانش الهی را بنویسند]، سخنانِ الله پایان نمی‌یابد. بی‌تردید، الله شکست‌ناپذیرِ حکیم است.

مَا خَلَقَكُمْ وَلَا بَعَثَكُمْ إِلَّا كُنْفُسٍ وَاحِدَةٍ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ ﴿٢٨﴾

(۲۸) [ای مردم]، آفرینش و برانگیختن شما [در قیامت] همچون [آفرینش] یک نفر بیش نیست. بی‌تردید، الله شنوای بیناست.

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَأَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿٢٩﴾

(۲۹) آیا ندیدی که الله از شب می‌کاهد و بر روز می‌افزاید و از روز می‌کاهد و بر شب می‌افزاید؛ و خورشید و ماه را به خدمت [انسان] گماشته است که هر یک تا زمانی معین در [مدار خود] در حرکت باشد؟ بی‌تردید، الله از آنچه می‌کنید آگاه است.

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الْبَطْلُ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ ﴿٣٠﴾

(۳۰) این [تقدیر و تدبیر]، از آن روست که الله حق است و آنچه جز او [به یاری و دعا] می‌خوانند [همه] باطل است و الله است که بلندمرتبه [و] بزرگ است.

أَلَمْ تَرَ أَنَّ الْفُلْكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِنِعْمَتِ اللَّهِ لِيُرِيَكُمْ مِنْ آيَاتِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ ﴿٣١﴾

(۳۱) آیا ندیدی که کشتی‌ها به [فرمان و] نعمت الله در دریا در حرکتند تا برخی از نشانه‌های خویش را به شما بنمایاند؟ بی‌تردید، در این امر، برای هر شکیبای سپاسگزار، نشانه‌هایی [از قدرت و لطف پروردگار] است.

وَإِذَا غَشِيَهُمْ مَوَّجٌ كَالظَّلْمِ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ فَمِنْهُمْ مُّقْتَصِدٌ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا كُلُّ خَتَّارٍ كَفُورٍ ﴿٣٢﴾

(۳۲) و آنگاه که موجی کوه‌پیکر آنان را احاطه می‌کند، الله را در حالی خالصانه می‌خوانند که دین [و عبادت] را تنها ویژه او می‌دانند؛ اما چون آنان را [از مرگ] رهاوند و به خشکی رسانند، برخی از آنان میانه‌رو [می‌شوند، چنان که باید، سپاس نمی‌گزارند؛ در حالی که برخی دیگر ناسپاسند]؛ و آیات ما را کسی جز پیمان‌شکنان ناسپاس انکار نمی‌کند.

يَأْتِيهَا النَّاسُ آتِفُوا رَبُّكُمْ وَأَخْشَوْا يَوْمًا لَا يَجْزِي وَالِدٌ عَنْ وَلَدِهِ وَلَا مَوْلُودٌ هُوَ جَازٍ عَنْ وَالِدِهِ شَيْئًا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا

(۳۳) ای مردم، از پروردگارتان پروا کنید و از روزی بترسید که نه هیچ پدری برای فرزندش سودی دارد و نه هیچ فرزندی سودرسان پدر است. یقیناً وعده الله [در مورد قیامت] حقیقت دارد؛ پس [هوشیار باشید که لذت‌های] زندگی دنیا شما را نفریبند و شیطان

يَعْرِتْكُمْ بِاللَّهِ الْعَرُورُ ﴿٣٣﴾

شما را نسبت به [تأخیر عذاب و شکیبایی] الله
فرب ندهد.

إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنزِلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ

(۳۴) بی تردید، آگاهی [از زمان وقوع] قیامت، [تنها] نزد الله است و [اوست که] باران نازل می کند و آنچه را که در رَحِمِهاست می داند؛ و کسی نمی داند فردا چه به دست می آورد و هیچ کس آگاه نیست که در کدام سرزمین می میرد. به راستی که الله دانای آگاه است.

خَبِيرٌ ﴿٣٤﴾

سُورَةُ السَّجْدَةِ

سورة سجده

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

الم ﴿۱﴾

(۱) الم [= الف. لام. میم].

تَنْزِيلُ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۲﴾

(۲) نزول این کتاب که در [حقانیت] آن هیچ شکمی نیست، از جانب پروردگار جهانیان است.

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أَتَتْهُمْ مِنْ نَذِيرٍ مِمَّنْ قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ ﴿۳﴾

(۳) [کافران] می‌گویند: «[محمد] آن را به دروغ [به پروردگارش] نسبت می‌دهد». [هرگز چنین نیست؛] بلکه آن [آیات، سخن] حقی از جانب پروردگار توست تا به قومی که پیش از تو [هیچ] بیم‌دهنده‌ای برایشان نیامده است، هشدار دهی؛ باشد که هدایت شوند.

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ مَا لَكُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا شَفِيعٍ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ ﴿۴﴾

(۴) الله همان ذاتی است که آسمان‌ها و زمین و آنچه را که میان آنهاست در شش روز آفرید؛ آنگاه [آن گونه که شایسته جلال و مقام اوست] بر عرش قرار گرفت. شما هیچ کارساز و شفاعتگری جز او ندارید. آیا پند نمی‌گیرید؟

يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يَعْرُجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ مِمَّا

(۵) کار [جهان هستی] را از آسمان تا زمین تدبیر می‌کند. آنگاه در روزی که بلندی‌اش، به حساب شما [انسان‌ها] هزار سال است، [این

تَعُدُّونَ ﴿۵﴾ کارها] به سوی او بالا می‌رود.

ذَلِكَ عَلِيمٌ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ ﴿۶﴾ این [پروردگار شماسست:] دانای پنهان و آشکار، شکست‌ناپذیرِ مهربان. الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿۶﴾

الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ ۗ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِن طِينٍ ﴿۷﴾ [همان] ذاتی که هر چه آفرید، به نیکوترین [شکل] آفرید و آفرینش [نخستین] انسان را از گِل آغاز کرد.

ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِن سُلَالَةٍ مِّن مَّاءٍ مَّهِينٍ ﴿۸﴾ [تداوم] نسل او را از چکیده‌آبی پست [و بی‌قدر] مقرر کرد.

ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِن رُّوحِهِ ۗ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَرَ ۗ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ ﴿۹﴾ [آنگاه [اندام] او را سامان داد و از روح خویش [= روحی که خود آفرید] در وی دمید؛ و [نعمت] گوش و چشم و دل برایتان قرار داد. چه اندک سپاس می‌گزارید!

وَقَالُوا أءَآءَآءَ ضَلَلْنَا فِي الْأَرْضِ أَءِنَّا لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ ۚ بَلْ هُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ كَفُرُونَ ﴿۱۰﴾ [مشرکان] می‌گویند: «آیا وقتی [مردیم] و [در زمین] تبدیل به خاک و [ناپدید شدیم، آفرینش جدیدی خواهیم یافت؟» بلکه آنان دیدار پروردگارشان را منکرند.

قُلْ يَتَوَفَّاكُم مَّلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ ﴿۱۱﴾ [ای پیامبر]، بگو: «فرشته مرگ که بر شما گماشته شده است، جانتان را می‌گیرد؛ آنگاه به سوی پروردگارتان بازگردانده می‌شود».

وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الْمُجْرِمُونَ نَاكِسُوا رُءُوسِهِمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ رَبَّنَا أَبْصَرْنَا وَسَمِعْنَا فَارْجِعْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا إِنَّا مُوقِنُونَ ﴿۱۲﴾

بی تردید، ما [به قیامت] یقین داریم».

وَلَوْ شِئْنَا لَآتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هُدًىٰ وَلَكِنْ حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّي لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ﴿۱۳﴾

فَذُوقُوا بِمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا إِنَّا نَسِينَاكُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿۱۴﴾

إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِرُوا بِهَا خَرُّوا سُجَّدًا وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ ﴿۱۵﴾

تَتَجَافَىٰ جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا

(۱۲) و چون [در قیامت] گناهکاران را در پیشگاه پروردگارشان بینی سر به زیر افکنده‌اند [و می‌گویند:] «پروردگارا، [اکنون حقیقت را] دیدیم و شنیدیم؛ پس ما را بازگردان تا کاری شایسته انجام دهیم. بی تردید، ما [به قیامت] یقین داریم».

(۱۳) اگر می‌خواستیم، به هر کسی [توفیق و] هدایتش را ارزانی می‌داشتیم؛ لیکن این سخن از جانب من حتمی شده است که: «دوزخ را از همه جنیان و آدمیان [کافر] پر خواهم کرد».

(۱۴) [به آنان گفته می‌شود:] «به سزای آنکه دیدار امروزتان را فراموش کردید، [عذاب سوزان را] بچشید. یقیناً ما [نیز] شما را [در آتش] رها کرده‌ایم و [اکنون] به سزای آنچه می‌کردید، عذاب جاودان را بچشید».

(۱۵) فقط کسانی به آیات ما ایمان می‌آورند که چون به آنها پند داده شوند، به سجده می‌افتند و پروردگارشان را به پاکی می‌ستایند و تکبر نمی‌ورزند.

می‌خوانند و از آنچه به آنان روزی داده‌ایم
انفاق می‌کنند.

رَزَقْنَهُمْ يُنْفِقُونَ ﴿١٦﴾

(۱۷) هیچ کس نمی‌داند به [پاس] آنچه [این
مؤمنان در دنیا] انجام می‌دهند، چه [بسیار
پاداش‌ها که مایه شادمانی و] روشنی
چشم‌هاست، برایشان نهفته است.

فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ
مِّن قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا
يَعْمَلُونَ ﴿١٧﴾

(۱۸) آیا [پاداش] کسی که مؤمن است
همچون کسی است که نافرمان است؟ هرگز
برابر نیستند.

أَقْمَنَ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَن كَانَ
فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ ﴿١٨﴾

(۱۹) اما کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای
شایسته انجام داده‌اند، برایشان باغ‌های
بهشتی [است]؛ [این به عنوان] محلّ پذیرایی از
[آنها] است به [پاس] آنچه می‌کردند.

أَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا
الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَىٰ
نُزُلًا بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٩﴾

(۲۰) و اما کسانی که نافرمانی کردند،
جایگاهشان آتش [دوزخ] است. هر گاه
بخواهند از آن خارج شوند، به آن بازگردانده
می‌شوند و به آنان گفته می‌شود: «بچشید
عذاب آتشی که همواره آن را انکار می‌کردید».

وَأَمَّا الَّذِينَ فَسَقُوا فَمَأْوَاهُمُ النَّارُ
كُلَّمَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا
أُعِيدُوا فِيهَا وَقِيلَ لَهُمْ ذُوقُوا
عَذَابَ النَّارِ الَّتِي كُنْتُمْ بِهِء

تُكَذِّبُونَ ﴿٢٠﴾

(۲۱) یقیناً پیش از عذاب بزرگ [آخرت]، از
عذاب نزدیک [و سختی‌های این دنیا] به آنان
می‌چشانیم؛ باشد که [به درگاه الهی] بازگردند.

وَلَذِيقَتَهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَىٰ
دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ
يَرْجِعُونَ ﴿٢١﴾

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْهَا إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ مُنتَقِمُونَ ﴿۲۲﴾

(۲۲) کیست ستمکارتر از آن کس که به آیات پروردگارش پند داده می‌شود، سپس از آن روی می‌گرداند؟ بی‌تردید، ما از گناهکاران انتقام می‌گیریم.

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَلَا تَكُن فِي مِرْيَةٍ مِّن لِّقَائِهِ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿۲۳﴾

(۲۳) ما به موسی کتاب [تورات] دادیم - پس [ای پیامبر]، در مورد دیدار [خودت با] او [در شب اسراء و معراج] در تردید نباش- و آن [تورات] را رهنمود بنی‌اسرائیل گردانیدیم

وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ ﴿۲۴﴾

(۲۴) و چون آنان [بر عبادت و دوری از گناه] شکیبایی می‌کردند و به آیات ما یقین داشتند، پیشوایانی از میان آنان برگماشتیم که به فرمان ما [مردم را] هدایت می‌کردند.

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَفْصِلُ بَيْنَهُم يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿۲۵﴾

(۲۵) مسلماً پروردگار توست که روز قیامت در مورد آنچه اختلاف داشتند، میان آنان داوری می‌کند.

أُولَئِكَ يَهْدِي لَهُمْ كَمَّ أَهْلَكْنَا مِنَ قَبْلِهِمْ مِنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسْكِنِهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ أَفَلَا يَسْمَعُونَ ﴿۲۶﴾

(۲۶) آیا برایشان روشن نشده است که چه بسیار نسل‌هایی را پیش از آنان نابود کردیم که [اکنون این کافران] در خانه‌های آنها راه می‌روند؟ به راستی که در این [عذاب و نابودی] عبرت‌هاست. آیا [باز هم سخن حق را] نمی‌شنوند؟

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرُزِ فَنُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا تَأْكُلُ مِنْهُ أَنْعَامُهُمْ وَأَنْفُسُهُمْ أَفَلَا يُبْصِرُونَ ﴿٢٧﴾

(۲۷) آیا ندیدند که ما باران را به سوی زمین خشک [و بی گیاه] می فرستیم و به وسیله آن، کشتزاری پدید می آوریم که خود و چهارپایانشان از آن می خورند؟ آیا [نشانه های قدرتِ الله بر رستاخیز را] نمی بینند؟

وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْفَتْحِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٢٨﴾

(۲۸) و [کافران] می گویند: «اگر راستگویید، این داوری [میان ما و شما] کی فرامی رسد؟»

قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيْمَانُهُمْ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ ﴿٢٩﴾

(۲۹) بگو: «در روز داوری [که جدایی حق و باطل است]، ایمان آوردنِ کسانی که کفر ورزیدند سودی ندارد و به آنان مهلت [توبه] داده نمی شود».

فَأَعْرَضَ عَنْهُمْ وَأَنْتَظِرُ إِنَّهُمْ مُنْتَظِرُونَ ﴿٣٠﴾

(۳۰) پس [ای پیامبر، اکنون که بر شرک پافشاری می کنی] از آنان روی بگردان و منتظر [عذابشان] باش [که] بی تردید، آنان [نیز] منتظر [وقوع حوادث ناگوار بر شما] هستند.

سُورَةُ الْأَحْزَابِ

سورة احزاب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

يَأْتِيهَا النَّبِيُّ أَتَى اللَّهُ وَلَا تُطْعَمُ
 الْكُفْرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ إِنَّ اللَّهَ
 كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿١﴾

(۱) ای پیامبر، تقوای الهی پیشه کن و از کافران و منافقان اطاعت نکن. بی‌تردید، الله همواره دانای حکیم است.

وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ
 إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ
 خَبِيرًا ﴿٢﴾

(۲) و از آنچه از جانب پروردگارت بر تو وحی می‌شود پیروی کن. بی‌تردید، الله همواره به آنچه می‌کنید آگاه است.

وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ
 وَكِيلًا ﴿٣﴾

(۳) و بر الله توکل کن و همین بس که الله کارساز [تو] باشد.

مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِّن قَلْبَيْنِ
 فِي جَوْفِهِ وَمَا جَعَلَ أَرْوَاجَكُمْ
 أَلْسِنَىٰ تُظَاهِرُونَ مِنْهُنَّ أُمَّهَاتِكُمْ
 وَمَا جَعَلَ أَدْعِيَاءَكُمْ
 أَبْنَاءَكُمْ ذَٰلِكُمْ قَوْلُكُمْ
 بِأَفْوَاهِكُمْ وَاللَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ
 وَهُوَ يَهْدِي السَّبِيلَ ﴿٤﴾

(۴) الله درون هیچ مردی دو قلب برایش ننهاده است و [به همین صورت،] هرگز همسرانتان را که مورد ظهار [و تحریم جنسی] قرار می‌دهید، [همچون] مادرانتان نگردانده است؛ و [همچنین] پسرخوانده‌هایتان را پسران [حقیقی] شما قرار نداده است. این سخنی [نادرست] است که بر زبان می‌آورید و الله حق را می‌گوید و اوست که به راه راست هدایت می‌کند.

(۵) آنان [= پسرخوانده‌ها] را به پدرانشان نسبت دهید [که] نزد الله عادلانه‌تر است. اگر پدرانشان را نمی‌شناسید، برادران دینی و بردگان آزادشده [و در حکمِ دوستان] شما هستند. در مورد آنچه [قبلاً] اشتباه کرده‌اید، گناهی بر شما نیست؛ ولی [در مورد] آنچه دل‌هایتان قصد آن را دارد [و عمداً بر زبان می‌آورید، مسؤول هستید و گناهکار می‌شوید؛ پس اگر توبه کنید]، همواره الله آمرزنده مهربان است.

(۶) پیامبر [در تمام امور] نسبت به مؤمنان، از خودشان سزاوارتر است [و نظر و خواستش اولویت دارد] و همسران او [از لحاظ حرمت ازدواج و رعایت احترام، در حکم] مادرانشان هستند؛ و در کتاب الله، خویشاوندان [در ارث بردن از یکدیگر]، نسبت به مؤمنان و مهاجران اولویت دارند [و ملاک ارث، خویشاوندی است نه ایمان و هجرت]؛ مگر اینکه [بخواهید] به دوستانتان نیکی کنید [و بخشی از اموالتان را به آنان بدهید]. این [حکم]، در آن کتاب [= لوح محفوظ] نوشته شده است.

(۷) و [ای پیامبر، یاد کن از] هنگامی که از پیامبران پیمان [عبادت الله به یگانگی و نبوت] و مِنكَ وَمِنْ نُوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ

أَدْعُوهُمْ لِأَبَائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ فَإِنْ لَمْ تَعْلَمُوا آبَاءَهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَمَوَالِيكُمْ وَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُمْ بِهِ وَلَكِنْ مَا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿٥﴾

الَّتِي أُولَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ إِلَّا أَنْ تَفْعَلُوا إِلَىٰ أَوْلِيَائِكُمْ مَعْرُوفًا كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا ﴿٦﴾

وَمُوسَىٰ وَعِيسَىٰ ابْنِ مَرْيَمَ ۗ وَأَخَذْنَا مِنْهُم مِّيثَاقًا غَلِيظًا ﴿۷﴾
گرفتیم و [به ویژه] از تو و نوح و ابراهیم و
موسی و عیسی - پسر مریم؛ و از [همه] آنان
پیمان محکمی [درباره تبلیغ دین] گرفتیم.

لَيْسَ لَ الصَّادِقِينَ عَن صِدْقِهِمْ ۗ وَأَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿۸﴾
(۸) [الله این پیمان را از رسولان گرفت] تا [با]
کافران اتمام حجت کرده باشد و [از راستگویان
= پیامبران] درباره راستی شان بپرسد و برای
کافران عذابی دردناک مهیا کرده است.

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَّمْ تَرَوْهَا وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا ﴿۹﴾
(۹) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، نعمت الله را
بر خود به یاد آورید؛ آنگاه که سپاهسانی [از
قبایل عرب] به سویتان آمدند. آنگاه ما تندبادی
[سخت] و لشکری [از فرشتگان] که آنها را
نمی‌دیدید، بر آنان فرستادیم [و به سختی
شکستشان دادیم]؛ و همواره الله به آنچه
می‌کنید بیناست.

إِذْ جَاءَكُمْ مِّنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونًا ﴿۱۰﴾
(۱۰) وقتی [در غزوه خندق] دشمنان از بالا و
پایین [و از شرق و غرب شهر] به سویتان آمدند
[و مدینه را محاصره کردند]؛ آنگاه که چشم‌ها
[به فراوانی دشمن] خیره گشته و جان‌ها [از
شدت وحشت] به گلوگاه رسیده بود و شما
گمان‌هایی [ناجای] به الله می‌بردید.

هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زَلْزَالًا شَدِيدًا ﴿۱۱﴾
(۱۱) آنجا بود که مؤمنان آزمایش شدند و
شدیداً به وحشت و اضطراب افتادند.

وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ مَّا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا ﴿١٢﴾

(۱۲) و [نیز به یاد آورید] هنگامی که منافقان و کسانی که در دل‌هایشان بیماری [شک و دورویی] بود می‌گفتند: «آنچه الله و پیامبرش [درباره پیروزی بر کافران] وعده داده‌اند، جز فریبی بیش نیست».

وَإِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا وَيَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِّنْهُمُ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِن يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا ﴿١٣﴾

(۱۳) و [نیز] هنگامی که گروهی از آنان گفتند: «ای اهل یثرب، اینجا جای ماندن شما نیست؛ پس [به خانه‌هایتان] بازگردید»؛ و برخی از آنان از پیامبر اجازه [بازگشت] می‌خواستند و می‌گفتند: «خانه‌های ما بی‌حفاظ است»؛ در حالی که بی‌حفاظ نبود. آنان چیزی جز فرار [از جهاد] نمی‌خواستند.

وَلَوْ دَخَلَتْ عَلَيْهِمْ مِّنْ أَقْطَارِهَا ثُمَّ سَبَلُوا الْفِتْنَةَ لَأَتَوْهَا وَمَا تَلَبَّثُوا بِهَا إِلَّا يَسِيرًا ﴿١٤﴾

(۱۴) اگر [لشکر دشمنان] از اطراف آن [= مدینه] بر آنان وارد می‌شدند [و خانه‌هایشان را محاصره می‌کردند] و از آنان خواسته می‌شد به کفر و شرک بازگردند، قطعاً چنین [تعهدی به دشمن] می‌دادند و جز تعدادی اندک [در برابر این درخواست] مقاومت نمی‌کردند.

وَلَقَدْ كَانُوا عَاهِدُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلِ لَا يُؤَلُّونَ إِلَّا دَبِيرًا وَكَانَ عَهْدُ اللَّهِ مَسْئُولًا ﴿١٥﴾

(۱۵) و پیش از این [وقتی همین منافقان در جنگ احد از مقابل کافران گریختند] با الله پیمان بستند که [هرگز به دشمن] پشت نکنند [و از میدان نگریزند]؛ و همواره پیمان الهی بازخواست دارد.

قُلْ لَنْ يَنْفَعَكُمْ الْفِرَارُ إِنْ فَرَرْتُمْ مِنَ الْمَوْتِ أَوِ الْقَتْلِ وَإِذَا لَا تُمْتَعُونَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿١٦﴾

(۱۶) ای پیامبر، به منافقان] بگو: «اگر از مرگ یا کشته شدن فرار کنید، هرگز سودی به حالتان ندارد؛ و در آن صورت نیز [از زندگی دنیا] جز اندکی بهره‌مند نمی‌شوید».

قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يَعْصِمُكُمْ مِنَ اللَّهِ إِنْ أَرَادَ بِكُمْ سُوءًا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ رَحْمَةً وَلَا يَجِدُونَ لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ﴿١٧﴾

(۱۷) بگو: «اگر الله مصیبت یا رحمتی برایتان خواسته باشد، کیست که شما را در برابر [اجرای فرمان] او حفظ کند؟» و آنان هیچ کارساز و یاریگری برای خویش جز الله نمی‌یابند.

قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الْمَعْوِقِينَ مِنْكُمْ وَالْقَائِلِينَ لِإِخْوَانِهِمْ هَلُمَّ إِلَيْنَا وَلَا يَأْتُونَ الْبَأْسَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿١٨﴾

(۱۸) الله کسانی از شما را که بازدارنده [مردم از جهاد] هستند و به برادرانشان می‌گویند: «به ما بیونید» به خوبی می‌شناسد. [آنان سست‌باورند] و جز اندکی به میدان جنگ نمی‌آیند.

أَشِحَّةً عَلَيْكُمْ فَإِذَا جَاءَ الْخَوْفُ رَأَيْتَهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ تَدُورُ أَعْيُنُهُمْ كَالَّذِي يُغَسِّقُ عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَإِذَا ذَهَبَ الْخَوْفُ سَلَقُوكُمْ بِأَلْسِنَةٍ حِدَادٍ أَشِحَّةً عَلَى الْخَيْرِ أُولَئِكَ لَمْ يُؤْمِنُوا فَأَحْبَطَ اللَّهُ أَعْمَلَهُمْ

(۱۹) [منافقان در همه چیز] بر شما بخل می‌ورزند؛ و هنگامی که بیم [جنگ پیش] می‌آید، در حالی که چشم‌هایشان [از وحشت در حدقه] می‌چرخد، همچون کسی که از [سختی] مرگ بیهوش شده باشد تو را نگاه می‌کنند؛ و چون [بحران و] ترس برطرف شد، به خاطر حرص و طمعی که به غنایم دارند، با زبان‌های تند و نیشدار شما را می‌رنجانند. آنان [هرگز] ایمان نیاورده‌اند؛ پس الله اعمالشان را

وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا ﴿١٩﴾
 تباه می‌گرداند و این [کار] همواره بر الله آسان است.

يَحْسَبُونَ الْأَحْزَابَ لَمْ يَذْهَبُوا^ط وَإِن يَأْتِ الْأَحْزَابُ يَوَدُّوا لَوْ أَنَّهُمْ بَادُونَ فِي الْأَعْرَابِ يَسْأَلُونَ عَنْ أَثْبَابِكُمْ^ط وَلَوْ كَانُوا فِيكُمْ مَا قَتَلُوا إِلَّا قَلِيلًا ﴿٢٠﴾
 (۲۰) [منافقان] می‌پندارند [که لشکریان] احزاب [هنوز از اطراف مدینه] نرفته‌اند؛ و اگر احزاب بازگردند، [این سست‌باوران] آرزو می‌کنند که میان بادیه‌نشینان [پنهان] باشند [و از همانجا] اخبار [درگیری] شما را جویا شوند؛ و [حتی] اگر بین [سپاه] شما بودند، جز اندکی نمی‌جنگیدند.

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا ﴿٢١﴾
 (۲۱) بی‌تردید، در [رفتار و گفتار] رسول الله، سرمشق نیکویی برایتان است؛ برای هر کس که به الله و روز آخرت امید دارد و الله را بسیار یاد می‌کند.

وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا ﴿٢٢﴾
 (۲۲) و چون مؤمنان [لشکر] احزاب را دیدند، گفتند: «این [امتحان الهی و پیروزی نهایی‌اش] همان چیزی است که الله و پیامبرش به ما وعده داده‌اند و [حقا که] الله و پیامبرش راست گفتند» و [مشاهدهٔ انبوه دشمن] جز بر ایمان و تسلیمشان [در مقابل پروردگار] نیفزود.

مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَّنْ

(۲۳) در میان مؤمنان، مردانی هستند که به عهد و پیمانی که با الله بسته بودند [صادقانه]

قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَّن يَنْتَظِرُ ۖ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا ﴿۲۳﴾

وفا کردند؛ برخی از آنان تا آخر بر عهد و پیمان خود ایستادند [و در این راه درگذشتند یا شهید شدند] و برخی دیگر هنوز چشم انتظار [شهادت] هستند و هرگز [پیمان خود را] دگرگون نساخته‌اند.

لَيَجْزِي اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ وَيُعَذِّبُ الْمُنَافِقِينَ إِن شَاءَ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا ﴿۲۴﴾

(۲۴) [این رویدادها پیش می‌آید] تا الله راستگویان را به [پاسِ پایمردی و] راستگویی‌شان پاداش دهد و منافقان را اگر بخواهد [توفیق توبه را از آنان سلب نماید، و در نتیجه،] عذابشان کند یا [برایشان توفیق توبه دهد و] توبه‌شان را ببخشد. بی‌تردید، الله آمرزندهٔ مهربان است.

وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِغَيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ وَكَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيزًا ﴿۲۵﴾

(۲۵) و الله [سپاه] کسانی را که کفر ورزیده‌اند، بی‌آنکه به غنیمی دست یابند، با [تمام حسرت و] خشمشان [از اطراف مدینه] برگرداند و الله مؤمنان را از جنگ بی‌نیاز ساخت؛ و الله همواره توانای شکست‌ناپذیر است.

وَأَنْزَلَ الَّذِينَ ظَاهَرُوهُمْ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ صَيَاصِيهِمْ وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ فَرِيقًا تَقْتُلُونَ وَتَأْسِرُونَ فَرِيقًا ﴿۲۶﴾

(۲۶) [الله] گروهی از اهل کتاب [= یهود بنی‌قریظه] را که از آنان [= مشرکان] پشتیبانی کرده بودند، از قلعه‌هایشان پایین کشید و در دل‌هایشان وحشت انداخت؛ [چنان که شما] گروهی [از آنان] را می‌کشیدید و گروهی را به اسارت می‌گرفتید.

وَأَوْرَثَكُمْ أَرْضَهُمْ وَوَدَيْرَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ وَأَرْضًا لَّمْ تَطَّوُّهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا ﴿٢٧﴾

(۲۷) و زمین‌های کشاورزی و خانه‌ها و اموالشان و [همچنین] سرزمینی را که هرگز به آنجا پا نگذاشته بودید [= خیبر] در اختیار شما نهاد؛ و الله بر هر چیزی تواناست.

يَأْتِيهَا النَّبِيُّ قُلٌّ لِّزَوْجِكَ إِن كُنْتَن تُرِدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيْن أُمَتِّعَنَّ وَأَسْرَحَنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا ﴿٢٨﴾

(۲۸) ای پیامبر، به همسرانت [که نفقه بیشتری می‌خواهند] بگو: «اگر زندگی دنیا و زینت‌هایش را می‌خواهید، بیایید تا شما را [با هدیه‌ای مناسب] بهره‌مند سازم و [بدون هیچ آزاری] به نیکویی رهایتان کنم.

وَإِن كُنْتَن تُرِدْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالذَّارَ الْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنكُنَّ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿٢٩﴾

(۲۹) و اگر مشتاق الله و پیامبرش و سرای آخرت هستید، [بدانید که] بی‌تردید، الله پاداش بزرگی برای نیکوکارانتان فراهم کرده است.

يَنسَاءَ النَّبِيِّ مَن يَأْتِ مِنكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ يُضَعَفُ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ وَكَانَ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا ﴿٣٠﴾

(۳۰) ای زنان پیامبر، هر یک از شما که [گناه] ناشایست آشکاری مرتکب شود، عذابش دو چندان می‌گردد؛ و این [کار] همواره برای الله آسان است.

وَمَن يَفْعَلْ لِّلَّهِ مِنكُنَّ لَدَىٰ وَرَسُولِهِ وَتَعْمَلْ صَالِحًا نُؤْتِيهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا ﴿٣١﴾

(۳۱) و هر یک از شما که پیوسته فرمانبردار الله و پیامبرش باشد و کاری شایسته کند، پاداش او را دو برابر می‌دهیم و [در بهشت] روزی ارزشمندی برایش فراهم آورده‌ایم.

(۳۲) ای زنان پیامبر، اگر پرهیزگاری کنید، [در برتری و شرافت] مانند هیچ یک از زنان [دیگر] نخواهید بود؛ پس در هنگام سخن گفتن [با مردان]، ناز و نرمش به کار نبرید تا [مبادا] کسی که در دلش بیماری است [در شما] طمع کند و به شیوه‌ای شایسته سخن بگوید.

(۳۳) و در خانه‌هایتان بمانید و همچون جلوه‌گری [زنان در دوران] جاهلیت پیشین، جلوه‌گری [و خودنمایی] نکنید و نماز برپا دارید و زکات بپردازید و از الله و پیامبرش اطاعت کنید. ای اهل خانه [پیامبر]، جز این نیست الله می‌خواهد پلیدی [و آزار بیگانگان] را از شما دور نماید و شما را کاملاً پاک گرداند.

(۳۴) و هر آنچه را که از آیات الهی و سنت پیامبر در خانه‌هایتان خوانده می‌شود، به یاد داشته باشید. بی‌تردید، الله همواره باریک‌بین آگاه است.

(۳۵) الله برای مردان مسلمان و زنان مسلمان و مردان مؤمن و زنان مؤمن و مردان فرمانبردار و زنان فرمانبردار و مردان راستگو و زنان راستگو و مردان شکیبا و زنان شکیبا و مردان فروتن و زنان فروتن و مردان انفاقگر و زنان انفاقگر و مردان متصدقین و زنان متصدقین

يَنسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا ﴿٣٢﴾

وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا ﴿٣٣﴾

وَأذْكُرَنَّ مَا يُتْلَىٰ فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا ﴿٣٤﴾

إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَشِيعِينَ وَالْخَشِيعَاتِ

مردان پاکدامن و زنان پاکدامن و مردان و زنانی که الله را بسیار یاد می‌کنند، برای [همگی] آنان آمرزش و پاداشی بزرگ فراهم نموده است.

وَالْمُتَّصِدِّقَاتِ وَالصَّيِّمِينَ
وَالصَّيِّمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ
وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا
وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً
وَأَجْرًا عَظِيمًا ﴿٣٥﴾

(۳۶) برای هیچ مرد و زن مؤمنی شایسته نیست که وقتی الله و رسولش به کاری فرمان می‌دهند، [در اجرای آن فرمان]، اختیاری داشته باشد؛ و هر کس از الله و رسولش نافرمانی کند، حقا که در گمراهی آشکاری گرفتار شده است.

وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا
قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ
يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ
وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ
صَلَّ صَلًّا مَبِينًا ﴿٣٦﴾

(۳۷) [به یاد آور] وقتی به [زید بن حارثه] - کسی که الله به او نعمت [اسلام] داده بود و تو نعمت [آزادی] به او بخشیده بودی - [به نصیحت] می‌گفتی: «همسرت را نزد خویش نگه دار و از الله پروا کن» و در دل خویش چیزی را [در مورد ازدواج با زینب پس از طلاقش] پنهان می‌داشتی که الله آشکارکننده آن بود و [چون این ازدواج، با سنت‌های جاهلی مغایر بود] از [سرزنش] مردم می‌ترسیدی؛ حال آنکه الله سزاوارتر است که از او بترسی. پس هنگامی که زید نیازش را از وی به پایان بُرد [و طلاقش داد]، او را به ازدواج تو درآوردیم تا

وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ
وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ
زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللَّهَ وَخُفِيَ فِي
نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَخَشِيَ
النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ
فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطْرًا
زَوَّجْنَاكَهَا لِيَكُنِيَ لَكَ يَوْمَ
الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ
أَدْعِيَابِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطْرًا
وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا ﴿٣٧﴾

برای مؤمنان در مورد ازدواج با همسرانِ پسرخوانده‌هایشان که از آنان کام گرفته‌اند [و طلاقشان داده‌اند]، هیچ گناهی نباشد؛ و فرمانِ الله همواره انجام‌پذیر است.

مَا كَانَ عَلَى النَّبِيِّ مِنْ حَرَجٍ فِيمَا فَرَضَ اللَّهُ لَهُ سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ قَدَرًا مَّقْدُورًا ﴿٣٨﴾

(۳۸) بر پیامبر، در مورد آنچه الله برایش مقرر [و حلال] داشته است، هیچ گونه گناهی وجود ندارد. [این کار]، سنت الهی است [و] دربارهٔ کسانی [= پیامبرانی] که پیش از این بوده‌اند [نیز صدق می‌کند]؛ و فرمان الله همواره دقیق و حساب‌شده است.

الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَحْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا ﴿٣٩﴾

(۳۹) [همان] کسانی که پیام‌های الله را [به مردم] می‌رسانند و تنها از او می‌ترسند و از هیچ کس جز الله ترسی ندارند؛ و الله برای حسابرسی [کارهای بندگانش] کافی است.

مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَٰكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ ۗ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا ﴿٤٠﴾

(۴۰) محمد هرگز پدر هیچ‌یک از مردان شما [از جمله زید] نیست؛ بلکه رسول الله و خاتم پیامبران است؛ و الله همواره به همه چیز داناست.

يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا ﴿٤١﴾

(۴۱) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، الله را بسیار یاد کنید

وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا ﴿٤٢﴾

(۴۲) و بامداد و شامگاه او را به پاکی بستاينيد.

هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا ﴿٤٣﴾

(۴۳) اوست که بر شما درود [و رحمت] می‌فرستد و فرشتگانش [نیز دعایتان می‌کنند] تا شما را از تاریکی‌ها به سوی نور بیرون آورد و [الله] همواره نسبت به مؤمنان مهربان است.

تَحِيَّتُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ وَاعِدَّ لَهُمْ أَجْرًا كَرِيمًا ﴿٤٤﴾

(۴۴) روزی که با او دیدار می‌کنند، درودشان «سلام» است و [الله] پاداشی ارجمند برایشان فراهم ساخته است.

يَأْتِيهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ﴿٤٥﴾

(۴۵) ای پیامبر، ما تو را گواه و بشارت‌بخش و بیم‌دهنده فرستاده‌ایم

وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا ﴿٤٦﴾

(۴۶) و [تو را] دعوتگری به سوی الله به فرمان او و چراغی روشنی‌بخش [قرار دادیم].

وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ بِأَنَّ لَهُم مِّنَ اللَّهِ فَضْلًا كَبِيرًا ﴿٤٧﴾

(۴۷) و به مؤمنان بشارت بده که از جانب الله بخششی بزرگ برایشان [در پیش] است.

وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ وَدَعْ أذْنَهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا ﴿٤٨﴾

(۴۸) و از کافران و منافقان اطاعت نکن و به آزارشان بی‌توجه باش و بر الله توکل کن؛ و همین بس که الله [یاور و] کارگزار تو باشد.

يَأْتِيهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ أَنْ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ

(۴۹) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هرگاه با زنان مؤمن ازدواج کردید، سپس پیش از اینکه با آنان همبستر شوید طلاقشان دادید، از جانب شما هیچ عده‌ای بر عهده آنان نیست که

حسابش را نگاه دارید؛ آنان را [با هدیه‌ای مناسب] بهره‌مند سازید و به نیکوترین وجه رهایشان سازید.

تَمَسُّوهُنَّ فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَةٍ تَعْتَدُونَهَا فَمَتَّعُوهُنَّ وَسَرَخُوهُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا ﴿٤٩﴾

(۵۰) ای پیامبر، ما همسرانت که مهرشان را پرداخته‌ای و [نیز] کنیزانی را که الله [از بهره جنگ] به تو ارزانی داشته است برای حلال کرده‌ایم و [نیز ازدواج با] دخترعموهایت و دخترعمه‌هایت و دختردایی‌هایت و دخترخاله‌هایت که با تو هجرت کرده‌اند و [همچنین] اگر زن مؤمنی خود را [بدون مهریه] به پیامبر ببخشد، چنانچه پیامبر بخواهد [می‌تواند] با وی ازدواج کند. [این حکم،] ویژه توست، نه دیگر مؤمنان. بی‌تردید، ما می‌دانیم در مورد همسران و کنیزانشان چه حکمی برای آنان تعیین کرده‌ایم. [این حکم ویژه را برقرار کردیم] تا هیچ تنگنایی [در راه انجام وظیفه] بر تو نباشد؛ و الله همواره آمرزندهٔ مهربان است.

يَأْتِيهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَحْلَلْنَا لَكَ أَزْوَاجَكَ الَّتِي آتَيْتَ أُجُورَهُنَّ وَمَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ مِمَّا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَيْكَ وَبَنَاتِ عَمِّكَ وَبَنَاتِ عَمَّتِكَ وَبَنَاتِ خَالِكَ وَبَنَاتِ خَالَتِكَ الَّتِي هَاجَرْنَ مَعَكَ وَأُمَّرَاءَ مُؤْمِنَةً إِنْ وَهَبْتَ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ إِنْ أَرَادَ النَّبِيُّ أَنْ يَسْتَنْكِحَهَا خَالِصَةً لَكَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ قَدْ عَلِمْنَا مَا فَرَضْنَا عَلَيْهِمْ فِي أَزْوَاجِهِمْ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ لِكَيْلَا يَكُونَ عَلَيْكَ حَرَجٌ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا

رَّحِيمًا ﴿٥٠﴾

(۵۱) [نوبت] هر یک از آنان [= همسرانت] را که بخواهی [می‌توانی] به تأخیر اندازی و هر کدام را بخواهی، [می‌توانی] نزد خویش جای

تُرْجَى مَنْ تَشَاءُ مِنْهُنَّ وَتُؤَيَّ إِلَيْكَ مَنْ تَشَاءُ وَمَنْ أَبْتَغَيْتَ مِنْ عَزَلْتَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكَ

دهی؛ و اگر هر یک از آنان را که از او کناره گرفته‌ای [و نوبتش به تأخیر افتاده است، دوباره] طلب کنی، [در هر حال] هیچ گناهی بر تو نیست. این [اختیار در انتخاب،] نزدیک‌تر است به اینکه چشمشان روشن شود و اندوهگین نباشند و همگی‌شان از آنچه به آنان بخشیده‌ای راضی گردند؛ و الله می‌داند که شما [مردان] دربارهٔ محبتِ بیشتر به برخی زنانان [چه در دل دارید؛ و الله همواره دانای بردبار است.

ذَلِكَ أَذَىٰ أَنْ تَقَرَّ أَعْيُنُهُنَّ وَلَا يَحْزَنَ وَيَرْضَيْنَ بِمَا آتَيْتَهُنَّ كُلَّهُنَّ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي قُلُوبِكُمْ ۖ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَلِيمًا ﴿٥١﴾

(۵۲) از این پس، [دیگر ازدواج با] هیچ زنی برایت حلال نیست و نباید [برخی از همسران را طلاق دهی تا] همسرانی را جانشین آنان کنی؛ حتی اگر زیبایی آنان [= زنان جدید] تو را به شگفت آورد؛ مگر آن که [به صورت کنیز] در اختیار باشد؛ و الله همواره بر هر چیزی نگهبان است.

لَا يَحِلُّ لَكَ النِّسَاءُ مِنْ بَعْدِ وَلَا أَنْ تَبَدَّلَ بِهِنَّ مِنْ أَزْوَاجٍ وَلَوْ أَعْجَبَكَ حُسْنُهُنَّ إِلَّا مَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ ۖ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ رَقِيبًا ﴿٥٢﴾

(۵۳) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به خانه‌های پیامبر داخل نشوید؛ مگر آنکه برای [صرف] غذایی به شما اجازه داده شود؛ [آن هم] بی‌آنکه [زودتر از وقت غذا بروید و] منتظر آماده شدنش باشید؛ ولی هنگامی که شما را فراخواندند وارد شوید و چون غذا خوردید پراکنده گردید و سرگرم [بحث و] گفتگو

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَىٰ طَعَامٍ غَيْرَ نَظْرٍ إِنَّهُ وَلَكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَلَا مُسْتَسْنِفِينَ لِجَدِثٍ إِنْ ذَلِكُمْ

نشوید. این [رفتارتان] پیامبر را می‌آزارد و او از [ابراز این موضوع در برابر] شما شرم دارد؛ و [الی] الله از [بیان] حق شرم ندارد. و هنگامی که از آنان [= همسران پیامبر] چیزی از وسایل زندگی را [به عاریت] خواستید، [نیازتان را] از پشت پرده از آنان بخواهید [چرا که] این [کار] برای دل‌های شما و آنان پاک‌تر است؛ و [همچنین] برایتان سزاوار نیست که رسول الله را بیازارید و هرگز شایسته شما نیست که پس از [وفات] او با همسرانش ازدواج کنید. به راستی که این [کار] نزد الله [گناهی] بزرگ است.

عَظِيمًا ﴿۵۳﴾

﴿۵۴﴾ اگر چیزی را آشکار کنید یا پنهان دارید، [بدانید که] بی‌تردید، الله از همه چیز آگاه است.

إِنْ تُبْدُوا شَيْئًا أَوْ تُخْفُوهُ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا ﴿۵۴﴾

﴿۵۵﴾ بر آنان [= زنان مسلمان] گناهی نیست [در نداشتن حجاب] نزد پدرانشان و پسرانشان و برادرانشان و پسران برادرانشان و خواهرانشان و بردگانشان و [ای زنان مسلمان] از الله پروا کنید. بی‌تردید، الله بر همه چیز گواه است.

لَا جُنَاحَ عَلَيْهِنَّ فِي آبَائِهِنَّ وَلَا أَبْنَائِهِنَّ وَلَا إِخْوَانِهِنَّ وَلَا أَخَوَاتِهِنَّ وَلَا نِسَائِهِنَّ وَلَا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ ۚ وَاتَّقِينَ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا ﴿۵۵﴾

شَيْءٍ شَهِيدًا ﴿۵۵﴾

﴿۵۶﴾ به راستی، الله و فرشتگانش بر پیامبر

إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَىٰ

درود می‌فرستند؛ [پس] ای کسانی که ایمان آورده‌اید، [شما نیز] بر او درود فرستید و به شایستگی سلام گوید.

الَّتِي يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا ﴿٥٦﴾

(۵۷) کسانی که الله و پیامبرش را می‌آزارند، الله در دنیا و آخرت آنان را از رحمت خویش دور می‌کند و عذاب خفت‌باری برایشان آماده کرده است.

إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا ﴿٥٧﴾

(۵۸) و کسانی که مردان و زنان مؤمن را بدون اینکه مرتکب [عمل زشتی] شده باشند [با اتهامات ناروا] می‌آزارند، بارِ دروغ و گناهی آشکار را به دوش می‌کشند.

وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدِ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا ﴿٥٨﴾

(۵۹) ای پیامبر، به همسران و دخترانت و سایر زنان مؤمن بگو که چادرهایشان را به شایستگی بر [سر و صورت و سینه] خویش بیفکنند. این [گونه پوشش] مناسب‌تر است به اینکه [در جامعه به متانت و وقار] شناخته شوند و [در نتیجه،] مورد آزار [افراد هرزه] قرار نگیرند؛ و الله آمرزندهٔ مهربان است.

يَأْتِيهَا الَّتِي قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْرَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذِينَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿٥٩﴾

(۶۰) اگر منافقان و کسانی که بیماری [نفاق] در دل‌هایشان است و شایعه‌پراکنان در مدینه، [از دروغ‌گویی و شایعه‌سازی] دست برندارند، یقیناً تو را بر آنان مسلط می‌گردانیم. در این

لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِبَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا

يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا ﴿٦٠﴾ صورت، جز مدت کوتاهی نمی‌توانند در این شهر و در کنار تو بمانند.

مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا ثُقِفُوا أُخِذُوا وَقُتِلُوا تَقْتِيلًا ﴿٦١﴾ (۶۱) لعنت شدگانند و هر جا که یافت شوند، باید بی‌محابا دستگیر و کشته شوند.

سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا ﴿٦٢﴾ (۶۲) [این] سنت الله، در مورد افرادی [از منافقان] که پیشتر بوده‌اند نیز جاری گشته است؛ و هرگز در سنت الله دگرگونی [و تغییری] نمی‌یابی.

يَسْأَلُكَ النَّاسُ عَنِ السَّاعَةِ قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا ﴿٦٣﴾ (۶۳) [ای پیامبر]، مردم دربارهٔ [زمان وقوع] قیامت از تو می‌پرسند؛ بگو: «دانش آن تنها نزد الله است»؛ و تو چه می‌دانی؟ شاید قیامت نزدیک باشد.

إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْكٰفِرِينَ وَأَعَدَّ لَهُمْ سَعِيرًا ﴿٦٤﴾ (۶۴) بی‌تردید، الله کافران را از رحمت خویش دور کرده و آتشی افروخته و سوزان برایشان مهیا نموده است.

خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا لَا يَجِدُونَ وَايًّا وَلَا نَصِيرًا ﴿٦٥﴾ (۶۵) [آتشی] که جاودانه در آن خواهند ماند [و برای دفاع از خود، هیچ کارساز و یاریگری نمی‌یابند].

يَوْمَ تَقْلُبُ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يَلَيْتَنَّا أَطَعْنَا اللَّهَ وَأَطَعْنَا الرَّسُولَ ﴿٦٦﴾ (۶۶) روزی که چهره‌هایشان در آتش دوزخ دگرگون می‌شود، [با پشیمانی] می‌گویند: «ای کاش از الله و پیامبر اطاعت کرده بودیم!»

وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكِبَرَاءَنَا فَأَصَلُّونَا السَّيِّئَاتِ ﴿٦٧﴾ [آنان بهانه می‌آورند و] می‌گویند: «پروردگارا، ما از رهبران و بزرگان خود اطاعت [و تقلید] کردیم و آنان [بودند که] ما را گمراه کردند.

رَبَّنَا عَاتِبْهُمْ مِنْ الْعَذَابِ وَالْعَنَهُمْ لَعْنَا كَبِيرًا ﴿٦٨﴾ (۶۸) پروردگارا، عذابشان را دو چندان کن و به لعنتی بزرگ [و سخت] لعنت فرما).

يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ ءَادُوا مُوسَىٰ فَبَرَّأَهُ اللَّهُ مِمَّا قَالُوا وَكَانَ عِنْدَ اللَّهِ وَجِيهًا ﴿٦٩﴾ (۶۹) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، [پیامبر را نیازارید و] مانند کسانی نباشید که موسی را [با تهمت‌های ناروا] آزرده‌اند، سپس الله او را [از آنچه در حقیقت می‌گفتند] تبرئه نمود؛ و [موسی] همواره نزد الله آبرومند است.

يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَفُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ﴿٧٠﴾ (۷۰) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از الله پروا کنید و سخنی راست و درست بگویید.

يُصَلِّحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا ﴿٧١﴾ (۷۱) [پرهیزگار و راستگو باشید] تا الله کارهایتان را اصلاح کند و گناهانتان را ببامرزد و [بدانید] هر کس از الله و پیامبرش اطاعت کند، یقیناً به کامیابی بزرگی دست یافته است.

إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا ﴿٧٢﴾ (۷۲) ما امانت [انجام تکالیف شرعی] را بر آسمان‌ها و زمین و کوهساران عرضه داشتیم و آنها از تحمل آن سر باز زدند و از [احتمال خیانت در] آن ترسیدند و [الی] انسان آن را

الْإِنْسَانُ ۖ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا ۖ
جَهُولًا ﴿٧٢﴾

پذیرفت. حقا که او [در حق خویش] همواره
ستمکار و نادان است.

لِيُعَذِّبَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ
وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ وَيَتُوبَ اللَّهُ عَلَى
الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ۗ وَكَانَ اللَّهُ
عَفُورًا رَحِيمًا ﴿٧٣﴾

[انسان چنین کرد] تا الله مردان و زنان
منافق و مردان و زنان مشرک را عذاب کند و
توبه مردان و زنان مؤمن را [که امانتداران
شایسته‌ای بوده‌اند] بپذیرد؛ و الله همواره
آمرزنده مهربان است.

سُورَةُ سَبَا

سورة سبأ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ ﴿١﴾

(۱) ستایش مخصوص الله است که آنچه در آسمانها و زمین است از آن اوست و در آخرت [نیز] ستایش از آن اوست و او تعالی حکیم و آگاه است.

يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ الرَّحِيمُ الْعَفُورُ ﴿٢﴾

(۲) هر چه در زمین فرو می‌رود و هر چه از آن برمی‌آید و آنچه از آسمان فرود می‌آید و آنچه به سوی آن بالا می‌رود [همه را الله] می‌داند و او مهربان آمرزنده است.

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَأْتِينَا السَّاعَةُ قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتَأْتِيَنَّكُمْ عَالِمِ الْغَيْبِ لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي السَّمَوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَلَا أَصْعُرُ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرُ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ ﴿٣﴾

(۳) کسانی که کفر ورزیدند می‌گویند: «قیامت هرگز به سراغ ما نخواهد آمد». بگو: «آری، سوگند به پروردگارم که دانای غیب است، قطعاً به سراغتان می‌آید. همسنگ ذره‌ای در آسمانها و زمین از او پوشیده نیست و کوچک‌تر و بزرگ‌تر از آن ذره چیزی نیست، مگر آنکه در کتابی آشکار [= لوح محفوظ] ثبت است.

يَجْزِي الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا

(۴) تا کسانی را که ایمان آورده‌اند و کارهای

الشَّيْئَةِ أَنْجَمَ دَادَهُنَّ بِأَدَاشٍ دَهْدًا. إِيْنَانِدْ كِه
بَخْشَايِش وَ رُوزِي اِرْزِشْمِنْدِي [در پيش]
دَارَنْد.»

وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي آيَاتِنَا مُعْجِزِينَ (۵) وَ كَسَانِي كِه در [راه انكار و تكذيب] آيات
ما كوشيدند تا [به پندار خويش] ما را در مانده
كنند، عذابي سخت و دردناك [در پيش]
دَارَنْد.

وَيَرَى الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذِينَ (۶) اهل دانش [= دانشمندان صحابه و علمای
مؤمن اهل كتاب] می دانند آنچه كه از سوی
پروردگارت بر تو نازل شده، حق است و به راه
[الله] شكست ناپذير ستوده هدايت می كند.

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ نَدُلُّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ يُنْبِئُكُمْ إِذَا مُرِّقْتُمْ كُلَّ مُمَرِّقٍ إِنَّكُمْ لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ (۷) كَسَانِي كِه كفر ورزیدند [با تمسخر به
يكديگر] می گویند: «می خواهید مردی را به
شما نشان دهیم كه ادعا می كند وقتی [پس از
مرگ] كاملاً متلاشی شدید، [بار ديگر] در
آفرینشی نو در خواهید آمد؟»

أَفَتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَمْ بِهِ جِنَّةٌ بَلِ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ فِي الْعَذَابِ وَالضَّلَالِ الْبَعِيدِ (۸) آيا [اين مرد] بر الله دروغ می بندد يا ديوانه
است؟ « [هرگز چنين نيست؛] بلكه كسانی كه
به آخرت ايمان ندارند، در عذاب [شدید آخرت]
و گمراهی دور و دراز [دنیا] گرفتارند.

أَفَلَمْ يَرَوْا إِلَىٰ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا

رو و پشت سرشان است ننگریسته‌اند؟ اگر بخواهیم، آنان را [مانند قارون] در زمین فرومی‌بریم یا [همچون قوم شعیب] پاره‌هایی از آسمان را بر سرشان می‌افکنیم. بی‌گمان، در این [هشدار]، برای هر بنده توبه‌کاری، نشانه‌ای [از قدرتِ الله] است.

خَلَقَهُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّ
تَشَاءُ نَخِيفُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ
نُسْقِطُ عَلَيْهِمْ كِسَفًا مِنَ السَّمَاءِ
إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّكُلِّ عَبْدٍ
مُنِيبٍ ﴿٩﴾

(۱۰) ما از جانب خویش فضیلتی [= حکمرانی و نبوت] به داود بخشیدیم [و گفتیم: «ای کوهساران و ای پرندگان، در تسیح و نیایشِ الله] با او هم‌آواز شوید». و آهن را برایش نرم کردیم [تا هر چه می‌خواهد بسازد].

وَوَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ مِنَّا فَضْلًا
يَجِبَالُ أَوِي مَعَهُ وَالطَّيْرُ وَالنَّارُ
لَهُ الْحَدِيدُ ﴿١٠﴾

(۱۱) [به او دستور دادیم] که: «زره‌های بلند [و فراخ] بساز و در بافتن [و پیوستن حلقه‌های زره] سنجیده و دقیق کار کن و [شما ای مردم]، نیکوکاری کنید [که] بی‌تردید، من به آنچه می‌کنید بینا هستم».

أَنْ أَعْمَلَ سَبِغَتٍ وَقَدَّرَ فِي
السَّرْدِ وَأَعْمَلُوا صَٰلِحًا إِنِّي بِمَا
تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿١١﴾

(۱۲) و برای سلیمان، باد را [به خدمت گماشتیم] که [در وزش] صبحگاهان، مسیر یک ماهه را طی می‌کرد و شامگاهان [نیز] مسیر یک ماهه را می‌پیمود؛ و چشمه مس [گداخته] را برایش روان ساختیم و گروهی از جنیان، به فرمان پروردگارش، نزد او کار می‌کردند و هر یک از آنان که از فرمان ما سرپیچی می‌کرد، از عذاب سوزان به او می‌چساندیم.

وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ غُدُوها شَهْرٌ
وَرَوْاحَهَا شَهْرٌ وَأَسَلْنَا لَهُ عَيْنَ
الْقِطْرِ وَمِنَ الْجِنِّ مَن يَعْمَلُ بَيْنَ
يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهٖ وَمَن يَزِغُ مِنْهُمْ
عَنْ أَمْرِنَا نُنزِقْهُ مِنْ عَذَابِ
السَّعِيرِ ﴿١٢﴾

يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحْرِبٍ وَتَمَثِيلٍ وَجَفَانٍ كَالْجَوَابِ وَقُدُورٍ رَاسِيَتٍ أَعْمَلُوا ءَالَ دَاوُدَ شُكْرًا وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّاكِرِينَ ﴿١٣﴾

می‌ساختند: از [کاخ و] عبادتگاه و مجسمه و کاسه‌هایی [که از بزرگی] همچون حوض [بودند] و دیگ‌هایی بسیار بزرگ و ثابت. [به آنان گفتیم]: «ای آل داود، سپاس [نعمت‌های مرا] به جای آوردید» و [الی] اندکی از بندگانم سپاسگزارند.

فَلَمَّا فَضَيْنَا عَلَيْهِ الْمَوْتَ مَا دَلَّهُمْ عَلَى مَوْتِهِ إِلَّا دَابَّةُ الْأَرْضِ تَأْكُلُ مِنسَأَتِهِ فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ الْحِجُّ أَنَّ لَو كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ ﴿١٤﴾

(۱۴) هنگامی که مرگ را بر سلیمان مقرر داشتیم، [هیچ کس] آنان را از مرگش آگاه نساخت، مگر موربانه‌ای که عصایش را [به تدریج] خورد. وقتی [پیکر سلیمان] فروافتاد، جنیان دریافتند که اگر از غیب آگاه بودند، هرگز در آن عذاب خفت‌بار [و کار طاقت‌فرسا] باقی نمی‌ماندند.

لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكِنِهِمْ ءَايَةٌ جَنَّتَانِ عَنِ يَمِينٍ وَشِمَالٍ كُلُوا مِن رِّزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ بَدَلَةَ طَيِّبَةٍ وَرَبِّ غَفُورٌ ﴿١٥﴾

(۱۵) در محل سکونت [قوم] «سبأ» دو باغ [بزرگ] از راست و چپ [قرار داشت] که نشانه‌ای [از قدرت و بخشش الهی] بود. [به آنان گفتیم]: «از روزی پروردگارتان بخورید و شکرگزارش باشید [که] سرزمینی پاک و پروردگاری آمرزنده [دارید].»

فَأَعْرَضُوا فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ وَبَدَّلْنَاهُمْ بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ

پس ما سیلی ویرانگر به سویشان روانه کردیم و دو باغ [پرمحصول] آنان را به دو باغ

ذَوَاتِیْ اُكُلٍ خَمَطٍ وَّاَثَلٍ وَشَیْءٍ
مِّنْ سِدْرٍ قَلِیْلِ ﴿۱۶﴾

[بی‌ارزش] تبدیل نمودیم [که تنها] میوه‌های
تلخ و شوره‌گز و اندکی سدر داشت.

ذٰلِكَ جَزَیْنَهُمْ بِمَا كَفَرُوْا وَّهَلْ
نُجْزِیْ اِلَّا الْكٰفِرُوْنَ ﴿۱۷﴾

(۱۷) ما آنان را به سزای ناسپاسی‌شان
اینچنین کیفر دادیم و آیا جز ناسپاس را کیفر
می‌دهیم؟

وَجَعَلْنَا بَیْنَهُمْ وَبَیْنَ الْقُرَیِّ الَّتِیْ
بَرَکْنَا فِیْهَا قُرَیْ ظَلِهْرَةَ وَقَدَّرْنَا
فِیْهَا السَّیْرَ سَیْرُوْا فِیْهَا لَیَالِیْ
وَأَیَّامًا ءَامِنِیْنَ ﴿۱۸﴾

(۱۸) و [همچنین] میان آنها [= قوم سبأ در
یمن] و سرزمین‌هایی که به آنها برکت داده
بودیم [= شام] شهرهایی [خرّم و] به‌هم‌پیوسته
قرار دادیم و سیر و سفری [آسان] در آن مقرر
نمودیم [و به آنان گفتیم:] «شب و روز بین این
[راه]‌ها ایمن [و آسوده] سفر کنید».

فَقَالُوْا رَبَّنَا بَعِدَ بَیْنَ اَسْفَارِنَا
وَظَلَمُوْا اَنْفُسَهُمْ فَجَعَلْنَهُمْ
اَحَادِیْثَ وَمَرَقْنَهُمْ كُلَّ مُمْرَقٍ اِنَّ
فِیْ ذٰلِكَ لَآیٰتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ
شٰكُوْرٍ ﴿۱۹﴾

(۱۹) اما آنان [با ناسپاسی] گفتند: «پروردگارا،
میان سفرهای ما فاصله بیشتری ایجاد کن [تا
ارزش اسب‌ها و شترهایمان نمایان گردد و
بینوایان نتوانند همچون ثروتمندان به راحتی
سفر کنند]». آنان به خویشتن ستم کردند؛ ما
نیز سخت آنها را متفرق و پراکنده ساختیم و
[سرگذشت] آنان را داستانی [عبرت‌آموز] برای
دیگران قرار دادیم. به راستی که در این
[ماجرا] برای هر شکیبایی سپاسگزاری،
نشانه‌هایی [از قدرت الهی] است.

وَلَقَدْ صَدَّقَ عَلَيْهِمْ اِبْلِیْسُ ﴿۲۰﴾

(۲۰) و یقیناً ابلیس گمان خود را در مورد آنان

ظَنَّهُو فَاتَّبَعُوهُ إِلَّا فَرِيقًا مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿۲۰﴾
 به تحقق رساند؛ پس جز گروهی [اندک] از مؤمنان، [همگی] از او پیروی کردند.

وَمَا كَانَ لَهُ عَلَيْهِم مِّن سُلْطَانٍ إِلَّا لِيَعْلَمَ مَن يُّؤْمِنُ بِالْآخِرَةِ مِمَّنْ هُوَ مِنْهَا فِي شَكٍّ وَرَبُّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ ﴿۲۱﴾
 [شیطان] بر آنان هیچ تسلطی نداشت؛ بلکه [ما می‌خواستیم] کسی را که به آخرت ایمان دارد، از کسی که درباره آن تردید دارد مشخص کنیم؛ و پروردگارت بر هر چیزی نگهبان است.

فَلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِّن دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ فِي السَّمَوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَمَا لَهُمْ فِيهَا مِن شَرِكٍ وَمَا لَهُ مِنهُمْ مِّن ظَهِيرٍ ﴿۲۲﴾
 [ای پیامبر، به مشرکان] بگو: «کسانی را که به جای الله [یاور و شفاعتگر خود] می‌پندارید، [به فریاد] بخوانید. آنان حتی همسنگ ذره‌ای در آسمان‌ها و زمین مالک چیزی نیستند و نه در [آفرینش و تدبیر] آن دو [= زمین و آسمان] شرکتی دارند و نه او [= الله] از جانب آنان هیچ پشتیبانی دارد.

وَلَا تَنْفَعُ الشَّفَعَةُ عِنْدَهُ إِلَّا لِمَن أذنَ لَهُ حَتَّىٰ إِذَا فُزِعَ عَن قُلُوبِهِمْ قَالُوا مَاذَا قَالَ رَبُّكُمْ قَالُوا الْحَقُّ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ ﴿۲۳﴾
 [۲۳] شفاعت [هیچ کس] نزد او [= الله] سودی ندارد؛ مگر برای آن کس که [الله] به او اجازه داده باشد. [در آن روز فرشتگان از خوف و هیبت الهی ترسانند] تا آنگاه که اضطراب [و تشویش] از دل‌هایشان برطرف می‌گردد، [گروهی از آنان به گروه دیگر] می‌گویند: «پروردگارتان چه گفت؟» [آنان در پاسخ] می‌گویند: «حق را [فرمود] و او بلندمرتبه بزرگ است»

﴿قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِّنَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ وَإِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلَىٰ هُدًى أَوْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾ (۲۴) [ای پیامبر، به مشرکان] بگو: «چه کسی از آسمان‌ها و زمین به شما روزی می‌دهد؟» [در پاسخ] بگو: «الله؛ و یقیناً [یک گروه از بین] ما و شما یا بر [راه] هدایت است یا در گمراهی آشکار».

﴿قُلْ لَا تَسْأَلُونَ عَمَّا أَجْرَمْنَا وَلَا نَسْأَلُ عَمَّا تَعْمَلُونَ﴾ (۲۵) بگو: «[روز قیامت] شما از گناهی که ما مرتکب شده‌ایم بازخواست نمی‌شوید و ما را [نیز] به خاطر آنچه شما انجام می‌دهید بازخواست نمی‌کنند».

﴿قُلْ يَجْمَعُ بَيْنَنَا رَبُّنَا ثُمَّ يَفْتَحُ بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَهُوَ الْفَتَّاحُ الْعَلِيمُ﴾ (۲۶) بگو: «[آن روز] پروردگاران [همه] ما را گرد می‌آورد؛ سپس میان ما به حق [و عدالت] داوری می‌کند و او داورِ داناست».

﴿قُلْ أَرُونِي الَّذِينَ أَحَقُّمْ بِهِءِ شُرَكَاءَ كَلَّا بَلْ هُوَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ (۲۷) بگو: «کسانی را که [در قدرت و تدبیر] شریک او [= الله] ساخته‌اید به من نشان دهید. هرگز [چنین نیست که می‌پندارید]؛ بلکه او الله شکست‌ناپذیرِ حکیم است».

﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (۲۸) [ای پیامبر،] ما تو را جز بشارت‌بخش و بیم‌دهنده‌ای برای همه مردم نفرستادیم؛ اما بیشتر مردم [این حقیقت را] نمی‌دانند.

﴿وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ (۲۹) و [کافران] می‌گویند: «اگر راستگوئید، این وعده [قیامت] کی خواهد بود؟»

قُلْ لَكُمْ مِيعَادُ يَوْمٍ لَا تَسْتَخِرُونَ عَنْهُ سَاعَةً وَلَا تَسْتَقْدِمُونَ ﴿٣٠﴾

قُلْ لَكُمْ مِيعَادُ يَوْمٍ لَا تَسْتَخِرُونَ عَنْهُ سَاعَةً وَلَا تَسْتَقْدِمُونَ ﴿٣٠﴾

می‌گیرید».

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ نُؤْمِنَ بِهَذَا الْفُرْعَانِ وَلَا بِالَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ مَوْقُوفُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْجِعُ بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ الْقَوْلَ يَقُولُ الَّذِينَ اسْتَضَعِفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لَوْلَا أَنْتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ ﴿٣١﴾

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ نُؤْمِنَ بِهَذَا الْفُرْعَانِ وَلَا بِالَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ مَوْقُوفُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْجِعُ بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ الْقَوْلَ يَقُولُ الَّذِينَ اسْتَضَعِفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لَوْلَا أَنْتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ ﴿٣١﴾

و کسانی که کفر ورزیدند می‌گویند: «ما هرگز به این قرآن و به آن [کتاب‌هایی] که پیش از آن بوده است ایمان نمی‌آوریم». کاش می‌دیدید زمانی را که این ستمکاران در پیشگاه پروردگارشان [برای حسابرسی] نگاه داشته می‌شوند [و] سخن یکدیگر را رد می‌کنند [و هر یک گناه را به گردن دیگری می‌اندازد]. کسانی که [در دنیا] به ناتوانی کشیده شده بودند به کسانی که گردنکشی می‌کردند می‌گویند: «اگر شما نبودید، ما قطعاً ایمان می‌آوردیم».

قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لِلَّذِينَ اسْتَضَعِفُوا ائْحُنْ صَدَدْنَاكُمْ عَنِ الْهُدَىٰ بَعْدَ إِذْ جَاءَكُمْ بَلْ كُنْتُمْ مُجْرِمِينَ ﴿٣٢﴾

قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لِلَّذِينَ اسْتَضَعِفُوا ائْحُنْ صَدَدْنَاكُمْ عَنِ الْهُدَىٰ بَعْدَ إِذْ جَاءَكُمْ بَلْ كُنْتُمْ مُجْرِمِينَ ﴿٣٢﴾

به [کسانی که به ناتوانی کشیده شده بودند می‌گویند: «آیا ما [بودیم که] شما را از هدایت - پس از آنکه به سویتان آمد- بازداشتیم؟ [هرگز؛] بلکه شما خود گناهکار [و اهل فساد] بودید».

وَقَالَ الَّذِينَ اسْتَضَعِفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا بَلْ مَكْرُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ

وَقَالَ الَّذِينَ اسْتَضَعِفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا بَلْ مَكْرُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ

به کسانی که گردنکشی می‌کردند می‌گویند:

«[چنین نیست؛] بلکه نیرنگ شب و روز [شما] سبب شد که از هدایت بازمانیم؛[آنگاه که به ما دستور می‌دادید به الله کافر شویم و [در قدرت و عبادت] همتیانی برایش قرار دهیم». آنان هنگامی که عذاب [الهی] را می‌بینند، پشیمانی خود را [در دل] پنهان می‌کنند و ما غل و زنجیرها را در گردن کسانی که کفر ورزیده‌اند می‌اندازیم. آیا جز [به کیفر] آنچه می‌کردند مجازات می‌شوند؟

وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ ﴿٣٤﴾
 (۳۴) و در هیچ شهری بیم‌دهندای نفرستادیم، مگر اینکه ثروتمندانِ سرکشِ آنجا گفتند: «پیامی را که مأمور به [بلاغ] آن شده‌اید، قطعاً انکار می‌کنیم».

وَقَالُوا نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ ﴿٣٥﴾
 (۳۵) آنان می‌گفتند: «اموال و فرزندان ما [از شما] بیشتر است و هرگز مجازات نخواهیم شد».

قُلْ إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٦﴾
 (۳۶) [ای پیامبر،] بگو: «بی‌تردید، پروردگام [برای آزمایش مردم، نعمت و] روزی را بر هر کس که بخواهد، می‌گشاید و [ایا] تنگ می‌گرداند؛ ولی بیشتر مردم نمی‌دانند».

وَمَا أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ بِالَّتِي تُقَرَّبُكُمْ عِنْدَنَا زُلْفَىٰ إِلَّا

داده است؛ که آنان در برابر آنچه کرده‌اند، پاداش چند برابر دارند و در خانه‌های بلند بهشت، در امن و آسایشند».

مَنْ ءَامَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ
لَهُمْ جَزَاءُ الضَّعْفِ بِمَا عَمِلُوا وَهُمْ
فِي الْعُرْفَةِ ءَامِنُونَ ﴿٣٧﴾

(۳۸) و کسانی که در [دور کردنِ مردم از] آیات ما می‌کوشند تا [به پندار خویش] ما را درمانده کنند، آنان قطعاً در عذاب [دوزخ] احضار می‌شوند.

وَالَّذِينَ يَسْعَوْنَ فِي ءَايَاتِنَا
مُعْجِزِينَ أُولَٰئِكَ فِي الْعَذَابِ
مُحْضَرُونَ ﴿٣٨﴾

(۳۹) [ای پیامبر] بگو: «بی‌تردید، پروردگام [نعمت و] روزی را بر هر کس که بخواهد، می‌گشاید و [یا] تنگ می‌گرداند؛ و هر چیزی را [که در راه الله] انفاق کنید، او به جای آن [مال] - و بهتر از آن - به شما [بازپس می‌دهد؛ و او] تعالی بهترین روزی‌دهنده است».

قُلْ إِنَّ رَبِّيَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ
يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ وَمَا
أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ
وَهُوَ خَيْرُ الرَّزُقِينَ ﴿٣٩﴾

(۴۰) و [یاد کن از] روزی که الله همهٔ آنان را برمی‌انگیزد، آنگاه به فرشتگان می‌گوید: «آیا اینها شما را عبادت می‌کردند؟»

وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ يَقُولُ
لِلْمَلَائِكَةِ أَهْلُوا لَآءِ إِيَّاكُمْ كَانُوا
يَعْبُدُونَ ﴿٤٠﴾

(۴۱) [فرشتگان] می‌گویند: «تو منزّهی؛ [دوست و] کارسازِ ما تو هستی، نه آنان؛ بلکه [این مشرکان] شیاطین را عبادت می‌کردند و بیشتر آنان به آنها ایمان داشتند».

قَالُوا سُبْحٰنَكَ أَنْتَ وَلِيْنَا مِنْ
دُونِهِمْ بَلْ كَانُوا يَعْبُدُونَ الْجِنَّ
أَكْثَرَهُمْ بِهِمْ مُّؤْمِنُونَ ﴿٤١﴾

(۴۲) امروز هیچ یک از شما سود و زیانی برای

فَالْيَوْمَ لَا يَمْلِكُ بَعْضُكُمْ

دیگری ندارد؛ و به کسانی که [با شرک ورزیدن] به خود ستم می کردند می گوئیم: «عذاب آتشی را بچشید که آن را تکذیب می کردید».

لِبَعْضٍ نَفَعًا وَلَا ضَرًّا وَنَقُولُ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ ﴿٤٢﴾

(۴۳) و هنگامی که آیات روشن ما بر آنان [= کافران] خوانده می شود، می گویند: «این جز مردی نیست که می خواهد شما را از آنچه پدرانتان عبادت می کردند بازدارد»؛ و [نیز] می گویند: «این [قرآن] جز دروغی برافته نیست»؛ و کسانی که کفر ورزیدند، درباره حق - وقتی به سویشان آمد - گفتند: «این [قرآن، چیزی] نیست، مگر جادویی آشکار».

وَإِذَا تُلِيٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا رَجُلٌ يُرِيدُ أَنْ يَصُدَّكُمْ عَمَّا كَانَ يَابُوكُمْ وَآبَاؤَكُمْ وَقَالُوا مَا هَذَا إِلَّا آفْكٌ مُّفْتَرَىٰ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ ﴿٤٣﴾

(۴۴) ما [پیش از این قرآن] هیچ کتابی به آنان [= مشرکان] نداده ایم که آن را بخوانند [و با استناد به مطالبش تو را دروغگو بدانند] و پیش از تو هیچ بیم دهنده ای به سویشان نفرستاده ایم.

وَمَا آتَيْنَاهُمْ مِنْ كِتَابٍ يَدْرُسُونَهَا وَمَا أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمْ قَبْلَكَ مِنْ نَذِيرٍ ﴿٤٤﴾

(۴۵) کسانی که پیش از آنان بودند [نیز پیامبران الهی را] دروغگو انگاشتند و [این در حالی است که مشرکان قوم تو، حتی] به یکدهم آنچه [از قدرت و ثروت] به آنان داده بودیم نرسیده اند ولی [آن کافران] پیامبرانم را دروغگو انگاشتند؛ [بنگر که] کیفر من چگونه بود.

وَكَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَمَا بَالُوهُم مِّمَّ عَشَارَ مَا آتَيْنَاهُمْ فَكَذَّبُوا رُسُلِي فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ ﴿٤٥﴾

﴿۴۶﴾ [ای پیامبر، به مشرکان] بگو: «من شما را فقط به یک [سخن] پند می‌دهم و [آن] اینک: دو نفر دو نفر یا یک نفر یک نفر [= گروهی یا انفرادی] برای الله برخیزید، سپس [در احوال و زندگی پیامبر] بیندیشید [تا بدانید که] این همنشین شما [محمد] دیوانه نیست؛ او فقط بیم‌دهنده‌ای است که پیش از [فرارسیدن] عذابی سخت، برای [هدایت] شما آمده است».

﴿۴۷﴾ بگو: «هر پاداشی که [برای رسالت] از شما خواسته‌ام، برای خودتان باشد. پاداش من جز بر [عهده] الله نیست و او تعالی بر هر چیزی گواه است».

﴿۴۸﴾ بگو: «یقیناً پروردگارم، که دانای رازهای نهان است، حق را بر باطل فرومی‌افکند [و آن را نابود می‌سازد]».

﴿۴۹﴾ بگو: «حق [= اسلام] فرارسید و باطل [دیگر] نمی‌تواند [تأثیر و قدرت جدیدی] آغاز کند و نه [نفوذ گذشته‌اش را] بازگرداند».

﴿۵۰﴾ بگو: «اگر [من با رساندن این پیام] گمراه شده باشم، جز این نیست که به زیان خویش گمراه شده‌ام و اگر هدایت یافته باشم، به سبب آن [سخنی] است که پروردگارم بر من وحی می‌کند. بی‌تردید، او شنوا [و] نزدیک است».

وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ فَزِعُوا فَلَا فَوْتَ
وَأَخَذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ ﴿٥١﴾

(۵۱) [ای پیامبر!] اگر ببینی هنگامی را که
[کافران از مشاهده عذاب] وحشت زده می شوند
و [هیچ راه] گریزی نیست و آنان را از جای
نزدیکی [که انتظارش را ندارند] دستگیر
می کنند.

وَقَالُوا ءَامَنَّا بِهِ ؕ وَإِنَّا لَهُمْ
الْتَّائِبُونَ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ ﴿٥٢﴾

(۵۲) و [در این حال] می گویند: «به این
[قیامت] ایمان آوردیم»؛ و [اکنون که مرده اند]
چگونه از جایی [چنین] دور، دسترسی [به
ایمان] برایشان ممکن است؟

وَقَدْ كَفَرُوا بِهِ ؕ مِنْ قَبْلُ
وَيَقْدِفُونَ بِالْغَيْبِ مِنْ مَّكَانٍ
بَعِيدٍ ﴿٥٣﴾

(۵۳) حال آنکه آنان در دنیا این [قیامت] را
انکار می کردند و از دور [و بدون دانش و
آگاهی]، نسبت های ناروا [به پیامبر] می دادند.

وَحِيلَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ
كَمَا فُعِلَ بِأَشْيَاعِهِمْ مِّن قَبْلُ
إِنَّهُمْ كَانُوا فِي شَكٍّ مُّرِيبٍ ﴿٥٤﴾

(۵۴) و [سرانجام] میان آنان و آنچه [از
لذت های دنیوی] که میل دارند جدایی افتاد؛
چنان که پیش از این [نیز] با امثال [و
همفکران] اینان نیز چنین رفتاری شد [چرا
که] یقیناً آنان [نیز نسبت به قیامت] سخت در
تردید بودند.

سُورَةُ فَاطِرٍ

سورة فاطر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَكِئَةِ رُسُلًا
أُولِي أجنحةٍ مثنى وثلاث وربع
يزيد في الخلق ما يشاء إن الله
على كل شيء قدير ﴿١﴾

(۱) سپاس [و ستایش] از آن الله - آفریننده
آسمانها و زمین - است؛ [پروردگاری که]
فرشتگان را با بالهای دوگانه و سه گانه و
چهارگانه، فرستادگان [خویش به سوی مردم]
قرار داد [و] هر چه خواهد در آفرینش
می افزاید. بی تردید، الله بر هر چیزی تواناست.

مَا يَفْتَحُ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ
فَلَا مُمْسِكٍ لَهَا وَمَا يُمْسِكُ فَلَا
مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ وَهُوَ
الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٢﴾

(۲) هر [بخشایش و] رحمتی که الله برای
مردمان بگشاید، هیچ بازدارنده ای برایش
نیست و هر چه را بازگیرد، فرستنده ای پس از
او وجود ندارد؛ و او تعالی شکست ناپذیر حکیم
است.

يَأْتِيهَا النَّاسُ أَدْكُرُوا نِعْمَتَ
اللَّهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خَلْقٍ
غَيْرِ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ
وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَآئِنِّي
تُؤْفَكُونَ ﴿٣﴾

(۳) ای مردم، نعمت الله را بر خود به یاد
آورید. آیا آفریننده ای جز الله هست که شما را
از آسمان و زمین روزی دهد؟ هیچ معبودی
جز او نیست؛ پس چگونه [از حق] منحرف
می شوید؟

(۴) [ای پیامبر]، اگر مشرکان تو را دروغگو
می انگارند [غمگین نباش؛ زیرا] پیامبران پیش

وإن يكذبوك فقد كذبت رسل

مِنْ قَبْلِكَ ۚ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ﴿۴﴾
از تو را [نیز] دروغگو انگاشتند و [سرانجام، همه] کارها به الله بازگردانده می‌شود.

يَأْتِيهَا النَّاسُ إِنْ وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا ۖ فَلَا تَعْرَتَكُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَعْزَرُّكُمْ بِاللَّهِ الْعُرُورُ ﴿۵﴾
(۵) ای مردم، یقیناً وعدهٔ الله [در مورد قیامت] حق است؛ پس [هوشیار باشید که لذت‌های] زندگی دنیا شما را نفریبند و [شیطان] فریبنده شما را نسبت به [تأخیر در عذاب و شکیبایی] الله فریب ندهد.

إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا ۚ إِنَّمَا يَدْعُوا حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ ﴿۶﴾
(۶) بی‌تردید، شیطان دشمن شماست؛ شما نیز او را دشمن [خود] بگیرید. جز این نیست که او پیروانش را [به کفر] می‌خواند تا از اهل آتش باشند.

الَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ ﴿۷﴾
(۷) کسانی که کفر ورزیده‌اند عذابی سخت [در پیش] دارند و کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند آمرزش و پاداشی بزرگ [در انتظار] دارند.

أَفَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ فَرَآهُ حَسَنًا فَإِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ ۚ فَلَا تَذْهَبْ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ حَسْرَتٍ ۚ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَصْنَعُونَ ﴿۸﴾
(۸) آیا کسی که کردار زشتش در نظرش آراسته گشته است و آن را نیکو می‌بیند [همچون مؤمن حقیقت‌بین است]؟ بی‌تردید، الله هر کس را که خواهد گمراه می‌سازد و هر کس را که خواهد هدایت می‌کند؛ پس [ای پیامبر]، جانت به خاطر حسرت‌هایی که بر [گمراهی] آنان می‌خوری، از

بین نرود. بی تردید، الله به آنچه انجام می دهند آگاه است.

وَاللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ فَتُثِيرُ (۹) الله است که بادها را روانه می کند و [آنها سحابًا فَسُقْنَهُ إِلَى بَلَدٍ مَّيِّتٍ به سوی سرزمینی [خشک و] مرده می فرستیم فَأَحْيَيْنَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا كَذَلِكَ النُّشُورُ ۹]

و به [وسیله] آن، زمین را - پس از خشکی و خزانش - زنده می کنیم. برانگیختن [مردگان از قبرها نیز] چنین است.

مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَكْرُ أُولَئِكَ هُوَ يَبُورُ ۱۰]

(۱۰) هر کس سربلندی [دنيا و آخرت را] می خواهد، [بداند که] سربلندی همه از آن الله است. گفتار پاک [و ذکر الهی] به سویش اوج می گیرد و کردار شایسته، آن [گفتار] را بالا می برد؛ و کسانی که زشتی ها [و گناهان] را دسیسه چینی می کنند، عذاب سختی [در پیش] دارند و [نقشه و] نیرنگشان نابود می گردد.

وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ أَزْوَاجًا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أَنْثَى وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ وَمَا يُعَمَّرُ مِنْ مُعَمَّرٍ وَلَا يُنْقِضُ مِنْ عُمْرِهِ إِلَّا فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ۱۱]

(۱۱) و الله شما را از خاکی آفرید، سپس از نطفه ای؛ سپس شما را جفت ها [ی یکدیگر] قرار داد. هیچ [جاندار] ماده ای باردار نمی شود و زایمان نمی کند، مگر با دانش [و آگاهی] او تعالی؛ و هیچ [جاندار] کهنسالی عمر طولانی نمی کند و از عمرش کاسته نمی گردد، مگر آنکه در کتابی [= لوح محفوظ] ثبت است. به راستی که این کار برای الله آسان است.

(۱۲) و آن دو دریا یکسان نیستند: این یکی شیرین و خوشگوار است و نوشیدنش گواراست و آن یکی شور و تلخ است؛ و از [صید] هر یک گوشتی تازه می‌خورید و زیوری [همچون مروارید و مرجان از اعماقش] بیرون می‌آورید که آنها را بر تن می‌کنید؛ و کشتی‌ها را در آن دریا می‌بینی که [سینه امواج را] می‌شکافند تا از بخشایش او [روزی خود را] بجویید؛ باشد که شکر به جای آورید.

(۱۳) [الله] شب را در روز درمی‌آورد و روز را در شب درمی‌آورد [و اینچنین بر طول هر یک می‌افزاید] و خورشید و ماه را به خدمت [انسان] گماشت که هر یک تا زمانی معین [در مدار خود] در حرکت باشند. این است الله - پروردگار شما؛ فرمانروایی از آن اوست و کسانی را که به جای او [به یاری و دعا] می‌خوانید، [در برابر او تعالی چنان فقیرند که حتی] مالک پوست [نازک روی] هسته خرمايي نیستند.

(۱۴) اگر آنان را [به یاری و دعا] بخوانید، صدایتان را نمی‌شنوند و [به فرض محال] اگر بشنوند، پاسختان را نمی‌دهند و روز قیامت از شرک شما بیزاری می‌جویند؛ و [ای پیامبر،]

وَمَا يَسْتَوِي الْبَحْرَانِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ سَائِغٌ شَرَابُهُ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاحٌ وَمِنْ كُلِّ تَاكُلُونَ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُونَ حِلْيَةً تَلْبُسُونَهَا وَتَرَى الْفُلْكَ فِيهِ مَوَاحِرَ لِيَتَّبِعُوا مِنْ فَضْلِهِ ۗ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿۱۲﴾

يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُؤَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مَا يَمْلِكُونَ مِنْ قِطْمِيرٍ ﴿۱۳﴾

إِنْ تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا دُعَاءَكُمْ وَلَوْ سَمِعُوا مَا اسْتَجَابُوا لَكُمْ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُونَ بِشِرْكِكُمْ ۗ وَلَا

يُنَبِّئُكَ مِثْلُ خَبِيرٍ ﴿١٤﴾

هیچ کس همچون [پروردگار] آگاه، تو را [از حقایق] خبردار نمی‌سازد.

﴿١٥﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ﴿١٥﴾ [تنها] الله است که بی‌نیاز ستوده است.

﴿١٦﴾ إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ ﴿١٦﴾ [اگر بخواهد، شما را [از میان] می‌برد و آفرینشی جدید [به جایتان پدید] می‌آورد.

﴿١٧﴾ وَمَا ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ ﴿١٧﴾ و [انجام] این کار برای الله دشوار نیست.

﴿١٨﴾ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ وَإِنْ تَدْعُ مُثْقَلَةٌ إِلَىٰ جَمَلِهَا لَا يُحْمَلُ مِنْهُ شَيْءٌ وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ ۗ إِنَّمَا تُنذِرُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَيْبِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ ۗ وَمَنْ تَزَكَّىٰ فَإِنَّمَا يَتَزَكَّىٰ لِنَفْسِهِ ۗ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ ﴿١٨﴾ و هیچ گناهکاری بار گناه دیگری را به دوش نمی‌گیرد و اگر [شخص] گرانباری، [دیگری را] برای حمل بار [گناهان] خویش فرا بخواند، [چیزی از آن بار] برداشته نمی‌شود؛ هر چند که او خویشاوند [نزدیکش] باشد. [ای پیامبر،] جز این نیست که تو فقط به کسانی هشدار می‌دهی که در نهان از [مجازات] پروردگارشان می‌ترسند و نماز برپا می‌دارند. هر کس [از گناهان] پاک شود، یقیناً تنها به سود خویش پاک گشته است و بازگشت [همه] به سوی الله است.

﴿١٩﴾ وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ ﴿١٩﴾ و [کافر و مؤمن برابر نیستند؛ چنان که] نابینا و بینا یکسان نیستند؛

﴿٢٠﴾ وَلَا الظُّلُمَاتُ وَلَا النُّورُ ﴿٢٠﴾ و نه تاریکی‌ها و نور؛

(۲۱) و نه سایه و باد سوزان؛

وَلَا الظِّلُّ وَلَا الحَرُورُ ﴿۲۱﴾

(۲۲) و زندگان و مردگان یکسان نیستند. بی‌تردید، الله [ندای حق را] به گوش هر کس بخواهد می‌رساند و تو [ای پیامبر] نمی‌توانی کسانی را که در گورها هستند بشنوانی.

وَمَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَلَا الْأَمْوَاتُ إِنَّ اللَّهَ يُسْمِعُ مَن يَشَاءُ ﴿۲۲﴾
وَمَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَّن فِي

الْقُبُورِ ﴿۲۲﴾

(۲۳) تو جز بیم‌دهنده‌ای [بیش] نیستی.

إِنَّ أَنْتَ إِلَّا نَذِيرٌ ﴿۲۳﴾

(۲۴) به راستی، ما تو را به حق بشارت‌بخش و بیم‌دهنده فرستادیم و [در نسل‌های گذشته نیز] هیچ امتی نبود، مگر آنکه میانشان بیم‌دهنده‌ای گذشته است.

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَإِن مِّنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ ﴿۲۴﴾

(۲۵) و اگر [مشرکان] تو را دروغگو می‌انگارند، [عجیب نیست؛ چرا که] بی‌تردید، کسانی که پیش از آنان بودند [نیز] پیامبران‌شان را که با دلایل روشن و کتاب‌های آسمانی و کتاب روشنگر به سراغشان آمدند دروغگو انگاشتند.

وَإِن يُكذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ وَبِالزُّبُرِ وَبِالْكِتَابِ الْمُنِيرِ ﴿۲۵﴾

(۲۶) آنگاه [من نیز] کسانی را که کفر ورزیده بودند نابود ساختم؛ پس [بنگر که] کیفر من چگونه بود.

ثُمَّ أَخَذْتُ الَّذِينَ كَفَرُوا ﴿۲۶﴾
فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ ﴿۲۶﴾

(۲۷) آیا ندیده‌ای که الله آبی از آسمان نازل کرد و به [وسیله] آن، [از درختان مختلف] میوه‌هایی پدید آوردیم که رنگ‌های گوناگون

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ

است و از کوه‌ها [نیز رگه‌ها و] راه‌های سفید و
 قرمز و کاملاً سیاه [آفریدیم] که رنگ‌هایش
 گوناگون است؟
 وَعَرَابِيبُ سُودٌ ﴿۲۷﴾

(۲۸) و همچنین از انسان‌ها و جن‌بندگان و
 چهارپایان [نیز مخلوقاتی آفریدیم که] رنگ‌هایش
 گوناگون است. به راستی، از [میان] بندگان
 الله، تنها دانایان [هستند که به صفات و احکام
 الهی آگاهی دارند و] از او می‌ترسند. بی‌تردید،
 الله شکست‌ناپذیر آمرزنده است.

إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ
 وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا مِمَّا
 رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ
 تِجَارَةً لَّن تَبُورَ ﴿۲۹﴾

(۲۹) در حقیقت، کسانی که کتاب الله را
 می‌خوانند و نماز برپا می‌دارند و از آنچه به آنان
 روزی داده‌ایم، پنهان و آشکار انفاق می‌کنند،
 به تجارتی [پرسود] امید دارند که هرگز زیان [و
 کساد]ی ندارد.

لِيُؤْفِقَهُمْ أَجْرَهُمْ وَيَزِيدَهُم مِّن
 فَضْلِهِ إِنَّهُ غَفُورٌ شَكُورٌ ﴿۳۰﴾

(۳۰) تا [الله] پاداششان را به صورت کامل
 بدهد و از فضل خویش، بر [ثواب] آنان بیفزاید.
 بی‌تردید، او تعالی آمرزنده سپاسگزار است.

وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ
 هُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ
 إِنَّ اللَّهَ بِعِبَادِهِ لَخَبِيرٌ بَصِيرٌ ﴿۳۱﴾

(۳۱) [ای پیامبر]، آنچه از این کتاب به تو
 وحی کردیم حق است و آن [کتاب‌های
 آسمانی] را که پیشتر بوده است تصدیق
 می‌کند. بی‌تردید، الله به [حال] بندگانش آگاه
 و بیناست.

ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ إِذِنَ اللَّهُ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ ﴿٣٢﴾

ثمّ اوروشتنا الکتب الّذین اصطفینا من عبادنا فمنهم ظالمٌ لِنَفْسِهِ و مِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ و مِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ إِذِنَ اللَّهُ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ ﴿٣٢﴾

(۳۲) آنگاه این کتاب [= قرآن] را به آن بندگانمان که [آنان را] برگزیدیم [= امت محمد] به میراث دادیم؛ [برخی] از آنان در حق خویش ستمکارند و [برخی دیگر] از آنان میانه‌رو هستند و [برخی] از آنان به فرمان الله در نیکی‌ها پیشتانزد. این [مسلمانی و بهره‌مندی از قرآن، فضیلت و] بخشایش بزرگ است.

جَعَلْتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا يُجَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرٍ مِنْ ذَهَبٍ وَ لَوْلَا ۖ وَ لِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ ﴿٣٣﴾

جَعَلْتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا يُجَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرٍ مِنْ ذَهَبٍ وَ لَوْلَا ۖ وَ لِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ ﴿٣٣﴾

(۳۳) [پاداششان] باغ‌های جاودان [بهشتی] است که به آن وارد می‌شوند. در آنجا به دستبندهایی از طلا و مروارید آراسته می‌گردند و لباسشان از حریر است.

وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ ۖ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ ﴿٣٤﴾

وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ ۖ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ ﴿٣٤﴾

(۳۴) [آنان پس از ورود به بهشت] می‌گویند: «سپاس [و ستایش] از آن الله است که اندوه را از ما دور کرد. به راستی که پروردگاران آمرزنده سپاسگزار است.

الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمَقَامَةِ مِن فَضْلِهِ ۖ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَمَبٌ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ ﴿٣٥﴾

الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمَقَامَةِ مِن فَضْلِهِ ۖ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَمَبٌ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ ﴿٣٥﴾

(۳۵) آن [معبودی] که از فضل خویش ما را در این سرای جاوید جای داد؛ در اینجا رنجی به ما نمی‌رسد و دچار خستگی [و کسالت نیز] نمی‌شویم.

وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ نَارُ جَهَنَّمَ لَا يُقْضَىٰ عَلَيْهِمْ فَيَمُوتُوا وَلَا

وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ نَارُ جَهَنَّمَ لَا يُقْضَىٰ عَلَيْهِمْ فَيَمُوتُوا وَلَا

(۳۶) و برای کسانی که کفر ورزیدند آتش دوزخ [در پیش] است؛ نه فرمان [مرگ] بر آنان

يُخَفِّفُ عَنْهُمْ مِّنْ عَذَابِهَا كَذَلِكَ
نَجْرِي كُلَّ كَفُورٍ ﴿٣٦﴾
جاری می‌شود تا بمیرند و نه [چیزی] از
عذابش از آنان کاسته می‌گردد. ما هر ناسپاسی
را اینچنین جزا می‌دهیم.

وَهُمْ يَصْطَرِحُونَ فِيهَا رَبَّنَا
أَخْرَجْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا غَيْرَ الَّذِي
كُنَّا نَعْمَلُ أَوْلَمْ نُعَمِّرْكُمْ مَا
يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَنْ تَذَكَّرَ وَجَاءَكُمْ
الْتَذِيرُ فَذُوقُوا فَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ
تَصِيرٍ ﴿٣٧﴾
«پروردگارا، ما را [از این عذاب] بیرون آور تا
غیر از آنچه [پیشتر] می‌کردیم، کار شایسته‌ای
انجام دهیم». [به آنان گفته می‌شود:] «آیا به
شما [آنقدر فرصت و] عمر ندادیم تا هر کس که
پندپذیر است در آن [مدت] پند گیرد؟ و
[پیامبر نیز به عنوان] بیم‌دهنده نزدتان آمد؛
پس [حال که اطاعت نکردید، طعم عذاب را]
بچشید که ستمکاران هیچ یاریگری ندارند».

إِنَّ اللَّهَ عَلِيمُ غَيْبِ السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ
الصُّدُورِ ﴿٣٨﴾
بی‌تردید، الله دانای نهای آسمان‌ها و
زمین است [و] اوست که به راز دل‌ها داناست.

هُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ فِي
الْأَرْضِ فَمَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ
كُفْرُهُ وَلَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ
كُفْرَهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ إِلَّا مَقْتًا
وَلَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرَهُمْ إِلَّا
حَسَارًا ﴿٣٩﴾
او همان ذاتی است که شما را در زمین
جانشین [پیشینیان] قرار داد؛ هر کس کفر
بورزد کفرش به زیان خود اوست؛ و کافران را
کفرشان نزد پروردگارشان جز خشم [و
بیزاری] نمی‌افزاید؛ و کافران را کفرشان جز
زیان [و گناه، چیزی] نمی‌افزاید.

قُلْ أَرَأَيْتُمْ شُرَكَاءَكُمُ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَوَاتِ أَمْ آتَيْنَهُمْ كِتَابًا فَهُمْ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْهُ بَلْ إِنْ يَعِدُ الظَّالِمُونَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا إِلَّا غُرُورًا ﴿۴۰﴾

(۴۰) [ای پیامبر، به مشرکان] بگو: «آن معبودانی که به جای الله [به یاری و دعا] می‌خوانید، به من نشان دهید که چه چیزی از زمین را آفریده‌اند؟ یا [مگر همراه الله] در آفرینش آسمان‌ها شرکت داشته‌اند؟ یا به آنان [= مشرکان] کتابی داده‌ایم و از [مطالب] آن، نشانه روشنی [بر حقانیت خود] دارند؟» [چنین نیست؛] بلکه ستمکاران [مشرک] جز فریب، به یکدیگر وعده‌ای نمی‌دهند.

وَإِنَّ اللَّهَ يُمِصُّكَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِن زَالَتَا إِنْ أَمْسَكْتَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِّنْ بَعْدِي ۗ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا ﴿۴۱﴾

(۴۱) به راستی، الله است که آسمان‌ها و زمین را نگه می‌دارد تا [از مسیر و مدار خود] منحرف نشوند؛ و اگر انحراف یابند، پس از او کسی آنها را نگه نمی‌دارد. بی‌تردید، الله همواره بردبار آمرزنده است.

وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِنْ جَاءَهُمْ نَذِيرٌ لَّيَكُونُنَّ أَهْدَىٰ مِنْ إِحْدَى الْأُممِ ۗ فَلَمَّا جَاءَهُمْ نَذِيرٌ مَّا زَادَهُمْ إِلَّا نُفُورًا ﴿۴۲﴾

(۴۲) [کافران] با سخت‌ترین سوگندهایشان به الله سوگند یاد کردند که اگر [پیامبر] بیم‌دهنده‌ای برایشان بیاید، از هر امتی راه‌یافته‌ترند؛ اما چون [محمد به عنوان] بیم‌دهنده‌ای نزدشان آمد، جز دوری [و نفرت از حق چیزی] بر آنان نیفزود.

أَسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ وَمَكْرَ السَّيِّئِ وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ

(۴۳) [سوگندهایشان صادقانه نبود؛ بلکه] از روی گردنکشی در زمین و نیرنگ زشت [بود]؛ و نیرنگ زشت، جز دامنگیر صاحبش

نمی‌گردد. آیا [کافران، چیزی] جز سنت [الهی و کيفر] پیشینیان را انتظار دارند؟ هرگز در سنت الله تبدیلی نمی‌یابی و هرگز در سنت الله تغییری نمی‌یابی.

إِلَّا بِأَهْلِيهِۦ فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا
سُنَّتِ الْأَوَّلِينَ فَلَن تَجِدَ لِسُنَّتِ
اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَن تَجِدَ لِسُنَّتِ
اللَّهِ تَحْوِيلًا ﴿٤٣﴾

(۴۴) آیا [کافران] در زمین نگشته‌اند تا ببینند سرانجام کسانی که پیش از آنان - و [حتی] نیرومندتر از آنان بودند - چگونه شد؟ هیچ چیزی در آسمان‌ها و زمین نیست که الله را ناتوان سازد [و از حوزه قدرتش بیرون رود]. بی‌تردید، او تعالی همواره دانای تواناست.

أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا
كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن
قَبْلِهِمْ وَكَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَمَا
كَانَ اللَّهُ لِيُعْجِزَهُ مِن شَيْءٍ فِي
السَّمَوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ إِنَّهُ
كَانَ عَلِيمًا قَدِيرًا ﴿٤٤﴾

(۴۵) و اگر الله مردم را به سبب آنچه کرده‌اند مجازات می‌کرد، هیچ جنبنده‌ای را بر پشت زمین باقی نمی‌گذاشت؛ اما [مهلت می‌دهد و کيفر] آنان را تا سرآمدی معین به تأخیر می‌اندازد. هنگامی که اجلشان [در قیامت] فرارسد، یقیناً الله به حال بندگانش بیناست.

وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِمَا
كَسَبُوا مَا تَرَكَ عَلَى ظَهْرِهَا مِن
دَابَّةٍ وَلَٰكِن يُؤَخِّرُهُم إِلَىٰ أَجَلٍ
مُّسَمًّى فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ
كَانَ بِعِبَادِهِۦ بَصِيرًا ﴿٤٥﴾

سُورَةُ يَسْ

سورة يس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

يَسْ ﴿١﴾

(۱) يس [= يا. سين]

وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ ﴿٢﴾

(۲) سوگند به قرآن حکیم!

إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿٣﴾

(۳) [که] قطعاً تو از پیامبران [ما] هستی

عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٤﴾

(۴) [و] بر راه راست [اسلام قرار داری]

تَنْزِيلَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ ﴿٥﴾

(۵) [این قرآن] فروفرستاده [پروردگار]

شکست‌ناپذیر مهربان است

لَتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أُنذِرَ آبَاؤُهُمْ فَهُمْ

(۶) تا مردمی را [درباره عذاب قیامت] بیم

دهی که پدرانشان هشدار نیافته‌اند و [به این

سبب] آنها نیز غافلند.

غَافِلُونَ ﴿٦﴾

لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلَىٰ أَكْثَرِهِمْ

(۷) یقیناً فرمان [عذاب الهی] بر بیشتر آنان

تحقق یافته است؛ پس [لجاجت می‌کنند و]

ایمان نمی‌آورند.

فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٧﴾

إِنَّا جَعَلْنَا فِي أَعْنَاقِهِمْ

(۸) [مثال گمراهی کافران، چنان است که

گویی] ما زنجیرهایی بر گردن‌هایشان نهاده‌ایم

که تا زیر چانه‌هایشان [پیچیده شده] است،

چنان که سرهایشان بالا مانده است [و از انجام

هر خیری عاجزند و راه هدایت را نمی‌یابند].

فَهِيَ إِلَى الْأَذْقَانِ فَهُمْ

مُقْمَحُونَ ﴿٨﴾

وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا (۹) و از پیش رویشان دیواری و از پشت سرشان نیز دیواری نهاده‌ایم و چشمانشان را با پرده‌ای پوشانده‌ایم؛ از این روست که [حقیقت را] نمی‌بینند. ﴿۹﴾

وَسَوَاءٌ عَلَيْهِمْ ءَأَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿۱۰﴾ [ای پیامبر،] برایشان یکسان است که آنان را بیم دهی یا بیم ندهی؛ [در هر حال،] ایمان نمی‌آورند. ﴿۱۰﴾

إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَوِّفِي الرَّحْمَانَ بِالْغَيْبِ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ كَرِيمٍ ﴿۱۱﴾ (۱۱) جز این نیست که تو به کسی بیم می‌دهی [و این کار برای کسی سود دارد] که پیرو قرآن باشد و در نهان از [پروردگار] رحمان بترسد؛ پس او را [که چنین است] به آمرزش و پاداشی ارجمند بشارت بده. ﴿۱۱﴾

إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَءَاتَاهُمْ وَعَلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ ﴿۱۲﴾ (۱۲) یقیناً ماییم که مردگان را زنده می‌کنیم و آنچه [از اعمال خیر و شر] را که از پیش فرستاده‌اند و آثار [به جای مانده از] آنان را می‌نویسیم؛ و همه چیز را در کتابی روشن [= لوح محفوظ] به شمار آورده‌ایم. ﴿۱۲﴾

وَأَضْرِبْ لَهُم مَّثَلًا أَصْحَابَ الْقَرْيَةِ إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ ﴿۱۳﴾ [ای پیامبر، ماجرای] مردم آن شهر را برایشان مثال بزن، آنگاه که پیامبران نزدشان رفتند. ﴿۱۳﴾

إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ فَقَالُوا إِنَّا إِلَيْكُم (۱۴) وقتی دو نفر از پیامبران را به سویشان فرستادیم؛ اما [مردم] آنان را تکذیب کردند؛

مُرْسَلُونَ ﴿١٤﴾

سپس آن دو را با فرستادن پیامبر سوم، [تأیید و] تقویت کردیم. آنان [به اهالی شهر] می گفتند: «ما رسولان [الهی] به سوی شما هستیم».

قَالُوا مَا أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا وَمَا أَنْزَلَ الرَّحْمَنُ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا تَكْذُوبٌ ﴿١٥﴾

(۱۵) [اهالی شهر در پاسخ] گفتند: «شما جز بشری همانند ما نیستید و [پروردگار] رحمان، چیزی [از وحی] نازل نکرده است. شما جز دروغ نمی گوید».

قَالُوا رَبُّنَا يَعْلَمُ إِنَّا إِلَيْكُمْ لَمُرْسَلُونَ ﴿١٦﴾

(۱۶) [پیامبران] گفتند: «پروردگاران ما می دانند که قطعاً به سوی شما فرستاده شده ایم».

وَمَا عَلَيْنَا إِلَّا الْبَلْغُ الْمُبِينُ ﴿١٧﴾ و ما وظیفه‌ای جز رساندن آشکار [وحی] نداریم».

قَالُوا إِنَّا تَطَيَّرْنَا بِكُمْ لَئِن لَّمْ تَنْتَهُوا لَنَرْجُمَنَّكُمْ وَلَيَمَسَّنَّكُم مِّنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٨﴾

(۱۸) [مردم] گفتند: «ما شما را به شگون بد گرفته ایم. اگر [از تبلیغ] دست برندارید، حتماً سنگسارتان می کنیم و بی تردید، عذابی دردناک از [جانب] ما به شما خواهد رسید».

قَالُوا طَيَّرْنَاكُمْ مَعَكُمْ أَيْنَ ذُكِّرْتُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ ﴿١٩﴾

(۱۹) [پیامبران] گفتند: «شومی شما با خودتان [و ناشی از کفر و گناه] است. آیا اگر پندتان دهند [آن را شوم می پندارید؟] بلکه [حقیقت این است که شما در ارتکاب گناه،] مردمی اسرافکارید».

وَجَاءَ مِنْ أَقْصَا الْمَدِينَةِ رَجُلٌ

(۲۰) و مردی از دورترین نقطه شهر شتابان

يَسْعَى قَالَ يَقَوْمِ اتَّبِعُوا آمِد [و] گفت: «ای قوم من، از این پیامبران پیروی کنید. الْمُرْسَلِينَ ﴿٢٠﴾»

اتَّبِعُوا مَنْ لَا يَسْأَلُكُمْ أَجْرًا (۲۱) پیرو کسانی باشید که از شما پاداشی و هم مهتدون ﴿٢١﴾ نمی‌خواهند و خود هدایت یافته‌اند.

وَمَا لِي لَا أَعْبُدُ الَّذِي فَطَرَنِي وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٢٢﴾ (۲۲) و چرا معبودی را عبادت نکنم که مرا آفریده است و [شما نیز] به سویش بازگردانده می‌شوید؟

عَأْتِخُذُ مِنْ دُونِهِ عَالِهَةً إِنْ يُرِدْنِ الرَّحْمَنُ بِضُرٍّ لَا تُغْنِي عَنِّي شَفَعَتُهُمْ شَيْئًا وَلَا يُنْقِذُونِ ﴿٢٣﴾ (۲۳) آیا به جای او معبودانی برگزینم که اگر [پروردگار] رحمان بخواهد گزندى به من برساند، نه شفاعتشان برایم سودی دارد و نه می‌توانند مرا [از عذاب الهی] نجات دهند؟

إِنِّي إِذَا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٢٤﴾ (۲۴) در آن صورت، یقیناً در گمراهی آشکاری خواهم بود.

إِنِّي ءَامَنْتُ بِرَبِّكُمْ فَاسْمِعُونِ ﴿٢٥﴾ (۲۵) من به پروردگارتان ایمان آورده‌ام [و از مرگ هراسی ندارم؛] پس سخنانم را بشنوید.

قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ ﴿٢٦﴾ (۲۶) [پس از اینکه آن مرد به دست قومش به شهادت رسید،] به وی گفته شد: «وارد بهشت شو». او گفت: «ای کاش قوم من می‌دانستند

بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ ﴿٢٧﴾ (۲۷) که پروردگارم مرا آمرزیده و گرامی داشته است.»

﴿وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ قَوْمِهِ مِن بَعْدِهِ مِن جُنْدٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَمَا كُنَّا مُنْزِلِينَ﴾^(۲۸)
 (۲۸) پس از [شهادت] او، هیچ سپاهی از آسمان بر قومش نفرستادیم و [پیش از این نیز] فروفرستنده نبودیم.

﴿إِن كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ خَامِدُونَ﴾^(۲۹)
 (۲۹) [کیفرشان] جز یک بانگ مرگبار نبود؛ به‌ناگاه همگی [مرده و] خاموش گشتند.

﴿يَحْسِرَةٌ عَلَىٰ الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِّن رَّسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ﴾^(۳۰)
 (۳۰) ای افسوس بر این بندگان! هیچ پیامبری به سویشان نیامد، مگر آنکه او را مسخره می‌کردند.

﴿أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مِّنَ الْقُرُونِ أَنَّهُمْ إِلَيْهِمْ لَا يَرْجِعُونَ﴾^(۳۱)
 (۳۱) آیا ندیده‌اند [و نمی‌دانند] که قبل از آنان چه بسیار نسل‌ها را هلاک کرده‌ایم که دیگر نزد اینها [به دنیا] باز نمی‌گردند؟

﴿وَإِن كُلُّ لَمَّا جَمِيعٌ لَّدَيْنَا مُحْضَرُونَ﴾^(۳۲)
 (۳۲) و [روز قیامت] هیچ کس نیست، مگر آنکه همگی [برای حسابرسی و جزادهی] نزد ما احضار می‌شوند.

﴿وَعَايَةُ لَهُمُ الْأَرْضُ الْمَيْتَةُ أَحْيَيْنَاهَا وَأَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ﴾^(۳۳)
 (۳۳) برای آنان [که قیامت را باور ندارند، زمین خشک نشانه‌ای [عبرت‌آموز] است: ما آن [زمین] را زنده کردیم و از [خاک] آن دانه‌هایی رویاندیم که [مخلوقات الهی] از آن می‌خورند.

﴿وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنَّاتٍ مِّن نَّخِيلٍ

وَأَعْنَبٍ وَفَجَّرْنَا فِيهَا مِنَ الْعُيُونِ ﴿٣٥﴾

پدید آوردیم و چشمه‌ها در آن جاری ساختیم.

لِيَأْكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ أَفَلَا يَشْكُرُونَ ﴿٣٦﴾

(۳۵) تا [مردم] از میوه‌اش بخورند در حالی که این [محصولات، حاصل تلاش آنها نیست و آنها] را با دستان خود به عمل نیاورده‌اند [بلکه به رحمتی از جانب الله از آنها برخوردار شده‌اند]. پس آیا شکر به جای نمی‌آورند؟

سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُثْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٧﴾

(۳۶) پاک و منزه است آن [پروردگاری] که همه گونه‌ها را آفریده است؛ از آنچه زمین می‌رویاند [= گیاهان و درختان] و از خودشان [= انسان‌ها] و از آنچه نمی‌دانند.

وَعَايَةَ لَهُمُ اللَّيْلِ نَسَلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُمْ مُظْلِمُونَ ﴿٣٨﴾

(۳۷) و شب نشانه‌ای [دیگر از قدرت الهی] برایشان است [که] روز را از آن برکنار می‌کنیم و ناگهان [همه] در تاریکی فرومی‌روند.

وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ﴿٣٩﴾

(۳۸) و خورشید [نیز پیوسته] به سوی قرارگاهش در حرکت است. این تقدیر [پروردگار] شکست‌ناپذیر داناست.

وَالْقَمَرَ قَدَرْنَاهُ مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ ﴿٤٠﴾

(۳۹) و برای ماه [نیز] منزلگاه‌هایی مقرر نموده‌ایم تا [سرانجام از قرص کامل به هلال و] به شکل شاخه خشک خرما بازگردد.

لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ

(۴۰) نه خورشید را سزاوار است که [در سیر

أَلْقَمَرَ وَلَا أَلِيلُ سَابِقُ الْتَهَارِ وَكُلُّ
 فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ ﴿٤٠﴾

خود] به ماه برسد و نه شب بر روز پیشی
 می‌گیرد؛ و هر یک از [کرات و سیارات] در
 مداری شناورند.

وَأَيَّاهُ لَهُمْ أَنَا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي
 أَلْفُكِ الْمَشْحُونِ ﴿٤١﴾

(۴۱) نشانه‌ای [دیگر از قدرت پروردگار] برای
 آنان، این است که پدرانشان را در کشتی
 انباشته [از سرنشین و بار] حمل کردیم.

وَحَلَقْنَا لَهُمْ مِّن مِّثْلِهِ مَا
 يَرْكَبُونَ ﴿٤٢﴾

(۴۲) همچنین، چیزی همانند آن [کشتی]
 برایشان آفریده‌ایم که بر آن سوار شوند.

وَإِن نَّشَأُ نُعْرِفَهُمْ فَلَا صَرِيخَ لَهُمْ
 وَلَا هُمْ يَنْقُدُونَ ﴿٤٣﴾

(۴۳) اگر بخواهیم، غرقشان می‌کنیم؛ در این
 صورت، نه فریادرسی دارند و نه [از تقدیر الهی]
 رهایی می‌یابند؛

إِلَّا رَحْمَةً مِنَّا وَمَتَاعًا إِلَىٰ حِينٍ ﴿٤٤﴾

(۴۴) مگر اینکه رحمتی از جانب ما [بینند] و
 بهره‌مندی [از نعمت‌های دنیا] تا زمانی [معین]
 شامل حالشان شود].

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا مَا بَيْنَ
 أَيْدِيكُمْ وَمَا خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ
 تُرْحَمُونَ ﴿٤٥﴾

(۴۵) و چون به آنان [= مشرکان] گفته
 می‌شود: «از آنچه [عذاب و سختی دنیا و
 آخرت] پیش رو و پشت سر دارید، پروا کنید؛
 باشد که مورد رحمت قرار گیرید»، [هیچ اعتنا
 نمی‌کنند].

وَمَا تَأْتِيهِمْ مِّنْ آيَةٍ مِّنْ آيَاتِ
 رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ ﴿٤٦﴾

(۴۶) هیچ یک از نشانه‌های [قدرت و بزرگی]
 پروردگارشان بر آنان عرضه نمی‌گردد، مگر
 اینکه از آن روی می‌گردانند.

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْطَعِمُ مَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ أَطَعَمَهُوْا إِنَّ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٤٧﴾

(۴۷) و چون به آنان گفته می‌شود: «از آنچه الله روزی‌تان کرده است انفاق کنید»، کسانی که کفر ورزیده‌اند به کسانی که ایمان آورده‌اند می‌گویند: «آیا به کسی غذا بدهیم که اگر الله می‌خواست، [خود] به او غذا می‌داد؟ شما جز در گمراهی آشکار نیستید».

وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٤٨﴾

(۴۸) و [با تمسخر به مؤمنان] می‌گویند: «اگر راست‌گویید، این وعده [قیامت] کی خواهد بود؟»

مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُونَ ﴿٤٩﴾

(۴۹) [این منکران قیامت] جز در انتظار یک بانگ مرگبار نیستند که ناگهان، در حالی که سرگرم جدال [در امور دنیا] هستند، آنان را فراگیرد.

فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً وَلَا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ ﴿٥٠﴾

(۵۰) [در آن هنگام] نه می‌توانند [به کسی] وصیت کنند و نه به سوی خانواده خود بازگردند.

وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ ﴿٥١﴾

(۵۱) و [هنگامی که برای دومین بار] در صور دمیده شود و ناگهان از قبرهایشان [بیرون می‌آیند و] به سوی پروردگارشان می‌شتابند.

قَالُوا يَا وَيْلَنَا مَنْ بَعَثَنَا مِنْ مَرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ ﴿٥٢﴾

(۵۲) [او با ناباوری] می‌گویند: «وای بر ما! چه کسی ما را از قبرهایمان برانگیخت؟» [به آنان گفته می‌شود:] «[این همان] [روزی] است که [پروردگار] رحمان وعده داده بود؛ و پیامبران [در این باره] راست می‌گفتند».

- إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ ﴿٥٣﴾
 [برانگیختن مردگان از گور،] جز یک بانگ هولناک [= دومین دمیدنِ صور] نیست و ناگهان همه را نزد ما حاضر می‌کنند.
- فَالْيَوْمَ لَا تُظَلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَلَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٥٤﴾
 [بدانید که] امروز، به هیچ کس ستمی نمی‌شود و جز در برابر آنچه [در دنیا] کرده‌اید، جزا نمی‌بینید.
- إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغْلٍ فَاكِهِونَ ﴿٥٥﴾
 بی‌تردید، اهل بهشت امروز با شادمانی سرگرم [نعمت‌های الهی] هستند.
- هُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلِّ عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَّكِنُونَ ﴿٥٦﴾
 [آنان و همسرانشان در سایه‌ها]ی گسترده بهشتی [بر تخت‌ها تکیه زده‌اند.
- لَهُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ وَلَهُمْ مِمَّا يَدْعُونَ ﴿٥٧﴾
 [در آنجا] هر گونه [میوه و هر چه بخواهند برایشان [فراهم] است.
- سَلَّمَ قَوْلًا مِّن رَّبِّ رَحِيمٍ ﴿٥٨﴾
 [برتر از این نعمت‌ها] سلامی است که سخن پروردگار مهربان است.
- وَأَمْتَرُوا الْيَوْمَ الْمُجْرِمُونَ ﴿٥٩﴾
 [آنگاه به مشرکان خطاب می‌شود:] «ای گناهکاران، امروز [از مؤمنان] جدا شوید.
- وَأَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَبْنَیْءَ آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴿٦٠﴾
 [ای فرزندان آدم، آیا با شما پیمان نبستم [و فرمان ندادم] که شیطان را عبادت نکنید [که] قطعاً او دشمن آشکار شماست؟

وَأَنْ أَعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ﴿٦١﴾
 (۶۱) و اینکه [تنها] مرا عبادت کنید [که] راه
 راست همین است؟

وَلَقَدْ أَضَلَّ مِنْكُمْ جِبِلًّا كَثِيرًا أَفَلَمْ تَكُونُوا تَعْقِلُونَ ﴿٦٢﴾
 (۶۲) و بی‌تردید، شیطان بسیاری از شما را
 گمراه ساخت. آیا اندیشه نمی‌کردید؟

هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ ﴿٦٣﴾
 (۶۳) این [همان] دوزخی است که به شما
 وعده داده می‌شد.

أَصْلَوْهَا الْيَوْمَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ﴿٦٤﴾
 (۶۴) امروز به سزای آنکه کفر می‌ورزیدید به
 آن [آتش] وارد شوید».

الْيَوْمَ نَخِمْ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٦٥﴾
 (۶۵) امروز بر دهان‌هایشان مُهر می‌نهمیم و
 دست‌هایشان با ما سخن می‌گویند و پاهایشان
 به آنچه می‌کردند گواهی می‌دهند.

وَلَوْ نَشَاءُ لَطَمَسْنَا عَلَىٰ أَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ فَأَنَّى يُبْصِرُونَ ﴿٦٦﴾
 (۶۶) و اگر بخواهیم، بی‌تردید چشمانشان را
 محو می‌کنیم، آنگاه [با چشم بسته] به سوی
 [پل] صراط [از یکدیگر] پیشی می‌گیرند [تا به
 بهشت راه یابند]؛ اما مگر کجا را می‌بینند؟

وَلَوْ نَشَاءُ لَمَسَخْنَاهُمْ عَلَىٰ مَكَانَتِهِمْ فَمَا اسْتَطَاعُوا مُضِيًّا وَلَا يَرْجِعُونَ ﴿٦٧﴾
 (۶۷) و اگر بخواهیم، [ظاهرشان را تغییر
 می‌دهیم و چنان] آنان را در جای خود مسخ
 [و زمینگیر] می‌کنیم که نه بتوانند پیش بروند
 و نه به عقب بازگردند.

وَمَنْ تَعَمَّرَهُ نُنَكِّسُهُ فِي الْخَلْقِ ﴿٦٨﴾ و ما به هر کس که عمر طولانی بدهیم، در آفرینش دگرگونش می‌کنیم [و او را به ناتوانی ذهنی و بدنی دوران کودکی برمی‌گردانیم]. پس آیا [درباره قدرت پروردگار] نمی‌اندیشند؟

وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشِّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُٗٓ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْءَانٌ مُّبِينٌ ﴿٦٩﴾ و ما به او [= محمد] شعر نیاموخته‌ایم و [شاعری]، شایسته او نیست. این [که آموخته‌ایم، چیزی] نیست مگر اندرز و قرآنی روشن.

لِيُنذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا وَيَحِقَّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿٧٠﴾ تا هر کس را که زنده [دل] باشد، بیم دهد و فرمان [عذاب الهی] بر کافران محقق گردد.

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا لَهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ أَيْدِيئِنَا أَنْعَمًا فَهُمْ لَهَا مَلَائِكُونَ ﴿٧١﴾ آیا ندیده‌اند که ما از آنچه دست‌هایمان ساخته است، چهارپایانی برایشان آفریده‌ایم که مالک آنها هستند؟

وَدَلَّلْنَاهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ ﴿٧٢﴾ و آنها را برایشان رام کردیم تا بر برخی سوار شوند و از [گوشت] برخی تغذیه کنند.

وَالَهُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَمَشَارِبٌٓ أَفَلَا يَشْكُرُونَ ﴿٧٣﴾ و از آن [حیوانات]، بهره‌های دیگر و نوشیدنی‌هایی [= شیر] دارند. پس آیا شکر به جای نمی‌آورند؟

وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِٓ آلِهَةً لَّعَلَّهُمْ يُنصَرُونَ ﴿٧٤﴾ [با این همه نعمت، مشرکان] به جای الله معبودانی برگزیده‌اند؛ به این امید که [از سوی آنها] یاری شوند.

لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَهُمْ وَهُمْ لَهُمْ جُنْدٌ مُّحَضَّرُونَ ﴿٧٥﴾
 (۷۵) آن [معبودهای باطل] قادر به یاری‌شان نیستند و این [مشرکان نیز در قیامت] لشکری برای آنها [= معبودهای باطل] خواهند بود که [همگی به آتش دوزخ] فراخوانده می‌شوند.

فَلَا يَخْزِنَكَ قَوْلُهُمْ إِنَّا نَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ ﴿٧٦﴾
 (۷۶) [ای پیامبر،] سخن آنان تو را غمگین نسازد. بی‌تردید، ما آنچه را پنهان می‌کنند و آنچه را آشکار می‌سازند، [به خوبی] می‌دانیم.

أَوَلَمْ يَرَ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُّبِينٌ ﴿٧٧﴾
 (۷۷) آیا انسان ندیده است که ما او را از نطفه‌ای آفریده‌ایم؛ [آنگاه مراحل رشد را طی کرد و] سپس دشمنی آشکار شد؟

وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ ۗ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظْمَ وَهِيَ رَمِيمٌ ﴿٧٨﴾
 (۷۸) و برای ما مثالی زد و آفرینش خویش را فراموش کرد [و] گفت: «چه کسی این استخوان‌ها را [دوباره] زنده می‌کند در حالی که پوسیده است؟»

قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ ۗ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ ﴿٧٩﴾
 (۷۹) بگو: «همان ذاتی زنده‌اش می‌کند که نخستین بار آن را پدید آورد و او به هر آفرینشی داناست.»

الَّذِي جَعَلَ لَكُم مِّنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنْتُمْ مِنْهُ تُوقَدُونَ ﴿٨٠﴾
 (۸۰) همان ذاتی که از درخت سبز، آتشی برایتان پدید آورد و شما [در صورت نیاز،] خود از آن [درخت] آتش می‌افروزید.»

أَوَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ

است، نمی‌تواند همانند اینها را [پس از مرگشان دوباره] بیافریند؟ آری [می‌تواند] و او آفریننده داناست.

وَالْأَرْضَ بِقَدْرِ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ
مِثْلَهُمْ بَلَىٰ وَهُوَ الْخَلَّاقُ
الْعَلِيمُ ﴿۸۱﴾

(۸۲) فرمان او چون چیزی را اراده کند تنها این است که به آن می‌گوید: «موجود شو»؛ پس [بی‌درنگ] موجود می‌شود.

إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ
يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ﴿۸۲﴾

(۸۳) پس پاک و منزّه است پروردگاری که [حاکمیت و] اختیار همه چیز به دست اوست و [همگی] به سوی او بازگردانده می‌شوید.

فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ
كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿۸۳﴾

سُورَةُ الصَّافَّاتِ

سورة صافات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

وَالصَّافَّاتِ صَفًا ﴿١﴾

(۱) سوگند به فرشتگان صاف به صاف [که برای عبادت پروردگار ایستاده‌اند]

فَالزَّاجِرَاتِ زَجْرًا ﴿٢﴾

(۲) و سوگند به فرشتگانی که ابرها را می‌رانند

فَالتَّلِيلَاتِ ذِكْرًا ﴿٣﴾

(۳) و سوگند به فرشتگانی که قرآن تلاوت می‌کنند

إِنَّ إِلَهَكُمْ لَوَاحِدٌ ﴿٤﴾

(۴) [که] بی‌تردید، معبود شما یکتاست.

رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا

(۵) [همان] پروردگار آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آنهاست و پروردگار [خورشید در غروب‌گاه‌ها و] طلوع‌گاه‌ها.

بَيْنَهُمَا وَرَبُّ الْمَشْرِقِ ﴿٥﴾

(۶) به راستی که ما آسمان دنیا را با زیور ستارگان آراستیم

إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ

(۷) و [آن را] از [دسترس] هر شیطان سرکشی حفظ کردیم.

وَحِفْظًا مِّنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَّارِدٍ ﴿٧﴾

(۸) [آن شیاطین، هرگز] نمی‌توانند [سخنان فرشتگان] عالم بالا را بشنوند و از هر سو [با شهاب‌های آتشین] تیرباران می‌شوند.

لَّا يَسْمَعُونَ إِلَى الْمَلَأِ الْأَعْلَىٰ

وَيُقَدِّفُونَ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ ﴿٨﴾

دُحُورًا وَلَهُمْ عَذَابٌ وَاصِبٌ ﴿٩﴾ (۹) [از ورود آنان، به عالم فرشتگان جلوگیری می‌شود و همواره به] عقب رانده می‌شوند و عذابی جاودان [در پیش] دارند؛

إِلَّا مَنْ خَطِفَ الْخَطْفَةَ فَأَتْبَعَهُ ﴿١٠﴾ (۱۰) مگر کسی [از شیاطین] که ناگهان چیزی [از گفتگوی فرشتگان را] بر باید که [در این صورت]، شهابی درخشان او را دنبال می‌کند.

فَأَسْتَفْتِيهِمْ أَهْمُ أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ مَنْ مَنَّ خَلَقْنَا إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِنْ طِينٍ لَّازِبٍ ﴿١١﴾ (۱۱) پس از آنان [= کافران] بپرس که آیا آفرینش [بیکرهای] آنان سخت‌تر است یا آنچه که ما [از زمین و آسمان‌ها و جهان بیکران] آفریده‌ایم؛ [در حالی که] ما آنها از گلی [بی‌ارزش و] چسبنده پدید آوردیم.

بَلْ عَجِبْتَ وَيَسْخَرُونَ ﴿١٢﴾ (۱۲) تو [از انکار آنان] در شگفتی و آنها [نیز سخنانت را درباره قیامت] مسخره می‌کنند.

وَإِذَا ذُكِّرُوا لَا يَذْكُرُونَ ﴿١٣﴾ (۱۳) و چون پند داده شوند، نمی‌پذیرند.

وَإِذَا رَأَوْا آيَةً يَسْتَسْخِرُونَ ﴿١٤﴾ (۱۴) و چون نشانه‌ای [در مورد راستگویی پیامبر] می‌بینند، [آن را] به تمسخر می‌گیرند

وَقَالُوا إِنَّا هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ ﴿١٥﴾ (۱۵) و می‌گویند: «این [قرآن، چیزی] نیست، مگر جادویی آشکار.

أَعْدَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظْمًا أَعْنَا لَمَبْعُوثُونَ ﴿١٦﴾ (۱۶) آیا هنگامی که مردیم و خاک و استخوان شدیم، برانگیخته خواهیم شد؟

- أَوْءَابَاؤُنَا الْأَوْلُونَ ﴿١٧﴾ (۱۷) آیا پدران ما [نیز برانگیخته می‌شوند]؟»
- قُلْ نَعَمْ وَأَنْتُمْ دَاخِرُونَ ﴿١٨﴾ (۱۸) بگو: «آری؛ شما در حالی که خوار هستید [زنده می‌شوید]».
- فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ فَإِذَا هُمْ يَنْظُرُونَ ﴿١٩﴾ (۱۹) [وقوع قیامت،] تنها با یک بانگ [سهمناک] است و ناگهان [همه از قبرها بیرون می‌آیند و در انتظار دستور پروردگار، وحشت قیامت را] نظاره می‌کنند.
- وَقَالُوا يَوَيْلَنَا هَذَا يَوْمُ الدِّينِ ﴿٢٠﴾ (۲۰) و می‌گویند: «وای بر ما! این [همان] روز جزاست».
- هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ الَّذِي كُنْتُمْ بِهِءُ تُكَذِّبُونَ ﴿٢١﴾ (۲۱) [گفته می‌شود: «آری،] این همان روز داوری است که آن را انکار می‌کردید».
- أَحْشَرُوا الَّذِينَ ظَلَمُوا وَأَزْوَاجَهُمْ وَمَا كَانُوا يَعْبُدُونَ ﴿٢٢﴾ (۲۲) [به فرشتگان گفته می‌شود:] «گرد آورید کسانی را که [با شرک به خویش] ستم کرده‌اند با [همفکران و] همانندهایشان و آنچه عبادت می‌کردند
- مِنْ دُونِ اللَّهِ فَأَهْدُوهُمْ إِلَى صِرَاطِ الْجَحِيمِ ﴿٢٣﴾ (۲۳) به جای الله؛ و آنان را به راه دوزخ هدایت کنید.
- وَقِفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ ﴿٢٤﴾ (۲۴) و آنان را نگه دارید که قطعاً [پیش از رفتن به دوزخ] بازخواست خواهند شد».
- مَا لَكُمْ لَا تَنْصَرُونَ ﴿٢٥﴾ (۲۵) [از دوزخیان می‌پرسند:] «چرا [مانند دنیا] از یکدیگر حمایت نمی‌کنید؟»

بَلْ هُمْ الْيَوْمَ مُسْتَسْلِمُونَ ﴿٢٦﴾ بلکه امروز [همگی] تسلیم [امر] پروردگار] هستند.

وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ ﴿٢٧﴾ و پرسش کنان به یکدیگر رو می کنند

قَالُوا إِنَّكُمْ كُنْتُمْ تَأْتُونَنَا عَنِ الْيَمِينِ ﴿٢٨﴾ «شما [برای به کفر کشاندن ما، با ادعای دین راستین و] از موضع حق به سراغمان می آمدید».

قَالُوا بَلْ لَمْ تَكُونُوا مُؤْمِنِينَ ﴿٢٩﴾ [رهبرانشان] می گویند: «[ما مقصر نیستیم؛] بلکه شما خود ایمان نداشتید؛

وَمَا كَانَ لَنَا عَلَيْكُمْ مِّنْ سُلْطَانٍ بَلْ كُنْتُمْ قَوْمًا طَٰغِينَ ﴿٣٠﴾ و ما هیچ تسلطی بر شما نداشتیم؛ بلکه شما خود گروهی سرکش بودید.

فَحَقَّ عَلَيْنَا قَوْلُ رَبِّنَا إِنَّا لَذَٰبِقُونَ ﴿٣١﴾ [اکنون] فرمان مجازات پروردگارمان بر ما محقق شده و به راستی، ما [همگی عذاب دوزخ را] خواهیم چشید.

فَأَعْوَيْنَاكُمْ إِنَّا كُنَّا عَلْوِينَ ﴿٣٢﴾ شما را گمراه نمودیم [چرا که] در حقیقت، خود نیز گمراه بودیم».

فَأَنَّهُمْ يَوْمَئِذٍ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ ﴿٣٣﴾ یقیناً آن روز [همه آنان] در عذاب شریکند.

إِنَّا كَذٰلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ ﴿٣٤﴾ بی تردید، ما با گناهکاران اینچنین [رفتار] می کنیم.

إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ ﴿٣٥﴾
 (۳۵) آنان بودند که وقتی به آنان گفته می شد: «معبودی [به حق] جز الله نیست» سرکشی [و تکبر] می کردند.

وَيَقُولُونَ إِنَّا لَنَارِكُوا ءَالِهَتِنَا لِشَاعِرٍ مَّجْنُونٍ ﴿٣٦﴾
 (۳۶) و می گفتند: «آیا ما معبودانمان را به خاطر [سخن] شاعری دیوانه رها کنیم؟»

بَلْ جَاءَ بِالْحَقِّ وَصَدَّقَ الْمُرْسَلِينَ ﴿٣٧﴾
 (۳۷) [چنین نیست] بلکه او حق [= توحید] را آورده و پیامبران [پیشین] را تصدیق کرده است.

إِنَّكُمْ لَذَائِقُوا الْعَذَابِ الْأَلِيمِ ﴿٣٨﴾
 (۳۸) شما [کافران] قطعاً عذاب دردناک [دوزخ] را می چشید.

وَمَا تُحْزِنُونَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٣٩﴾
 (۳۹) و جز [در برابر] آنچه می کردید مجازات نمی شوید.

إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ﴿٤٠﴾
 (۴۰) [همه عذاب می بینند؛] مگر بندگان مخلص الله.

أُولَئِكَ لَهُمْ رِزْقٌ مَّعْلُومٌ ﴿٤١﴾
 (۴۱) آنان [در پیشگاه پروردگار،] روزی مشخصی دارند:

فَوَاكِهَ وَهُمْ مُكْرَمُونَ ﴿٤٢﴾
 (۴۲) [انواع] میوه ها [را در اختیار خواهند داشت] و گرامی داشته می شوند.

فِي جَنَّاتٍ النَّعِيمِ ﴿٤٣﴾
 (۴۳) در باغ های پر نعمت [بهشت]؛

عَلَىٰ سُرُرٍ مُّتَقَابِلِينَ ﴿٤٤﴾ (۴۴) در حالی که مقابل یکدیگر بر تختها
تکیه زده‌اند؛

يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِكَأْسٍ مِّنْ مَّعِينٍ ﴿٤٥﴾ (۴۵) جامی از شراب ناب [و زلال] پیرامونشان
می‌گردانند؛

بَيضَاءَ لَذَّةٍ لِلشَّرِيبِينَ ﴿٤٦﴾ (۴۶) [شرابی روشن و] سپید که برای
نوشندگان لذت‌بخش است؛

لَا فِيهَا غَوْلٌ وَلَا هُمْ عَنْهَا يُنزَفُونَ ﴿٤٧﴾ (۴۷) [شرابی که خماری و] سردردی در
نوشیدنش نیست و از آن مست نمی‌گردند.

وَعِنْدَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ ﴿٤٨﴾ (۴۸) و نزدشان زنانی زیباچشم است که تنها
[به شوهران خود] نظر دارند [و تنها به آنها
عشق می‌ورزند].

كَأَنَّهُنَّ بَيضٌ مَّكْنُونٌ ﴿٤٩﴾ (۴۹) [زنانی که] گویی پرده سفید داخلی تخم
[پرنده‌گان] هستند که [از دسترس همگان]
پنهان مانده‌اند.

فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ ﴿٥٠﴾ (۵۰) [بهشتیان دربارهٔ رخدادهای دنیا صحبت
می‌کنند و] برخی از آنان پرسش‌کنان رو به
برخی دیگر می‌کنند.

قَالَ قَائِلٌ مِّنْهُمْ إِنِّي كَانَ لِي قَرِينٌ ﴿٥١﴾ (۵۱) یکی از آنان می‌گوید: «من [در دنیا]
همنشینی داشتم.

يَقُولُ أَعْيُنَكَ لِمَنِ الْمُصَدِّقِينَ ﴿٥٢﴾ (۵۲) [که پیوسته به من] می گفت: آیا تو واقعاً [به قیامت] باور داری؟

أَعْدَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظْمًا أَعْيُنًا ﴿٥٣﴾ (۵۳) آیا هنگامی که مُردیم و خاک و استخوان شدیم، آیا حقیقتاً [زنده می شویم و در قبال کارهایمان مورد محاسبه قرار می گیریم و] به ما کیفر می دهند؟!»

قَالَ هَلْ أَنْتُمْ مُّظَلِّعُونَ ﴿٥٤﴾ (۵۴) [سپس به دوستان بهشتی اش] می گوید: «آیا [شما نیز همراه من] سر می کشید [تا بدانیم او کجاست]؟»

فَأُطَّلِعَ فَرَءَاهُ فِي سَوَاءٍ ﴿٥٥﴾ (۵۵) آنگاه خود سر می کشد و او را در میان دوزخ می بیند.

قَالَ تَأَلَّهَ إِنْ كِدَتْ لِتُردِّينَ ﴿٥٦﴾ (۵۶) به وی می گوید: «به الله سوگند که نزدیک بود مرا [با وسوسه های کفرآمیزت] نابود سازی.

وَأَلْوَلَا نِعْمَهُ رَبِّي لَكُنْتُ مِنَ الْمُحْضَرِّينَ ﴿٥٧﴾ (۵۷) اگر نعمت [هدایت] پروردگارم نبود، من نیز از حاضرشدگان [در دوزخ] بودم.»

أَفَمَا نَحْنُ بِمَيِّتِينَ ﴿٥٨﴾ (۵۸) [آنگاه به بهشتیان می گوید:] «آیا ما مرگ دیگری نخواهیم داشت

إِلَّا مَوْتَتَنَا الْأُولَىٰ وَمَا نَحْنُ بِمُعَدِّينَ ﴿٥٩﴾ (۵۹) جز همان مرگ نخستین خود، و عذاب نمی شویم؟

إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٦٠﴾ (۶۰) به راستی که این همان کامیابی بزرگ است.»

لِيُثَلِّمَ هَذَا فَلْيَعْمَلَ الْعَمِلُونَ ﴿٦١﴾ (۶۱) اهل عمل، باید برای چنین [پاداشی] بکوشند.

أَذَلِكِ خَيْرٌ تَزْلًا أَمْ شَجَرَةُ الزَّقُّومِ ﴿٦٢﴾ (۶۲) آیا این [نعمت بهشت، کریمانه تر و] برای پذیرایی بهتر است یا درختِ زَقُّومِ [در دوزخ]؟

إِنَّا جَعَلْنَاهَا فِتْنَةً لِلظَّالِمِينَ ﴿٦٣﴾ (۶۳) بی تردید، ما آن درخت را مایهٔ آزمایش ستمکاران [مشرک] قرار داده‌ایم [چرا که می‌گویند: «هیچ درختی در آتش نمی‌روید»].

إِنَّهَا شَجَرَةٌ تَخْرُجُ فِي أَصْلِ الْجَحِيمِ ﴿٦٤﴾ (۶۴) در حقیقت، آن [مایهٔ عذاب،] درختی است که از ژرفای دوزخ می‌روید.

طَلَعَهَا كَأَنَّهٗ رُءُوسُ السَّيِّطِينَ ﴿٦٥﴾ (۶۵) میوه‌اش [چنان بدمنظر است که] گویی سرهای شیاطین است.

فَاتَّهَمُ لَأَكُونَ مِنْهَا فَمَالِئُونَ ﴿٦٦﴾ (۶۶) آنان [= دوزخیان] از [میوه‌های تلخ] آن می‌خورند و شکم‌ها را از آنها انباشته می‌کنند.

ثُمَّ إِنَّ لَهُمْ عَلَيْهَا لَشَوْبًا مِّنْ حَمِيمٍ ﴿٦٧﴾ (۶۷) آنگاه بر روی این [غذای ناپاک، به جای نوشیدنی] آمیزه‌ای از آب جوشان دارند.

ثُمَّ إِنَّ مَرْجِعَهُمْ لَإِلَى الْجَحِيمِ ﴿٦٨﴾ (۶۸) سپس یقیناً بازگشتشان به دوزخ است.

إِنَّهُمْ أَلْقَوْاْ آءَابَاءَهُمْ ضَالِّينَ ﴿٦٩﴾ (۶۹) آنان پدران خود را گمراه یافتند؛

- فَهُمْ عَلَىٰ آثَرِهِمْ يُهْرَعُونَ ﴿٧٠﴾ و [همچنان] در پی آنان می‌شتافتند.
- وَلَقَدْ ضَلَّ قَبْلَهُمْ أَكْثَرُ الْأَوَّلِينَ ﴿٧١﴾ و قطعاً قبل از آنان نیز بیشتر پیشینیان گمراه شدند.
- وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا فِيهِمْ مُنْذِرِينَ ﴿٧٢﴾ و بی‌تردید، ما هشداردهندگان [بسیاری] میان آنان فرستادیم.
- فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنْذِرِينَ ﴿٧٣﴾ پس بنگر که سرانجام هشداریافتگان چگونه بود.
- إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ﴿٧٤﴾ [همه گرفتار عذاب شدند] مگر بندگان مخلص الله.
- وَلَقَدْ نَادَيْنَا نُوْحًا فَلَنِعْمَ الْمُجِيبُونَ ﴿٧٥﴾ نوح به درگاه ما دعا کرد و [ما] چه نیکو اجابت‌کننده بودیم!
- وَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ ﴿٧٦﴾ و او و خانواده‌اش را [به همراه مؤمنان] از بلای بزرگ [طوفان] نجات دادیم
- وَجَعَلْنَا ذُرِّيَّتَهُ هُمُ الْبَاقِينَ ﴿٧٧﴾ و [پس از طوفان، فقط پیروان مؤمن و] خانواده او را [در زمین] باقی گذاشتیم
- وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ ﴿٧٨﴾ و در میان آیندگان [نام نیک] برایش به جا نهادیم.
- سَلَّمْ عَلَىٰ نُوحٍ فِي الْعِلْمِينَ ﴿٧٩﴾ سلام [و ستایش] جهانیان بر نوح باد.

إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿٨٠﴾ به راستی، ما نیکوکاران را اینچنین پاداش می‌دهیم.

إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ﴿٨١﴾ بی‌تردید، او از بندگان مؤمن ما بود.

ثُمَّ أَعْرَفْنَا الْأَخْرِينَ ﴿٨٢﴾ آنگاه دیگران را [که در طوفان مانده بودند] غرق کردیم.

وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لَإِبْرَاهِيمَ ﴿٨٣﴾ و قطعاً ابراهیم از پیروان او [= نوح] بود.

إِذْ جَاءَ رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ ﴿٨٤﴾ [یاد کن از] هنگامی که وی با دلی پاک [و خالی از شرک] به [درگاه] پروردگارش آمد.

إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَاذَا تَعْبُدُونَ ﴿٨٥﴾ آنگاه که به پدر و قومش گفت: «چه چیزی عبادت می‌کنید؟»

أَيْفَاكَ ءَالِهَةٌ دُونَ اللَّهِ ﴿٨٦﴾ آیا به جای الله، این معبودان دروغین را می‌خواهید؟

فَمَا ظَنُّكُمْ بِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٨٧﴾ گماتان درباره پروردگار جهانیان چیست؟»

فَنظَرَ نَظْرَةً فِي النُّجُومِ ﴿٨٨﴾ سپس نگاهی به ستارگان افکند [و اندیشید].

فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ ﴿٨٩﴾ و گفت: «من بیمارم [و در جشن شرکت نمی‌کنم].»

فَتَوَلَّوْا عَنْهُ مُدْبِرِينَ ﴿٩٠﴾ پس [مردم] او را ترک کردند و رفتند.

فَرَاغَ إِلَىٰ آهَاتِهِمْ فَقَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ ﴿٩١﴾
 (۹۱) آنگاه پنهانی نزد معبودهایشان رفت و
 [با تمسخر] گفت: «چیزی نمی خورید؟»

مَا لَكُمْ لَا تَنْطِقُونَ ﴿٩٢﴾
 (۹۲) شما را چه شده است که سخن
 نمی گوید؟»

فَرَاغَ عَلَيْهِمْ صَرْبًا بِالْيَمِينِ ﴿٩٣﴾
 (۹۳) سپس با دست راست خود ضربه‌ای
 [محکم] بر آنها وارد آورد [و جز بُت بزرگ، همه
 را شکست].

فَأَقْبَلُوا إِلَيْهِ يَزِفُونَ ﴿٩٤﴾
 (۹۴) قومش شتابان به سوی او آمدند.

قَالَ أَعْبُدُونَ مَا تَنْجِتُونَ ﴿٩٥﴾
 (۹۵) [ابراهیم] گفت: «آیا چیزی را که خود
 می تراشید عبادت می کنید؟»

وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ ﴿٩٦﴾
 (۹۶) و حال آنکه الله، [هم] شما و [هم] آنچه
 را انجام می دهید آفریده است.»

قَالُوا ابْنُوا لَهُ بُنْيَانًا فَأَلْقُوهُ فِي الْجَحِيمِ ﴿٩٧﴾
 (۹۷) [وقتی بُت پرستان از پاسخ درماندند،
 گفتند: «بنایی [بلند] برایش بسازید و او را در
 آتش بیفکنید.»

فَارَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَسْفَلِينَ ﴿٩٨﴾
 (۹۸) برای [نابودی] او نیرنگی خواستند و [لی]
 ما آنان را پست و [مغلوب] ساختیم [و آتش بر
 ابراهیم سرد و بی اثر شد].

وَقَالَ إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَىٰ رَبِّي سَيَهْدِينِ ﴿٩٩﴾
 (۹۹) و گفت: «من به سوی [سرزمین دیگری
 برای عبادت] پروردگارم می روم [و هجرت
 می کنم] و او مرا هدایت خواهد کرد.»

رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿۱۰۰﴾ پروردگارا، [فرزندی] از شایستگان به من عطا کن.»

فَبَشِّرْنَهُ بَعْلَمٍ حَلِيمٍ ﴿۱۰۱﴾ ما [دعایش را مستجاب کردیم و] او را به تولد پسری بردبار بشارت دادیم.

فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعَىٰ قَالَ يَبْنَؤُ
إِنِّي أَرَىٰ فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ
فَأَنْظِرْ مَاذَا تَرَىٰ قَالَ يَآبَتِ
أَفْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ
اللَّهُ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿۱۰۲﴾
و چون [اسماعیل] به [سن نوجوانی و] حد تلاش [و همکاری] با او [= ابراهیم] رسید، به وی گفت: پسرم، در خواب [به من وحی می‌شود و] می‌بینم که تو را ذبح می‌کنم. نظرت در این باره چیست؟» [اسماعیل] گفت: «پدرجان، آنچه را به تو امر شده است انجام بده. ان شاء الله مرا [در برابر اجرای این فرمان،] شکایا خواهی یافت.»

فَلَمَّا أَسْلَمَا وَتَلَّهُ لِلْجَبِينِ ﴿۱۰۳﴾
پروردگارا [شدند و] [ابراهیم] او را به پیشانی [بر خاک] نهاد.

وَنَدَيْنَاهُ أَنِ يَآبْرَاهِيمُ ﴿۱۰۴﴾ به او ندا دادیم که: «ای ابراهیم،

قَدْ صَدَّقْتَ الرُّعْيَا إِنَّا كَذَلِكُ
نَجْرِي الْمُحْسِنِينَ ﴿۱۰۵﴾
یقیناً که خوابت را تحقق بخشیدی». ما نیکوکاران را اینچنین پاداش می‌دهیم.

إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبَلْتَأُ الْمُبِينُ ﴿۱۰۶﴾
بی‌تردید، این [خواب،] آزمایشی آشکار بود [و ابراهیم از آن سربلند بیرون آمد].

- وَفَدَيْنَهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ ﴿١٠٧﴾ و [جان] او را در ازای قربانی بزرگی باز خریدیم
- وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ ﴿١٠٨﴾ و در میان آیندگان، [نام نیک] برایش بر جای نهادیم.
- سَلَّمَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ ﴿١٠٩﴾ (۱۰۹) سلام بر ابراهیم.
- كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿١١٠﴾ (۱۱۰) ما نیکوکاران را اینچنین پاداش می دهیم.
- إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ﴿١١١﴾ (۱۱۱) بی تردید، او از بندگان مؤمن ما بود.
- وَبَشَّرْنَاهُ بِإِسْحَقَ نَبِيًّا مِّنَ الصَّالِحِينَ ﴿١١٢﴾ و او را به [تولد] اسحاق که پیامبری از شایستگان بود بشارت دادیم.
- وَبَرَكْنَا عَلَيْهِ وَعَلَىٰ إِسْحَاقَ وَمِن ذُرِّيَّتِهِمَا مُحْسِنٌ وَظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ مُبِينٌ ﴿١١٣﴾ (۱۱۳) [ما] به او و اسحاق برکت دادیم؛ و [برخی] از افرادِ دودمانشان نیکوکار بودند و [برخی دیگر] آشکارا نسبت به خویشان ستمکار بودند.
- وَلَقَدْ مَنَّا عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهَارُونَ مَنَّا وَهَارُونَ ﴿١١٤﴾ و به راستی، بر موسی و هارون منت نهادیم
- وَنَجَّيْنَاهُمَا وَقَوْمَهُمَا مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ ﴿١١٥﴾ (۱۱۵) و آن دو را همراه قومشان از اندوه بزرگ [= ستم فرعون و خطر غرق شدن در نیل] نجات دادیم
- وَنَصَّرْنَاهُمْ فَاكْفَأُوا حُمْرَ الْحَلِيبِ ﴿١١٦﴾ (۱۱۶) و یاری شان کردیم تا پیروز شدند

وَعَاتَيْنَهُمَا الْكِتَابَ الْمُسْتَقِيمَ ﴿١١٧﴾ و به آن دو، کتاب روشنگر [= تورات] دادیم

وَهَدَيْنَهُمَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ﴿١١٨﴾ و آن دو را به راه راست هدایت کردیم

وَتَرَكْنَا عَلَيْهِمَا فِي الْأَخْرَبِ ﴿١١٩﴾ و در میان آیندگان [نام نیک] برایشان بر جای نهادیم.

سَلَّمَ عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهَارُونَ ﴿١٢٠﴾ سلام بر موسی و هارون.

إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿١٢١﴾ ما نیکوکاران را اینچنین پاداش می‌دهیم.

إِنَّهُمَا مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٢٢﴾ بی‌تردید، آن دو از بندگان مؤمن ما بودند.

وَإِنَّ إِلْيَاسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٢٣﴾ و قطعاً یاس [نیز] یکی از پیامبران [ما] بود.

إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿١٢٤﴾ [یاد کن از] هنگامی که او به قومش گفت: «آیا [از الله] پروا نمی‌کنید؟»

أَتَدْعُونَ بَعْلًا وَتَذَرُونَ أَحْسَنَ الْخَلْقِينَ ﴿١٢٥﴾ آیا [نماد یا همان بت] «بعل» را [به عبادت] می‌خوانید و بهترین آفریننده را رها می‌کنید؟

اللَّهُ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأُولَىٰ ﴿١٢٦﴾ و پروردگار پدرانتان است.

فَكَذَّبُوهُ فَأَنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ ﴿١٢٧﴾ اما او را دروغگو انگاشتند و مسلماً [برای عذاب] احضار می‌شوند.

- إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ ﴿۱۲۸﴾ (۱۲۸) مگر بندگان مخلص الله.
- وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ ﴿۱۲۹﴾ (۱۲۹) ما در میان آیندگان [نام نیک] برایش
بر جای نهادیم.
- سَلَّمَ عَلَىٰ آلِ يَاسِينَ ﴿۱۳۰﴾ (۱۳۰) سلام بر یاس.
- إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿۱۳۱﴾ (۱۳۱) به راستی، ما نیکوکاران را اینچنین
پاداش می دهیم.
- إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ﴿۱۳۲﴾ (۱۳۲) بی تردید، او از بندگان مؤمن ما بود.
- وَإِنَّ لُوطًا لَّمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿۱۳۳﴾ (۱۳۳) و قطعاً لوط [نیز] یکی از پیامبران [ما]
بود.
- إِذْ نَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ ﴿۱۳۴﴾ (۱۳۴) [یاد کن از] هنگامی که او و همه
خانواده اش را نجات دادیم.
- إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ ﴿۱۳۵﴾ (۱۳۵) مگر پیرزنی که از باقی ماندگان [در
عذاب] بود.
- ثُمَّ دَمَّرْنَا الْآخِرِينَ ﴿۱۳۶﴾ (۱۳۶) سپس دیگران را هلاک کردیم.
- وَإِنَّكُمْ لَتَمُرُّونَ عَلَيْهِمْ مُصْبِحِينَ ﴿۱۳۷﴾ (۱۳۷) و شما [در سفر به سرزمین شام]
صبحگاهان بر [ویرانه های شهرهای] آنان
می گذرید.
- وَبِاللَّيْلِ أَفْلا تَعْقِلُونَ ﴿۱۳۸﴾ (۱۳۸) و نیز شامگاهان، آیا نمی اندیشید [و
عبرت نمی گیرید]؟

وَإِنَّ يُونُسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿۱۳۹﴾ و قطعاً یونس [نیز] یکی از پیامبران [ما] بود.

إِذْ أَبَقَ إِلَى الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ ﴿۱۴۰﴾ [یاد کن از] هنگامی که [خشمگین از کفر قومش، بدون اجازه پروردگار] به کشتی انباشته [از مسافر و بار] گریخت.

فَسَاهَمَ فَكَانَ مِنَ الْمُدْحَضِينَ ﴿۱۴۱﴾ [چون کشتی در حال غرق شدن بود، یونس با سرنشینان کشتی برای بیرون انداختن برخی افراد] قرعه انداخت و خود از باختگان شد [و او را به دریا انداختند].

فَالْتَمَمَهُ الْخُوتُ وَهُوَ مُلِيمٌ ﴿۱۴۲﴾ [سپس ماهی [بزرگی] او را بلعید؛ در حالی که درخور سرزنش بود.

فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ ﴿۱۴۳﴾ اگر در زمره تسبیح‌گویان [پروردگار] نبود،

لَلَبِثَ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿۱۴۴﴾ [یقیناً تا روزی که [مردم] برانگیخته می‌شوند، در شکم آن [ماهی] باقی می‌ماند.

فَنَبَذْنَاهُ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ سَقِيمٌ ﴿۱۴۵﴾ [آنگاه او را در حالی که [ضعیف و] بیمار بود به سرزمینی خشک [و بی‌گیاه] افکندیم

وَأَنْبَتْنَا عَلَيْهِ شَجَرَةً مِّنْ يَقْطِينٍ ﴿۱۴۶﴾ [و بوته کدو بر [سر] او رویاندیم] تا از سایه و میوه‌اش بهره گیرد؛

وَأَرْسَلْنَاهُ إِلَىٰ مِائَةِ أَلْفٍ أَوْ

يَزِيدُونَ ﴿١٤٧﴾

یا بیشتر [به رسالت] فرستادیم.

فَعَامَنُوا فَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَىٰ حِينٍ ﴿١٤٨﴾

(۱۴۸) آنان ایمان آوردند و ما نیز آنان را تا مدتی [از نعمت‌های زندگی] بهره‌مند ساختیم.

فَأَسْتَفْتِيهِمُ الرِّبَّكَ الْأَبْتَاتِ وَلَهُمُ
الْبُنُونَ ﴿١٤٩﴾

(۱۴۹) از آنان [= مشرکان] بپرس آیا دخترها برای پروردگارِ تو و پسرها برای آنهاست؟

أَمْ خَلَقْنَا الْمَلَائِكَةَ إِنْتِنَا وَهُمْ
شَاهِدُونَ ﴿١٥٠﴾

(۱۵۰) آیا ما فرشتگان را دختر آفریدیم و آنان حضور داشتند؟

أَلَا إِنَّهُمْ مِّنْ إِفْكِهِمْ لَيَقُولُونَ ﴿١٥١﴾

(۱۵۱) آگاه باش! آنان از [روی تهمت و] دروغگویی می‌گویند:

وَلَدَ اللَّهُ وَإِنَّهُمْ لَكَذِبُونَ ﴿١٥٢﴾

(۱۵۲) «الله فرزند دارد» و یقیناً دروغ می‌گویند.

أَصْطَفَىٰ الْبَنَاتِ عَلَىٰ الْبَنِينَ ﴿١٥٣﴾

(۱۵۳) آیا [الله] دختران را بر پسران ترجیح داده است؟

مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ﴿١٥٤﴾

(۱۵۴) شما را چه شده است؟ چگونه حکم می‌کنید؟

أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿١٥٥﴾

(۱۵۵) آیا [نمی‌اندیشید و] پند نمی‌گیرید؟

أَمْ لَكُمْ سُلْطٰنٌ مُّبِينٌ ﴿١٥٦﴾

(۱۵۶) آیا [بر ادعای باطل خویش] دلیل روشنی دارید؟

فَأْتُوا بِكِتَابِكُمْ إِن كُنْتُمْ
صٰدِقِينَ ﴿١٥٧﴾

(۱۵۷) اگر راست‌گویید، کتابتان را بیاورید.

وَجَعَلُوا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجَنَّةِ نَسْبًا ﴿١٥٨﴾ [مشرکان] بین او [= الله] و فرشتگان، خویشاوندی قائل شده‌اند؛ در حالی که فرشتگان به یقین می‌دانند که [مشرکان روز قیامت، برای حسابرسی] احضار می‌شوند. ﴿١٥٨﴾

سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ ﴿١٥٩﴾ [مشرکان] توصیف می‌کنند منزّه است. ﴿١٥٩﴾

إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ ﴿١٦٠﴾ [مردم در توصیف پروردگار، سخن گزاف می‌گویند؛] مگر بندگان مخلص الله. ﴿١٦٠﴾

فَأَنكُم مَّا تَعْبُدُونَ ﴿١٦١﴾ [مشرکان] و آنچه عبادت می‌کنید ﴿١٦١﴾

مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ بِفَلْتِينَ ﴿١٦٢﴾ [هرگز] گمراهگر [کسی از دین حق] نیستید؛ ﴿١٦٢﴾

إِلَّا مَنْ هُوَ صَالِ الْجَحِيمِ ﴿١٦٣﴾ [مگر کسی که] به تقدیر الهی، [اهل دوزخ باشد]. ﴿١٦٣﴾

وَمَا مِنَّا إِلَّا لَهُ مَقَامٌ مَّعْلُومٌ ﴿١٦٤﴾ [فرشتگان می‌گویند:] «هیچ‌یک از ما نیست، مگر آنکه مقام مشخصی [در پیشگاه الهی] دارد. ﴿١٦٤﴾

وَإِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُّونَ ﴿١٦٥﴾ [ماییم که] برای عبادت و نیایش به درگاه پروردگار [به صف ایستاده‌ایم] ﴿١٦٥﴾

وَإِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ ﴿١٦٦﴾ [و بی‌تردید، ماییم که تسبیح‌گوی [او] هستیم]. ﴿١٦٦﴾

وَإِنْ كَانُوا لَيَقُولُونَ ﴿١٦٧﴾ و [کافران، پیش از بعثت] همواره می گفتند:

لَوْ أَنَّ عِنْدَنَا ذِكْرًا مِّنَ الْأَوَّلِينَ ﴿١٦٨﴾ [اگر کتابی از [کتابهای آسمانی] پیشینیان نزدمان بود،

لَكُنَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ ﴿١٦٩﴾ (۱۶۹) یقیناً از بندگان مخلصِ الله می شدیم».

فَكَفَرُوا بِهِ ۖ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿١٧٠﴾ (۱۷۰) اما [هنگامی که پیامبر با قرآن به سویشان آمد، حقانیت] آن را انکار کردند؛ به زودی [نتیجه انکارشان را] خواهند دانست.

وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ ﴿١٧١﴾ (۱۷۱) و قطعاً سخن ما درباره بندگان فرستاده شده مان از پیش صادر شده است [که]:

إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ ﴿١٧٢﴾ (۱۷۲) آنان قطعاً [از جانب ما] یاری شده اند.

وَإِنَّ جُنْدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ ﴿١٧٣﴾ (۱۷۳) و بی تردید، لشکر ما پیروزند.

فَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ ﴿١٧٤﴾ (۱۷۴) پس [ای پیامبر،] تا مدتی از آنان [= مشرکان] روی بگردان.

وَأَبْصَرَهُمْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ ﴿١٧٥﴾ (۱۷۵) و آنان را [در هنگام نزول عذاب] بنگر؛ به زودی خود [نیز نتیجه کفرشان را] خواهند دید.

أَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ ﴿١٧٦﴾ (۱۷۶) آیا عذاب ما را به شتاب خواستارند؟

فَإِذَا نَزَلَ بِسَاحَتِهِمْ فَسَاءَ صَبَاحُ
الْمُنذِرِينَ ﴿١٧٧﴾
فرود آید، چه بد است بامداد هشدار یافتگان!

وَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ ﴿١٧٨﴾
و تا مدتی از آنان روی بگردان،

وَأَبْصَرَ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ ﴿١٧٩﴾
و آنان را [در هنگام نزول عذاب] بنگر؛
به زودی خود [نیز نتیجه کفرشان را] خواهند
دید.

سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا
يَصِفُونَ ﴿١٨٠﴾
(۱۸۰) پروردگارت - پروردگار عزت و قدرت - از
آنچه [مشرکان به دروغ] توصیف می کنند پاک
و منزّه است.

وَسَلَّمَ عَلَى الْمُرْسَلِينَ ﴿١٨١﴾
(۱۸۱) و سلام بر پیامبران

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٨٢﴾
(۱۸۲) و سپاس [و ستایش] از آنِ الله -
پروردگار جهانیان - است.

سُورَةُ صَّ

سورة ص

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

صَّ وَالْقُرْآنِ ذِي الذِّكْرِ ﴿١﴾

(۱) ص [= صاد]. سوگند به قرآن پندآموز [که الله هیچ شریکی ندارد]

بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي عِزَّةٍ وَشِقَاقٍ ﴿٢﴾

(۲) بلکه کسانی که کفر ورزیدند در سرکشی و ستیزند.

كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِّنْ قَرْنٍ فَنَادَوا وَّلَاتَ حِينٍ مِّنَاصٍ ﴿٣﴾

(۳) چه بسیار نسل‌ها پیش از آنان نابود کردیم که [در هنگام نزول عذاب] فریاد [توبه] برمی‌آوردند؛ و [الی آن زمان، دیگر] وقت [توبه] و [رهایی نبود].

وَعَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِّنْهُمْ ۗ وَقَالَ الْكٰفِرُونَ هٰذَا سِحْرٌ كَذٰبٌ ﴿٤﴾

(۴) و [مشرکان] از اینکه بیم‌دهنده‌ای از میان خودشان به سراغشان آمده است تعجب کردند و گفتند: «این مرد، جادوگری دروغگوست.»

أَجْعَلِ الْاِلٰهَةَ الْاِلٰهَةً وَّاحِدًا ۗ اِنَّ هٰذَا لَشَيْءٌ عَجَابٌ ﴿٥﴾

(۵) آیا معبودان [مختلف و متعدد] را [تبدیل به] معبودی یگانه کرده است؟ این واقعاً چیز عجیبی است.»

وَأَنْطَلَقَ الْمَلَأُ مِنْهُمْ أَنِ امْشُوا وَاصْبِرُوا عَلَىٰ ءَالِهَتِكُمْ ۗ اِنَّ هٰذَا و حفظ] معبودانتان شکبیا [و پایدار] باشید؛

(۶) بزرگان‌شان [= سران قریش] به پا خاستند [و به پیروان خود گفتند]: «بروید و بر [عبادت

لَثَىٰ يُرَادُ ﴿٦﴾

زیرا این [دعوت به عبادت معبودی یگانه]
چیزی است که [برنامه‌ریزی و] خواسته شده
است [تا محمد بر شما برتری یابد].

مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي الْمِلَّةِ الْأَخْرَىٰ
إِنْ هَذَا إِلَّا اخْتِلَافٌ ﴿٧﴾

(۷) ما در آیین اخیر [= نصرانیت] نیز چنین
[ادعایی درباره توحید] نشنیده‌ایم. این جز
دروغ [چیزی] نیست.

أَنْزَلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ
هُمْ فِي شَكٍّ مِّنْ ذِكْرِي بَلْ لَّمَّا
يَذُوقُوا عَذَابٍ ﴿٨﴾

(۸) آیا از میان [همه] ما، قرآن بر او نازل شده
است؟» [چنین نیست که می‌گویند؛] بلکه آنان
درباره وحی من [بر تو] تردید دارند؛ بلکه هنوز
عذاب [الهی] را نچشیده‌اند [که چنین
گستاخند].

أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنٌ رَّحْمَةِ رَبِّكَ
الْعَزِيزِ الْوَهَّابِ ﴿٩﴾

(۹) آیا گنجینه‌های رحمت پروردگار
شکست‌ناپذیر بخشنده‌ات نزدشان است؟

أَمْ لَهُمْ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
وَمَا بَيْنَهُمَا ۖ فَلْيَرْتَقُوا فِي
الْأَسْبَابِ ﴿١٠﴾

(۱۰) یا فرمانروایی آسمان‌ها و زمین و آنچه
بین آنهاست از آن آنان است؟ [اگر چنین
است،] باید با وسایل [و امکانات خود به
آسمان] اوج بگیرند [و مانع یا باعث نزول
نعمت‌ها گردند].

جُنْدٌ مَّا هُنَالِكَ مَهْزُومٌ مِّنَ
الْأَحْزَابِ ﴿١١﴾

(۱۱) [این کافران] لشکری شکست‌خورده از
جمله گروه‌ها [و فرقه‌های مخالف پیامبران]
هستند.

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ
وَفِرْعَوْنُ ذُو الْأَوْتَادِ ﴿١٢﴾

(۱۲) [پیش از آنان نیز] قوم نوح و عاد و

وَتَمُودُ وَقَوْمُ لُوطٍ وَأَصْحَابُ
لَيْكَةِ أُولَئِكَ الْأَحْزَابُ ﴿١٣﴾

(۱۳) و قوم ثمود و قوم لوط و اصحاب آیکه [=

إِنَّ كُلَّ إِلَّا كَذَّبَ الرُّسُلَ فَحَقَّ
عِقَابِ ﴿١٤﴾

(۱۴) هر یک [از این کافران] پیامبران را

وَمَا يَنْظُرُ هَوَٰلَاءَ إِلَّا صَيْحَةً
وَاحِدَةً مَّا لَهَا مِنْ فَوَاقٍ ﴿١٥﴾

(۱۵) اینان [= مشرکان] جز یک بانگ

وَقَالُوا رَبَّنَا عَجِّلْ لَنَا قِطْنَآ قَبْلَ
يَوْمِ الْحِسَابِ ﴿١٦﴾

(۱۶) و [با تمسخر] گفتند: «پروردگارا، پیش از

أَصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَادْكُرْ
عِبْدَنَا ذَاوُدَ ذَا الْأَيْدِ إِنَّهُ
أَوَّابٌ ﴿١٧﴾

(۱۷) [ای پیامبر]، در برابر گفتارشان شکیبا

إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحْنَ
بِالْعَشِيِّ وَالْإِشْرَاقِ ﴿١٨﴾

(۱۸) به راستی، ما کوهها را همراهش به

بامدادان [پروردگار را] به پاکی می ستودند.

وَالظَّيْرَ مَحْشُورَةً كُلُّ لَهُ أَوَّابٌ ﴿١٩﴾ و پرنندگان را نیز گردآمده [در آسمان، به خدمت گماشتیم و] همگی به پیروی از وی تسبیح گوی بودند.

وَشَدَدْنَا مُلْكَهُ وَءَاتَيْنَاهُ الْحِكْمَةَ وَفَصَّلَ الْخِطَابِ ﴿٢٠﴾ و فرمانروایی اش را استوار نمودیم و پیامبری و کلامی فیصله بخش به او عطا کردیم.

وَهَلْ أَتَاكَ نَبَأُ الْخَضْمِ إِذْ تَسَوَّرُوا الْمِحْرَابَ ﴿٢١﴾ و آیا خبر آن شاکیان به تو رسیده است، آنگاه که [برای دادخواهی نزد داود] از دیوار عبادتگاه [او] بالا رفتند؟

إِذْ دَخَلُوا عَلَى دَاوُدَ فَفَزِعَ مِنْهُمْ قَالُوا لَا تَخَفْ خَصْمَانِ بَغِي بَعْضُنَا عَلَى بَعْضٍ فَأَحْكُم بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَلَا تُشْطِطْ وَاهْدِنَا إِلَى سَوَاءِ الصِّرَاطِ ﴿٢٢﴾

(۲۲) چون [بدون اطلاع] بر داود وارد شده بودند، از آنان ترسید؛ گفتند: «نترس؛ ما دو نفر شاکی هستیم که یکی بر دیگری ستم کرده است؛ به عدالت در میان ما داوری کن و ستم روا مدار و ما را به راه راست هدایت کن».

إِنَّ هَذَا أَخِي لَهُ تِسْعٌ وَتِسْعُونَ نَعَجَةً وَإِي نَعَجَةٌ وَاحِدَةٌ فَقَالَ أَكْفِلْنِيهَا وَعَزَّنِي فِي الْخِطَابِ ﴿٢٣﴾

(۲۳) [یکی از آن دو گفت:] «این [مرد]، برادرم است. او نود و نه میش دارد و من یک میش دارم و [به اصرار] می گوید: "آن [یک میش] را هم به من واگذار!" و در بحث بر من پیروز شده است».

قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعَجَتِكَ إِلَى نِعَاجِهِ وَإِنَّ كَثِيرًا مِّن

(۲۴) [داود] گفت: «بی تردید، او با خواستنِ میش تو [برای افزودن] به میش های خودش،

بر تو ستم کرده است؛ و البته بسیاری از شریکان [و همکاران] در حق یکدیگر ستم می‌کنند، مگر کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند که آنها [نیز بسیار] اندکند؛ و داود [که بدون توضیح خواستن از طرف دیگر، حکم صادر کرده بود] دریافت که قطعاً او را امتحان کرده‌ایم؛ بنابراین، از پروردگار خویش آموزش خواست و سجده‌کنان بر زمین افتاد و [به درگاه الهی] توبه کرد.

أَخْلَطَاءٍ لِيَبْغِيَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَقَلِيلٌ مَّا هُمْ وَظَنَّ دَاوُدُ أَنَّمَا فَتَنَّاهُ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ وَخَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابَ ﴿٢١﴾

(۲۵) آن [اشتباه] را بر او بخشیدیم؛ و به راستی، او نزد ما مقامی والا و [در آخرت] بازگشتی نیکو دارد.

فَعَفَرْنَا لَهُ ذَلِكُمْ وَإِنَّ لَهُ عِنْدَنَا لَزُلْفَىٰ وَحُسْنَ مَآبٍ ﴿٢٥﴾

(۲۶) ای داود، ما تو را جانشین [خود] در زمین قرار دادیم؛ پس به حق میان مردم داوری کن و پیرو هوای [نفس] نباش که تو را از راه الله گمراه می‌کند. بی‌تردید، کسانی که از راه الله گمراه می‌شوند، به سزای آنکه روز حساب را فراموش کرده‌اند، عذاب شدیدی [در پیش] دارند.

يَدَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ ﴿٢٦﴾

(۲۷) ما آسمان و زمین و آنچه را که میان آنهاست، بیهوده نیافریده‌ایم. این، گمان کسانی است که کفر ورزیده‌اند. پس وای بر کسانی که

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَطْلًا ذَلِكُمْ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا

کفر ورزیدند از آتش [دوزخ]!

مِنْ النَّارِ ﴿٢٧﴾

(۲۸) آیا کسانی را که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند مانند مفسدان در زمین به حساب می‌آوریم؟ آیا پرهیزگاران را مانند بدکاران به حساب می‌آوریم؟

أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ

كَالْمُفْجَرِ ﴿٢٨﴾

(۲۹) [ای محمد، این قرآن] کتابی است پربرکت که بر تو نازل کردیم تا [مردم] در آیاتش به دقت بیندیشند و خردمندان پند گیرند.

كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿٢٩﴾

(۳۰) و سلیمان را به داود عطا کردیم؛ نیکو بنده‌ای بود [و] بی‌تردید، بسیار توبه‌کار بود.

وَوَهَبْنَا لِدَاوُدَ سُلَيْمَانَ نِعَمَ الْعَبْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ ﴿٣٠﴾

(۳۱) [یاد کن از] هنگامی که عصرگاهان، اسب‌های [اصیل و] تیزرو را بر او عرضه کردند [و این اسب‌ها پیوسته تا غروب خورشید بر او عرضه می‌شد].

إِذْ عُرِضَ عَلَيْهِ بِالْعَشِيِّ الصَّافِنَاتُ الْجِيَادُ ﴿٣١﴾

(۳۲) [سلیمان سرگرم تماشای اسب‌ها شد و وقت عبادت گذشت؛] گفت: «به راستی که دوست داشتن مال [و تماشای اسب‌ها] مرا از یاد پروردگارم غافل کرد تا [آنکه خورشید] در پرده [مغرب] پنهان گشت.

فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَنْ ذِكْرِ رَبِّي حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ ﴿٣٢﴾

(۳۳) [بار دیگر] آنها را نزدم بازگردانید». آنگاه

رُدُّوَهَا عَلَيَّ فَطَفِقَ مَسْحًا

[به نشانه وقف در راه الله] به ساقها و گردن‌ها [ی آن اسبها] دست کشید.

بِالسُّوقِ وَالْأَعْنَاقِ ﴿٣٣﴾

(۳۴) و بی‌تردید، سلیمان را آزمودیم و جسد [نوزاد]ی را [که] - بدون گفتن ان‌شاءالله - مشتاقانه در انتظار تولدش بود، مُرده [بر تختش افکندیم] تا دریابد که اداره امور، به دست الله است؛ سپس [توبه کرد و به درگاه الهی] بازگشت.

وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ وَأَلْقَيْنَا عَلَيَّ كُرْسِيِّهٖ جَسَدًا ثُمَّ أَنَابَ ﴿٣٤﴾

(۳۵) گفت: «پروردگارا، مرا بیامرز و حکومتی به من ارزانی دار که پس از من بی‌نظیر باشد [که] بی‌تردید، تو بسیار بخشاینده‌ای».

قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا لَّا يَتَّبِعُنِي لِأَحَدٍ مِّنْ بَعْدِي إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ ﴿٣٥﴾

(۳۶) [ما] باد را در خدمتش گماشتیم که هر کجا اراده می‌کرد به فرمانش به آرامی روانه می‌شد

فَسَخَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ رُخَاءً حَيْثُ أَصَابَ ﴿٣٦﴾

(۳۷) و هر بتا و غواصی از جنیان را [که] می‌خواست، به فرمانش درآوردیم [

وَالشَّيَاطِينِ كُلِّ بَنَاءٍ وَعَوَاصِ ﴿٣٧﴾

(۳۸) و گروه دیگری [از جنیان] را [که همگی] در غل و زنجیر بودند [تحت سلطه‌اش قرار دادیم].

وَأَخْرَيْنَ مُفْرَنِينَ فِي الْأَصْفَادِ ﴿٣٨﴾

(۳۹) [به او گفتیم:] «این عطای ماست؛ بی‌شمار [به هر که می‌خواهی] ببخش یا [از هر کس که می‌خواهی] بازدار».

هَذَا عَطَاؤُنَا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٣٩﴾

وَإِنَّ لَهُ عِنْدَنَا لَزُلْفَىٰ وَحُسْنَ مَقَابٍ ﴿۴۰﴾ و به راستی، او نزد ما مقامی والا و [در آخرت] بازگشتی نیکو دارد.

وَأَذْكُرُ عَبْدَنَا أَيُّوبَ إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ أَلَيْسَ لِي بِرَبٍّ غَنِيٍّ وَعَدَابٍ ﴿۴۱﴾ [ای پیامبر،] از بنده ما - ایوب - یاد کن؛ آنگاه که پروردگارش را ندا داد که: «شیطان مرا به رنج و درد آورده است».

أَرْكُضُ بِرَجْلِكَ هَذَا مُعْتَسِلٌ بَارِدٌ وَشَرَابٌ ﴿۴۲﴾ [به او فرمان دادیم:] «پایت را بر زمین بکوب [تا چشمه‌ای بجوشد]. این، چشمه‌ساری خنک برای شستشو و آشامیدن است».

وَوَهَبْنَا لَهُ وَأَهْلَهُ وَمِثْلَهُم مَّعَهُمْ رَحْمَةً مِنَّا وَذِكْرَىٰ لِأُولِي الْأَلْبَابِ ﴿۴۳﴾ و خانواده‌اش و مانند آنها [= نوادگان] را همراه آنان به وی بخشیدیم تا [نشانه] رحمتی از جانب ما و اندرزی برای خردمندان باشد.

وَخُذْ بِيَدِكَ ضِغْتًا فَاضْرِبْ بِهِ وَلَا تَحْنُتْ إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نِّعَمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ ﴿۴۴﴾ و [به او فرمان دادیم:] «دسته‌ای گیاه برگیر و [همسرت را] با آن بزن و سوگندت را [که در هنگام خشم یاد کرده بودی] نشکن». به راستی، ما او را شکیبایافتیم. نیکو بنده‌ای بود [و] بی‌تردید، بسیار توبه‌کار بود.

وَأَذْكُرُ عَبْدَنَا إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ أُولِي الْأَيْدِي وَالْأَبْصَارِ ﴿۴۵﴾ و [ای پیامبر،] از بندگان ما ابراهیم و اسحاق و یعقوب یاد کن که [در عبادت] توانمند و [در شناخت حق] بابصیرت بودند.

إِنَّا أَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةٍ ذِكْرَىٰ (۴۶) ما آنان را با خصلتی [ممتاز] ویژه

ساختیم که [همانا] یاد آخرت بود.

الدَّارِ ﴿٤٦﴾

وَأَنَّهُمْ عِنْدَنَا لَمِنَ الْمُصْطَفَيْنَ (۴۷) و آنان نزد ما از برگزیدگان و نیکانند.

الْأَخْيَارِ ﴿٤٧﴾

وَأذْكَرُ إِسْمَاعِيلَ وَالْيَسَعَ وَذَا الْكِفْلِ وَكُلٌّ مِنَ الْأَخْيَارِ ﴿٤٨﴾ و از اسماعیل و یسع و ذوالکفل یاد کن [که] همگی از نیکانند.

هَذَا ذِكْرٌ وَإِنَّ لِلْمُتَّقِينَ لِحُسْنَ مَعَابٍ ﴿٤٩﴾ این [قرآن] پندی است و یقیناً پرهیزگاران [در آخرت] بازگشتی نیکو دارند.

جَنَّتِ عَدْنٍ مُمْتَحَةً لَهُمْ الْأَبْوَابُ ﴿٥٠﴾ باغ‌هایی جاودان که درها [ایش] برای آنان گشوده است.

مُتَّكِينَ فِيهَا يَدْعُونَ فِيهَا بِفِكَهَةٍ كَثِيرَةٍ وَشَرَابٍ ﴿٥١﴾ در حالی که [بر تخت‌ها] تکیه زده‌اند، [از خدمتکارانشان] میوه‌های فراوان و نوشیدنی می‌خواهند.

وَعِنْدَهُمْ قَصْرَاتُ الْظَّرْفِ أَتْرَابٍ ﴿٥٢﴾ و زنانی نزدشان است که تنها [به شوهران خود] نظر دارند و [همگی] هم‌سن و سال هستند.

هَذَا مَا تُوْعَدُونَ لِيَوْمِ الْحِسَابِ ﴿٥٣﴾ این است آنچه برای روز حساب به شما وعده داده می‌شد.

إِنَّ هَذَا لَرِزْقُنَا مَا لَهُ مِنْ تَفَادٍ ﴿٥٤﴾ این روزی [و لطف] ماست که پایانی ندارد.

هَذَا وَإِنَّ لِلظَّالِمِينَ لَشَرَّ مَثَابٍ ﴿٥٥﴾
 بی‌تردید، سرکشان بدترین بازگشتگاه را دارند.

جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا فَبِئْسَ الْمِهَادُ ﴿٥٦﴾
 چه بد قرارگاهی است!

هَذَا فَلْيَذُوقُوهُ حَمِيمٌ وَعَسَاقُ ﴿٥٧﴾ این [مجازات] آب جوشان و خونابه
 چرک‌آلودی است که باید آن را بچشند.

وَعَاخِرُ مِنْ شَكْلِهِ أَزْوَاجٌ ﴿٥٨﴾ و از همین گونه، انواع دیگری [عذاب‌ها]
 را خواهند دید.

هَذَا فَوْجٌ مُّقْتَحِمٌ مَّعَكُمْ لَا مَرْحَبًا بِهِمْ إِنَّهُمْ صَالُوا النَّارِ ﴿٥٩﴾
 [هنگام ورود دوزخیان به آتش، برخی از آنان به دیگران می‌گویند:] «این گروهی است که همراه شما [به آتش] داخل می‌شوند». [آنان پاسخ می‌دهند:] «خوشامد بر آنان مباد! به راستی که به آتش درمی‌آیند».

قَالُوا بَلْ أَنْتُمْ لَا مَرْحَبًا بِكُمْ أَنْتُمْ قَدَّمْتُمُوهُ لَنَا فَبِئْسَ الْقَرَارُ ﴿٦٠﴾
 [آنان به رهبران خود] می‌گویند: «بلکه بر شما خوشامد مباد؛ [زیرا] شما بودید که این [عذاب] را پیش پای ما نهادید. پس [دوزخ] چه بد قرارگاهی است!»

قَالُوا رَبَّنَا مَنْ قَدَّمَ لَنَا هَذَا فَزِدْهُ عَذَابًا ضِعْفًا فِي النَّارِ ﴿٦١﴾
 این [عذاب] را برای ما فراهم کرده است، عذابش را در آتش چندین برابر بیفزای.»

وَقَالُوا مَا لَنَا لَا نَرَى رِجَالًا كُنَّا نَعُدُّهُمْ مِّنَ الْأَشْرَارِ ﴿٦٢﴾
 (۶۲) [دوزخیان متکبر] می‌گویند: «چرا کسانی را که [در دنیا] از اشرار می‌پنداشتیم، [در دوزخ] نمی‌بینیم؟»

أَتَّخَذْتَنَّهُمْ سِخْرِيًّا أَمْ زَاغَتْ عَنْهُمْ الْأَبْصَارُ ﴿٦٣﴾
 (۶۳) آیا [در دنیا، بی‌جهت] آنان را به تمسخر می‌گرفتیم یا [اینجا هستند و] چشمان [ما] به آنان نمی‌افتد؟»

إِنَّ ذَلِكَ لَحَقُّ تَخَاصُّمِ أَهْلِ النَّارِ ﴿٦٤﴾
 (۶۴) بی‌تردید، این ستیز [و مجادله] اهل آتش، راست است [و قطعاً رخ می‌دهد].

قُلْ إِنَّمَا أَنَا مُنذِرٌ وَمَا مِنِّي إِلَهٌ إِلَّا اللَّهُ الْوَحِيدُ الْقَهَّارُ ﴿٦٥﴾
 (۶۵) [ای پیامبر، به کافران] بگو: «من فقط بیم‌دهنده‌ای هستم و معبودی [به‌حق] نیست، مگر الله یگانه‌ی پیروزمند.»

رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ ﴿٦٦﴾
 (۶۶) پروردگار آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آنهاست، [آن ذات] شکست‌ناپذیرِ آمرزنده.»

قُلْ هُوَ نَبَوُّ عَظِيمٍ ﴿٦٧﴾
 (۶۷) [به کافران] بگو: «[این قرآن،] خبری بزرگ است.»

أَنْتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ ﴿٦٨﴾
 (۶۸) [ولی] شما از آن رویگردانید.

مَا كَانَ لِي مِنْ عِلْمٍ بِالْمَلَأِ الْأَعْلَىٰ إِذْ يَخْتَصِمُونَ ﴿٦٩﴾
 (۶۹) [اگر به من وحی نمی‌شد، هرگز] از عالم بالاتر - آنگاه که [فرشتگان در مورد آفرینش بشر] جدال می‌کردند - اطلاعی نداشتم.

إِنْ يُوحَىٰ إِلَيَّ إِلَّا أَنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿٧٠﴾
 (۷۰) به من وحی نمی‌شود، مگر از آن روی که من بیم‌دهنده‌ای آشکارم.»

إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلٰٓئِكَةِ اِنِّىْ خَلَقْتُ
بَشَرًا مِّنْ طِيْنٍ ﴿٧١﴾
فرشتگان گفت: «من بشری از گِل می‌آفرینم.

فَاِذَا سَوَّيْتُهُۥ وَنَفَخْتُ فِيْهِ مِنْ
رُّوْحِىْ فَقَعُوْا لَهٗۤ وَّسَجِدِيْنَ ﴿٧٢﴾
خویش در او دمیدم، [به نشانهٔ بزرگداشتِ الله]
برایش به سجده بیفتید».

فَسَجَدَ الْمَلٰٓئِكَةُ كُلُّهُمْ
اٰجْمَعُوْنَ ﴿٧٣﴾
[چون آدم پدید آمد،] فرشتگان همگی
سجده کردند

اِلَّا اِبٰلِیْسَ اَسْتَكْبَرَ وَّكَانَ مِنَ
الْكٰفِرِيْنَ ﴿٧٤﴾
[که] مگر ابلیس [که] تکبر نمود و کافر شد.

قَالَ يٰٓاِبٰلِیْسُ مَا مَنَعَكَ اَنْ
تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِیَدَیْؕ
اَسْتَكْبَرْتَ اَمْ كُنْتَ مِنَ
الْعٰلِیْنَ ﴿٧٥﴾
[الله] فرمود: «ای ابلیس، چه چیز مانع
تو شد از اینکه در برابر آنچه به دستان خویش
آفریده‌ام سجده کنی؟ آیا تکبر ورزیدی یا
برتری جویی کردی؟»

قَالَ اَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِیْ مِنْ
تَّارٍ وَّخَلَقْتَهُۥ مِنْ طِيْنٍ ﴿٧٦﴾
او گفت: «من از او برترم: مرا از آتش
آفریده‌ای و او را از گِل».

قَالَ فَاخْرِجْ مِنْهَا فَاِنَّكَ
رَجِیْمٌ ﴿٧٧﴾
[الله] فرمود: «از آن [بهشت برین] بیرون
شو [که] بی‌تردید، تو [منفور و] رانده‌شده‌ای.

وَإِنَّ عَلَیْكَ لَعْنَتِیْ اِلٰى یَوْمٍ
اَلدِّیْنِ ﴿٧٨﴾
و لعنت من تا روز جزا [= قیامت] بر تو
خواهد بود».

قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ ﴿٧٩﴾ [ابلیس] گفت: «پروردگارا، پس تا روزی که [بندگان] برانگیخته می‌شوند، به من مهلت بده».

قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ ﴿٨٠﴾ [الله] فرمود: «مهلت خواهی داشت،

إِلَى يَوْمِ أَلْوَقْتِ الْمَعْلُومِ ﴿٨١﴾ تا روز [قیامت،] آن وقت معین».

قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٨٢﴾ [ابلیس] گفت: «پس به عزت تو سوگند که قطعاً همه آنان را گمراه می‌کنم

إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ ﴿٨٣﴾ مگر بندگان مخلصت را از میان آنان».

قَالَ فَالْحَقُّ وَالْحَقُّ أَقُولُ ﴿٨٤﴾ [الله] فرمود: «[سخن من] حق است و حق را می‌گویم.

لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكَ وَمِمَّن تَبِعَكَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٨٥﴾ و یقیناً جهنم را از تو و از هر یک از آنان که از تو پیروی کند - از همه - انباشته خواهم ساخت».

قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ ﴿٨٦﴾ [ای پیامبر، به مشرکان] بگو: «من [در برابر رسالتم] هیچ پاداشی از شما نمی‌خواهم و فریبکار نیستم [و به دروغ ادعای نبوت نمی‌کنم].»

إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ ﴿٨٧﴾ این [قرآن] جز پندی برای جهانیان [= انسان و جن] نیست.

وَلَتَعْلَمَنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ ﴿۸۸﴾
 و (۸۸) و قطعاً پس از چندی [که مرگ به
 سراغتان آمد] از خبرِ [راستی] آن آگاه خواهید
 شد.

سُورَةُ الزُّمَرِ

سورة زمر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ﴿١﴾

(۱) نزول این کتاب، از سوی الله شکست‌ناپذیر حکیم است.

إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ ﴿٢﴾

(۲) این کتاب را به حق بر تو نازل کردیم؛ پس الله را با خلوص اعتقاد عبادت کن.

أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَىٰ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ ﴿٣﴾

(۳) آگاه باشید که دین خالص [و خالی از شرک]، از آن الله است و افرادی که غیر الله را [دوست و] کارساز خود انتخاب کرده‌اند [پندارشان این است که:] «آنها را فقط به این دلیل عبادت می‌کنیم که ما را به الله نزدیک گردانند [و منزلت‌مان را بیشتر کنند]». الله در مواردی که با هم اختلاف دارند میان آنان [و موحدان راستین] داوری خواهد کرد. بی‌تردید، الله کسی را که دروغگوی ناسپاس باشد، هدایت نخواهد کرد.

لَوْ أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا لَأَصْطَفَىٰ مِمَّا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ ۗ سُبْحٰنَهُ ۗ هُوَ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ﴿٤﴾

(۴) اگر الله می‌خواست فرزندی برگزیند، از میان آفریدگان خود هرچه می‌خواست برمی‌گزید. او تعالی [از این نسبت‌ها] منزّه است، و اوست الله یگانه پیروزمند.

(۵) آسمان‌ها و زمین را به حق [و با هدف] آفرید. شب را بر روز می‌گستراند و روز را بر شب؛ و خورشید و ماه را در خدمت [شما] گماشت که هر یک تا سرآمدِ معینی در حرکت است. آگاه باشید! او شکست‌ناپذیرِ آمرزگار است.

خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ ۗ يُكَوِّرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ وَيُكَوِّرُ النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ ۗ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ ۗ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى ۗ أَلَا هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفَّورُ ﴿٥﴾

(۶) او شما را از یک تن آفرید، آنگاه همسرش را نیز از وی پدید آورد؛ و برای [استفاده] شما، هشت نوع از چهاربایان [= نر و مادهٔ شتر، گاو، گوسفند و بز] را آفرید. شما را در شکم مادران طی مراحل مختلف در نهانگاه‌های سه‌گانه [پردهٔ مشیمه، رحم و شکم] می‌آفریند. این است الله، پروردگار شما که فرمانروایی، خاص اوست. معبودی [به‌حق] جز او نیست؛ پس چگونه [از عبادت الله] به بیراهه می‌روید؟

خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنْ الْأَنْعَامِ ثَمَنِيَّةً ۚ أَزْوَاجًا يَخْلُقُكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ ۗ خَلَقًا مِنْ بَعْدِ خَلْقٍ فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ ۗ ذَٰلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ ۗ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۗ فَآَنَىٰ تُصْرَفُونَ ﴿٦﴾

(۷) اگر ناسپاسی کنید، [بدانید که] الله از شما بی‌نیاز است و هرگز ناسپاسیِ بندگانش را نمی‌پسندد؛ و اگر شکر او را به جای آورید، این کار را برایتان می‌پسندد؛ و هیچ گناهکاری، بارِ گناه دیگری را بر دوش نمی‌کشد؛ بازگشتان به سوی پروردگارتان است؛ آنگاه او شما را از آنچه انجام می‌دادید، آگاه می‌کند. یقیناً او از رازِ دل‌ها آگاه است.

إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ ۗ وَلَا يَرْضَىٰ لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ ۗ وَإِنْ تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ ۗ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ۗ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ مَرْجِعُكُمْ ۗ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۗ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿٧﴾

﴿وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُ مُنِيبًا إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا خَوَّلَهُ نِعْمَةً مِّنْهُ نَسِيَ مَا كَانَ يَدْعُوًا إِلَيْهِ مِنْ قَبْلُ وَجَعَلَ لِلَّهِ أَنْدَادًا لِّيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِهِ قُلْ تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ قَلِيلًا إِنَّكَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ ﴿۸﴾﴾

(۸) هر گاه انسان دچار [رنج و] زبانی می‌شود، پروردگارش را [با تضرع و زاری] می‌خواند و به درگاهش باز می‌گردد؛ اما هنگامی که نعمتی از جانب خود به وی می‌بخشیم، مشکلی را که قبلاً برایش دعا می‌کرد از یاد می‌برد و برای الله [در قدرت،] همتیانی قائل می‌شود تا [دیگران را نیز] از راه او گمراه کند. [ای پیامبر، به چنین کسی] بگو: «چند صباحی با ناسپاسی [از نعمت‌های دنیا] بهره‌مند شو که قطعاً دوزخی خواهی بود».

﴿أَمَنْ هُوَ قَلْبُكَ عِندَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُو رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿۹﴾﴾

(۹) آیا [چنین مشرکی بهتر است یا] کسی که در طول شب، در حال سجده و قیام، به عبادت [الله] مشغول است و از [عذاب] آخرت ترسان است و به رحمت پروردگارش امید دارد؟ بگو: «آیا کسانی که [حق بندگی پروردگار را] می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند، یکسانند؟ تنها خردمندان پند می‌پذیرند».

﴿قُلْ يَاعِبَادِ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَأَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةٌ إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿۱۰﴾﴾

(۱۰) [ای پیامبر،] بگو: «ای بندگان باایمان من، از پروردگارتان پروا کنید. افرادی که نیکویی می‌کنند، [علاوه بر آخرت، در این دنیا نیز] پاداش نیکو دارند. زمین الله گسترده است [پس اگر برای حفظ عقیده خود دچار مشکل شدید، هجرت کنید]. قطعاً پاداش پایداران، کامل و بی‌دریغ عطا خواهد شد».

قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ (۱۱) بگو: «من مأمورم با خلوص اعتقاد، الله را
مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ ﴿۱۱﴾ عبادت کنم،

وَأُمِرْتُ لِأَنْ أَكُونَ أَوَّلَ (۱۲) و مأمور شده‌ام نخستین کسی [در این
الْمُسْلِمِينَ ﴿۱۲﴾ امت] باشم که تسلیم [محض در مقابل
پروردگار] است.»

قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي (۱۳) بگو: «اگر در برابر پروردگارم نافرمان
باشم، از عذاب روز عظیم ﴿۱۳﴾

قُلِ اللَّهُ أَعْبُدُ مُخْلِصًا لَهُ (۱۴) [ای پیامبر] بگو: «من الله را با خلوص
اعتقاد خود عبادت می‌کنم؛ دینی ﴿۱۴﴾

فَاعْبُدُوا مَا شِئْتُمْ مِنْ دُونِهِ قُلْ (۱۵) شما نیز غیر از الله، هر چه را می‌خواهید
عبادت کنید». بگو: «زیانکاران [واقعی] کسانی
هستند که [به طمع دنیا] خود و
خانواده‌هایشان را در رستاخیز به زیان
انداختند. آگاه باشید که این، همان زیان
آشکار است.

لَهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ ظُلَلٌ مِنَ النَّارِ (۱۶) بر بالای سر و زیر پایشان طبقاتی از آتش
است». این است آنچه الله بندگان را از آن
می‌ترساند. ای بندگان من، از [نافرمانی] من
پروا کنید. بِهِ عِبَادَةٌ يَعبَادِ فَاتَّقُونِ ﴿۱۶﴾

وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطُّغُوتَ أَنْ (۱۷) بشارت برای کسانی است که از عبادت
طاغوت [= معبودان غیر الله] اجتناب ورزیدند

يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ
الْبُشْرَىٰ فَبَشِّرْ عِبَادِ ﴿١٧﴾

و [توبه‌کنان] به درگاه الهی بازگشتند؛ پس [ای پیامبر،] [بهشت را] به بندگانم بشارت بده.

الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ
أَحْسَنَهُ ۚ وَأُولَٰئِكَ الَّذِينَ هَدَىٰ اللَّهُ
أَلْبَابَ ﴿١٨﴾

(۱۸) [همان] کسانی که سخن [های مختلف] را می‌شنوند و از بهترین آن پیروی می‌کنند. آنان کسانی هستند که الله هدایتشان کرده و خردمندند.

أَفَمَنْ حَقَّ عَلَيْهِ كَلِمَةُ الْعَذَابِ
أَفَأَنْتَ تُنقِذُ مَنْ فِي النَّارِ ﴿١٩﴾

(۱۹) آیا کسی را که فرمان مجازات بر او قطعی شده است [می‌توان هدایت نمود]؟ آیا تو می‌توانی کسی را که در آتش است، نجات دهی؟

لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ
عُرْفٌ مِّنْ فَوْقِهَا عُرْفٌ مَّبْنِيَّةٌ
تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ۗ وَعَدَّ
اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ الْمِيعَادَ ﴿٢٠﴾

(۲۰) اما کسانی که از [عذاب] پروردگارشان پروا دارند، برای آنان [در بهشت] غرفه‌هایی است که بر فراز آنها غرفه‌های دیگری ساخته شده [و] جویبارها از زیر آنها جاری است. این وعده را الله داده است و الله در وعده خلاف نمی‌کند.

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ
مَاءً فَسَلَكَهُ وَيَنْبِيعَ فِي الْأَرْضِ
ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا مُّخْتَلِفًا
أَلْوَانُهُ ثُمَّ يَهْبِجُ فَتَرْكُهُ مُصْفَرًا
ثُمَّ يَجْعَلُهُ حُطْلَمًا ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ

(۲۱) آیا ندیده‌ای که الله بارانی از آسمان فرستاد و آن را [به صورت] چشمه‌هایی در زمین جاری ساخت؛ آنگاه به وسیله آن، کشتزاری با رنگ‌های گوناگون پدید می‌آورد؛ سپس پژمرده می‌گردد و می‌بینی که زرد شده است؛ آنگاه آن را خُرد و خاشاک می‌سازد؟

بی‌تردید، در این [دگرگونی‌ها] پندی برای خردمندان است.

لَذِكْرِي لِأُولِي الْأَلْبَابِ ﴿٢١﴾

(۲۲) پس آیا کسی که الله دلش را پذیرای اسلام کرده و از جانب پروردگارش، از نور [هدایت و بصیرت] برخوردار گشته، [همانند سختدلان است]؟ وای بر آنان که در برابر ذکر الله سنگدل شده‌اند! آنان در گمراهی آشکارند.

أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُو لِلْإِسْلَامِ
فَهُوَ عَلَىٰ نُورٍ مِّن رَّبِّهِۦٓ فَوَيْلٌ
لِّلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُم مِّن ذِكْرِ اللَّهِ
أُولَٰئِكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٢٢﴾

(۲۳) الله بهترین سخن را به صورت کتابی نازل کرده که [برخی از آیاتش] همانند یکدیگر و [برخی نیز] مکرر است. کسانی که از [مجازات] پروردگارشان بیم دارند، [با شنیدن این آیات]، مو بر تنشان راست می‌شود و سپس دل و جانشان با یاد الله آرام می‌گیرد. این هدایتِ الله است که هر کس را بخواهد، به آن راه می‌نماید؛ و هر کس که الله او را گمراه سازد، هیچ هدایتگری نخواهد داشت.

اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا
مُّتَشَابِهًا مَّثَانِي تَقْشَعِرُّ مِنْهُ
جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم ثُمَّ
تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَىٰ ذِكْرِ
اللَّهِ ذَٰلِكَ هُدَىٰ اللَّهِ يَهْدِي بِهِ
مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُضَلِلِ اللَّهُ فَمَا
لَهُ مِنْ هَادٍ ﴿٢٣﴾

(۲۴) پس آیا کسی که در روز قیامت [دستانش بسته است و ناچار] با صورتش آن عذاب سخت را دفع می‌کند، [همچون کسی است که در آسایش بهشت قرار دارد]؟ به ستمکاران [مشرك] گفته می‌شود: «[نتیجه] دستاوردتان را بچشید».

أَفَمَنْ يَتَّبِعِي بَوَّجِهِيۥ سَوَاءَ الْعَذَابِ
يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَقِيلَ لِلظَّالِمِينَ
ذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ ﴿٢٤﴾

(۲۵) کسانی که پیش از آنان بودند [نیز آیات

كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَأَتَتْهُمْ

اللَّهُ رَا] دروغ شمردند و از جایی که گمان
نمی کردند، عذاب دامنگیرشان شد.
يَشْعُرُونَ ﴿٢٥﴾

اللَّهُ [طعم] رسوایی و خواری را در
زندگی دنیا به آنان چشاند؛ و مسلماً عذاب
آخرت بزرگتر [و سختتر] است. اگر مشرکان
می دانستند [که رفتارشان چه پیامدی دارد،
عبرت می گرفتند].

وَلَقَدْ صَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا
الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ لَعَلَّهُمْ
يَتَذَكَّرُونَ ﴿٢٧﴾

(۲۷) در این قرآن، از هر [گونه] مثلی برای
مردم آورده ایم؛ باشد که پند پذیرند.

قُرْآنًا عَرَبِيًّا غَيْرَ ذِي عِوَجٍ
لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ﴿٢٨﴾

(۲۸) قرآنی به زبان فصیح عربی و بدون هیچ
گونه ابهام و انحراف [نازل کردیم]؛ باشد که
[تحت تعلیماتش، از پروردگار یکتا] پروا کنند.

صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلًا فِيهِ
شُرَكَاءُ مُتَشَكِّسُونَ وَرَجُلًا
سَلَمًا لِرَجُلٍ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا
الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا
يَعْلَمُونَ ﴿٢٩﴾

(۲۹) الله [برای مقایسه مشرک و موحد،]
مردی را مثال می زند که چند شریک درباره
[مالکیت] او پیوسته با هم اختلاف و مشاجره
دارند؛ و در مقابل آن، مردی که تحت فرمان
یک نفر قرار دارد. آیا این دو نفر، [از نظر
موقعیت] یکسانند؟ ستایش مخصوص الله
است؛ ولی بیشتر آنان نمی دانند.

إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ ﴿٣٠﴾

(۳۰) [ای پیامبر،] قطعاً تو خواهی مُرد و آنان
[نیز] خواهند مُرد.

ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ عِنْدَ رَبِّكُمْ تَخْتَصِمُونَ ﴿٣١﴾
 (۳۱) آنگاه [شما مردم] در روز قیامت، نزد پروردگارتان [دربارهٔ مسایل مورد اختلاف،] مجادله خواهید کرد.

﴿فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ وَكَذَّبَ بِالْصِّدْقِ إِذْ جَاءَهُ ۗ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ﴾ ﴿٣٢﴾
 (۳۲) و کیست ستمکارتر از کسی که به الله، دروغ نسبت می‌دهد و سخن راستی را که به وی رسیده است، دروغ می‌شمارد؟ آیا در دوزخ، جایگاهی برای کافران نیست؟

وَالَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِ ۗ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ ﴿٣٣﴾
 (۳۳) اما کسانی که پیام راستین بیاورند [و دیگران را به پذیرش آن دعوت کنند] و خود نیز آن را تصدیق نمایند، به راستی پرهیزگارند.

لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَٰلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ ﴿٣٤﴾
 (۳۴) هر چه بخواهند، نزد پروردگارشان دارند. پاداش نیکوکاران همین است.

لِيُكَفِّرَ اللَّهُ عَنْهُمْ أَسْوَأَ الَّذِي عَمِلُوا وَيَجْزِيَهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٣٥﴾
 (۳۵) تا الله، بدترین رفتارشان را از [کارنامه] آنان بزداید و بر اساس بهترین اعمالشان، به آنان پاداش دهد.

أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ ۗ وَيُخَوِّفُونَكَ بِالَّذِينَ مِنْ دُونِهِ ۗ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ ﴿٣٦﴾
 (۳۶) آیا الله برای دفاع از بنده اش کافی نیست؟ اما [مشرکان] تو را از معبودان [باطل] شان می‌ترسانند؛ و هر کس که الله او را گمراه کند، هیچ هدایتگری نخواهد داشت.

وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُضِلٍّ^ط (۳۷) و هر کس که الله او را هدایت کند، هیچ کس او را گمراه نخواهد ساخت. آیا الله شکست‌ناپذیر و انتقام‌گیرنده نیست؟

وَلَيْنِ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولَنَّ اللَّهُ قُلْ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ أَرَادَنِيَ اللَّهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كَاشِفَاتُ ضُرِّيهِ أَوْ أَرَادَنِي بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكَتُ رَحْمَتِيَّ قُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ^ط (۳۸) [ای پیامبر،] اگر از مشرکان بپرسی: «چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفریده است؟»، مسلماً می‌گویند: «الله». به آنان بگو: «پس به نظر شما، اگر الله ناخوشی و رنجی برایم بخواهد، آیا آنچه به جای الله [به نیایش] می‌خوانید، می‌توانند آسیب او را برطرف کنند؟ یا اگر الله رحمتی برای من بخواهد، آیا می‌توانند مانع او شوند؟» بگو: «[پشتیبانی] الله برایم کافی است. اهل توکل، تنها بر او توکل می‌کنند».

قُلْ يَقَوْمِ أَعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَمِلٌ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ^ط (۳۹) بگو: «ای قوم من، شما بر روش خود عمل کنید، من نیز [به وظایف خود] عمل می‌کنم».

مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُّقِيمٌ^ط (۴۰) به زودی خواهید دانست که کیست آنکه [در دنیا] گرفتار عذاب رسواگر می‌شود و [در آخرت،] عذاب پاینده بر سرش می‌بارد».

إِنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ فَمَنِ اهْتَدَىٰ فَلِنَفْسِهِ^ط وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا (۴۱) این کتاب آسمانی را برای [هدایت] مردم، به‌حق بر تو نازل کردیم؛ هر کس هدایت شود، به سود خود اوست و هر کس گمراه

گشت، به زیان خویش گمراه شده است؛ و تو [نگهبان و] کارسازشان نیستی [که آنان را به هدایت اجبار کنی].

اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا ۗ فِيمِصْرِكِ الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأُخْرَىٰ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٤٢﴾

(۴۲) الله جان‌ها را در لحظه مرگ می‌گیرد و [نیز] جان کسی را که نمرده است، به هنگام خوابش [می‌گیرد]؛ آنگاه جان‌هایی را که حکم مرگ بر آنها رانده است، نگه می‌دارد و جان دیگران را تا هنگام معین [مرگ] بازپس می‌فرستد. در این [امر] برای هر کس که بیندیشد، نشانه‌هایی [از قیامت] وجود دارد.

أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ شُفَعَاءَ ۗ قُلْ أَوْلَوْا كَانُوا لَا يَمْلِكُونَ شَيْئًا وَلَا يَعْقِلُونَ ﴿٤٣﴾

(۴۳) آیا مشرکان غیر از الله، شفیعیانی [برای خود از میان معبودان باطلشان] انتخاب کرده‌اند؟ [ای پیامبر، به آنان] بگو: «حتی اگر آنها مالک چیزی نباشند و [چیزی را] درک نکنند [باز هم آنها را به شفاعت می‌طلبید]؟»

قُلْ لِلَّهِ الشَّفَعَةُ جَمِيعًا ۗ لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٤٤﴾

(۴۴) بگو: «تمام شفاعت‌ها، فقط از آن الله است. فرمانروایی آسمان‌ها و زمین [نیز] از آن اوست؛ سپس [در روز قیامت، همگی] به پیشگاه او بازگردانده می‌شوید.»

وَإِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَحْدَهُ اشْمَأَزَّتْ قُلُوبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ ۗ وَإِذَا ذُكِرَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ إِذَا

(۴۵) هنگامی که الله به یکتایی [و توحید] یاد می‌شود، دل‌های کسانی که به آخرت ایمان ندارند، متنفر [و بیزار] می‌گردد؛ و چون از معبودانی غیر از الله یاد شود، آنگاه است که

مشركان شادمان می گردند.

هُم يَسْتَبْشِرُونَ ﴿۴۵﴾

(۴۶) بگو: «بار الهی، ای [آفریننده آسمانها و زمین، ای دانای نهان و آشکار، تو [به تنهایی] میان بندگان راجع به آنچه [در دنیا] در آن اختلاف می ورزیدند داوری خواهی کرد».

قُلِ اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ عَلِيمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ أَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبَادِكَ فِي مَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿۴۶﴾

(۴۷) اگر دو برابر آنچه در زمین است، در اختیار ستمکاران [مشرك] باشد، همه را برای نجات خود از سختی عذاب روز قیامت فدا می کنند؛ [ولی پذیرفتنی نیست]؛ و اموری از جانب الله برایشان آشکار می گردد که تصورش را هم نمی کردند.

وَلَوْ أَنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَافْتَدَوْا بِهِ مِنْ سُوءِ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَبَدَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَحْتَسِبُونَ ﴿۴۷﴾

(۴۸) [در آن روز،] دستاورد زشتشان بر آنان آشکار می شود و عذابی که مسخره می کردند، دامگیرشان خواهد شد.

وَبَدَا لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ﴿۴۸﴾

(۴۹) هر گاه انسان دچار [رنج و] زبانی شود، ما را [به نیایش] می خواند؛ و چون از جانب خویش نعمتی به وی ارزانی داریم، می گوید: «فقط [لیاقت و] دانایی خودم موجب این نعمت شده است. [نه،] بلکه این آزمایش [الهی] است؛ ولی بیشتر مردم نمی دانند.

فَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَانَا ثُمَّ إِذَا خَوَّلْتَهُ نِعْمَةً مِمَّا قَالِ إِنَّمَا أُوتِيتهُ عَلَىٰ عِلْمٍ بَلْ هِيَ فِتْنَةٌ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿۴۹﴾

(۵۰) پیشینیان آنان نیز همین سخن را

قَدْ قَالُوا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَمَا

أَعْنَى عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٥٠﴾
گفتند؛ ولی [به هنگام عذاب،] دستاوردشان سودی به حالشان نداشت.

فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَالَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ هَؤُلَاءِ سَيُصِيبُهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَمَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ ﴿٥١﴾
(۵۱) و [عقوبت] دستاورد زشت آنان دامنگیرشان شد. این ستمکاران [مشرك] نیز به عقوبت دستاوردشان گرفتار خواهند شد و [پروردگار متعال را] به تنگ نخواهند آورد.

أُولَٰئِكَ يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٥٢﴾
(۵۲) آیا مشرکان نمی دانند که الله [نعمت و] روزی را بر هر کس که بخواهد، گسترده می دارد و یا تنگ می گرداند؟ بی گمان در این امر، نشانه هایی [از تدبیر و حکمت الهی] برای مومنان است.

قُلْ يَاعِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿٥٣﴾
(۵۳) [ای پیامبر،] به بندگانم که [در ارتکاب به شرک و گناه] زیاده روی کرده اند، بگو: «از رحمت الهی مأیوس نباشید؛ چرا که [اگر توبه کنید،] الله همه گناهانتان را می بخشد. به راستی که او تعالی بسیار آمرزنده و مهربان است.

وَأَنِيبُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَأَسْلِمُوا لَهُ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ ﴿٥٤﴾
(۵۴) پیش از آنکه عذاب به سراغتان بیاید و هیچ کس نتواند یاری تان کند، به سوی پروردگارتان بازگردید و تسلیم [فرمان] او شوید.

وَأَتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ بَغْتَةً وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ ﴿٥٥﴾

(۵۵) و پیش از آنکه ناگهان - در حالی که غافلید - عذاب به سراغتان بیاید، از بهترین دستورهایی که از جانب پروردگارتان بر شما نازل شده است، پیروی کنید».

أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَحْسَرْتَنِي عَلَى مَا فَرَطْتُ فِي جَنبِ اللَّهِ وَإِنْ كُنْتُ لِمِنَ السَّخِرِينَ ﴿٥٦﴾

(۵۶) [هم‌اکنون بر حذر باشید] تا کسی [در روز قیامت] نگوید: «ای دریغ بر من که در حقِ الله کوتاهی نمودم و [مؤمنان را] مسخره می‌کردم!»

أَوْ تَقُولَ لَوْ أَنَّ اللَّهَ هَدَانِي لَكُنْتُ مِنَ الْمُتَّقِينَ ﴿٥٧﴾

(۵۷) یا [گناه خود را بر گردن تقدیر نیندازد و] نگوید: «اگر الله مرا هدایت کرده بود، قطعاً پرهیزگار بودم»

أَوْ تَقُولَ حِينَ تَرَى الْعَذَابَ لَوْ أَنَّ لِي كَرَّةً فَأَكُونَ مِنْ الْمُحْسِنِينَ ﴿٥٨﴾

(۵۸) یا هنگامی که عذاب را می‌بیند، نگوید: «ای کاش بازگشتی [به دنیا] داشتم تا در زمره نیکوکاران قرار می‌گرفتم».

بَلَىٰ قَدْ جَاءَتْكَ آيَاتِي فَكَذَّبْتَ بِهَا وَاسْتَكْبَرْتَ وَكُنْتَ مِنَ الْكٰفِرِينَ ﴿٥٩﴾

(۵۹) [الله می‌فرماید]: «آری، آیات من برایت آمد و تو آنها را دروغ پنداشتی و تکبر نمودی و کفر ورزیدی».

وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ وُجُوهُهُم مُّسْوَدَّةٌ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ ﴿٦٠﴾

(۶۰) و روز قیامت کسانی را که بر الله دروغ بسته‌اند، سیه‌روی می‌بینی. آیا در دوزخ جایگاهی برای متکبران نیست؟

وَيَجِيَّ اللَّهُ الَّذِينَ اتَّقَوْا بِمَقَارَتِهِمْ لَا يَمَسُّهُمُ السُّوءُ وَلَا بَهْشَتٌ، [از عذاب] نجات می‌دهد. [در بهشت،] نه رنجی به آنان می‌رسد و نه اندوهگین می‌شوند.

اللَّهُ خَلِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ (۶۲) الله آفریدگار هر چیزی است و او تعالی بر همه چیز [نگهبان و] کارساز است.

لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الْخٰسِرُونَ (۶۳) کلید گنجینه‌های آسمان‌ها و زمین از آن اوست؛ و کسانی که به آیات الهی کافر شدند، قطعاً زیانکارند.

قُلْ أَفَعَيَّرَ اللَّهُ تَأْمُرُوْنَ أَعْبُدْ أَيُّهَا الْجَاهِلُونَ (۶۴) [ای پیامبر،] بگو: «ای بی‌خبران، آیا به من فرمان می‌دهید که [معبودی] غیر از الله را عبادت کنم؟»

وَلَقَدْ أُوحِيَ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ لَئِنْ أَشْرَكَتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخٰسِرِينَ (۶۵) به تو و پیامبران پیش از تو وحی شده است که: «اگر شرک بورزی، [پاداش] کارهایت قطعاً بر باد خواهد رفت و زیانکار خواهی شد؛

بَلِ اللَّهِ فَاعْبُدْ وَكُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ (۶۶) بلکه تنها الله را عبادت کن و سپاسگزار باش.»

وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ

یکسره در قبضه اوست؛ و آسمان‌ها به دست وی درهم‌پیچیده خواهد شد. پاک و منزّه است الله؛ و از چیزهایی که با [وی] شریک می‌سازند، برتر است.

الْقِيَمَةِ وَالسَّمَوَاتِ مَطْوِيَّاتٍ
بِيَمِينِهِ ۗ سُبْحٰنَهُ وَتَعَالٰى عَمَّا يُشْرِكُوْنَ ﴿٦٧﴾

(۶۸) [در آستانه قیامت،] در «صور» دمیده می‌شود؛ آنگاه هر کس که در آسمان‌ها و در زمین است، مدهوش مرگ خواهد شد - مگر کسی که الله بخواهد؛ آنگاه بار دیگر در آن دمیده می‌شود و ناگهان [همه از مرگ] برمی‌خیزند و چشم‌به‌راه [فرمان پروردگار] هستند.

وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي
السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا
مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرٰى
فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ ﴿٦٨﴾

(۶۹) [در روز قیامت،] زمین به نور پروردگارش روشن خواهد شد و نامه [اعمال] نهاده می‌شود و پیامبران و گواهان را می‌آورند و به حق و عدالت میان مردم داوری می‌شود و هرگز به آنان ستم نخواهد شد.

وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا
وَوُضِعَ الْكِتٰبُ وَجِئَتْ
بِالْبَيِّنٰتِ وَالشُّهَدَآءِ وَقُضِيَ بَيْنَهُمْ
بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿٦٩﴾

(۷۰) و جزای عملکرد هر کس، به تمام و کمال داده می‌شود؛ و الله نسبت به اعمالشان داناتر است.

وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ
وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَا يَفْعَلُونَ ﴿٧٠﴾

(۷۱) کافران گروه‌گروه به سوی دوزخ رانده می‌شوند. همین که به آنجا می‌رسند، درهائش [به روی آنان] گشوده می‌گردد و نگهبانانش می‌گویند: «آیا پیامبرانی از میان خود شما به

وَسِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ
زُمَرًا حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا فَتِيَحَتْ
أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ

سراعتان نیامدند که آیات پروردگارتان را برای شما می خواندند و درباره دیدار این روز هشدار می دادند؟» آنان [در پاسخ] می گویند: «آری؛ ولی [ما آنان را انکار کردیم و] فرمان مجازات، سزای کافران است».

يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنْكُمْ يَتْلُونَ
عَلَيْكُمْ آيَاتِ رَبِّكُمْ
وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا
قَالُوا بَلَىٰ وَلَٰكِنْ حَقَّتْ كَلِمَةُ
الْعَذَابِ عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿٧١﴾

(۷۲) [به آنان] گفته می شود: «از درهای دوزخ وارد شوید و جاودانه در آن به سر بربید؛ و [به راستی] جایگاه متکبران، چه بد [جایگاهی] است!»

قِيلَ ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ
خَالِدِينَ فِيهَا فَبِئْسَ مَثْوَى
الْمُتَكَبِّرِينَ ﴿٧٢﴾

(۷۳) و کسانی که از پروردگارشان پروا داشتند، گروه گروه به سوی بهشت هدایت می شوند؛ همین که به آنجا می رسند - در حالی که درهای بهشت گشوده شده است - [با عزت و احترام وارد می شوند] و نگهبانان آنجا می گویند: «سلام بر شما. خوش آمدید. [و] برای همیشه [در آن بمانید]».

وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى
الْجَنَّةِ زُمَرًا حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا
وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ
خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ
فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ ﴿٧٣﴾

(۷۴) بهشتیان می گویند: «ستایش و سپاس مخصوص الله است که وعده خویش را در مورد ما تحقق بخشید و سرزمین [پهناور بهشت] را به ما میراث داد که در هر جای آن خواهیم، منزل می گیریم؛ و [به راستی] پاداش اهل عمل، چه نیکوست!»

وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقَنَا
وَعْدَهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَّبِعُ مِنْ
الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ
الْعَامِلِينَ ﴿٧٤﴾

وَتَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَقِيلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٧٥﴾

(۷۵) [در آن روز،] فرشتگان را خواهی دید که پیرامون عرش حلقه زده‌اند و پروردگارشان را به پاکی می‌ستایند؛ و به حق و عدالت میان مردم داوری خواهد شد و گفته می‌شود: «ستایش و سپاس، مخصوص الله - پروردگار جهانیان - است».

سُورَةُ غَافِرٍ

سورة غافر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

حَمَّ ①

(۱) حم [حا. میم]

تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ
الْعَلِيمِ ②

(۲) نزول [این] کتاب، از سوی الله شکست‌ناپذیر داناست.

غَافِرِ الذَّنْبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ شَدِيدِ
الْعِقَابِ ذِي الطُّوْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا
هُوَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ ③

(۳) [پروردگاری که] آمرزنده گناه و توبه‌پذیر، سخت‌کیفر و نعمت‌بخش است؛ هیچ معبودی [به‌حق] جز او نیست و بازگشت [همه] به سوی اوست.

مَا يُجَدِلُ فِي آيَاتِ اللَّهِ إِلَّا
الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَا يَعْرَكُ
تَقْلُبُهُمْ فِي الْبَلَدِ ④

(۴) تنها کافران هستند که درباره آیات الهی مجادله می‌کنند؛ پس مبادا رفت و آمدشان در شهرها [برای تجارت و بهره‌مندی‌شان از نعمت‌های دنیا] تو را بفریبد.

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ
وَالْأَحْزَابُ مِنْ بَعْدِهِمْ وَهَمَّتْ
كُلُّ أُمَّةٍ بِرَسُولِهِمْ لِيَأْخُذُوهُ
وَجَدَلُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ
الْحَقَّ فَأَخَذْتَهُمْ فَكَيْفَ كَانَ
عِقَابِ ⑤

(۵) پیش از آنان قوم نوح، و پس از آنان نیز گروه‌های دیگری [همچون قوم عاد و ثمود و لوط نیز پیامبران‌شان را] دروغگو شمردند و هر قومی خواست پیامبرش را دستگیر کند [و به قتل برساند]. آنان به باطل مجادله کردند تا به وسیله آن، حق را از میان بردارند؛ من نیز آنان را عذاب کردم؛ [پس بنگرید که] عذاب من چگونه بود.

وَكَذَلِكَ حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ أَصْحَابُ النَّارِ ﴿٦﴾

(۶) و فرمان عذاب پروردگارت درباره کافران اینچنین به تحقق پیوست که آنان اهل آتشند.

الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَّحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ ﴿٧﴾

(۷) فرشتگانی که عرش را حمل می‌کنند و فرشتگانی که گرد آن حلقه زده‌اند، پروردگارشان را به پاکی می‌ستایند و به او ایمان دارند و [این گونه] برای اهل ایمان آمرزش می‌خواهند: «پروردگارا، رحمت و دانشت، هر چیزی را فراگرفته است؛ پس کسانی را که توبه کردند و پیرو راه تو شدند، بیامرز و از عذاب دوزخ دور نگاه دار.»

رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّاتٍ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٨﴾

(۸) پروردگارا، آنان و پدران [و مادران] و همسران و فرزندان صالحشان را در باغ‌های جاودان بهشت که وعده داده‌ای، داخل کن، که بی‌تردید، تو شکست‌ناپذیر و حکیمی.

وَقِهِمُ السَّيِّئَاتِ وَمَنْ تَقِ السَّيِّئَاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٩﴾

(۹) [بار الهی،] آنان را از [کیفر] بدی‌ها حفظ کن؛ و قطعاً هر کس را که در آن روز از [کیفر] بدی‌ها نگاه داری، مشمول رحمتت قرار داده‌ای. این، همان کامیابی بزرگ است.»

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنَادُونَ لَمَقْتُ اللَّهِ أَكْبَرُ مِنْ مَقْتِكُمْ

(۱۰) [در دوزخ] به کافران ندا می‌دهند که: «دشمنی و خشم الله، سخت‌تر از دشمنی و

خشم شما نسبت به خودتان است؛ چرا که به ایمان دعوت می‌شدید، ولی [با دشمنی نسبت به خود، عقیده توحیدی را] انکار می‌کردید».

أَنْفُسَكُمْ إِذْ تُدْعَوْنَ إِلَى الْإِيمَانِ فَتَكْفُرُونَ ﴿۱۰﴾

(۱۱) آنان [در پاسخ] می‌گویند: «پروردگارا، ما را دوبار میراندی [وقتی نطفه‌ای بی‌روح بودیم، و وقتی عمرمان در دنیا به پایان رسید] و دو بار زنده کردی [وقتی در دنیا متولد شدیم و وقتی در قیامت برانگیخته شدیم]؛ پس [اکنون که] به گناهان خود اعتراف کردیم، آیا راهی برای خروج [از دوزخ] وجود دارد؟»

قَالُوا رَبَّنَا آمَنَّا أَلَمْ نَكُنْ مِنْكُمْ وَأَحْيَيْتَنَا أَتَنْتِنَا فَأَعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَى خُرُوجٍ مِنْ سَبِيلٍ ﴿۱۱﴾

(۱۲) [به آنان گفته می‌شود:] «این [عذاب] به سبب آن است که چون الله به یگانگی خوانده می‌شد، انکار می‌کردید؛ ولی اگر به او شرک آورده می‌شد ایمان می‌آوردید. [اکنون] داوری از آن الله بلندمرتبه بزرگ است».

ذَلِكَ بِأَنَّهُوَ إِذَا دُعِيَ اللَّهُ وَحْدَهُ كَفَرْتُمْ وَإِنْ يُشْرَكَ بِهِ تَوَمَّنُوا فَاَلْحِكْمُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْكَبِيرِ ﴿۱۲﴾

(۱۳) او همان ذاتی است که نشانه‌های [توان و تدبیر] خود را به شما ارائه می‌دهد و [با نزول باران] از آسمان روزی برایتان می‌فرستد؛ ولی تنها کسانی پند می‌گیرند که [خالصانه به درگاه الهی] توبه کنند.

هُوَ الَّذِي يُرِيكُمْ آيَاتِهِ وَيُنَزِّلُ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ رِزْقًا وَمَا يَتَذَكَّرُ إِلَّا مَنْ يُنِيبُ ﴿۱۳﴾

(۱۴) [ای مردم! تنها] الله را با خلوص اعتقاد بخوانید؛ هر چند کافران خوششان نیاید.

فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ ﴿۱۴﴾

(۱۵) او دارای درجات رفیع و صاحبِ عرش است؛ و به سوی هر یک از بندگانش که بخوهد، به فرمان خویش وحی می‌فرستد تا دربارهٔ روز ملاقات [به آنان] هشدار دهد.

رَفِيعُ الدَّرَجَاتِ ذُو الْعَرْشِ يُلْقِي الرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ لِيُنذِرَ يَوْمَ التَّلَاقِ ﴿١٥﴾

(۱۶) روزی که مردم حاضر و نمایان می‌شوند و چیزی از آنان بر الله پوشیده نخواهد ماند، [الله می‌فرماید:] «امروز فرمانروایی از آن کیست؟» [آنگاه خود می‌فرماید:] «از آن الله یگانه پیروزمند».

يَوْمَ هُمْ بَارِزُونَ لَا يَخْفَىٰ عَلَى اللَّهِ مِنْهُمْ شَيْءٌ لِّمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ ﴿١٦﴾

(۱۷) امروز هر کس در برابر آنچه کرده است، پاداش داده می‌شود و هیچ ستمی در میان نیست. بی‌گمان، الله در حسابرسی سریع است.

الْيَوْمَ تُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ لَا ظُلْمَ الْيَوْمَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿١٧﴾

(۱۸) در مورد روز قیامت [که بسیار نزدیک است] به آنان هشدار بده؛ آنگاه که جان‌ها [از شدت وحشت] به گلوگاه می‌رسد، در حالی که سرشار از اندوه شده‌اند. [در آن روز،] ستمگران نه دوستی مهربان دارند و نه شفیعی که سخنش پذیرفته شود.

وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْأَزْفَةِ إِذِ الْقُلُوبُ لَدَى الْحَنَاجِرِ كَظِيمِينَ مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعٍ يُطَاعُ ﴿١٨﴾

(۱۹) [الله] حرکات شرورانهٔ چشم‌ها و آنچه را که در دل‌های افراد نهفته است، [به خوبی] می‌داند.

يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ ﴿١٩﴾

وَاللَّهُ يَقْضِي بِالْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَقْضُونَ بِشَيْءٍ إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ﴿۲۰﴾

(۲۰) الله به عدالت داوری می‌کند؛ و معبودانی که [مشرکان] به جای الله عبادت می‌کنند، هیچ گونه [حق] داوری ندارند. به راستی که الله شنوای بیناست.

﴿أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ كَانُوا مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَأَثَارًا فِي الْأَرْضِ فَآخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَاقٍ﴾ ﴿۲۱﴾

(۲۱) آیا مشرکان در زمین نگشته‌اند تا ببینند سرانجام کسانی که پیش از آنان بودند، چگونه بوده است؟ آن اقوام گذشته، نیرومندتر از اینها بودند و آثار و بناهای [استوارتر] بیشتری در زمین پدید آوردند؛ اما الله آنان را به [سبب] گناهانشان عذاب کرد، در حالی که در برابر [عذاب] الله، هیچ [یار و] مدافعی نداشتند.

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانَتْ تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَكَفَرُوا فَآخَذَهُمُ اللَّهُ إِنَّهُ قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿۲۲﴾

(۲۲) این [کیفر] به سبب آن بود که پیامبرانشان نشانه‌های روشن برایشان ارائه می‌کردند، ولی آنان انکار می‌ورزیدند و الله [نیز] آنان را عذاب کرد. بی‌گمان، او توانمندی سخت‌کیفر است.

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا قاطع فرستادیم. وَسُلْطٰنٍ مُّبِينٍ ﴿۲۳﴾

(۲۳) ما موسی را با معجزات خود و دلیلی

إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَهَمٰنَ وَقَلْبُوْنَ فَقَالُوا سَحْرٌ كَذٰبٌ ﴿۲۴﴾

(۲۴) به سوی فرعون و هامان و قارون؛ ولی [آنان] گفتند: «[او] جادوگری دروغگوست».

فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِنَا (۲۵) اما هنگامی که موسی، معجزات الهی و

دلایل محکم را از جانب ما بر آنان ارائه کرد، [فرعون و یارانش سرکشی کردند و] گفتند: «پسران کسانی را که به موسی ایمان آورده‌اند، بکشید و زنانشان را [برای کنیزی] زنده نگاه دارید»؛ و[الی] نیرنگ کافران، محکوم به فناست.

قَالُوا أَفَتُلَوِّاْ اَبْنَاءَ الَّذِيْنَ ءَامَنُوْا مَعَهُ وَاَسْتَحْيُوْا نِسَاءَهُمْ وَمَا كَيْدُ الْكٰفِرِيْنَ اِلَّا فِيْ ضَلٰلٍ ۝۴۵

(۲۶) فرعون گفت: «بگذارید موسی را بکشم؛ و [چون کسی را ندارد،] ناگزیر است پروردگارش را به یاری بخواند [و من از وی هراسی ندارم]. می‌ترسم که او دینتان را دگرگون سازد یا در این سرزمین تباهی به بار آورد».

وَقَالَ فِرْعَوْنُ ذَرُوْنِيْٓ اَقْتُلْ مُوسٰٓى وَلْيَدْعُ رَبَّهُٗٓ ۗ اِنِّىْٓ اَخَافُ اَنْ يُبَدِّلَ دِيْنَكُمْ اَوْ اَنْ يُظْهِرَ فِي الْاَرْضِ الْفَسَادَ ۝۴۶

(۲۷) موسی گفت: «من از [شر] هر متکبری که به روز حساب باور ندارد، به پروردگار خویش و پروردگار شما پناه می‌برم».

وَقَالَ مُوسٰٓى اِنِّىْٓ اَعُوْذُ بِرَبِّىْ وَرَبِّكُمْ مِّنْ كُلِّ مُتَكَبِّرٍ لَا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ ۝۴۷

(۲۸) و مرد مؤمنی از خانواده فرعون که ایمانش را پنهان می‌داشت، گفت: «آیا می‌خواهید این مرد را [فقط به این جرم] بکشید که می‌گوید: "پروردگارم الله است" و [در تأیید سخنش نیز] دلایل روشنی از سوی پروردگارتان برای شما آورده است؟ اگر دروغگو باشد، [گناه] دروغش بر عهده خود اوست؛ و اگر راست گفته باشد، [دست‌کم]

وَقَالَ رَجُلٌ مُّؤْمِنٌ مِّنْ اٰلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ اِيْمٰنَهٗٓ وَ اَتَقْتُلُوْنَ رَجُلًا اَنْ يَقُوْلَ رَبِّىَ اللّٰهُ وَ قَدْ جَآءَكُمْ بِالْبَيِّنٰتِ مِّنْ رَبِّكُمْ ۗ وَاِنْ يَكُ كٰذِبًا فَعَلَيْهِ كَذِبُهٗٓ ۗ وَاِنْ يَكُ صٰدِقًا يُصِْبْكُمْ بَعْضُ

برخی از عذاب‌هایی که وعده می‌دهد، به شما خواهد رسید. بی‌تردید، الله، کسی را که اسرافکار و دروغگوست، هدایت نمی‌کند.

الَّذِي يَعِدُّكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ ﴿٢٨﴾

(۲۹) ای قوم من، امروز فرمانروایی در اختیار شماست [و] در این سرزمین سُلطه دارید؛ ولی اگر سختگیریِ الله دامنگیرمان شود، چه کسی ما را یاری خواهد کرد؟» فرعون گفت: «من فقط آنچه را صلاح می‌دانم می‌گویم و شما را به راه راست هدایت می‌کنم».

يَقَوْمَ لَكُمْ الْمَلِكُ الْيَوْمَ ظَاهِرِينَ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ يَنْصُرُنَا مِنْ بَأْسِ اللَّهِ إِنْ جَاءَنَا قَالَ فِرْعَوْنُ مَا أُرِيكُمْ إِلَّا مَا أَرَىٰ وَمَا أَهْدِيكُمْ إِلَّا سَبِيلَ الرَّشَادِ ﴿٢٩﴾

(۳۰) آن مرد مؤمن گفت: «ای قوم من، می‌ترسم عذابی همچون عذاب اقوام پیشین [که از پیامبرانشان سرپیچی کردند] بر سرتان بیاید؛

وَقَالَ الَّذِي ءَامَنَ يَقَوْمِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ مِثْلَ يَوْمِ الْأَحْزَابِ ﴿٣٠﴾

(۳۱) مانند شیوه [عذاب] قوم نوح و عاد و ثمود و کسانی که بعد از آنان بودند؛ در حالی که الله ستمی برای بندگان نمی‌خواهد.

مِثْلَ دَابِّ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَالَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِّلْعِبَادِ ﴿٣١﴾

(۳۲) و ای قوم من، از روزی بر شما می‌ترسم که مردم به فریاد از یکدیگر یاری می‌خواهند.

وَيَقَوْمِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ يَوْمَ التَّنَادِ ﴿٣٢﴾

(۳۳) [همان] روزی که همگی [از ترس] به عقب باز می‌گردید و در برابر [مجازات] الله،

يَوْمَ تَوَلَّوْنَ مُدْبِرِينَ مَا لَكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ ۗ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ سَبِيلٍ

هیچ محافظی ندارید؛ و هر کس که الله او را گمراه کند، هیچ هدایتگری نخواهد داشت.

فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ ﴿۳۳﴾

(۳۴) پیش از این نیز یوسف با دلایل روشن نزدیکان آمد؛ اما شما از آنچه برایتان آورده بود پیوسته در شک بودید، تا زمانی که از دنیا رفت [و بر تردیدتان افزوده شد]؛ آنگاه گفتید: "الله هرگز پس از وی پیامبری را مبعوث نخواهد کرد". الله، اسرافکارِ بدگمان را این گونه گمراه می‌سازد.

وَلَقَدْ جَاءَكُمْ يُوسُفُ مِنْ قَبْلُ
بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا زِلْتُمْ فِي شَكِّ مِمَّا
جَاءَكُمْ بِهِ حَتَّى إِذَا هَلَكَ
قُلْتُمْ لَنْ يَبْعَثَ اللَّهُ مِنْ بَعْدِهِ
رَسُولًا كَذَلِكَ يَضِلُّ اللَّهُ مَنْ هُوَ
مُسْرِفٌ مُرْتَابٌ ﴿۳۴﴾

(۳۵) کسانی که در مورد آیات الهی - بدون اینکه دلیلی داشته باشند - به مجادله برمی‌خیزند، [رفتارشان] نزد الله و مؤمنین، سخت ناپسند است. الله این گونه بر دل هر متکبر خودکامه‌ای مهر [غفلت] می‌نهد.

الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ
بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَتْهُمْ كَبْرَ مَقْتًا
عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ الَّذِينَ ءَامَنُوا
كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى كُلِّ قَلْبٍ
مُتَكَبِّرٍ جَبَّارٍ ﴿۳۵﴾

(۳۶) فرعون [به وزیرش] گفت: «ای هامان، بنای بلندی برایم بساز؛ شاید به راه‌هایی برسم؛

وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَهْلِمُنْ أَبْنِي لِي
صَرْحًا لَعَلِّي أَبْلُغُ الْأَسْبَابَ ﴿۳۶﴾

(۳۷) راه‌هایی در آسمان‌ها [که مرا تا عرش الهی ببرد] تا به معبود موسی بنگرم [و از او آگاه شوم]؛ هر چند که من قطعاً او را دروغگو می‌پندارم». این گونه، زشتی کردار فرعون، [در نظرش] آراسته گشت و از راه [حق] بازماند؛ و نیرنگ فرعون، به زیان و تباهی انجامید.

أَسْبَبَ السَّمَوَاتِ فَأَطَّلِعَ إِلَى إِلَهِ
مُوسَى وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ كَاذِبًا
وَكَذَلِكَ زُيِّنَ لِفِرْعَوْنَ سُوءَ
عَمَلِهِ وَصَدَّ عَنِ السَّبِيلِ وَمَا
كَيْدُ فِرْعَوْنَ إِلَّا فِي تَبَابٍ ﴿۳۷﴾

وَقَالَ الَّذِي ءَامَنَ يَقَوْمِ اتَّبِعُونِ ۖ أَهْدِكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ ﴿٣٨﴾
 (۳۸) آن مرد مؤمن گفت: «ای قوم من، از من پیروی کنید تا شما را به راه راست هدایت کنم.»

يَقَوْمِ إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا ۖ مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ ﴿٣٩﴾
 (۳۹) ای قوم من، این زندگی دنیا، بهره‌ای [اندک و زودگذر] است؛ و آخرت، سرای جاودان است.

مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَا يُجْزَىٰ إِلَّا مِثْلَهَا ۖ وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثِيَ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٤٠﴾
 (۴۰) هر کس کار بدی مرتکب شود، به تناسب آن کیفر خواهد دید؛ و مردان و زنان مؤمن و نیکوکار، به بهشت وارد می‌شوند و در آنجا از نعمت بی‌شمار برخوردار خواهند شد.

وَيَقَوْمِ مَا لِي اَدْعُوْكُمْ اِلَى النَّجْوَةِ وَتَدْعُونَنِي اِلَى النَّارِ ﴿٤١﴾
 (۴۱) ای قوم من، چه شده که من شما را به راه نجات دعوت می‌کنم، و [الی] شما مرا به آتش فرامی‌خوانید؟

تَدْعُونَنِي لِاَكْفُرَ بِاللّٰهِ وَاَشْرِكُ بِهٖ مَا لَيْسَ لِي بِهٖ عِلْمٌ وَاَنَا اَدْعُوْكُمْ اِلَى الْعَزِيْزِ الْعَفْوَ ﴿٤٢﴾
 (۴۲) مرا دعوت می‌کنید که الله را انکار کنم و چیزی را [در قدرت] با الله شریک گردانم که هیچ اطلاعی از آن ندارم؛ در حالی که من شما را به سوی [پروردگار] شکست‌ناپذیر و آمرزگار فرامی‌خوانم.

لَا جَرَمَ اَنَّمَا تَدْعُونَنِي اِلَيْهِ لَيْسَ دُنْيَا وَاٰخِرَتِ [توان اجابت] دعایی را ندارد؛ و

بازگشت ما به پیشگاه الله است، و اسرافکاران
[در کفر و گناه] دوزخی هستند.

لَهُ دَعْوَةٌ فِي الدُّنْيَا وَلَا فِي الْآخِرَةِ
وَأَنَّ مَرَدَّنَا إِلَى اللَّهِ وَأَنَّ

الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ ﴿٤٣﴾

(۴۴) به زودی سخنان مرا به یاد خواهید آورد؛
و من کار خود را به الله واگذار می‌کنم؛ زیرا
الله نسبت به [کردار] بندگان بیناست».

فَسَتَذْكُرُونَ مَا أَقُولُ لَكُمْ
وَأَوْصُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ

بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ ﴿٤٤﴾

(۴۵) الله او را از آسیب دسیسه آنان حفظ
نمود و عذاب سخت، دامنگیر فرعونیان شد.

فَوَقَّهَ اللَّهُ سَيِّئَاتِ مَا مَكَرُوا
وَحَاقَ بِآلِ فِرْعَوْنَ سُوءُ

الْعَذَابِ ﴿٤٥﴾

(۴۶) همان آتشی که [در قبرهایشان] بامداد و
شامگاه بر آن عرضه می‌شوند؛ و روزی که
قیامت برپا گردد، [فرمان می‌رسد که:]
«فرعونیان را در سخت‌ترین عذاب درآورید».

النَّارِ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا
وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا

آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ ﴿٤٦﴾

(۴۷) آنگاه که در آتش دوزخ کشمکش [و
مجادله] می‌کنند، مردمان زبردست به رهبران
گمراهگر می‌گویند: «ما پیرو شما بودیم؛ آیا
ممکن است بخشی از عذاب آتش را از ما دور
کنید؟»

وَإِذْ يَتَحَاوُونَ فِي النَّارِ فَيَقُولُ
الضُّعْفَتَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا

كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُعْتَدُونَ
عَنَّا نَصِيبًا مِّنَ النَّارِ ﴿٤٧﴾

(۴۸) رهبران گمراهگر می‌گویند: «بی‌تردید،
همه ما در آتش خواهیم بود. الله میان بندگان
[خود] داوری کرده است».

قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُلٌّ فِيهَا
إِنَّ اللَّهَ قَدْ حَكَمَ بَيْنَ

الْعِبَادِ ﴿٤٨﴾

وَقَالَ الَّذِينَ فِي النَّارِ لِخَازِنَةِ جَهَنَّمَ
 أَدْعُوا رَبَّكُمْ يُحَقِّفُ عَنَّا يَوْمًا
 مِّنَ الْعَذَابِ ﴿٤٩﴾

و کسانی که در آتشند، به نگهبانان دوزخ می‌گویند: «از پروردگارتان بخواهید که برای یک روز، این عذاب را از ما بردارد.»

قَالُوا أَوَلَمْ نَكُ تَأْتِيكُم رُسُلُكُمْ
 بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا بَلَىٰ قَالُوا فَادْعُوا
 وَمَا دُعَاؤُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي
 ضَلَالٍ ﴿٥٠﴾

(۵۰) آنان پاسخ می‌دهند: «مگر پیامبرانتان نشانه‌های روشن بر شما ارائه نکردند؟ دوزخیان می‌گویند: «بله»؛ و مأموران می‌گویند: «پس [بی‌نتیجه] درخواست کنید که درخواست کافران، [مردود و] تباه است.»

إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا
 فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ
 الْأَشْهَادُ ﴿٥١﴾

(۵۱) بی‌گمان، ما پیامبران خویش و اهل ایمان را در زندگی دنیا و روزی که گواهان [به شهادت] برمی‌خیزند، یاری می‌کنیم.

يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعذِرَتُهُمْ
 وَلَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ ﴿٥٢﴾

(۵۲) روزی که عذرخواهی ستمگران سودی به حالشان نخواهد داشت؛ آنان از رحمت الهی به دورند و دشواری عذاب آخرت را [در پیش] دارند.

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَى الْهُدَىٰ
 وَأَوْرَثْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ
 الْكِتَابَ ﴿٥٣﴾

(۵۳) ما [مقام] هدایت به موسی بخشیدیم و بنی‌اسرائیل را وارثان تورات قرار دادیم؛

هُدَىٰ وَذِكْرَىٰ لِأُولِي
 الْأَلْبَابِ ﴿٥٤﴾

(۵۴) [کتابی که] برای خردمندان، هدایت و پند است.

فَأَصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ ﴿۵۵﴾ پس [ای پیامبر، بر آزارِ مشرکان] شکیبا باش [که] قطعاً وعده الهی راست است و برای گناهت آمرزش بخواه و پروردگارت را شامگاه و بامداد، به پاکی ستایش کن.

إِنَّ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتْلُهمْ إِنَّ فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا كِبْرًا مَا هُمْ بِبَلِيغِيهِ فَاستَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ﴿۵۶﴾ (۵۶) کسانی که در مورد آیات الهی - بدون اینکه دلیلی در اختیارشان باشد - به مجادله برمی خیزند، در دل هایشان [غرور و] تکبری است که هرگز به آن نخواهند رسید؛ پس [از شر آنان] به الله پناه ببر که به راستی، او شنوای بیناست.

لَخَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ أَكْبَرُ مِنْ خَلْقِ النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿۵۷﴾ (۵۷) مسلماً آفرینش آسمان ها و زمین بزرگتر از آفرینش انسان هاست؛ [بنابر این برپایی قیامت، برای الله دشوار نیست]؛ ولی بیشتر مردم نمی دانند.

وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَلَا الْمُسِيءُ قَلِيلًا مَّا تَتَذَكَّرُونَ ﴿۵۸﴾ (۵۸) نابینا و بینا هرگز برابر نیستند، و مؤمنان نیکوکار با بدکاران یکسان نخواهند بود؛ [ولی] عده کمی از شما پند می پذیرید.

إِنَّ السَّاعَةَ لَأْتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿۵۹﴾ (۵۹) هیچ تردیدی در این نیست که روز قیامت فرامی رسد؛ ولی بیشتر مردم ایمان نمی آورند.

وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ خَاوِرِينَ ﴿٦٠﴾

(۶۰) پروردگارتان فرمود: «مرا به دعا بخوانید، تا [دعای] شما را اجابت کنم. کسانی که از عبادت من سرکشی می‌کنند، به زودی با خواری به جهنم وارد می‌شوند».

اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ لَيْلٍ لِيَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ ﴿٦١﴾

(۶۱) الله است که شب را برایتان پدید آورد تا در آن آرامش یابید و روز را روشنی‌بخش [قرار داد تا به تلاش پردازید]. به راستی، الله نسبت به مردم [لطف و] بخشش دارد؛ ولی بیشتر مردم سپاس نمی‌گزارند.

ذَٰلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ خَلِقُ كُلِّ شَيْءٍ لَّا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَآَنِي تُوَفَّكُونَ ﴿٦٢﴾

(۶۲) این است الله، پروردگار شما [که] آفریننده هر موجودی [است]. هیچ معبودی [به‌حق] جز او نیست؛ پس چگونه [از عبادت او] منحرف می‌شوید؟

كَذَٰلِكَ يُؤْفِكُ الَّذِينَ كَانُوا بِآيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ ﴿٦٣﴾

(۶۳) به همین صورت، کسانی که آیات الهی را انکار می‌کنند نیز [از حق] منحرف می‌گردند.

اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ قَرَارًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُورَكُمْ وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ ذَٰلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَتَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿٦٤﴾

(۶۴) الله است که زمین را قرارگاه و آسمان را سرپناختان مقرر داشت و شما را صورتگری کرد و نیکو صورتگری کرد و از نعمت‌های پاکیزه به شما روزی داد؛ این است الله، پروردگار شما؛ پس پر برکت و بزرگووار است الله که پروردگار جهانیان است.

هُوَ الْحَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٦٥﴾

(۶۵) الله زنده [و پاینده] است و معبودی [به حق] جز او نیست؛ پس او را با خلوص اعتقاد بخوانید. ستایش و سپاس مخصوص الله، پروردگار جهانیان است.

﴿٦٦﴾ قُلْ إِنِّي نُهِيتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَمَّا جَاءَنِي الْبَيِّنَاتُ مِنْ رَبِّي وَأُمِرْتُ أَنْ أُسَلِّمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٦٦﴾

(۶۶) [ای پیامبر،] بگو: «من از عبادت افرادی که شما به جای الله [به نیایش] می خوانید، نهی شده ام؛ زیرا نشانه های روشنی از جانب پروردگارم به من رسیده است و فرمان یافته ام که [تنها] در برابر پروردگار جهانیان تسلیم باشم».

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ ثُمَّ لِتَكُونُوا شُيُوخًا وَمِنْكُمْ مَنْ يُتَوَفَّى مِنْ قَبْلٍ وَلِتَبْلُغُوا أَجَلًا مُّسَمًّى وَلَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٦٧﴾

(۶۷) او تعالی ذاتی است که شما را از خاک، و سپس [طی مراحل مختلف] از نطفه و آنگاه خون بسته [= جنین ابتدایی] آفرید؛ سپس شما را [به صورت] کودکی [به دنیا] می آورد، و امکان می دهد تا به حد رشد [و کمال نیرو] برسید؛ سپس [سال ها زندگی می کنید تا] سالخورده می شوید. برخی از شما دچار مرگ زودرس خواهند شد و [به گروهی دیگر امکان می دهد] تا به اجل معین برسید؛ باشد که بیندیشید.

هُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ فَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ﴿٦٨﴾

(۶۸) او ذاتی است که زنده می کند و می میراند و هنگامی که چیزی را می خواهد، تنها به آن می گوید: «موجود شو»؛ پس

[بی درنگ] موجود می شود.

فَيَكُونُ ﴿٦٨﴾

﴿٦٩﴾ آیا ندیدی کسانی که درباره آیات الهی مجادله می کنند، چگونه [از راه حق] منحرف می گردند؟

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ أَنَّى يُصْرِفُونَ ﴿٦٩﴾

﴿٧٠﴾ کسانی که کتاب [آسمانی] و پیام پیامبران ما را دروغ شمردند، به زودی [نتیجه] کردارشان را [خواهند دانست].

الَّذِينَ كَذَّبُوا بِالْكِتَابِ وَبِمَا أَرْسَلْنَا بِهِ رُسُلَنَا فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿٧٠﴾

﴿٧١﴾ آنگاه که غل و زنجیر بر گردنشان قرار گرفته و کشیده می شوند.

إِذِ الْأَغْلَالُ فِي أَعْنَاقِهِمْ وَالسَّلْسِلُ يُسْحَبُونَ ﴿٧١﴾

﴿٧٢﴾ [ابتدا] در آب داغ [و] سپس در آتش دوزخ افروخته می شوند.

فِي الْحَمِيمِ ثُمَّ فِي النَّارِ يُسْجَرُونَ ﴿٧٢﴾

﴿٧٣﴾ سپس به آنان گفته می شود: «چیزهایی که شریک [الله] قرار می دادید، کجا هستند؟»

ثُمَّ قِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تُشْرِكُونَ ﴿٧٣﴾

﴿٧٤﴾ [همان معبودانی که آنها را] به جای الله [عبادت می کردید]. آنان گویند: «از [نظر] ما ناپدید شدند؛ گویی ما هرگز پیش از این چیزی را [به عبادت] نمی خواندیم». این گونه الله کافران را گمراه می کند.

مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا بَل لَّمْ نَكُنْ نَدْعُوا مِنْ قَبْلُ شَيْئًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ الْكَافِرِينَ ﴿٧٤﴾

﴿٧٥﴾ این [عذاب] از آن جهت است که به ناحق در زمین شادمانی و سرمستی می کردید

ذَلِكَ بِمَا كُنْتُمْ تَفْرَحُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ

و فخر می فروختید.

تَمْرَحُونَ ﴿۷۵﴾

أَدْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا ۗ فِيهَا فَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ ﴿۷۶﴾

(۷۶) [اکنون] از درهای جهنم وارد شوید و جاودانه در آنجا بمانید. و [به راستی که] جایگاه متکبران چه بد [جایگاهی] است!

فَأَصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَإِمَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعْدُهُمْ أَوْ نَتَوَقَّيَنَّكَ فَإِلَيْنَا يُرْجَعُونَ ﴿۷۷﴾

(۷۷) [ای پیامبر، بر آزار مشرکان] شکبیا باش که وعده الهی حق است؛ و اگر برخی از مجازات‌هایی را که به آنان وعده داده‌ایم، [در زندگی] به تو بنماییم یا [پیش از نزول عذاب،] جان تو را بگیریم، در هر حال، به پیشگاه ما بازگردانده می‌شوند [و راه گریزی از عذاب ندارند].

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّن قَبْلِكَ مِنْهُمْ مَّن قَصَصْنَا عَلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَّن لَّمْ نَقْصُصْ عَلَيْكَ ۗ وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ فَإِذَا جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ فُضِيَ بِالْحَقِّ وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ ﴿۷۸﴾

(۷۸) پیش از تو نیز پیامبرانی فرستاده‌ایم که [سرگذشت] برخی از آنان را برایت حکایت کرده‌ایم و [سرگذشت] برخی دیگر را حکایت نکرده‌ایم؛ و هیچ رسولی نمی‌توانست بدون فرمان الهی معجزه‌ای ارائه کند؛ و آنگاه که فرمان الله [برای پاداش و کیفر] فرارسد، به حق و عدالت داوری خواهد شد و باطل‌اندیشان زیانکار خواهند بود.

اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَنْعَامَ لِتَرْكَبُوا مِنْهَا وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿۷۹﴾

(۷۹) الله است که چهارپایان را برایتان آفرید تا از برخی برای سواری و از برخی برای تغذیه استفاده کنید.

وَلَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَلِتَبْلُغُوا عَلَيْهَا حَاجَةً فِي صُدُورِكُمْ وَعَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ ﴿٨٠﴾
 و سوده‌های دیگری نیز در آنها برایتان است؛ و [نیز] برای آنکه سوار بر آنها به مقصدی که در دل دارید برسید؛ و بر آنها و بر کشتی‌ها [به هر جا که می‌خواهید] منتقل می‌شوید.

وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ فَأَيَّ آيَاتِ اللَّهِ تُنْكِرُونَ ﴿٨١﴾
 شما نشان می‌دهد؛ پس کدام یک از نشانه‌های الهی را انکار می‌کنید؟

أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْهُمْ وَأَشَدَّ قُوَّةً وَءَأْتَارًا فِي الْأَرْضِ فَمَا أَعْنَى عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٨٢﴾
 آیا مشرکان در زمین نگشته‌اند تا ببینند سرانجام کسانی که پیش از آنان بودند، چگونه بوده است؟ آن اقوام گذشته، نفراتشان از اینها افزون‌تر بود و آثار و بناهای بیشتری در زمین پدید آورده بودند؛ اما [در هنگام نزول عذاب،] دستاورد آنان سودی به حالشان نداشت.

فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَرِحُوا بِمَا عِنْدَهُم مِّنَ الْعِلْمِ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ ﴿٨٣﴾
 هنگامی که پیامبران‌شان با نشانه‌های روشن به سراغشان آمدند، به دانش و کاردانی خود سرمست [و از توحید، رویگردان] شدند و همان عذابی که آن را مسخره می‌کردند، دامگیرشان شد.

فَلَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا قَالُوا ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَحَدُّهُ وَكَفَرْنَا بِمَا كُنَّا بِهِ مُشْرِكِينَ ﴿٨٤﴾
 «تنها به الله ایمان آوردیم و معبودانی را که شریک او قرار داده بودیم، انکار می‌کنیم».

فَلَمْ يَكُ يَنْفَعُهُمْ إِيْمَانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا
 بَأْسَنَا سُنَّتَ اللَّهُ الَّتِي قَدْ خَلَتْ
 فِي عِبَادِهِ ۗ وَخَسِرَ هُنَالِكَ
 الْكٰفِرُونَ ﴿٨٥﴾

(۸۵) اما ایمان آوردنشان به هنگام مشاهده
 عذاب، هیچ سودی نداشت. این سنت الهی [که
 در هنگام عذاب، توبه کسی پذیرفته نمی‌گردد،
 همواره] در مورد بندگانِ الله جاری بوده است؛
 و در این هنگام، کافران زیانکار شده‌اند.

سُورَةُ فَصَّلَتْ

سورة فصلت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

حَمَّ ﴿١﴾

(۱) حم [حا. میم]

تَنْزِيلٌ مِّنَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿٢﴾

(۲) [این قرآن،] از سوی الله بخشنده مهربان نازل شده است.

كِتَابٌ فَصَّلَتْ عَائِيَّتُهُ وَقُرْءَانًا

(۳) کتابی است که آیاتش به زبان عربی، برای مردمی که می‌دانند، به شیوایی و روشنی بیان شده است.

عَرَبِيًّا لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿٣﴾

(۴) [کتابی] بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده است؛ ولی بیشتر مردم رویگردانند و [حقایق را] نمی‌شنوند.

بَشِيرًا وَنَذِيرًا فَأَعْرَضَ أَكْثَرُهُمْ
فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ ﴿٤﴾

(۵) مشرکان گفتند: «دل‌های ما نسبت به آنچه ما را دعوت می‌کنی در پوششی [از بی‌تفاوتی] قرار دارد و در گوش‌هایمان سنگینی است و میان ما و تو فاصله است؛ پس تو به کار خود مشغول باش و ما نیز به کار خود».

وَقَالُوا قُلُوبُنَا فِيْ أَكْتَةٍ مِّمَّا
تَدْعُونَا إِلَيْهِ وَفِيْ عَادَانَا وَقُرْ
وَمِنْ بَيْنِنَا وَبَيْنِكَ حِجَابٌ
فَاعْمَلْ إِنَّا عَمِلُونَ ﴿٥﴾

(۶) [ای پیامبر، به آنان] بگو: «من فقط بشری همچون شما هستم [با این تفاوت] که به من وحی می‌شود: «معبود شما، معبودی است فَاَسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ وَاسْتَغْفِرُوا وَوَيْلٌ

قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ
إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ وَاحِدٌ
فَاَسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ وَاسْتَغْفِرُوا وَوَيْلٌ

یگانه؛ پس به او روی آورید و از او آمرزش
بخواهید؛ و وای به حال مشرکان!»

لِّلْمُشْرِكِينَ ﴿٦﴾

الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ
بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ ﴿٧﴾

(۷) همان کسانی که زکات نمی‌پردازند و
آخرت را انکار می‌کنند.

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا
الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ
مَمْنُونٍ ﴿٨﴾

(۸) [ولی] مؤمنانِ نیکوکار پاداشی بی‌پایان
دارند.

قُلْ أَنتُمْ لَكُمْ فُرُونِ بِالَّذِي
خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ وَتَجْعَلُونَ
لَهُ أَندَادًا ذَلِكَ رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿٩﴾

(۹) بگو: آیا به آن [خالقِ توانمندی] که زمین
را در دو روز آفرید، کفر می‌ورزید و همتیانی
برایش قائل می‌شوید؟ این [آفریدگار یکتاست
که] پروردگار جهانیان است.

وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ مِنْ فَوْقِهَا
وَبَرَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا
فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً
لِّلسَّائِلِينَ ﴿١٠﴾

(۱۰) او طی چهار روز، کوه‌های استواری بر
روی زمین پدید آورد و خیر و برکت فراوان در
آن نهاد و رزق و روزی آن را درست به اندازه
نیاز تقاضاکنندگان مقدر نمود.

ثُمَّ أَسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ
دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ائْتِيَا
طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا
طَائِعِينَ ﴿١١﴾

(۱۱) آنگاه به آسمان پرداخت، در حالی که
[هنوز به صورت] دودی بود؛ و به آسمان و
زمین گفت: «خواه یا ناخواه، از در تسلیم
درآید». آن دو گفتند: «با میل، از در تسلیم
درآمدیم».

فَقَضَلْنَهُنَّ سَبْعَ سَمَوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا ۗ وَزَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَحِفْظًا ۚ ذَٰلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ﴿١٢﴾

(۱۲) سپس آن تودهٔ گاز را به صورت هفت آسمان، در دو روز آفرید و به هر آسمانی برنامه‌اش را وحی کرد؛ و آسمان دنیا را با چراغ‌هایی [از ستارگان] آراستیم و [آن را از شر شیاطین] حفظ نمودیم؛ این است تقدیر [پروردگار] شکست‌ناپذیر دانا.

فَإِنِ اعْرَضُوا فَعُلْ أَنْدَرْتُمْ ۚ صَاعِقَةٌ مِّثْلَ صَاعِقَةِ عَادٍ وَتَمُودَ ﴿١٣﴾

(۱۳) [ای پیامبر،] اگر آنان [از پذیرش اسلام] روی گردانند، بگو: «من شما را از صاعقه‌ای مانند صاعقه [هلاکت قوم] عاد و ثمود هشدار می‌دهم».

إِذْ جَاءَتْهُمْ الرُّسُلُ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ ۗ قَالُوا لَوْ شَاءَ رَبُّنَا لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً فَإِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِءَ كَافِرُونَ ﴿١٤﴾

(۱۴) آنگاه که پیامبران الهی پیاپی به سراغشان می‌آمدند [با این پیام] که: «جز الله را عبادت نکنید»، آنان [در پاسخ] می‌گفتند: «اگر پروردگارمان می‌خواست [پیام هدایتگری بفرستد،] فرشتگانی نازل می‌کرد. ما پیامی را که شما مأمور [ابلاغ] آن هستید باور نمی‌کنیم».

فَأَمَّا عَادٌ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَقَالُوا مَنْ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً ۗ أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَهُمْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ ﴿١٥﴾

(۱۵) اما [قوم] عاد به ناحق در زمین تکبر می‌ورزیدند و می‌گفتند: «چه کسی نیرومندتر از ماست؟» آیا نمی‌دانستند الله [آن خالق یکتایی] که آنان را آفریده، نیرومندتر از آنان است؟ ولی [با لجاجت] آیات ما را انکار می‌کردند.

فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا
فِي أَيَّامٍ مَّحْسَاتٍ لِّنُذِيقَهُمْ عَذَابَ
الْحَزَنِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلِعَذَابِ
الْآخِرَةِ أَحْزَىٰ لَهُمْ وَهُمْ لَا
يَنْصُرُونَ ﴿١٦﴾

(۱۶) سرانجام تندبادی سرد و سخت در روزهایی شوم بر آنان فرستادیم تا عذاب رسوایی [و خفت] را در زندگی دنیا به آنان بچشانیم؛ ولی عذاب آخرت رسواکننده تر است و [از هیچ سو] یاری نخواهند شد.

وَأَمَّا قَوْمٌ تَمُودُ فَهَدَيْتَهُمْ فَاسْتَحَبُّوا
الْعَمَىٰ عَلَىٰ الْهُدَىٰ فَأَخَذَتْهُمُ
صَاعِقَةُ الْعَذَابِ الْهُونِ بِمَا كَانُوا
يَكْسِبُونَ ﴿١٧﴾

(۱۷) و اما قوم تمود را نیز هدایت کردیم؛ ولی آنان کوردلی را به هدایت ترجیح دادند و به [سزای] دستاوردهشان، صاعقه عذاب خفت بار، آنان را فراگرفت؛

وَنَجَّيْنَا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَكَانُوا
يَتَّقُونَ ﴿١٨﴾

(۱۸) و کسانی را که ایمان آورده و [از گناه و نافرمانی] پروا می کردند، نجات دادیم.

وَيَوْمَ يُحْشَرُ أَعْدَاءُ اللَّهِ إِلَى النَّارِ
فَهُمْ يوزَعُونَ ﴿١٩﴾

(۱۹) [ای پیامبر، یاد کن از] روزی که دشمنان الله را به سوی آتش دوزخ احضار می کنند و [از پراکندگی] باز می دارند،

حَتَّىٰ إِذَا مَا جَاءُوهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ
سَمْعُهُمْ وَأَبْصَرُهُمْ وَجُلُودُهُمْ بِمَا
كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٢٠﴾

(۲۰) تا هنگامی که به دوزخ می رسند، گوش و چشم و پوستشان به کارهایی که انجام می داده اند بر ضدشان گواهی می دهند.

وَقَالُوا لَئِلْؤُدِهُمُ لِمَ شَهِدْتُمْ
عَلَيْنَا قَالُوا أَنْطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي
[همان خالق توانمندی] که همه موجودات را

أَنْطَقَ كُلُّ شَيْءٍ وَهُوَ خَلَقَكُمْ
أَوَّلَ مَرَّةٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿۲۱﴾

گویا کرده، ما را نیز به سخن درآورده است؛ و اوست که نخستین بار شما را آفرید و [سرانجام، همگی] به پیشگاه او بازگردانده می شوید».

وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَتِرُونَ أَنْ يَشْهَدَ
عَلَيْكُمْ سَمْعُكُمْ وَلَا
أَبْصَرُكُمْ وَلَا جُلُودُكُمْ
وَلَكِنْ ظَنَنْتُمْ أَنَّ اللَّهَ لَا يَعْلَمُ
كَثِيرًا مِمَّا تَعْمَلُونَ ﴿۲۲﴾

(۲۲) شما که [گناهانتان را] پنهان نمی کردید، نه از آن بابت بود که تصور می کردید گوش و چشم و پوستتان علیه شما گواهی نمی دهند؛ بلکه گمان می کردید الله بر بسیاری از اعمالی که می کنید، آگاه نیست.

وَذَلِكُمْ ظَنُّكُمُ الَّذِي ظَنَنْتُمْ
بِرَبِّكُمْ أَرْذَلَكُمْ فَاصْبِرْ لِحُكْمِ
رَبِّكَ إِنَّكَ لَدُونَكَ
الْخَاسِرِينَ ﴿۲۳﴾

(۲۳) این پندار شما درباره پروردگارتان بود که موجب هلاکت شما گردید و [سرانجام] زیانکار شدید.

فَإِنْ يَصْبِرُوا فَالنَّارُ مَثْوًى لَّهُمْ
وَإِنْ يَسْتَعْتِبُوا فَمَا هُمْ مِنَ
الْمُعْتَبِينَ ﴿۲۴﴾

(۲۴) اگر شکیبایی و تحمل کنند [یا نکنند]، آتش جایگاهشان است؛ و اگر طلب رضایت [و آمرزش] کنند، پذیرفته نخواهد شد.

وَقَيَّضْنَا لَهُمْ قُرَنَاءَ فَزَيَّنُوا لَهُمْ
مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَحَقَّ
عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ
مِن قَبْلِهِمْ مِنَ الْإِنْسِ
إِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ ﴿۲۵﴾

(۲۵) ما همنشینانی [از شیاطین] بر آنان گماشتیم که [کارهای] گذشته و [آرزوهای] آینده را در نظرشان آراستند؛ و [این گونه]، فرمان [عذاب] در مورد آنان تحقق یافت و به عذاب اقوام گمراهی از جن و انس که پیش از آنان بودند گرفتار شدند. بی گمان، آنان زیانکار بودند.

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوْا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَعْلَبُونَ ﴿٢٦﴾

(۲۶) کافران [که در برابر حق عاجز گشته بودند] گفتند: «به این قرآن گوش نکنید و در [هنگام تلاوت] آن، جنجال به راه اندازید [و سخنان بیهوده بگویید]؛ باشد که پیروز گردید».

فَلَنُذِيقَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا عَذَابًا شَدِيدًا وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَسْوَأَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٢٧﴾

(۲۷) یقیناً عذاب سختی به کافران می‌چشانیم و آنان را بر اساس [جزای] بدترین کارهایشان کیفر می‌دهیم.

ذَلِكَ جَزَاءُ أَعْدَاءِ اللَّهِ الَّذِينَ هُمْ فِيهَا دَارُ الْخُلْدِ جَزَاءً بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ ﴿٢٨﴾

(۲۸) این است سزای دشمنان الله: آتشی که در آن سکونت جاودان دارند؛ به کیفر آنکه آیات ما را انکار می‌کردند.

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا رَبَّنَا أَرِنَا الَّذِينَ أَضَلَّانَا مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ نَجْعَلُهُمَا تَحْتَ أَقْدَامِنَا لِيَكُونَا مِنَ الْأَسْفَلِينَ ﴿٢٩﴾

(۲۹) کافران [به هنگام عذاب] می‌گویند: «پروردگارا، [افرادی] از دو گروه جن و انس را که عامل گمراهی‌مان بودند، به ما نشان بده که لگدمالشان کنیم تا از همه ذلیل‌تر شوند».

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبَّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَفْتَمُوا تَنْزِيلَ عَلَيْهِمُ الْمَلَكِئَةِ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ ﴿٣٠﴾

(۳۰) [اما] کسانی که گفتند: «پروردگارا ما الله است» سپس [از عبادت و بندگی غیر او سر باز زدند و بر اعتقاد خود] پایداری کردند، [هنگام فرا رسیدن مرگشان] فرشتگان بر آنان فرود می‌آیند، [و می‌گویند:] «نترسید و اندوه نداشته باشید؛ و شما را بشارت باد به بهستی که به آن وعده داده می‌شدید!»

نَحْنُ أَوْلِيَاؤُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهِي أَنْفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَدْعُونَ ﴿٣١﴾

(۳۱) ما در زندگی دنیا و آخرت دوستدار شمایم، و در بهشت هرچه دلتان بخواهد و درخواست کنید، در اختیار شماست.

نُزُلًا مِّنْ عَفْوَِرٍ رَّحِيمٍ ﴿٣٢﴾

(۳۲) به عنوان پذیرایی از جانب آمرزگاری مهربان.

وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿٣٣﴾

(۳۳) کیست خوش‌گفتارتر از آن کس که به سوی الله دعوت می‌دهد و به شایستگی عمل می‌نماید و می‌گوید: «تسلیم [اوامر الهی] هستم؟»

وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ۗ أَدْفَعُ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ ﴿٣٤﴾

(۳۴) [هرگز] نیکی و بدی یکسان نیست. همواره به شیوه‌ای که بهتر است، پاسخ بده که در آن صورت، [خواهی دید] همان کسی که بین تو و او دشمنی بود، همچون دوستی مهربان [و دلسوز] گشته است.

وَمَا يُقَلِّهَآ إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُقَلِّهَآ إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ ﴿٣٥﴾

(۳۵) تنها شکیبایان و کسانی که بهره‌بزرگی [از ایمان و اخلاق] دارند، به چنین مقامی می‌رسند.

وَأَمَّا يَنْزِعَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٣٦﴾

(۳۶) و هر گاه وسوسه‌ای از جانب شیطان تو را فراگرفت، به الله پناه ببر که یقیناً او شنوای داناست.

وَمِنْ ءَايَاتِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ (۳۷) از نشانه‌های [توان و تدبیر] او، شب و روز و خورشید و ماه است. در برابر خورشید و ماه سجده نکنید؛ بلکه اگر تنها او را عبادت می‌کنید، بر الله که آنها را آفریده است سجده کنید.

تَعْبُدُونَ ﴿۳۷﴾

فَإِنْ أَسْتَكْبَرُوا فَالَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ يُسَبِّحُونَ لَهُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ ﴿۳۸﴾ و اگر [گروه‌هایی از نیایش او تعالی] تکبر ورزیدند، [فرشتگان و] مقربان درگاه پروردگارت، شب و روز، بدون خستگی او را به پاکی می‌ستایند.

وَمِنْ ءَايَاتِهِ أَنْ تَرَى الْأَرْضَ خَاشِعَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ إِنَّ الَّذِي أَحْيَاهَا لَمُحْيِ الْمَوْتَى إِنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۳۹﴾ از جمله نشانه‌های [قدرت] الهی این است که زمین خشک و فرسوده را می‌بینی که چون باران بر آن فرومی‌ریزیم، به جنبش درمی‌آید [و گیاه می‌رویاند] و [گیاهانش] رشد می‌کند؛ آن [پروردگار توانمندی] که زمین را زنده می‌کند، مردگان را نیز زنده خواهد کرد.

به راستی که او تعالی بر هر کاری تواناست.

إِنَّ الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي ءَايَاتِنَا لَا يَخْفَوْنَ عَلَيْنَا أَفَمَنْ يُلْقَىٰ فِي النَّارِ خَيْرٌ أَمْ مَنْ يَأْتِي ءَامِنًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿۴۰﴾ [گفتار و رفتار] کسانی که در مورد آیات ما کجروی [و آن را تحریف] می‌کنند بر ما پوشیده نخواهند بود. آیا کسی که به آتش [دوزخ] می‌افتد بهتر است یا کسی که در روز رستاخیز [از عذاب] ایمن است؟ هر چه می‌خواهید انجام دهید که بی‌تردید، الله به آنچه می‌کنید بیناست.

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ وَإِنَّ لَهُمْ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ ﴿٤١﴾
 (۴۱) کسانی که این قرآن را که برای [هدایت]شان آمده است، انکار کرده‌اند، [در قیامت عذاب خواهند شد]. این [کلام الهی]، کتابی است شکست‌ناپذیر.

لَا يَأْتِيهِ الْبَطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ ﴿٤٢﴾
 (۴۲) سخن باطل، نه از پیش رو و نه از پشت سرش [= از هیچ جهت و از هیچ نظری] به آن راه نمی‌یابد و از جانب [پروردگار] حکیم ستوده نازل شده است.

مَا يُقَالُ لَكَ إِلَّا مَا قَدْ قِيلَ لِلرُّسُلِ مِنْ قَبْلِكَ إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ وَذُو عِقَابٍ أَلِيمٍ ﴿٤٣﴾
 (۴۳) [ای پیامبر، کافران] همان [سخنان باطلی] را به تو می‌گویند که به پیامبران پیش از تو نیز می‌گفتند. بی‌گمان، پروردگارت آمرزش و [در عین حال]، کیفری دردناک دارد.

وَلَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْءَانًا أَعْجَمِيًّا لَقَالُوا لَوْلَا فُصِّلَتْ آيَاتُهُ وَعَاجِمِيُّ وَعَرَبِيٌّ قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَشَفَاءٌ وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرٌ وَهُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى أُولَٰئِكَ يُنَادَوْنَ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ ﴿٤٤﴾
 (۴۴) اگر قرآن را [به زبان] غیرعربی نازل کرده بودیم، کافران می‌گفتند: «چرا آیاتش [عربی نیست و] به روشنی بیان نشده است؟ کتابی غیرعربی و پیامبری عرب؟» [ای پیامبر، به آنان] بگو: «این کتاب، برای مؤمنان مایه هدایت و شفاست و کسانی که ایمان نمی‌آورند، در گوش‌هایشان سنگینی است و قرآن برایشان نامفهوم است؛ [گوی] آنان را از راهی دور صدا می‌زنند».

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ (۴۵) ما به موسی کتاب [تورات] دادیم؛ اما در [مورد] آن اختلاف [نظر] پدید آمد؛ و اگر فرمانی از پروردگارت [در مورد مهلت و آزمایش] از پیش مقرر نشده بود، [بی‌درنگ] میانشان داوری می‌شد. کافران [نیز] در مورد قرآن در تردید و بدگمانی‌اند.

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ ۖ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا ۗ وَمَا رَبُّكَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ (۴۶) هر کس کاری شایسته کند، به سود خود اوست؛ و هر کس بدی کند، به زیان خویش بد کرده است؛ و پروردگار تو هرگز به بندگان ستم نمی‌کند.

إِلَيْهِ يَرْدُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَمَا تَخْرُجُ مِنْ ثَمَرَاتٍ مِنْ أَكْمَامِهَا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثَىٰ وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ ۗ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ أَيْنَ شُرَكَآئِيَ قَالُوا ءَاذَنَّاكَ مَا مِنَّا مِنْ شَهِيدٍ (۴۷) آگاهی از [لحظه وقوع] قیامت، تنها به الله مربوط است؛ و خروج هر میوه‌ای از شکوفه‌اش و بارداری و وضع حمل هر ماده‌ای، با آگاهی اوست؛ و روزی که [الله] به مشرکان ندا می‌دهد: «افرادی که [در قدرت]، شریک من تصور می‌کردید [و به آنان توسل می‌جستید] کجا هستند؟» آنان می‌گویند: «اکنون در برابر تو اعتراف می‌کنیم که هیچ یک از ما [بر درستی اعتقاد مشرکانه خود] گواه نیست.»

وَضَلَّ عَنْهُمْ مَّا كَانُوا يَدْعُونَ مِن قَبْلُ ۖ وَظَنُّوا مَا لَهُم مِّن مَّحِيسٍ (۴۸) آنچه در گذشته [تکیه‌گاه خود] می‌خواندند، از نظرشان ناپدید می‌شود و درمی‌یابند که هیچ راه گریزی [از آتش عذاب الهی] نخواهند داشت.

لَا يَسْتَمُ الْإِنْسَانُ مِنْ دُعَاءِ الْخَيْرِ (۴۹) انسان در تمنای خیر، خستگی ناپذیر است، و[الی] اگر بدی به او برسد، مأیوس و دلسرد خواهد شد.

قَنُوطٌ ﴿۴۹﴾

وَلَيْنٌ أَذَقْتُهُ رَحْمَةً مِّنَّا مِنْ بَعْدِ صَرَاءٍ مَسَّتُهُ لَيَقُولَنَّ هَذَا لِي وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَيْنٌ رُّجِعْتُ إِلَىٰ رَبِّي إِنَّ لِي عِنْدَهُو لِّلْحُسْنَىٰ فَلَنُنَبِّئَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا عَمِلُوا وَلَنُذِيقَنَّهُمْ مِّنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ ﴿۵۰﴾

(۵۰) و اگر پس از رنجی که به انسان می‌رسد، رحمتی از جانب خویش به او برسانیم، [مغرورانه] می‌گوید: «این حق من است، و گمان نمی‌کنم قیامت برپا شود، و اگر [هم] واقع شود و [به سوی پروردگرم بازگردانده شوم، [ثروت و پاداش‌های] نیکویی نزدش خواهم داشت». مسلماً کافران را از عملکردشان آگاه خواهیم ساخت و عذابی سخت به آنان می‌چشانیم.

وَإِذَا أُنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَنَأَىٰ بِجَانِبِهِ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ فَذُو دُعَاءٍ عَرِيضٍ ﴿۵۱﴾

(۵۱) هرگاه نعمتی به انسان می‌بخشیم، [با سرمستی] روی می‌گرداند [و شکر نعمت را به جای نمی‌آورد] و متکبرانه [از حق] دور می‌شود؛ و هنگامی که رنجی [همچون فقر و بیماری] به سراغش می‌آید، [به درگاه الهی] دعا و درخواست فراوان دارد.

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ثُمَّ كَفَرْتُمْ بِهِ مَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ هُوَ فِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ ﴿۵۲﴾

(۵۲) [ای پیامبر، به کافران] بگو: «به من بگوئید اگر [قرآن] از جانب الله باشد و شما به آن کافر شوید، کیست گمراه‌تر از کسی که [با وجود آشکار بودن حق،] در ستیزی بی‌پایان [با آن] قرار دارد؟»

(۵۳) [در این دنیا و در هنگامه قیامت،
 نشانه‌های [توان و تدبیر] خود را در آفاق
 [جهان] و در [وجود] خودشان به آنان نشان
 خواهیم داد تا برایشان روشن شود که قرآن
 حق است. آیا کافی نیست که پروردگارت بر هر
 چیزی گواه است؟

سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي
 أَنفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَّبِعَنَ لَهُمْ آتَاةُ
 الْحَقِّ ۗ أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ آتَاةُ
 عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ﴿۵۳﴾

(۵۴) آگاه باشید که آنان در مورد دیدار
 پروردگارشان [در قیامت] تردید دارند! [و] آگاه
 باشید که الله بر همه چیز احاطه دارد!

أَلَا إِنَّهُمْ فِي مَرِيَّةٍ مِّن لِّقَاءِ رَبِّهِمْ ۗ
 أَلَا إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطٌ ﴿۵۴﴾

سُورَةُ الشُّورَى

سورة شوری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

حَمَّ ①

(۱) حم [حا. میم].

عَسَقَ ②

(۲) عسق [عین. سین. قاف].

كَذَلِكَ يُوحِي إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ
قَبْلِكَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ③(۳) الله شکست‌ناپذیر حکیم، بر تو و پیامبران
پیش از تو چنین وحی می‌فرستد.لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي
الْأَرْضِ ④ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ ⑤(۴) هرچه در آسمان‌ها و زمین است متعلق به
اوست؛ و او بلندمرتبه و بزرگ است.تَكَادُ السَّمَوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْ
فَوْقِهِنَّ ⑥ وَالْمَلَائِكَةُ يُسَبِّحُونَ
بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِمَنْ فِي
الْأَرْضِ ⑦ أَلَا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَفُورُ
الرَّحِيمُ ⑧(۵) نزدیک است آسمان‌ها [از شکوه و عظمت
الهی] از فراز یکدیگر بشکافند، و فرشتگان،
پروردگارشان را با ستایش تقدیس می‌کنند و
برای ساکنان زمین [که توبه کرده‌اند] آمرزش
می‌طلبند. آگاه باشید که الله آمرزنده مهربان
است.وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ
اللَّهُ حَفِيفٌ عَلَيْهِمْ وَمَا أَنْتَ
عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ ⑨(۶) [ای پیامبر]، الله خود مراقب [رفتار]
کسانی است که غیر او را [دوست و] کارساز
خود برگزیده‌اند و تو کارگزار [و مسئول رفتار]
آنان نیستی.(۷) ما قرآن را این گونه به زبان عربی بر تو وحی
وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْءَانًا

کردیم تا اهل مکه و ساکنان اطرافش را بیم دهی و در مورد روز محشر - که تردیدی در وقوعش نیست - به آنان هشدار دهی. [آن روز،] گروهی بهشتی اند و گروهی در آتش سوزان.

السَّعِيرِ ﴿۷﴾

(۸) اگر الله می‌خواست، همهٔ مردم را امتی واحد [که الله را به یگانگی عبادت کنند] قرار می‌داد؛ ولی [به انسان اختیار داد؛ او تعالی] هر کس را بخواهد، به رحمت خویش درمی‌آورد؛ و مشرکان هیچ کارساز و یآوری نخواهند داشت.

وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَهُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً
وَلَكِنْ يَدْخُلُ مَنْ يَشَاءُ فِي
رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمُونَ مَا لَهُمْ مِنْ
وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿۸﴾

(۹) آیا آنان به جای او کسی [دیگر را به عنوان دوست و] کارساز برگزیده‌اند؟ حال آنکه کارساز [جهانیان] الله است و اوست که مردگان را زنده می‌کند و بر هر کاری تواناست.

أَمْ آخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ فَاللَّهُ
هُوَ الْوَلِيُّ وَهُوَ يُحْيِي الْمَوْتَى وَهُوَ
عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۹﴾

(۱۰) [بگو: «ای مردم،] هر اختلافی بین شماست، داوری‌اش با الله است. این است الله، پروردگار من؛ بر او توکل کرده‌ام و به پیشگاهش باز می‌آیم».

وَمَا آخْتَلَفْتُمْ فِيهِ مِنْ شَيْءٍ
فَحُكْمُهُ إِلَى اللَّهِ ذَلِكَمُ اللَّهُ
رَبِّي عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ ﴿۱۰﴾

(۱۱) او آفرینندهٔ آسمان‌ها و زمین است؛ همسرانی از [جنس] خود شما برایتان قرار داد و از چهارپایان نیز جفت آفرید؛ به این صورت، تعداد شما را افزایش می‌دهد. هیچ چیز همانند الله نیست و همو شنوا و بیناست.

فَاطِرُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ جَعَلَ
لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا
وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا يَذُرُّكُمْ
فِيهِ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ
السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ﴿۱۱﴾

لَهُمْ مَقَالِيدُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ^ط (۱۲) کلید [گنجینه‌های] آسمان‌ها و زمین از آن اوست؛ [نعمت و] روزی را بر هر کس که بخوهد، گسترده می‌دارد و یا تنگ می‌گرداند. به راستی که او بر هر چیزی داناست.

إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿۱۲﴾

﴿شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ ﴿۱۳﴾

(۱۳) از دین همان را برای شما مقرر کرد که به نوح امر کرده بود؛ و نیز آنچه به تو وحی کردیم و آنچه به ابراهیم و موسی و عیسی امر کردیم؛ اینکه: «دین را برپا نگاه دارید و در مورد آن فرقه‌فرقه نشوید [و اختلاف نوزید]». [پذیرش] دعوت تو بر مشرکان گران آمده است. الله است که هر کس را بخوهد [توفیق] عبادت می‌دهد و [به سوی خویش برمی‌گزیند؛ و هر کس را [که توبه کند و به درگاهش] بازآید، به سوی خویش هدایت خواهد کرد.

﴿وَمَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعِيًا بَيْنَهُمْ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى لَفَقَضْنَا بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ أُورِثُوا الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَفِي شَكٍّ مِمَّنْهُ مُرِيبٌ ﴿۱۴﴾

(۱۴) هنگامی که دلایل محکم نبوت پیامبر بر کافران عرضه شد، آنان از روی برتری خواهی [و حسادت] که بینشان بود، راه تفرقه پیمودند؛ و اگر فرمان پروردگارت [در مورد مهلت و تأخیر عذاب] تا زمانی معین، از پیش مقرر نشده بود، [بی‌درنگ] میانشان داوری می‌شد؛ و اما پس از کافران [و به دلیل انکار و اختلاف آنان] وارثان کتاب [تورات و انجیل نیز] در مورد قرآن، سخت در تردید و بدگمانی هستند.

(۱۵) [ای پیامبر، مردم را] به سوی این [آیین الهی] دعوت کن و چنان که فرمان یافته‌ای پایداری کن و از هوس‌های آنان پیروی نکن و بگو: «به همه کتاب‌هایی که الله نازل کرده است ایمان دارم و فرمان یافته‌ام که در برابر شما به عدالت رفتار کنم. الله پروردگار ما و شماست. [نتیجه] اعمال ما برای ماست و [نتیجه] اعمال شما برای شما؛ هیچ [دشمنی و] جدالی بین ما و شما نیست. الله همه ما را [در قیامت] جمع خواهد کرد و بازگشت [همه] به سوی اوست».

وَالَّذِينَ يُحَاجُّونَ فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا اسْتُجِيبَ لَهُمْ حُجَّتُهُمْ دَاحِضَةً عِنْدَ رَبِّهِمْ وَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ ﴿١٦﴾

(۱۶) کسانی که درباره الله [و دین او] پس از آن که [دعوت او از سوی مردم منصف] پذیرفته شد، به مجادله می‌پردازند، حجتشان نزد پروردگارشان [باطل و] بی‌پایه است؛ خشم [الهی] گریبانگیرشان می‌شود و عذابی سخت [در پیش] دارند.

(۱۷) الله است که قرآن و مقیاس عدالت را به حق نازل کرده است؛ و تو چه می‌دانی؟ شاید قیامت نزدیک باشد.

السَّاعَةَ قَرِيبٌ ﴿١٧﴾

(۱۸) کسانی که قیامت را باور ندارند، [با تمسخر و] به شتاب آن را می‌خواهند؛ و کسانی

وَيَعْلَمُونَ أَنَّهَا الْحَقُّ ۗ أَلَا إِنَّ الَّذِينَ يُمَارُونَ فِي السَّاعَةِ لَفِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ ﴿١٨﴾

که [به روز جزا] باور دارند و می دانند که حق است، از آن هراسانند. آگاه باشید! کسانی که در مورد قیامت، جدل و انکار می کنند، در گمراهی بی پایانی قرار دارند.

اللَّهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ ۗ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ ۗ وَهُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ ﴿١٩﴾

(۱۹) الله نسبت به بندگانش باریک بین [و مهربان] است؛ به هر کس بخواهد، روزی می بخشد؛ و او توانای شکست ناپذیر است.

مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ ۗ وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ ﴿٢٠﴾

(۲۰) کسی که کشت آخرت را بخواهد، به کشته اش برکت می بخشیم؛ و هر کس [تنها] کشت دنیا را بخواهد، در اختیار او قرار می دهیم؛ و [الی] در آخرت بهره ای نخواهد داشت.

أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ شَرَعُوا لَهُمْ مِنَ الدِّينِ مَا لَمْ يَأْذَنْ بِهِ اللَّهُ وَلَوْلَا كَلِمَةُ الْفَصْلِ لَفُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٢١﴾

(۲۱) آیا [مشرکان] معبودانی دارند که بدون اجازه الله، [قوانین] دینی برایشان مقرر کرده اند؟ اگر حکم قطعی [برای مهلت دادن به گناهکاران] در میان نبود، [بی درنگ] میانشان داوری می شد؛ و ستمکاران عذابی دردناک [در پیش] دارند.

تَرَى الظَّالِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا كَسَبُوا وَهُوَ وَقِعٌ بِهِمْ ۗ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي رَوْضَاتِ الْجَنَّاتِ لَهُمْ مَا

(۲۲) [در روز قیامت،] ستمکاران را از دستاوردشان هراسان می بینی و [خواهی دید] که کیفر آن کارها [دامنگیرشان است؛ ولی مؤمنان نیکوکار در باغ های بهشتند؛ هر چه خواهند، نزد پروردگارشان دارند؛ فضل] و

يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَٰلِكَ هُوَ
الْفَضْلُ الْكَبِيرُ ﴿٢٢﴾

ذَٰلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهُ عِبَادَهُ
الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا
الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَن يَقْتَرِفْ
حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ
اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ ﴿٢٣﴾

(۲۲) این همان [فضیلتی] است که الله به
بندگان مؤمن و نیکوکارش بشارت می دهد. [ای
پیامبر،] بگو: «در برابر این رسالت، پاداشی از
شما نمی خواهم؛ جز [رعایت دوستی و] محبت
خویشاوندی؛ و هر کس [در این راستا] اقدام
نیکویی کند، بر پاداشش در آن [مورد]
می افزایم. به راستی که الله آمرزگاری
قدرشناس است.

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ
كَذِبًا فَإِن يَشِئِ اللَّهُ يَخْتِمْ عَلَىٰ
قَلْبِكَ وَيَمْحُ اللَّهُ الْبَاطِلَ وَيُحِقُّ
الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ
بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿٢٤﴾

(۲۴) آیا مشرکان می گویند: «[محمد] به الله
دروغ نسبت داده است؟» اگر الله بخواهد، بر
دل تو مهر می نهد؛ و [الی] الله باطل را محو
می کند و حق را با سخنان [و تمهیدات]
خویش به کرسی می نشاند؛ که او به راز دل ها
دانا است.

وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَن
عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ
وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ ﴿٢٥﴾

وَيَسْتَجِيبُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا
الصَّالِحَاتِ وَيَزِيدُهُم مِّن
(۲۶) او [درخواست] مؤمنان نیکوکار را
می پذیرد و از فضل خویش بر [پاداش] آنان
می افزاید؛ و کافران عذابی سخت [در پیش]

فَضْلِهِ ۚ وَالْكَافِرُونَ لَهُمْ عَذَابٌ

دارند.

شَدِيدٌ ﴿٢٦﴾

﴿٢٧﴾ وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ وَلَكِنْ يُنَزِّلُ بِقَدَرٍ مَّا يَشَاءُ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ ﴿٢٧﴾

اگر الله روزی [برخی از] بندگانش را گشایش می‌داد، در زمین ستم و سرکشی می‌کردند؛ ولی به اندازه‌ای که بخواهد مقرر می‌دارد؛ زیرا او قطعاً به [حال] بندگانش آگاه و بیناست.

﴿٢٨﴾ وَهُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ الغَيْثَ مِنْ بَعْدِ مَا قَطَطُوا وَيَنْشُرُ رَحْمَتَهُ وَهُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ ﴿٢٨﴾

او ذاتی است که باران را پس از نومی‌دی [مردم] می‌فرستد و رحمت خویش را می‌گسترده؛ و او تعالی کارساز و ستوده است.

﴿٢٩﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا مِنْ دَابَّةٍ وَهُوَ عَلَى جَمْعِهِمْ إِذَا يَشَاءُ قَدِيرٌ ﴿٢٩﴾

از نشانه‌های [توان و تدبیر] او، آفرینش آسمان‌ها و زمین و موجودات زنده‌ای است که در آنها پراکنده کرده است؛ و هر گاه اراده کند، بر جمع‌آوری آنها نیز تواناست.

﴿٣٠﴾ وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبْتُمْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ ﴿٣٠﴾

هر مصیبتی که به شما رسد، به خاطر کارهایی است که انجام داده‌اید؛ و [الله] از بسیاری [از گناهانتان] گذشت می‌کند.

﴿٣١﴾ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿٣١﴾

شما هرگز در زمین [و آسمان، الله را] به تنگ نمی‌آورید؛ و در برابر الله هیچ کارساز و یآوری نخواهید داشت.

وَمِنْ ءَايَاتِهِ الْجَوَارِ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ ﴿۳۲﴾
 (۳۲) از نشانه‌های [توان و تدبیر] الهی، کشتی‌های کوه‌پیکری است که در دریاها در حرکتند.

إِنْ يَشَأْ يُسْكِنِ الرِّيحَ فَيَظَلَلْنَ رَوَاكِدَ عَلَى ظَهْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ ﴿۳۳﴾
 (۳۳) اگر الله بخواهد، باد را ساکن می‌گرداند تا [کشتی‌ها] بر پهنة دریا بی‌حکمت بمانند. به راستی در این [امر] برای هر شکیبای سپاسگزاری، نشانه‌هایی است.

أَوْ يُوقِفَهُنَّ بِمَا كَسَبُوا وَيَعْفُ عَنْ كَثِيرٍ ﴿۳۴﴾
 (۳۴) یا [اگر بخواهد، سرنشینان] آن کشتی‌ها را به کیفر اعمالشان نابود می‌سازد؛ در حالی که او از بسیاری [از گناهان] گذشت می‌کند.

وَيَعْلَمَ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي ءَايَاتِنَا مَا لَهُمْ مِنْ حَمِيمٍ ﴿۳۵﴾
 (۳۵) [تا موجب عبرت باشد] و کسانی که در مورد آیات ما به مجادله برمی‌خیزند، بدانند که [اگر عذاب الهی فرارسد] راه‌گریزی نخواهند داشت.

فَمَا أُوْتِيتُمْ مِّنْ شَيْءٍ فَمَتَّعُ الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا وَمَا عِنْدَ اللّٰهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى لِلَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ﴿۳۶﴾
 (۳۶) [ای مردم] آنچه به شما داده شده است، نعمت‌های [گذرای] زندگی دنیاست؛ و آنچه نزد الله است، برای مؤمنانی که بر پروردگارشان توکل می‌کنند، بهتر و پاینده‌تر است.

وَالَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَآئِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشِ وَإِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ ﴿۳۷﴾
 (۳۷) و [نیز برای] کسانی که از گناهان بزرگ و بی‌حیایی‌ها اجتناب می‌ورزند و آنگاه که خشمگین می‌شوند، گذشت می‌کنند.

وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ ﴿٣٨﴾

(۳۸) و کسانی که [دعوت] پروردگارشان را پذیرا می‌شوند و نماز برپا می‌دارند و کارشان در میانشان [بر پایه] مشورت است و از آنچه روزی‌شان کرده‌ایم، انفاق می‌کنند.

وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ ﴿٣٩﴾

(۳۹) و کسانی که هر گاه ستمی به آنان برسد، [به دفاع و] انتقام برمی‌خیزند.

وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ﴿٤٠﴾

(۴۰) و جزای هر بدی، کیفری همانند آن بدی است [نه بیشتر]؛ اما هر کس گذشت کند و کار را به اصلاح [و آشتی] آورد، پاداشش بر عهده الله است. بی‌گمان، او ستمکاران را دوست ندارد.

وَلَمَنِ أَنْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِّنْ سَبِيلٍ ﴿٤١﴾

(۴۱) البته کسانی که پس از ستمی که دیده‌اند، انتقام می‌گیرند، هیچ [بازخواست و] سرزنشی بر آنان نیست.

إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٤٢﴾

(۴۲) راه [بازخواست و] سرزنش، تنها بر ستمکارانی گشوده است که به ناحق در زمین برتری‌جویی می‌کنند. آنان عذابی دردناک [در پیش] دارند.

وَلَمَنِ صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ ﴿٤٣﴾

(۴۳) اما هر کس شکیبایی و گذشت کند، نشان از قدرت اراده [او] دارد.

وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ وَرِيٍّ (۴۴) هر کس که الله او را گمراه کند، پس از الله هیچ [یاور و] کارسازی نخواهد داشت؛ و [در روز قیامت،] ستمکاران را می‌بینی که چون عذاب را مشاهده کنند، می‌گویند: «آیا راه مَرَدِّ مِنْ سَبِيلِ ﴿۴۴﴾ بازگشتی [به دنیا] هست؟»

وَتَرَاهُمْ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا خَشِيعِينَ مِنَ الدَّلِّ يَنْظُرُونَ مِنْ طَرْفٍ خَفِيٍّ وَقَالَ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّ الْآخِلِيِّينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ ۗ أَلَا إِنَّ الظَّالِمِينَ فِي عَذَابٍ مُّقِيمٍ ﴿۴۵﴾ (۴۵) [در آن روز،] ستمگران را مشاهده خواهی کرد که بر آتش عرضه می‌شوند؛ و در حالی که از [شدت] خواری، فروتن شده‌اند، زیرچشمی می‌نگرند؛ و [در آن حال] مؤمنان می‌گویند: «زیانکاران [واقعی] کسانی هستند که [به طمع دنیا] خود و خانواده‌شان را در قیامت به زیان انداخته‌اند». آگاه باشید! ستمکاران، گرفتار عذابی پایدارند.

وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنْ أَوْلِيَاءَ يَنْصُرُونَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ سَبِيلٍ ﴿۴۶﴾ (۴۶) و آنان در برابر الله، کارسازی نخواهند داشت که یاری‌شان کند؛ و هر کس که الله او را گمراه کند، راهی [برای نجات] نخواهد داشت.

أَسْتَجِيبُوا لِرَبِّكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ مَا لَكُمْ مِنْ مَلْجَأٍ يَوْمَئِذٍ وَمَا لَكُمْ مِنْ نَكِيرٍ ﴿۴۷﴾ (۴۷) [ای مردم،] پیش از آنکه روزی فرارسد که بازگشتی از جانب الله ندارد، دعوت پروردگارتان را بپذیرید. در آن روز، نه پناهگاهی خواهید داشت، نه [فرصتی برای] انکار.

فَإِنْ أَعْرَضُوا فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا إِنْ عَلَيْكَ إِلَّا الْبَلَاغُ وَإِنَّا إِذَا أَذَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً فَرِحَ بِهَا وَإِنْ تُصِيبُهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيَهُمْ فَإِنَّ الْإِنْسَانَ كَفُورٌ ﴿٤٨﴾

(۴۸) [ای پیامبر] اگر [مشرکان از دعوت تو] روی می‌گردانند، [توفیق را از خود سلب می‌کنند]. ما تو را نگهبان آنان نفرستادیم و تو وظیفه‌ای جز رساندن [وحی] نداری؛ و چون رحمتی از جانب خود به انسان بچشانیم، به آن سرمست می‌شود؛ و اگر به سزای رفتار گذشته خود دچار مصیبتی شود، [به جای بیداری، ناسپاسی می‌کند]. به راستی که انسان بسیار ناسپاس است.

لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ يَهَبُ لِمَن يَشَاءُ إِنثًا وَيَهَبُ لِمَن يَشَاءُ الذُّكُورَ ﴿٤٩﴾

(۴۹) فرمانروایی آسمان‌ها و زمین، از آنِ الله است. او هر چه بخواهد، می‌آفریند؛ به هر کس که بخواهد، [فرزند] دختر می‌بخشد و به هر کس که بخواهد، [فرزند] پسر.

أَوْ يُرْوِجُهُمْ ذُكْرَانًا وَإِنثًا وَيَجْعَلُ مَن يَشَاءُ عَقِيمًا إِنَّهُ عَلِيمٌ قَدِيرٌ ﴿٥٠﴾

(۵۰) یا پسر و دختر را - هر دو - با هم می‌دهد؛ و هر کس را که بخواهد، نازا می‌گرداند که او دانای تواناست.

وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَائِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بآذُنِهِ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٥١﴾

(۵۱) درخور هیچ بشری نیست که الله با او سخن بگوید؛ مگر با وحی یا از فراسوی حجابی یا [اینکه الله] فرشته‌ای بفرستد که به فرمانش هر چه بخواهد، وحی کند. بی‌تردید، او تعالی بلندمرتبه حکیم است.

وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ وَلَكِنْ جَعَلْنَاهُ نُورًا نَّهْدِي بِهِ مَن نَّشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٥٢﴾

(۵۲) [ای پیامبر] این گونه، قرآن را [توسط جبرئیل و] به فرمان خویش بر تو وحی کردیم. [پیش از آن] تو آگاهی نداشتی که کتاب و ایمان چیست؛ ولی ما آن را نوری ساختیم که هر یک از بندگان خویش را که بخواهیم، به آن هدایت کنیم؛ و مسلماً تو به راهی راست [= اسلام] هدایت می کنی.

صِرَاطِ اللَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۗ أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ ﴿٥٣﴾

(۵۳) راه الله که آنچه در آسمانها و زمین است از آن اوست. آگاه باشید! [همه] امور به سوی الله بازمی گردد.

سُورَةُ الرَّحْرِفِ

سورة زُخْرُفِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

حَمَّ ﴿١﴾

(۱) حم [حا. میم].

وَأَلَكِتَابِ الْمُمِينِ ﴿٢﴾

(۲) سوگند به کتاب روشنگر.

إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْءَانًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ

(۳) ما آن را قرآنی به زبان عربی قرار دادیم،

باشد که خردورزی کنید.

تَعْقِلُونَ ﴿٣﴾

وَأَنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِّي

(۴) این کتاب، که بلندمرتبه و حکمت‌آموز

است، در لوح محفوظ نزد ما ثبت شده است [و

دستخوش تغییر نخواهد شد].

حَكِيمٌ ﴿٤﴾

أَفَنَضْرِبُ عَنْكُمْ الذِّكْرَ صَفْحًا

(۵) آیا به صرف اینکه شما [مشرکان،] گروهی

اسرافکارید [و پیام الهی را انکار می‌کنید،

نزول] قرآن را از شما بازداریم؟

أَن كُنْتُمْ قَوْمًا مُّسْرِفِينَ ﴿٥﴾

وَكَمْ أَرْسَلْنَا مِن نَّبِيِّ فِي

(۶) چه بسیار پیامبرانی که در میان پیشینیان

فرستادیم.

الْأَوَّلِينَ ﴿٦﴾

وَمَا يَأْتِيهِمْ مِّن نَّبِيٍّ إِلَّا كَانُوا بِهِ

(۷) [والی] هر پیامبری به سوی آنان می‌آمد،

مسخره‌اش می‌کردند.

يَسْتَهْزِءُونَ ﴿٧﴾

فَأَهْلَكْنَا أَشَدَّ مِنْهُمْ بَطْشًا

(۸) ما افرادی نیرومندتر از مشرکان مکه را

هلاک کرده‌ایم؛ و داستان [عبرت‌انگیز]

پیشینیان گذشت.

وَمَضَىٰ مَثَلُ الْأَوَّلِينَ ﴿٨﴾

وَلَيْنِ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ (۹) [ای پیامبر] اگر از مشرکان بپرسی: «آسمان‌ها و زمین را چه کسی آفریده است؟»، قطعاً می‌گویند: «[الله] شکست‌ناپذیر دانا». خَلَقَهُنَّ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ ﴿۹﴾

الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ مَهْدًا (۱۰) همان [پروردگاری] که زمین را محل و جَعَلَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا آسایش شما قرار داد و راه‌هایی در آن برایتان پدید آورد تا راه یابید. لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿۱۰﴾

وَالَّذِي نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً (۱۱) و همان ذاتی که باران را از آسمان به مقدار معینی فرستاد؛ آنگاه سرزمین خزان‌زده و خشک را به وسیله آن حیات بخشیدیم؛ شما نیز همین گونه [از گورها] بیرون آورده می‌شوید. كَذَلِكَ نُخْرِجُونَ ﴿۱۱﴾

وَالَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنَ الْفُلْكِ وَالْأَنْعَامِ مَا تَرْكَبُونَ (۱۲) پروردگاری که تمام مخلوقات را آفرید و از کشتی‌ها و چهارپایان، وسیله سواری برایتان پدید آورد؛ تَرْكَبُونَ ﴿۱۲﴾

لِتَسْتَوُوا عَلَى ظُهُورِهِ ثُمَّ تَذْكُرُوا (۱۳) تا بر پشت آنها قرار گیرید و آنگاه که بر آنها قرار گرفتید، نعمت پروردگارتان را یاد کنید و بگویید: «پاک و منزّه است ذاتی که این [وسیله] را در خدمت ما گماشت و [گرنه] ما خود توان این کار را نداشتیم؛ وَتَقُولُوا سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ ﴿۱۳﴾

وَإِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ ﴿۱۴﴾ و ما به پیشگاه پروردگارمان بازمی‌گردیم.»

وَجَعَلُوا لَهُ مِنْ عِبَادِهِ جُزْءًا إِنَّ
الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ مُّبِينٌ ﴿١٥﴾

(۱۵) مشرکان از میان بندگان الله، سهمی [از
فرزند] برایش قرار دادند. به راستی که انسان
آشکارا ناسپاس است.

أَمْ أَتَّخَذَ مِمَّا يَخْلُقُ بَنَاتٍ
وَأَصْفَكَم بِالْبَنِينَ ﴿١٦﴾

(۱۶) آیا [می‌پندارید] الله از میان آفریدگانش،
دختران را انتخاب کرده و پسران را به شما
اختصاص داده است؟

وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِمَا ضَرَبَ
لِلرَّحْمَنِ مَثَلًا ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا
وَهُوَ كَظِيمٌ ﴿١٧﴾

(۱۷) اما هر گاه به یکی از آنان، همان چیزی
را بشارت دهند که برای [الله] رحمان قائل
هستند [= تولد دختر]، در حالی که خشم خود
را فرومی‌خورد، چهره‌اش [از اندوه] تیره
می‌گردد.

أَوَمَنْ يُنَشَأُ فِي الْحِلْيَةِ وَهُوَ فِي
الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ ﴿١٨﴾

(۱۸) آیا کسی را که در زیور [و راحتی] پرورش
می‌یابد و در [هنگام] جدال [قادر به] تبیین
مقصودش نیست [به الله نسبت می‌دهید؟]

وَجَعَلُوا الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ هُمْ عِبَدُ
الرَّحْمَنِ إِتْنًا أَشْهُدُوا خَلْقَهُمْ
سَتَكُتِبُ لَهُمْ سُهُُورٌ ﴿١٩﴾

(۱۹) [مشرکان]، فرشتگان را که بندگان [الله]
رحمانند، مؤنث پنداشتند. آیا به هنگام آفرینش
آنان حضور داشتند؟ سخنانشان ثبت می‌گردد
و [در روز قیامت]، بازخواست خواهند شد.

وَقَالُوا لَوْ شَاءَ الرَّحْمَنُ مَا
عَبَدْنَاكُمْ مَّا لَكُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ
إِنَّ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ ﴿٢٠﴾

(۲۰) [آنان برای توجیه شرک خود] می‌گویند:
«اگر [الله] رحمان می‌خواست، ما فرشتگان را
عبادت نمی‌کردیم». آنان در مورد این [سخن]
بی‌اطلاعد [و] جز سخن دروغ نمی‌گویند.

أَمْ ءَاتَيْنَهُمْ كِتَابًا مِّن قَبْلِهِ ۖ فَهُمْ بِهِ مُسْتَمْسِكُونَ ﴿٢١﴾
 (۲۱) آیا پیش از قرآن کتابی به آنان داده‌ایم که به آن استدلال کنند؟

بَلْ قَالُوا إِنَّا وَجَدْنَا ءَابَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ ءَاثِرِهِم مُّهْتَدُونَ ﴿٢٢﴾
 (۲۲) بلکه می‌گویند: «نیاکانمان نیز همین آیین را داشتند و ما [نیز] راه آنان را دنبال می‌کنیم».

وَكَذَٰلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِّن نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا ءَابَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ ءَاثِرِهِم مُّقْتَدُونَ ﴿٢٣﴾
 (۲۳) پیش از تو نیز هر [پیامبر] هشداردهنده‌ای را به هر شهری فرستادیم، ثروتمندان سرکش آن شهر می‌گفتند: «نیاکانمان نیز همین آیین را داشتند و ما [نیز] راه آنان را دنبال می‌کنیم».

قُلْ أُولُو جِحْتِكُمْ بِأَهْدَىٰ مِمَّا وَجَدْتُمْ عَلَيْهِ ءَابَاءَكُمْ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ ﴿٢٤﴾
 (۲۴) [پیامبرشان] می‌گفت: «اگر آیینی هدایت‌بخش‌تر از آنچه نیاکانتان داشتند آورده باشم [باز هم از آنان پیروی می‌کنید]؟» آنان [در پاسخ] می‌گفتند: «[آری]، پیامی را که مأمور [ابلاغ] آن شده‌اید، انکار می‌کنیم».

فَأَنْتَقَمْنَا مِنْهُم بِفَأَنْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ ﴿٢٥﴾
 (۲۵) ما نیز از آنان انتقام گرفتیم؛ پس بنگر که سرانجام تکذیب‌کنندگان چگونه بود.

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ إِنَّنِي بَرَاءٌ مِّمَّا تَعْبُدُونَ ﴿٢٦﴾
 (۲۶) [یاد کن] هنگامی را که ابراهیم به پدر و قومش گفت: «از آنچه شما عبادت می‌کنید، بیزارم؛

إِلَّا أَلَّذِي فَطَرَنِي فَإِنَّهُ سَيَهْدِينِ ﴿٢٧﴾
 (۲۷) مگر از ذاتی که مرا آفریده است که او هدایت‌م خواهد کرد.

وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ ۖ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿٢٨﴾
 (۲۸) ابراهیم، یکتاپرستی را در میان نسل‌های پس از خود، سخنی ماندگار قرار داد؛ باشد که [به پیشگاه الهی] بازگردند.

بَلْ مَتَّعْتُ هَؤُلَاءِ وَآبَاءَهُمْ حَتَّىٰ جَاءَهُمُ الْحَقُّ وَرَسُولٌ مُّبِينٌ ﴿٢٩﴾
 (۲۹) بلکه اینان [که در مکه آلوده به شرک هستند] و پدرانشان را [از نعمت‌های دنیا] برخوردار کردم تا آنکه حق [= قرآن] و پیامبری روشنگر به سراغشان آمد؛

وَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ وَإِنَّا بِهِ كَافِرُونَ ﴿٣٠﴾
 (۳۰) و آنگاه که حق [= قرآن] به سویشان آمد، گفتند: «این جادوست و آن را انکار می‌کنیم»؛

وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ هَذَا الْقُرْآنُ عَلَىٰ رَجُلٍ مِّنَ الْقَرْيَتَيْنِ عَظِيمِ ﴿٣١﴾
 (۳۱) و گفتند: «چرا این قرآن بر مردی بزرگ از دو شهر [مکه و طائف] نازل نشده است؟»

أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَّعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا ۗ وَرَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ ﴿٣٢﴾
 (۳۲) آیا آنان رحمت پروردگارت را تقسیم می‌کنند؟ ماییم که روزی [و معیشت] آنان را در زندگی دنیا میانشان تقسیم کرده‌ایم و آنان را نسبت به هم، به درجاتی برتری بخشیده‌ایم تا از خدمات [متقابل] یکدیگر استفاده کنند؛ و رحمت پروردگارت از اموالی که جمع می‌کنند بهتر است.

وَلَوْلَا أَن يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً
وَاحِدَةً لَّجَعَلْنَا لِمَن يَكْفُرُ
بِالرَّحْمَنِ لِيُؤْتِيَهُمْ سُقْفًا مِّنْ فَصَّةٍ
وَمَعَارِجَ عَلَيْهَا يَظْهَرُونَ ﴿٣٣﴾

(۳۳) اگر [نگرانی از آن] نبود که همه مردم
[در دنیاطلبی و انکار الله] يك گروه شوند،
سقف خانه کسانی را که به الله رحمان ایمان
ندارند، از نقره قرار می‌دادیم و نیز پله‌هایی [از
نقره در آن می‌نهادیم] که بتوانند از [طبقات]
آن [خانه] بالا روند؛

وَلِيُؤْتِيَهُمْ أَبْوَابًا وَسُرُرًا عَلَيْهَا
يَتَّكِنُونَ ﴿٣٤﴾

(۳۴) و برای خانه‌هایشان درهایی [از طلا]
می‌گذاشتیم و تخت‌هایی [قرار می‌دادیم] که
بر آن تکیه زند؛

وَرُحْرُقًا وَإِن كُلَّ ذَلِكَ لَمَّا مَتَّعُ
الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ عِنْدَ رَبِّكَ
لِلْمُتَّقِينَ ﴿٣٥﴾

(۳۵) و تجمل [و زینت‌های] فراوان [برایشان]
فراهم می‌کردیم] و تمام اینها بهره [ناچیز]
زندگی دنیاست؛ و آخرت نزد پروردگارت برای
پرهیزگاران است.

وَمَن يَعِشْ عَنِ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ
نُقِضَ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ
قَرِينٌ ﴿٣٦﴾

(۳۶) هر کس از یاد [الله] رحمان دل بگرداند،
شیطانی بر او می‌گماریم تا [یار و] همنشینش
باشد [و همواره او را فریب دهد].

وَإِنَّهُمْ لَيَصُدُّونَهُمْ عَنِ السَّبِيلِ
وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُم مُّهْتَدُونَ ﴿٣٧﴾

(۳۷) شیاطین، این گروه را از راه [الله]
بازمی‌دارند؛ و [الی] آنان گمان می‌کنند که
هدایت‌یافته‌اند.

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَنَا قَالَ يَلَيْتَ بَيْنِي
وَبَيْنَكَ بُعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَبِئْسَ

(۳۸) تا آنگاه که [در قیامت] نزد ما بیاید، [به]
شیطانِ همنشینش] می‌گوید: «ای کاش میان

من و تو، فاصله‌ای به دوری شرق و غرب بود! چه همنشین بدی بودی!».

الْقَرِينُ ﴿٣٨﴾

(۳۹) [الله می‌فرماید:] «امروز [پیشمانی] سودی به حالتان نخواهد داشت؛ زیرا ستم کرده‌اید و همگی در عذاب شریکید».

وَلَنْ يَنْفَعَكُمْ الْيَوْمَ إِذْ ظَلَمْتُمْ أَنْكُمْ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ ﴿٣٩﴾

(۴۰) [ای پیامبر،] آیا می‌توانی [پیام خود را] به گوش ناشنوایان برسانی یا نابینایان و گمراهان آشکار را [به راه راست] هدایت کنی؟

أَفَأَنْتَ تَسْمِعُ الْأُصْمَ أَوْ تَهْدِي الْأَعْمَى وَمَنْ كَانَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ﴿٤٠﴾

(۴۱) پس اگر تو را [بیش از عذاب آنان از دنیا] ببریم، [در هر حال،] از آنان انتقام خواهیم گرفت.

فَأَمَّا نَذَهَبَنَّ بِكَ فَإِنَّا مِنْهُمْ مُنْتَقِمُونَ ﴿٤١﴾

(۴۲) یا عذابی را که به آنان وعده داده‌ایم، [در دوران زندگی‌ات] به تو نشان خواهیم داد؛ زیرا ما بر آنان اقتدار [کامل] داریم.

أَوْ نُرِيَنَّكَ الْآذِيَ وَعَدَنَّهُمْ فَإِنَّا عَلَيْهِمْ مُقْتَدِرُونَ ﴿٤٢﴾

(۴۳) به آنچه بر تو وحی می‌شود تمسک بجوی که بی‌گمان، بر راه راست قرار داری.

فَأَسْتَمْسِكْ بِالَّذِي أُوحِيَ إِلَيْكَ ۖ إِنَّكَ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٤٣﴾

(۴۴) تردیدی نیست که قرآن برای تو و قومت مایه‌اندوز [و سربلندی] است و [روز قیامت، درباره‌ی ایمان و عمل به آن] بازخواست خواهید شد.

وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَّكَ وَلِقَوْمِكَ ۖ وَسَوْفَ تُسْأَلُونَ ﴿٤٤﴾

وَسَّئَلْ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا أَجَعَلْنَا مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ إِلَهًا يُعْبُدُونَ ﴿٤٥﴾

(۴۵) از پیامبرانی که پیش از تو فرستادیم بپرس که آیا غیر از [الله] رحمان، معبودانی برای عبادت قرار داده‌ایم [مسلماً چنین نیست].

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَقَالَ إِنِّي رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٤٦﴾

(۴۶) ما موسی را با معجزات خویش به سوی فرعون و سران قومش فرستادیم و به آنان گفت: «من فرستادهٔ پروردگار جهانیانم»؛

فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِآيَاتِنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَضْحَكُونَ ﴿٤٧﴾

(۴۷) و هنگامی که آیات [و معجزات] ما را به آنان ارائه کرد، همگی به آنها خندیدند.

وَمَا نُرِيهِمْ مِنْ آيَةٍ إِلَّا هِيَ أَكْبَرُ مِنْ أُخْتِهَا وَأَخَذْنَاهُمْ بِالْعَذَابِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿٤٨﴾

(۴۸) هر معجزه‌ای به آنان ارائه دادیم، یکی از دیگری بزرگ‌تر بود و [چون همه را تکذیب کردند،] آنان را به عذاب گرفتار کردیم؛ باشد که [از کفر] بازگردند.

وَقَالُوا يَا أَيُّهُ السَّاحِرُ الدُّعُ لَنَا رَبِّكَ بِمَا عَهِدَ عِنْدَكَ إِنَّنَا لَمُهْتَدُونَ ﴿٤٩﴾

(۴۹) [پس هنگامی که گوشه‌ای از عذاب الهی را چشیدند،] گفتند: «ای جادوگر! از پروردگارت - بنا به عهدی که با تو دارد - بخواه [تا عذاب را از ما دور کند] که ما [دیگر] راه‌یافته‌ایم».

فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمْ آلْعَذَابِ إِذَا هُمْ يَنْكُثُونَ ﴿٥٠﴾

(۵۰) اما هنگامی که عذاب را از آنان برداشتیم، بی‌مان شکستند [و بر کفر اصرار ورزیدند].

وَنَادَى فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهِ قَالَ
يَقَوْمِ أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ
وَهَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِن تَحْتِي
أَفَلَا تُبْصِرُونَ ﴿٥١﴾

(۵۱) فرعون در میان قوم خود ندا سر داد و گفت: «ای قوم من، آیا فرمانروایی مصر در اختیار من نیست و این نهرها از دامنه قصر من جریان ندارد؟ آیا [قدرت و عظمتم را] نمی بینید؟

أَمْ أَنَا خَيْرٌ مِّنْ هَذَا الَّذِي هُوَ
مَهِينٌ وَلَا يَكَادُ يُبِينُ ﴿٥٢﴾

(۵۲) من از این مرد بی مقدار که [حتی] نمی تواند به روشنی سخن بگوید، شایسته ترم.

فَلَوْلَا أَلْقَى عَلَيْهِ آسُورَةٌ مِّنْ
ذَهَبٍ أَوْ جَاءَ مَعَهُ الْمَلَكُ
مُقْتَرِنِينَ ﴿٥٣﴾

(۵۳) چرا [به نشانه سروری]، دستبندهای زرین [از آسمان] بر او افکنده نشده است [تا ثابت شود که پیامبر است]؟ یا چرا فرشتگان همراه او نیامده اند؟»

فَأَسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَاطَاعُوهُ إِنَّهُمْ
كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ ﴿٥٤﴾

(۵۴) او [= فرعون] قوم خود را به [بی خردی و] سبکسری کشاند و همگی مطیع او شدند. حقا که آنان [نسبت به او امر الهی] نافرمان بودند.

فَلَمَّا ءَاسَفُونَا انْتَقَمْنَا مِنْهُمْ
فَأَعْرَفْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٥٥﴾

(۵۵) پس چون ما را به خشم آوردند، از آنان انتقام گرفتیم و همگی را [در دریا] غرق کردیم.

فَجَعَلْنَاهُمْ سَلَفًا وَمَثَلًا
لِّلْآخِرِينَ ﴿٥٦﴾

(۵۶) آنگاه آنان را در شمار پیشگامان [کفر و نافرمانی] و عبرتی [برای آیندگان] قرار دادیم.

وَلَمَّا ضُرِبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا إِذَا

(۵۷) و هنگامی که [داستان تولد] پسر مریم

قَوْمَكَ مِنْهُ يَصِدُونَ ﴿٥٧﴾

مطرح شد، قوم تو [که گمان کردند می‌توانند مانند نصاری چند معبود داشته باشند] به ناگاه، شادی و هیاهو به راه انداختند.

وَقَالُوا ءَآلِهَتُنَا خَيْرٌ أَمْ هُوَ مَا ضَرَبُوهُ لَكَ إِلَّا جَدَلًا بَلْ هُمْ قَوْمٌ خَصِمُونَ ﴿٥٨﴾ و گفتند: «معبودان ما بهترند یا او [= عیسی]؟» آنان این سخن را تنها برای جدال با تو عنوان کردند؛ به راستی که گروهی ستیزه‌جو هستند.

إِنَّ هُوَ إِلَّا عَبْدٌ أَنْعَمْنَا عَلَيْهِ وَجَعَلْنَاهُ مَثَلًا لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿٥٩﴾ (۵۹) عیسی فقط بنده‌ای است که نعمت [ارسالت] بر او ارزانی داشتیم و او را نمونه‌ای [از قدرت الهی] برای بنی اسرائیل قرار دادیم.

وَلَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَا مِنْكُمْ مَلَائِكَةً فِي الْأَرْضِ يَخْلُقُونَ ﴿٦٠﴾ (۶۰) اگر می‌خواستیم، [همه شما انسان‌ها را نابود می‌کردیم و] به جای شما، فرشتگانی پدید می‌آوردیم که در زمین جانشین [شما] شوند.

وَإِنَّهُ لَعِلْمٌ لِّلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرَنَّ بِهَا وَاتَّبِعُونِ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ﴿٦١﴾ (۶۱) قطعاً [نزول] او [= عیسی] نشانه [نزدیکی وقوع] قیامت است؛ پس هرگز در مورد قیامت شک نکنید و پیرو من باشید که راه راست [به سوی بهشت]، همین است.

وَلَا يَصَدَّتْكُمْ الشَّيْطَانُ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴿٦٢﴾ (۶۲) [آگاه باشید تا] شیطان شما را [از راه الله] باز ندارد؛ چرا که او دشمن آشکار شماست.

وَلَمَّا جَاءَ عِيسَى بِالْبَيِّنَاتِ قَالَ (۶۳) و چون عیسی [معجزات و] نشانه‌های

روشن به آنان ارائه کرد، گفت: «من حکمت
برایتان آورده‌ام تا [به آن راه یابید] و برخی از
موارد اختلافتان را روشن کنم؛ پس از الله پروا
کنید و مطیع [دستورهای] من باشید.

قَدْ جِئْتُكُمْ بِالْحِكْمَةِ وَلِأُبَيِّنَ
لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي تَخْتَلِفُونَ فِيهِ ۗ
فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا ۖ ﴿٦٣﴾

(۶۴) الله پروردگار من و شماست؛ پس او را
عبادت کنید که راه راست همین است».

إِنَّ اللَّهَ هُوَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ
فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ﴿٦٤﴾

(۶۵) آنگاه گروه‌های [مختلف] بنی‌اسرائیل
میان خود [درباره عیسی] دچار اختلاف شدند؛
پس اوای بر ستمکاران از عذاب روز دردناک!

فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ
فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ عَذَابِ
يَوْمٍ أَلِيمٍ ﴿٦٥﴾

(۶۶) آیا جز این انتظار دارند که قیامت - در
حالی که غافلند - ناگهان بر آنان فرا رسد؟

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ
تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٦٦﴾

(۶۷) دوستان [دنیاپی]، در آن روز، دشمن
یکدیگرند؛ مگر پرهیزگاران.

الْأَخْلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ
عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ ﴿٦٧﴾

(۶۸) [الله به آنان می‌فرماید:] «ای بندگانِ
پرهیزکار! من، امروز ترس و اندوهی نخواهید
داشت».

يَعْبَادِ لَا خَوْفَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ
وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ ﴿٦٨﴾

(۶۹) همان بندگانی که به آیات ما ایمان
آوردند و تسلیم [فرمان ما] بودند.

الَّذِينَ ءَامَنُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا
مُسْلِمِينَ ﴿٦٩﴾

(۷۰) شما و دیگر مؤمنانی که همچون شما
هستند، به بهشت درآید تا [از نعمت‌های

أَدْخَلُوا الْجَنَّةَ أَنْتُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ

جاودانش بهره‌مند گردید و [شادمان شوید.

تُحَبَّرُونَ ﴿۷۰﴾

(۷۱) ظرف‌ها و جام‌های زرین را پیرامونشان می‌گردانند؛ و هر چه دل‌ها بخواهد و دیده‌ها از آن لذت ببرد، در آنجا موجود است؛ و شما در بهشت جاودانه‌اید.

يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِصِحَافٍ مِّنْ ذَهَبٍ وَأَكْوَابٍ وَفِيهَا مَا تَشْتَمِيهِ الْأَنفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ ۗ وَأَنْتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿۷۱﴾

(۷۲) این همان بهشتی است که در برابر اعمالتان به شما داده‌اند.

وَتِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿۷۲﴾

(۷۳) میوه‌های فراوانی آنجا در اختیار دارید که از آنها می‌خورید.

لَكُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ كَثِيرَةٌ مِّنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿۷۳﴾

(۷۴) بی‌تردید، مجرمان در عذاب دوزخ جاودانند.

إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي عَذَابٍ جَهَنَّمَ خَالِدُونَ ﴿۷۴﴾

(۷۵) [در حالی که عذاب] از آنان کاسته نمی‌شود و در یأس و نومیدی فرورفته‌اند.

لَا يُفْتَرَّ عَنْهُمْ وَهُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ ﴿۷۵﴾

(۷۶) ما به آنان ستم نکردیم؛ بلکه آنها خود به خویشان ستم می‌کردند.

وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا هُمْ الظَّالِمِينَ ﴿۷۶﴾

(۷۷) [دوزخیان، نگهبان آتش را صدا می‌زنند و] فریاد برمی‌آرند: «ای مالک [کاش] پروردگارت کار ما را یکسره کند [و ما را بمیراند]». او می‌گوید: «نه، شما [در این عذاب] ماندگارید».

وَنَادُوا يَمْلِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّكَ ۗ قَالَ إِنَّكُمْ مَكِثُونَ ﴿۷۷﴾

لَقَدْ جِئْنَاكُمْ بِالْحَقِّ وَلَٰكِنَّ
 أَكْثَرَكُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ ﴿٧٨﴾
 (۷۸) به راستی ما حق را برای شما آوردیم؛ ولی بیشتر شما از آن کراهت داشتید.

أَمْ أَبْرِمُوا أَمْرًا فَآتَا مُبْرِمُونَ ﴿٧٩﴾
 (۷۹) بلکه آنان عزم [خود را برای توطئه علیه تو] جزم کردند؛ ما نیز ارادهٔ محکمی [بر ناکام گذاشتن آنان] داریم.

أَمْ يَحْسَبُونَ أَنَّا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ
 إِنَّا سَمِعْنَا لَدَيْهِمْ يُكْتَبُونَ ﴿٨٠﴾
 (۸۰) آیا می‌پندارند که ما سخنان سِرِّی و نجوایشان را نمی‌شنویم؟ آری، فرشتگان ما در کنارشان [هستند و همه چیز را] ثبت می‌کنند.

قُلْ إِنْ كَانَ لِلرَّحْمَنِ وَلَدٌ فَأَنَا أَوَّلُ
 الْعَبِيدِ ﴿٨١﴾
 (۸۱) [ای پیامبر، به مشرکان] بگو: «اگر [به فرض محال، الله] رحمان فرزندی داشت، من نخستین عبادت‌کننده [او] بودم».

سُبْحٰنَ رَبِّ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ
 رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ ﴿٨٢﴾
 (۸۲) [معبود یگانه‌ای که] پروردگار آسمان‌ها و زمین و عرش است، از توصیف [جاهلان] آنان منزّه است.

فَدَرَهُمْ يَخُوضُوا وَيَلْعَبُوا حَتَّىٰ
 يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوْعَدُونَ ﴿٨٣﴾
 (۸۳) پس [ای پیامبر،] آنان را [به حال خود] بگذار تا یاهه‌گویی کنند و به بازی سرگرم باشند تا سرانجام، با روز موعود [= قیامت] مواجه شوند [و سزای اعمالشان را ببینند].

وَهُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَهٌُ وَفِي
 الْأَرْضِ إِلَهٌُ وَهُوَ الْحَكِيمُ
 الْعَلِيمُ ﴿٨٤﴾
 (۸۴) او تعالی است که در آسمان و زمین معبود است؛ و او حکیم داناست.

وَتَبَارَكَ الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَعِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٨٥﴾

(۸۵) پربرکت و بزرگوار است ذاتی که فرمانروایی آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آنهاست، از آن اوست؛ و آگاهی از [لحظه] برپایی رستاخیز تنها در اختیار اوست و [همگی] به پیشگاه او بازگردانده می‌شوید.

وَلَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الشَّفَعَةَ إِلَّا مَنْ شَهِدَ بِالْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿٨٦﴾

(۸۶) کسانی که [مشرکان] به جای الله [به] نیایش می‌خوانند، قادر به شفاعت نیستند؛ مگر افرادی که به [کلمهٔ توحید و] حق گواهی می‌دهند، در حالی که [نسبت به حقیقت آنچه] بدان گواهی داده‌اند] دانش و آگاهی دارند.

وَلَيْنِ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَهُمْ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ فَأَتَى يُؤْفَكُونَ ﴿٨٧﴾

(۸۷) و اگر از مشرکان بپرسی چه کسی آنان را آفریده است، مسلماً می‌گویند: «الله»؛ پس چگونه [از عبادت الله] منحرف می‌شوند و [به] او شرک می‌ورزند؟!]

وَقِيلَهُ يَرْبِ إِنَّ هَؤُلَاءِ قَوْمٌ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٨٨﴾

(۸۸) [شکایت و] سخن پیامبر [این بود: «پروردگارا، اینان قومی هستند که ایمان نمی‌آورند».

فَأَصْفَحَ عَنْهُمْ وَقُلْ سَلِّمْ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿٨٩﴾

(۸۹) [ای پیامبر،] از [آزار و اذیت] آنان درگذر و [برای رهایی از شرشان] بگو: «سلام بر شما»؛ به زودی خواهند دانست [که عذابشان چگونه است].

سُورَةُ الدُّخَانِ

سورة دخان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

حَمَّ ①

(۱) حم [حا. میم].

وَأَلَكِتَابِ الْمُبِينِ ②

(۲) و سوگند به کتاب روشنگر.

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبْرَكَةٍ ③

(۳) [که] ما قرآن را در شب مبارک [و فرخنده قدر] نازل کردیم [زیرا] که ما [همواره] هشداردهنده بوده‌ایم.

كُنَّا مُنذِرِينَ ④

فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ ⑤

(۴) در آن [شب،] هر امر مهمی فیصله می‌یابد [و تدبیر می‌شود].

أَمْرًا مِّنْ عِنْدِنَا ⑥

(۵) [این] کاری است [که] از جانب ما [صورت می‌گیرد] بی‌گمان، ما فرستنده [ی پیامبران] بوده‌ایم.

مُرْسَلِينَ ⑦

رَحْمَةً مِّنْ رَبِّكَ ⑧

(۶) به عنوان رحمتی از پروردگارت. بی‌تردید، او شنوای داناست.

إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ ⑨

(۷) پروردگار آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آنهاست. اگر [به این حقیقت] یقین دارید [به] الله و پیامبرش ایمان بیاورید.

وَالْعَلِيمُ ⑩

رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا ⑪

(۸) هیچ معبودی [به‌حق] جز او نیست؛

إِن كُنْتُمْ مُوقِنِينَ ⑫

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ ⑬

رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمْ
 زندگی می بخشد و می میراند؛ پروردگار شما و
 نیاکان شماست؛
 الْأَوْلِيَاءِ ﴿٨﴾

بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ يَلْعَبُونَ ﴿٩﴾
 (۹) ولی مشرکان تردید دارند و سرگرم
 [لذت‌های دنیا] و بازی هستند.

فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ
 (۱۰) پس [ای پیامبر] منتظر روزی باش که
 بِدُخَانٍ مُّبِينٍ ﴿١٠﴾
 آسمان، دودی آشکار [پدید] آورد.

يَعْشَى النَّاسَ هَذَا عَذَابٌ
 (۱۱) که [تمام] مردم را فرامی‌گیرد. این
 أَلِيمٌ ﴿١١﴾
 عذابی دردناک است.

رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا
 (۱۲) [آنگاه کافران می‌گویند:] «پروردگارا،
 مُؤْمِنُونَ ﴿١٢﴾
 [این] عذاب را از ما برطرف کن که ایمان
 آورده‌ایم».

أَنِّي لَهُمُ الذِّكْرَى وَقَدْ جَاءَهُمْ
 (۱۳) چگونه [و از کجا] پند می‌پذیرند در حالی
 رَسُولٌ مُّبِينٌ ﴿١٣﴾
 که [پیشتر] پیامبر روشنگر به سویشان آمده
 بود؟

ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلَّمٌ
 (۱۴) اما از او روی گرداندند و گفتند: «[او]
 مَجْنُونٌ ﴿١٤﴾
 آموزش‌یافته‌ای دیوانه است».

إِنَّا كَاشِفُو الْعَذَابِ قَلِيلًا إِنَّكُمْ
 (۱۵) [برای آزمایش شما] زمانی اندک عذاب را
 عَائِدُونَ ﴿١٥﴾
 برمی‌داریم؛ [ولی] شما [به کفر خویش]
 بازمی‌گردید.

يَوْمَ نَبْطِشُ الْبَطْشَةَ الْكُبْرَى إِنَّا
 (۱۶) روزی که سخت بر آنان می‌تازیم. [آری،]

﴿۱۶﴾ مَن تَقِمُونَ ﴿۱۶﴾ ما [از کافران به خاطر کفر و تکذیبشان،] انتقام می‌گیریم.

﴿۱۷﴾ وَ لَقَدْ فَتَنَّا قَبْلَهُمْ قَوْمَ فِرْعَوْنَ وَ جَاءَهُمْ رَسُولٌ كَرِيمٌ ﴿۱۷﴾ ﴿۱۷﴾ پیش از آنان نیز قوم فرعون را آزمودیم و پیامبری بزرگوار به سویشان آمد

﴿۱۸﴾ أَمْ أَدُّوا إِلَيَّ عِبَادَ اللَّهِ إِيَّايَ لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿۱۸﴾ ﴿۱۸﴾ [که به آنان گفت:] «بندگان الله [= بنی اسرائیل] را به من بسپارید که من پیامبری امین برایتان هستم.

﴿۱۹﴾ وَأَنْ لَا تَعْلُوا عَلَى اللَّهِ إِيَّايَ ءَاتِيَكُمْ بِسُلْطٰنٍ مُّبِينٍ ﴿۱۹﴾ ﴿۱۹﴾ و [نیز] بر الله برتری مجوید که من دلیل روشنی برایتان آورده‌ام؛

﴿۲۰﴾ وَإِيَّايَ عُدْتُ بَرِّئِي وَرَبِّكُمْ أَنْ تَرْجُمُونَ ﴿۲۰﴾ ﴿۲۰﴾ و از اینکه سنگسارم کنید به پروردگار خود و پروردگار شما پناه می‌برم.

﴿۲۱﴾ وَإِنْ لَمْ تُؤْمِنُوا لِي فَاَعْتٰزِلُونِ ﴿۲۱﴾ ﴿۲۱﴾ اگر به من ایمان نمی‌آورید، از من کناره بگیرید [و رهایم کنید]».

﴿۲۲﴾ فَدَعَا رَبَّهُ أَنْ هَوَّلَآءِ قَوْمٌ مُّجْرِمُونَ ﴿۲۲﴾ ﴿۲۲﴾ [بار الها،] اینان گروهی تبه‌کارند».

﴿۲۳﴾ فَأَسْرِ بِعِبَادِي لَيْلًا إِنَّكُمْ مُّتَّبِعُونَ ﴿۲۳﴾ ﴿۲۳﴾ [به موسی وحی کردیم که:] «بندگانم را شبانه [از مصر] بیرون ببر؛ زیرا [سپاه فرعون] شما را تعقیب خواهند کرد؛

﴿۲۴﴾ وَاتْرِكِ الْبَحْرَ رَهْوًا إِنَّهُمْ جُنْدٌ مُّعْرَفُونَ ﴿۲۴﴾ ﴿۲۴﴾ و دریا را آرام پشت سر بگذار که آنان سپاهی هستند که غرق خواهند شد».

كَمْ تَرَكُوا مِنْ جَنَّاتٍ (۲۵) چه بسیار باغ‌ها و چشمه‌سارها که رها
وَعُيُونٍ ﴿۲۵﴾ کردند [و رفتند]،

وَزُرُوعٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ ﴿۲۶﴾ (۲۶) و کشتزارها و قصرهای نیکو [و زیبا]،

وَنِعْمَةٍ كَانُوا فِيهَا فَلَکَهِينَ ﴿۲۷﴾ (۲۷) و نعمتی که در آن شادمان [و بهره‌مند]
بودند.

كَذَٰلِكَ ۖ وَأُورَثْنَهَا قَوْمًا (۲۸) [سرنوشتشان] این گونه [بود] و [تمامی]
ءَاخِرِينَ ﴿۲۸﴾ آن نعمت‌ها را به گروهی دیگر واگذاشتیم.

فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ (۲۹) آسمان و زمین قطره اشکی بر [نابودی]
وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنظَرِينَ ﴿۲۹﴾ آنان نریخت و مهلתי [برای توبه] نیز نیافتند.

وَلَقَدْ نَجَّيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ (۳۰) بی‌تردید، بنی‌اسرائیل را از عذاب
الْعَذَابِ الْمُهِينِ ﴿۳۰﴾ خفت‌بار نجات دادیم؛

مِنْ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ كَانَ عَلِيًّا مِّنَ (۳۱) از فرعون که [رهبر] سرکشی در زمره
الْمُسْرِفِينَ ﴿۳۱﴾ اسرافکاران بود.

وَلَقَدْ أَخَّرْنَاهُمْ عَلَىٰ عِلْمٍ عَلَيَّ (۳۲) ما با دانش خود بنی‌اسرائیل را بر مردم
الْعَالَمِينَ ﴿۳۲﴾ زمانه برتری دادیم،

وَعَاتَيْنَاهُمْ مِّنَ الْأَلَيْتِ مَا فِيهِ (۳۳) و نشانه‌هایی [از قدرت خویش] در
بَلَّوْا مُبِينٌ ﴿۳۳﴾ اختیارشان گذاشتیم که آزمایشی روشن در آن
بود.

إِنَّ هَؤُلَاءِ لَيَقُولُونَ ﴿٣٤﴾ این [کافران] می گویند:

إِنَّ هِيَ إِلَّا مَوْتَتُنَا الْأُولَىٰ وَمَا نَحْنُ بِمُنشَرِينَ ﴿٣٥﴾ «جز مرگِ نخستینِ ما، هیچ [زندگی دیگری] نیست و هرگز برانگیخته نخواهیم شد؛

فَأَتُوا بِآبَائِنَا إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٣٦﴾ و اگر راست می گوئید، نیاکانمان را [زنده کنید و] بیاورید».

أَهُمْ خَيْرٌ أَمْ قَوْمُ تُبَّعٍ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ أَهْلَكْنَاهُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ ﴿٣٧﴾ آیا اینان بهترند یا قوم [نیرومند] «تُبَّع» و پیشینیان آنها که چون بزهکار بودند آنان را نابود کردیم؟

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا لِلْعَيْنِ ﴿٣٨﴾ ما آسمانها و زمین و آنچه را که میان آنهاست به بازی نیافریده‌ایم؛

مَا خَلَقْنَاهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٩﴾ آنها را به حق [و با هدف] آفریده‌ایم؛ ولی بیشتر آنان نمی دانند.

إِنَّ يَوْمَ الْفُصْلِ مِيقَاتُهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٤٠﴾ بی تردید، روزِ داوری [= قیامت] وعده‌گاه همهٔ آنان است.

يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلَىٰ عَنْ مَوْلَىٰ شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ﴿٤١﴾ روزی که هیچ دوستی برای دوست خود سودمند نیست و [از هیچ سو] یاری نمی شوند؛

إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿٤٢﴾ مگر کسی که الله [بر او] رحم کند که او تعالی شکست‌ناپذیرِ مهربان است.

- إِنَّ شَجَرَتَ الرَّقْمِ ﴿۴۳﴾ بی گمان، درخت زَقوم،
- طَعَامُ الْأَثِيمِ ﴿۴۴﴾ غذای گناهکاران است.
- كَأَمْهَلٍ يُعْلَى فِي الْبُطُونِ ﴿۴۵﴾ [میوه‌اش، به سبب گرمای زیاد،] همچون مسِ گداخته در شکم‌ها می جوشد؛
- كَعَلَى الْحَمِيمِ ﴿۴۶﴾ مانند جوششِ آب داغ.
- خُذُوهُ فَأَعْتَلُوهُ إِلَى سَوَاءِ الْجَحِيمِ ﴿۴۷﴾ [خطاب می‌رسد:] «آن [ستمکار] را بگیرد و به میان دوزخ درافکنید؛
- ثُمَّ صُبُّوا فَوْقَ رَأْسِهِ مِنْ عَذَابِ الْحَمِيمِ ﴿۴۸﴾ [آنگاه از عذاب آب داغ بر سرش فروریزید].»
- ذُقْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ ﴿۴۹﴾ [در آن حال، به او گفته می‌شود:] «بچش که تو [در میان قوم خود] عزتمند و بزرگواری.
- إِنَّ هَذَا مَا كُنْتُمْ بِهِ تَمْتَرُونَ ﴿۵۰﴾ این همان [سرنوشت دردناکی] است که در موردش تردید داشتید.»
- إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامِ أَمِينٍ ﴿۵۱﴾ یقیناً پرهیزگاران در جایگاه امنی هستند؛
- فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿۵۲﴾ در [میان] باغ‌ها و [کنار] چشمه‌سارهای بهشت.
- يَلْبَسُونَ مِنْ سُندُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُتَقَابِلِينَ ﴿۵۳﴾ لباس‌هایی از دیبای نازک و دیبای ضخیم می‌پوشند، در حالی که رویاروی یکدیگر [به صحبت] نشسته‌اند.

كَذَلِكَ وَرَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ ﴿۵۴﴾ چنین است [وضع آنان]؛ و [نیز] حور العین را به همسری آنان درمی آوریم.

يَدْعُونَ فِيهَا بِكُلِّ فَلَكَهَةٍ ﴿۵۵﴾ در آنجا هر میوه‌ای که اراده کنید، بی دغدغه در اختیارشان است. عَامِنِينَ ﴿۵۵﴾

لَا يَذُوقُونَ فِيهَا الْمَوْتَ إِلَّا الْمَوْتَةَ الْأُولَىٰ وَوَقَّهُم عَذَابَ الْجَحِيمِ ﴿۵۶﴾ در بهشت طعم مرگ را نخواهند چشید؛ جز همان مرگ نخستین [در دنیا]؛ و [پروردگار] مهربان [آنان را از مجازات دوزخ محفوظ می‌دارد. الْجَحِيمِ ﴿۵۶﴾

فَضَلًا مِّن رَّبِّكَ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿۵۷﴾ [این] بخششی است از [جانب] پروردگارت؛ و این همان کامیابی بزرگ است. الْعَظِيمُ ﴿۵۷﴾

فَإِنَّمَا يَسَّرْنَاهُ بِلِسَانِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿۵۸﴾ [ای پیامبر]، ما قرآن را به زبان تو روان [و آسان] ساختیم؛ باشد که [مشرکان] پند گیرند. يَتَذَكَّرُونَ ﴿۵۸﴾

فَأَرْتَقِبْ إِنَّهُمْ مُّرْتَقِبُونَ ﴿۵۹﴾ [پس در انتظار [وعده‌های الهی] باش که بی‌گمان، آنان [نیز] منتظر [شکست و مرگ تو] هستند. مُرْتَقِبُونَ ﴿۵۹﴾

سُورَةُ الْجَاثِيَةِ

سورة جاثیه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

حَمَّ ①

(۱) حم [حا. میم].

تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ
الْحَكِيمِ ②(۲) نزول [این] کتاب از جانب الله
شکست‌ناپذیر حکیم است.إِنَّ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ
لِّلْمُؤْمِنِينَ ③(۳) به راستی که در آسمان‌ها و زمین،
نشانه‌هایی [از قدرت الهی] برای مؤمنان
[پدیدار] است.وَفِي خَلْقِكُمْ وَمَا يَبُتُّ مِنْ دَابَّةٍ
آيَاتٌ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ ④(۴) و [نیز] در آفرینش خودتان و موجودات
زنده‌ای که [در زمین] پراکنده می‌سازد،
نشانه‌هایی [از توان و تدبیر الله] برای اهل
یقین [آشکار] است.وَأَخْتَلَفُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَمَا أَنزَلْتُ
اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ رِزْقٍ فَأَحْيَا
بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَتَصْرِيفِ
الرِّيْحِ آيَاتٌ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ⑤(۵) و در گردش پیاپی شب و روز و رزقی که
الله [به صورت باران] از آسمان می‌فرستد و با
آن، زمین را پس از خزان و خشکی‌اش زنده
می‌سازد؛ و [نیز] در گردش باده‌ها، نشانه‌هایی
[از قدرت پروردگار] برای خردورزان است.تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ
بِالْحَقِّ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَ اللَّهِ(۶) [ای پیامبر]، اینها آیات و [نشانه‌های] الهی
است که به‌حق بر تو می‌خوانیم. [به راستی،

مشرکان] پس از [سخن] الله و آیاتش، کدام سخن را باور می‌کنند؟

وَعَايَتِهِ يُؤْمِنُونَ ﴿٦﴾

(۷) وای بر هر دروغگوی گنهکاری!

وَيَلِّ لِكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ ﴿٧﴾

(۸) [آن کافری] که آیات الهی را که بر او خوانده می‌شود، می‌شنود؛ ولی متکبرانه بر مخالفت اصرار دارد؛ گویی آنها را نشنیده است؛ پس او را به عذابی دردناک بشارت بده.

يَسْمَعُ آيَاتِ اللَّهِ تُتْلَىٰ عَلَيْهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿٨﴾

(۹) [همان کسی که] چون بر گوشه‌ای از آیات ما واقف شود، آن را به سُخره می‌گیرد. آنان عذابی خفت‌بار [در پیش] دارند.

وَإِذَا عَلِمَ مِنْ آيَاتِنَا شَيْئًا أَخَذَهَا حُزْرًا أَن لَّيْلًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ ﴿٩﴾

(۱۰) پیش رویشان دوزخ است؛ و دستاوردشان و [یاوران و] کارسازانی که به جای الله برگزیده‌اند، هیچ سودی به حالشان نخواهند داشت؛ و عذابی سهمگین [در پیش] دارند.

مِن وَّرَائِهِمْ جَهَنَّمُ وَلَا يُغْنِي عَنْهُمْ مَا كَسَبُوا شَيْئًا وَلَا مَا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١٠﴾

(۱۱) این [قرآن، موجب] هدایت است؛ و کسانی که آیات پروردگارشان را انکار می‌کنند، عذابی از سخت‌ترین عذاب‌های دردناک [دوزخ] را در پیش] دارند.

هَذَا هُدًى وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَهُمْ عَذَابٌ مِّن رَّجْزٍ أَلِيمٍ ﴿١١﴾

(۱۲) الله همان ذاتی است که دریاها را در خدمت شما گماشت تا کشتی‌ها به فرمانش در

تَجْرِي الْفُلُكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ

وَلَبِيتُّوْا مِنْ فَضْلِهِ ۚ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُوْنَ ﴿۱۲﴾
 آن حرکت کنند و [شما بتوانید] از فضل او [روزی] بجوئید؛ باشد که شکر به جای آورید.

وَسَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ جَمِيْعًا مِّنْهُ اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ لِّقَوْمٍ يَّتَفَكَّرُوْنَ ﴿۱۳﴾
 (۱۳) آنچه را در آسمانها و زمین است، از [رحمت] خویش در خدمت شما گماشت؛ که در این [امر]، نشانه‌هایی [از لطف و قدرت الهی] برای اندیشمندان است.

قُلْ لِلَّذِيْنَ ءَامَنُوْا يَغْفِرُوْا لِلَّذِيْنَ لَا يَرْجُوْنَ اَيَّامَ اللّٰهِ لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا كَانُوْا يَكْسِبُوْنَ ﴿۱۴﴾
 (۱۴) ای پیامبر! به مؤمنان بگو: «از کسانی که به روزهای الله [= روزهای پیروزی بر کفر و گرفتن انتقام از مشرکان] امید ندارند، درگذردند تا [الله در زمان مشخص، هر] گروهی را در برابر آنچه که انجام داده‌اند سزا دهد».

مَنْ عَمِلَ صٰلِحًا فَلِنَفْسِهٖۗ وَمَنْ اَسَآءَ فَعَلَيْهَا ثُمَّ اِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُوْنَ ﴿۱۵﴾
 (۱۵) هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد، به سود خود و هر کس کار بدی کند، به زیان خود کرده است؛ آنگاه [برای محاسبه و جزا] به پیشگاه پروردگارتان بازگردانده می‌شوید.

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا بَنِيۤ اِسْرٰٓءِيْلَ الْكِتٰبَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ وَرَزَقْنٰهُمْ مِّنَ الطَّيِّبٰتِ وَفَضَّلْنٰهُمْ عَلٰى الْعٰلَمِيْنَ ﴿۱۶﴾
 (۱۶) به بنی اسرائیل، کتاب [تورات و انجیل] و [علم] داوری [بین مردم] و نبوت بخشیدیم و از نعمت‌های پاکیزه، روزی‌شان دادیم و آنان را [به موهبت توحید] بر مردم زمانه برتری بخشیدیم؛

وَعَاثَيْنٰهُمْ بَيِّنٰتٍ مِّنَ الْاَمْرِ فَمَا اٰخْتَلَفُوْا اِلَّا مِنْۢ بَعْدِ مَا جَآءَهُمْ
 (۱۷) و در امر [بازشناسی حق از باطل]، آیات روشنی در اختیارشان قرار دادیم؛ پس اختلاف

أَلْعِلْمُ بَعِيًّا بَيْنَهُمْ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿٧﴾

نکردند مگر بعد از اینکه علم [و آگاهی] برایشان حاصل شد [و حجت بر آنان اقامه گشت، آنگاه] به سبب برتری جوئی [و حسادتی] که بینشان بود، اختلاف ورزیدند؛ قطعاً، پروردگارت روز قیامت درباره آنچه [در دنیا] راجع به آن اختلاف می‌ورزیدند میان آنان داوری خواهد کرد.

ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَىٰ شَرِيعَةٍ مِّنَ الْأَمْرِ فَاتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٨﴾

(۱۸) آنگاه تو را بر روشی [روشن و کامل] از امر [دین] قرار دادیم؛ پس پیرو همان راه باش و از هوس‌های نادانان پیروی نکن.

إِنَّهُمْ لَن يُعْنُوا عَنكَ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَإِنَّ الظَّالِمِينَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُتَّقِينَ ﴿١٩﴾

(۱۹) آنان در برابر [عذاب] الله هیچ نفعی برای تو ندارند؛ ستمکاران [یاور و] کارساز یکدیگرند؛ و الله کارسازِ پرهیزگاران است.

هَذَا بَصَرٌ لِّلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ ﴿٢٠﴾

(۲۰) این [قرآن] مایه بصیرت مردم است و هدایت و رحمتی برای اهل یقین است.

أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا أَلْسِنَاتٍ أَن نَّجْعَلَهُم كَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاءً مَّحْيَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ﴿٢١﴾

(۲۱) آیا کسانی که مرتکب کارهای ناشایست شدند، پنداشته‌اند که آنان را مانند کسانی قرار می‌دهیم که ایمان آورده و کارهای نیک انجام داده‌اند، به گونه‌ای که زندگی و مرگشان [با آنان] یکسان باشد؟ چه بد داوری می‌کنند!

وَخَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ (۲۲) الله آسمانها و زمین را [هدفمند و] به حق آفرید تا [همه آزمایش شوند] و جزای دستاوردهای همه [بندگان] داده شود؛ بدون آنکه ظلمی به آنان شود.

أَفَرَعَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِ غِشَاةً فَمَن يَهْدِيهِ فَمَن يَبْعُدُ اللَّهَ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ (۲۳) آیا آن کسی را دیده‌ای که آگاهانه هوای نفسش را به جای معبود خود نشانده [و تسلیم آن شده] است؟ الله نیز او را گمراه ساخت و بر گوش و دلش مُهر [غفلت] نهاد و بر دیده‌اش پرده‌ای کشید؛ [اگر الله هدایتش نکند،] پس از الله چه کسی هدایتش خواهد کرد؟ آیا پند نمی‌گیرید؟

وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ وَمَا لَهُم بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ (۲۴) [مشرکان] می‌گویند: «جز زندگی دنیای ما هیچ [خبری] نیست؛ زندگی می‌کنیم و می‌میریم؛ و این گردشِ روزگار است که ما را به کام مرگ می‌برد». آنان در مورد این [امر،] ناآگاه هستند و فقط از حدس و گمان پیروی می‌کنند.

وَإِذَا نُتِلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ مَّا كَانَ حُجَّتَهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَتُتُوا بِبَابِنَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۲۵) و چون آیات روشنگر ما [در مورد قیامت] بر آنان خوانده می‌شود، دلیل [انکار]شان فقط این است که می‌گویند: «اگر راست می‌گویید، نیاکانمان را [زنده کنید و] بازگردانید».

قُلِ اللَّهُ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ قُلِ اللَّهُ

شما را حیات می‌بخشد و مرگ می‌دهد؛ آنگاه شما را در روز قیامت - که هیچ تردیدی در [وقوع] آن نیست - جمع می‌کند؛ ولی بیشتر مردم [این حقیقت را] نمی‌دانند».

ثُمَّ يَجْمَعُكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٢٦﴾

(۲۷) فرمانروایی آسمان‌ها و زمین از آن الله است و روزی که قیامت برپا شود، اهل باطل زیانکار خواهند بود.

وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُحْسِرُ الْمُبْطِلُونَ ﴿٢٧﴾

(۲۸) [در آن روز] هر گروهی را [از وحشت حساب و جزا، خوار و] به‌زانو درآمده می‌بینی؛ همه را برای [گرفتن] نامه اعمالشان فرامی‌خوانند [و به آنان خطاب می‌شود:] «امروز شما در برابر آنچه کرده‌اید، جزا می‌بینید».

وَتَرَى كُلَّ أُمَّةٍ جَائِيَةٍ ۗ كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَىٰ إِلَىٰ كِتَابِهَا الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٢٨﴾

(۲۹) این نامه [اعمال شما نزد] ماست که به‌حق بر شما گواهی می‌دهد. ما [تمام] اعمالی را که انجام می‌دادید [دقیقاً] ثبت می‌کردیم.

هَذَا كِتَابُنَا يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ ۗ إِنَّا كُنَّا نَسْتَنسِخُ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٢٩﴾

(۳۰) مؤمنان نیکوکار را پروردگارشان مشمول رحمت خویش قرار خواهد داد. این همان کامیابی آشکار است».

فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُدْخِلُهُمْ رَبُّهُمْ فِي رَحْمَتِهِ ۗ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ ﴿٣٠﴾

(۳۱) ولی [به] کافران [خطاب می‌شود:] «مگر نه این بود که در برابر آیات من که بر شما عرضه می‌شد، گردنکشی می‌کردید و گروهی

وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا أَفَلَمْ تَكُنْ ءَايَتِي تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَاسْتَكْبَرْتُمْ

بزهکار بودید؟

وَكُنْتُمْ قَوْمًا مُّجْرِمِينَ ﴿۳۲﴾

(۳۲) و چون گفته می‌شد: "وعدۀ الله حق است و [در وقوع] قیامت هیچ تردیدی نیست"، می‌گفتید: "نمی‌دانیم قیامت چیست؛ [آن را] توهمی بیش نمی‌دانیم و به یقین نرسیده‌ایم".

وَإِذَا قِيلَ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَالسَّاعَةُ لَا رَيْبَ فِيهَا قُلْتُمْ مَا نَدْرِي مَا السَّاعَةُ إِنْ نُنظَّرُ إِلَّا طَنَّا وَمَا نَحْنُ بِمُستَيْقِنِينَ ﴿۳۳﴾

(۳۳) رفتار زشتشان بر آنان آشکار می‌شود و عذابی که آن را مسخره می‌کردند، دامگیرشان خواهد شد.

وَبَدَأَ لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ ﴿۳۴﴾

(۳۴) [به آنان] گفته می‌شود: «امروز شما را [در عذاب دوزخ] رها می‌کنیم؛ چنان که شما [نیز در دنیا نسبت] به دیدار امروز بی‌اعتنا بودید؛ و جایگاهتان آتش است و هیچ یآوری نخواهید داشت.

وَقِيلَ الْيَوْمَ نَنْسِكُم مِّمَّا كَانْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ ﴿۳۵﴾

(۳۵) این [گرفتاری] از آن روست که آیات الهی را مسخره می‌کردید و زندگی دنیا فریبتان داده بود». امروز [کافران را] از آتش بیرون نخواهند آورد و از آنان خواسته نمی‌شود که [با توبه و طاعت، پروردگارش را از خود] خشنود سازند.

ذَلِكُمْ بِأَنَّكُمْ اتَّخَذْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ هُزُوعًا وَغَرَّكُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ لَا يُخْرَجُونَ مِنْهَا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ ﴿۳۶﴾

(۳۶) ستایش مخصوص الله است؛ پروردگار آسمان‌ها و زمین و تمامی جهانیان.

فَلِلَّهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمَوَاتِ وَرَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۳۷﴾

وَلَهُ الْكِبْرِيَاءُ فِي السَّمَوَاتِ (۳۷) بزرگی در آسمان‌ها و زمین از آن اوست؛
وَالْأَرْضُ ۞ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿۳۷﴾ و او تعالی شکست‌ناپذیرِ حکیم است.

سُورَةُ الْأَحْقَافِ

سورة احقاف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

حَمَّ ①

(۱) حم [حا. میم].

تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ

(۲) نزول [این] کتاب از جانب الله شکست‌ناپذیر حکیم است.

الْحَكِيمِ ②

مَا خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَالَّذِينَ كَفَرُوا عَمَّا أُنذِرُوا

(۳) آسمان‌ها و زمین و آنچه را که بین آنهاست به حق [و هدفمند] و برای مدتی معین آفریده‌ایم؛ و [الی] کافران از آنچه به آنان هشدار داده شده، رویگردانند.

مُعْرَضُونَ ③

قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَوَاتِ أَتَتُونِي بِكِتَابٍ مِّن قَبْلِ هَذَا أَوْ أَثَرَةٍ مِّنْ عِلْمٍ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ ④

(۴) [ای پیامبر، به مشرکان] بگو: «آیا به چیزهایی که به جای الله [به نیایش] می‌خوانید توجه کرده‌اید؟ به من نشان دهید چه چیز از [اجزای] زمین را آفریده‌اند. آیا در [آفرینش] آسمان‌ها شرکت داشته‌اند؟ اگر راست می‌گویید، از کتاب‌های آسمانی پیشین یا بازمانده‌ای از دانش [گذشتگان، دلیل] بیاورید».

وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّن يَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَنْ لَا يَسْتَجِيبُ لَهُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَهُمْ عَن دُعَائِهِمْ

(۵) کیست گمراه‌تر از کسی که به جای الله، افرادی را به دعا می‌خواند که تا روز قیامت به او پاسخ نمی‌دهند و آنان [= معبودهای باطل،

عَفِلُونَ ﴿۵﴾

اساساً] از درخواست آنها [= عبادتگزارانشان] بی خبرند؟

وَإِذَا حُشِرَ النَّاسُ كَانُوا لَهُمْ أَعْدَاءً وَكَانُوا بِعِبَادَتِهِمْ كَافِرِينَ ﴿۶﴾

(۶) و آنگاه که [در قیامت] مردم احضار شوند، آن [معبودان باطل] دشمنانشان خواهند بود و عبادتشان را انکار خواهند کرد.

وَإِذَا تَتَلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ ﴿۷﴾

(۷) و چون آیات روشنگر ما بر کافران خوانده می‌شود، آنان در مورد سخن حقی که به آنها رسیده است می‌گویند: «این جادویی آشکار است»؛

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَيْنَاهُ قُلْ إِنِ افْتَرَيْنَاهُ فَلَآ تَمْلِكُونَ لِي مِنَ اللَّهِ شَيْئًا هُوَ أَعْلَمُ بِمَا تُفِيضُونَ فِيهِ كَفَىٰ بِهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ ۗ وَهُوَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿۸﴾

(۸) یا می‌گویند: «[محمد] این [قرآن] را خود جعل کرده [و به الله نسبت داده] است». [ای پیامبر، به آنان] بگو: «اگر من آن را جعل کرده [و به الله نسبت داده] باشم، شما نمی‌توانید در برابر [عذاب و خشم] الله از من دفاع کنید. الله به آنچه شما درباره او [= قرآن، با طعنه] گفتگو می‌کنید، آگاه‌تر است، و به عنوان گواه بین من و شما کافی است؛ و او آمرزگارِ مهربان است».

قُلْ مَا كُنْتُ بِدَعَا مِّنَ الرُّسُلِ وَمَا أَدْرِي مَا يُفَعَّلُ بِي وَلَا بِيَكُمُ إِنِّي أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ وَمَا أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿۹﴾

(۹) بگو: «من پدیده‌ای نوظهور در میان پیامبران نیستم و نمی‌دانم سرنوشت من و شما چه خواهد شد؛ تنها از آنچه به من وحی می‌شود پیروی می‌کنم و فقط هشداردهنده‌ای آشکارم».

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ
وَكَفَرْتُمْ بِهِ وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِّنْ
بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَىٰ مِثْلِهِ فَآمَنَ
وَأَسْتَكْبَرْتُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي
الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿۱۰﴾

(۱۰) بگو: «به من بگوید: اگر قرآن از جانب
الله باشد و شما به آن کفر ورزید و شاهی از
بنی اسرائیل، به مشابعت آن [با تورات و با تکیه
بر آنچه در تورات در مورد آن آمده بر حقانیت
آن] گواهی داده و ایمان آورده باشد و شما در
برابری [انکار و] تکبر ورزید، [آیا گمراه و
ستمگر نیستید]؟ بی‌گمان، الله ستمکاران را
هدایت نخواهد کرد».

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ
ءَامَنُوا لَوْ كَانَ خَيْرًا مَّا سَبَقُونَا
إِلَيْهِ وَإِذْ لَمْ يَهْتَدُوا بِهِ
فَسَيَقُولُونَ هَذَا إِفْكٌ قَدِيمٌ ﴿۱۱﴾

(۱۱) و کافران به مؤمنان گفتند: «اگر این
[قرآن] خوب بود، کسانی [که بردگان و
فقیرانی ناچیزند] در پذیرش آن بر ما سبقت
نمی‌گرفتند»؛ و چون به وسیله آن هدایت
نیافته‌اند، می‌گویند: «این [قرآن]، دروغی
قدیمی است».

وَمِنْ قَبْلِهِ كَتَبَ مُوسَىٰ إِمَامًا
وَرَحْمَةً وَهَذَا كِتَابٌ مُّصَدِّقٌ
لِّسَانَا عَرَبِيًّا لِّبُنْدَرِ الَّذِينَ ظَلَمُوا
وَبُشْرَىٰ لِلْمُحْسِنِينَ ﴿۱۲﴾

(۱۲) و [در حالی که] پیش از آن [= قرآن]،
کتاب موسی را همنما و رحمت بود؛ و این
[قرآن]، کتابی است که [تورات را] به زبان
[شیوای] عربی تصدیق می‌کند تا به ستمکاران
هشدار دهد و برای نیکوکاران بشارت باشد.

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ
أَسْتَفْتَمُوا فَلَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا
هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿۱۳﴾

(۱۳) کسانی که گفتند: «پروردگار ما الله
است»؛ آنگاه [از بندگی غیر او سر باز زدند و بر
اعتقاد خود] پای فشردند، ترس و اندوهی
نخواهند داشت.

أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٤﴾ آنان اهل بهشتند و جاودانه در آنجا خواهند بود. این، پاداش اعمالی است که انجام داده‌اند.

وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمَلُهُ وَفِصْلُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي ۗ إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿١٥﴾ (۱۵) و انسان را به نیکی کردن به پدر و مادرش سفارش کردیم؛ [به ویژه] مادر که به دشواری بارِ حمل او را بر عهده دارد و با دشواری وضع حمل می‌کند؛ و [دوران] بارداری و شیرخوارگی‌اش [مجموعاً] سی ماه است؛ [او پرورش می‌یابد] تا به حد رشد برسد و در چهل سالگی [که توان جسمی و ذهنی‌اش کامل است] می‌گوید: «پروردگارا، به من توفیق بده تا شکرِ نعمتی را که به من و پدر و مادرم ارزانی داشته‌ای، به جای آورم و کار شایسته‌ای انجام دهم که از آن راضی گردی؛ و فرزندانم را شایسته گردان؛ به درگاہت [توبه نموده و] بازگشته‌ام و تسلیم [فرمانت] هستم».

أُولَئِكَ الَّذِينَ نَتَقَّبَلُ عَنْهُمْ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَنَتَجَاوَزُ عَنْ سَيِّئَاتِهِمْ فِي أَصْحَابِ الْجَنَّةِ وَعَدَ الصَّادِقِ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ ﴿١٦﴾ (۱۶) آنان کسانی هستند که ما نیکوترین کارهایشان را می‌پذیریم و از گناهانشان درمی‌گذریم و در زمره اهل بهشتند. این وعده راستی است که به آن نوید داده شده‌اند.

وَالَّذِي قَالَ لَوْلَايَهٗ أُفٍّ لَّكُمَا أَتَعَدَانِي أَنْ أُخْرَجَ وَقَدْ خَلَّتْ (۱۷) و کسی که به پدر و مادرش گفت: «اف بر شما! چگونه به من وعده می‌دهید که [از

أَلْفُرُونَ مِنْ قَبْلِي وَهَذَا يَسْتَعْثِنُ اللَّهُ وَيَلِكُ عَامِنٌ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَيَقُولُ مَا هَذَا إِلَّا أَسْطِيرُ الْأَوَّلِينَ ﴿١٧﴾

گور] بیرون آورده خواهم شد؛ در حالی که نسل‌های فراوانی پیش از من رفتند [و بازنگشتند]؟! پدر و مادرش به درگاه الهی زاری می‌کنند [که فرزندشان را هدایت کند و به او می‌گویند:] «وای بر تو! ایمان بیاور که وعده الهی راست است»؛ [اما] او پاسخ می‌دهد: «این [وعده‌ها] فقط افسانه‌های [خیالی] پیشینیان است».

أُولَئِكَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ ﴿١٨﴾

(۱۸) این افراد، در زمره گروه‌هایی از جن و انس هستند که پیشتر، فرمان عذاب الهی در موردشان تحقق یافته است. بی‌گمان، آنان زیانکار بودند.

وَلِكُلِّ دَرَجَاتٍ مِمَّا عَمِلُوا وَلِيُوقِيَهُمْ أَعْمَالَهُمْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿١٩﴾

(۱۹) هر گروه [بهبستی یا دوزخی]، درجاتی بر حسب اعمالشان دارند [تا حقی ضایع نگردد]؛ و الله اعمالشان را به تمام و کمال کیفر می‌دهد؛ بی آنکه در حقشان ستم شود.

وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَلْهَبْتُمْ طَيْبَتِكُمْ فِي حَيَاتِكُمْ الدُّنْيَا وَأَسْتَمْتَعْتُمْ بِهَا فَالْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ فِي الْأَرْضِ

(۲۰) روزی که کافران بر آتش عرضه می‌شوند، [به آنان خطاب می‌شود:] «نعمت‌های پاکیزه خود را در زندگی دنیا از بین بردید و از آنها بهره‌مند شدید؛ پس امروز به خاطر برتری‌جویی ناحق و انحرافی که در زمین داشتید، با عذابی خفت‌بار مجازات می‌شوید».

يَغَيِّرِ الْحَقِّ وَيَمَا كُنْتُمْ
تَفْسُقُونَ ﴿۲۱﴾

﴿۲۱﴾ [ای پیامبر، سرگذشت هود،] برادر قوم عاد را یاد کن؛ آنگاه که در سرزمین «احقاف» [= ریگزاری در جنوب شبه جزیره عربستان] قومش را هشدار می‌داد - در حالی که هشداردهندگان [دیگری نیز] در گذشته‌های دور و نزدیک آمده بودند - [و چنین می‌گفت] که: «تنها الله را عبادت کنید که من از عذاب روزی بزرگ بر شما می‌ترسم».

قَالُوا أَجِئْتَنَا لِنَأْفِكَنَا عَنِ الْهَيْتِنَا
فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ
الصَّادِقِينَ ﴿۲۲﴾

﴿۲۲﴾ آنان گفتند: «آیا آمده‌ای که ما را از [عبادت] معبودانمان بازگردانی؟ اگر راست می‌گویی، عذابی که به ما وعده می‌دهی پیش آور.»

قَالَ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ
وَأُبَلِّغُكُمْ مَا أُرْسِلْتُ بِهِ
وَلَكِنِّي أَرْسِلُكُمْ قَوْمًا
تَجْهَلُونَ ﴿۲۳﴾

﴿۲۳﴾ [هود] گفت: «[وقت نزول عذاب را] فقط الله می‌داند؛ و من پیامی را که مأمور [بلاغ] آن شده‌ام به شما می‌رسانم؛ ولی شما را گروهی نادان می‌بینم».

فَلَمَّا رَأَوْهُ غَارِضًا مُسْتَقْبِلَ
أُودِيَّتِهِمْ قَالُوا هَذَا غَارِضٌ
مُّطْرِنًا بَلْ هُوَ مَا اسْتَعْجَلْتُمْ

﴿۲۴﴾ و چون آن [عذاب] را که به صورت ابری در جهت [دشت و] دره‌ها [ی حاصلخیز]شان پیش می‌آمد، مشاهده کردند، [با شادمانی] گفتند: «این ابری است که [رحمت] بر ما

می بارد»؛ [هود گفت: «نه،] بلکه همان [عذابی] است که برای رسیدنش شتاب داشتید؛ تندبادی است که عذابی دردناک با خود دارد.

(۲۵) [طوفانی است که] هر چیزی را به فرمان پروردگارش در هم می کوبد؛ آنگاه چنان [هلاک] شدند که جز خانه های [ویران] آنان، اثری به چشم نمی خورد. ما بزهکاران را این گونه کیفر می دهیم.

(۲۶) یقیناً به آنها [= قوم عاد]، چنان امکاناتی داده بودیم که به شما [اهل مکه، چنان] امکاناتی نداده ایم؛ و برای آنان چشم و گوش و دل [نیرومندتر از دیگران] قرار داده بودیم، و [الی] گوش و چشم و دل هایشان سودی به حالشان نداشت؛ زیرا آیات الهی را انکار می کردند و [سرانجام] عذابی که آن را مسخره می کردند، دامگیرشان شد.

(۲۷) [بسیاری از مردم] شهرهای پیرامون شما [مکیان] را هلاک کردیم؛ و [الی] قبلاً نشانه ها [و دلایل توحید] را به شکل های مختلف در میان آوردیم؛ باشد که [از کفر و گمراهی] بازگردند.

بِهِ رِيحٌ فِيهَا عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٢٤﴾

تُدَمِّرُ كُلَّ شَيْءٍ بِأَمْرِ رَبِّهَا فَأَصْبَحُوا لَا يُرَىٰ إِلَّا مَسَكِنُهُمْ كَذَلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ ﴿٢٥﴾

وَلَقَدْ مَكَّنَّهُمْ فِيمَا إِنْ مَكَّنَّاكُمْ فِيهِ وَجَعَلْنَا لَهُمْ سَمْعًا وَأَبْصَرًا وَأَفْئِدَةً فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ سَمْعُهُمْ وَلَا أَبْصَرُهُمْ وَلَا أَفْئِدَتُهُمْ مِنْ شَيْءٍ إِذْ كَانُوا يَجْحَدُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ﴿٢٦﴾

وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا مَا حَوْلَكُمْ مِنَ الْقُرَىٰ وَصَرَّفْنَا الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿٢٧﴾

(۲۸) پس چرا کسانی که [مشرکان آنان را] برای تقرب [به الله،] معبودان خود گرفتند، [به هنگام بلا] یاری‌شان نکردند؟ بلکه از نظرشان ناپدید شدند؛ و [سرانجام] دروغ‌ها و تهمت‌هایشان همین بود.

فَلَوْلَا نَصَرَهُمُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ قُرْبَانًا ءَالِهَةً ۗ بَلْ ضَلُّوا عَنْهُمْ ۖ وَذَٰلِكَ إِفْكُهُمْ وَمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿۲۸﴾

(۲۹) [ای پیامبر، به یاد آور] هنگامی که گروهی از جن را به سوی تو فرستادیم که قرآن را بشنوند؛ هنگامی که نزد پیامبر حضور یافتند، [به یکدیگر] گفتند: «خاموش باشید [تا به آیات قرآن گوش فرادهیم] و چون [تلاوتش] به پایان رسید، نزد قوم خود بازگشتند تا به آنان [در مورد عواقبِ سرپیچی از فرمان حق] هشدار دهند.

وَإِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفَرًا مِّنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْءَانَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ قَالُوا أَنصَبُوا لَكُمَا فُضْيُ وَلَّوْا إِلَيْنَا قَوْمِهِم مُّندِرِينَ ﴿۲۹﴾

(۳۰) گفتند: «ای قوم، ما [آیات] کتابی را شنیدیم که پس از موسی نازل شده است و کتاب‌های [آسمانی] پیش از خود را تصدیق می‌کند و به [سوی] حق و راه راست هدایت می‌نماید.

قَالُوا يَقَوْمَنَا إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أُنزِلَ مِن بَعْدِ مُوسَىٰ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَإِلَى طَرِيقٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿۳۰﴾

(۳۱) ای قوم، [سخنان توحیدی] این دعوتگر را که به سوی الله فرامی‌خواند بپذیرید و به او ایمان آورید تا [الله] برخی از گناهانتان را ببخشد و شما را از عذابی دردناک در امان بدارد.

يَقَوْمَنَا أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ وَءَامِنُوا بِهِ ۗ يَعْفِرْ لَكُمْ مِّن ذُنُوبِكُمْ وَيُجِرَّكُمْ مِّنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿۳۱﴾

وَمَنْ لَا يُجِِبْ دَاعِيَ اللَّهِ فَلَيْسَ بِمُعْجِزٍ فِي الْأَرْضِ وَلَيْسَ لَهُ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءٌ أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ﴿٣٢﴾

(۳۲) و هر کس [سخنان] دعوتگری را که به سوی الله فرامی خواند نپذیرد [و به وی ایمان نیاورد، هرگز الله را] در زمین به تنگ نمی آورد؛ و در برابر الله [یاور و] کارسازی نخواهد داشت. چنین کسانی در گمراهی آشکارند.

أَوْلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَمْ يَعْزِ بِخَلْقِهِنَّ بِقَدِيرٍ عَلَىٰ أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَىٰ بَلَىٰ إِنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٣٣﴾

(۳۳) آیا مشرکان ندیده اند [و نمی دانند] الله که آسمان ها و زمین را آفرید و از آفرینش آنها درمانده نشد، قادر است مردگان را [نیز] زنده کند؟ آری، او بر هر کاری تواناست.

وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ قَالُوا بَلَىٰ وَرَبَّنَا قَالَ فَذُقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ﴿٣٤﴾

(۳۴) روزی که کافران بر آتش عرضه می شوند، [از آنان پرسیده می شود:] «آیا این آتش حق نیست [و حقیقت ندارد]؟» آنان می گویند: «آری؛ سوگند به پروردگارمان [که چنین است]»؛ [آنگاه الله] می فرماید: «پس به سزای آنکه [قیامت را] انکار می کردید، عذاب را بچشید».

فَأَصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ وَلَا تَسْتَعْجِلْ لَهُمْ كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبُثُوا

(۳۵) [ای پیامبر،] تو نیز همچون پیامبران اولوالعزم [که همواره ثابت قدم بودند، در برابر آزار و تکذیب قومت] شکيبا باش و در مورد [درخواست عذاب] آنان شتاب نکن. روزی که

[این کافران] عذابِ موعودشان را [در جهان آخرت] ببینند، [کیفرشان چنان طولانی است که] گویی فقط بخشی از روز را [در دنیا] به سر برده‌اند. این قرآن، پیامی [عمومی برای جن و انس] است. آیا جز نافرمانانِ هلاک می‌شوند؟

إِلَّا سَاعَةً مِّنْ نَّهَارٍ بَلَّغٌ فَهَلْ يُهْلَكُ إِلَّا الْقَوْمُ الْفَاسِقُونَ ﴿٣٥﴾

سُورَةُ مُحَمَّدٍ

سورة محمد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ أَصْلَ أَعْمَلَهُمْ ﴿١﴾

(۱) کسانی که کافر شدند و [مردم را] از راه الله باز می‌دارند، [الله] اعمال آنان را تباه می‌کند.

وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَءَامَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَهُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ كَفَّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بَالَهُمْ ﴿٢﴾

(۲) و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند و به آنچه بر محمد نازل شده - که آن حق و از جانب پروردگارشان است - ایمان آورده‌اند، [الله نیز]، بدی‌هایشان را می‌زداید و امور [دنیا و دین]شان را سامان می‌بخشد [و اصلاح می‌کند].

ذَٰلِكَ بِأَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا اتَّبَعُوا الْبَاطِلَ وَأَنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّبَعُوا الْحَقَّ مِنْ رَبِّهِمْ كَذَٰلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ لِلنَّاسِ أَمْثَلَهُمْ ﴿٣﴾

(۳) این [پاداش و جزا] به سبب آن است که کافران پیرو باطل شدند و مؤمنان، پیرو [آیات] حق پروردگارشان. الله مثل‌های مردم را اینچنین برایشان بیان می‌کند.

فَإِذَا لَقِيتُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ حَتَّىٰ إِذَا أَثْمَثْتُمْهُمْ فَشُدُّوا أَلْوَاقَ فَمَا مَنَّا بَعْدَ وَاٰمَآءَ فِدَآءٍ حَتَّىٰ نَضَعَ

(۴) [ای مومنان!] هر گاه [در میدان جنگ] با کافران روبرو شدید، آنان را گردن بزیند تا آنکه [بسیاری از آنان را] بکشید؛ آنگاه [اسیران را] محکم به بند کشید؛ سپس یا بر آنان منت گذارید [و بدون هیچ عوضی آزادشان کنید] یا

[از آنان] فدیة بگیرید [و رهایشان کنید] تا سنگینی جنگ فروکش کند. این [حکم الهی] است؛ و اگر الله می‌خواست، خود از آنان انتقام می‌گرفت؛ ولی [فرمان جنگ داد] تا شما را در برابر یکدیگر آزمایش کند؛ و کسانی که در راه الله کشته شدند، [الله هرگز] نتیجه تلاششان را تباه نمی‌کند.

أَلْحَرْبُ أَوْزَارَهَا ذَٰلِكَ ۖ وَلَوْ يَشَاءُ
 اللَّهُ لَأَنْتَصَرَ مِنْهُمْ وَلَٰكِن
 لِّيَبْلُوَ بَعْضَكُمْ بِبَعْضٍ ۗ وَالَّذِينَ
 قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَنْ يُضِلَّ
 أَعْمَلَهُمْ ﴿٤﴾

(۵) الله آنان را [به راه راست] هدایت خواهد کرد و امورشان را سامان خواهد بخشید؛

سَيَهْدِيهِمْ وَيُصْلِحُ بَالَهُمْ ﴿٥﴾

(۶) و آنان را به بهستی که [اوصافش را] برایشان بیان کرده است وارد خواهد نمود.

وَيُدْخِلُهُمُ الْجَنَّةَ عَرَفَهَا لَهُمْ ﴿٦﴾

(۷) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر [دین و پیامبر] الله را یاری کنید، او نیز شما را یاری می‌کند و گام‌هایتان را [ثابت و] استوار می‌دارد.

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن تَنْصُرُوا
 اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ
 أَقْدَامَكُمْ ﴿٧﴾

(۸) و بر کافران، نگونساری و هلاکت باد! [الله] اعمالشان را تباه می‌گرداند؛

وَالَّذِينَ كَفَرُوا فَتَعَسَا لَهُمْ
 وَأَصَلَ أَعْمَالُهُمْ ﴿٨﴾

(۹) زیرا آنچه را که الله نازل کرده است نپسندیدند؛ [الله] نیز اعمالشان را تباه نمود.

ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَرِهُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ
 فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ ﴿٩﴾

(۱۰) آیا در زمین گشت و گذار نکرده‌اند تا ببینند سرانجام کسانی که پیش از آنان بودند،

هَلْ أَقْلَمَ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ
 فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ

مِنْ قَبْلِهِمْ دَمَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ ۖ
وَالْكَافِرِينَ أَمْثَلُهَا ﴿۱۰﴾
چگونه بوده است؟ الله [خانه‌هایشان را] بر
سرشان ویران کرد [و آنان را نابود ساخت] و
این کافران [نیز کیفری] همانند آن [در پیش]
خواهند داشت.

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ ءَامَنُوا
وَأَنَّ الْكَافِرِينَ لَا مَوْلَى لَهُمْ ﴿۱۱﴾
(۱۱) زیرا الله [یاور و] کارسازِ مؤمنان است؛
و[الی] کافران هیچ کارسازی ندارند.

إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا
وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ
تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ۖ وَالَّذِينَ
كَفَرُوا يَسْتَمْتَعُونَ وَيَأْكُلُونَ
كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ وَالنَّارُ
مَثْوَى لَهُمْ ﴿۱۲﴾
(۱۲) الله مؤمنان نیکوکار را به باغ‌هایی [از
بهشت] وارد می‌کند که جویبارها از زیر
[درختان] آن جاری است؛ و کافران [تنها در
دنیا] بهره‌مند می‌شوند و همچون چهارپایان
می‌خورند و آتش [دوزخ] جایگاهشان است.

وَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ هِيَ أَشَدُّ قُوَّةً مِنْ
قَرْيَتِكَ الَّتِي أَخْرَجْتِكَ
أَهْلَكْنَاهُمْ فَلَا نَاصِرَ لَهُمْ ﴿۱۳﴾
(۱۳) و چه بسیار شهرهایی که ساکنانش از
[مردم] شهرت که تو را از آنجا بیرون کردند،
توانمندتر بودند؛ ما آنان را نابود کرده‌ایم و هیچ
یاوری [در برابر عذاب الهی] نداشتند.

أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيْنَةٍ مِنْ رَبِّهِ
كَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ
وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ ﴿۱۴﴾
(۱۴) آیا کسی که بر شیوهٔ روشنی از جانب
پروردگار خویش است، همچون کسانی است
که زشتی رفتارشان در نظرشان آراسته شده و
از هوس‌های خویش پیروی می‌کنند؟

مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وُعدَ الْمُتَّقُونَ ﴿۱۵﴾
(۱۵) توصیف بهشتی که به پرهیزگاران وعده

داده شده، [چنین است که:] در آن، جویبارهایی از آبی [خالص و زلال] که بو و مزه‌اش تغییر نکرده؛ و جویبارهایی از شیری که طعمش دگرگون نگشته؛ و جویبارهایی از شرابی که مایه لذت نوشندگان است؛ و جویبارهایی از عسل ناب است؛ و همه [انواع] میوه‌ها، در آنجا در دسترسشان است و [از همه برتر، از] آموزش پروردگارشان [برخوردارند]. [آیا بهشتیان] همانند ساکنان جاودان دوزخند که آبی چنان جوشان به آنان می‌نوشانند که روده‌هایشان را متلاشی می‌کند؟

فِيهَا أَنْهَرٌ مِّن مَّاءٍ غَيْرِ عَائِنٍ
وَأَنْهَرٌ مِّن لَّبَنِ لَّمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ
وَأَنْهَرٌ مِّن حَمْرٍ لَّدَةِ اللَّشْرِيِّينَ
وَأَنْهَرٌ مِّن عَسَلٍ مُّصَفًّى وَلَهُمْ
فِيهَا مِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَمَغْفِرَةٌ
مِّن رَّبِّهِمْ كَمَنْ هُوَ خَالِدٌ فِي النَّارِ
وَسُقُوا مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ
أَمْعَاءَهُمْ ﴿١٥﴾

(۱۶) [ای پیامبر،] برخی از منافقان به [گفتار] تو گوش فرامی‌دهند اما هنگامی که از نزد تو خارج می‌شوند، به اهل دانش [با تمسخر] می‌گویند: «[فهمیدید] لحظاتی پیش چه می‌گفت؟» الله بر دل‌هایشان مهر [غفلت] نهاده است و آنان از هوس‌های خویش پیروی کرده‌اند.

وَمِنْهُمْ مَّن يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ حَتَّى إِذَا
خَرَجُوا مِنْ عِنْدِكَ قَالُوا لِلَّذِينَ
أُوْتُوا الْعِلْمَ مَاذَا قَالَ أَنِفًا
أُولَئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى
قُلُوبِهِمْ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ ﴿١٦﴾

(۱۷) الله بر هدایت پرهیزگاران می‌افزاید و پرهیزکاری‌شان [را قوت] می‌بخشد.

وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى
وَعَآئِدَهُمْ نَفْوَهُمْ ﴿١٧﴾

(۱۸) آیا [کافران] جز این انتظار دارند که قیامت ناگهان بر آنان فرارسد؟ همانا نشانه‌های آن آشکار شده است. آنگاه که قیامت فرارسد پندگرفتشان چه سودی خواهد داشت؟

فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ
تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا
فَأَنَّى لَهُمْ إِذَا جَاءَهُمْ ذِكْرُهُمْ ﴿١٨﴾

فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنبِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مُتَقَلَّبَكُمْ وَمَثَلَكُمْ ﴿١٩﴾

(۱۹) [ای پیامبر] بدان که معبودی [به حق] جز الله نیست؛ و برای گناه خویش و [گناه] مردان و زنان مؤمن آمرزش بخواه؛ و [به یاد داشته باش که] الله، محل رفت و آمد [روزانه] و آرمیدن [شبانۀ] شما را می داند.

وَيَقُولُ الَّذِينَ ءَامَنُوا لَوْلَا نُزِّلَتْ سُورَةٌ فَإِذَا أُنزِلَتْ سُورَةٌ مُحْكَمَةٌ وَذُكِرَ فِيهَا الْقِتَالُ رَأَيْتَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ نَظَرَ الْمَغْثِيِّ عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَأَوْلَى لَهُمْ ﴿٢٠﴾

(۲۰) مؤمنان می گویند: «چرا سوره ای [درباره] اجازه جهاد نازل نمی شود؟»؛ اما هنگامی که آیات صریحی در مورد جنگ نازل می گردد، [منافقان و] بیماردلان را می بینی که همچون کسی که از [سختی] مرگ دستخوش بیهوشی شده باشد به تو می نگرند؛ [مرگ و عذاب الهی] بر آنان شایسته تر است.

طَاعَةٌ وَقَوْلٌ مَّعْرُوفٌ فَإِذَا عَزَمَ الْأَمْرَ فَلَوْ صَدَقُوا اللَّهَ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ ﴿٢١﴾

(۲۱) اطاعت و گفتار شایسته [بهتر است]؛ و چون تصمیم قطعی [جهاد] گرفته شد، اگر [در تعهد خود با] الله صادق باشند، [از نفاق و سرکشی]، برایشان بهتر است.

فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتَقَطَّعُوا أَرْحَامَكُمْ ﴿٢٢﴾

(۲۲) پس [ای منافقان] آیا [جز این] انتظار دارید که اگر [از قرآن و سنت پیامبرش] روی بگردانید، در زمین تباهی کنید و از خویشاوندانتان ببریید؟ [چنان که در جاهلیت این حالت را داشتید.]

أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ

(۲۳) اینان کسانی هستند که الله [با دور

فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَرَهُمْ ﴿۲۳﴾
 ساختن از رحمتِ خویش] لعنتشان کرده
 است؛ پس [گوشِ دل] آنان را کر، و چشم
 [دل] آنان را کور ساخته است.

أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْفُرْعَانَ أَمْ عَلَىٰ قُلُوبِ أَقْفَالِهَا ﴿۲۴﴾
 (۲۴) آیا در قرآن تدبّر نمی‌کنند یا قفل‌ها [ی
 غفلت] بر دل‌هایشان نهاده شده است؟

إِنَّ الَّذِينَ أُرْتَدُوا عَلَىٰ أَدْبُرِهِمْ مِّنْ
 بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ
 الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمَلَىٰ لَهُمْ ﴿۲۵﴾
 (۲۵) کسانی که پس از روشن شدن [راه]
 هدایت، به راه پیشینِ خویش بازگشتند [و مرتد
 شدند،] شیطان [اعمال زشتشان را] برایشان
 آراسته و آنان را [با آرزوهای دراز] فریب داده
 است.

ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لِلَّذِينَ كَرِهُوا مَا
 نَزَّلَ اللَّهُ سَنُطِيعُكُمْ فِي بَعْضِ
 الْأَمْرِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِسْرَارَهُمْ ﴿۲۶﴾
 (۲۶) این [جهل و گمراهی،] بدان خاطر است
 که منافقان به مشرکانی که از وحی الهی
 کراهت داشتند گفتند: «ما در برخی از امور از
 شما پیروی می‌کنیم»؛ و الله پنهانکاری‌شان را
 می‌داند.

فَكَيْفَ إِذَا تَوَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ
 يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبُرَهُمْ ﴿۲۷﴾
 (۲۷) آنگاه که فرشتگان الهی بر چهره و
 پشتشان می‌زنند و جانشان را می‌گیرند، [حال
 این منافقان] چگونه خواهد بود؟

ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ اتَّبَعُوا مَا أَصْحَبَ
 اللَّهَ وَكَرِهُوا رِضْوَانَهُ فَحَبِطَ
 أَعْمَلُهُمْ ﴿۲۸﴾
 (۲۸) این [کیفر،] از آن روست که آنان پیرو
 راهی شدند که الله را به خشم می‌آورد و از
 انجام کارهایی که موجب خشنودی الهی
 می‌شود کراهت داشتند؛ پس [الله نیز نتیجه]
 کارهایشان را تباه ساخت.

أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَنْ لَنْ يُخْرِجَ اللَّهُ أَصْغَنَهُمْ ﴿٢٩﴾

(۲۹) آیا بیماردلان [منافق] پنداشته‌اند که الله هرگز کینه‌هایشان را آشکار نخواهد ساخت؟

وَلَوْ نَشَاءُ لَأَرَيْنَاكُمْ فَلَعَرَفْتَهُمْ بِسِيمَتِهِمْ وَلَتَعْرِفَنَّهُمْ فِي لَحْنِ الْقَوْلِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ أَعْمَالَكُمْ ﴿٣٠﴾

(۳۰) [ای پیامبر،] اگر می‌خواستیم، آنان را به تو نشان می‌دادیم که [باطن] آنان را از ظاهرشان بازشناسی؛ و مسلماً از شیوه سخنشان به خوبی آنان را خواهی شناخت؛ و [بدانید که] الله از کارهایتان آگاه است.

وَلَتَبْلُوَنَكُمْ حَتَّى تَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَالصَّابِرِينَ وَتَبْلُوَ أَخْبَارَكُمْ ﴿٣١﴾

(۳۱) قطعاً [همه] شما را آزمایش می‌کنیم تا مجاهدان و شکیبایان را بازشناسیم و احوال شما را می‌آزماییم [تا راستگویان مشخص گردند].

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَشَاقُّوا الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ لَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا وَسَيُحِطُّ بِأَعْمَالِهِمْ ﴿٣٢﴾

(۳۲) کسانی که پس از روشن شدن راه هدایت بر آنان، کفر ورزیدند و [مردم را] از راه الله بازداشتند و به مخالفت با پیامبر برخاستند، هرگز زبانی به الله نخواهند رساند؛ و [الله نیز نتیجه] اعمالشان را تباه خواهد ساخت.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَلَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ ﴿٣٣﴾

(۳۳) ای مؤمنان، از الله و پیامبر اطاعت کنید و [با کفر و ریا] اعمال [شایسته] خویش را تباه نکنید.

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَن سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ مَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ فَلَن يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ ﴿٣٤﴾

(۳۴) کسانی که کفر ورزیدند و [دیگران را نیز] از راه الله بازداشتند و در حال کفر مردند، الله هرگز آنان را نخواهد آمرزید.

فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَتْرُكُكُمْ أَعْمَلَكُمْ ﴿٣٥﴾

(۳۵) پس [ای مؤمنان، هنگام رویارویی با دشمنان] سستی نورزید و [از ترس جنگ، آنان را] به صلح و آشتی دعوت نکنید؛ در حالی که شما برترید و الله با شماست و هرگز از [پاداش] اعمالتان نخواهد کاست.

إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌّ وَهَوًى وَإِنْ تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا يُؤْتِكُمْ أَجْرَكُمْ وَلَا يَسْأَلْكُمْ أَمْوَالَكُمْ ﴿٣٦﴾

(۳۶) به راستی که زندگی دنیا، بازیچه و سرگرمی است؛ و اگر ایمان بیاورید و پرهیزگاری کنید، [الله] پاداشتان را [بی‌کم‌وکاست] خواهد داد؛ و [تمام] اموالتان را نمی‌خواهد [بلکه می‌فرماید که زکاتش را بپردازید].

إِنْ يَسْأَلْكُمْوهَا فَيُحْفِكُمْ تَبَخَّلُوا وَيُخْرِجْ أَصْغَنَكُمْ ﴿٣٧﴾

(۳۷) اگر [تمام] آن را از شما بخواهد و [بر این دستور] اصرار کند، بخل می‌ورزید و [این کار،] کینه‌هایتان را آشکار می‌سازد.

هَذَا أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تُدْعَوْنَ لِتُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمِنْكُمْ مَنْ يَبْخُلُ وَمَنْ يَبْخُلْ فَإِنَّمَا يَبْخُلْ عَن نَفْسِهِ وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَأَنْتُمْ

(۳۸) آگاه باشید! شما کسانی هستید که برای انفاق در راه الله دعوت می‌شوید؛ ولی برخی از شما بخل می‌ورزند؛ و هر کس بخل بورزد، به زیان خویش بخل ورزیده است؛ و الله بی‌نیاز است و [این شما هستید که] نیازمندید؛ و اگر

الْفُقَرَاءَ وَإِنْ تَوَلَّوْا يَسْتَبَدِلْ
 دِیْگَر رَا جَایگَزین شَمَا خَوَاهد کَرْد کِه هَمچُون
 شَمَا [بِه بَخَل مَبْتَلَا] نَباشَنَد.

قَوْمًا غَيْرِكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا
 أَمْثَلَكُمْ

سُورَةُ الْفَتْحِ

سورة فتح

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا ﴿١﴾

(۱) [ای پیامبر،] به راستی که ما پیروزی آشکاری را [در صلح حدیبیه] برایت مقدر کردیم

لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ دَنبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ وَيُتِمَّ نِعْمَتَهُ وَعَلَيْكَ وَيَهْدِيكَ صِرَاطًا

(۲) تا الله گناه گذشته و آیندهات را ببامزد و نعمتش را بر تو تمام گرداند و تو را به راه راست هدایت نماید؛

مُسْتَقِيمًا ﴿٢﴾

وَيَنْصُرَكَ اللَّهُ نَصْرًا عَظِيمًا ﴿٣﴾

(۳) و الله به پیروزی شکستناپذیری یاریات کند.

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ ۗ وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا

(۴) اوست که بر دل‌های مؤمنان آرامش [و ثبات] نازل کرد تا بر ایمانشان بیفزایند؛ و سپاهیان آسمان‌ها و زمین از آن الله است؛ و الله دانای حکیم است.

حَكِيمًا ﴿٤﴾

لِيُدْخِلَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ

(۵) [آری، چنین کرد] تا مردان و زنان مؤمن را به باغ‌هایی [بهشتی] وارد کند که جویبارها از زیر [درختان] آن جاری است؛ جاودانه در

خَلِيدِينَ فِيهَا وَيُكَفِّرُ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَكَانَ ذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ قَوْلًا عَظِيمًا ﴿٥﴾

آنجا خواهند بود؛ و گناهانشان را بزدايد [و بيمارزد]؛ و اين نزد الله کاميابي بزرگي [براي مومنان] است؛

وَيُعَذِّبُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءَ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا ﴿٦﴾

(۶) و [نيز به اين هدف كه] منافقان و مشركان را - اعم از زن و مرد - كه نسبت به الله بدگمانند مجازات كند؛ ناگواري [و عذاب الهی] بر آنان باد! الله بر آنان خشم گرفته و آنان را از رحمت خویش دور کرده و دوزخ را برايشان آماده نموده است؛ و [به راستی كه دورخ] چه بد جاىگاهی است!

وَاللَّهُ جُنُودُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ غَزِيرًا حَكِيمًا ﴿٧﴾

(۷) سپاهیان آسمان‌ها و زمین از آن الله است؛ و الله شكست‌ناپذیر حكيم است.

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ﴿٨﴾

(۸) [ای پیامبر] ما تو را گواه و مژده‌دهنده و هشداردهنده فرستادیم

لِئَلَّامُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتَعَزَّوهُ وَتُوقِرُوهُ وَتُسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا ﴿٩﴾

(۹) تا [شما مردم] به الله و پیامبرش ایمان بیاورید و [دین] او را یاری کنید و او را بزرگ دارید و بامداد و شامگاه، الله را تسبیح گوئید.

إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا

(۱۰) بی‌تردید، کسانی كه با تو بيعت می‌كند، در حقیقت، با الله بيعت می‌كند؛ دست الله بالای دست‌های آنان است. هر كس [پس از بيعت] پیمان‌شكنی كند، به زیان خویش پیمان

يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ ۗ وَمَنْ أَوْفَى بِمَا
عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا
عَظِيمًا ﴿۱۰﴾

شکسته است؛ و هر کس به پیمانش [مبنی بر
یاری دین الله و پیامبرش] وفا کند، به زودی
[الله] پاداش بزرگی به او خواهد داد.

سَيَقُولُ لَكَ الْمُخَلَّفُونَ مِنْ
الْأَعْرَابِ شَعَلْنَا أَمْوَالَنَا وَهَلُونَا
فَأَسْتَغْفِرْ لَنَا يَقُولُونَ بِالسِّنْتِهِمْ
مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ ۗ قُلْ فَمَنْ
يَمْلِكُ لَكُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ
أَرَادَ بِكُمْ ضَرًّا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ
نَفْعًا بَلْ كَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ
خَبِيرًا ﴿۱۱﴾

(۱۱) بادیه‌نشینان متخلف [که از شرکت در
سفر مکه و صلح حدیبیه خودداری کرده‌اند،
برای توجیه کار خود] خواهند گفت:
«[محافظت] اموال و خانواده‌مان ما را گرفتار
کرد؛ برایمان آموزش بخواه». آنان چیزی که در
دل‌هایشان نیست بر زبان می‌آورند. بگو: «اگر
الله اراده کند که به شما زیان یا سودی برسد،
کیست که در مقابل [خواست] الله از شما دفاع
کند؟ آری، الله از آنچه می‌کنید آگاه است».

بَلْ ظَنَنْتُمْ أَنْ لَنْ يَنْقَلِبَ الرَّسُولُ
وَالْمُؤْمِنُونَ إِلَى أَهْلِيهِمْ أَبَدًا
وَرَيْنَ ذَلِكَ فِي قُلُوبِكُمْ وَظَنَنْتُمْ
ظَنَّ السَّوْءِ وَكُنْتُمْ قَوْمًا بُورًا ﴿۱۲﴾

(۱۲) [عذرتان این نبود؛] بلکه گمان می‌کردید
که پیامبر و مؤمنان [همراهش، از این سفر
خطرناک] هرگز نزد خانواده خویش باز نخواهند
گشت؛ و این [توهم] در دل‌هایتان آراسته شد و
گمان بد بردید [که الله دین و پیامبرش را
یاری نخواهد کرد؛ پس به خطا رفتید] و هلاک
شدید.

وَمَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ
فَإِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَعِيرًا ﴿۱۳﴾

(۱۳) هر کس به الله و پیامبرش ایمان نیاورد،
[بداند که] ما آتشی سوزان برای کافران آماده
کرده‌ایم.

(۱۴) فرمانروایی آسمان‌ها و زمین از آن‌الله
یَعْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ
يَشَاءُ وَكَانَ اللَّهُ عَفُورًا
آمزنده مهربان است.

رَّحِيمًا ﴿۱۴﴾

(۱۵) [ای مؤمنان،] هنگامی که عازم [خیبر و]
گرفتن غنیمت می‌شوید، متخلفان [از سفر
مکه] خواهند گفت: «اجازه دهید ما [نیز] به
دنبال شما بیاییم». آنان می‌خواهند کلام الهی
را تغییر دهند. [ای پیامبر،] به آنان بگو: «شما
هرگز به دنبال ما نخواهید آمد [زیرا این
غنیمت‌ها مخصوص کسانی است که در
حدیبه حضور داشتند و درباره این حکم،] الله
قبلاً چنین فرموده است: «انگاه خواهند گفت:
«نه،] بلکه شما نسبت به ما حسد می‌ورزید».
[هرگز چنین نیست؛] بلکه جز عده کمی [از
آنان، اوامر الهی را] در نمی‌یابند.

سَيَقُولُ الْمُخَلَّفُونَ إِذَا انْطَلَقْتُمْ
إِلَى مَعَانِمَ لِتَأْخُذُوهَا ذَرُونَا
نَتَّبِعْكُمْ يُرِيدُونَ أَنْ يُبَدِّلُوا
كَلِمَ اللَّهِ قُلْ لَنْ تَتَّبِعُونَا
كَذَلِكَ قَالَ اللَّهُ مِنْ قَبْلُ
فَسَيَقُولُونَ بَلْ تَحْسُدُونَنَا بَلْ
كَاؤُوا لَا يَفْقَهُونَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿۱۵﴾

(۱۶) [ای پیامبر،] به بادیه‌نشینان متخلف بگو:
«به زودی به مقابله با گروهی جنگاور
فراخوانده خواهید شد که با آنان بجنگید، مگر
اینکه تسلیم شوند؛ اگر اطاعت کنید، الله
پاداش نیکویی به شما خواهد داد؛ و اگر
همچون گذشته سرپیچی نمایید، شما را با
عذابی دردناک مجازات خواهد کرد».

قُلْ لِلْمُخَلَّفِينَ مِنَ الْأَعْرَابِ
سَتُدْعُونَ إِلَى قَوْمِ أُولَىٰ بَأْسٍ
شَدِيدٍ تُقَاتِلُونَهُمْ أَوْ يُسَلِّمُونَ فَإِنْ
تَطِيعُوا يُؤْتِكُمُ اللَّهُ أَجْرًا حَسَنًا
وَإِنْ تَوَلَّوْا كَمَا تَوَلَّيْتُمْ مِنْ قَبْلُ
يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿۱۶﴾

(۱۷) بر نابینا و لنگ و بیمار گناهی نیست [که در جنگ شرکت نکنند]؛ و هر کس از الله و پیامبرش اطاعت کند، [الله] او را به باغ‌هایی [از بهشت] وارد می‌کند که جویبارها از زیر [درختان] آن جاری است؛ و هر کس را که سربچی کند، به عذابی دردناک مجازات خواهد کرد. ﴿۱۷﴾

(۱۸) الله از مؤمنانی که در کنار آن درخت [در حدیبیه] با تو بیعت کردند، راضی شد و دانست که در دلشان چه می‌گذرد؛ از این روی آرامش [و ثبات] بر آنان فرورستاد و به پیروزی نزدیک [در خیبر] پاداششان داد؛ ﴿۱۸﴾

(۱۹) و [همچنین] غنیمت‌های فراوانی که [از خیبر] به دست می‌آورند؛ و الله همواره شکست‌ناپذیر [و] حکیم است. ﴿۱۹﴾

(۲۰) الله غنیمت‌های فراوانی را به شما وعده داد که [در فتوحات اسلامی آینده] به آنها دست خواهید یافت؛ این [پیروزی و غنیمت‌های خیبر] را برای شما زودتر فراهم ساخت و دست [تعدی و تجاوز] دشمن [= یهودیان] را از شما کوتاه نمود تا نشانه‌ای [از لطف الهی] برای مومنان باشد و شما را به راهی راست هدایت کند؛ ﴿۲۰﴾

وَأُخْرَى لَمْ تَقْدِرُوا عَلَيْهَا قَدْ أَحَاطَ اللَّهُ بِهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا ﴿۲۱﴾
 (۲۱) و [همچنین غنیمت‌های] دیگری [در انتظار شماست] که هنوز به آنها دست نیافته‌اید [و] الله بر آنها احاطه دارد [و از آنها آگاه است]. به راستی که الله بر هر کاری تواناست.

وَلَوْ قَتَلْتُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا وَلَوْ كُفِرُوا بِكُمْ لَبُنَّ بِطَنٍ مِّنْكُمْ وَمَا جَاءَكُمْ بِهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ بِذَوِّ قُنُودٍ ﴿۲۲﴾
 (۲۲) اگر کافران به جنگ شما بیایند، [از توکل و صلابت شما] پشت کرده و می‌گریزند؛ سپس هیچ کارساز و یآوری نخواهند یافت.

سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا ﴿۲۳﴾
 (۲۳) این سنت الهی است که پیشتر نیز جاری بوده است؛ و هرگز در سنت الهی تغییر و تبدیلی نخواهی یافت.

وَهُوَ الَّذِي كَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ عَنْهُمْ بِبَطْنِ مَكَّةَ مِنْ بَعْدِ أَنْ أَظْفَرَكُمْ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا ﴿۲۴﴾
 (۲۴) اوست که در دل مکه [= در حدیبیه] دست آنان را از شما کوتاه نمود [و مانع از آن شد که شما را به جنگ وادارند]، و پس از پیروزساختن شما بر آنان، دست‌های شما را از آنان [بازداشت که آنان را بعد از اسارت، نکشید و آزادشان کنید]؛ و الله همواره به آنچه می‌کنید بیناست.

هُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَالْهَدْيِ مَعْكُوفًا أَنْ يَبْلُغَ حِمْلَهُمْ وَلَوْلَا

[بین مردم مکه] نبودند که [در صورت بروز درگیری، ممکن بود] آنان را ندانسته پایمال کنید و ناخواسته مرتکب گناه شوید، [فرمان حمله به مکه می‌دادیم؛ ولی الله چنین کرد] تا [از اهل مکه] هر کس را که بخواهد، مشمول رحمت خویش قرار دهد؛ و اگر [مؤمنان و کافران در مکه] از یکدیگر جدا بودند، کافران را با عذابی دردناک مجازات می‌کردیم.

رَجَالٌ مُّؤْمِنُونَ وَنِسَاءٌ مُّؤْمِنَاتٌ لَّمْ تَعْلَمُوهُنَّ أَنْ تَطَّوَّهُنَّ فَتُصِيبِكُم مِّنْهُنَّ مَعْرَةٌ بَٰعِثٌ رِّجَالٌ لِّدِخْلِ اللَّهِ فِي رَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿٢٥﴾

(۲۶) [به یاد آور] آنگاه که کافران [مکه در حدیبیه] قلباً دستخوش تعصب، [آن هم] تعصب جاهلیت شده بودند، الله آرامش [خاطری از جانب] خویش بر پیامبرش و بر مؤمنان فرورستاد و آنان را به اصل [و اساس توحید و] پرهیزگاری [= لا اله الا الله] پایبند ساخت؛ چرا که [نسبت به مشرکان،] به آن سزاوارتر و شایسته‌تر بودند؛ و الله به هر چیزی داناست.

إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ حَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَىٰ وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا ﴿٢٦﴾

(۲۷) الله رؤیای رسولش را به درستی تحقق بخشید که به خواست الهی، در حالی که سرهایتان را تراشیده و [یا] موهایتان را کوتاه کرده‌اید، در ایمنی و بدون ترس [از دشمن]، به مسجدالحرام وارد خواهید شد. [الله] چیزهایی را می‌دانست که شما نمی‌دانستید؛ و

لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّعْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ عَامِنِينَ مُحِثِّينَ رُءُوسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا فَجَعَلَ مِنْ

علاوه بر فتح مکه، پیروزی نزدیک [خیبر] را
[نیز برایتان] مقرر نمود.

دُونَ ذَلِكَ فَتْحًا قَرِيبًا ﴿٢٧﴾

(۲۸) اوست که پیامبرش را با [کتاب] هدایت و
آیین حق فرستاد تا [حقانیت برتر] آن را بر
همه ادیان آشکار گرداند؛ و الله به عنوان گواه
کافی است.

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ
وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ
كُلِّهِ ۗ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا ﴿٢٨﴾

(۲۹) محمد رسول الله و [صحابه مؤمن و
فداکارش، همان] کسانی که همواره با او
هستند، در برابر کافران [ستیزه‌جو]، محکم و
سختگیرند و با یکدیگر مهربان؛ آنان را در حال
رکوع و سجده می‌بینی که پیوسته فضل و
رضایت الله را می‌جویند؛ نشان [ایمان و
پرهیزگاری] آنان در چهره‌هایشان از اثر سجده
و عبادت هویداست؛ این وصف آنان در تورات
است؛ و توصیفشان در انجیل [نیز] همچون
گیاهی است که جوانه‌اش را برمی‌آورد و آن را
نیرو می‌بخشد تا محکم گردد و بر ساقه‌هایش
استوار بایستد؛ چنان که موجب شگفتی
کشاورزان شود؛ در نتیجه، [الله] با [تقویت و
پیشرفت] مؤمنان، کافران را به خشم می‌آورد.
الله به مؤمنان نیکوکار [= صحابه و پیروانشان]
وعده آمزش و پاداشی بزرگ داده است.

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ ۗ وَالَّذِينَ مَعَهُ
أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ
تَرْتَلُهُمْ رُكْعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ
فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ
فِي وُجُوهِهِمْ مِّنْ أَثَرِ السُّجُودِ
ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ
فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ
شَطْرَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ
فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سَوْقِهِ ۖ يُعْجَبُ
الزَّرَّاعُ لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ ۗ وَعَدَ
اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا
الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا
عَظِيمًا ﴿٢٩﴾

سُورَةُ الْحُجُرَاتِ

سورة حجرات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَقْدِمُوا
بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ ۗ وَاتَّقُوا
اللَّهَ ۚ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿١﴾

(۱) ای مؤمنان، در برابر الله و پیامبرش [در
هیچ کاری] پیشی نگیرید؛ و از الله پروا کنید
که الله شنوای داناست.

يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَرْفَعُوا
أصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا
تَجْهَرُوا لَهُ ۗ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ
بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَن تَحْبَطَ
أَعْمَالُكُمْ وَأَنتُمْ لَا تَشْعُرُونَ ﴿٢﴾

(۲) ای مؤمنان، صدایتان را از صدای پیامبر
بلندتر نکنید؛ و همچنان که برخی از شما با
برخی دیگر بلند سخن می‌گویید، با او به
صدای بلند سخن نگوئید. مبادا بی‌آنکه بدانید،
اعمالتان تباه گردد.

إِنَّ الَّذِينَ يَعُضُونَ أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ
رَسُولِ اللَّهِ ۗ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ
أَمْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِتَلْقَوُا لَهُمْ
مَغْفِرَةً ۗ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ ﴿٣﴾

(۳) کسانی که صدای خود را نزد رسول الله
پایین می‌آورند، الله دل‌هایشان را برای
پرهیزگاری آزموده [و خالص گردانده] است.
آمرزش و پاداش بزرگی برایشان [در پیش] است.

إِنَّ الَّذِينَ يُنَادُونَكَ مِن وَرَاءِ
الْحُجُرَاتِ أَكْثَرُهُمْ لَا
يَعْقِلُونَ ﴿٤﴾

(۴) [ولی] کسانی که از پشت اطاق‌ها [در
همسرانت] تو را صدا می‌زنند، بیشتر آنان
بی‌خردند.

وَلَوْ أَنَّهُمْ صَبَرُوا حَتَّى تَخْرُجَ إِلَيْهِمْ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿۵﴾

(۵) و اگر صبر می‌کردند تا خود برای ملاقاتشان خارج شوی، برایشان بهتر بود؛ و الله آمرزگار مهربان است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهْلَةٍ فَتُصِيبُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ ﴿۶﴾

(۶) ای مؤمنان، اگر شخص منحرفی خبری برایتان آورد، تحقیق کنید تا مبدا ندانسته به گروهی [بی‌گناه] آسیب برسانید و از کرده خود پشیمان شوید.

وَأَعْلَمُوا أَن فِيكُمْ رَسُولَ اللَّهِ لَوْ يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِّنَ الْأَمْرِ لَعَنِتُّمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ أُولَٰئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ ﴿۷﴾

(۷) بدانید که رسول الله میان شماست [و شما می‌دانستید که در میان شما کسی است که در بسیاری از امور از [میل و نظر] شما پیروی کند، قطعاً دچار رنج و زحمت می‌شوید؛ ولی الله ایمان را محبوب شما نمود و آن را در دل‌هایتان بیاراست [تا اسلام بیاورید] و کفر و نافرمانی و سرکشی را در نظرتان ناخوشایند گرداند. آنان [که آراسته به این اوصافند] پویندگان راه هدایت و کمالند.

فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَنِعْمَةً وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿۸﴾

(۸) [این عنایات،] به عنوان فضیلت و نعمتی از جانب الله [مقرر شده است]؛ و الله دانای حکیم است.

وَإِن طَافَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ قَاتَلْتُمَا فَاصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِن

(۹) اگر دو گروه از مؤمنان با هم درگیر شدند، میانشان آشتی برقرار کنید؛ و اگر یک گروه بر

دیگری تجاوز کرد، با گروه متجاوز بجنگید تا به فرمان الله بازآید؛ اگر بازگشت، صلحی عادلانه در میان آنان برقرار کنید و به عدالت رفتار نمایید که الله عادلان را دوست دارد.

بَعَثَ إِحْدَهُمَا عَلَى الْأُخْرَى
فَقَاتِلُوا آلَی تَبَغَى حَتَّى تَفِیءَ إِلَى
أَمْرِ اللَّهِ فَإِن فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا
بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ
يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ ﴿۹﴾

(۱۰) بی‌تردید مؤمنان برادر یکدیگرند؛ پس میان برادران خویش آشتی برقرار کنید و از الله پروا کنید؛ باشد که مورد رحمت قرار گیرید.

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا
بَيْنَ أَخْوِيكُمْ وَأَتَّقُوا اللَّهَ
لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿۱۰﴾

(۱۱) هرگز نباید گروهی [از شما] گروهی دیگر را مسخره کند؛ چه بسا اینان از آنان بهتر باشند؛ و زنان نیز نباید زنان دیگر را مسخره نمایند؛ چه بسا اینان از آنان برتر باشند؛ و از یکدیگر عیبجویی نکنید؛ و یکدیگر را با لقب‌های [زشت] خطاب نکنید [که این کار، مصداق نافرمانی از اوامر الهی است]؛ و بدترین ویژگی [برای یک مسلمان] این است که پس از ایمان آوردن، [فسق و] نافرمانی کند؛ و کسانی که توبه نکنند، [نسبت به نفس خویش] ستمکارند.

يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا يَسْخَرُونَ
قَوْمًا مِّن قَوْمٍ عَسَى أَن يَكُونُوا
خَيْرًا مِّنْهُمْ وَلَا نِسَاءً مِّن نِّسَاءٍ
عَسَى أَن يَكُنَّ خَيْرًا مِّنْهُنَّ وَلَا
تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَرُوا
بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْأَسْمُ الْفُسُوقُ
بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَن لَّمْ يَتُبْ
فَأُولَئِكَ هُم الظَّالِمُونَ ﴿۱۱﴾

(۱۲) ای مؤمنان، از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید؛ چرا که برخی از گمان‌ها گناه است؛

يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَجْتَبُوا
كَثِيرًا مِّن الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ

و درباره یکدیگر تجسس و غیبت نکنید؛ آیا هیچ یک از شما دوست دارد که گوشت برادرِ مرده‌اش را بخورد؟ [حتماً] از آن نفرت دارید، [غیبت نیز به همین زشتی است]؛ از الله پروا کنید که الله توبه‌پذیرِ مهربان است.

إِنَّكُمْ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ ﴿١٢﴾

(۱۳) ای مردم، ما شما را از [آمیزش] مرد و زنی آفریدیم و به تیره‌ها و قبیله‌های مختلف تقسیم کردیم تا یکدیگر را بازشناسید. بی‌تردید، بزرگوارترین شما نزد الله پرهیزگارترین شماست؛ و الله [به آنچه می‌کنید] دانا و آگاه است.

يَأْتِيهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقْوَاهُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ ﴿١٣﴾

(۱۴) اعراب [بادیه‌نشین، در حضور پیامبر] گفتند: «ایمان آورده‌ایم» [ای پیامبر، به آنان] بگو: «شما ایمان نیاورده‌اید؛ ولی بگویید: "اسلام آورده‌ایم"؛ و هنوز ایمان در قلب‌هایتان نفوذ نکرده است. اگر از الله و پیامبرش اطاعت کنید، از [پاداش] اعمال شما ذره‌ای نخواهد کاست. به راستی که الله آمرزگاری مهربان است.»

قَالَتِ الْأَعْرَابُ ءَأَمَّنَّا قُلْ لَمْ نُؤْمِنُوا وَلَا كُنِ قَوْلُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ وَإِنْ تُطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَا يَلِكُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١٤﴾

(۱۵) مؤمنان [حقیقی] کسانی هستند که به الله و پیامبرش ایمان آورده‌اند و [لحظه‌ای در ایمانشان] تردید نکردند و با مال و جان‌شان در

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ ءَأَمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي

سَبِيلِ اللَّهِ أَؤَلِيكَ هُمْ
الصّٰدِقُونَ ﴿١٥﴾

راه الله به مبارزه برخاستند؛ اینانند که [در اعتقاد و عمل] صداقت دارند.

قُلْ أَتَعْلَمُونَ اللَّهَ بِدِينِكُمْ وَاللَّهُ
يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي
الْأَرْضِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ
عَلِيمٌ ﴿١٦﴾

(۱۶) [ای پیامبر، به بادیه‌نشینان] بگو: «آیا می‌خواهید الله را از دین خویش آگاه کنید [که از عمق قلب ایمان آورده‌اید؟! در حالی که الله هر چه را که در آسمان‌ها و زمین است می‌داند؛ و الله به هر چیزی آگاه است».

يَمُنُونَ عَلَيْكَ أَنْ أَسْلَمُوا قُلْ لَا
تَمُنُوا عَلَيَّ إِسْلَمَكُم بِلِ اللَّهِ
يَمُنُّ عَلَيْكُمْ أَنْ هَدَيْتُكُمْ
لِلْإِيمَانِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿١٧﴾

(۱۷) آنان بر تو منت می‌نهند که اسلام آورده‌اند؛ بگو: «منتِ اسلامِ خویش را بر من نگذارید؛ بلکه اگر [در ابراز ایمان] صداقت دارید، این الله است که بر شما منت دارد که شما را به سوی ایمان هدایت نموده است».

إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ
تَعْمَلُونَ ﴿١٨﴾

(۱۸) بی‌تردید، الله اسرار آسمان‌ها و زمین را می‌داند و به آنچه می‌کنید بیناست.

سُورَةُ ق

سورة ق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

ق وَالْقُرْآنِ الْمَجِيدِ ﴿١﴾

(۱) ق [قاف]؛ سوگند به قرآن ارجمند [که رستاخیز آمدنی است].

بَلْ عَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِّنْهُمْ فَقَالَ الْكٰفِرُونَ هٰذَا شَيْءٌ عَجِيبٌ ﴿٢﴾

(۲) مشرکان از اینکه هشداردهنده‌ای از میان خودشان به سراغشان آمده است، ابراز شگفتی می‌کنند و می‌گویند: «ماجرای عجیبی است.»

أَءِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا ذٰلِكَ رَجْعٌ بَعِيدٌ ﴿٣﴾

(۳) آیا هنگامی که مُردیم و خاک شدیم، دوباره برانگیخته خواهیم شد؟ [این بازگشتی بعید است].

قَدْ عَلِمْنَا مَا تَنْقُصُ الْأَرْضُ مِنْهُمْ وَعِندَنَا كِتَابٌ حَفِيفٌ ﴿٤﴾

(۴) بی‌تردید، ذراتی که زمین از بدن آنان می‌کاهد [همه را] می‌دانیم؛ و کتابی نگاهبان در اختیار داریم [که هر چه بر آنان مقدر گشته، در آن ثبت است].

بَلْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَهُمْ فِي أَمْرٍ مَّرِيعٍ ﴿٥﴾

(۵) وقتی که [قرآن، یعنی کلام] حق برایشان آمد، آن را تکذیب کردند؛ پس در حالت سرگردانی [و پریشانی] هستند [و درباره قرآن حیرانند].

أَفَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ

(۶) آیا کافران، آسمان را برفرازشان نمی‌نگرند

كَيْفَ بَنَيْنَاهَا وَزَيَّنَّهَا وَمَا لَهَا
 مِنْ فُرُوجٍ ﴿٦﴾
 که چگونه آن را برافراشتیم و [به زیور
 ستارگان] آراستیم و عاری از [هرگونه خلل و]
 شکافی است؟

وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَالْقِيَامَةَ فِيهَا
 رَوَّاسِي وَأَثْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ
 زَوْجٍ بَهِيجٍ ﴿٧﴾
 و زمین را گسترديم و کوه‌های ثابت در آن
 پی افکندیم و از هر نوع گیاه زیبا [و]
 شادی‌انگیزی] در آن رویاندیم.

تَبَصَّرَةَ وَذَكَرَى لِكُلِّ عَبْدٍ
 مُنِيبٍ ﴿٨﴾
 [آنها را آفریدیم] تا برای هر بنده
 توبه‌کاری، موجب بینش و پند باشد؛

وَنَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُبْرَكًا
 فَأَنْبَتْنَا بِهِ جَنَّاتٍ وَحَبَّ
 الْحَبِيدِ ﴿٩﴾
 و بارانی پربرکت از آسمان فرستادیم و با
 آن، باغ‌های میوه] و [مزارع] دانه‌های]
 دروکردنی رویاندیم،

وَالنَّخْلَ بَاسِقَاتٍ لَهَا طَلْعٌ
 نَضِيدٌ ﴿١٠﴾
 و درختان سرکشیده خرما با خوشه‌های
 برهم‌نشسته.

رَزَقًا لِلْعِبَادِ وَأَحْيَيْنَا بِهِ بَلَدَةً
 مَيِّتَةً كَذَلِكَ الْخُرُوجُ ﴿١١﴾
 [باران،] سرزمین خزان‌زده و خشک را حیات
 بخشیدیم؛ خروج از قبرها [در قیامت] نیز
 همین گونه است.

كَذَّبَتْ قَوْمُ نُوحٍ
 وَأَصْحَابُ الرَّسِّ وَثَمُودُ ﴿١٢﴾
 [پیش از آنان نیز قوم نوح و اهالی «رَس»
 [= چاه] و قوم ثمود [پیامبران‌شان را] دروغگو
 شمردند؛

وَعَادٌ وَفِرْعَوْنُ وَإِخْوَانُ لُوطٍ ﴿١٣﴾ و [همچنین قوم] عاد و فرعون و قوم لوط؛

وَأَصْحَابُ الْأَيْكَةِ وَقَوْمِ تُبُعَ كُلٌّ كَذَّبَ الرُّسُلَ فَحَقَّ وَعِيدِ ﴿١٤﴾ و اهالی «ایکه» [= قوم شعیب] و قوم «تُبُع»؛ هر یک [از آنان] پیامبران [الهی] را دروغگو شمردند؛ پس وعدهٔ عذاب من [بر آنان] تحقق یافت.

أَفَعَيَّبْنَا بِالْخَلْقِ الْأَوَّلِ بَلْ هُمْ فِي لَبِيسٍ مِّنْ خَلْقٍ جَدِيدٍ ﴿١٥﴾ آیا ما در آفرینش نخستین فروماندیم [تا از بازآفرینی آن عاجز باشیم]؟ [هرگز]، بلکه آنان از آفرینش جدید در [حیرت و] تردیدند.

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعَلْمُ مَا تُوسَّسُ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ ﴿١٦﴾ ما انسان را آفریدیم و از وسوسه‌های ضمیرش آگاهیم؛ و از شاه‌رگ [وی] به او نزدیک‌تریم.

إِذْ يَتَلَقَى الْمُتَلَقِيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِيدٌ ﴿١٧﴾ وقتی دو فرشته که بر سمت راست و چپ مراقب نشسته‌اند [رفتارش را] ثبت می‌کنند؛

مَا يَلْفُظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ ﴿١٨﴾ هر سخنی که بر زبان می‌آورد، [فرشته] مراقبی در کنار او آماده است [و آن سخن را می‌نویسد].

وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ﴿١٩﴾ سختی‌های مرگ، به راستی در رسید؛ [ای انسان غافل]، این همان چیزی است که از آن می‌گریختی؛

وَنُفِخَ فِي الصُّورِ ذَلِكَ يَوْمٌ مِّمٌّ (۲۰) و [برای دومین بار] در «صور» دمیده می‌شود [و قیامت برپا می‌گردد]. آن روز، [روز تحقق] وعده [عذاب] است.

وَجَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ (۲۱) و هر کس در حالی [که دو فرشته او را همراهی می‌کنند به عرصه محشر] می‌آید؛ یکی [او را] سوق می‌دهد و دیگری [بر اعمالش] گواه است.

لَقَدْ كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ (۲۲) [به او گفته می‌شود:] «تو از این [روز] در غفلت بودی و ما [با عذاب دوزخ] پرده [ی غفلت] را از مقابل [چشم‌های] تو برداشتیم؛ اکنون دیده‌ات تیزبین شده است.

وَقَالَ قَرِينُهُ هَذَا مَا لَدَيَّ عَتِيدٌ (۲۳) [فرشته] همنشین وی می‌گوید: «این همان [نامه اعمال او] است که [آن را] ثبت کرده‌ام و [نزدم آماده است].»

الْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلٌّ كَفَّارٌ عَنِيدٌ (۲۴) [الله خطاب به آن دو فرشته می‌فرماید:] «هر ستیزه‌جوی حق‌ستیزی را در دوزخ بیفکنید؛

مَنَاعٍ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ مُّرِيبٍ (۲۵) [هر] مانع خیر و متجاوز و بدگمان را؛

الَّذِي جَعَلَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَأَلْقِيَاهُ فِي الْعَذَابِ الشَّدِيدِ (۲۶) همان کسی که در کنار الله، معبود دیگری قرار می‌داد. او را در عذابی سخت بیفکنید.»

﴿قَالَ قَرِينُهُ رَبَّنَا مَا أَطْعَيْتُهُ وَلَا لَكِن كَان فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ﴾ (۲۷) [شیطان] همنشینش می گوید: «پروردگارا، من او را به طغیان نکشیدم؛ بلکه او خود در گمراهی بی پایانی بود».

قَالَ لَا تَخْتَصِمُوا لَدَيَّ وَقَدْ قَدَّمْتُ إِلَيْكُمْ بِالْوَعِيدِ ﴿۲۸﴾ (۲۸) [الله] می فرماید: «در پیشگاه من ستیز نکنید که پیش از این به شما هشدار داده بودم».

مَا يُبَدَّلُ الْقَوْلُ لَدَيَّ وَمَا أَنَا بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ ﴿۲۹﴾ (۲۹) فرمان مجازات، نزد من تغییرپذیر نیست؛ و الله [در کیفر و پاداش] به بندگان ستم نمی کند».

يَوْمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ امْتَلَأَتْ وَتَقُولُ هَلْ مِنْ مَزِيدٍ ﴿۳۰﴾ (۳۰) روزی که به دوزخ می گوئیم: «آیا پُر شده ای؟» [و او] می گوید: «آیا بیش از این هم هست؟».

وَأَزَلَّتْ أَلْجَتُّهُ لِّلْمُتَّقِينَ غَيْرَ بَعِيدٍ ﴿۳۱﴾ (۳۱) [در آن روز] بهشت را برای پرهیزگاران نزدیک می کنند، و فاصله ای از آنان ندارد [تا نعمت هایش را از نزدیک ببینند].

هَذَا مَا تُوْعَدُونَ لِكُلِّ أَوَّابٍ حَفِيظٍ ﴿۳۲﴾ (۳۲) [به آنان گفته می شود]: «این همان پاداشی است که به شما وعده داده می شد که برای هر توبه کاری است که [به سوی پروردگارش باز می گردد و به پیمان و احکام الهی] پایبند است».

مَنْ خَشِيَ الرَّحْمَنَ بِالْغَيْبِ ﴿۳۳﴾ (۳۳) همان کسی که در نهان از [خشم الله]

رحمان می‌ترسد و با قلبی توبه‌کار [به پیشگاهش] باز می‌گردد.

وَجَاءَ بِقَلْبٍ مُنِيبٍ ﴿٣٣﴾

اَدْخُلُوهَا بِسَلَامٍ ذَٰلِكَ يَوْمُ الْخُلُودِ ﴿٣٤﴾ با سلامت به بهشت درآیید؛ این است روز جاودانگی.

لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ فِيهَا وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ ﴿٣٥﴾ در آنجا هر چه بخواهند، در اختیار دارند و حتی بیشتر از آن [نیز] در اختیار ماست.

وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِّن قَرْنٍ هُمْ أَشَدُّ مِنْهُمْ بَطْشًا فَنَقَّبُوا فِي الْبِلَادِ هَلْ مِن مَّحِيصٍ ﴿٣٦﴾ و پیش از اینان [= مشرکان مکه]، امت‌های زیادی را نابود کردیم که آنان [به مراتب] از اینها قوی‌تر بودند؛ و در گوشه و کنار شهرها به جستجو پرداختند [که ببینند آیا] هیچ پناه و گریزگاهی [از عذاب و هلاکت، برایشان] وجود دارد.

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَذِكْرًا لِمَن كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْفَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ ﴿٣٧﴾ بی‌گمان در این [سخن] برای صاحب‌دلان یا کسانی که با حضور [قلب به ندای توحید] گوش فرامی‌دهند و هوشیارند، اندرز است.

وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَمَا مَسَّنَا مِن لُّغُوبٍ ﴿٣٨﴾ ما آسمان‌ها و زمین و آنچه را که میان آنهاست، در شش روز آفریدیم و [هرگز] رنج و خستگی به ما نرسید.

فَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ [ای پیامبر]، در برابر سخنان مشرکان شکمپا باش؛ و پیش از طلوع آفتاب و قبل از

وَقَبَلَ الْعُرُوبِ ﴿٣٩﴾ غروب آن، پروردگارت را به پاکی ستایش کن [و نماز بگزار].

وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَادْبِرَ ﴿٤٠﴾ و نیز [در پاسی] از شب و پس از هر نماز، اَلسُّجُودِ ﴿٤٠﴾ او را به پاکی ستایش کن.

وَأَسْمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِّنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ ﴿٤١﴾ و [ای پیامبر]، آنگاه که منادی [قیامت] از مکانی نزدیک ندا می دهد، گوش فرادار.

يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ﴿٤٢﴾ روزی که همگان بانگ هولناک [رستاخیز] را به حق می شنوند، [آن روز] روزِ خُرُوجِ ﴿٤٢﴾ خروج [از گورها] است.

إِنَّا نَحْنُ نُحْيِيهِ وَنُمِيتُهُ وَإِنَّا الْمَصِيرُ ﴿٤٣﴾ ما مییم که حیات می بخشیم و مرگ می دهیم؛ و بازگشت [همگان] به سوی ماست.

يَوْمَ تَشَقُّقُ الْأَرْضُ عَنْهُمْ سِرَاعًا ﴿٤٤﴾ روزی که زمین از [فراز] آنان شکافته می شود، انسان ها شتابان [بیرون می آیند]. این احضاری است که برای ما آسان است.

نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِجَبَّارٍ فَذَكَرْ بِالْقُرْآنِ مَن يَخَافُ وَعِيدِ ﴿٤٥﴾ ما به آنچه [کافران] می گویند داناتریم؛ و تو [ای پیامبر] بر آنان مسلط نیستی [که بخواهی آنان را به ایمان آوردن وادار کنی]؛ کسی را که از عذاب [و هشدار] من می ترسد، به [وسیله] قرآن اندرز بده.

سُورَةُ الدَّارِيَاتِ

سورة ذاریات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

- وَالذَّرِيَّتِ ذَرَوْا ﴿١﴾ (۱) سوگند به بادهای خاک [و باران] افشان
- فَالْحَمَلَاتِ وِقْرًا ﴿٢﴾ (۲) و سوگند به ابرهای سنگین بار [از باران]
- فَالْجَرِيَّتِ يُسْرًا ﴿٣﴾ (۳) و سوگند به کشتی‌های سبک‌سیر
- فَالْمَقْسَمَتِ امْرَأًا ﴿٤﴾ (۴) و سوگند به فرشتگانی که کارها را [به امر الله] تقسیم می‌کنند
- إِنَّمَا تُوْعَدُونَ لَصَادِقٌ ﴿٥﴾ (۵) که آنچه [در مورد پاداش و عذاب] به شما وعده داده شده حقیقت دارد؛
- وَإِنَّ الدِّينَ لَوَاقِعٌ ﴿٦﴾ (۶) و کیفر و جزای اعمال] قطعاً به وقوع می‌پیوندد.
- وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْحُبُكِ ﴿٧﴾ (۷) سوگند به آسمان که [با ستارگان آراسته شده، و گویی] دارای راه‌هاست،
- إِنَّكُمْ لَنِي قَوْلٍ مُّخْتَلِفٍ ﴿٨﴾ (۸) که شما [در مورد پیامبر و قرآن] اختلاف نظر دارید.
- يُؤْفِكُ عَنْهُ مَنْ أَفِكٌ ﴿٩﴾ (۹) هر کس [از راه حق] بازگردانده شود، از [ایمان به] پیامبر و قرآن نیز بازگردانده خواهد شد.

- قَتِلَ الْخَرَّاصُونَ ﴿۱۰﴾ (۱۰) مرگ [و لعنت] بر دروغگویان!
- الَّذِينَ هُمْ فِي غَمْرَةٍ سَاهُونَ ﴿۱۱﴾ (۱۱) همان کسانی که در ورطهٔ جهل، غافلند.
- يَسْأَلُونَ أَيَّانَ يَوْمِ الدِّينِ ﴿۱۲﴾ (۱۲) آنان [پیوسته و از روی انکار] می‌پرسند: «روز جزا چه زمانی است؟»
- يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُفْتَنُونَ ﴿۱۳﴾ (۱۳) همان روزی است که به آتش مجازات می‌شوند؛
- دُوفُوا فِتْنَتَكُمْ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ ﴿۱۴﴾ (۱۴) [و به آنان گفته می‌شود:] «عذاب خود را بچشید؛ این همان آتشی است که به شتاب می‌خواستید.»
- إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿۱۵﴾ (۱۵) [در روز قیامت،] مسلماً پرهیزگاران در باغ‌هایی [از بهشت] و [کنار] چشمه‌سارها به سر می‌برند؛
- عَاخِذِينَ مَا آتَاهُمْ رَبُّهُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُحْسِنِينَ ﴿۱۶﴾ (۱۶) آنچه پروردگارشان به آنان عطا کرده است دریافت می‌دارند؛ زیرا در [زندگی] گذشته نیکوکار بوده‌اند.
- كَانُوا قَلِيلًا مِّنَ الْأَلْبِلِ مَا يَهْجَعُونَ ﴿۱۷﴾ (۱۷) آنان اندکی از شب را می‌خفتند [و بقیه را به نماز و نیایش مشغول بودند]
- وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ ﴿۱۸﴾ (۱۸) و سحرگاهان [از الله] آمرزش می‌خواستند
- وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ ﴿۱۹﴾ (۱۹) و در اموالشان برای سائل و محروم، حقی [معین از صدقه و زکات] بود.

وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِلْمُوقِنِينَ ﴿٢٠﴾ و در زمین نشانه‌ها [ای قدرت الهی] برای
اهل یقین پدیدار است؛

وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ ﴿٢١﴾ و [نیز] در وجود خودتان، آیا نمی‌بینید؟

وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ ﴿٢٢﴾ و رِزق و روزی‌تان و آنچه [از کيفر و پاداش و خیر و شر که] به شما وعده داده می‌شود، در آسمان است.

فَوَرَبِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقُّ مِثْلَ مَا أَنْتُمْ تَنْطِقُونَ ﴿٢٣﴾ سوگند به پروردگار آسمان و زمین که وعده [ای قیامت و پاداش و عذاب] همچون سخن گفتنتان، حقیقی و قطعی است.

هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ الْمُكْرَمِينَ ﴿٢٤﴾ [ای پیامبر] آیا داستان میهمانان گرامی ابراهیم به تو رسیده است؟

إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ قَوْمٌ مُنْكَرُونَ ﴿٢٥﴾ آنگاه که بر او وارد شدند و سلام گفتند، او گفت: «سلام» [و زیر لب گفت: «گروهی ناشناسند»].

فَرَاغَ إِلَىٰ أَهْلِهِ فَجَاءَ بِعِجْلٍ سَمِينٍ ﴿٢٦﴾ آنگاه آهسته نزد خانواده خود رفت و گوساله‌ای فربه [و بریان برای پذیرایی] آورد.

فَقَرَّبَهُوَ إِلَيْهِمْ قَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ ﴿٢٧﴾ [او غذا را] نزد آنان گذاشت [و چند لحظه بعد] گفت: «آیا نمی‌خورید؟»

فَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُوا لَا أَحْسَاسُ تَرَسٍ كَرَدَ؛ گفتند: نترس [ما

تَحَفُّطٌ وَبَشْرُوهُ يُعْلِمِ عَلِيمٍ ﴿٢٨﴾ فرشته‌ایم؛ و او را به [تولد] پسری دانا بشارت دادند.

فَأَقْبَلَتِ أُمْرَأَتُهُ فِي صَرَيعٍ ﴿٢٩﴾ همسرش با فریاد [و شگفتی] پیش آمد و فَصَكَّتْ وَجْهَهَا وَقَالَتْ عَجُوزٌ ﴿٢٩﴾ «پیرزنی نازا [فرزند می‌زاید]؟!» عَقِيمٌ ﴿٢٩﴾

قَالُوا كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ إِنَّهُ هُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ ﴿٣٠﴾ [فرشتگان] گفتند: «پروردگارت اینچنین فرموده است؛ و بی‌گمان، او حکیم داناست.»

قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ ﴿٣١﴾ [ابراهیم] گفت: «ای فرستادگان [الله]، کار و مأموریت شما چیست؟»

قَالُوا إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَىٰ قَوْمٍ مُّجْرِمِينَ ﴿٣٢﴾ [فرشتگان] گفتند: «ما برای [مجازات] قومی مجرم [و گناهکار] فرستاده شده‌ایم»

لِيُرْسِلَ عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِّن طِينٍ ﴿٣٣﴾ [٣٣] تا سنگ‌هایی از گل [سخت‌شده] بر سرشان فروباریم.

مُسَوَّمَةً عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُسْرِفِينَ ﴿٣٤﴾ [سنگ‌هایی] که نزد پروردگارت، برای اسرافکاران، نشان گذاشته شده است.»

فَأَخْرَجْنَا مَن كَانَ فِيهَا مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٣٥﴾ [٣٥] مؤمنانی را که در آن [شهرهای قوم لوط] بودند، [پیش از نزول عذاب] بیرون آوردیم؛

فَمَا وَجَدْنَا فِيهَا غَيْرَ بَيْتٍ مِّنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿٣٦﴾ [٣٦] ولی در آنجا فقط یک خانواده را یافتیم که [نسبت به اوامر الهی] تسلیم بودند.

وَتَرَكْنَا فِيهَا آيَةً لِلَّذِينَ يَخَافُونَ ﴿٣٧﴾ و در آن [شهرها] برای مردمی که از عذاب دردناک [الهی] ترس دارند، نشانه‌ای روشن بر جای گذاشتیم.

وَفِي مُوسَى إِذْ أَرْسَلْنَاهُ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ ﴿٣٨﴾ در [داستان] موسی [نیز نشانه و عبرتی است]؛ آنگاه که او را با دلیلی روشن نزد فرعون فرستادیم.

فَتَوَلَّىٰ بُرْكُنَيْهٖ وَقَالَ سَجِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ ﴿٣٩﴾ ولی [فرعون] با تکیه بر قدرتش، روی برگرداند [و حق را نپذیرفت] و گفت: «[این مرد، یا] جادوگر است یا دیوانه».

فَأَخَذْنَاهُ وَجُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ وَهُوَ مُلِيمٌ ﴿٤٠﴾ او را همراه سپاهیانش گرفتیم و به دریا افکندیم [و هلاک کردیم]؛ در حالی که سزاوار سرزنش بود.

وَفِي عَادٍ إِذْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الرِّيحَ الْعَقِيمَ ﴿٤١﴾ در [داستان قوم] عاد [نیز درس عبرتی است]؛ آنگاه که تندبادی بی‌خیر و برکت بر آنان فرستادیم.

مَا تَذُرُ مِنْ شَيْءٍ أَتَتْ عَلَيْهِ إِلَّا جَعَلَتْهُ كَالرَّمِيمِ ﴿٤٢﴾ [تندبادی] که بر هر چه وزید، آن را خاک و خاشاک کرد.

وَفِي ثَمُودَ إِذْ قِيلَ لَهُمْ تَمَتَّعُوا حَتَّىٰ حِينٍ ﴿٤٣﴾ در [داستان قوم] ثمود [نیز درس عبرتی است] آنگاه که [توسط پیامبرشان صالح] به آنان گفته شد: «اندکی [از لذت‌های زندگی] بهره‌مند شوید [که تنها سه روز فرصت دارید]».

فَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ فَأَخَذَتْهُمُ
الصَّاعِقَةُ وَهُمْ يَنْظُرُونَ ﴿٤٤﴾
کردند؛ پس در حالی که چشم به راه بودند،
بانگ عذاب آنان را فراگرفت.

فَمَا اسْتَطَعُوا مِنْ قِيَامٍ وَمَا كَانُوا
مُنْتَصِرِينَ ﴿٤٥﴾
[چنان بر زمین افتادند که] نه توان
برخاستن [و گریز] داشتند و نه یارای دفاع.

وَقَوْمَ نُوحٍ مِّن قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا
قَوْمًا فَاسِقِينَ ﴿٤٦﴾
(۴۶) پیش از آن، قوم نوح را که گروهی
نافرمان بودند [هلاک کردیم].

وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا
لَمُوسِعُونَ ﴿٤٧﴾
(۴۷) ما آسمان را به توان [خود] بنا نهادیم و
همواره آن را وسعت می‌بخشیم؛

وَالْأَرْضَ فَرَشْنَاهَا فَنِعْمَ
الْمُهْدُونَ ﴿٤٨﴾
(۴۸) و زمین را [برای زندگی] گسترده‌ایم و چه
نیک گستراننده‌ای هستیم!

وَمِن كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ
لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿٤٩﴾
(۴۹) و همه چیز را به صورت زوج [= نر و
ماده] آفریدیم؛ باشد که [توجه کنید و] پند
گیرید.

فَقَرُّوا إِلَى اللَّهِ إِنِّي لَكُمْ مِّنْهُ
نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿٥٠﴾
(۵۰) [ای پیامبر، به مردم بگو:] «به سوی الله
بشتابید که من هشداردهنده‌ای آشکار از جانب
او برای شما هستم؛

وَلَا تَجْعَلُوا مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ
إِنِّي لَكُمْ مِّنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿٥١﴾
(۵۱) و در کنار الله معبود دیگری قرار ندهید
که من از [جانب] او هشداردهنده‌ای آشکار
برایتان هستم.»

(۵۲) هر پیامبری که بر پیشینیانشان مبعوث شد، همین گونه گفتند: «[او یا] جادوگر است یا دیوانه».

مَجْنُونٌ ﴿۵۲﴾

(۵۳) آیا یکدیگر را به این [کفر و تکذیب] سفارش کرده بودند؟ نه، بلکه مردمی سرکش بودند.

طَاغُونَ ﴿۵۳﴾

(۵۴) پس [ای پیامبر]، از آنان روی بگردان که تو [به خاطر کفر آنان] هرگز سزاوار سرزنش نیستی.

فَتَوَلَّ عَنْهُمْ فَمَا أَنْتَ بِمَلُومٍ ﴿۵۴﴾

(۵۵) و [پیوسته به آنان] تذکر بده که قطعاً تذکر برای مؤمنان سودبخش است.

وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ ﴿۵۵﴾

(۵۶) و جن و انس را فقط برای این آفریده‌ام که مرا عبادت کنند [و از بندگی دیگران سر باز زنند].

وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ ﴿۵۶﴾

(۵۷) نه از آنان روزی می‌خواهم، نه اینکه مرا خوراک دهند؛

مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَنْ يُطْعَمُونِ ﴿۵۷﴾

(۵۸) [زیرا] الله است که روزی‌رسان نیرومند و برقرار است.

إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ ﴿۵۸﴾

(۵۹) ستمکاران [مشرک نیز] همچون یاران [گذشته] خویش، سهمی از عذاب دارند؛ پس به شتاب [آن را] از من نخواهند.

فَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُنُوبًا مِثْلَ ذُنُوبِ أَصْحَابِهِمْ فَلَا يَسْتَعْجِلُونَ ﴿۵۹﴾

فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ يَوْمِهِمْ
 وَعَدَّةٌ دَادَةٌ مِى شُونَدَا!

الَّذِي يُوعَدُونَ ﴿٦٠﴾

سُورَةُ الطُّورِ

سورة طور

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

وَالطُّورِ ﴿١﴾

(۱) سوگند به کوه طور

وَكِتَابٍ مَّسْطُورٍ ﴿٢﴾

(۲) و سوگند به کتاب نوشته شده

فِي رَقٍّ مَّنْشُورٍ ﴿٣﴾

(۳) در صحیفه‌ای گشوده

وَالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ ﴿٤﴾

(۴) و سوگند به «بیت المعمور» [که فرشتگان

در آن، به عبادت پروردگار مشغولند]

وَالسَّقْفِ الْمَرْفُوعِ ﴿٥﴾

(۵) و سوگند به [آسمان بلند، همان] سقف

برافراشته [بر زمین]

وَالْبَحْرِ الْمَسْجُورِ ﴿٦﴾

(۶) و سوگند به دریای آکنده [از آب]

إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوَاقِعٌ ﴿٧﴾

(۷) که بی تردید، عذاب پروردگارت به وقوع

خواهد پیوست؛

مَا لَهُ مِنْ دَافِعٍ ﴿٨﴾

(۸) و هیچ بازدارنده‌ای ندارد.

يَوْمَ تَمُورُ السَّمَاءُ مَوْرًا ﴿٩﴾

(۹) روزی که آسمان به سختی در جنبش و

اضطراب افتد

وَتَسِيرُ الْجِبَالُ سَيْرًا ﴿١٠﴾

(۱۰) و کوهها با حرکتی شدید روان شوند.

فَوَيْلٌ لِلْمُكَدِّبِينَ ﴿١١﴾

(۱۱) در آن روز، وای به حال تکذیب‌کنندگان!

الَّذِينَ هُمْ فِي حَوْضٍ يَلْعَبُونَ ﴿١٢﴾ همان کسانی که در بیهوده‌گویی، سرگرم بازی‌اند.

يَوْمَ يُدْعُونَ إِلَى نَارِ جَهَنَّمَ دَعَا ﴿١٣﴾ روزی که با خشونت به سوی آتش دوزخ رانده می‌شوند.

هَذِهِ النَّارُ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ ﴿١٤﴾ [به آنان گفته می‌شود:] «این [همان] آتشی است که آن را دروغ می‌پنداشتید.

أَفَسِحْرُ هَذَا أَمْ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ ﴿١٥﴾ آیا این [آتش و عذاب] جادوست یا [هنوز هم آن را] نمی‌بینید؟

أَصْلَوْهَا فَأَصْبِرُوا أَوْ لَا تَصْبِرُوا سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ إِنَّمَا تُحْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿١٦﴾ [به آتش درآید] و بسوزید] که شکیبایی و ناشکیبایی شما [در برابر شعله‌های سوزانش] برایتان یکسان است؛ تنها در برابر آنچه کرده‌اید، مجازات می‌شوید».

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَعِيمٍ ﴿١٧﴾ به راستی که پرهیزگاران در باغ‌های بهشت در ناز و نعمتند؛

فَكَهِنَ بِمَا آتَاهُمْ رَبُّهُمْ وَوَقَّهْمُ رَبُّهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ ﴿١٨﴾ و از بخشش‌های [بی‌دریغ] پروردگارشان و از اینکه از عذاب دوزخ نگاهشان داشته است شادمانند.

كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿١٩﴾ [به آنان گفته می‌شود:] «به پاداشِ کردارتان [در دنیا، اینک] گوارا بخورید و بیاشامید».

مُتَكِّينَ عَلَى سُرُرٍ مَّصْفُوفَةٍ ۖ^{۲۰}
 وَرَوَّجْتَهُمْ بِحُورٍ عَيْنٍ ۝^{۲۱}
 (۲۰) در حالی که بر تخت‌هایی ردیف‌شده تکیه
 زده‌اند و حور العین را به همسری آنان
 درمی‌آوریم.

وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ
 بِإِيمَانٍ اَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا
 اَلْتَنَاهُمْ مِّنْ عَمَلِهِمْ مِّنْ شَيْءٍ ۚ
 كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِيْنٌ ۝^{۲۱}
 (۲۱) مؤمنانی که فرزندانشان در ایمان پیرو
 آنان بودند، فرزندانشان را [نیز در بهشت] به
 آنان ملحق خواهیم کرد و از [پاداش] عملشان
 ذره‌ای نمی‌کاهیم؛ چرا که [سرنوشت] هر کس
 در گرو دستاورد خود اوست [و گناه دیگری را
 به دوش نمی‌کشد].

وَأَمَدَدْنَاهُمْ بِفِكَهَةٍ وَّ لَحْمٍ مِّمَّا
 يَشْتَهُونَ ۝^{۲۲}
 (۲۲) [در بهشت، از] هر نوع میوه و گوشتی
 که بخواهند، پی‌درپی در دسترسشان قرار
 می‌دهیم.

يَتَنَزَّعُونَ فِيهَا كَأَسَا لَا لَعْوُ
 فِيهَا وَلَا تَأْنِيْمٌ ۝^{۲۳}
 (۲۳) در آجا جام‌های شرابی از دست یکدیگر
 می‌گیرند که نه موجب بیهوده‌گویی است و نه
 گناه؛

وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ غِلْمَانٌ لَهُمْ
 كَأَنَّهُمْ لَوْلُو مَكْنُونٌ ۝^{۲۴}
 (۲۴) و نوجوانانی [که برای خدمت]
 پیرامونشان در رفت و آمدند، گویی [از زیبایی و
 سپیدرویی] همچون مرواریدی پنهان [در
 صدف] هستند.

وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ
 يَتَسَاءَلُونَ ۝^{۲۵}
 (۲۵) [بهشتیان] به یکدیگر روی می‌آورند [و]
 از [دنیا و احوال گذشته] خود سؤال می‌کنند.

قَالُوا إِنَّا كُنَّا قَبْلُ فِي أَهْلِنَا (۲۶) می‌گویند: «ما در دنیا، در خانواده خود
مُشْفِقِينَ ﴿۲۶﴾ [از عذاب الهی] می‌ترسیدیم.

فَمَنْ أَلَّهَ عَلَيْنَا وَوَقَّانَا عَذَابَ (۲۷) الله [با نعمت اسلام] بر ما منت نهاد و ما
السُّومِ ﴿۲۷﴾ را از عذاب سوزان [دوزخ] محافظت کرد.

إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلُ نَدْعُوهُ إِنَّهُ هُوَ (۲۸) ما در زندگی دنیا، همواره او را [عبادت
می‌کردیم و به ربوبیت] می‌خواندیم. بی‌تردید،
الْبَرِّ الرَّحِيمِ ﴿۲۸﴾ او نیکوکار مهربان است».

فَذَكِّرْ فَمَا أَنْتَ بِنِعْمَتِ رَبِّكَ (۲۹) [ای پیامبر، با آیات قرآن به مردم] اندرز
بِكَاهِنٍ وَلَا مَجْنُونٍ ﴿۲۹﴾ بده که به لطف پروردگارت [تو برخلاف ادعای
کافران،] نه کاهنی و نه مجنون.

أَمْ يَقُولُونَ شَاعِرٌ نَّتَرَبَّصُ بِهِ ۗ (۳۰) آیا می‌گویند: «محمد شاعری است که
رَبِّبَ الْمُنُونِ ﴿۳۰﴾ منتظریم تا مرگش فرارسد [و از سخنانش
رهایی یابیم]؟»

قُلْ تَرَبَّصُوا فَإِنِّي مَعَكُمْ مِّن (۳۱) بگو: «منتظر [مرگ من] باشید؛ من [نیز]
أَلْمَرِّبِيِّنِ ﴿۳۱﴾ با شما منتظر خواهم ماند [تا عذابتان را به
چشم ببینم].»

أَمْ تَأْمُرُهُمْ أَحْلَمُهُمْ بِهَذَا ۗ أَمْ هُمْ (۳۲) آیا عقل‌هایشان به [بیان] این [سخنان
باطل] حُكْمِ می‌کند یا [اساساً] مردمی سرکش
قَوْمٌ طَاعُونَ ﴿۳۲﴾ هستند؟

أَمْ يَقُولُونَ تَقَوَّلَهُ ۗ بَلْ لَّا (۳۳) آیا می‌گویند: «[محمد] قرآن را جعل

یَوْمُنُونَ ﴿۳۳﴾ کرده است؟» [هرگز چنین نیست؛] بلکه [غرق در تکبرند که] ایمان نمی آورند.

فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِّثْلِهِ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ ﴿۳۴﴾ اگر راست می گویند، سخنی مانند آن بیاورند.

أَمْ خُلِقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ أَمْ هُمُ الْخَالِقُونَ ﴿۳۵﴾ آیا آنان از هیچ آفریده شده اند یا خود آفریننده خویشند؟

أَمْ خَلَقُوا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بَلْ لَا يُوقِنُونَ ﴿۳۶﴾ آیا آنان آسمان ها و زمین را آفریده اند؟ [نه،] بلکه آنان یقین ندارند [که الله آفریننده مطلق است].

أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَبِّكَ أَمْ هُمُ الْمُصِيطِرُونَ ﴿۳۷﴾ آیا گنجینه های [نعمت و هدایت] پروردگارت نزد آنان است؟ آیا [بر همه چیز] تسلط دارند؟

أَمْ لَهُمْ سَلْمٌ يَسْتَمِعُونَ فِيهِ فَلْيَأْتِ مُسْتَمِعُهُمْ بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ ﴿۳۸﴾ آیا نردبانی دارند که [گفتار فرشتگان وحی را] به وسیله آن می شنوند؟ هر کس شنیده است، باید دلیلی روشن بیاورد.

أَمْ لَهُ الْبَنَاتُ وَلَكُمْ الْبَنُونَ ﴿۳۹﴾ آیا الله فرزندان دختر دارد و شما پسر؟

أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِنْ مَعْرَمٍ مَثْقَلُونَ ﴿۴۰﴾ [ای پیامبر،] آیا پاداشی از آنان درخواست می کنی [که از پرداخت آن در رنجند و هزینه اش] برایشان [گران و] سنگین است؟

أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُمُونَ ﴿۴۱﴾
 (۴۱) آیا از عالم غیب آگاهند و [خبرهای نهان را] می‌نویسند؟

أَمْ يُرِيدُونَ كَيْدًا فَالَّذِينَ كَفَرُوا هُمْ الْمَكِيدُونَ ﴿۴۲﴾
 (۴۲) آیا قصد نیرنگ [و نقشه‌ پلیدی برایت] دارند؟ ولی کافران خود گرفتار نیرنگ [و تدبیر الهی] هستند.

أَمْ لَهُمْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿۴۳﴾
 (۴۳) آیا آنان معبودی غیر از الله دارند؟ الله از چیزهایی که [با او] شریک قرار می‌دهند پاک و منزّه است.

وَإِنْ يَرَوْا كِسْفًا مِّنَ السَّمَاءِ سَاقِطًا يَقُولُوا سَحَابٌ مَّرْكُومٌ ﴿۴۴﴾
 (۴۴) [این کافران، حتی] اگر پاره‌هایی از آسمان را نیز در حال سقوط ببینند، [باز هم ایمان نمی‌آورند و] می‌گویند: «ابری متراکم است».

فَدَرَهُمْ حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي فِيهِ يُصْعَقُونَ ﴿۴۵﴾
 (۴۵) پس آنان را [به حال خود] رها کن تا با روزِ موعودشان که [با نخستین دمیدنِ صور] مدهوش مرگ می‌گردند، مواجه شوند.

يَوْمَ لَا يُعْنِي عَنْهُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ﴿۴۶﴾
 (۴۶) روزی که نیرنگشان سودمند نخواهد بود و [از هیچ سو] یاری نمی‌شوند.

وَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا عَذَابًا دُونَ ذَلِكَ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿۴۷﴾
 (۴۷) ستمکاران [در دنیا نیز به دست مؤمنان] به عذاب دیگری گرفتار خواهند شد؛ ولی بیشتر آنان نمی‌دانند.

وَأَصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ ﴿٤٨﴾
 وَاَصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ
 و هنگامی که [از خواب یا به قصد عبادت] برمی خیزی، پروردگارت را به پاکی ستایش کن.

وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَإِدْبَرَ الْجُجُومِ ﴿٤٩﴾
 وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَإِدْبَرَ الْجُجُومِ
 بگوی [و نماز بگزار] و به هنگام افول ستارگان [در سپیده دم نیز نماز صبح بگزار].

سُورَةُ النَّجْمِ

سورة نجم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ ﴿١﴾

(۱) سوگند به ستاره، آنگاه که افول کند

مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ ﴿٢﴾

(۲) که یار شما [= محمد ﷺ] هرگز گمراه نشده و به راه تباهی نیفتاده است؛

وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ ﴿٣﴾

(۳) و از روی هوای نفس سخن نمی گوید.

إِن هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ ﴿٤﴾

(۴) [آنچه می گوید] نیست جز وحی [الهی] که به [او] وحی می شود.

عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَىٰ ﴿٥﴾

(۵) [جبرئیل که فرشته‌ای است] پُرتوان، به او آموزش داده است.

ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوَىٰ ﴿٦﴾

(۶) [همان فرشته] خوش منظری که [با چهره حقیقی‌اش در برابر پیامبر] ایستاد.

وَهُوَ بِالْأُفُقِ الْأَعْلَىٰ ﴿٧﴾

(۷) در حالی که او در افق بالا [در آسمان] قرار داشت.

ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّىٰ ﴿٨﴾

(۸) سپس [جبرئیل] نزدیک شد؛ و نزدیک‌تر؛

فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ ﴿٩﴾

(۹) تا آنکه [فاصله او با پیامبر] به اندازه طول دو کمان یا کمتر بود.

- فَأَوْحَىٰ إِلَىٰ عَبْدِهِ مَا أَوْحَىٰ ﴿١٠﴾ (۱۰) آنگاه [آن فرشته بزرگوار] آنچه را که باید به بنده الله وحی می‌کرد، وحی نمود.
- مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَىٰ ﴿١١﴾ (۱۱) آنچه را که [پیامبر] دید، قلبش دروغ نینداشت.
- أَفْتَمْرُؤُهُ وَعَلَىٰ مَا يَرَىٰ ﴿١٢﴾ (۱۲) آیا با او درباره آنچه می‌بیند مجادله می‌کنید؟
- وَلَقَدْ رَءَاهُ نَزْلَةً أُخْرَىٰ ﴿١٣﴾ (۱۳) در حقیقت، پیامبر یک بار دیگر نیز آن فرشته را [به صورت کامل] مشاهده کرده بود.
- عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَىٰ ﴿١٤﴾ (۱۴) در کنار [درخت بزرگ] «سِدْرَةُ الْمُنْتَهَىٰ» [در آسمان هفتم]
- عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَىٰ ﴿١٥﴾ (۱۵) که آرامشگاه بهشت، همان جاست.
- إِذْ يَغْشَى السِّدْرَةَ مَا يَغْشَىٰ ﴿١٦﴾ (۱۶) آنگاه که هاله‌ای آن درخت را پوشانده بود.
- مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغَىٰ ﴿١٧﴾ (۱۷) چشم [پیامبر، به چپ و راست] منحرف نشد و [از حد] تجاوز نکرد.
- لَقَدْ رَأَىٰ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَىٰ ﴿١٨﴾ (۱۸) به راستی که او برخی از بزرگ‌ترین نشانه‌های پروردگارش را [در آنجا] مشاهده کرد.
- أَفَرَأَيْتُمُ اللَّكْتَ وَالْعُرَىٰ ﴿١٩﴾ (۱۹) [ای مشرکان،] آیا «لات» و «عزى» را دیده‌اید؟

- وَمَوَآءَ الثَّلَاثَةِ الْآخِرَى ﴿٢٠﴾ و «مَنَات» آن سومین [نمادِ بی‌ارزش] را؟ [آیا هیچ سود و زبانی به شما می‌رسانند؟]
- أَلَكُمُ الذَّكْرُ وَلَهُ الْأُنثَى ﴿٢١﴾ آیا [ادعا می‌کنید که] فرزند پسر برای شماست و دختر برای الله؟
- تِلْكَ إِذَا قِسْمَةٌ صِغْرَى ﴿٢٢﴾ در این صورت، این تقسیمی ناعادلانه است.
- إِنْ هِيَ إِلَّا أَسْمَاءٌ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ مَّا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَمَا تَهْوَى الْأَنْفُسُ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمُ الْهُدَى ﴿٢٣﴾ این [نماد]ها فقط اسم‌هایی [بی‌معنا] هستند که خود و پدرانتان با آنها [معبودهای دروغین خود را] نام نهاده‌اید و الله هیچ دلیلی [بر حقانیت این کار] نازل نکرده است. [مشرکان، در اعتقاداتشان] فقط پیرو گمان و خواسته‌های دل‌خویشند؛ حال آنکه [موجبات] هدایت، از جانب پروردگارشان به آنان رسیده است.
- أُمٌّ لِلْإِنْسَانِ مَا تَمَعَّى ﴿٢٤﴾ آیا انسان هر چه [از شفاعت این معبودان باطل] آرزو کند برایش میسر است؟
- فَلِلَّهِ الْآخِرَةُ وَالْأُولَى ﴿٢٥﴾ دنیا و آخرت از آنِ الله است [و به هر کس، هر چه را صلاح بداند می‌بخشد].
- وَكَمْ مِنْ مَلَكٍ فِي السَّمَوَاتِ لَا تُغْنِي شَفَعَتُهُمْ شَيْئًا إِلَّا مِنْ بَعْدِ أَنْ يَأْذَنَ اللَّهُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَرْضَى ﴿٢٦﴾ چه بسیار فرشتگانی در آسمان‌ها هستند که شفاعتشان به هیچ وجه سودمند نخواهد بود؛ مگر پس از آنکه الله، برای هر کس که خواهد و راضی باشد، اجازه دهد.

إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ لَيَسْمُونَ الْمَلَائِكَةَ تَسْمِيَةً
 الْأُنثَى ﴿٢٧﴾
 (۲۷) کسانی که به آخرت باور ندارند، بر فرشتگان الهی نام دختر می‌گذارند [و آنان را دختران الله می‌دانند].

وَمَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ
 إِلَّا الظَّنَّ وَإِنَّ الظَّنَّ لَا يُعْغِي مِنَ
 الْحَقِّ شَيْئًا ﴿٢٨﴾
 (۲۸) آنان در مورد این امر، [کاملاً] بی‌اطلاعتند [و] فقط از حدس و گمان پیروی می‌کنند؛ در حالی که برای [شناخت] حقیقت، گمان کافی نیست.

فَاعْرِضْ عَنْ مَن تَوَلَّىٰ عَن
 ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ
 الدُّنْيَا ﴿٢٩﴾
 (۲۹) پس [ای پیامبر]، تو نیز از کسی که از یاد ما روی گردانده و فقط [لذت‌های] زندگی دنیا را می‌خواهد، روی برتاب.

ذَلِكَ مَبْلُغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّ رَبَّكَ
 هُوَ أَعْلَمُ بِمَن ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ
 وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَن أَهْتَدَىٰ ﴿٣٠﴾
 (۳۰) نهایت درک و فهمشان همین است. بی‌تردید، پروردگارت به حال کسانی که از راه او منحرف شده‌اند آگاه‌تر است؛ و نیز به حال راه‌یافتگان.

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي
 الْأَرْضِ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسْتَوُوا بِمَا
 عَمِلُوا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا
 بِالْحُسْنَىٰ ﴿٣١﴾
 (۳۱) هر چه در آسمان‌ها و زمین است، از آن الله است؛ [راه خیر و شر را به انسان ارائه کرد] تا بدکاران را در برابر رفتارشان کیفر دهد و نیکوکاران را [با نعمت‌های بهشت] پاداش نیکو عطا نماید.

الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبِيرَ الْإِثْمِ
 وَالْفَوَاحِشَ إِلَّا اللَّمَمَ إِنَّ رَبَّكَ
 (۳۲) و [نیز برای] کسانی که از گناهان بزرگ و بی‌حیایی‌ها اجتناب می‌ورزند؛ مگر

لغزش‌های کم‌اهمیت [و گناهان صغیره که با توبه و عبادت بخشوده می‌شوند] که آمرزش پروردگارت گسترده است؛ از همان دم که شما را از زمین پدید آورد و آنگاه که به صورت جنین در شکم مادرانتان بودید، به [طبیعت] شما آگاه‌تر [از خودتان] است؛ پس خودستایی نکنید، که او تعالی به حال پرهیزگاران داناتر است.

وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ هُوَ أَعْلَمُ بِكُمْ إِذْ
أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَإِذْ أَنْتُمْ
أَجِنَّةٌ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ فَلَا
تُزَكُّوْا أَنْفُسَكُمْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ
اتَّقَى ﴿٣٢﴾

(۳۳) آیا آن کسی را که [از حق] روی برتافت دیده‌ای؟

أَفَرَأَيْتَ الَّذِي تَوَلَّى ﴿٣٣﴾

(۳۴) و اندکی انفاق کرد و [سپس] خودداری نمود.

وَأَعْطَى قَلِيلًا وَأَكْدَى ﴿٣٤﴾

(۳۵) آیا علم غیب دارد و [آینده را] می‌بیند؟

أَعِنْدَهُ عِلْمُ الْغَيْبِ فَهَوْا
يَرَى ﴿٣٥﴾

(۳۶) یا از مطالب کتاب آسمانی موسی باخبر نشده است؟

أَمْ لَمْ يُنَبِّأْ بِمَا فِي صُحُفِ
مُوسَى ﴿٣٦﴾

(۳۷) و [نیز از صحیفه‌های] ابراهیم، همان که حق [رسالت و بندگی ما] را بطور کامل ادا کرد،

وَأَبْرَاهِيمَ الَّذِي وَفَّى ﴿٣٧﴾

(۳۸) که هیچ گناهکاری بارِ گناه دیگری را بر دوش نخواهد کشید؛

أَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ الْأُخْرَى ﴿٣٨﴾

وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى ﴿٣٩﴾ و اینکه انسان فقط ثمره تلاش [و نیت] خود را خواهد داشت؛

وَأَنْ سَعِيَّهِ وَسَوْفَ يُرَى ﴿٤٠﴾ و اینکه بی گمان، تلاش او [در محاسبه اعمالش در روز قیامت]، منظور خواهد شد؛

ثُمَّ يُجْزَاهُ الْجَزَاءَ الْأَوْفَى ﴿٤١﴾ آنگاه پاداشش را به تمامی خواهند داد،

وَأَنْ إِلَى رَبِّكَ الْمُنْتَهَى ﴿٤٢﴾ و اینکه بازگشت [همه امور] به سوی پروردگار توست؛

وَأَنَّهُ هُوَ أَضْحَكَ وَأَبْكَى ﴿٤٣﴾ و اوست که می خنداند و می گریاند؛

وَأَنَّهُ هُوَ أَمَاتٌ وَأَحْيَا ﴿٤٤﴾ و اوست که می میراند و [در آخرت] زنده می کند؛

وَأَنَّهُ خَلَقَ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى ﴿٤٥﴾ و هموست که زوج نر و ماده را می آفریند؛

مِنْ نُّطْفَةٍ إِذَا تُمْنَى ﴿٤٦﴾ از نطفه ای که [در رحم] ریخته می شود؛

وَأَنَّ عَلَيْهِ النَّشْأَةَ الْأُخْرَى ﴿٤٧﴾ و پدیدآوردن دوباره آنها [در قیامت نیز بر عهده] الله است.

وَأَنَّهُ هُوَ أَعْنَى وَأَقْنَى ﴿٤٨﴾ و اوست که [شما را] بی نیاز می کند و سرمایه می بخشد؛

وَأَنَّهُ هُوَ رَبُّ الشَّعْرَى ﴿٤٩﴾ و اوست که پروردگار [ستاره] «شعری» است؛

- وَأَنَّهُ وَآهْلَكَ عَادًا الْأُولَى ﴿۵۰﴾ و اوست که قوم عاد را در گذشته هلاک کرد؛
- وَتَمُودًا فَمَا أَبْقَى ﴿۵۱﴾ و قوم ثمود را [نیز نابود کرد] و [هیچ یک از آنان را] باقی نگذاشت.
- وَقَوْمَ نُوحٍ مِّن قَبْلٍ إِنَّهُمْ كَانُوا هُمْ أَظْلَمَ وَأَطْعَى ﴿۵۲﴾ و قوم نوح را که ستمکارتر و سرکش‌تر بودند نیز پیش از آن [هلاک نمود]؛
- وَالْمُؤَنَّفِكَةَ أَهْوَى ﴿۵۳﴾ و شهرهای زیر و روده [قوم لوط] را [بالا برد و] درهم کوبید؛
- فَعَشَّهَا مَا غَشَّى ﴿۵۴﴾ و آنان را [با باران سنگ] - چنان که باید - فروپوشانید؛
- فَبِأَيِّ آءَالٍ رَبِّكَ تَتَمَارَى ﴿۵۵﴾ حال [ای انسان]، در مورد کدام یک از نعمت‌های پروردگارت تردید روا می‌داری [و مجادله می‌کنی]؟
- هَذَا نَذِيرٌ مِّنَ النَّذِرِ الْأُولَى ﴿۵۶﴾ این [پیامبر نیز] هشداردهنده‌ای است از [گروه] هشداردهندگان پیشین.
- أَزِفَتِ الْأَازِفَةُ ﴿۵۷﴾ قیامت نزدیک شد؛
- لَيْسَ لَهَا مِن دُونِ اللَّهِ كَاشِفَةٌ ﴿۵۸﴾ و هیچ کس - جز الله - نمی‌تواند آن را آشکار کند [و سختی‌هایش را برطرف سازد].
- أَمِنَ هَذَا الْحَدِيثِ تَعَجُّبُونَ ﴿۵۹﴾ [ای مشرکان]، آیا از این سخن در شگفتید؟

وَتَضْحَكُونَ وَلَا تَبْكُونَ ﴿٦٠﴾

(۶۰) و [به آیات قرآن] می خندید و [از شنیدن هشدارهایش نمی ترسید و] اشک نمی ریزید؟

وَأَنْتُمْ سَلِيمُونَ ﴿٦١﴾

(۶۱) و در حال غفلت و غرور هستید؟

فَأَسْجُدُوا لِلَّهِ وَأَعْبُدُوا ۝ ﴿٦٢﴾

(۶۲) پس [همگی] برای الله سجده کنید و [تنها] او را عبادت کنید.

سُورَةُ الْقَمَرِ

سورة قمر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

أَفْتَرَبْتِ السَّاعَةَ وَأَنْشَقُّ (۱) قیامت نزدیک شد و ماه [از هم] شکافت.
 الْقَمَرُ ﴿۱﴾

وَأِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرِضُوا وَيَقُولُوا سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ ﴿۲﴾ (۲) اگر [کافران] معجزه‌ای ببینند، روی می‌گردانند و می‌گویند: «[این] جادویی [باطل و] زودگذر است».

وَكَذَّبُوا وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ وَكُلُّ أُمَّةٍ مُّسْتَقِرَّةٌ ﴿۳﴾ (۳) آنان [آیات و نشانه‌های الهی را] دروغ می‌پندارند و از هوای نفس خویش پیروی می‌کنند؛ و هر امری [از پاداش و کیفرهای قیامت] در زمان مخصوص به خود قرار دارد.

وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنَ الْأَنْبَاءِ مَا فِيهِ مُزْدَجَرٌ ﴿۴﴾ (۴) و مطمئناً [ماجرای عذاب اقوام گذشته و] اخباری که باعث دست کشیدن از گناه می‌شود، به مشرکان رسیده است.

حِكْمَةٌ بَالِغَةٌ فَمَا تُغْنِ الدُّرُورُ ﴿۵﴾ (۵) این [آیات الهی، دانش و] حکمتی رساست؛ ولی [برای افراد لجوج،] هشدارها سودی ندارد؛

فَتَوَلَّ عَنْهُمْ يَوْمَ يَدْعُ الدَّاعِ إِلَىٰ شَيْءٍ نُّكْرٍ ﴿۶﴾ (۶) پس [ای پیامبر،] از آنان روی برتاب [و منتظر] روزی [باش] که [فرشته] دعوت‌کننده

[با دمیدن در صور] آنان را به امری بس دشوار
[و وحشتناک] فراخواند.

حُشَعًا أَبْصَرُهُمْ يَخْرُجُونَ مِنْ
الْأَجْدَاثِ كَأَنَّهُمْ جَرَادٌ
مُنْتَشِرٌ ﴿٧﴾

(۷) با دیدگانِ فروافتاده [از وحشت] از گورها
خارج می‌شوند؛ [حرکتشان به سوی دادگاه
الهی، چنان است که] گویی ملخ‌هایی
پراکنده‌اند.

مُهْطِعِينَ إِلَى الدَّاعِ يَقُولُ
الْكٰفِرُونَ هَذَا يَوْمٌ عَسِرٌ ﴿٨﴾

(۸) [هراسناک] به سوی مُنادی [محشر]
می‌شتابند و کافران می‌گویند: «امروز، روز
دشواری است».

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ
فَكَذَّبُوا عَبْدَنَا وَقَالُوا مَجْنُونٌ
وَازْدَجَرَ ﴿٩﴾

(۹) پیش از آنان، قوم نوح [نیز پیامبرشان را]
تکذیب کردند و بندهٔ ما را دروغگو خواندند و
گفتند: «دیوانه است»؛ و او را سخت آزرده‌اند؛

فَدَعَا رَبَّهُ أَنِّي مَغْلُوبٌ
فَأَنْتَصِرُ ﴿١٠﴾

(۱۰) تا آنجا که او پروردگارش را خواند [و
گفت]: «من مغلوب شده‌ام؛ پس یاری‌ام فرما
[و از آنان انتقام بگیر]».

فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ
مُنْهَرٍ ﴿١١﴾

(۱۱) ما نیز درهای آسمان را برای [ریزش]
رگباری سیل‌آسا گشودیم.

وَفَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا فَالْتَقَى
الْمَاءُ عَلَىٰ أَمْرٍ قَدٍ قَدِيرٌ ﴿١٢﴾

(۱۲) و از زمین نیز چشمه‌ها جاری ساختیم و
آبها [از زمین و آسمان] برای طوفانی که مقدر
شده بود، به هم پیوست.

وَحَمَلْنَاهُ عَلَىٰ ذَاتِ الْأَلْوَجِ (۱۳) و نوح را بر [کشتی] ساخته و پرداخته از
تخته‌ها و میخ‌ها سوار کردیم
وَدُوسِرٍ ﴿۱۳﴾

تَجْرِي بِأَعْيُنِنَا جَزَاءَ لِمَن كَانَ (۱۴) که تحت نظر [و حفاظت] ما حرکت
می‌کرد. این، پاداش کسی بود که [قومش] او
كُفِرَ ﴿۱۴﴾
را انکار کرده بودند.

وَلَقَدْ تَرَكْنَاهَا آيَةً فَهَلْ مِن (۱۵) ما آن [کیفر و نجات] را نشانه‌ای [از]
قدرتِ خود] بر جای گذاشتیم؛ آیا پندپذیری
مُدَّكِرٍ ﴿۱۵﴾
هست؟

فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذِرٍ ﴿۱۶﴾ (۱۶) [بنگرید] که عذاب و هشدارهای من
چگونه بود.

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ (۱۷) به راستی که قرآن را برای پند گرفتن
آسان ساختیم؛ آیا پندپذیری هست؟
مِن مُّذَكِّرٍ ﴿۱۷﴾

كَذَّبَتْ عَادٌ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي (۱۸) قوم عاد [نیز پیامبران را] دروغگو
پنداشتند؛ [ای اهل مکه، بنگرید که] عذاب و
وَنُذِرٍ ﴿۱۸﴾
هشدارهای من چگونه بود.

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا (۱۹) ما تندبادی سرد و سخت را در یک روز
شوم و طولانی بر آنان فرستادیم.
فِي يَوْمٍ نَّخِيسٍ مُّسْتَمِرٍّ ﴿۱۹﴾

تَنْزِعُ النَّاسَ كَأَنَّهُمْ أَعْجَازُ نَخْلٍ (۲۰) [طوفانی وحشتناک] که مردم را چنان از
جای می‌کند که گویی تنه‌های نخل
مُنْفَعِرٍ ﴿۲۰﴾
ریشه‌کن شده بودند.

- (۲۱) [ای اهل مکه، بنگرید که] عذاب و هشدارهای من چگونه بود. فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذِرِ ﴿۲۱﴾
- (۲۲) به راستی که قرآن را برای پندگرفتن آسان ساختیم؛ آیا پندپذیری هست؟ وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ ﴿۲۲﴾
- (۲۳) قوم ثمود [نیز] هشداردهندگان را دروغگو پنداشتند. كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِالتُّدْرِ ﴿۲۳﴾
- (۲۴) آنان گفتند: «آیا [سزاوار است] بشری از میان خودمان را پیروی کنیم؟ در این صورت، در گمراهی و سردرگمی خواهیم بود. فَقَالُوا أَبَشْرًا مِمَّنَّا وَاحِدًا نَتَّبِعُهُوَ إِنَّا إِذَا لَفِيَ ضَلَالٍ وَسُعُرٍ ﴿۲۴﴾
- (۲۵) آیا از میان همه ما، تنها بر او وحی نازل شده است؟ [چنین نیست؛] بلکه او دروغگویی خودپسند است. أَءَلْقَى الذِّكْرَ عَلَيْهِ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُوَ كَذَّابٌ أَشِرٌّ ﴿۲۵﴾
- (۲۶) فردا خواهند دانست که دروغگوی خودپسند کیست. سَيَعْلَمُونَ عَذَابَ مَنْ الْكُذَّابِ ﴿۲۶﴾
- (۲۷) [به صالح گفتیم:] «برای آزمایش آنان، ماده شتری [را که درخواست کرده اند، از دل کوه به سویشان] خواهیم فرستاد؛ پس مراقب رفتارشان باش و [بر آزارشان] شکیبایی کن. إِنَّا مُرْسِلُوا النَّاقَةَ فِتْنَةً لَهُمْ فَأَرْتَبُّهُمْ وَأَصْطَبِرُ ﴿۲۷﴾
- (۲۸) و به آنان اعلام کن که آب [چاه]، بین آنان [و آن ماده شتر] سهمیه بندی شده است و هر کس باید در نوبت خود حاضر شود. وَتَبَيَّنْهُمْ أَنْ الْمَاءَ قِسْمَةٌ بَيْنَهُمْ كُلِّ شَرِبٍ مُحْتَضَرٌ ﴿۲۸﴾

فَنَادُوا صَاحِبَهُمْ فَتَعَاطَىٰ (۲۹) ولی آنان همدستان را ندا دادند؛ او نیز دست به کار شد و [شتر را] به قتل رساند. ﴿۲۹﴾

فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذْرٍ ﴿۳۰﴾ [ای اهل مکه، بنگرید که] عذاب و هشدارهای من چگونه بود.

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ صَيْحَةً وَاحِدَةً ﴿۳۱﴾ ما بانگ مرگباری بر آنان فرستادیم؛ به‌ناگاه [همگی] همچون گیاه خشکیده [ای بازمانده از کومه‌ها و حصارهای ساخته‌شده با نی و علف،] خرد و ریز شدند.

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَّكِرٍ ﴿۳۲﴾ به راستی که قرآن را برای پندگرفتن آسان ساختیم؛ آیا پندپذیری هست؟ ﴿۳۲﴾

كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ بِالنُّذْرِ ﴿۳۳﴾ قوم لوط [نیز] هشداردهندگان را دروغگو پنداشتند.

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَاصِبًا إِلَّا آلَ لُوطٍ نَّجَّيْنَاهُمْ بِسَحْرِ ﴿۳۴﴾ [ما نیز] طوفانی ریگ‌بار بر سرشان فرستادیم [که همگی را هلاک کرد]؛ مگر خانواده لوط که سحرگاهان آنان را نجات دادیم.

بِعَمَةٍ مِنْ عِنْدِنَا كَذَلِكَ نَجْرِي مَنْ شَكَرَ ﴿۳۵﴾ [این نجات،] نعمتی از جانب ما بود؛ و به هر کس سپاسگزاری کند، این گونه پاداش می‌دهیم.

وَلَقَدْ أَنْذَرَهُمْ بَطْشَتَنَا فَتَمَارَوْا ﴿۳۶﴾ لوط آنان را از کیفر [سخت] ما بیم داد؛

يَا لَتُنذِرَ ﴿٣٦﴾

ولی آنان در برابر هشدارها به مجادله [و ستیز] برخاستند.

وَلَقَدْ رَاودُوهُ عَنِ صَیْفِهِ ۗ ﴿٣٧﴾ آنان از لوط خواستند که مهمانانش را
فَطَمَسْنَا أَعْيُنَهُمْ فَذُوقُوا عَذَابِي [برای کامجویی] در اختیارشان بگذارد؛ ما نیز
چشمانشان را کور کردیم [و گفتیم]: «طعم عذاب و [نتیجه] هشدارهایم را بچشید».

وَنُذِرُ ﴿٣٧﴾

وَلَقَدْ صَبَّحَهُم بُكْرَةً عَذَابٌ مُسْتَقِرٌّ ﴿٣٨﴾ و صبحگاهان عذابی پایدار آنان را
فراگرفت.

مُسْتَقِرٌّ ﴿٣٨﴾

فَذُوقُوا عَذَابِي وَنُذِرِ ﴿٣٩﴾ [و گفتیم]: «طعم عذاب و [نتیجه] هشدارهایم را بچشید».

فَذُوقُوا عَذَابِي وَنُذِرِ ﴿٣٩﴾

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ ﴿٤٠﴾ به راستی که قرآن را برای پندگرفتن
آسان ساختیم؛ آیا پندپذیری هست؟

مِنْ مُدَكِّرٍ ﴿٤٠﴾

وَلَقَدْ جَاءَ عَالَ فِرْعَوْنَ النُّذُرُ ﴿٤١﴾ هشداردهندگان به سراغ فرعونیان [نیز] رفتند.

وَلَقَدْ جَاءَ عَالَ فِرْعَوْنَ النُّذُرُ ﴿٤١﴾

كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كُلِّهَا فَأَخَذْنَاهُمْ أَخَذَ عَزِيزٍ مُّقْتَدِرٍ ﴿٤٢﴾ [ولی] آنان تمامی آیات ما را دروغ
شمردند؛ ما نیز چنان [که شایسته پروردگار] شکست‌ناپذیر مقتدر [است]، آنان را عذاب کردیم.

أَخَذَ عَزِيزٍ مُّقْتَدِرٍ ﴿٤٢﴾

أَكْفَأُكُمْ خَيْرٌ مِّنْ أَوْلَادِكُمْ ﴿٤٣﴾ [ای اهل مکه]، آیا کافران شما از آنان
بهترند یا برای شما امان‌نامه‌ای در کتاب‌های
[آسمانی پیشین نوشته شده] است؟

أَمْ لَكُمْ بَرَاءَةٌ فِي الزُّبُرِ ﴿٤٣﴾

أَمْ يَقُولُونَ نَحْنُ جَمِيعٌ مُّنتَصِرُونَ ﴿٤٤﴾ یا می‌گویند: «ما جماعتی متحد و انتقام‌جو هستیم».

سَيَهْرَمُ الْجَمْعُ وَيُولُونَ الدُّبُرَ ﴿٤٥﴾ (۴۵) به زودی [در جنگ بدر] جمعشان شکست می‌خورد و فراری خواهند شد.

بَلِ السَّاعَةِ مَوْعِدُهُمْ وَالسَّاعَةُ أَذْهَىٰ وَأَمْرٌ ﴿٤٦﴾ (۴۶) وعده‌گاهشان قیامت است که [نسبت به میدان بدر، روزگاری بسیار] سخت‌تر و تلخ‌تر است.

إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي ضَلَالٍ وَسُعْرٍ ﴿٤٧﴾ (۴۷) گناهکاران در گمراهی و عذابند.

يَوْمَ يُسْحَبُونَ فِي النَّارِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ ذُوقُوا مَسَّ سَقَرَ ﴿٤٨﴾ (۴۸) روزی که با چهره‌هایشان در آتش کشیده می‌شوند [و به آنان می‌گویند: «آتش دوزخ را بچشید»].

إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ ﴿٤٩﴾ (۴۹) بی‌تردید، ما هر چیزی را به اندازه آفریده‌ایم؛

وَمَا أَمْرُنَا إِلَّا وَاحِدَةٌ كَلَمْحٍ بِالْبَصَرِ ﴿٥٠﴾ (۵۰) و [چون چیزی را اراده نماییم] فرمان ما فقط یک [کلمه یعنی «گن»] است؛ به سرعت یک چشم بر هم زدن [یا کمتر، انجام می‌پذیرد].

وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا أَشْيَاعَكُمْ فَهَلْ مِنْ مُّدَكِّرٍ ﴿٥١﴾ (۵۱) به تحقیق که ما [در گذشته] امثال شما [کافران] را نابود کرده‌ایم؛ پس آیا پندپذیری هست؟ [که از این امر عبرت بگیرد و از کفر باز ایستد]؟

وَكُلُّ شَيْءٍ فَعَلُوهُ فِي الزُّبُرِ ﴿٥٢﴾ و تمام کارهایی که [بندگان] انجام داده‌اند در نامه‌های اعمال [شان] ثبت شده است؛

وَكُلُّ صَغِيرٍ وَكَبِيرٍ مُسْتَطَرٌّ ﴿٥٣﴾ و هر [عمل] کوچک و بزرگی [در آن] نوشته شده است.

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ ﴿٥٤﴾ [بهشتی] جای دارند؛
پرهیزگاران در باغ‌ها و [کنار] جویبارهای

فِي مَقْعَدٍ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ ﴿٥٥﴾ در مجلسی سرشار از راستی [و شایستگی] و نزد فرمانروایی مقتدر.

سُورَةُ الرَّحْمَنِ

سورة رحمان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

الرَّحْمَنُ ﴿١﴾

(۱) [الله] رحمان

عَلَّمَ الْقُرْآنَ ﴿٢﴾

(۲) قرآن را آموزش داد؛

خَلَقَ الْإِنْسَانَ ﴿٣﴾

(۳) انسان را آفرید؛

عَلَّمَهُ الْبَيَانَ ﴿٤﴾

(۴) [و] به او سخن گفتن آموخت.

الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ ﴿٥﴾

(۵) خورشید و ماه، با حسابی منظم [و دقیق] در گردشند؛

وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ ﴿٦﴾

(۶) و گیاه و درخت [برایش] سجده می کنند.

وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ

(۷) و آسمان را برافراشت و میزان [عدالت را در زمین] برقرار نمود.

الْمِيزَانَ ﴿٧﴾

أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ ﴿٨﴾

(۸) [ای مردم، چنین کرد] تا در وزن و پیمانه، [به یکدیگر] ستم نکنید؛

وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا

(۹) و سنجش [حقوق دیگران] را به عدالت برآورد کنید و در سنجش [چیزی] مکاهید [و کم فروشی نکنید].

تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ ﴿٩﴾

وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ ﴿١٠﴾

(۱۰) و زمین را برای [زندگی] انسانها مقرر داشت،

فِيهَا فَكَيْهَةٌ وَاللَّخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ ﴿١١﴾
 فيها فکيهه و اللخل ذات اکمام (۱۱) که [انواع] میوه‌ها و نخل‌های خوشه‌دار در آن است.

وَالْحُبُّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ ﴿١٢﴾ و [همچنین] حبوبات برگ‌دار و گیاهان خوشبو؛

فَبِأَيِّ آءِالَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿١٣﴾ پس [ای جن و انس] کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟

خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَلٍ كَالْفَخَّارِ ﴿١٤﴾ او انسان را از گل خشکی همچون سفال آفرید؛

وَخَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَّارِجٍ مِّنْ نَّارٍ ﴿١٥﴾ و جن را از شعله‌ای از آتش خلق کرد؛

فَبِأَيِّ آءِالَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿١٦﴾ پس [ای جن و انس] کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟

رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ ﴿١٧﴾ [او] پروردگار مشرق‌ها و مغرب‌هاست؛

فَبِأَيِّ آءِالَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿١٨﴾ پس [ای گروه انس و جن] کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را تکذیب می‌کنید؟

مَرْجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ ﴿١٩﴾ او دو دریا [ی شور و شیرین] را روان کرد تا [به یکدیگر] برسند؛

بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ ﴿٢٠﴾ [در عین حال،] مانعی میان آن دو است که با هم نمی‌آمیزند؛

فَبِأَيِّ آءِآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٢١﴾ پس [ای جن و انس] کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟

يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللَّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ ﴿٢٢﴾ از آن دو [دریا] مروارید و مرجان به دست می‌آید؛

فَبِأَيِّ آءِآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٢٣﴾ پس [ای جن و انس] کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟

وَلَهُ الْجَوَارِ الْمُنشَآتُ فِي الْبَحْرِ ﴿٢٤﴾ کشتی‌های کوه‌پیکرِ بادبان‌برافراشته [و جاری] در دریا برای اوست؛ كَالْأَعْلَمِ ﴿٢٤﴾

فَبِأَيِّ آءِآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٢٥﴾ پس [ای جن و انس] کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟

كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ ﴿٢٦﴾ هر چه روی زمین وجود دارد، فناپذیر است

وَيَبْقَى وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ ﴿٢٧﴾ و [تنها ذات جاوید و] روی پروردگار باشکوه و ارجمندت باقی خواهد ماند؛ وَالْإِكْرَامِ ﴿٢٧﴾

فَبِأَيِّ آءِآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٢٨﴾ پس [ای جن و انس] کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟

يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ ﴿٢٩﴾ [تمام] کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند از او درخواستِ نیاز می‌کنند و او هر روز [و هر لحظه] در کاری است؛ وَالْأَرْضِ كُلِّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ ﴿٢٩﴾

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٣٠﴾ پس [ای جن و انس] کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟

سَنَفْرُغُ لَكُمْ أَيُّهَ الثَّقَلَانِ ﴿٣١﴾ ای گروه جن و انس، به زودی به حساب شما می‌پردازیم؛

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٣٢﴾ پس [ای جن و انس] کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟

يَمَعَشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنَّ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَنِ ﴿٣٣﴾ ای گروه جن و انس، اگر می‌توانید از کرانه‌های آسمان و زمین گذر کنید [تا از مجازات الهی برهید]، پس بگذرید؛ قادر [به این کار] نخواهید بود، مگر با قدرت [و یبینه فراوان که شما آن را ندارید]؛

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٣٤﴾ پس [ای جن و انس] کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟

يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شُوَاظٌ مِّنْ نَّارٍ وَنُحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ ﴿٣٥﴾ شراره‌ای از آتش و مس گداخته بر شما باریده می‌شود که [در برابر آن] قادر به دفاع [از خود] نیستید؛

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٣٦﴾ پس [ای جن و انس] کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟

فَإِذَا أَنْشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ ﴿٣٧﴾ آنگاه که آسمان بشکافد و همچون روغن گداخته، سرخ‌فام گردد [قیامت آغاز خواهد شد].

فَبِأَيِّ آءَالَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٣٨﴾ پس [ای جن و انس] کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟

فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌّ ﴿٣٩﴾ [۳۹] آن روز، [به علت روشن بودن همهٔ امور، از انس و جن [دربارهٔ گناهانشان] سؤال نخواهد شد؛

فَبِأَيِّ آءَالَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٤٠﴾ پس [ای جن و انس] کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟

يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالتَّوَصِيِّ وَالْأَقْدَامِ ﴿٤١﴾ [۴۱] گناهکاران از سیمایشان شناخته می‌شوند؛ آنگاه [آنان را] از موی پیشانی و پاهایشان می‌گیرند [و به دوزخ می‌اندازند]؛

فَبِأَيِّ آءَالَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٤٢﴾ پس [ای جن و انس] کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟

هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ ﴿٤٣﴾ این [همان] جهنمی است که گناهکاران انکارش می‌کردند؛

يَطُوفُونَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ حَمِيمٍ ءَانٍ ﴿٤٤﴾ [در آنجا] میان آتش و آب بی‌نهایت داغ در حرکتند؛

فَبِأَيِّ آءَالَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٤٥﴾ پس [ای جن و انس] کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟

وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ ﴿٤٦﴾ هر کس از ایستادن در پیشگاه پروردگارش [برای حساب] می‌ترسد، دو باغ [در بهشت] دارد؛

فَبِأَيِّ آءِآلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٤٧﴾ پس [ای جن و انس] کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟

ذَوَاتَا أَفْنَانٍ ﴿٤٨﴾ [با درختانی] پر از شاخسارِ [تر و تازه و ثمردهنده]؛

فَبِأَيِّ آءِآلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٤٩﴾ پس [ای جن و انس] کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟

فِيهِمَا عَيْنَانِ تَجْرِيَانِ ﴿٥٠﴾ در آن دو [باغ]، دو چشمه جاری است؛

فَبِأَيِّ آءِآلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٥١﴾ پس [ای جن و انس] کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟

فِيهِمَا مِنْ كُلِّ فَاكِهَةٍ زَوْجَانِ ﴿٥٢﴾ در آن دو [باغ]، از هر میوه‌ای دو نوع وجود دارد؛

فَبِأَيِّ آءِآلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٥٣﴾ پس [ای جن و انس] کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟

مُتَّكِعِينَ عَلَى فُرُشٍ بَطَّيْنُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ وَجَنَى الْجَنَّتَيْنِ دَانٍ ﴿٥٤﴾ [بهشتیان] بر بسترهایی که آسترش از دیبای ضخیم است تکیه می‌زنند و میوه‌های آن باغ‌ها در دسترسشان است؛

فَبِأَيِّ آءِآلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٥٥﴾ پس [ای جن و انس] کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟

فِيهِنَّ قَلْصِرَاتُ الْظَّرْفِ لَمْ يَطْمِئِنَّ مِنْهُنَّ إِنَّسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا

﴿٥٦﴾ در آن باغ‌ها، حوریانی هستند که تنها [به شوهران خود] نظر دارند [و فقط به آنها عشق

جَانَّ ﴿٥٦﴾ می‌ورزند]، و دستِ احدی از انس و جن قبلاً به آنان نرسیده است؛

فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٥٧﴾ (۵۷) پس [ای جن و انس] کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟

كَأَنَّهُنَّ ءَالِيَا قُوتٌ وَالْمَرْجَانُ ﴿٥٨﴾ (۵۸) گویی آن حوریان، یاقوت و مرجانند؛

فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٥٩﴾ (۵۹) پس [ای جن و انس] کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟

هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَنِ إِلَّا الْإِحْسَنُ ﴿٦٠﴾ (۶۰) آیا پاداشِ نیکی جز نیکی است؟

فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٦١﴾ (۶۱) پس [ای جن و انس] کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟

وَمِنْ دُونِهِمَا جَنَّتَانِ ﴿٦٢﴾ (۶۲) در کنار آن باغ‌ها، دو باغ [بهشتی] دیگر است؛

فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٦٣﴾ (۶۳) پس [ای جن و انس] کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟

مُدَّهَامَّتَانِ ﴿٦٤﴾ (۶۴) [آن دو باغ] که [درختانش] در نهایت سبزی [و خرمی] است؛

فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٦٥﴾ (۶۵) پس [ای جن و انس] کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟

- فِيهِمَا عَيْنَانِ نَضَّاخَتَانِ ﴿٦٦﴾ (٦٦) در آن دو [باغ بهشتی]، دو چشمه همیشه جوشان جاری است.
- فَبِأَيِّ آءَالَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٦٧﴾ (٦٧) پس [ای جن و انس] کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟
- فِيهِمَا فَكِّهَةٌ وَتَخْلٌ وَرُمَّانٌ ﴿٦٨﴾ (٦٨) و در آنها [درختان] میوه و درختان خرما و انار هست؛
- فَبِأَيِّ آءَالَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٦٩﴾ (٦٩) پس [ای جن و انس] کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟
- فِيهِنَّ حَيْرَاتٌ حِسَانٌ ﴿٧٠﴾ (٧٠) در میان آن باغ‌ها، زنان نیک‌سیرت و نیکوروی، حضور دارند؛
- فَبِأَيِّ آءَالَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٧١﴾ (٧١) پس [ای جن و انس] کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟
- حُورٌ مَّقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ ﴿٧٢﴾ (٧٢) حوریانی که در خیمه‌های بهشتی [از چشم بیگانگان] مستورند؛
- فَبِأَيِّ آءَالَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٧٣﴾ (٧٣) پس [ای جن و انس] کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟
- لَمْ يَطْمِئِنَّهُنَّ إِنَّسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ ﴿٧٤﴾ (٧٤) [دوشیزگانی که] دست هیچ انس و جنی قبلاً به آنان نرسیده است؛
- فَبِأَيِّ آءَالَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٧٥﴾ (٧٥) پس [ای جن و انس] کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟

مُتَّكِعِينَ عَلَى رَفْرَفٍ خُضْرٍ (۷۶) [بهشتیان] بر بالشت‌های سبز و
وَعَبَقَرِيٍّ حِسَانٍ ﴿۷۶﴾
بسترهایی نفیس و زیبا آرمیده‌اند؛

فَبِأَيِّ آءَالَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿۷۷﴾ (۷۷) پس [ای جن و انس] کدام یک از
نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟

تَبْرَكَ أَسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ (۷۸) نام پروردگارِ باشکوه و ارجمند تو، بابرکت
وَالْإِكْرَامِ ﴿۷۸﴾
و فرخنده است.

سُورَةُ الْوَاقِعَةِ

سورة واقعه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ ﴿١﴾

(۱) هنگامی که واقعه [قیامت] رخ دهد،

لَيْسَ لَوْقَعَتِهَا كَاذِبَةٌ ﴿٢﴾

(۲) [خواهید دید که] در وقوع آن دروغی نیست؛

خَافِضَةٌ رَّافِعَةٌ ﴿٣﴾

(۳) [گروهی را] خوار می کند [و گروهی را] رفعت مقام می بخشد.

إِذَا رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجًا ﴿٤﴾

(۴) آنگاه که زمین به سختی لرزانده شود

وَبُسَّتِ الْجِبَالُ بَسًّا ﴿٥﴾

(۵) و کوهها به شدت متلاشی شوند

فَكَانَتْ هَبَاءً مُتَّبِنًا ﴿٦﴾

(۶) و [به صورت] غباری پراکنده درآیند

وَكُنْتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً ﴿٧﴾

(۷) و شما به سه گروه تقسیم شوید:

فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ

(۸) [گروه نخست:] سعادتمندان [هستند]؛ چه سعادتمندانی [و چه نیکو جایگاهی]!

الْمَيْمَنَةِ ﴿٨﴾

وَأَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ مَا أَصْحَابُ

(۹) و [گروه دیگر:] تیره بختان [هستند]؛ چه تیره بختانی [و چه بد جایگاهی]!

الْمَشْأَمَةِ ﴿٩﴾

وَالسَّلِطُونَ السَّلِطُونَ ﴿١٠﴾

(۱۰) و [سومین گروه:] پیشگامان که [در نیکی ها] سبقت گرفتند.

- أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ ﴿١١﴾ (۱۱) آنان مقربان [درگاه الهی] هستند.
- فِي جَنَّتِ النَّعِيمِ ﴿١٢﴾ (۱۲) در باغ‌های پر نعمت [بهشت جای دارند].
- ثُلَّةٌ مِّنَ الْأُولَىٰ ﴿١٣﴾ (۱۳) گروه بسیاری از آنان، از پیشینیان هستند [خواه از امت اسلام یا از امت‌های گذشته]؛
- وَقَلِيلٌ مِّنَ الْآخِرِينَ ﴿١٤﴾ (۱۴) و اندکی از آیندگان [و متأخران] هستند.
- عَلَىٰ سُرُرٍ مَّوْضُوعَةٍ ﴿١٥﴾ (۱۵) که بر تخت‌های گوهرنشان،
- مُتَكَبِّرِينَ عَلَيْهَا مُتَقَبِّلِينَ ﴿١٦﴾ (۱۶) روبروی هم تکیه زده‌اند.
- يُطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ ﴿١٧﴾ (۱۷) نوجوانانی جاودان [با طراوت،] همواره گرد آنان [به خدمت] می‌گردند.
- بِأَكْوَابٍ وَأَبَارِيقٍ وَكَأْسٍ مِّن مَّعِينٍ ﴿١٨﴾ (۱۸) با جام‌ها و کوزه‌ها و پیاله‌هایی از شراب جاری؛
- لَا يُصَدَّعُونَ عَنْهَا وَلَا يُنْفُونَ ﴿١٩﴾ (۱۹) [شرابی] که از نوشیدنش سردرد نمی‌گیرند و دستخوشِ مستی نمی‌شوند.
- وَفَلَكَهَاتٍ مِّمَّا يَتَخَيَّرُونَ ﴿٢٠﴾ (۲۰) و از هر میوه‌ای که برگزینند؛
- وَلَحْمِ طَيْرٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ ﴿٢١﴾ (۲۱) و از گوشت هر پرنده‌ای که دلشان بخواهد؛
- وَحُورٍ عِينٍ ﴿٢٢﴾ (۲۲) و [همسرانی از] حور العین؛

- كَأَمْثِلِ اللَّوْلُؤِ الْمَكْنُونِ ﴿٢٣﴾ همچون مروارید پنهان در صدف؛
- جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٢٤﴾ [اینها همه،] پاداش اعمالشان است.
- لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا تَأْتِيهِمْ ﴿٢٥﴾ (٢٥) در آنجا [سخن] یاه و گناه‌آلودی نخواهند شنید؛
- إِلَّا قِيلًا سَلَمًا سَلَمًا ﴿٢٦﴾ (٢٦) مگر سلام و درود [فرشتگان و بهشتیان].
- وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ مَا أَصْحَابُ ﴿٢٧﴾ (٢٧) و [اما] سعادتمندان؛ چه سعادتمندانی! الْيَمِينِ ﴿٢٧﴾
- فِي سِدْرٍ مَّخْضُودٍ ﴿٢٨﴾ (٢٨) در کنار درختان بی‌خارِ سدر [هستند]؛
- وَطَلْحٍ مَّنْضُودٍ ﴿٢٩﴾ (٢٩) و درختان موز با خوشه‌های برهم‌نشسته
- وَزَلِّيٍّ مَّمْدُودٍ ﴿٣٠﴾ (٣٠) با سایه‌ای گسترده
- وَمَاءٍ مَّسْكُوبٍ ﴿٣١﴾ (٣١) و آبِ همواره روان؛
- وَفَلَكَهَةٍ كَثِيرَةٍ ﴿٣٢﴾ (٣٢) و میوه‌های فراوان
- لَا مَقْطُوعَةٍ وَلَا مَمْنُوعَةٍ ﴿٣٣﴾ (٣٣) که نه تمام می‌شود و نه ممنوع می‌گردد،
- وَفُرُشٍ مَّرْفُوعَةٍ ﴿٣٤﴾ (٣٤) و بسترهای برافراشته [و ارزشمند]
- إِنَّا أَنْشَأْنَاهُنَّ إِنْشَاءً ﴿٣٥﴾ (٣٥) و همسرانی که با آفرینشی ویژه پدید آوردیم [که زیبایی و جوانی جاودان دارند]؛
- فَجَعَلْنَاهُنَّ أَبْكَارًا ﴿٣٦﴾ (٣٦) و آنان را همواره دوشیزه قرار داده‌ایم

- عُرْبًا أَتْرَابًا ﴿٣٧﴾ و شوهردوستانی هم‌سن و سال هستند.
- لِأَصْحَابِ الْيَمِينِ ﴿٣٨﴾ [همهٔ این نعمت‌ها،] برای سعادت‌مندان است
- ثَلَّةٌ مِّنَ الْأُولَىٰ ﴿٣٩﴾ که برخی از آنان از پیشینیان
- و ثَلَّةٌ مِّنَ الْآخِرِينَ ﴿٤٠﴾ و برخی دیگر از متأخران هستند.
- وَأَصْحَابُ الشِّمَالِ مَآ أَصْحَابُ الشِّمَالِ ﴿٤١﴾ و [اما] تیره‌بختان؛ چه تیره‌بختانی!
- فِي سَمُومٍ وَحَمِيمٍ ﴿٤٢﴾ در میان باد سوزان و آب جوشان قرار دارند
- و ظِلٍّ مِّن يَّحْمُومٍ ﴿٤٣﴾ و سایه‌هایی از دود سیاه
- لَا بَارِدٍ وَلَا كَرِيمٍ ﴿٤٤﴾ که نه خنک است و نه خوش.
- إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُتْرَفِينَ ﴿٤٥﴾ آنان در دنیا ثروتمند و سرکش بودند
- و كَانُوا يُصْرُونَ عَلَى الْاِحْنِثِ الْعَظِيمِ ﴿٤٦﴾ و بر گناه بزرگ [شرک] اصرار می‌ورزیدند؛
- و كَانُوا يَقُولُونَ ائِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظْمًا اءِئِنَّا لَمَبْعُوثُونَ ﴿٤٧﴾ و می‌گفتند: «آیا هنگامی که مردیم و خاک و استخوان شدیم، برانگیخته خواهیم شد؟»
- اَوْعَابًا وَاُنَا اَلْاَوْلُونَ ﴿٤٨﴾ آیا نیاکان ما [نیز برانگیخته می‌شوند]؟»

قُلْ إِنَّ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ ﴿٤٩﴾ [ای پیامبر، به کافران] بگو: «بی‌تردید، گذشتگان و آیندگان،

لَمَجْمُوعُونَ إِلَىٰ مِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ ﴿٥٠﴾ همه در وعده‌گاهِ قیامت جمع خواهند شد».

ثُمَّ إِنَّكُمْ أَهْيَا الضَّالُّونَ ﴿٥١﴾ آنگاه شما، ای گمراهان تکذیب‌کننده، الْمَكْذِبُونَ ﴿٥١﴾

لَا كِلُونَ مِن شَجَرٍ مِّن زُقُومٍ ﴿٥٢﴾ (۵۲) قطعاً از [میوه] درخت زَقُوم خواهید خورد؛

فَمَالُؤُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ ﴿٥٣﴾ و شکم‌ها را از آن انباشته می‌کنید؛

فَشَرِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ الْحَمِيمِ ﴿٥٤﴾ (۵۴) آنگاه روی آن، آب جوشان می‌نوشید؛

فَشَرِبُونَ شُرْبَ الْهِيمِ ﴿٥٥﴾ (۵۵) همچون شترانِ عطش‌زده.

هَذَا نُزُلُهُمْ يَوْمَ الدِّينِ ﴿٥٦﴾ (۵۶) این پذیراییِ آنان در روز جزاست.

نَحْنُ خَلَقْنَاكُمْ فَلَوْلَا تُصَدِّقُونَ ﴿٥٧﴾ (۵۷) ماییم که شما را [از هیچ] آفریده‌ایم؛ پس چرا [آفرینشِ دوباره را] باور ندارید؟

أَفَرَأَيْتُمْ مَا تُمْنُونَ ﴿٥٨﴾ (۵۸) آیا به نطفه‌ای که [در رحم همسرانتان] می‌ریزید، توجه کرده‌اید؟

عَأْنْتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ ﴿٥٩﴾ (۵۹) آیا شما آن را می‌آفرینید یا ما آفریننده‌اش هستیم؟

نَحْنُ قَدَرْنَا بَيْنَكُمْ الْمَوْتَ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ ﴿٦٠﴾ ما مرگ را در میان شما مقدر کردیم و ناتوان نیستیم

عَلَى أَنْ تُبَدَّلَ أُمَّةَ لَكُمْ ﴿٦١﴾ که امثال شما را جایگزین [خودتان] و نُنشِئَكُمْ فِي مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٦١﴾ کنیم و شما را به گونه‌ای که از آن بی‌خبرید، [در آفرینشی نو] پدید آوریم.

وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ النَّشْأَةَ الْأُولَى ﴿٦٢﴾ شما که از آفرینش نخستین به روشنی آگاه شده‌اید، چرا [به یاد آخرت نمی‌افتید و] فَلَوْلَا تَذَكَّرُونَ ﴿٦٢﴾ پند نمی‌گیرید؟

أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ ﴿٦٣﴾ آیا به دانه‌هایی که می‌کارید، توجه کرده‌اید؟

ءَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ ﴿٦٤﴾ آیا شما هستید که آن را می‌رویانید یا ما رویاننده‌ایم؟

لَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَاهُ حُطَلًا فَظَلْتُمْ تَفَكَّهُونَ ﴿٦٥﴾ اگر می‌خواستیم، آن را خاشاک می‌کردیم؛ چنان که شگفت‌زده شوید.

إِنَّا لَمَعْرُومُونَ ﴿٦٦﴾ [و چنان آن را نابود می‌کردیم که بگوئید:] «ما زیان کرده‌ایم»؛

بَلْ نَحْنُ مُحْرَمُونَ ﴿٦٧﴾ بلکه همه چیز را از دست داده‌ایم».

أَفَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ الَّذِي تَشْرَبُونَ ﴿٦٨﴾ آیا به آبی که می‌نوشید توجه کرده‌اید؟

ءَأَنْتُمْ أَنْزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ

فرود آورنده آن هستیم.

الْمُنزِلُونَ ﴿٧٦﴾

(۷۰) اگر می خواستیم، آن را بسیار شور و تلخ می کردیم؛ پس چرا شکر به جای نمی آورید؟

نَشَاءُ جَعَلْنَاهُ أُجَاجًا فَلَوْلَا تَشْكُرُونَ ﴿٧٠﴾

(۷۱) آیا به آتشی که می افروزید توجه کرده اید؟

أَفَرَأَيْتُمُ النَّارَ الَّتِي تُورُونَ ﴿٧١﴾

(۷۲) آیا شما درختش را آفریده اید یا ما آفریده ایم؟

عَأْنْتُمْ أَنْشَأْتُمْ شَجَرَتَهَا أَمْ نَحْنُ الْمُنشِئُونَ ﴿٧٢﴾

(۷۳) ما این آتش را وسیله یادآوری [عذاب دوزخ] و مایه برخورداری [و راحتی] مسافران قرار داده ایم.

نَحْنُ جَعَلْنَاهَا تَذْكَرَةً وَنَمَتَعًا لِلْمُقْوِينَ ﴿٧٣﴾

(۷۴) پس [ای پیامبر]، به نام پروردگار بزرگت تسبیح گوی [و او را به پاکی یاد کن].

فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ ﴿٧٤﴾

(۷۵) سوگند به جایگاه ستارگان

فَلَا أَقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ ﴿٧٥﴾

(۷۶) که اگر بدانید، سوگند بزرگی است.

وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ لَّو تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ ﴿٧٦﴾

(۷۷) که این [گفتار]، قرآنی گرانقدر است؛

إِنَّهُ لَقُرْءَانٌ كَرِيمٌ ﴿٧٧﴾

(۷۸) در لوح محفوظ قرار دارد.

فِي كِتَابٍ مَّكْنُونٍ ﴿٧٨﴾

(۷۹) جز فرشتگان پاک سیرت، کسی [آن را نمی بیند و] به آن دسترسی ندارد.

لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ ﴿٧٩﴾

(۸۰) از سوی پروردگار جهانیان نازل شده است.

تَنْزِيلٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٨٠﴾

أَفَبِهَذَا الْحَدِيثِ أَنْتُمْ مُدْهِنُونَ ﴿٨١﴾ آیا این سخن را سبک [و غیر قابل اعتنا] می‌دانید؟!

وَتَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ أَنْكُمْ ﴿٨٢﴾ و به جای شکرِ روزی‌هایی که به شما داده شده است، آن را دروغ می‌پندارید؟

فَلَوْلَا إِذَا بَلَغَتِ الْأُلُقُومَ ﴿٨٣﴾ آنگاه که [جان یکی از شما هنگام جان‌کندن] به گلوگاه می‌رسد

وَأَنْتُمْ حِينِيذٍ تَنْظُرُونَ ﴿٨٤﴾ و شما در آن هنگام نظاره می‌کنید

وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْكُمْ ﴿٨٥﴾ و ما از شما به او نزدیک‌تریم؛ ولی نمی‌بینید.

فَلَوْلَا إِنْ كُنْتُمْ غَيْرَ مَدِينِينَ ﴿٨٦﴾ اگر [در برابر اعمال‌تان] جزا داده نمی‌شوید [و به گمان‌تان قیامتی نیست]،

تَرْجِعُونَهَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٨٧﴾ پس آن [روح] را [به بدن] بازگردانید، اگر راست می‌گویید.

فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ ﴿٨٨﴾ اما اگر او در زمرهٔ مقربان باشد،

فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ وَجَنَّتْ نَعِيمٍ ﴿٨٩﴾ در آرامش و گشایش و بهشت پرنعمت است؛

وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنْ أَصْحَابِ الْأَيْمِينِ ﴿٩٠﴾ و اگر در زمرهٔ سعادتمندان باشد،

فَسَلَّمَ لَكَ مِنْ أَصْحَابِ ﴿٩١﴾ [به او گفته می‌شود:] «سلامت و امنیت

اَلْيَمِينِ ﴿٩١﴾ بر تو باد، که از سعادت‌مندان هستی»؛

وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُكْذِبِينَ ﴿٩٢﴾ اما اگر از تکذیب‌کنندگان گمراه [و در
اَلضَّالِّينَ ﴿٩٣﴾ زمره تیره‌بختان] باشد،

فُزِّلَ مِنَ حَمِيمٍ ﴿٩٤﴾ (۹۳) با آب جوشان [از او] پذیرایی می‌شود

وَتَصْلِيَةٌ جَحِيمٍ ﴿٩٥﴾ (۹۴) و به [آتش] دوزخ درمی‌آید.

إِنَّ هَذَا لَهُوَ حَقُّ الْيَقِينِ ﴿٩٦﴾ (۹۵) این [وعدۀ پاداش و عذاب،] یقیناً حقیقت
دارد [و تردیدی در وقوع آن نیست].

فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ ﴿٩٦﴾ (۹۶) پس [ای پیامبر،] با [ذکر] نام پروردگار
بزرگت [او را] تسبیح گوی.

سُورَةُ الْحَدِيدِ

سورة حديد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿١﴾
 (۱) آنچه در آسمانها و زمین است برای الله تسبیح می گویند؛ و او تعالی پیروزمند حکیم است.

لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢﴾
 (۲) فرمانروایی آسمانها و زمین از آن اوست؛ حیات می بخشد و مرگ می دهد؛ و بر هر کاری تواناست.

هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٣﴾
 (۳) او ازلی و ابدی است و پیدا و ناپیدا؛ و به هر چیزی داناست.

هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ ۗ يَعْلَمُ مَا يَلْبِغُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٤﴾
 (۴) اوست که آسمانها و زمین را در شش روز آفرید؛ آنگاه [آن گونه که شایسته جلال و مقام اوست] بر عرش قرار گرفت. هر چه در زمین نفوذ می کند یا از آن برمی آید و هر چه از آسمان فرود می آید یا در آن صعود می کند، [همه را] می داند؛ و هر جا که باشید، همراه شماست؛ و الله به آنچه می کنید، بیناست.

تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٤﴾

لَهُ مَلِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ﴿٥﴾
 و همهٔ امور تنها به او بازگردانده می‌شود. (۵) فرمانروایی آسمان‌ها و زمین از آن اوست؛

يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُؤَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَهُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿٦﴾
 می‌کشاند و روز را در شب؛ و او به راز دل‌ها داناست. (۶) [با تغییر تدریجی فصول] شب را در روز

عَامِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلِفِينَ فِيهِ فَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَأَنْفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ ﴿٧﴾
 که شما را جانشین [و نمایندهٔ خود در استفاده از آنها] قرار داده است انفاق کنید؛ زیرا افرادی از شما که ایمان بیاورند و انفاق کنند، پاداش بزرگی [در پیش] دارند. (۷) به الله و پیامبرش ایمان آورید و از اموالی

وَمَا لَكُمْ لَا تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالرَّسُولِ يَدْعُوكُمْ لِتُؤْمِنُوا بِرَبِّكُمْ وَقَدْ أَخَذَ مِيثَاقَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٨﴾
 پیامبر، شما را فرامی‌خواند که به پروردگارتان ایمان بیاورید؟ اگر باور دارید، [به یاد داشته باشید که الله در این مورد] از شما پیمان گرفته است. (۸) چرا به الله ایمان نمی‌آورید؛ حال آنکه

هُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ عَلَيَّ عَبْدَهُ عَائِيتٍ بَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَإِنَّ اللَّهَ بِكُمْ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ ﴿٩﴾
 می‌کند تا شما را از تاریکی‌های [کفر و شرک] به سوی نور [ایمان] رهسپار گرداند؛ [زیرا] الله نسبت به شما دلسوز و مهربان است. (۹) اوست که آیاتی روشنگر بر بنده‌اش نازل

وَمَا لَكُمْ أَلَّا تُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ (۱۰) چرا در راه الله انفاق نمی‌کنید، حال آنکه

میراث آسمان‌ها و زمین از آن الله است؟ کسانی که پیش از فتح [مکه] انفاق کردند و جنگیدند، [با دیگران] برابر نیستند؛ درجه آنان والاتر از کسانی است که پس از فتح، انفاق کردند و جنگیدند؛ ولی الله به هر دو گروه، نیکوترین [پاداش‌ها] را وعده داده است؛ و الله به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است.

اللَّهُ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَتَلَ أُولَئِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدُ وَقَتَلُوا وَكَلَّا وَعَدَّ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ

خَيْرٌ ﴿١٠﴾

(۱۱) کیست که به الله قرضی نیکو دهد [و انفاق کند] تا الله نیز آن را برایش چندین برابر سازد و [در آخرت] پاداشی نیکو داشته باشد؟

مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضْعِفُهُ لَهُ وَ لَهُ أَجْرٌ

كَرِيمٌ ﴿١١﴾

(۱۲) [این پاداش بزرگ، در] روزی است که مردان و زنان مؤمن را می‌بینی که نورشان، پیش رو و در سمت راستشان به شتاب حرکت می‌کند؛ [و به آنان خطاب می‌شود]: «امروز بشارت باغ‌هایی [از بهشت] بر شما باد که جویبارها از زیر [درختان] آن جاری است و جاودانه در آن به سر خواهید برد؛ این است همان کامیابی بزرگ».

يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَىٰ نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ بُشْرَانِكُمْ الْيَوْمَ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿١٢﴾

(۱۳) روزی که مردان و زنان منافق به مؤمنان می‌گویند: «منتظرمان بمانید تا پرتویی از نورتان بگیریم»؛ به آنان گفته می‌شود: به

يَوْمَ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ لِلَّذِينَ آمَنُوا انظُرُونَا نَقْتَبِسْ مِنْ نُورِكُمْ قِيلَ ارْجِعُوا

عقب بازگردید و کسبِ نور کنید؛ آنگاه دیواری میانشان قرار می‌گیرد که دری دارد؛ درون آن [که به سوی مؤمنان است]، رو به رحمت است و بیرون آن [که به سمت منافقان است] رو به عذاب است.

وَرَأَىٰكُمْ فَالتَّمِسُوا نُورًا فَضُرِبَ بَيْنَهُم بِسُورٍ لَهُۥۭۤ بَابٌ بَاطِنُهُۥ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهِرُهُۥ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذَابُ ﴿١٣﴾

(۱۴) [منافقان] به مؤمنان می‌گویند: «مگر ما [در دینداری و عبادت] همراه شما نبودیم؟» آنان پاسخ می‌دهند: «بله، ولی شما [با دورویی و تزویر]، خود را به فتنه انداختید [و هلاک کردید]؛ و در انتظار [شکست مؤمنان و بازگشت به شرک و کفر] بودید و [درباره یاری رساندنِ الله به پیامبر و مؤمنان] تردید داشتید و آرزوها [ی دروغین] شما را فریب داد تا آنکه فرمان [مرگتان از جانب] الله در حالی فرارسید که شیطان شما را در برابر او تعالی گستاخ کرده بود.»

يُنَادُونَهُمْ أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ قَالُوا بَلَىٰ وَاكَيْتَكُمْ فَتَنَّمْ أَنْفُسِكُمْ وَتَرَبَّصْتُمْ وَارْتَبْتُمْ وَغَرَّتْكُمُ الْأَمَانِيُّ حَتَّىٰ جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ وَغَرَّكُم بِاللَّهِ الْغُرُورُ ﴿١٤﴾

(۱۵) امروز نه از شما [منافقان] غرامت می‌پذیرند و نه از کافران؛ جایگاهتان آتش است که [به راستی] شایستهٔ شماست؛ و چه بد سرانجامی است!

فَالْيَوْمَ لَا يُؤَخَذُ مِنْكُمْ فِدْيَةٌ وَلَا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مَأْوَىٰكُمْ النَّارُ هِيَ مَوْلَىٰكُمْ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿١٥﴾

(۱۶) آیا وقت آن فرا نرسیده است که دل‌های مؤمنان به یاد الله و کلام حقی که نازل شده

۞ أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ

است [نرم و] فروتن گردد و همچون کسانی نباشند که پیش از این به آنان کتاب آسمانی داده شده بود و چون [از بعثت پیامبرانشان] زمانی طولانی بر آنان گذشت، دل‌هایشان سخت شد و بسیاری از آنان [از دینشان] منحرف شدند؟

مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ
أُوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلَ فَطَالَ
عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ
وَكَثِيرٌ مِّنْهُمْ فَاسْقُونَ ﴿١٦﴾

(۱۷) آگاه باشید که الله زمین را پس از خزان و خشکی‌اش زنده می‌سازد. [ای مردم،] مسلماً ما نشانه‌ها [ای توان و تدبیر خود] را به روشنی برایتان بیان کرده‌ایم؛ باشد که بیندیشید.

أَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ
مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ
لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿١٧﴾

(۱۸) بی‌گمان، مردان و زنانی که انفاق می‌کنند و قرضی نیکو به الله می‌دهند، ثوابشان چندین برابر می‌گردد و [در آخرت،] پاداشی فاخر [و نیک] خواهند داشت.

إِنَّ الْمَصْدِقِينَ وَالْمُصَدِّقَاتِ
وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا
يُضَعْفُ لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ ﴿١٨﴾

(۱۹) کسانی که به الله و پیامبرانش ایمان آوردند، راستگویان [راست‌کردار] هستند؛ و شهیدان نزد پروردگارشان به سر می‌برند و [در آخرت،] پاداش و نورشان محفوظ است؛ و کسانی که کفر ورزیدند و آیات ما را دروغ شمردند، دوزخی‌اند.

وَالَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ
أُولَٰئِكَ هُمُ الصِّدِّيقُونَ
وَالشَّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ
وَنُورُهُمْ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا
بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ
الْجَحِيمِ ﴿١٩﴾

(۲۰) بدانید که زندگی دنیا، بازیچه و سرگرمی و زیور، و فخرفروشی در برابر یکدیگر و

أَعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ

وَلَهُمْ وَزِينَةٌ وَتَفَاخُرُهُمْ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَمًا وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْعُرُورِ ﴿٢٠﴾

افزون طلبی در اموال و فرزندان است؛ [این زندگی،] همچون بارانی است که گیاهان [روییده از] آن، کشاورزان را به شگفت می آورد؛ سپس [این گیاه شاداب،] پژمرده شود؛ آنگاه می بینی که زرد می شود و سپس خاشاک می گردد؛ و در آخرت، [نصیب منافقان و کافران] عذابی شدید است؛ و [نصیب مؤمنان،] آمرزش و رضایت الهی است. [در هر حال] زندگی دنیا چیزی جز [لذت و] برخورداری فانی [و فریبنده] نیست.

سَابِقُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أُعِدَّتْ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ ۗ ذَٰلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿٢١﴾

(۲۱) [ای مردم،] برای رسیدن به آمرزش پروردگارتان و بهشتی که پهنه آن، همچون پهنه آسمان و زمین است، از یکدیگر پیشی بگیرید. [این بهشت،] برای کسانی آماده شده است که به الله و پیامبرانش ایمان آورده اند. این [پاداش، ناشی از] فضل الهی است؛ آن را به هر کس که بخواهد [و شایسته بداند] عطا می کند که الله فضل و بخشش بی حد دارد.

مَا أَصَابَ مِنْ مُّصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِّن قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا ۗ إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ﴿٢٢﴾

(۲۲) هیچ آسیبی در زمین و یا در وجود شما روی نخواهد داد، مگر پیش از آن که آن را پدید آوریم، در دفتر [علم الهی] رقم خورده است. به راستی که این کار، بر الله آسان است.

(۲۳) [این نکته را تذکر دادیم] تا بر آنچه از دستانتان می‌رود افسوس نخورید و به آنچه به دست می‌آورد سرمست نگردید که الله هیچ متکبرِ فخرفروشی را دوست ندارد.

(۲۴) همان کسانی که بخل می‌ورزند و مردم را به بخل وامی‌دارند؛ و هر کس [از انفاق] روی بگرداند، [بداند که] الله بی‌نیاز ستوده است.

(۲۵) در حقیقت، ما پیامبران خویش را با نشانه‌های روشن فرستادیم و کتاب و میزان [تشخیص حق از باطل]، با آنان نازل کردیم تا مردم به عدالت برخیزند؛ و آهن [و سایر فلزات] را پدید آوردیم که در آن، هم نیرویی شدید وجود دارد و هم منافی برای مردم؛ [چنین کردیم] تا الله [برای بندگانش] معلوم بدارد چه کسانی بدون آنکه پروردگارش را ببینند، [با جنگ‌افزارهای آهنین]، او و پیامبرانش را [در میدان‌های جنگ] یاری می‌کنند. بی‌تردید، الله نیرومندِ شکست‌ناپذیر است.

(۲۶) ما نوح و ابراهیم را [به رسالت] فرستادیم و در میان فرزندان‌شان [موهبت] پیامبری و کتاب مقرر داشتیم؛ برخی از آنان راه یافتند و بسیاری از آنان نافرمانی کردند.

لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ ۗ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ ﴿٢٣﴾

الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ ۗ وَمَنْ يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ﴿٢٤﴾

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ ۗ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ ۗ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ ﴿٢٥﴾

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ ۗ فَمِنْهُمْ مُهْتَدٍ وَكَثِيرٌ مِّنْهُمْ فَاسِقُونَ ﴿٢٦﴾

ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَرِهِم بِرُسُلِنَا وَقَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَآتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ وَجَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً ۗ وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا أُتِيَغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا فَآتَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَكَثِيرٌ مِّنْهُمْ فَاسِقُونَ ﴿٢٧﴾

(۲۷) سپس به دنبال آنان، پیامبران دیگرمان را [مبعوث کردیم]؛ و سپس عیسی پسر مریم را فرستادیم و انجیل را به او عطا نمودیم و در دل پیروانش، رأفت و مهربانی نهادیم؛ ولی [دنیاگریزی و] رُهبانیتی را که بدعت نهادند، ما بر آنان مقرر نداشتیم؛ و هر چند هدفشان جلب رضایت الهی بود، ولی حق آن را [چنان که باید]، رعایت نکردند؛ از این رو، ما به افرادی از آنان که ایمان آوردند، پاداششان را عطا کردیم؛ ولی بسیاری از آنان [به بیراهه رفتند و] نافرمان بودند.

يَأْتِيهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَعَامِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِن رَّحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٢٨﴾

(۲۸) ای مؤمنان، از الله پروا کنید و به پیامبرش [خالصانه] ایمان بیاورید تا الله از رحمت خویش، بهره دوجندان به شما عطا نماید و نوری برایتان پدید آورد که در پرتوی آن گام بردارید و شما را ببخشد. به راستی که الله آمرزنده مهربان است.

إِنَّمَا يَعْلَمُ أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا الَّذِينَ يَفْقَهُونَ عَلَىٰ شَيْءٍ مِّن فَضْلِ اللَّهِ وَأَنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿٢٩﴾

(۲۹) [این را بیان کردیم] تا اهل کتاب بدانند که به فضل و بخشش الهی دسترسی ندارند [و نمی‌توانند آن را به کسی اختصاص دهند یا از کسی بازدارند]؛ و اینکه تمامی برتری به دست الله است و به هر کس که بخواهد [و شایسته بدانند] عطا می‌کند. بی‌گمان، الله فضل و بخشش بی‌حد دارد.

سُورَةُ الْمُجَادَلَةِ

سورة مجادله

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

قَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّتِي تُجَدِّلُكَ
 فِي زَوْجِهَا وَتَشْتَكِي إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ
 يَسْمَعُ تَحَاوُرَكُمَا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ
 بَصِيرٌ ﴿١﴾

(۱) الله سخن آن زن [= خوله بنت نعلبه] را شنید که درباره شوهرش با تو صحبت می کرد و به الله شکایت می برد. الله گفتگوی شما را می شنود؛ چرا که الله شنوای بیناست.

الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْكُمْ مِمَّن
 نَسَايَهُمْ مَا هُنَّ أُمَّهَاتُهُمْ إِنَّ
 أُمَّهَاتَهُمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ
 لَيَقُولُونَ مُنْكَرًا مِنَ الْقَوْلِ
 وَزُورًا وَإِنَّ اللَّهَ لَعَفُوءٌ غَفُورٌ ﴿٢﴾

(۲) کسانی از شما که همسران خویش را [از لحاظ حرمت همبستری، همچون] مادر خود تلقی می کنند، [بدانند که] آن زنان هرگز مادرانشان نخواهند بود؛ مادرانشان فقط زنانی هستند که آنها را به دنیا آورده اند. آنان سخنی ناپسند و ناحق می گویند؛ و [اگر توبه کنند] الله بخشاینده آمرزگار است.

وَالَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ ثُمَّ
 يَعُودُونَ لِمَا قَالُوا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ
 مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَّ ذَلِكُمْ
 تُوعَظُونَ بِهِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ
 خَبِيرٌ ﴿٣﴾

(۳) کسانی که زنانشان راظهار می کنند، سپس از آنچه گفته اند باز می گردند، باید پیش از آمیزش جنسی با هم، برده ای را آزاد کنند. این حکمی است که به آن [پند و] اندرز داده می شوید؛ و الله به آنچه می کنید آگاه است.

فَمَنْ لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ

(۴) اگر کسی [برده ای را] نیابد، [باید] پیش از

مُتَّابِعِينَ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسًا ۖ
 فَمَنْ لَّمْ يَسْتَطِعْ فَاِطْعَامَ سِدِّينَ
 مِسْكِينًا ذَلِكَ لِثُؤْمُنُوا بِاللَّهِ
 وَرَسُولِهِ ۗ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ
 وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٤﴾

آمیزش جنسی، دو ماه پیاپی روزه بگیرد؛ و کسی که نمی‌تواند [روزه بگیرد، در آن صورت] باید شصت مسکین را اطعام کند. این [کفاره] برای آن است که به الله و رسولش ایمان بیاورید و اینها حدود [احکام] الهی است؛ و برای کافران عذاب دردناکی [در پیش] است.

إِنَّ الَّذِينَ يُحَادُّونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ
 كِتَبُوا كَمَا كُتِبَ الَّذِينَ مِنْ
 قَبْلِهِمْ ۗ وَقَدْ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ
 وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُهِينٌ ﴿٥﴾

(۵) همانا کسانی که با الله و رسولش دشمنی می‌کنند، خوار [و ذلیل] می‌شوند؛ همان گونه که پیشینیان آنها نیز خوار [و ذلیل] شدند؛ و به راستی ما آیات روشنی نازل کردیم، و برای کافران عذابی خفت‌بار [در پیش] است.

يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُهُمْ
 بِمَا عَمِلُوا ۗ أَحْصَاهُ اللَّهُ وَنَدَّوهُ
 ۗ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ﴿٦﴾

(۶) روزی که الله همه آنها را [از گور] برمی‌انگیزد، سپس آنها را از آنچه کرده‌اند باخبر می‌سازد؛ [همان اعمالی که] الله حساب آن را نگه داشته، اما آنها فراموش کرده‌اند؛ و الله بر همه چیز، گواه [و ناظر] است.

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي
 السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۗ مَا
 يَكُونُ مِنْ نَجْوَى ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ
 رَابِعُهُمْ وَلَا خَمْسَةٍ إِلَّا هُوَ
 سَادِسُهُمْ وَلَا آدْنَىٰ مِنْ ذَلِكَ وَلَا
 أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ مَا كَانُوا

(۷) مگر ندیده‌ای که الله آنچه را که در آسمان‌ها و آنچه را که در زمین است می‌داند؟ هیچ نجوایی میان سه نفر نیست، مگر آنکه او [با علم خویش] چهارمین آنهاست؛ و نه میان پنج نفر، مگر آنکه او [با علم خویش] ششمین آنهاست؛ و نه کمتر از این [عدد] و نه بیشتر؛ مگر آنکه هر کجا باشند، او [با علم خویش]

همراه آنهاست. سپس روز قیامت آنها را از آنچه کرده‌اند باخبر می‌سازد. بی‌گمان، الله به همه چیز داناست.

عَلِيمٌ ﴿۷﴾

(۸) [ای پیامبر،] مگر ندیده‌ای کسانی [= یهودیانی] را که از نجوا نهی شدند، ولی به آنچه از آن نهی شده بودند باز می‌گردند، و به [قصد] گناه و تجاوز و نافرمانی از پیامبر، با هم نجوا می‌کنند، و هنگامی که نزد تو می‌آیند، به نحوی به تو درود می‌فرستند که الله با آن [کلمات،] به تو درود و سلام نگفته است [و به جای السلام عليك، السَّامُ عَلَيْكَ یعنی مرگ بر تو می‌گفتند]؛ و [آنها] در دل خود می‌گویند: «چرا الله ما را به [کیفر] آنچه می‌گوییم عذاب نمی‌کند؟» جهنم برایشان کافی است [که] به آن وارد می‌شوند؛ و چه بد [سرانجام و] جایگاهی است!

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نُهُوا عَنِ
التَّجْوَىٰ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا نُهُوا
عَنْهُ وَيَتَنَجَّوْنَ بِالْآثِمِ وَالْعُدْوَانِ
وَمَعْصِيَةِ الرَّسُولِ ۖ وَإِذَا جَاءُوكَ
حَيَّوْكَ بِمَا لَمْ يُحْيِكَ بِهِ اللَّهُ
وَيَقُولُونَ فِي أَنفُسِهِمْ لَوْلَا يُعَذِّبُنَا
اللَّهُ بِمَا نَقُولُ حَسْبُهُمْ جَهَنَّمُ
يَصْلَوْنَهَا ۖ فَبئسَ الْمَصِيرُ ﴿۸﴾

(۹) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هنگامی که با یکدیگر نجوا می‌کنید، به [قصد] گناه و تجاوز و نافرمانی از رسول نجوا نکنید، و به نیکی و پرهیزگاری نجوا کنید؛ و از الله بترسید، که به سوی او محشور خواهید شد.

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا تَنَجَّيْتُمْ
فَلَا تَتَنَجَّوْا بِالْآثِمِ وَالْعُدْوَانِ
وَمَعْصِيَةِ الرَّسُولِ ۖ وَتَنَجَّوْا
بِالْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ ۖ وَأَنْقُوا اللَّهَ الَّذِي
إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ﴿۹﴾

(۱۰) همانا سخن پنهانی [که موجب گناه و

إِنَّمَا التَّجْوَىٰ مِنَ الشَّيْطَانِ

دشمنی می‌گردد] از سوی شیطان است تا کسانی را که ایمان آورده‌اند [با آنها گرفتار کند و در نتیجه،] اندوهگین سازد؛ و [حال آنکه او] جز به فرمانِ الله، نمی‌تواند هیچ ضرری به آنان برساند؛ پس مؤمنان باید بر الله توکل کنند.

(۱۱) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هنگامی که به شما گفته شود: «در مجالس جا باز کنید»، [جا] باز کنید [که با این کار،] الله برای شما گشایش می‌آورد؛ و هنگامی که گفته شود: «برخیزید» برخیزید. الله مقام [و درجات] کسانی از شما را که ایمان آورده‌اند و کسانی را که علم به آنان عطا شده‌است، بالا می‌برد؛ و الله به آنچه می‌کنید آگاه است.

لِيَحْزَنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَلَيْسَ بِضَارِّهِمْ شَيْئًا إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ﴿۱۱﴾

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ وَإِذَا قِيلَ انشُرُوا فَانشُرُوا يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿۱۱﴾

(۱۲) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هنگامی که می‌خواهید با رسول الله نجوا کنید، پیش از نجوایتان، صدقه‌ای [در راه الله] بدهید. این [کار،] برای شما بهتر و پاکیزه‌تر است. اما اگر چیزی نیافتید، بی‌گمان، الله آمرزندهٔ مهربان است.

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا نَجَّيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَانِكُمْ صَدَقَةٌ ذَٰلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَأَطَهَّرَ فَإِن لَّمْ تَجِدُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿۱۲﴾

(۱۳) آیا [از فقر] ترسیدید که پیش از نجوایتان صدقاتی دهید؟ حال که چنین نکردید و الله از شما درگذشت، پس نماز برپا دارید و زکات بپردازید، و از الله و پیامبرش اطاعت کنید؛ و

ءَأَشْفَقْتُمْ أَن تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَانِكُمْ صَدَقَاتٍ فَإِذ لَّمْ تَفْعَلُوا وَتَابَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَأَقِيمُوا

الله به آنچه می کنید آگاه است.

الصَّلَاةَ وَعَاتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا
اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَاللَّهُ خَيْرٌ بِمَا
تَعْمَلُونَ ﴿۱۳﴾

(۱۴) [ای پیامبر،] آیا ندیدی کسانی [=منافقان] را که با قومی دوستی کردند که الله بر آنان خشم [و غضب] کرده است؛ آنها [=منافقان] نه از شما هستند و نه از آنان [=یهود]؛ و به دروغ سوگند یاد می کنند [که مسلمانند]، در حالی که خود می دانند [که منافقند].

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ تَوَلَّوْا قَوْمًا
غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِمَّا هُمْ
مِنْكُمْ وَلَا مِنْهُمْ وَيَحْلِفُونَ عَلَى
الْكَذِبِ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿۱۴﴾

(۱۵) الله عذاب سختی برای آنها آماده کرده است؛ چرا که بی گمان، اعمال بدی انجام می دادند.

أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا إِنَّهُمْ
سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۱۵﴾

(۱۶) آنها سوگندهای خود را سپر [بلا] قرار دادند و [مردم را] از راه الله بازداشتند؛ پس عذاب خفت باری [در پیش] دارند.

اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَنِ
سَبِيلِ اللَّهِ فَلَهِمْ عَذَابٌ
مُهِينٌ ﴿۱۶﴾

(۱۷) هرگز اموال و فرزندانشان چیزی از عذاب الله را از آنها دفع نخواهد کرد. آنها اهل [آتش] دوزخند و جاودانه در آن می مانند.

لَنْ نُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالَهُمْ وَلَا
أَوْلَادَهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا أُولَٰئِكَ
أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا
خَالِدُونَ ﴿۱۷﴾

(۱۸) روزی که الله همگی آنها را برمی انگیزد،

يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا

آنگاه آنها برای او [نیز] سوگند یاد می‌کنند، همان‌گونه که [امروز در دنیا] برای شما سوگند یاد می‌کنند و گمان می‌کنند که بر چیزی [سودمند] هستند. آگاه باشید [و بدانید] که آنها دروغ‌گویانند.

(۱۹) شیطان بر آنها چیره شده و یاد الله را از خاطرشان برده است. آنها حزب شیطان هستند؛ و آگاه باشید [و بدانید] که حزب شیطان زیانکارانند.

(۲۰) بی‌گمان، کسانی که با الله و پیامبرش مخالفت [و دشمنی] می‌کنند، در زمره خوارترین [افراد]ند.

(۲۱) الله مقرر داشته است که «یقیناً من و رسولانم پیروز می‌شویم». بی‌گمان، الله نیرومند شکست‌ناپذیر است.

(۲۲) [ای پیامبر]، هیچ قومی را نمی‌یابی که به الله و روز قیامت ایمان داشته باشند [و در عین حال]، با کسانی که با الله و رسولش [دشمنی و] مخالفت می‌ورزند، دوستی کنند؛ اگر چه پدرانشان یا فرزندانشان یا برادرانشان یا خویشاوندانشان باشند. آنها کسانی هستند که [الله] ایمان را در [صفحه] دل‌هایشان نوشته

فَيَحْلِفُونَ لَهُ كَمَا يَحْلِفُونَ لَكُمْ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ ۗ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْكَاذِبُونَ ﴿١٨﴾

أَسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ ۗ أُولَٰئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ ۗ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخٰسِرُونَ ﴿١٩﴾

إِنَّ الَّذِينَ يُحَادُّونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ ۗ أُولَٰئِكَ فِي الْأَذَلِّينَ ﴿٢٠﴾

كَتَبَ اللَّهُ لَأَعْلَبَنَ ۖ أَنَا وَرُسُلِي ۗ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ ﴿٢١﴾

لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ ۖ الْأٰخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ ۚ وَلَوْ كَانُوا ۖ آبَاءَهُمْ ۚ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ ۚ أَوْ إِخْوَانَهُمْ ۚ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ ۚ أُولَٰئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ ۖ الْاِيْمَانَ ۚ وَآيَدَهُمْ ۖ بِرُوحِ

است و به روحی از جانب خود، آنها را تقویت [و تأیید] نموده است؛ و آنها را به باغهایی [از بهشت] وارد می‌کند که از زیر [درختان] آن جویبارها جاری است؛ جاودانه در آن می‌مانند. الله از آنها راضی است و آنها [نیز] از الله راضیند. آنها حزبِ الله هستند. آگاه باشید! بی‌تردید، حزبِ الله رستگارانند.

مِنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿١٢٢﴾

سُورَةُ الْحَشْرِ

سورة حشر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

(۱) آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، برای الله تسبیح می‌گویند؛ و او پیروزمند حکیم است.

سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿۱﴾

(۲) اوست که کسانی از اهل کتاب [= بنی نضیر] را که کافر شدند، با نخستین برخورد [و گردآوری لشکر] از دیارشان [به سوی شام] بیرون راند. گمان نمی‌کردید که آنها خارج شوند، و خودشان [نیز] گمان می‌کردند که دژهای [محکم]شان آنها را از [عذاب] الله مانع می‌شود؛ اما [عذاب] الله از جایی که گمان نمی‌کردند به سراغشان آمد و در دل‌هایشان ترس و وحشت افکند، [به گونه‌ای که] خانه‌های خود را با دست خود و با دست مؤمنان ویران می‌کردند؛ پس ای صاحبان بینش، عبرت گیرید.

هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا وَظَنُّوا أَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ فَأَتَتْهُمْ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ يُجْرِبُونَ بِيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ ﴿۲﴾

(۳) و اگر الله ترک وطن [و آوارگی] را بر آنان مقرر نداشته بود، یقیناً آنان را در [همین] دنیا عذاب می‌کرد و در آخرت، عذاب آتش [جهنم] برایشان است.

وَلَوْلَا أَنْ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْجَلَاءَ لَعَذَّبَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابُ النَّارِ ﴿۳﴾

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُّوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ ۗ وَمَنْ يُشَاقِقِ اللَّهَ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٤﴾

(۴) این [آوارگی و عذاب]، به خاطر آن است که آنها با الله و پیامبرش مخالفت [و دشمنی] کردند؛ و هر کس با الله مخالفت [و دشمنی] کند، بی گمان، الله سخت کیفر است.

مَا قَطَعْتُمْ مِنْ لِيْنَةٍ أَوْ نَرَكْتُمْوهَا قَائِمَةً عَلَىٰ أُصُولِهَا فَبِإِذْنِ اللَّهِ وَلِيْحَزِيْرِ الْفَلْسِقِينَ ﴿٥﴾

(۵) هر درخت خرمايي که برديد و يا آن را ايستاده بر ريشه‌اش باقى گذاشتيد، به فرمان الله بود، تا [الله]، فاسقان را خوار [و رسوا] سازد.

وَمَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَمَا أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَلَا رِكَابٍ وَلَكِنَّ اللَّهَ يُسَلِّطُ رُسُلَهُ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٦﴾

(۶) و آنچه الله از [اموال] آنها [= بنی نصیر] به پیامبرش بازگردانده [و بخشیده] است، نه اسبی برای آن [اموال] تاختید و نه شتری؛ ولی الله رسولانش را بر هر کس که بخواهد، چیره می‌گرداند؛ و الله بر همه چیز تواناست.

مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كُنْ لَآ يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ ۚ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۚ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٧﴾

(۷) و آنچه الله از [اموال] اهل آبادی‌ها [بدون بیکار] به پیامبرش بازگردانده [و بخشیده] است، از آن الله و رسول و خویشاوندان [او] و یتیمان و بینوایان و در راه‌ماندگان است. تا [این اموال]، در میان ثروتمندان شما دست به دست نشود؛ و آنچه که رسول الله به شما داد، بگیرید و از آنچه که شما را از آن نهی کرد دست بردارید؛ و از الله پروا کنید که الله سخت کیفر است.

لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ يَارِي مِي كَنَد. أَنهَآ رَاسَتِ كَوِيَانَنَد.

هُمُ الصَّادِقُونَ ﴿٨﴾

وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْأَيْمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿٩﴾

(۹) و [نیز انصار، همان] کسانی که پیش از آنان، [در مدینه] وطن گزیده و ایمان آورده‌اند، افرادی را که به سویشان هجرت می‌کنند دوست دارند، و در دل‌های خود، از آنچه [به مهاجران] داده شده احساس حسادت نمی‌کنند، و آنان را بر خود مقدم می‌دارند، حتی اگر خود [سخت] نیازمند باشند؛ و کسانی که از بخل [و حرص] نفس خویش در امان بمانند [و در راه الله انفاق کنند]، آنان رستگارند.

وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ ﴿١٠﴾

(۱۰) و [نیز] کسانی که پس از آنها [= مهاجران و انصار] آمده‌اند، می‌گویند: «پروردگارا، ما و برادرانمان را که در ایمان بر ما پیشی گرفتند بیامرز و در دل‌هایمان نسبت به کسانی که ایمان آورده‌اند کینه‌ای قرار مده. پروردگارا، بی‌گمان، تو دلسوزِ مهربانی.»

رَحِيمٌ ﴿١٠﴾

﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نَافَقُوا يَقُولُونَ لِإِخْوَانِهِمُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَئِنْ أُخْرِجْتُمْ لَنَخْرُجَنَّ مَعَكُمْ وَلَا نُطِيعُ فِيكُمْ أَحَدًا أَبَدًا وَإِن قُوتِلْتُمْ لَنَنْصُرَنَّكُمْ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ﴾ (۱۱)

آیا منافقان را ندیدی که پیوسته به برادران اهل کتابشان که کفر ورزیده‌اند می‌گویند: «اگر شما را [از سرزمینتان] بیرون کنند، ما [نیز] با شما بیرون خواهیم آمد و هرگز [سخن] کسی را در مورد شما اطاعت نخواهیم کرد؛ و اگر با شما جنگ شود، البته یاری‌تان خواهیم کرد»؟ الله گواهی می‌دهد که آنها دروغگو هستند.

﴿لَئِنْ أُخْرِجُوا لَا يَخْرُجُونَ مَعَهُمْ وَلَئِن قُوتِلُوا لَا يَنْصُرُونَهُمْ وَلَئِن نَّصَرُوهُمْ لَيُوَلِّنَنَّ الْأَدْبَرَ ثُمَّ لَا يُصَرُّوا﴾ (۱۲)

اگر آنها [= یهود] [از وطنشان] اخراج شوند، اینان [=منافقان] همراه آنان بیرون نمی‌روند؛ و اگر با آنها جنگ شود، یاری‌شان نخواهند کرد؛ و اگر [هم] یاری‌شان کنند، قطعاً پشت [به میدان] کرده و فرار می‌کنند، و دیگر یاری نمی‌شوند.

﴿لَأَنْتُمْ أَشَدُّ رَهْبَةً فِي صُدُورِهِمْ مِنَ اللَّهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ﴾ (۱۳)

[ای مؤمنان،] شما قطعاً در دل‌های آنان بیش از الله مایهٔ هراسید؛ زیرا آنان مردمانی هستند که نمی‌فهمند.

﴿لَا يُقَاتِلُونَكُمْ جَمِيعًا إِلَّا فِي قُرَى مُحَصَّنَةٍ أَوْ مِنْ وَرَاءِ جُدُرٍ بَأْسُهُمْ بَيْنَهُمْ شَدِيدٌ تَحْسَبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّىٰ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ﴾ (۱۴)

آنها [= یهود] هرگز دسته‌جمعی با شما نمی‌جنگند، مگر در روستاها [و دژهای] محکم یا از پشت دیوارها. جنگشان در میان خودشان سخت است. تو آنها را متحد می‌پنداری؛ در حالی که دل‌هایشان پراکنده است؛ زیرا آنها

قومی هستند که نمی‌اندیشند.

قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ ﴿١٤﴾

(۱۵) [داستان این یهودیان،] مانند [داستان] کسانی است که اندکی پیش از آنان بودند [و در واقعه بدر،] سزای کار [بد] خود را چشیدند؛ و عذاب دردناکی برایشان [در پیش] است.

كَمَثَلِ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَرِيبًا
ذَاقُوا وَبَالَ أَمْرِهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ
أَلِيمٌ ﴿١٥﴾

(۱۶) [داستان منافقان با یهودیان] همچون [داستان] شیطان است، هنگامی که به انسان گفت: «کافر شو»؛ اما هنگامی که کافر شد، [به او] گفت: «من از تو بیزارم؛ [چرا که] من از الله - پروردگار جهانیان - می‌ترسم».

كَمَثَلِ الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ لِلْإِنْسَانِ
اُكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ إِنِّي
بَرِيءٌ مِنْكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ
الْعَالَمِينَ ﴿١٦﴾

(۱۷) سرانجام [کار] آنها این شد که آنها هر دو در آتش [دوزخ] خواهند بود. جاودانه در آن می‌مانند و این است کیفر ستمکاران.

فَكَانَ عَاقِبَتُهُمَا فِي النَّارِ
خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاءُ
الظَّالِمِينَ ﴿١٧﴾

(۱۸) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از الله پروا کنید؛ و هر کس باید بنگرد که برای فردا چه پیش فرستاده است؛ و از الله بترسید. بی‌گمان، الله به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ
وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ
وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا
تَعْمَلُونَ ﴿١٨﴾

(۱۹) و مانند کسانی نباشید که الله را فراموش کردند، و الله [نیز] آنان را دچار خودفراموشی ساخت. آنها [بدکار و] نافرمانند.

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ
فَأَنسَاهُمْ أَنفُسَهُمْ أُولَٰئِكَ هُمُ
الْفَاسِقُونَ ﴿١٩﴾

لَا يَسْتَوِي أَصْحَابُ النَّارِ
وَأَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ
هُمُ الْفَائِزُونَ ﴿٢٠﴾

(۲۰) هرگز اهل جهنم و اهل بهشت یکسان نیستند؛ اهل بهشت رستگارانند.

لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ
لَّرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِّنْ
خَشْيَةِ اللَّهِ وَتِلْكَ الْأُمُثُلُ
نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ
يَتَفَكَّرُونَ ﴿٢١﴾

(۲۱) اگر این قرآن را بر کوهی نازل می کردیم، یقیناً آن را از ترس الله خاکسار [و] از هم پاشیده می دیدی؛ و این مثلها را برای مردم می زنیم، باشد که بیندیشند.


هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ
الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ
الرَّحِيمُ ﴿٢٢﴾

(۲۲) او الله است که معبودی [راستین] جز او نیست؛ دانای غیب و آشکار است؛ او بخشنده مهربان است.

هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ
الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ
الْمُهَيَّبُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ
سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٢٣﴾

(۲۳) او الله است که معبودی [به حق] جز او نیست؛ [اوست] فرمانروا، منزّه، بی عیب و نقص، تصدیق کننده پیامبران، مراقب [اعمال بندگانش]، قدرتمند شکست ناپذیر، شکوهمند و شکست دهنده مطلق، والامقام و شایسته عظمت. الله از چیزهایی که [برای او به عنوان] شریک می آورند، پاک و منزّه است.

هُوَ اللَّهُ الْخَلِيقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ
لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ يُسَبِّحُ لَهُ مَا
نِيكٌ دَارِدٌ. آنچه در آسمانها و زمین است

فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ وَهُوَ تَسْبِيحِ او را می‌گویند، و او قدرتمندِ
 الشَّكْسْت ناپذیر [و] حکیم است.  الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

سُورَةُ الْمُتَحِنَةِ

سورة ممتحنه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا
 عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ ءَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ
 إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا
 جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ
 الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ
 رَبِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ خَرَجْتُمْ جِهَادًا
 فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي
 تُسِرُّونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ
 بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ وَمَنْ
 يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ

السَّبِيلِ ﴿١﴾

إِنْ يَثْقَفُوكُمْ يَكُونُوا لَكُمْ
 أَعْدَاءً وَيَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ
 وَالسِّنَنُومُ بِالسُّوءِ وَوَدُّوا لَوْ
 تَكْفُرُونَ ﴿٢﴾

لَنْ تَنْفَعَكُمْ أَرْحَامُكُمْ وَلَا

(۱) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر برای
 جهاد در راه من و طلب رضایت من [از وطن
 خود] بیرون آمده‌اید، دشمن من و دشمن
 خودتان را دوست مگیرید که با آنها مهربانی
 کنید؛ و حال آنکه آنان به دین حقی که برای
 شما آمده است، کفر و انکار ورزیده‌اند و پیامبر
 و شما را آواره کرده‌اند؛ چرا که به الله -
 پروردگارتان - ایمان دارید. شما پنهانی با آنها
 پیوند دوستی برقرار می‌کنید، در حالی که من
 به آنچه که پنهان می‌دارید و آنچه که آشکار
 می‌سازید دانانترم؛ و هر کس از شما که چنین
 [کاری] کند، یقیناً راه راست را گم کرده است.

(۲) اگر آنها بر شما دست یابند، دشمنانتان
 خواهند بود و به آزارتان دست و زبان
 می‌گشایند و دوست دارند که شما [نیز] کافر
 گردید.

(۳) روز قیامت، خویشاوندانتان و فرزندانان

هرگز سودی به حالتان نخواهند داشت. الله در میان شما جدایی می اندازد و الله به آنچه انجام می دهید بیناست.

أُولَٰئِكَ يَوْمَ الْفَيْصَةِ يَفْصِلُ
بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ
بَصِيرٌ ﴿٣﴾

(۴) یقیناً در [زندگی] ابراهیم و کسانی که با او بودند سرمشق خوبی برایتان وجود دارد؛ آنگاه که به قوم خود گفتند: «ما از شما و از آنچه غیر از الله عبادت می کنید بیزاریم؛ به شما کافر شده ایم، و میان ما و شما دشمنی و کینه همیشه پدید آمده است، تا وقتی که به الله یگانه ایمان آورید»؛ مگر این سخن ابراهیم [که قابل پیروی نیست، آنگاه] که به پدرش [آزر] گفت: «من برایت آمرزش طلب می کنم و در برابر الله برای تو اختیار چیزی را ندارم.» «پروردگارا، بر تو توکل کردیم و به سوی تو روی آوردیم و بازگشت [همه] به سوی توست.

قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي
إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا
لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَءُؤُا مِنْكُمْ وَمِمَّا
تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا
بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ
الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى
تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ إِلَّا قَوْلَ
إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَمَا
أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ ۗ
رَبَّنَا عَلَيكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنَبْنَا
وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ ﴿٤﴾

(۵) پروردگارا، ما را دستخوش [فتنه] کافران قرار مده و ما را بیمارز ای پروردگار ما؛ همانا تو پیرومند حکیمی.»

رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ
كَفَرُوا وَاعْفِرْ لَنَا رَبَّنَا ۗ إِنَّكَ
أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٥﴾

(۶) مسلماً در [زندگی] آنها [= ابراهیم و یارانش] سرمشق خوبی برای شماست، برای کسانی که به الله و روز قیامت امید دارند؛ و

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ
حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ
وَالْيَوْمَ الْآخِرَ ۗ وَمَن يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ

هُوَ الْعَيُّْ الْحَمِيدُ ﴿٦﴾

هر کس رویگردان شود [بداند که] الله بی نیاز ستوده است.

﴿٧﴾ امید است که الله میان شما و کسانی [از مشرکان] که با آنها دشمنی داشته‌اید [با اسلام آوردن‌شان، پیوند] دوستی [و محبت] برقرار کند؛ و الله تواناست؛ و الله آمرزنده مهربان است.

﴿٨﴾ الله شما را از نیکی کردن و رعایت عدالت نسبت به کسانی که در [امر] دین، با شما جنگیده‌اند و شما را از دیارتان بیرون نکرده‌اند، نهی نمی‌کند. بی‌گمان، الله عدالت‌پیشگان را دوست دارد.

لَا يَنْهَكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقْتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُم مِّن دِيَرِكُمْ أَن تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ ﴿٨﴾

﴿٩﴾ [او] تنها شما را از دوستی با کسانی نهی می‌کند که در [امر] دین با شما جنگیده‌اند و شما را از دیارتان بیرون کرده‌اند و بیرون راندن شما [به دیگران] کمک کرده‌اند؛ و هر کس با آنان دوستی کند، آنان همان ستمکارانند.

إِنَّمَا يَنْهَكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُم مِّن دِيَرِكُمْ وَظَلَّهُرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَن تَوَلَّوهُمْ وَمَن يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٩﴾

﴿١٠﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هنگامی که زنان مؤمن مهاجر نزد شما می‌آیند، آنها را بیازمایید [تا از صحت ایمانشان آگاه گردید]؛ الله به ایمانشان دانتر است. اگر

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا جَاءَكُمُ الْمُؤْمِنَاتُ مِهْجَرَتٍ فَامْتَحِنُوهُنَّ ۗ اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِهِنَّ ۗ

آنان را [زنانی] مؤمن یافتید، آنها را به سوی کافران بازنگردانید. نه این [زنان مؤمن] بر آنان [= کافران] حلالند، و نه آن [مردان کافر] بر این [زنان] حلالند؛ و هر چه [شوهران کافر به عنوان مهریه] خرج [این زنان] کرده‌اند، به آنها بدهید؛ و بر شما گناهی نیست که پس از آنکه مهریه‌هایشان را پرداختید [و پس از انقضای عده]، با آنان ازدواج کنید؛ و به [نگه‌داشتن پیوند زناشویی با] زنان کافر، پایبند نباشید؛ [و اگر زنان شما مرتد شدند و نزد کافران رفتند، رهایشان کنید] و آنچه را [به عنوان مهریه] خرج کرده‌اید [از کافران] مطالبه کنید؛ و [کافران نیز] آنچه را خرج کرده‌اند [از شما] مطالبه کنند. این حکم الله است که در میان شما داوری می‌کند؛ و الله دانای حکیم است.

(۱۱) اگر یکی از همسران شما به سوی کافران رفت [و مهریه‌اش را از کافران طلب کردید و آن‌ها پرداخت نکردند]، آنگاه شما [در جنگ بر آنان پیروز شدید و] از آنان غنیمت گرفتید، به کسانی که همسرانشان [به سوی کفار] رفته‌اند، همانند آنچه را که خرج کرده‌اند [از غنایم] بپردازید؛ و از الله که شما به او ایمان دارید پروا کنید.

فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ لَا هُنَّ حِلٌّ لَّهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ وَءَاثُوهُمْ مَا آَنْفَقُوا وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ إِذَا آَاتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ وَلَا تُمْسِكُوا بِعِصَمِ الْكُوفَرِ وَاسْأَلُوا مَا آَنْفَقْتُمْ وَلَيْسَ لَكُمْ بِمَا آَنْفَقُوا ذَلِكُمْ حُكْمُ اللَّهِ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿۱۱﴾

وَإِنْ فَاتَكُمْ شَيْءٌ مِّنْ أَرْوَاحِكُمْ إِلَى الْكُفَّارِ فَعاقِبْتُمْ فَاقْتُوا الَّذِينَ ذَهَبَتْ أَرْوَاحُهُمْ مِّثْلَ مَا آَنْفَقُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِءِ مُؤْمِنُونَ ﴿۱۱﴾

يَأْتِيهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ (۱۲) ای پیامبر، هنگامی که زنان مؤمن نزد تو

آمدند تا با تو بیعت کنند که چیزی را با الله شریک ن سازند و دزدی نکنند و مرتکب زنا نشوند و فرزندان خود را نکشند و فرزندی را به دروغ به شوهرانشان نسبت ندهند و در کارهای نیک از تو نافرمانی نکنند، با آنان بیعت کن و از الله برایشان آمرزش بخواه. بی گمان، الله آمرزندهٔ مهربان است.

الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعَنَّكَ عَلَىٰ أَنْ لَا يُشْرِكَنَّ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقَنَّ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلَنَّ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعْنَنَّهُ وَأَسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١٣﴾

(۱۳) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، با قومی که الله بر آنان خشم [و غضب] گرفته است دوستی نکنید. آنها از آخرت نومید هستند، همان گونه که کافران، [به سبب کفر به رستاخیز] از [دوباره زنده شدن] گورخفتگان [در قیامت] نومیدند.

يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَسُؤُوا مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا يَبْسُ الْكُفَّارُ مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ ﴿١٣﴾

سُورَةُ الصَّفِّ

سورة صف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

(۱) آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، تسبیح الله را می‌گویند؛ و او پیروزمند حکیم است.

سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿١﴾

(۲) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا چیزی را می‌گویید که [به آن] عمل نمی‌کنید؟

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ ﴿٢﴾

(۳) نزد الله سخت ناپسند [و موجب خشم] است که چیزی را بگویید که [به آن] عمل نمی‌کنید.

كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ ﴿٣﴾

(۴) بی‌گمان، الله کسانی را که چون بنیانی آهنین، صف بسته [و] در راه او پیکار می‌کنند دوست دارد.

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنِيْنٌ مَرْصُوعٌ ﴿٤﴾

(۵) و [ای پیامبر، به یاد آور] هنگامی را که موسی به قومش گفت: «ای قوم من، چرا به من آزار [و اذیت] می‌رسانید، در حالی که می‌دانید بی‌گمان، من فرستاده الله به سوی شما هستم؟» آنان چون [از حق] منحرف شدند، الله دل‌هایشان را منحرف ساخت؛ و الله قوم نافرمان را هدایت نمی‌کند.

وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَقَوْمِ لِمَ تُؤْذُونِي وَقَدْ تَعْلَمُونَ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ﴿٥﴾

وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ بَيْنَ يَدَيْ
 إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ
 مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ
 التَّوْرَةِ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنَ
 بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدٌ فَلَمَّا جَاءَهُمْ
 بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ
 مُّبِينٌ ﴿٦﴾

(۶) و [به یاد آور] هنگامی که عیسی - پسر
 مریم - گفت: «ای بنی اسرائیل، بی گمان، من
 فرستاده الله به سوی شما هستم. آنچه از
 تورات را که پیش از من بوده تصدیق می کنم و
 [نیز] مزده دهنده به رسولی هستم که بعد از
 من می آید و نامش "احمد" است». اما هنگامی
 که او [=احمد] با معجزه ها [و دلایل روشن] به
 سوی آنان آمد، گفتند: «این جادوی آشکاری
 است».

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ
 الْكَذِبَ وَهُوَ يُدْعَى إِلَى الْإِسْلَامِ
 وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ
 الظَّالِمِينَ ﴿٧﴾

(۷) چه کسی ستمکارتر از آن کسی است که
 بر الله دروغ ببندد، در حالی که به [دین]
 اسلام دعوت می شود؟ و الله گروه ستمکاران را
 هدایت نمی کند.

يُرِيدُونَ لِيُظْفَرُوا نُورَ اللَّهِ
 بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ
 وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ ﴿٨﴾

(۸) آنها می خواهند نور الله را با دهان خود
 خاموش کنند؛ و [الی] الله کامل کننده نور
 خویش است؛ هر چند کافران خوششان نیاید.

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى
 وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ
 كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ ﴿٩﴾

(۹) او ذاتی است که فرستاده خود را با هدایت
 و دین حق فرستاد، تا آن را بر همه ادیان پیروز
 گرداند؛ هر چند مشرکان خوششان نیاید.

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ
 عَلَى تَجْرَةٍ تُنْجِيكُمْ مِّنْ عَذَابٍ

(۱۰) ای کسانی که ایمان آورده اید، آیا
 [می خواهید] شما را به تجارتی راهنمایی کنم

که شما را از عذاب دردناک نجات دهد؟

الْیَمِّ ﴿۱۰﴾

تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ۖ وَتَجْهَدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿۱۱﴾

(۱۱) به الله و پیامبرش ایمان بیاورید و با اموال و جان‌هایتان در راه الله جهاد کنید. اگر بدانید، این [کار] برای شما بهتر است.

يَغْفِرُ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ۗ وَيُدْخِلِكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَسْكِنٍ طَيِّبَةٍ فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ ذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿۱۲﴾

(۱۲) [اگر چنین کردید،] الله [گناهانتان را می‌بخشد و شما را در باغ‌هایی [از بهشت] وارد می‌کند که جویبارها از زیر [درختان] آن جاری است و در خانه‌های پاکیزه در بهشت جاویدان [جای می‌دهد]. این کامیابی بزرگی است.

وَأُخْرَىٰ مُجْتَمِعَةً نَّصْرًا مِّنَ اللَّهِ ۗ وَفَتْحٍ قَرِيبٍ وَبَشِيرٍ لِّلْمُؤْمِنِينَ ﴿۱۳﴾

(۱۳) و [نعمت] دیگری که آن را دوست دارید [نیز به شما عنایت می‌فرماید که آن، یاری از سوی الله و پیروزی نزدیک است؛ و مؤمنان را [به این پیروزی] بشارت ده.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا أَنْصَارًا لِلَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِّلْحَوَارِيِّينَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ ۗ فَأَمَّا تَطَافُةٌ مِّنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَكَفَرَتِ طَافِةٌ

(۱۴) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، یاوران [دین] الله باشید؛ همان گونه که عیسی - پسر مریم - به حواریون گفت: «چه کسانی یاوران من [در دعوت] به سوی الله هستید؟» حواریون گفتند: «ما یاوران [دین] الله هستیم». سپس گروهی از بنی‌اسرائیل ایمان آوردند و گروهی کافر شدند. آنگاه ما کسانی را

فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ ءَامَنُوا عَلٰى عَدُوِّهِمْ
 فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ ﴿١٤﴾

که ایمان آورده بودند بر دشمنانشان نیرو [و
 توانایی] دادیم، و سرانجام پیروز شدند.

سُورَةُ الْجُمُعَةِ

سورة جمعه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

(۱) آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، تسبیحِ الله را می‌گویند؛ [الله] که فرمانروا، منزّه [و] پیروزمندِ حکیم است.

الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ﴿۱﴾

هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِن كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿۲﴾

(۲) و ذاتی است که از میان بی‌سوادان، پیامبری از میان خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنها بخواند و آنان را پاک گرداند و کتاب [= قرآن] و حکمت [= سنت] به آنان بیاموزاند؛ و به راستی که آنان پیش از این [که پیامبر به سویشان فرستاده شود]، در گمراهی آشکاری بودند.

وَأَخْرَجَ مِنْهُمْ لِمَا يَلْحَقُوا بِهِمْ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿۳﴾

(۳) و [این پیامبر نیز] به سوی قومی دیگر از ایشان که هنوز به اینان ملحق نشده‌اند [و] بعدها به دنیا خواهند آمد، مبعوث شده است؛ و او تعالی شکست‌ناپذیرِ حکیم است.

ذَٰلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿۴﴾

(۴) این فضلِ الله است که آن را به هر کس که خواهد می‌بخشد؛ و الله دارای فضلِ عظیم است.

مَثَلُ الَّذِينَ حُمِلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ

(۵) مثل کسانی که [عمل به] تورات به آنان

تکلیف شد ولی آن را [چنان که باید و شاید] رعایت نکردند، مانند خری است که کتاب‌هایی را حمل می‌کند، [اما چیزی از آن نمی‌فهمد]. چه بد است مثل گروهی که آیات الهی را تکذیب کردند! و الله گروه ستمکاران را هدایت نمی‌کند.

يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ
أَسْفَارًا يَتَّبِعُ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ
كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا
يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿٥﴾

(۶) بگو: «ای یهود، اگر گمان دارید که [تنها] شما دوستان الله هستید نه مردم دیگر، اگر راست می‌گویید، مرگ را آرزو کنید».

قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِنْ
رَعَمْتُمْ أَنْكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِنْ
دُونِ النَّاسِ فَتَمَتُّوا الْمَوْتَ إِنْ
كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٦﴾

(۷) ولی آنها به خاطر آنچه از پیش فرستاده‌اند، هرگز آن آرزو را نخواهند کرد؛ و الله [از حال] ستمکاران آگاه است.

وَلَا يَتَمَنَّوْنَہٗ أَبَدًا بِمَا قَدَّمَتْ
أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ
بِالظَّالِمِينَ ﴿٧﴾

(۸) [ای پیامبر،] بگو: «آن مرگی که از آن فرار می‌کنید، یقیناً به شما خواهد رسید؛ سپس به سوی [الله، آن] دانای غیب و آشکار بازگردانده می‌شوید؛ آنگاه شما را از آنچه انجام می‌دادید آگاه می‌سازد».

قُلْ إِنَّ الْمَوْتَ الَّذِي تَفِرُّونَ مِنْهُ
فَاتَهُ، مُلَقِيكُمْ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ
عَلِيمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ
فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ
تَعْمَلُونَ ﴿٨﴾

(۹) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هنگامی که برای نماز روز جمعه، اذان گفته شد، به سوی [نماز و] ذکر الله بشتابید [و درنگ نکنید]، و

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا نُودِيَ
لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا

إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ
ذَلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ
بِهْتَرِاسْت.

تَعْلَمُونَ ﴿٩﴾

فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي
الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ
وَأَذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ
تُقْلِحُونَ ﴿١٠﴾

(۱۰) و هنگامی که نماز پایان یافت، [برای
کسب رزق و روزی] در زمین پراکنده شوید و
از فضلِ الله طلب کنید؛ و الله را بسیار یاد
کنید تا رستگار شوید.

وَإِذَا رَأَوْا تِجْرَةً أَوْ لَهْوًا أَنْفَضُوا
إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ
اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهِوِ وَمِنَ التِّجْرَةِ
وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ ﴿١١﴾

(۱۱) [ای پیامبر، برخی از این مردم]
هنگامی که تجارت یا سرگرمی ای ببینند، [از
اطرافِ تو] به سوی آن پراکنده می شوند و تو را
ایستاده [بر منبر] رها می کنند. بگو: «آنچه در
نزد الله است، بهتر از سرگرمی و تجارت است؛
و الله بهترین روزی دهنده است».

سُورَةُ الْمُنَافِقُونَ

سورة منافقون

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ
 إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ
 لَرَسُولُهُ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ
 الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ ﴿١﴾

(۱) هنگامی که منافقان نزد تو آیند، [سوگند می‌خورند و] می‌گویند: «ما گواهی می‌دهیم که یقیناً تو فرستاده‌ی الله هستی»؛ و الله می‌داند که بی‌گمان، تو فرستاده‌ی او هستی؛ و الله گواهی می‌دهد که منافقان یقیناً دروغگو هستند.

أَتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَنِ
 سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا
 يَعْمَلُونَ ﴿٢﴾

(۲) آنها سوگندهای خود را سپر ساخته‌اند، در نتیجه [مردم را] از راه الله بازداشته‌اند. به راستی که آنان چه بد می‌کنند!

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ ءَامَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا
 لَا فَأَطَاعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا
 يَفْقَهُونَ ﴿٣﴾

(۳) این به خاطر آن است که آنها ایمان آوردند، سپس کافر شدند؛ آنگاه بر دل‌هایشان مهر نهاده شده، پس در نمی‌یابند.

وَإِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ
 أَجْسَامُهُمْ وَإِنْ يَقُولُوا تَسْمَعُ
 لِقَوْلِهِمْ كَأَنَّهُمْ خُشُبٌ مُّسْنَدَةٌ
 يَحْسَبُونَ كُلَّ صَيْحَةٍ عَلَيْهِمْ هُمُ
 الْعُدُو فَاحْذَرْهُمْ قَتَلَهُمُ اللَّهُ أَلَّا

(۴) و هنگامی که آنها را ببینی، جسم [ظاهر] شان [از آراستگی و وقار] تو را به شگفت آورد؛ و اگر [سخن] گویند، [به علت شیرینی و جذابیت کلام‌شان] به سخنانشان گوش می‌دهی. [ای پیامبر] گویی آنها [در مجلس تو] چوب‌های تکیه‌داده به دیوارند، [که هیچ

يُؤْفَكُونَ ﴿١﴾

چیزی نمی فهمند و درک نمی کنند، و به سبب بزدلی] هر بانگی را علیه خود می پندارند. آنان دشمن [حقیقی] هستند؛ پس از آنان بر حذر باش. الله آنها را بکشد! چگونه [از حق] منحرف می شوند؟

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوَّاْ رُءُوسَهُمْ وَرَأَيْتَهُمْ يَصُدُّونَ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ ﴿٢﴾

(۵) و هنگامی که به آنها گفته شود: «بیایید تا رسول الله برای شما آمرزش بخاهد» [از روی تمسخر و استهزا] سرهایشان را تکان می دهند، و آنها را می بینی که [از سخنان تو] رویگردان می شوند و تکبر می ورزند.

سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ﴿٣﴾

(۶) برای آنها یکسان است که برایشان آمرزش بخواهی یا نخواهی؛ الله هرگز آنان را نمی بخشد. بی گمان، الله قوم نافرمان را هدایت نمی کند.

هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَيَّ مِنْ عِنْدِ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّىٰ يَنْفَضُوا ۗ وَاللَّهُ خَزَائِنُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ ﴿٤﴾

(۷) آنها کسانی هستند که می گویند: «به کسانی که نزد رسول الله هستند [چیزی] انفاق نکنید تا [از گرد او] پراکنده شوند؛ حال آنکه گنجینه های آسمان ها و زمین، از آن الله است؛ ولی منافقان در نمی یابند.

يَقُولُونَ لَيْنَ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ ۗ وَلِلَّهِ

(۸) آنها می گویند: «اگر به مدینه بازگردیم، یقیناً صاحبان عزت، فرومایگان را از آنجا بیرون

أَلْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَٰكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٨﴾

می‌کنند؛ در حالی که عزت، از آنِ الله و فرستاده او و مؤمنان است؛ ولی منافقان نمی‌دانند.

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْخٰسِرُونَ ﴿٩﴾

(۹) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال و فرزندان شما را از یادِ الله غافل نکند؛ و هر کس که چنین کند، آنان زیانکارانند.

وَأَنْفِقُوا مِنْ مَّا رَزَقْنَاكُمْ مِّن قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَأَكُن مِّنَ الصَّٰلِحِينَ ﴿١٠﴾

(۱۰) و از آنچه به شما روزی داده‌ایم، [در راه الله] انفاق کنید، پیش از آنکه مرگ به سراغ یکی از شما آید و بگوید: «پروردگارا، ای کاش [مرگ] مرا مدت کمی به تأخیر می‌انداختی تا [در راه تو] صدقه دهم و از نیکوکاران باشم».

وَلَنْ يُؤَخِّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجَلُهَا وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١١﴾

(۱۱) و [الی] هر کس اجلش فرارسد، هرگز الله [آن را] به تأخیر نمی‌اندازد، و الله از آنچه می‌کنید آگاه است.

سُورَةُ التَّغَابِينِ

سورة تغابن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١﴾

(۱) آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است همه تسبیح الله را می‌گویند. فرمانروایی از آن اوست و سپاس [و ستایش نیز] از آن اوست؛ و او بر همه چیز تواناست.

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ فَمِنْكُمْ كَافِرٌ وَمِنْكُمْ مُؤْمِنٌ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٢﴾

(۲) او ذاتی است که شما را آفرید؛ [گروهی] از شما کافرند و [گروهی] از شما مؤمن هستند؛ و الله از آنچه می‌کنید آگاه است.

خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُورَكُمْ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ ﴿٣﴾

(۳) آسمان‌ها و زمین را به حق آفرید و شما را [در رحم مادرانتان] شکل و صورت بخشید. و شکل و صورتتان را نیکو [و زیبا] گرداند، و بازگشت [همه] به سوی اوست.

يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُسْرُونَ وَمَا تُعْلِنُونَ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِدَاتِ الصُّدُورِ ﴿٤﴾

(۴) آنچه را که در آسمان‌ها و زمین است می‌داند و آنچه را که پنهان می‌دارید و آنچه را که آشکار می‌کنید [نیز] می‌داند؛ و الله از آنچه در سینه‌هاست آگاه است.

أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبُؤُا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ فَذَاقُوا وَبَالَ أَمْرِهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٥﴾

(۵) آیا خبر کسانی که پیش از این کافر شدند، به شما نرسیده است؟ آنها [طعم تلخ] کیفر کار خود را چشیدند و عذاب دردناکی خواهند داشت.

ذَلِكَ بِأَنَّهُ كَانَتْ تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُمْ
بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالُوا أَبَشَرٌ يَهْدُونَنَا
فَكَفَرُوا وَتَوَلَّوْا^ط وَأَسْتَعْنَى اللَّهُ^ع
وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَمِيدٌ ﴿٦﴾

(۶) این [کیفر] به سبب آن است که پیامبران‌شان با معجزات [و دلایل روشن] به سوی آنان آمدند، اما [آنها از روی تکبر] گفتند: «آیا بشری [مانند خودمان] می‌خواهد ما را هدایت کند؟». آنگاه کافر شدند و [از حق] روی گرداندند و الله [از آنان و ایمانشان] بی‌نیاز بود؛ و الله بی‌نیاز ستوده است.

رَعَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ لَنْ يُبْعَثُوا
قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتُبْعَثُنَّ ثُمَّ لَتُنَبَّؤُنَّ
بِمَا عَمِلْتُمْ^ط وَذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ﴿٧﴾

(۷) کسانی که کافر شدند، گمان بردند که هرگز برانگیخته نخواهند شد. بگو: «آری؛ به پروردگارم سوگند، یقیناً [همه] برانگیخته خواهید شد؛ آنگاه از آنچه می‌کردید به شما خبر خواهند داد؛ و این [کار] بر الله آسان است».

فَقَامُوا بِاللَّهِ وِرْسُولِهِ^ط وَالنُّورِ
الَّذِي أُنزِلْنَا^ط وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ
خَبِيرٌ ﴿٨﴾

(۸) پس به الله و پیامبرش و نوری که نازل کرده‌ایم ایمان بیاورید؛ و الله از آنچه انجام می‌دهید آگاه است.

يَوْمَ يَجْمَعُكُمْ لِيَوْمِ الْجُمُعِ^ط ذَلِكَ
يَوْمُ التَّغَابِينِ^ط وَمَنْ يُؤْمِنِ بِاللَّهِ
وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُكْفِرْ عَنْهُ
سَيِّئَاتِهِ وَيُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي
مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا

(۹) روزی که [همه] شما را [در محشر] گرد می‌آورد. آن روز، روز زیانمندی [کافران، و سودمندی مؤمنان] است؛ و هر کس به الله ایمان آورد و کارهای شایسته انجام دهد، گناهان او را می‌بخشد و او را به باغ‌هایی [از بهشت] وارد می‌کند که جویبارها زیر

أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٩﴾ [درختان] آن جاری است؛ جاودانه در آن می‌مانند. این کامیابی بزرگ است.

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ خَالِدِينَ فِيهَا وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿١٠﴾ (۱۰) و کسانی که کافر شدند و آیات ما را تکذیب کردند، آنان اهل آتش [دوزخ]ند [و] جاودانه در آن می‌مانند؛ و چه بد [سرانجام و] جایگاهی است!

مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ يَهْدِ اللَّهُ قَلْبَهُ، وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿١١﴾ (۱۱) هیچ مصیبتی [به انسان] نمی‌رسد، مگر به حکم [و قضا و قدر] الله؛ و هر کس به الله ایمان آورد، [الله] قلبش را هدایت می‌کند؛ و الله به همه چیز داناست.

وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَإِنَّمَا عَلَىٰ رَسُولِنَا الْبَلَّغُ الْمُبِينُ ﴿١٢﴾ (۱۲) از الله اطاعت کنید و رسول را [نیز] اطاعت کنید. اگر [از اطاعت] روی بگردانید، [بدانید که گناه این رویگردانی بر خودتان است و] فرستاده ما وظیفه‌ای جز ابلاغ آشکار ندارد.

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَعَلَىٰ اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ﴿١٣﴾ (۱۳) الله است که هیچ معبودی [به‌حق] جز او نیست؛ پس مؤمنان باید بر الله توکل کنند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّ مِنْ أَرْوَاحِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَإِنْ تَعَفَّوْا وَتَصَفَّحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١٤﴾ (۱۴) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به راستی که [بعضی] از همسرانتان و فرزندانان دشمنان شما هستند؛ [چون شما را از یاد الله و جهاد بازمی‌دارند]؛ پس از آنها بر حذر باشید؛ و اگر عفو کنید و [از لغزشهایشان] چشم‌پوشید و ببخشید، بی‌گمان، الله آمرزندهٔ مهربان است.

إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ ۗ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ ﴿١٥﴾
 (۱۵) اموال و فرزندانان فقط وسیلهٔ آزمایش
 [شما] هستند؛ و الله است که پاداش بزرگ نزد
 اوست.

فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَأَسْمِعُوا ۗ وَأَطِيعُوا وَأَنْفِقُوا خَيْرًا ۗ لِّأَنْفُسِكُمْ ۗ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ ۗ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿١٦﴾
 (۱۶) تا آنجا که می‌توانید، از الله پروا کنید و
 [حق را] بشنوید و فرمان برید و مالی برای
 [مصلحت] خودتان [در راه الله] انفاق کنید؛ و
 کسانی که از بخل و حرصِ نفس خویش در
 امان بمانند، آنانند که رستگارند.

إِنْ تَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا ۗ يَضْعِفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ۗ وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ ﴿١٧﴾
 (۱۷) اگر به الله قرض نیکو دهید، آن را برای
 شما چندین برابر می‌کند و شما را می‌آمرزد؛ و
 الله قدرشناسِ بردبار است.

عَلِيمٌ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿١٨﴾ [و] دانای پنهان و آشکار [و] پیروزمند
 حکیم است.

سُورَةُ الطَّلَاقِ

سورة طلاق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

(۱) ای پیامبر، هرگاه خواستید زنان را طلاق دهید، آنها را در زمان [آغاز] عده طلاق دهید [یعنی پس از پاک شدن از حیض و پیش از آمیزش]، و حساب عده را نگه دارید، و از الله که پروردگار شمامست پروا کنید. نه شما آنها را [تا پایان عده] از خانه‌هایشان بیرون کنید و نه آنها بیرون روند؛ مگر آنکه کار زشت آشکاری [مانند زنا] مرتکب شوند؛ و این حدود [احکام] الله است؛ و هر کس از حدود الله تجاوز کند، مسلماً به خود ستم کرده است. تو نمی‌دانی، شاید الله پس از آن، وضع تازه‌ای فراهم آورد [و رغبتی در دل زوجین بیندازد که به صلح و آشتی منجر شود].

يَأْتِيهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِقُوهُنَّ لِعِدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يُخْرِجَنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَحِشَةٍ مُّبِينَةٍ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا ﴿١﴾

(۲) و هنگامی که [آنها را طلاق دادید و] عده‌شان به سر رسید، آنان را به طرز شایسته‌ای نگه دارید یا به طرز شایسته‌ای از آنها جدا شوید؛ و دو مرد عادل از خودتان را گواه بگیرید و شهادت را برای الله برپا دارید. این [حکمی است] که هر کس به الله و روز

فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَأَشْهِدُوا ذَوِي عَدْلٍ مِّنْكُمْ وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ ذَلِكَُمُّ يُوعِظُ بِهِ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ

وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ
يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا ﴿۲﴾
قیامت ایمان دارد، به آن پند و اندرز داده
می‌شود؛ و هر کس که از الله بترسد، راه نجاتی
برای او قرار می‌دهد

وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ
وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ
إِنَّ اللَّهَ بَلِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ
لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا ﴿۳﴾
(۳) و او را از جایی که گمان ندارد، روزی
می‌دهد؛ و هر کس بر الله توکل کند، او تعالی
برایش کافی است. بی‌گمان، الله فرمان خود را
به انجام می‌رساند. مسلماً الله برای هر چیزی
اندازه‌ای قرار داده است.

وَاللّٰتِي يَسْتَسْنِ مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ
نِسَائِكُمْ إِنْ أَرْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ
ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ وَاللّٰتِي لَمْ يَحِضْنَ
وَأُولَاتُ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ
يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ
يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا ﴿۴﴾
(۴) و کسانی از زنانتان که [به سبب سن زیاد
و ...] از عادت ماهانه مایوس شده‌اند، اگر [در
چگونگی عده آنان] شک کردید، عده آنان سه
ماه است، و زنانی که عادت ماهانه ندیده‌اند
[نیز عده‌شان سه ماه است]. و عده زنان باردار
این است که وضع حمل کنند؛ و هر کس از
الله بترسد، [الله] کارش را برایش آسان
می‌سازد.

ذٰلِكَ أَمْرُ اللَّهِ أَنْزَلَهُ إِلَيْكُمْ
وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يُكَفِّرْ عَنْهُ
سَيِّئَاتِهِ وَيُعْظِمْ لَهُ أَجْرًا ﴿۵﴾
(۵) این، فرمان الله است که بر شما نازل کرده
است؛ و هر کس از الله پروا کند، الله گناهانش
را از او می‌زداید [و می‌بخشد] و پاداش او را
بزرگ می‌گرداند.

أَسْكُنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ
مِّنْ وُجْدِكُمْ وَلَا تُضَارُّوهُنَّ
شِمَاسًا [سکونت دهید، و به آنها زیان نرسانید
(۶) آنان [= زنان مطلقه] را در حد توان خود،
هر جا که خودتان سکونت دارید [و در توانایی
شماست]

تا [عرضه را] بر آنان تنگ کنید [و پیش از پایان عده، به ترک منزل مجبور شوند]؛ و اگر باردار هستند، نفقه آنها را بدهید تا وضع حمل کنند. اگر [فرزندتان را] برای شما شیر می دهند، مزدشان را بپردازید و [این کار را] به نیکی و با مشورت یکدیگر انجام دهید؛ و اگر به توافق نرسیدید، زن دیگری [به درخواست شوهر] او را شیر دهد.

لِئَصِيْقُوا عَلَيْهِنَّ وَإِنْ كُنَّ
أُولَاتٍ حَمَلٍ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّى
يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِنْ أَرْضَعْنَ
لَكُمْ فَأَتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ وَأْتَمِرُوا
بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ وَإِنْ تَعَاَسَرْتُم
فَسْتَرْضِعْ لَهُنَّ الْآخَرَ ﴿٦﴾

(۷) کسانی که دارا [و ثروتمند] هستند، باید از دارایی [و ثروت] خود [بر زن مطلقه و فرزندش] خرج کنند، و کسی که تنگدست است، باید از آنچه که الله به او داده [و در توانش است] خرج کند. الله هیچ کس را جز به آن اندازه که به او [توان] داده است مکلف نمی کند. الله به زودی بعد از سختی [و تنگدستی]، آسانی [و گشایش] قرار می دهد.

لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِّن سَعَتِهِ وَمَنْ
قَدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا
ءَاتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا
إِلَّا مَا ءَاتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ
عُسْرٍ يُسْرًا ﴿٧﴾

(۸) چه بسیار [اهالی] شهرها که از فرمان پروردگارشان و [فرمان] پیامبرانش سرپیچی کردند؛ ما به شدت از آنها حساب کشیدیم و آنها را به عذابی سخت [و سهمناک] عذاب کردیم.

وَكَايِنٍ مِّن قَرْيَةٍ عَتَتْ عَنْ أَمْرِ
رَبِّهَا وَرُسُلِهِ فَحَاسَبْنَاهَا حِسَابًا
شَدِيدًا وَعَدَبْنَاهَا عَذَابًا
ثَقِيرًا ﴿٨﴾

(۹) پس آنان کیفر کار خود را چشیدند، و سرانجام کارشان زیان بود.

فَذَاقَتْ وَبَالَ أَمْرِهَا وَكَانَ عَاقِبَةُ
أَمْرِهَا خُسْرًا ﴿٩﴾

أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا ۖ فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ ءَامَنُوا قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا ﴿۱۰﴾

(۱۰) الله عذاب سختی برایشان مهیا کرده است؛ پس ای خردمندانی که ایمان آورده‌اید، از الله پروا کنید. همانا الله ذکر [= قرآن] را به سوی شما نازل کرده است.

رَسُولًا يَتْلُوا عَلَيْكُمْ ءَايَاتِ اللَّهِ مُبَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا قَدْ أَحْسَنَ اللَّهُ لَهُ رِزْقًا ﴿۱۱﴾

(۱۱) [و نیز] پیامبری [فرستاده] که آیات روشن الله را بر شما می‌خواند، تا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، از تاریکی‌ها به سوی نور بیرون آورد؛ و هر کس به الله ایمان آورد و کار شایسته انجام دهد، [الله] او را به باغ‌هایی [از بهشت] وارد می‌کند که از زیر [درختان] آن جویبارها جاری است؛ جاودانه در آن می‌مانند. به راستی الله رزق و روزی‌اش را نیکو گردانیده است.

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا ﴿۱۲﴾

(۱۲) الله است که هفت آسمان را آفرید و از زمین [نیز] همانند آنها را [آفرید]؛ و فرمان [الله] پیوسته در میان آنها نازل می‌شود، تا بدانید که الله بر همه چیز تواناست، و اینکه علم الله بر همه چیز احاطه دارد.

سُورَةُ التَّحْرِيمِ

سورة تحريم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

يَتَأْتِيهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمَ مَا أَحَلَّ
 اللَّهُ لَكَ تَبْتَغِي مَرْضَاتَ أَزْوَاجِكَ
 وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١﴾

(۱) ای پیامبر، چرا چیزی را که الله بر تو
 حلال کرده است، به خاطر راضی کردن
 همسرانت [بر خود] حرام می‌کنی؟ و [بدان که
 در همه حال،] الله آمرزنده مهربان است.

قَدْ فَرَضَ اللَّهُ لَكُمْ تَحِلَّةَ
 أَيْمَانِكُمْ وَاللَّهُ مَوْلَاكُمْ وَهُوَ
 الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ﴿٢﴾

(۲) به راستی که الله شکستن سوگندهایتان را
 [با دادن کفاره] بر شما روا داشته است؛ و الله
 دوستدار [و کارساز] شماست و او دانای حکیم
 است.

وَإِذْ أَسْرَ النَّبِيُّ إِلَىٰ بَعْضِ
 أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا فَلَمَّا نَبَّأَتْ بِهِ
 وَأَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَّفَ بَعْضُهُ
 وَأَعْرَضَ عَنِ بَعْضٍ فَلَمَّا نَبَّأَهَا
 بِهِ قَالَتْ مَنَ أَنْبَأَكَ هَذَا قَالَ
 نَبَّأَنِی الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ ﴿٣﴾

(۳) و [به یاد آور] آنگاه که پیامبر با یکی از
 همسرانش رازی را در میان نهاد، و [آن همسر]
 آن راز را [به همسر دیگر] خبر داد و الله او [=]
 پیامبر] را از آن [افشای راز] آگاه کرد، [پیامبر]
 قسمتی از آن [رازگویی] را [برای همسر
 رازگوش] بازگو کرد و از [بازگویی] قسمتی
 [دیگر] خودداری نمود؛ هنگامی که [پیامبر] او
 را از آن [چه که ذکر کرده بود] باخبر ساخت،
 [آن زن] گفت: «چه کسی تو را از این امر
 باخبر کرده است؟» [پیامبر] گفت: «[الله]
 دانای آگاه مرا باخبر ساخته است».

(۴) [شما ای دو همسر پیامبر]، اگر به درگاه
 الله توبه کنید [به سود شمامست]؛ بی گمان،
 دل‌هایتان [از حفظ سرّ که پیغمبر دوست
 می‌داشت] منحرف گشته است، و اگر شما دو
 نفر علیه او همدست [و متفق] شوید، [بدانید]
 که الله دوست و یاور اوست و [نیز] جبرئیل و
 مردمان شایسته - از مؤمنان و فرشتگان - [نیز]
 بعد از آن، پشتیبان [و مددکار او] هستند.

(۵) چه بسا اگر شما را طلاق دهد، پروردگارش
 همسرانی اعم از بیوه و دوشیزه بهتر از شما
 برایش جایگزین کند [که] زنانی مسلمان،
 مؤمن، فرمانبردار، توبه‌کار، عبادتگر [و] روزه‌دار
 باشند.

(۶) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود و
 خانواده‌تان را از آتشی که هیزم آن مردم و
 سنگ‌هاست نگه دارید؛ [آتشی که] فرشتگان
 خشن و سختگیر بر آن، گمارده شده‌اند] که
 هرگز از الله در [امورد] آنچه به آنان فرمان
 داده، نافرمانی نمی‌کنند، و هر چه فرمان
 می‌یابند انجام می‌دهند.

(۷) [و در روز قیامت به کافران گفته می‌شود]:
 ای کسانی که کافر شده‌اید، امروز عذرخواهی

إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيلُ وَصَلِحَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةَ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ ﴿٤﴾

عَسَىٰ رَبُّهُ إِنْ طَلَّقَنَّ أَنْ يُبْدِلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِّنْكَنَّ مُسْلِمَاتٍ مُّؤْمِنَاتٍ قَنِتَاتٍ تَتَّبِعُنَّ عِبَادَتِي سَعِيحَاتٍ نَّبَيْتٍ وَأَبْكَارًا ﴿٥﴾

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قُوًا أَنفُسِكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ ﴿٦﴾

يَأْتِيهَا الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَعْتَذِرُوا الْيَوْمَ إِنَّمَا تُجْرُونَ مَا

نکنید. فقط در برابر آنچه [در دنیا] می‌کردید
جزا داده می‌شوید.

كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٧﴾

(۸) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به سوی الله
توبه کنید؛ توبه‌ای خالصانه. امید است
پروردگارتان گناهانتان را از شما بزداید و شما
را به باغ‌هایی [از بهشت] وارد کند که جویبارها
از زیر [درختان] آن جاری است؛ [در] روزی
که الله، پیامبر و کسانی را که همراه او ایمان
آورده‌اند، خوار نمی‌کند. نورشان پیشاپیش آنان
و سمت راستشان [بر روی صراط] در حرکت
است؛ می‌گویند: «پروردگارا، نور ما را به تمام
[و کمال] برسان [که وارد بهشت شویم] و ما را
بیمرز. بی‌گمان، تو بر هر چیز توانایی.»

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا تُبَوَّبُوا إِلَى
اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ
أَن يُكَفِّرَ عَنْكُم سَيِّئَاتِكُمْ
وَيُدْخِلَكُم جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن
تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ
النَّبِيَّ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ
يَسْعَىٰ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ
يَقُولُونَ رَبَّنَا أَنْتُمُ لَنَا نُورًا
وَأَعْفِرُ لَنَا إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ

قَدِيرٌ ﴿٨﴾

(۹) ای پیامبر، با کافران و منافقان جهاد کن و
بر آنها سخت بگیر، و جایگاهشان جهنم است؛
و چه بد جایگاهی است!

يَأْتِيهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ
وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ
وَمَا لَهُمْ جَهَنَّمَ وِبئسَ

الْمَصِيرُ ﴿٩﴾

(۱۰) الله برای کسانی که کافر شده‌اند، همسر
نوح و همسر لوط را مثل زده است که آن دو
در نکاح دو تن از بندگان صالح ما بودند؛ و به
آن دو خیانت کردند، و [آن دو بنده صالح]
نتوانستند چیزی از [عذاب] الله را از آن دو

صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا
أَمْرَاتِ نُوحٍ وَأَمْرَاتِ لُوطٍ كَانَتَا
تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِن عِبَادِنَا
صَالِحَيْنِ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا

عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ
 أَدْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّٰخِلِينَ ﴿١٠﴾
 [زن] دفع کنند؛ و [به آنها] گفته شد: «همراه
 واردشوندگانِ به آتش [جهنم، شما نیز] وارد
 شوید».

وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا
 أَمْرَاتٍ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ
 لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي
 مِنَ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ
 الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿١١﴾
 (۱۱) الله برای کسانی که ایمان آورده‌اند،
 همسر فرعون [= آسیه] را مَثَل زده است؛
 هنگامی که گفت: «پروردگارا، نزد خود در
 بهشت خانه‌ای برایم بساز و مرا از فرعون و
 کردارش نجات بده، و مرا از قوم ستمگر رهایی
 بخش».

وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي
 أَحْصَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ
 رُوحِنَا وَصَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا
 وَكُتِبَ عَلَيْهَا مِن الْقَلْبَيْنِ ﴿١٢﴾
 (۱۲) و [نیز] مریم - دختر عمران - را [مَثَل زده
 است] که شرمگاه خویش را [پاک] نگه داشت؛
 و ما از روح [ی از جانب] خود در آن دمیدیم و
 [او] کلمات پروردگارش و کتاب‌های او را
 تصدیق کرد و از فرمانبرداران بود.

سُورَةُ الْمُلِكِ

سورة ملك

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

تَبْرَكَ الَّذِي يَدِيهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١﴾
 (۱) پربرکت [و بزرگوار] است کسی که فرمانروایی جهان هستی به دست اوست، و او بر همه چیز تواناست.

الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيُبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ ﴿٢﴾
 (۲) [همان] ذاتی که مرگ و زندگی را آفرید، تا شما را بیازماید که کدام یک از شما نیکوکارتر است؛ و او پیروزمند بخشنده است.

الَّذِي خَلَقَ سَعَةَ سَمَوَاتٍ طِبَاقًا مَّا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِن تَقْلُوتٍ فَأَرْجِعِ الْبَصَرَ هَل تَرَى مِن فُطُورٍ ﴿٣﴾
 (۳) آن ذاتی که هفت آسمان را بر فراز یکدیگر آفرید. در آفرینش [الله] رحمان هیچ بی‌نظمی و خللی نمی‌بینی. بار دیگر نگاه کن؛ آیا هیچ شکاف [و نقصی] می‌بینی؟

ثُمَّ أَرْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ ﴿٤﴾
 (۴) بار دیگر [به عالم هستی] نگاه کن؛ [خلل و نقصی نخواهی دید و] چشمت در حالی که خسته و ناتوان است به سوی تو بازمی‌گردد.

وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَجَعَلْنَاهَا رُجُومًا لِلشَّيَاطِينِ وَأَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيرِ ﴿٥﴾
 (۵) و به راستی ما آسمان دنیا را با ستارگان درخشان آراستیم و آنها را برای راندن شیاطین قرار دادیم، و عذاب [آتش] سوزان را برایشان آماده ساختیم.

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَسَاءَ الْمَصِيرُ ﴿٦﴾
 شدند، عذاب جهنم است؛ و چه بد جایگاهی است!

إِذَا أُلْقُوا فِيهَا سَمِعُوا لَهَا شَهِيقًا وَهِيَ تَفُورُ ﴿٧﴾
 (۷) هنگامی که در آن انداخته شوند، نعره‌ای [وحشتناک] از آن می‌شنوند، در حالی که می‌جوشد.

تَكَادُ تَمَيَّزُ مِنَ الْعَجِظِ كُلَّمَا أُلْقِيَ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ ﴿٨﴾
 (۸) از شدت خشم، نزدیک است [جهنم] پاره‌پاره شود. هر گاه گروهی در آن انداخته می‌شوند، نگهبانانش از آنان می‌پرسند: «آیا بیم‌دهنده‌ای به سراغتان نیامد؟»

قَالُوا بَلَىٰ قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِن شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ ﴿٩﴾
 (۹) می‌گویند: «بله؛ بیم‌دهنده به سوی ما آمد، اما ما او را تکذیب کردیم و گفتیم: «هرگز الله چیزی نازل نکرده است. شما جز در گمراهی بزرگی نیستید.»

وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ ﴿١٠﴾
 (۱۰) و [باز] می‌گویند: «اگر ما می‌شنیدیم یا عقلمان را به کار می‌بردیم، در [زمره] دوزخیان نبودیم.»

فَاعْتَرَفُوا بِذَنبِهِمْ فَسُحْقًا لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ ﴿١١﴾
 (۱۱) اینجاست که به گناه خود اعتراف می‌کنند. پس دوری [از رحمت الله] بهره‌ دوزخیان باد!

إِنَّ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ ﴿١٢﴾
 (۱۲) بی‌گمان، کسانی که در نهان از

پروردگارشان می‌ترسند، آموزش و پاداش بزرگی دارند. ﴿۱۲﴾ لَّهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ ﴿۱۲﴾

﴿۱۳﴾ [خواه] گفتار خود را پنهان دارید یا آن را آشکار سازید، [به هر حال]، او به آنچه در دل هاست آگاه است. ﴿۱۳﴾ وَأَسِرُوا قَوْلَكُمْ أَوْ أَجْهَرُوا بِهِ ۗ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿۱۳﴾

﴿۱۴﴾ آیا کسی که [همه موجودات را] آفریده است، [حال بندگان را] نمی‌داند؟ در حالی که او باریک‌بین و آگاه است. ﴿۱۴﴾ أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ ﴿۱۴﴾

﴿۱۵﴾ او ذاتی است که زمین را برای شما رام [و هموار] گردانید، پس در گوشه و کنار آن راه بروید و از روزی او بخورید؛ و بازگشت [همه] به سوی اوست. ﴿۱۵﴾ هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَأَمْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِن رِّزْقِهِ ۗ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ ﴿۱۵﴾

﴿۱۶﴾ آیا خود را از [عذاب] ذاتی که در آسمان است، در امان می‌دانید، که [فرمان دهد] زمین شما را فرو برد و ناگهان به لرزش درآید؟ ﴿۱۶﴾ ءَأَمِنْتُمْ مِّن فِي السَّمَاءِ أَن يَخْسِفَ بِكُمُ الْأَرْضَ فَإِذَا هِيَ تَمُورُ ﴿۱۶﴾

﴿۱۷﴾ یا خود را از ذاتی که در آسمان است در امان می‌دانید، که طوفان شن بر شما فرستد؟ آنگاه به زودی خواهید دانست که هشدار من چگونه است! ﴿۱۷﴾ أَمْ أَمِنْتُمْ مِّن فِي السَّمَاءِ أَن يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا ۗ فَسَتَعْلَمُونَ كَيْفَ نَذِيرِ ﴿۱۷﴾

﴿۱۸﴾ همانا کسانی که پیش از آنان بودند [نیز دعوت پیامبران را] تکذیب کردند؛ پس [بنگر که] عقوبت من چگونه بود! ﴿۱۸﴾ وَلَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ ﴿۱۸﴾

أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ فَوْقَهُمْ صَفَقَتْ وَيَقْبِضْنَ مَا يُمَسِّكُهُنَّ إِلَّا الرَّحْمَنُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيرٌ ﴿١٩﴾

(۱۹) آیا به پرندگانی که بر فراز سرشان است نگاه نکردند که [گاهی] بال‌هایشان را می‌گشایند و [گاهی] فرومی‌بندند؟ جز [الله] رحمان [کسی] آنها را [بر فراز آسمان] نگاه نمی‌دارد؛ بی‌گمان او به همه چیز بیناست.

أَمَّنْ هَذَا الَّذِي هُوَ جُنْدٌ لَّكُمْ يَنْصُرُكُمْ مِّنْ دُونِ الرَّحْمَنِ إِنِ الْكَافِرُونَ إِلَّا فِي غُرُورٍ ﴿٢٠﴾

(۲۰) آیا این کسی که لشکر شماست، می‌تواند شما را در برابر الله یاری دهد؟ کافران جز در فریب [و غرورشان] نیستند.

أَمَّنْ هَذَا الَّذِي يَرْزُقُكُمْ إِنْ أَمْسَكَ رِزْقَهُ بَلْ لَجُّوا فِي عُتُوٍّ وَنُفُورٍ ﴿٢١﴾

(۲۱) یا آن ذاتی که شما را روزی می‌دهد، اگر روزی‌اش را بازدارد، [چه کسی می‌تواند نیاز شما را تأمین کند؟] ولی آنها در سرکشی و فرار از حقیقت، لجاجت می‌ورزند.

أَفَمَنْ يَمِشِي مُكِبًّا عَلَىٰ وَجْهِهِ أَهْدَىٰ أَمَّنْ يَمِشِي سَوِيًّا عَلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿٢٢﴾

(۲۲) آیا کسی که به رو افتاده [و نگوینسار] حرکت می‌کند، به هدایت نزدیک‌تر است، یا کسی که راست و استوار بر راه راست گام برمی‌دارد؟

قُلْ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَرَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ ﴿٢٣﴾

(۲۳) بگو: «او ذاتی است که شما را آفرید و گوش و چشمان و دل برایتان قرار داد؛ [اما شما] اندکی سپاسگزاری می‌کنید».

قُلْ هُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ﴿٢٤﴾

(۲۴) بگو: «او ذاتی است که شما را در زمین پراکند، و به سوی او محشور می‌شوید».

وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٢٥﴾
 و می‌گویند: «اگر راست می‌گویید، این وعده [قیامت] چه زمانی است؟»

قُلْ إِنَّمَا أَلِمْ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿٢٦﴾
 بگو: «علم [قیامت] تنها نزد الله است و من فقط بیم‌دهنده‌ای آشکارم.»

فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سَيِّئَتْ وُجُوهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَقِيلَ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَدَّعُونَ ﴿٢٧﴾
 (۲۷) هنگامی که آن [وعده و عذاب الهی] را از نزدیک ببینند، چهره کسانی که کافر شدند، سیاه و اندوهگین می‌گردد و [به آنان] گفته می‌شود: «این همان چیزی است که درخواست می‌کردید.»

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَهْلَكَنِ اللَّهُ وَمَن مَّعِيَ أَوْ رَحِمَنَا فَمَن يُجِيرُ الْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ ﴿٢٨﴾
 (۲۸) [ای پیامبر،] بگو: «به من خبر دهید، اگر الله مرا و کسانی را که با من هستند، نابود کند یا بر ما رحمت آورد، کیست که کافران را از عذاب دردناک پناه دهد؟»

قُلْ هُوَ الرَّحْمَنُ عَمَّنَا بِهِ وَعَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا فَسْتَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٢٩﴾
 (۲۹) بگو: «او [الله] رحمان است؛ به او ایمان آورده‌ایم و بر او توکل کرده‌ایم؛ [ای کافران،] به زودی خواهید دانست که چه کسی در گمراهی آشکار است.»

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَن يَأْتِيكُم بِمَاءٍ مَّعِينٍ ﴿٣٠﴾
 (۳۰) [ای پیامبر،] بگو: «به من خبر دهید اگر آب [آشامیدنی] شما [در زمین] فرو رود، چه کسی می‌تواند آب روان [و گوارا] برایتان بیاورد؟»

سُورَةُ الْقَلَمِ

سورة قلم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

- ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ ﴿١﴾ (۱) نون. سوگند به قلم و آنچه می نویسند،
- مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ ﴿٢﴾ (۲) که تو [ای پیامبر]، به نعمت [و فضل] پروردگارت، دیوانه نیستی،
- وَإِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ ﴿٣﴾ (۳) و پاداشی بی پایان برای تو [درپیش] است؛
- وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ ﴿٤﴾ (۴) و یقیناً تو اخلاق بسیار نیکو و والایی داری.
- فَسْتَبْصِرْ وَيُبْصِرُونَ ﴿٥﴾ (۵) به زودی خواهی دید و آنها [نیز] خواهند دید
- بِأَيِّكُمْ أَلْمُفْتُونَ ﴿٦﴾ (۶) که کدام یک از شما دیوانه است.
- إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ ﴿٧﴾ (۷) پروردگارت بهتر می داند چه کسی از راه او گمراه گشته، و او به هدایت یافتگان [نیز] داناتر است.
- فَلَا تُطِعِ أَلْمُكْذِبِينَ ﴿٨﴾ (۸) پس از تکذیب کنندگان اطاعت مکن.
- وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ ﴿٩﴾ (۹) آنها دوست دارند [و می خواهند] که نرمی [و مدارا] کنی، تا آنان [نیز] نرمی [و مدارا] کنند.

- وَلَا تُطْعُ كُلَّ حَلَاْفٍ مَّهِيْنٍ ﴿١٠﴾ (۱۰) و از هر فرومایه‌ای که بسیار سوگند
[دروغ] یاد می‌کند، اطاعت مکن.
- هَمَّاَزٍ مَّشَاءٍ بِنَمِيْمٍ ﴿١١﴾ (۱۱) [همان کسی که] بسیار عیب‌جوست و به
سخن چینی آمد و شد می‌کند.
- مَتَّاعٍ لِّلْخَيْرِ مُعْتَدٍ اٰثِيْمٍ ﴿١٢﴾ (۱۲) و بسیار مانع کار خیر، و متجاوز و
گناهکار است.
- عُتْلٍ بَعْدَ ذٰلِكَ زَنِيْمٍ ﴿١٣﴾ (۱۳) به علاوه، خشن و بی‌تبار و بدنام است.
- اَنْ كَانَ ذَا مَالٍ وَبَنِيْنَ ﴿١٤﴾ (۱۴) به خاطر آن که صاحب مال و فرزندان
بسیار است.
- اِذَا تُتْلٰى عَلَيْهِ ءَايٰتُنَا قَالَ اَسْطِیْرٌ اَلْاَوَّلِيْنَ ﴿١٥﴾ (۱۵) هنگامی که آیات ما بر او خوانده می‌شود،
می‌گوید: «[اینها] افسانه‌های [خیالی] گذشتگان است».
- سَنَسِيْمُهُ عَلٰى الْخُرْطُوْمِ ﴿١٦﴾ (۱۶) به زودی داغ [ننگ و رسوایی] بر بینی او
می‌نهمیم.
- اِنَّا بَلَوْنَهُمْ كَمَا بَلَوْنَا اَصْحٰبَ الْجَنَّةِ اِذْ اَقْسَمُوْا لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِيْنَ ﴿١٧﴾ (۱۷) ما آنها را آزمایش کردیم، همان‌گونه که
صاحبان باغ را آزمودیم؛ هنگامی که سوگند یاد کردند که صبحگاهان [که مستمندان نباشند]،
میوه‌های باغ را بچینند.
- وَلَا يَسْتَنْوِنُوْنَ ﴿١٨﴾ (۱۸) و[الی] «ان شاء الله» نگفتند.
- فَطَافَ عَلَيْهَا طَآیْفٌ مِّنْ رَّبِّكَ ﴿١٩﴾ (۱۹) عذابی [فراگیر] از سوی پروردگارت بر

[باغ] آنها فرود آمد، در حالی که همه در خواب بودند.

وَهُمْ نَائِمُونَ ﴿۱۹﴾

(۲۰) و آن باغ [سبز و خرم، پس از آتش سوزی] همچون شب سیاه شد.

فَأَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ ﴿۲۰﴾

(۲۱) آنگاه صبحگاهان یکدیگر را ندا دادند

فَتَنَادَوْا مُصْبِحِينَ ﴿۲۱﴾

(۲۲) که اگر می خواهید میوه بچینید، به سوی کشتزار [و باغ] خویش بروید.

إِنِ أَغْدُوا عَلَى حَرْثِكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَرْمِينَ ﴿۲۲﴾

(۲۳) آنگاه [به سوی کشتزار] حرکت کردند، در حالی که آهسته با هم می گفتند:

فَأَنْظِلُّوْا وَهُمْ يَتَخَلَفْتُونَ ﴿۲۳﴾

(۲۴) «[مراقب باشید] که امروز هیچ [نیازمند] و [بینوایی در آن [باغ] وارد نشود!]

أَنْ لَا يَدْخُلَهَا الْيَوْمَ عَلَيْكُمْ مَسْكِينٌ ﴿۲۴﴾

(۲۵) و صبحگاهان با تصمیم جدی بر جلوگیری [از ورود مستمندان، به سمت باغ] بیرون شدند.

وَعَدَّوْا عَلَى حَرْدٍ قَدِيرِينَ ﴿۲۵﴾

(۲۶) اما هنگامی که آن [باغ] را دیدند، گفتند: «یقیناً ما [اشتباه آمده ایم و] راه را گم کرده ایم؛

فَلَمَّا رَأَوْهَا قَالُوا إِنَّا لَضَالُونَ ﴿۲۶﴾

(۲۷) [نه؛] بلکه ما [از حاصل آن] بی بهره و محروم هستیم».

بَلْ نَحْنُ مُحْرَمُونَ ﴿۲۷﴾

(۲۸) بهترین [و خردمندترین] آنان گفت: «آیا به شما نگفتم چرا [شکر و] تسبیح [الله را] نمی گوید؟».

قَالَ أَوْسَطُهُمْ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ لَوْلَا تُسَبِّحُونَ ﴿۲۸﴾

قَالُوا سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿۲۹﴾ گفتند: «پروردگار ما پاک و منزّه است؛ مسلماً ما ستمکار بودیم».

فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَلَوْمُونَ ﴿۳۰﴾ (۳۰) آنگاه ملامت کنان به یکدیگر روی آوردند

قَالُوا يَوَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿۳۱﴾ [و] گفتند: «وای بر ما که طغیانگر [و سرکش] بودیم!»

عَسَىٰ رَبُّنَا أَنْ يُبَدِّلَنَا خَيْرًا مِّنْهَا إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا رَاغِبُونَ ﴿۳۲﴾ (۳۲) امیدواریم که پروردگارمان [ما را ببخشد و] در عوض، چیزی بهتر از آن [باغ] به ما دهد؛ [چرا که] بی گمان، ما به سوی پروردگار خود روی آورده‌ایم».

كَذَلِكَ الْعَذَابُ ۗ وَالْعَذَابُ الْأَخِرَ ۗ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿۳۳﴾ (۳۳) عذاب [الله در دنیا] اینچنین است؛ و اگر می دانستند، عذاب آخرت مسلماً بزرگ تر [و بیشتر] است.

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّتٍ ۖ وَالنَّعِيمِ ﴿۳۴﴾ (۳۴) به راستی برای پرهیزگاران نزد پروردگارشان باغ‌های پر نعمت است.

أَفَنَجْعَلُ الْمُسْلِمِينَ ۖ كَالْمُجْرِمِينَ ﴿۳۵﴾ (۳۵) آیا ما مسلمانان را همچون مجرمان [و گناهکاران] قرار می دهیم؟

مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ﴿۳۶﴾ (۳۶) شما را چه شده است؟ چگونه داوری می کنید؟

أَمْ لَكُمْ كِتَابٌ فِيهِ تَدْرُسُونَ ﴿٣٧﴾
 (۳۷) آیا شما کتابی [آسمانی] دارید که در آن می خوانید و [فرامی گیرید؟]

إِنَّ لَكُمْ فِيهِ لَمَا تَخَيَّرُونَ ﴿٣٨﴾
 (۳۸) و [آیا] آنچه را انتخاب می کنید، در آن [کتاب] برای شما [تضمین شده] است؟

أَمْ لَكُمْ أَيْمَانٌ عَلَيْنَا بَلِغَةٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِنَّ لَكُمْ لَمَا تَحْكُمُونَ ﴿٣٩﴾
 (۳۹) یا اینکه بر [عهده] ما عهد و پیمان استواری تا روز قیامت دارید که هر چه را حکم کنید، [حق] برای شما باشد؟

سَلِّمُوا إِلَيْهِمْ بِذَلِكَ زَعِيمٌ ﴿٤٠﴾
 (۴۰) [ای پیامبر] از آنها بپرس کدام یک از آنان در برابر این [ادعاها] متعهد است؟

أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ فَلْيَأْتُوا بِشُرَكَائِهِمْ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ ﴿٤١﴾
 (۴۱) و یا اینکه [معبودان و] شریکانی دارند؟ اگر راست می گویند، باید شریکان [و معبودان] خویش را بیاورند.

يَوْمَ يُكْشَفُ عَن سَاقٍ وَيُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ ﴿٤٢﴾
 (۴۲) روزی که [الله متعال برای داوری میان خلاق بیاید] ساق [او تعالی که هیچ چیز مانند آن نیست] آشکار می گردد و [مردم] به سجده فراخوانده می شوند؛ ولی [کافران و منافقان] نمی توانند [سجده کنند].

خَالِصَةً أَبْصَرُهُمْ تَرَهْفُهُمْ ذَلَّةٌ وَقَدْ كَانُوا يُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ وَهُمْ سَلِيمُونَ ﴿٤٣﴾
 (۴۳) [در حالی که] دیدگانشان [از ترس و ندامت] فرو افتاده و ذلت و خواری وجودشان را فراگرفته است؛ و یقیناً پیش از این [در دنیا] در حالی که تندرست بودند، به سجده فراخوانده می شدند.

فَذَرْنِي وَمَنْ يُكْذِبْ بِهِذَا (۴۴) [ای پیامبر،] مرا با آن کسی که این سخن [= قرآن] را تکذیب می کند واگذار. ما آنان را اندک اندک [و] به گونه ای که در نیابند [و از جایی که متوجه نگردند]، به سوی عذاب خواهیم کشاند.

وَأُمِّلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ ﴿٤٥﴾ (۴۵) و به آنها مهلت می دهم. بی گمان، مکر [و تدبیر] من استوار [و محکم] است.

أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِّن مَّعْرَمٍ (۴۶) [ای پیامبر،] مگر تو از آنان مزدی درخواست می کنی که [از ادای آن در رنجند و] برایشان سنگین است؟

أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُمُونَ ﴿٤٧﴾ (۴۷) یا [اسرار] غیب نزد آنهاست و آنان [آنچه را می گویند از روی آن] می نویسند.

فَأَصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْحُوتِ إِذْ نَادَى وَهُوَ مَكْظُومٌ ﴿٤٨﴾ (۴۸) [ای پیامبر،] در برابر فرمان [و حکم] پروردگارت صبر کن، و مانند صاحب ماهی [= یونس] مباش که با دلی سرشار از خشم و اندوه، [الله را] ندا داد.

لَوْلَا أَنْ تَدَارَكُهُ نِعْمَةٌ مِّن رَّبِّهِ لَنُبِذَ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ مَذْمُومٌ ﴿٤٩﴾ (۴۹) اگر نعمت [و رحمتی] از سوی پروردگارش به یاری او نیامده بود، یقیناً در حالی [از شکم ماهی]، به صحرای خشکیده بیرون افکنده می شد که نکوهیده بود.

فَأَجْتَبَاهُ رَبُّهُ وَجَعَلَهُ مِّن (۵۰) آنگاه پروردگارش او را برگزید و از

صالحان قرار داد.

الصَّالِحِينَ ﴿۵۰﴾

وَإِن يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَرِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا
الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ ﴿۵۱﴾
تو را چشم‌زخم زنند؛ و [به خاطر خشم و
حسدشان] می‌گویند: «قطعاً او دیوانه است»؛

وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ ﴿۵۲﴾
در حالی که این [قرآن] جز پندی برای
جهانیان نیست.

سُورَةُ الْحَاقَّةِ

سورة حاقه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

الْحَاقَّةُ ﴿١﴾

(۱) [روز] واقع شدنی [رستاخیز]

مَا الْحَاقَّةُ ﴿٢﴾

(۲) آن واقع شدنی چیست؟

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحَاقَّةُ ﴿٣﴾

(۳) و تو چه دانی آن واقع شدنی چیست [و چگونه است]؟

كَذَّبَتْ ثَمُودُ وَعَادٌ بِالْقَارِعَةِ ﴿٤﴾

(۴) [قوم] ثمود و [قوم] عاد، [قیامت] درهم کوبنده را تکذیب کردند.

فَأَمَّا ثَمُودُ فَاهْلِكُوا بِالطَّاغِيَةِ ﴿٥﴾

(۵) و اما [قوم] ثمود، به بانگِ سهمگین هلاک شدند.

وَأَمَّا عَادٌ فَاهْلِكُوا بِرِيحِ صَرْصَرٍ

(۶) و اما [قوم] عاد، با تندبادی سرکش و سرد به هلاکت رسیدند.

عَاتِيَةٍ ﴿٦﴾

سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ

(۷) [الله] هفت شب و هشت روز بیای آن [عذاب] را بر آنها مسلط نمود؛ پس [اگر آنجا بودی، آن] قوم را [در اثر آن تندباد،] مانند تنه‌های پوسیده و توخالی درختان خرما، بر زمین افتاده [و هلاک شده] می دیدی.

وَتَمْنِيَةَ أَيَّامٍ حُسُومًا فَتَرَى

الْقَوْمَ فِيهَا صَرَغِي كَأَنَّهُمْ

أَعْجَازٌ نَخْلٍ حَاوِيَةٍ ﴿٧﴾

(۸) آیا کسی از آنها را می بینی که باقی مانده باشد؟

فَهَلْ تَرَى لَهُم مِّنْ بَاقِيَةٍ ﴿٨﴾

وَجَاءَ فِرْعَوْنُ وَمَنْ قَبْلَهُ ۖ وَالْمُؤْتَفِكْتُ بِالْخَطِيطَةِ ﴿٩﴾
 (۹) و فرعون و کسانی که پیش از او بودند و
 [مردم] شهرهای ویران شده [= قوم لوط،

مرتکب گناهان [بزرگ] شدند.

فَعَصَوْا رَسُولَ رَبِّهِمْ فَأَخَذَهُمْ ۖ أَخَذَهُ رَبِّيَّةً ﴿١٠﴾
 (۱۰) آنها از [فرمان] فرستاده پروردگارشان
 سرپیچی کردند، آنگاه [الله] آنان را به عذاب

بی نهایت سختی گرفتار کرد.

إِنَّا لَمَّا طَغَا الْمَاءُ حَمَلْنَاكُمْ فِي ۖ الْجَارِيَةِ ﴿١١﴾
 (۱۱) هنگامی که آب طغیان کرد، ما [اجداد]
 شما را [به همراه نوح] در کشتی سوار کردیم،

لِنَجْعَلَهَا لَكُمْ تَذْكِرَةً وَتَعِيهَا ۖ أَدْنُ وَاعِيَةٌ ﴿١٢﴾
 (۱۲) تا پندی برای شما قرار دهیم و
 گوش‌های شنوا آن را بشنوند و به یاد بسپارند.

فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ نَفْحَةٌ ۖ وَاحِدَةٌ ﴿١٣﴾
 (۱۳) آنگاه که یک بار در صور دمیده شود،

وَحُمِلَتِ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ فَدُكَّتَا ۖ دَكَّةً وَاحِدَةً ﴿١٤﴾
 (۱۴) و زمین و کوه‌ها از جا کنده شده و یکباره
 درهم کوبیده [و متلاشی] شوند.

فَيَوْمَئِذٍ وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ ﴿١٥﴾
 (۱۵) در آن روز، واقعه [عظیم] قیامت به وقوع
 می‌پیوندد

وَأُنشِقَّتِ السَّمَاءُ فَهِيَ يَوْمَئِذٍ ۖ وَاهِيَةٌ ﴿١٦﴾
 (۱۶) و آسمان شکافته می‌شود و در آن روز،
 سست می‌گردد [و فرو می‌ریزد].

وَالْمَلَائِكَةُ عَلَىٰ أَرْجَائِهَا وَيَحْمِلُ ۖ (۱۷) و فرشتگان بر کناره‌های آن [= آسمان]

عَرْشِ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ
 پروردگارت را بر سرِ خود حمل می کنند.

ثَمَلِيَّةٌ ﴿١٧﴾

(۱۸) در آن روز، شما [همگی برای حسابرسی،
 به پیشگاه الله] عرضه می شوید و هیچ چیز از
 [کارهای] شما پنهان نخواهد ماند.

خَافِيَةٌ ﴿١٨﴾

(۱۹) اما کسی که نامه [اعمالش] را به دست
 راستش دهند، می گوید: «بیاید نامه [اعمال]
 مرا بخوانید.

فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ وَبِئَمِينِهِ
 فَيَقُولُ هَآؤُمُ أَقْرَأُوا كِتَابِيَةَ ﴿١٩﴾

(۲۰) من یقین داشتم که با حساب [اعمال]
 خود مواجه خواهم شد».

إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلْقٍ حِسَابِيَةَ ﴿٢٠﴾

(۲۱) پس او در یک زندگی پسندیده [و
 رضایت بخش] خواهد بود؛

فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَّاضِيَةٍ ﴿٢١﴾

(۲۲) در بهشتی برین

فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ ﴿٢٢﴾

(۲۳) که میوه هایش [برای چیدن] در دسترس
 است.

قُطُوفُهَا دَانِيَةٌ ﴿٢٣﴾

(۲۴) [و به آنها گفته می شود: «به [پاداش]
 آنچه در ایام گذشته پیش فرستاده اید، بخورید
 و بیاشامید؛ گوارایتان باد».

كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا أَسْلَفْتُمْ
 فِي الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ ﴿٢٤﴾

(۲۵) و اما کسی که نامه [اعمالش] را به دست
 چپش دهند، می گوید: «ای کاش هرگز نامه [ی
 اعمالم] را به من نمی دادند،

وَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ وَبِشِمَالِهِ
 فَيَقُولُ يَلَيْتَنِي لَمْ أُوتَ

كِتَابِيَةَ ﴿٢٥﴾

- وَلَمْ أَدْرِ مَا حِسَابِيَّةٍ ﴿٢٦﴾ و (۲۶) و نمی دانستم حسابم چیست!
- يَلِيَّتَهَا كَانَتْ الْأَقَابِيَّةَ ﴿٢٧﴾ (۲۷) ای کاش [با مرگ] همه چیز تمام می شد
[و پایان کار بود]!
- مَا أَعْنَى عَنِّي مَالِيَّةٌ ﴿٢٨﴾ (۲۸) مال و دارایی ام مرا بی نیاز نکرد [و
سودی نبخشید].
- هَلَكَ عَنِّي سُلْطَانِيَّةٌ ﴿٢٩﴾ (۲۹) قدرت و فرمانروایی ام [نیز] از [دست] من
رفت [و به کلی نابود شد].
- خُدُوهُ فَعَلُوهُ ﴿٣٠﴾ (۳۰) [به فرشتگان گفته می شود:] «او را
بگیرید و در بند و زنجیر کنید.
- ثُمَّ الْجَحِيمِ صَلْوُهُ ﴿٣١﴾ (۳۱) سپس او را به [آتش] دوزخ بیفکنید.
- ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ﴿٣٢﴾ (۳۲) آنگاه وی را در زنجیری ببندید که
طولش هفتاد ذراع است. ذِرَاعًا فَاسْلُكُوهُ ﴿٣٣﴾
- إِنَّهُ وَ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ ﴿٣٣﴾ (۳۳) بی گمان، او هرگز به الله بزرگ ایمان
نمی آورد،
- وَلَا يَخْضَعُ عَلَى طَعَامِ ﴿٣٤﴾ (۳۴) و هرگز [مردم را] بر اطعام بینوا [یان]
تشویق نمی کرد. الْمَسْكِينِ ﴿٣٥﴾
- فَلَيْسَ لَهُ الْيَوْمَ هَاهُنَا حَمِيمٌ ﴿٣٥﴾ (۳۵) بنا بر این، امروز دوست صمیمی [و
مهربانی] در اینجا ندارد [که یاری اش کند]،

وَلَا طَعَامٌ إِلَّا مِنْ غَسِيلٍ ﴿٣٦﴾ و غذایی جز چرک و خون [جهنمیان] ندارد؛

لَا يَأْكُلُهُ إِلَّا الْخَاطِئُونَ ﴿٣٧﴾ [غذایی که] جز گناهکاران آن را نمی‌خورند».

فَلَا أَقْسِمُ بِمَا تُبْصِرُونَ ﴿٣٨﴾ (۳۸) سوگند به آنچه می‌بینید

وَمَا لَا تُبْصِرُونَ ﴿٣٩﴾ (۳۹) و به آنچه نمی‌بینید.

إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ ﴿٤٠﴾ (۴۰) بی‌تردید، این [قرآن، سخن الله است که ابلاغش به پیامبر، بر عهده] فرستاده‌ای بزرگوار [=جبرئیل] است.

وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ قَلِيلًا مَّا كَافِرَانِ ﴿٤١﴾ (۴۱) و اینها گفتار شاعری نیست؛ [اما شما کافران] کمتر ایمان می‌آورید.

وَلَا بِقَوْلِ كَاهِنٍ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ ﴿٤٢﴾ (۴۲) و [نیز] گفتار کاهنی نیست؛ [اما شما] کمتر پند می‌گیرید.

تَنْزِيلٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٤٣﴾ (۴۳) [این قرآن،] از سوی پروردگار جهانیان نازل شده است.

وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضُ الْأَقَاوِيلِ ﴿٤٤﴾ (۴۴) اگر [پیامبر] سخنانی [به دروغ] بر ما می‌بست،

لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ ﴿٤٥﴾ (۴۵) مسلماً ما او را با قدرت می‌گرفتیم،

- ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ ﴿٤٦﴾ سپس [شاه] ارگِ قلبش را قطع می کردیم،
- فَمَا مِنْكُمْ مِّنْ أَحَدٍ عَنْهُ ﴿٤٧﴾ و هیچ یک از شما نمی توانست مانع
[عذاب] او گردد. حٰجِزِينَ ﴿٤٧﴾
- وَإِنَّهُ لَتَذِكْرَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ ﴿٤٨﴾ یقیناً این [قرآن]، پند و تذکری برای
پرهیزگاران است.
- وَإِنَّا لَنَعْلَمُ أَنَّ مِنْكُمْ ﴿٤٩﴾ و ما یقیناً می دانیم که برخی از شما،
مُكذِبِينَ ﴿٤٩﴾ تکذیب کنندگان [این کلام الهی] هستید.
- وَإِنَّهُ لَحَسْرَةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿٥٠﴾ و همانا این [قرآن]، بر کافران مایه
حسرت و ندامت است.
- وَإِنَّهُ لَحَقُّ الْيَقِينِ ﴿٥١﴾ و بی گمان، این [قرآن]، حقیقتِ راستین
است.
- فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ ﴿٥٢﴾ پس [ای پیامبر]، با [ذکر] نام پروردگار
بزرگت [او را] تسبیح گوی.

سُورَةُ الْمَعَارِجِ

سورة معارج

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ ﴿١﴾

(۱) درخواست کننده‌ای [به تمسخر] تقاضای عذابی را کرد که وقوعش [در قیامت] حتمی است،

لِّلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُمْ دَافِعٌ ﴿٢﴾

(۲) [این عذاب،] برای کافران است [و] هیچ دفع کننده‌ای ندارد.

مِنَ اللَّهِ ذِي الْمَعَارِجِ ﴿٣﴾

(۳) از سوی الله [به وقوع می پیوندد که دارای عُلو و] صاحب مراتب و درجات والاست.

تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ ﴿٤﴾

(۴) فرشتگان و روح [= جبرئیل] به سوی او عروج می کنند، در روزی که مقدارش [در مقیاس بشری،] پنجاه هزار سال است.

فَأَصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا ﴿٥﴾

(۵) پس تو [ای پیامبر، در برابر تمسخرشان] صبر نیکو پیشه کن.

إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا ﴿٦﴾

(۶) بی گمان، آنها آن [روز] را دور می بینند

وَنَرَاهُ قَرِيبًا ﴿٧﴾

(۷) و ما آن را نزدیک می بینیم.

يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْمُهْلِ ﴿٨﴾

(۸) [همان] روزی که آسمان چون مسِ گداخته شود،

وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ ﴿٩﴾ و (۹) و کوه‌ها مانند پشم رنگین [متلاشی و پراکنده] شود.

وَلَا يَسْتَلُ حَمِيمٌ حَمِيمًا ﴿١٠﴾ و (۱۰) و هیچ دوست صمیمی [و خویشاوندی] از [حال] دوست صمیمی [و خویشاوندش] نمی‌پرسد.

يُبَصَّرُونَهُمْ يَوَدُّ الْمُجْرِمُ لَوْ يَفْتَدِي مِنْ عَذَابِ يَوْمِئِذٍ بِبَنِيهِ ﴿١١﴾ (۱۱) [در حالی که] آنان به یکدیگر نشان داده می‌شوند، گناهکار [دوست دارد و] آرزو می‌کند که فرزندان خود را در ازای [رهایی] از عذاب آن روز بدهد،

وَصَلِحَ بَنِيهِ وَأَخِيهِ ﴿١٢﴾ و (۱۲) و [همچنین] زنش و برادرش را

وَفَصَّلَ بَنِيهِ الَّتِي تُوِيهِ ﴿١٣﴾ و (۱۳) و قبيله‌اش را که [همیشه] به او جا و پناه می‌داد.

وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ يُنَجِّيهِ ﴿١٤﴾ و (۱۴) و [همچنین] همهٔ کسانی را که روی زمین هستند [فدا کند] تا نجات یابد.

كَلَّا إِنَّهَا لَأَطْلَى ﴿١٥﴾ (۱۵) [اما] هرگز چنین نیست [که برایش راه نجاتی باشد]! بی‌گمان، آن شعله‌های [آتش] سوزان است

نَزَّاعَةً لِّلشَّوْىِ ﴿١٦﴾ و (۱۶) [که] پوست از سر برمی‌کند.

تَدْعُوا مَنْ أَدْبَرَ وَتَوَلَّى ﴿١٧﴾ و (۱۷) کسانی را که [به فرمان الله] پشت کردند و [از حق] روی گرداندند، [به سوی خود] فرامی‌خواند.

- وَجَمَعَ فَأَوْعَى ﴿۱۸﴾ و (۱۸) و [نیز کسانی را که] اموال را جمع آوری و ذخیره کردند [و حق آن را نپرداختند].
- وَإِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا ﴿۱۹﴾ (۱۹) یقیناً انسان، کم طاقت [و حریص] آفریده شده است.
- إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا ﴿۲۰﴾ (۲۰) هر گاه بدی [و مصیبتی] به او رسد، بی تابى می کند،
- وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا ﴿۲۱﴾ (۲۱) و هر گاه خوبی به او رسد، بازدارنده [و بخیل] می گردد.
- إِلَّا الْمُضِلِّينَ ﴿۲۲﴾ (۲۲) مگر نمازگزاران؛
- الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ ﴿۲۳﴾ (۲۳) همان کسانی که بر نمازهایشان همیشه پایداری می کنند.
- وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ ﴿۲۴﴾ (۲۴) و کسانی که در اموالشان، حق [معین و معلومی] است
- لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ ﴿۲۵﴾ (۲۵) برای مستمند و محروم؛
- وَالَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ ﴿۲۶﴾ (۲۶) و [همان] کسانی که روز جزا را تصدیق می کنند؛
- وَالَّذِينَ هُمْ مِّنْ عَذَابِ رَبِّهِمْ مُّشْفِقُونَ ﴿۲۷﴾ (۲۷) و کسانی که از عذاب پروردگارشان می ترسند.
- إِنَّ عَذَابَ رَبِّهِمْ غَيْرُ مَأْمُونٍ ﴿۲۸﴾ (۲۸) [چرا که] بی گمان، از عذاب پروردگارشان نمی توان ایمن بود.

وَالَّذِينَ هُمْ لِأُزْوَاجِهِمْ لَا يَعْلَمُونَ ۚ وَالَّذِينَ هُمْ يُحَافِظُونَ ﴿٢٩﴾
 و کسانی که شرمگاه‌هایشان را نگه می‌دارند؛

إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ ﴿٣٠﴾
 مگر با همسران و کنیزانی که مالک آنها هستند، که [در این صورت،] سرزنشی بر آنها نیست.

فَمَنْ أَبْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ ﴿٣١﴾
 اما هر کس فراتر از اینها را بخواهد، آنان متجاوزان هستند.

وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمْنَتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ ﴿٣٢﴾
 و کسانی که امانت‌ها و پیمان‌هایشان را رعایت می‌کنند،

وَالَّذِينَ هُمْ بِشَهَادَاتِهِمْ قَائِمُونَ ﴿٣٣﴾
 و کسانی که به شهادت‌های خود متعهدند،

وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ ﴿٣٤﴾
 و کسانی که بر نمازشان پایداری می‌کنند.

أُولَٰئِكَ فِي جَنَّاتٍ مُّكْرَمُونَ ﴿٣٥﴾
 اینان در باغ‌های [بهشت] گرامی داشته می‌شوند.

فَمَالِ الَّذِينَ كَفَرُوا قِبَلَكَ ۗ مَهْطِعِينَ ﴿٣٦﴾
 پس [ای پیامبر،] کافران را چه شده که به سوی تو می‌شتابند؟

عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ ۗ (٣٧) [و] از راست و چپ، گروه‌گروه [بر مخالفت تو جمع می‌شوند و بر تو هجوم می‌آورند؟]

أَيُطْمَعُ كُلُّ أَمْرِي مِّنْهُمْ أَنْ (۳۸) آیا هر کدام از آنها [با آن اعمال ناپسندش] طمع دارد که در بهشت پرنعمت يُدْخَلَ جَنَّةَ نَعِيمٍ ﴿۳۸﴾ [الهی] درآورده شود؟

كَلَّا إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِّمَّا يَعْلَمُونَ ﴿۳۹﴾ (۳۹) هرگز چنین نیست! بی گمان، ما آنها را از آنچه [خود] می دانند آفریده ایم.

فَلَا أَقْسِمُ بِرَبِّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ إِنَّا لَقَدِيرُونَ ﴿۴۰﴾ (۴۰) به پروردگار مشرق ها و مغرب ها سوگند می خورم که قطعاً ما تواناییم

عَلَىٰ أَنْ تُبَدِّلَ خَيْرًا مِّنْهُمْ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ ﴿۴۱﴾ (۴۱) بر اینکه [کسان دیگری] بهتر از اینان را جایگزین کنیم؛ و ما [برای انجام این کار،] درمانده و ناتوان نیستیم.

فَدَرَهُمْ يَخْرُجُونَ وَيَلْعَبُونَ حَتَّىٰ يُلْقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوعَدُونَ ﴿۴۲﴾ (۴۲) پس [ای پیامبر،] آنان را به حال خود واگذار تا در باطل خود فروروند و بازی کنند، تا به روزی برسند که به آنان وعده داده شده است.

يَوْمَ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ سِرَاعًا كَأَنَّهُمْ إِلَىٰ نُصْبِ يُوفُؤُونَ ﴿۴۳﴾ (۴۳) [همان] روزی که شتابان از قبرها خارج می شوند؛ گویی به سوی بتها [و معبودانشان] می دوند.

حَشِشَةً أَبْصَرُهُمْ تَرَهِفُهُمْ ذَلَّةٌ ذَلَّةٌ (۴۴) [در حالی که] چشم هایشان [از شرم و وحشت] به زیر افتاده و ذلت [و خواری،] آنان را پوشانده است. این همان روزی است که به آنان وعده داده می شد.

سُورَةُ نُوحٍ

سورة نوح

به نام الله بخشنده مهربان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ أَنْ
 أَنْذِرْ قَوْمَكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَهُمْ
 عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١﴾

(۱) بی‌گمان، ما نوح را به سوی قومش
 فرستادیم [و گفتیم]: «قوم خود را - پیش از
 آنکه عذاب دردناک به سراغشان آید - هشدار
 ده [و بترسان].»

قَالَ يَاقَوْمِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ
 مُّبِينٌ ﴿٢﴾

(۲) [نوح] گفت: «ای قوم، من بیم‌دهنده‌ای
 آشکار برایتان هستم،

أَنْ أَعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ
 وَأَطِيعُوا أَوْصِيَاءَ اللَّهِ مِنَ الَّذِينَ
 بَدَأُوا الدِّينَ وَكَانُوا قَوْمًا يَدَّبُّونَ
 الصُّلْبَ ﴿٣﴾

(۳) که الله را عبادت کنید، و از او بترسید، و
 مطیع [دستورهای] من باشید.

يَغْفِرْ لَكُمْ مِّنْ ذُنُوبِكُمْ
 وَيُخْرِجَكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنَّ
 أَجَلَ اللَّهِ إِذَا جَاءَ لَا يُؤَخَّرُ لَوْ
 كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٤﴾

(۴) [که اگر چنین کردید، الله] گناهانتان را
 می‌آمرزد و تا زمان معینی به شما مهلت
 می‌دهد؛ زیرا هنگامی که اجل الهی فرا رسد،
 تأخیر نخواهد داشت، اگر می‌دانستید.»

قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا
 وَنَهَارًا ﴿٥﴾

(۵) و نوح [پس از نصیحت و دعوت] گفت:
 «پروردگارا، به راستی که من قوم خود را شب
 و روز [به ایمان] دعوت کردم؛

فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَائِي إِلَّا فِرَارًا ﴿٦﴾

(۶) ولی دعوت من، جز بر گریزشان [از حق]
 نیفزود

(۷) و من هر چه دعوتشان کردم تا سرانجام آنان را بیامری، انگستان خود را در گوش‌هایشان فرو کردند و لباس‌هایشان را [به خود] پیچیدند و [در مخالفت] اصرار [و پافشاری] کردند و به شدت، گردنکشی و تکبر نمودند.

ثُمَّ إِنِّي دَعَوْتُهُمْ جِهَارًا ﴿٨﴾
(۸) سپس آنها را با صدای بلند [و آشکارا] دعوت کردم.

ثُمَّ إِنِّي أَعْلَنْتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ إِسْرَارًا ﴿٩﴾
(۹) به علاوه، آشکارا برایشان گفتم و در نهان برای [هرکدام از] آنان بیان کردم.

فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا ﴿١٠﴾
(۱۰) گفتم: «از پروردگار خویش آمرزش بخواهید [که] بی‌گمان، او بسیار آمرزنده است.

يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا ﴿١١﴾
(۱۱) تا از آسمان [باران] پیاپی بر شما بفرستد.

وَيُمِدُّكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا ﴿١٢﴾
(۱۲) و شما را با اموال و فرزندان بسیار یاری کند، به شما باغ‌های [سرسبز] بدهد و جویبارها [ی جاری] برایتان قرار دهد.

مَا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَارًا ﴿١٣﴾
(۱۳) شما را چه شده است که از عظمت [و شکوه] الله نمی‌ترسید؟

وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا ﴿١٤﴾
(۱۴) در حالی که شما را طی مراحل گوناگون آفرید.

أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَوَاتٍ طِبَاقًا ﴿١٥﴾
 (۱۵) آیا نمی بینید که الله چگونه هفت آسمان را بر فراز یکدیگر آفرید؟

وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا وَجَعَلَ الشَّمْسُ سِرَاجًا ﴿١٦﴾
 (۱۶) و ماه را در میان آسمانها مایه روشنایی قرار داد، و خورشید را چراغ [فروزانی] گردانید؟

وَاللَّهُ أَنْتَبَتُكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا ﴿١٧﴾
 (۱۷) و الله شما را همچون گیاهی از زمین رویانید.

ثُمَّ يُعِيدُكُمْ فِيهَا وَيُخْرِجُكُمْ إِخْرَاجًا ﴿١٨﴾
 (۱۸) سپس شما را به آن [زمین] بازمی گرداند و بار دیگر شما را بیرون می آورد.

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ بِسَاطًا ﴿١٩﴾
 (۱۹) و الله زمین را برای شما گسترده ساخت.

لِتَسْلُكُوا مِنْهَا سُبُلًا فِجَاجًا ﴿٢٠﴾
 (۲۰) تا از راههای پهناور آن [به سوی مقصد خود] رفت و آمد کنید.

قَالَ نُوحٌ رَبِّ إِنَّهُمْ عَصَوْنِي وَاتَّبَعُوا مَنْ لَمْ يَزِدْهُ مَالُهُ وَوَلَدَهُ إِلَّا خَسَارًا ﴿٢١﴾
 (۲۱) نوح گفت: «پروردگارا، آنها از من نافرمانی نمودند و از کسی پیروی کردند که مال و فرزندش، چیزی جز زیانکاری بر او نیفزوده است.

وَمَكْرُوا مَكْرًا كَبِيرًا ﴿٢٢﴾
 (۲۲) و [آن پیشوایان گمراه،] نیرنگ بزرگی به کار بردند

وَقَالُوا لَا تَذَرُنَّ آلِهَتَكُمْ وَلَا تَذَرُنَّ وَدًّا وَلَا سُوَاعًا وَلَا يَٰعُوثَ وَيَعُوقَ وَنَسْرًا ﴿٢٣﴾

(۲۳) و گفتند: معبودان خود را رها نکنید؛ و [به خصوص] «وَدِّ» و «سُوَاعِ» و «يَعُوثِ» و «يَعُوقِ» و «نَسْرِ» را [رها نکنید].

وَقَدْ أَضَلُّوا كَثِيرًا وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا ضَلَالًا ﴿٢٤﴾

(۲۴) به راستی آنها بسیاری را گمراه کردند؛ و [تو ای پروردگار،] ستمکاران را جز گمراهی میفزای.

مِمَّا خَطَبْتَهُمْ أُعْرِفُوا فَأَدْخَلُوا نَارًا فَلَمْ يَجِدُوا لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْصَارًا ﴿٢٥﴾

(۲۵) [سرانجام، آنان] به کیفر گناهانشان [همگی] غرق شدند؛ آنگاه در آتش [دوزخ] درآورده شدند و در برابر [عذاب] الهی، یاور [مددکاری] برای خود نیافتند.

وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَيَّ الْأَرْضَ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا ﴿٢٦﴾

(۲۶) نوح گفت: «پروردگارا، هیچ یک از کافران را بر روی زمین باقی مگذار.

إِنَّكَ إِنْ تَذَرَهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا ﴿٢٧﴾

(۲۷) چرا که اگر آنها را باقی گذاری، بندگانت را گمراه می کنند و جز [نسلی] بدکار و کافر به وجود نمی آورند.

رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا ﴿٢٨﴾

(۲۸) پروردگارا، مرا و پدر و مادرم و هر کسی را که با ایمان وارد خانه من شود، و [تمام] مردان مؤمن و زنان مؤمن را ببامرز؛ و ستمکاران را جز هلاکت [و نابودی] میفزای.

سُورَةُ الْجِنِّ

سورة جن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

فُلْ أَوْحَىٰ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْءَانًا عَجَبًا ﴿١﴾

(۱) [ای پیامبر،] بگو: «به من وحی شده است که گروهی از جنیان [به این قرآن] گوش فرا دادند، و [پس از بازگشت به میان قوم خویش، به آنان] گفتند: بی گمان ما قرآنی شگفت آور شنیدیم

يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ وَلَمْ نُشْرِكْ بِرَبِّنَا أَحَدًا ﴿٢﴾

(۲) که به راه راست هدایت می کند؛ پس ما به آن ایمان آوردیم و هرگز کسی را با پروردگاران شریک قرار نمی دهیم؛

وَأَنَّهُ تَعَلَّىٰ جُدًّا رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا ﴿٣﴾

(۳) و اینکه شأن و عظمت پروردگاران، بس [عظیم و] بلند است. او [هرگز برای خود] همسر و فرزندی انتخاب نکرده است؛

وَأَنَّهُ كَانَ يَفُولُ سَفِيهُنَا عَلَى اللَّهِ شَطَطًا ﴿٤﴾

(۴) و اینکه سفیه [و نادان] ما [= شیطان] درباره الله سخنان ناروایی می گفت؛

وَأَنَا ظَنَنَّا أَن لَّن نَقُولَ الْإِنسَ وَالْجِنُّ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا ﴿٥﴾

(۵) و ما [چنین] گمان می کردیم که هرگز انس و جن بر الله دروغ نمی بندند؛

وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِّنَ الْإِنسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِّنَ الْجِنِّ

(۶) و اینکه مردانی از آدمیان، به مردانی از جنیان پناه می بردند و [این گونه] بر گمراهی و

سرکشی آنان می افزودند؛

فَزَادُوهُمْ رَهَقًا ﴿٦﴾

(۷) و اینکه آنان [= کافران] گمان می کردند - همان گونه که شما [جنیان] می پنداشتید - که الله هیچ کس را [دوباره] زنده نمی گرداند؛

وَأَنَّهُمْ ظَنُّوا كَمَا ظَنَنْتُمْ أَنْ لَنْ يَبْعَثَ اللَّهُ أَحَدًا ﴿٧﴾

(۸) و اینکه ما آسمان را [در پی شنیدن خبرها] جستجو کردیم؛ و آن را پر از محافظان نیرومند و تیرهای شهاب یافتیم.

وَأَنَّا لَمَسْنَا السَّمَاءَ فَوَجَدْنَا فِيهَا مَلَائِكًا حِرَاسًا شَدِيدًا وَشُهَبًا ﴿٨﴾

(۹) و اینکه در [گذشته] جاهایی [در آسمان] برای شنیدن، به کمین می نشستیم؛ [اما] اکنون هر کس بخواهد گوش دهد، تیر شهابی در کمین خود می یابد؛

وَأَنَّا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقْعِدًا لِّلسَّمْعِ فَمَنْ يَسْمَعِ الْآنَ يَجِدُ لَهُ شِهَابًا رَّصَدًا ﴿٩﴾

(۱۰) و اینکه ما نمی دانیم آیا برای اهل زمین شری اراده شده، یا پروردگارشان خیر و هدایت آنان را خواسته است؛

وَأَنَّا لَا نَدْرِي أَشَرٌّ أُرِيدَ بِمَنْ فِي الْأَرْضِ أَمْ أَرَادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ رَشَدًا ﴿١٠﴾

(۱۱) و اینکه در میان ما افرادی صالح و افرادی نادرستند، ما گروههایی متفاوت [و گوناگون] هستیم.

وَأَنَّا مِنَّا الصَّالِحُونَ وَمِنَّا دُونَ ذَلِكَ كُنَّا طَرَائِقَ قِدْدًا ﴿١١﴾

(۱۲) و اینکه ما یقین داریم که هرگز نمی توانیم در روی زمین، الله را عاجز و ناتوان کنیم؛ و هرگز با گریز نمی توانیم او را ناتوان سازیم [و راه فراری از عذابش نداریم].

وَأَنَّا ظَنَنَّا أَنْ لَنْ نُعْجِزَ اللَّهَ فِي الْأَرْضِ وَلَنْ نُعْجِزَهُ هَرَبًا ﴿١٢﴾

وَأَنَا لَمَّا سَمِعْنَا الْهَدَىٰ ءَامَنَّا بِهِ ۗ
 فَمَنْ يُؤْمِنُ بِرَبِّهِ ۗ فَلَا يَخَافُ
 بَخْسًا وَلَا رَهَقًا ﴿١٣﴾

(۱۳) و اینکه ما هنگامی که [سخن] هدایت را شنیدیم، به آن ایمان آوردیم؛ پس هر کس که به پروردگارش ایمان آورد، نه از نقصان می‌هراسد و نه از ستم [بیم دارد].

وَأَنَا مِنَّا الْمُسْلِمُونَ وَمِنَّا
 الْفَاسِقُونَ ۖ فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولَٰئِكَ
 تَحْرُورًا رَشَدًا ﴿١٤﴾

(۱۴) و اینکه گروهی از ما، مسلمان، و گروهی، کافر [و ظالم] هستند؛ هر کس که اسلام آورده، آنانند که راه رستگاری را جستجو کرده [و برگزیده] اند.

وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ
 حَطَبًا ﴿١٥﴾

(۱۵) و اما کافران [و ستمکاران] هیزم [آتش] جهنم خواهند بود.

وَأَلُو اسْتَقَمُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ
 لَأَسْقِينَهُمْ مَاءً غَدَقًا ﴿١٦﴾

(۱۶) و اینکه اگر آنها بر راه راست [اسلام]، پایداری کنند، البته با آب فراوان سیرابشان می‌کنیم

لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ ۖ وَمَنْ يُعْرِضْ عَنْ
 ذِكْرِ رَبِّهِ ۗ يَسْلُكْهُ عَذَابًا
 صَعَدًا ﴿١٧﴾

(۱۷) تا آنها را با آن [نعمت‌ها] بیازماییم؛ و هر کس از یاد [و ذکر] پروردگارش روی برتابد، [الله] او را به عذابی سخت گرفتار می‌سازد؛

وَأَنَّ الْمَسْجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ
 اللَّهِ أَحَدًا ﴿١٨﴾

(۱۸) و اینکه مساجد از آنِ الله است؛ پس کسی را [در مساجد] با الله [به عبادت] نخوانید؛

وَأَنَّهُ لَمَّا قَامَ عَبْدُ اللَّهِ يَدْعُوهُ
 وَابْتِغَاءَ مَوَٰجِبِ آلِ مُحَمَّدٍ ۖ

(۱۹) و اینکه هنگامی که بنده الله [محمد ﷺ] به عبادت [برخواست تا او را بخواند، نزدیک بود

کَدُوًّا يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِبَدًا ﴿١٩﴾ که [از ازدحام بر گرد او] بر سرِ هم فروریزند».

قُلْ إِنَّمَا أَدْعُوا رَبِّي وَلَا أَشْرِكُ بِهِ أَحَدًا ﴿٢٠﴾ [ای پیامبر، به آنها] بگو: «من تنها پروردگارم را می‌خوانم و کسی را با او شریک نمی‌سازم».

قُلْ إِنِّي لَا أَمْلِكُ لَكُمْ صَرًّا وَلَا رَشَدًا ﴿٢١﴾ [بی‌گمان، من نه می‌توانم زیانی به شما برسانم و نه خیر و سودی]».

قُلْ إِنِّي لَنْ يُجِيرَنِي مِنَ اللَّهِ أَحَدٌ وَلَنْ أَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا ﴿٢٢﴾ [اگر من نیز بر خلاف فرمانش رفتار کنم] هیچ کس مرا در برابر او حمایت نمی‌کند و پناهگاهی جز او نمی‌یابم.

إِلَّا بَلَاغًا مِنَ اللَّهِ وَرِسَالَاتِهِ وَمَنْ يَعِصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا أَبَدًا ﴿٢٣﴾ [وظیفه من، تنها ابلاغی از جانبِ الله و [ارساندن] پیام‌های اوست. و هر کس از الله و پیامبرش نافرمانی کند، بی‌گمان، آتش جهنم از آن اوست؛ جاودانه در آن خواهد ماند]».

حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ أَضَعُفٌ نَاصِرًا وَأَقَلُّ عَدَدًا ﴿٢٤﴾ [کار کفار همچنان ادامه دارد] تا زمانی که آنچه را به آنها وعده داده شده، ببینند. آنگاه خواهند دانست که چه کسی یاورش ناتوان‌تر، و جمیعتش کمتر است.

قُلْ إِنْ أَدْرِي أَقْرَبُ مَا تُوعَدُونَ أَمْ يَجْعَلُ لَهُ رَبِّي أَمَدًا ﴿٢٥﴾ [ای پیامبر،] بگو: «من نمی‌دانم آیا آنچه که به شما وعده داده شده نزدیک است یا پروردگارم زمانی [دور] برای آن قرار می‌دهد».

عَلِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ

[اسرار] غیبِ خود آگاه نمی‌سازد؛

عَلَيْهِ أَحَدًا ﴿٢٦﴾

إِلَّا مَنْ أَرْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ
يَسْأَلُكَ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمَنْ
خَلْفَهُ رَصَدًا ﴿٢٧﴾

(۲۷) مگر رسولانی که آنان را پسندیده [و برگزیده] است؛ که بی‌گمان، از پیش روی او و پشت سرش، نگهبانی [از فرشتگان برای محافظت از وی] می‌گمارد،

لِيَعْلَمَ أَنْ قَدْ أَبْلَغُوا رَسُولَاتِ
رَبِّهِمْ وَأَحَاطَ بِمَا لَدَيْهِمْ وَأَحْصَىٰ
كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا ﴿٢٨﴾

(۲۸) تا [پیامبر] بداند که [پیامبران پیش از او نیز] رسالت‌های پروردگارشان را ابلاغ کرده‌اند؛ و [الله] به آنچه نزد آنهاست احاطه دارد؛ و هر چیزی را به عدد برشمرده است.

سُورَةُ الْمُزَّمِّلِ

سورة مزمل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

يَتَأْتِيهَا الْمُزَّمِّلُ ﴿١﴾

(۱) ای جامه به خودپیچیده،

فَمَ اللَّيْلِ إِلَّا قَلِيلًا ﴿٢﴾

(۲) شب را - جز اندکی- به پا خیز [و عبادت کن].

تَصَفَّهُ أَوْ انْقُصَ مِنْهُ قَلِيلًا ﴿٣﴾ (۳) نیمه‌ای از آن را، یا اندکی از آن کم کن.

أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا ﴿٤﴾ (۴) یا اندکی بر [نصف] آن بیفزای، و قرآن را با ترتیل [و تأمل] بخوان.

إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا ﴿٥﴾ (۵) یقیناً ما به زودی سخنی سنگین بر تو نازل خواهیم کرد.

إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْأًا وَأَقْوَمُ قِيلًا ﴿٦﴾ (۶) بی‌گمان، شب‌زنده‌داری [بر نفس] دشوار است، و برای گفتار [و نیایش] مناسب‌تر و استوارتر است.

إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا ﴿٧﴾ (۷) و یقیناً تو در روز، مشغله بسیار داری.

وَأذْكَرِ اسْمَ رَبِّكَ وَتَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلًا ﴿٨﴾ (۸) و نام پروردگارت را یاد کن و [با خالص نمودن عبادت] تنها به او دل بند.

رَّبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا ﴿٩﴾
 (۹) [همان] پروردگار مشرق و مغرب که معبودی [به حق] جز او نیست؛ پس او را کارساز [و نگهبان خود] برگزین.

وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَأَهْجُرْهُمْ وَهَجْرًا جَمِيلًا ﴿١٠﴾
 (۱۰) و بر آنچه [مشرکان] می گویند، شکیبا باش، و به شیوه نیکو [و شایسته] از آنان دوری کن،

وَذَرْنِي وَالْمُكَذِّبِينَ أُولِيَ النَّعْمَةِ وَمَهِّلْهُمْ قَلِيلًا ﴿١١﴾
 (۱۱) و مرا با این تکذیب کنندگان مرفه و اگذار و کمی به آنان مهلت ده.

إِنَّ لَدَيْنَا أَنْكَالًا وَجَحِيمًا ﴿١٢﴾
 (۱۲) بی گمان، نزد ما قید [و بندهایی] سنگین و [آتش] دوزخ است،

وَطَعَامًا ذَا غُصَّةٍ وَعَذَابًا أَلِيمًا ﴿١٣﴾
 (۱۳) و غذایی [ناگوار و] گلوگیر و عذابی دردناک.

يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ وَكَانَتِ الْجِبَالُ كَثِيرًا مَّهِيلًا ﴿١٤﴾
 (۱۴) روزی که زمین و کوهها به لرزه درآید و کوهها [متلاشی شوند و] همچون توده شن نرم [و روان] گردند.

إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَاهِدًا عَلَيْكُمْ كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا ﴿١٥﴾
 (۱۵) یقیناً ما پیامبری به سوی شما فرستادیم که بر شما شاهد [و گواه] است؛ همان گونه که به سوی فرعون پیامبری فرستادیم.

فَعَصَىٰ فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ فَأَخَذْنَاهُ أَخْذًا وَبِيلًا ﴿١٦﴾
 (۱۶) آنگاه فرعون از آن پیامبر نافرمانی [و با او مخالفت] کرد، و ما او را به شدت مجازات کردیم.

فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِنْ كَفَرْتُمْ يَوْمًا ﴿١٧﴾ پس اگر کافر شوید، چگونه خود را [از عذاب] در امان می‌دارید [در] روزی که [از هول و سختی] کودکان را پیر می‌گرداند؟

السَّمَاءِ مُنْفَطِرٌ بِهِ ۚ كَانَ وَعْدُهُ مَفْعُولًا ﴿١٨﴾ [در آن روز] آسمان شکافته می‌شود [و] وعده او قطعاً به وقوع می‌پیوندد.

إِنَّ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَنْ شَاءَ أَخَذْ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا ﴿١٩﴾ بی‌گمان، این [آیات] پند [و هشدار] است تا هر کس بخواهد، به سوی پروردگار خود راهی در پیش گیرد.

﴿٢٠﴾ [ای پیامبر] یقیناً پروردگارت می‌داند که تو و گروهی از کسانی که با تو هستند، نزدیک دو سوم شب و [یا] نصف [یا] یک‌سوم آن را به [نماز] برمی‌خیزید؛ و الله شب و روز را اندازه‌گیری می‌کند. [او] می‌داند که شما نمی‌توانید همه شب را به نماز بایستید؛ و شما را بخشید. پس اکنون هر چه از قرآن [برای شما] میسر باشد، بخوانید. [الله] می‌داند که برخی از شما بیمار خواهند شد، و گروهی [دیگر] برای به دست آوردن فضل و نعمتِ الله، در زمین سفر می‌کنند، و گروهی [نیز] در راه الله جهاد می‌کنند؛ پس آنچه از آن میسر باشد بخوانید و نماز بر پا دارید و زکات دهید و به الله قرض نیکو دهید؛ و [بدانید که] آنچه از کارهای خیر پیشاپیش برای خود می‌فرستید،

إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلُثِي اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ وَثُلُثَهُ وَطَائِفَةٌ مِّنَ الَّذِينَ مَعَكَ وَاللَّهُ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ عَلِمَ أَنْ لَنْ تُحْصَوْهُ فَتَابَ عَلَيْكُمْ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ عَلِمَ أَنْ سَيَكُونُ مِنكُم مَّرْضَىٰ وَءَاخِرُونَ يَصْرُبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِن فَضْلِ اللَّهِ وَءَاخِرُونَ يُقْتَلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَءَاتُوا الزَّكَاةَ وَأَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا

[آن را] نزد الله به بهترین وجه و بزرگ‌ترین پاداش خواهید یافت؛ و از الله آمرزش خواهید، که همانا الله آمرزندهٔ مهربان است.

حَسَنًا وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ
مِّنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ
خَيْرًا وَأَعْظَمَ أَجْرًا وَاسْتَغْفِرُوا
اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٥٠﴾

سُورَةُ الْمُدَّثِّرِ

سورة مدثر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

يَتَأْتِيهَا الْمُدَّثِّرُ ﴿١﴾

(۱) ای جامه برسرکشیده،

قُمْ فَأَنْذِرْ ﴿٢﴾

(۲) برخیز و بیم ده،

وَرَبَّكَ فَكَبِّرْ ﴿٣﴾

(۳) و پروردگارت را بزرگ شمار،

وَيُثَابِكَ فَطَهِّرْ ﴿٤﴾

(۴) و جامهات را پاکیزه بدار،

وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ ﴿٥﴾

(۵) و از پلیدی [عبادت معبودان باطل] دوری کن.

وَلَا تَمَنَّئَنَّ تَسْتَكْبِرُ ﴿٦﴾

(۶) به این هدف بذل و بخشش مکن که افزون طلبی کنی؛

وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ ﴿٧﴾

(۷) و برای [رضایت] پروردگارت شکیبا باش.

فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ ﴿٨﴾

(۸) هنگامی که در «صور» دمیده شود.

فَذَلِكَ يَوْمَئِذٍ يَوْمٌ عَسِيرٌ ﴿٩﴾

(۹) آن روز، روز سخت [و دشواری] است.

عَلَى الْكٰفِرِينَ عَيْرٌ يَّسِيرٌ ﴿١٠﴾

(۱۰) بر کافران آسان نیست.

ذَرْنِي وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيدًا ﴿١١﴾

(۱۱) [ای پیامبر] مرا با کسی که او را تنها [و بدون اموال و اولاد] آفریده‌ام واگذار؛

- وَجَعَلْتُ لَهُ مَالًا مَمْدُودًا ﴿١٢﴾ [همان کسی که] مال فراوانی برایش
قرار دادم،
- وَبَيْنَ شُهُودًا ﴿١٣﴾ و فرزندانی که همیشه [در خدمت او و]
با او هستند.
- وَمَهَّدْتُ لَهُ تَمْهِيدًا ﴿١٤﴾ و همهٔ وسایل [و امکانات] زندگی را در
اختیارش قرار دادم.
- ثُمَّ يَطْمَعُ أَنْ أَزِيدَ ﴿١٥﴾ باز [هم] طمع دارد که [بر آن] بیفزایم.
- كَلَّا إِنَّهُ كَانَ لِآيَاتِنَا عَنِيدًا ﴿١٦﴾ [هرگز، چنین نخواهد شد.] بی‌گمان، او
نسبت به آیات ما دشمنی دارد،
- سَأُرْهِقُهُ صَعُودًا ﴿١٧﴾ و به زودی او را به مشقت و سختی
می‌اندازم؛
- إِنَّهُ وَفَكَرٍ وَقَدَرٍ ﴿١٨﴾ زیرا او [برای مبارزه با قرآن] اندیشید و
محاسبه کرد.
- فَقَتِلَ كَيْفَ قَدَرٍ ﴿١٩﴾ پس مرگ بر او باد! چگونه اندازه [و]
محاسبه [کرد]؟
- ثُمَّ قُتِلَ كَيْفَ قَدَرٍ ﴿٢٠﴾ باز [هم] مرگ بر او باد! چگونه اندازه [و]
محاسبه [کرد]؟
- ثُمَّ نَظَرَ ﴿٢١﴾ سپس نظر افکند؛
- ثُمَّ عَبَسَ وَبَسَرَ ﴿٢٢﴾ آنگاه چهره در هم کشید و روی ترش کرد،

(۲۳) سپس [به حق] پشت نمود و تکبر ورزید؛

ثُمَّ أَدْبَرَ وَاسْتَكْبَرَ ﴿٢٣﴾

(۲۴) آنگاه گفت: «این [قرآن]، چیزی جز جادویی که [از جادوگران پیشین] نقل شده، نیست؛

فَقَالَ إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ يُؤْتَرُ ﴿٢٤﴾

(۲۵) و این [چیزی] جز گفتار بشر نیست.».

إِنَّ هَذَا إِلَّا قَوْلُ الْبَشَرِ ﴿٢٥﴾

(۲۶) به زودی او را به دوزخ درخواهم آورد.

سَأُصْلِيهِ سَقَرَ ﴿٢٦﴾

(۲۷) و تو چه دانی که دوزخ چگونه است؟

وَمَا أَدْرَاكَ مَا سَقَرٌ ﴿٢٧﴾

(۲۸) [آتش سوزانی است که] نه [چیزی را] باقی می‌گذارد و نه [چیزی را] رها می‌کند.

لَا تُبْقِي وَلَا تَذَرُ ﴿٢٨﴾

(۲۹) پوست را [دگرگون کرده و] می‌سوزاند.

لَوَاحِئُهُ لِّلْبَشَرِ ﴿٢٩﴾

(۳۰) بر آن [آتش]، نوزده [فرشته] گمارده شده است.

عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ ﴿٣٠﴾

(۳۱) ما مأموران دوزخ را فقط از فرشتگان قرار دادیم، و شمار آنها را تنها برای آزمایش کافران معین کرده‌ایم تا اهل کتاب [به علت مطابقت قرآن با کتابهایشان در این موضوع] یقین کنند و کسانی که ایمان آورده‌اند بر ایمان خود بیفزایند و اهل کتاب و مؤمنان، گرفتار شک و تردید نشوند؛ و تا کسانی که در دل‌هایشان مرض [نفاق] است و [نیز] کافران

وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِّلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيَقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَيَزِدَّادَ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِيمَانًا وَلَا يَرْتَابَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْمُؤْمِنُونَ وَلِيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ

بگویند: «هدف الله از این مثل [و توصیف] چیست؟» این گونه، الله هر کس را بخواهد، گمراه می‌سازد و هر کس را بخواهد، هدایت می‌کند؛ و [شمار] لشکریان پروردگارت را [کسی] جز [خود] او تعالی نمی‌داند؛ و این جز پند و اندرزی برای انسان‌ها نیست.

وَالْكَافِرُونَ مَاذًا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا
مَثَلًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَن يَشَاءُ
وَيَهْدِي مَن يَشَاءُ وَمَا يَعْلَمُ
جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَمَا هِيَ إِلَّا
ذِكْرٌ لِّلْبَشَرِ ﴿٣١﴾

(۳۲) آری؛ سوگند به ماه [که هرگز اینچنین نیست که آنان تصور می‌کنند].

كَلَّا وَالْقَمَرِ ﴿٣٢﴾

(۳۳) و [سوگند به] شب، هنگامی که پشت کند.

وَاللَّيْلِ إِذْ أَدْبَرَ ﴿٣٣﴾

(۳۴) و به صبح، هنگامی که روشن شود.

وَالصُّبْحِ إِذَا أَسْفَرَ ﴿٣٤﴾

(۳۵) که آن [آتش دوزخ]، یکی از [عذاب‌های] بزرگ [و هولناک] است.

إِنَّهَا لِأَحَدَى الْكُبْرِ ﴿٣٥﴾

(۳۶) برای انسان، بیم‌دهنده است.

نَذِيرًا لِّلْبَشَرِ ﴿٣٦﴾

(۳۷) برای کسی از شما که بخواهد [با انجام کارهای نیکو] پیش افتد، یا [با ارتکاب گناه] عقب بماند.

لِمَن شَاءَ مِنْكُمْ أَن يَتَّقَدَّمَ أَوْ
يَتَأَخَّرَ ﴿٣٧﴾

(۳۸) هر کس در گروه اعمال خویش است؛

كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ ﴿٣٨﴾

(۳۹) مگر اصحاب یمین [= مؤمنان]

إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ ﴿٣٩﴾

(۴۰) که در باغ‌های [بهشت] هستند و می‌پرسند

فِي جَنَّاتٍ يَتَسَاءَلُونَ ﴿٤٠﴾

- عَنِ الْمُجْرِمِينَ ﴿۴۱﴾ از گناهکاران:
- مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ ﴿۴۲﴾ چه چیز شما را به دوزخ درآورد؟
- قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ ﴿۴۳﴾ [دوزخیان] می‌گویند: «ما از نمازگزاران نبودیم»
- وَلَمْ نَكُ نُطْعِمُ الْمِسْكِينَ ﴿۴۴﴾ و بینوا [یان] را اطعام نمی‌کردیم
- وَكُنَّا نَحُوزُ مَعَ الْخَاطِئِينَ ﴿۴۵﴾ و پیوسته همراه یابوه‌گویان [و اهل باطل] هم‌صدا می‌شدیم.
- وَكُنَّا نَكْذِبُ يَوْمَ الدِّينِ ﴿۴۶﴾ و همواره روز جزا را تکذیب می‌کردیم،
- حَتَّىٰ آتَيْنَا الْأَيُّقِينَ ﴿۴۷﴾ تا زمانی که مرگ به سراغمان آمد.
- فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ ﴿۴۸﴾ پس شفاعتِ شفاعت‌کنندگان سودی به آنها نمی‌بخشد.
- فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكَرَةِ مُعْرِضِينَ ﴿۴۹﴾ آنها را چه شده است که از پند [و تذکر] روی گردانند؟
- كَأَنَّهُمْ حُمُرٌ مُّسْتَنْفِرَةٌ ﴿۵۰﴾ گویی که گورخرانی رمیده‌اند
- فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ ﴿۵۱﴾ که از [مقابل] شیر گریخته‌اند.
- بَلْ يُرِيدُ كُلُّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ أَنْ يُؤْتَىٰ صُحُفًا مُّنشَرَةً ﴿۵۲﴾ بلکه هر کدام از آنها [توقع دارد و] می‌خواهد که [به او] نامه‌های گشاده [و جداگانه از سوی الله] داده شود.

(۵۳) هرگز چنین نیست [که آنان می‌پندارند]!
بلکه آنها از [عذاب] آخرت نمی‌ترسند.

كَلَّا بَلْ لَا يَخَافُونَ الْآخِرَةَ ﴿٥٣﴾

(۵۴) نه، چنین نیست که آنها می‌گویند؛ آن
[قرآن] یک تذکر و یادآوری است.

كَلَّا إِنَّهُ تَذَكُّرٌ ﴿٥٤﴾

(۵۵) پس هر کس که بخواهد، [می‌تواند] از آن
پند گیرد.

فَمَنْ شَاءَ ذَكَّرْهُ ﴿٥٥﴾

(۵۶) و یاد نمی‌کنند [و پند نمی‌گیرند] مگر
اینکه الله بخواهد. اوست که سزاوار پروا کردن
و آمرزیدن است.

وَمَا يَذْكُرُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ هُوَ
أَهْلُ التَّقْوَىٰ وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ ﴿٥٦﴾

سُورَةُ الْقِيَامَةِ

سورة قیامت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

لَا أُقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ ﴿١﴾

(۱) به روز قیامت سوگند می خورم.

وَلَا أُقْسِمُ بِاللَّيْلِ وَاللَّوَاْمَةِ ﴿٢﴾

(۲) و به نفسِ ملامت گر سوگند می خورم.

أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ

(۳) آیا انسان می پندارد که [پس از مرگ] هرگز

عِظَامُهُ ﴿٣﴾

استخوان هایش را جمع نخواهیم کرد؟

بَلَىٰ قَدِيرِينَ عَلَىٰ أَنْ تُسَوَّىٰ

(۴) آری، ما قادریم که [حتی خطوط سر]

بَنَاتُهُ ﴿٤﴾

انگشتانش را یکسان و مرتب کنیم.

بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ

(۵) بلکه انسان می خواهد که [آزادانه و بدون

أَمَامَهُ ﴿٥﴾

ترس از آخرت،] در گناه و بدکاری مداومت

کند.

يَسْأَلُ أَيَّانَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ ﴿٦﴾

(۶) [از این رو] می پرسد: «روز قیامت کی

خواهد بود؟»

فَإِذَا بَرِقَ الْبَصْرُ ﴿٧﴾

(۷) هنگامی که چشم [وحشت زده و] خیره

شود

وَحَسَفَ الْقَمَرُ ﴿٨﴾

(۸) و ماه تیره [و بی نور] گردد

وَجُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ ﴿٩﴾

(۹) و خورشید و ماه، یکجا جمع شوند،

يَقُولُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ أَيْنَ (۱۰) آن روز، انسان می‌گوید: «راه گریز
الْمَفْرُوقِ ﴿۱۰﴾ کجاست؟»

كَلَّا لَا وَزَرَ ﴿۱۱﴾ (۱۱) هرگز! هیچ گریزگاهی نیست.

إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمُسْتَقَرُّ ﴿۱۲﴾ (۱۲) آن روز، قرارگاه [نهایی]، به سوی
پروردگار توست.

يَتَّبِعُوا الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ (۱۳) در آن روز، انسان را از تمام کارهایی که
پیشاپیش فرستاده و کارهایی که به تاخیر
وَأَخَّرَ ﴿۱۳﴾ انداخته [و انجام نداده است]، آگاه می‌کنند.

بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ (۱۴) بلکه انسان به خوبی بر خویشتن آگاه
است.
بَصِيرَةٌ ﴿۱۴﴾

وَلَوْ أَلْقَىٰ مَعَاذِيرَهُ ﴿۱۵﴾ (۱۵) اگر چه [در دفاع از خود]، عذرهایش را
در میان آورد.

لَا تُحْرِكُ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ (۱۶) [ای پیامبر، هنگام نزول قرآن،] زبانت را
برای [تکرار و خواندن] آن، شتابزده حرکت
بِهِ ﴿۱۶﴾ مده.

إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ ﴿۱۷﴾ (۱۷) مسلماً جمع‌آوری و خواندن آن، بر
[عهده] ماست.

فَإِذَا قَرَأْتَهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ ﴿۱۸﴾ (۱۸) پس هر گاه [توسط جبرئیل] آن را [بر]
تو [خواندیم، از خواندن او پیروی کن.

- ۱۹) سپس بیان کردندش بر [عهده] ماست. ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ ﴿١٩﴾
- ۲۰) هرگز چنین نیست [که شما مشرکان می‌پندارید]! بلکه شما دنیا [ی زودگذر] را دوست دارید كَلَّا بَلْ تُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ ﴿٢٠﴾
- ۲۱) و آخرت را رها می‌کنید. وَتَذَرُونَ الْآخِرَةَ ﴿٢١﴾
- ۲۲) آن روز، [اهل ایمان دارای] چهره‌هایی تازه [و شاداب] هستند. وُجُوهُ يَوْمَئِذٍ نَّاصِرَةٌ ﴿٢٢﴾
- ۲۳) به سوی پروردگارشان می‌نگرند. إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ ﴿٢٣﴾
- ۲۴) و در آن روز، [کافران و بدبختان دارای] چهره‌هایی عبوس [و درهم‌کشیده] هستند. وَوُجُوهُ يَوْمَئِذٍ بَاسِرَةٌ ﴿٢٤﴾
- ۲۵) زیرا یقین دارند که آسیبی کمرشکن به آنها می‌رسد. تُظَنُّ أَنْ يُفْعَلَ بِهَا فَاقِرَةٌ ﴿٢٥﴾
- ۲۶) آری، چون [جان] به گلوگاهش برسد. كَلَّا إِذَا بَلَغَتِ الرَّاقِيَ ﴿٢٦﴾
- ۲۷) و گفته شود: چه کسی است که رُقیه بخواند؟ [شاید شفا یابد]. وَقِيلَ مَنْ رَاقٍ ﴿٢٧﴾
- ۲۸) و یقین کند که زمان جدایی [از دنیا فرا رسیده] است. وَوَظَنَ أَنَّهُ الْفِرَاقُ ﴿٢٨﴾
- ۲۹) و [کار بالا گیرد و] ساق‌ها [ی پایش از سختی جان دادن] به هم بپیچد. وَأَلْتَمَّتِ السَّاقُ بِالسَّاقِ ﴿٢٩﴾

- إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمَسَاقُ ﴿٣٠﴾ (۳۰) در آن روز، مسیرِ همه به سوی پروردگارت خواهد بود.
- فَلَا صَدَقَ وَلَا صَلَّىٰ ﴿٣١﴾ (۳۱) [منکرِ معاد،] نه تصدیق کرده و نه نماز گزارده است؛
- وَلَكِنَّ كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ ﴿٣٢﴾ (۳۲) بلکه [قرآن را] تکذیب کرد و [از ایمان] روی گرداند.
- ثُمَّ ذَهَبَ إِلَىٰ أَهْلِهِ يَتَمَطَّىٰ ﴿٣٣﴾ (۳۳) سپس خرامان به سوی خانواده‌اش بازگشت.
- أَوْلَىٰ لَكَ فَأَوْلَىٰ ﴿٣٤﴾ (۳۴) وای بر تو! پس وای بر تو!
- ثُمَّ أَوْلَىٰ لَكَ فَأَوْلَىٰ ﴿٣٥﴾ (۳۵) باز هم وای بر تو! پس وای بر تو!
- أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى ﴿٣٦﴾ (۳۶) آیا انسان گمان می‌کند که [بی‌هدف و بدون حساب و جزا] به خود رها می‌شود؟
- أَلَمْ يَكْ نُطْفَعًا مِّن مَّنِي يُمْنَىٰ ﴿٣٧﴾ (۳۷) آیا [او] نطفه‌ای از منی نبود که [در رحم] ریخته می‌شود؟
- ثُمَّ كَانَ عَلَقَةً فَخَلَقَ فَسَوَّىٰ ﴿٣٨﴾ (۳۸) سپس به صورت خون بسته درآمد و [الله او را] آفرید و درست و استوار ساخت،
- فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ ﴿٣٩﴾ (۳۹) سپس دو زوج نر و ماده از او پدید آورد.
- أَلَيْسَ ذَلِكَ بِقَدِيرٍ عَلَىٰ أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَىٰ ﴿٤٠﴾ (۴۰) آیا [چنین آفریدگاری] قادر نیست که مردگان را [دوباره] زنده کند؟

سُورَةُ الْإِنْسَانِ

سورة انسان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

هَلْ أُنِئ عَلَى الْإِنْسَنِ حِينٌ مِّنَ
 الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئًا
 مَّذْكَورًا ﴿١﴾

(۱) یقیناً زمانی طولانی بر انسان گذشت که چیزی [مهم و] قابل ذکرى نبود.

إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُّطْفَةٍ
 أَمْشَاجٍ تَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا
 بَصِيرًا ﴿٢﴾

(۲) به راستی ما انسان را از نطفهٔ مختلطی آفریدیم، او را می‌آزماییم؛ از این رو او را شنوای بینا قرار دادیم.

إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا
 وَإِمَّا كَفُورًا ﴿٣﴾

(۳) همانا ما راه را به او نشان دادیم؛ خواه سپاسگزار باشد یا ناسپاس.

إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلَاسِلًا
 وَأَغْلَالًا وَسَعِيرًا ﴿٤﴾

(۴) به راستی که ما زنجیرها و بندها و آتش سوزان برای کافران مهیا کرده‌ایم.

إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ
 كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا ﴿٥﴾

(۵) بی‌گمان، نیکوکاران [در بهشت] از جامی می‌نوشند که آمیخته به کافور است.

عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ
 يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا ﴿٦﴾

(۶) [از] چشمه‌ای که بندگان [خاص] الله از آن می‌نوشند؛ [هر وقت و] هر جا بخواهند آن [چشمه] را جاری می‌سازند.

يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا
 (۷) [بندگان نیکوکار] به نذر وفا می‌کنند و از

كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا ﴿٧﴾ روزی می‌ترسند که [عذاب و] شرّ آن فراگیر است.

وَيُطْعَمُونَ عَلَىٰ حَبِّهِۦٓ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا ﴿٨﴾ (۸) و غذا را با اینکه [نیاز و] دوست دارند به مستمند و یتیم و اسیر می‌بخشند.

إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا ﴿٩﴾ (۹) [و در دل می‌گویند:] «ما فقط به خاطر الله به شما غذا می‌دهیم؛ نه از شما پاداشی می‌خواهیم و نه سپاسی.»

إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا ﴿١٠﴾ (۱۰) همانا ما از پروردگاران می‌ترسیم، [از عذاب] روزی که تُرشروی و دشوار است.»

فَوَقَّعْنَاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَٰلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّعْنَاهُمْ نَصْرَةً وَسُرُورًا ﴿١١﴾ (۱۱) پس الله آنان را از [سختی و] شرّ آن روز نگه داشت و خرمی و شادمانی به آنان بخشید.

وَجَزَّاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيرًا ﴿١٢﴾ (۱۲) و به [پاداش] صبری که کردند، بهشت و [لباس‌های] حریر [بهشتی] به آنان پاداش داد.

مُتَّكِنِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرْبَابِ لَا يَرُونَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمْهَرِيرًا ﴿١٣﴾ (۱۳) در آنجا بر تخت‌ها [ی زیبا] تکیه کرده‌اند؛ نه [حرارت] آفتابی در آنجا می‌بینند و نه [سوز] سرمای،

وَدَانِيَةً عَلَيْهِمْ ظِلُّهَا وَذُلِّلَتْ قُطُوفُهَا تَذْلِيلًا ﴿١٤﴾ (۱۴) و سایه‌هایش بر آنان فروافتاده و میوه‌هایش [برای چیدن] در دسترس [و آسان] است.

وَيُطَافُ عَلَيْهِمْ بِآيَاتِهِ مِّنْ فَضَّةٍ وَأَكْوَابٍ كَانَتْ قَوَارِيرًا ﴿١٥﴾
 (۱۵) و ظرف‌های سیمین [غذا] و کاسه‌های بلورین [نوشیدنی]، در گرداگرد آنان، گردانده می‌شود.

قَوَارِيرًا مِّنْ فَضَّةٍ قَدَّرُوهَا تَقْدِيرًا ﴿١٦﴾
 (۱۶) [کاسه‌های] بلورینی از نقره که آنها را به اندازه مناسب، [لبریز و] آماده کرده‌اند؛

وَيُسْقَوْنَ فِيهَا كَأْسًا كَانَ مِزَاجُهَا زَنْجَبِيلًا ﴿١٧﴾
 (۱۷) و در آنجا از جام‌هایی سیراب می‌شوند که آمیزه‌اش زنجبیل است.

عَيْنًا فِيهَا تُسَمَّى سَلْسَبِيلًا ﴿١٨﴾
 (۱۸) [این جام‌ها، از] چشمه‌ای در آنجا که سلسبیل نامیده می‌شود [پر می‌شوند]؛

وَيَظُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُّخَلَّدُونَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ حَسِبْتَهُمْ لُؤْلُؤًا مَّنُورًا ﴿١٩﴾
 (۱۹) و همواره نوجوانانی جاودانه بر گردشان می‌چرخند که هر گاه آنها را ببینی، گمان می‌کنی مروارید پراکنده هستند.

وَإِذَا رَأَيْتَ ثَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمُلْكًا كَبِيرًا ﴿٢٠﴾
 (۲۰) و چون [به هر سمتی] بنگری، نعمت بسیار و فرمانروایی عظیمی آنجا می‌بینی.

عَلَيْهِمْ ثِيَابٌ سُنْدُسٍ خُضْرٌ وَإِسْتَبْرَقٌ وَحُلُوعًا أَسْوَرَ مِنْ فَضَّةٍ وَسَقَلَهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا ﴿٢١﴾
 (۲۱) بر آنان [= بهشتیان] لباس‌هایی سبزرنگ از دیبای نازک و دیبای ضخیم [پوشانده شده] است، و با دستبندهایی از نقره آراسته شده‌اند، و پروردگارشان شراب پاک به آنان می‌نوشاند.

إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَكَانَ [نعمت‌ها،] پاداش شماست، و [بدانید که] از

سعی و کوشش شما قدردانی شده است».

سَعِيكُمْ مَشْكُورًا ﴿٢٢﴾

(۲۳) [ای پیامبر]، یقیناً ما قرآن را به صورت تدریجی بر تو نازل کردیم؛

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ
تَنْزِيلًا ﴿٢٣﴾

(۲۴) پس بر حکم پروردگارت شکبیا باش و از هیچ یک از گناهکاران و بی‌دینان آنان فرمان مبر.

فَأَصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تُطِعْ
مِنْهُمْ ءَاثِمًا أَوْ كَفُورًا ﴿٢٤﴾

(۲۵) و صبح و شام، نام پروردگارت را یاد کن.

وَأذْكَرِ اسْمَ رَبِّكَ بُكْرَةً
وَأَصِيلًا ﴿٢٥﴾

(۲۶) و [نیز] بخشی از شب برایش سجده کن [و نماز بگزار]، و در بخش بلندی از شب، او را تسبیح گوی.

وَمِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْهُ
لَيْلًا طَوِيلًا ﴿٢٦﴾

(۲۷) بی‌گمان، اینان [= کافران] دنیای زودگذر را دوست دارند و روز سختی [را که در پیش دارند] پشت سر خود رها می‌کنند [و به آن اهمیت نمی‌دهند].

إِنَّ هَؤُلَاءِ يُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ
وَيَذَرُونَ وِرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا ﴿٢٧﴾

(۲۸) ما آنها را آفریدیم و پیوند وجودشان را محکم کردیم، و هر زمان که بخواهیم، جای آنان را به [گروه دیگری] همانندشان می‌دهیم.

نَحْنُ خَلَقْنَاهُمْ وَشَدَدْنَا أَسْرَهُمْ
وَإِذَا شِئْنَا بَدَّلْنَا أَمْثَلَهُمْ
تَبْدِيلًا ﴿٢٨﴾

(۲۹) بی‌گمان، این یادآوری [و پند] است؛ پس هر کس که بخواهد، راهی به سوی پروردگارش برگزیند.

إِنَّ هَذِهِ تَذْكَرَةٌ فَمَنْ شَاءَ أَخَذْ
إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا ﴿٢٩﴾

وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ إِنَّ
 اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿٣٠﴾
 و تا الله اراده نکند، [شما چیزی را]
 نخواهید خواست. بی‌گمان، الله دانای حکیم
 است؛

يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ
 وَالظَّالِمِينَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا
 أَلِيمًا ﴿٣١﴾
 هر کس را که بخواهد، در رحمت خود
 وارد می‌کند؛ و عذاب دردناکی برای ستمکاران
 آماده کرده است.

سُورَةُ الْمُرْسَلَاتِ

سورة مرسلات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا ﴿١﴾

(۱) سوگند به فرشتگانی که پیاپی فرستاده می‌شوند،

فَالْعَصْفَاتِ عَصْفًا ﴿٢﴾

(۲) و سوگند به فرشتگانی که همچون تندباد می‌روند،

وَالنَّذِيرَاتِ نَذْرًا ﴿٣﴾

(۳) و سوگند به فرشتگانی که [برها را] پراکنده می‌کنند،

فَالْفَارِقَاتِ فَرَقًا ﴿٤﴾

(۴) و سوگند به فرشتگانی که جداکننده [حق از باطل] هستند

فَالْمُلْقِيَاتِ ذِكْرًا ﴿٥﴾

(۵) و سوگند به فرشتگانی که وحی [الهی] را [به پیامبران] القا می‌کنند،

عُذْرًا أَوْ نُذْرًا ﴿٦﴾

(۶) برای اتمام حجت یا برای بیم و هشدار.

إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَوَاعِعٌ ﴿٧﴾

(۷) بی‌گمان، آنچه به شما وعده داده می‌شود، واقع خواهد شد؛

فَإِذَا السُّجُومُ طُمِسَتْ ﴿٨﴾

(۸) آنگاه که ستارگان تیره [و محو] شود

وَإِذَا السَّمَاءُ فُرِجَتْ ﴿٩﴾

(۹) و آنگاه که آسمان شکافته شود،

(۱۰) و آنگاه که کوهها [از جا کنده و] پراکنده
شود،

وَإِذَا الْجِبَالُ نُسِفَتْ ﴿۱۰﴾

(۱۱) و آنگاه که برای پیامبران [جهت گواهی
دادن در مورد امتها]، وقت تعیین گردد،

وَإِذَا الرُّسُلُ أُقِتَتْ ﴿۱۱﴾

(۱۲) این [امر]، برای چه روزی به تأخیر افتاده
است؟

لِأَيِّ يَوْمٍ أُجِلَّتْ ﴿۱۲﴾

(۱۳) برای روز جدایی [و داوری].

لِيَوْمِ الْفَصْلِ ﴿۱۳﴾

(۱۴) و تو چه دانی روز جدایی [و داوری]
چيست؟

وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمَ الْفَصْلِ ﴿۱۴﴾

(۱۵) در آن روز، [= قیامت] وای بر
تکذیب کنندگان!

وَيْلٌ لِّيَوْمِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿۱۵﴾

(۱۶) آیا ما پیشینیان [مجرم] را نابود نکردیم؟

أَلَمْ نُهْلِكِ الْأَوَّلِينَ ﴿۱۶﴾

(۱۷) سپس دیگران را در پی آنها خواهیم آورد.

ثُمَّ نَتَّبِعُهُمُ الْآخِرِينَ ﴿۱۷﴾

(۱۸) اینچنین با گنهکاران رفتار می کنیم.

كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ ﴿۱۸﴾

(۱۹) در آن روز، وای بر تکذیب کنندگان!

وَيْلٌ لِّيَوْمِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿۱۹﴾

(۲۰) آیا شما را از آبی پست [و ناچیز]
نیافریدیم؟

أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ مِّنْ مَّاءٍ مَّهِينٍ ﴿۲۰﴾

(۲۱) سپس آن را در قرارگاهی محفوظ [=]
رجم] قرار دادیم

فَجَعَلْنَاهُ فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ ﴿۲۱﴾

- إِلَىٰ قَدَرٍ مَّعْلُومٍ ﴿۲۲﴾ تا زمانی معین .
- فَقَدَرْنَا فَنِعْمَ الْقَدِرُونَ ﴿۲۳﴾ ما [بر این کار] توانا بودیم و چه نیک توانا [و قدرتمند] هستیم .
- وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ ﴿۲۴﴾ در آن روز، وای بر تکذیب‌کنندگان!
- أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا ﴿۲۵﴾ آیا زمین را جایگاه [تجمع مردم] قرار ندادیم؟
- أَحْيَاءَ وَأَمْوَاتًا ﴿۲۶﴾ هم در حال حیات و هم مرگشان؟
- وَجَعَلْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ شَاهِجَاتٍ ﴿۲۷﴾ و کوه‌های بسیار بلند [و استوار] در آن قرار دادیم و آبی شیرین [و گوارا] به شما نوشاندیم .
- وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ ﴿۲۸﴾ در آن روز، وای بر تکذیب‌کنندگان!
- أَنْظِلُّوهُ إِلَىٰ مَا كُنْتُمْ بِهِءَ تَكْذِبُونَ ﴿۲۹﴾ [به آنها گفته می‌شود:] «به سوی همان چیزی بروید که پیوسته آن را تکذیب می‌کردید .
- أَنْظِلُّوهُ إِلَىٰ ظِلِّ ذِي ثُلُثٍ شُعْبٍ ﴿۳۰﴾ بروید به سوی سایه [دوده‌های آتش] سه‌شاخه،
- لَا ظَلِيلٍ وَلَا يُغْنِي مِنَ اللَّهِبِ ﴿۳۱﴾ نه سایه‌افکن [و خنک] است و نه از [گرمی] شعله‌های آتش جلوگیری می‌کند» .
- إِنَّهَا تَرْمِي بِشَرَرٍ كَالْقَصْرِ ﴿۳۲﴾ همانا [دوزخ]، شراره‌هایی چون کاخی [بلند] می‌افکند .

كَأَنَّهُ وَجِمَلْتُمْ صُفْرًا ﴿٣٣﴾ گویی که آن [شراره‌ها] شتران زردرنگ هستند.

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿٣٤﴾ (۳۴) در آن روز، وای بر تکذیب‌کنندگان!

هَذَا يَوْمٌ لَا يَنْطِقُونَ ﴿٣٥﴾ (۳۵) این [همان] روزی است که سخن نمی‌گویند.

وَلَا يُؤَدُّنَ لَهُمْ فِعْتَدِروْنَ ﴿٣٦﴾ (۳۶) و به آنها اجازه داده نمی‌شود تا عذرخواهی کنند.

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿٣٧﴾ (۳۷) در آن روز، وای بر تکذیب‌کنندگان!

هَذَا يَوْمُ الْفُضْلِ جَمَعْنَاكُمْ وَالْأُولَىٰ ﴿٣٨﴾ (۳۸) این [همان] روز جدایی [و داوری] است که شما و گذشتگان را گرد آورده‌ایم.

فَإِنْ كَانَ لَكُمْ كَيْدٌ فَكِيدُوا ﴿٣٩﴾ (۳۹) پس اگر [حيله و] نیرنگی دارید، آن را در حق من به کار گیرید.

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿٤٠﴾ (۴۰) در آن روز، وای بر تکذیب‌کنندگان!

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلِّ وَعُيُونٍ ﴿٤١﴾ (۴۱) به راستی که [در آن روز،] پرهیزگاران در سایه‌ها و [کنار] چشمه‌ها قرار دارند،

وَقَوَاكِبَ مِمَّا يَشْتَهُونَ ﴿٤٢﴾ (۴۲) و میوه‌هایی که میل داشته باشند.

كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٤٣﴾ (۴۳) [به آنها گفته می‌شود:] «به پاداش آنچه می‌کردید، گوارا بخورید و بیاشامید.

إِنَّا كَذَلِكْ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿٤٤﴾ ما این گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم».

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿٤٥﴾ (۴۵) در آن روز، وای بر تکذیب‌کنندگان!

كُلُوا وَتَمَتَّعُوا قَلِيلًا إِنَّكُمْ مُّجْرِمُونَ ﴿٤٦﴾ (۴۶) «ای کافران، در این دنیا [اندکی بخورید و بهره‌گیرید؛ زیرا شما گناه‌کارید».

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿٤٧﴾ (۴۷) در آن روز، وای بر تکذیب‌کنندگان!

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ أَرْكِعُوا لَا يَرْكِعُونَ ﴿٤٨﴾ (۴۸) و هنگامی که به آنها گفته شود: [نماز بگذارید و] رکوع کنید، [نماز نمی‌گذارند و] رکوع نمی‌کنند.

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿٤٩﴾ (۴۹) در آن روز، وای بر تکذیب‌کنندگان!

فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ ﴿٥٠﴾ (۵۰) [وقتی مردم به این قرآن که از جانب پروردگارشان نازل شده است ایمان نمی‌آورند،] پس به کدام سخن دیگری غیر از آن ایمان خواهند آورد؟

سُورَةُ النَّبَاِ

سورة نبأ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ ﴿١﴾

(۱) [کافران] درباره چه چیزی از یکدیگر سؤال می‌کنند؟

عَنِ النَّبَاِ الْعَظِيمِ ﴿٢﴾

(۲) از خبری بزرگ.

الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ ﴿٣﴾

(۳) همان [خبری] که در مورد آن با هم اختلاف دارند.

كَلَّا سَيَعْلَمُونَ ﴿٤﴾

(۴) چنین نیست [که آنها می‌اندیشند]؛ به زودی خواهند دانست.

ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ ﴿٥﴾

(۵) باز هم چنین نیست؛ به زودی خواهند دانست.

أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهْدًا ﴿٦﴾

(۶) آیا زمین را بستری [برای آسایش شما] قرار ندادیم؟

وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا ﴿٧﴾

(۷) و کوه‌ها را میخ‌ها [ی آن قرار ندادیم؟]

وَحَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا ﴿٨﴾

(۸) و شما را جفت [= نر و ماده] آفریدیم.

وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا ﴿٩﴾

(۹) و خواب شما را [مایه] آرامشان قرار دادیم.

- وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِيَاسًا ﴿۱۰﴾ و شب را پوششی [برایتان] قرار دادیم.
- وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا ﴿۱۱﴾ و روز را [وسیله] زندگی و [امرارِ معاش] قرار دادیم،
- وَبَيَّنَّا فَوْقَكُمُ سَبْعًا شِدَادًا ﴿۱۲﴾ و بر فراز شما هفت [آسمان] محکم بنا کردیم،
- وَجَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَاجًا ﴿۱۳﴾ و [خورشید را] چراغی درخشان [و روشنایی بخش] آفریدیم،
- وَأَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا ﴿۱۴﴾ و از ابرهای باران‌زا، آبی فراوان فروفرستادیم
- لِيُخْرِجَ بِهِ حَبًّا وَنَبَاتًا ﴿۱۵﴾ تا دانه و گیاه بسیار با آن برویانیم.
- وَجَنَّتِ الْفَافَا ﴿۱۶﴾ و باغ‌هایی پردرخت [با آن پرورش دهیم].
- إِنَّ يَوْمَ الْفُضْلِ كَانَ مِيقَتَنَا ﴿۱۷﴾ بی‌گمان، روز داوری [میان مخلوقات]، وعده‌گاه [ما با شما] است.
- يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا ﴿۱۸﴾ روزی که در «صور» دمیده می‌شود و شما گروه‌گروه [به محشر] می‌آید؛
- وَفُتِحَتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا ﴿۱۹﴾ و آسمان گشوده می‌شود و به صورت درهای متعدد درمی‌آید؛
- وَسِيرَتِ الْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَابًا ﴿۲۰﴾ و کوه‌ها به حرکت درمی‌آید و به صورت سرابی می‌شود؛

- إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا ﴿٢١﴾ و بی گمان، جهنم کمینگاهی است
 لِلطَّغْيِينِ مَعَابًا ﴿٢٢﴾ [و] محل بازگشتی برای طغیانگران.
 لِّلْبِيثِ فِيهَا أَحْقَابًا ﴿٢٣﴾ مدت زمانی بی پایان در آنجا می ماندند.
 لَا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَلَا شَرَابًا ﴿٢٤﴾ در آنجا نه [چیز] خنکی می چشند و نه آشامیدنی [گوارایی خواهند داشت].
 إِلَّا حَمِيمًا وَعَسَاقًا ﴿٢٥﴾ جز آبی سوزان و [مایعی که] چرک و خون [جهنمیان است].
 جَزَاءً وَفَاقًا ﴿٢٦﴾ [این] کیفری است مناسب و درخور [گناهانشان]؛
 إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَابًا ﴿٢٧﴾ همانا آنان از حساب [و کتاب روز قیامت] نمی ترسیدند.
 وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كِذَابًا ﴿٢٨﴾ و آیات ما را به شدت تکذیب کردند؛
 وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ كِتَابًا ﴿٢٩﴾ و ما همه چیز را [در لوح محفوظ] شمارش و ثبت کرده ایم.
 فَذُوقُوا فَلَنْ نَزِيدَكُمْ إِلَّا عَذَابًا ﴿٣٠﴾ پس [کیفر اعمال خود را] بچشید که [چیزی] جز عذاب بر شما نمی افزاییم.
 إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا ﴿٣١﴾ بی گمان، برای پرهیزگاران کامیابی [بزرگی] است.

- حَدَاقِيقٌ وَأَعْنَبًا ﴿٣٢﴾ باغ‌های [میوه] و تاکستان‌ها. (۳۲)
- وَكَوَاعِبُ أَثْرَابًا ﴿٣٣﴾ و حوریانی نوجوان و هم‌سن و سال. (۳۳)
- وَكَأْسًا دِهَاقًا ﴿٣٤﴾ و جام‌هایی لبریز و پیایی [از شراب پاکیزه بهشت]. (۳۴)
- لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِذْبًا ﴿٣٥﴾ در آنجا نه سخن بیهوده‌ای می‌شنوند و نه دروغی. (۳۵)
- جِزَاءَ مِمَّن رَّبِّكَ عَطَاءً حِسَابًا ﴿٣٦﴾ [این] پاداش، از جانب پروردگار توست، و عطایی از روی حساب. (۳۶)
- رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الرَّحْمَنُ لَا يَمْلِكُونَ مِنْهُ خِطَابًا ﴿٣٧﴾ [همان] پروردگار آسمان‌ها و زمین و آنچه در میان آنهاست؛ [همان الله] رحمان [که] هیچ کس [در آن روز] یارای سخن گفتن با او را ندارد. (۳۷)
- يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا لَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أُذِنَ لَهُ مِنَ الرَّحْمَنُ وَقَالَ صَوَابًا ﴿٣٨﴾ روزی که روح [= جبرئیل] و فرشتگان به صف می‌ایستند، [و] هیچ کس سخن نمی‌گوید، جز کسی که [الله] رحمان به او اجازه داده باشد و [او] سخن درست [و صواب] گوید. (۳۸)
- ذَلِكَ الْيَوْمُ الْحَقُّ فَمَنْ شَاءَ اخْتَدِ إِلَىٰ رَبِّهِ مَعَابًا ﴿٣٩﴾ آن [روز]، روز حق است [و بدون تردید واقع می‌شود]؛ پس هر کس که بخواهد، [می‌تواند] راه بازگشتی به سوی پروردگار خود بجوید. (۳۹)

إِنَّا أَنْذَرْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا يَوْمَ
 يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ
 وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَلِيَّتَنِي كُنْتُ
 تُرَابًا ﴿٤٠﴾

می‌گویند: «ای کاش من خاک بودم [و برای
 دست‌های خود فرستاده است می‌بیند، و کافر
 دادیم: روزی که انسان آنچه را از قبل با
 به راستی، ما شما را از عذابی نزدیک بیم
 حساب برانگیخته نمی‌شدم»!

سُورَةُ النَّازِعَاتِ

سورة نازعات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

(۱) سوگند به فرشتگانی که جان [کافران] را به شدت بیرون می‌کشند.

وَالنَّازِعَاتِ غَرْقًا ۱

(۲) و سوگند به فرشتگانی که جان [مؤمنان] را به نرمی و آسانی می‌گیرند.

وَالنَّاشِطَاتِ نَشْطًا ۲

(۳) و سوگند به فرشتگانی که [به امر الله، از آسمان به سوی زمین و بالعکس] شناورند.

وَالسَّيِّحَاتِ سَبْحًا ۳

(۴) و سوگند به فرشتگانی که [در اجرای اوامر الهی] بر یکدیگر سبقت می‌گیرند.

فَالسَّيِّقَاتِ سَبْقًا ۴

(۵) و سوگند به فرشتگانی [که به امر الهی] کارها را تدبیر می‌کنند.

فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا ۵

(۶) روزی که [پس از اولین دمیدن در صور] زمین [و کوه‌ها و همه چیز] به لرزه درآید

يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ ۶

(۷) [و در پی آن، [دمیدن دوم حشر] بیاید،

تَتَّبِعُهَا الرَّادِفَةُ ۷

(۸) در آن روز، دل‌هایی سخت مضطرب [و ترسان] هستند.

قُلُوبٌ يَوْمَئِذٍ وَاجِفَةٌ ۸

(۹) و چشم‌های آنان [از ترس و شرمساری] فرو افتاده است.

أَبْصَرُهَا خَشَعَةٌ ۹

يَقُولُونَ أَءِنَّا لَمَرْدُودُونَ فِي الْحَافِرَةِ ﴿١٠﴾

از مرگ، دوباره] به حال اول خود بازگردانده می‌شویم؟

أَءِذَا كُنَّا عِظْمًا تَّخِرَةً ﴿١١﴾

(۱۱) آیا هنگامی که استخوان‌هایی پوسیده شدیم [و به خاک تبدیل گشتیم، باز هم زنده می‌شویم]؟

قَالُوا تِلْكَ إِذًا كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ ﴿١٢﴾

(۱۲) می‌گفتند: «[اگر چنین وعده‌ای درست باشد،] آنگاه آن بازگشتی زیانبار است».

فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ ﴿١٣﴾

(۱۳) آن [بازگشت،] تنها [به] یک بانگ مهیب است [و بس].

فَإِذَا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ ﴿١٤﴾

(۱۴) و ناگهان همگی بر عرصه زمین [محشر] ظاهر می‌شوند.

هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَىٰ ﴿١٥﴾

(۱۵) [ای پیامبر،] آیا داستان موسی به تو رسیده است؟

إِذْ نَادَاهُ رَبُّهُ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى ﴿١٦﴾

مقدس «طوی» ندا داد [و فرمود]:

أَذْهَبَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ ﴿١٧﴾

(۱۷) «به سوی فرعون برو که او طغیان کرده است،

فَقُلْ هَلْ لَّكَ إِلَٰهٌ إِلَّا أَن تَرْكَبِيَ ﴿١٨﴾

(۱۸) و به او بگو: «آیا می‌خواهی [از کفر و گناه] پاک شوی؟

- وَأَهْدِيكَ إِلَى رَبِّكَ فَتَخْشَى ﴿١٩﴾ (۱۹) و من تو را به سوی پروردگارت هدایت کنم تا [از او] بترسی [و فرمانبردار شوی]؟
- فَأَرْبُهُ الْآيَةُ الْكُبْرَى ﴿٢٠﴾ (۲۰) پس [موسی] معجزه بزرگ را به او نشان داد.
- فَكَذَّبَ وَعَصَى ﴿٢١﴾ (۲۱) اما او تکذیب و سرکشی کرد.
- ثُمَّ أَدْبَرَ يَسْعَى ﴿٢٢﴾ (۲۲) سپس [به حق] پشت کرد و به کوشش و تلاش [علیه موسی] پرداخت.
- فَحَشَرَ فَنَادَى ﴿٢٣﴾ (۲۳) آنگاه [قومش را] جمع کرد و ندا داد
- فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى ﴿٢٤﴾ (۲۴) و گفت: «من پروردگارِ برتر شما هستم».
- فَأَخَذَهُ اللَّهُ نَكَالَ الْأَخْرَةِ ﴿٢٥﴾ (۲۵) الله او را به عذابِ آخرت و دنیا گرفتار کرد.
- إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِمَنْ يَخْشَى ﴿٢٦﴾ (۲۶) بی گمان، در این [واقعه]، برای هر کس که [از الله] می ترسد، عبرتی است.
- عَآنْتُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ السَّمَاءُ ﴿٢٧﴾ (۲۷) آیا آفرینش شما [بعد از مرگ] سخت تر است یا آسمانی که [الله] آن را بنا کرد؟
- رَفَعَ سَمَكَهَا فَسَوَّيْنَهَا ﴿٢٨﴾ (۲۸) سقف آن را بر افراشت و به آن شکل و نظم داد،
- وَأَغْطَشَ لَيْلَهَا وَأَخْرَجَ ﴿٢٩﴾ (۲۹) و شبش را تاریک و روزش را روشن گردانید،
- صَحَلَهَا ﴿٣٠﴾ (۳۰)

- وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا ﴿٣٠﴾ و زمین را بعد از آن گسترانید،
- أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَمَرْعَاهَا ﴿٣١﴾ و از آن، آب [چشمه‌ها و چاه‌ها و] چراگاهش را بیرون آورد،
- وَالْجِبَالَ أَرْسَلَهَا ﴿٣٢﴾ و کوه‌ها را محکم و استوار [بر روی زمین] قرار داد.
- مَتَاعًا لَّكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ ﴿٣٣﴾ [همه اینها] برای بهره‌گیری شما و چهارپایانتان است.
- فَإِذَا جَاءَتِ الطَّامَّةُ الْكُبْرَى ﴿٣٤﴾ هنگامی که [آن] حادثه بزرگ [قیامت] فرا رسد،
- يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ مَا سَعَى ﴿٣٥﴾ در آن روز، انسان [تمام اعمال و] تلاش‌های خود را به یاد می‌آورد.
- وَبُرِّرَّتِ الْجَبْحِيمُ لِمَنْ يَرَى ﴿٣٦﴾ و جهنم برای هر بیننده‌ای آشکار می‌شود.
- فَأَمَّا مَنْ طَغَى ﴿٣٧﴾ اما آن کس که طغیان [و سرکشی] کرده باشد
- وَعَاثَرَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ﴿٣٨﴾ و زندگی دنیا را [بر آخرت] ترجیح داده باشد،
- فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَى ﴿٣٩﴾ بی‌تردید، جهنم جایگاه اوست.
- وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى ﴿٤٠﴾ و اما کسی که از ایستادن در حضور

الْطَّفَسَ عَنِ الْهَوَىٰ ﴿۴۰﴾
 پروردگارش بیمناک بوده و نفس را از هوی [و
 هوس] باز داشته باشد،

فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ ﴿۴۱﴾
 (۴۱) قطعاً بهشت جایگاه اوست.

يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَلُهَا ﴿۴۲﴾
 [ای پیامبر،] دربارهٔ قیامت از تو
 می‌پرسند که در چه زمانی واقع می‌شود؟

فِيمَ أَنْتَ مِنْ ذِكْرِهَا ﴿۴۳﴾
 (۴۳) تو را با یادآوری این سخن چه کار است؟

إِلَىٰ رَبِّكَ مُنْتَهَاهَا ﴿۴۴﴾
 [سرانجام و] منتهای [علم] آن، نزد
 پروردگار توست.

إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ مَّن يَخْشَاهَا ﴿۴۵﴾
 (۴۵) تو فقط بیم‌دهندهٔ کسانی هستی که از
 آن [= قیامت] می‌ترسند.

كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبِتُوا إِلَّا
 عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا ﴿۴۶﴾
 (۴۶) روزی که [کافران قیامت را] ببینند،
 [چنین احساس می‌کنند که] گویی [در دنیا]
 جز یک شامگاه یا بامداد به سر نبرده‌اند.

سُورَةُ عَبَسَ

سورة عبس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

عَبَسَ وَتَوَلَّى ﴿١﴾

(۱) [پیامبر] چهره در هم کشید و روی
برگرداند

أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَى ﴿٢﴾

(۲) از اینکه آن نابینا [= عبدالله بن اُمّ مکتوم]
نزدش آمد.

وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهُ يَزَّكَّى ﴿٣﴾

(۳) و [ای پیامبر]، تو چه می‌دانی؟ چه بسا او
[از گناهانش] پاک شود،

أَوْ يَذَّكَّرُ فَتَنْفَعَهُ الذِّكْرَى ﴿٤﴾

(۴) یا پند گیرد و این پند به سودش باشد.

أَمَّا مَنْ أَسْتَعْتَى ﴿٥﴾

(۵) اما آن کس که [از ایمان] بی‌نیازی می‌ورزد

فَأَنْتَ لَهُ وَتَصَدَّى ﴿٦﴾

(۶) تو به او روی می‌آوری؛

وَمَا عَلَيْكَ أَلَّا يَزَّكَّى ﴿٧﴾

(۷) در حالی که اگر او خود را [از کفر] پاک
نسازد، ایرادی بر تو نیست؛

وَأَمَّا مَنْ جَاءَكَ يَسْعَى ﴿٨﴾

(۸) اما کسی که شتابان به سراغ تو می‌آید

وَهُوَ يَخْشَى ﴿٩﴾

(۹) و [از الله] می‌ترسد،

فَأَنْتَ عَنْهُ تَلَهَّى ﴿١٠﴾

(۱۰) تو از او غافل می‌شوی [و به دیگران
می‌پردازی].

(۱۱) هرگز چنین نیست؛ بی گمان، این [آیات
برای] تذکر و یادآوری است.

كَلَّا إِنَّهَا تَذِكْرَةٌ ﴿١١﴾

(۱۲) پس هر کس که بخواهد، [می‌تواند] از آن
پند گیرد.

فَمَنْ شَاءَ ذَكَرْهُ ﴿١٢﴾

(۱۳) در صحیفه‌های ارجمندی [ثبت] است.

فِي صُحُفٍ مُّكْرَمَةٍ ﴿١٣﴾

(۱۴) [در جایگاهی] بلندپایه و پاکیزه [از
پلیدی]

مَّرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ ﴿١٤﴾

(۱۵) در دست سفیران [وحی] است

بِأَيْدِي سَفَرَةٍ ﴿١٥﴾

(۱۶) [که] بزرگوار و نیکوکارند.

كِرَامٍ بَرَرَةٍ ﴿١٦﴾

(۱۷) مرگ بر انسان [کافر، که] چقدر ناسپاس
است!

قُتِلَ الْإِنْسَانُ مَا أَكْفَرَهُ ﴿١٧﴾

(۱۸) [الله] او را از چه چیز آفریده است؟

مِنْ أَيِّ شَيْءٍ خَلَقَهُ ﴿١٨﴾

(۱۹) او را از نطفه [ناچیزی] آفرید، سپس او را
موزون ساخت.

مِنْ نُّطْفَةٍ خَلَقَهُ فَقَدَرَهُ ﴿١٩﴾

(۲۰) سپس راه را برایش آسان نمود.

ثُمَّ السَّبِيلَ يَسَّرَهُ ﴿٢٠﴾

(۲۱) آنگاه [پس از پایان عمر،] او را میراند و
در قبر [پنهان] نمود.

ثُمَّ أَمَاتَهُ فَأَقْبَرَهُ ﴿٢١﴾

(۲۲) سپس هر گاه بخواهد، او را [زنده می‌کند
و] برمی‌انگیزد.

ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنشَرَهُ ﴿٢٢﴾

- كَلَّا لَمَّا يَقْضِ مَا أَمَرُهُ ﴿٢٣﴾ هرگز چنین نیست [که او می‌پندارد]. او هنوز آنچه را که [الله] فرمان داده به جای نیاورده است.
- فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ ﴿٢٤﴾ (۲۴) انسان باید به غذای خویش [و آفرینش آن] بنگرد:
- أَنَا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا ﴿٢٥﴾ (۲۵) ما آب فراوان [از آسمان] فروریختیم،
- ثُمَّ شَفَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا ﴿٢٦﴾ (۲۶) سپس زمین را از هم شکافتیم،
- فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا ﴿٢٧﴾ (۲۷) آنگاه دانه‌های فراوان [در آن رویاندیم،
- وَعِنَبًا وَقَضْبًا ﴿٢٨﴾ (۲۸) و انگور و سبزی [خوراکی بسیار]،
- وَزَيْتُونًا وَنَخْلًا ﴿٢٩﴾ (۲۹) و زیتون و نخل،
- وَحَدَائِقَ غُلْبًا ﴿٣٠﴾ (۳۰) و باغ‌هایی [انبوه و] پردرخت،
- وَفَلَكِهَةً وَأَبًّا ﴿٣١﴾ (۳۱) و [انواع] میوه و علوفه [پدید آوردیم].
- مَتَعًا لَكُمْ وَلِأَنْعَمِكُمْ ﴿٣٢﴾ (۳۲) [همه اینها] برای بهره‌گیری شما و چهارپایانتان است.
- فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاحَّةُ ﴿٣٣﴾ (۳۳) هنگامی که [آن] صدای مهیب [قیامت] فرارسد،
- يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ ﴿٣٤﴾ (۳۴) روزی که انسان از برادرش می‌گریزد
- وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ ﴿٣٥﴾ (۳۵) و از مادرش و از پدرش

وَصَلَحِيبَتِهِ وَبَنِيهِ ﴿٣٦﴾ و (٣٦) و از زنش و پسرانش [نیز می‌گریزد]،

لِكُلِّ أَمْرٍ مِّنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ ﴿٣٧﴾ در آن روز، هر کس را کاری است که او را به خودش سرگرم می‌دارد [و از دیگری باز می‌دارد].

وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ ﴿٣٨﴾ (٣٨) چهره‌هایی در آن روز، گشاده و روشن است.

صَاحِكَةٌ مُّسْتَبْشِرَةٌ ﴿٣٩﴾ (٣٩) [به خاطر نعمت و رحمتِ الله] خندان [و] شاد است.

وَوُجُوهُ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهِمْ غَبْرَةٌ ﴿٤٠﴾ و (٤٠) و چهره‌هایی در آن روز، غبارآلود است.

تَرَهَقَهَا قَتَرَةٌ ﴿٤١﴾ (٤١) [و] سیاهی [و تاریکی] آنها را پوشانده است.

أُولَئِكَ هُمُ الْكٰفِرَةُ الْفَجْرَةُ ﴿٤٢﴾ (٤٢) اینان همان کافرانِ بدکردارند.

سُورَةُ التَّكْوِيْرِ

سورة تکویر

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

به نام الله بخشنده مهربان

وَإِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ ﴿١﴾

(۱) آنگاه که خورشید درهم پیچیده [و تاریک] گردد،

وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ ﴿٢﴾

(۲) و آنگاه که ستارگان بی فروغ شوند،

وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ ﴿٣﴾

(۳) و آنگاه که کوهها به حرکت درآید،

وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ ﴿٤﴾

(۴) و آنگاه که ماده‌شترانِ باردار رها شوند،

وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ ﴿٥﴾

(۵) و آنگاه که حیوانات وحشی [در کنار انسان] گرد آورده شوند،

وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ ﴿٦﴾

(۶) و آنگاه که دریاها [جوشان و] برافروخته شود،

وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ ﴿٧﴾

(۷) و آنگاه که هر کس با همسانِ خود قرین گردد،

وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ ﴿٨﴾

(۸) و آنگاه که از دختر زنده‌به‌گور شده پرسیده شود

بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ ﴿٩﴾

(۹) [که] به کدامین گناه کشته شده است،

وَإِذَا الصُّحُفُ نُزِّلَتْ ﴿١٠﴾

(۱۰) و آنگاه که نامه‌های [اعمال] گشوده شود،

- وَإِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ ﴿۱۱﴾ و (۱۱) و آنگاه که پرده از روی آسمان برگرفته شود،
- وَإِذَا الْجَحِيمُ سُعِرَتْ ﴿۱۲﴾ و (۱۲) و آنگاه که دوزخ، افروخته [و شعله‌ور] گردد،
- وَإِذَا الْجَنَّةُ أُزْلِفَتْ ﴿۱۳﴾ و (۱۳) و آنگاه که بهشت [برای پروايشگان] نزدیک آورده شود.
- عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا أَحْضَرَتْ ﴿۱۴﴾ (۱۴) [در آن هنگام،] هر کس خواهد دانست که چه چیزی [برای آخرت خود] آماده کرده است.
- فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ ﴿۱۵﴾ (۱۵) سوگند به ستارگانی که [به جایگاه خود] بازمی‌گردند،
- الْجَوَارِ الْكُنَّسِ ﴿۱۶﴾ (۱۶) [شتابان] حرکت می‌کنند [و از نظر] پنهان می‌شوند؛
- وَاللَّيْلِ إِذَا عَسْعَسَ ﴿۱۷﴾ و (۱۷) و سوگند به شب، هنگامی که [از تاریکی‌اش کاسته شود و] پشت کند؛
- وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ ﴿۱۸﴾ و (۱۸) و سوگند به صبح، هنگامی که بدمد؛
- إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ ﴿۱۹﴾ (۱۹) بی‌تردید، این [قرآن، سخن الله است که] ابلاغش به پیامبر، بر عهده [فرستاده‌ای بزرگوار = جبرئیل] است؛
- ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ ﴿۲۰﴾ (۲۰) [همان فرشته‌ای] که [مقتدر و] نیرومند

است و نزد [الله] صاحب‌عرش، مقام والایی دارد؛

مَكِينٍ ﴿۲۰﴾

(۲۱) [در ملکوت اعلی و عالم فرشتگان] از او فرمان می‌برند و امین [وحی] است.

مُطَاعٍ ثُمَّ أَمِينٍ ﴿۲۱﴾

(۲۲) [ای مردم]، همنشین شما [= محمد] دیوانه نیست؛

وَمَا صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ ﴿۲۲﴾

(۲۳) و بی‌تردید، [محمد]، او [= جبرئیل] را در افق روشن دیده است.

وَلَقَدْ رَءَاهُ بِالْأُفُقِ الْمُبِينِ ﴿۲۳﴾

(۲۴) و او بر [ابلاغ آنچه از طریق] غیب [به] وی وحی می‌گردد [بخیل نیست] و همانند کاهنان نیز مزد نمی‌گیرد].

وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ ﴿۲۴﴾

(۲۵) و این [قرآن] گفته شیطان رانده شده نیست.

وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ ﴿۲۵﴾

(۲۶) پس به کجا می‌روید؟

فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ ﴿۲۶﴾

(۲۷) این [قرآن] چیزی جز پند و اندرز برای جهانیان نیست.

إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ ﴿۲۷﴾

(۲۸) برای هر یک از شما که بخواهد راه راست [حق را] در پیش گیرد.

لِمَن شَاءَ مِنْكُمْ أَن يَسْتَقِيمَ ﴿۲۸﴾

(۲۹) و شما [چیزی را] نمی‌خواهید، مگر آنکه پروردگار جهانیان [اراده کند و] بخواهد.

وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَن يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿۲۹﴾

سُورَةُ الْاِنْفِطَارِ

سورة انفطار

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

وَإِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ ﴿١﴾

(۱) آنگاه که آسمان شکافته شود،

وَإِذَا الْكَوَاكِبُ انْتَثَرَتْ ﴿٢﴾

(۲) آنگاه که ستارگان پراکنده شوند [و فرو ریزند]،

وَإِذَا الْبِحَارُ فُجِرَتْ ﴿٣﴾

(۳) و آنگاه که دریاها [به هم آمیزند و لبریز و روان گردند]،

وَإِذَا الْقُبُورُ بُعْثِرَتْ ﴿٤﴾

(۴) و آنگاه که قبرها [برای براگیختن مردگان] زیر و رو شود،

عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ

(۵) [در آن هنگام] هر کس می‌داند چه چیزهایی را پیشاپیش فرستاده و چه چیزهایی را واپس نهاده [و بر جای گذاشته است].

وَأَخَّرَتْ ﴿٥﴾

يَتَأْتِيهَا الْإِنْسُنُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ

(۶) ای انسان، چه چیزی تو را [نسبت] به پروردگار بزرگوارت مغرور ساخته است؟

الْكَرِيمِ ﴿٦﴾

الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّنَكَ

(۷) آن [پروردگاری] که تو را آفرید، سپس به تو سر و سامان داد و آنگاه تو را متعادل و متناسب کرد.

فَعَدَّلَكَ ﴿٧﴾

فِي أَيِّ صُورَةٍ مَّا شَاءَ رَكَّبَكَ ﴿٨﴾

(۸) و به هر شکلی [و صورتی] که خواست، تو را ترکیب نمود.

(۹) هرگز چنین نیست [که شما گمان می‌کنید]؛ بلکه شما [روز] جزا را تکذیب می‌کنید.

كَلَّا بَلْ تُكْذِبُونَ بِالَّذِينَ ﴿٩﴾

(۱۰) و بی‌گمان، نگهبانانی [از فرشتگان] بر شما گمارده شده‌اند.

وَإِنَّ عَلَيْنَا لَلْحَافِظِينَ ﴿١٠﴾

(۱۱) که نویسندگانی بزرگوارند؛

كِرَامًا كَاتِبِينَ ﴿١١﴾

(۱۲) آنچه را انجام می‌دهید، می‌دانند [و اعمال نیک و بد شما را ثبت می‌کنند].

يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ ﴿١٢﴾

(۱۳) مسلماً نیکوکاران در نعمت [های بهشت] هستند.

إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ ﴿١٣﴾

(۱۴) و یقیناً بدکاران در [آتش] جهنمند.

وَإِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ ﴿١٤﴾

(۱۵) روز جزا به آن درمی‌آیند [و می‌سوزند]

يَصْلَوْنَهَا يَوْمَ الدِّينِ ﴿١٥﴾

(۱۶) و هرگز آنان از آنجا به دور و [در امان] نباشند.

وَمَا هُمْ عَنْهَا بِغَائِبِينَ ﴿١٦﴾

(۱۷) و تو چه دانی که روز جزا چیست؟

وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمَ الدِّينِ ﴿١٧﴾

(۱۸) باز تو چه می‌دانی که روز جزا چیست؟

ثُمَّ مَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمَ الدِّينِ ﴿١٨﴾

(۱۹) روزی که هیچ کس قادر به انجام کاری برای دیگری نیست؛ و در آن روز، حکم [و فرمان]، از آن الله است.

يَوْمَ لَا تَمَلِكُ نَفْسٌ لِّنَفْسٍ شَيْئًا^ط

وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ ﴿١٩﴾

سُورَةُ الْمُطَفِّينَ

سورة مطفین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّينَ ﴿١﴾

(۱) وای بر کم فروشان!

الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ
يَسْتَوْفُونَ ﴿٢﴾

(۲) [همان] کسانی که چون [برای خود] از
مردم پیمانہ می کنند، حق خود را کامل
می گیرند،

وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَّزَنُوهُمْ
يُخْسِرُونَ ﴿٣﴾

(۳) و هنگامی که [می خواهند] برای آنان
پیمانہ یا وزن کنند، کم می گذارند.

أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ
مَبْعُوثُونَ ﴿٤﴾

(۴) آیا آنها گمان نمی کنند که [قیامت فرا
می رسد و از قبرها] برانگیخته می شوند،

لِيَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿٥﴾

(۵) در روزی بزرگ؟

يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ
الْعَالَمِينَ ﴿٦﴾

(۶) [همان] روزی که مردم در پیشگاه
پروردگار جهانیان می ایستند.

كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفُجَّارِ لَفِي
سِجِّينَ ﴿٧﴾

(۷) هرگز چنین نیست [که کافران
پنداشته اند!] به راستی که نامۀ [اعمال]
بدکاران در سِجِّین است.

وَمَا أَدْرَاكَ مَا سِجِّينُ ﴿٨﴾

(۸) و تو چه دانی که سِجِّین چیست؟

(۹) کتابی است که [اعمال بدکاران در آن] نوشته شده است.

كُتِبَ مَرْفُومٌ ﴿٩﴾

(۱۰) در آن روز، وای بر تکذیب‌کنندگان!

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ ﴿١٠﴾

(۱۱) همان کسانی که روز جزا را [انکار و] تکذیب می‌کنند؛

الَّذِينَ يُكَذِّبُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ ﴿١١﴾

(۱۲) و جز ستمکارانِ گنهکار، [کسی] آن [روز] را تکذیب نمی‌کند.

وَمَا يُكَذِّبُ بِهِ إِلَّا كُلُّ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ ﴿١٢﴾

(۱۳) هنگامی که آیات ما بر او تلاوت می‌شود، می‌گوید: «[این] افسانه‌های [خیالی] گذشتگان است».

إِذَا تَتلَا عَلَيْهِ ءَأَيَّتِنَا قَالَ أَسْطِيرُ الْأَوَّلِينَ ﴿١٣﴾

(۱۴) هرگز چنین نیست [که آنها گمان می‌کنند]؛ بلکه [به سبب] آنچه کرده‌اند، بر دل‌هایشان زنگار بسته است.

كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَىٰ قُلُوبِهِم مَّا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿١٤﴾

(۱۵) هرگز چنین نیست [که آنها می‌پندارند]. بی‌گمان، آنان در آن روز از [دیدار] پروردگارشان محرومند.

كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّمَّحْجُوبُونَ ﴿١٥﴾

(۱۶) و [بعد از حساب] مسلماً وارد دوزخ می‌شوند.

ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُوا الْجَحِيمِ ﴿١٦﴾

(۱۷) آنگاه به آنان گفته می‌شود: «[این] آتش، همان چیزی است که آن را تکذیب می‌کردید».

ثُمَّ يُقَالُ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِءُ تُكَذِّبُونَ ﴿١٧﴾

كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي
عَلِيَّيْنَ ﴿١٨﴾
بی‌گمان، نامه [اعمال] نیکوکاران در «علیین»
است.

وَمَا أَدْرَاكَ مَا عَلِيُّونَ ﴿١٩﴾
(۱۹) و تو چه دانی که «علیین» چیست؟

كِتَابٌ مَّرْقُومٌ ﴿٢٠﴾
(۲۰) کتابی است که [اعمال نیکوکاران در آن]
نوشته شده است،

يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ ﴿٢١﴾
(۲۱) که مقربان [درگاه الهی] بر آن حاضر
می‌شوند [و گواهی می‌دهند].

إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ ﴿٢٢﴾
(۲۲) همانا نیکوکاران در نعمت [های بهشت]
هستند.

عَلَى الْأَرْبَابِ يُنظَرُونَ ﴿٢٣﴾
(۲۳) بر تخت‌ها [تکیه زده و] می‌نگرند.

تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ
النَّعِيمِ ﴿٢٤﴾
(۲۴) خرمی و نشاطِ نعمت [بهشت] را در
چهره‌هایشان [می‌بینی و] می‌شناسی.

يُسْقَوْنَ مِنْ رَحِيقٍ مَخْتُومٍ ﴿٢٥﴾
(۲۵) آنها از شراب نابِ مُهرشده، [نوشانیده و]
سیراب می‌شوند.

خِتْلَمُهُمْ وَسُكَّ وَفِي ذَلِكَ
فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَفِسُونَ ﴿٢٦﴾
(۲۶) مُهری که بر آن نهاده شده، از مُشک
است، و مشتاقان [رحمت]، در این [شراب و
دیگر نعمت‌های بهشتی] باید بر یکدیگر پیشی
گیرند.

- وَمِزَاجُهُ مِنَ تَسْنِيمٍ ﴿٢٧﴾ و آمیزه‌اش از [چشمه] تسنیم است؛
- عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ ﴿٢٨﴾ [همان] چشمه‌ای که مقربان [درگاه الهی] از آن می‌نوشند.
- إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا يَضْحَكُونَ ﴿٢٩﴾ [همانا] کسانی که جرم و گناه مرتکب شدند، پیوسته [در دنیا] بر کسانی که ایمان آورده بودند می‌خندیدند.
- وَإِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامَزُونَ ﴿٣٠﴾ و هر گاه [مؤمنان] از کنارشان می‌گذشتند، با چشم و ابرو به هم اشاره می‌کردند [و آنان را به سُخره می‌گرفتند]؛
- وَإِذَا أَنْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ أَنْقَلَبُوا فَكِهِينَ ﴿٣١﴾ و چون به سوی خانواده خود بازمی‌گشتند، [به خاطر تمسخر مؤمنان] شادمان و خندان بودند؛
- وَإِذَا رَأَوْهُمْ قَالُوا إِنَّ هَؤُلَاءِ لَضَالُّونَ ﴿٣٢﴾ و هنگامی که مؤمنان را می‌دیدند می‌گفتند: «بی‌گمان، اینان گمراه‌اند»؛
- وَمَا أَرْسَلُوا عَلَيْهِمْ حَفِظِينَ ﴿٣٣﴾ [در حالی که آنان برای مراقبت و نگهبانی،] بر مؤمنان فرستاده نشده بودند.
- فَالْيَوْمَ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ ﴿٣٤﴾ ولی امروز کسانی که ایمان آورده‌اند، به کافران می‌خندند.
- عَلَىٰ الْأَرْبَابِ يَنْظُرُونَ ﴿٣٥﴾ بر تخت‌های [آراسته نشسته و به نعمت‌های الهی که برترین آنها، رؤیت وجه گرامی الله است] می‌نگرند.

هَلْ تُؤِيبُ الْكُفَّارُ مَا كَانُوا (۳۶) آيا كافران [با چشیدن عذاب،] جزای
 يَفْعَلُونَ ﴿۳۶﴾ آنچه را که می کردند دریافت نموده اند؟

سُورَةُ الْاِنْشِقَاقِ

سورة انشقاق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ ﴿١﴾

(۱) آنگاه که آسمان شکافته شود،

وَأُذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ ﴿٢﴾

(۲) و به [فرمان] پروردگارش گوش فرا دهد [و تسلیم شود]؛ و سزاوار است [که چنین کند]،

وَإِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ ﴿٣﴾

(۳) و آنگاه که زمین گسترده [و هموار] شود،

وَأَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ ﴿٤﴾

(۴) و هر چه را درون خود دارد، بیرون ریزد و تهی گردد،

وَأُذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ ﴿٥﴾

(۵) و به [فرمان] پروردگارش گوش دهد [و تسلیم شود]؛ و سزاوار است [که چنین کند].

يَتَأْتِيهَا الْإِنْسُنُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ

(۶) ای انسان، بی گمان، تو در راه [رسیدن به] پروردگارت سخت تلاش و کوشش می کنی؛ پس او را ملاقات خواهی کرد.

رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ ﴿٦﴾

فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ

(۷) و اما کسی که نامه [اعمال] او به دست راستش داده شود،

بِيَمِينِهِ ﴿٧﴾

سَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا ﴿٨﴾

(۸) به زودی به حسابی آسان، محاسبه می شود.

وَيَنْقَلِبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ مَسْرُورًا ﴿٩﴾

(۹) و شادمان به سوی خانواده اش بازمی گردد؛

وَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ (۱۰) و اما کسی که نامه [اعمال] او از پشت
ظَهْرِهِ ۱۰ سرش به او داده شود.

فَسَوْفَ يَدْعُوا ثُبُورًا ۱۱ (۱۱) به زودی نابودی خود را خواهد طلبید

وَيَصْلَىٰ سَعِيرًا ۱۲ (۱۲) و به [آتش] جهنم شعله‌ور در خواهد آمد.

إِنَّهُ كَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُورًا ۱۳ (۱۳) بی‌گمان، او در [دنیا به خاطر گناهانش،]
در میان خانواده خود شادمان بود.

إِنَّهُ ظَنَّ أَنْ لَنْ يُّؤْرَكَ ۱۴ (۱۴) او گمان می‌کرد که هرگز [به نزد الله]
باز نخواهد گشت.

بَلَىٰ إِنَّ رَبَّهُ كَانَ بِهِ بَصِيرًا ۱۵ (۱۵) آری؛ همانا پروردگارش از حال وی آگاه
بود.

فَلَا أُقْسِمُ بِالشَّقِيقِ ۱۶ (۱۶) به شفق سوگند می‌خورم،

وَاللَّيْلِ وَمَا وَسَقَ ۱۷ (۱۷) و سوگند به شب و آنچه را فرو می‌پوشد

وَالْقَمَرِ إِذَا اتَّسَقَ ۱۸ (۱۸) و سوگند به ماه چون [فروغش] کامل
شود

لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَن طَبِقٍ ۱۹ (۱۹) که قطعاً مراتب و حالات مختلفی را یکی
پس از دیگری [در مسیر زندگی دنیوی] طی
خواهید کرد.

فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ۲۰ (۲۰) آنان را چه شده که ایمان نمی‌آورند؟

وَإِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ لَا (۲۱) و [چرا] هنگامی که قرآن بر آنان تلاوت

يَسْجُدُونَ ﴿٢١﴾

می شود سجده نمی کنند؟

بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُكْذِبُونَ ﴿٢٢﴾ بلکه کسانی که کافر شدند، پیوسته [آیات

الهی را] تکذیب می کنند.

وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُوعُونَ ﴿٢٣﴾

(۲۳) و الله به آنچه در دل پنهان می دارند،

داناتر است.

فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿٢٤﴾

(۲۴) پس [ای پیامبر،] آنان را به عذابی

دردناک بشارت ده؛

إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ﴿٢٥﴾

(۲۵) مگر کسانی که ایمان آورده اند و کارهای

شایسته انجام داده اند، که پاداشی بی منت و

پیوسته برایشان است.

مَمْنُونٍ ﴿٢٥﴾

سُورَةُ الْبُرُوجِ

سورة بُرُوج

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ ﴿١﴾

(۱) سوگند به آسمان که دارنده بُرج‌هاست،

وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ ﴿٢﴾

(۲) و سوگند به روز موعود [قیامت]،

وَشَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ ﴿٣﴾

(۳) و سوگند به هر کس که گواهی دهد و به هر کس که مورد گواهی قرار گیرد.

قَتِيلَ أَصْحَابِ الْأُحْدُودِ ﴿٤﴾

(۴) مرگ بر آدم‌سوزان خندق!

النَّارِ ذَاتِ الْوُقُودِ ﴿٥﴾

(۵) [همان آتش] افروخته از هیزم‌های بسیار [که مؤمنان را در آن می‌سوزاندند]؛

إِذْ هُمْ عَلَيْهَا قُعُودٌ ﴿٦﴾

(۶) هنگامی که بر [کناره] آن نشسته بودند

وَهُمْ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ

(۷) و آنچه را با مؤمنان انجام می‌دادند، تماشا می‌کردند؛

شُهُودٌ ﴿٧﴾

وَمَا نَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا

(۸) و هیچ ایرادی از آنان [=مؤمنان] نگرفتند، جز اینکه به الله پیرومند ستوده ایمان آورده بودند.

بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ﴿٨﴾

الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

(۹) [همان] ذاتی که فرمانروایی آسمان‌ها و زمین از آن اوست؛ و الله بر همه چیز گواه است.

وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ﴿٩﴾

إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ
وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ
عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابُ
الْحَرِيقِ ﴿١٠﴾

(۱۰) به راستی کسانی که مردان و زنان مؤمن را شکنجه [و آزار] دادند و پس [از انجام آن کار،] توبه نکردند، عذاب جهنم برایشان [مهیا] است و عذاب آتش [در پیش دارند].

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا
الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي
مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ذَلِكَ الْفَوْزُ
الْكَبِيرُ ﴿١١﴾

(۱۱) همانا برای کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند، باغ‌هایی [از بهشت] است که جویبارها زیر [درختان] آن جاری است؛ و این است کامیابی بزرگ.

إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ ﴿١٢﴾

(۱۲) بی گمان، [مجازات و] گرفتن پروردگارت بسیار شدید است.

إِنَّهُ هُوَ يُبَدِّلُ وَيُعِيدُ ﴿١٣﴾

(۱۳) در حقیقت، اوست که [آفرینش را] آغاز می کند و دوباره [بعد از مرگ] بازمی گرداند؛

وَهُوَ الْعَفْوَورُ الْوَدُودُ ﴿١٤﴾

(۱۴) و همو آمرزنده [و] دوستدار [مؤمنان] است.

ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدُ ﴿١٥﴾

(۱۵) [الله] صاحب‌عرش [و] بلندمرتبه [و] شکوهمند] است

فَعَالٌ لِّمَا يُرِيدُ ﴿١٦﴾

(۱۶) [و] آنچه را بخواهد، انجام می دهد.

هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْجُنُودِ ﴿١٧﴾

(۱۷) [ای پیامبر،] آیا داستان لشکریان [حق سستیز] به تو رسیده است؟

فِرْعَوْنَ وَثَمُودَ ﴿١٨﴾ (۱۸) [لشکر] فرعون و [قوم] ثمود.

بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ ﴿١٩﴾ (۱۹) بلکه کسانی که کافر شدند، پیوسته در تکذیب [حق] هستند،

وَاللَّهُ مِنْ وَرَائِهِم مَّحِيطٌ ﴿٢٠﴾ (۲۰) و الله از هر سو بر آنان احاطه دارد.

بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَجِيدٌ ﴿٢١﴾ (۲۱) آری، این [آیات، شعر و سحر نیست؛ بلکه] قرآن شکوهمند است.

فِي لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ ﴿٢٢﴾ (۲۲) در لوح محفوظ [از هر گونه تحریف و تبدیل، در امان] است.

سُورَةُ الطَّارِقِ

سورة طارق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ ﴿١﴾

(۱) سوگند به آسمان و سوگند به ستاره شبگرد.

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الطَّارِقُ ﴿٢﴾

(۲) و تو چه می دانی که ستاره شبگرد چیست؟

الْتَّجْمُ الثَّاقِبُ ﴿٣﴾

(۳) [همان] ستاره فروزان است.

إِنْ كُلُّ نَفْسٍ لَّمَّا عَلَيْهَا

(۴) هیچ کس نیست، مگر اینکه نگهبانی [از

حَافِظٌ ﴿٤﴾

فرشتگان] بر او [گماشته شده] است.

فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ ﴿٥﴾

(۵) انسان باید بنگرد که از چه چیز آفریده

شده است:

خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ ﴿٦﴾

(۶) از یک آب جهنده آفریده شده

يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ

(۷) که از میان [استخوان] پشت [مرد] و سینه

وَالرَّأْيِ ﴿٧﴾

[زن] بیرون می آید.

إِنَّهُ عَلَى رَجْعِهِ لَقَادِرٌ ﴿٨﴾

(۸) بی گمان، الله بر بازگرداندن او [پس از

مرگ] تواناست.

يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ ﴿٩﴾

(۹) روزی که [تمام] رازها فاش شود،

فَمَا لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ ﴿١٠﴾

(۱۰) [در آن روز] انسان هیچ توان و یابوری

ندارد.

- وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ ﴿١١﴾ (۱۱) سوگند به آسمان پر باران
- وَالْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ ﴿١٢﴾ (۱۲) و سوگند به زمین پر شکاف [که گیاهان از آن سر برمی آورند].
- إِنَّهُ لَقَوْلٌ فَصْلٌ ﴿١٣﴾ (۱۳) [که] بی گمان، این قرآن، سخن جداکننده حق از باطل است
- وَمَا هُوَ بِالْهَزْلِ ﴿١٤﴾ (۱۴) و [سخن] هزل و بیهوده نیست.
- إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا ﴿١٥﴾ (۱۵) آنان [= کافران] پیوسته حيله و نیرنگ می کنند
- وَأَكِيدُ كَيْدًا ﴿١٦﴾ (۱۶) و من [نیز] حيله [و تدبیر] می کنم؛
- فَمَهْلٍ الْكٰفِرِينَ أَمْهَلُهُمْ ﴿١٧﴾ (۱۷) پس به کافران مهلت بده [و] اندکی رهایشان کن [تا غرق گناه باشند].
- رُؤْيَدًا ﴿١٧﴾

سُورَةُ الْأَعْلَى

سورة اعلی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى ﴿١﴾

(۱) نام پروردگار بلند مرتبهات را به پاکی یاد کن.

الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى ﴿٢﴾

(۲) [همان ذاتی] که [انسان را] آفرید و هماهنگ و متعادل ساخت.

وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى ﴿٣﴾

(۳) و [همان] ذاتی که اندازه‌گیری کرد و [به] شایستگی آفرید] و سپس هدایت نمود.

وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَى ﴿٤﴾

(۴) و [آن] ذاتی که چراگاه را [برای تغذیه] جانداران] رویانید.

فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَى ﴿٥﴾

(۵) سپس آن را خشک و سیاه گردانید.

سَنُقْرِئُكَ فَلَا تَنْسَى ﴿٦﴾

(۶) ما به زودی [قرآن را] بر تو می‌خوانیم؛ پس تو هرگز [آن را] فراموش نخواهی کرد؛

إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ

(۷) مگر آنچه را که الله بخواند؛ همانا او آشکار و نهان را می‌داند.

وَمَا يَخْفَى ﴿٧﴾

وَنُيَسِّرُكَ لِلْيُسْرَى ﴿٨﴾

(۸) و آسان‌ترین [راه] را برایت فراهم می‌گردانیم.

فَذَكِّرْ إِن نَّفَعَتِ الذِّكْرَى ﴿٩﴾

(۹) اگر پند مفید باشد، [مردم را با آیات قرآن] پند ده.

- (۱۰) به زودی کسی که [از الله] می ترسد، پند می پذیرد. سَيَذَكَّرُ مَنْ يَخْشَى ﴿۱۰﴾
- (۱۱) و بدبخت ترین [مردم]، از آن دوری می گزیند؛ وَيَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَى ﴿۱۱﴾
- (۱۲) [همان] کسی که در آتش بزرگ [جهنم] درخواهد آمد، الَّذِي يَصِلُ النَّارَ الْكُبْرَى ﴿۱۲﴾
- (۱۳) و در آن [آتش] نه می میرد و نه زنده می ماند. ثُمَّ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَى ﴿۱۳﴾
- (۱۴) یقیناً کسی که خود را [از کفرو گناه] پاک کند، رستگار خواهد شد؛ قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى ﴿۱۴﴾
- (۱۵) و [نیز کسی که] نام پروردگارش را یاد کند و نماز بگزارد. وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى ﴿۱۵﴾
- (۱۶) ولی شما [مردم]، زندگی دنیا را [بر آخرت] ترجیح می دهید؛ بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ﴿۱۶﴾
- (۱۷) در حالی که آخرت، بهتر و پاینده تر است. وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى ﴿۱۷﴾
- (۱۸) به راستی این [پندها] در کتاب های اَسْمَانِي پِيشِين [نیز] بود؛ إِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى ﴿۱۸﴾
- (۱۹) کتاب های ابراهیم و موسی. صُّحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى ﴿۱۹﴾

سُورَةُ الْغَاشِيَةِ

سورة غاشیه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ ﴿١﴾

(۱) [ای پیامبر،] آیا خبر قیامت هولناک فراگیر
به تو رسیده است؟

وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ ﴿٢﴾

(۲) در آن روز، چهره‌هایی خوار و ذلیل
خواهند بود.

عَامِلَةٌ نَّاصِبَةٌ ﴿٣﴾

(۳) [در دنیا] پیوسته تلاش کرده [و] خسته
شده [و چون در راه حق نبوده، نتیجه‌ای
ندیده‌اند].

تَصَلَّىٰ نَارًا حَامِيَةً ﴿٤﴾

(۴) در آتش سوزان درمی‌آیند،

تَسْقَىٰ مِنْ عَيْنٍ عَائِيَةٍ ﴿٥﴾

(۵) از چشمه بسیار داغ به آنها نوشانیده
می‌شود.

لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ
صَّرِيعٍ ﴿٦﴾

(۶) غذایی جز خار خشک و تلخ ندارند

لَا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِنْ جُوعٍ ﴿٧﴾

(۷) که نه [آنان را] فربه کند و نه گرسنگی را
دفع نماید.

وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاعِمَةٌ ﴿٨﴾

(۸) در آن روز، چهره‌هایی شاداب و تازه هستند

لَسَعِيهَا رَاضِيَةٌ ﴿٩﴾

(۹) و از سعی [و تلاش] خود راضیند؛

- فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ ﴿۱۰﴾ در بهشت برین هستند.
- لَا تَسْمَعُ فِيهَا لَعِيَّةً ﴿۱۱﴾ در آنجا هیچ سخن بیهوده‌ای نمی‌شنوند.
- فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ ﴿۱۲﴾ در آن، چشمه‌های [آب] روان است.
- فِيهَا سُرُرٌ مَّرْفُوعَةٌ ﴿۱۳﴾ تخت‌های [زیبای] بلند [پایه] در آن است.
- وَأَكْوَابٌ مَّوْضُوعَةٌ ﴿۱۴﴾ و جام‌هایی [که در کنار چشمه‌ها] نهاده شده.
- وَنَمَارِقُ مَصْفُوفَةٌ ﴿۱۵﴾ و بالش‌های [منظم] چیده‌شده،
- وَزَرَائِبُ مَبْنُوثَةٌ ﴿۱۶﴾ و [نیز] فرش‌های گرانبها گسترده شده است.
- أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ ﴿۱۷﴾ آیا [کافران] به شتر نمی‌نگرند که چگونه آفریده شده است؟
- وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ ﴿۱۸﴾ و به آسمان [نمی‌نگرند] که چگونه برافراشته شده است؟
- وَإِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ ﴿۱۹﴾ و به کوه‌ها [نمی‌نگرند] که چگونه [محکم بر زمین] نصب شده است؟
- وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ ﴿۲۰﴾ و به زمین [نمی‌نگرند] که چگونه گسترده شده است؟
- فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ ﴿۲۱﴾ [ای پیامبر،] پند بده، که تو فقط پنددهنده‌ای.

- لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ ﴿٢٢﴾ (۲۲) تو بر آنان مسلط [و چیره] نیستی [که آنان را بر ایمان آوردن و ادا کردن کنی].
- إِلَّا مَنْ تَوَلَّى وَكُفِرَ ﴿٢٣﴾ (۲۳) اما کسی که روی بگرداند و کافر شود
- فِيُعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ ﴿٢٤﴾ (۲۴) الله او را با بزرگ‌ترین عذاب، مجازات می‌کند.
- إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ ﴿٢٥﴾ (۲۵) همانا بازگشت آنها به سوی ماست.
- ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ ﴿٢٦﴾ (۲۶) سپس بی‌گمان، حسابشان [نیز] با ماست.

سُورَةُ الْفَجْرِ

سورة فجر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

وَالْفَجْرِ ﴿١﴾

(۱) سوگند به سپیده دم [صبحگاهان]

وَالْيَالِ عَشْرِ ﴿٢﴾

(۲) و به شبهای دهگانه [آغاز ذی حجه]

وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ ﴿٣﴾

(۳) و به زوج و فرد [اشیاء]

وَاللَّيْلِ إِذَا يَسِرُّ ﴿٤﴾

(۴) و سوگند به شب، هنگامی که [حرکت

می کند و] می رود.

هَلْ فِي ذَلِكَ قَسَمٌ لِذِي حِجْرِ ﴿٥﴾

(۵) آیا در این [چیزها] سوگندی برای

صاحب خرد نیست [که او را قانع نماید]؟

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ ﴿٦﴾

(۶) [ای پیامبر،] آیا ندیدی که پروردگارت با

[قوم] عاد چه کرد؟

إِزْمَ ذَاتِ الْعِمَادِ ﴿٧﴾

(۷) [همان قبیله] اِزْم که دارای [کاخهایی با]

ستونهای بلند بودند

الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبَلَدِ ﴿٨﴾

(۸) که همانند آن در شهرها آفریده نشده بود؟

وَتَمُودَ الَّذِينَ جَابُوا الصَّخَرَ

(۹) و [نیز قوم] تمود، کسانی که صخره های

سخت را از [کنار] وادی می تراشیدند [و خانه

بِالْوَادِ ﴿٩﴾

برای خودشان می ساختند]؟

- وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ ﴿١٠﴾ و (۱۰) و فرعون، صاحب سپاه [بزرگ و قدرتمند].
- الَّذِينَ طَعَوْا فِي الْبَلَدِ ﴿١١﴾ (۱۱) [همان] کسانی که در شهرها طغیان [و سرکشی] کردند
- فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفَسَادَ ﴿١٢﴾ و (۱۲) و فساد بسیار در آنها به بار آوردند.
- فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ ﴿١٣﴾ (۱۳) آنگاه پروردگارت تازیانه عذاب را بر آنان فرود آورد.
- إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ ﴿١٤﴾ (۱۴) یقیناً پروردگار تو در کمینگاه است.
- فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ ﴿١٥﴾ و (۱۵) و اما انسان هنگامی که پروردگارش او را بیازماید و گرمای دارد و به او نعمت بخشد، [مغرور می‌گردد و گمان می‌کند که این امر به خاطر کرامتی است که نزد الله دارد]، پس می‌گوید: «پروردگارم مرا گرمی داشته است»؛
- وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهْنَنِ ﴿١٦﴾ و (۱۶) و اما هنگامی که او را بیازماید و روزی‌اش را بر او تنگ سازد، [دلسرد شده و گمان می‌کند که این امر بدان سبب است که نزد الله، خوار و ذلیل است]؛ پس می‌گوید: «پروردگارم مرا خوار کرده است».
- كَلَّا بَلْ لَا تُكْرِمُونَ الْيَتِيمَ ﴿١٧﴾ (۱۷) هرگز چنین نیست [که شما می‌پندارید]؛ بلکه شما یتیم را گرمی نمی‌دارید
- وَلَا تَحْضُونَ عَلَىٰ طَعَامِ الْمَسْكِينِ ﴿١٨﴾ و (۱۸) و یکدیگر را بر اطعام مستمندان ترغیب نمی‌کنید

وَتَأْكُلُونَ التُّرَاثَ أَكْلًا لَّمَّا ﴿١٩﴾ و میراث را حریصانه می‌خورید [و حق ضعیفان را نمی‌دهید]

وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا ﴿٢٠﴾ و مال و ثروت [دنیا] را بسیار دوست دارید.

كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا ﴿٢١﴾ هرگز چنین نیست [که شما گمان می‌کنید]؛ هنگامی که زمین سخت در هم کوبیده شود [و هموار گردد]

وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا ﴿٢٢﴾ و پروردگارت [برای دادرسی] بیاید و [نیز] فرشتگان صف‌درصف [بایستند]

وَجَاءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَأَنَّى لَهُ الذِّكْرَى ﴿٢٣﴾ و در آن روز جهنم آورده شود، آن روز است که انسان [کافر] پند می‌گیرد [و توبه می‌کند]؛ و [اما] این پند گرفتن، چه سودی برایش دارد؟

يَقُولُ يَلَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي ﴿٢٤﴾ وی می‌گوید: «ای کاش [در دنیا] برای [این] زندگی‌ام [اعمال نیک، از] پیش فرستاده بودم!»

فَيَوْمَئِذٍ لَا يُعَذِّبُ عَذَابُهُٔ وَ أَحَدٌ ﴿٢٥﴾ [و هیچ کس همانند عذاب او = الله] عذاب نمی‌کند،

وَلَا يُؤْتِقُ وَثَاقَهُٔ وَ أَحَدٌ ﴿٢٦﴾ و هیچ کس همچون بند کشیدن او = الله، کسی را به بند نمی‌کشد.

يَتَأْتِيهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ﴿٢٧﴾ [اما به مؤمن ندا می‌شود:] «ای روح آرام‌یافته،

أَرْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكَ رَاضِيَةً ﴿٢٨﴾ به سوی پروردگارت بازگرد، در حالی که تو [از پاداشِ الله] راضی هستی، و او از [اعمال] تو راضی است.

فَادْخُلِي فِي عِبَادِي ﴿٢٩﴾ پس در زمرهٔ بندگان [خاص] من در آی

وَادْخُلِي جَنَّتِي ﴿٣٠﴾ و به بهشت من وارد شو.»

سُورَةُ الْبَلَدِ

سورة بلد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشندهٔ مهربان

لَا أُفْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ ﴿١﴾

(۱) سوگند به این شهر [مکه].

وَأَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ ﴿٢﴾

(۲) در حالی که [ای پیامبر!] تو در این شهر ساکنی [و جنگ در این شهر برایت حلال است]

وَوَالِدٍ وَمَا وَلَدٌ ﴿٣﴾

(۳) و سوگند به پدر [= آدم] و فرزندان.

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ ﴿٤﴾

(۴) یقیناً ما انسان را در رنج [و دشواری‌های دنیوی] آفریدیم.

أَيَحْسَبُ أَنْ لَنْ يَقْدِرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ ﴿٥﴾

(۵) آیا او گمان می‌کند هیچ کس بر [مجازات] وی توانا نیست؟

يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَالًا لُبَدًا ﴿٦﴾

(۶) می‌گوید: «[به خاطر انفاق]، مال زیادی را تباہ کرده‌ام».

أَيَحْسَبُ أَنْ لَمْ يَرَهُ أَحَدٌ ﴿٧﴾

(۷) آیا می‌پندارد که هیچ کس او را ندیده است؟

أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ ﴿٨﴾

(۸) آیا دو چشم برایش قرار ندادیم؟

وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ ﴿٩﴾

(۹) و یک زبان و دو لب؟

- وَهَدَيْنَاهُ الْجَدَيْنِ ﴿١٠﴾ و او را به دو راه [خیر و شر] راهنمایی کردیم.
- فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ ﴿١١﴾ (۱۱) اما به گردنه [سخت] قدم نگذاشت [و نیامد].
- وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ ﴿١٢﴾ (۱۲) و تو چه می دانی که آن گردنه [سخت] چیست؟
- فَكُ رَقَبَةٍ ﴿١٣﴾ (۱۳) آزاد کردن برده ای است.
- أَوْ اِطْعَمُ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْعَبَةٍ ﴿١٤﴾ (۱۴) یا اطعام در روز قحطی [و گرسنگی]،
- يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ ﴿١٥﴾ (۱۵) [خواه] یتیمی از خویشاوندان [باشد]
- أَوْ مِسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ ﴿١٦﴾ (۱۶) یا مستمندی خاک نشین؛
- ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ ﴿١٧﴾ (۱۷) به علاوه، از کسانی باشد که ایمان آورده اند و یکدیگر را به صبر [بر عبادت و دوری از گناه] و مهربانی [با بندگان] توصیه نموده اند.
- أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ ﴿١٨﴾ (۱۸) اینان اهل سعادتند [که نامه اعمال آنان به دست راستشان داده می شود و اهل بهشتند].
- وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا هُمْ أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ ﴿١٩﴾ (۱۹) اما کسانی که به آیات ما کفر ورزیدند، آنان اهل شقاوتند [که نامه اعمال به دست چپشان داده می شود و به دوزخ می روند].
- عَلَيْهِمْ نَارٌ مُّؤَصَّدَةٌ ﴿٢٠﴾ (۲۰) [از هر سو] آتش سرپوشیده ای بر آنان است [که راه فرار ندارند].

سُورَةُ الشَّمْسِ

سورة شمس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا ﴿١﴾

(۱) سوگند به خورشید و روشنی آن [به هنگام بامداد]،

وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَّهَا ﴿٢﴾

(۲) و سوگند به ماه، هنگامی که بعد از آن [= خورشید] درآید،

وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّهَا ﴿٣﴾

(۳) و سوگند به روز، هنگامی که آن [= خورشید] را روشن [و جلوه‌گر] کند،

وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا ﴿٤﴾

(۴) و سوگند به شب، هنگامی که آن را بپوشاند،

وَالسَّمَاءِ وَمَا بَنَاهَا ﴿٥﴾

(۵) و سوگند به آسمان و به ذاتی که آن را بنا کرد،

وَالْأَرْضِ وَمَا طَحَاهَا ﴿٦﴾

(۶) و سوگند به زمین و به ذاتی که آن را گسترانید،

وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا ﴿٧﴾

(۷) و سوگند به جان [انسان] و ذاتی که آن را [آفرید و] نیکو گردانید،

فَالهَمَّهَا فَجُورَهَا وَتَقْوَاهَا ﴿٨﴾

(۸) سپس نافرمانی و پرهیزگاری‌اش را [به او] الهام کرد.

- قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا ﴿٩﴾ (۹) بی‌تردید، هر کس نفس خود را [از گناهان] پاک کند، رستگار می‌شود.
- وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا ﴿١٠﴾ (۱۰) و هر کس آن را [با گناه] آلوده سازد، یقیناً زیانکار می‌شود.
- كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا ﴿١١﴾ (۱۱) [قوم] ثمود از روی سرکشی، [پیامبرشان را] تکذیب کردند،
- إِذِ اتَّبَعَتْ أَشْقَاهَا ﴿١٢﴾ (۱۲) آنگاه که بدکارترین آنان [برای اقدام به جنایت] برخاست.
- فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا ﴿١٣﴾ (۱۳) پیامبر الله [= صالح] به آنان گفت: «ماده‌شترِ الله و [نوبت] آب‌خوردنش را [حرمت نهید]».
- فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُم بِذَنبِهِمْ فَسَوَّاهَا ﴿١٤﴾ (۱۴) [ولی آنان] او را تکذیب کردند و آن [ماده‌شتر] را کشتند؛ پس پروردگار آنان به سبب گناهانشان بر سرشان عذاب آورد و همگی آنان را با خاک یکسان کرد.
- وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا ﴿١٥﴾ (۱۵) و [الله] از سرانجام آن [کار،] بیم ندارد.

سُورَةُ اللَّيْلِ

سورة لیل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

- وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى ﴿١﴾ (۱) سوگند به شب، هنگامی که [همه چیز را] بپوشاند،
- وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى ﴿٢﴾ (۲) و سوگند به روز، هنگامی که آشکار شود،
- وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى ﴿٣﴾ (۳) و سوگند به ذاتی که نر و ماده را آفرید،
- إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّى ﴿٤﴾ (۴) که یقیناً سعی [و تلاش] شما مختلف [و نیک و بد] است.
- فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى ﴿٥﴾ (۵) و اما کسی که [در راه الله] ببخشد و پرهیزگاری نماید
- وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى ﴿٦﴾ (۶) و [وعدۀ الله و سخنان] نیک را تصدیق کند،
- فَسَنِّيئِرُهُ لِيُسْرَى ﴿٧﴾ (۷) به زودی انجام [کار خیر و] آسانی [=] اعمال نیکو و انفاق در راه الله [را برایش آسان می کنیم.
- وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَى ﴿٨﴾ (۸) و اما کسی که بخل ورزد و بی نیازی بجوید،
- وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَى ﴿٩﴾ (۹) و [وعدۀ الله و سخنان] نیک را تکذیب کند،
- فَسَنِّيئِرُهُ لِّلْعُسْرَى ﴿١٠﴾ (۱۰) به زودی انجام دشواری [=] اعمال شر و پلید [را برایش آسان می سازیم] [و انجام کار خیر را بر او سخت می گردانیم]؛

وَمَا يُغْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّى ﴿۱۱﴾
 و در هنگام [مرگ و] ورود به دوزخ،
 دارایی او سودی به حالش نخواهد داشت.

إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَىٰ ﴿۱۲﴾
 (۱۲) مسلماً هدایت [بندگان] بر [عهده] ماست.

وَأَنَّ لَنَا لَلْآخِرَةِ وَالْأُولَىٰ ﴿۱۳﴾
 (۱۳) و محققاً آخرت و دنیا [نیز] از آن ماست.

فَأَنْذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّىٰ ﴿۱۴﴾
 (۱۴) من شما را از آتشی شعله‌ور بیم دادم

لَا يَصْلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَىٰ ﴿۱۵﴾
 (۱۵) که جز بدبخت‌ترین [مردم] در آن نیفتد؛

الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ ﴿۱۶﴾
 (۱۶) [همان] کسی که [آیات ما را] تکذیب
 کرد و روی گرداند

وَسَيَجَنَّبُهَا الْأَتَقَىٰ ﴿۱۷﴾
 (۱۷) و به زودی پرهیزگارترین [مردم] از آن
 دور نگه داشته می‌شود.

الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّىٰ ﴿۱۸﴾
 (۱۸) [همان] کسی که مال خود را [در راه الله]
 می‌بخشد تا [از گناه] پاک شود.

وَمَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِن نِّعْمَةٍ تُجْرَىٰ ﴿۱۹﴾
 (۱۹) و هیچ کس را به قصد پاداش یافتن نعمت
 نمی‌بخشد؛

إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَىٰ ﴿۲۰﴾
 (۲۰) مگر [برای] کسبِ رضا [و خشنودی]
 پروردگار برترش.

وَلَسَوْفَ يَرْضَىٰ ﴿۲۱﴾
 (۲۱) و به راستی که [با پاداشِ الله] راضی
 خواهد شد.

سُورَةُ الضُّحَى

سورة ضحی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

وَالضُّحَى ❶

(۱) سوگند به آغاز روز،

وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَى ❷

(۲) و سوگند به شب، هنگامی که آرام گیرد

مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَى ❸

(۳) [که] پروردگارت تو را وانگذاشته و [بر تو] خشم نگرفته است.

وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَى ❹

(۴) و مسلماً آخرت برای تو از دنیا بهتر است.

وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ

(۵) و به زودی پروردگارت به تو [و امت تو] آنقدر [عطا خواهد کرد که راضی گردی.

فَتَرْضَى ❺

أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى ❻

(۶) آیا تو را یتیم نیافت، و پناه داد؟

وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى ❼

(۷) و تو را [راه‌نایافته و] سرگشته یافت، و هدایت کرد.

وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى ❽

(۸) و تو را فقیر یافت، و بی‌نیاز نمود.

فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ ❾

(۹) پس [تو نیز] یتیم را میازار،

وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ ❿

(۱۰) و [مستمند] نیازخواه را مران [و با او] خشونت مکن،

وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ ❶

(۱۱) و نعمت‌های پروردگارت را بازگو کن [و سپاس گزار].

سُورَةُ الشَّرْحِ

سورة شرح

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ ﴿١﴾

(۱) [ای پیامبر،] آیا ما سینها را [برای نزول وحی] برایت نگشودیم؟

وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ ﴿٢﴾

(۲) و سنگینی [بار گناه و دشواری رسالت] را از [دوش] تو برداشتیم؟

الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ ﴿٣﴾

(۳) همان [باری] که بر پشتت سنگینی می کرد.

وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ ﴿٤﴾

(۴) و [نام و] آوازه تو را بلند ساختیم.

فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ﴿٥﴾

(۵) مسلماً با [هر] دشواری، آسانی است.

إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ﴿٦﴾

(۶) [آری؛] مسلماً با [هر] دشواری، آسانی است.

فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ ﴿٧﴾

(۷) پس هنگامی که [از کار و امور دنیا] فارغ شدی، [به عبادت پروردگارت] بکوش

وَأِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ ﴿٨﴾

(۸) و به سوی پروردگارت راغب [و مشتاق] شو.

سُورَةُ التَّيْنِ

سورة تین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

وَالَّتَيْنِ وَالزَّيْتُونَ ﴿١﴾

(۱) سوگند به انجیر و زیتون

وَطُورِ سِينِينَ ﴿٢﴾

(۲) و سوگند به طور سینا

وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ ﴿٣﴾

(۳) و سوگند به این شهر امن [مکه]

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ﴿٤﴾

(۴) [که] یقیناً ما انسان را در بهترین صورت [و] با فطرت پاک [آفریدیم].

ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ ﴿٥﴾

(۵) سپس او را [که انحراف یافت،] به پست‌ترین [مراحل] پستی برگرداندیم.

إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ﴿٦﴾

(۶) مگر کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند؛ که پاداشی پایدار برایشان [در پیش] است.

فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِالذِّينِ ﴿٧﴾

(۷) پس [ای انسان،] چه چیزی بعد [از این همه دلایل روشن،] تو را به تکذیب [روز] جزا و می‌دارد؟

أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمَ

(۸) آیا الله بهترین داور [و حاکم مطلق] نیست؟

الْحَكِيمِينَ ﴿٨﴾

سُورَةُ الْعَلَقِ

سورة علق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

أَقْرَأَ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ ﴿١﴾

(۱) بخوان به نام پروردگارت که [هستی را] آفرید؛

خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ ﴿٢﴾

(۲) [همان پروردگاری که] انسان را از خون بسته آفرید.

أَقْرَأَ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ ﴿٣﴾

(۳) بخوان و پروردگارت [از همه] بزرگوارتر است.

الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ ﴿٤﴾

(۴) [همان] ذاتی که به وسیله قلم [نوشتن] آموخت.

عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ ﴿٥﴾

(۵) به انسان آنچه را که نمی دانست [به تدریج] آموخت.

كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّاظٍ ﴿٦﴾

(۶) چنین نیست [که شما می پندارید]؛ حقا که انسان طغیان [و سرکشی] می کند

أَن رَّءَاهُ أَسْتَغَىٰ ﴿٧﴾

(۷) [بعد] از اینکه خود را بی نیاز [و توانگر] ببیند.

إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرُّجْعَىٰ ﴿٨﴾

(۸) یقیناً بازگشت [همه] به سوی پروردگار توست.

- أَرَعَيْتَ الَّذِي يَنْهَى ﴿٩﴾
 (۹) [ای پیامبر،] آیا دیده‌ای آن کسی [=]
 ابوجهل] را که [از عبادت الله] باز می‌دارد
- عَبْدًا إِذَا صَلَّى ﴿١٠﴾
 (۱۰) بنده‌ای [= محمد] را هنگامی که [کنار
 کعبه] نماز می‌خواند.
- أَرَعَيْتَ إِنْ كَانَ عَلَى الْهُدَىٰ ﴿١١﴾
 (۱۱) به من خبر بده اگر این [بنده
 بازداشته‌شده] بر [راه] هدایت باشد
- أَوْ أَمَرَ بِالتَّقْوَىٰ ﴿١٢﴾
 (۱۲) یا [مردم را] به پرهیزگاری فرمان دهد،
 [سزای کسی که چنین بنده‌ای را بیازارد
 چیست؟]
- أَرَعَيْتَ إِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ ﴿١٣﴾
 (۱۳) به من خبر بده اگر این [شخص سرکش،
 حق را] تکذیب کند و رویگردان شود [آیا
 سزاوار عذاب نیست؟].
- أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَىٰ ﴿١٤﴾
 (۱۴) آیا نمی‌داند که بی‌تردید، الله [همه
 اعمالش را] می‌بیند؟
- كَلَّا لَنْ لَّمْ يَنْتَهُ لَنْسَفَعًا ﴿١٥﴾
 (۱۵) چنین نیست [که او گمان می‌کند]؛ اگر
 باز نیاید [و دست از شرارت بردارد،] قطعاً
 موی پیشانی [او] را به شدت خواهیم گرفت [و
 به سوی دوزخ خواهیم کشاند]؛
- نَاصِيَةٍ كَذِبَةٍ خَاطِئَةٍ ﴿١٦﴾
 (۱۶) موی پیشانی [همان] دروغگوی خطاکار
 را.

فَلْيَدْعُ نَادِيَهُ ﴿١٧﴾

(۱۷) پس باید هم‌مجلسانش را [به کمک] بخواند.

سَنَدْعُ الزَّبَانِيَةَ ﴿١٨﴾

(۱۸) ما [نیز] آتشبانان [دوزخ] را فرا خواهیم خواند.

كَلَّا لَا تُطَعُّهُ وَاسْجُدْ

(۱۹) چنین نیست [که او می‌پندارد]؛ هرگز او را اطاعت مکن و سجده کن، و [به الله] تقرب جوی.

وَأَقْتَرِبْ ﴿١٩﴾

سُورَةُ الْقَدْرِ

سورة قدر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ ﴿١﴾

(۱) همانا ما آن [قرآن] را در شب قدر نازل کردیم.

وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ ﴿٢﴾

(۲) و تو چه دانی شب قدر چیست؟

لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ

(۳) شب قدر، بهتر از هزار ماه است.

شَهْرٍ ﴿٣﴾

تَنْزِيلِ الْمَلَكِ وَالرُّوحِ فِيهَا

(۴) فرشتگان و روح [= جبرئیل] در آن [شب]، به فرمان پروردگارشان برای [انجام] هر کاری نازل می‌شوند.

بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِّنْ كُلِّ أَمْرٍ ﴿٤﴾

سَلَّمَ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ ﴿٥﴾

(۵) [آن شب] تا طلوع فجر، سلامت [و رحمت] است.

سُورَةُ الْبَيِّنَةِ

سورة بینه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ مُنْفَكِينَ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ ﴿١﴾

(۱) کسانی از اهل کتاب و مشرکان که کافر شدند، [از آیین کفر] دست برنمی‌دارند تا اینکه دلیل روشنی برایشان بیاید.

رَسُولٌ مِنَ اللَّهِ يَتْلُو صُحُفًا مُطَهَّرَةً ﴿٢﴾

(۲) پیامبری از سوی الله [بیاید] که صحیفه‌های پاک را بخواند.

فِيهَا كُتِبَ قِيمَةٌ ﴿٣﴾

(۳) و نوشته‌هایی استوار [و درست] در آن [صحیفه‌ها] است.

وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَةُ ﴿٤﴾

(۴) و کسانی که به آنان کتاب داده شد [از جمله یهود و نصاری] پراکنده نشدند [و اختلاف نکردند،] مگر بعد از آنکه دلیل روشن برایشان آمد.

وَمَا أَمُرُوا إِلَّا لِیَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقِيمَةِ ﴿٥﴾

(۵) و آنان فرمان نیافتند جز اینکه الله را عبادت کنند در حالی که دین [خود] را برای او خالص گردانند [و از شرک و عبادت معبودان باطل،] به توحید روی آورند؛ و نماز برپا دارند و زکات بپردازند؛ و این است آیین راستین و مستقیم.

مستقیم.

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ
الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ
جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أُولَئِكَ هُمْ
شَرُّ الْبَرِيَّةِ ﴿٦﴾

(۶) بی‌گمان، کسانی از اهل کتاب و مشرکان که کافر شدند، جاودانه در آتش جهنم خواهند ماند. آنان بدترین آفریدگان هستند.

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا
الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ
الْبَرِيَّةِ ﴿٧﴾

(۷) همانا کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، آنان بهترین آفریدگان هستند.

جَزَاءُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ
تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ
فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ
وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ حَشِيَ
رَبَّهُ ﴿٨﴾

(۸) پاداش آنان نزد پروردگارشان، باغ‌های [بهشت] جاویدان است که جویبارها از زیر [درختان] آن جاری است؛ همیشه در آن خواهند ماند؛ الله از [اعمال] آنها راضی است و آنان [نیز] از [پاداش] او راضیند؛ و این [مقام و پاداش]، برای کسی است که از پروردگارش بترسد.

سُورَةُ الزَّلْزَلَةِ

سورة زلزله

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا ﴿١﴾

(۱) هنگامی که زمین با شدیدترین تکان هایش
به لرزه درآید.

وَأُخْرِجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا ﴿٢﴾

(۲) و زمین بارهای سنگینش را بیرون ریزد.

وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا ﴿٣﴾

(۳) و انسان می گوید: «آن [= زمین] را چه
شده است؟»

يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا ﴿٤﴾

(۴) در آن روز، [زمین] تمام خبرهایش را بازگو
می کند؛

يَا أَيُّهَا رَبِّكَ أَوْحَىٰ لَهَا ﴿٥﴾

(۵) زیرا که پروردگارت به او [چنین] وحی [و
حکم] کرده است.

يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا
لِّيُرَوْا أَعْمَلَهُمْ ﴿٦﴾

(۶) در آن روز، مردم گروه گروه باز می گردند
تا [نتیجه] اعمالشان به آنان نشان داده شود.

فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا
يَرَهُ ﴿٧﴾

(۷) آنگاه هر کس به اندازه ذره ای کار نیک
انجام داده باشد، [پاداش] آن را می بیند؛

وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا
يَرَهُ ﴿٨﴾

(۸) و هر کس به اندازه ذره ای کار بد کرده
باشد، [کیفر] آن را می بیند.

سُورَةُ الْعَادِيَاتِ

سورة عاديات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

وَالْعَدِيَّتِ صَبْحًا ﴿١﴾

(۱) سوگند به اسبهای دونده که نفس زنان
[به سوی میدان جهاد] پیش می‌روند.

فَالْمُورِيَّتِ قَدْحًا ﴿٢﴾

(۲) و سوگند به اسب‌هایی که [با برخورد
سُم‌هایشان به سنگ‌ها] جرقه [آتش] ایجاد
می‌کنند.

فَالْمُغِيرَاتِ صُبْحًا ﴿٣﴾

(۳) باز سوگند به اسب‌هایی که در صبحگاهان
[بر دشمن] یورش می‌برند.

فَأَثَرُنَّ بِهِ نَقْعًا ﴿٤﴾

(۴) و در آن هنگام گرد و غبار برمی‌انگیزند.

فَوَسَطْنَ بِهِ جَمْعًا ﴿٥﴾

(۵) آنگاه در دل [سپاه دشمن] می‌تازند.

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ ﴿٦﴾

(۶) یقیناً انسان در برابر [نعمت‌های]
پروردگارش بسیار ناسپاس است،

وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ لَشَهِيدٌ ﴿٧﴾

(۷) و بی‌گمان، او [خود] بر این [ناسپاسی]
گواه است،

وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ ﴿٨﴾

(۸) و همانا او علاقه فراوانی به مال [دنیا]
دارد.

﴿أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعِثَ رَمَلٌ فِي
الْقُبُورِ﴾^٩ (۹) آیا او نمی‌داند که در آن روز، آنچه در
گورهاست، [همه زنده و] برانگیخته می‌شوند؟

﴿وَحُصِّلَ مَا فِي الصُّدُورِ﴾^{۱۰} (۱۰) و آنچه در سینه‌هاست [همه] آشکار
می‌گردد.

﴿إِنَّ رَبَّهُم بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّخَبِيرٌ﴾^{۱۱} (۱۱) یقیناً در آن روز، پروردگارشان کاملاً به
[وضع و حال] آنان آگاه است.

سُورَةُ الْقَارِعَةِ

سورة قارعه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

الْقَارِعَةُ ﴿١﴾

(۱) [آن] فروکوبنده.

مَا الْقَارِعَةُ ﴿٢﴾

(۲) [آن] فروکوبنده چیست؟

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْقَارِعَةُ ﴿٣﴾

(۳) و تو چه دانی که [آن] فروکوبنده چیست؟

يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ

(۴) روزی که مردم مانند پروانه‌های پراکنده

الْمَبْثُوثِ ﴿٤﴾

[حیران و سرگردان] خواهند بود.

وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ

(۵) و کوه‌ها مانند پشم رنگینِ حلاجی‌شده

الْمَنْفُوشِ ﴿٥﴾

خواهند شد.

فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ ﴿٦﴾

(۶) و اما هر کس که [در آن روز،] کفهٔ میزانش

سنگین باشد،

فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَّاضِيَةٍ ﴿٧﴾

(۷) [در بهشت،] در زندگی رضایت‌بخشی

خواهد بود.

وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ ﴿٨﴾

(۸) و اما هر کس که کفهٔ میزانش سبک باشد،

فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ ﴿٩﴾

(۹) [مسکن و] پناهگاهش «هاویه» است.

وَمَا أَدْرَاكَ مَا هِيَ ﴿١٠﴾

(۱۰) و تو چه دانی که آن [هاویه] چیست؟

نَارٌ حَامِيَةٌ ﴿١١﴾

(۱۱) آتشی است سوزان [و شعله‌ور].

سُورَةُ التَّكْوِيْنِ

سورة تکوین

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

به نام الله بخشنده مهربان

اَلْهٰلِكُمْ التَّكْوِيْنِ ﴿١﴾

(۱) زیاده خواهی، شما را به خود مشغول [و از یاد پروردگار غافل] ساخت

حَتّٰى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ ﴿٢﴾

(۲) تا [پایان] کارتان به گورستان رسید.

كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُوْنَ ﴿٣﴾

(۳) هرگز چنین نیست [که شما می‌پندارید]؛ به زودی خواهید دانست.

ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُوْنَ ﴿٤﴾

(۴) باز [هم] چنین نیست؛ به زودی خواهید دانست.

كَلَّا لَوْ تَعْلَمُوْنَ عِلْمَ الْيَقِيْنِ ﴿٥﴾

(۵) چنین نیست [که شما گمان می‌کنید]؛ اگر به دانش یقینی [و تردیدناپذیر، حقیقتِ قیامت را] می‌دانستید، [از زیاده‌خواهی و افتخار به اموال و فرزندانان دست برمی‌داشتید].

لَتَرَوُنَّ الْجَحِيْمَ ﴿٦﴾

(۶) سوگند که دوزخ را خواهید دید.

ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِيْنِ ﴿٧﴾

(۷) باز هم سوگند که آن را با چشم یقین خواهید دید؛

ثُمَّ لَنْسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيْمِ ﴿٨﴾

(۸) آنگاه قطعاً در آن روز، از [تمام] نعمت‌ها بازخواست خواهید شد.

﴿٨﴾

سُورَةُ الْعَصْرِ

سورة عصر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

وَالْعَصْرِ ﴿١﴾

(۱) سوگند به عصر

إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ ﴿٢﴾

(۲) که انسان در زیان است.

إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا
 الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ
 وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ ﴿٣﴾

(۳) مگر مؤمنان نیکوکاری که یکدیگر را به
 حق سفارش نموده‌اند و به شکیبایی توصیه
 کرده‌اند.

سُورَةُ الْهُمَزَةِ

سورة همزه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

وَيَلُّ لِكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٌ ﴿١﴾

(۱) وای بر هر غیبت کننده [و] عیبجوی!

الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ ﴿٢﴾

(۲) [همان] کسی که مال فراوانی گرد می آورد
و آن را بارها می شمارد.

يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ ﴿٣﴾

(۳) گمان می کند که مالش او را جاودانه
می سازد.

كَلَّا لَيُنْبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ ﴿٤﴾

(۴) هرگز چنین نیست [که او گمان می کند]؛
قطعاً در آتشِ درهم کوبنده انداخته خواهد شد.

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحُطَمَةُ ﴿٥﴾

(۵) و [ای پیامبر]، تو چه می دانی که آتشِ
درهم کوبنده چیست؟

نَارُ اللَّهِ الْمَوْقَدَةُ ﴿٦﴾

(۶) آتش برافروخته الهی است؛

الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ ﴿٧﴾

(۷) [آتش] که بر دلها چیره می گردد [و]
می سوزاند].

إِنَّهَا عَلَيْهِمْ مُّوَصَّدَةٌ ﴿٨﴾

(۸) بی گمان، آن [آتش] بر آنان بسته شده [و]
از هر سو محاصره شان کرده] است.

فِي عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ ﴿٩﴾

(۹) [افروخته] در ستونهای بلند است.

سُورَةُ الْفِيلِ

سورة فيل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ ﴿١﴾
 (۱) [ای پیامبر،] آیا ندیدی پروردگارت با
 اصحاب فیل چه کرد؟

أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ ﴿٢﴾
 (۲) آیا [فریب و] نقشه آنان را در تباهی قرار
 نداد؟

وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ ﴿٣﴾
 (۳) و پرنده‌گانی گروه‌گروه بر [سر] آنان فرستاد

تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِّن سِجِّيلٍ ﴿٤﴾
 (۴) [که] با سنگ‌گل [که در منقار و چنگال
 داشتند] آنان را سنگباران می‌کردند؛

فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ ﴿٥﴾
 (۵) و آنها را همچون کاه جویده‌شده ساخت.

سُورَةُ قُرَيْشٍ

سورة قريش

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

لِإِيلَافِ قُرَيْشٍ ﴿١﴾

(۱) برای [سپاسگزاری از] همبستگی و انس قریش،

إِلَّا فِيهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ ﴿٢﴾

(۲) [همان] همبستگی و انس آنان در سفرهای زمستانی [به یمن] و تابستانی [به شام]؛

فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ ﴿٣﴾

(۳) باید پروردگارِ خانه کعبه را عبادت کنند؛

الَّذِي أَطَعَهُمْ مِّنْ جُوعٍ

(۴) همان [پروردگاری] که آنان را از گرسنگی [رهانید، به آنان] خوراک داد و از وحشت و ترس ایمن نمود.

وَأَمَانَهُمْ مِّنْ خَوْفٍ ﴿٤﴾

سُورَةُ الْمَاعُونِ

سورة ماعون

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

أَرَعَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالذِّينِ ﴿١﴾

(۱) [ای پیامبر،] آیا کسی را که [روز] جزا را
تکذیب می کند، دیده ای؟

فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ ﴿٢﴾

(۲) او [همان] کسی است که یتیم را [با]
خشونت از خود] می راند

وَلَا يَحْضُ عَلَىٰ طَعَامِ

(۳) و [دیگران را] به اطعام مسکین تشویق
نمی کند.

الْمَسْكِينِ ﴿٣﴾

(۴) پس وای بر نمازگزاران!

فَوَيْلٌ لِّلْمُصَلِّينَ ﴿٤﴾

(۵) همان کسانی که از نمازشان غافلند
سَاهُونَ ﴿٥﴾

(۶) کسانی که خودنمایی می کنند

الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ ﴿٦﴾

(۷) و [از امانت دادن] وسایل ضروری زندگی
دریغ می ورزند.

وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ ﴿٧﴾

سُورَةُ الْكَوْثَرِ

سورة کوثر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

إِنَّا أَعْطَيْنَكَ الْكَوْثَرَ ﴿١﴾

(۱) [ای پیامبر،] به راستی که ما خیر بی‌نهایت
[از جمله رود کوثر در بهشت را] به تو عطا
کردیم؛

فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحَرْ ﴿٢﴾

(۲) پس برای پروردگارت نماز بخوان و قربانی
کن.

إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ ﴿٣﴾

(۳) بی‌تردید، دشمنت [از همه خیرات و برکات
و نام و نشان، بی‌بهره و] بُریده است.

سُورَةُ الْكَافِرُونَ

سورة کافرون

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

قُلْ يَتَّبِعُهَا الْكَافِرُونَ ﴿١﴾

(۱) [ای پیامبر،] بگو: «ای کافران،

لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ ﴿٢﴾

(۲) آنچه را که شما عبادت می‌کنید، من عبادت نمی‌کنم،

وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ ﴿٣﴾

(۳) و [نیز] آنچه را که من عبادت می‌کنم شما عبادت نمی‌کنید.

وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدْتُمْ ﴿٤﴾

(۴) و نه من عبادت‌کننده آنچه شما عبادت کرده‌اید خواهم بود؛

وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ ﴿٥﴾

(۵) و نه شما عبادت‌کننده آنچه من عبادت می‌کنم خواهید بود.

لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ ﴿٦﴾

(۶) [بنابراین] آیین شما [که آن را برای خویش ساخته‌اید] برای خودتان باد و آیین من [که الله آن را بر من فرستاده است] برای خودم».

سُورَةُ النَّصْرِ

سورة نصر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ ﴿١﴾

(۱) [ای پیامبر،] هنگامی که یاری الله و پیروزی فرا رسد [و فتح مکه رخ دهد]،

وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ

(۲) و مردم را ببینی که گروه گروه در دین الله داخل می شوند.

اللَّهِ أَفْوَاجًا ﴿٢﴾

فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَأَسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ

(۳) پس به ستایش پروردگارت تسبیح گوی و از او آمرزش بخواه؛ همانا او بسیار توبه پذیر است.

كَانَ تَوَّابًا ﴿٣﴾

سُورَةُ الْمَسَدِ

سورة مَسَد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ ﴿١﴾

(۱) بریده باد هر دو دست ابولهب و هلاک باد خودش!

مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَ مَا كَسَبَ ﴿٢﴾

(۲) مال و ثروتش و آنچه به دست آورده بود، او را بی‌نیاز نساخت [و برایش سودی نبخشید].

سَيَصْلَىٰ نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ ﴿٣﴾

(۳) به زودی به آتش شعله‌ور در خواهد آمد؛

وَأَمْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ ﴿٤﴾

(۴) و همسرش [اُمّ‌جمیل، آن] هیزم‌کش [آتش‌افروز نیز وارد آتش دوزخ می‌شود].

فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّن مَّسَدٍ ﴿٥﴾

(۵) [در حالی که] طنابی از لیفِ درخت خرما بر گردنش است.

سُورَةُ الْإِخْلَاصِ

سورة اخلاص

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ﴿١﴾

(۱) [ای پیامبر] بگو: «او الله یکتا و یگانه است.

اللَّهُ الصَّمَدُ ﴿٢﴾

(۲) الله بی نیاز است [و همه نیازمند او هستند].

لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ﴿٣﴾

(۳) نه [فرزندی] زاده و نه [از کسی] زاده شده است.

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ﴿٤﴾

(۴) و هیچ کس همانند و همتای او نبوده و نیست».

سُورَةُ الْفَلَقِ

سورة فلق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ ﴿١﴾

(۱) [ای پیامبر،] بگو: «به پروردگار سپیده‌دم
پناه می‌برم،

مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ ﴿٢﴾

(۲) از شر تمام آنچه آفریده است،

وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ ﴿٣﴾

(۳) و از شر تاریکی شب، آنگاه که همه جا را
فراگیرد،

وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ ﴿٤﴾

(۴) و از شر [زنان جادوگر] که با افسون در
گره‌ها می‌دمند.

وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ ﴿٥﴾

(۵) و از شر [هر] حسود، آنگاه که حسد ورزد».

سُورَةُ النَّاسِ

سورة ناس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ ﴿١﴾

(۱) [ای پیامبر،] بگو: «به پروردگار مردم پناه

می‌برم،

مَلِكِ النَّاسِ ﴿٢﴾

(۲) فرمانروای مردم،

إِلَهِ النَّاسِ ﴿٣﴾

(۳) معبود مردم،

مِن شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ ﴿٤﴾

(۴) از شر [شیطان] وسوسه‌گر که [به هنگام

ذکر الله،] پنهان می‌گردد؛

الَّذِي يُوسْوِسُ فِي صُدُورِ

(۵) همان [وسوسه‌گری] که در دل‌های مردم

وسوسه می‌کند؛

النَّاسِ ﴿٥﴾

مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ ﴿٦﴾

(۶) از جنیان [باشد] و [یا از] آدمیان».



بيان معاني

القرآن الكريم

باللغة الفارسية



مركز رواد الترجمة



Fa25